سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

۱۳۰

از آستارا تا استارباد

جلد سوم

شامل آثار و بناهای تاریخی مازندران غربی

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

از آستارا تا استارباد

سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

۱۳۰

از آستارا تا استارباد

مجلد سوم

شامل آثار و بناهای تاریخی

مازندران غربی

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

از این کتاب ۲۰۰۰ نسخه در چاپخانهٔ
زیبا به چاپ رسید است
شماره ثبت کتابخانهٔ ملی ۱۸۸۳ مورخ ۳۵/۱۱/۲۲

سیزدهمین نشریهٔ انجمن آثار ملی در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

سال برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

سرآغاز

بنام آفریدگار بزرگ جهان

با عرض سپاس فراوان به درگاه پروردگار یکتا و درود بسیار بر واپسین پیمبران حضرت محمد مصطفی (ص) در پرتو عنایات کریمانه و همیشگی ذات خجسته اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر مجلد سوم کتاب "از آستارا تا استاراباد" شامل اطلاعات مربوط به آثار و بناهای تاریخی قسمتهای غربی خطه مازندران به معرض انتشار و استفاده علاقمندان گذارده میشود.

همانطور که در دیباچه نخستین مجلد دوره کتاب "از آستارا تا استاراباد"(۱) اشاره نمود همه سرزمینهای واقع در جنوب دریای خزر بخشی از کشور ما و بزرگ و کانونهائی از تمدنهای باستانی ایران بشمار رفته و بواسطه وضع طبیعی و آب و هوای آن از اصول معماری ویژه ای نیز برخوردار بوده است و بهمین جهت

خواه از لحاظ پیدا شدن آثار مدفون در دل خاک که به دورانهای پیش از تاریخ یا سده های پیش از اسلام وحتّی تا چند سده بعد از اسلام ارتباط دارد وخواه از نظر بناهای تاریخی موجود از عهد اسلام حائز اهمّیت مخصوص است ودر مجلّد حاضر بشرحی که اشاره رفت اطّلاعات مربوط به آثار وابنیهٔ تاریخی نواحی غربی مازندران گردآوری وتدوین شده است ویقیناً مطالب ناشناخته فراوان دربر دارد که خوانندگان گرامی با بررسی متن کتاب بهتر چگونگی آنرا درمی یابند.

مؤلّف محترم دورهٔ " از آستارا تا استاراباد " بصورت اصولی ومنظّم نسبت به تألیف مجلّدات آن کوشش بخرج داده ومیدهد وبه ترتیبی که در مجلّدات پیشین گذشت ابتدا آثار باستانی وبناهای تاریخی قسمتهای غربی استان گیلانرا که در آن سوی سفیدرود واقع گشته است (وبنام بیه پس خوانده میشود) در نخستین مجلّد معرّفی نموده وپس از آن اینگونه آثار وابنیه را در قسمت شرقی گیلان واقع در این جانب سفیدرود (که بنام بیه پیش می نامند) مورد شناسائی وبررسی قرار داده وشرح آن در مجلّد دوّم بچاپ رسیده واینک در مجلّد حاضر نوبت به آثار وبناهای تاریخی مازندران غربی " از سامان رودخانهٔ سورخانی " (= سفید تمیش) تا کناره رود " هراز " رسیده است وطبعاً " مجلّد چهارم حاوی مطالب واطّلاعات

راجع به آثار و ابنیهٔ تاریخی مربوط به قسمتهای خاوری مازندران خواهد بود و پس از آن آثار باستانی و بناهای تاریخی سرزمین پهناور گرگان در مجلد پنجم معرفی خواهد گشت و مجلدات ششم و هفتم بدلایلی که در آغاز آن دو جلد مذکور افتاد[۲] پیش از سه مجلد اخیرالذکر به چاپ رسید و منتشر گردید.

ضمن ستایش از کوششهای همیشگی دانشمند گرامی آقای دکتر منوچهر ستوده جهت ادامه و تکمیل خدمت خطیری که بر عهده گرفته اند یادآوری این نکته را مناسب میداند که بسیاری از اطلال باستانی و آثار تاریخی مازندران همانند این گونه مکانها در گیلان و همچنین نقاطی در دشت و هامونهای گرگان به علت وضع طبیعی محل آنها از جهات گوناگون ناشناخته مانده است و آنچه بمنظور دسترسی و معرفی آنها بوسیلهٔ مؤلف دورهٔ مجلدات کنونی صورت گرفته و می گیرد رهین سرسختی و پایمردی و علاقه وی بانجام دادن چنین خدمت مهم و اساسی است و جز اینگونه عوامل انگیزه دیگری را آن یارائی نتواند بود تا عناصر دانشمند و پژوهنده را به گام نهادن در این راه دشوار وادار نماید و این معنی بیش و کم در مورد مؤلفان دیگری هم که برای تهیهٔ کتابهای مربوط به آثار فرهنگ دیرین ایران در سایر استانهای کشور با انجمن آثار ملی همکاری و همگامی بخرج میدهند صدق می کند و اساساً خدمت

به آثار تاریخی و پاسداری یادگارهای ملی و فرهنگی ایران در هر کجا و به هر حال و به هر صورت نیازمند عشق و اخلاص و ایمان در راه چنین هدفهای مقدس است به فرموده شیخ اجل سعدی :

غم عشق آمد و غمهای دگر پاک ببرد　　　سوزنی باید کز پای برآرد خاری

در پایان از همه نیکمردانی که برای پیشرفت هدف منظور ملی و علمی مؤلف ارجمند کتاب به وی و انجمن آثار ملی مساعدت و یاری فرموده اند و شادروان ارسلان خلعتبری در زمره ایشان بوده و نام شریف سایر شخصیتها هم در مقدمه کتاب آمده است صمیمانه اظهار امتنان می نماید و با امیدواری به توفیق روزافزون فرزندان مرز و بوم عزیز ایران در راه نگهبانی و خدمت به میراث فرهنگی خویش سرآغاز را پایان می بخشد و خوانندگان گرامی را به بهره مندی از متن کتاب دعوت مینماید .

بمنه و کرمه
انجمن آثار ملی

---

(۱) نشریه شماره (۷۰) انجمن آثار ملی در مرداد ماه ۱۳۴۹ (۲۵۲۹ شاهنشاهی)

(۲) نشریه های شماره ۱۱۸ و ۱۱۹ــ انجمن آثار ملی مهرماه ۱۳۵۴ (۲۵۳۴ شاهنشاهی

فهرست

مقدمه ۱—۷۹

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاك مازندران غربی به‌ترتیب سنوات هجری قمری ۷—۳۶

طرح و نمای بناهای متبرك مازندران غربی ۱۹—۲۱

خطاطان و کتیبه‌نویسان ۲۱—۲۲

نجاران و کنده‌کاران (= نقاران) ۲۲—۳۲

بنایان ۳۲—۳۴

کاشی‌کاران ۳۴—۳۵

سنگ‌تراشان ۳۵

رویگران ۳۵

گچ‌بران ۳۶

درختان کهنسال در خاك مازندران غربی ۳۷—۴۵

درختان آزاد ۳۷—۳۹

درختان بلوط (= مازو) ۳۹—۴۰

درختان پلت (= افرا) ۴۰—۴۱

درختان تادانه (= تو) ۴۱

درختان چنار ۴۱—۴۳

درختان سور (=سرو جنگلی) ٤٣
درختان سفیدار ٤٣
درختان شهر (= شمشاد) ٤٣
درختان کرزل ٤٣—٤٤
درخت کهل ٤٤
درخت گردو ٤٤
درختان لنگا (= اوجا = نارون) ٤٤—٤٥
کتابشناسی حاشیهٔ دریای مازندران ٤٧—٦٨
کتب و رسایلی که به‌زبانهای خارجی در بارهٔ نواحی و شهرهای ساحلی دریای مازندران نوشته‌اند ٤٧—٦٧
فهرست کتبی که قبل از زمان ملگونوف نویسندگان روسی در بارهٔ گیلان و مازندران و گرگان نوشته‌اند ٦٧—٦٨
اصطلاحات فنی و لغات محلی ٦٩—٧٤
منابع و مآخذی که در نوشتن این کتاب از آنها استفاده شده است ٧٥—٧٩
دنبالهٔ مجلد دوم ١
بازماندهٔ بناها و آثار تاریخی جیر ولایت اشکور سیارستاق و بالااشکور ١
امامزاده برهان در دهکدهٔ میج بالااشکور ١
بقعهٔ شاه سفیدکوه ١—٢
چشمهٔ دم‌کش در فتیج گوابراوشیان ٢
چاه عمیقی که با سنگ چیده‌اند ٢—٣
باقی بناها و آثار تاریخی اوشیان ٣
جغرافیای تاریخی و انسانی و تاریخ مازندران ٥—٣٠
طوایف و تیره‌های ساکن در مازندران ١٢—١٤

تاریخ طبرستان ۱۴–۱۷
سکه‌های طبرستان ۱۷–۲۰

بخش اول ــ تنکابن ۳۱–۹۹
۱ــ جغرافیای تاریخی تنکابن ۲۱–۲۸
۲ــ بناها و آثار تاریخی سخت‌سرو تنکابن ۲۹–۴۳
۳ــ بناها و آثار تاریخی گلیجان تنکابن ۴۴–۵۳
۴ــ بناها و آثار تاریخی خرم‌آباد تنکابن ۵۴–۶۸
۵ــ بناها و آثار تاریخی دوهزار و سه‌هزار تنکابن ۶۹–۷۸
۶ــ بناها و آثار تاریخی نشتای تنکابن ۷۹–۸۲
۷ــ بناها و آثار تاریخی لنگای تنکابن ۸۳–۹۹

بخش دوم ــ کلارستاق ۱۰۱–۱۶۲
۱ــ جغرافیای تاریخی کلارستاق ۱۰۱–۱۰۶
۲ــ بناها و آثار تاریخی دشت کلارستاق ۱۰۷–۱۱۷
۳ــ بناها وآثار تاریخی نواحی بیرون بشم کلارستاق ۱۱۸–۱۲۵
۴ــ بناها و آثار تاریخی کلاردشت کلارستاق ۱۲۶–۱۴۲
۵ــ بناها و آثار تاریخی کوهستان شرقی و غربی کلارستاق ۱۴۳–۱۶۲

بخش سوم ــ کجور ۱۶۳–۲۴۱
۱ــ مختصری از جغرافیای تاریخی کجور ۱۶۳–۱۶۶
۲ــ بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور ۱۶۷–۲۲۶
۳ــ جغرافیای دشت کجور ۲۲۷–۲۲۸
۴ــ بناها و آثار تاریخی دشت کجور ۲۲۹–۲۴۱

بخش چهارم ــ نور ۲۴۳–۳۷۶
۱ــ مختصری از جغرافیای کوهستان نور ۲۴۳–۲۴۴

۲ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان نور	۳۱۵ـ۲٤۵
۳ـ جغرافیای ترستاق نور = ترتیه‌رستاق نور	۳۱۶
٤ـ بناها و آثار تاریخی ترستاق نور	۳۲۵ـ۳۱۷
٥ـ جغرافیای تاریخی دشت نور	۳۳۱ـ۳۲٦
٦ـ بناها وآثار تاریخی ناتل‌کناردشت نور	۳۳٦ـ۳۳۲
۷ـ بناها و آثار تاریخی ناتل‌رستاق دشت نور	۳٦۰ـ۳۳۷
۸ـ بناها و آثار تاریخی میان‌بند نور	۳٦٦ـ۳٦۱
۹ـ بناها و آثار تاریخی میان‌رود پایین نور	۳٦۷
۱۰ـ بناها و آثار تاریخی لاویج نور	۳٦۸
۱۱ـ بناها وآثار تاریخی نائیج نور	۳۷٦ـ۳٦۹
بخش پنجم ــ لار قصران و بالالاریجان	٤۸۷ـ۳۷۷
۱ـ جغرافیای تاریخی لارقصران	۳۷۹ـ۳۷۷
۲ـ بناها و آثار تاریخی لارقصران	۳۹۱ـ۳۸۰
۳ـ جغرافیای تاریخی لاریجان	۳۹٤ـ۳۹۲
٤ـ بناها وآثارتاریخی‌بالالاریجان و امیری‌لاریجان	٤٦۲ـ۳۹٥
٥ـ جغرافیای طبیعی و انسانی دلارستاق	٤٦٥ـ٤٦۳
٦ـ بناها و آثار تاریخی دلارستاق	٤۸۰ـ٤٦٦
۷ـ جغرافیای طبیعی و انسانی نمارستاق	٤۸۲ـ٤۸۱
۸ـ بناها و آثار تاریخی نمارستاق	٤۸۷ـ٤۸۳
تعلیقات و اضافات	٥۰٤ـ٤۸۹
تصحیحات و تعلیقات	٥۰۹ـ٥۰٥
عکسهای بناها و آثار تاریخی مازندران غربی	۷٤۸ـ٥۱۱
فهرست نامها	۸۳۳ـ۷٤۹

خداوندا در توفیق بگشای

مقدمــه

کتابی که از زیر نظر خوانندهٔ گرامی می‌گذرد ، مجلد سوم از آستارا تا استارباد است . در این مجلد بناها و آثار تاریخی مازندران غربی از سامان رودخانهٔ سورخانی (= سفیدتمیش) تا کنارهٔ رود هراز شرح‌داده شده است و بخشهای جغرافیایی این قسمت از خاك مازندران از غرب به شرق یکی پس از دیگری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است .

ابتدادشت و شهرهای ساحلی بررسی شد و پس از رسیدن به رودخانه‌هایی که آثاری درکنارهٔآنها حدس زده‌می‌شد ، دنبالهٔرودخانه راتا سرچشمه‌های آن گرفتم و آثار قابل ذکر کناره‌های چپ‌وراست آن را بررسی کردمو دوباره به دشت آمدم .

بخشهایی که‌آثار آنها در این کتاب گنجانـده شده ، بدیـن ترتیب است .

۱ـ تنکابن شامل : سخت‌سر (= رامسر) ، جوردی (= جواهرده) که ییلاق سخت‌سر است ، جنده‌رودبار (=جنت‌رودبار) ، گلیجان، خرم‌آباد ، (=بلده = قلاگردن) ، دوهزار ، سه‌هزار ، زوار،

نشتا و لنگا .

۲ـ کلارستاق شامل : دشت کلارستاق، بیرون‌بشم ، کلاردشت ، کوهستان شرقی وغربی کلارستاق .

۳ـ کوهستان کجور شامل : پنجك‌رستاق ، کوهپر ، شهرکجور ، حومهٔ شهرکجور ، زانوس رستاق .

٤ـ دشت‌کجور شامل : کران ، چلندر ، بلدهٔ‌کجور ، علوی‌کلا ، کالج.

٥ـ کوهستان‌نور شامل : اوزرود ، کمررود ، یالورود ، بلدهٔ‌نور ، میانرودبالا ، تترستاق .

٦ـ دشت‌نور شامل : ناتل کنار ، ناتل‌رستاق ، میانرودپایین ، میان‌بند ، نائیج .

۷ـ لارقصران، بالالاریجان، امیری ، بهرستاق ، دلارستاق ، نمارستاق.
این‌دوبخش اخیریعنی دلارستاق و نمارستاق فعلا در تقسیمات جزء نور به‌حساب آمده‌اند .

آنچه اثر تاریخی در کنارهٔ راست و چپ هرازبود تالیتکوه (= بالاخیابان و پایین خیابان) شرح دادم و لیتکوه واهلم رستاق را که جزء خاك‌آمل به حساب آمده‌اند برای مجلد چهارم گذاشتم چون شرح بناهای تاریخی شهر آمل نیز در آن‌مجلد ذکر خواهد شد .

بناها و آثارتاریخی هربخش جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و شرح‌آن تاجایی‌که‌لازم به نظرمی‌رسید داده شد . بناهای محقر و ناچیز را که‌اهمیت زیادی‌نداشتند در متن‌نیاوردم و درآخر هربخش زیرعنوان «بناها و آثارتاریخی» ذکرکردم . چون امکان دارد که این بناهای بی‌اهمیت امروز ، روزی سروسامانی داشته و مدفن یکی ازبزرگان وسرشناسان محلی‌بوده که‌براثر گذشت‌زمان و فراموش‌شدن نام و نشان او به وضع موجود افتاده است .

در مدت بررسی این پهنهٔ پهناور ، راد مردانی پیدا شدند که ساعات عمر عزیز خود را صرف همراهی این بنده کرده یاوسایل‌تسهیل کار اینجانب را فراهم آورده‌اند . یادایشان در اینجا دین ایشان را بردوش من سبکتر خواهد کرد . از یکایك آنان برای همیشه متشکر و ممنونم .

آقای ارسلان خلعت‌بری که حق‌استادی نیز به‌گردن بنده‌دارند، بیش از ده نامه به خویشان و دوستان خود دراین صفحات نوشتند و این بنده را به آنان معرفی کردند . این رادمرد امروز درمیان مانیست خدایش بیامرزد و قرین رحمت کند .

آقای ابوالفضل علامه فهرست‌مفصلی از بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ شهسوار را نوشتند و محلهای آنها را نشان دادند .

آقای موسی‌صمیمی رئیس‌آموزش‌وپرورش شهسوار دستوراتی به راهنمایان تعلیماتی دادند و راه را برای بررسی اینجانب گشودند .

آقای حسین علی‌رمجی - راهنمای تعلیماتی قسمت غربی شهسوار - دوسه‌روزی این منطقه را پابه‌پای اینجانب آمدند .

آقای پرویز خان‌امیری - راهنمای تعلیماتی ناحیهٔ خرم‌آباد ودوهزار و سه هزار - در حدود یك هفته در کوه و دشت بامن همراهی کردند .

آقای غلامحسین‌خان خلعت‌بری (نصرت‌نظام) درخانهٔ خودرا برمن گشودند و پس از احضارکربلائی صفرعلی‌منتظری - دهبان‌املاك- وضع بناهای خاندان خلعت‌بری را در خرم‌آباد برای اینجانب روشن کردند .

آقای حسینعلی‌علی‌پور در بررسی بخشهای‌نشتا ولنگا همکاری داشتند .

آقای سهراب دیلمی آثار اطراف کلارآباد و چارز ویال‌بندان و

راه قدیمی پیشنبور را معرفی کردند .

آقایان کاظم زال‌رز و علی‌اصغر اسفندیاری و محمدسام در شناسائی آثار تاریخی حومهٔ چالوس و نواحی ییلاقی و کوهستان غربی کلارستاق کمکهای مفیدی کردند .

آقـای سیدعبـدالله حسینـی‌آرا ـ مسؤول سپاه دانش ادارهٔ آموزش و پرورش نوشهر ـ و آقای فیروز کیا ـ راهنمـای تعلیماتـی سپاه‌دانش ـ با اینجانب در سرما و یخبندان زمستان ۱۳۵۳ در کوه و دشت کجور همپا بودند .

آقای‌حاج‌علی روحانی رئیس محضـر شمارهٔ‌دو نوشهـر در شناسائی بخشهای جغرافیائی دشت‌کجور راهنمائیهای با ارزشی کردند .

دکتر افشین‌ستوده ـ دومین فرزند اینجانب ـ درسه سفر در سراسر دهکده‌های نورو نمارستاق یارو یاورمن بود. سفر اول ازکمربن به دهکده‌های اوزرود و کمررود و یالورود رفتیم . سفرهٔ گشادهٔ‌آقای کریم صدیق‌بهزادی دریالو رنج سفر را از خاطر ما برد . درهتر دوربین عکاسی از کار افتاد و مجبور به بازگشت شدیم .

در سفر دوم که خاطرات تلخ آن فراموش نشدنی است ، قاطری چموش که زیرپای اینجانب بود براثربرخورد به‌قاطرهای دیگر ، در نزدیکی اوز مرا به‌سختی به‌زمین‌کوبید . سرو صورت ودست راست آسیب دید . پس از گذراندن شبی‌دراز در اوز مجبور به بازگشت شدیم . پرستاریهای آقای عبدالهادی عقیلی ودلسوزیهای او در طول شب‌فراموش نشدنی است .

سفر سوم بادوست گرامی آقای امیرکاشفی ازکمربن باقاطر به‌راه‌افتادیم . در این‌سفر کاشفی‌نیزاز قاطرپرت شد و براثرآسیب‌پای‌او ازادامهٔ‌سفر منصرف شدیم و بازگشتیم .

سفر چهارم ازکمربن پس از طی دو روز راه در بلده به‌منزل

آقای خانبابا سلطانی وارد شدیم و بلده واطراف آن و ناحیهٔمیانرود بالا را بررسی کردیم و از راه‌فیول وایواونج به درهٔ نمارستاق وارد شدیم . ناحیهٔ نمارستاق را مورد مطالعه قراردادیم و خود را به کنار هراز رساندیم .

آقای نصرت‌الله سالاری معاون ادارهٔ آموزش و پرورش سولده راه را برای بررسی صفحات دشت‌نور گشودند .

آقای الیاس جعفری متصدی دفتر نمایندگی آموزش وپرورش چمستان بیش از یك‌هفته عمر خود رااز بام تاشام صرف همراهی این بنده کردند . از خداوند متعال سلامت و توفیق این افراد را مسئلت دارم .

بسیار مفتخرم که انجمن آثار ملی ، مجلد سوم ازآستارا تا استاراباد را جزء سلسله انتشارات خود به چاپ رسانید . درزمان ریاست تیمسار مرحوم سپهبد آق‌اولی‌رحمه‌الله‌رحمةواسعه ، انجمن به فکرافتاد که کتبی دربارهٔآثار تاریخی موجود ایران بنویسد و این کار را میان افراد مختلف‌تقسیم کرد . قرعهٔبررسی آثار تاریخی حاشیهٔ دریای خزر را به‌نام اینجانب زدند .

تاکنون پنج مجلد از کتاب آستارا تا استاراباد به ترتیب زیر به چاپ رسیده است :

۱ــ مجلد اول شامل آثار تاریخی گیلان بیه‌پس .
۲ــ مجلد دوم شامل‌آثار تاریخی گیلان‌بیه‌پیش .
۳ــ مجلد سوم شامل آثار تاریخی مازندران غربی .
٤ــ مجلد ششم شامل اسناد تاریخی گرگان .
٥ــ مجلد هفتم شامل اسناد تاریخی گرگان .

امیداست مجلدات چهارم و پنجم که‌دربارهٔ آثار تاریخی مازندران شرقی و گرگان است در آتیهٔ نزدیکی به چاپ برسد .

از دوست همراه و رفیق موافق آقای مسعود گلزاری که در یکی از سفرهای کوهستان کجور وناحیهٔ کلارستاق و سفر دیگری در لاریجان قدم به‌قدم همراه من بودند وعکسهای زیبایی از این نقاط برداشته‌اند ، تشکر می‌کنم . کار چاپ این‌کتاب نیز به‌عهدهٔ ایشان بود و چنانکه از صفحات آن پیداست به‌خوبی‌ازعهده برآمده‌اند .

از کارکنان چاپخانهٔزیبا که‌دقت کافی درچاپ این کتاب کرده‌اند ممنون و متشکرم .

امید است دعای خیر من بدرقهٔراه کسانی باشد که در راه گسترش دانش سعی و کوشش دارند . خداوند چنین کسان را تنها نخواهد گذاشت و نظرلطف خود را از ایشان دریغ‌نخواهد داشت .

منوچهر ستوده

اول امرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

مطابق ۱۳۵۵ شمسی و۱۳۹۶ هجری قمری

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاک مازندران غربی
به ترتیب سنوات هجری قمری

بناها و آثارمورخ مازندران‌غربی‌زیاد قدیمی نیست . قدیمیترین آنها در ورودی بقعهٔ سیدابوالقاسم پسرالمؤیدبالله در دهکدهٔ جزما (سیدابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آباد تنکابن است که تاریخ آن به‌سال ۷۰۶ قمری می‌رسد و ازعمر آن ۶۹۰سال گذشته است . متأسفانه در سال ۱۳۵۳ شمسی که اینجانب مشغول بررسی این صفحات بودم با کمك‌متولی‌یك‌لنگه آن رادرهم شکسته‌ویکی‌دوشمسهٔ آن را به غارت برده بودند .

در ورودی مقبرهٔ پلاسید در سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر)مورخ ۷۴۳ چنانکه درمتن همین‌کتاب حدس زده‌ام مربوط به مقبرهٔ او نیست وازمحل دیگری بدینجا نقل شده است . زیرا که صندوق این مقبره مورخ ۹۵۱ هجری قمری است . آثار و بناهای مورخ دیگر متعلق به قرن نهم و دهم هجری و قرون بعد درمازندران غربی‌به‌نظر رسید که فهرست آنها به ترتیب سنوات به‌قرارزیر است :

۱ـ تاریخ درورودی بقعهٔ سیدابوالقاسم در دهکدهٔ جزما(سیدابوالقاسم) دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص۷۵) ۷۰۶ هـ . ق .

۲ـ تاریخ اتمام در ورودی مقبرهٔ پلاسید در ساداتمحلهٔ سختسر (رامسر) تنکابن (ص۳۶) ۷۴۳ هـ . ق .
۳ـ تاریخ صندوق طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹۳) ربیع‌الاخر ۸۰۴ هـ . ق .
۴ـ تاریخ در ورودی بقعهٔسلطان‌محمدکیادبیر صالحانی در صالحان کجور (ص ۲۰۱) محرم‌الحرام ۸۲۰ هـ . ق
۵ـ تاریخ صندوق امامزاده احمدرضا در لاسم بالالاریجان (ص۴۰۹) ربیع‌الاول ۸۲۱ هـ . ق .
۶ـ تاریخ کتیبهٔ نمای بیرونی بنای طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹۶) ۸۲۸ هـ . ق .
۷ـ تاریخ اتمام نمای خارج بنای طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹۶ و ۱۹۷) ۸۲۹ هـ . ق .
۸ـ تاریخ ختم بنای شاه‌بالو به‌دستور ملک‌کیومرث‌بن بیستون (ص۳۴۶) ۸۴۰ هـ . ق .
۹ـ تاریخ کتیبهٔ‌پیت‌حمام‌سر مقابل قلعهٔ‌گلپیر (ص ۳۰۱) ۸۴۸هـ.ق.
۱۰ـ تاریخ در ورودی بقعهٔ طاهر و مطهر درهزارخال کجور(ص۱۸۹) جمادی‌الاولی ۸۴۹ هـ . ق .
۱۱ـ تاریخ درورودی‌بقعهٔ امامزاده ابراهیم در تیرساتترستاق (ص۳۲۱) ۸۴۹ هـ . ق .
۱۲ـ تاریخ‌اتمام‌بقعهٔ‌جمشید کیاسلطان در المده کجور به دستور ملک‌کیومرث (ص ۲۴۰) ۸۵۱ هـ . ق .
۱۳ـ تاریخ‌صندوق‌مرقدملک‌کیومرث‌استندار (ص ۱۹۵) ۸۵۸هـ.ق.
۱۴ـ تاریخ صندوق مرقد درویش‌تاج‌الدین حسن‌ولی درنیاك (ص۴۲۳) محرم ۸۶۰ هـ . ق .
۱۵ـ تاریخ یادگاری شخصی نامعلوم بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر دراراضی

ناسنگ لاشك‌کجور (ص۲۱۲)   ذی‌قعده ۸۶۰ ﻫ . ق .

۱۶- تاریخ یادگاری ولی‌الدین دربقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ لاشك کجور (ص۲۱۱)   ۸۶۴ ﻫ . ق .

۱۷- تاریخ در ورودی بقعهٔدرویش تاج‌الدین حسن‌ولی درنیاك(ص۴۲۲) ۸۶۶ ﻫ . ق .

۱۸- تاریخ یادگاری قطب‌الدین‌بن شیخ‌نورالدین شاه‌رستم دریاباری دربقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك کجور (ص ۲۱۱) ۸۷۰ ﻫ . ق .

۱۹- درورودی‌بقعهٔ سلطان حاجی که فعلا درورودی مرقد سلطان شهاب‌الدین است (ص ۴۷۵)   ۸۷۴ ﻫ . ق .

۲۰-تاریخ‌سنگ‌قبر شمس‌الدین‌بن حسام‌توپا در گورستان الیت‌کوهستان غربی کلارستاق (ص ۱۴۸)   ۸۷۴ ﻫ . ق .

۲۱- تاریخ اتمام درورودی‌مسجد ابابکرعلی‌در دهکدهٔکلا ازدهکده‌های میانرود بالای نور (ص۳۰۸)   شوال ۸۷۷ ﻫ . ق .

۲۲- تاریخ درورودی‌مسجد متصل‌به بقعهٔامامزاده‌محمودبن موسی‌الکاظم درنایهٔنور (ص ۲۶۴)   ذی‌قعده ۸۷۷ ﻫ . ق .

۲۳- تاریخ اتمام درورودی یك‌لختی امامزاده سیدزکریا در دهکدهٔ اوزکلای اوزرودنور (ص ۲۵۹)   رمضان ۸۸۰ ﻫ . ق .

۲۴- تاریخ سنگ‌قبر کیازین‌الدین خواجه‌ابن اسکندرتاول در گورستان شاهزاده ابراهیم در دهکدهٔ صالحان کجور (ص۲۰۸) ۸۸۰ ﻫ . ق .

۲۵- تاریخ درورودی امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم‌در نایهٔ اوزرود نور (ص۲۶۲)   جمادی‌الاخری ۸۸۶ ﻫ . ق .

۲۶- تاریخ یادگاری درویش مقبولی شاعربردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك‌کجور (ص ۲۱۰)   ۸۸۶ ﻫ . ق .

۲۷ـ تاریخ درسابق امامزاده ابراهیم‌دردهکدهٔ دینان‌امیری لاریجان (ص۴۴۹) ۸۹۸ هـ . ق .

۲۸ـ تاریخ سنگ‌قبرسلیمان‌ورام‌بن حسین ورام در گورستان قدیمی دهکدهٔ الیت در کوهستان غربی کلارستاق (ص۱۴۷) ۹۰۰ هـ . ق .

۲۹ـ تاریخ اتمام درورودی امامزاده یوسف‌بن یعقوب درکلیك‌نور (ص ۲۷۶) سلخ رمضان ۹۰۰ هـ . ق .

۳۰ـ تاریخ کاشی‌کاری ازارهٔ مرقد سلطان‌شهاب‌الدین در دهکدهٔ دیلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور (صفحات ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱) ۹۰۱ ـ ۹۰۳ هـ . ق .

۳۱ـ تاریخ اتمام درورودی بقعهٔ درویش رستم در دهکدهٔاطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور (ص ۲۲۲) محرم ۹۰۴ هـ . ق .

۳۲ـ تاریخ اتمام درورودی دیگر بقعهٔدرویش‌رستم در اطاق‌سرای زانوس رستاق‌کجور (ص ۲۲۴) رمضان ۹۰۴ هـ . ق .

۳۳ـ تاریخ منبرسنگی مصلای دهکدهٔ صالحان کجور (ص ۲۰۷) محرم ۹۰۷ هـ . ق .

۳۴ـ تاریخ اتمام صندوق مرقد امامزاده محمود معروف به غریب‌آقا در دهکدهٔ تیرساتنرستاق‌نور (ص ۳۲۲) ۹۰۹ هـ . ق .

۳۵ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده یحیی‌بن موسی‌بن جعفر در دهکدهٔ نوای بالالاریجان (ص ۴۲۶) ۹۱۹ هـ . ق .

۳۶ـ تاریخ یادگاری درویش عمادالدین‌بن درویش‌احمد نائینی‌بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك‌کجور (ص۲۱۱) شوال ۹۲۰ هـ . ق .

۳۷ـ تاریخ اتمام صندوق درویش‌الیاس درآس‌تنگهٔ شونادشت لاریجان (ص ۴۴۵) ۹۲۰ هـ . ق .

۳۸ـ تاریخ اتمام درکفش‌کن امامزاده‌محمد و امامزاده ابراهیم دردهکدهٔ هتریالورود نور (ص ۲۸۸)   ۹۲۰ هـ . ق .

۳۹ـ تاریخ اتمام در ورودی بقعهٔ امامزاده‌موسی‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم دردهکدهٔ اوز ازدهکده‌های اوزرودنور (ص ۲۵۸)   ۹۲۳ هـ . ق .

۴۰ـ تاریخ‌اتمام‌صندوق مرقدبی‌بی‌خانم دردهکدهٔ نسل‌نمارستاق‌نور (ص ۴۸۶)   ۹۲۶ هـ . ق .

۴۱ـ تاریخ اتمام قبهٔ‌مسین گنبد امامزاده محمد و امامزاده ابراهیم در دهکدهٔ هتریالورودنور (ص ۲۸۹)   رجب ۹۲۶ هـ . ق .

۴۲ـ تاریخ‌اتمام دروردی بقعهٔ سلطان ابابکر درکلااز دهکده‌های میانرود بالای‌نور (ص ۳۰۷)   رمضان ۹۲۷ هـ . ق .

۴۳ـ تاریخ‌اتمام در ورودی بقعهٔ‌امامزاده جعفربن امام‌علی‌النقی دردهکدهٔ انگرود اوزرودنور (ص ۲۶۹)   شعبان ۹۳۳ هـ . ق .

۴۴ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده جعفربن امام‌علی‌النقی در انگرود اوزرود نور (ص ۲۶۹)   ذی‌الحجه ۹۳۴ هـ . ق .

۴۵ـ تاریخ اتمام‌درورودی‌امامزاده‌محمدوامامزاده ابراهیم درهتریالورود نور (ص ۲۸۹)   غره ذی‌قعده ۹۳۹ هـ . ق .

۴۶ـ تاریخ دروردی سابق سلطان ابابکر در دهکدهٔ‌کلا از دهکده‌های میانرودبالای‌نورکه‌فعلا درانباربقعهٔ است(ص۳۰۸)   رجب ۹۴۳ هـ . ق .

۴۷ـ تاریخ یادگاری شیخ‌حسین‌بن شیخ‌عزالدین دریاه‌باری معروف به لارجانی در بقعهٔ‌درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك‌کجور (ص ۲۱۱)   ۹۵۰ هـ . ق .

۴۸ـ تاریخ صندوق مقبرهٔ سلطان ابابکر در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور (ص ۳۰۵)   ۹۵۰ هـ . ق .

۴۹ـ تاریخ صندوق مقبرهٔ پلاسید درسادات‌محلهٔ رامسر (ص ۳۶)
۹۵۱ هـ . ق .

۵۰ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌سیدحسین‌دردهکدهٔ تازه‌آباد
سرراه اسپچین به‌ساقی‌کلایه (ص ۹۳) جمادی‌الاخر ۹۵۸
هـ . ق .

۵۱ـ تاریخ اتمام‌صندوق‌مرقدسیدسعدین در یاسل‌نور (ص ۲۷۳)
محرم ۹۶۰ هـ . ق .

۵۲ـ تاریخ اتمام صندوق مرقدسید محمدکیا دبیرصالحانی درصالحان
کجور (ص ۲۰۳) ذی‌الحجه ۹۶۴ هـ . ق .

۵۳ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده ابراهیم در دهکدهٔ‌تیرساتترستاق‌نور
(ص ۳۲۰) ۹۶۸ هـ . ق .

۵۴ـ تاریخ اتمام‌بنا ودرورودی امامزاده هفت‌تنان در هفت‌تنان بهرستاق
لاریجان (ص ۴۵۵) ذی‌الحجهٔ ۹۷۰ هـ . ق .

۵۵ـ تاریخ اتمام صندوق مقبرهٔ امامزاده انوشیروان در سراسب‌کمررود
نور (ص ۲۸۴) ربیع‌الثانی ۹۷۵ هـ . ق .

۵۶ـ تاریخ اتمام‌بنای‌بقعهٔ درویش‌رستم‌ودرویش شهراگیم دراطاق‌سرای
زانوس کجور (ص ۲۲۵) صفر ۹۷۸ هـ . ق .

۵۷ـ تاریخ سنگ‌قبر قاهرعلی‌بیگ غجرچاوشلو در مسجد جامع‌بلدهٔ نور
محرم ۹۷۹ هـ . ق .

۵۸ـ تاریخ اتمام درورودی‌دیگر امامزاده هفت‌تنان در دهکدهٔ هفت‌تنان
بهرستاق لاریجان (ص ۴۶۵) ۹۸۱ هـ . ق .

۵۹ـ تاریخ یادگاری سیدملک‌جان بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر دراراضی
ناسنگ لاشک‌کجور (ص ۲۱۲) جمادی‌الاولی ۱۰۱۷ هـ.ق.

۶۰ـ تاریخ یادگاری محمدخیاط بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی
ناسنگ لاشک‌کجور (ص ۲۱۲) ۱۰۱۸ هـ . ق .

۶۱- تاریخ سنگ‌قبر سیدصالح‌طاج (ظاهراً : کاج)بن ملك‌مظفر در گورستان خالدکیاسلطان درمناچیرکلای علوی کـلای کجور (ص ۲۳۸)   ربیع‌الاخر ۱۰۲۸ هـ . ق .

۶۲- تاریخ اتمام دوروودی امامزاده رضا درکچل‌ده میانرود سفلای نور (ص ۳۴۷)   ربیع‌الاول ۱۰۲۹ هـ . ق .

۶۳- تاریخ اتمام پل شاه‌عباسی درپلوربالالاریجان (ص ۴۰۵)   ۱۰۳۴ هـ . ق.

۶۴- تاریخ تحریرسند مبایعه یافته‌شده در کنـدلوس میخساز کجـور (ص ۲۱۷ و ۲۱۸)   ۱۰۳۶ هـ . ق .

۶۵- ماده تاریخ تجدید بنای دزگامزگتی دردهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۲)   ۱۰۴۵ هـ . ق .

۶۶- تاریخ سنگ‌قبر آخوند . . . بن‌شیخ‌مراد ملاآقا برسرراه دلیربه الیت از دهکده‌های کوهستان کلارستاق (ص ۱۴۶)   ۱۰۷۰ هـ . ق .

۶۷- تاریخ سنگ‌قبرفخرالدین‌بن عبدالهادی رستمداردردهکدهٔ جورکلاك اوزرود نور (ص۲۳۵)   ۱۰۷۷ هـ . ق .

۶۸- تاریخ سنگ‌قبر زرینکمر ولدمظفرباغبان وپری‌بنت حسین‌کمانگر در امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم در دویلات میانرودنـور (ص ۳۰۰)   ذوالحجه ۱۰۷۸ هـ . ق .

۶۹- تاریخ سنگ‌قبرتام‌آور انگریج‌بن محمد در اراضی قلاکوتی‌نسن از دهکده‌های اوزرودنور (ص ۲۴۸)   محرم ۱۰۹۳ هـ . ق .

۷۰- تـاریخ سنگ‌قبر درویش مرزا بن زرینکمر در امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم در دویلات میانرودنور (ص ۳۰۰)   ۱۱۰۱ هـ . ق .

۷۱- تاریخ سنگ‌قبر درویش شاهبیك‌بن زرینکمر درامامزاده محمودبن

موسی‌الکاظم در دویلات میانرود نور (ص ۳۰۰) ۱۱۰۱ ه . ق .

۷۲- تاریخ‌اتمام‌صندوق مقبرهٔ شیخ‌احمد نوری در بلدهٔنور (ص ۲۹۱) ذوالحجه ۱۱۰۲ ه . ق .

۷۳- تاریخ لوحه‌ای‌چوبین که‌سنگ‌قبردرویش گرشاسب‌بن‌درویش‌محمد دربقعهٔ سید سعدین در یاسل‌اوزرود نور (ص ۲۷٤) ۱۱۰۹ ه . ق .

۷٤- تاریخ زیارتنامه‌ای برسنگ پادزهر دربقعهٔ امامزاده سیدزکریا در اوزکلای اوزرودنور (ص ۲٦۱) ۱۱۲۷ ه . ق .

۷۵- تاریخ سنگ‌قبر قاسمعلی‌پیج ولدمحمدجعفر در گورستان‌نسن از دهکده‌های اوزرود نور (ص ۲٤۹) ۱۱۳۱ ه . ق .

۷٦- تاریخ سنگ‌قبر آخوندملامحمدزمان در دهکدهٔ جورکلاك اوزرود نور (ص ۲۵۳) ۱۱۵۰ ه . ق .

۷۷- تاریخ سنگ‌قبر آخوندملاعزیزبن درویش شرف‌الدین در جورکلاك اوزرود نور (ص ۲۵۳) ربیع‌الاول ۱۱۵٦ ه . ق .

۷۸- تاریخ سنگ‌قبر علی‌نقی‌ابن کربلائی محمدلطیف بابوکر (ص ۳٤۲) ۱۱۷۷ ه . ق .

۷۹- تاریخ سنگ‌قبر حوا بنت‌محمدباقر انگرودی در گورستان نسن از دهکده‌های اوزرود نور (ص ۲٤۹) ۱۱۸٤ ه . ق .

۸۰- تاریخ اتمام صندوق امامزاده‌ابراهیم دردهکدهٔ دینان‌امیری‌لاریجان (ص ٤۵۰) ۱۲۰٤ ه . ق .

۸۱- تاریخ سنگ‌قبر آقامیرمحمدحسین در گورستان مقبرهٔ پلاسید در سادات‌محلهٔ سخت‌سر(رامسر)تنکابن (ص۳۷) ۱۲۰٦ه.ق.

۸۲- تاریخ سنگ‌قبر رمضانعلی ولدحیدر در گورستان امامزاده‌ابوالقاسم دردهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آبادتنکابن

(ص ۷۵)   ۱۲۰۹ هـ . ق .

۸۳- تاریخ سنگ‌قبر امیرخان‌بن شاه‌قباد خـواجه‌وند در گـورستان شاهزاده حسین درفیروزکلای پایین‌کجور (ص۱۸۰)   ۱۲۱٤ هـ . ق .

۸٤- تاریخ اتمام منبرامامزاده احمدرضا در دهکدهٔ لاسم بالالاریجان (ص ٤۱۰)   ۱۲۱۵ هـ . ق .

۸۵- تاریخ‌دروروی بقعهٔ‌امامزاده‌یحیی درنوآاز دهکده‌های بالالاریجان (ص ٤۲٦)   ۱۲۱۷ هـ . ق .

۸٦- تاریخ سنگ قبر حاجی الله‌ویردی در گورستان نسن از دهکده‌های اوزرودنور (ص ۲٤۹)   ۱۲۲۰ هـ . ق .

۸۷- تاریخ اتمام درورودی بقعهٔ‌امامزاده ابـراهیـم در دهکـدهٔ‌دینان امیری‌لاریجان (ص ٤٤۹)   ذی‌القعده ۱۲۲۳ هـ . ق .

۸۸- تاریخ سنگ قبر آقاحسین ولد آقاصالح در گورستان امامـزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده‌ابوالقاسم) دوهزارخرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵)   ۱۲۲٤ هـ . ق .

۸۹- تاریخ سنگ‌قبرتیمورخان ولد شیرمحمدخان‌خواجه‌وند فیروزکلائی (ص ۱۸۰)   ۱۲۲٤ هـ . ق .

۹۰- تاریخ سنگ‌قبر علی‌اکبربن عباس‌رکا در الامل‌کوهستان‌کلارستاق (ص ۱۵۲)   ۱۲۲۷ هـ . ق .

۹۱- تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق‌سخت‌سر (رامسر)تنکابن (ص ۳۳)   ۱۲۳۰ هـ . ق .

۹۲- تاریخ‌اتمام‌منبر امامزاده عبدالمناف در دهکدهٔ عبدالمناف‌نمارستاق نور (ص ٤۸۵)   ۱۲۳۰ هـ . ق .

۹۳- تاریخ سنگ‌قبر محمدنصیر سلطان‌بن کاکاسلطان خواجه‌وند در

فیروزکلای پایین کجور (ص ۱۸۱) ۱۲۴۰ ه . ق .

۹۴- تاریخ سنگ‌قبر نامدارخان‌بن کاکاسلطان خواجه‌وند درفیروزکلای پایین‌کجور (ص ۱۸۱) ۱۲۴۲ ه . ق .

۹۵- تاریخ سنگ‌قبر خدیجه‌بانو بنت‌کربلائی آقابابادرگورستان‌بقعهٔ‌آقا سیدابراهیم در دهکدهٔ کرات‌کوتی گلیجان تنکابن (ص ۴۹) ۱۲۴۵ ه . ق .

۹۶- تاریخ‌سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌آقا سیدابراهیم در دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن (ص۴۹) ۱۲۶۰ ه . ق .

۹۷- تاریخ سنگ‌قبر کبریاخاتون بنت‌استادعلی‌خان ملقب به‌سیف دربقعهٔ چهارسی پیمد میان‌بندنور (ص۳۶۲) رمضان ۱۲۶۱ ه.ق.

۹۸- تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۲۶۷ ه . ق .

۹۹- تاریخ سنگ قبری در گورستان مسجد حاجی میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۴) ۱۲۶۷ ه . ق .

۱۰۰- تاریخ سنگ‌قبری درگورستان‌دزگامزگتی در جوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۲۶۹ ه . ق .

۱۰۱- تاریخ سنگ‌قبری درگورستان دزگامزگتی درجوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۲۷۰ ه . ق .

۱۰۲- تاریخ سنگ‌قبر رمضان ولدغلامعلی در گورستان بقعهٔ آقاسید ابراهیم در دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن (ص ۴۹) ۱۲۷۲ ه . ق .

۱۰۳- تاریخ سنگ‌قبری درگورستان مسجد حاجی‌میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۴)

۱۲۷۲ هـ . ق .

۱۰۴ـ تاریخ صندوقی‌چوبین برای‌مواد خواربار درنوجمه (ص ۳۷۵) ۱۲۷۲ هـ . ق .

۱۰۵ـ تاریخ سنگ‌قبر شاه‌نظر ولدالهی جوربند لنگا در گورستان بقعهٔ ایوب‌پیغمبر درده‌کدهٔ‌بندبن‌لنگای‌تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷۳ هـ . ق .

۱۰۶ـ تاریخ سنگ‌قبر مهربانو بنت علی‌رضا درگورستان بقعهٔ‌ایوب‌پیغمبر در دهکدهٔ بندبن لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷۴ هـ . ق .

۱۰۷ـ تاریخ سنگ‌قبر زینب‌بنت کربلائی‌حاجی در گورستان بقعهٔ ایوب پیغمبر در دهکدهٔ بندبن لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷۶ هـ . ق .

۱۰۸ـ تاریخ سنگ‌قبرشهربانو بنت‌آقامحمدبیگ درگورستان دزگامزگتی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص۳۳) ۱۲۷۷ هـ . ق .

۱۰۹ـ تاریخ سنگ‌قبر عباسقلی ولدحبیب‌الله‌خان در گورستان امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۱۲۷۸ هـ . ق .

۱۱۰ـ تاریخ اتمام بنای تکیهٔ یوش از دهکده‌های اوزرودنور به‌امر محمداسماعیل‌خان نوری وکیل‌الملك (ص ۲۷۱ و ۲۷۲) ذی‌الحجة‌الحرام ۱۲۸۰ هـ . ق .

۱۱۱ـ تاریخ اتمام ضریح بقعهٔ امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم درنایهٔ اوزرود نور (ص ۲۶۳) ۱۲۸۸ هـ . ق .

۱۱۲ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌طاهر ومطهر درهزارخال‌کجور (ص ۱۹۹) ۱۲۹۰ هـ . ق .

۱۱۳ـ تاریخ کتیبهٔ شکل‌شاه در تنگ‌بریده در لاریجان (ص ۴۵۳)

۱۲۹۵ هـ . ق .

۱۱۴ــ تاریخ سنگ‌قبرعسکر ولدمحمدجردورونی درگورستان سیدالوافی درکلارآباد لنگای تنکابن (ص ۹۶) ۱۲۹۵ هـ . ق .

۱۱۵ــ تاریخ اتمام نجاری بنای امامزاده بلال‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم درنانواکلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور (ص۳۵۱) ۱۲۹۸ هـ . ق .

۱۱۶ــ تاریخ اتمام در ورودی امامزاده‌قاسم در دهکدهٔ پایین و از ناتل‌رستاق دشت‌نور (ص ۳۴۰) جمادی‌الاخری ۱۲۹۹ هـ . ق .

۱۱۷ــ تاریخ اتمام در ورودی شاه‌رضاکیاسلطان در گورستان قدیمی ناتل از دهکده‌های ناتل‌کنار نور (ص ۳۵۶) ۱۳۰۱ هـ . ق .

۱۱۸ــ تاریخ تعمیرامامزاده سیدزکریا در دهکدهٔ اوزکلای اوزرود نور (ص ۲۵۹) ۱۳۰۲ هـ . ق .

۱۱۹ــ تاریخ‌تعمیر گنبدطاهر ومطهر دردهکدهٔهزارخال کجور(ص۱۹۸) ۱۳۰۴ هـ . ق .

۱۲۰ــ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔطاهر ومطهر درهزارخال‌کجور (ص ۱۹۹) ۱۳۰۹ هـ . ق .

۱۲۱ــ تاریخ سنگ‌قبر شیخ‌میرزابابا ولد مرحوم ابوالفضل درگورستان امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم)دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۹) ۱۳۱۲ هـ . ق .

۱۲۲ــ تاریخ سنگ‌قبر غلامحسین‌بن نوروزعلی‌بیگ‌اسکی درمسجدغربی بقعهٔ سلطان‌سیدمحمد قرشی درامامزاده سرگزنگ بالالاریجان (ص ۴۳۷) ۱۳۱۳ هـ . ق .

۱۲۳ــ تاریخ درورودی‌امامزاده صالح‌در سوردار میان‌بندنور (ص۳۶۶) شوال ۱۳۲۰ هـ . ق .

۱۲٤ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده قاسم در زوات دشت کلارستاق (ص ۱۰۸) ۱۳۲۱ هـ . ق .

۱۲۵ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان مسجدحاجی‌میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳٤) ۱۳۲۲ هـ . ق .

۱۲۶ـ تاریخ سنگ‌قبری درگورستان دزگامزگتی درجوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۳۲۲ هـ . ق .

۱۲۷ـ تاریخ سنگ‌قبر شیخ‌محمدعلی گزانی در مسجدشرقی‌بقعهٔ‌سلطان سیدمحمد قرشی درامامزاده سرگزنگ بالالاریجان (ص ٤۳۸) ۱۳۲۷ هـ . ق .

۱۲۸ـ سنگ‌قبری در گورستان مسجدحاجی‌میرزا عبدالباقی درجوردی (جواهرده)ییلاق سخت‌سر (رامسر)تنکابن (ص ۳٤) ۱۳۲۹ هـ . ق .

۱۲۹ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در جوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۳۲۹ هـ . ق .

۱۳۰ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده قاسم در زوات‌دشت کلارستاق (ص ۱۰۸) ۱۳۳۵ هـ . ق .

۱۳۱ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده‌قاسم درزوات دشت کلارستاق (ص ۱۰۸) ۱۳۳۶ هـ . ق .

۱۳۲ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان اطراف امامزاده قاسم در زوات دشت‌کلارستاق (ص ۱۰۸) ۱۳۳۸ هـ . ق .

طرح و نمای بناهای متبرك مازندران غربی

طرح بناهای متبرك درقسمتی از خاك مازندران غربی تقریباً همانند بناهای متبرك گیلان ازاطاقی چهارگوشه یامستطیل شکل‌تشکیل

شده است . در این قسمت از خاك‌مازندران از حدقدیمی این سرزمین که‌رودخانهٔ سورخانی یا سفید تمیش است تاسامان کلارستاق به بناهایی برمی‌خوریم که طرح‌ونمای آنها یابناهایی که‌یادآور شدیم اختلاف دارد. این‌بناها تحت تأثیر طرح‌ونمای بناهای متبرك خاك شرقی مازندران است‌که معمولا میلهای‌مدوریاشش‌ضلعی یاهشت‌ضلعی است . از آنهااست بقاع متبرك‌وبنای امامزاده‌های زیر :

۱ــ بقعهٔ سیدابراهیم نزدیك دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن که طرح‌ونمای خارجی آن مدور است (ص ٤٨) .

۲ــ بقعهٔ سیدمحمد دردهکدهٔ زوات ازبلوك‌دشت کلارستاق که نه‌ترك است (ص ۱۰۷) .

۳ــ بقعهٔ‌حمزه‌رضا در دهکدهٔ کوشك سرای‌چالوس که طرح‌ونمای آن هشت‌ضلعی است (ص ۱۱٦) .

٤ــ امامزاده خلیل‌درسعدآباد بیرون‌بشم کلارستاق که‌طرح ونمای اصلی آن‌چهارگوشه است‌وبامی کلاه‌درویشی به‌شکل‌منشورمثمن‌القاعده دارد (ص ۱۱۸) .

۵ــ بقعهٔ آقاعبدالرضا دردهکدهٔ پردنگون بیرون‌بشم کلارستاق که‌طرح ونمای آن شش‌ضلعی است (ص ۱۱۹) .

٦ــ بقعهٔ سیدمحمد دردهکدهٔ گویتر بیرون‌بشم که‌نمای آن چهارگوشه است و بامی کلاه‌درویشی به‌شکل هرم مثمن‌القاعده دارد ص(۱۲۳) .

۷ــ امامزاده زکریا در دهکدهٔ شکرکوه کلاردشت که‌طرح ونمای آن هشت‌ضلعی است (ص ۱۳۲) .

۸ــ بقعهٔ فضل‌وفاضل برسر کوه‌زردك‌درجنوب‌دهکدهٔ فشکورکوهستان کلارستاق که طرح آن چهارگوشه است و گنبدی مدور دارد (ص ۱٤۵) .

۹ـ بقعهٔ امامزاده اساعیل در دهکدهٔالامل کوهستان کلارستاق که طرح و نمای آن هشت‌ضلعی است (ص ۱۵۱) .

از ساحل راست رودخانهٔ چالوس که حدفاصل ناحیهٔ کجور و کلارستاق است ، طرح‌ونمای عمومی بناهای متبرك عوض می‌شود و هرچه به جانب شرق مازندران می‌رویم بیشتر به‌بناهای چهارضلعی و شش‌ضلعی وهشت ضلعی بابامهای کلاه‌درویشی برمی‌خوریم و ازکنارهٔ راست رودخانهٔ هراز به جانب شرق تقریباًطرح تمام‌بقاع متبرك هشت ضلعی یا شش‌ضلعی‌است . شاید بقعهٔشاه‌بالو در آهودشت ناتل‌رستاق که درزمان ملك‌کیومرث در سال ۸٤۰ قمری ساخته‌شده و بقعهٔشیخ‌سلطان‌ـ احمد در بلدهٔنوررابتوان نمونه‌های زیبا و کامل این طرح درخـاك مازندران غربی دانست .

برای تزیین این بناها هنرمندان بسیاری سالها به‌کار مشغـول بوده‌اند و به کنده‌کاری درها و صندوقهای مرقدها یاکاشی‌کـاری و گچ‌بری جدارداخلی بناها ونوشتن‌کتیبه‌برجدارهای خارجی‌پرداخته‌اند. دراینجا نامهای‌ایشان رایادآور می‌شویم و به‌ذکر هنر هریك می‌پردازیم.

خطاطان و کتیبه نویسان

۱ـ محمودبن نجیب رستمداری‌درسال ۸۰٤ قمری کتیبهٔ صندوق طاهرو مطهر را در هزارخال کجور نوشته است (ص ۱۹۳) و هموست که کتیبه‌های آجری نمای خارجی این بقعه را درسال ۸۲۹قمری تحریر کرده است (ص ۱۹٦) .

۲ـ گودرز در سال ۹۰٤ قمری کتیبه‌های در ورودی درویش‌رستم و درویش شهراگیم را دراطاق‌سرای زانوس کجور نوشته است (ص ۲۲۳) .

۳ـ حسین بن عباس در سال ۹۵۱ قمری کتیبه‌های صندوق مقبرهٔ پلاسید

رادر دهکدهٔ ساداتمحله از دهکده‌های سخت‌سر (رامسر) تنکابن نوشته است (ص ۳۶) .

۴ـ حاجی‌محمد گیلانی در سال ۹۶۴ قمری کتیبه‌های صندوق سیدمحمد کیا دبیرصالحانی را در صالحان کجور نوشته است(ص ۲۰۳).

۵ـ محمدیوسف‌بن ملاابراهیم تترستاقی در سال ۹۶۸ قمری کتیبه‌های صندوق امامزاده ابراهیم را در تیرسا از دهکده‌های تترستاق نور نوشته است (ص ۳۱۸) .

۶ـ عبدالله درسال ۱۰۲۹ قمری کتیبه‌های در ورودی بقعهٔامامزاده رضا رادر کچل‌ده میانرود سفلای‌نور نوشته است (ص ۳۴۷) .

۷ـ سلمان‌بن محمدبن ملامحمودملك ساکن قریهٔ یالو در سال ۱۲۹۸ قمری کتیبه‌های بقعهٔ امامزاده بلال‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم را در نانواکلای ناتل‌رستاق‌نور نوشته است (ص ۳۵۱) .

۸ـ رضا ولد معصومعلی‌توب در رجب ۱۳۰۱ کتیبه‌های درورودی‌بقعهٔ شاه‌رضا کیاسلطان رادر ناتل‌رستاق‌نور نوشته است (ص۳۵۶).

۹ـ محمود رستمداری نویسندهٔ کتیبهٔ نمدجوق در لاراست که‌متن کتیبهٔ آن را دستی تراشیده و ازمیان برده‌اند (ص ۳۸۸) .

۱۰ـ مشهدی‌حسین روضه‌خوان کتیبه‌های تکیهٔ نوا را در دهکدهٔ نوا از دهکده‌های بالالاریجان نوشته است (ص ۴۲۷) .

۱۱ـ خسروبن اسکندر کتیبه‌های صندوق امامزاده احمدرضا را در لاسم بالالاریجان نوشته است . تاریخ اتمام منبر این‌امامزاده سال ۱۲۱۵ قمری است . نام ایـن کاتب را اعتمادالسلطنه حسین‌بن اسکندرخوانده است (ص ۴۰۹) .

نجاران و کنده‌کاران (=نقاران)

نجاران و کنده‌کاران فراوان در صفحات دشت و کوهستان

مازندران درهای ظریف و صندوقهای مرقد پرکار ساخته‌اند . کارهای هنری ایشان تا امروز چشم شیفتگان هنررا خیره می‌کند و ازبن‌دندان به تحسین وآفرین وامی‌دارد . تنها در کوهستان نور چهارنسل از خاندانی لواسانی به نامهای محمد وعلاءالدین و خوشنام و محمود ، ازسال ۹۲۳ تا سال ۹۶۶ قمری ، به‌مدت چهل وسه سال به کار نجاری وکنده‌کاری مشغول‌بوده‌اند وکنده‌کاریهای ظریف بردرها وصندوقهای بقاع متبرك نور ازخودبه‌جای گذاشته‌اند . تاجائیکه نگارنده بررسی کرد می‌توان صندوق مرقد سلطان ابابکرکیا را دردهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور که به دست علاءالدین‌بن محمد ساخته شده ، ظریفترین‌وپرکارترین کار این‌خاندان دانست . باید به جرأت گفت که نظیر این صندوق در سایرنقاط کوهستانی ودشت مازندران غربی نیز دیده نشده است .[۱]

برای اینکه نامهای استادان نجار وکنده‌کار ضبط وثبتی پیدا کند ، در اینجا فهرستی ازنامهای ایشان را باذکر کاری که کرده‌اند می‌آوریم :

۱ـ استاد حسین‌بن حاجی‌تنهجانی در سال ۷۴۳ قمری درکنونی [۲] مقبرهٔ پلاسید را در سادات محلهٔ سخت‌سر (رامسر) تنکابن ساخته است (ص ۳۶) .

۲ـ فرهادبن استاد رستم خلیل‌المحلی در سال ۷۸۲ صندوق بقعهٔهادی کیا را در حسن‌کیف‌مرکز کلاردشت ساخته است (ص ۱۴۰).

۱ـ شایدبتوان صندوق مرقد طاهرومطهر وصندوق‌گورملك‌کیومرث را در هزارخال کجور تا اندازه‌ای نظیر این صندوق دانست .

۲ـ ظاهراً این در برای این‌بقعه ساخته نشده است .

۳ـ استاد محمدبن‌الحسین‌النجار معروف به کیاکردی ولایت رودی [1] در سال ۸۰٤ صندوق مرقد طاهرومطهر را در هزارخال کجور ساخته است (ص ۱۹۳) .

٤ـ محمدعلی نجار در سال ۸۲۱ صندوق امامزاده احمدرضا را درلاسم بالالاریجان ساخته است (ص ٤۰۹) .

٥ـ حسین‌نجار لواسانی در سال ۸۷٤ در ورودی‌سلطان حاجی را در دلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور ساخته است (ص ٤۷٥) .

٦ـ محمدشاه نجار لارجانی در سال ۸۷٤ قمری در ورودی دیگر بقعهٔ سلطان حاجی را دردهکدهٔ دلا از دهکده‌های دلارستاق نور ساخته است (ص ٤۷٥) .

۷ـ محمدبن حسین‌کیاکردی درسال ۸٤۹ قمری در ورودی بقعهٔ طاهرو مطهر را در هزارخال کجور ساخته است (ص ۱۸۸) .

۸ـ استاد یوسف‌بن [حسین] نجار فیروزی در سال ۸٤۹ قمری دردیگر بقعهٔ طاهرومطهر را در هزارخال کجور ساخته است(ص۱۸۹).

۹ـ استاد حاجی‌بن استادمحمود در سال ۸٤۹ در ورودی بقعهٔامامزاده ابراهیم را درتیرسا از دهکده‌های تترستاق‌نور ساختـــه است (ص ۳۲۱) .

۱۰ـ پیروزنجاربن شمس‌نجار در سال ۸٤۹ در ورودی بقعهٔامامزاده ابراهیم را در تیرسا از دهکده‌های تترستاق‌نور ساخته است (ص ۳۲۱) .

۱ـ این دهکده به‌نام «ولات‌رود» معروف است . این نام از سه‌جزء«ویه» به معنی خوب و «لات» به معنی زمین کناررودخانه و کلمه«رود»ترکیب است یعنی محلی‌که زمین کنار رودخانهٔ آن بارور وحاصلخیز است و به غلط به ولایت رود معروف شده است .

۱۱ـ استاد بایزیدبن محمدنجار جیلاردی [1] در سال ۸٦٦ در ورودی درویش تاج‌الدین حسن‌ولی را در نیاك بالالاریجان ساخته‌است (ص ٤۲۲) .

۱۲ـ استاد سلیمان‌بن حسین‌نجار فیروزی در سال ۸۷۵ در ورودی‌انبار کوچك متصل به بقعهٔ امامزاده محمود را در نایه (ناحیه) اوزرود نور ساخته است (ص ۲٦٤) .

۱۳ـ حسین‌بن نجار در شوال‌سال ۸۷۷ قمری در ورودی مسجدسلطان ابابکرکیا را در کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور ساخته است (ص ۳۰۸) .

۱٤ـ سیدعلی درسال ۸۸۰قمری در ورودی‌بقعهٔ سید زکریارا دردهکدهٔ اوزکلا از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲۵۹) .

۱۵ـ استاد خسروبن علی‌نجار در سال ۸۸۰ در ورودی بقعهٔ سیدزکریا را در اوزکلا از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲٦۰) .

۱٦ـ استاد حبیب‌بن استادحسین نجارکمری در سال ۸۸٦ در ورودی بقعهٔ امامزاده محمود را در نایه از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲٦۲) .

۱۷ـ حبیب‌الله‌بن حسین کمری درسلخ‌رمضان ۹۰۰ در ورودی بقعهٔ امامزاده یوسف رادر کلیك‌نور ساخته است (ص ۲۷٦) .

۱۸ـ استادمحمدبن اسماعیل نجار در حدود سال ۹۰۰ در ورودی بقعهٔ امامزاده زکریا را درشکرکوه کلاردشت کلارستاق ساخته است (ص ۱۳۳) .

۱۹ـ استاد حسن‌بن علی‌نجار در حدود سال ۹۰۰ در ورودی امامزاده

۱ـ امروز گیلیارد گویند از دهکده‌های دماوند است .   ۲ـ منسوب به‌کمر (بضم کاف‌ومیم) از دهکده‌های کمر رودنور است .

زکریا را در شکرکوه کلاردشت کلارستاق ساخته است (ص ۱۳۳) .

۲۰ـ استاد علی‌اصغر درحدود سال ۹۰۴ قمری پنجرهٔ مشبك بقعهٔ درویش رستم را در اطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور ساخته است (ص ۲۲۴) .

۲۱ـ استاد درویش محمدبن رستم در سال ۹۰۴ قمری درورودی بقعهٔ درویش‌رستم را در اطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور ساخته است (ص ۲۲۳) .

۲۲ـ استاد محمدخان گیلانی‌در سال ۹۰۹ قمری صندوق امامزاده محمود را در دهکدهٔ تیرسا از دهکده‌های تترستاق‌نورساخته است (ص ۳۲۲) .

۲۳ـ استاد محمودنجار درسال ۹۱۹ صندوق امامزاده یحیی را در دهکدهٔ نواز دهکده‌های‌بالاریجان ساخته است (ص۴۲۶).

۲۴ـ خشنام‌لپاسانی در سال ۹۲۳ قمری در ورودی بقعهٔ امامزاده‌موسی را در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲۵۸) .

۲۵ـ یعقوب‌کم در سال ۹۲۳ قمری همراه خشنام‌لپاسانی در ورودی بقعهٔ امامزاده موسی را در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲۵۸) .

۲۶ـ خشنام‌بن علاءالدین‌بن محمود لباسانی درسال ۹۲۶ صندوق‌مرقد بی‌بی خانم را در نسل نمارستاق ساخته است (ص ۴۸۶) .

۲۷ـ محمدبن حسن در سال ۹۲۶ همراه خشنام‌بن علاءالدین لباسانی صندوق مرقد بی‌بی خانم را در نسل نمارستاق ساخته است (ص ۴۸۶) .

۲۸ـ محمدنجار لواسانی در سال ۹۲۷ در ورودی بقعهٔسلطان‌ابابکرکیا

را در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای نور ساخته است (ص ۳۰۲) .

۲۹ـ خشنام بن علاءالدین لواسانی درسال ۹۳۳ در ورودی بقعهٔامامزاده جعفر را در انگرود اوزرودنور ساخته است (ص ۲۶۸) .

۳۰ـ خشنام بن علاءالدین بن محمودنجار لواسانی در سال ۹۳٤ صندوق مرقد امامزاده جعفر را دردهکدهٔ انگرود اوزرودنور ساخته است (ص ۲۶۹) .

۳۱ـ علاءالدین بن محمدبن حسن لواسانی درسال۹۳٤همراه خشنام بن علاءالدین صندوق مرقد امامزاده جعفر را درانگرود اوزرود نور ساخته است (ص ۲۶۹) .

۳۲ـ استادخوشه‌نام (= خشنام)بن استاد علادین (= علاءالدین) لباسانی درغرهٔ ذی‌قعدهٔ ۹۳۹ قمری در ورودی بقعهٔ امامزاده محمد و امامزاده ابراهیم را در هتریالورود نور ساخته است (ص ۲۸۹) .

۳۳ـ استاد ابراهیم‌بن استادنظر تنکابنی در سال ۹۵۱ قمری صندوق مرقد پلاسید را درسادات‌محلهٔ سخت‌سر(رامسر) تنکابن ساخته است (ص ۳۶) .

۳٤ـ علاءالدین بن محمدنجار لباسانی در سال ۹۵۶ ، صندوق مرقد سلطان ابابکرکیا را دردهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای نور ساخته است (ص۳۰۳) .

۳۵ـ استاد ابراهیم‌بن خوشنام نجارلباسانی درسال ۹۶۰ صندوق بقعهٔ سید سعدین را درپاسل اوزرودنور ساخته است (ص ۲۷۳) .

۳۶ـ علاءالدین بن محمدنجار در سال ۹۶٤ صندوق سیدمحمدکیا دبیر صالحانی را در صالحان‌کجور ساخته است (ص ۲۰۳) .

۳۷ـ استادمحمودبن استادخشنام‌بن محمود لپاسانی درحدود سال۹۶۶

دروروردی بقعهٔ سیدسعدین را درپاسل اوزرودنور ساختـه است (ص ۲۷۳) .

۳۸ـ شاه‌محمد دیلمانی درشوال ۹۶۸ قمری‌صندوق مرقد امـامـزاده ابراهیم را درتیرسای تترستاق‌نور ساخته است (ص ۳۲۰) .

۳۹ـ استادکمال صوفی درسال ۹۶۸ همراه شاه‌محمددیلمانی صنـدوق مرقد امامزاده ابراهیم را در تیرسای تترستاق نور ساخته است (ص ۳۲۰) .

۴۰ـ استاد عزالدین‌بن یوسف‌نجار لباسانی در ربیع‌الثانـی سال ۹۷۵ قمری صندوق مرقد امامزاده انوشیروان در سراسب کمررود نور ساخته است (ص ۲۸۴) .

۴۱ـ استاد اسفندیاربن کیا فلك‌الدین‌کلوت در سال ۹۷۶ قمری‌صندوق مرقد امامزاده احمد کیاسلطان را درخجیرکلای اوزرود نور ساخته است (ص ۲۷۰) .

۴۲ـ استاد ضحاك‌بن استادحسین نجار اروی درسال۹۷۹ قمری صندوق هفت تنان در دهکـده هفت تنان از دهکـده های بهرستاق لاریجان را ساخته است . این صندوق عظیمترین صندوقـی است‌کـه نگـارنـده تاکنون در صفحات شمال دیده است . (ص ۴۵۸) .

۴۳ـ بابوشاه‌بن جلال‌الدین نجار دماوندی درسال ۹۷۹ همراه استاد ضحاك‌بن استاد حسین‌نجار اروی صندوق هفت‌تنان را ساخته است (ص ۴۵۸) .

۴۴ـ استاد شرفالدین‌بن افضل‌صوفی نقارلباسانی در سال ۹۸۱ در ورودی بقعهٔ هفت‌تنان را در هفت‌تنان بهرستاق لاریجان ساخته است (ص ۴۵۶) .

۴۵ــ استاد میرزاعلی ولدمشهدی رمضان‌قصری [1] درسال ۱۰۲۹ قمری در ورودی بقعهٔ امامزاده رضارا درکچل‌ده میان‌رود سفلای نور ساخته است (ص ۳۴۷) .

۴۶ــ استاد ملاآقاجان نجار در سال ۱۱۰۰ در ورودی بقعهٔ سلطان‌احمد نریزنده را دردهکدهٔ دلااز دهکده‌های دلارستاق نور ساخته است (ص ۴۶۷) .

۴۷ــ مشهدی گلبابا نجار درسال ۱۱۰۰ همراه‌استاد ملاآقاجان درورودی بقعهٔ سلطان‌احمد نریزنده را در دهکدهٔ دلا ساخته است (ص ۴۶۷) .

۴۸ــ استاد ابراهیم درذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ قمری‌صندوق مرقدشیخ‌احمد نوری رادر بلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۴۹ــ استاد مظفر در ذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ قمری همراه استاد ابراهیم صندوق مرقدشیخ‌احمد نوری را در بلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۰ــ استاد محمود در ذوالحجهٔ‌سال ۱۱۰۲ قمری همراه‌استاد ابراهیم صندوق مرقد شیخ‌احمد نوری را در بلدهٔ نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۱ــ استاد علی گرشاسف درذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ همراه استاد ابراهیم و دیگران صندوق مرقدشیخ‌احمدنوری را دربلدهٔ نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۲ــ استاد حسین پوشگر کاردگر در ذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ همراه‌استاد ابراهیم و دیگران صندوق‌مرقدشیخ احمدنوری را دربلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۱ــ منسوب به‌رودبارقصران است که‌درکتب جغرافیایی قدیم به‌نام‌قصران داخل نیز خوانده شده است .

۵۳ـ منوچهر همراه استاد ابراهیم و دیگران درذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ صندوق مرقد شیخ‌احمدنوری را در بلدهٔنور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵٤ـ سیدجعفر نیاکی استاد زمان در سال ۱۲۰٤ درورودی بقعهٔ امامزاده ابراهیم را دردینان امیری لاریجان ساخته است (ص ٤۵۰) .

۵۵ـ استاد سلم‌الله درسال ۱۲۰۷ صندوق مرقد سیدزکریا را در اوزکلا از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲٦۰) .

۵٦ـ استاد محمدصادق درسال ۱۲۰۷ همراه استاد سلم‌الله صندوق‌مرقد سیدزکریا رادراوزکلا ساخته‌است (ص ۲٦۰) .

۵۷ـ استاد افراسیاب‌بن استاد علی‌نجار لارجانی درحدود سال ۱۲۱۵ قمری درورودی بقعهٔامامزاده احمدرضارادرلاسم بالالاریجان ساخته است (ص ٤۰۹) .

۵۸ـ محمدبن علی‌بابو نجار درحدود سال ۱۲۱۵ قمری‌صندوق مرقد امامزاده احمدرضا را در لاسم بالالاریجان ساخته است (ص ٤۱۰) .

۵۹ـ استاد آقابابا در سال ۱۲۱۷ درورودی بقعهٔ امامزاده یحیی را در نوا از دهکده‌های بالالاریجان ساخته است (ص ٤۲٦) .

٦۰ـ استاد محمدبن استاد عباسعلی کلج‌ساکن نوشان در سال ۱۲۲۰ ، صندوق بقعهٔ دانیال پیغمبر رادردهکدهٔ دانیال لنگای تنکابن ساخته است (ص ۹٤) .

٦۱ـ استاد نورمحمد نمارستاقی درسال ۱۲۳۸ صندوق امامزاده‌ابراهیم را دردهکدهٔ تیرسای تترستاق نور پس‌از زلزله تعمیر کرده است (ص ۳۱۸) .

٦۲ـ استاد محمدقلی نجار در سال ۱۲٦۷ نجاری بقعهٔآقاعبدالرضا را

نزدیك دهکدهٔ پردنگون بیرون‌بشم کلارستاق به اتمام رسانیده است .(ص ۱۲۲) .

۶۳ـ استاد محمدابن بسطامی در سال ۱۲۸۸ضریح امامزاده محمود را درنایهٔ (ناحیه) اوزرودنور تمام کرده است (ص ۲۶۳) .

۶۴ـ استاد علی‌ابن بسطامی در سال۱۲۸۸ همراه استاد محمدابن‌بسطامی ضریح امامزاده محمود را درنایهٔنور به اتمام رسانیده است (ص ۲۶۳) .

۶۵ـ کربلائی مرتضی‌بن لطفعلی طایفهٔ گرجی‌درسال ۱۲۹۸ نجاری‌بقعهٔ امامزاده بلال را دردهکدهٔ ناتل‌رستاق‌نور تمام کرده است (ص ۳۵۱) .

۶۶ـ کربلایی حمزه سراسبی درحدود سال ۱۳۰۰ سقاخانهٔ چوبین دهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورودنور را تمام کرده است (ص ۲۸۶) .

۶۷ـ محمدکاظم ولد الله‌ویردی میان‌بندی‌نوری‌دررجب ۱۳۰۱ صندوق مرقد شاه‌رضا کیاسلطان و در ورودی بقعهٔ آن را تمام کرده است (ص ۳۵۶) .

۶۸ـ کربلایی کاظم نجار جزنی‌درسال ۱۳۰۶ در ورودی بقعهٔ امامزاده سیدحسین را در جنگل‌سازی‌یك‌اسبی کلای ناتل رستاق نور ساخته است (ص ۳۴۰) .

۶۹ـ استاد جعفرلورائی از اهل‌نسا درسال ۱۳۲۰ قمری نجاری بقعهٔ آقا عبدالرضا را نزدیك دهکدهٔ پردنگون بیرون‌بشم کلارستاق تمام کرده است (ص ۱۲۱) .

۷۰ـ استاد سبزعلی لورائی از اهل‌نسا در سال ۱۳۲۰ همراه استادجعفر لورائی نجاری بقعهٔ عبدالرضا را درپردنگون به اتمام رسانیده است (ص ۱۲۱) .

۷۱ـ محمود نجار در سال ۱۳۲۰ قمری درورودی بقعهٔامامزاده صالح را در سوردار میان‌بندنور ساخته است (ص ۳٦٦) .

۷۲ـ استادعلی‌اصغر ولد کربلائی علی‌مراد سرائی در سال ۱۳۲۲ قمری نجاری بقعهٔ امامزاده اسماعیل را در دهکدهٔ پایین‌واز نائیج‌نور تمام کرده است (ص ۳۷۱) .

۷۳ـ استادحسین نجارباشی درسال ۱۳۳۸ قمری ضریح مرقد امامزاده خطیب ونجیب رادرنایهٔ (ناحیه) اوزرود نور به اتمام رسانیده است (ص ۲٦٥) .

۷٤ـ استاد حسین‌نجارباشی ولدمرحوم مشهدی‌جعفر من‌طایفهٔ حیدریه درسال ۱۳۳۹ در ورودی امامزاده داودکیاسلطان را درنایهٔ اوزرودنور تمام کرده است (ص ۲٦٦) .

۷٥ـ استادحسین باروج در ورودی امامزاده اسماعیل را دردزدبن کوهستان کلارستاق ساخته است (ص ۱٤۹) .

۷٦ـ کربلایی مرتضی نجاری بقعهٔ امامزاده عبدالله را در سوردار میان‌بند نور به‌عهده داشته وبه‌اتمام رسانیده است (ص۳٦٥) .

بنایان

بنایان چیره‌دست از مصالح بنای‌عادی روزگار خود همچون سنگ و آجر و گچ‌وآهك بناهای جالب‌نظر و پایدار ساخته‌اند . اغلب دژهای کوهستانی باسنگ‌قلوه و گچ‌سرندی ساخته شده‌اند و سنگ تراشیده در آنها دیده‌نشد . درآب‌انبارها و مخازن آب این نوع‌بناها، ساروج نیز به‌کار رفته است .

مصالح‌بنای بقاع‌متبرك کوهستانی،همچون دژها ، بیشتر سنگ‌ـ قلوه وگچ‌سرندی است‌وداخل وخارج آنها راباگچ غربالی سفیدکاری کرده‌اند دریکی‌دوبنا در کوهستان‌نور رنگ‌نیز به‌گچ‌اندود دیوارافزوده

بـودند .

آجرهایی با قالبهای معمول دردشت‌وکوهستان مازندران در بناهای امامزاده‌ها و مساجد و تکیه‌ها به‌کار رفته است وبرای ساختن پلها نیز از آنها استفاده شده است . خشت این‌آجرها درمحل زده می‌شد ودرکوره‌های محلی با چوبهای جنگلی می‌پخته‌اند .

برای ساختن دروپنجره و صندوقهای مرقدها و سقف‌بناهای مربع ومستطیل شکل انواع چوبهای محکم جنگلی را به‌کار برده‌اند .

درسالهای اخیر که به‌فکر نوسازی افتاده‌اند ، اغلب مساجد و بقاع پابرجای‌قدیمی را خراب می‌کنندو بـه‌جای آنهاازبلوك (خشت سیمانی) و سیمان‌وآهن بناهایی می‌سازند که‌هیچگونه ظرافت و هنری درآنها دیده نمی‌شود وگذشت‌زمان نشان خواهد داد که استحکامی نیز نداشته‌اند .

ذکر نام‌بنایان و معماران معمولا دربناهای مذهبی نیست . در چندموردی که به‌آنها برخورده‌ایم از این قراربوده است :

۱ـ بهرام‌بنابن‌علی در سال ۸٤۰ قمری به‌دستور ملك کیومرث بنای‌عظیم و زیبای شاه‌بالو را دردهکدهٔ‌آهودشت ناتل‌رستاق‌نور ساخته است (ص ۳٤۵) .

۲ـ پاشابن تهمراس‌بکشاه‌جمشید در سال ۸٤۰ معمار پیشکـار بنای شاه‌بالو درآهودشت ناتل‌رستاق‌نور بوده‌است (ص۳٤۵).

۳ـ استاد حسین‌بن‌علی بنای آملی‌حسینی در حدود سال ۸٤۹ قمری‌بنای بقعهٔ طاهرومطهر را درهزارخال کجور به اتمام رسانیده است (ص ۱۹۰) .

٤ـ محمدبنا در سال ۱۰۳٤ قمری رباط‌شاه‌عباسی‌پلور را تمام کرده است . این رباط برسرراه لار واقع شد ویکسره از میان رفت (ص ٤۰۵) .

۵ـ استادقنبرعلی‌ابن مرحوم محمدکاظم نوری طایفهٔ ارجوار در سال ۱۲۴۵ بنای بقعهٔ امامزاده اسماعیل الامل‌کوهستان کلارستاق را تمام کرده است (ص ۱۵۱).

۶ـ هاشم‌اوزج شاگرد اوستاد قنبرعلی بوده و درساختن بنای‌امامزاده اسماعیل دست داشته است .

۷ـ رمضانعلی متو در سال ۱۲۹۸ قمری بنای امامزاده بلال‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم را در دهکدهٔ نانواکلای ناتـل رستاق‌نور تمام کرده است (ص ۳۵۱) .

۸ـ بایزیدبن حاجی‌جواد بنا امامزاده یحیی رادر نـوای بالالاریجان ساخته است (ص ۴۲۶) .

کاشی‌کاران

دربناهای دشت و کوهستان مازندران غربی به کاشی‌کاریهای قابل‌ذکر برنخوردم . فقط درازارهٔ بقعهٔ سلطان‌شهاب‌الدین در دهکدهٔ دلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور ، کاشی‌کاری مفصل و جالب‌نظری دیده شدکه از سال ۹۰۱ تا ۹۰۳ قمری ده‌تن درساختن آن شرکت داشته‌اند . در میان‌کتیبه‌های مفصل این کاشیها که اغلب حدیث‌نبوی وقدسی یاکلمات قصارفتیان وجـوانمردان است به‌نـام ایـن ده‌تـن برمی‌خوریم ، اما معلوم نیست‌که اینان درساختن این ازاره چه سهمی داشته‌اند . نام‌بنا وکاشی‌ساز و خطاط ، بدون تعیین فن‌هریك ، پراکنده دراین کاشیها دیده می‌شود . این نامها به‌قرار زیر هستند :

آقارضی‌بن حیدرکرار (ص ۴۶۷) .

حمدالله‌بن یدالله‌جعفر (ص ۴۶۹) .

علی حدادبن بایزید (ص ۴۶۹) .

سلطان کمانگر (ص ۴۶۹) .

کمال سرخاب (ص ٤٦٩) .
محمد لواف (ص ٤٧١) .
سهراب سرخاب‌آهی (ص ٤٧٣) .
حبیب‌الله (ص ٤٧٤)
جعفر (ص ٤٧٤) .
خاکی صوفی (ص ٤٧٤) .

سنگ‌تراشان

۱ـ استاد عبدالله در سال ۸۸۰ سنگ‌قبر کیازین‌الدین خواجه‌بن اسکندر تاول را تراشیده است (ص ۲۰۸) .
۲ـ حسن هزارخالوئی و برادرش درسال ۹۰۷ قمری منبر سنگی‌مصلای دهکدهٔ صالحان کجور راتراشیده‌اند (ص ۲۰۷) .
۳ـ درویش مرتضی در سال ۱۰۲۸ سنگ‌قبر سیدصالح‌کاج‌بن ملك‌مظفر را در بقعهٔ خالدکیاسلطان در مناچیرکلای علوی کلای کجور تراشیده است (ص ۲۳۸) .
٤ـ استاد علی‌اکبر درکه‌ای درحدود سال ۱۲۸۰ دروازهٔ سنگی که‌خود بیستان (= بیستون) خوانده است برسرراه ناصرالدین‌شاهی نزدیك ولی‌آباد تراشیده است (ص ۱٥٦) .
٥ـ ابراهیم حیدر درسال ۱۳۱۳قمری‌سنگ‌قبر مشهدی یحیی‌ابن‌ملاامین را در چارسی‌آقا درپیسد میان‌بندنور تراشیده است(ص۳٦۲).

رویگران

۱ـ استاد علاءالدین رودگر در سال ۹۲٦ قبهٔ‌مسین امامزاده محمد و ابراهیم را در دهکدهٔ هتریالورود نورساخته است . (ص۲۸۹)

گچبران

۱ـ قربانعلی جغتائی گچبریهای تکیهٔ نوارا در بالالاریجان انجام داده است (ص ٤٢٧) .

درختان کهنسال

در خاک مازندران غربی

زیبایی بیشتر بقعه‌های شمال ایران یا میدانهای بزرگ دهکده‌ها به درختان کهنسال و عظیمی است که درمحوطهٔ آنها دیده می‌شود . عمر بعضی از این درختان جنگلی از قدمت تاریخی بنای بقعه یا احداث میدان بیشتر است یعنی این درختان قبل از بنای بقعه یا احداث میدان درمحل وجودداشته‌اند ولی بعضی ازآنهاراپس ازبنای بقعه یااحداث میدان دستی نشانده‌اند . درخت سور (سرو جنگلی) عجیب بقعهٔ سیدالوافی در کلارآباد دشت کلارستاق و درخت چنارمیدان چناربن زانوس کجور را می‌توان از گروه دوم دانست . درختان عظیم این دودسته که در طی بررسی به‌آنها برخورده‌ایم به ترتیب در این فهرست گنجانده شده‌اند .

درختان آزاد[1]

۱ــ درخت آزاد امامزاده فضل‌الله در دهکدهٔ سیدکلای ناتل‌رستاق نور (ص ۳۵۲)　　۶۸۰ سانتیمتر .

1_ Zelkova Cronata

۲ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ حمزه‌رضا در کوشك‌سرای چالوس (ص ۱۱۷) ۶۲۰ سانتیمتر .

۳ـ درخت‌آزاد دربقعهٔ سیداسکندر درخرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳۴۳) ۶۰۰ سانتیمتر .

۴ـ درخت‌آزاد در محوطهٔ امامزاده‌رضا درکچل‌ده میانرودسفلای‌نور (ص ۳۴۷) ۵۶۰ سانتیمتر .

۵ـ درخت آزاد امامـزاده سید حسین در جنگـل‌سازی‌یك‌اسبی کـلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳۴۰) ۵۶۰ سانتیمتر .

۶ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۵۶۰ سانتیـمتر .

۷ـ درخت‌آزاد در گـورستان بقعهٔ خالـدکیاسلطان در مناچیرکلای علوی‌کلای کجور (ص ۲۳۹) ۵۳۰ سانتیمتر .

۸ـ درخت‌آزاد در گورستان‌جمشیدکیاسلطان درالمده مرکزدشت‌کجور (ص ۲۴۰) ۵۲۰ سانتیمتر .

۹ـ درخت‌آزاد گورستان جمشیدکیاسلطان در المده مرکز دشت‌کجور (ص ۲۴۰) ۵۰۵ سانتیمتر .

۱۰ـ درخت‌آزاد در امامـزاده‌رضا درکچـل‌ده میانـرود سفلای‌نـور (ص ۳۴۷) ۵۰۰ سانتیمتر .

۱۱ـ درخت‌آزاد در امـامزاده سیدحسین در جنگل‌سازی‌یك‌اسبی‌کلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳۴۰) ۴۵۰ سانتیمتر .

۱۲ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ‌حمزه‌رضا در کوشك‌سرای‌چالوس (ص ۱۱۷) ۴۳۰ سانتیمتر .

۱۳ـ درخت‌آزاد در بقعهٔ‌امامزاده ابوالقاسم دردهکدهٔ جزما دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۴۰۵ سانتیـمتر .

۱۴ـ درخت‌آزاد در گـورستان بقعـهٔ سیدابوالحسن (ابوالحسـین)

المؤیدبالله در دهکدهٔ لنگـای تنکابـن (ص ۸٦) ۳٦۳ سانتیمتر .

۱۵ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ حمزه‌رضا در کوشك‌سرای چالوس (ص ۱۱۷) ۳٦۰ سانتیمتر .

۱٦ـ درخت‌آزاد در بقعهٔ سیداسکندر در خرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق نور (ص۳٤۳) ۳۵٦ سانتیمتر .

۱۷ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ امامزاده سیدابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خـرم‌آباد تنکابـن (ص ۷۵) ۳۲۰ سانتیمتر .

۱۸ـ درخت آزاد در بقعهٔسیداسکندر در خرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق نور (ص۳٤۳) ۲۳۰ سانتیمتر .

درختان بلوط (=مازو)[1]

۱ـ درخت‌بلوط در گورستان بقعهٔ میرشمس‌الدین دردهکدهٔ ولی‌آباد خرم‌آباد تنکابن (ص ٦۷) ٦۸۰ سانتیمتر .

۲ـ درخت بلوط درگورستان بقعهٔ آقاشیرعلی در دهکدهٔ میان‌ناحیهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٦٤) ٦٤۰ سانتیمتر .

۳ـ درخت‌بلوط درگورستان بقعهٔ امامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص۵٦) ۵٦۰ سانتیمتر .

٤ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔامامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایه خرم‌آباد تنکابن (ص ۵٦) ٤۹۰ سانتیمتر .

۵ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔسیدقوام‌الدین در دهکدهٔکبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ۵٦) ٤۵۰ سانتیمتر .

٦ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔمیرشمس‌الدین در دهکدهٔولی‌آباد

1 _ Qeorcos Lucitanica.

خرم‌آباد تنکابن (ص ٦٧) . ٣٩٠ سانتیمتر .

درختان پلت = افرا[1]

١ـ درخت‌پلت در گورستان امامزاده محمد در واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٨٣٠ سانتیمتر .
٢ـ درخت‌پلت در گورستان مزار سیده فاطمه بـر سرراه‌اسپچیـن وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص ٩٢) ٦٥٠ سانتیمتر .
٣ـ درخت پلت در گورستان بقعهٔ گلدسته دربرامسرگلیجان تنکابن (ص ٤٧) ٥٧٠ سانتیمتر .
٤ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٥٢٠ سانتیمتر .
٥ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٤٨٠ سانتیمتر .
٦ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف بقعهٔ گلدسته در دهکدهٔ برامسر گلیجان تنکابن (ص ٤٧) ٤٤٠ سانتیمتر .
٧ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ آقامیرسبحان در دهکدهٔ تمیجانك گلیجان تنکابن (ص ٤٥) ٤٢٠ سانتیمتر .
٨ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك‌گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٤٠٠ سانتیمتر .
٩ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایه خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٤٠٠ سانتیمتر .
١٠ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف امامزاده سیدقوام‌الدین دردهکدهٔ کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٣٦٠ سانتیمتر .
١١ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف‌امامزاده سیدقوام‌الدین دردهکدهٔ

1 _ Acer Plantanoides.

کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ۳٥۰ سانتیمتر .

۱۲ــ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه در اراضی اسپچین‌لنگای تنکابن (ص ۹۰) ۲۸۰ سانتیمتر .

۱۳ــ درخت پلت در گورستان امامزاده‌سیده فاطمه برسر راه‌اسپچین وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص۹۲) ۱۱٥ سانتیمتر .

۱٤ــ درخت‌پلت در گورستان مزارسیده فاطمه برسرراه اسپچین وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص ۹۲) ۱۰٥ سانتیمتر .

درختان تادانه = تو[1]

۱ــ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد درگویتر بیرون‌بشم کلارستاق (ص ۱۲۳) ٤٤٥ سانتیمتر .

۲ــ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد در گویتربیرون‌بشم کلارستاق (ص ۱۲۳) ٤٤٤سانتیمتر .

۳ــ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد در گویتربیرون‌بشم کلارستاق (ص ۱۲۳) ۳٦۰ سانتیمتر .

٤ــ درخت تادانه درگورستان بقعهٔ آقاسیدعلی‌کیا در دهکدهٔ مزرك خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٥) ۳۳۰ سانتیمتر .

٥ــ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔامامزاده سید قوام‌الدین در دهکدهٔ کبود کلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ۲٦۰ سانتیمتر .

درختان چنار[2]

۱ــ درخت‌چنار در بقعهٔ عابدین‌رضا دردهکدهٔ شنگلده امیری بالالاریجان (ص ٤۳۹) ۱۲۰۰ سانتیمتر .

۱ـ Celtis australia. ۲ـ PoPulus migra;Populus plantanus.

۲ـ درختچنار در چناربن دهکدهٔ زانوس کجور (ص ۲۲۱)
۱۱۸۰ سانتیمتر .

۳ـ درختچنار بقعهٔسیدعلی کیاسلطاندردهکدهٔسیدعلی کیادرخیررود ـ
کنار کجور (ص ۲۳۱) ۱۰۰۰ سانتیمتر .

٤ـ درختچناری در اراضی مونجمیخساز زانوسرستاق کجور
(ص ۲۱۵) ۸٦۰ سانتیمتر .

٥ـ درختچنار حسینیه بقعهٔ شاهزاده حسین در فیروزکلای پایینکجور
(ص ۱۸۱) ۸٤۰ سانتیمتر .

٦ـ درختچنار گورستان جمشید کیاسلطان در المده مرکزدشتکجور
(ص ۲٤۰) ٦٤۰ سانتیمتر .

۷ـ درخت چنار جلو در ورودی بقعهٔ آقاسیدابراهیم نزدیك دهکدهٔ
کراتکوتی گلیجان تنکابن (ص٤٨) ٦۲۰ سانتیتر .

۸ـ درخت چنار در محوطهٔ مسجد و تکیهٔ فیروزکلای بالای کجور
(ص ۱۸۲ و ۱۸۳) ٥۰٥ سانتیمتر .

۹ـ درختچنار در گورستان بقعهٔ سیدمحمدکیا دبیرصالحانی درصالحان
کجور (ص ۲۰٦) ٤۹۰ سانتیمتر .

۱۰ـ درخت چنار امامزاده سلطان سید محمد قرشی در اراضی امامزاده
سرگزنك بالالاریجان (ص ٤۳۸) ۳٦٥ سانتیمتر .

۱۱ـ درختچنار نزدیك بقعهٔ آشیخنیکه در رزنترستاق (ص ۳۲٥)
۳٦۰ سانتیمتر .

۱۲ـ درختچنار نزدیك بقعهٔآشیخنیکه در رزنترستاق (ص ۳۲٥)
۳۲٥ سانتیمتر .

درختان سور = سرو جنگلی

۱ــ درخت‌سروی عجیب در گورستان بقعهٔ سیدالوافی درکلارآبـار لنگای تنکابن (ص ۹۶) ٤٤۰ سانتیمتر .

۲ــ درخت‌سور درمحوطهٔ امامزاده نوح‌در دهکدهٔاندرور ازدهکده‌های بلدهٔ کجور (ص ۲۳۵) ۲۲۵ سانتیمتر .

درخت سفیدار

۱ــ درخت‌سفیددار در کنار رودخانهٔ سنگ‌رچ‌کیله در دهکدهٔفقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۱۰۰۰ سانتیمتر .

درختان شهر = شمشاد[1]

۱ــ درخت‌شمشاد در گورستان بقعهٔ آقاسیدعلی در دهکدهٔ مزرك خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۵) ۱٦۰ سانتیمتر .

۲ــ درخت شمشاد در گورستان بقعهٔآقا سیدمحمد در اراضی اسپچین لنگای تنکابن (ص ۹۱) ۱۲۵ سانتیمتر .

۳ــ درخت شمشاد دربقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه در اراضی اسپچین لنگای تنکابن (ص ۹۰) ۱۲۳ سانتیمتر .

٤ــ درخت شمشاد در گورستان آقانورکیاسلطان در دولت‌آباد اودم جوربند نائیج‌نور (ص ۳۷۰) ۹۵ سانتیمتر .

درختان کرزل[2]

۱ــ درخت‌کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آبادنشتای تنکابن (ص ۸۲) ٤۱۰ سانتیمتر .

۱- Buxus Sempervirens. ۲- Carpinus betulus.

۲ـ درخت کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۳۶۰ سانتیمتر .
۳ـ درخت‌کرزل در گورستان امامزاده قاسم درزوات کلارستاق (ص ۱۰۸) ۳۲۰ سانتیمتر .
٤ـ درخت‌کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۳۲۰ سانتیمتر .

درخت کهل

۱ـ درخت‌کهل در گورستان بقعهٔ دهکدهٔ فقیه‌محلهٔ گلیجان تنکابن (ص ٤۷) ۳۷۰ سانتیمتر .

درخت گردو

۱ـ درخت گردو در محوطهٔ امامزاده عابدین‌رضا در دهگدهٔ شنگلده امیری بالالاریجان (ص ٤۳۹) ۳۹٦ سانتیمتر .

درختان لنگا = اوجا = نارون[1]

۱ـ درخت‌لنگا نزدیك بقعهٔ سیدنبی در دهکدهٔ فیروزکلای بالای‌کجور (ص ۱۸۲) ۷۰۷ سانتیمتر .
۲ـ درخت‌لنگا در گورستان چهل‌تن در آستانکرود کجور (ص ۱٦۹) ۵۳۵ سانتیمتر .
۳ـ درخت‌لنگا در امامزاده قاسم در ایزده ناتل کنارنور (ص ۳۳٦) ۵۰۰ سانتیمتر .
٤ـ درخت‌لنگا در گورستان چهل‌تن درآستانکرود کجور (ص ۱٦۹) ٤٦۰ سانتیمتر .

۱- Ulmus campestris ; Ulmus montana.

۵ـ درخت لنگا در گورستان چهل‌تن در آستانکرودکجور (ص ۱۶۹) ۴۵۴ سانتیمتر .

۶ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ آقاسیدحبیب‌الله در دهکدهٔ میانرود گلیجان تنکابن (ص ۴۹) ۴۱۰ سانتیمتر .

۷ـ درخت‌لنگا در محوطهٔ متصل به گورستان امامزاده سیدولی در فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲) ۴۰۴ سانتیمتر .

۸ـ درخت‌لنگا در محوطهٔ متصل به گورستان امامزاده سیدولی در فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲) ۴۰۰ سانتیمتر .

۹ـ درخت‌لنگا در گورستان چهل‌تن درآستانکرود کجور (ص ۱۶۹) ۳۹۵ سانتیمتر .

۱۰ـ درخت‌لنگا در گورستان دو برادران در دهکدهٔ کچانك گلیجان تنکابن میان‌شیرود و کچانك (ص ۴۶) ۳۸۰ سانتیمتر.

۱۱ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ ایوب پیغمبر در دهکدهٔ بندبن‌لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۳۲۵ سانتیمتر .

۱۲ـ درخت لنگا در امامزاده قاسم درایزده ناتل‌کنارنور (ص ۳۳۶) ۳۰۰ سانتیمتر .

۱۳ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ آقاسیدحبیب‌الله در دهکدهٔمیانرود گلیجان تنکابن (ص ۴۹) ۲۷۶ سانتیمتر .

۱۴ـ درخت‌ملچ[1] در گورستان بقعهٔسیدمحمدطاهر درپایین بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۷) ۳۴۰ سانتیمتر .

۱- Ulmus montana.

کتابشناسی حاشیهٔ دریای مازندران

کتب ورسایلی که به زبانهای خارجی دربارهٔ نواحی و شهرهای ساحلی دریای مازندران نوشته‌اند

ABBOTT, KEITH : Proceedings of the Royal Geographical Society, Vol. III, p. 390.

ABBOTT, W.G. : Bemerkungen über Gilan. St. Petersburg, 1841.

ABBOTT, W.G. : Report on the Silk Trade of Guilan for the year 1864-65. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Resources of the Province of Guilan for the year 1865. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Resources of the Province of Guilan for the year 1869. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Reports on the Trade of Guilan for the year 1870. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of Guilan for the year 1871. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of the Province of Guilan for the year 1872. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of the Province of Guilan for the year 1873. Consular Reports.

ACTI HISTORICI, t.IV, p. 390. St. Petersburg 1842. (Invasion de Stenko Razin en Perse).

ADES, R. : Persian pottery, examples of the remarkable finds at Gurgan. The Illustrated London News, CCXV, Dec. 3rd, pp. 849-

50, with 12 coloured illustrations 1949, from the Raymond's Ades collections (Creswell 755).

ANET, CLAUDE : Feuilles Persanes. Paris, 1924.

ANON : Gurgan potteries recently excavated at Gumbad-i-Kabuz. The Illustrated London News, CCXI, 27 Sept. 1947, pp. 0-61, with 16 illustrations (Creswell 756).

ARNE, TURE : Die Schwedische Archälogische Ausgrabungs — expedition auf des Türkmanen — Steppe, 1933. Petermans Mitteilungen, LXXXI, pp. 293-4. Gotha, 1935.

دربارهٔ سفالهایی از نوع سفالهای ری است که در حفاری محلی در سیزده کیلومتری شمال غربی استراباد (گرگان امروز) بدست آمده است.

ARNOLD. A. : Through Persia by Caravan. T. 1rst chap. 8 - 10.

BAKER, V. : Clouds in the East. London, 1876.

صفحات ۸۹ـ۶۲ دربارهٔ اشرف ، ساری ، شیرگاه ، زیرآب ، فیروزکوه ، سربندان ، بومهن ، تهران ، لار ، اسك ، خلو ، علی‌آباد مطالبی دارد .

صفحات ۱۴۲ ـ ۸۷ : علی‌آباد ، سورکنده ، چشمه علی ، دهملا ، دامغان .

BARTHOLD : Istor. Georgr. Obzor Irana. St. Petersburg, 1903. pp. 158-161.

این کتاب به‌نام جغرافیای تاریخی ایران درسال ۱۹۳۰ در تهران ترجمه شده‌است.

صفحات ۲۹۵ـ۲۸۹ این کتاب مطالبی دربارهٔ حاشیهٔ دریای مازندران‌دارد.

BATAZERS, BASIL : Nouveaux Mélanges Orientaux. Paris 1886.

Lignes 933-950 مصاحبه با ژنرال *LEVASOFF* فرمانده سربازان روسی در گیلان است .

BAUER : Dattelpalmen an den ufern des Kaspischen Meeres. Bull. de l'acad. des science de St. Pétersburg, Feb. 1859.

BELL, C.M. : Geological Notes on part of Mazandaran. London Geological Transactions, Series 2, Vol. V, p. 577.

BELL, J. : Travels from St. Petersburg to diverse parts of Asia. Glasgow, 1763. T. 1rst, pp. 132-137.

BENJAMIN, S.J. : Persia and the Persians. Boston 1886, pp. 414-422.

BERNARD, V. : Révolution de la Perse. Paris, 1910, pp. 100-117.

BERESFORD, L. : Itinerary notes of route surveys in Northern Persia. Proceedings of R. G. S. V., pp. 57-84. Feb. 1883.

از شهرها و دهکده های : تهران چالوس ، نور ، بلده ، لار ، اسك ، فیروزکوه، فولاد محله ، چهارده ، زیارت ، استراباد شرحی دارد .

BERESINE, E. : Recherches sur les dialects Persans. Casan, 1853.

BINDER, H. : Au Kurdistan, Paris, 1887.

صفحات ۴۴۲ ــ ۴۲۷ این کتاب دربارهٔ گیلان است .

BLARAMBERG, J. : Statistische übersicht Persiens. St. Petersburg, 1853.

اطلاعاتی دربارهٔ گیلان دارد .

BLAU, O. : Commercielle Zustände Persiens. Berlin, 1858. p. 73.

BOBEK, H. : Naturlichen Walder und Geholzfluren Irans. Bomner Geogr. Abhandl. Bonne, 1951.

BODE, VON. : Yamut and Guklan. Abhandl. der Russisch. Geograph. Gesellschaft, 1847. Vol. II, p. 209.

BROWNE, E.G. : An Abridged Translation of Ibn Isfandyar's history of Tabaristan. London. 1905. E.J.W. Gibb Memorial Series, Vol. II.

BROWNE, E.G. : A Year Amongst the Persians, London, 1893. pp. 557-568.

BUHSE, F.A. : Bergriese von Gilan nach Asterabad. Beiträge zur Kenntniss des Russischen Reiches, 1849, Vol. XIII, p. 125.

صفحات ۲۳۶ ــ ۲۱۷ دربارهٔ ، لسپو ، کلاردشت ، کجور ، اسك ، فیروزکوه و فولاد محله است .

BURNS : Travels into Bokhara, 1835.

فصل ۳ ص ۱۲۲ ــ ۱۰۳ ، دربارهٔ استراباد و اشرف وعلی‌آباد وفیروزکوه و تهران مطالبی دارد .

CHARDIN, SIR JOHN : Travels of Sir John Chardin into Persia, and the Coronation of Soleiman III. London, 1686.

CHODZKO, P. M. ALEXANDRE : Le Guilan ou les marais Caspiens. Description historique du pays qui borde au sud de la mer Caspienne, 1850.

این کتاب قبل از ترجمهٔ کنونی در زمان ناصرالدین‌شاه در مجموعهٔ شمارهٔ ۸۲۸ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی از ورق یك تا ورق ۵۷ ترجمه شده است .

CHODZKO, P.M. ALEXANDRE : Specimens of the popular poetry of Persia. London, 1842.

CHRISTENSEN, ARTHUR: Contribution a la dialectologie Iranienne. KOBENHAVN, 1930. pp. 30-123.

CLAVIJO : Embassy to Tamerlane 1403-1406. Translated from the Spanish by Guy LeStrange. London, 1928.

CONOLLY : Journey to the north of India overland. London, 1834.

فصل اول صفحات ۲۷ ــ ۲۰ دربارهٔ تهران ، فیروزکوه ، ساری و اشرف مطالبی دارد .

COON, C.S. : Cave Exploration in Iran, 1949. University Museum of the University of Pennsylvania, Philadelphia, 1951.

COON, C.S. : Ecavation in Hotu Cave, Iran, 1951. American Philosophical Society, Vol. 96, 1952.

COSTE, PASCAL : Monuments modernes de la Perse mesurée dessinée et decrite. Paris, 1867.

CRENDER : Historia Samanidarum. Göttingen, 1825.

CURZON, Hon. G.N. : Persia and Persian problems.

ج۱ ، صفحات ۳۸۹ ــ ۳۵٤ اطلاعاتی در بارهٔ گیلان و مازندران دارد .

CUVIER, G. : Le Régne Animal.

در بارهٔ ماهیهای شمال مطالبی دارد .

D'ALLEMAGNE, Henry-René : Du Khorasan au pays des Backtiaric. Paris, 1911.

D'ARCY, E. TODD : Memoranda to accompany a skech of part of Mazandaran etc. J.R.G. Soc. Vol. III, No. 5, April 1836, pp. 101-108.

D'ARCY, E. TODD : Itinerary from Tabriz to Tehran via Ahar, Mishkin, Ardabil, Talyish, Gilan and Kasvin in 1837. J.R.G. Soc. Vol. VIII, pp. 29-39. London, 1838.

DARMESTETER, J. : Lettre de Tansar au Jasnasf Roi de Tabaristan. Journal Asiatique, 1849, pp. 185-250 and 502-555.

تنسر مؤبد موبدان اردشیر اول ، جشنسف را به‌تسلیم ترغیب می‌کند . این سند را ابن مقفع ابتدا از پهلوی به فارسی ترجمه کرد . متن آن در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار آمده است .

DE BODE : Ocherki Turkmen. zemli i yugovostoch. Pribrezh. Kapiskago Moria, otechest zapiski, 1856, No. 7 pp. 123-150.

در این قسمت از تهران ، سربندان ، فیروزکوه ، چهارده ، هزار جریب ، استراباد و ساور و رادکان مطالبی دارد همچنین در No. 8,pp. 459_472 اطلاعاتی راجع بهشمال هست .

DEFREMERY : Memoires sur les Enis-el-Omera. Paris, 1848.

DEFREMERY : Memoires sur la famile de Sadjides. Paris, 1848.

DE MORGAN : Mission Scientifique, Etude Geographique, 1894,

در قسمت اول صفحات ۲۰۸ ــ ۱۱۳ شکلها و تصاویر زیاد دربارهٔ شمال دارد .

DORN B.: Auszüge aus 14 Morgenel. Schriftstellern betreffend des Kaspischen Meer.
Melanges Asiatique, VI, p. 658. VII, pp. 19-44 & 52-92.

در فهرست تاریخی آن نیز مطالبی مفید دارد .

DORN, B. : Auszüge aus Muhammadanischen Schriftstellern betreffend die gechichte und geographi eder Südlichen Künstenländer des Kaspischen Meeres. St. Petersburg, 1858.

مطالبی دربارهٔ مازندران از ۲۸ مجلد کتاب فارسی و عربی و ترکی است که به نام انتخاب البهیه چاپ شده است .

DORN. B. : Bericht über eine Wissenssch. Reise in den Kaukasus etc., Mel. Asiat., IV, pp. 429-500, 1863.

مطالبی در بارهٔ آشوراده ، اشرف ، بارفروش (بابل) مشهدی‌سر (بابلسر) دارد .

DORN, B. and MIRZA MUHAMMAD SHAFI' : Beiträge Zur Kenntniss der Iranischen Sprachen. Theil I : Masandaranische Sprache. Theil II: Lieferung die Gedichtsammlung des Emir-i-Pazewary. St. Petersburg, 1866.

DORN, B. : Caspia. Memoires de l'ac. des Science de St. Pétersbourge, 1875, Vol. XXIII, No. 1.

همچنین در H.L. Rabino : Le Guilan, p. 9.

زیر کلمهٔ اسکندر مطالبی در بارهٔ حمله اسکندر بهصفحات شمالی ایران دارد .

DORN, B. : Die Geschichte Tabaristans und der Serbedare nach Khondemir. Memorie de l'academie de St. Petersburg, 1850, Vol. VIII.

DORN, B. : Die Münzen der Ispehbede Chalifen und deren Slatthalter. mél. Asiat. T. II S. 243.

DORN, B. : Die Pehlewy - Münzen des Asiat. Museums der Kaiser-

lichen Akademie der Wissenschaften. Mél. Asia. T. II, S. 249.
DORN, B. : Forschungen in der Pehlewy - Münzkunde Mel. Asiat. T. VI p. 22.
DORN, B. : Neue Ansichten in der Pehlewy - Münzkunde. Mel. Asiat. T. III, p. 426.
DORN, B. : Noch Einige Nachweisungen über Pehlewy - Münzen. Mel. Asiat. T. II, S. 387.
DORN, B. : Noch Einige Worte über die auf Pehlewy-Münzen Vorkommendes Sogenanntes münzzeichen oder monogramm. Mel. Asiat. T. III, S. 286.
DORN, B.: Uber die Letzten dem Asiat. museum Zugekommenen Pehlewy-münzen. Mel. Asiat. T. II, S. 608.
DORN, B. : Reise nach Masandaran im j. 1860. St. Petersburg, 1895.

از سن‌پیترزبورگ به اشرف و بازگشت با یك نقشه . در صفحات ۱۶۱ ــ ۱۵۶ . مطالبی در بارهٔ حملهٔ اسکندر به‌صفحات شمال ایران دارد .

DROUVILLE, G. : Voyage en Perse, 1822-1823. St. Petersburg, 1829.
DROVIN, ED. : Observation sur le monnaiss à lègendes en Pehlewi et Pehlewi Arabe. Revue Archéologique. Paris, 1884.
EASTWICK, E.B. : Journal of a Diplomate's Three Years Residence is Persia. London, 1864. T. 1rst. pp. 321-333, T. II. pp. 1-24.

مطالبی دربارهٔ گیلان دارد . در این کتاب از استراباد، اشرف ، ساری، علی‌آباد، شیرگاه ، زیرآب ، سرخ رباط ، فیروزکوه ، سربندان و بومهن نیز مطالبی دیده می‌شود .

EICHWALD, ED. :Reise auf dem Kaspischen meere und in den Caucasus, Unternommen in dem Jahren 1825-18256. Stuttgard und Tubingen, 1834-38.

دربارهٔ گیلان و مازندران و گرگان مطالبی دارد در فصل یازدهم صفحات ۳۸۵ ــ ۳۳۰ مطالبی دربارهٔ مشهدی‌سر (بابلسر) وبار فروش (بابل) است.

ELOY AUCHER : Relations de Voyage en Orient, de 1830 à 1838. Paris, 1843.
ENCYCLOPAEDIA BRITANICA.

زیر اعلام مربوط به صفحات شمال ایران اطلاعاتی دارد .

ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM. Edited by M. TH. Houtsma and T. W. Arnold, Leyden, 1911.

زیر اعلام مربوط به شمال ایران اطلاعاتی دارد .

FERRAND, G. : Notes sur Recht et le Guilan. Bulletin de la Soc. de Geographie d'Alger, Avril-Juin 1902.

FERTE, H. : Vie de Sultan Hossein Baikara. Paris, 1898.

FLANDIN, E. and COSTE, P. : Voyage en Perse, Perse moderne. Paris, 1854.

FONTON : La Russie danl'Asie Mineure (occupation russe du Guilan).

FORSTER, G. : Sketches on the Caspian Shores.

در ژانویه ۱۷۸٤ در مازندران مسافرت می‌کرده است .

FORSTER, G. : A journey from Bengal to England. London, 1798-1808.

در فصل دوم صفحات ۲۱۰ ـــ ۱۷۹ مطالبی دربارهٔ بسطام ، ده ملا ، چالوس ، ساری و بارفروش (بابل) دارد .

FORTESCUE, L.S. : The Caspian Provinces (Lectures given on Feb. 14th, 1924, to the Central Asian Society at the Royal United Service Institution).

FRAEHN, B. : Die Chosroen-münzen der Früheren Chalifen. Verhandl. der Kurländ. Gesellschaft. Bd. II Mitan, 1822.

FRAEHN, B. : Essai servant à determiner d'une manièr plus precise l'epoque d'une expédition enterprise au XS. par les Russes sur les côtes de la mer Caspienne. Nouv. Jour. Asia. T. II, p. 450, 1828.

FRASER, J.B. : History of Persia, published in the Edenburg Cabinet Lib.

طرحی از بناهای قصر صفی‌آباد دارد .

FRASER, J.B. : A Winter's Journey from Constantinople to Tehran. London, 1838.

صفحات ۱٤۵ ـــ ۱۳۱ دربارهٔ فیروزکوه ، شهمیرزاد ، شاهرود مطالبی دارد .
ودر صفحات ٤۸۲ ـــ ٤۱٦ اطلاعاتی درباره مشهدی‌سر (بابلسر) ایزی ده (ایزده) و سخت‌سر (رامسر) آمده است .

FRASER, J.B.. Adventures in the Persian Provinces on the southern banks of the Caspian Sea. Loudon, 1826.

در صفحات ۲۵ــ۱۲ مطالبی در بارهٔ اشرف ، ساری ، بارفروش ، آمل ، ایزدی‌ده، علی‌آباد ، آب گرم ، لاهیجان می‌توان یافت .

FRASER, J.B. : Narrative of a Journey into Khorasan in the year 1821 and 1822. London, 1825.

GASTEIGER-RAVENSTEIN-KOBACH : Rundreise durch die Nördlischen provinzen Persiens. 1862.

در صفحات ۳۵۶ ــ ۳۶۱ در بارهٔ تهران ، فیروزکوه ، سوادکوه ، ساری ، اشرف (بهشهر) واستراباد (گرگان) مطالبی دارد .

GEIGER & KUHN : Grundriss der Iranischen philologie, die Kaspischen Dialecte.

در صفحات ۳۸۰ــ۳۴۴ در بارهٔ لهجهٔ حاشیهٔ دریای خزر مطالبی دارد .

GEIGER : Ostiranische Kultur, 1882.

GMELIN, S.G. : Reise durch Russland zur untersüchung der drei Natturliche. T. II Reise durch das Noerdliche Persien. T. IV Zweyte Persichen Reise. 1770-1784.

صفحات ۴۷۲ ــ ۴۴۶ مطالبی دربارهٔ آمل ، بار فروش ، علی‌آباد (شاهی) ساری واشرف (بهشهر) دارد .

GOLUBIANTNIKOV : Neftiyanoye i Slantsevoye Khoziaystvo. Moscow, 1921.

GREWINGK, C. : Die Geognostischen und Orographischen Verhältnisse der Nördlischen Persia. St. Petersburg, 1853.

GROHMANN, R. : Die Entwicklugs — geschichte des Kaspisees und des Schwarzen Meeres. Leipzig, 1937.

GUILLINY, E. : Essai sur le Ghilan. Bull. de la Soc. de Géog. de Paris, Fév. 1866, Sec. V T. II pp. 81-104.

HABLITZL, C. Bemerkungen in der Persischen Landschaft Gilan, und auf dem Ghilanschen Gebirge in dem Jahren, 1773-1774. St. Petersburg, 1783.

HAMMER : Die Sprache Thaberistans' FUND GR. d.o. 1813. Bd. III. S. 46.

HANTZSCHE, J.C. : Physicalisch — Medicinische Skizze von Rescht in Persien. Virchow's Archiv. Bd. XXV. Berlin 1862.

HANTZSCHE, J.C. : In einer Persischen Turnhalle Gartenlaube, 1863.

HANTZSCHE, J.C. : Der Aufstand in Rescht im Jahre, 1855.

Z.D.M.G. Bd. XII, S. 309-314.

HANTZSCHE, J.C. : Palaste Schah Abbas I von Persien in Masandaran. Z.D.M.G. 18, 1864.

HANTZSCHE,, J.C. : Specialstatistik von Persien. Koner's Zeitsch. der Ges. für Erdk. in Berlin, 1869, t. IV part, V.

HANTZSCHE, J.C. : Beiträge zur Geographie und Alterthumsikende Nordpersiens, Z.D.M.G. 1862, T. XVI, pp. 525-532.

HANTZSCHE, J.C. : Topographie und Statistik der Persischen Turkmanen. Zeitschrift Allgemeine Erkunde, Berlin, 1862. No. 110.

HANZSCHE, J.C. : Talysch, eine geografische skizze. 3 ter Jahresbericht des Veriens für Erkunde zu Dresden 1866. Anhang, pp. 1-64.

HANZSCHE, J.C. : Frühere und Gegenwärtige Politische Eintheilungen der Landschaften von Talysch im W. bis S.W. des Südlichen Beckens des Kaspischen meeres. Koner's Zeitsch. für Allgemeine Erkunde; Neue Folge, T XIX, part VII, pp. 148-151.

HAMMER : Die Geschichte der Assassinen. Stuttgart und Tübingen, 1818.

HANWAY, Jonas : An historical account of the British Trade over the Caspian Sea, with a Journal of Travels and the Revolution of Persia. In 4 Vol. London, 1753. In 2 Vol. London, 1762.

ج ۱ ، فصل سیزدهم ، صفحات ۱۹۸ — ۱۹۲ در بارهٔ لنگرود ، آمل ، بارفروش ، اشرف اطلاعاتی دارد .

ج ۱ ، فصل بیست‌وپنجم ، از ص۱۰۹ از لنگرود تا استراباد را با قایق طی کرده و سوانح سر راه را نوشته و دماوند را از دور دیده است .

ج ۱ ، فصل بیست‌وهفتم ، صفحات ۱۴۹ — ۱۳۹ دربارهٔ استراباد وبارفروش (بابل) مطالبی دارد .

HANWAY, J. : Zuverlässige Beschreibung seiner Reisen von London durch Russland und Persien etc. 1754.

HASSEL, G. : Vollständige und neueste Erdbeschreibung, 1821.

HERBERT, A.J. : Report on the Trade and Industries of Persia, 1886. Dip. and Cons. Reports.

HERBERT, O. : Relation du voyage de Perse et des Indes Orientales. Paris, 1663.

HERZFELD : Reisebericht. Z.D.M.G. 1926, p. 278.

مطالبی در بارهٔ بسطام ، رادکان ، ، گردنهٔ شمشیربر ، دامغان دارد .

HOLMES, W.R. : Sketches of the shores of the Caspian. London, 1845.

فصل دهم مطالبی در بارهٔ کلارستاق ، نور ، آمل ، فرح‌آباد ، استراباد دارد .
فصل هفدهم شرحی در بارهٔ ساور ، شاه‌کوه ، گردنهٔ شمشیربر ، چشمه‌علی دارد .

HOMMAIRE, DE HELL, XAVIER : Voyage en Turqui eet en Perse. Paris, 1854-1860.

فصل سوم صفحات ۳۳۶ ــ ۲۱٤ مطالبی دربارهٔ تهران ، لار ، آمل ، اشرف ، استراباد ، رادکان ، کرد محله دارد ، و در فصل چهارم صفحات ــ ۲۸۵ــ ۳۰۶ راهها را شرح داده است .

HOTZ, A. : Persian Trade Poutes. Journal of the Society of Arts, London, March 10th, T. XLVII, pp. 341-359.

HUART, CLEMENT : Les Ziarides. Extrait des mémoires de l'academic des Inscription et Belles - Letteres, T. XLII, Paris, 1922.

INOSTRANTSEV : The customs of the inhabitants of the Caspian provinces in the tenth century. Zhiwaya Stariva, 1909.

این کتاب به زبان روسی است عنوان آن ترجمه شده است .

IWASCHINZOFF : Die Russische Aufnahme des Kaspischen Meeres. Mittheilungen .US.W., 1863.

JUSTI : Iranisches Namenbuch, 1895, pp. 430-435.

جداول آن نیز به کار شمال می‌آید .

KHANYKOV, N. : Mémoire sur l'ethnographie de la Perse. Paris, 1866.

KHANYKOV, N. : Voyage Scientifique de M. Dorn dans le Mazanderan, le Caucase et le Daghestan. Journal Asiatique. Feb. 1862, pp. 214-225.

KINNEIR, J.M. : Memoire Géographique sur l'Empire de Perse. Trd. par G. Drouville. St. Petersburg, 1827.

KLPROTH, J. Von. : Russisch-Persisch-Türkishe Graenzbestimmung in Jahre, 1727, in Fundgruben des Orients, T. VI, pp. 349-358. Vienne 1818.

KOSTOMAROV : Der Aufruhr Stenko Rasin. St. Petersburg, 1859.

اصل کتاب به زبان روسی است و نام آن به آلمانی ترجمه شده است .

KRAFFT, A. : Uber HRN. PROF. Dr. OLSHAUSENS Entzifferung der Pehlawi-Legenden auf Münzen Wien. JAHRB. 106, 1844.

KRUSINSKI : Prodromus ad Tragicam Vertentis belli Persici His-

torian Leopoli, 1740.

KUNIK, E. Notes sur l'expédition des Russes Normands en 944 vers les pays situées aux bords de la mer Caspienne d'apres Nizami, IBN-AL-ATHIR et AINY. Bullet. de l'acad. T. 4. 1848.

LAFONT, D.F. : La Sericiculture en perse. Bull. de l'off. l'agriculture, Août 1908.

LAFONT, D.F. : Sur la fabrication des graines de vers à soie en Perse. Bull. de l'Union Franco-Persane. Paris, 1911.

دربارهٔ درختان جنگلی شمال اطلاعات مفصلی دارد .

LANDOR, A.H. SAVAGE : Across Coverted Lands, London, 1902. T. Irst, pp. 36-72.

LANIER, L. : L'Asie. Paris, 1904. T. Irst pp. 483-519.

LEINAT, F. Methodo di Allevamento in Persia; il tilimbar. Une analyse de cet opuscule se trouve dans "Il Bacologo Italiano, Anno IV, 1881-1882."

LE STRANGE, GUY : The Lands of the Eastern Caliphates, Mesopotomia, Persia, and Central Asia. Cambridge 1905, pp. 368-372.

LOVETT, C.B. Report on Astarabad. (Consular Reports March 1882).

LOVETT, C.B. Itinerary Notes of Route Surveys in Northern Persia in 1881 and 1882. Proceedings R.G.S. Vol. V, Feb. 1883, with maps.

MACKENZIE, F. : Report on the Persian Caspian provinces. Rasht 1859-1860. In manuscript.

MARQUART : Alexander's Marsch von Persepolis nach Herat. in Untersuch. z. Gesch. von Eran. II 1905. pp. 45-63.

MARQUART, : Eranschahr nach der Geographie des ps. Moses Xorenachi (abhandlung der Königl. Geselschaft der Wissenschaften zu Göttingen Neue Folge 1Bd. III 1899-1901.

در صفحات ۱۳۶ ــ ۱۲۹ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

MAZE (le père de la) : Lettres edifiantes et Curieuses. Edition merigot T. IV p. 80.

MELGUNOF, G. : Die Sudliche ufer des Kaspischen Meeres oder die Nordprovinzen Persien. Leipzig, 1868.

MELGUNOF, G. : Essai sur les Dialectes de Mazandéran et du Ghilan, d'après la pronunciation locale. Z.D.M.G., Vol. XVII, pp. 195-224.

MELGONOF. G. : O yuznom berege Kaspiskago Moria
Appendix to Vol. III of Zapiski Akadem. Nauk. St. Petersburg,

1863, pp. 95-195.

Zenker has translated this book into German by the name of Das Südlische ufer des Kaspischen meeres. Liepzig, 1868.

MILES, GEORGE : The Coinage of the Bawandid of Tabaristan.

MONTEITH, E.I.C. : Journal of a Tour through Azerbaijan and the shores of the Caspian. J.R.G.S. London, 1834, T. III, pp. 17-26.

MORDTMANN, A.D. : Nachrichten über Tabaristan aus dem Geschichts - werke Tabaris. Z.D.M.G., Bd. II, p. 285.

MORDTMANN, A.D. : Erklärung der münzen mit Pehlewi-Legenden. Z.D.M.G. Bd. VIII v. XII, 1854.

MORDTMANN, A.D. : Münzen der Sassaniden. Z.D.M.G. Vol. XXXIV, pp. 1-162. 1880.

MORIER, M.J. : Voyage en perse. Paris, 1813.

این کتاب از زبان انگلیسی ترجمه شده است .

MORIER, M.J. : Second journey in Persia. London, 1818.

در فصل بیست و سه مطالبی دربارهٔ تهران ، بومهن، دماوند، باغشاه، فیروزکوه، آسران ، فولاد محله ، چشمه‌علی ، ساور ، استراباد دارد .

MURAVIEW: Voygges en Turcomanie et à Khiva. St. Petersburg, 1823.

NAPIER, G.C. : Extracts from a diary of a tour in Khorasan. J.R.G.S. XVI, 1876, pp. 62-171.

دربارهٔ قلهك، گیلیارد، فیروزکوه، گورسفید، خنگ‌رودبار، چشمه‌علی، چهارده، شمشیربر ، اسپی‌نزا ، شاهرود، مطالبی دارد . این‌کتاب دارای نقشه‌های بسیار خوبی است .

NIEDERMAYER, O. : Die Persien Expedition mitt d. Geogr. Gesell. in München VIII, 1913, pp. 177-188.

مطالبی در بارهٔ فیروزکوه ، تورود ، پلور (بفتح پ و واو) ، ساری ، نکـا ، سفیدچه دارد .

NOEL, J.B. : A Reconnaissance in the Caspian Provinces of Persia. J.R.G.S. June 1921, Vol. LVII, No. 6, pp. 401-418.

در بارهٔ تهران ، آمل ، فرح‌آباد ، نور ، کجور و تنکابن مطالبی دارد .

O'DONOVAN, E. : The merve oasis. Vol. I, New York, 1883.

دربارهٔ تهران ، آمل ، فرح‌آباد ، نور ، کجور و تنکابن مطالبی دارد .

OLEARIUS. ADAM : Relation du Voyage d'Oléarius en Moscovie, Tartarie et Perse. Traduit par A. de Wicquefort. Paris, 1659.

ملگونوف سال انتشار را ۱۶۷۶ ذکر کرده است .

OLSHAUSEN, D. Justus : Mazdoran und Mazanderan. Gesammtsitzung der Akademie, 23 Nov. 1876, Vienna, pp. 777-783.

OLSHAUSEN, D. Justus : Die Pehlewi-Legenden auf dem Münzen der Letzten Sassaniden. Kopenhag, 1843.

ONGLEY, H.H. : Report on the Trade and Commerce of Ghilan for the year 1866. (Consular Reports).

ORSOLLE, E. Le Caucase et la Perse. Paris, 1888.

در صفحات ۱۷۴ ــ ۱۴۲ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

OUSELEY, W. : Travels in various countries of the East, more particularly Persia. 3 Vol. London, 1819-1823.

در فصل سوم اطلاعاتی در بارهٔ : فیروزکوه ، سرخ رباط ، زیرآب ، شیرگاه ، علی‌آباد (شاهی) ، ساری ، اشرف (بهشهر) ، فرح‌آباد ، آمل ، میان‌کلا ، دماوند آمده است .

PATENOTRE, Jules. : Les Persans Chez Eux. Revue des deux Mondes. Mars 1875, 1875, pp. 145-168.

اطلاعاتی در بارهٔ گیلان دارد .

PETERMANN,A. : Mittheilungen aus Justus Perthes Geographie Anstalt. 1861. Zwei Neue Messungen des Demavand, 1862.

PIETRO dellaValle : Viaggi. 1618. Part II, letter IV.

در این قسمت مطالبی راجع به مازندران دارد .

POLAK, J.E. : Persien, das Land und seine Bewohner. Leipzig, 1865.

در قسمت اول صفحات ۵۸ ــ ۵۵ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

POLYBIUS, X, pp. 28-31.

مطالبی دربارهٔ حملهٔ اسکندر به صفحات هیرکانیا دارد .

POTEVES, DESABRAN, JEAN DE : Notes de Voyage d'un Hussard. Paris, 1894.

POPE, Arthur Uphan (Editor) : From prehistoric times to the present. (edition de luxe) Oxford University Press, London and N.Y., 1938.

POPOF : Geschichte des Aufstandes Stenko Rasin's. Moscow, 1857.

اصل کتاب به زبان روسی است نام آن به آلمانی ترجمه شده است .

POSLAWSKI, Général : D'un Voyage sur les rivières Atrek et Gurgan, 1900. Extrait des comptes rendus des Séance du Cercle Turkestanais des amateurs d'archéologie, Protocole 4.

PRICE, D. : Chronological Restoropects of Memoirs of the Principal Events of Mohammedan History. London, 1811, 3 Vol.

PUGH, John : Jonas Hanway; Remarkable Occurrences in His Life; comprehending an abstract of such of his travels in Russia and Persia as are most interesting. London, 1787.

PUSCHKIN, Capt. : The Caspian Sea.

متن کتاب به زبان روسی است نام آن به‌انگلیسی ترجمه شده است .

QUATREMERE : Notice de l'ouvrage "Mesalek-al-Absar fi Memalek-al-Amsar. Noticse et manuscrits. Paris, 18383.

فصل سوم صفحات ۳۰۰ـ۲۹۲ مطالبی راجع به گیلان دارد .

QUERRY, A. Le Qabous-namé. Paris, 1886.

RABINO, H.L. : A journey in Mazandran. J.R.G.S. Nov. 1913, pp. 435-454.

RABINO, J. : Banking in Persia. Journal of the Institute of Bankers. London, 1892.

در این صفحات راجع به رشت تا ساری مطالبی دارد .

RABINO, M. Les Dynasties du Mazandaran de l'Iran de l'an 50 Avant l'Hegire al'an 1006 de l'hegire, d'après les chronique locales. J.A. CCXXVIII, (1936), pp. 409-437.

با شجره‌نامه‌ای در صفحه ٤١٦ .

RABINO, H.L. : Mazandaran and Astarabad, 1928.

وصف راههای ساحلی ، تشکیلات اداری ، فهرستی از دهکده‌ها ، کتیبه‌های اسلامی در صفحه ۲۰ این کتاب فهرست مفصلی از کتب دربارهٔ ساحل دریای مازندران است .

RABINO, H.L. : Silk in Ghilan, Mazandaran and Astarabad, 1907. Un résumé de ce rapport se trouve dans "The Board of Trade Journal" 6 juin 1907, pp. 455-460.

RABINO, H.L. : Report on the production of Rice in the province of Ghilan, Mazandaran and Astarabad. Une notice de ce rapport se-trouve dans "The Board of Trade Journal" 25 April 1907, p. 185.

RABINO, H.L. : Report from March 21, 1907 to March 20, 1909, on

the trade of the Persian Caspian provinces, consular district of Resht and Astarabad Diplomatic and Consular Reports, Ann series, No. 4398.

RABINO, H.L. : Report from March 20, 1903, to March 20, 1907, on the Trade of the consular district of Resht and Astarabad. Dipl. and Cons. Reports, Ann series No. 3864.

RABINO, H.L. : Reports from March 21, 1909 to March 20, 1911, on the Trade of the Persian Caspian provinces. Consular district of Resht and Astarabad. Dipl. and Cons. Reports Ann. series No. 4828.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : L'Industrie Séricicol en Perse Montpellier, 1910.

RABINO, H.L. : Report for the year 1910-1911 on the trade and general condition of the city of Barfurush and the province of Mazandaran Dipl. and Cons. Reports, Ann series No. 4812.

RABINO, H.L. : Culture du tabac en Guilan. Progrès Agricole et Vitocol. Montpellier, 1911.

RABINO, H.L. and LAFONTE, D.F. : La Culture du Riz en Guilan et dans les autres province du Sud de la Caspienne, Montpellier, 1911.

RABINO, H.L. : Carte de la province du Guilan, dressée et dessinée par le Capitaine Faure, et publiée par la Société Lyonnaise sericicole et soies d'Extrême-orient. Lyon, 1914.

RABINO, H.L. : Les anciens sports du Guilan. "Revue du Monde Musulman, Mars 1914.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : Culture de la Gourde à Ghalian en Guilan et en Mazandaran. "Revue de Monde Musulman", 1914. T. XXVIII.

RABINO, H.L. : Les provinces Caspiennes de la Perse. Paris, 1917.

RABINO, H.L. : A journey in Mazandaran from Resht to Sari. J.R. G.S. Nov. 1913, pp. 435-454.

RABINO, HL. : Les dynasties Alaouides du Mazandaran. Journal Asiatique, Avril-Juin 1927. pp. 253-277.

RABINO, H.L. : Mazandaran and Astarabad, London, 1928. Persian text printed at Cairo.

RABINO H.L. : Reports on the trade and general condition of the city and province of Astarabad. Dipl. and Cons. Reports, Ann. series No. 4381.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : Culture de la Canne à Sucre en Mazandéeran "Revue de monde Musulman".

RABINO, H.L. : Culture des plantes textiles (Coton, chanvre, etc.) en Guilan et Mazanderan.

RABINO, H.L. : Album of coins, medals and seals of the Shahs of Iran (1500-1948). Oxford University Press, 1951.

RADDE, G. : Reisen an der persisch - Russischen Grenze Talysh und Seine Bewohner. Leipzig, 1886, pp. 365-377.

RADDE, G. : Die Fauna und Flore des Südwestlichen Caspi-Gebietes. Leipzig.

RADDE, G. : Reise auch Talysh, aderbaidschen und zum Sawalan, 1879-1880. Petermann's mitt, 1885.

RADDE, G. : Talysh, das Nordwestende Alburs und seine Tiefland. Petermann's mitt, 1885.

RAWLINSON, H.C. : Notes of a journey from Tabriz, through Persian Kurdistan to the Ruins of Takht-i-Soleiman, and from thence by Zenjan and Tarom to Gilan, in Oct. and Nov. 1838. J.R. G.S.T.X. pp. 1-64. London, 1841.

RAUSCH von TRAUBENBERG, PAUL : Hauptverkehrswege Persiens. Halle a.s. 1890, pp. 54-60.

REHATSEK : The Baw and Gaobarah Sepahbuds along the Caspian shores. Journal Bombay Br. R. Asiat. S. 1876. T. XII, pp. 412-445.

RIES, P. : Voyages dans le Guilan et le Mazandéran. Zapisk. Kavkask. Geogr., Vol. VI, 1864.

متن به‌زبان روسی است عنوان به‌فرانسه ترجمه شده است .

RITTER, K. : Die Erkunde von Asien. Berlin, 1838.

صفحات ۵۱۴ ــ ۴۷۱ : جاده‌های رشته البرز .

صفحات ۵۵۰ ــ ۵۱۴ : نواحی ساحلی مازندران .

صفحات ۵۹۵ ــ ۵۵۰ : دماوند .

ROLLIN, CHARLES : The ancient history of the Egyptians, Carthaginians, Assyrians, Babylonians, Medes and Persians, Grecians and Macedonians, with notes by James Bell. 2 Vol. Glasgow, 1842.

ROUSSKIA KONSOULSTVA, Vol. du dixhuitième siècle. Ce volume continent de nombreux extraits de la correspondance des consuls Russes au Guilan pendant le dix-huitième siècle.

RUNDREISE Durch die Nördlichen provinzen Persiens nach briefl.

Mittheilungen des Ritters von Gasteiger-Ravenstein Kobach an Hr. Dr. Brugsch Zeitschr. f. Allg. Erkunde. Berlin, 1862. No. 1071, p. 341.

SACHAU. Ein Verzeichniss des Muhammd. Dynastien. Berlin, 1923.

SARRE, F. : Denkmäler Persischer Baukunst.

ذکری ازامامزاده‌یحیی درساری‌داردواین بنا را به‌نام ملامجدالدین‌خوانده‌است‌در صورتیکه قبرمجدالدین باسلطان‌رضاکیا در یک‌بناوبرسرراه فرح‌آباداست.

SARRE, F. : Reise in Mazanderan (Persien) Zeitschrift der Geselschaft fur Erkunde, 1902.

در صفحات ۱۱۱ ـ ۹۶ ذکری از دماوند و آمل و اشرف (بهشهر) و بندرگز دیده می‌شود .

SAUVAIRE, H. : Lettre à propose d'un dérham 'Alide du Guilan appartenant à M. de Saint - Laumer, 1887.

SCHINDLER, A.H. : Reisen in Nordlichen Persien. Zeitsch. d. Ges. F. Erd. Zu Berlin, 1879. T. XIV p. 119.

SCHINDLER, A.H. : Rice and Sugar in Persia. Unite States Consular reports 1888.

SCHINDLER, A.H. : Notes on Demavand, proceedings R.G.S. Feb. 1888.

SCHINDLER, A.H. : Eastern Persians. Irak. R.G.S. 1897.

SEIDLITZ : Handel und Wandel an der Kaspischen Südküste. Pet Geog. Mitt, 1869, pp, 98-103 and 255-265.

در بارهٔ سفیدرود ، مشهدسر (بابلسر) و بندرگز و اشرف (بهشهر) و کاخ صفی‌آباد مطالبی دارد .

SHEIL, LADY : Glimpses of Life and Manner in Persia. London, 1886.

SHIEL, JUSTUS. LIEUT. COL. : Itinerary from Tehran to Alamut and Khurrem-abad. Journal of the Royal Geographical Society. T.I. 1837.

SCIENCE MILITAIRE (Journal de) T. II., Notice Geographique et statistique sur le Guilan et le Mazanderan,, provinces de l'Empire de Perse.

SOCIETY OF ARTS (Journal of): Silk production in Persian, Nov. 19, 1886.

SOIMONOFF : Opisanie Kasniiskago Mora. Beschreibung des Kaspichen Meeres, mit Geographischen Zusatzen von Müller) St.

Petersburg, 1763.

SOKOLOV, AL. : Abriss der Geschichte der Reisen auf des Kaspischen Meere. Moscou, 1854.

متن کتاب به روسی است . عنوان آن به آلمانی ترجمه شده است .

SONO, TOSHIHIKO and FUKAI SHINJI : Dailaman III. The excavation at Hassani Mahalleh and Ghale Kut. 1964.

این کتاب در سال ۱۹۶۸ منتشر شده است .

SPIEGEL, Fr. : Nachrichten über Tabaristan. nach dem Tarikh-i-Tabaristan von Abol Hassan Ben Isfendiar Z.D.M.G. Bd. 18, p. 62.

SPIEGEL, Fr. : Eran Altertunskunde, 1871. I., pp. 64-74.

SPIEGEL, Fr. : ERAN, Berlin, 1863.

STACK : Six months in Persia. London, 1882.

فصل دوم صفحات ۲۰۲ ــ ۱۷۰ در بـارهٔ تهران ، کوه دمـاوند ، مشهدی‌سر (بابلسر) اطلاعاتی دارد .

STAHL, A.F. Notes on the march of Alexander the Great from Ecbatan to Hyrcania, J.R.G.S. Oct. 1928, pp. 312-319.

STAHL, A.F. : Reisen in Nord und Zentral Persien, with maps, Pet. Geog. Mitt. Ergäsheft, No. 118. Gotha, 1896, Blatt I, 1895.

درصفحات ۱۸ــ۷ : شرحی دربارهٔ تهران ، کلارستاق ، نور ، لار ، دماوند ، آمل ، فیروزکوه ، علی‌آباد (شاهی) آمل ، استراباد (گرگان) تاش ، چهارده ، سمنان با نقشه‌ای مشروح آمده است .

STAHL, A.F. : Die Orographischen und hydrographischen verhältnisse des Elburzgebirges in Persien. Pet. Geog. Mitt. 1927, Heft 7, 8 mit karte, S. Tafel 13.

STAHL, A.F. : Zur Geologie von Persien. Pet. Geog. Mitt. Ergsft. 122. pp. 39-43. Gotha, 1897.

STAHL, A.F. Reisen in Zentral und West Persien. Pet. Geog. Mitt. 1905.

STAHL, A.F. : Reisen in Nord und West Persien. Pet. Geog. Mitt. 1907. Heft VI, pp. 121-132. Tafel 10.

STAHL, A.F. : Die durch Nivellierung des Rescht-Tehraner Wegs erhalten Höhen. Pet. Geog. Mitt. Ergsft, 1902.

STICKEL, J.G. : Allteste Muhammedanische Münzen bis zur mün-

zreform, Abdul Melik's. Leipzig, 1870.

STODART, R. : The Journal of Robert Stodart, published with an introduction and notes by Sir E. Denison Ross. London, 1935.

ترجمهٔ احمد توکلی ، فرهنگ ایران زمین ج ۸ ص ۲۲۰ — ۱۶۱ — سال ۱۳۳۹ .

STOLZE et ANDREAS : Die Handelsverhältnisse Persiens. Pet. Georg. Mitt. Ergsft 77. Gotha, 1885.

STRABO : The geography of strabo translated with notes, the first six volumes by H.S. Hamilton, the remainder by W. Falconer. 3 volumes. Bohn's Classical Lib. London, 1912.

STUART, Gen. Charles : Journal of a Residence in northern Persia and the adjacent provinces of Persia. London, 1884.

در صفحات ۲۸۴ — ۲۴۷ از شهر دماوند ، فیروزکوه ، زیرآب ، ساری و آمل و تهران بحثی به‌میان آمده است .

TSUCKNBERG, S.C. : Hydrographie des Russischen Reiches T.5., 1848.

SVEN HEDIN : Genom Khorasan. Stockholm, 1892.

در قسمت اول صفحات ۶۹ — ۵۷ از دامغان و چهارده و جهان‌نما و استراباد شرحی به میان آمده است .

SYKES, MAJOR P.M. : A sixth journey in Persia. J.R.G.S. January 1911, London.

TEXIER, C. : Description de l'Armenie, la Perse, et la Mesopotomie. Paris, 1842-45.

THEVENOT : The travels of Monsieur de Thevenot into Levant. London, 1687.

THOLOZAN, Dr. J.D. : Sur les Vents du Nord de la Perse et sur le Foehm du Ghilan. Comptes Rendus, Acad. Sc. de Paris, 1885.

THOMAS, EDWARD, F.R.S. : Recent Pehlawi decipherments. London, 1872.

THOMAS OLDFIELD, F.R.S. : On Mammals from northern Persia, presented to the National Museum by Col. A.C. Bailward. Annals and magazine of Natural History, Ser. 7, Vol. XX, Sept. 1907.

THOMSON, TAYL : An account of the ascent of mount Demavand in 1837. Journal of the Royal Geographical Society, T.I., 1838.

TOMARA, M.L. : Economicheskoé Polojenié Persié. St. Petersburg, 1895.

TORNAUW : Aus der Neuesten Geschichte Persien. Z.D.M.G. 3 Bd. 1849.

TORNBERG : Sur une monnaie de "THAIR FILLAH". Revue Archaeol. 1855, p. 427.

TOWNLEY, W. : Cultivation of Olives in Gilan, 1891. Dipl. and Cons. Rep. Misc. Ser. 191.

TREZEL, Colonel : Notice sur le Ghilan et le Mazandéren, dans le voyage en Armenie et en Perse (1805-1806 de p. Amédée Jaubert. Paris, 1821.

VANDENBERGHE, L.: Archeologie de l'Iran Ancien. Leinden E.J. Brill, 1959. این کتاب را آقای عیسی بهنام به پارسی ترجمه‌کرده‌اند .

VASMER, R. Die Eroberung Tabaristan durch die Araber zur zeit des chaliefen al-mansur. Verlag der Asia major. Leipzig. Separat druck aus Islamica.

VASMER, R. Die Münzen der Ispehbed und Statthalter von Tabaristan.

VOSKOBOINIKOV : Puteshestviye po severnoi persii. 1843-1844. Gornii Zhurnal, St. Petersburg, 1846.
German translation in Ermans Russ Archiv.
مطالبی در زمین شناسی شاهکوه ، ساری ، فیروزکوه ، کجور ، تهران دارد .

Voyage de monsieur le chevalier chardin en Perse, et autre lieux de l'orient. Amesterdam, 1711.

V. WEISS und V. STARKENFELS und TH. V. SCHWARZ HUBER: Key Kaws im Masenderan, aus dem Schahname etc. Wien, 1841.

WAHL, G. : Altes und Neues Vorder und Mittel-Asien. Leipzig, 1795.

WELLS, Lt. Col. H.L. : Across the Elborz mountains to the Caspian Sea. The Scotish geographical magazine. Jan. 1898.
در صفحات ۹ ـــ ۱ از افچه و کجور و نور رودبار و ملاکلا بحثی به‌میان آمده است .

WHIGHAM, H.J. : The Persian problem, London, 1903.

WILBRAHAM, :Travels in the Trans-Caucasian Provinces, London. 1839.
در صفحات ۴۷۷ ـــ ۴۲۳ شرحی دربارهٔ تهران ، فیروزکوه ، زیرآب ، ساری، اشرف (بهشهر) و آمل دارد .

WINDT, H. de : A Ride to India across Persia, London, 1891.
شرحی راجع به راه رشت تااستراباد در این کتاب آمده است .

WULSIN, F.R. : Excavation at Tureng Tepe near Asterabad. Supplement to the bulletin of the American institute for Persian Art and Archaeology, Vol. II, No. 1 bis, March 1932, New York.

ZAMBAUR, EDUARD VON : Die Münzprägunagen des Islam Zeitlish und Ortlich Geordnet. Wiesbaden, 1968.

در این کتاب از ضرابخانه‌هـــای آمل ص ٣٤ و استراباد ص ٤٦ و تیمجـــان ص ٩٣ و جرجان ص ٩٦ و چوکام ص ١٠٢ ودنباوند ص ١١٨ و دیلم ص ١٢٢ رستمدار ص ١٢٦ و رشت ص ١٢٧ و رودبار ص ١٢٨ و ساری یا ساریه ص ١٣٦ و طارم یا طرم ص ١٦٩ و طبرستان ص ١٧٠ و فریم ص ١٨٥ و گرجیان ص ٢٠٤ و کرسی‌الدیلم ص ٢٠٦ وگویج و چوکام ص ٢١٥ و گیلان ص ٢١٦ و لاهیجان ص ٢١٨ و لشتشاه ص٢١٩ ومازندران ص ٢٢١ وهوسم ص ٢٦٧ سخن بهمیان آمده است .

ZENOVIEFF : Statistique du Guilan de Chahroud et de Bastam, 1879-1881.
متن این کتاب به زبان روسی است . عنوان آن به فرانسه ترجمه شده‌است .

ZUSTAND : Des Russ Handels in der persischesn provinz Masanderan, St. Petersburg. 1836.

فهرست کتبی که قبل از زمان ملگولوف نویسندگان روسی دربارهٔ گیلان و مازندران و گرگان نوشته بوده‌اند

BEREZINA,I. : Puteshestviye po severnoy persii Kazan, 1852.

BLARAMBERGA, N.F. : Statisticheskoye obozryenis Persii, 1841. Zap. Russk. Geogr. Obsh. 1850 i 1853.

BLARAMBERGA, N.F. : Zhurnal Vedenbii vo vremai zkpelesi gla obozhrenia vostochn. ber. Kasp. Moriya, 1836.

BLARAMBERGA, N.F. : Topographicheskoyé i statisticheskoyé opisaniye vost-berega Kasp. Moriya.

BODZ, K. : Opisaniyé Torkmenskoy Zemli. Otech. Zap. 1856, G. Iyul i Avgust.

BODZ, K. : O Turkmenskikha pokoleniyax : Yamudakh i Gokpanakha. Zap. Rus. Geogr. Obsh. 1847. KN. 2.

DRUVILA, G. : Puteshestviyé po Persii ve 1812 i 1813 G. G. Prev. Sfrantz, 1826.

IVASHINSOVA, N. : Noveysheye opredeyleniye Gori Damavend and uruvenem Kasp. Moriya. Morskoy Sbornik, 1861, No. 4.

IVASHISOVA, N. : Pisma siyuzhnago Kaspiskavo pribrezhiya Doktora M. Zhurnal "Vremiya", 1862.

IVANINA, M. Poyesdka na Polustova Mangishlaka, 1846. G. Zap Rus. Geogr. Obshch. KN 2. 1847.

GMELINA SAMUILA GOTLIBA : Puteshestviya po Rossi gla izsledovaniya vesex triox zartsv veleriroje. S. Peterb., 1785. u.z.

KAZEMA-BEKA : Muridizma i Shamil. Zhurnal "Ruskoye Slovo," 1859, Dekabr.

KAZEMA-BEKA : Nadpisi Mazandaranskiya i Gilanskiya Otchet Akademika Dorna o puteshvii po Kavkazu i Persii. St. Peterb, 1861.

KASTOMAROVA, N. : Bunga stenki Razina, izd. 2. St. Peterb., 1859.

KASTOMAROVA, N. : Bunga stenki Razina, izd. 2. St. Peterb, 1819 1820, G.G. Moskva, 1822.

MELGUNOV, G. : Kaspeyskago Moriya. St. Peterb., 1863.

POPOVA, A.N. : Snosheniya Rossi i Khivoyu Bokharoyu pri petre velikom. Zap. Rus. Geogr. Obshch., 1853.

RISSA : O Taleshinazakh ikha obraze zhizni i yaziki. Zap. Kavk. Otd Rus. Geogr. Obshch., 1853.

Rukopis sa Zamechaniyami Sovorova, 1780-1783, Sostavllenaya ve Astrakhan i ma Kubani.

SAVELEVA : Mukhamedanskaya Numizmatika ve Otnosheni ka Ruskoy istorii. St. Peterb., 1846.

S. Peterburgskiya Vedomesti, Ostrov Ashuradé, 1863, G. No. 63.

SOYMONOVA : Opisaniyé Kaspiskago Moriya sa Dopolneniyami izdatela istoriographa millera. St. Peterb., 1763.

KHANIKOVA, N. : O premezha - Yushchikhsiya i izmeneniyakh urovniya Kaspeyskago Moriya. Zap. Kavk. Otd. Rus. Geogr. Obshch. KN. 2. 1853.

KHANIKOVA, N. : Voskhozhdenia na Demavand. Zap. Kabk. Geog. Obshch. 1853.

اصطلاحات فنی و لغات محلی

آویز : قسمتی از نوعی تزیین درهای چوبین است . پاره‌چوبی با کنده‌کاری از کلگی چهارچوب در حدود بیست سانتیمتر پایین آمده و بالای در ورودی قرارمی‌گیرد. این‌نوع کار دربقعهٔ الثایربالله‌درمیانده سیاهکله‌رود گیلان وامامزاده زکریا در شکر کوه کلاردشت دیده شد (ص۱۲۳) .

آهن‌کوبی : آهن ورق را بر خرپاکوبی سقف به‌عنـوان بام یا بر بدنهٔ بنا کوبیدن (ص ۱۵۲) .

اربه (خرمندی) : نوعی درخت جنگلی که میوهٔ آن را برای اربه شیره یاسر که به‌کار می‌برند. نام علمی این‌درخت *Diospyros lotus* است (ص۲۲۹) .

اندرونی : قسمتی از بنای خانه‌های قدیمی که محل زندگی صاحبخانه و همسر و متعلقان اوست (ص۵۱) .

اوجا : از درختان جنگلی است که به نام *Ulmus Campestris* شناخته می‌شود (ص ۲۲۹) .

ایوان کتابی : ایوانی باریك در حدود یك متر عرض (ص ٤٩) .

باری : بنایی ازسنگ و گل . این واژه در دهکدهٔ فشکور شنیده شد (ص١٤٤) .

بیرونی : قسمتی از منزل مسکونی که شامل حیاط و اطاقها است و مخصوص پذیرایی مهمانان است (ص ۵۰) .

پردی کوبی (بفتح پ) = **پل‌کوبی** : کوبیدن تخته برسر واشانها از بالا . پردو در لغت کوهپایه های تهران به چوبهای دسته بیلی گویند که از داخل اطاق برسقف کوبند (ص ٢١٤) .

پشته : لبه های پیش آمدهٔ بام‌که برای جلوگیری از برخورد باران به دیوارها و پنجره‌ها ساخته می‌شود (ص ٤٩) .

پل کوبی = پردی کوبی .

پلور (بفتح پ وسکون لام و فتح واو) : تیرهای سقف را گویند که معمولا در سواحل شمال چهار نبش می‌کنند (ص ۷٤) در کوهستان نور نیز این واژه شنیده شد . در دهکده های نور به دستکهائی که روی پلور می‌اندازند رمس (بفتح راء و سکون میم وسین) گویند و چوبهائی به قطر دسته بیل که چپ وراست روی رمس می‌اندازنـد گلی (بـا چسباندن گاف و لام) گویند . تخته‌ها یا چوبهای گرده به قطر ده سانتیمتر که لاپ کرده وروی پلور بر خلاف جهت آنها قرار می‌دهند، لارده (بسکون راء و کسر دال) خوانند و به چوبهائی به قطر دسته بیل که از زیر به پلور می‌کوبند و با کوتاه و بلند بریدن آنها ، اشکال هندسی نظیر لوزی می‌سازند پردی (بفتح پ) می‌گویند .

پلورگیر = حمال = دوش‌کش : چوب قطوری که در طول بنا در وسط قرار می‌دهند و سرهای پلور از دو طرف بنا برآن می‌افتد (ص ۲۳۵) .

پنجره‌های ارسی (بضم الف و راء) : پنجره‌هائی کـه در دو طرف چهـارچوب دارای ناو هستند و از بالا به پاین و بالعکس حرکت می‌کنند . این پنجره‌ها معمولا آلت سازی دارند و شیشه‌های رنگین در آنهـا به کار می‌رود (ص ۵۱) .

تیجی = امرود : نوعی گلابی وحشی ریز است . درخت آن بزرگ می‌شود و میوهٔ فراوان می‌دهد (ص ۳۷۰) .

تیره : رشتهٔ اصلی کوه که آسمان گدار گویند (ص ۱٤۹) .

تیسکا = توسکا : از درختان جنگلی است که به نامهای علمی *Alnus Glutinosa* و *Alnus Vulgaris,* شناخته می‌شود .

چکش گردان : چوبهای چهار نبشی که سر آنها را با تراش تزیین می‌دهند ودر بالای دیوار برای نصب پشته‌ها قرار می‌دهند (ص٤٩) .

حلب پوش : بامهایی که با حلب پوشیده شده‌اند . در تهران شیروانی گویند (ص ٤٩) .

خرپاکوبی : کوبیدن چوبهای زیر شیروانی (ص ۱۵۲) .

خفنگ : پنجره های مشبك چوبین یا شیشه‌دار نورگیر که در بالای درها نصب می‌کنند (ص ۱۱۹) .

درزپوش زده : برای پوشاندن درز لمبه‌ها ، تخته‌های نازك و باریکی به پهنای چهار پنج سانتیمتر و قطر شش هفت میلی متر می‌تراشند و برروی درزها می‌کوبند لبهٔ این درز پوش گاهی زده است (ص ۷٤) .

دوش‌کش = پلور گیر (ص ۷٤) .

زگالی (بفتح زاء) : بنایی که دیوار آن از چوب است یعنی در فواصل معین چوبهای قطور عمودی در زمین قرار می‌دهند و روی آنها را از خارج و داخل چوبهائی به قطر هفت هشت سانتیمتر یا نازکتر با درازای دو سه متر می‌کوبند و فاصلهٔ این چوبها را با گل پر می‌کنند وازخارج و داخل جدار بنا را گل مالی می‌کنند (ص ۵۵) .

ستون چوبین چهار سوی پخ زده : ستونهای چوبین چهار نبش که تیزی آن‌را گرفته‌اند (ص ۵۵) .

سربند : محلی در رودخانه که بند جلو آن می‌بندند و آب‌را در نهرها می‌اندازند (ص ۱۳٤) .

سرستون : قسمتی از ستون که چوبین است وجدا ، آن را به شکلهای مختلف تزیینی می‌تراشند و برستون نصب می‌کنند (ص ٤۹) .

سرستون دهان اژدری : سرستونی است که تراش دو طرف آن به شکـــل دهان اژدها است (ص ۸۷) .

سرنال : چوب قطور چهار نبشی که روی ستونها در طول ایوان قرار می‌گیرد (ص ٤۹) .

سفال سر : بناهایی که سقف آنها را باسفال پوشانده‌اند (ص ۸۷) .

سقا سنگ : سنگاب (ص ۳۰۹) .

سقا نفار : بناهای مربع شکل بلند چوبین که بر چهار پایه استوار است و درایام عاشورا یا مواقع دیگر آداب مذهبی در آنها اجرا می‌شود (ص ۳٤٦) .

شب خسب = شاغور : درخت گل ابریشم است که از درختان جنگلـــی شمــال ایران است و در سالهای اخیر دچار آفت شده و بیشتر آنها خشك شده‌اند این درخت به نام علمی *Albizzia Julibrissim* شهرت دارد .

شمسه = نگار : قسمت اصلی تزیین که معمولا بزرگتر از سایر قسمتهاست و در متن صندوق یا در ورودی تکرار می‌شود و نقشهای دیگر از آن جدا می‌گردد (ص ۷٤) .

شهر = کیش = شمشاد : از درختان جنگلی شمال ایران است که چوب آن استفادهٔ صنعتی دارد و به نام علمی *Buxus Sempervirens* شناخته می‌شود (ص ۳۷۰) .

شیرسر : چوبهای چهار نبش با تراشهای زینتی که داخل بنا برای جمع‌کردن دهانهٔ سقف به کار می‌رود (ص ۹۰) .

شیشار = شهر (ص ۲۲۹) .

طاق جناغی : طاقی‌که بر سر درگاهها می‌زنند و میان آن تیز ونوك‌دار است . (ص ۱۳۲) .

طاقنما : قسمتی از دیوار که گودتر از سطح اصلی ساخته می‌شود . معمولا یکی دو طاقنما داخل هم می‌سازند (ص ۱۱٦) .

فرسب (بفتح فا وراء و سکون سین و باء) = پلورگیر . این واژه در دهکدهٔ رینه در بالا لاریجان شنیده شد (ص ٤۱۸) .

فرش (بضم فاء) : ماسهٔ نرم را گویند که معمولا با آهك مخلوط می‌کنند و فرش آهك می‌خوانند و جدار دیوار را از داخل و خارج با این مخلوط می‌پوشانند (ص ۲٤۰) .

فرمونی : از درختان جنگلی است (ص ۲۲۹) .

فك (بکسر فاء) = بید : از درختان جنگلی است که معمولا به نام علمی *Salix Pentandra* معروف است (ص ۲۲۹) .

قاب و آلت : درها یا صندوقها که از تخته و آلت ساخته شده‌اند . تخته‌ها معمولا شکلهای هندسی پنج ضلعی دارندکه حاشیهٔ آنها زبانه دارد و داخل کمهای آلت قرار می‌گیرد یا لبهٔ تخته‌ها تیز است و داخل اشکاف آلت می‌افتد (ص ۱۲۰) .

کراب (بکسر کاف) : از درختان جنگلی است شاید با *Carob Tree* که همان درخت کرات است و نام علمی آن *Cerasus Vulgaris* معروف است ارتباط داشته باشد (ص ۳۷۰) .

کلاه درویشی : بامهایی که به شکل منشور مثمن‌القاعده هستند (ص ۱۱٦) .

کله (بفتح اول) : اجاق (ص ۲۷۱) .

کوتی = کتی (بضم کاف) : خاکریزهای دستی یا تپه های کوچك طبیعی که بر بالای آنها قلعه و استحکاماتی ساختهاند (٦٥) .

کهله : از درختان جنگلی است که بهنام علمی *Pterocarya fraxinifolia* شناخته میشود (؟) (ص ۳۷۰) .

گلرد (بفتح اول و دوم وسکون سوم و چهارم) = و لرد (با همان اعراب) : قسمتی از کوه که سنگهای بزرگ به قطر نیم متر و هفتاد و پنج سانتیمتر بر اثر ریزش در آن جمع شده باشد (ص ٤۲۹) .

گل سری (بکسر اول و سکون دوم و فتح سوم) : بناهایی که روی سطح زمین میسازند و کرسی ندارند (ص ۳۱۱) .

گوشوار : پیش آمدگی کنج بناها نزدیك به سقف برای جمع کردن دهانهٔ سقف . معمولا بناهای چهارگوشهرا با چهارگوشوار بههشت ضلعی تبدیل میکنند و پایهٔ بام را براین هشت ضلعی میگذارند و بامی بهشکل هرم مثمنالقاعده برآن میسازند (ص ۱۱٦) .

لاچلنگری هفتو هشت : نوعی از کندهکاری برستونهـا کـه بهشکل هفت و هشت است (ص ۸۷) .

لتازه : حفاظی که با قرار دادن تخته های عمـودی جلو ایـوان میسازند (ص ۱۲۱) .

لتپوش (بفتح لام و کسر تاء) : بناهائیکه بام آنها را باتختههائی به درازی سی و سیوپنج سانتیمتر و پهنای ده پانزده سانتیمتر پوشاندهانـد (ص ۱۲۲) .

لك = **کهل** : از درختان جنگلی است که زیر عنوان «کهله» شرح داده شد (ص ۲۳٦) .

لمبهکوبی (بفتح لام) : کوبیدن تخته هائی بهپهنای پانزده بیست سانتیمتر و درازای سه چهارمتر ازداخل اطاق بر سقف تا پلورها پوشیده شود (ص ٥٦) .

مازو : از درختان جنگی شمالاستکه به نام علمی *Quercus Castaneaefolia* معروف است (ص ۲۳٥) .

ممرز (بکسر اول و سکون دوم وفتح سوم) = شرم (بفتح اول و دوم) : از

درختان جنگلی شمال است که به‌نام علمی *Carpinus Betulus* معروف
است (ص ۲۳۹)

میرکا : مهره زردی و مهره‌های دیگر را گویند (ص ۲۱۵) .

ناو : دره‌ای کم عمق که از زمینهای اطراف بیش از یکی دو متر عمق ندارد
(ص ۱۶۹) .

نگار = شمسه (ص ۱۳۳) .

واشان : چوبهای بلند چهار نبش به قطر ده دوازده سانتیمتر یا بیشتر که برای
پوشاندن سقف به کار می‌رود . در تهران به جای آنها تیر به‌کار
می‌برند (ص ٤۹) .

واشان کشی : تیر ریزی و چیدن واشانهای سقف با فواصل معین (ص ٤۹) .

هشتی : بنایی هشت ضلعی که پس از در ورودی کوچه قرار می‌گرفت و سپس
از هشتی باگذشتن از در دیگر وارد حیاط ساختمان مسکونی می‌شدند
(ص ۵۰) .

هلی : آلوچهٔ وحشی که به‌نام *Prunus Insititia* شناخته می‌شود (ص۲۲۹) .

یال : بازوهای کوه که از رشتهٔ اصلی به چپ وراست جدا می‌شود (ص ١٤۹) .

منابع و مآخذی که در نوشتن این کتاب از آنها استفاده شده است

آثارالبلاد واخبارالعباد تألیف زکریابن محمدبن محمود قزوینی چاپ بیروت سال ۱۳۸۰ قمری .
احسن‌التقاسیم فی‌معرفةالاقالیم تألیف شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمدابوبکر مقدسی معروف به بشاری چاپ لیدن سال۱۹۰۶ میلادی .
استرابادنامه به کوشش مسیح‌ذبیحی انتشارات فرهنگ ایران‌زمین‌سلسلهٔ متون و تحقیقات شمارهٔ ۱۲ .
اعلاق النفیسه تألیف ابن رسته چاپ‌لیدن سال ۱۳۰۶ قمری .
اقلیم نور از جمله کتبی‌که انجمن بهائیان تهران به‌چاپ رسانیده است .
تاریخ‌الامم‌والملوك تألیف ابوجعفر محمدبن جریرطبری چاپ قاهره‌سال ۱۳۵۷ قمری .
تاریخ‌خانی تألیف علی‌بن شمس‌الدین محمدلاهجی تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ۱۶۶ سال ۱۳۵۳ شمسی .
تاریخ رویان‌تألیف مولانا اولیاءالله آملی تصحیح و تحشیه منوچهرستوده

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ٦٤ سال ۱۳٤۸ شمسی .
تاریخ طبرستان ورویان و مازندران تألیف سیدظهیرالدین‌بن سید نصیرالدین مرعشی به‌اهتمام عباس شایان تهران ۱۳۳۳ شمسی .
تاریخ گیلان تألیف‌ملاعبدالفتاح فومنی گیلانی‌تصحیح و تحشیه‌منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ۹۲ سال ۱۳٤۹ شمسی .
تاریخ گیلان و دیلمستان تألیف سیدظهیرالدین‌بن سید نصیرالدین مرعشی تصحیح و تحشیهٔ منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ٤٦ دی‌ماه ۱۳٤۷ شمسی :
تاریخ مازندران‌تألیف اسماعیل‌مهجوری مجلد اول دی‌ماه ۱۳٤۲ شمسی.
تاریخ مازندران تألیف اسماعیل مهجوری مجلد دوم تیرماه ۱۳٤۵ شمسی .
التدوین فی‌احوال جبال‌شروین تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه یونت‌ئیل ۱۳۱۱ قمری .
التفهیم لاوایل صناعةالتنجیم‌تألیف ابوریحان بیرونی‌تهران ۱۳۱۸ شمسی.
التنبیه‌والاشراف تألیف مسعودی چاپ قاهره سال ۱۳۵۷ قمری .
جغرافیای تاریخی مازندران تألیف حاجی‌محمدمیرزا مهندس‌سال۱۳۰۱ نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .
جغرافی‌لار تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه شمارهٔ ٦۳۹ کتب‌خطی کتابخانهٔ ملی ایران .
خرده‌اوستا تفسیر و تألیف پورداود ازسلسله انتشارات انجمن‌زرتشتیان ایران بمبئی و انجمن ایران‌لیگ بمبئی ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .
دائرةالمعارف اسلامی .
روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه بامقدمه و فهارس از ایرج‌افشار تهران ۱۳٤۵ شمسی .

روزنامهٔ کیهان شمارهٔ ۸۵۲۳ یکشنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۵۰ شمسی .
روضة‌الصفای ناصری تألیف رضاقلی‌خان هدایت تهران ۱۲۸۰ قمری .
سفرنامهٔ استراباد و مازندران و . . . مورخ ۱۲۷۵ قمری تصحیح مسعود گلزاری انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی.
از متن عکسی استفاده شده است .
شترستانهای ایران ترجمه از متن پهلوی ازمجموع نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت .
صورة‌الارض تألیف ابن‌حوقل چاپ‌لیدن سال ۱۹۳۸ میلادی .
طرائق‌الحقایق تألیف محمدمعصوم شیرازی معروف به معصوم‌علیشاه (نایب‌الصدر) به تصحیح محمدجعفر محجوب تهران ۱۳۴۵ شمسی .
عالم‌آرای عباسی، تألیف اسکندربیگ منشی مؤسسهٔ مطبوعاتی امیرکبیر سال ۱۳۳۵ شمسی .
عباسنامه تألیف محمدطاهر وحید قزوینی به‌تصحیح و تحشیهٔ ابراهیم دهگان کتابفروشی داودی اراك اسفند ۱۳۲۹ .
غاررنگ‌وجان به قلم عبدالحسین امینی مجلهٔتاج سال دوم شمارهٔ ۹ دوشنبه دوم مرداد ۱۳۲۹ شمسی .
فرهنگ جغرافیائی ایران مجلدسوم استان‌دوم از انتشارات دایرهٔ جغرافیائی ستاد ارتش شهریور ۱۳۲۹ شمسی .
فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران‌تألیف نصرت‌الله مشکوتی.
الکامل فی‌التاریخ تألیف ابن‌الاثیر جزری مصر ۱۳۰۱ قمری .
کتاب‌البلدان تألیف ابن‌فقیه لیدن ۱۳۱۲ قمری .
گزارشهای باستانشناسی ایران باستان .
مازندران و استراباد تألیف رابینو متن انگلیسی لندن سال ۱۹۲۸ میلادی متن‌کتیبه‌ها درمطبعهٔ اعتمادقاهره سال۱۳۴۲قمری‌مطابق

۱۹۲٤ میلادی .
مازندران و استراباد تألیف رابینو ترجمهٔ وحیدمازندرانی بنگاه ترجمه ونشر کتاب تهران سال ۱۳۳۶ شمسی .
مجلهٔ خواندنیها سال دوازدهم ٤۳ شنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۳۳۰ شمسی .
مجلهٔ نیرو و راستی سال پنجم شمارهٔ۱۵۵ ، چهارشنبه ۲۸ مردادماه ۱۳۲۶ شمسی .
مجمل‌التواریخ والقصص به تصحیح ملك‌الشعرای بهار تهران ۱۳۱۸ شمسی .
مجموعهٔ شمارهٔ ٤۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك مورخ ۱۲۹۹ قمری .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۲۶ مجلد دوم .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۳۲ .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۳۳ .
مرآت‌البلدان تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه تهران۱۲۹۷ قمری .
المسالك‌الممالك تألیف ابواسحق ابراهیم‌بن محمدفارسی اصطخری‌لیدن ۱۹۲۷ میلادی .
معجم‌البلدان تألیف ابوعبدالله یاقوت‌بن عبدالله حموی‌لیپزیك ۱۸۶۶ میلادی .
نزهةالقلوب تألیف حمدالله مستوفی قزوینی به‌سعی و اهتمام لسترانج لیدن ۱۹۲۳ میلادی .
هیأت علمی فرانسه در ایران ترجمهٔ کاظم‌ودیعی .
یسنا تفسیر وتألیف پورداود سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و انجمن ایران‌لیگ بمبئی ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .
یشتها تفسیر و تألیف‌پورداود از سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و انجمن ایران‌لیگ ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .

کتابهای خارجی

ABBOTT. K.E. : Narrative of a Journey from Tabriz along the Shores of the Caspian Sea to Tehran.

BARTHOLOMAE, C. Altir Wörterbuch.

DARMESTETER, Le Zend Avesta, 3 Vol. Paris, 1892-93.

FRASER, J.Bè : Travels and adventures into the Persian Provinces on the Southern banks of the Caspian Sea, London, 1826.

LOVETT, C.B. : Itenerary notes of Route Surveys in Northern Persia, 1881 and 1882.

MACKENZIE, C.F. : Narrative of a journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during the winter and spring of 1858 - 1859.

SAMADI, H. : Les découvertes fortuites Klardasht Garmabak, Oman et Tomadjan.

WELLS, Lt. Col. H.L. : Across the Elborz Mountain to the Caspian Sea in the Scottish Geog. Magazine, Jan. 1898.

دنبالهٔ مجلد دوم

بازماندهٔ بناها و آثار تاریخی جیرولایت اشکور، سیارستاق و بالااشکور

امامزاده برهان [1]
در یك کیلومتری دهکدهٔ میج بالااشکور

بنای امامزاده در میان گورستانی قدیمی است . بیش‌از هشتاد سال است‌که حجة‌الاسلام آخوند ملاعلی اشکوری‌که از علمای معروف تنکابن و اهل اشکور بالا بود ، بقعهٔ مزبور را از نو ساخت . آخوند زمستانها را در محلهٔ «خوبان رزگاه»[2] و تابستانها را ابتدا در دهکدهٔ « تمل »[3] و بعداً در دهکدهٔ میج می‌گذرانید . قبر او درایوان همین بقعه است. درایام متبرك از اطراف به‌زیارت این بقعه می‌آیند وگاوو گوسفند قربانی می‌کنند .

بقعهٔ شاه سفیدکوه[4]

بالای قلهٔ کوه بلور ، نزدیك گردنهٔ میان کوه ، سرراه میج به‌لاك‌تراشان بنایی

۱ـ ازاین بقعه در ص ۴۱۵ ج ۲ ازآستارا تا استارباد، ذیل باقی‌آثار وبناهای‌تاریخی بالااشکور یاد شده است. ۲ـ بفتح راء وکسر زاء . ۳ـ بضم تاء و میم .
۴ـ درص ۴۱۴ ج۲ از آستارا تا استارباد از این بقعه یاد شده است .

است‌که با تیرهای قطور و چوب ساخته شده است . می‌گویند که هشتصد سال است‌که این‌بنا برپاست. روزهای‌جمعه وایام متبرك به‌عنوان زیارت دراین‌بقعه جمع‌می‌شوندو گاو وگوسفند قربانی می‌کنند . نظیر این بقعه‌که بربلندترین قله‌ها ساخته می‌شود ، درکوهستان گیلان زیاد است . ظاهراً کوههای بلند ، همچون درختان عظیم، درنظر کوه‌نشینان مقام و مرتبتی دارند و برای تعظیم و تکریم ، این بناها را بربالای آنها می‌سازند . ازاینها می‌توان سلطان برزکوه ، بقعهٔ تورار ، بقعهٔ گردکول ، بقعه‌های ملاخروشه وسوری واسّه‌تاشان ، بقعهٔ فیروزکوه ، بقعهٔ سام ولام برسر قلهٔ سواته‌کوه ، شاه علمدار و بقعهٔ فضل و فاضل[1] را یادکرد .

مطالب از قلم‌افتادهٔ ناحیهٔ اوشیان رانکوه

چشمهٔ دم کش
درفتیج گوابر[2] اوشیان

درفصل زمستان درگودال‌اطراف چشمه ، آب بالا وپایین می‌رود . درتابستانها آب این چشمه چهل وهشت ساعت‌آرام است بطوریکه چشمه خشك می‌شود و چهل‌و هشت ساعت‌بعد آب‌می‌جوشد ونهرها راپرآب می‌کنند . هنگام عقب نشینی وجوش‌آب صداهای غریبی‌ازچشمه شنیده می‌شود. نگارنده این چشمه را درتابستان ندیده‌است.

چاه عمیقی که با سنگ چیده‌اند
درپشت چشمهٔ دم‌کش فتیج گوابر اوشیان

درپشت چشمهٔ دم‌کش چاهی است‌که دهانهٔ آن نسبت به قسمت پایین تنگ‌تر است وتمام داخل‌آن باسنگ چیده شده‌است. نظیر این چاه از واجارگا تارملك‌رامسر

۱ــ ازدوبقعهٔ آخر درمجلد سوم یادخواهیم‌کرد.

۲ــ بکسرفاء و تاء وضم گاف‌و فتح باء .

در دامنهٔ رشته تپه‌هایی‌که مسلط به دشت است ، دیده می‌شود . معروف است‌که این چاهها از زیر به هم راه دارند . اهالی می‌گویند این چاهها قرارگاه یا محل زندگی بوده است .

باقی بناها و آثار تاریخی اوشیان

۱ـ بقعهٔ شیخ‌احمد در دهکدهٔ دوران اوشیان .

۲ـ آستانهٔ دیتل دردهکدهٔ فتیج گوابر اوشیان .

۳ـ آستانه‌ای قدیمی دردهکدهٔ هرات‌بر اوشیان . دراین آستانه دوتن به خاك سپرده شده‌اند .

۴ـ گورستانی قدیمی در مرتع خشکاسرای اوشیان . مدفونین این گورستان پا به‌قبله دفن شده‌اند .

۵ـ گورستانی قدیمی در مرتع چوملاسرای اوشیان . دراین گورستان نیز مدفونین پابه‌قبله دفن شده‌اند .

۶ـ درشهرستان که فعلاً مرتعی میان قاسم‌آباد و اوشیان است آثار بنای‌قدیمی دیده می‌شود .

جغرافیای تاریخی و انسانی و تاریخ مازندران

مازندران میان ساحل جنوبی دریای خزر و سلسلهٔ اصلی کوههای البرز واقع است . این ناحیه در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۷ درجه و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه است . حدغربی آن بیشتر اوقات رود سورخانی و حدشرقی‌آن جرکلباد بوده‌است . طویلترین قسمت مازندران، از شرق به‌غرب ۲۹۲ میل (درحدود ۸۰ فرسنگ) واگر پیچ وخمهای ساحل دریارا به‌حساب آوریم البته بیشتر خواهد شد و پهن‌ترین قسمت مازندران درجنوب فرح ـ آباد است‌که به ۶۸ میل (۱۸ فرسنگ) می‌رسد . یك‌سوم این پهنا دشت و باقـی کوهستان است .[۱]

درمشرق جرکلباد ، ناحیهٔ گرگان است و اگر گرگان امروزی را همان خاك «وهرکانه»[۲] بدانیم، اراضی غربی، یعنی مازندران، دردست«دیوان‌مازنی»[۳] بوده‌است.

دارمستتر کلمهٔ مـازنـدران را صفت‌تفضیلی دانسته است و می‌نـویسد کـه Mäzan _ Tara نظیر شوش و شوشتر است .[۴]

۱ــ مازندران‌واسترا باد رابینو، متن‌انگلیسی، ص ۳.
۲ــ Vehrkāna
۳ــ Bartholomae , Altir Wörterbuch, Col . 1169 , ذیل Mazaniya Daëva .
۴ــ Darmesteter , Le Zend Avesta 11.373, Note 32 .

شاید حدس « نولدکه » به‌حقیقت نزدیکتر باشد . او می‌نویسدکه « مازن‌در » به‌معنی دروازهٔ مازن است . این ناحیه حدود معین و مشخصی داشت و زمانی از خاك طبرستان جدا بود .[1]

درنوشته‌های اوستایی وپهلوی، ایرانیان، ساکنان این‌خاك‌را مردمانی‌خارجی‌و اجنبی دانسته‌اند .

دراوستاکهنترین سند تاریخی ما ، شش‌بار کلمهٔ « ورند »[2] آمده و درتمام این موارد از دروغ‌پرستان این سرزمین یادشده و نام این دروغ‌پرستان ، اغلب با «دیوان مازنی» یکجا ذکر شده است .[3] از فحوای این عبارات چنین برمی‌آیدکه در این دو سرزمین ، گروهی به‌آیین قدیم خود باقی مانده و پیرو دین زرتشتی نشده‌اند.

درنخستین‌فرگرد وندیداد فقرهٔ ۱۸، این سرزمین راچهارمین‌کشور روی‌زمین شمرده و مولد و منشأ فریدون دانسته است .

بنابر متن بندهشن « مـردم مازندران ، از پـدر و مادری غیراز پدر و مـادر ایرانیان و عربها بدوجودآمده‌اند . »[4] درمتن شاهنامه نیز به فکری نظیر همین فکر برمی‌خوریم .

از ساکنان‌گذشتهٔ مازندران « تپیرها »[5] را می‌توان نام برد . اینان‌درکوهستان شمالی سمنان ساکن بوده‌اند . « امردها »[6] نیز ازساکنان قدیمی این ناحیه بوده‌اندکه طبق اظهارنظر «اندره‌آس» و «مارکوارت» نام خود را به‌شهرآمل داده‌اند .این‌دوتیره، از اسکندر مقدونی شکست خورده‌اند .

۱- Grund . d. Iran. Phil . 11 . 178 .   ۲- بفتح واو وکسر راء وفتح‌نون.

۳- یشتها جلد اول ، ص ۵۷، فقرهٔ ۱۹ هزمـزدیشت . همین‌کتاب صفحهٔ ۶۷، فقرهٔ ۳۲ هزمزدیشت . یسنا جلد اول، ص ۲۳۱،فقرهٔ یك‌یسنای ۲۷. خرده‌اوستا ، ص ۱۰۰،فقرهٔ دوم‌هوشبام . یشتها جلددوم،ص۷۵، فقرهٔ۷۱ فروردین‌یشت . وندیداد فرگردیك،فقرهٔ۱۸.

۴- بندهشن، ص ۲۸، فقرهٔ۱۵.   ۵- بفتح تاء .   ۶- بفتح الف و میم .

پادشاه پارتی به نام « فرادات اول » درسال ۱۷۶ پیش‌از میلاد ، امـردها را به ناحیهٔ خوار ، درشرق ورامین کوچ داد وسرزمینی راکه ایشان درآن سکونت‌داشتند به‌تپیرها رسید و ظاهراً بعدها کلمهٔ « طبرستان » به سرزمینی اطـلاق شدکه در دست تپیرها بود .

این نام درسکه‌های پهلوی به‌شکل «تپورستان» دیده می‌شود وطبرستان، شکل نام‌گذاری‌اعراب است .

ابن‌الاثیر، درتقسیم‌کردن‌ایران، میان‌سران‌حکومت، به‌توسط‌الب‌ارسلان‌درسال ۴۵۸ ﻫ .ق . می‌نویسدکه مازندران را به‌امیر اینانج بیغو داد .[1]

ابن‌اسفندیار[2] و یاقوت[3] می‌نویسند که بتازگی نام مازندران به جای طبرستان به کار می‌رود . زکریای قزوینی[4] می‌نویسد که ایرانیان ، طبرستان را مـازندران می‌خوانند . حمدالله مستوفی میان خاك مازندران و طبرستان فرق می‌گـذارد . در زمان او ، هفت‌تومان ولایت مازندران ، شامـل : جرجان ، موروستاق ، استراباد ، آمل ورستمدار ، دهستان ، روغد و سیارستاق بوده است .[5]

ازطرف دیگر « دیارقومس و طبرستان » شامل :سمنان ، دامغان ، فیروزکوه‌و شهری از خاك دماوند به نام « فرّیم » می‌شود .[6] خواندمیر نیز متوجه این اختلاف بوده و یادآور شده است .[7]

ظاهراً‌نام «پتشخوارگر = پذشخوارگر » بیشتر به‌منطقهٔ کوهستانی مازندران و گیلان اطلاق می‌شده است درصورتیکه وسعت این ناحیه بیشتر بوده‌است .

درمتن پهلوی کتاب شترستانهای ایران‌که درسال ۱۸۴ ﻫ . ق تألیف شده است

۱ـ الکامل‌فی‌التاریخ،قسمت ۱۰، ص ۳۴.   ۲ ـ تاریخ‌طبرستان، ص ۱۴ .
۳ـ معجم‌البلدان، ج ۳، ص ۵۰۲ .   ۴ـ آثارالبلاد، ص۲۷۰ .
۵ـ نزهةالقلوب، ص ۱۵۹ و ۱۶۰ .   ۶ ـ نزهة القلوب، ص ۱۶۱ و ۱۶۲ .
۷ـ مطالب گذشته از دایرةالمعارف اسلامی ترجمه شده است .

این عبارات دربارهٔ بذشخوارگر دیده می‌شود :

« بیست شهرستان در بذشخوارگر ساخته شده ، چه ارمایل . . . پس او (ارمایل) به‌فرمان فریدون برای کوه‌نشینان ساخت . ایشان ازآزی‌دهاك (ضحاك) شهریاری کوهستان رابه دست آورده بودند . »[۱]

گرگان ناحیهٔ شرقی مازندران از یك‌طرف به‌دینار جاری واز طرف دیگر به جنگل انجدان محدود می‌شد . جنگل انجدان شاید ازتمیشه زیاد دور نبوده است و تمیشه هم محلی بود در مغرب خندقی‌که اسپهبد فرخان‌کبیر ، برای دفاع در برابر تورانیان ، کنده بود . استراباد را « بیرون تمیشه » و اراضی شرقی مازندران را « اندرون تمیشه » می‌گفتند .

حدود مازندران از تمیشه و جنگل انجدان در مشرق تا نمك‌آبرود در مغرب بودکه آن‌را از رستمدار جدامی‌کرد. مازندران‌شرقی، به‌مناسبت عنوان‌شاهزادگانش، اسپهبد یا اسپهبدان خوانده می‌شد ، چنانکه ناحیهٔ رستمدار را نیز « استنداریه » می‌گفتند .

مازندران درقدیم به موزاندرون معروف بود ، زیرا «موز»نام کوهی بودکه از حدود گیلان تا لارقصران کشیده می‌شد و چون این سرزمین در درون کوه موزبود ، به‌این نام مشهور شد.[۲]

۱ــ شترستانهای ایران ترجمه از متن پهلوی ، از مجموعهٔ نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت، ص ۴۲۲ و ۴۲۳ . طبق نقل یاقوت و دینوری ، ارمایل ، آشپز آزی‌دهاك و به روایت دیگر ارمائیل وزیر بیوراسب بوده است . (التفهیم ، ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و مجمل‌التواریخ ص ۴۰)پذشخوارگرسلسلهٔ کوههای البرزاست وفرمانروایان این سرزمین را « کوهیار » گویند . عنوان «کوهیار» در زند وهومن‌یسن‌آمده است(نقل از حاشیهٔ ص ۴۲۳ مجموعهٔ نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت) . ۲ ــ مازندران و استراباد رابینو، متن انگلیسی، ص۳ .

رشتهٔ اصلی البرز ، حد جنوبی خاك مازندران و موازی با ساحل دریاست . بستر رودخانه‌ها ، این رشته را به‌قسمتهای مختلف ، تقسیم کرده‌است . دهانهٔ این رودخانه‌ها تمام‌شمالی‌است . رود مزارچوب، خاك طبرستان را ازتنکابن جدامی‌کند.

رودهای مازندران به‌دونوع تقسیم می‌شوند . یکصد رودخانهٔ کوتاه ، در خاك مازندران ، جریانی شمالی دارند و به‌دریای خزر می‌ریزند و رودخانه‌های بزرگتر که عمق و وسعت سرچشمه‌های آنها بیشتر است ، ازغرب به‌شرق ، بدین ترتیب‌اند :

سرداب‌رود ، چالوس ، هراز که آبهای لار و دماوند و سرچشمه‌های دیگر درآن می‌ریزد و از میان آمل می‌گذرد ، بابل رود (رودخانهٔ بارفروش) ، تالار (رودخانهٔ علی‌آباد = شاهی) ، تجن (رودخانهٔ ساری) ، رود نکا (اسب‌نیزه) که جریان آن شرقی غربی است .

حدشرقی مازندران (طبرستان) با خاك گرگان (استراباد) ، ظاهراً در تمام اوقات در حوالی کلباد ، برساحل رود کرند بوده است . این رود خلیج استراباد و کوهستان مازندران را ازخاك‌گرگان جدا می‌کند .

ابن‌اسفندیار حدشرقی طبرستان را ازدینار جاری می‌گیرد و حد غربی آن را به « ملاط » ورای هوسم می‌رساند .[۱] در ادوار بعد شهر شالوس (چالوس) برسر مرزو سامان طبرستان و دیلمان واقع بود .[۲] اما بعدها تا درهٔ سرداب‌رود (کلاردشت) نیز جزء خاك طبرستان به حساب آمده است . اراضی ساحلی تنکابن ــ در غرب سرداب‌رود ــ گاهی ادارهٔ آن با مازندران و زمانی باگیلان بوده است .

ابن‌رسته درسال ۲۹۰ ه . ق . از دیوار آجری و دروازهٔ طمیس (تمیشه)

۱ــ تاریخ طبرستان،ج ۱،ص ۵۶ . دهکدهٔ ملاط تا امروز باقی‌است و مدفن‌خاندان سلاطین کیایی گیلان است وآنطرف هوسم (رودسر) قرار می‌گیرد . ۲ــ اعلاق‌النفسیه ابن رسته، ص ۱۵۰ .

سخن به‌میان آورده ومی‌نویسدکه مسافران باید از این دروازه بگذرند . [۱] وابن‌فقیه نیز عین این مطالب را یاد کرده است . [۲]

جغرافیانویسان مسلمان، میان ناحیهٔ پست ساحلی (سهلیه) ومنطقهٔ کوهستانی (جبلیه) مازندران فرق گذاشته‌اند . [۳]

شهرهای مهم طبرستان‌که در اراضی پست ساحلی بودند ازاین قرارند :

شالوس (چالوس) ،کلا (کلار) ، میله ، ترجی (توجی= برجی) عین‌الهمّ مامطیر (بارفروشده = بارفروش= بابل) ، ساری،طمیس (تمیشه) . [۴]

قصبه یا شهر معتبر طبرستان درزمان یعقوبی (۲۷۸ هـ . ق .) هنوز شهر ساریه (ساری) بود . [۵] اما در زمان مسعودی و اصطخری (۳۴۰ هـ . ق .) و ابن حوقل (۳۶۷ هـ . ق .) شهر معظم این ناحیه ، آمل بودکه آن را بزرگتر از قزوین می‌دانستند . [۶]

ناحیهٔ کوهستانی مازندران کاملاً محدود و مشخص است . اما ارتباط آن با اراضی پست ساحلی ، در کتب جغرافیای اسلامی ، زیاد روشن نیست . [۷] طبری در سوانح سال ۲۲۴ هـ . ق . ، به سه منطقهٔ کوهستانی ، درمازندران اشاره کرده‌است :

۱ـ کوهستان ونداهرمز در وسط . ۲ـ کوهستان برادرش ـونداسنجان بن الندابن قارن . ۳ـ کوهستان شروین بن سرخاب . [۸]

اما ابن‌رسته می‌نویسدکه ونداهرمزقارنوند، نزدیك دنباوند حکومت داشت [۹] و درجای دیگر از کتاب خود می‌نویسد که دوران حکمروایی جریر بن یزید ،

۱ـ اعلاق‌النفسیه، ص۱۴۹. ۲ـ کتاب البلدان،ص۳۰۳ . ۳ـ اصطخری، ص ۲۱۱ و ۲۷۱ . ۴ـ اصطخری،ص ۲۰۷ ـ مقدسی، ص۳۵۳ . ۵ـ کتاب البلدان، ص۲۷۶ . ۶ـ التنبیه‌والاشراف ، ص ۱۷۹ ـ مسالك‌الممالك، ص ۲۱۱ ـ صورةالارض، ص ۲۷۱ . ۷ـ به شرح مختصر درهم ریختهٔ مسالك الممالك اصطخری، ص ۲۰۴ نگاه کنید . ۸ـ تاریخ‌طبری،ج۳،ص۱۲۹۵. ۹ـ اعلاق‌النفسیه، ص۱۵۱.

وندا‌هرمز ، هزار جریب اراضی‌صوافی ، بیرون شهرساری خریده است .[۱] این اراضی ظاهراً درچشمه‌های رود تجن و نکا قرارداشت و امروز هم به‌نام هزارجریب خوانده می‌شود . بعدها قسمت اعظم مازندران شرقی ، جزء قلمرو وندا‌هرمز به حساب آمده است . ونداسنجان ، ظاهراً برقسمت وسیعتری از مازندران حکومت داشت ، زیرا پایتخت او به‌نام « موزن » محل اجتماع لشکریانی بودکه به‌خاك دیلمان گسیل می‌شدند . اما کوهستان شروین ، شامل قسمت جنوب شرقی مازندران بود ، زیرا به‌گفتهٔ ابن‌فقیه قلمرو او نزدیك قومس بوده است .[۲]

در زمان اصطخری (۳۴۰ هـ . ق .) سه ناحیهٔ کوهستانی بدین ترتیب مشخص شده‌اند :

۱ــ کوهستان روینج . ۲ــ کوهستان فادوسبان . ۳ــ کوهستان قارن . این سه ناحیه ، شامل‌کوههای بلندی است و هرکوهستانی سرکرده‌ای دارد . کوههای روینج، بنابه‌گفتهٔ ابن‌حوقل ،میان ری وطبرستان است.[۳]

«بارتلد » روینج را با « رویان » یکی دانسته است . ابن‌رسته می‌نویسدکه خاك رویان ، نزدیك ری است . در زمان او (۲۹۰ هـ.ق.) رویان جزء طبرستان نبوده ، بلکه کوره‌ای جداگانه به حساب می‌آمده است و « کجّه »[۴] حاکم‌نشین آن بوده است . حدود رستمدار و رویان تقریباً یکی است و رستمدار بعداً شامل‌تمام مازندران غربی یعنی خاك میان سخت‌سر (رامسر) وآمل بوده است .[۵]

کوهستان قارن فقط یك قصبه به‌نام « شهمار » داشت‌که دریك روزه راه‌ساریه بود . سلاطین محلی سلسلهٔ قارن درقلعهٔ فریم مستقر بودند . این قلعه ظاهراً باید ،

۱ــ اعلاق‌النفیسه ، ص ۱۴۹ . ۲ــ کتاب البلدان، ص ۳۰۵ .
۳ــ صورةالارض ، ص ۳۷۷ . ۴ــ کجه‌رستاق از بلوك کجور است . ۵ــ برای دانستن حدود دقیق رستمدار و رویان به‌کتاب تاریخ رویان چاپ نگارنده صفحات هفت تا شانزده نگاه کنید .

کنار شاخهٔ غربی رودخانهٔ تجن باشد ، بلوك کنونی فریم ، درهزارجریب است . با تعیین وضع دقیق‌تر ، باید گفت‌که در نیمهٔ غـربی این ناحیه است‌که امروز دودانگه خوانده می‌شود .

بنابرگفتهٔ ابن‌اسفندیار ، کوههای وندا امید ، در دست خاندان قارن بود .[1] همین مؤلف درصفحهٔ ۲۵ کتاب خود می‌نویسدکه‌آب جامع‌آمل ازاین‌کوهها می‌آید . شهر آمل ، لفور (درسرچشمهٔ بابل‌رود) و فریم‌که کوه قارن خوانده می‌شود ، تمام در قلمرو این خاندان بـود . یاقوت ، جبال شروین را نیز جزء خاك خـاندان قارن می‌داند .[2] مرحوم میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه[3] جبال‌شروین را با سوادکوه یکی می‌داند . ناحیهٔ سوادکوه در سرچشمه‌های رودخانهٔ تالار است . تـالار از علی‌آباد (شاهی) که میان آمل و بارفروش (بابل) است می‌گذرد . گردنه‌ای‌که به‌سوادکوه می‌رسد ، تا امروز شلفین > شروین خوانده می‌شود .

کوهستان پادوسپان (فادوسبان‌که به‌اشتباه قادوسیان خوانده‌اند) درفاصلهٔ یك روزه راه از ساری بود و مسجدجامعی داشت . سران این ناحیه دردهکدهٔ « اُرم »[4] زندگی می‌کردند . واسمر[5] می‌گویدکه این محل را درفاصلهٔ میان بستر رودخانه‌های بارفروش (بابل) و علی‌آباد (شاهی) ، درشمال لفور و نزدیك شیرگاه باید جستجو کرد .

طوایف وتیره‌های ساکن در مازندران

میان مازندرانیها و گیلانیها اختلاف زیاد نیست . اما مـازندرانیها از نظر جسمی مردانه‌ترند . چون تابستانها را درکوهستان بسر می‌برند.

۱ـ تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۹۵ .   ۲ ـ معجم‌البلدان، ج ۳، ص۲۸۳ .
۳ـ التدوین فی‌احوال جبال‌شروین ، ص ۴۲ .   ۴ـ بضم‌الف وفتح‌راء . در صورة‌الارض ابن‌حوقل، ص۲۶۸، س ۱۷ ، ادم خواست وآرم آمده‌است .   ۵ـ Vasmer

عدهٔ سادات در مازندران زیاد است . پس‌از شهادت حضرت رضا ، بعضی از منسوبانش به‌مازندران پناهنده‌شدند وهنگامیکه یحیی بن‌عمر بن یحیی بن‌حسین درکوفه شورش کرد و درمیان زیدیه ادعای امامت‌کرد ، بعضی‌از سادات‌که درجنگ‌همراهش بودند ، پس‌از دستگیرشدن او ، به مازندران و دیلمان گریختند و به ریاست سید حسین‌بن زید ، از سادات‌علوی و بنی‌هاشم ، از حجاز و سوریه و عراق دسته به طبرستان آمدند و این کار در زمان امرای بعدی خاندان علوی نیز دوام داشت . [۱]

علاوه برسکنهٔ بومی و طوایف محلی ، قبیله‌های دیگری در سراسر مازندران پراکنده‌اند : خواجه‌وندها ،عبدالملکیها، لکها،گرایلیها،اصانلوها، بلوچها، افغانهاو کردها ، در دورانهای مختلف به‌وسیلهٔ‌پادشاهان ایران به صفحات مازندران کوچانده شده‌اند. این گروههای مختلف چنان با اهالی درهم آمیخته‌اندکه بازشناختن آنها از دیگران‌غیرممکن است . غیراز کردها و عدهٔ کمی از ترکها ، همهٔ ایشان زبان اصلی خود را از یاد برده و زبان طبری را آموخته‌اند .

عبدالملکیها در دره‌گز بودند . سپس به شیراز و بعد از آن به شهریار کوچ داده شدند . آقامحمدخان ایشان‌را به‌نور فرستاد و ایشان چهل‌سال درآنجا ماندند. اما میرزاآقاخان نوری درسال ۱۲۷۲هـ .ق. ایشان‌را به‌داغمرز- نزدیك ساری-کوچ داد . خواجه‌وندها اصلاً از خاك لرستان هستند. آقامحمدخان ایشان را از اردلان‌و گروس به مازندران غربی آورد تا به کمك عبدالملکیها ، تهران را از شورش و اغتشاش شمال محفوظ نگاه دارد . لکها بیشتر درکلاردشت ساکن‌اند .

گرایلیها را آقامحمد از کالپوش آورد و در اندرود و میاندورود و قراطغان جا داد و مانند اصانلوها ایشان نیز ترك‌نژادند . صدوپنجاه خانوار اصانلو نیز به امر آقامحمدخان به‌ساری و دهات اطراف آن کوچانده شد . عدهٔ کمی طالش درکلت

۱- ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو ،ص ۳۰ .

قراطغان وعدهٔ دیگری در حوالی عمارات سلطنتی سابق مازندران ودرناحیهٔ تنکابن و عدهٔ کمی «قوی حصارلو»هم‌درتنکابن سکنی اختیار کرده‌اند.ازایل‌قاجارنیز عده‌ای‌را در مازندران می‌توان دید . درحدود سی‌چهل خانوار بلوچ از بلوچستان به ساری آمده‌اند اما اثری از آنها باقی نیست . از افغانیها طایفهٔ غلجایی در قره‌تپه هستند . نادرشاه ایشان را به‌مازندران آورده‌بود . اما ایشان پس‌ازمرگ نادر به‌حدودگوکلان رفتند و آغامحمدخان دوباره ایشان را بازگردانید .

قبیله‌های‌کرد جهان‌بیگلو ومدانلو نیز درمازندران آمده‌اند . قبیلهٔ مهم دیگر ترك به نام عمرانلو نیز در گلوگاه بوده‌اند . عدهٔ کمی‌از اعراب را آقامحمدخان به مازندران آورد .

بعضی خانواده‌های گودر ، بنگاشی ، بربری ، کراچی وکولی نیز درمازندران بوده‌اند . از سی‌هزار گرجی و ارمنی‌که شاه‌عباس ایشان را به مازندران کوچاند ، عدهٔ‌کمی باقی‌ماندند . تعدادکمی ازکلیمیها نیز درصفحات مازندران دیده می‌شوند.[1]

تاریخ طبرستان

سلاطین محلی مازندران در سه طبقه قرار می‌گیرند :

۱ــ خاندانهای قدیمی‌که اصل ایشان به‌پیش‌از اسلام می‌رسد .

۲ــ سادات علوی .

۳ــ خاندانهای محلی‌که اهمیت‌کمتری دارند .

هنگام طلوع دولت ساسانی ، پادشاهان طبرستان و پدشوارگر،[2] گشنسپ بودکه

۱ــ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو صفحات ۳۱ و۳۲ . ۲ــ بفتح پ و دال وگاف. فرشوادگر تلفظ غلطی ازهمین نام‌است‌که دربندهشن قسمت ۱۲ ص ۱۷ ، نیز دیده می‌شود. این‌کلمه «پذشخوارگر» نیز خوانده شده است ومادرصفحات‌قبل به‌همین شکل یادکردیم ، مارکوارت در ایرانشهر ص ۱۳۰ ، پدشوادگر را ناحیه‌ای از مازندران می‌داندکه درمقابل خوار قرار مـی‌گیرد.

اجداد او ، از دوران اسکندر مقدونی ، براین‌صفحات سلطنت داشته‌اند .

درسالهای میان ۵۲۹ و ۵۳۶ میلادی ، طبرستان ، بـه دست شاهزادهٔ ساسانی ـ کیوس پسر کـوات ـ اداره می‌شد . انـوشیروان ، زرمهر کـه نسب خـود را به کاوهٔ آهنگر می‌رسانیـد ، به‌جای او گذاشت و سلسله‌ای که او به وجود آورد تا سال ۶۴۵ میلادی سلطنت داشت . درایـن وقت ، گیل گاوباره‌که از نسل جاماسپ پسر پیروز ساسانی بود ، خاك طبرستان را ضمیمهٔ گیلان کرد . این خاندانها که سکه‌های باقی‌مانده از ایشان ، ممکن است کمی وضع ایشان را روشن کند ، بازماندگانشان در دوران اسلامی حکومت داشتند .

باوندیان که خودرا از نسل کیوس می‌دانستند ، درطول حکومت‌خود ، دوسه‌بار منقرض شدند . سلسهٔ نخستین از سال ۴۵ تا ۳۹۷ ه.ق. حکمروایی کرد و به دست قابوس‌بن وشمگیر زیاری برافتاد . دنبالهٔ اینان از سال ۴۶۶ تا ۶۰۶ ه.ق. سلطنت کردند و هنگام فتح مـازندران به دست سلطان محمد خوارزمشاه از میان رفتند . آخرین‌سلسله‌که ازسال ۶۳۵ تا ۷۵۰ ه . ق . حکومت‌داشتند، دست‌نشاندگان‌مغولان بودند . آخرین بازماندهٔ باوندیان به‌دست افراسیاب چلاوی کشته شد .

خاندان قارن‌که در کوهستان قارن سلطنت داشتند ، می‌گفتندکه ما از نسل زرمهر ـ برادر قارن‌ـهستیم . آخرین بازماندهٔ ایشان ـ مازیار ـ درسال۲۲۴ ه. ق. کشته شد .

پادوسپانان که در رویان و رستمدار حکومت داشتند ، رشتهٔ نسب خود را به خاندان « دابویه » در گیلان می‌رساندند و سرسلسلهٔ خود را پسر گیل‌گاوباره می‌ـ دانستند. درسال۴۰ به سلطنت رسیدند وهنگام‌سلطنت‌علویان ، دست‌نشاندگان ایشان بودند و پس از علویان دست نشاندهٔ آل‌بویه و باوندیان شدند و در آخر کار در سال ۵۸۶ ه . ق. به‌دست باوندیان برافتادند . دنبالهٔ این‌سلسله درسال ۶۰۶ دوباره قدرتی

به‌دست آورد و تا زمان تیمور صاحب تاج و تخت بود . آخرین افراد این سلسله‌که بازماندگان کاوس‌بن‌کیومرس بودند ، تا سال ۹۷۵ ه . ق . حکومت داشتند .

همزمان بااین سلاطین‌محلی ، علویان توانستند ، برای خود ، درخاك‌طبرستان حکومتی به دست آورند . درسال ۲۵۰ ه.ق. ، مـردم رویان ، علیه حاکم خود قیام کردند وکسی را به‌ری ، نزد حسن‌بن‌زید فرستادند . این مرد از سادات زیدی وپشت شانزدهم امام‌المتقین علی‌بن ابی‌طالب‌بود . سلسلهٔ سادات‌حسنی تا سال ۳۱۶ ، درخاك طبرستان حکومت می‌کردند .

سلسلهٔ سادات‌حسینی میان سالهای ۳۰۴ تا ۳۳۷ ه . ق .(؟) برقسمتی از خاك طبرستان مسلط بودند .

سلسلهٔ دیگری از سادات ، به‌نام سادات‌مرعشی ، میان سالهای ۷۶۰ تا ۸۸۰ در مازندران سلطنت داشتند ،سرسلسلهٔ ایشان، قوام‌الدین مرعشی بودکه خود راپشت دوازدهم امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب می‌دانست .

خاندان دیگری از سادات ، به‌نام سادات مرتضایی ، درهزارجـریب ، میان سالهای ۷۶۰ تا ۱۰۰۵ ه .ق . حکومت کردند .

خاندانهای سرشناس دیگرکه باج و خراجی می‌گرفتند ، فراوانند . رابینو از کیائیان چلاوی (درآمل و رستمدار و طالقان) نام می‌بردکه درفاصلهٔ زمانی ۷۹۵ تا ۹۰۹ ه.ق. کرّوفری می‌کردند . کیائیان جلالی ساری‌که میان سالهای ۷۵۰ تا ۷۶۳ حکومتی‌داشته‌اند. خاندان‌روزافزون سوادکوه‌که ازسال۸۹۷ تاسال۹۲۳ ه.ق.سلطنت کرده‌اند . خاندان‌دیو ، در زمان شاه طهماسب ، دربعضی قسمتهای مازندران‌حکومت می‌کردند. پسران‌کاوس‌درفاصلهٔ میان سال۸۵۷ و۹۵۷ و پسران اسکندر میان سالهای ۸۵۷ و ۱۰۰۶ ه. ق . برقسمتی‌از خاك مازندران دست داشتند . شاهزادگان دیگری درتمیشه و میاندورود ولارجان ومامطیر (بابل) و لفور نیز اهمیتی به‌هم رسانده‌اند.

گذشته از این دسته‌های درهم‌آمیختهٔ سلاطین محلی ، گروهی از فاتحان‌که از خارج آمده‌اند ، برای مدتی درقسمتی از خاك مازندران ، حکمروایی داشته‌اند . از آنها باید اعراب را نام بردکه ازسال ۲۲ ه.ق. پابه سرزمین مازندران گذاشتند و تا سال ۱۴۱ ، در زمان منصور ، برآنجا دست یافتند .[۱] دیگر طاهریان و صفاریان و سامانیان وزیاریان و غزنویان وسلجوقیان و خـوارزمشاهیان و مغولان و سربداران و تیموریان و بازماندگان ایشان وصفویان به‌ترتیب براین سرزمین تسلطی داشته‌اند.

شاه طهماسب درسال ۹۲۳ لشکریانی به مازندران گسیل داشت . اما در زمان شاه عباس ، درسال ۱۰۰۵ بودکه خاك مازندران جزئی ازحکومت مرکزی ایران‌شد. شاه عباس به‌علت ارتباط خود به سیدقوام‌الدین مرعشی ادعای سلطنت موروثی دراین سرزمین داشت .[۲] فرح‌آباد درسال ۱۰۲۰ ه.ق. وسال بعداشراف (بهشهر) با کاخهای مشهور ساخته شدند .

سکه‌های طبرستان

هنوز درجواب این سؤال که آیا سلاطین ساسانی درطبرستان سکه به‌نام خود زده‌اند ، چیزی نمی‌توان گفت ، زیرا حروف سکه‌های ساسانی‌که نشانهٔ ضرابخانه‌ها هستند تا امروز روشن خوانده نشده است . دربارهٔ دوحرف « الف و میم » که اززمان فیروز به‌بعد درسکه‌ها دیده می‌شود ، گفته‌اند مخفف کلمهٔ آمل است . اما این گفته را اثباتی نیست .

خاندان دابویه و حکمرانـان اولیهٔ عرب ، در طبرستان ، سکه‌هایی به شکل درهم ساسانی (درزمـان خسرو دوم) ضرب‌کـرده‌اند . برروی سکه، شکل نیم‌تنـهٔ

۱ـ مطالبی متضاد در بارهٔ آمـدن اعراب و تسلط ایشان در مازندران در کتب تاریخ دیده می‌شود .

۲ـ عالم‌آرا، ص ۳۵۴ .

حکمران و نام او به‌حروف پهلوی و برپشت سکه شکل آتشدان با دونگهبان وطرف راست این قسمت محل ضرب یعنی « تپورستان » و طرف چپ تاریخ به حساب تقویم طبری است .[۱] حدمتوسط وزن این سکه‌های نقره ۱٫۶۰ گرم است‌که موازی ۲۹٫۳ شعیراست ونیم‌درهم به‌حساب‌می‌آیند. ازحکمرانان خاندان‌دابویه ، نام «فرخوان»[۲] و « دات‌برج‌متون»[۳] و « خورشیت » برروی این سکه‌ها خوانده شده است . سکهٔ سلطان‌اول مورخ ۶۰ تا ۷۷ هـ.ق. وحکمران دوم ۸۶ تا ۸۷ هـ. ق . وسکهٔ خورشیت مورخ ۸۹ تا ۱۱۵ هـ.ق. است . بااین تواریخ می‌توان اشتباه مورخان‌را تصحیح‌کرد. بر بعضی از سکه‌ها که نام « خورشیت » است ، بعضی‌از محققان تاریخها را ۶۰ تا ۶۳ خوانده‌اند . این‌اشتباه ازتشابه « شست » و « دەست »[۴] درالفبای‌پهلوی برخاسته‌است. بدین‌ترتیب ، این فرض‌که خورشیت اول در شصت‌سال اول تقویم طبری سلطنت می‌کرده است ، باطل به‌نظر می‌رسد ، زیرا او درسال ۱۴۴هـ .ق. فوت شده است .

دربارهٔ سکه‌هایی‌که از حکمرانان عرب ، مقدم برسال ۱۱۶ تقویم طبری دیده می‌شود ، باید به‌این‌نتیجه رسید‌که حکمرانان‌عرب ، چندی بعداز تسلط برمازندران به‌نام پادشاهان‌قدیم طبرستان سکه‌می‌زده‌اند ، چنانکه درفتح ایران در دوران‌خلافت عمر نیز چنین کرده‌اند .

برسکه‌های اولیه حکمرانان عرب در طبرستان نام « خالت » (خالدبن برمك ۱۱۶ تا ۱۱۹ هـ .ق.) و اومر[۵] (عمربن‌العلا ۱۲۰ تا ۱۲۵ هـ.ق.)به خط پهلوی ضرب شده است. ازسال ۱۲۲ هـ.ق. نام حکمرانان به‌خط‌کوفی نیزدیده می‌شود و پس‌ازاین تاریخ ، نام حکام (عمر ، سعید ، یحیی ، جریر ، سلیمان)فقط به خط کوفی‌است .

۱ــ مبداء این تاریخ یازدهم جون ۶۵۲ میلادی‌است. ۲ــ بکسر فاء وضم خاء.
۳ــ برج به‌ضم باء و متون بفتح میم . ۴ــ بکسر دال و فتح سین . ۵ ــ بضم الف و فتح میم .

درسال ۱۳۰ و ۱۴۰ ، اغلب به نامهایی برمی‌خوریم که با نامهای حکامی که مورخان یاد کرده‌اند ، اختلاف دارد . این نامها ظاهراً نام افراد سیاسی دیگری هستند .

سکه‌هایی بدون نام حکمرانان نیز ضرب شده‌اند . ضرب سکه‌هایی به شکل سکه‌های ساسانی درسال ۱۴۳ تقویم طبری نیز رواج داشت . سکه‌هایی از سال ۱۶۱ نیز ضرب شده است که برروی آنها جای سر پادشاه خالی گذاشته شده است . بر سکه‌های سلیمان ــ حکمران عرب ــ (۱۳۶ تا ۱۳۷) شکل لوزی با حروف « به » عربی و برحاشیهٔ آن فضل‌بن‌سهل ذوالریاستین به‌خط عربی است . برپشت‌این‌سکه‌ها به‌جای آتشدان و محافظان آن ، سه‌طرح موازی مانند زبانه‌های آتش است که میان آنها درچهارسطر ، شهادتین ، به‌خط کوفی ضرب شده‌است . اما تاریخ و محل ضرب به‌خط پهلوی است .

سکه‌های درهم درسال ۱۰۲ ه.ق. به‌نام خلفا درطبرستان ضرب شده است ونام « روح » حکمران عرب برآنها دیده می‌شود و سکه‌های بعدی به نام « عمربن‌العلا » است . درادوار بعد به‌نام داعیان علوی ، درآمل سکه‌هایی ضرب شده است . درزمان آل‌بویه و زیاریان درآمل و ساریه و فرّیم و درزمان باوندیان فقط درفرّیم سکه‌هایی زده‌اند . بعدها سامانیان وجانشینان هلاکو ، سربداران ، تیموریان درآمل وساری و شاهان ایران درآمل و ساری و طبرستان و مازندران ضرابخانه داشته‌اند .

درآمل سکه‌های مسین بدون نام ، از قرن دهم ه. ق . به‌بعد ضرب شد . بر چندین سکهٔ این زمان عبارت « ضرابخانهٔ طبرستان » دیده می‌شود . این‌سکه‌هابسیار کمیاب‌اند و ضرب آنها را باید ضرب اتفاقی دانست و برهیچیك از آنها تاریخی دیده نشد .

سکه‌های فراوان‌تر ، سکه‌هایی به‌ارزش چهارقازبکی (۱۸ تا ۲۲ گرم معادل

۲۸۰ تا۳۴۰ شعیر) است‌که شیر و خورشید وعبارت « ضرب مازندران » برآنهاست و متعلق به قرن دوازدهم ه.ق. است .

درسال ۱۷۲۳ تا ۱۷۳۲ میلادی‌که روسها برگیلان دست یافتند ، چون‌باکمبود پول جاری روبروشدند ، سکه‌های مسین ایرانی با دوعقاب روسی برآنها ضرب شد و به جای سکه‌های روسی در مناطق اشغالی به جـریان افتاد . این سکه‌ها را به غلط سکه‌های مازندرانی می‌نامند ، درصورتیکه فقط خاك گیلان در تصرف روسها بود و این سکه‌ها درآنجا ضرب می‌شد .[۱]

۱ــ بیشتر مطالب این مقدمه از مقالهٔ R.vasmer در صفحات ۴۲۴ تا ۴۲۹ دایرة‌ـ المعارف اسلامی ترجمه شد .

بخش اول

۱ ـ جغرافیای تاریخی تنکابن

بخش تنکابن که امروز شهرستان شهسوار خوانده می‌شود ، از شمال به دریای خزر و از جنوب به رشتهٔ اصلی البرز واز شرق به ناحیهٔ قشلاق کلارستاق و از غرب به‌ناحیهٔ‌اوشیان‌رانکوه محدود می‌شود. عرض‌این‌بخش‌از یك کیلومتر، درحدود دریاپشتهٔ سخت‌سر (رامسر) تا نه‌کیلومتــر در محور شمال و جنوبی شهسوار است . کوهستان جنوبی ، سلسلهٔ البرز است کــه محل ییــلاقی جلگه‌نشینان است و در حــدود شصت کیلومترازلب دریا فاصله دارد . ازاین رشته‌کوه رودخانه‌هایی به نامهای زیرسرچشمه می‌گیرند :

صفارود ، چالکرود ، رودخانهٔ دوهزار و رودخانهٔ سه‌هزار که در محلی به نام « چاله » در بیست وچهار کیلومتری جنوب شهسوار یکی شده و پس از بیرون آمدن از کوهستان ، به نام چشمه‌کیله خوانده می‌شود ، ترك‌رود ، گرگ‌رود ، رودتیــرم ، رودلمرا ، نشتارود ، پلنگ‌آبرود ،کاظم‌رود و نمك‌آبرود .

بخش تنکابن شامل نواحی زیر است :

۱ ـ سخت‌سر (رامسر) که مرکزآن آخوندمحله و منطقهٔ ییلاقی آن جندهـ

رودبار (جنت رودبار) است . ۲ ـ شیرود. ۳ ـ گلیجان ولمرا[1] . ۴ ـ خرم‌آبادو توابع یعنی آبادیهای کنار رود دوهزار و سه‌هزار . ۵ ـ نشتا وزوار . ۶ ـ لنگا . ۷ ـ سرحد .

در تنکابن یازده طایفه سکنی دارند . نامهای ایشان بدین‌قرار است : خلعت ـ بری ، قوی اوصالو (قوی حصارلو) ، کلانتریه ،فقیه ، تالش، گلیج[2] ، دج[3] ، اساس، شورج[4] ، طالقانی ورودباری .

حکومت ناحیهٔ تنکابن از دو قرن پیش در خانوادهٔ سپهدار اعظم موروثی بود. درآن وقت مهدی بیگ خلعت‌بـری ، برای شکایت ازبد رفتاری قوی‌اوصالوکه حاکم بود به شیراز رفت و از کریم خان لقب خانی و حکومت تنکابـن را گرفت . همین مهدی‌بیگ به‌طرفداری‌آقا محمدخان برخاست و به سپاهیانی‌که به جنگ هدایت‌الله خان رشتی می‌رفتند پیـوست . به‌سبب این لشکرکشی عداوتی میان مردم گیـلان و تنکابن‌پیدا شد تا براثر درخواست مهدی‌بیگ ، تنکابن را از گیلان جداکردند وجزء خاك مازندران آوردند . هادی‌خان‌که بزرگترین پسر مهدی خان بود ، جانشین او شد . ولیخان ـ پسر هادی‌خان ـ در محاصرهٔ هرات به قتل رسید و فرماندهی‌لشکری که پدر داشت به نواده‌اش ـ حبیب‌الله خان ـ رسید . حبیب‌الله خان پسری سیزده‌ساله‌و به لقب صاعد الدولـه معروف بود . جانشین صاعـدالدوله ، پسرش محمدولی خان ـ سپهدار اعظم ـ شد . بازماندگان سپهدار تا زمان اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر ، کرّوفری داشتند ولی از آن تاریخ از حکومت افتادند .[5]

فریزر در بهار سال ۱۲۳۸ ه.ق.از تنکابن‌گذشته و در بارهٔ آن نوشتـه است: « خرم‌آباد مرکز تنکابن است .محمدقلی میرزا، تنکابن را به محمدکاظم میرزاواگذار

۱ـ بضم‌گاف وکسرلام. ۲ـ بضم‌گاف . ۳ـ بفتح دال. ۴ـ بکسرداء .

۵ ـ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو،متن انگلیسی، ص۲۲ .

کـرده است . ما پس از گذشتـن از رود مـزور و شیرود ، در آب گـرم سخت سر ماندیم . »[۱]

ابت[۲] در سال ۱۲۵۹ هـ.ق. ،ناحیهٔ تنکابن‌را دیده‌ودر بارهٔ‌آن‌چنین‌نوشته است :

« رودخانهٔ میان‌دکه سفیدتمیش نیزخوانـده می‌شود، بخش رانکوه وتنکابن‌را از یکدیگر جـدا می‌کند. تنکابن جزء خاك مازندران است ولی معمولاً حکمران آن از تهران تعیین می‌شود . حاکم فعلی حبیب الله ــ پسر ولی‌خان ــ است که‌سرکردهٔ قشونی بود که در تسخیر هرات ، نزدیك شهر کشته شد . در فاصلهٔ کمی از سفیدتمیش به سورخان‌رود رسیدیم کـه بیست وپنج قدم پهنـای آن بود . در بیست و سه میلی مقابل روی ما ، ارتفاعی بود که سخت‌سر خوانده می‌شد و کوهی جنگلی است . در بیست و چهار میلی آرشه‌رود بود و در بیست وشش میلی ، ترك‌رود بود کـه بستری سنگی داشت . در بیست و شش میلی بـه دهکدهٔ سلم‌رود رسیدیم‌کـه نزدیك ساحل بود . ما بایـد به‌آب‌گرم می‌رفتیم که بالاتر از مسیر ما بـود . از آب گرم ، دوباره به ساحل دریا آمدیم وازآب سلم‌رودگذشتیم . در حدود دو میل از این محل به رود کوچکی رسیدیم ودرسه میل فاصله ، از رود سیدمحله گذشتیم . درشش میل‌ونیمی‌به نوسررود رسیدیم‌کـه عرض آن صد وسی‌و چهار قدم اسب‌بود . درده میلی شیررود را قطع کردیم‌کـه دو مصب شنی‌دارد و آب آن به‌شن فرو می‌رود . قسمت علیـای آن رودخانهٔ بزرگی است و هنگامی‌که سیلابی است ، گذشتن از‌آن مشکل است . درده میلی رود واچك است و شال‌کلا بیش از یك میل از این رود فاصله دارد ، دردوازده میلی رود مزار است‌که در مصب به دو قسمت می‌شود و هریك پنجاه قدم عرض دارد . در نیم میلی این رود، رودشاهی‌ور است‌که رودکوچکی‌است ودرچهارده‌میلی‌رودی‌بود که پهنای آن پنجاه قدم بود و در پانزده میلی ، تیـلارود است . از جنگل منحرف

۱ ــ سفرنامهٔ فریزر، صفحات ۱۱۴ و ۱۱۵ . ۲ ــ Abbott

شدیم و در حدود بیست میلی ، به دهکدهٔ زوار رسیدیم . محلی که رودخانهٔ نمك ـ آبرود به ساحل می‌رسد ، در جهت شرق جنوب شرقی بود . در دو میلی به ایزرودکه هشتاد قدم پهنای آن بود . در شش میلی به رود پسنده رسیدیم و یك میل پس از آن رودخانهٔ عباس‌آباد را قطع کردیم . با ادامهٔ راه از عباس‌آباد ، از راهی پهن وعریض گذشتیم و رودخانه‌های نامبردهٔ زیر را یکی پس از دیگری طی کردیم :

اسبه‌چین ، کراکه‌رود ، تیلاررود ، پلنگ‌رود ، کلار رودبــار ، نمك‌آبرود ، نــورود ، رودپشت ، سرداب‌رود ، رودچالوس .

نمك‌آبرود ، حد فاصل میان تنکابن وکلارستاق است ورود چالوس کلارستاق‌را ازکجور جدا می‌کند . حکومت این سه ناحیه با حبیب‌الله خان بود .»[۱]

مکنزی در سال ۱۲۷۶ هـ .ق . ، تنکابن را دیده و این شرح را دربارهٔ آن نوشته است :

« پس از گذشتن از آب اوشیان ، از نه رودخانهٔ دیگر گذشتیم تا به ایزارود رسیدیم . آب این رودخانه گل‌آلود است . پس از این رودخانه ، منطقه‌ای جنگلی است تا به میان‌ده‌رود می‌رسد . کوههای جورده که ییلاق مردم تنکابن است ، طرف دست راست ما بود . در مقابل سخت‌سردرجنوب جنوب شرقی دیده می‌شد . رودخانهٔ سورخانی ، حد میان گیلان و مازندران است . ما سخت‌سر را دور زدیم و راه خودرا به طرف جنگل بــه سمت جنوب جنوب شرقی کج کردیم ، تا به‌دریاپشته برسیم. بــه آب ترك‌رود زدیم و از نزدیك امامــزاده‌ای گذشتیم ، پس از آن ازکرخت‌محلــه‌که آسیابی داشت،رد شدیم . راه سنگ‌فرش‌است وآخوندمحله طرف دست راست وصفاـ رود پیش‌روی ماست . از آبادیهای زکین و کندسر و نارنج‌بن گذشتیم و به آب‌گرم رسیدیم. از سیاهکله‌رود تاآب‌گرم‌چهارفرسنگ است.

۱ ـ سفرنامهٔ ابت، ص ۳۱.

درجهٔ حرارت آب‌گرم سخت‌سر صدوچهارده درجه ونیم با میزان‌الحرارهٔ فرانهایت است . آب‌گرم بچه‌کنو صدویازده درجه وآب‌گرم انجیره‌بن ۹۸ درجه فرانهایت است .کمی پایین‌تر دوچشمهٔ دیگراست، اولی به‌نام « کلوخ » خوانده می‌شدو ۹۸ درجه حرارت داشت ، دومی به‌نام « زنگه‌بن » معروف بود و ۱۰۱ درجه حرارت داشت .

از آب‌گرم سخت‌سر تاخرم‌آباد ، چهارفرسنگ است وراه به‌طرف جنوب‌شرقی متوجه است ـ ابتدا از پل چوبی سلمرود گذشتیم . از اینجا دوراه درپیش است،یکی از بالای‌گرمرود می‌رود و به‌سیدمحله می‌رسد . دیگری که ما از آن رفتیم از پایین گرمرود می‌گذرد و پس از عبورازمزارع برنج و باتلاق به ساحل دریا می‌رسد . »[1]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه تنکابن را قسمتی از خاك‌گیلان می‌داند و می‌نویسد :

« تنکابن تقریباً هشتاد پارچه ده‌کوچك و بزرگ ییلاقی و قشلاقی است ، این ناحیه را با دو ناحیهٔ دیگرکه‌کلارستاق وکجور باشد محال ثلاثه‌گویند . در هر سه محال‌گندم و جو و شلتوك و مرکبات و میوه‌جات غیراز زردآلو و نی‌شکروابریشم در دهات قشلاقی به‌عمل می‌آید . عجب این است که در این نواحی جایی است که مرکبات موجود است وبه‌فاصلهٔ یك میدان در همانجا به هیچوجه مرکبات وجود نمی‌آید و سبب این‌است‌که‌بعد از باریدن برف وصاف‌شدن هوا بر روی‌برگ درختها شبنم می‌افتد .باد ارز[2] که درتمام صفحات مازندران وزان است، به‌هرجا وزیددرختها را حرکت می‌دهد و شبنم‌ها می‌ریزد و درختها را خشك‌کرده محفوظ می‌ماند و جایی

۱ـ سفرنامهٔ مکنزی،صفحات ۱۸و۱۹ و ۲۱ . مکنزی دنبالهٔ سفرنامهٔ خودرا باهمین دقت نوشته است و ما از ترس اطالهٔ کلام از ترجمهٔ تمام مطالب صرف‌نظر کردیم .

۲ـ بضم الف و وراء.

که بادگیر نیست شبنم در برگ درختان منجمد شده ، یخ درخت را می‌خشکاند .

بالجمله خاك تنکابن ازسفیدتمیش تا نمك‌رود که رودخانه‌ایست مشترك میانهٔ تنکابن وکلارستاق هفت فرسخ است و از طرف دیگر حد این خاك « کاسه‌گرمحله » است . آبادی و قرای تنکابن مجاورکوهی است‌که در ساحل بحرخزر ممتد و فاصلهٔ کوتاه تا دریا ، بعضی جاها نیم فرسخ است و به‌جایی می‌رسدکه این فاصله به دومنزل می‌رسد .

یازده رودخانه از محال تنکابن جاری است و مصب همه دریای خزر است و غالب پنج شش فرسخ بستر ومجاری رودخانه‌هاست تا به دریابرسد.اسامی رودخانه‌ها ازاین قرار است:

اول رودخانهٔ سخت‌سرکه دایماً بیست سنگ آب دارد وگاهی زیاد می‌شود . دویم چالك‌رود ، آن نیز بیست سنگ‌آب دارد . سیم رودخانهٔ شیرم[1] ، سی‌سنگ‌آب دارد . چهارم رودخانهٔ مزر[2] . این‌رودخانه عظیم ومثل رودخانهٔ چالوس بلکه بزرگتر است و پانصد تومان جمع دیوانی دارد . پنجم رودخانهٔ تیر پرده‌سرکه در تابستان ده سنگ آب دارد و دروقت بارندگی عبور ازآن ممکن نیست . ششم ازارود[3] ، دروقت خشکی آب بیست وپنج سنگ آب دارد ، هنگام بارندگی عبورازآن ممکن نیست. هفتم نشتارود ، رودخانهٔ عظیمی است و در طغیان آب عبور از آن مقدور نیست . هشتم رودلنگا[4] ، بیست سنگ‌آب دارد . نهم رودخانهٔ اسبچین ، بیست سنگ آب دارد . دهم رودخانهٔ جمشیدآباد ، ده سنگ آب دارد . یازدهم پلنگ رود ، پانزده سنگ آب دارد و رودخانهٔ نمك‌رودکه مشترك میانهٔ کلارستاق وتنکابن است شصت سنگ آب دارد و آب آن شوراست و علاوه براینکه به‌کار خوردن حیوان‌و انسان

۱ـ بفتح شین وسکون یاء وفتح راء . ۲ ـ بفتح میم و زاء . ۳ ـ بکسر الف اول . ۴ـ بفتح لام .

نمی‌خورد ، برای زراعت هم حـاصلی ندارد .

در دریاسر ، ییلاق جنب دوهـزار تنکابن یك ماه از بهـارگـذشته یك دفعه چشمه‌ای جاری می‌شود ووقت جریان‌آن صدای عظیمی حادث می‌شود وتا اول‌تابستان جاری است . بعد خشك می‌شود و از تمام سطح زمین قریب به این چشمه نیز در دو ماه آخر بهار آب می‌جوشد .

در دوازده قریه از قرای تنکابن حمـام هست و قرای دیگر نیز همـه در تهیهٔ ساختن آن می‌باشند . در بعضی دهات نیز مسجد ساخته‌اند . در سخت‌سر وجوره از محال تنکابن،مدرسهٔ محقر چوبی دارد.

حاکم‌نشین قشلاقی تنکابن و دومحال دیگر ، خرم‌آباد از محال تنکابن است و دوهــزارحاکم‌نشین ییلاقی است . خرم‌آباد یك مسجد وده باب دکان و دو حمام دارد که یکی عمومی و یکی مخصوص باغ و عمارت حکومتی است .

صاعدالدوله ــحبیب‌الله خان تنکابنی‌ــ حاکم محال ثلاثه ، باغی موسوم به باغ ناصری در خرم‌آباد احداث نموده که هزار قـدم طول و چهـارصد قدم عرض دارد . دریاچه و عمارت بسیار عالی دومرتبه مشتمل بر اطاقهای متعدد و تالار و غیره دراین باغ هست . در گوشهٔ باغ برای تماشای صحرا و دریا، تالار چوبی بطرز مازندران ساخته شده . اشجار باغ عبارتست از مرکبـات و گل رشتی ، سرو ، انار ، ازگیـل ، هلو ، آلوبالو ، به ، آلوچه ، سیب و غالب‌درختها درحاشیهٔ باغ است .

در تنکابن کوهی است موسوم به « مارکوه» دخمه‌های متعدد دارد . شبپره‌های زیادی در این دخمه‌ها هست که خود را به‌آدم و چراغ می‌زنند و مانع از دخول به دخمه‌ها می‌باشند. بالای این کوه جایی است مشهور به « نقاره خانه » هرگاه سنگی برآن موضع بزنند ، صدایی مثل صدای طبل حادث می‌شود و تا نیم فـرسخ‌راه ، آن صدا می‌رود .

در سه‌هزار غاری است که ده نفر در آن غار می‌توانند نشست . از سقف آن غـار چکه‌چکه آب گرم می‌ریزد . متصل به این موضع کوهی است مشهور به « تخت سلیمان » که صعود به قلهٔ آن سواره متعذر و برای پیاده در وسط تابستان ممکن ولی متعسّر است . درقلهٔ کوه بطور شیروانی ، ازچوب عمارتی‌است که جای دونفرمی‌شود. مشهور است که حضرت سلیمان علیه‌السلام بالای این کوه‌آمده است . درزیرشیروانی مسطور ، از سنگ شکلی است شبیه بمار ، سکنه گویند این‌مار را حضرت سلیمان سنگ کرده .

در محال ثلاثه تقریباً بیست بقعه از امامزاده‌هـای واجب‌التعظیم هست کـه، زیارتگاه مردم است . از جمله امامزاده قاسم است که دری دارد منبت وخـط آن را به‌طور حجاری کنده‌اند . قریب پانصدسال است که این در ساخته شده و به هیچوجه عیب نکرده ، منبتها به‌حال خود باقی است .

صنایع تنکابن الیجه و چارشب رختخواب و شلوار سواری و چوخاست .

در محال‌ثلاثه شکار ازقبیل قرقاول، کبك ، چیل، بلدرچین،کبوتر ، باقرقرا و مرغابی موجود است . بز ومرال و شوکا نیز دارد . از مرغهای شکاری : قرقی ، قوش، قزل ، اترکی ، بحری و شاهین در محال مسطور هست . در جنگلهـا نیز پلنگ ، ببر ، خرس و خوك موجود می‌باشد . نمك از طالقان به تنکابن می‌آورند .

علما و فضلای قدیم تنکابن : ملاعبدالکریم گلیجانی ، میر ابـوطالب ، حکیم میرمحمد مؤمن ابن حکیم میرمحمد زمان که از معارف فضلای تنکابن و صاحب کتاب تحفه ، معاصر با شاه سلیمان صفوی است وکتاب تحفه را که در ادویهٔ مفرده و بعضی ترکیبات می‌باشد ، به اسم شاه‌سلیمان نوشته‌است . ملاحسین نامی ازعرفای تنکابن بوده. قریب دویست نفر از طایفهٔ صاعدالدوله در تنکابن هستندکه همه از اعزه‌می‌باشند.»[۱]

۱ ــ مرآت‌البلدان، ج ۱،ص ۵۰۱ و ۵۰۲ ذیل نام تنکابن .

۲- بناها و آثار تاریخی سخت‌سر (رامسر) و تنکابن

چاهی به‌نام «یاغی‌لوکا»
در کوه ایل‌ملی[1] بالای اردوگاه فعلی رامسر

در این کوه سنگی که دارای شیبی تنـد است ، چاهی است که داخـل آن را چیده‌اند . عمق آن معلوم نشد . این‌چاه ، در دامن‌کوه ، مخرجی به‌طرف دریادارد.

بقعهٔ سید محمد
در تالش‌محلـهٔ سخت‌سر (رامسر)

بنایی است زگالی با چهار ایوان در چهارطرف ، صندوقی سادهٔ چوبین‌در وسط بناست.در ورودی قاب‌بندی و نگار اصلی آن بدین شکل است :

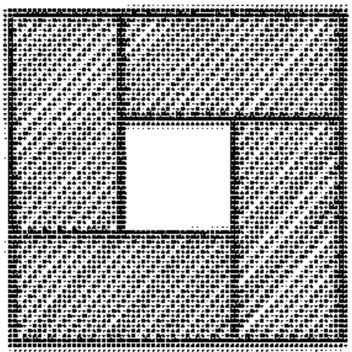

آیات و احادیث و اشعاری به‌ترتیب زیر برآن حك شده است :

برسر پاسار لنگهٔ سمت راست:

«بسم الله الرحمن الرحیم .»

۱ــ بکسر میم .

بر پاسار اول:

«انافتحنا لك فتحاً مبیناً .»

بر پاساردوم:

«انا مدينة العلم و على بابها .»

بر بائوی سمت راست :

اول دفتر بنام ایزد دانا صانع‌و پروردگار وحی‌تواناااین مشهد.....»

بر بائوی سمت چپ:

«امید عفو نباشد ...»

برسر پاسار لنگهٔ سمت چپ: ....

بر پاسار اول لنگهٔ‌سمت چپ :

« ناد علياً مظهر العجائب تجده.»

برپاسار دوم لنگهٔ سمت چپ :

«عونا لك فی النوائب كل هم‌وغم سينجلی .»

بر بائوی سمت راست :

مطالبی بود که به‌علت فرسودگی خوانده نشد .

بر بائوی سمت چپ :

«بعظمتك یاالله بنوتك یا محمد بولایتك یا علی.»

بالای دماغهٔ درکنده‌کاری ظریف وپرکاری است .

سمج قدیمی به‌شکل غار

در محلی به‌نام شه‌پره‌چال در لات‌محلهٔ آخوندمحلهٔ رامسر

می‌گویند این سمج به قلعهٔ دیزکول راه دارد و ظاهراً فرارگاه آن قلعـه بوده است . کسانی تا پانصد متـر در ایـن سمج پیش رفته‌اند اما به‌علت سنگینی هـوا

بازگشته‌اند . مدخل این غارکه از نزدیك دیده شد، طبیعی به‌نظر می‌رسد وچون راه آن انباشته شده بود و پر از گل ولای بود نگارنده نتوانست داخل شود . این سمج به نام « غار نادر » نیز خوانده می‌شود .

مسجد و مدرسهٔ مرحوم میرزا عبدالباقی‌خان در دهکدهٔ سخت‌سر (رامسر) تنکابن

صاحب طرائق‌الحقایق در سال ۱۳۱۴ ه.ق. این مسجد و مدرسه را دیده و در بارهٔ آن می‌نویسد « مسجد و مدرسه مشتمل بر حجرات ، از مرحوم میرزاعبدالباقی خان و مزاری در یکی از زوایای مسجد است . »[۱]

پس از تحقیق معلوم شد که مسجدی قدیمی‌که فعلاً در آخوندمحلهٔ رامسر در کوچهٔ گلشن است باید همین مسجد باشد . آثار مدرسه نیز برجای است امابسیاری از اراضی آن را دیگران تصاحب کرده‌اند .

این مسجد بزرگ به درازای نوزده متر و پهنای چهارده متر است . در طول مسجد دو سرنال (حمال) است که هرسرنال روی سه ستون چوبین قطور قدیمی استوار است . بالای سرنالها واشان‌کشی وپل‌کوبی است. سه‌ستون ازسرستونها،قدیمی است . طرف شرقی ، پنجره‌های ارسی قدیمی بوده‌که فعلاً تبدیل به پنجره‌های‌آهنین شده است . طرف غرب، پنجره‌های بزرگ چوبین است . دو ایوان در دوسمت شرقی‌و جنوبی است . پهنای آنها یك متر وده سانتیمتر و درازای آنها ده متر است . ستونهای چوبین ایوانها لاچ لنگری مارپیچ وهفت وهشت است . طرف شرقی ، در ورودی قدیمی قاب‌کاری‌وطرف قبلی هم یك در قدیمی است . سراسر مسجد سفال‌سر است .

۱ـ طرائق الحقایق ،ج۳، ص ۹ ۱ ۶.

مسجدی کهن به نام دزگامزگتی[1]
در دهکدهٔ جوردی (جواهرده)[2] ییلاق سخت‌سر (رامسر)

این مسجدکه به‌نام آدینه مسجد معروف است ، مورد احترام‌مردم مازندران‌و گیلان است . هرسال برای تعمیر و گلکاری آن جشنی محلی برپا می‌شود و مردم از دهکده‌های کوهستانی وجلکه‌ای دراینجاگرد می‌آیند ،گلکاری این مسجددر نخستین جمعهٔ تابستان ، به دست دوشیزگان محل انجام می‌شود . این سنت ظاهراً مربوط به دوران قبل از اسلام است ، زیرا در تعمیر و مرمت مساجد اسلامی‌چنین رسم وروشی نیست .

بنای‌کنونی مسجد قدمتی نداشت . برسر نالی (حمالی)که برستونهای نزدیك در ورودی استوار بود ، قطعه‌ای پانزده بیتی با قافیهٔ الف وردیف «شد» و ابیاتی‌بسیار سست با خطی بد نوشته شده بود . این ابیات حکایت از خرابی مسجد براثرزلزله‌ای شدید و تجدید بنای آن می‌کرد . بیت ماده تاریخ‌آن چنین بود :

تأمل نما و بگو ازسرفیض «مکان عبادت محل دعا شد»

اگر این ماده تاریخ درست باشد به‌حساب جمل سال ۱۰۴۵ هجری قمری این مسجد تجدید بنا شده است (عکس‌شمارهٔ ۱) .

اطراف مسجد محوطه‌ای بسیار وسیع است‌که‌گورستان اهالی است . بعضی از سنگ قبرها به‌ شرح زیر است :

۱ـ بکسردال وفتح میم و سکون زاء و فتح گاف دوم. ۲ـجواهرده: قصبهٔ ییلاقی ازبخش رامسرشهرستان شهسوار، سی کیلومتری جنوب‌غربی‌رامسر، درارتفاع تقریباً دوهزار متری واقع است (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳). نام تیره‌های گالش جوردی بدین‌ترتیب است : قورشا ، الی‌شا (بکسرالف) ، جولا (از همه قوی‌ترند) ، مراد ، تغار (بفتح‌تاء وتشدیدغین) ، هکروکر (بفتح‌ها وکسرکاف دوم) . تیره‌های ساکن دهکدهٔ جوردی از این قرارند : درجانی ، لارجانی، قصاب، شیخ‌الاسلامی .

« وفات مرحوم کربلائی حسن ولد مشهدی عباسقلی سنه ۱۲۳۰.»

بر حاشیه شعر عربی معروف:

« وفدت علی‌الکریم بغیرزاد» الخ حك شده بود. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح و دو عدد انگشتر.»

«وفات مرحومه مغفوره مؤمنه عفیفه صالحه خان شاتوره خانم (؟) بنت مرحوم مبرور غفران‌پناه و جنت و رضوان‌مکان نصرالله‌الحسینی ۱۲۶۷.»

بر حاشیه شعر عربی معروف.

« وفدت علی‌الکریم بغیرزاد» الخ حك شده بود. نشانه‌ها : گلدان.»

(عکس شمارهٔ ۲)

« وفات مرحومه مغفوره مبروره رضوان‌آرامگاه نرجس خانم بنت مرحوم میرزا محمدرضا الحسینی فی شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۶۹.»

«وفات مرحومه شهربانو بنت آقا محمدبیك بتاریخ یکشنبه پنجم شهر ربیع‌الاخر ۱۲۷۷ طایفه خلعت‌بری. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه ، آفتابه و بینکی.»

سنگهای دیگری مورخ ۱۲۷۰ و ۱۳۲۲ و ۱۳۲۹ در این گورستان بود.

مسجد آقاسیدسعید
در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر)

مسجد قدیمی را بهمن خراب کرده است و مسجدی تسازه به‌جای‌آن‌ساخته‌اند. دو سه ستون چوبین این مسجد قدیمی و مابقی تازه است. در میدان جلو مسجد ، دو درخت‌ون(زبان‌گنجشك)قدیمی است. محیط یکی‌ازآنها ۴۵۰ سانتیمترودیگری ۴۳۰ سانتیمتر است.

رابینومی‌نویسد ازمدارکی‌که دردست سادات‌محلهٔ سخت‌سر است معلوم

می‌شودکه این مسجد قدیمی‌است.ازآقایان سادات پرسیده شدچیزی دردست‌نداشتند.

مسجد حاجی میرزا عبدالباقی
دردهکدهٔ جوردی (جواهرده) سخت‌سر (رامسر)

مسجدی است قدیمی بـه‌درازی ۱۷٫۵ متر وپهنای ۱۳متر . دوردیف سرکش (حمال) در طول بناست . هرردیف برسه ستون قطـور پرکار قدیمـی از چوب راش استوار است . سرستونها پرکار و ازستونها جداست.سقف واشان‌کشی وسراسربنا،لت‌پوش است . منبری مشبك نسبةً قدیمی در مسجد دیده‌شد :

درگورستان نزدیك این مسجد، سنگ قبری از مرمر با خط خـوش نستعلیق به نظررسیدکه عبارات زیربرآن حك شده بود :

« وفات مرحومه مبروره مغفوره مؤمنه عفیفه صالحه حوابیگم بنت مرحوم آقا سیدمحمد بتاریخ شهر ذیقعدةالحرام ۱۲۷۲. »

سنگ قبر دیگری در این‌گورستان بودکه هشت‌بیت شعر با خط‌خوش‌نستعلیق برآن حك شده و مورخ ۱۲۶۷ هجری قمری بود .

تاریخ سایرسنگها : ۱۲۶۷ و ۱۳۲۲ و ۱۳۲۹ خوانده شد.

چاهی قدیمی
برقلهٔ کشکرت‌کوه[1] در چپرسرسخت‌سر (رامسر)

بر قلهٔ این‌کوه چاهی است‌که هرگاه بخاری غلیظ ازآن‌بیرون‌آید ، بارندگی‌و انقلاب هوا در شمال قطعی است . حرکت این بخار به طـرف شرق نشان اینستکه هوا زودتر خراب می‌شود .

۱ـ بکسر هردوکاف .

قلعه‌ای قدیمی
در مرتع پاره‌نسا پشت مهمانخانهٔ رامسر

برقلهٔ کوهی که در این مرتع است ، قلعه‌ای قدیمی‌است. بنای آن بیشتر با آجر و ساروج است . برسر راه قلعه سمجی است که داخل آن را با سنگ چیده‌اند . ظاهراً این سمج فرارگاه نهانی قلعه بوده است.

بقعه‌ای از سادات کیائی
در جنوب مهمانخانه و شمال حمام رامسر

این بقعه را در سال ۱۳۱۱ ه.ش. خراب کرده و شمشادهای قدیمی و قطـور آن را ریشه‌کن کردند . امروز درمحل بقعه یك اصله درخت تادانه باقی است.

مقبرهٔ پلاسید[1]
در سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر)

سید مدفون در این‌مقبره، جد سادات آخوندمحله است که درزمان شاه‌اسماعیل صفوی به‌اینجا آمده است .

بنای‌بقعه قدمتی‌نداشت (عکس شمارهٔ ۳). در ورودی‌وصندوق آن کنده‌کاریهای بسیار ظریف و پـر کار دارد . درازای هر لنگـه در ورودی ۱۶۲ و پهنـای آن ۴۵ سانتیمتر است . بربائو و پاسارها و تنکه‌های درکنده‌کاری و اسلیمیهای بسیار شکیل است (عکس شمارهٔ۴).

عباراتی که بر این‌دربود بدین‌ترتیب است :

بر تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت راست : نوشته‌ها به‌علت فرسودگی خوانده نشد.

بر تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

«الله مفتح الابواب.»

۱- بکسر پ . پلا یا پیلا به معنی بزرگ است و در گیلکی گیلان «پیله» گویند .

بر پاسار وسط لنگهٔ سمت راست :

«هذا من عمل استاد حسین.»

بر پاسار وسط لنگهٔ سمت چپ :

«بن‌حاجی تنهجانی تحریراً فی‌ثلث اربعین سبعمایه.»[۱]

صندوقی به درازای ۱۸۰ و پهنای ۹۸ و بلندی ۷۳ سانتیمتر مرقد پلاسید را پوشانده است (عکس‌شمارهٔ ۵)، واین عبارات باخط ثلث توانا بربدنهٔ مقابل‌در ورودی خوانده می‌شود:

«وقع هذاالعمل بالامر والاشارة من اعظم‌الخواتین‌عظمة بنت شاه‌کاوس‌ابتدا دعا[کذا] خلّدت ایام عصمتها نیلاً لثواب‌الله و طلباً لمرضاة ربها تاریخها سنة احدی و خمسین و تسعمایة کتبه حسین بن‌عباس.»

زیر این‌کتیبه عبارات و آیات زیر خوانده می‌شود :

«عمل استاد ابرهیم‌بن استاد نظرالاجل تنکابنی .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم نصر من‌الله و فتح‌قریب. »

مسجدی قدیمی نزدیك این مقبره

درازای بنای مسجد ده متر وپهنای آن شش‌متر است . سه در ورودی شمالی‌و یك در شرقی و یك در غربی مشبك چوبین دارد . محرابی‌ساده در طرف‌قبلی‌بناست. سرکشی (حمال) در طول بناست‌که برسه ستون قطور قدیمی با سرستونهای پرکار استوار است . در دو طرف سرکش‌یك‌چکش‌گردان است که واشانهای سقف براین چکش‌گردانها استوار است. بام سراسر بنا، سفال است .

۱ـ ظاهراً این درمتعلق‌به‌جایی دیگربوده که بدینجاآورده‌اند، زیراتاریخ صندوق ودر هیچگونه سازشی با یکدیگر ندارند .

در محوطهٔ اطراف مقبره سنگ قبری به این شرح دیده شد :

« وفات مرحوم مغفور رضوان جایگاه فردوس آرامگاه آق سید ابوالقاسم خلف جنت‌مکان خلدآشیان آقامیر محمد حسین یوم دوشنبه بیست وسیم شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۰۶. »

درگورستان اطراف مقبره، گور سید محمد میرزاآقابسمل، مرثیه‌سرای معروف باوضعی بسیار ساده دیده می‌شود .

قلعهٔ مار کوه

در سمت شرقی دهکدهٔ کتالم بر بالای کوهی منفرد

فضای قلعه بقدری است که در حدود یکصدتن سربازمی‌تواند درآن‌سکنی‌کند. آثار و قطعات‌کنگهای‌سفالین در قلعه دیده‌شد. ظاهراً آب مصرفی قلعه‌راازچشمه‌های دور دست می‌آورده‌اند . در وسط قلعه چاهی کنده شده‌که امتدادآن، درمحلی‌معروف به قلعه‌باغ می‌رسد .

مصالح بنای این قلعه سنگ وگچ غربالی است و برجها و باروی آن برجای است . طول ضلع شرقی ۱۷/۷۰ متر و قطرآن ۲/۳۰ و ارتفاع آن ۶/۳۰ متر است (عکس شمارهٔ۶) . طول ضلع غربی ۹ متر تمام است . ضلع شمالی با سنگی‌که در امتداد آن بوده است به دوقسمت می‌شود: قسمت غربی‌آن۱۴/۸۰ متر وقسمت شرقی آن‌که از سرسنگ جدا می‌شود ۱۵متر تمام است (عکس شمارهٔ ۷). با روئیدن درختچه‌های فراوان درمیان محوطهٔ قلعه طرح‌اطاقهای‌مسکونی‌آن رانتوانستیم‌معلوم کنیم . شاید نام این قلعه در قدیم «ازبلو» بوده است . مولانا اولیاءالله آملی از دو قلعهٔ معروف در خاك تنکابن یاد می‌کند یکی «تنکا» و دیگری«ازبلو»[۱]

۱ــ تاریخ رویان چاپ‌نگارنده، ص۱۴۷ .

مقبرهٔ چهل‌شهید
در غرب قلعهٔ مارکوه و شرق دهکدهٔ کتالم

در غرب قلعهٔ مارکوه ، بقعهٔ محقر وگورستانی عظیم ، معروف به چهل شهید است . چنانکه معروف است، این شهدا در یک‌روزکشته شده‌اند . ظاهراً این کشتار دسته‌جمعی یادآور جنگی است که در پای این قلعه اتفاق افتاده است .

قلعهٔ گرزمان‌سر
میان راه کتالم وگرسباسر در تنکابن

نخستین‌بار از قلعهٔ گرزمان‌سر ، هنگام حرکت سیدعلی‌کیا به طرف تنکابن‌و شکست فرزند سیدرکابزن‌کیای تنکابنی بدین شرح سخن به‌میان آمده است . سید ظهیرالدین می‌نویسد: «در آن ایام به موضعی‌که مشهور است به گرزمان‌سر ، حصنی بود حصین. درآن قلعه‌کوتوالی معتمد را بازگذاشت وچندنفر ازنوکران نیك خودرا به جهت محافظت آن قلعه باز داشت و خود به‌گرجیان نزد امیران آنجا رفت وچون روزی چند آنجا اقامت نمود ، حضرت سید امامت شعار (= سیدعلی‌کیا) با لشکر جرّار غیرفرّار به‌پای قلعهٔ مذکوره‌آمد و به محاصره مشغول‌گشت ودو سه نوبت‌حربی عظیم واقع‌گشت و نفری چند از لشکر مازندران فوت شدند و برادر سیداعظم سید حسن‌کیا را درآن محاربه به‌قتل‌آوردند. اما به‌عون‌الهی ، قلعه را فتح نمودند و خود به قلعه رفته اقامت نمودند . و فرزند رکابزن‌کیا چون چنان دید به‌نزد امیره‌نوپاشا به رانکو رفت و صورت حال معروض داشت . امیره‌نوپاشا لشکر جمع‌کرده ، متوجه قلعهٔ گرزمان‌سرشد . . . . چون امیره نوپاشا با لشکر خود به پای قلعه رسید [سیدعلی از این واقعه مطلع گشت] و جمعی از موافقان و تائبان خود را بدان قلعه بازگذاشت و برادر شجاعت‌دثار ، سیادت‌دثار سید هادی‌کیا را بر آن قلعه بازداشت و خود با معدودی چند از لشکر مازندران‌که انتخاب‌کرده بود، از

قلعه بیرون‌آمد و پنهان از راه بیراه به ولایت اشکور درآمد و از آنجا به رانکو آمد و خانه و جایگاه امیره نوپاشا را آتش زد و بسوخت و آنچه موجب شجاعت بود، به تقدیم رسانید.

چون امیره نوپاشا را از آن قصه معلوم‌کردند، بازگشت و به دفع سید عجاله ورزید. چون او به رانکو رسید، سید خود معاودت‌کرد و از راهی‌که آمده بود، باز به‌قلعهٔ مذکوره رفت و اقامت نمود و ولایت تنکابن را به تحت‌تصرف درآورد و دوست‌کام درآن مقام ساکن شد.»[۱]

این قلعه را امروز «دزدکول» می‌نامند و نزدیك دهکدهٔ گرسباسر است وظاهراً گرسباسر، شکل دیگری از گرزمان‌سر است. آنچه از دیوارهای قلعه بجاست با سنگ و ملاطی بسیار محکم چیده شده است. آثار گنگهای سفالین دراین‌قلعه، نشان می‌دهدکه آب قلعه از چشمه‌هایی نزدیك آن‌تأمین می‌شده‌است. محل این قلعه‌بسیار مرتفع و مسلط برتمام دشت زیردست آن است.

عمارتی قدیمی ملکی آقای علینقی نیکنام در مرجان‌لات جنده‌رودبار ییلاق رامسر

از بناهای اواخر دوران قاجاری است. ابعادآن ۱۸ × ۱۷ متراست.دوایوان بزرگ و وسیع در شمال و جنوب آن است. در و پنجره‌های قدیمی آن بر جای است.

بقعهٔ آقاسید حسن بن امام موسی‌الکاظم در دهکدهٔ چاك‌بلوك جنده‌رودبار تنکابن

بنایی است از سنگ وگل وچهار طرف‌آن چهار ایوان کتابی‌است.هر ایوان

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، صفحات ۲۹ و ۳۰ و ۳۱.

دارای هشت ستون با سرستونهای ظریف است. پنج‌ستون ایوان‌جلو لاچلنگری‌ظریف است . مقطع سایر ستونها هشت ضلعی است . ایوانها تکائل صندوقی‌وکنده‌کاریهای هندسی دارد . سراسر بام بنا ، حلب‌پوش است .

قلعه‌ای قدیمی
برقلهٔ‌کوه پایین مازو سر راه رامسر به‌جوردی (جواهرده)

برسرقلهٔ این‌کوه‌آثار باقیماندهٔ دیوارهای‌قلعه‌ای قدیمی‌ازسنگ دیده‌می‌شود .

آثار آبادی و شهری قدیمی
در مرتع پرچو در میان‌بند سخت‌سر (رامسر)

در سرراه رامسر به جواهرده در مرتعی به‌نام پرچه یا پرچو آثار ساختمان و گورستانی قدیمی دیده می‌شود . در محل دیگری از این مرتع محلی به‌نام «شهرستانك» است‌که آثار ساختمان وآبادی قدیمی است .

راههای قدیمی سخت‌سر (رامسر) تنکابن

راه قدیمی جوردی (جواهرده) به قزوین

این راه از دهکدهٔ ییلاقی جوردی به زلزلان دشت‌ـسیاه‌کوتی‌ـ اژدهاسنگ‌ـ باغ دشت‌ـیال بکت[۱] ـ لپاسرـ تمل ، ازدهکدهٔ تمل‌که جزء بالااشکور است وسایر دهکده‌های این‌ناحیهٔ‌کوهستانی راههای متعددی به قزوین می‌رود وما درمجلد دوم به‌آنها اشاره‌کرده‌ایم .

راه شاه‌عباسی
در تنکابن

این راه از سورخانی بهمیان‌ده ، از میان باغها و اراضی می‌گذرد و بهمیان‌ده وارد می‌شود . ازپل دوم وکنار حمامی قدیمی می‌گذرد و به برتولو[۲] می‌رسد، از

۱ـ بفتح باء وکاف .   ۲ـ بضم تاء .

پهلوی خانهٔ اسماعیل علی‌پور و حسین حسینیان می‌گذرد و وارد لات می‌شود و بـه سه‌راهی می‌رسد، از رودخانهٔ ایلچـارود می‌گذرد و به رزه‌سر وارد می‌شود . پس از گذشتن از باغها و مزارع به شیخ‌زاهدمحله می‌رفته است .

قلعه‌بند یا شاه‌نشین
درمیان‌جنگلی درجنوب‌غربی سخت‌سر(رامسر)

قلعه‌ایست قدیمی بادیـوارهای سنگی وآجری و غرفه‌ها و پله‌ها کـه بیشتر آنها را خاك و سبزه ودرخت پوشانده است .آب قلعه از چشمهٔ « درواست » می‌آمده‌و هنوز گنگهای سفالین آن برجای است . در محل معروف بود بـر اثر جنگی کـه قلعه‌نشینان با مهاجمان داشته‌اند ، مخالفان آب قلعه را در محلی به نام « جولابن » بستند و مهارکردند و در نتیجهٔ نرسیدن آب بـه قلعه ، ساکنان مجبور شدند قلعه را تخلیه کنند .

باقی بناها و آثار تاریخی دشت و کوهستان سخت‌سر

۱ــ مسجد وبقعه‌ای در دریاپشته[۱] حومهٔ سخت‌سر (ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران‌و استراباد رابینو ص ۳۹) ، نوسازی شده است و آثار قابل ذکر ندارد .

۲ــ بقعهٔ پوتك در پشت‌توبن[۲] سخت‌سر ، داخل جنـگل ، بقعه‌ای‌زگالی است و آثار قابل ملاحظه‌ای ندارد .

۳ــ قلعهٔ دیزکول ، درمحال‌سخت‌سر ، معروف است که سمج شه‌پره‌چال به‌این قلعه منتهی می‌شود . از این قلعه آثاری برجای نمانده بود .

۴ــ مسجد و مدرسه در آخوندمحلـهٔ رامسر (ترجمهٔ سفرنـامهٔ مـازندران و

---

۱ ــ دریاپشته : ده از دهستان حومهٔ بخش رامسر شهرستان شهسوار، شش‌کیلومتری شمال غربی رامسر کنـار شوسهٔ رامسر بـه رودسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۲ ــ توبن : ده از دهستان حومهٔ‌بخش رامسر شهرستان شهسوار، هفت‌کیلومتری شمال غربی رامسر ، سه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ رامسر به رودسر (فرهنگ‌جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

استراباد رابینو ص ۳۹)، ظاهراً منظور رابینو از این مسجد و مدرسه همان مسجدو مدرسهٔ میرزاعبدالباقی‌خان است که شرح آن را نوشتیم .

۵ــ آثار قلعه‌ای قدیمی درقلعه‌باغ نزدیك نیاسته [۱] . اطراف آن خندقی به‌عرض هشت‌متر وارتفاع چهار متر باقی است . مابقی اراضی آن تبدیل بـه‌بـاغ چای شده است .

۶ــ در خشکاسرا بالای قریهٔ سرولات آثـار استخری بزرگ وگورستانی وسیع قدیمی است .

۷ــ چاهی درهـزارچال درمحال سخت‌سر . راه از سادات‌محله بـه اربـه‌کله است وباقی راه را پیاده یابامال باید رفت .

۸ــ گورستانی قدیمی درمیان‌ده . زیرخاکی فراوانی از اینجا بیرون‌آورده‌اند.

۹ــ بقعه‌ای قدیمی درکهنه میان‌ده نزدیك دهکدهٔ جنگ‌سرا . [۲]

۱۰ــ غاری درپایین‌کوه قلعه‌بند یا شاه‌نشین کنارشاهراه شاه‌عباسی پشت‌دهکدهٔ رمك . [۳]

۱۱ــ بقعه‌ای در شاه‌منصورمحله . [۴]

۱۲ــ بقعه‌ای در دهکدهٔ ایزکی از دهکده‌های جنده‌رودبار (جنت‌رودبار) .

۱۳ــ قلعهٔ گل‌کند [۵] درجنده‌رودبار . درمحل معروف بودکه سمجی به چادقلعهٔ

۱ــ نیاسته : ده ازدهستان حومهٔ بخش‌رامسرشهرستان شهسوار، دوازده کیلومتری جنوب شرقی رامسر دوکیلومتری جنوب شوسهٔ رامسر به شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ، ج ۳).

۲ ــ جنگ‌سرا : ده از دهستان حـومهٔ‌بخش رامسرشهرستـان شهسوار، هیجـده کیلـو متری غرب رامسر و شش‌کیلومتری جنوب چابکسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۳ ــ رمك : ده از دهستان حومهٔ بخش رامسرشهرستان شهسوار، دوکیلومتری شرق رامسر و کنار راه شوسهٔ رامسر به شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۴ ــ شاه‌منصورمحله : ده از دهستان رامسرشهرستان شهسوار، ۱۵ کیلومتری غرب‌شهسوار ودو کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۵ــ بکسر گاف .

مارکوه دارد .

۱۴ـ قلعهٔ دربندان در جنده‌رودبار .

۱۵ـ گورستان گبری در مرتع اژدلم سرراه رامسر به‌جوردی (جواهرده). دراین مرتع گورهای بزرگ و فراوان است .

۱۶ـ آهن پچان آثار قدیمی کوره‌ها و معدن آهن است . سرراه جوردی (جواهرده) از راه رجه .[1] راه از پهلوی پل بامسی به قهوه‌خانهٔ بارگاه می‌رود . آهن‌پچان روبروی قهوه‌خانه می‌افتد .

۱۷ـ بقعه‌ای بربالای اشکونه کوه[2] درراه ییلاق جوردی (جواهرده) .

۱۸ـ دوبقعهٔ قدیمی در تنگه‌درهٔ جوردی (جواهرده) یکی به نام سید خرم کیا و دیگری به نام آجنکوله .[3] مسجد و حمام این محل نیزقدیمی است .

۱۹ـ گورستان گبری در سرخ‌تله یا کهه‌بن درجوردی .

۲۰ـ گورستان گبری درپای کوه وژه[4] درجوردی .

۲۱ـ آثار قلعه‌ای قدیمی بر قلهٔ کوه زین‌دشته ، شرق جوردی .

۲۲ـ گورستانی قدیمی شامل گورهای گبری و اسلامی درلپاسر[5] جوردی .

۲۳ـ آثار خرابهٔ دهکدهٔ قدیمی در اسیه‌گا[6] جوردی .

۲۴ـ آثار خرابهٔ آبادی قدیمی دربازرشت[7] دردهکدهٔ جوردی .

۲۵ـ خانه‌ای قدیمی ملکی میررضائی در دهکدهٔ جوردی .

۲۶ـ خانه‌ای قدیمی ملکی آقای لاریجانی در دهکدهٔ جوردی .

---

۱ ـ بفتح‌راء .   ۲ ـ بضم‌الف .   ۳ ـ بفتح‌جیم .   ۴ ـ بفتح واو
۵ ـ بفتح‌لام .   ۶ ـ بفتح الف .   ۷ ـ بفتح‌راء .

۳ـ بناها و آثار تاریخی گلیجان تنکابن

بقعهٔ آقاسیدجلال از نوادههای امام موسی‌الکاظم‌علیه‌السلام درزروج‌محلهٔ[1] گلیجان‌تنکابن

بنـای اصلی بقعه مـربع شکل وصندوقی سادهٔ چوبین درمیان آن است . در ورودی قبلی است . چهار طرف ایوان دارد . در هـر ایوان هشت ستون هشت ضلعی است که پایین آنها مربع شکل است . سرستونها نسبةً ظریف و پرکاراست . طرف سر نال و طرف دیوار بقعه ، هر یك دارای یك چکش‌گردان ظریف است که واشانها برآنها متکی است . بنای بقعه از داخل نیز چکش‌گردان دارد و واشانهـای سقف بقعه برآنها استوار است . جلو ایوانها تکائل صندوقی ظریفی به‌کار رفته است .

بقعهٔ آقامیر سبحان درده‌کدهٔ تیمجانك[2] گلیجان‌تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل است . در اصلی ورودی جنوبی است و دردوطرف

---

۱ ــ زروج محله : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، دوازده کیـلومتری غربی شهسوار و سه‌کیلومتری جنوب‌شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج۳).
زارود = زارو ، از آبادیهای‌پشتکوه‌و از توابع جوردی (جواهرده) است .درخودجواهر‌ـ ده هم زارومحله‌ای هست . نسبت به‌زارو ، زاروج و مخفف‌آن زروج می‌شود .
۲ ــ تیمجانك : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، ده کیلومتری غرب شهسوار و دو کیلومتری جنوب راه شهسوار به رامسر(فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

آن دو شیر نقاشی شده است ، بالای درعبارت « از علی آموز اخلاص عمل » خـوانده می‌شود . ایوان جنوبی دارای شش ستون قدیمی با سرستون است که چهار عدد آنها لاچ لنگری است . باقی ایوانها هریك هفت ستون چوبین دارد . در محوطهٔ اطـراف بقعه درخت پلت (افرا) کهنسالی بود که محیط تنهٔ آن بالغ بر ۴۲۰ سانتیمیر بود.

گور کیا اسکندر چلاوی
درحوالی شیرود گلیجان تنکابن

پس‌از اینکه کیااسکندر پسر افراسیاب چلاوی ، امیر تیمور را به دفع‌سادات مرعشی به قلعهٔ ماهانه‌سر آورد و سادات را به دست امیرتیمور شکست داد ، خود بر امیرتیمور بشورید و پس از جنگی که در جنگل فری‌کنار با امیرتیمور کرد شکست خورد و به تنکابن درآمد . امیرتیمورکسان خود را به دنبال او بفرستاد . ایشان بـه نمکـاوه‌رود رفتنـد وازسیدهادی کیـاـ والی تنکابن ـ اسکندر را زنـده و مـرده خواستند . سیدکسان خود را فرستاد و او را در شیرود هزاربکشتند و سرش را بـــه فرستادگان امیرتیمور دادند.[۱]

بقعهٔ آقـاسیدرضا
در دهکدهٔ بالاشیرود گلیجان تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل و به ابعادشش‌متر است . درورودی اصلی قبلی‌است. چهار طرف بنا ایوان دارد و ایوان جنوبی پهن‌تراز سایر ایوانهاست . جلو هرایوان هفت ستون هشت ضلعی است . قبرستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف بقعه است .

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ پایین شیرود گلیجان تنکابن

درازای بنای اصلی ۵۰۰ و پهنای آن ۳۲۰ سـانتیمتر است . در ورودی اصلی

---

۱ ـ تاریخ طبرستان ورویان و مازندران سیدظهیرالدین،ص ۳۱۴ و ۳۱۵و ۳۱۶ .

جنوبی است و دو طرف آن دو طاقچه بنا شده است . در ضلع شرقی سه طاقچه است که بالای طاقچهٔ وسط خفنگی مدور نورگیر نصب شده است . در ضلع غربی نیز سه طاقچه دیده می‌شود . ضلع شمالی مانند ضلع جنوبی دارای دری ورودی و دوطاقچه درطرفین آن است . ایوانها دارای ستون با سرستونهای نسبةً ظریف است. سنگ مرمری قدیمی جلو پلهٔ بنا بودکه روی آن را سیمان کشیده بودند . مطالب حك شدهٔ برآن درست خوانده نشد . چناری قدیمی در بیرون محوطهٔ بناست که فعلاً پنج‌شاخه شده و تنه‌ای بسیارقطور دارد . معروف است که این سیدحسین، برادر سیدحسن است که در دهکدهٔ چاك ییلاق جنده‌رودبار مدفون است .

دو برادران
در دهکدهٔ کچانك گلیجان تنکابن میان شیرود و کچانك

دوبرادران شامل‌دو بقعهٔ ساده و محقراست .پشت یکی‌از بقعه‌ها درخت‌لنگائی (نارون) است‌که محیط تنهٔ‌آن ۳۸۰ سانتیمتر است . پلت (افرا) بزرگ وکهنسالی نزدیك این نارون است . مسجدی‌کوچك‌و محقر نیز در محوطهٔ این دوبقعه‌ساخته‌اند.

پل آجری
در دهکدهٔ لپاسرسرراه رمج‌محله و کچانك گلیجان تنکابن

این پل برآبی است که از زهاب زمینها بوجود می‌آید . آجرهای پل‌به ابعاد ۴×۲۰×۲۰ سانتیمتر است . پهنای پل با جان‌پناه ۲۵۰ سانتیمتر و بدون جان‌پناه دومتر است . درازای پل نوزده مترو ارتفاع آن از سطح آب سه متر است (عکس شمارهٔ ۸) .

پل آجری
برسرراه نسیه‌محله به فقیه‌محله و دهکدهٔ برامسر[1]

۱ ــ بضم‌باء وفتح‌سین. برامسر : ده ازدهستان گلیجان شهسوار، هشت‌کیلومتری غربی شهسوار وسه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

این پل بر آب واچه‌کیله بناشده که از رودخانهٔ‌مرز[1] جدا می‌شود . بنای پل قدیمی است . درازای آن ۲۴٫۶۰ مترو پهنای آن با جان‌پناه ۲۵۰ سانتیمتر و بدون آن ۲۳۰ سانتیمتر است . بلندی پل از تیزی جان‌پناه تا سطح آب ۳۵۰ سانتیمتر و پهنای دهانهٔ پل ۵۳۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۹) .

بقعهٔ گلدسته
در دهکدهٔ برامسر گلیجان تنکابن

بنای بقعه شامل چهار دیواری است با مقداری درختان انجیرودرختان‌دیگر. درخت پلت عظیمی نزدیك بقعه بود که محیط تنهٔ آن بالغ بر ۴۴۰ سانتیمتر بود. در محوطهٔ بقعه ، درخت پلت دیگری بود که محیط تنهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتر بود .

بقعه‌ای
در دهکدهٔ فقیه محلهٔ[2] گلیجان تنکابن

ازبنای قدیمی چیزی برجای نبود و سراسر آن تجدیدبنا شده‌بود . درمحوطهٔ اطراف بقعه گورستانی قدیمی است . درخت کهل نسبةً کهن در این گورستان دیده‌شد که محیط تنهٔ آن ۳۷۰ سانتیمتر بود .

امامزاده محمد[3]
در دهکدهٔ واچك[4] گلیجان تنکابن

بنای قدیمی را خراب کرده بودند و به جای آن بنایی نوساز با مشخصات‌زیر

۱ـ بفتح میم و راء .　　۲ ـ فقیه‌محله: ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، شش کیلومتری جنوب‌غربی‌شهسوارودو کیلومتری گلیجان(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳).
۳ـ در روزنامهٔ کیهان شمارهٔ ۸۵۲۳ مورخ یکشنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۵۰ عکسی از این امامزاده وگزارشی‌از حفاری دزدانهٔ آن درنیمه‌شب چاپ‌شده است.　　۴ـ واچك‌بکسرچ. ده ازدهستان گلیجان شهسوار، چهار کیلومتری غرب شهسوار کنار شوسهٔ شهسوار به رامسر، (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

ساخته‌اند . ابعاد بنای اصلی ۵۰۰ در ۴۷۰ سانتیمتر است. چهار طرف چهار ایوان دارد . ایوانهای جنوبی و شمالی به درازای ۸۵۰ سانتیمتر و ایوانهای غربی و شرقی به درازای هشت‌متر است . پهنای تمام ایوانها ۱۸۰ سانتیمتر است . جلوایوانهاتکائل آجری است و روی آنها را سفید کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۰) . در محوطهٔ اطراف بقعه درختان پلت (افرا)کهنسالی بودکه محیط تنهٔ آنها بدین قرار است :

۸۳۰و ۵۲۰و ۴۸۰و ۴۰۰ سانتیمتر .

سیدظهیرالدین می‌نویسد که قبر برادرش سیدعبدالحی بن سیدنصیرالدین بن سیدکمال‌الدین بن میرقوام‌الدین‌مرعشی در واچك گرجیان است . [1] ظاهراً گلیجان امروز با ناحیهٔ گرجیان قدیم کم‌وبیش قابل تطبیق‌اند .

بقعهٔ آقاسیدابراهیم‌و گورستان اطراف آن نزدیك دهکدهٔ کرات‌کوتی [2] گلیجان تنکابن

بنای اصلی بقعه مدور و طرح ایوانهای اطراف آن مربع‌شکل است .هرایوان سابقاً هشت ستون داشته که سرستونهای آنها زیر سرنال (حمال) باقی است .

ایوانهای کنونی ، دارای چهارستون سیمانی و تکائلی از آجرو سیمان است. طاق بقعه مدور و سنگی‌است وکاشیهایی به‌رنگهای مختلف بردیوار داخلی بقعه‌دیده شد . در بقعه نسبةً قدیمی است و دارای آلتهایی است که درمیان آنها تخته بکار رفته است وبالای درخفنگی با همان طرح دیده می‌شود . چناری کهنسال در جلو در ورودی بقعه بود که محیط تنهٔ آن به ۶۲۰ سانتیمتر می‌رسید . در گورستان اطراف بقعه سنگ قبرهایی به این شرح دیده شد :

۱ــ تاریخ طبرستان ورویان‌و مازندران، ص۳۴۸ و ۳۸۵ . ۲ ــ کرات‌کوتی : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، پنج کیلومتری غرب شهسوار ودوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

«وفات مرحوم مشهدی رمضان ولد مرحوم غلامعلی ۱۲۷۲ . نشانه‌ها: مهر ، تسبیح و شانه . »

« وفات مرحومه خدیجه بانو بنت کربلائی آقابابا ۱۲۴۵. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه ، آفتابه ، قیچی و بینکی . »

سنگ قبری مورخ ۱۲۷۲ و سنگ قبر شکستهٔ دیگری مورخ ۱۲۶۰ نیز دیده شد .

بقعهٔ آقاسید حبیب‌الله
در دهکدهٔ میانرود[1] گلیجان تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل ، چهار طرف چهار ایوان کتابی و هر ایوان هفت ستون چوبین با سرستونهای نسبةً ظریف دارد . سقف بنا واشان‌کشی است و واشانها بر چکش‌گردانهای دیوار وسرنال استوار است . لبهٔ بنا از خارج دارای دو چکش‌گردان و یك پشته است . سراسر بام حلب‌پوش است . در گورستان اطراف بقعه دو درخت کهنسال لنگا (نارون) است که محیط تنهٔ یکی ۲۶۷ و دیگری ۴۱۰ سانتیمتر است . گورستان اطراف بقعه، قدیمی و وسیع است .مسجدی بزرگ و حلب‌پوش در اراضی گورستان است .

مسجد علامه
در دهکدهٔ سلیمان آباد[2] گلیجان تنکابن

مسجد قدیمی این دهکده را مرحوم آیةالله میرزا محمد علامهٔ تنکابنی بساخت.

---

۱ ــ میانرود : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار دو کیلومتری جنوب غربی شهسوار و چهار کیلومتری راه شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج۳) .

۲ ــ سلیمان آباد : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، شش کیلو متری جنوب غربی شهسوار کنار راه فرعی شهسوار به چلاسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

این مسجد که روی در خرابی داشت ، اخیراً به دست آقای ابوالفضل علامه نوهٔ آن مرحوم تجدید بناشد .

مدرسهٔ سلیمانیه
در دهکدهٔ سلیمان آباد گلیجان تنکابن

این مدرسه ازمستحدثات میرزا سلیمان طبیب بود و در حدود بیست حجره طلبه‌نشین داشت . پسرش مرحوم میرزا محمد علامهٔ تنکابنی سالها در این مدرسه علوم قدیمه و معارف شرعیه را تدریس می‌کرد و پس از او نیز این مدرسه مرکز طلاب علوم دینی بود . امروز اثری از این مدرسه برجای نیست .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ سلیمان آباد گلیجان تنکابن

گورستانی وسیع است که سنگ قبری در آن نیافتم . بربالای بلندترین نقطهٔ میان این گورستان ، بقعه‌ای ساده با چهار ایوان اطراف آن بنا شده بود .

عمارت منتظم‌دیوان
در دهکدهٔ گلیجان تنکابن

صاحب طرائق الحقایق درسال ۱۳۱۴ هـ . ق . می‌نویسد « سلیقهٔ جناب منتظم‌دیوان از این باغ و طرح بازار و حمام معلوم است.» [۱]

بنای اصلی عمارت منتظم‌دیوان به درازای ۳۰ و پهنای ۱۸ متر بوده و بیست‌و چهار اطاق داشته که فعلاً خرابهٔ آن به‌شکل تپه‌ای کوتاه درآمده است . بنای اصلی بیرونی که تا امروز برجای است به درازای ۱۷ مترو پهنای ۱۳متر است که راهرویی در وسط و چهاراطاق در دو طرف راهرو دارد. دروپنجره‌های قدیمی آن از میان‌رفته‌و فعلاً محل دبستان منتظم گلیجان است . سردر ورودی بیرونی ساختمان، هشتی مانندی

۱ ــ طرائق الحقایق ، ج ۳ ، ص ۶۲۸ .

داشت که میان اندرونی و آشپزخانه قرار می‌گرفت . قسمت پایین هشتی راهرو وقسمت بالای آن اطاقهای اهل علم و روضه‌خوانها بود. آجرهای این بنا را برای ساختمان املاك بردند. تمام بناها، درهای ظریف و پنجره‌های ارسی پرکار با شیشه‌های رنگین داشت.

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ گلیجان تنکابن

این حمام را مرحوم میرزا محمدعلی معروف به نایب ساخته است وتا امروز برقرار و براه است .

عمارت قدیمی شیخ نورالدین
در نورآباد گلیجان تنکابن

این بنا که یکی از ساختمانهای قابل بررسی دوران قاجاری بوده است به دستور شیخ‌نورالدین پدر دکتر محمدخلعت‌بری ساخته شد . از این بنا امروز نشانی نیست .

باقی بناها و آثار تاریخی گلیجان تنکابن

۱ ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ لشتو که اطراف آن گورستانی قدیمی است .

۲ ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ نورآباد .

۳ ـ چاهی بزرگ در آهک‌چال در دیوچال‌گردن بالای دهکدهٔ چال‌کش[۱] .

۴ ـ سمجی به نام « زاغسی » نزدیك دهکدهٔ لگا[۲] برسر سه‌راهی شرگو[۳] .

۵ ـ گورستان قدیمی اریه[۴] نزدیك دهکدهٔ لاك‌تراشان[۵] .

---

۱ ـ بضم کاف . ۲ ـ بکسر لام، لگا: ده کوچکی از دهستان گلیجان شهسوار ، پنجاه کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران . ج ۳) .
۳ـ بفتح‌شین و کسر راء . ۴ـ بکسر الف . ۵ـ لاك‌تراشان: ده ازدهستان گلیجان شهرستان شهسوار چهل‌وهشت کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ‌جغرافیایی ایران ، ج ۳).

۶ ـ گورستانی قدیمی در میان دهکدهٔ لاک‌تراشان .

۷ ـ گورستانی قدیمی در دهکدهٔ دیمرون در ییلاق گلیجان .

۸ ـ امامزاده طاهر و مطهر در جنوب شرقی دهکدهٔ سیب‌کلایه در ییلاق گلیجان . چند درخت ون (زبان‌گنجشك) کهنسال در محوطهٔ اطراف بقعه است .

۹ ـ بقعهٔ آقامیرابوطالب در دهکدهٔ خشك‌رود[1] سلیمان‌آباد گلیجان . بنایی سادهٔ زگالی است و بامی حلب‌پوش دارد . مسجدی نوساز کنار بقعه است .

۱۰ ـ قلایهٔ کارکو، آثار قلعه‌خرابه‌ایست بر روی‌تپهٔ‌کارکو درخشك‌رودگلیجان.

۱۱ ـ سمجی قدیمی در سیاه‌بند کارکو در خشك‌رود گلیجان .

۱۲ ـ گورستانی قدیمی باآجرهای قدیمی فراوان در خشك‌رود گلیجان .

۱۳ ـ حمامی قدیمی در خشك‌رود گلیجان .

۱۴ ـ آثار بنایی قدیمی در بیسرکودهٔ گلیجان که خندق اطراف این‌بنا هنوز برجای است .

۱۵ ـ چاهی قدیمی در آمارکودهٔ گلیجان .

۱۶ ـ چنارهای کهنسال در مزار انبارسر بالای دهکدهٔ سلیمان‌آباد .

۱۷ ـ بقعه‌ای در شاهمرادمحلهٔ گلیجان .

۱۸ ـ قلعه‌ای قدیمی‌در لزربن[2] گلیجان‌که امروز به‌باغ چای تبدیل‌شده‌است .

۱۹ ـ برج و حصاری در پشت گالش‌محله[3] که آجر فراوانی از آنجا بـرای

---

۱ ـ خشك‌رود : ده از دهستان گلیجان‌شهرستان‌شهسوار، ده‌کیلو متری جنوب غربی شهسوار و سه کیلومتری غربی راه قدیم شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۲ ـ بفتح‌لام‌وزاء وضم‌باء ، لزربن:ده ازدهستان‌گلیجان شهرستان‌شهسوار، دوازده کیلومتری جنوب غربی شهسوار وچهارکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ ـ گالش‌محله :ده‌از دهستان گلیجان شهسوار شانزده کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

ساختمان حمام برده‌اند.

۲۰ ـ بقعه‌ای در گالش‌محلهٔ گلیجان.

۲۱ ـ بقعه‌ای در نورالدین محلهٔ[1] گلیجان.

۲۲ ـ بقعه‌ای در جل[2] آخوندمحله از بلوك گلیجان.

---

۱ ـ نورالدین‌محله: ده ازدهستان گلیجان شهرستان شهسوار، یازده‌کیلومتری غربی شهسوار ودوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به‌رامسر (فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران، ج ۳).

۲ ـ جل بفتح جیم: دهکدهٔ کوچکی ازدهستان گلیجای شهسوار، یك‌کیلومتری آخوندمحله (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۶- بناها و آثار تاریخی خرم‌آباد تنکابن

خانه و باغ امیراکرم
در محلهٔ شهسواران (شهسوار) تنکابن

محمدمعصوم شیرازی مشهور به معصومعلی‌شاه که درسال ۱۳۱۴ هـ . ق. خانه و باغ امیراکرم را در محلهٔ شهسواران دیده ، دربارهٔ آنها چنین نوشته است:

«بایدبرویم‌کنار دریا وتماشای عمارت وباغ‌کد[امیراکرم] برساحل‌ساختداند، نیم فرسخ است و آنجا را محلهٔ شهسواران‌گویند . تجارباکوبازار وحمام و خانه‌های خوب دارند اما باغ امیر بهشتی است بی‌نظیر. زمین آن فرشش بنفشه و یا زلف حورالعین‌گسسته، سروش درناز و با شمشادقدان سرخوش‌و دمساز، درختان نارنج و ترنج از دل رنج برند وقماریش برشاخسار پردهٔ چغانه وخرم نوازند. وسطآن‌عمارتی است‌که مراتبش از سبع‌طباق‌گذشته و برفرازش روباه زرد، رواق‌بیستون‌نگذشته...»[1]
از بناهای قدیمی این باغ اثری برجای نبود . اما خود باغ در دو طرف خیابان‌اصلی شهسوار در غرب فلکهٔ اصلی تا امروز برجای است و در دست بازماندگان امیراکرم است .

۱ـ طرائق‌الحقایق ، ج۳ ، ص ۶۲۱ .

مسجدی قدیمی معروف به قبر چهل‌دختر
در دهکدهٔ آغوزکله[1] خرم‌آباد تنکابن

بنای قدیمی مسجد را تجدیدکرده بودند. بنای مسجدتازه درمیان‌گورستانی قدیمی است. درختان نسبةً قدیمی در محوطهٔ‌گورستان دیده شد.

درخت چناری بسیارکهنسال
برسر راه بلده (قلعه‌گردن) و آغوزکله

بر سرراه بلده به‌آغوزکله، سمت چپ این‌جاده، چناری بسیار قدیمی است که شایدکهنسالترین چنار این صفحات باشد. به‌علت روئیدن پاجوشهای فراوان در اطراف آن نتوانستیم محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن را اندازه‌گیری‌کنیم. شاید عمراین درخت بالغ برپانصد سال باشد.

بقعهٔ آقاسیدعلی‌کیا
در دهکدهٔ مزرك[2] خرم‌آباد تنکابن

بنایی است زگالی، چهارگوشه، در وسط و دو طرف‌آن دو بنای دیگر متصل به‌آن است‌که استفادهٔ مسجد ازآنهامی‌شود. در جلو بنای بقعه و دو اطاق دو طرف آن، ایوانی است‌که سیزده ستون چوبین چهارسوی پخ‌زده است‌که سرستونهای نسبةً پرکاری‌دارند. درمحوطهٔ اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است. درخت تادانه‌ای‌که‌محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۳۰ سانتیمتر و درخت شمشادی که محیط‌دایرهٔ تنهٔ آن ۱۶۰سانتیمتر می‌باشد در محوطهٔ گورستان است.

۱ـ آغوزکله: ده از دهستان خرم‌آبادشهسوار، هشت‌کیلومتری جنوب شهسوارویك کیلومتری غرب‌بلده (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). ۲ـ بفتح میم و زاء.

امامزاده سید قوام‌الدین
در دهکدهٔ کبودکلایهٔ[1] خرم‌آباد تنکابن

بنابی است چهارگوشه به ابعاد چهارمتر درچهارمتر . دری طرف قبلی و دری شمالی دارد . صندوقی مشبك‌چوبین در وسط بناست. چهار طرف بقعه ایوان‌کتابی است و اخیراً تعمیراتی درآن‌کرده و نوسازی نموده‌اند . سقف بنا لمبه‌کوبی و بام‌آن حلب‌سر است .

اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است که درختان کهن درآن زیاداست. درختان مازوی آن به محیط دایرهٔ زیر است :

۵۶۰ سانتیمتر و ۴۹۰ سانتیمتر و ۴۵۰ سانتیمتر .

درخت توئی دراین‌گورستان است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن ۲۶۰سانتیمتراست .

بقعهٔ نورزاده خانم
در دهکدهٔ مزردشت[2] خرم‌آباد تنکابن

این بقعه‌که به نام نورزاده‌خانم‌معروف است اصلاً شهربانو بنت‌شیخ‌باقر مزردشتی است. بقعه‌ایست ساده وچوبین و دری مشبك‌چوبین‌دارد وصندوقی ساده در آن است . در نزدیکی بقعه آثار مسجد وحمامی قدیمی دیده می‌شود.

در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است و درختان قطور پلت (افرا) در آن زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ قطورترین آنها به ۴۰۰ و ۳۶۰ و ۳۵۰ سانتیمتر می‌رسد .

۱ـ کبودکلایه : ده از دهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار ، ۳/۵ کیلومتری جنوب شهسوارکنار شوسهٔ شهسوار به خرم‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

۲ـ بفتح میم و زاء .

حمامی قدیمی
در بلدهٔ (قلعه‌گردن)[۱] خرم‌آباد تنکابن

حمامی بسیار قدیمی در این دهکده بود که در نوسازیهای دوران اعلیحضرت فقید رضاشاه‌کبیر خراب‌شد و از میان رفت .

بقعهٔ سید علی‌کیا
در پایین بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

به تازگی بقعهٔ قدیمی را خراب‌کرده‌بودند و به‌جای‌آن بنایی ازنو ساخته‌اند.

بقعهٔ سیده زبیده
دربلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

چند سال قبل بقعهٔ قدیمی راخراب کردند وبه جای آن بنایی از نوساخته‌اند.

بقعهٔ سید محمد طاهر
در پایین‌بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

بنایی است زگالی بابامی حلب‌پوش . بنای‌محقری نزدیك بقعه‌است‌که معروف است مدفن سیده شهربانو ـ خواهر سید محمد طاهر ـ است. مسجدی متصل به بقعهٔ اصلی است. محوطهٔ اطراف‌بقعه‌گورستانی‌قدیمی است و درختان ملچ و مازو وگردو و کرزل درآن زیاد است. یکی ازدرختان ملچ محیط دایرهٔ تنه‌اش به ۳۴۰ سانتیمتر می‌رسید .

۱ـ بلده : ده از دهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار، نه کیلومتری جنوب شهسوار (فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران ، ج ۳) . این‌دهکده امروزبه «قلعه‌گردن» شهرت پیداکرده‌است.

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

در میان اهالی‌معروف است‌که این مسجد بسیارقدیمی را حضرت‌امام‌حسن(ع) بناکرده است . این دلیلی تواند بودکه این مسجد بسیار قدیمی بوده است . حمامی قدیمی نیز نزدیك این مسجد بود . مسجد و حمام در دوران نوسازیهای اعلیحضرت فقید از میان رفت . هنگام خراب‌کردن مسجد به‌آجرهای قالب بـزرگ و کاشیهای قدیمی برخوردند .

قلاگردن (قلعه‌گردن)
برقلهٔ‌کوهی در جنوب بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن[1]

برقلهٔ‌کوهی‌که جزء رشتهٔ جنوبی بلده است، کنار راه دوهزار قلعـه‌ای قدیمی بوده است . آثاری از این قلعهٔ قدیمی برجای نیست و امروزآبادی بلده‌که در دامنهٔ شمالی آن است نیز به‌نام‌گردنه‌ای‌که نزدیك به این قلعه است «قلعه‌گردن» ، خوانده می‌شود .

این قلعه ظاهراً همان قلعهٔ تنکا است‌که مولانا اولیاءالله وسید ظهیرالـدین از آن نام برده‌اند . و چنین به‌نظر می‌رسدکه نام بخش تنکابن نیز از نام این‌قلعه‌گرفته شده باشد .

قلعهٔ تنکا
درجنوب دهکدهٔ بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

مولانا اولیاءالله ، از قلعه‌های ازبلو[2] و تنکا در وقایع سال ۵۶۰ قمـری چنین

۱ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۲۴ . ۲ـ ظاهراً قلعهٔ ازبلو همان قلعهٔ مارکوه امروز است.

یادکرده است: استندارکیکاوس با اسماعیلیان مخالف بود و در قلمرو او (رستمدار) یك تن از اسماعیلیان راه نداشت. اما استندار هزارسپ ـ برادرزادۀ‌کیکاوس ـ با اینکه مردی سپاهی بود، در دفع ایشان کوتاهی می‌کرد و بیشتر قلاع را به‌تصرف ایشان داد و خود به عیش و عشرت پرداخت و دست به قتل بزرگان دراز کرد. بزرگان رویان ودیلمان هم‌پیمان شدند تا دفع او کنند. نزد ملك‌اردشیر رفتند. ملك‌اردشیر لشکر به‌آمل وکجورکشید و قلعۀ ولج را محاصره‌کرد و پس‌از تسخیر، قلعۀ نور و ناجو را نیز بگرفت. دوباره به‌قلعۀ ولج آمد و ازآنجا به‌کلار رفت. پس از آن به‌قلعۀ ازبلو و تنکاآمد و این قلعه را بگرفت و مردم‌آن ولایت رامطیع کرد.[۱]

سید ظهیرالدین نیز از دزتنکا، بیش از دویست سال بعد ذکری به‌میان‌آورده و می‌نویسد:

پس از جنگ رشت و شکست خوردن سادات از امرای محلی‌گیلان در سال ۷۸۹ قمری، سیدهادی‌کیا ـ حاکم تنکابن‌ـکه در این‌جنگ شرکت داشت، چاره‌ای جز فرار ندید، ازکوچسفهان به لاهجان وازآنجا به رانکوه و تنکابن رفت. توملج و امرای ناصرود که از این فرارآگاهی یافتند، او را دنبال کردند. سیدهادی‌کیا به دز تنکا در تنکابن‌که بعد از خرابی آن را آبادان ساخته بوده متحصن شد. امرای ناصرود و همراهان چون به تنکابن رسیدند، آتش درخانه‌ها زدند و بغارت وتالان مشغول شدند. سیدهادی‌کیا از قلعه بیرون آمد و بدیشان حمله‌کرد وایشان‌را منهزم ساخت.[۲]

استحکامات قلعۀ تنکا یا قلعه‌گردن در زمان ساعدالدوله تعمیر و مرمتی شد و چندی مورد استفاده بود.

---

۱ ـ تاریخ رویان، ص۱۴۵ و۱۴۶ و۱۴۷. عین‌این‌مطالب درتاریخ طبرستان، ج۲، ص ۱۴۴ نیزآمده‌است.
۲ـ تاریخ‌گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده، ص۸۷ و ۸۸.

ساختمانهای خاندان خلعتبری
در خرم‌آباد تنکابن

رابینو در سال ۱۳۳۰ ﻫ . ق . ازخانه‌های میرزا حبیب‌الله خان ساعدالدوله و محمدولی خان سپهدار اعظم و امیر اسعد[۱] فرزند ارشد سپهدار- در سه طرف میدان دهکدهٔ خرم‌آباد تنکابن یادکرده است و می‌نویسد در طرف شمال میدان، خانهٔ امیر اسعد ـ فرزند ارشد سپهدار اعظم- است.[۲] سبزه‌میدان خرم‌آبادکه رابینو ازآن ذکر می‌کند از سبزه‌میدانهای بزرگ صفحات شمال ایران بوده است. این میدان از شمال به دیوار جنوبی مدرسهٔ سنائی‌کنونی می‌رسیده و این دیوار ازغرب به شرق امتداد داشته و جادهٔ‌کنونی شهسوار به‌خرم‌آباد را قطع می‌کرده است و بـه‌کنار راهی می‌رسیده‌که مورب به‌گوشهٔ جنوب‌شرقی میدان می‌رفته است . ضلع‌غربی‌میدان دیوار مؤسسهٔ‌کشاورزی امروز بوده است‌که این دیوار از شمال به‌جنوب امتداد داشته و تا جنوب فلکهٔ امروز می‌رسیده است. در زوایهٔ جنوب‌شرقی میدان کاروانسرایی بوده که باز رابینو ازآن یادکرده است ومادر شرح بناهای خرم‌آبادآورده‌ایم.ضلع‌جنوبی میدان هم از پنجاه شصت‌متری‌جنوب‌فلکهٔ‌کنونی می‌گذشته است . در شمال و غرب و زاویهٔ جنوب شرقی میدان، ساختمان ناصریه، ساختمان سردرب[۳] ، ناهار خوران ، ساختمان هاجرخانم، عمارت دیوانخانه ، عمارت‌عالیه خانم بوده است. این بناهاکه نمونه‌های کاملی از بناهای اعیانی دوران قاجاری بوده ، تا زمان اعلیحضرت فقید رضا شاه‌کبیر برجای بود ، در همین زمان است‌که کم‌کم رو به خرابی رفته واشخاص مختلف در و پنجره و سایر مصالح‌آن را به‌جایی برده‌اند .

۱ـ لقب امیر اسعد را مرحوم میرزا عبدالله‌خان‌معزالحکماازتهران برای‌علی‌قلی‌خان آورده است (بنا به‌اظهار آقای حبیب‌الله شاهمرادی).
۲ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۴۲ .
۳ـ در محل به همین شکل تلفظ می‌شد .

جادهٔ شهسوار به خرم‌آباد امروز، این اراضی را به‌دو قسمت کرده است. آنچه از این اراضی برسمت چپ جاده بوده ، به دست اشخـاص مختلف افتـاده است و در اراضی سمت راست موسسهٔ کشاورزی خرم‌آباد و دبیرستان سنائـی بنا شده و دو قطعهٔ بزرگ غربی و یك قطعهٔ بزرگ شمالی نیز درملکیت دیگران است .

ساختمان ناصریه

این بناکه ظاهراً به‌نام ساختمان آیینه نیز معروف بوده است ، درست برجای دبیرستان سنائی کنونی قرار داشته و آیینه‌کاری وگچ‌بریهای آن جزء شاهکارها بوده است .

ساختمان سردرب

ساختمانی بوده است در اراضی باغ کشاورزی خرم‌آبادکه مرحوم امیر اسعد و حرم او درآن زندگی می‌کرده‌اند .

ناهارخوران

ناهارخوران تختی است به‌ارتفاع یك‌متر که اطراف آن سنگهـای تـراشیدهٔ نقش‌دار یك‌پارچه است (عکسهای شمارهٔ ۱۱ و ۱۲) و درشمال‌آن حـوضی به شکل مربع مستطیل از سنگ قرار دارد (عکس شمارهٔ ۱۳) . این‌بناکه نمونهٔ کوچکی از باقی‌ماندهٔ مجموعهٔ این بناهاست تا امروز در مؤسسهٔ‌کشاورزی برقرار است .

قسمتی از خیابان‌بندی و درختان کهنسال فراوان سرو تا امروز برجـای است (عکس‌شمارهٔ۱۴). یکی دوسه چنارقدیمی نیز پراکنده در این باغ‌به چشم می‌خورد .

عمارت دیوانخانه
در جنوب شرقی خرم‌آباد تنکابن

باغ عمارت دیوانخانه درحدود پنج‌هکتار و به‌شکل مربع مستطیل درجنوب‌شرقی شهر خرم‌آباد و در جنوب مسجد قدیمی این شهر برجای است. ازآثار قدیمی آن حوضی مخروبه باقی مانده است.

عمارت عالیه‌خانم
درجنوب شرقی خرم‌آباد تنکابن

اراضی اطراف این عمارت به شکل باغی متروك در شرق عمارت دیوانخانه و جنوب‌شرقی شهر خرم‌آباد برجای است. این اراضی قطعه‌بندی شده واشخاص‌مختلف بناهای محلی درآن ساخته‌اند و امروز اثری از عمارت عالیه خانم برجای نیست.

مسجدی قدیمی
درخرم‌آباد تنکابن

در مجاورت دیوانخانه و در اراضی شمالی آن مسجدی بوده‌که‌به دستور عالیه خانم بنا شده است. برجای این مسجد قدیمی، مسجدی نو بناکرده‌اند.

حمامهای قدیمی
در خرم‌آباد تنکابن

حمامهای قدیمی دراین شهربرقراربوده‌که بیشتر به‌علت مجهز نبودن به‌وسایل تازه از میان رفته است.

کاروانسرایی قدیمی
در خرم‌آباد تنکابن

رابینو از این کاروانسرا یاد می‌کند ومی‌نویسد ازآجرهای مرغوب ساخته‌شده است.[۱] این کاروانسراکه درکنج جنوب‌غربی سبزه‌میدان بود ، درنوسازیهای این‌شهر از میان رفت .

قلعهٔ پرز[۲]
نزدیك دهکدهٔ سیاورز[۳] خرم‌آباد‌تنکابن

رابینو از این محل به‌نام قلعه یادکرده است.[۴] فعلاً درشمال‌دهکدهٔ سیاورز در باغ مرکبات مشاع سیدمحمدباقر و سیدمسیح و سیدابادر ، قلعه‌کوتی بزرگی برجای است‌که برسرآن درختان مرکبات کاشته شده است .

گوری قدیمی
درگورستان دهکدهٔ سیاورز خرم‌آباد‌تنکابن

در محل معروف است که مدفون در این گور ، جد سادات سیاورز است ودر حدودسیصدسال پیش دراینجا به‌خاك سپرده شده است . سنگ حصاری بیش نیست و هیچگونه اثر هنری ندارد . درختان تادانه و ممرز و شمشاد قطور در این‌گورستان است‌که در نزد اهالی به«آقادار» معروف است. درگورستان قدیمی این‌دهکده بقعه‌ای ساده به‌نام سیده زبیده خاتون است .

۱ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد ، ص ۴۵. ۲ـ بفتح پ و راء .
۳ـ سیاورز(بفتح واو و راء) : ده از دهستان‌خرم‌آبادشهرستان شهسوار، ده‌کیلومتری‌جنوب شهسوار و دوکیلومتری مشرق‌بلده (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ، ج ۳). ۴ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد ، ص ۲۵ .

فرهاد جوی

فرهادجوی که نهرفرهاد وفرهادرود نیز نامیده می‌شود، نهری است که‌از ولم‌رود جلو منزل مشهدی باقر فرهادی منشعب‌می‌شود و ازکنار جاده، جلو دکان علم‌الهـدی طبری می‌گذرد و در اراضی بلدهٔ بالا مقابل‌کارخانهٔ چای از تونلی از تپه‌های جنوبی قلعه‌گردن خارج می‌شود و به دهکدهٔ سیاورز می‌رسد ودهکده‌های تلوسرك، میان‌سرا، تشکون[۱]، هلوبن، توساکله، کشکلستان و شاغوزکوتی را مشروب می‌کند.

بقعهٔ آقاشیرعلی
در دهکدهٔ میان‌ناحیهٔ[۲] خرم‌آباد تنکابن

بنای قدیمی بقعه راآقای صدوقیان یکسره خراب‌کرده و تجدید بنانموده‌است. گورستانی قدیمی در اطـراف بقعه است. درخت مازوی بسیارکهنسالی در محـوطهٔ گورستان است‌که‌به علت ساختن غسالخانه‌ای متصل بدآن، اندازه‌گیری نشد. درخت مازوی دیگری پشت بقعه است که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن به ۶۴۰ سانتیمتر می‌رسد.

قلعه‌کوتی‌لشکرك
نزدیك دهکدهٔ لشکرك خرم‌آباد تنکابن

رابینو این‌کوتی را به‌نام «قلعهٔ لشکرك» خوانده و می‌نویسدکه این قلعه شاید قابل تطبیق با «قلعهٔ سیاهی‌تل‌دشت» باشدکه سیدظهیرالدین درتاریخ‌گیلان‌ودیلمستان خود ازآن یادکرده است.[۳]

۱ ــ بضم تاء. ۲ــ میان‌ناحیه: ده از دهستان خرم‌آبـاد شهرستان شهسوار، هشت‌کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار و سه‌کیلومتری خرم‌آباد(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). ۳ــ متن انگلیسی‌سفرنامهٔ مازندران واسترا باد، ص ۲۵. لشکرك: ده ازدهستان خرم‌آبادشهرستان شهسوار، هشت‌کیلومتری شرق شهسوار(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

قلعهٔ لشکرك شامل دو قلعهٔ بزرگ وکوچك است . سطح قلعهٔ بزرگ در حدود پنج‌هزارمترمربع و دورآن نیز خندقی است . تمام خاك زیرقلعه دستی است .

بالای قلعهٔ کوچك در حدود هزار و پانصدمترمربع ، یك‌طرف آن رودخانه و طرف دیگرآن راه است . تمام سطح‌کوتیها به باغ مرکبات تبدیل شده است .

قلعه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ برسی‌بور[1] خرم‌آباد تنکابن
کنار راه عمومی

کوهی است سنگی‌که‌آثار چاه و تونل درآن است وفعلاً گاردجنگل تصاحب کرده و می‌خواهد بربالای‌آن ساختمانی بسازد .

آتشکدهٔ تشکون
پشت دهکدهٔ امیرآباد در اراضی کشکلستان[2]

رابینو در سفرنامهٔ خود می‌نویسد « بالاخره به‌نقطه‌ای‌که آتشکده نام دارد رسیدیم‌که در چهارمیلی حبشه‌بر[3](همش‌پور)[4] در پای تپه‌ای واقع بود. ازآنجا وارد جنگل شدیم و چهار نفت‌چاه به ما نشان دادند، عمق این چاهها زیاد نبود وروی آب دوحلقه ازآنها ورقه‌ای نازك چربی دیده می‌شد . جای تردید نیست‌که از این محل چندین‌قرن‌است‌که نفتی‌استخراج‌نشده‌است، اما نام آتشکده‌نشان می‌دهد‌که روزی در آنجا آتشکده‌ای برپای بوده است . دلیل‌دیگر برای تأیید این فرض وجودتوده‌های خاك و پاره‌های آجر در اطراف این چاههاست . این محل را سابقاً «تشکون» می‌خوانده‌اند و هنوز دهکده‌ای به‌همین نام، درمحلی‌که ازآتشکده چندان‌دور نیست برقرار است .»

۱ـ بفتح باء وکسر راء اول. ۲ـ بفتح کاف‌اول وضم کاف دوم. ۳ـ بضم باء دوم . ۴ـ بفتح هاء ومیم و سکون‌شین .

راهی که رابینو طی کرده و خود را به‌این آتشکده رسانده ازحسن‌کلا که دو کیلومتری خرم‌آباد است گذشته ودهکده‌های کاردگرمحله واستلخ‌سر را دیده و از رودخانهٔ کراجو(کورجو) گذشته ، سپس دهکده‌های میان‌محله و نصرآباد را به‌دست چپ گذاشته و خود را به‌آتشکده رسانده است .

از دوحلقه نفت‌چاه‌که درباغ حاجی‌علی‌اصغر در اراضی کشکلستان است امروز هم‌گاز زیادی بیرون می‌آید واهالی اظهار می‌کردندکه درتابستان برای رخت‌شویی و تهیهٔ رب دیگها را برسرآنها می‌گذارند و باکبریتی‌گاز را آتش می‌زنند و دیگهارا به‌جوش می‌آورند.این‌گازها دراراضی باتلاقی زیاد است وظاهراً گاز اتان یا متان و نظایر آنهاست .

دو نفت چاه دیگر پشت خانهٔ ملاحسن است . بعیدنیست‌که ازگاز این چاهها برای روشن نگاه‌داشتن آتشکده استفاده می‌کرده‌اند .

درکنار دو حلقه نفت‌چاه که در باغ حاجی علی‌اصغر است ، چرخ دندانه‌دار آهنین قطور به قطر دایرهٔ ۶۷ سانتیمترکه برپایه‌ای نصب است ، افتاده است . ظاهراً در زمان امیراسعد وسایل زیادی برای استخراج نفت‌بدین‌نقطه آورده‌اند اما ازنتیجهٔ کوشش او،کسی اطلاعی نداشت .

قلعه‌ای مستحکم و قدیمی
نزدیك دهکدهٔ حبشه‌بر (همش‌پور) خرم‌آباد تنکابن

رابینو در سفرنامهٔ خود می‌نویسدکه در چندقدمی دهکدهٔ حبشه‌بر ، قلعه‌ای مستحکم وقدیمی دیده می‌شود . شکل‌آن چهار ضلعی وطول هرضلع هشتادو سه‌گام است . حصاری‌گلی‌که ارتفاع‌آن درحدود نه‌متر است ازآن باقی است.خندقی اطراف قلعه است و در ورودی آن شرقی است .[1] تپه‌ای از این قلعه امروز برجای است .

۱- متن‌انگلیسی سفرنامهٔ مازندران واسترا باد رابینو، ص۲۴.

بقعهٔ میرشمس‌الدین
در دهکدهٔ ولی‌آباد[1] خرم‌آباد تنکابن

بنای بقعه چهارگوشه است و چهارطرف آن ایوان دارد. صندوقی سادهٔ چوبین مشبك در وسط بنا مرقدرا پوشانده است. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است. دو درخت بلوط کهنسال درمحوطهٔ گورستان است. محیط دایرهٔ تنهٔ درخت بزرگتر ۶۸۰ و درخت کوچکتر ۳۹۰ سانتیمتر است.

باقی بناها و آثار تاریخی خرم‌آباد تنکابن

۱ـ چالوك بالای دهکدهٔ شهرسر در اراضی باغ مولائی که سابقاً تونلی مستقیم بوده و پس از طی این تونل با سه پله درحدود دومتر راه پایین‌تر می‌رود. پس از پیمودن سه متر به محوطه‌ای بقطر سه‌متر می‌رسد. امروز جلو این تونل‌را بسته‌اند.

۲ـ بر «غریب خاك‌گردن» نزدیك دهکدهٔ شهرسر، آثار دهکده‌ای قدیمی است.

۳ـ در دهکدهٔ شهرسر پشت منزل هادی‌سیدی، آثار گورستانی‌قدیمی است.

۴ـ در موزی‌بن نزدیك امیرآباد خرم‌آباد تنکابن محلی به‌نام «قلا» است‌که آثار قلعه‌ای قدیمی است.

۵ـ بقعهٔ سید مرتضی در دهکدهٔ پرچین‌پشتهٔ خرم‌آباد.

۶ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ سوتك لیره‌سر.

۷ـ بقعه‌ای در هرات‌بر خرم‌آباد.

۸ـ امامزاده‌ای در توساکلام خرم‌آباد.

۱ـ ولی‌آباد: ده ازدهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار، سه‌کیلومتری شرق شهسوار کنار شوسهٔ شهسوار به چالوس(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۹ـ آثار قلعه و سنگ‌چین به نام «بازارکوتی» در جل[1] بندبن .

۱۰ـ برروی‌آب ولمرود پل‌سنگی‌قدیمی بوده‌که‌آثارآن‌باقی است .

۱۱ـ سفه‌کوتی‌کشکو، قلعه‌ای نزدیك شهسوار بوده است .

۱ـ بفتح جیم و کسر لام .

۵ـ بناها و آثار تاریخی دوهزار و سه‌هزار

سنگ فرش قدیمی
در قسمتی از راه دوهزار و سه‌هزار خرم آباد

این سنگ‌چین از دهکدهٔ بلده (= قلاگردن = قلعه‌گردن) شروع می‌شود و از فراز و نشیب گردنهٔ کوتاه قلاگردن بالا و پایین می‌رود و پس از گذشتن از امام‌زمین کنار آب دوهزار و سه‌هزار روبروی «گاپشته» در دهکدهٔ لتاک[1] قطع می‌شود.

قلعهٔ اکر[2]
در توبن[3] دوهزار خرم آباد

در شرق دهکدهٔ توبن، سمت راست آب دوهزار بربالای تله‌ای[4] که از سنگ سفید است و از طرف غرب دارای پرتگاههای بلندی است آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود.

خاك عمر
در اراضی توبن دوهزار خرم آباد

در حدود پانصدمتری توبن در سمت چپ آب دوهزار، آثار بنا و سنگ‌چین

۱ـ بفتح لام. ۲ـ بکسر الف و فتح کاف. ۳ـ بضم باء. ۴ـ بمعنی بند و پرتگاه و کوهی یك‌پاره است.

مدوری است که قسمت مرکزی آن را زیرو روکرده‌اند. هرکس ازکنار این آثار می‌گذرد ، به‌قصد اظهار تنفر سنگی برآن پرتاب می‌کند . طرف شرقی این‌اثر تپه‌ای از سنگ انباشته شده است . این اثر و طرز رفتار باآن شباهت کاملی به‌قبور گوناگون «بابا ملحودی‌گور» دارد که در نقاط مختلف دیلمان واشکور دیده شده است.

حرام حلالی

برسمت چپ آب دوهزار و در حدود دوکیلومتری تو بن ،کمی بالاتر از سطح جاده ، در تلهٔ سفیدی‌که مسلط برجاده است ، طاقنما مانندی طبیعی است . کف این طاقنما شیب دارد . راهگذریان برای‌اینکه روشن شودحرامزده یاحلال‌زاده هستند، سنگ درآن می‌اندازند،سنگ هرکس‌درآن شیب‌بماند حلال‌زاده ودر غیراین‌صورت حرامزاده است .

راه قدیمی دوهزار

این راه ازدهکدهٔ بلده (قلعه‌گردن) به‌گردنهٔ قلاگردن و پس‌از سرازیر شدن و گذشتن از ولم‌رود[۱] از دهکده‌ها و نقاط زیر می‌گذرد :

امام‌زمین- لتاك[۲]- گاوپل- درازلات - قهوه‌خانهٔ رمضان- خرماکله[۳]- تو بن - تلهٔ‌دوهزار - از اینجا وارد خاك دوهزار که در حدود سی‌پارچه آبادی است می‌شود. دنبالهٔ راه از دهکدهٔ جوراشتوج[۴] به دوشاخه تقسیم می‌شود :

شاخهٔ دست راست به میان‌کوه - پلت‌داربن[۵]- پایین‌میاه‌کوه - میان‌لات-نوشا. پس از طی گردنه به دهکده‌های اکینه[۶] و میج که جزء دهکده‌های بالااشکور هستند می‌رسد .

۱- بفتح واو و لام وکسر میم . ۲- بفتح‌لام. ۳- بفتح کاف، بمعنی محل و مرکز وکانون است . ۴- بضم‌الف ، جوراشتوج به معنی اشتوج بالا است .
۵- بکسرپ ولام وضم‌باء، پلت به‌معنی‌درخت افرا است. ۶- بفتح الف وکسرکاف.

شاخهٔ دست‌چپ به‌کلیشم[۱] ـ هلوکله[۲] ـ نرس[۳] ـ اسل‌محله[۴] ـ دریاسر ـ خانه‌بن ـ گردنهٔ سیالان و پس از سرازیر شدن به خشکه‌چال ، به گازرخانی وسایردهکده‌های الموت می‌رود .

راه سه‌هزار

ابتدای این راه تاقهوه‌خانهٔ رمضان با راه دوهزار یکی است . به سر دوآب‌که رسید راه به طرف دست چپ جدا می‌شود و از دهکده‌ها و محلهای زیر میگذرد :

نمك‌سولات ـ یان‌دشت ـ زلم[۵] ـ گاوور ـ داس‌درّه ـ آش‌محله ـ لات‌سه‌هزار ـ خانیان ـ لات‌خانیان ـ پلت‌هال ـ قهوه‌خانهٔ ولی ـ پایین‌بالان ـ بالابالان ـ دهکدهٔ قاضی‌محله . پس از قاضی‌محله دو راهی است : راهی به سمت دهکدهٔ آرود که از اینجا می‌توان به حسن‌کیف کلاردشت رسید.

راه دیگربه یوج و مران[۶] می‌رود . از یوج راهی بدرجان[۷] ـ میان‌رود ـ آب گرم سه‌هزار می‌رسد و پس از طی‌گردنه وراه هزارچم به جوستان و سایر دهکده‌های طالقان می‌توان رسید . میان دهکدهٔ مران و الموت نیز گدوکی است‌که پس از طی آن به‌دهکده‌های الموت می‌توان رفت .

خاك گبری

برسمت راست‌آب دوهزار و سه‌هزار، پایین پردسر[۸] و شمال قهوه‌خانهٔ‌رمضان، گورستانی‌قدیمی است که جهت دفن مردگان، قبلی نیست . این‌گورستان برکنار راه است و از دستبرد حفاری غیر مجاز برکنار نبوده است . اهالی ، این گورستان را به‌نام «خاك‌گبری» می‌شناسند .

۱ـ بکسر کاف و ضم شین . ۲ـ بفتح هاء وکاف . ۳ـ بفتح نون .
۴ـ بکسرالف و سین، به‌معنی استخراست. ۵ـ بفتح زاء ولام. ۶ـ بفتح میم.
۷ـ بفتح‌دال . ۸ـ بضم پ وکسر دال .

حمام امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزارخرم آباد

حمام امیراسعد که تا امروز از آن استفاده می‌شود شامل یك سر بینهٔ بزرگ یك گرمخانه ، یك خزینهٔ آب گرم و سه‌نوره‌خانه در دو طرف گرمخانه است . اخیراً با افزودن دوشیرآب به خزینهٔ آب گرم ، استحمام‌درگرمخانه انجام می‌شود و کسی داخل خزینـه نمی‌رود . ازارهٔ گرمخانه پنج ردیف کاشی چهارگوشه بـا رنگها و طرحهای عجیب است .

مسجد امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم آباد

مسجدی است مستطیل شکل که درازای آن از خـارج هفده مترو پهنای آن یازده متر است . ازارهٔ مسجد پنج‌ردیف کاشی کاری است.

کاشیها ظاهراً درمحل تهیه شده‌اند زیرا رنگ و طـرح آنهـا عجیب و بی‌نظیر است. کاشیهای اصلی شش‌ضلعی دو به دو برابر است که در میان اضلاع کوچك آنهـا کاشیهای چهارگوشه بارنگ آبی به‌کار برده شده است .

بناهای مسکونی امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم آباد

از این بناها که ظاهراً زیاد بوده است چیزی برجای نمانده است.درمحل بناها، مقداری سنگ وآجر دیده شد. چنارهای بسیار قطوری که اخیراً آنها را انـداخته بودند در محوطهٔ بناها بوده است . آجرهایی که در این بناها دیده شد به ابعاد ۲۱٫۵ سانتیمتر و قطر چهارسانتیمتر است . این بناها گچ بریهای ظریف داشته که چندتکه ازآنها در دفتردبستان امیراسعد دیده شد .

مدرسهٔ امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم آباد

بنایی که امروز دبستان این دهکده است ، مدرسه‌ایست که امیراسعد آن‌را بنا کرده است .

امامزاده ابوالقاسم بن کیا ابوالحسن المؤیدبالله
در دهکدهٔ جزما (امام‌زاده‌قاسم)[1] دوهزار خرم آباد

امامزاده ابوالقاسم که امروز اورا به‌نام «امامزاده‌قاسم» می‌شناسند ، پسر سید کیا ابوالحسن المؤید بالله (مدفون در لنگا) بن‌حسین بن‌هارون بن‌حسین بن محمد بن هارون بن‌محمد بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن بن علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام است .[2] این مرد از ائمهٔ زیدی است که به‌قصد دعوت به ناحیهٔ دوهزار آمد و همانجا پس ازگذراندن دوران زندگی ، فوت و مدفون شده است.

سیدظهیرالدین این مرد را به‌نام «امامزاده ابوالقاسم» ودهکده‌ای که او در آن به خاك سپرده شده است به نام «قریهٔ جزما» می‌خواند و در این باره چنین نوشته‌است:

« وحقیر از وارکوه بامعدودی قریب پنجاه شصت نفر سوار و پیاده به جانب کلیشم روانه شد و شب به قریهٔ دیمرون گلیجان اقامت نموده ، روز شنبهٔ دهم‌رجب‌را به قریهٔ جزما که مزار مبارك امامزاده ابوالقاسم بن مؤیدبالله علیهماالرحمة والغفران است فرودآمده.»[3]

بنای اصلی بقعه، اطاقی‌است به‌ابعاد۷ × ۵ متر که مصالح اصلی آن‌سنگ و گل و

۱ـ امامزاده قاسم : ده ازدهستان دوهزارشهرستان‌شهسوار، سی‌و‌نه کیلومتری‌جنوب‌غربی شهسوار و سه کیلومتری اشتوج (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) . ۲ـ نسب این مرد از تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ص ۱۰۱ نقل شده است . ۳ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۴۴۸ .

مسجدی متصل به‌آن‌است (عکس‌شمارهٔ ۱۵). صندوقی چوبین مشبك در وسط اطاق، مرقد امامزاده ابوالقاسم را می‌پوشاند . چهارچوب قطور بالای صندوق و مشبکهای درشت سطح آن قدیمی است . چهار بدنهٔ صندوق ظاهراً به یغما رفته و از نوسازی آن زمانی نمی‌گذرد . سه ستون قدیمی با سرستونهای بزرگ در طول بنا در وسط قرار داده و دوش‌کشی(حمالی) روی‌آن استوارکرده‌اند . پلورها از دوطرف بر روی این دوش‌کش قرارگرفته‌اند . بالای پلورها ، پل‌کوبی با درزپوش‌زده است . در ورودی بقعه دولنگهٔ چوبین قاب وآلت‌دار است (عکس‌شمارهٔ ۱۶).

مسجدی متصل به بنای بقعه است‌که ستون قطور و سرستون عظیم‌آن قدیمی است . در ورودی بقعه به‌مسجد، بزرگ و پرکاروآن‌را باید ازظرایف‌هنری‌مازندران دانست . چهارچوب این در برجای اصلی خود نصب وبرقرار است و دولنگه درآن، از قدیمترین ایام‌برسرجای‌خود قرار داشته‌اند . این دولنگه ، یك‌بار به‌دست دزدان محلی دزدیده شد ، اما زمانی نگذشت‌که آنها را پیداکردند . سال گذشته ظاهراً باهمکاری متولی یك‌لنگهٔ آن تکه‌تکه شده وکتیبهٔ بالاکه رقم‌سازندهٔ در بوده ونگار وسط‌که شمسهٔ بسیار بزرگی بوده به یغما رفته و تکه‌های پراکندهٔ قاب‌گرهٔ لوزی و مثلث و پنج‌ضلعی و شش ضلعی آن درطشتی ، در اختیار متولی است . لنگهٔ دیگری که برجای است به درازی ۲۱۵٫۵ سانتیمتر و پهنای ۵۸ سانتیمتر و قطر ۴٫۵ سانتیمتر است .

سراسر لنگه‌در،قاب وگره است . شمسهٔ وسط ، ستاره‌ای ده ضلعی‌است‌که میان اضلاع مثلث شکل ستاره ، ده‌لوزی قرار داده شده است وسایرقسمتهای زمینهٔ در ، با تکه‌های مثلثی و پنج‌ضلعی و شش‌ضلعی چوب شمشاد و آزاد که‌کنده‌کاریهای بسیار ظریف دارند، پرشده است (عکسهای شمارهٔ ۱۷، ۱۸و۱۹) .

قسمت بالای این‌لنگه‌کتیبه‌ایست‌که درازای آن ازلبهٔ قاب ۳۷ و پهنای آن

۲۷٫۵ سانتیمتر است و برآن با خط خوش ثلث این‌عبارات حک‌شده است :

« قدامر هذه‌الباب هاشم‌بن محمدالحسینی تاریخها فی سنةست وسبعمائـه هجریه» (عکس شمارهٔ۲۰) .

در محوطهٔ اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است که درآن سه‌اصله درخت آزاد کهنسال است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ آنها به ترتیب ۵۶۰ و ۴۰۵ و ۳۲۰ سانتیمتراست .

درگورستان این بقعه سنگهای قبوری‌که نسبةً قدمتی دارند بدین قرارند :

« وفات مرحوم رمضانعلی ولدحیدر ۱۲۰۹ .»

« وفات مرحوم آقاحسین ولد مرحوم‌آقا صالح ۱۲۲۴ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح، دوانگشتر،شانه، تپانچهٔ لوله بلند، خنجر، اسب‌وشمشیری‌قدیمی.»

« وفات مرحوم عباسقلی‌خان ولد حبیب‌اللّٰه‌خان ۱۲۷۸ . نشانه‌ها: آتشدان و دو مرغ در دو طرف .»

« وفات مرحوم شیخ میرزا بابا ولدمرحوم ابوالفضل ۱۳۱۲ . نشانه‌ها:مهر، تسبیح و شانه . »

بقعهٔ صالح‌بن‌علی
در دهکدهٔ گلستان‌محلهٔ[1] دوهزار خرم‌آباد

بنای اصلی از سنگ وگـل است و صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانیده است . سقف پلورکشی وپل‌کوبی و بام سراسر بنا را اخیراً حلب‌سر کرده‌اند .

قلعه‌کوتی
برسمت راست‌آب دوهزار در دهکدهٔ کلیشم[2]

در محل خانهٔ‌ییلاقی آقای فخرالدین مرشدی و درباغ اطراف‌آن آثار قلعه و

۱ـ گلستان محله :ده از دهستان دوهزار شهرستان‌شهسوار،سی ونه‌کیلومتری جنوبـ غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲ـ بکسر کاف و ضم‌شین .

بنایی قدیمی است . چندی قبل در اراضی باغ او حمامی قدیمی پیداشدکه‌کاشیهای فراوان ازآنجا به دست صاحب‌خانه‌افتاد و آنها را به خرم‌آباد نقل کرد . نگارنده نتوانست به این‌کاشیها دسترسی پیدا کند .

قلعه‌ای سر
بر بالای قله‌ای مسلط به دهکدهٔ کلیشم

بر بالای بازوی کوهی‌که به قلعه‌کوتی‌خانهٔ آقای فخرالدین مرشدی‌ختم‌می‌شود آثار قلعه‌ای از سنگ وگچ‌است‌که ظاهراً قلعهٔ نظامی و دفاعی دهکدهٔ کلیشم بوده ، یا روزی اهالی این دهکده درآن می‌زیسته‌اند .

آثار قلعه‌ای قدیمی
در مرتع گردکوهه[۱] وسیف‌چال دوهزار

بر بالای‌کوهی‌که‌مسلط بردهکدهٔ بالاس‌دوهزار ودنبالهٔ بازوی‌تبیجه‌گردن‌است، آثار قلعه‌ای قدیمی است . دیوارهای طولانی این قلعه‌که از سنگ وگچ بنا شده‌است به‌ارتفاع یکی دومتر هنوز برجای است.چون بعضی قسمتهای دیوار قلعه ازمیان‌رفته است ، طرح اصلی آن را نمی‌توان نشان داد .

شاه‌نشین‌دشت
نزدیك دهکدهٔ نوشای دوهزار

آثار بارو و غرفه‌هایی که درازای آن تا حدود سیصدمتر می‌رسد ،دراین‌دشت دیده می‌شود . چنانکه اهالی می‌گفتند کاشیهایی‌لوزی شکل از این خرابه‌ها به‌دست آمده است .

۱ـ بکسر گاف و دال .

قلعهٔ سی‌هزار
ظاهراً در سه‌هزار خرم‌آباد تنکابن

علی‌بن‌شمس‌الدین لاهجی در بارهٔ قلعهٔ سی‌هزار می‌نویسد که خان احمد خان «مبنای این بنای مبارك به دوازده برج تقسیم فرمودند و در هر برج شرفهٔ‌عالیه و عمارات متعالیه بنا نهادند و به‌همه رکن بیوت موزونهٔ مرفوعه مشیّد طرح انداختندو اتمام هربرج ورکن به‌عهدهٔ سردار الکه‌ای نهادند و رکاب عالی ازآن مقام متعالی مراجعت به‌خیر فرمود و در مدت سه سال متوالی سمت استکمال یافت.»[1]

رابینو در سفرنامهٔ مازندران و استراباد خود دربارهٔ این قلعه می‌نویسد :

« قلعهٔ سی‌هزار در تنکابن در سال ۹۱۶ هجری بدوسیلهٔ سلطان احمد خان لاهیجانی تعمیر شد . این کاخ دوازده برج داشت و ساختمانش سه سال به طول انجامید . »[2]

باقی‌آثار و بناهای تاریخی دوهزار خرم‌آباد تنکابن

۱ـ بقعهٔ عوج‌بن‌علی در پایین اشتوج[3] .

۲ـ درختهای آزادکهنسال و آثار ابنیهٔ قدیمی درچلاکوه[4] .

۳ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ نرس[5] .

۴ـ امامزاده‌ای به نام «رشدان» در نیمه راه نوشا به‌میان‌کوه در جنگل .

۵ـ جفت[6] بزرگوار در اسل‌محله[7] .

۶ـ ساختمان خانم معظم ـ همسر محمدولی‌خان سپه‌سالار ـ در سردابن اسل‌محله .

۱ـ تاریخ خانی ، ص ۳۸۰ و ۳۸۱ . ۲ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ رابینو، ص ۱۴۵ .

۳ـ بضم‌الف. ۴ـ بفتح چ . ۵ـ بفتح نون. ۶ـ بکسر تاء .

۷ـ بکسر الف و سین .

۷ـ ساختمان نصرت نظام (غلامحسین‌خان خلعت‌بری) بالای دهکدهٔ اسل‌محله.

۸ـ در محل دریاسر آجرهای قدیمی قالب‌بزرگ به‌دست می‌آید و سردابه‌هایی که اجسادی در آن است باکاویدن پیداشده‌است.

باقی‌آثار و بناهای تاریخی سه‌هزارخرم‌آباد تنکابن

۱ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ آرود.

۲ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ قاضی‌محله.

۳ـ گورستانی قدیمی در سربالان[1] که مردگان باوسایل دفن شده و رو به قبله نیستند.

۴ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ شهرستان.

۵ـ مسجدی قدیمی در دهکدهٔ مران[2].

۶ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ تراز، پشت دهکدهٔ خانیان.

۷ـ خرابه‌های عمارت محمدولی‌خان‌سپهداراعظم در دهکدهٔ میان‌رود[3]، نزدیك آب‌گرم سه‌هزار.

۸ـ کاروانسرای علی‌قلی‌خان امیراسعد درگدوك سلمبار[4].

۱ـ بفتح سین و کسر راء. ۲ـ بفتح میم. ۳ـ میانرود: ده از دهستان سه‌هزار شهرستان شهسوار، نه‌کیلومتری جنوب‌غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۴ـ بفتح سین و لام.

۶ـ بناها و آثار تاریخی نشتای تنکابن

قلعهٔ رودپشت
در دهکدهٔ رودپشت‌زوار تنکابن[1]

این قلعه ازکوتیهای قدیمی‌است‌که سطح بالای‌آن درحدودهزارمترمربع‌است.

آثار ساختمانهای قدیمی
در دهکدهٔ قلعه‌سر[2] نشتای تنکابن

دهکدهٔ قلعه‌سر برسر یکی از تپه‌های قدیمی بناشده و هنگام‌کندن پی برای ساختمانهای تازه به‌آثار قدیمی برمی‌خورند.

آثار قلعه خرابه‌ای‌کهن
بربالای تپه‌ای دستی میان دهکدهٔ هنگو[3] ومالن‌کوه[4] (معلم‌کوه)[5]

این خاکریز دستی بزرگ که سطح دایرهٔ بالای آن در حدود هزار و پانصد

۱ـ چون در ناحیهٔ زوار تنها این قلعه‌کوتی بود این اثر ناحیهٔ زوار را جزء نشتا یادکردیم. ۲ـ قلعه‌سر: ده از دهستان‌نشتای شهرستان شهسوار، ۱۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و دوکیلومتری جنوب شوسهٔشهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳). ۳ـ بفتح هاء. ۴ـ بکسرلام. ۵ـ معلم‌کوه: ده ازدهستان نشتای شهرستان شهسوار، هفده کیلومتری شرقی شهسوار و چهار کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

مترمربع است ، درجنوب دهکدهٔ هنگو وشمال مالن‌کوه (معلم‌کوه) است و ظاهراً از کوتیهای قدیمی این صفحات است که به‌باغ مرکبات تبدیل شده است .

قلعه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ کرزل[1] نشتارود تنکابن

خاك ریزدستی کــرزل ازکوتیهای قدیمی این نقاط است . از بنای اصلی قلعه چیزی برجای نبود .

بقعهٔ شاه‌رشید
برسر قلهٔ داغ کوه نشتای تنکابن

این بقعه را جزء بقاعی باید دانست‌که برسرکوههای بلند ازنظراحترام‌به‌یکی از مظاهر عظیم طبیعت ساخته‌اند. بنــای بقعه آلونك مــانند چوبین است و حصــاری سنگ‌چین‌دارد . قبور قدیمی اطراف‌آن قابل‌ذکر و بررسی است .

گورستان قدیمی حسنات[2]
در ییلاق نشتای تنکابن

نزدیك دهکدهٔ‌کجه‌ناخن[3] درکوهستان نشتا قبور زیادی معروف بــه‌قبورگبری است‌که مردگان سمت قبلی دفن نشده‌اند .

سیا قلعه
طرف شمال دهکدهٔ جهان‌آباد نشتای تنکابن

برتپه‌ای‌که نزدیك این دهکده است‌آثاری از قلعه خرابه‌ای برجاست .

۱ـ بضم کاف وکسر زاء . ۲ـ بفتح حاء و سین . ۳ـ بفتح کاف وکسر ج .

امامزاده‌ای
در دهکدهٔ رودگرمحلهٔ نشتارود تنکابن

برکنار گورستان قدیمی این دهکده‌که برسر راه است بقعه‌ای قدیمی بوده‌که فعلاً تمام بنا را نوسازی‌کرده‌اند وآثارقدیمی را از میان برده‌اند .

عمارت مرحوم هدایت‌الله مسعودالملك
در رودگرمحلهٔ نشتای تنکابن

طرح عمارت‌اندرونی‌همانند عمارت منتظم‌دیوان درگلیجان بوده است.درازای بنا در حدود سی‌متر و پهنای آن به هیجده متر می‌رسیده و بیست‌و چهار اطاق داشته است . این بنا یکسره از میان رفته و فقط پی و بنیادآن برجای است . ظاهراً این بنا در دوران آبادانی از بناهای خوب دوران قاجاری بوده است .

هدایت‌الله خان‌عمارتی هم در اوان[1] رودبار داشت‌که فعلاً برپای است . بیشتر وسایل این ساختمان ازبادکوبه‌آمده است .

قلعهٔ مارپیچ
در دهکدهٔ لوله‌ده نشتای تنکابن

در شمال دهکدهٔ لوله‌ده قلعه‌کوتی قدیمی است‌که اهالی اظهار می‌کردند از این‌کوتی آجرهایی به قطرپنج سانتیمتر و به‌ابعاد بیست‌سانتیمتر بیرون می‌آید .

طبله‌کوتی
درپایین دهکدهٔ لوله‌ده نشتای تنکابن

بالای تپه‌ای‌که خاك دستی است آثارقلعه خرابه‌ای قدیمی دیده می‌شود . در

۱ـ اوان بضم‌الف اول از دهکده‌های رودباراست‌که در حدودیکی دوکیلومترازدیکین بالاتر است و دریاچهٔ‌کوچك زیبایی دارد .

پای این خاکریز چشمه‌ای به‌نام «هفت‌چشمه» است .

درخت سفیددار
در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن

درختی عظیم سفیددار درکنار رودخانهٔ سنگ‌رج‌کیلهٔ این دهکده هست‌که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن بالغ بر ده متراست .

امامزاده مختار
در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن

بنای قدیمی بقعه را خراب‌کرده بودند و به‌جای آن بنایی نوساخته بودند . دری نسبةً ظریف قدیمی باکنده‌کاری و حاشیه‌بندی داشت . بقعه در میان‌گورستانی قدیمی است‌که درختان ملج وکرزل و شمشاد در محوطهٔ‌آن زیاد است .

محیط دایرهٔ تنهٔ درختان‌کرزل به ترتیب ۴۱۰ و ۳۶۰ و۳۲۰ سانتیمتر است . سه درخت مازوی بلند در این محوطه است‌که براثر صاعقه یك‌سوم قسمت بالای‌آنها از میان رفته بود ودرختان در حال خشك شدن بودند .

۷ـ بناها و آثار تاریخی لنگای تنکابن

عمارت میرزا محمدخان ازعموزادگان سردار[1]
در دهکدۀ عباس‌آباد لنگای تنکابن

محمد معصوم‌شیرازی درسال ۱۳۱۴ قمری در این‌خانه دعوت داشته و‌می‌نویسد «عمارت برزبر تپه‌ای سبز واقع است و ساحل باصفای خوبی‌است .»[2]

درعباس‌آباد امروز دومحل ساختمان اعیان‌نشین شناخته می‌شود . یکی محل ساختمان دبستان دخترانۀ فردوسی عباس‌آبادکه اراضی‌آن متعلق به‌عباس‌نکوئی بوده است ودیگری اراضی متصل به‌پاسگاه ژاندارمری امروز که تپه مانندی است ومتعلق به ضیغم‌الممالک‌بوده است . ظاهراً این اراضی وتپۀآن محل خانۀ میرزا محمدخان بوده‌که به دست پسران او محمودخان یاور وحسن‌آقا افتاده است .

چهل دختر شهر
در شمال دهکدۀ سرلنگای تنکابن

ظاهراً دهکده‌ای قدیمی دراین اراضی بوده‌که فعلاً خرابه‌های‌آن باقی است. آجرهایی به ابعاد ۱۶×۱۶ و قطر ۳ سانتیمتر ، نظیرآجرهای شهر ری، در این

۱ـ منظور از سردار، میرزا حبیب‌الله‌خان ساعدالدوله پسرمحمدولی خان است .

۲ـ طرائق‌الحقایق ، ج۳ ، ص ۶۲۶ .

اراضی به دست می‌آید . درخت نارنج کهنسالی در این اراضی است که در حدود چهارصد سال عمر دارد .

بقعهٔ سید ابوالحسن (ابوالحسین)[۱] المؤیدبالله معروف به مشهدی سره در دهکدهٔ لنگای تنکابن

ابن‌اسفندیار در تاریخ خود نسب این مرد راآورده و از مراتب فضل او چنین یادکرده است « کیا ابوالحسین المشهور به مؤیدبالله ملقب به عضدالدوله پسر حسین پسرهارون پسرحسین پسرمحمد پسرهارون پسرمحمد پسرقاسم پسرحسن پسرزید پسر امام‌السبط حسن پسر علی‌امیرالمؤمنین علیهم‌السلام. سیدابوالحسین به‌دیلمان خلق را دعوت‌کرد . جملهٔ‌گیل و دیلم اجابت فرمودند . در بغداد تحصیل علم از سید ابوالعباس‌کرد و بعد ازآن به قاضی‌القضاة عبدالجبار همدانی پیوست و در مجلس او تخریج افتاد و به‌نهایت رسید . از نوشته‌های او: کتاب‌التجرید وکتاب‌الشرح لکتاب البلغه وکتاب‌النصرة وکتاب‌الافادة ودیوان اشعار او مجلدی ضخیم برمی‌آید .»[۲]

باز در جای دیگرکتاب خود می‌نویسد « درهفتاد و اند سالگی در سنهٔ ۴۲۱ روز عرفه یکشنبه وفات یافت . دوشنبه عیداضحی در لنگا که سرای او بود مدفون شد . هنوز تربت او ظاهر است ومشهدی برقرار.[۳]

سید ظهیرالدین درکتاب خود از این مرد یادکرده است . درشرح حال سید رکابزن‌کیا می‌نویسد : « واین سیدرکابزن‌کیا ازنبیرهٔ هدایت‌پناه عرفان‌دستگاه ، امامت‌قباب، عدالت‌انتساب‌کیا ابوالحسین المشهور به مؤیدبالله قدّس‌سرّه که مردم آن ولایت (یعنی تنکابن) و بعضی از رستمدار وکوهستان‌آن دیار مذهب او دارند و او

۱ـ در متون تاریخی نام این مرد «ابوالحسین» ضبط شده و مردم او را به نام «سید ابوالحسن» می‌شناسند و ظاهراً ضبط متون صحیح است . ۲ـ تاریخ‌طبرستان صفحات ۹۸ و ۹۹ . ۳ـ تاریخ طبرستان، ص ۱۰۱ .

زیدی‌مذهب بوده است .»[۱]

رابینو شرحی‌درحاشیهٔ صفحهٔ۲۵ و۲۶ تاریخ گیلان و دیلمستان دربارهٔ این‌مرد نوشته ، و نسب اورا چنین آورده است : «سیدابوالحسین‌المؤیدبالله عضدالدوله و سید ابوطالب یحیی‌الناطق‌بالحق ولدان الحسین‌بن هارون‌بن الحسین‌بن محمدبن القاسم‌بن الحسین‌بن زیدبن‌الامام السبط الحسن‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب . »

در میان نامه‌هایی‌که رابینو درآخرکتاب تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ‌کرده است در نامهٔ جوابیهٔ‌خان احمدخان به‌میرجلیل قاری‌گوکه‌چنین‌آمده است: « ولعنت به این مذهب روا باشدکه‌ناصرالحق وبعداز او ابوالحسین‌که در لنگای تنکابن قبرش واقع است وزیدیان اورا مؤیدباللّٰه‌می‌نامند وامثال او راکه این طبقه در ادعیهٔ‌خودشان یحیی و قاسم علیه‌السلام می‌گویند ... »[۲]

رابینو در سال ۱۳۲۷قمری از این محل دیدن‌کرده و دربارهٔ آن می‌نویسد: « سیدابوالحسین المؤیدبالله‌که دردیلمان به‌تبلیغات دینی می‌پرداخت،دهکدهٔ لنگارا متصرف شد و مقر خود قرار داد و درسال ۴۲۱ قمری درآنجا وفات یافت . او را در خانهٔ خود به‌خاك سپردند . قبر او تا قرن دهم هجری زیارتگاه بود .»[۳]

بقعه‌ای‌که مدفن این مرد است تا امروز برجای است و مردم از دورترین نقاط به‌زیارت او می‌آیند . نگارنده‌که روز قتل امام‌حسن یعنی روز سه‌شنبه چهاردهم فروردین‌ماه ۱۳۵۲ از این بقعه دیدن می‌کرد ، صدها تن به‌زیارت اوآمده بودند . بنای قدیمی را اخیراً خراب‌کرده بودند و به‌جای‌آن بنایی چهارگوشه که چهار طرف آن ایوان‌است ساخته بودند . بقعه درمحوطهٔ نسبةً وسیعی است که گورهای

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده ، ص ۲۷ . ۲ـ ضمیمهٔ آخر کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ رابینو ، ص۱۱. ۳ـ متن انگلیسی‌سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۲۵ .

قدیمی در اطراف آن به‌چشم می‌خورد . سنگی توخالی که نظیر آن در صفحات گیلان زیاد دیده شده است در این گورستان است. درازای آن ۱۲۳ و بلندی آن ۴۲ و قطر آن ۲۲ سانتیمتر است. درخت آزاد کهنسالی درمحوطهٔ گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۶۳ سانتیمتر است .

بقعهٔ ایوب پیغمبر
در دهکدهٔ بندبن[1] لنگای تنگابن

محمدمعصوم‌شیرازی، صاحب طرائق‌الحقایق، جمعه‌هشتم شوال‌سال‌هزارسیصدو چهارده قمری از بقعهٔ ایوب‌پیغمبر دیدن‌کرده و دربارهٔ آن نوشته است :

« چون به‌محلهٔ ایوب رسیدیم صحن و ایوان و بقعه نمایان شد . پیاده شدیم . می‌گویند مزار حضرت ایوب پیغامبر است و قدری شکست به‌واسطهٔ زلزله به طاقش رسیده و برلوحه‌ای‌که بر صندوق آویزان بود ، چنین نوشته‌اند : ایوب‌بن موجر بن تارخ‌بن عیص‌بن‌اسحاق بن ابراهیم علیهم‌السلام . و برحول‌آنجا قبور بسیار است واین اشعار به‌نحو کتیبه به‌دور آن ایوان‌نوشته شده :

خطی ز آب طلا منشی قضا وقدر — نوشته بردر این کاروانسرای دو در
که ای زقافله واماندگان ره پیما — اگر کنید در این‌کاروانسرای گذر
ز یك درش چو نسیم صبا درون‌آئید — برون روید چو خورشید از در دیگر
همین رواق زراندود را که می‌بینی — نشیمن جم و کاووس بود با نوذر
پدرچوجان‌عزیزش به‌لب‌رسیدبگفت — یکی نصیحت من‌گوش‌کن تو جان‌پدر
به هردیارکه درچشم‌خلق‌خوارشدی — سبك‌سفرکن ازآنجا برو به‌جای دگر

۱ــ بندبن : ده کوچکی از دهستان لنگا شهرستان شهسوار در بیست وهشت‌کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار وهفت‌کیلومتری راه‌شهسوار به‌چالوس است (فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳) .

درخت اگر متحرک شدی زجای به‌جای   نه جور اره کشیدی و نه جفای تبر»[1]

و چشمه‌ای درآن نزدیکی‌است که‌کرم ایوب درآنجا هست . گویند این همان چشمه‌ای است که ایوب بدن خودرا درآن شست و کرمها درآن بماند .

«تحقیق آنست که ایوب بن عیص بن اسحاق که درقرآن مجید مذکوراست وامرئهٔ او نامش لیبا بنت یعقوب است و بعدازهفت سال ابتلا و طول مرض عرض کرد « انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب » و حضرت باری فرمود « ارکض برجلك هذا مغتسل بـارد و شراب» منزل مبارکش در قریهٔ « نوا » بروزن سما بوده و« نوا » از مضافات « حوران » (بفتح حاء حطی) در دو منزلی دمشق است و محل خوش‌آب وهوا و باصفائی است .»[2]

در مراصدالاطلاع چنین آمده است :

«نوا بلفظ جمع نواةالتمر، بلیدة من‌اعمال حوران و قیل هی قصبتها و هی‌منزل ایوب وبها قبرسام ابن‌نوح .» وبازگوید:

« دیر ایـوب قریة بحوران من‌اعمال دمشق کان‌یسکنهـا ایوب و بها ابتلاه‌الله عزوجل و بهاالعین التی ارکض برجله والصخرة التی‌کان‌علیها و بهاقبره .»[3]

بنای اصلی بقعهٔ ایوب چهارگوشه وچهارطرف‌آن ایوان است. هرایوان نه‌ستون هشت‌ضلعی دو به‌دو برابر دارد . در دو طرف در ورودی بقعه، درردیف ستونهای‌جلو ایوان ، دو ستون لاچ لنگری هفت وهشت است . سرستونها ، دهـان اژدری و بسیار ظریف‌کار شده است . سقف بقعه و ایوانها پلورکشی و پل‌کوبی است . سراسر بام بنا، سفال‌سر است .

در محوطهٔ اطـراف بقعه گورستانی قدیمی است . این سنگ قبرهـا در آنجا دیده شد :

۱ــ از این کتیبه‌ها امروز آثاری برجای نیست .   ۲ــ طرائق‌الحقایق ، ج۳، ص ۶۲۴ و ۶۲۵.   ۳ــ همین‌کتاب ، ص ۶۲۵ .

« وفات مرحومه مغفوره رضوان جایگاه زینب خانم بنت مرحوم حاجی علی‌جور بندی . نشاندها: مهر، تسبیح، گلاب‌پاش ، بینکی ، دلوازه‌وقیچی.»

« وفات مرحومه مغفوره رضوان‌جایگاه ... بنت ملامشهدی جوربندی‌لنگا ۱۲۷۳ . نشانه‌ها : قیچی ،گلاب‌پاش، دلوازه و بینکی .»

« وفات مرحوم‌کربلائی شاه‌نظر ولدمرحوم‌الهی جوربند لنگا سنه ۱۲۷۳.»

در حاشیهٔ این سنگ این دوبیت با خط خوش نستعلیق حك شده است:

« یارب همه را بمصطفی بخش جرم همه را بمرتضی بخش
از بعد حسن امام مظلوم ما را بشهید کربلا بخش

نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه وآتشدان . »

« وفات مرحومه مهره بانو بنت‌علی‌رضا ۱۲۷۴ . نشانه‌ها: مهر، تسبیح، گلاب‌پاش ، دلوازه وبینکی . »

«وفات مرحومه زینب بنت مرحوم‌کربلائی حاجی سنه ۱۲۷۶ . نشانه‌ها : مهر، تسبیح، گلاب‌پاش ، قیچی ، دلوازه وبینکی .

ون‌دار (زبان‌گنجشك)کهنسالی در اراضی این‌گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۲۵ سانتیمتر است .

گورستان قدیمی
در مرتع کلب‌سرا[1] ، درخاس‌کوه[2] ، از مراتع لنگای تنکابن

درازای گورهای این قبرستان خارج از اندازه است . در کندوکاوها خنجر و شمشیر به‌دست‌آورده‌اند .

۱ــ بفتح‌کاف وکسر باء و فتح‌سین. ۲ــ خاس‌کوه (بکسرسین) یعنی کوه بدون درخت .

گورستان قدیمی
در کلک‌نشین[۱] از ییلاقات لنگای تنکابن

درازای گورهای این قبرستان بیش از اندازهٔ معمول است .

قلعه‌کوتی قدیمی به‌نام سفیدخانه
میان دهکدهٔ کرگاس[۲] و تالش‌خیل لنگای تنکابن

خاکریز دستی مدوری است که اطراف آن خندقی عظیم است. سطح دایرهٔ بالای این کوتی بیش از هزارمترمربع است وارتفاع خاک ریزآن به ده‌متر می‌رسد.ازخندق اطراف‌آن، جای به‌جای، گازهایی به‌شکل حباب‌ازآب بیرون می‌آیدکه قابل‌احتراق است . زنگ ورنگ آب این خندق سبب‌شده است که مردم‌آن را«نفت‌چاه» بخوانند اما هیچگونه نشانی از نفت دراینجا نیست و این‌گازهم‌گازهای اتان ومتان‌یاگازهایی همانند آنها است که درباتلاقها زیاد است .

قلعهٔ ورگام‌چال[۳]
در چهارکیلومتری کرگاس از دهکده‌های لنگای تنکابن

در این قلعه‌آثار چاهی نسبةً عمیق است‌که ظاهراً فرارگاه قلعه بوده‌است .

امامزاده شاه‌رضا
در دهکدهٔ کرگاس‌لنگای تنکابن

بیرون دهکـده در میـان درختان توسکای قطـورکهنسال گوری ساده است و بنایی ندارد .

۱ــ بفتح کاف‌اول. ۲ــ کرگاس (بفتح کاف) ده ازدهستان‌لنگای‌شهرستان‌شهسوار ۲۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و ۲/۵ کیلومتری جنوب‌شوسهٔ شهسوار به چـالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ــ بفتح واو .

رنگین‌پل
در خشك‌داران لنگای تنکابن

رنگین پل ، پـل بزرگی در مسیر راه شاه‌عباسی ، نزدیـك خشك‌داران بود . آجرهای آن‌را برای بناهای شخصی یا عمومی بردند. باقی راه‌که در دوطرف پل بازمانده بود،داخل اراضی واگذاری شد و از میان رفت.

بقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه
در اراضی اسبچین[1] لنگای تنکابن

بنای بقعه نوساز و برسمت راست جادهٔ عباس‌آباد به‌ساقی‌کلایه است. سه‌طرف آن ایوان دارد . سقف ایوانها ، پلورکشی است و برشیرسرهای دوطرف متکی است. صندوقی چوبین و دری ساده دارد . شمشادهای کهنسالی اطراف بقعـه است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ازآنها به ۱۲۳ سانتیمتر می‌رسد. درختان پلت(افرا)درمحوطهٔاطراف بقعه زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ قطورترین‌آنها بالغ‌بر ۲۸۰ سانتیمتراست .

آثار بناهای قدیمی
در جنگلهای دهکدهٔ اسبچین از بلوك لنگای تنکابن

رابینو در سال ۱۹۰۹ میلادی (۱۳۲۷ قمری) از این‌خرابه‌ها بازدیدکرده ودر بارهٔآنهامی‌نویسد : « پس ازگذشتن ازگنجه‌رود و یکی‌باغ، در طـرف راست جاده ، درختان عظیم‌جنگلی است. ازآنجا راهی است‌که ازمیان درختان به خرابه‌های‌بنایی قدیمی می‌رسد . از وضع سابق بنا ، اثری روشن دیده نمی‌شودکه بتوان‌گفت قلعه یا بنایی دیگر است . مردم بقدری برای دسترسی به‌آجر، درآنجا چـاله کنده‌اندکـه هیچگونه وسیلهٔ شناختن وضع اصلی بنا را باقی نگذاشته‌اند . نام تمام این اراضـی

۱ـ اسبچین : ده ازدهستان لنگا شهسوار، بیست وشش‌کیلومتری جنوب‌شرقی‌شهسوار وکنارراه شهسوار به‌چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

اسبچین است و می‌گفتندکه شخصی باقدرت، بدنام عثمان خان، در ایام قدیم در آنجا منزل داشته است.»[1]

بقعهٔ آقا سیدمحمد
در اراضی دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

بقعه‌ای ساده است که یك طرف آن ایوان دارد وسراسر بام بنا، حلب‌سر است. شمشادی کهنسال کـه محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۱۲۵ سانتیمتر می‌رسید، در محوطـهٔ بقعه بود .

نرگس کوتی
در اراضی دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

متصل به بقعهٔ آقاسیدمحمد،کوتی وسیعی است کـه یك طرف آن آب‌اسبچین است که از شیرچشمهٔ عثمـان‌سرا ، سرچشمه مـی‌گیرد و یك‌طرف‌آن گرآب است . سنگهای‌فراوان که ظاهراً از مصالح بناهای قدیمی این تپه بوده است ، در پهنهٔ آن دیده می‌شود .

عمارت
نزدیك دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

عمارت ، آثاربناهای قدیمی است‌که ابتدای‌آن از قلعه کوتی میان امرج‌کلا و اسبچین شروع می‌شود و دنبالهٔ‌آن برپشته‌هایی مـوازی با ساحل دریا ، در باغ آقای رحمن‌قلی‌خان خلعت‌بری به‌پایان می‌رسد . طول قلعه‌کوتی میان امرج‌کلا و اسبچین که شمالی جنوبی است، بالغ برصدمتر وعرض‌آن درحدود پنجاه متراست . آجرهایی به‌ابعاد ۶ × ۲۶ × ۲۶ سانتیمتر با سنگ و سفال فراوان در این اراضی‌دیده می‌شود.

۱ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۲۵ .

دنبالهٔ این آثار برپشته مانندی که مسلط برساحل دریاست ، به‌طرف شرق پیش‌می‌رود. دو طرف این پشتهٔ طولانی ، ظاهراً خندق بوده است . خانهٔ رحمن‌قلی‌خان نیز برروی دنبالهٔ همین پشته ساخته شده است. آثار سفال بی‌لعاب فراوان برروی این پشته دیده می‌شود . آثارآب‌انبار وگنگهای زیاد در شالودهٔ بنای خانهٔ رحمن‌قلی‌خان پیدا شده است . ظاهراً این آثار استحکامات زیدیان بوده‌که به دست شاه‌عباس خراب شده‌است .

مزاری به‌نام سیده‌فاطمه
بر سر راه اسبچین و خش‌کلا [1]

دراین مزارکه باقی‌ماندهٔ جنگلی بسیارقدیمی است درخت‌پلت(افرا)کهنسالی که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن ۶۵۰ سانتیمتر است دیده می‌شود . شمشادهای قطور قدیمی نیز زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ازآنها ۱۱۵ و دیگری ۱۰۵ سانتیمتر است . درختان لرگ وکرات قطورنیز زیاد دیده می‌شود .

بقعهٔ سیدحسین
در دهکدهٔ تازه‌آباد، کنار راه ساحلی اسبچین به ساقی‌کلایه

بقعهٔ قدیمی را خراب‌کرده بودند و به‌جای آن بنایی با بلوك سیمانی ساخته بودند که چهارطرف‌آن ایوان داشت و بنای‌آن نیمه تمام بود .

درگورستان اطراف بقعه ، سنگ قبرهای قدیمی دیده شدکه ظاهراً حکایت از قدمت این بقعه می‌کند . سنگها بزرگ و مستطیل شکل و تقریباً دوسوم هریك در خاك بود و ما مجبورشدیم یکایك آنها را باکندوکاو زیاد بیرون‌آوریم . بدبختانه‌براثر فرسودگی زیاد تمام عبارات‌آن خوانده نشد .

برحاشیهٔ سنگ قبر اول‌آیةالکرسی و در مربع بالای متن :

۱ـ بفتح خاء وکاف .

«... الدین بن حاجی... شاهرخ...»

و در زیر این مربع دنبالهٔ آیةالکرسی .

«کرسیه‌السموات والارض ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم.»

سنگ قبردوم به‌قطر ۱۰وپهنای۴۲ سانتیمتراست‌ودرازای‌آن به‌علت‌شکستگی معلوم نشد . برحاشیهٔ این سنگ نیز«آیةالکرسی» و در مربع بالای متن:

«هذا القبرالمرحومه فاطمه‌خاتون بنت حاجی‌شمس‌الدین‌خلیل».

و زیر مربع بالا دنبالهٔ آیةالکرسی« لایؤده‌حفظهما و هوالعلی‌العظیم» باخط بسیار خوشی حك شده بود . چهار مصراع شعر فارسی زیر این‌قسمت ازآیةالکرسی بود که‌کلمات پراکنده‌ای ازآنها خوانده می‌شد.

بر حاشیهٔ سنگ قبرسوم آیةالکرسی و درمتن : «کاظم ویك‌حسین و دوحسن» خوانده می‌شود . سایرکلمات خورده شده و از میان رفته است .

برحاشیهٔ سنگ قبر چهارم‌آیةالکرسی و درمتن زیر نام صاحب‌قبر که خوانده نشد « فی‌تاریخ‌شهر جمادی‌الاخرسنه‌ثمان وخمسین و تسعمایه» واضح و روشن‌خوانده می‌شود .

سنگ قبری توخالی به‌درازای ۱۱۶ و پهنای ۴۵ و بلندی ۴۶ سانتیمتر در گورستان این بقعه است‌که برحاشیهٔ بالای‌آن آیةالکرسی حك‌شده است . سایر نوشته‌های‌آن ازمیان رفته است .

بقعهٔ دانیال پیغمبر
در دهکدهٔ دانیال[1] از دهکده‌های لنگای تنکابن

بنایی است مستطیل‌که طرف شرقی و شمالی‌آن ایوان دارد. ایوانها دارای

۱ـ دانیال : ده ازدهستان لنگا شهرستان شهسوار ، سی‌و شش‌کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار و چهارکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به‌چالوس(فرهنگ‌جغرافیایی ایران،ج۳).

ستون با سرستونهای قدیمی است . دو در ورودی در شمال و جنوب بقعه است . حرم بقعه با نرده‌ای به دو قسمت تقسیم شده است . صندوقی چوبین قـاب‌گرۀ نسبةً پرکار، قبر را پوشانده است. درازای‌آن ۱۷۸ وپهنای آن ۹۵ و بلندی آن ۹۷سانتیمتراست. درسمت قبلی برقاب پایین صندوق باخط نسخ متوسط این‌آیات حك شده است :

«بسمله‌و سورۀ انا انزلنا ــ تا ــ لیلةالقدرخیر. »

برقاب پایین سمت شمال این عبارات خوانده می‌شود :

«عمل استادمحمدبن استاد عباسعلی‌کلج ساکن نوشان سنه ۱۲۲۰غفرالله‌له.»

بردیوارهای بقعه،گچ‌بریهای بسیارظریف است‌که در نوع خود بی‌نظیراست و شباهت‌زیادی به‌رسّامی دارد.

در تعطیلات عید سال ۱۳۵۲که از این بقعه بازدیدکردم ، بنای آن را باگچ‌بریهای ظریف خراب‌کرده بودند وگنبد و بارگاهی بجای آن ساخته‌بودند اماصندوق که قسمتی از آن به‌سرقت رفته بود برجای بود .

دو لنگه در قدیمی بقعه نیز ظاهراً به‌سرقت رفته است . ازموزۀایران‌باستان و اوقاف شهسوارکسب خبرشد، ازآنها اطلاعی نداشتند .

قلعۀ‌کشك‌سر[1]

بر بالای‌کوهی منفرد نزدیك دهکدۀ نارنج‌بندبن[2] لنگای تنکابن

بربالای این‌کوه‌که‌قله‌ای منفرداست اما بازوی‌آن به‌کوههای شرقی اتصال‌دارد، آثار قلعه‌ای‌کهن دیده می‌شود . طرح قلعه به‌علت روئیدن درختان جنگلی فراوان ، معلوم نشد . پاره‌های‌آجر وگچ به طورپراکنده بربالای این‌کوه دیده می‌شود .

۱ــ بفتح‌کاف اول وکسرکاف دوم .   ۲ــ نارنج بندبن : ده از دهستان لنگا شهرستان شهسوار ، سی‌وهفت کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار وچهار کیلومتری راه شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

تپهٔ کرات چاک[1]
در جنوب دهکدهٔ چارز[2] از دهکده‌های لنگای تنکابن

بر بالای این تپه‌آثار قلعه‌ای قدیمی است و راه چارز به پیشنبورکلاردشت از کنار این قلعه می‌گذرد .

شاه‌نشینك
در اراضی مترس[3] چارز لنگای تنکابن

بر سر راه چارز به پیشنبور به تپه‌ای منفردبرمی‌خوریم که سطح بالای آن‌در حدود پانصد متر مربع است و به «شاه‌نشینك» معروف است .

راهی‌که از پای این تپه می‌گذرد قدیمی است و سنگ‌چین دارد .

آثار خرابه‌های دهکده‌ای قدیمی
نزدیك شالی‌زارگرده‌لپو[4] در اراضی دهکدهٔ چارز لنگای تنکابن

دراین اراضی سنگ‌چین‌های قدیمی زیاد است وظاهراً دیوارهای خانه‌های دهکده‌ای قدیمی است .

آثاربنایی قدیمی
برقلهٔ بیه‌غوره[5] در جنگل وشکه‌سرا[6] از اراضی‌چارز لنگای تنکابن

بر قلهٔ‌کوهی منفرد به نام «بیه‌غوره» پاره‌آجرهای فراوان دیده می‌شود .

گورستانی قدیمی
در اراضی مازی‌گاسر چارز لنگای تنکابن

گورهای قدیمی فراوان در اراضی مازی‌گاسر چارز برجای است.

۱ـ بکسر کاف‌اول . ۲ـ بفتح راء . چارز ده‌کوچکی‌از دهستان لنگا شهرستان شهسوار، یك کیلومتری کلاردآباد (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳) ۳ـ بفتح میم‌وتاء. ۴ـ بکسر گاف و دال و فتح‌لام . ۵ـ بکسر باء . ۶ـ بفتح واو و سین.

تپهٔ کلار[۱]
در باغ چای وراث ساعدالممالك خلعت‌بری و صفر و اسماعیل کلاری در کلارآباد[۲] لنگای تنکابن

این تپه‌که ازکوتپهای قدیمی است فعلاً تبدیل به‌باغ چای شده است. کوههای جنوب شرقی این‌تپه به‌نام «پس‌قلّار»[۳] معروف است .

امامزاده سیدالوافی
در کلارآباد لنگای تنکابن

در محوطهٔ جنگلی بسیار وسیع و زیبایی بقعه‌ای قدیمی بوده‌که اخیراً آن را خراب‌کرده و به‌جای‌آن بقعه‌ای نوساز بزرگ‌ساخته‌اند. گورستان اطراف بقعه قدیمی است . سنگ قبر مرمر کوچکی دراین گورستان دیده شدکه این عبارات برآن حك شده بود :

«وفات مرحوم عسکرولد مرحوم گل‌محمد جردورونی مورخ۱۲۹۵. نشانه‌ها: تسبیح ، مهر ،شانه و انگشتر .»

سرو عجیب عظیمی بر سکویی درشرق امامزاده است کـه محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن بالغ بر ۴۴۰ سانتیمتر است. عمر این سروظاهراً بیش از هزارسال است.

قلعه‌ای قدیمی
بر بالای تپه‌ای در جنگل اسکوله‌سر[۴] کلارآباد لنگای تنکابن

ازآثاری‌که از این قلعهٔ قدیمی برجای است، چاهی است در سنگ‌که‌مقداری

۱ـ بفتح کاف . ۲ـ کلارآباد : ده از دهستان لنکا شهرستان شهسوار ، سی‌و هشت کیلومتـری جنوب‌شرقی شهسوار و سه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جنرافیایی ایران،ج ۳) . ۳ـ ظاهراً شکل دیگری ازپس‌قلا و پس‌قلعه‌است.
۴ـ بضم الف وفتح سین‌دوم .

ازآن پرشده و چهارپنج مترآن برجای است.

آثار بنایی قدیمی در محلی به‌نام کلیك[1]
نزدیك دهکدهٔ جیسای لنگای تنکابن

گذشته ازآثار بنا در این محل، چاهی به‌عمق چهارمتر برجای‌است.می‌گویند چاهی‌که در قلعهٔ اسکوله‌سر است با این‌چاه ارتباط داشته است .

آثاربنایی قدیمی
در توت باغك جیسای لنگای تنکابن

خرابه‌هـای بنایی‌قدیمی در این اراضی‌کـه روزی توت‌باغ بوده است، دیـده می‌شود .

قلاسر (=قلعه‌سر)
بر تیره‌ای در جنوب دهکدهٔ یال‌بندان لنگای تنکابن

برسر تیره‌ای‌که تقریباً شرقی‌غـربی است و درمیـان چکیزبند[2] و خشك‌دره و یال‌بندان وگردکوه است آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود . مصـالح ساختمانی قلعـه سنگ وگچ وآجربوده است.ابعادآجرها ۵ × ۲۶ × ۲۶سانتیمتراست .کندوکاوزیاد و روئیدن درختان جنگلی‌شکل و طرح قلعه‌را از میان برده است .

راه شاه‌عباسی
در خاك تنکابن

مسیر این راه را تا شیخ‌زاهدمحله پیش از این نوشته‌ایم . دنبالهٔ آن از شیخ‌ـ زاهدمحله به سخت‌سر(رامسر) می‌آمده است . این قسمت از راه را با سنگهای‌بسیار

۱ــ بضم کاف و سکون لام و فتح‌یاء .　　　۲ــ بفتح چ و باء .

بزرگ فرش‌کرده بوده‌اند . از سخت‌سر، از وسط دهکدهٔ گلیجان به‌دهکدهٔ توکلـه مـی‌رفت و از دهکده‌هـای تشکون و سیاورز و شهرسر و کشـکلستان و مازوبن به پلنگ‌آبادنشتا و غرب دهکدهٔ پلنگ‌کلا می‌رسید . درحوالی تالش‌خیل وکلام‌گافه، چهارراههای متعددی داشت. دنبالهٔ راه از دهکدهٔ اسبچین به قریهٔ دانیال متصل‌می‌شد. پل معروف به«رنگین‌پل» دراین‌مسیر بوده‌است که‌آجرهای‌آن‌را برای بناهای‌شخصی و عمومی برده‌اند . از اینجا دنبالهٔ راه به‌جیسا وشمال نارنج‌بندبن‌که معروف به«کوتی‌ـ بازاربندبن» است می‌رفته است. دنبالهٔ راه از پایین اسپی‌رود و چارز می‌گذشته وآثار آن تا امروز برجای است . این جاده پایین‌تر یعنی شمالی‌تر از جادهٔ کنونی است‌که از نارنج‌بندبن به چارز می‌آید .

قلعهٔ پلنگ[۱]
دژی قدیمی در تنکابن

محل اصلی این قلعه را نیافتیم . ایـن قلعه در سال ۹۱۲ به‌دست‌خان احمد ـ خان گیلانی‌گشوده شده است.[۲] دو دهکدهٔ «پلنگ‌آباد»[۳] و«پلنگ‌کلا»[۴] که هم‌نام بااین قلعه‌بودند سبب‌شدکه به‌این دو دهکده سری‌بزنیم ولی دراطراف این‌دودهکدهٔ قدیمی نیز اثری ازاین قلعه نیافتیم .

۱ـ تاریخ خانی ص ۲۱۴ و ۲۱۵ . ۲ـ تاریخ خانی ص ۲۷۱ . درترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۱۷۵ ، نام این قلعه را از تاریخ خانی نقل‌کرده است . ۲ ـ پلنگ‌آباد بالا و پایین دو ده از دهستان نشتا شهرستان شهسوار در هفده کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و دوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۴ـ پلنگ‌کلا : ده‌کوچکی از دهستان لنگا شهرستان شهسوار ، بیست‌و چهار کیلومتری جنوب‌شرقـی شهسوار وسه‌کیلومتری جنوب عباس‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

هشتپر تنکابن

این کاخ در سال ۸۸۹ قمری آباد بوده و روز بیست‌وسوم رمضان موافق با بیست‌و نهم بهمن‌ماه قدیم سلطان علی‌میرزا در این قصر نزول کرده است.[۱] این کاخ ظاهراً در حوالی دهکدهٔ بلده (قلعه‌گردن) بوده است.

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظهیرالدین، ص ۴۵۰.

بخش دوم

کلارستاق

۱- جغرافیای تاریخی کلارستاق

منطقهٔ کلارستاق شامل دشت کلارستاق و نواحی کوهستانی است . دشت که امروز آن را قشلاق کلارستاق گویند از قدیمیترین ایام از طرف غرب به رودخانهٔ نمک آبرود (نمک آوه رود) ختم می‌شده و حد شرقی آن به رودخانهٔ چالوس می‌رسیده است .

نواحی کوهستانی به بیرون بشم و کلاردشت و کوهستان کلارستاق تقسیم می‌شده‌اند.

ناحیهٔ بیرون بشم که مرکز آن مرزان آباد است می‌رود به بشم کلاردشت و دهکده‌های میچکار ، برار[۱] ، جوهر کلا ، چلاجو[۲] و جیرسنّار[۳] است .

ناحیهٔ کلاردشت مرکز آن حسن کیف است و دهکده‌هایی دارد که در کوههای اطراف این دشت قرار گرفته‌اند .

کوهستان کلارستاق شامل دو قسمت شرقی و غربی است . کوهستان شرقی شامل دهکده‌های مرجان[۴] ولی آباد و الامل[۵] است و دهکده‌های زیر جزو کوهستان غربی است :

۱- بفتح باء . ۲- بفتح چ . ۳- بفتح سین وتشدیدنون . ۴- بفتح هاء و راء . ۵- بفتح الف و ضم میم .

انگران[1] ، گیجان ، دلیر[2] ، الیت[3] ، ناتر[4] ، بیجده‌نو[5] ، فشکور[6] ، کنس ـ دره[7] ، مکار[8] ، میرس[9] ، کتیر[10] ، تویر[11] .

جغرافیای تاریخی و تاریخ شهر چالوس

نیمی از شهر چالوس در دشت کلارستاق و نیم‌دیگر آن در اراضی کجور است، زیرا دشت کلارستاق از نمک‌آبرود شروع می‌شود و به‌رودخانهٔ چالوس‌ختم‌می‌گردد . آنچه از شهر و حومهٔ چالوس در شرق رودخانهٔ چالوس است، در تقسیمات،جزء خاك کجور باید به‌حساب‌آید.ما دراین‌تقسیمات شهروحومهٔ چالوس را جزءدشت‌کلارستاق یادکردیم.

مرحوم اعتمادالسلطنه مطالب زیر را از متون مختلف جغرافیایی و تاریخی‌در بارهٔ چالوس نوشته است :

اعراب چالوس را شالوس می‌گویند و صاحب معجم‌البلدان‌گوید چالوس شهری است واقع در سرحد طبرستان ، درهشت فرسخی ری.[12]

ابن‌فقیه‌گوید در مقابل شالوس شهری است موسوم به‌الکبیره نزدیك به کجور که حاکم آنجا اقامت دارد. ازچالوس به‌آمل ازکوهستان دیلم بیست فرسخ است.

بعضی دیگر از علمای‌جغرافی‌نگاشته‌اندکه چالوس ازآبادیهای‌معتبر طبرستان است زیراکه در زمان معتصم خلیفه ، محمدبن‌اوس راکه از امرای خلیفه بود ، به حکومت طبرستان نامزدکرد. مشارالیه‌خود در رویان قرارگرفت و چالوس رابه‌احمد پسر خودسپرد .[13]

۱ـ بفتح الف و سکون نون و کسر گاف. ۲ـ بکسردال . ۳ ـ بکسر الف و لام و یاء مجهول . ۴ ـ بکسر تاء . ۵ـ بکسردال . ۶ـ بفتح فاء . ۷ـ بضم کاف وکسر نون . ۸ـ بفتح میم . ۹ـ بکسر میم و راء. ۱۰ـ بضم‌کاف . ۱۱ـ بضم تاء . ۱۲ـ از ری تا چالوس ازهر راهی‌که بروند بیشتر از هشت فرسنگ خواهد شد . ۱۳ـ مرآت‌البلدان ، ج ۴ ، ص ۷۹ .

در حکومت عبدالله بن جازم که از قبل خلیفه مأمون حکمران طبرستان بود، مردم چالوس خروج کردند و سالم نام ملقب به‌سیاه‌مرد راکه از طرف جازم در چالوس بود، براندند. و با اهالی دیلم همعهد شدند که نواب خلیفه را به‌خود راه ندهند.

حسن بن بویه که از قبل برادر خود معزالدوله در عراق و ری سلطنت می‌کرد و با قابوس وشمگیر دیلمی در نزاع بود، از ری با تجمل و قشون زیاد به‌چالوس به جنگ وشمگیر رفت و در چالوس با قشون وشمگیر مصاف داده، او را شکست. وشمگیر پناه به‌الثایر بالله علوی برد. حسن بن بویه از چالوس بعد از این فتح به آمل رفت و خبر فوت برادرش علی بن بویه که به وی رسید، آمل را گذاشته به‌عراق آمد.

در سه‌شنبه بیست‌وپنجم شهر رمضان سنهٔ دویست وپنجاه هجری، اهالی چالوس واهالی کلارستاق به‌سید حسن بن زید ـ داعی کبیر ـ بیعت نمودند و از این به‌بعد مذهب زیدیه اختیار کردند و محمد ابوالعباس از طرف حسن بن زید در دوشنبه بیست و سیم شهر شوال همین سال که داعی کبیر در آمل حکام به اطراف می‌فرستاد، به‌چالوس حاکم شد. داعی کبیر بعد از انهزام از سلیمان بن عبدالله بن طاهر ـ حاکم ساری ـ که از طرف بنی‌عباس حکومت می‌نمود، از آمل به‌چالوس منهزماً پناه برد. همیشه ملاذ داعی کبیر از قشون سلیمان، چالوس بود و این واقعه در سنهٔ ۲۵۰ واقع گردید.[۱]

در سال ۲۶۱ هـ . ق. حسن بن زید به‌طبرستان مراجعت نمود وچالوس را آتش زد، از جهت آنکه مردم چالوس با یعقوب بن لیث موالاتی کرده بودند وضیاع ایشان‌را به اقطاع دیلم داد.[۲]

در سنهٔ ۲۷۱ هـ . ق . حسن بن زید ـ داعی کبیر ـ جهان را بدرود کرد ومحمد بن زید ـ برادر کهتر خود راکه معروف به داعی صغیر است ـ ولیعهد ساخت. داعی صغیر

۱ـ مرآت‌البلدان، ج ۴، ص ۸۲.

۲ـ مرآت‌البلدان به‌نقل اززبدة‌التواریخ حافظ ابرو، ص ۸۳.

از جرجان خود را به‌ساری رسانید . ابوالحسین‌نامی که‌داماد داعی‌کبیر بود و خزاین او را به‌تصرف درآورده بود ، داعیهٔ سروری داشت . بعد از ورود داعی‌صغیر، فرار کرده ، به‌چالوس‌آمد . غرّه جمادی‌الاخره سنهٔ مذکوره علی‌الغفله در چالوس بر سر ابوالحسین تاخت و او را با متابعینش بگرفت و خزاین برادر خود را به‌تصرف درآورد و بعد او را تلف کرد تا رافع‌هرثمه ـ والی خراسان ـ از طرف بنی‌عباس ، به‌جنگ داعی صغیر آمد . داعی بعد از استحصان در قلعهٔ‌کجور ، نایب‌رافع راکه در چالوس بود بگرفت.درحالتیکه رافع در خواج چهارفرسنگی چالوس معسکرداشت. چون تاب مقاومت نداشت ، داعی‌صغیر از چالوس به سمت طالقان قزوین فرارکرد.[۱]

بکربن عبدالعزیز بن ابی‌دلف‌العجلی‌که داعی صغیر پیوسته قبول خدمت او را نموده علاوه برآنکه در روز ملاقات هزاربار هزاربار درهم به او بخشش‌کرد، او را به‌چالوس و رویان حاکم ساخت . لیکن در خفا سپرده بود که در فقّاع‌که او می‌نوشد سم داخل‌کرده و چنان‌کردند و قبر او در ناتل در سرپل لیشام درکنار رود شیمرود واقع است . این‌تفصیل در خلافت المعتضدبالله بوده .[۲]

در استیلای ناصرکبیربه‌مملکت رویان وغلبهٔ او برمحمدبن صعلوك که از قبل سامانیان برآمل و رویان حاکم‌بود ، پسرعم خود ـ سید حسن‌بن‌قاسم‌ـ را به چالوس فرستاد تا با محمدبن‌صعلوك‌که با پانزده‌هزارمردآنجا اقامت داشت ، مصاف دهد .

سیدحسن‌بن‌قاسم، محمدبن‌صعلوك‌را منهزم ساخت‌و از رودخانه‌ای‌که‌به«بوررود» معروف است و نیز «بورآباد» می‌گویند، خون‌کشتگان‌که درکنارآن رودخانه به‌قتل رسیده بودند ، به دریا می‌رفت . و حصار چالوس را سیدحسن‌بن‌قاسم با زمین هموار ساخت .

در دوران سلطنت حسن‌بن‌بویه ، الثایربالله موسوم‌به‌جعفر بن‌محمدبن‌حسین‌بن

۱ـ مرآت‌البلدان، ج ۴، صفحات۸۲ و۸۳ .
۲ـ مرآت‌البلدان،ج۴،ص۸۳.

علی بن حسن بن علی بن عمر بن زین العابدین بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، مشهور به «سیدابیض، در چالوس بود.[۱]

مسعودی درمروج الذهب نوشته است اطروش که اسم حقیقی او حسن بن علی بن محمدبن علی بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است ، در سنهٔ ۳۰۱ هجری ، سیاه‌پوشان(= بنی‌عباس) را از طبرستان خارج نمود . اطروش سالیان‌دراز در دیلم و گیلان می‌زیست . سکنهٔ آن نواحی که در جهالت و نادانی فرو رفته و روش مغان را پیروی می‌کردند . اطروش آنها را به دین خداپرستی دلالت نمود . غالب آنها به‌دین اسلام داخل شدند جز بعضی ازسکنهٔ این دو مملکت که درکوههای بلند وقلعه‌جات و دره‌های عمیق و مأمنهای محکم سکنی داشتند و تا این‌زمان به‌مذهب قدیم‌خود باقی هستند . اطروش مساجد زیادی در این‌نواحی بناکرد ومسلمین برای مدافعه‌ازطوایف جنگی، در قزوین و چالوس استحکاماتی بنا نمودند .

چالوس محیط به‌یك قلعهٔ سختی بود و دیوارهای مرتفع داشت و سلاطین عجم بنای آنجا راکرده بودند وهمیشه درآنجاقشون زیاد برای دفع حملهٔ دیلمان‌داشتند و این قلعه، بعد از فتح‌طبرستان، به دست قشون اسلام باقی بود تا اطروش آن قلعه را منهدم ساخت .

بموجب مسطورات تاریخ رشیدی درسنهٔ ۶۹۴ ه . ق. در زمان سلطنت الجایتو که خود قصد فتح گیلانات کرده بود ، مقرر داشت که از چهارراه قشون به‌گیلان برود. امیرچوپان از راه اردبیل، امیرقتلق‌شاه از راه‌خلخال. امیرطوغان وامیرمؤمن از راه چالوس و خود سلطان از راه لاهیجان .

ابوبکر محمدبن‌حسن‌طبری چالوسی‌مشهور به‌ابوجعفرصوفی- واعظ ومحدث- که در نیشابور تحصیل‌کرده بود، در سال چهارصد وهفتادودو در چالوس متولد شد و

۱- مرآت‌البلدان ، ج ۴ ، ص ۸۳ .

در محرم سنهٔ پانصد وچهل وسه درآمل وفات نمود.[۱]

رابینو یکی دو مطلب به‌مطالب گذشته افزوده و شرح زیر را در بارهٔ چالوس نوشته است:

فرمانروایان قدیم ایران در چالوس قلعه‌ای داشتند و درآن سواره‌نظام همیشه در حال‌آماده‌باش بود تاساکنان را در مقابل حملهٔ دیلمیان‌حفظ کند. شهرچالوس‌خود دیوار محکمی داشت‌که به امر یکی از دختران فرمانروایان‌ایرانی ساخته شده بود. استحکامات دفاعی چالوس رادر سال۲۸۷ هجری سیدحسن بن‌قاسم یکسره خراب‌کرد. این شهرکه به‌نام شالوس وسالوس نیز خوانده شده است‌بنابرتوصیف مقدسی شهری‌بود که‌قلعه و مسجدجامعی متصل به‌یکدیگر داشت و هردو از سنگ بنا شده بود. در نزدیکی‌آن، دوشهردیگر نیز بوده‌است.یکی را الکبیره‌ودیگری‌راکجّه‌می‌خواندند. مادر حسن‌بن‌بویه را با تشریفات بسیار در چالوس دفن کردند. از سادات مرعشی مازندران ظهیرالدین‌بن علی‌بن قوام‌الدین و پسرش فضل‌الله را در چالوس به خاك سپردند.[۲]

۱ــ مرآت‌البلدان، ج ۴، ص ۸۴.

۲ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۲۷.

۲ـ بناها و آثار تاریخی دشت کلارستاق

بقعهٔ سید محمد از سادات حسینی
در دهکدهٔ زوات شرقی[۱] از بلوك دشت کلارستاق

بنایی است نه‌ترك ، از سنگ و گچ به ارتفاع ۲۱۰ سانتیمتر. ترکی که در ورودی در آن قرار می‌گیرد باریکتر از ترکهای دیگر است .

گنبدی نه‌ترك کلاه‌درویشی بام بنارا تشکیل می‌دهد(عکس شمارهٔ ۲۱). گورستانی بسیار قدیمی با درختان کهنسال مازو و کرزل(=ممرز) و شمشاد و اوجا اطراف این بقعه‌است .

امامزاده قاسم[۲] و حلیمه خاتون
بر بالای تپه‌ای برسمت چپ سرداب‌رود

در اراضی زوات غربی از بلوك دشت کلارستاق اطاقی است که در طول آن دروسط دوش کش(=حمّال) قطوری کشیده‌اند که بر ستونی چوبین چهارسو استوار است. پلورها از دو طرف بر دوش کش قرار می‌گیرند . بالای پلورها ، پل کوبی با درزپوش پخ‌زده

۱ـ در مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملك مورخ سال ۱۲۹۹ ه.ق. این قسمت از زوات را به نام « زوات کلاگر » نام برده واز این بقعه یاد کرده است . ۲ـ از امامزاده‌قاسم در مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملك مورخ ۱۲۹۹ ه. ق. یاد شده است .

است . درازای این بنا هفت‌متر و پهنای آن چهارمتر است. کف اطاق نسبت به‌ایوان و سایر قسمتهای بنا گودتراست.

ایوانی در طرف شرقی بناست که دارای هشت‌ستون چهارسو است. سقف ایـوان بلورکشی‌وپل‌کوبی‌با درزپوش پخ زده‌است . اطراف این‌بقعه‌گورستانی است‌که‌درختان کهنسالی درآن است. درخت‌کرزل(ممرز) در محوطهٔ این بقعه است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۳۲۰سانتیمتر می‌رسد.

سنگ قبرهای‌گورستان این بقعه مورخ ۱۳۲۱ و ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ کـه بر بالای آن مردی باقبا حك شده است و ۱۳۳۸ که بالای آن نقش خورشید حك شده است .

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ علوی‌کلا از بلوك دشت کلارستاق

این مسجدکه چندی قبل‌آن را خراب کرده و از نو ساخته‌اند در سال ۱۲۹۹ قمری اهمیتی داشته و رقبات موقوفـات آن وقف برعزاداری حضرت سیدالشهدا بوده است .[۱]

راه قدیمی زوات به‌کلاردشت

راه قدیمی زوات به‌کلاردشت کـه ازکنار سرداب‌رود می‌گذرد از نقـاط زیر عبور می‌کند :

زوات‌ـ چـالنی‌ـ سوتـه‌لارـ کردشت[۲] ـ ساتـارـ ورگه دره[۳] ، از اینجا راه به‌کنار رودخانه می‌افتد و از این نقاط می‌گذرد :

۱ـ در مجموعـهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانـهٔ ملك، از ایـن مسجد یـاد شده است .

۲ـ بضم‌کاف .   ۳ـ بکسر واو .

سوت ــ لجینی[۱] ــ سرین‌پل[۲] ــ پلـه‌ای چشمـه‌سر ــ رمینك ــ والت[۳] که اول خاك کلاردشت است و از اینجا می‌توان به‌دهکده‌های دیگر کلاردشت رفت .

راه شاه‌عباسی
که معروف به راه زیربند است ازغرب به‌شرق

این راه قدیمی که دنبالهٔ آن را در صفحات گذشته یادکردیم ازاسبچین تاچلندر از نقاط زیر می‌گذشته است :

اسبچین‌ــ جیسا ــ نـارنج‌بندبن ــ کـلارآباد[۴] ــ یال‌بندان ــ کنیرك‌دمرد[۵]ــ حصاری‌سر[۶]ــ میون‌کی‌ــ مـرس‌ده[۷]ــ دامنهٔ‌جیس‌کـوتی ــ چـاخانی ــ زوات‌غربی‌ــ[۸] زوات‌شرقی‌ــ گردك[۹] ــ گوسن‌سنگ[۱۰]ــ آهك‌چال‌ــ سنگ‌معدن‌ــ چالوس رودخانه ــ جیزاو ــلاراوسرك[۱۱] ــ کوشکه‌سراــ سنگ‌تاجن[۱۲] ــ نیرنگ ــ امـامـزاده‌محمد ــ چشمه‌گـردك‌ــ موسی‌آباد[۱۳]ــ علی‌آبادمیرــ خیررودکنار ــ چلندر[۱۴] .

نهرهای قدیمی منشعب از سرداب‌رود

نهرهای سمت چپ سرداب‌رود :

۱ــ نهری که در مسیر ملك‌جوب‌قدیم جریان دارد و نسبةً تازه‌آباداست قسمتی از زوات غربی و چاخانی راآبیاری می‌کند .

۲ــ هچه‌رودکیله[۱۵] که شالی‌زارهای‌دهکده‌های کریم‌آبادــ کلاچان‌ــهرته‌کلا[۱۶]ــ هچه‌رود وقسمتی از نوره‌سر را آبیاری می‌کند .

۱ــ بفتح لام . ۲ــ بفتح سین . ۳ــ بکسر لام . ۴ــ بکسر کاف . ۵ــ بفتح دال و کسرمیم . ۶ــ بفتح‌حاء . ۷ ــ بکسر میم وسین . ۸ــ بفتح ذاء . ۹ــ بکسر گاف و ضم دال . ۱۰ــ بکسرسین ونون . ۱۱ ــ بسکون راء اول و فتح سین و راء دوم . ۱۲ــ بکسر گاف و جیم . ۱۳ ــ بکسر سین و سکون یاء . ۱۴ ــ بکسر چ و لام و سکون نـون و فتح دال . ۱۵ــ بفتح هـا و کسر چ . ۱۶ــ بکسر ها و تاء .

۳ـ نجارکلاکیله که شالی‌زارهای نجارکلا ـ گیله‌کلا ـ عباس‌کلا ـ امام رود و دوجمان راآبیاری می‌کند.

نهرهای سمت راست سرداب رود :

۱ ـ زوات‌کیله[1] که دهکده‌های زوات و عرب‌خیل را آبیاری می‌کند. چشمهٔ چاخانی که چشمه‌ای جداکانه وجزء دشت کلارستاق است قسمتی ازاراضی چاخانی و قسمتی از نورەسررا آبیاری می‌کند .

ملك‌جوب

ازرودخانهٔ سرداب رود دو نهر بسیار قدیمی به نام « ملك‌جوب » جدا می‌شود. ملك‌جوب‌شرقی پس‌ازجداشدن‌ازسرداب‌رود، اراضی‌زوات‌شرقی وشوخس‌کت[2] (تجی‌کلا)[3] راآبیاری می‌کند .

ملك‌جوب‌غربی اراضی دهکده‌های : زوات غربی ـ چاخانی ـ مرسده[4] ـ میون‌کی راآبیاری‌می‌کند و تااسبچین‌زیربند پیش می‌رود .

باقی بناها و آثار تاریخی زوات دشت کلارستاق

۱ـ آثار قلعه‌ای قدیمی بربالای قلهٔ ترکه‌سر[5] در جنوب‌غربی‌زوات .

۲ـ قلعه وگورستانی قدیمی برسرتیرهٔ جیزچال .

۳ـ قلعهٔ تجك[6] برسر تیره‌ای درجنوب شرقی زوات .

۱ـ بفتح زاء وکسر تاء . ۲ ـ شو با واو معدوله وضم خاء و کاف .
۳ ـ بفتح تاء و کاف . ۴ ـ بکسر میم و سین و دال . ۵ ـ بکسر تاء و فتح سین . ۶ـ بکسر تاء و فتح جیم .

قلعه‌ای از سنگ
در شهر چالوس

مقدسی می‌نویسد «در چالوس قلعه‌ای از سنگ است ومسجدجامع درکنار این قعله است. »[۱] از سوانحی که در این قلعه روی داده است اطلاع زیاد نداریم فقط در دوران اسپهبد رستم بن قارن است که ذکری از این قلعه به‌میان می‌آید . جریان این واقعه ازاین‌قرار است :

در اختلافی که میان محمدبن‌زید و اسپهبدرستم بن‌قارن پیدا شد، اسپهبد رستم بدرافع بن هرثمه پناهنده شد و از او یاری جست. رافع ورستم وقتی به‌گرگان‌رسیدند، محمدبن‌زید به‌قلعهٔ جوهینه(= جهینه)پناه داد.در قلعه‌ذخیره‌نماند، محمدفرارکرد و به‌آمل وکجور و سپس به دیلمان‌افتاد . جستان وهسودان او را یاری‌کرد. درچالوس محمدبن‌هارون ــ نایب‌رافع‌ــ بود. حصن محکم‌کرد وذخیره برد و منجنیق‌نهاد.چون ازآمدن محمدبن‌زید خبریافت ، رافع را آگاه‌کرد. رافع به‌جواب نوشت:

البته تو با اونکوشی و ازحصن بیرون نیائی، توقف‌کن . محمدبن‌زید وجستان به‌چالوس رفتند وکار برمحمدبن‌هارون تنگ‌کردند . رافع خبردار شد، از اهلم به‌ده خواج ــ چهار فرسنگی چالوس‌ــ آمد . خبر به‌چالوس‌رسید . جستان وهسودان دست از حصار بداشت و ازپای قلعه برفت . محمدبن‌هارون از قلعهٔ چالوس بیرون آمد و سپاه ایشان را پراکنده‌کرد.[۲]

در دوران‌خروج‌ناصرکبیر باز ازاین قلعه یاد می‌شود . ابن‌اسفندیارمی‌نویسد: «جملهٔ گیل ودیلم‌پیش ناصرکبیر آمدند تا ضبط طبرستان‌کند. پسر خویش‌ــ ابوالحسین احمد ــ را به‌رویان فرستاد و میهم‌گفتند عاملی بود ازآن سامانیان بیرون‌کردند و

۱ ــ احسن‌التقاسیم ، ص ۳۵۹ . ۲ ــ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ، ج ۱ ، ص ۲۵۳ .

ناصر کبیر به‌کلار رفت . اسپهبد کلار ــ محمدبن‌حسن ــ بر او بیعت کرد . از آنجا بـا کورشید شد و فردا به‌چالوس رفت و ابن عم‌خویش حسن‌بن‌قاسم را به مقدمهٔ لشکـر فرستادتا چالوس مستخلص کند . محمدصعلوك باپانزده هزار مرد به موضعی که‌بورود[1] گویندآمده بود . چون ناصر برسید مصاف دادند و حسن‌بن‌قاسم آن روز مصاف‌آرای لشکر بود. صعلوك را منهزم‌گردانید وخلقی بسیاررا از اصحاب او به‌قتل‌آوردند روز یکشنبهٔ جمادی‌الاخرة سنهٔ احدی وثلثمائه و فردا به‌چالوس رفت و ابوالوفا خلیفةبن نوح راکه درآن حصاربودگرفته و جمله خراسانیان را کشته و حصار با زمین راست گردانید چنانکه اثر پدید نبود .[2]

آثار این قلعهٔ قدیمی به‌شکل تپه‌ای ، در محوطهٔ قصر سلطنتی چالوس ، سمت راست رودخانه و جادهٔ چالوس باقی است .

مسجد جامع قدیم
در چالوس

از این مسجدکه مقدسی ازآن یادکرده است و می‌نویسد درکنار قلعهٔسنگـی چالوس بوده است ، آثاری باقی نیست .[3] اما ازگذشتهٔ آن‌بی‌خبر نیستیم، از نخستین بیعتهایی‌که مردم طبرستان باسادات‌کردند در همین جامع چالـوس بوده است و شرح آن از این قرار است :

پس ازآنکه مردم‌طبرستان ازجوروآزار محمدبن‌اوس‌ستوه شدند پیش‌محمدبن

۱ـ رابینو می‌نویسد کـه‌بورس ازدهکده‌های‌کلارستاق برکنار بورود است. (ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۱۴۶) بورسر از دهکده‌های قشلاقی‌کلارستاق است‌که‌در سه‌کیلومتری‌غربی چالوس در دوطرف راه چالوس به‌شهسواراست.   ۲ـ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیـار، ص ۲۶۸ و ۲۶۹ . تاریخ‌رویان مولانااولیاءالله ، ص ۱۰۴ و ۱۰۵ . تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص ۲۱۷ .   ۳ـ احسن‌التقاسیم ، ص ۳۵۹ .

ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زیدبن حسن بن علی امیرالمؤمنین آمدند و قصد داشتند که با او بیعت کنند . او گفت مرا اهلیت نیست. مرا در ری دامادی است که خواهرم را دارد به‌نام حسن بن زیدبن اسماعیل حالب‌الحجاره ، شجاع و کافی و عالم است و حربها دیده، کسی را به ری بفرستید واورا بخواهید . مردم چنین کردند. حسن بن زید علوی روز سه‌شنبه بیست‌وپنجم ماه رمضان سنهٔ ۲۵۰ به‌سعیدآباد آمد و مردم با او بیعت کردند. بیست‌و هفتم رمضان به‌کجور شد و مردم آنجا نیز با او بیعت کردند و محمدبن عباس وعلی بن نصر وعقیل بن مسرور را به‌چالوس فرستاد پیش حسین بن محمد المهدی الحنفی، دعوت اورا اجابت کردند و به‌مسجدجامع شدند و بیعت جملهٔ مردم آن دیار را بستدند .[1]

مرقد مادر ثائرعلوی در چالوس

پس از آنکه ابوالفضل الثائرالعلوی درچالوس مستقرشد ومردم براو جمع‌شدند، خبر به حسن بویه در ری رسید . ابن‌عمید را به‌یاری علی بن کامه فرستاد ، اما لشکر آل بویه شکست خورد. ثائرعلوی، مادر رنجور خود را در ری گذاشته بود وفات یافت. حسن بویه در تابوت نهاد ، چنانکه رسم‌ملوك باشد به خوبتر وجهی به‌آمل فرستاد . ثائر علوی جسد مادر را به چالوس‌فرستاد و دفن‌کردند.[2] مرقد او ظاهراً درگورستان عمومی بوده است .

مرقد سیدفضل‌الله و سیدظهیرالدین در چالوس

این دوتن که از نوادگان میرقوام‌الدین مرعشی هستند، پسر و پدری هستندکه

۱ ــ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ، ج ۱ ، ص ۲۲۹ .

۲ ــ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار، ج ۱ ، ص ۲۹۹ و ۳۰۰ .

پهلوی یکدیگر در چالوس به‌خاك سپرده شده‌اند . رشتهٔ نسب ایشان چنین است : سیدفضل‌الله بن ظهیرالدین بن سید علی بن میرقوام‌الدین مرعشی .[۱]

بقعه‌ای به‌نام یوسف‌رضا در گورستان عمومی چالوس

این بقعه‌که نسبةً قدیمی‌بود، سیلاب رودخانهٔ چالوس‌آن راکند و ازمیان‌برد.

آثار راهی قدیمی در سمت چپ رودخانهٔ چالوس

این راه در سه‌کیلومتری جنوب چالوس بـا سنگفرش، در طرف چپ رودخانه هنوز باقی است . ظاهراً دنبالهٔ راه ناصرالدین‌شاهی‌است که به‌چالوس می‌آمده است.

آثار شهر قدیمی چالوس زیر بناها و خیابانهای شهر کنونی

زیر شهرکنونی چالوس ، در عمق پنج تا ده‌متری آجر فراوانی دیده می‌شود . درگودبرداریها ، خرابه‌های دکان و بازار هم پیدا کرده‌اند.

دو نهر قدیمی برسمت راست رودخانهٔ چالوس

آثار دونهرقدیمی‌که مقداری از مجرای‌آنها در سنگ کنده شده و در بعضی جاها درحدود ده تا بیست‌متر با آجر دیوارچینی‌کرده و مجرای آب راعبورداده‌اند در سمت راست رودخانه دیده می‌شود. آثار این دو نهر پشت قصـر سلطنتی چالوس روشن و آشکار است . ظاهراً آب این دونهر از رودخانهٔ چالوس به آبادیهای دشت کجور می‌رفته است .

۱ــ تاریخ‌طبرستان و رویان و مازندران ، ص ۳۹۳ .

گورستانی قدیمی
در جنگل مشعل و مشعل‌مازو[1]

در جنوب چالوس گورستان قدیمی بزرگی درجنگلی به‌نام مشعل ومشعل‌مازو دیده می‌شود . گورها اسلامی است و سنگ قبری درآنجا دیده نشد .

نهرهای قدیمی که
از رودخانهٔ چالوس جدا می‌شوند

نهرهای سمت‌چپ‌آب یا نهرهای کلارستاق :

۱ـ علی‌آبادکیله‌که دهکده‌های علی‌آباد،کردخیل[2]، درمش‌کلا[3]، خرمنه ، تجن‌کلا[4] و تازه‌آباد را مشروب می‌کند .

۲ـ چالوس‌کیله که در دوراهی دوسگر[5] دوشعبه می‌شود :

شعبهٔ غربی دهکده‌های علوی‌کلا[6]، بوردسر، میان‌ده را مشروب می‌کند .

شعبهٔ شرقی دهکده‌های سلیم‌آباد، گرامه‌جان[7]، آیشه‌بن و چالوس‌محله را آبیاری می‌کند .

۳ـ آبرنگ‌کیله که دهکده‌های آبرنگ، اس‌سر[8] تا اراضی فرج‌آبادرامشروب می‌کند .

۴ـ فرج‌آبادکیله‌که اراضی دهکده‌های فرج‌آباد را مشروب می‌کند.

نهرهای سمت‌راست‌آب یا نهرهای دشت‌کجور:

۱ـ ده‌گیری‌کیله[9] که اراضی دهکده‌های ده‌گیری ، اشکار دشت[10] لاراوسر ،

۱ـ بکسرلام. ۲ـ بضم‌کاف وکسردال. ۳ـ بفتح دال وضم‌میم وفتح کاف.
۴ـ بکسر تاء و جیم . ۵ـ بفتح گاف. ۶ ـ بضم عین. ۷ـ بکسر گاف .
۸ـ بفتح الف وکسرسین‌اول. ۹ـ بفتح دال. ۱۰ـ بکسرالف .

کوشاک‌سرا[1] ، هلیستان[2]، پالوژده[3] وکورکوره‌سر را مشروب می‌کنند .

۲ـ مجیدآبادکیله که اراضی مجیدآباد و سرزمینهای شمال پالوژده راآبیاری می‌کند .

بقعهٔ حمزه‌رضا در دهکدهٔ کوشک‌سرای چالوس

بنایی است قدیمی از سنگ وگچ که به شکل هشت ضلعی ساخته‌اند و در هر یك از اضلاع داخل و خارج طاق‌نمایی که به زیبایی بنا افزوده است ، دیده می‌شود (عکس‌شمارهٔ ۲۲). برای تبدیل این هشت ضلعی به دایره، در داخل بنا، در زاویهٔ میان هردوضلع گوشواری ساخته‌اند ومیان دوگوشواره‌های‌اضلاع را، در بالای طاق‌ـ نمای هرضلع نیز گوشوار دیگری‌افزوده‌اند و بدین‌ترتیب با افزودن شانزده‌گوشوار ، دایره‌ای به وجودآورده‌اندکه سقف بنا را برآن استوارکرده‌اند . سقف بنا از داخل مدور و از خارج کلاه درویشی هشت‌ترك است .

در وسط بنا صندوقی چوبین به درازای ۲۲۰ و پهنای ۱۲۰ و بلندی ۱۳۵ سانتیمتر است که مدفن حمزه‌رضا را پوشانده است . طرف قبلی بنا پنجره‌ای نورگیر کوچك است. در ورودی شرقی‌است و ازکفش‌کن وارد بقعه می‌شود(عکس‌شمارهٔ۲۳). ابعاد داخل‌کفش‌کن ۳۵۰ سانتیمتراست .

درشمال این بنا، بنای دیگری است‌که معروف است مدفن خواهر حمزه‌ـ رضاست و به نام«خاتون‌رضا» خوانده می‌شود .

بنای اصلی این بقعه از داخل ۴۶۰ X ۳۵۰ سانتیمتراست .

۱ـ بکسر کاف دوم . ۲ـ بفتح‌هاء . ۳ـ بکسردال .

جلو در ورودی این بنا، ایوانی به درازای ۴۶۰ و پهنای ۱۶۰ سانتیمتر است که دارای پنج ستون چهارسوست که سرستونهای نسبةً ظریف دارد. سقف ایوان و بقعه پلورکشی و از رو پل‌کوبی است و بام‌بنا را به تازگی حلب‌سر کرده‌اند.

در محوطهٔ اطراف این دوبقعه گورستانی قدیمی است و درختان آزادکهنسال دارد. محیط دایرهٔ قطورترین آنها ۶۲۰ سانتیمتر و دو اصلهٔ دیگر به ۴۳۰ و ۳۶۰ سانتیمتر بالغ بودند.

قلعهٔ اسپی‌سنگ
در مرتع ورگاویج در جنوب شرقی چالوس

برسر کوهی‌که مسلط برجادهٔ چالوس است و حدغربی آن رودخانهٔ چالوس و حدشرقی اشکاردشت[1] ولاراوسر و حدجنوبی مرتع جیزو وحد شمال‌غربی شهرچالوس است قلعه‌ای قدیمی‌است.

برجی‌مدور به‌ارتفاع نیم‌متر و شالودهٔ دیوارهایی‌که با سنگ وگچ چیده شده است برجای است. آب‌انباری مدور به‌عمق شش متر که بیشترقسمتهای آن راکنده و زیرو رو کرده‌اند در قسمت شمالی‌این‌قلعه است. درساختمان این‌قلعه، آجر نیزمورد استفاده بوده است. ابعاد آجرهایی‌که در اراضی قلعه دیده شده، به‌ترتیب زیراست:

۲۵ × ۲۵ × ۴٫۵ سانتیمتر و ۲۴ × ۲۴ × ۴ سانتیمتر و ۱۸٫۵ × ۱۸٫۵ × ۳٫۵ سانتیمتر.

۱ـ بکسر الف.

۲ـ بناها و آثار تاریخی نواحی بیرون‌بشم کلارستاق

امامزاده خلیل

در سعدآباد (سعیدآباد) نزدیك بابوده بیرون‌بشم کلارستاق مرحوم میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه ازاین امامزاده یادکرده وآن‌را در دهکدهٔصیدآبادمی‌داند.[۱] امروز این‌اراضی که نزدیك دهکدهٔ بابوده وکنارراه چالوس‌است «سعدآباد» خوانده می‌شود . ظاهراً این محل همان سعیدآباد رویان است‌که سعید دعلج آباد کرده و کاخی درآن ساخته است و احتمال می‌رودکه امامزاده خلیل در محوطهٔ کاخ بنا شده باشد .

دو سال‌قبل(۱۳۵۰ شمسی) بنای قدیمی امامزاده خلیل را به‌هم‌ریختند . فعلاً بنایی نوساز چهارگوشه است‌که‌گنبدی هشت‌ضلعی سیمانی بربالای‌آن ساخته‌اند . دو در ورودی جنوبی وغربی دارد و در دو ضلع دیگر دوپنجره تعبیه شده است. در دو طرف حیاط مقابل در جنوبی، اطاقهای خشت و گلی برای زائران‌ساخته‌اند. گورستانی قدیمی اطراف این بقعه است .

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .

گورستان قدیمی گرمابك
بر سر تپه‌ای نزدیك گرمابك بیرون بشم کلارستاق

بر سر تپه‌ای سنگی و منفرد ، درمغرب مرزان آباد ، چندسال‌قبل‌آقای مرزبان مجسمهٔ گاوکوهان‌دار با پنج ظرف سفالین و دو خنجر و یك دستبند برنزی یافت . دهم اوت ۱۹۵۴ دست بـه‌کار حفـاری این‌محل شدند وپس ازمدت‌کمی کندوکاو شش گور ظاهرشد و پس از بیست روزکاوش ، سی‌ویك‌گور یافتند . در این‌گورها آجـر و سنگ به‌کار نرفته است وگاهی چند جسد در یك‌گور به‌خاك سپرده شده بود . دریك گور سیزده جسد و درگور شمارهٔ هفت ، نه‌جسد به دست آمد . گورهـا سمت معینی ندارند و مردگان در جهات مختلف به خاك سپرده شده‌اند .گورهـای این‌گـورستان گرد و بیضی وچهارگوشه است. از این‌گورستان ظروف سفالین فراوان و اشیاء زینتی ظریف به دست‌آمد .[1]

بقعهٔ آقاعبدالرضا = عبدالرزاق
نزدیك دهکدهٔ پردنگون[2] بیرون‌بشم کلارستاق

بنای اصلی بقعه شش‌ضلعی است که‌پهنای هرضلع‌آن به‌۱۹۵ سانتیمترمی‌رسد . در چهار ضلع آن خفنگهای نـورگیر و در ضلع شمالی طـاقچه‌ای تعبیه شده است . در ورودی بنا در ضلع شرقی‌است . پهنای این در از لبهٔ چهارچوب ۸۵ و بلندی آن

۱ــ برای اطلاعات بیشتر به رسالهٔ زیر نگاه کنید :

Les de couvertes fortuites Klardasht, Garmabak, Omam et Tomadjan . Par Dr. H. Samadi .

۲ــ بضم پ وسکون راء مهمله وفتح دال‌وسکون‌نون،پردنگون: ده ازدهستان‌بیرون ــ بشم بخش‌کلاردشت شهرستان نـوشهر ، هیجده کیلومتری جنوب شرقـی حسن‌کیف و یك کیلومتری غرب شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۱۵۵ سانتیمتر است. میان بنای اصلی، صندوقی چوبین قاب وآلت به درازای ۲۰۲و پهنای ۷۵ و بلندی ۱۰۲ سانتیمتر قراردارد. قسمت اعظم صندوق قدیمی وکنده‌کاری بسیار ظریف‌آن درآتش‌سوزی از میان رفته است. یك بدنهٔعرضی‌آن فعلاً باقی است که نموداری از ظرافت و دقت‌کنده‌کاری‌آن است . میان این‌بدنه، ستاره‌ای شش‌پررا باکثیرالاضلاعها ترکیب‌کرده ولبه‌های این نقش‌که به‌حاشیه‌می‌رسد، به قطعات‌چوبین به‌شکل ذوزنقه ختم می‌شود (عکس شمارهٔ ۲۴) . برحاشیه‌های اطراف‌آن کتیبه‌های زیر حك شده است :

چوبهٔ زیر:

«قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم‌یلد ولم یولد ولم‌یکن‌له‌کفواً ».

چوبهٔ سمت راست :

«احد بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل اعوذ برب‌الفلق » .

چوبهٔ بالا :

« [یؤ] ده حفظهما و هـوالعلی‌العظیم لااکـراه فی‌الدین قدتبین‌الرشد من الغی‌فمن یکفر ...» .

چوبهٔ سمت‌چپ :

«والله یرزق من‌یشاء بغیرحساب بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » .

ظاهراً برحاشیهٔ بالای اطراف صندوق «آیةالکرسی» حك بوده است.

لنگه دری‌کوچك‌که ظاهراً مربوط به‌صندوق قدیمی بوده است، در ایوان این بناست‌که‌کنده‌کاری ظریف نظیر صندوق دارد . پهنای‌آن ۲۵ وبلندی‌آن ۷۰سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۵) .

پاره‌های چوب‌کنده‌کاری با نقشهای اسلیمی در ایوان امامزاده دیده شد(عکس شمارهٔ ۲۶) .

ایوانی طرف شرق بنا، درجلودر ورودی است . این ایوان عریض، لتازهٔ چوبین بلند و یازده‌ستون با سرستونهای ظریف دارد .

بردو تا از تخته‌های پل‌کوبی سقف این ایوان (عکس شمارهٔ ۲۷)، مطالب زیر باقلم ومرکب نوشته شده است :

درچهار کنج تختهٔ مربع مستطیل اول :

« چه‌روزقیامت بلرزدجسد   محمدبفریـاد صفدر رسد»

در امتداد ضلع کوچك سمت راست مستطیل، بیت زیر نوشته شده است:

«یا محمد

چه یـوم قیامت شودآشکار   محمدشفاعت کند ذوالفقار »

متن کتیبهٔ مستطیل اول به شرح زیراست :

« یاهو مسبب‌الاسباب   در سال خیرمآل پارس‌ئیل سنهٔ هزاروسیصد و بیست هجری بندهٔسراپا تقصیر لطفعلی بن علی تیرگر بیرون بشمی بدستیاری صانع‌ماهر استاد جعفرعلی‌مع برادرش استاد سبزعلی‌لورائی از اهـل نساء به‌نظارت و پیش‌کاری خیرالزوّار مشهدی ذوالفقار الاملی وچراغچی‌گری شیخ شمس‌ـ الاملی در صدد تعمیر سقف و بنیان مسجد و حصار وگل‌دستهٔ امام‌زادهٔلازم‌ـ التعظیم جناب عبداللهالرضا علیه وعلـی‌آبائه واجـداده آلاف‌التحیة والثنا باهتمام جناب مستطاب‌آخوند ملامحمد برآمدیم و ایـن امر خیر در عهد سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه و حکومت قوی‌شوکت ابدمدت علی‌قلی‌خان ملقب بمنتصرالسلطنه زادالله عمـره [اتمام] پذیرفته انشاءالله خداوند عالم ... بانی و زحمت‌کشندهـا همه را اجر جزیل وعمر طویـل کـرامت فرمـاید و بشفاعت پیغمبـر آخرالزمان بهره‌مندگرداندکاتب . . .

فضل‌الله بن حاجی بابا بن کربلائی محمد غریق رحمت ایزدکسی باد که
کاتب را بیك حمدی کند یاد ۱۳۲۰».

بر تختهٔ مستطیل پایین مطالب زیر نوشته شده است :

«یاهو درسال خیرمآل طنقوزئیل درسنهٔ هزارو دویست و شصت و هفت هجری
حقیر سراپا تقصیر علی تیر گر بیرون بشمی باهمهٔ انکسار و بی بضاعتی بدستیاری
صانع ماهر استادمحمدقلی درصدد تعمیر سقف امامزادهٔ لازم‌التعظیم جناب
عبدالله الرضا علیه وعلی آبائه و اجداده آلاف التحیة والثنا برآمدیم پس از
اذن و امضای تولیت از مجتهدجامع‌الشرایط والارکان جناب میرزامحمد
تقی نوری نورالله مرقده باهتمام استادی‌الوحید جناب آخوند ملا علیرضای
الاملی زیدعمره زمانیکه مجتهد . . . سرکارآقا . . . تنکابنی قائم مقام
مجتهد مرحوم مزبور گردیده و سریر سلطنت بر ناصرالدین‌شاه قاجارمفوض
شده و فتحعلیخان بعداز قمع و عزل حبیب‌الله‌خان ولایات ثلث راحاکم
شده و سرکار آقا اسدالله بفرمان‌فرمائی کلارستاق مستقل گشته و طایفهٔ بابی
مقهور پادشاه مزبورگردیده است ازخدای مهربان ...که باعث و بانی و
بکسانیکه درین‌مقام زحمت‌کشیدند ازشفاعت پیغمبرآخرالزمان بهره‌مند
گردند انشاءالله ۱۲۶۷.»

سراسر بنا سابقاً لت‌پوش بوده وفعلاً حلب‌سراست .

جلوایوان حیاطی است . این‌حیاط سردری ورودی دارد . گلدسته‌ای بر سر در
ورودی است . ابعادآن درحدود سه متراست . هر طرف آن چهارستون چوبین سادهٔ
پخ‌زده با سرستونهای نسبةً ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۲۸) .

در قدیمی وکنده‌کاری‌بنا، در منزل قاسم‌نجار صادقی‌است که دهبان دهکدهٔ
پردنگون است وهمسراو از نشان‌دادن آن ابا کرد .

بقعهٔ سیدمحمد بن امام جعفر الصادق علیه‌السلام در دهکدهٔ گویتر[1] از دهکده‌های بیرون بشم کلارستاق[2]

بنای اصلی بقعه از سنگ و گل وچهارگوشه است. بر بالای هر کنج گوشواری دارد و پایهٔ طاق را بدین‌طرز جمع کرده و گنبدی که کمر بندآن هشت گوشه است براین بنا زده‌اند. ابعادبنا از داخل ۲۷۵ × ۲۸۵ سانتیمتر است. هرضلع‌دارای طاقنمایی باطاق هلالی است و داخل‌طاقنماهای غربی و شرقی، دو محراب‌مانند، بنا شده‌است. در ورودی در طاقنمای جنوبی و داخل طاقنمای شمالی طاقچه‌ای است. صندوقی چوبین باقاب وآلت وکنده‌کاری ساده به‌درازای ۲۰۳ وپهنای ۸۰ وبلندی ۹۵سانتیمتر در وسط بناست. کفش‌کنی طرف قبلی‌بناست‌که بعداً بدان افزوده‌اند و سراسر بام کفش‌کن وگنبدامامزاده را با حلب پوشانیده‌اند.

گورستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف امامزاده است‌که سنگهای‌تراش‌دارقدیمی درآن زیاد است. سنگ قبری تاریخ‌دار در این‌گورستان دیده نشد. تنها سنگ قبر مورخ، سنگ قبرکوچکی است درحرم بدین‌شرح:

«انت‌الباقی وفات‌المرحوم‌المغفور ملاعلی‌خلف ملااسمعیل طالقانی فی سنه ۱۲۷۶».

تعداد دوازده اصله درخت تادانهٔ قدیمی در محوطهٔ‌گورستان به‌نظر رسید‌که محیط دایرهٔ تنهٔ‌کهنترین‌آنها بدین‌ترتیب است:

۴۴۵ و ۴۴۴ و ۳۶۰ سانتیمتر.

۱ــ بفتح گاف و تاء، گویتر: ده ازدهستان بیرون‌بشم بخش کلاردشت شهرستان‌نوشهر، سیزده کیلومتری جنوب شرقی حسن کیف و یك کیلومتری شوسهٔ مرزن‌آباد به کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲ــ میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه از این بقعه‌یاد کرده است، نگاه‌کنید به‌مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹.

امامزاده یحیی
در دهکدهٔ چلاجور از بلوك بیرون‌بشم کلارستاق

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده یادکرده‌است[۱] اما کندوکاو گنج‌گیران چیزی از آن به‌جای نگذاشته بود .

امامزاده علی موسی‌الرضا
در دهکدهٔ سما[۲] از بلوك بیرون‌بشم کلارستاق

میرزاحسن خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده یادکرده است.[۳] بنایی است از سنگ وگل با بام حلب پوش واثری تاریخی ندارد .

قلعهٔ سنگ‌سرك[۴]
بالای کوه سنگ‌سرك در بیرون‌بشم کلارستاق

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:«این قلعه راه طالقان‌را به‌کلاردشت حراست می‌کرد. »[۵] آثار قابل بررسی‌ازاین قلعه برجای نبود .

بقعهٔ شاه علمدار
بر بالای قله‌ای میان بلوك بیرون‌بشم و کلاردشت

برای رسیدن به‌این قله از دهکده‌های برار و مرزان‌آباد راه‌هست . بقعه‌ای

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹.

۲ـ سما بفتح‌سین، ده از دهستان بیرون‌بشم کلاردشت شهرستان‌نوشهر، سیزده کیلومتری شمال‌شرقی حسن‌کیف و هفت‌کیلومتری شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). در جنوب این دهکده دریاچه‌ای طبیعی به‌نام «کبوددریا» است که ظاهراً براثر زلزله و شکست‌کوه به‌وجودآمده است .

۳ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .

۴ـ بفتح سین و سکون نون وکسر گاف و فتح سین دوم و راء مهمله و سکون کاف .

۵ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ .

است ازسنگ وگچ . بامآن سابقاً حلب‌سر بود اخیراً بامی باسیمان ساخته‌اند.

این قله‌که یك سامان‌آن به‌کله‌کت[۱] و یك‌سامان‌آن به سرسیرا[۲] ویك‌سامان به کتور[۳] وسامان دیگرآن به اسبان‌سرا[۴] محدود می‌شود ، از بلندتریـن قله‌های ایـن نواحی است و بقعهٔ شاه علمدار را باید از بقاعی دانست‌که برسر کوههای سرکشیده و بلند، به یاد عظمت و سربلندی‌آن ساخته‌اند و نظیر این بقعه‌را در صفحات‌کوهستانی گیلان درمجلدات اول و دوم فراوان یاد کرده‌ایم .

۱ـ بفتح کاف وکسرلام وفتح‌کاف دوم وسکون‌تاء . ۲ـ بفتح سین اول .
۳ـ بکسرکاف. ۴ـ بکسر الف و سکون سین وکسرنون و فتح‌سین دوم.

۴- بناها و آثار تاریخی کلاردشت کلارستاق

خاك کلاردشت ، دشت وسیعی است که میان رشته‌های کوه قرار دارد و رودخانهٔ سرداب‌رود که از دریاچه‌های کوچك دامنهٔ شمالی تخت‌سلیمان سرچشمه می‌گیرد، از میان آن می‌گذرد . اگر خاك کلاردشت ، همان کلار قدیم باشد ازقدیم حد فاصل میان دیلمان و رویان و زمانی جزو خاك‌رویان یا رستمدار بوده‌است .

امیر تیمور دربازگشت از حلب ورفتن به‌سمرقند در کلاردشت درنگ کرد.[1] شاه‌عباس در سیچقان‌ئیل سال ۱۰۲۱ درکلاردشت بود .[2]

ناصرالدین‌شاه قاجار بارها، پس از استراحت درقصرشهرستانك ، از راهی که در زمان خوداو ساخته شده بود، به‌گردنهٔ‌کندوان وکنار رودخانهٔ چالوس وکلاردشت رفته است .

ساکنان کلاردشت را به دو دستهٔ اصلی گیل و خواجه‌وند باید تقسیم‌کرد . از طوایف‌گیل: میار[3]، اکچ[4]، امرج،[5] سوادکوهی، لمسو[6] (ازنورآمده‌اند) ، طالقانی انگریچ[7]،رودگر، متّکا[8]، و فخی[9](فقیه) قابل‌ذکرند. میرزا طاهر تنکابنی ازطایفهٔفخی

۱- مازندران مهجوری، ج ۲. ص ۲۰۶. ۲- تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ، ص ۱۶۴. ۳- بفتح میم. ۴-بفتح‌الف وکسر کاف. ۵- بفتح‌الف وکسرراء. ۶- بفتح لام ومیم. ۷- بفتح الف و سکون نون. ۸-بضم میم و فتح و تشدید تاء. ۹- بفتح فاء .

(فقیه) کردیچال کلاردشت است .

طوایف خواجه‌وندکه ظاهراً در زمان نادرشاه و کریم‌خان‌زند بدین صفحات کوچانده شده‌اند، شامل : یزدانی، دلفان‌آذری[1]، مشعشعی، لك، قراباقزندی و خواجه‌وند می‌باشند .

این ناحیه که از قدیمترین ایام آبادان بوده ، تمدنهای مختلف به خود دیده است . لوئی واندنبرگ درکتاب خود در بارهٔ زیرخاکیهای این ناحیهٔ قدیمی ایران مطالب زیر را نوشته است:

« در ناحیهٔ کلاردشت که درمغرب جادهٔ کرج به چالوس قراردارد ، درضمن انجام کارهای ساختمانی، گورستانی پیداشدکه اشیاء ذیقیمتی ازآن بیرون‌آمد .کشف این اشیاء نشان دادکه صنعت وهنر ناحیهٔ کلاردشت تحت نفوذجریانهای مختلف قرارداشته است . با این حال تمام آن اشیاء متعلق به یك قبرستان بوده است وهمهٔ آنها با هم همدوره می‌باشد و می‌توان آنها را میان سالهای هزار تا هشتصد پیش از میلاد قرار داد . درمیان‌آنها خنجری از طلا و جامهایی از همان فلز وجود داردکه بسیارقابل توجه است . نقوش جام اخیر شباهت فوق‌العاده به‌هنر «هیتی‌ها» دارد و در سه طرف آن سه شیر به سبك هنر«هیتی‌ها» نقش شده‌که سرهایشان به‌صورت برجسته، ازجدار خارجی ظرف بیرون می‌آید . در همین قبرستان چندجام بدون پایه با پیکر و سر گوزن، از جنس گل‌پخته، پیدا شده‌که به منزلهٔ پیش‌قراول جامهای زرین بدون‌پایهٔ عهد هخامنشی است . ظروف گلی دیگری در این گورستان پیدا شده‌که بیشترآنها به‌شکل‌کوزه‌های‌کوچك‌دسته‌دار وکوزه‌های‌کوچك نوك‌دار، شبیه به‌قوری ازگل پختهٔ قرمزرنگ می‌باشد و به‌ظروف سفالین‌گورستان تپهٔ سیلك[2] نزدیك‌کاشان شباهت دارد.

۱ــ بکسردال .   ۲ــ بکسر سین و فتح یاء و سکون لام وکاف .

درگورستانی نزدیك شهر دماوند، دو جام بدون پایه‌که قسمتی از آن به شکل سرگوزن است و از جنس گل‌قرمز می‌باشد، پیدا شده . همراه این دوجام سکه‌هایی بوده‌که تاریخ‌گذاری آنها را آسان‌کرده است و به این طریق توانسته‌اند تاریخ یکی ازآن دو جام را از دوران پادشاهی فرهاد دوم (۱۳۸ پیش از میلاد) و دیگری را از عهد مهرداد دوم (۸۸ـ۱۲۳ پیش از میلاد) تشخیص دهند .

بنابراین جامهای مزبور از دوران اشکانیان است ، ولی با جامهای نظیرشان که درکلاردشت پیدا شده و باجامهای بدون پایهٔ طلای دوران هخامنشی ، شباهت زیاد دارد.

اشیاء دیگری‌که در ناحیهٔ‌کلاردشت و چالوس و ساری پیدا شده، نشان داده است‌که در مازندران تعداد زیادی از ظروف نقرهٔ عهد ساسانی وجود داشته‌است.

بازدرهمین ناحیهٔ‌کلاردشت جعبه‌ای فلزی‌پیدا شده‌که حاوی اشیاء نقره‌و زری از عهد ساسانی بوده . روی دو جام زرین مکشوف درکلاردشت قباداول (۵۳۱ـ۴۸۸ میلادی) سوار براسب نشان داده شده است . شاه مشغول شکارکورخری است، روی دو جام دیگر ، شیری داخل دایره‌ای دیده می‌شود و روی جام دیگر شیری بالدارمجسم گردیده و باز روی جامهای دیگر یك عقاب در میان یك دایره نقش شده و در شش دایرهٔ دیگر که برآن محیط است ، شش خروس قرار داده شده . جام از نقره است ولی نقوش‌آن با ورقی از طلا پوشیده شده است . دو تنگ نقره درهمین ناحیه کشف گردیده‌که نقش قابل توجهی دارد . در روی جدار خارجی یکی از آنها نقش‌گل «لوتوس» (نوعی ازگل نیلوفر) به‌صورت مصنوعی در میان دو ترنج دیده می‌شود . در هر ترنج خروسی نقش‌شده . زمینهٔ تنگ دیگرطلایی است و روی‌آن رقاصه‌هایی‌که در زیر چهارطاقنما قرار دارند ، به‌صورت برجسته نقش‌گردیده‌اند.[1] از طاقنماها ،

۱ـ باستان‌شناسی ایران باستان، ص ۶ .

شاخه‌های درخت مو و خوشه‌های انگور آویزان است. درکنار رقاصه‌ها، نوازندگانی در میان انواع حیوانات، مانند روباه وکبك و بلدرچین و ببر دیده می‌شوند . قسمت زیرین تنگ که مانند عدس محدب است ، حیوان افسانه‌ای بالداری راکه شباهت به طاووس و شیر و اژدها دارد ، نشان می‌دهد و در دو طرف آن حیوان، دو سرشیر قرار گرفته و در میان دهان شیران سوراخی است . وقتی تنگ زرین پر ازشراب می‌شده، از آن دو سوراخ ، داخل در جامها می‌گردیده است .

روی دو قطعهٔ زری ابریشمی که در همین محل پیدا شده، شاه بهرام چهارم (۳۹۹ ـ ۳۸۸ میلادی) در حال شکار شیرها نشان داده شده است . ولیعهد همراه پادشاه و سوار بر اسب است وگاوی وحشی را موردحمله قرار داده است . وقتی توجه شود که تا این تاریخ تقریباً تمام ظروف نقرهٔ مکشوف از عهد ساسانیان در جنوب کشور شوروی پیدا می‌شد، اهمیت این ظروف که برای اولین بار در ایران به دست آمده ، نمایان می‌گردد و با پیدایش این جامهای عهد ساسانی ، از این‌پس ماخواهیم توانست بعضی اشیاء دیگر را که جداگانه کشف‌گردیده است ، به‌خوبی تاریخ‌گذاری کنیم .

هنگام جاده سازی در راه میان چالوس به‌کرج تصادفاً به‌آینهٔ نقره‌ای از عهد ساسانی برخوردندکه شیشهٔ آن از بین رفته بود. تزیینات پشت این آینهٔ سیمین مرکب از شاخ وبرگ وگلهای مختلف بودکه در اطراف دایره‌ای قرار داشت. درمیان دایره یك مرغ آبی نقش شده بود و تمام این نقوش به‌صورت برجسته بود و درصفحهٔ داخلی آینه چیزی به خط پهلوی نوشته شده بود که هنوز خوانده نشده است.»[۱]

۱ـ باستان‌شناسی ایران باستان، ص ۷ .

قلعهٔ کلار (کلار تپه)[۱]
بر بالای تپه‌ای دستی در میان کلاردشت کلارستاق

درکتب تاریخی و جغرافیایی ذکر «کلار» فراوان است وظاهراً همین قلعهٔ مورد بحث ماست که آن را سرحد دیلمان و رویان دانسته‌اند. سیدظهیرالدین نیز از این محل نام برده است.[۲]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

« رسوم و آثار عمارت و بنای آن تا پنجاه سال قبل از این باقی بوده است. چنانکه در بعضی بیوتات لاهو، از مصالحی که در این قلعه به‌کار رفته، از قبیل آجر و در و پنجره هنوز موجود است. وضع و شکل تپـه‌ای که این قلعه برآن بنا شده، بیضی است. طولش از مشرق به مغـرب است. بالای تپه شکسته پایه‌های آجری و آهکی و خرابه‌های زیاد دیده می‌شود. دور تپه علی‌التحقیق نهصد و شصت ذرع و ارتفاع آن به‌خط عمـودی ازشش‌الی هفت ذرع است. سمت شمال تپه با یك قسمت از مشرق کـه شمال جلگهٔ کلاردشت است، یکسره چمن است واز زیردامنهٔ شمالی این تپه، چشمه‌های آب صاف خوشگوار به وسط چمن جاری است ودر انتهـای جلگه طـرف شمال داخل رود سردابه‌رود می‌شود.»[۳]

وصفی کـه اعتمادالسلطنه از این تپه‌کـرده بسیار صحیح و دقیق است امـا از شکسته پایه‌های آجری وآهکی و خرابه‌های زیاد که او یاد می‌کند اثری باقی نیست.

۱ـ شمارهٔ ثبت تاریخی کلارتپه ۴۸۹ است. ۲ـ تاریخ طبرستان و رویـان و مازندران، ص ۲۸۶. ۳ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۲۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹.

ظاهراً به‌مرور ایام، مصالح این قلعه‌را برای ساختن بناهای عمومی یا خصوصی برده‌اند و فعلاً تبدیل به زمین زراعی شده است.

از قصه‌های محلی چنین معلوم می‌شود که مردی بدنام «نعیم‌شاه» در اواخر دوران صفویان واوایل زمان نادرشاه بربالای این تپه کاخی داشته و درآن ساکن بوده است. این مرد خود را به نام شاه‌کلارستاق معرفی‌کرده وسکه به نام خود زده است. در لشکرکشی نادرشاه به قفقاز که گذارش به صفحات کلاردشت افتاده، این مرد را دستگیر وکورکرده است. اعقاب و بازماندگان این مرد به نام طایفهٔ «میار» تازمان علی‌اصغرخان سردار ـ پدر محمدولی‌خان سپه‌سالار تنکابنی ـ کرّوفرّی داشته‌اند. در این وقت به‌دست سردار سرکوبی می‌شوند وبه جرگهٔ نوکران خاندان خلعت‌بری درمی‌آیند.

بقعهٔ درویش رستم
در دهکدهٔ تورسو[1] از بلوك کلاردشت کلارستاق

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این بقعه به نام امامزاده سیدرستم یادکرده است.[2] دهکدهٔ تورسو متصل به اراضی لاهو، سرراه حسن‌کیف است. بنای بقعه از سنگ وگل است. بام آن لت‌پوش است و صندوقی سادهٔ چوبین در میان‌بنا، گور درویش‌رستم را پوشانده است. آثار تاریخی در این بقعه نیافتم.

۱ـ بفتح تاء و واو و سکون راء و ضم سین با واو ساکن. ۲ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹.

امامزاده زکریا بن رضی بن جعفر بن علی بن حسین بن علی امیرالمؤمنین علیهما السلام در دهکدهٔ شکرکوه[1] (شغرکوه) از دهکده‌های کلاردشت کلارستاق

بنایی است هشت‌ضلعی که مصالح اصلی آن آجر و گچ بوده است. با تعمیر و مرمت انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۴ شمسی (۱۳۸۵ قمری) روی آن سیمان سفید کشیده شده است . در ورودی بنا در ضلع شرقی است و سابقاً در کفش‌کن کوچکی باز می‌شده ، اما امروز داخل مسجدی نوساز قرار گرفته است . در سطح هریك از اضلاع هشت‌ضلعی، دو طاقنما داخل یکدیگر است . طاقنمای اول به‌پهنای ۹۰ وعمق ۲۲ سانتیمتر و مستطیل شکل است و داخل آن طاقنمای دیگری به‌پهنای ۶۵ و عمق ۱۲ سانتیمتر با طاقی جناقی است .

در بالای طاقنماهای مستطیل شکل با قراردادن آجرهای نر(عمود)شش‌عدد مقرنس درآورده‌اند .

پهنای اضلاع مقابل از داخل باهم برابر است . پهنای این اضلاع از در ورودی که ضلع شرقی است بدین ترتیب است : ۱۸۵ و ۱۵۲ و ۱۷۵ و ۱۷۵ سانتیمتر است . در ضلع مقابل در ورودی خفنگی نورگیر مشبك چوبین باطاق جناقی تعبیه شده و بالای در ورودی نیز نورگیری دارد.

بام بنا دوپوش، از داخل هشت‌ضلعی نزدیك به دایره است که گنبد مدوری برآن زده‌اند .

۱ـ شکرکوه :ده ازدهستان بخش مرکزی کلاردشت شهرستان نوشهر، هفت‌کیلومتری شمال‌شرقی حسن‌کیف و سه‌کیلومتری‌غرب شوسهٔ‌حسن کیف به‌مرزان‌آباد(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳) .

مرقد امروز سیمان‌کاری شده ، درازای آن ۱۸۵ و پهنای آن ۱۰۹ و بلندی آن ۱۱۵ سانتیمتر است .

در ورودی چوبین دولنگه و با قاب‌و آلت ساخته شده است. نگاراصلی هر لنگه یك‌علامت ضرب‌در و یك ستارهٔ چهارپر است .

چهارچوب قدیمی در ورودی از بالا دارای هشت آویزچوبین کنده‌کاری است و دو سرستون‌نمای چوبین بر دو طرف هر قسمت بالای چهارچوب نصب شده است . پهنای چهارچوب ۱۲۲ و بلندی آن ۱۷۸ سانتیمتر است. برقطرچوب عمودی دست‌چپ چهارچوب عبارات: «عمل استادان اجل حسن بن مرحوم علی و...» خوانده می‌شود و برقطر چوب عمودی سمت راست عبارت « حسن بن مرحوم‌علی ... و استاد محمدبن اسمعیل ...»دیده می‌شود . نام استادان و نسبت ایشان در دو طرف کمی شباهت دارد.

در ورودی به‌کفش‌کن امامزاده قبلی است واز دو لنگهٔ ساده تشکیل شده‌است.

برلنگهٔ سمت راست‌این عبارات خوانده می‌شود:

« واقف علیا جناب زهرا خانم بنت مرحوم علی‌تنکابنی‌الاصل» .

و برلنگهٔ سمت چپ عبارات زیر حك شده است:

« واقف علیا جناب زهرا زوجهٔ آقا شیخ‌علی‌مدد ۱۳۱۰» .

نمای خارجی بقا هشت ضلعی است که پهنای هر ضلع بالغ بر ۲۷۰ سانتیمتر است.درهرضلع زیرلبهٔ‌گنبد دو ردیف مقرنس‌برروی یکدیگر است. تعدادمقرنسهای هر ضلع در ردیف پایین پنج عدد و در ردیف بالا چهار عدد است. پوشش خارجی گنبد هشت‌ضلعی است (عکس شمارهٔ ۲۹).

نهر قدیمی ملك‌جوب
در کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« این‌نهر از دامنهٔ عثمان‌کلا به‌طرف مشرق کنده شده وآب آن‌را ازگردنهٔ بشم به‌آن طرف برده‌اند.»[۱]

این نهر راکه آب رودخانهٔ سرداب‌رود را به بیرون‌بشم می‌برده ، سربندآن دهکدهٔ رودبارك است و سپس از دهکده‌های زیرمی‌گذشته است :

لرك[۲] ، مجر[۳] ، اجابیت[۴] ، گرك‌پس[۵] ، لاهو ، تبرسو[۶] ، پی‌قلا واسفندکلا. پس از گذشتن از این دهکده‌ها ، وارد ناحیهٔ بیرون‌بشم کلارستاق می‌گردد . مقداری از مجرای این نهر را به تازگی پاك‌کرده‌اند و آب سرداب‌رود، درآن جاری بود.

امامزاده پنج تن
در اراضی میان دهکده‌های کردمحله[۷] و تلوچال از دهکده‌های کلاردشت

بنایی است مستطیل شکل.در ورودی‌بنا شرقی است وجلوآن ایوانی‌با نه‌ستون چوبین ساده‌ساخته‌اند.بام سراسر بنا، حلب‌سر است. داخل بنا پنج قبرساده است.

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ . ۲ـ بفتح لام و سکون راء وکاف . ۳ـ بکسر میم و جیم. ۴ـ بضم‌الف. ۵ـ بفتح‌گاف و راء و کسر کاف و فتح پ. ۶ ـ بفتح تاء و باء . ۷ـ کردمحله:ده ازدهستان مرکزی بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر ، دوکیلومتری شمال‌غربی حسن‌کیف (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

گور سید امیر کیا ملاطی
در کلاردشت

سیدظهیرالدین دربارهٔ این مرد می‌نویسد که امیرکیا از سادات ملاطی است که در سال ۷۷۳ قیام‌کرد و درکلاره‌دشت فوت شد.[۱]

قلعهٔ‌هرسی[۲]
بر تپهٔ گومغزدوش نزدیك دهکدهٔ کلمه[۳] از
دهکده‌های کلاردشت

میرظهیرالدین می‌نویسد که سید فخرالدین به‌دستور برادرش سیدرضی‌الدین به رستمدار روی‌آورد و در دشت رستمدار باملك‌قباد جنگ‌کرد، شکست برملك‌قباد افتاد و به‌کجور فرارکرد . او روی به‌کجور آورد و قلعهٔ‌کجور را نیزتسخیر کرد. پس از آن به کلارستاق رفت . قلعهٔ‌کلار در این زمان خراب بود و قلعهٔ هرسی‌آبادان . چون خبر شکست ملوك رستمدار بدساکنان قعلهٔ هرسی رسیده‌بود، قلعه را بسپردند و به دعا و ثنا گفتن مشغول شدند . ایشان را استمالت داد و به انعامـات اوفر مفتخر و سربلند گردانید وچندنفری‌که از ایشان بوی نفاق می‌آمد، به‌ساری فرستاد و درآنجا مرسوم ومواجب تعیین‌کرد .[٤]

صاحب‌عالم‌آرا نام‌این قلعه را «هرسین» ذکرکرده و آن را در حوالیٔ رستمدار

۱ـ تاریخ طبرستان ورویان ومازندران، ص۲۷۱. ۲ـ بفتح هاء وسکون راء.

۳ـ بضم‌کاف ولام، کلمه: ده ازدهستان حومهٔ‌بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر، هشت‌کیلومتری شمال‌شرقی حسن‌کیف وسه‌کیلومتری غرب راه‌حسن‌کیف به‌مرزان‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) . ۴ـ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص ۲۸۴ و۲۸۵ و ۲۸۶ و تاریخ مازندران مهجوری، ج ۲، ص ۲۱

یا تنکابن دانسته است .[۱] خرابه‌های ایـن قلعه نزدیك دهکدهٔ کلمه از دهکده‌های کلاردشت است .

قلعه‌گردن
برقلهٔ کوهی مغرب دهکدهٔ کلمه از دهکده‌های کلاردشت

بر این قله که آثار قلعه‌ای قدیمی است ، تنور و چند گور قدیمی یافت شده است .

قلعهٔ چناتر[۲] یا قلعهٔ بلو[۳]
بر بالای کوه چناتر یا بلو درشمال کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

« این قلعه دهنهٔ طرف دریا راحفظ می‌کند. »[۴]

آثار قلعه‌ای قدیمی بر بالای تپه‌ای سرخ‌رنگ برجای است‌که درمحل،امروز «گنبددوش»[۵] گویند.

امامزاده سه‌تن
در دهکدهٔ والت[۶] از بلوك کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده نام برده‌است.[۷] بنایی است مستطیل‌که دروسط صندوقی چوبین ساده وجلودر ورودی بنا،کفش‌کن کوچکی است.

۱ـ عالم‌آرا، ج ۱، ص ۵۳۶ . ۲ـ بفتح چ وکسر تاء . ۳ـ بفتح باء .
۴ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ . ۵ ـ بکسر دال اول .
۶ـ بکسرلام، والت : ده ازدهستان‌مرکزی‌بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر، ۴/۵ کیلومتری شرق حسن‌کیف و دوکیلومتری غرب شوسهٔ حسن‌کیف به مرزان‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۷ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ .

اطـراف بقعه گورستان عمومی قـدیمی است و دو درخت چنـار کهنسال در محوطهٔ بقعه است .

آثار قلعه‌ای قدیمی
نزدیك دهکدهٔ پی‌قلای (پی‌قلعهٔ) کلاردشت

اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« این قلعه طرف جنوب‌شرقی کلاردشت است وطرف گردنهٔ بشم را حراست می‌کرده است .»[1]

آثارکمی از این قلعه به‌جای مانده است .

اطاق سره[2]
پشت دهکدهٔ پی‌قلا (پی‌قلعهٔ) کلاردشت

گورستانی قدیمی در محلی به نام «اطاق‌سره» پشت دهکدهٔ پی‌قلای کلاردشت است .

قلعهٔ شاه‌نشین
در بالای کوه شاه‌نشین در شمال غربی کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه نوشته است :

« این قلعه طرف تنکابن‌و وله‌دره‌را حراست می‌کرده است .»[3]

این قلعه‌که امروز به‌نام « شاه‌نشینك » معروف است، نزدیك دهکده پیشنبور[4]، در محلی به‌نام «مترز»[5] داخل جنگل است و آثار آن تقریباً از میان رفته است .

۱ــ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملـك سال ۱۲۹۹. ۲ــ بفتح سین و راء . ۳ــ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ‌ملی‌ملك سال ۱۲۹۹. ۴ــ بفتح‌شین و سکون نون ، پیشنبور: ده از دهستان کلاردشت بخش‌مرکزی شهرستان‌نوشهر، هفت کیلومتری شمال‌حسن‌کیف (فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج۳). ۵ــ بفتح‌میم وتاء وسکون‌راء وزاء.

ازراه اصلی که ازکنار دره می‌گذرد، راهی فرعی برای‌رسیدن به‌قلعه‌کشیده بوده‌اند . آثار این راه تا زیراسکول[1] (غار) تا امروز برقراراست .

قلاکوتی
بر بالای تپه‌ای در دهکدهٔ پیشنبور کلاردشت

آثار این قلعه از میان رفته است ولی از زیرخاك این تپه گنگهای (تنبوشه‌های) نسبةً گشاد بیرون می‌آید .

امامزاده هادی‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام مشهور به‌حقانی دردهکدهٔ حسن‌کیف بلوك کلاردشت

اعتمادالسلطنه میرزاحسن‌خان، از این امامزاده‌یادکرده و می‌نویسد:

«رودخانهٔ‌کلاردشت از وسط صحن امامزاده می‌گذرد .»[2]

بنای اصلی بقعه از داخل مستطیل شکل به‌درازی ۶۴۰ و پهنای ۵۹۵سانتیمتر است . در امتداد درازای بنا در وسط، دو ستون چوبین قطور بسیار قدیمی و پرکار است‌که بالای آنها سرکشی (حمالی) چوبین چهارسوی‌کلفت کشیده‌اند .

ستون غربی شانزده ترك به بلندی ۲۳۵ سانتیمترکه دارای سرستون بزرگ کنده‌کاری پرکار ظریفی است وآیةالکرسی با خطی متوسط بر آن حك شده است (عکس شمارهٔ ۳۰).

آیاتی‌که بربالای سرستون است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله لااله الا هوالحی القیوم لاتاخذه سنة ولانوم

۱ـ بضم الف و سکون سین.

۲ ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ .

له‌مافی‌السموات و مافی‌الارض من‌ذاالذی یشفع‌عنده» .

بر پهلوی ستون دنبالهٔ آیات تا «هوالعلی‌العظیم» حك شده است .

بر پای همین ستون دو ردیف نوشته به این شرح است:

« امر بعمارة هذه‌المشهدالمقدس‌المطهر السید الامام العابد الفاضل المدقق حسن این‌مار الحسینی(؟)فی‌ایام دولة ملك‌المعظم الشهر یارالاعظم‌الاسکندر المفخم‌مالك‌الرقاب‌الامم‌جلال‌الدولة والدنیاوالدین‌اسکندرخلدالله‌ملکهما و عمرهما» (عکس شمارهٔ ۳۱) .

ستون شرقی شامل دو قسمت است : پای ستون و بدنهٔ ستون . پای ستون از دو قسمت تشکیل شده است : قسمت بالای آن چوبی است شانزده تـرك و قسمت پایین چوبی‌است‌به بلندی‌۹۲سانتیمتر .هر ترك‌قسمت بالای‌پاستون۱۱سانتیمتراست.میانهٔ‌ستون نیزشامل دو قسمت است : قسمت پایین‌آن چهارضلعی وکنده‌کاری است و بلندی آن‌به ۷۲ سانتیمتر می‌رسد . قسمت بالای میانهٔ ستون هشت‌ضلعی است.

صندوقی پرکار و ظریف در میان بناست. درازای‌آن ۲۳۸ و پهنای‌آن ۱۱۱ و بلندی‌آن ۱۰۰ سانتیمتر است .

ظاهراً بدنه‌های صندوق بهـم‌خورده است . ایـن عبارات با خطی متوسط بر حاشیه‌های بالای بدنه‌ها حك شده است :

«الشهید هادی‌کیا الحقینی فی ایام‌الدولة الملك‌المعظم الاسکندر الاعظـم اکبرملوك‌الجیل والدیلم جلال‌الدوله‌اسکندر ملك‌مظفرالاوائل والاواخر و الاجل السیدالاکرم والامام الاعظم السندالافخم ... السادة‌الاشراف منبع ـ المکارم والالطاف‌افضل‌المتقدمین واکمل‌المتأخرین‌من‌حصة‌الله تعالی باکمل المفاخر و جعله‌شرف ــ خلّدالله رؤس ــ ابدالله سلطانه» .

این القاب ظاهراً مربوط به سه تن است :

بانی و سلطان وقت و صاحب‌قبر . بانی چنانکه از سطور پایین صندوق‌معلوم می‌شود ، سیدحیدرکیا است، وسلطان وقت جلال‌الدوله اسکندر و صاحب‌قبر ، هادی کیاالحقینی‌است .

عباراتی‌که در حاشیهٔ پایین صندوق حک‌است به‌این شرح است :

« امر بایجاد هذاالصندوق السیدالاجل الاعظم والسند المعظم المفخم قدوةالافاضل الامم‌العالم العامل الفاضل‌الکامل جلال‌الملة والدین سیدحیدر کیابن‌السیدالمرحوم زین‌الحاج ... فی‌شهرالله‌المبارك رمضان حاجی احمد کیابن رضا الحسینی‌العقیقی طلباً لجزیل ثوابه فجزاه الله خیراً خیراً ... انه‌لایضیع اجرالمحسنین الاستادالاجل افخر ... ملجاالتلامذه فرهادابن استاد المرحوم رستم خلیل‌المحلی فی‌سنه اثنی وثمانین وسبعمایه».

بر چهارچوب در ورودی مطالبی حك بوده که به علت طول زمان ومالیدن‌گل روی‌آن، فرسوده شده و از میان رفته است. درقسمت اول آن این عبارت خوانده‌شد :

« امر بایجاد هذه‌العماره ملك‌الساده منبع‌السعاده جلال‌الملة والدین قوام‌الاسلام . . . »

و در قسمت آخر سنهٔ زیر به روشنی خوانده می‌شود :

«سنه احد و سبعین وسبعمایه».

بلندی این چهارچوب ۲۱۰ و پهنای آن ۱۵۹ سانتیمتر است وپهنای هر لنگه در ۷۲ و بلندی آن ۱۸۴ سانتیمتر است . دو لنگه در ، قاب و آلت‌است وکنده‌کاری نیز شده و بسیار شباهت به در ورودی امامزادهٔ شکرکوه در همین ناحیه دارد .

چهارطرف بنا ایوان است . هر ایوان ده ستون چهارگوش پخزده دارد. چهار ستون چهارکنج لاج‌لنگری مارپیچ چپ‌به راست و سرستونهای تمام ستونها ظریف است . پلورهای ایوان برشیرسرها متکی است. سقف‌پل‌کوبی با درزپوش زده، لبهٔ بام

يك‌پشته است و دور ایوان لتازهٔ ساده دارد . بام بنا، لت‌پوش‌است(عکس‌شمارهٔ ۳۲).

گورستانی در محوطهٔ اطراف بقعه است . سنگهای زیر در این گورستان به‌نظر رسید :

«وفات مرحومه مغفوره ملك‌سلطان خانم‌بنت شاهزاده حشمت‌الدوله بتاریخ شهرجمادی‌الاخر سنه ۱۲۵۲ . نشانه‌ها : رحل، قرآن، سجاده و مهر.»

بردو حاشیهٔ‌آن يك رباعی حك است.

«وفات مرحوم مغفورجنت ورضوان‌آرامگاه‌مهدیقلی‌خان ولد مرحوم‌مغفور صفرعلی‌خان خواجه‌وند بتاریخ دوازدهم شهر رمضان‌المبارك سنه ۱۲۷۴.»

بر دوحاشیهٔ چپ و راست سنگ يك رباعی است.

«وفات مرحوم‌آقاسیدجعفرابن‌آقا سیدقهرمان۱۲۸۴. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، دو انگشتر، رحل و قرآن.»

بر حاشیهٔ‌این سنگ بیت معروف :

«ایکه برما بگذری دامن‌کشان   از سراخلاص الحمدی‌بخوان»

حك شده است.

گنجینهٔ کلاردشت

درمحل‌قصرسلطنتی کلاردشت که دراراضی«اجابیت»[1] است درسال ۱۳۱۸ه‍.ش. هنگـام ساختمان کاخ کلاردشت ، تعدادی ظروف زرین و مقداری آلات مفرغی و چند پاره ظروف سفالین پیدا شد(عکسهای ۳۳ و۳۴ و۳۵ و۳۶). ظروف زرین رااز نظر اهمیت و توجه خاصی‌که درآن تاریخ اعلیحضرت فقید رضاشاه پهلوی نسبت بـه

۱ــ بضم‌الف ، اجابیت: ده ازدهستان کلاردشت شهرستان نوشهر ، دوکیلومتری‌جنوب حسن‌کیف ویك‌کیلومتری راه‌حسن‌کیف به رودبارك (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

پشتوانهٔ اسکناس داشتند، به خزانهٔ بانك‌ملی تسلیم شد. درسال۱۳۲۲ ه.ش. شاهنشاه آریامهرمقررفرمودندکه این ظروف زرین در اختیارموزه گذاشته شود.سه‌پاره ظرف زرین و یك‌کارد طلاکه در خزانهٔ بانك‌ملی بود به موزهٔ ایران‌باستان داده شد. آنچه که درمحل‌کاخ به‌دست آمده، امروز در موزهٔ ایران‌باستان است و به‌نام «گنجینهٔ کلاردشت خوانده می‌شود. آقای حبیب‌الله‌صمدی برای اولین‌بار این اشیاء مکشوفه را در دو رساله به‌زبان فارسی و فرانسه[1] معرفی کردند و درگزارشهای باستان‌شناسی نیز شرحی در بارهٔ آنها نوشته‌اند.[2]

۱ــ برای اطلاع بیشتر نگاه‌کنید به رسالهٔ:
Les découvertes fortuites KLARDASHT , GARMABAK , OMAM et TOMADJAN. PAR Dr . H . SAMADI

۲ــ به‌گزارشهای باستان‌شناسی، ج ۳، فصل‌چهارم، صفحات ۱۳۶ــ ۱۱۵ . درکتاب تاریخ مازندران مهجوری ، ج۲، ص ۲۰۶-۲۰۱ نیز ازاین مجموعه یادشده است . همچنین در فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۱۴۰ ازاین‌آثار یاد شده است.

۵ ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان شرقی و غربی کلارستاق

خانه و سرا و بازار نصیرالدوله شهریار در کوکوی کلارستاق

نصیرالدوله شهریار درکوکوکلارستاق خانه و سرای ساخته بود و شهر و بازار همه‌روزه بنیادکرده .[۱] امروز از این بناها اثری برجای نیست.

گور عمربن‌العلاء در سعیدآباد رویان از کوهستان کلارستاق

سعیدآباد رویان را سعیدبن دعلج بناکردکه به‌جای عمربن‌العلاء والی‌طبرستان بود .[۲] و این در زمان خلافت مهدی بود. امـا سه سال در طبرستان بود و بنا را تمام نکرد .[۳]

زیارت سعیدآباد رویان، قبرعمربن‌العلاء است که پس‌از قیام ونداد هرمزد و

۱ـ تاریخ‌رویان مولانا اولیاءالله ، ص ۱۷۱.   ۲ـ تـاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۶ .   ۳ـ تاریخ‌رویان ، ص۶۰ . ظاهراً این همان دهکدهٔ سعدآباد است که ده‌کوچکی‌ازدهستان‌بیرون‌بشم بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر، بیست‌ویك‌کیلومتری جنوب‌غربـی حسن‌کیف و کناد شوسه و رودخـانهٔ چـالـوس متصل بـه مرزان‌آبـاد است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

بیرون‌کردن اعراب، عمر بدو پیوست و در طبرستان بماند تا وفات یافت ودر تاریخ خواجه‌علی‌رویانی مسطور است‌که زیارت سعیدآباد، ازآن اوست و درآنجا آسوده است و پشته‌ای‌که در بالای‌گنبد است ، موضع قبر اوست . اما بر صندوق آن قبر نوشته‌اندکه «هذا القبر لعبدالله‌بن‌عمر بن‌العلاء بن‌عبدالمطلب» .[1]

عبدالله‌بن حازم (پس ازکشتن قاضی‌صدام) به سعیدآباد شد. درآنجا حصاری بود و مردم درآنجا جمع شده بودند. ایشان را به قهر بیرون‌آورد و یکی را زنده نگذاشت و دیه را چنان خراب‌کردکه تا سالها آبادان نشد.[2]

قلعهٔ فشکور[3] و قلعهٔ فارس[4]

نزدیك دهکدهٔ فشکور و در دو طرف‌آب رودخانهٔ این دهکده، آثار دوقلعهٔ قدیمی دیده می‌شودکه ظاهراً روزی محل سکنای اهالی این دهکده بوده است. دور این دو قلعه آثارساختمان زیاد است.درقلعهٔ فارس‌آثار پله و بربالای‌آن‌آثارساختمان دیده می‌شود .

بقعهٔ فخرالوصی
در دهکدهٔ فشکور کوهستان کلارستاق

بنایی مربع شکل است‌که از سنگ وگل ساخته شده است. این‌نوع بناها در محل به نام «باری» خوانده می‌شود . صندوقی سادهٔ چوبین در میان‌بناست . سراسر بنا، حلب‌سراست. گورستانی‌قدیمی و وسیع اطراف این بقعه‌است.

۱ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۶. التدوین فی‌احوال‌جبال‌شروین، ص، ۴۵. ۲ـ تاریخ‌رویان مولانا اولیاءالله، ص۶۹. ۳ـ بکسرفاء، ده‌از دهستان کوهستان بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر ، بیست کیلومتری جنوب‌غربی مرزان‌آباد و هشت‌کیلومتری غرب شوسهٔ تهران و چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .
۴ـ بکسر راء .

پی‌قلا
در جنوب غربی دهکدهٔ فشکور کوهستان کلارستاق

بالای سردهکدهٔ فشکور، برسرراهی‌که به دهکدهٔ پیجده‌نو می‌رود بر قله‌ای منفردکه دنبالهٔ‌آن به راه می‌رسد، آثار قلعه خرابه‌ای قدیمی است.

بقعهٔ فضل و فاضل
بر بالای کوه زردك در جنوب دهکدهٔ فشکور

بنایی است چهارگوشه از سنگ باگنبدی مدور که داخل و خارج آن‌را سفیدکاری کرده‌اند . دری چوبین ساده دارد و صندوقی چوبین در میان بناست . این بقعه یادآور معابد قدیمی است و معمولاً برای تعظیم وبزرگداشت کوههای بلند این نوع بناها را بالای آنها می‌سازند . نظیر این بناها را در مجلد اول و دوم کتاب آورده‌ایم .

قلاکوتی
بر بالای کوهی نزدیك دهکدهٔ دلیر کوهستان کلارستاق

آثار زیادی از این قلعه برجای نیست . درکندوکاوها ، تبرزین، پیکان و سایر لوازم جنگی به‌دست می‌آید.

سنگ قبری
در لزیر[1] از کشتزارهای دهکدهٔ دلیر[2] کوهستان کلارستاق

این سنگ را داخل سنگ‌چین مزرعه ، سرپا کارکرده بودند . یك طرف آن

۱ــ بکسرلام.	۲ــ کیا و سام دو خاندان قدیمی دلیرهستند .

متصل به سنگ‌چین بود و دیده نمی‌شد (عکس‌شمارهٔ ۳۷). برطـرف دیگر، این‌بیت به‌شکل ناقص خوانده شد :

«کشیده‌ایم [به] ناکام[سر] بجیب عدم
عزیزمن چو رسید[ی] بفاتحه [دریاب] »

بالای این سنگ سه شاخه بود و ظاهراًعمودی بربالای قبر قـرار مـی‌داده‌اند چه بر پهلوهای آن نیز مطالبی حك شده بود.

سنگ قبری طبیعی تخت و یکپارچه
در مقابل منزل نادعلی در دهکدهٔ دلیر

این سنگ به‌درازای ۱۳۰ وپهنای ۸۰ سانتیمتر است . با زحمت زیاد آن را برگرداندیم . معلوم شد در طول زمان مطالب آن فرسوده و سابیده شده است و قابل خواندن نیست.آنچه برآن خوانده شد عبارت «کل من علیها فان» بود .

سنگ قبری
برسر راه دلیر به‌الیت[۱] از دهکده‌های کوهستان کلارستاق

این سنگ‌که قسمت بالای آن سه شاخه بود، بر یك طرف آن‌این مطالب‌حك شده بود :

«هذا مرقد آخوند... بن شیخ‌مراد ملاآقاسنه ۱۰۷۰» .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ الیت کوهستان کلارستاق

در این‌گورستان سنگهای قدیمی زیاد بوده است. بیشترآنهـا را در ساختمان

۱ــ بکسر الف و یاء مجهول .

خانه‌ها و سایر بناهای عمومی به‌کار برده بودند. بریکی از آنها که به دستورامیراسعد، ازپهنا به دونیم شده بود (عکس شمارهٔ ۳۸)، این عبارات حك شده بود :

بر یك طرف سنگ که در قبرستان عمومی بود :

«کشیده‌ایم بناکام سر بجیب عدم

عزیز من چو رسیدی بفاتحه دریاب »

قسمت وسط بالای سنگ :

« میراحمدبن[شکسته است]» .

سمت راست سنگ:

« [شکسته است] این‌یادگار».

بر نیم دیگر سنگ‌که سمت چپ در ورودی حمام دهکده، سرپا کارگذاشته بودند ، این عبارات خوانده می‌شد :

« جنازه‌ام چو عنان میکشد بسوی تراب

[شکسته است] بجانب احباب »

سنگ قبر دیگری در این قبرستان به ابعاد ۸۴ × ۶۲ سانتیمتر بودکه بالای آن سه شاخه است و این عبارات برآن حك شده است :

«هذا وفات سلیمان ورام‌بن حسین ورام تاریخ سنه تسعمائه».

سنگ دیگری به ابعاد ۱۱۶ × ۷۶ سانتیمترکه بالای آن‌نیز سه شاخه بود ، در سنگ‌چین اطراف امامزاده کارکرده بودند (عکس شمارهٔ ۳۹). برپشت‌آن نقش سپر واسب وشمشیر بود. برطرف دیگرآن‌این مطالب راکه آقای علی‌اصغراسفندیاری بیاد داشتند حك شده بوده است:

« هذا وفات سهراب‌بن رستم توپا»[۱]

سنگ قبر دیگری در همین قبرستان بود(عکس شمارهٔ ۴۰) که بریك طرف آن عبارات زیر خوانده می‌شد :

« هذا وفات شمس‌الدین ابن‌حسام‌توپا عمل‌استاد محمود ».

برطرف دیگر سنگ :

«فی‌تاریخ سنهٔ‌اربعه سبعین ثمان‌مائه کاتب‌حسین‌صوفی».

بقعهٔ احمدرضا و زینب‌رضا
در دهکدهٔ الیت کوهستان کلارستاق

بنایی ساده و محقر از سنگ‌وگل است. روی‌آن راکاهگل‌کشیده و سفید کرده‌اند . صندوقی ساده در وسط بناست .

خرابه‌های شهری قدیمی
در الیت کوهستان کلارستاق

برسمت چپ راهی‌که امروز به‌دهکدهٔ الیت می‌رود ، بربالای زمینی صاف و سنگی‌که منتهی به پرتگاهی عظیم، به‌طرف رودخانه می‌شود، آثارخانه‌های‌فراوان و سنگ و سفال بی‌اندازه دیده می‌شود . رودخانه‌ای که از قعر این پرتگاه می‌گذرد به «چالوس‌رود» معروف است و ظاهراً چون سرچشمهٔ اصلی رودخانهٔ چالوس است به این‌نام خوانده‌اند . از دره‌های رشته‌کوهی که‌طرف دست راست راه ورود به‌دهکده است باگنگهای سفالین آب را به این شهر قدیمی می‌آورده‌اند . دره‌های اصلی این کوه‌که امروز هم چشمه وآب دارند به نامهای « ولیری‌دره » و « کوچکی دره » و

۱ــ توپا و اسفندیاری دو خاندان قدیمی الیت هستند .

«مالالیکه» خوانده می‌شوند. ازسایر ویاها وچشمه‌ها نیز آب را به این محل آورده‌اند. امروز در مسیر این آبروها، گنگهای سفالین فراوان بیرون می‌آید.

قلعهٔ اسپرز[1]

بر سر تیره‌ای از زرین کوه که دنبالهٔ آن به پولادکوه می‌کشد

زرین‌کوه یالها و بازوهای فراوان دارد . یکی از یالهای آن به پولادکوه که بالاسر دزبن است می‌رسد . بر سر تیرهٔ این یال قلعه‌ای قدیمی است که آثار زیادی ازآن برجای نیست . شاید قابل تطبیق با قلعهٔ «اسپی‌روز» باشد.

امامزاده اسماعیل

در پولادکوه کنار رودخانه نزدیك دزبن

بنایی است ساده با صندوقی چوبین ساده. تا چندسال پیش دری یك‌لختی‌داشت که بر آن آیاتی ازکلام‌الله مجید حك بود وعمل استادحسین باروج منسوب‌به دهکدهٔ «بارو»[2] بود . نزدیك دهکدهٔ قدیمی باروکه امروز از میان رفته است گورستانی است که سنگهای قدیمی پس از تاریخ نهصد قمری دارد.

دخترقلعه یا قلعهٔ گرده‌رو[3]

بر بالای کوه گرده‌رو

بر بلندترین قسمتهای تیره‌ای‌که به موازات آب رودخانهٔ چالوس ، طرف چپ آب قرار می‌گیرد وبالاخره به دزبن‌ختم می‌شود، قلعه‌ای قدیمی‌است که برج‌دیده‌بانی آن تا امروز برجای است .

۱ـ بکسرالف و پ وراء .   ۲ـ آب رودخانهٔ بارو ، غربی اولا است که پس از داخل شدن به‌آب انگران(بفتح‌الف و کسرگاف)هردورود درپولادکوه به آب چالوس‌رود می‌ریزند .   ۳ـ بکسرگاف و دال .

قلعهٔ دزبن یا قلاگردو
بر بالای کوهی نزدیك قهوه‌خانهٔ دزبن یا ناهارخوران

بر بالای این‌کوه آثار قلعه خرابه‌ای قدیمی است.

قلعه‌ای قدیمی
درکیت[۱] گردن

بر این‌گردنه‌آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است .

آثار قلعه‌ای قدیمی
بردامنهٔ آبریز جنوبی کوه زردك

پایین‌تر از بقعهٔ فضل و فاضل، بردامنهٔ جنوبی‌کوه زردك کهٔآبریزآن به طرف درهٔ دلیر است ، آثارقلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود .

سنگی قدیمی
در یونجه‌باغ تویر[۲]

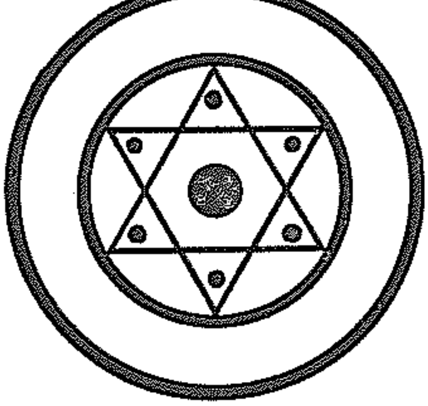

در این سنگ دایره‌ای بزرگ به قطر ۲۴ سانتیمتر و در فاصلهٔ سه سانتیمتری داخل آن دایره‌ای دیگر و داخل دایرهٔ دوم ستاره‌ای شش‌پر به‌ترتیبی که نشان داده شده است ، حك شده بود .

۱ـ بکسر کاف و یاء و تاء .
۲ـ تویر بضم تاء: ده از دهستان کوهستان بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، شش‌کیلومتری جنوب مرزان‌آباد و یك کیلومتری غرب شوسهٔ چالوس‌به تهران(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

امامزاده اسماعیل بن موسی الکاظم علیه‌السلام در الامل[۱] کوهستان کلارستاق

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است که هر ضلع آن ازخارج ۳۷۰ سانتیمتر است. در ورودی شرقی و بلندی آن ۱۷۰ و پهنای آن ۸۹ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۴۱). قبری در وسط بناست که به درازای ۲۵۵ و پهنای ۱۱۰ وبلندی ۱۰۰ سانتیمتر است . بر بدنهٔ شمالی قبر باخطی بد، نام پنج‌تن وبر بدنهٔ جنوبی آن این عبارات نیز با خطی بد گچ‌بری شده است :

« عمل اوستاد قنبرعلی‌ابن مرحوم محمدکاظم نوری طایفهٔ‌ارجوار ۱۲۴۵».

و بالای نام استاد، نام شاگردش بدین‌ترتیب آمده است :

« شاگرد هاشم اوزج» .[۲]

در دو طرف این عبارات ، نام‌کاتب بقرار زیر گچ‌بری‌شده است:

«کتبه علی‌اوسط ابن نوذر ».

بر بدنهٔ شرقی قبرکه مقابل در ورودی امامزاده است و بر بدنهٔ غربی‌آن، ایـن عبارات گچ‌بری شده است :

«باعث تعمیر امامزاده‌اسمعیل ابن موسی‌کاظم جناب ملا علی‌اصغر».[۳]

بر بالای طاقنمایی‌که در دیوار جنوبی امامزاده‌است، دوقطعه‌کاشی‌درسفیدکاری دیوار نصب‌کرده‌اندکه دردسترس نیست. زمینهٔ هردوآبی وگل وبوته‌دار است. بریکی نقش‌آهویی در منتهای ظـرافت دیده می‌شود . بردیگری نقش قرقاولی بسیار ظریف است‌که‌آن را واژگـون کارگذاشته‌اند . احتمال می‌رود هر دوکاشی شش‌ضلی باشد، یا

۱ ـ بفتح الف و ضم میم. ۲ ـ بضم الف وکسر زاء منسوب بـه دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور است . ۳ـ پدر شیخ بهاءالدین قطبی ساکن تویر .

استادگچ کار باگچکاری آنها را بدین‌شکل درآورده است .

بام بنا تا سال ۱۳۲۸ شمسی، دوپوشش وگنبدی شکل بود. درایـن‌سال پوشش بالایی خراب شد و به‌جای این پوشش، خرپاکوبی وآهن‌کوبـی‌کردند.گنبد زیرین‌تا امروز برقرار است .

در ورودی بقعه، از درهای معمولی‌کوچکتر است . دو لنـگـهٔ در و دمـاغه و چهارچوب آن کنده‌کاری دارد. کتیبهٔ‌کوچکی داردکه خوانده نشد .

در فاصلهٔ‌کمی بالای در ورودی، دریچه‌ای است که برای روشنایی داخل بقعه از آن استفاده‌می‌شود . پهنای‌هر لنگهٔ آن ۳۷ و ارتفاع‌آن ۱۱۰سانتیمتراست. برمتن لنگه‌ها و دماغه و چهارچوب دریچه‌کنده‌کاری است. هر لنگه، غیراز دوکتیبهٔ بالای‌آن، چهارپاره‌است که طرح هرپارهٔ آن به‌ترتیبی است‌که در شکل نشان داده شده است .

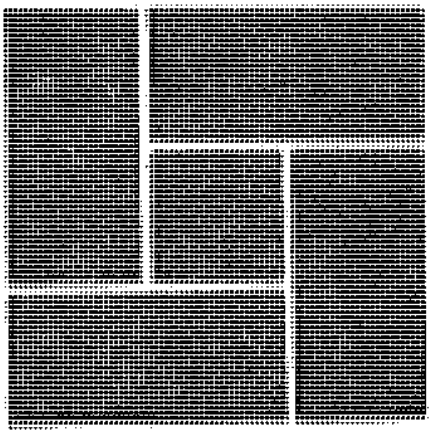

در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است. بربالای سنگ قبرزنها، شکل خورشید حك شده است و سنگ قبر مردها ساده است. سنگهای‌نسبةً قدیمی‌به‌ترتیب تاریخ به این شرح بود :

« هوالرحمن‌الـرحیم الحکم‌لله‌الـواحدالقهار وفـات المرحـوم‌المغفور علی‌اکبرابن‌المرحوم عباس رکا فی‌السنة ۱۲۲۷ » .

« وفـات المرحـوم‌المغفور کربـلائی مرادبن‌علی‌مدد تیرگر[1] ساکن قریهٔ

۱- تیرگر از تیره‌های معروف ناحیهٔ لورا وصفحات کوهستانی مازندران هستند .

سنّار[۱] ۱۲۲۸ » .

«هوالحی الذی لایموت وفات المرحوم المغفور جنت‌مکان بشرا بن نصرالله تیره‌گر ساکن قریهٔ سنار ۱۲۲۸» .

« هوالحی الذی لایموت الحکم‌لله الواحد القهار وفات المرحوم المغفور قدمعلی ابن محمدشفیع نجار سنه ۱۲۴۷».

«وفات مرحوم جنت‌مکان کربلائی علی ابن مرحوم نجفقلی ولی‌آبادی[۲] ۱۳۰۵».

« وفات مرحومه مرضیه خواتون بنت استادمهدی کجوری ۱۳۲۱».

نشانه‌ها : خورشید بربالای سنگ .

« سنه ۱۳۲۹ هوالباقی وفات المرحومه المغفوره زینب بنت مرحوم صفرقلی ردای الاملی .

افسوس که گلرخان کفن‌پوش‌شدند　　ازصحبت همدگر فراموش شدند»

نشانه‌ها : قسمت بالای سنگ دو مشعل در طرفین است که به‌طرف متن سنگ متمایل حك شده‌اند .

« وفات المرحومه فاطمه‌خانم بنت یدالله از طایفهٔ سنّار ۱۳۴۰

ای خاك تیره دلبر ما را عزیزدار　　این نور چشم‌ماست که‌در بر گرفتهٔ »

نشانه‌ها : طرف سمت راست بالای سنگ : مشعل و قیچی .

طرف سمت چپ بالای سنگ : مشعل و شانه .

در وسط صورت خورشیدی بزرگ حك شده است .

۱ـ سنار، بکسرسین وتشدیدنون: ده از دهستان بیرون‌بشم ، بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، سیزده کیلومتری شرق حسن‌کیف وسه کیلومتری شرق شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۲ـ نام سابق ولی‌آباد، انند (بفتح الف) بود، ناصرالدین شاه به نام ولی‌آباد خوانده است .

راه ناصرالدین شاهی
از شمیران به چالوس

ناصرالدین‌شاه ، مسیو گاستکرخان‌مهندس‌نمساوی را مأمورساختن راه‌چالوس کرد . ابتدای این راه منظریهٔ شمیران وانتهای آن‌کلاردشت وچالوس بود و از نقاط زیر می‌گذشت :

تنگ‌درور ـ سینه‌سرخی ـ کلك‌چال ـ پیازچال ـ پایین قلهٔ‌توچال ـ چمن‌مخمل ـ گل‌کیله ـ عمارت ناصرالدین‌شاهی ـ شهرستانك ـ سرك ـ دوآب‌شهرستانك ـ ازاینجا راه کناررودخانهٔ‌کرج می‌افتاد واز دوآب تنگ‌کسیل به میدانك وگرماب وسرخ‌در و حسنك‌در و نسا و شاه‌پل می‌رفت.در شاه‌پل‌که پلی‌آجری داشت وتا این‌اواخرپایه‌های آن درآب رودخانه دیده می‌شد ، جاده از دست چپ‌آب به‌دست راست می‌رفت و از اراضی شهریار وگچسر می‌گذشت. ازگچسر به‌پل‌آئینه‌بندان‌که پلی سنگـی است و هنوز برقراراست، می‌رسید.

از اینجا به‌بعد از نقاط زیر می‌گذشت :

فك‌لش[۱] ـ خرگوش درهٔ بزرگ ـ خرگوش درهٔ‌کوچك ـ گلّی(بکسر گاف وتشدید لام) ـ سیاچکه (بکسرچ و تشدیدکاف) فیل‌چم ـ کندوان[۲] ـ کاروانسرای بالای‌قله ـ گوخسون[۳] ـ پای‌کندوان (کاروانسرا) ـ دزدگردن ـ خاکاك ـ گرم‌کش(کاروانسرا) ـ گردنهٔ‌الغر[۴] ـ جورهلی‌چشمه ـ جیرهلی‌چشمه ـ سیابیشه ـ گرم‌رودبار = الاملی‌اوئی‌دم (دم‌آب‌الامل) ـ پل‌شوراوئك ـ گلردی‌انند[۵] (زیر ولی‌آباد امروز) کلاه فرنگی یـا ناهارخوران ـ دروازهٔ سنگی‌که‌دراراضی گزناگله[۶] است.

۱ـ بکسرفاء وکاف و فتح‌لام. ۲ـ بفتح‌کاف وضـم دال. ۳ـ بضم خاء .
۴ـ بفتح‌الف وغین. ۵ـ بفتح‌گاف ولام وفتح الف ونون‌اول . انند نام قدیمی‌ولی‌آباد بوده است . ۶ـ بفتح‌گاف وکسر زاء وضم‌گاف دوم وکسرلام .

هزارچم شامل فیل‌چم و چم‌دوازده‌تائی ـ پای‌هزارچم‌که بر دوآب دره[۱] وآب‌ـ چالوس بوده است . برای ساختن قسمت اعظم این راه کـه از منطقهٔ کوهستانی عبور می‌کند، ابتداسنگهارا باقلمهای کلفت و بلندسوراخ کرده وسپس باکمك باروت سنگهارا منفجر کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۴۲) .

از اینجا راه به‌کنار رودخانهٔ چالوس‌می‌افتاد و ازدست راست آب‌عبورمی‌کرد. در پل اوشان به‌دست چپ می‌رفت و دنبالهٔ راه به بابوده می‌رسید. ازاینجا راهـی به کلاردشت جدا می‌شد و راه اصلی‌کنار رودخانه تا به چالوس می‌رفت . قسمت دیدنی این‌راه ، دروازهٔ سنگی است که اینك به‌شرح‌آن می‌پردازیم.

دروازهٔ سنگی

مسیر دروازه شرقی‌غربی‌است . پهنای دهانهٔ دروازه۳۸۰ و بلندی طاق ازوسط ۴۷۰ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۴۳) . بـربدنهٔ داخلی سمت راست دروازهٔ سنگی سکویی ساخته شده‌که بلندی‌آن از سطح راه ۱۱۰ سانتیمتراست .

پیش از رسیدن به دروازه ، برسمت غربی راه (دیوارهٔ دست چپ) کتیبه‌ای به درازای ۴۸ و پهنای ۲۸ سانتیمتربا خط‌خوش‌نستعلیق‌کنده‌اند (عکس شمارهٔ ۴۴). این‌عبارات‌درسه سطر برآن‌حك شده‌است:

« در زمانی این‌راه صورت اختتام یافت ـ‌که جناب جلالتمآب عزیزخـان سردارکل قشون محروـسهٔ ایران‌بوده وجناب انوشیروان‌خان‌اعتضادالدوله حاکم مازندران.»

از دروازه‌که بیرون رفتیم ، بر بدنهٔ شرقی، بالای دروازه ، طرف دست راست کتیبهٔ دیگری با حروف لاتین است . دو سطر اول نزدیك بهم و زیر آنها عدد 266 و زیرآن، دو سطردیگر نزدیك بهم مانند دوسطر بالا حك‌شده است . عدد ۲۶۶ ظاهراً

۱ـ بفتح راء .

درازای راه به‌حسب کیلومتر است و چهارسطر دیگر به‌زبان اطریشی و مطالبی‌دربارهٔ ساختن این راه است.

نزدیك طاق دروازه طرف راست در سنگ،مربعی مستطیل به درازای ۱۱۰ و پهنای ۵۶ سانتیمتر کنده‌اند . در قسمت‌بالاکه یکی ازاضلاع دراز مربع‌مستطیل‌است دو سوراخ و در ضلع پایین سه سوراخ و زیر سوراخ سوم دست راست بیرون ازضلع مربع مستطیل ، سوراخی دیگر کنده شده است .

نظیر این شکل در بالای دروازه ، طرف مغرب نیز دیده می‌شود، اما محل سوراخهای آن با شکل شرقی فرق دارد . در جهت غربی دروازه طرف دست راست محل‌قابی از گچ و سنگ دیده می‌شود .اهالی‌ولی‌آبادمی گفتندکه دراین‌مربع‌مستطیل سنگ مرمری بودکه تمثال ناصرالدین‌شاه برآن حك بود . یاورکاوسی ــ قرق‌بان اعلیحضرت فقید ــ آن رابیرون‌آورد وبرد .

کتیبهٔ سوم زیرطاق دروازه ، طرف راست حك شده به‌درازای ۲۱ و پهنای ۱۵ سانتیمتر است . این عبارت در دو سطر برآن دیده می‌شود :

«این بیستان بانی‌عمل اــ ستاد علی‌اکبر درکهٔ»[۱]

پس از اتمام این راه، ناصرالدین‌شاه در ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۵ قمری راه را افتتاح‌کرده است . این شرحی است‌که محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در این باره نوشته است :

« روز دوازدهم ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۵ قمری ناصرالدین‌شاه به شکرآب و شهرستانك تشریف‌فرماگردیده، روز چهاردهم به سمت دونا انتهاض کرده، روز بیست ویکم از دونا به سیاه‌بیشه که اول خاك‌کلارستاق است ، نزول اجلال فرمودند .

۱ــ درکه از دهکده‌های شمیران و در شمال اوین است .

روز بیست و دوم دامنهٔ گردنهٔ هزارچم مضرب خیام معلّی گردید. راه هزارچم را که از مسالك صعبه بود، حسب‌الامر، مسیو گاستکر مهندس نمساوی در کمال خوبی ساخته و دروازه‌ای از سنگ احداث کرده که از غرایب مستحدثات است و به عطایای وافرهٔ شاهانه و لقب‌خانی سرافراز آمده. نواب والا اعتضادالسلطنه ـ وزیرعلوم ـ قطعه مادهٔ تاریخی برای دروازهٔ سنگی مزبور به‌نظم آوردند که در نظر انور ملوکانه نهایت مستحسن افتاد و آن قطعه بعینها در ذیل ثبت می‌شود.»

قطعهٔ تاریخ دروازه سنگی من کلام نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم متخلص به‌فخری

«درهمایون عهد دارای سترگ — خسرو عادل شهنشاه کریم
بوالمظفر ناصرالدین‌شاه راد — کز نظیرش مادر گیتی عقیم
در رکابش فتح و نصرت ملتزم — برجنابش حشمت و شوکت مقیم
امر او جان‌بخش چون امر مسیح — رای او تابنده چون دست کلیم
رهروان دیدند با چشم عیان — صد چو خود افتاده با عظم رمیم
بر جبالش کی پرد مرغ خیال — در وهادش کی رسد فکر حکیم
دور مردم زین طریق پر خطر — همچو از آیات، شیطان‌رجیم
قاطعان راه در طی طریق — خویش را دیدند چون مردسلیم
کاروانی چند زین مسلك گدا — کودکانی چند زین معبر یتیم
ارتفاع قله را دانا خداست — انخفاض درّه را الله علیم
شد بزرگ این راه از فرمان شاه — شارعش فرخنده چون شرع قویم
مسلکی محکم نهاد از سنگ و خاك — آنکه سنگ و خاك پیشش زرّ و سیم

کس ندیدست این چنین بنیاد سخت هیچکس نشنیده ز آثار قدیم
بس قوافل بگذرد بی‌خوف و ترس بس سواره بسپرد بی‌باك و بیم
گلخنی را حکم شه گلشن نمود ز امر خسرو این جحیم آمد نعیم
این چنین کاری کند عزم ملك خسرو اعظم کند کاری عظیم
جست پیر عقل تاریخش ز من گفت فخری شد صراط المستقیم
۱۲۸۵
در هزار و دوصد و هشتاد و پنج زد رقم کلك من از طبع سلیم »[۱]

لیوتنان کلنل برسفرد لوات ــ قنسول انگلیس در استراباد ــ در سال ۱۲۹۸ قمری قسمتی از راه کندوان را پیموده و در بارهٔ آن چنین نوشته است :

« شهرستانك قریهٔ معتبری است که در دره واقع شده و قریب هزار و دویست نفر جمعیت دارد . اطراف آن همه اراضی مزروع است و از سطح دریا دوهزار و پانصد ذرع ارتفاع دارد . در اول این دره ، پای کوه توچال شمیران، یك عمارت سلطنتی ساخته‌اند . همه ساله شاهنشاه چند روزی در آنجا توقف می‌فرمایند و روزها به‌شکار می‌روند. در جنب عمارت آبشاری است که از توچال می‌آید و رودخانه‌ای می‌شود که قریب پانزده ذرع عرض و نیم‌ذرع عمق دارد . ازکنار این رودخانه به‌سرك آمدیم وشب را در زیر درختان چنار منزل نمودیم . سرك قریهٔ کوچکی است در محل تقاطع دو رودخانه که یکی از سمت جنوب جاری است، واقع شده . راه از شهرستانك به سرك بسیار خوب است. این راه را جنرال گاستکر صاحب‌منصب مهندس اطریشی که در خدمت دولت ایران بود، هشت سال‌قبل ساخته است . از سرك به‌حسنك‌در ، راه از سمت چپ رودخانهٔ گچسر می‌رود . این رودخانه موسوم است به«لورا» و در سه ربع فرسنگ پایین قریهٔ سرك به‌رودخانهٔ سرك متصل می‌شود . رودخانهٔ گچسر بیست‌وشش

۱ــ مرآت‌البلدان ، ج ۳، ص ۹۸ .

ذرع عرض وچهار ذرع عمق دارد وآب آن گل آلود است وتند می‌رود... درحسنك‌در، رودخانه یك پل چوبین داردکه ما از روی آن عبور نمودیم . این ده بسیار کوچك و خالی از نظافت است و یك امامـزاده دارد . از حسنك‌در بـه‌گچسر از راهـی که گاستکرخان ساخته است روانه شدیم و از دره‌ای‌که قریهٔ نسا درآنجا واقع شده ، از وسط باغات و اراضی مزروع عبور نمودیم. یك فرسنگ بالاتر از قریهٔ نسا، رودخانهٔ لورا به سمت شرقی به‌گچسر که قریهٔ کوچکی‌است می‌رود ...

ازگچسر الی ولی‌آباد ، در عرض راه هیچ درخت ندارد . ازگچسر راه ازکنار نهری‌که به طرف غربی جاری است می‌رود تا پای‌کوتل گچسر که پانصد ذرع ارتفاع دارد و از آنجا راه متدرجاً بالا می‌رود تاآنکه به‌قلهٔ‌کوهی‌که سه‌هزار وچهارصدذرع ارتفاع دارد می‌رسد . درآنجا تمام رشتهٔ البرز ،کوه شمیران وکوه‌آزادبر ودماوند و قلهٔ‌کوه شاهزادد نمایان است . در پای این‌کوه یك‌چشمهٔ گوگردی واقع است و قریب دو فرسنگ که راه از آنجا دور می‌شود ، گل و ریاحین و درختهای جنگلی شروع می‌شود...

این راه الی ولی‌آباد همه‌جا خوب مهندسی شده است. راه از ولی‌آباد به‌تویر از بغلهٔ‌کوه می‌رود . در تـه تنگه‌که ازآنجا تا به‌قلهٔ‌کوه دویست یا سیصد ذرع است، رودخانهٔ چالوس جاری است . ایـن راه بغله بسیار سخت است و اگر ساخته نبود و محجرگذارده نشده بود ، ممکن نبودکه دو قاطر درپهلوی یکدیگر بتوانند از آنجا عبور نمایند . در بالای ولی‌آباد کوه را سوراخ‌کرده ودالانی بـرای راه ساخته‌اند . تمثال شاهنشاه ایران درآنجا حجاری شده است ولکن خوب حجاری نکرده‌اند.طول این دالان سی ذرع است . تفصیل اتمام این راه را به خط فارسی درروی سنگ نقش کرده‌اند و اگر ایـن راه را از ولی‌آباد از پایین تنگه ساخته بودند و بـه بغلهٔ‌کوه نرفته بودند خیلی بهتر بود و فوائدکلی داشت . وقتیکه راه مساوی رودخانه می‌شود

جنگل وکوههای سبز چشم را خیره می‌کنند ...

روزدیگر از تویر به‌الت[۱] رفتیم‌که چمنی است خوب آب وعلف و اطراف آن همه جنگل است ودر سرچشمهٔ رودخانهٔ چالوس واقع است. الت پانصدو هفتاد ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد. درعرض راه از قریهٔ رزان عبور نمودیم و از رودخانه از روی پل چوبین گذشتیم. در محاذی الت در یك فرسنگی قریه‌ایست موسوم به مرزان‌آباد، لوازم خود را ما فرستادیم ازآنجا آوردند.»[۲]

در تاریخ مازندران مهجوری در بارهٔ راه‌کندوان به این مطالب برمی‌خوریم:

« در سال ۱۲۸۱ قمری به فرمان ناصرالدین‌شاه، مسیوالبرد مهندس‌خارجی مأمور تسطیح راه هزارچم شد و حاج میرزایحیی‌خان نوری مسؤول تهیهٔ وسایل وجمع‌آوری عمله‌ها بود واین راه پس‌ازیکسال ساخته‌شد.»[۳]

آقای مهجوری در حاشیهٔ ص ۱۷۷ کتاب خود مأخذ خود را چنین یادآور شده‌اند:

« روزنامهٔ دولت شمارهٔ ۵۰۱ سال ۱۲۷۸ و۱۲۸۰ قمری».

تا جاییکه ما اطلاع داریم راه کندوان را مسیوگاستکرخان ساخته نه مسیو البرد. شرحی‌که ایشان دربارهٔ راه‌کندوان آورده‌اند، ظاهراً مربوط به تسطیح راه هزار درهٔ جاجیرود است‌که در این‌خبر روزنامهٔ دولت «هزارچم» خوانده شده است. از اینهاگذشته، راه کندوان راهی نبوده است‌که با وسایل آن‌روز یك ساله تسطیح شود. در نشان دادن مأخذ هم معلوم نشدکه یك شمارهٔ روزنامه چگونه می‌تواند به سال ۱۲۷۸ و۱۲۸۰ مربوط باشد!؟

۱ـ بکسر الف ولام. ۲ـ استرابادنامه، صفحات ۲۲۰ـ۲۲۴. ۳ـ تاریخ مازندران مهجوری، ج ۲، ص۱۷۷.

کاروانسرای سرقلهٔ کندوان

هنگامی که از قلهٔ کندوان به‌طرف آبریزدرهٔ چالوس سرازیرشویم، برکنار راه ناصرالدین‌شاهی، کاروانسرایی است که از خارج‌نمای زیادی ندارد، زیرا نیمی از دیوارهای آن را در دل‌کوه‌ساخته‌اند. این کاروانسراکه با سنگ وگچ ساخته‌شده، پناهگاهی برای چارپاداران بوده است ومحلی برای‌چهارپایان ندارد.

کاروانسرای پای‌کندوان

پس از بیرون‌آمدن از تونل، برکنارراست‌جادهٔ‌آسفالتهٔ امروزکنارسرچشمه‌های رودخانهٔ چالوس، کاروانسرایی‌است‌که با سنگ وگچ ساخته شده‌است. این‌کاروانسرا از کاروانسرای سرقلهٔ‌کندوان بزرگتر وجادارتراست. درازای جنوبی‌آن بیست‌و دو مترو پهنای شرقی آن نه‌متراست (عکس‌شمارهٔ ۴۵). این بنا شامل دوازده‌گنبد در دوردیف در درازاست . گنبدها برچهارطاقیها استوارهستند. طاق هرچهارطاقی به‌بلندی ۱۸۰ سانتیمتر و فاصلهٔ میان جرزها ۱۳۰ سانتیمتراست. درازای هرفضاکه زیرهرچهارطاقی است ۳۹۰ و پهنای‌آن ۳۱۰ سانتیمتر و قطر تمام دیوارهای بنا ۶۰ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۴۶).

در شمال غربی این‌کاروانسرا، آثاربنای‌کاروانسرای قدیمی دیگری است‌که یکسره خراب شده اما دیوارجنوبی‌آن‌کم وبیش باقی است.

باقی‌آثار وبناهای کوهستان کلارستاق

۱ـ شاه‌علمدار در مرتع بلیله‌کوه که از راه مرزان‌آباد به‌برار و بلیله‌کوه باید رفت .

۲ـ آثار قلعهٔ برار برارتفاعی نزدیك دهکدهٔ برار.

۳ــ پیرسیدور(=سیتەور=سعیداعور؟) یا امامزاده فضل‌الله در چالەزمین دهکدهٔ تویر.[1]

۴ــ کاروانسرای گرم‌کش سرراه ناصرالدین‌شاهی نرسیده به‌گردنهٔ الغر.

۵ــ امامزاده محمد در اولا که از راه الامل بایدرفت.

۶ــ معصوم‌زادهٔ دهکدهٔ هرجان.

۷ــ گورستان‌قدیمی‌دهکدهٔ تویر که مقداری ازقبورآن‌در ساختن‌راه‌چالوس از میان رفت.

۸ــ گورستانی‌قدیمی دامنهٔکوه فضل وفاضل میان‌مرتع ارن[2] وساتره[3].

۹ــ بقعهٔ خواجه‌کلا روبروی ولی‌آباد سمت‌چپ رودخانهٔ چالوس. بتازگی تعمیر و مرمت شده‌است.

۱۰ــ گورستان قدیمی دهشهر نزدیك دهکدهٔ دهشهر.[4]

۱ــ نام این امامزاده در مجموعهٔشمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك مورخ۱۲۹۹ ه.ق. آمده‌است. بنایی‌ناچیزاست وارزش‌تاریخی‌ندارد.

۲ــ بفتح‌الف وراء.

۳ــ بکسر تاء.

۴ــ دهشهر: ده کوچکی‌ازدهستان کوهستان کلارستاق،شش کیلومتری جنوب‌غربی مرزان‌آباد و ۲/۵ کیلومتری شوسهٔ چالوس کرج (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

بخش سوم

کجور

۱ـ مختصری از جغرافیای تاریخی کجور

کجور دره‌ایست شرقی غربی‌که آب رودخانهٔآن در دوآب کمی بالاتر از پل‌ـ زغال به‌آب رودخانهٔ چالوس می‌ریزد. شهر تاریخی کجور از قدیمترین ایام مـرکز ناحیهٔ رویان و سپس پایتخت رستمدار بوده است.

اصطخری درکتاب مسالک‌الممالک خودکه‌میان سالهای ۳۱۸ـ۳۲۲ قمری‌تألیف کرده است، ازکوههای روینج (=رویان) نام می‌برد.[۱]

در کتاب حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب‌که به‌سال ۳۷۲ قمری تألیف شده است چنین‌آمده‌که قسمتی از خاک طبرستان سلطانی جداگانه به نام«استندار» داشت و شهرهای ناتل و چالوس و روذان(= رویان)وکلار جزء این‌قسمت بود.[۲]

یاقوت در معجم‌البلدان خودکه به سال ۶۲۳ قمری نوشت ، ذیل‌کلمهٔ رویـان می‌نویسد : رویان نام شهری‌بزرگ وکورهٔ وسیعی ازکوههای‌طبرستان‌است. بزرگترین

۱ـ مسالک‌الممالک‌اصطخری،ص۲۰۴و۲۰۵. ۲ـ حدودالعالم، تصحیح‌نگارنده، ص ۱۴۳ـ۱۵۰.

شهری از طبرستان‌که در دشت است ، آمل و بزرگترین شهرکوهستانی رویان است . رویان در اقلیم چهارم است . طول آن ۷۶ درجه و ۳۵ دقیقه وعرض‌آن ۳۷ درجه و ده دقیقه است . فاصلهٔ میان گیلان ورویان دوازده فرسنگ‌است.[۱]

عبدالمؤمن که کتاب مراصدالاطـلاع خود را در سال ۷۰۰ قمـری می‌نوشت پس از ضبط اعـراب کلمه می‌نویسد « این نام برشهر بـزرگ وکـورهٔ وسیعی ازخاك طبرستان اطلاق می‌شود . این شهر بزرگترین شهر کوهستانی طبرستان است و حدود خاك آن به‌کوههای ری می‌رسد.[۲]

مولانا اولیاءالله آملی درتاریخ رویان‌که درغرهٔ محرم‌الحرام سال ۷۶۴ به‌پایان رسانیده است می‌نویسد :

« در این وقت از نواب خلیفه درکجورکه قصبهٔ رویان است، عمربن‌العـلا نشسته بود با شش‌هزار مرد . و درگیلاناباد نصربن‌عمران نشسته بودباهزار مرد خراسانی. و در پای‌دشت عامربن‌آدم‌نشسته‌بود باپانصد مرد. و در ناتل سعیدبن‌میمون نشسته بود با پانصدمرد . و در بهرامـده عمروبن مهربـان نشسته بود با پانصد مرد . و در قراطادان یوسف بن‌عبدالرحمن نشسته بودبا پانصد مرد . و در ولاشجرد علی‌بن‌جستان نشسته بود بـا پانصد مرد . و در سعیدآباد سعیدبن دعلج نشسته بود با هزار مرد . و در چالوس فضل‌بن‌سهل ذوالریاستین نشسته بود با پانصد مرد . الا در این وقت او غـایب بود . و درکلارکه اول دیلمان‌است جویرم‌السعدی نشسته بودباپانصدمرد، این‌جمله رویان است».[۳]

۱ـ معجم‌البلدان ذیل کلمهٔ رویان . ۲ـ مراصدالاطلاع، ذیل کلمهٔ « رویان » .

۳ـ تاریخ‌رویان‌مولانا اولیاءالله، ص ۶۱ .

همین ناحیهٔ رویان باکمی اختلاف مرزی از اوایل قرن هفتم به نام «استندار» خوانده شد. در کتاب تاریخ رویان مولانا اولیاءالله آملی که در سال ۷۴۶ قمری پایان یافته است سی بار به لفظ «استندار» برمی‌خوریم. در متون همزمان یا نزدیك به زمان تألیف این کتاب نظیر نزهةالقلوب حمدالله مستوفی نیز لغت «رستمدار» دیده می‌شود. در تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظهیرالدین مرعشی که در سال ۸۸۰ به تألیف آن پرداخته است، بارها لفظ «رستمدار» آمده است. با دقت و بررسی در این متون می‌توان به این نتیجه رسید که حدود خاك رستمدار کاملاً قابل انطباق با حدود خاك رویان است فقط خاك رستمدار، در دشت و زمینهای هموار ساحلی تا رودخانهٔ نمکاوه رود پیش رفته است، در صورتیکه حدود رویان به خاك چالوس ختم می‌شد.

بنابراین خاك رویان یا رستمدارکه شهرکجور از شهرهای معظم آن بوده‌است شامل ناحیهٔ: کوهستان، کلارستاق، بیرون بشم، میان‌بشم، کلاردشت، کجور (شامل دشت و کوهستان) و نور (شامل دشت و کوهستان) و لورا(شامل‌دهکده‌های کنارکرج رود تا دوآب شهرستانك) و ارنگهٔ بزرگ و کوچك و رودبار قصران و لارقصران است. حد شرقی آن رودخانهٔ هراز و حد غربی آن رودخانهٔ نمکاوه‌ــ رود و حد شمالی آن حاشیهٔ دریای خزر و حد جنوبی آن رشته کوههای توچال است.

ناحیهٔ کجور به بلوك دشتی و کوهستانی تقسیم می‌شود. نواحی‌کوهستانی شامل شهرکجور، توابع‌کجور، زانوس‌رستاق، کوهپر، پنجك‌رستاق.

نواحی دشتی شامل: کران[1] خیره‌رود، بندپی، چلندر، نهررودبار، کلرودپی،

۱ــ بفتح کاف.

گلندرود، علویکلا، کالج وکچه‌رستاق است.

در اغلب کتب تاریخی و متون جغرافیایی نام این ناحیه «کجو» بدون راء در آخر، آمده است . ظاهراً از آنجاکه این نام اغلب با نام «نور» که بخش دیگری از ناحیهٔ رستمدار است یکجا ذکر می‌شود ، حرف «راء» بعدها به آخر کجو نیز افزوده شده است . شهر قدیم کجور در سه کیلومتری شهر جدید و در دامن کوه بوده است .

۲ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور

پل کرات = پل ناصری
در پانصدمتری شمال دو آب کجور

در حوالی پل‌کرات‌که آن را پل‌زغال هم می‌گویند و بعد از ایجاد راه‌جدید، پل محکمی آنجا ساخته شده و موسوم به‌پل ناصری گردیده ... مسیو کاستکرخان نمساوی‌که درخدمت دولت علیه ایران است و به حکم اعلیحضرت‌شاهنشاه جمجاه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه، مأمور ساختن این راه‌صعب‌المسلك از کنار چالوس بودگوید: «درحوالی پل ناصری بسیاری ازآثار ابنیهٔ‌قدیمه و بعضی‌علایم‌کهنه باقی و موجود می‌بود.» و مهندس مشارالیه خود پیکان تیرزیاد درآنجاها یافته وپیدا نموده. بعلاوه بقیهٔ دیوار خرابهٔ ممتدی دیده‌که حدساً حصار قلعه وشهری بوده و خرابهٔ دکاکین حدادی و خبازی و قبور زیاد خیلی بزرگتر از قبرهای معمول حالیه با سنگهای روی قبر که خطوط کوفی داشته، مشاهده‌کرده به‌واسطهٔ عدم اطلاع‌اززبان عربی و خواندن خط‌کوفی، دریافت ننمود،که تاریخ قبور ازچه زمان وکدام قرن می‌باشد. و باز مشارالیه بعضی ازاستخوانهاازقبور به دست‌آورده‌که‌نسبت به‌استخوانهای مردم این زمان خیلی بزرگتر می‌باشد. نیزدر اغلب‌نقاط‌درهٔ‌چالوس، قبورزیاد درمیان

جگن و جنگل انکشاف نموده ، با سنگهای قبر که خطوط کوفی روی آنها رسم و حجاری شده و دیوارهای بسیار که همه خراب و منهدم بوده وآثارعمارت و ابنیهٔ قدیمهٔ خشتی که مدخل اغلبی از سنگ بوده، هنوز برقرار است و دلیل واضح و برهان لایح برآبادی زیادکه حالا معدوم است مشهود مشارالیه گردیده .بنابراین معلوم می‌شود توحیر(=تویر)که آثار خرابهٔ او پدیدار است قصبهٔ عمده بلکه قاعده وحاکم نشین این ناحیه بوده وگویند این آبادی تاپانصدسال قبل معمور می‌بود .ومقارن آن سنوات زلزلهٔ عظیمی شده، کوه مجاور شهر برروی شهر خراب شد وشهررا نابود و تفرقهٔ احجار نیز مؤید این عقیده وگفتار است. وازخرابهٔ شهر توحیرچنین مستفاد می‌گردد که از طرف دریا محل تجارت بوده و بازارعمدهٔ بزرگی داشته .[1]

امامزاده جعفر و امامزاده حسن پسران امام موسی الکاظم علیه السلام دردهکدهٔ حسن آباد پنجك[2] رستاق کجور

مجموعهٔ بنای بقعه که شامل ایوان وکفش کن و حرم است طرحی مستطیل شکل دارد . ایوان بقعه شرقی است و دارای شش ستون چهارسوی ساده بـا سرستونهای نسبةً ظریف ولتازه‌ای تخته‌ای ساده به‌بلندی یك‌متر جلو آن است(عکس شمارهٔ ۴۷). پشت آن کفش کنی به‌همان درازای ایوان و پشت آن حرم بقعه است که صندوقی چوبین ساده در میان آن و ضریحی مشبك چوبین دراطراف صندوق است. سرکشی(حمال) درطول بنا دروسط کشیده‌اند وپلورهای سقف براین سرکش و دیوارهای طرفین متکی است.سقف بقعه وکفش کن و ایوان پلورکشی وپل کوبی است. بام سراسر بنا، لت پوش است . درهای جنوبی وشرقی بقعه‌قاب وگرهٔ ساده است،گلدسته‌ای به ابعاد دو متر ازچوب بربـالای

۱ـ مرآت البلدان، ج ۴، صفحات ۸۰ و ۸۱ .

۲ـ بفتح پ و سکون نون و فتح جیم و سکون کاف وضم راء .

در ورودی است . در محوطهٔ اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است .

چهل تن
نزدیك دهکدهٔ آستانکرود[1] کوهپر کجور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه و کوچك است. ایوان آن شمالی و دارای پنج ستون ساده با سرستون است. تکائلی تخته‌ای به‌بلندی یك متر جلو ایوان است. در ورودی بقعه در این ایوان است و صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنای اصلی بقعه است . محوطه‌ای بسیار وسیع و زیبا اطراف حیاط بقعه است که درختان نارون قطور زیاد در آن دیده می‌شود. از ریشه‌ای قدیمی دو پاجوش بیرون آمده بود که محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ۴۵۴ و دیگری ۳۹۵ سانتیمتر بود . محوطهٔ بقعه بر کنار ناوی[2] است که چشمه‌های متعدد در آن می‌جوشد و آب فراوانی را تشکیل می‌دهد که از کنار بقعه می‌گذرد. بر کنار این آب دو اصله درخت نارون قطور است که محیط دایرهٔ تنهٔ اولی ۵۳۵ و دومی ۴۶۰ سانتیمتر است .

امامزاده حسن
در دهکدهٔ چورن[3] از دهکده‌های کوهپر کجور

بنایی است ساده از سنگ و گل، صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است . در محل معروف بود که امامزاده حسن از مریدان سیدمحمدکیا دبیر صالحانی بوده‌است. روزی اورا به دهکدهٔ چورن برای مداوای دختر یکی از سران قوم فرستاد. دختر را با نفس مسیحای خود شفا بخشید. خویشان دختر خواستند اجر و مزدی بداو بدهند نپذیرفت .

۱ــ بفتح کاف. ۲ــ دره‌ای بسیار کم‌عمق که از زمینهای دو طرف بیش از یکی دو متر عمق ندارد. ۳ــ چورن (بفتح راء) : ده از دهستان کوهپر بخش مرکزی شهرستان نوشهر، سه کیلومتری شمال کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳) .

بالاخره شبانه مقداری سکهٔ طلا درآستر قبای او دوختند و او به‌راه‌افتاد. بر بالای این بلندی‌که اکنون مزار اوست‌رسید. ندایی‌شنیدکه چرا ازکسان دخترچیزی‌قبول‌کردی؟ جواب داد: من چیزی نپذیرفتم. ندایی رسیدکه تکانی به‌قبای خودبده . تکانی داد ، سکه‌ها فرو ریخت .

امامزاده حسن ازکثرت شرمندگی دراینجا جان به‌جان‌آفرین‌تسلیم‌کرد. اهالی دهکده اورا مرده یافتند، او را به‌خاك‌سپردند وبنایی برگور اوساختند .

قلعهٔ اسپی‌روز

برکوهی مسلط بردشت کجور به‌نام قلاگردن[۱] نزدیك‌دهکدهٔ سرجار[۲] کوهپر کجور

ازگذشتهٔ این‌قلعه بیش‌ازآنچه سیدظهیرالدین نوشته‌است اطلاعی‌نداریم . او یادآورشده‌که پس از بروزاختلاف‌میان‌ملك‌کاووس وملك‌اسکندر. پسران‌ملك‌کیومرس. سید ظهیرالدین برای‌رفع‌اختلاف به‌رستمدار رفت ومیان‌آن‌دورا صلح‌داد اما ازکید و مکر ملك‌کاووس ایمن نبود . ازاینروکیا جلال‌الدین دیلمی را باصدنفر دیلم نزدملك اسکندرگذاشت. ملك‌اسکندر، کیاجلال‌الدین را درقلعهٔ‌کجورگذاشت و خود به‌قلعهٔ اسپی‌روزکه هوای‌آنجا در تابستان مناسب‌تراست رفت.

ملك‌کاووس آمادهٔ شبیخون شد . ازنور سوارشد وباعجلهٔ‌تمام ازشهرکجور و مقابل قلعهٔ آن بگذشت . قلعه‌نشینان، ملك‌اسکندر را خبرکردند. تارسیدن خبر ، ملك‌کاووس به‌درقلعهٔ‌اسپی‌روز رسیده وقلعه را محاصره‌کرده‌بود. چون‌درقلعه‌ذخیره‌ای نبود، ازطرف‌شمال، قلعه را سوراخی‌کردند وملك‌اسکندر ازآنجا بیرون‌رفت وخودرا به ساحل رسانید و به‌تنکابن‌درآمد.[۳]

۱ـ بفتح قاف‌وگاف. ۲ـ بفتح‌سین. ۳ـ تاریخ‌گیلان ودیلمستان، صفحات ۳۰۳ و ۳۰۴ .

باز میان دو برادر اختلاف شد و سیدظهیرالدین روزپنجشنبه هفتم ذی‌الحجه‌سنهٔ ۸۷۰ مأمور رفع این اختلاف‌شد و روزپنجشنبه بیست‌و دوم ذی‌الحجه، ملك‌کاووس را درقلعهٔ نور ملاقات‌کرد و چنین قراردادندکه ملك‌کاووس به‌قلعهٔ‌کجور بیاید و ملك اسکندر درقلعهٔ اسپی‌روز باشد . روزیکشنبه غرّهٔ محرم، هردو برادر در محل چاه‌سر یکدیگر را ملاقات‌کردندو قرارمصالحه‌گذاشتند ، ملك‌کاووس به کجور رفت وملك اسکندر به‌قلعهٔ اسپی‌روز درآمد.[۱]

ملك‌کاووس روز سه‌شنبه‌چهاردهم شوال سنهٔ ۸۷۱ چشم ازجهان فرو بست و سید ظهیرالدین برای «تمشیت امور ملکی» به‌رستمدار درآمد و پس ازپایان مراسم تسلیت از راه نیتل به‌کجورآمد و ملك اسکندر را درقلعهٔ اسپی‌روز ملاقات‌کرد.[۲]

حاجی محمدمیرزا مهندس در بارهٔ این‌قلعه‌چنین نوشته است :

«آنچه در تاریخ دیده‌شده چون ملك‌کاووس از رستمدار بیرون‌رفت ، ملك اسکندر به‌کجورآمده و قلعهٔاسپی‌ریز بانی‌آن قلعه دیوسپید نامی که‌حاکم ولایت‌رویان بودکه حکیم‌فردوسی در شاهنامه ذکراوآورده است وقتل‌اورا به‌دست رستم‌زال شرح وبسط تمام داده چنانکه‌گفته‌است:

نیاسود تیره‌شب‌و پاک‌روز همی‌راند تاپیش‌کوه‌اسفروز

ملك‌اسکندرآن قلعه‌راتعمیر نمود.»[۳]

قلعهٔ چناربن

در دهکدهٔ چناربن میان لاشك و کجور برسر راه

آثاری ازاین‌قلعه برجای نبود .

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۳۲۱ . ۲ــ تاریخ گیلان ودیلمستان.ص۳۲۵.

۳ــ جغرافیای تاریخی مازندران تألیف حاجی محمدمیرزا مهندس سال ۱۳۰۱، ص ۶ .

بقعهٔ خالق شیوب[1]
در شهر کجور[2]

بقعه‌ای چهارضلعی از سنگ و گل است. در ورودی قبلی است و در ایوانی باز می‌شود که دارای شش‌ستون چوبین چهارسوی ساده است. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است و بالای مدخل گورستان شاخ بزکوهی قرارداده شده است.

بقعهٔ حسن‌شهید
در شهر کجور

بنایی است چهارگوشه بایك ستون چوبین چهارسوی قطور در وسط وسرکشی برستون و دیوارهای دو طرف متکی است. ایوانی جلوبنا است. سقف بقعه و ایوان پلورکشی وپل‌کوبی است. گورستانی وسیع وقدیمی درجنوب بقعه‌است. برسردر ورودی گورستان چندین شاخ بزکوهی کهنسال است.

امامزاده عبدالله
در اراضی شرقی شهر کجور

بنای اصلی بقعه چهارضلعی مستطیل‌است وایوانی‌جلوبناست. سقف بقعه وایوان پلورکشی و پل‌کوبی است و بام سراسربناگلی است .

۱ـ بفتح شین و تشدیدیاء . ۲ـ کجورقصبهٔمرکزی دهستان کجوربخش‌مرکزی شهرستان نوشهر، سی‌وشش کیلومتری‌جنوب‌صلاح‌الدین کلا (سردین کلا) که در۳۲ کیلومتری مشرق‌نوشهر و ۱۰ کیلومتری غرب‌المده واقع است (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ، ج ۳).

خرابه‌های شهر قدیمی کجور معروف به خرابه‌شهر در دو کیلومتر و نیمی شهر کجور امروزی

این‌شهر که دردامن‌کوه بوده حصاری محکم واستوارداشته است .

ابن‌اسفندیار می‌نویسدکه در سال۲۷۳محمدبن زیدبن‌اسماعیل‌حالب‌الحجاره، حصار کجور را مرمت‌کرد.[۱] این عبارت می‌رساندکه قبل از اوحصاری برای این شهر ساخته بوده‌اند . ولی‌ازعبارت سیدظهیرالدین چنین برمی‌آیدکه بانی حصارکجور او بوده است .[۲]

این‌شهر که خرابه‌های آن‌امروز درمنطقهٔ وسیعی باقی‌است، در تاخت و تاز مغولان خراب شد. ملك‌جلال‌الدوله اسکندر ، روزشنبهٔ بیست ویکم ذی‌الحجه‌موافق با بیست‌و هفتم تیرماه قدیم سنهٔ ۷۴۶ هجری، بنای‌شهر کجور راگذاشت.[۳]

رابینو می‌نویسدکه در تاریخ۲۱ذی‌الحجه سنهٔ ۷۴۰قمری استندارجلال‌الدوله اسکندر، شروع به تجدید بنای قلعه و شهرکجورکرد . نامبرده باروی‌شهر را تجدید بناکرد و ارگ آن را در ۲۱ ذی‌الحجهٔ سال ۷۴۶ هجری تمام‌کرد و در ناحیهٔ رویان قلعهٔ شاه‌دز را که خود درآن منزل‌داشت ، بنا نمود.[۴] در زمان اوشهر کجـور پایتخت بوده است.[۵]

شهر کجور امروز که در دشت بنا شده‌است زیاد قدمتی ندارد و ظـاهراً پس از کوچاندن ایل خواجه‌وند، به امر آقا محمدخان به این صفحات، به‌دست افـراد ایل ساخته شده است . مصالح‌آن خشت وگل است وکوچکترین اثـرهنر معماری در آن

۱ـ تاریخ طبرستان ، ص ۲۵۳ . ۲ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ، ص ۲۱۱. ۳ـ تاریخ رویان، ص ۱۳۰. ۴ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۳۰. ۵ـ تاریخ رویان، ص ۱۲۲ .

دیده نمی‌شود. خانه‌ها یك طبقه و ابتدایی وکوچه‌ها تنگ وپرپیچ وخم است.

قلعهٔ کجور معروف به دورقلعه یا سوته‌قلعه بر بازوی کوهی مسلط بر شهر کجور

بر بازوی کوهی که تقریباً جهت شمال و جنوبی دارد و از رشتهٔ اصلی که سمت شرقی غربی است جدا می‌شود، آثار قلعهٔ بزرگی برجای است که براثر کندوکاو گنج‌گیران زیر و رو شده است. آثار آب‌انبار و حمامی در اراضی آن دیده می‌شود. مصالح اصلی بناگچ وآجر و سنگ بوده است. سیدظهیرالدین، این قلعه را به نام قلعهٔ کجور می‌شناسد.[۱] و عبدالفتاح فومنی آن‌را «قلعهٔ ماران» می‌خواند[۲] و صاحب عالم‌آرا شرح مفصلی از این قلعه در ادوار مختلف نوشته وآن را به‌نام «قلعهٔ مارانکوه» ضبط کرده است.[۳] وعلی‌بن‌شمس‌الدین‌بن حسین لاهجی آن را به‌نام «قلعهٔ کجور» یاد کرده است.[۴] واعتمادالسلطنه آن را به‌نام «قلعهٔ مارانکوه‌کجور» معرفی کرده است.[۵] ظاهراً مرادخان سفره‌چی ولدتیمورخان‌که شاه‌طهماسب او را روانهٔ رستمدار کرده تا قلعهٔ کجور را تسخیر کند، بدین‌قلعه روی‌آورده است[۶] و همین‌قلعه‌است که‌پس‌ازاینکه به دست مأموران صفوی سوخته شد، به نام «سوته قلعه» شهرت پیداکرد و امروز «دورقلعه» خوانند.

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ نگارنده، صفحات ۳۰۳ و۳۰۴ و ۳۱۰ و۳۱۴.
۲ـ تاریخ گیلان، ص ۳۵. ۳ـ عالم‌آرا، ج ۱، ص ۵۳۵. ۴ـ تاریخ خانی، ص ۳۱۵. ۵ـ التدوین فی‌احوال جبال شروین، ص ۱۰۴. ۶ـ عالم‌آرا، ج ۱، ص ۱۲۱ و ۲۰۰ و ۵۰۳ و ۵۰۴. وج ۲، ص۱۳۹ شرح تسلیم شدن قلاع کجور، ج ۱، ص۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷.

تپهٔ سرحمام
درداخل شهر کجور امروز

تپه‌ای که با خاکریز دستی به‌وجودآمده است، درداخل‌شهر کجور، پشت‌مسجد است. درکندوکاوهایی که کرده‌اند، آثار ساختمانهای قدیمی وآب‌انبار درآن‌پیداشده است . سفالهای لعابدار اسلامی و سفالهای بدون لعاب درآن زیاداست.

راه کجور به اوزرود نور

این راه از شهرکجور به‌پشت دهکدهٔ لاشك می‌رود. ازآنجا پس ازگذشتن از گردنهٔ شاه‌کوه و سنگ دروازه به ملاحسین دره می‌رسد وازاینجاپس‌ازعبورازگردنهٔ کنگرلو سرازیر می‌شود وپس ازطی راه مارپیچی درازی به اوز از دهکده‌های اوز-رود نور می‌رسد.

راه شهر کجور به نهررودبار و دشت کجور

این راه از طرف شمال شهرکجور به تنگهٔ نهررودبار وگردنهٔ شاه‌نفار (نپار)[1] می‌رود . ازآنجا بـه دامنهٔ کنسان[2] و دهکده‌هـای نارنجك‌بن و ونوش‌ده و از اینجا از دامنهٔ‌کوه به ناتل و آمل ادامه پیدا می‌کند. در راه ناتل به‌آمـل در جنگلهـای انارجار و قرق[3] چندپل سنگی وآجری موجود است.

۱ــ بکسر نون. ۲ــ بضم‌کاف وکسرنون اول . ۳ــ بضم قاف اول وراء .

دروازه‌ای قدیمی

در مرتع اسم‌چران[1] بالای نیتل سرراه کجور به بلدهٔ نور

معروف است که دراین محل دروازه‌ای‌قدیمی بوده وازآدمیان و بارچهارپایان حق عبور می‌گرفته‌اند.

راه کجور به‌بلدهٔ نور

این راه از شهرکجور به دهکدهٔ صالحان و دهکدهٔ شاه‌ناجر و دهکدهٔ ورازان می‌رود. ازدهکدهٔ ورازان‌که خارج شد، ابتدای‌گردنهٔ قرق است.پس ازطی سربالایی گردنه و سرازیر شدن از آن بـه تنگـه‌ای می‌رسد کـه مستقیم به بلـدهٔ نـور وارد می‌شود.

راه دیگر کجور به بلدهٔ نور

این راه ازکجور به‌کلارزمین و خواچك ونیتل وگردنهٔ سنگ‌چشمه می‌رود و به‌بلده می‌رسد .

راه‌کجور به‌میناك‌نور

این راه ازکجور به‌انگیل و انگاس وگردنهٔ‌کنگرچال و پس‌از سرازیرشدن‌به ترخان‌ده (=میناك) می‌رسد.

راه کجور به سی‌سنگان

این راه‌که معروف به راه سردین‌کلا است، ازکجور به‌قهوه‌خـانهٔ نهررودبار و

[1] ــ بفتح الف وکسرمیم وفتح چ .

تنگه و قهوه‌خانهٔ کتو و سردین کلا و سی‌سنگان می‌رود .

راه کجور به‌المده

این راه از کجور به‌کدیر[1] و کدیرسر و معدن گلندرود والمده می‌رود .

قلعهٔ انگیل
پشت دهکدهٔ انگیل حومهٔ شهر کجور

بر سر تیرهٔ کوهی که مسلط به دهکدهٔ انگیل است، قلعه‌ای قدیمی‌است .مصالح بنای آن سنگ وآجر وگچ بوده است.

قلعهٔ شیواردره
درراه قدیمی کجور به‌سردین کلا (صلاح‌الدین کلا)

در راه قدیمی کجور به سردین کلا که از نهر رودبار می‌گذرد، در هیجده کیلومتری شهر کجور امروزی بربالای ارتفاعی، قلعه‌ایست به‌نام «شیواردره» که مصالح بناهای آن سنگ وگچ بوده است.

قلعهٔ ولیج[2]
بردامن کوه میان راه کجور به کدیر

این قلعه‌ظاهراً قابل تطبیق باقلعهٔ«ولیک‌بن»[3] است.«در ترجمهٔ‌سفرنامهٔ‌مازندران و استراباد رابینو محل‌آن «در میان راه‌قصرنجو(نشو) به‌کلارِ» تعیین شده‌است.[4] این‌دو محل بهیچوجه شناخته نشد . ما حدس زدیم‌که نام این قلعه بساید شکل دیگری‌از

۱ـ بضم کاف .　۲ـ بفتح‌واو.　۳ـ بفتح واو وکسر گاف.　۴ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ‌مازندران و استراباد رابینو ، ص ۱۴۷ .

«ولیگک» باشد. بردامن کوهی برسر راه کجور به کدیر آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است و به‌نام ولیگک‌بن خوانده می‌شود.

امامزاده جعفر بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در اراضی بدی‌خیل حومهٔ کجور

بنایی است هشت ضلعی از آجر با گنبدی هشت ترك (عکس شمارهٔ ۴۸). در ورودی شرقی و دو لنگه وقاب و آلت ساده است. ابتدا از کفش‌کن به دارالحفّاظ و بعد به‌بنای اصلی بقعه می‌رود. محرابی در ضلع قبلی است وخفنگی نورگیر درضلع جنوب غربی قرار داده شده است.

در هریك از اضلاع طاقنمایی باطاق هلالی است. یك نوار گچ بری به‌پهنای پنجاه سانتیمتر بانقش گل و بوته و اسلیمی زیرگنبداست (عکس شمارهٔ ۴۹). گنبد از داخل عرقچینی است و نقوشی نظیر نقوش ظروف سفالین اسلامی بروسط آن نقاشی شده‌است. پایین این نقش در سمت جنوبی و شمالی گنبد، دو دایره است که داخل آن نقش شیرو خورشید ترسیم شده است. در دو طرف شرقی وغربی نیز دودایره است که داخل آنها نقش شیر و مار است. مار به دورکمرشیر پیچیده وگردهٔ شیررا به‌دندان گرفته است. قسمتی از بدن مار نیز در دهان شیراست.

صندوقی چوبین قاب و آلت ساده دروسط بناست که درازای آن ۱۸۵ وپهنایش ۱۲۰ و بلندیش ۱۳۲ سانتیمتر است.

گور مصقلة بن هبيرة الشيبانى
در راه کجور به کندسان و نور

مصقله در دوران خلافت معاویه از اوخواست تا هزار مرد بدو بدهد تا طبرستان را

مسخر کند، معاویه این لشکر را بدو داد. دوسال با فرخان جنگ کرد. سرانجام درکجور کشته شد و در قریهٔ چهارسو به خاك سپرده شد. درزمان سیدظهیرالدین این محل‌را «کیامشغله» می‌گفته‌اند.[۱]

ابن‌اسفندیار می‌نویسد:

«گور مصقله درراه کجو به راه‌کندسان بر سر راه نهاده است. عوام‌الناس به تقلید وجهل زیارت می‌کنند که صحابهٔ رسول‌علیه‌السلام است.»[۲]

مولانا اولیاءالله آملی پس از شرح لشکرکشی او بدخاك‌طبرستان می‌نویسد:

«در آخر به‌طریق‌کجور به راه‌کندسان فرودآمد. مردم‌آنجا واهالی‌رویان درآن مقام او را بکشتند وگور او هنوز برسرراه نهاده است. عـوام‌الناس بـه تقلید و جهـل زیـارت می‌کنند کـه این از جملهٔ صحابهٔ رسول است صلی‌الله علیه و آله و سلم وآن دروغ است و در تاریخ طبرستان بهاءالدین محمدکاتب بدین موجب یادکرده است.»[۳]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«گور او در یکی از قرای‌کجور به‌نام «چارسو» است و مردم این مرقـدرا «کیامشغله» می‌نامند.»[۴]

آثاری از مرقد او در زیرصالحان روبروی سریوده باقی است، برجی‌چهارضلعی از سنگ وگچ است و امروز به‌نام «یزیدی» خوانده می‌شود.

۱ــ تـاریخ طبرستان و رویـان و مـازنـدران، ص ۱۹۵، التدویـن، ص ۴۴.
۲ــ تاریخ طبرستان، ص ۱۵۸. ۳ــ تاریخ‌رویان، ص ۴۸و ۴۹. ۴ــ مرآت‌البلدان، ج ۴، ص ۴۹ و ۵۰.

شاهزاده حسین پسر امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ فیروزکلای پایین[۱] حومهٔ کجور

بنایی است هشت ضلعی از سنگ و گچ که قطر آن ازداخل ۳۳۰ سانتیمتر است. پهنای هریك از اضلاع از داخل دومتر و در بدنهٔ داخلی هریك از اضلاع یك طاقنماست. خفنگی نورگیر مشبك‌چوبین در شرق و دو خفنگ دیگر در جنوب و جنوب‌غربی است. سقف بنا از داخل نیز هشت‌ترك است و ترکها را به نقطهٔ واحدی رسانیده و سقف را جمع‌کرده‌اند. نقش خورشیدی در وسط طاق و اطراف آن کمی پایین‌تر دو خورشید و دو دایرهٔ منقش وگل و بوته است. صندوقی تخته‌ای مرقدرا پوشانیده وضریحی‌چوبین‌مشبك درفاصلهٔ نزدیکی صندوق‌را احاطه‌کرده است. درازای این ضریح ۲۳۰ و پهنای آن ۱۱۶ و بلندی‌آن ۱۱۵ سانتیمتر است.

جلو بنای اصلی بقعه مسجدی به درازای ۷۳۵ وپهنای ۵۰۰ سانتیمتر بنا شده است. ایوانی جلو مسجد و حیاط کوچکی جلوایوان است. در ورودی اصلی به این حیاط باز می‌شود وبالای‌آن مأذنه‌ای چوبین است(عکس شمارهٔ ۵۰).

در مسجد و حیاط سنگهای قبور زیر دیده‌شد:

« وفات‌المرحوم‌المغفور امیرخان‌ابن رحمت وغفران‌پناه شاه‌قباد خواجه‌وند من طایفه شرف‌اوند سنه ۱۲۱۴».

« وفات مرحوم مغفور تیمورخان ولد مرحوم شیرمحمدخان خواجه‌وند فیروزکلائی ۱۳۲۴» .

۱ـ فیروزکلای‌بالا: ده ازدهستان علوی کلابخش‌مرکزی‌شهرستان‌نوشهر، سه کیلومتری شرق‌کجور و فیروزکلای پایین ۳/۵ کیلومتری شرق کجور است (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

« وفـات غفران‌پناه مرحوم محمد نصیر سلطان ابن‌طاطاسلطان خواجه‌وند سنه ۱۲۴۰» .

« وفات‌المرحوم نامدارخان‌ابن مرحوم کاکاسلطان خواجه‌بند یوم پنجشنبه چهارم ذیقعدةالحرام سنه ۱۲۴۲».

حسینیه‌ای نزدیك بقعهٔ شاهزاده حسین است و چناری‌کهنسال در دیوارمحوطهٔ این حسینیه دیده شدکه محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۸۴۰ سانتیمتر می‌رسد .

امامزاده سیدعلی

دراراضی فیروزکلای پایین از توابع کجور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه است و ازسنگ وگل بنا شده است.ایوانی درجلو بناست . سقف بنا و ایوان پلورکشی و پل‌کوبی است . صندوقی چوبین ساده در وسط بنای اصلی بقعه مرقد را پوشانده است . محوطهٔ باز اطراف بقعه، گورستانی قدیمـی است. دوسه‌گور قدیمی دیده شدکه‌طرف شمالی وجنوبی‌گور سنگهـای یك‌پارچه به ارتفاع ۷۰ و درازای ۱۱۵ سانتیمترکار گذاشته بـودند . سنگ بالاسر گورها از بالا سه‌شاخه و به‌پهنای ۹۸ و بلندی ۷۰ سانتیمتر است. بربدنهٔ خارجی‌سنگهای بزرگ و کوچك‌مطالبی‌حك‌شده بودکه خوانده نشد (عکس شمارهٔ ۵۱). همانند این سنگهارا دربقعهٔ سیدمحمدبن‌امام‌جعفرالصادق علیه‌السلام در دهکدهٔ گویتر بیرون‌بشم‌کلارستاق دیدیم ولی سنگهای‌گورستان بقعهٔ سیدعلی بزرگتر و قطورتر است. این‌سنگهاظاهراً مربوط به اواخر قرن‌نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری است.

مزار سیدخدیجه

در دامنهٔ کوه نزدیك بقعهٔ سیدعلی

در شرق بنای بقعهٔ سیدعلی و در دنبالهٔ اراضی‌گورستان این بقعه بنایـی‌هشت

ضلعی از سنگ و گچ است . پهنای هرضلع ازخارج ۲۰۸سانتیمتر وقطرهشت‌ضلعی‌از داخل ۴۴۲ سانتیمتروقطردیواربنا ۸۵ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۵۲). بوتهٔ‌زرشکی داخل بناست‌که دخیل زیادی بر آن بسته بودند . بلندی دیوارهای بازمانده‌یک‌متر و نیم تا دومتر است . این بنا ظاهراً گور یکـی از بزرگان یا سران قـوم‌بوده است .

امامزاده‌سید ولی
در اراضی دهکدهٔ فیروزکلای بالا حومهٔ کجور

بنای اصلی‌بقعه‌اطاقی است‌به درازای پنج وپهنای‌چهارمتر. سقف بناپلورکشی‌و پل‌کوبی است و بام‌آن لت‌سر است. صندوقی تخته‌ای ساده مرقـد را پوشانده است . مسجدی در جلو بنای بقعه است. درازای‌آن پنج‌متر و پهنای آن سه‌متراست. ایوانی نیز در جلو مسجد است . در ورودی مسجد و بقعه شرقی است. گورستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف بقعه است . در محوطهٔ متصل به‌گـورستان دو اصلـه درخت اوجـای (نارون) کهنسال است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ۴۰۰ ودیگری ۴۰۴ سانتیمتراست.

اوجائی (نارون)کهنسال
متصل به بقعهٔ سیدنبی در دهکدهٔ فیروزکلای بالاحومهٔ‌کجور

بقعه‌ای‌کوچك در این دهکده است‌که به‌نام‌سیدنبی معروف است وبنایی‌قدیمی به‌نظرنرسید. درخت اوجای کهنسالی متصل به‌بنای بقعه است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۷۰۷ سانتیمتر است.

چناری کهنسال
در تکیهٔ فیروزکلای‌بالا حومهٔ‌کجور

در محوطهٔ مسجد وتکیهٔ فیروزکلای بالا چناری‌کهنسال است که‌گرداگرد تنهٔ

آن بالغ بر ۵۰۵ سانتیمتر است .

آثار بناهای قدیمی
در فیروزکلای بالا حومهٔ کجور

در اراضی لوس[1] نزدیك به این دهکده پس از کندوکاو آثار اطاقهایی پیداشده است . گچ هم از مصالح ساختمانی این بناها بوده‌است.

شاه پلافه[2]
برسر کوه رستم‌زنی[3] از کوههای فیروزکلای بالا

در این محل آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود که مصالح آن آجر و سنگ و گچ بوده است .

قلعهٔ پی‌اسپرس
در دهکدهٔ پی‌اسپرس کالج گلندرود کجور

جای یادآوری از این قلعه قاعدةً در شرح روستاهای گلندرود باید بیاید و آبریز آن به رودخانه‌ای دیگر غیر از آبریز رودخانهٔ کجور است ولی از آنجا که نزدیکترین راه آن از راه فیروزکلای بالا بود، در اینجا یادکردیم. برسر تپه‌ای منفرد که چمن‌زار است، نزدیك دهکدهٔ پی‌اسپرس آثار قلعه‌ای قدیمی وجود دارد. مصالح بنا آجر و سنگ و گچ بوده است . آثار آب‌انباری نیز درمحوطهٔ قلعه دیده می‌شود. بناهای قلعه براثر کندوکاو زیاد زیرو رو شده است و طرحی از وضع قدیمی قلعه نمی‌توان تهیه کرد .

۱ــ بفتح لام و سکون واو . ۲ــ بفتح پ و کسر فاء . ۳ــ بکسر زاء و تشدیدنون به معنی زانو است .

مرقد ملك تاج‌الدوله زیاد بن کیخسرو بن شهراگیم در دهکدهٔ کدیر[۱] کجور

در ایام دولت ملك‌تاج‌الدوله، مردم‌رستمدارورویان درعین جمعیت واستراحت بوده‌اند و در سیاست رعایا وتدبیر ملك هیچ‌ملکی به‌ملك تاج‌الدوله نرسید. مدت‌ده سال بدین منوال روزگار بگذرانید ودرسنهٔ اربع وثلاثین وسبعمایه به‌مقام‌کدیر، به‌اجل مسمای خود برسید.[۲]

منبر مسجد جامع کدیر

حسام‌الدوله اردشیر پسر ناماور پس ازپدرکه در سال ۶۴۰ فوت‌شد، به‌جای او نشست «برادرش اسکندربن ناماور درطرف ناتل وآن حوالی نشستی و منبری‌که‌در جامع‌کدیر نهاده است ونام اسکندربن‌ناماور بر آنجا ثبت‌کرده‌اند وتاریخش صد و دو سال است، این اسکندر است.»[۳] اگر سراسر تاریخ‌رویان درسال ۷۶۴که سال ختم‌آن است گردآوری شده باشد، این منبر ظاهراً در سال ۶۶۲ ساخته‌شده بوده‌است.

امامزاده سیدحسین و سیدقاسم در اراضی پارجین کیلی کدیر

بنای اصلی بقعه چهارگوشه است. سقف بنا پلورکشی وپل‌کوبی است. مسجدی متصل به‌بنای بقعه است. ایوانی درجلوآنست‌که در عرض مسجدقرار می‌گیرد. بنای بقعه و مسجد در دامنهٔ تپه‌است وگورستانی وسیع اطراف بقعه است.

۱ــ کدیر (بضم کاف): ده از دهستان کلرودپی بخش مرکزی شهرستان نوشهر، بیست ویك کیلومتری جنوب صلاح‌الدین‌کلا (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۲ــ تاریخ رویان، چاپ نگارنده، ص ۱۷۶. ۳ــ تاریخ رویان، ص ۱۵۴.

چون گورها در دامنهٔ تپه قرارگرفته‌اند، بلندی قبلی آنها بیشتر از بلندی شمالی است و سنگهای قبور را در سمت قبلی نصب کرده‌اند. سنگها مورّخ بودند ولی قدمتی زیاد نداشتند. برسنگ قبری نام طایفهٔ «پیچ» حك بود. این طایفه در پیجدهٔ نور نیز ساکنند.

قلعهٔ مور

برقلهٔ کوهی به نام «قلاسر»[1]

بالای قلهٔ قلاسر زمینی مسطح و پهناور در حدود دوهزارمتر مربع است. این قله میان مرتع موزی‌سی و مرتع فاتمه‌لا[2] است. ازطرف قبلی به نهررودبار واز شرق و غرب به مرتع هشتاتن[3] محدود می‌شود. اراضی زیربنای این‌قلعه که سالها از قلاع مهم و مشهور بوده است تبدیل به‌جنگل‌شده وآثاری از بنا درآن دیده نمی‌شود. دو گودال نسبةً بزرگ دراین محل دیده می‌شود که ظاهراً اثرکندوکاوهای گذشته است. این‌قلعهٔ عظیم، پیش قلعه‌ای به‌نام مناچیرقلعه[4] یا مناچیرکلا[5] قلعه داردکه برکنار شاهراه شاه‌عباسی است.

ابن اسفندیار می‌نویسد که وقتی‌که افراسیاب منوچهر را دنبال‌کرد، او به رستمدار آمد وپس از چندی‌که در خورشیدرستاق آواره شد در چلندر درمحلی‌که کوهستان خیلی به‌دریا نزدیك است، پناه جست. درآنجا میان دیهای ونوشده وکنس، خندق بزرگی حفرکرد و با همراهان خود درآنجا ماند و خانوادهٔ خودرا به‌قریهٔ موز (در نسخه‌های خطی مور) فرستادکه درآن وقت مانهیر نام داشت‌که در یك‌طرف آن

۱ـ بفتح قاف.　۲ـ بکسر تاء.　۳ـ بفتح هاء وتاء دوم.　۴ـ بفتح‌میم.

۵ـ در دفاتر دیوانی «منوچهر کلا» نویسند.

کوه غار بزرگی است. منوچهر خزاین و دفاین خود رادرآن‌غارپنهان‌کرد ودرمدخل آن قلعه‌ای ساخت که در زمان‌مؤلف به‌نام«دزمنوچهر» شهرت داشت. درزمان‌کوچك علوی از همین‌غار خزاین‌بسیار به‌دست‌آمد.[۱]

اسماعیل‌کدخدای درزن[۲] به‌کلنل ولزگفته‌بودکه درنوررودبار قلعه‌ای‌غیرقابل تسخیر به‌نام قلعهٔ مور وجود دارد.[۳]

بقعهٔ طاهر و مطهر ومدفن ملك‌کیومرث استندار در اراضی دهکدهٔ هزارخال[۴] حومهٔ شهر کجور

قدیمیترین سندی‌که درآن از بقعهٔ طاهر و مطهر یاد شده است، تاریخ گیلان سیدظهیرالدین مرعشی است. نامبرده در سال ۸۶۳ هـ. ق. از قریهٔ هزارخال‌واین‌بقعه دیدن‌کرده ، این شرح را دربارهٔ‌آنجا نوشته‌است :

« روزجمعهٔ بیست‌وهفتم شوال‌سال ۸۶۳ به‌قریهٔ هزارخال‌که مزار مبارك حضرات سادات‌کرام سیدطاهر ومطهرآنجا است وملك‌مغفور ملك‌کیومرث جهت آن دوپاك‌زادهٔ عصمت‌پناه قبه‌ای عالی‌ساخته است و وصیت‌کرده‌که او را در قدم‌آن سیددفن‌کنند و قبر اورا به‌دو شبر از قبورآن سادات پست‌تر برآورند و همچنان‌کردند. واقعاً‌ملك مرحوم درایام دولت خودبسیارازاین خیرات‌کرده است و هرجاکه درآن ولایت‌نشان مزاربزرگی ازبزرگان‌دین

۱ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۲۹.   ۲ـ بفتح‌دال‌و زاء و سکون راء .

۳ـ «Across the Elborz mountains to the Caspian sea» by Lt.Col.H.L. Wells in the Scottish geographical magazine jan . 1898 .

۴ـ هزارخال : ده از دهستان کجور بخش مرکزی نوشهر ، سه کیلومتری جنوب کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

داده بودند به بالای آن عمارت مرغوب بفرمود ساختن . فی الجمله فراخور ملك خود وقعی بنهاد و متولی بنشاند تا به مستحقان طعامی برسانند و برسر راهها در هر مواضع که از آبادانی دور بود بفرمود تارباطی بساختند.»[۱]

میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه در رکاب ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۳ هجری قمری، از این بقعه دیدن کرده(عکس شمارهٔ ۵۳) و شرح زیر را دربارهٔ آن نوشته است:

«قریهٔ هزارخال در نیم فرسخی شهر کجور ، نزدیك ناجردشت و صالحان است که اردوی همایونی امسال در بین این سه قریه متوقف و مـن در روز جمعهٔ بیست وهفتم شهر شوال المکرم سنهٔ هزارو سیصدوسه، به قصدزیارت و تفتیش اولیّت وکیفیت بنای مشهد امامزاده‌ها که در آنجا مدفونند بـه قریهٔ هزارخـال درآمدم. درایـن قریه پنجـاه خـانوار بود، تمام آنها از ایـل خاجوندند و بین ایشان اصلاً خانواری از مازندرانیان نیست واین طایفه را شاه شهید آقامحمدشاه قاجـار حشرّه الله مع الائمة الابرار از گرّوس وکردستان کـوچانیده ، بـدین سرزمین مرتع و مـراعی داد تا رفـع سرکشی وطغیان مازندرانیان بدیشان شده، اشرار رستمدار وهمجوار آن از حلقـهٔ اطـاعت بیرون نشوند و از جادهٔ اعتدال به طرف دیگر نروند.چراکه اهالی طبرستان در ابتداء سلطنت شاه شهید خالی از شرارت نبودند و یا مـی خواسته است دفع شر این طایفه را ازگرّوس وکردستان بفرماید.»[۲]

بقعهٔ مبارکهٔ امامزادگان در این قریه واقع است و بـدواً گنبد و بارگاه و صندوق آن به امر ملك کیومرث بنا شده است ونیزخود وی را بعد از وفات

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ نگارنده ، ص ۲۹۶ و ۲۹۷ . ۲ــ مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۸، شمارهٔ ۷۳۲، برگ ۵۰۷ الف و ب .

در آنجا دفن‌کرده‌اند . در بنای این بقعه آنچه که به‌نظـر رسید از ایـن قرار است :

چون از در اول داخل‌شدم ، صحنی به‌نظرآمدکه فضای آن مدفن امـوات بود و دیوار اطراف‌آن در غایت‌کوتاهی و به‌حالت خرابی وتباهی‌آمده، در وسط این‌صحن گنبد وبارگاهی برپا شده است‌که درنهایت رفعت و استحکام است. چون خواهی‌که داخل بقعه‌شوی، دری به‌نظرآیدکه ازچوب جنگل ساخته و رویش را منبت‌کرده‌اند برروی مصراع آن‌درکه دروقت دخول به یمین واقع شده، این‌فقره را به خط رقاع نوشته‌اند:

امر بهذاالباب المشهدالمبارك الملك‌المعظم .

و در مصراع‌که در سمت یساراست، این‌فقره نوشته‌شده :

جلال‌الدوله‌کیومرث‌بن شرف‌الدوله بیستون استندار.

و در جبههٔ قطری مصراع راست این‌عبارت به‌نظررسید:

عمل محمدبن‌حسین‌کیاکردی .

چون از این‌در داخل‌شوی، رواقی تنگ باشد و طولش ازجنوب به شمـال هشت مترونیم و ارتفاعش ازسطح زمین تا سقف‌که قوس و هلال ساخته‌اند، پنج‌متر است و در یمین و یسار این رواق دوصفهٔ بزرگ‌بسته شده است که در زیرآن مقبره‌ای به‌نظر آمد. لیکن بنای این دوصفـه بخـلاف بناهای دیگر این بقعه، جدید است. براطراف این رواق دوکتیبه نوشته شده است که آنها را برروی‌گچ با رنگ سرخ وکبود مرقوم داشته‌اند. اغلب جاهای این دوکتابه محو شده وگچ‌آن ریخته شده است وکنون آنچه‌که از کلمات آن‌کتابه باقی مانده در این‌جانوشته شده و به‌جای‌کلماتی که خوانده نشده چند نقطه‌گذاشته می‌شود :

.... السلام علیك یا ابراهیم خلیل‌الله السلام علیك یا اسمعیل‌ذبیح‌الله السلام‌علیك یا موسی‌کلیم‌الله السلام‌علیك یا عیسی روح‌الله السلام علیك یا وارث محمدبن عبدالله.... السلام علیك یا وارث‌امیرالمؤمنین ... فاطمه و حسن وحسین وزین‌العابدین ومحمد... بحق‌المحمد وانت‌المحمود و بحق علی‌وانت علی‌الاعلی و بحق فاطمه و انت فاطرالسموات‌والارض و بحق الحسن وانت‌المحسن وبحق‌الحسین والیك یرجع‌الاحسان ... واغفرذنبی و استرعیبی بفضلك وکرمك یاربی .

ونیز کتابه‌ای باریك بالاتر ازکتابهٔ اولی است که تمام آن یك‌سطر وبالای سردر رواق دوم نوشته شده است . آنچه که خوانده شد از این‌قراراست:

... تحتهاالانهار ... والذین معه‌اشداء علی‌الکفار ...سراجاً منیرا ... و شاهداً وبشیرا ونذیرا ... فاوفی الی‌عبده ما اوحی ... وکان‌قاب قوسین اوادنی ...سبحان‌الذی اسری ... من‌المسجدالحرام الی‌المسجدالاقصی ... و هردوی این‌کتابه به‌خط ریحان است .

از این رواق مذکور به رواقی دیگرکه مانند مسجد و واقعاً دارالحفّاظ این بقعه است ، داخل می‌شود و دری دراین‌جا نصب است‌که روبروی درب‌اول واقع شده است . درهرمصراع دری، چهار سطر نوشته شده‌که دو سطر آن فوقانی و دوسطر تحتانی است و مرقومات آن بدین تفصیل‌است :

مصراع طرف دست راست	مصراع طرف دست چپ
قدتم هذاالباب بامرالسلطان الا	عظم مالك‌رقاب الامم‌السلطان
ملك‌کیومرث‌خلدالله‌ملکه‌وسلطانه	واوضح‌علی‌العالمین برّه واحسانه
تحتانی	تحتانی
فی‌تاریخ‌جمادی‌الاولی سنة‌تسع واربعین	وثمانمائةالهجریةصانعه استاد یوسف‌بن
نجار فیروزی متولی هذالزیاره	الشیخ حسین‌گالش

این در به‌رواق دوم باز می‌شودکه دارالحفاظ بوده و ازبرای انعقـاد صفوف جماعت وسعت مکان دارد وعرضش ازجنوب تاشمال هشت مترونیم و طولش از مشرق الی مغرب چهارده متر است . در این رواق در سمت‌جنوب صفهٔ محراب‌داری برپاشده ونیزروبروی‌آن‌هم‌صفه‌ایست‌که پنجره‌ای بردیوارآن قرار دارد و آن پنجره روبه‌صحن باز می‌شودکه از بیرون رواق بـه درون روشنائی داخل می‌شود و طاق این رواق مانند رواق اول از آجر و به طور هلالی ساخته شده است . از این رواق به روضهٔ مطهر و مرقد منور داخل می‌شودکه دری درآنجانصب‌شده است‌که‌روبروی درب اول ودرب‌ثانی‌است. این در بخلاف درهای دیگر ساده وبی‌نقش ونگار است . بالای‌سراین‌در، سنگی نصب کرده‌اندکه این عبارت برروی‌آن نوشته‌اند :

عمل استاد حسین بن علی‌بناء آملی‌الحسینی .

از این در به روضهٔ مطهره باید رفت ، سطح ایـن روضه مربع و منتظم و متساویةالاضلاع است که طول هرضلعش هشت‌متر و نیم و ارتفاعش از سطح زمین تا قاعدهٔطاق، ده‌متر وازقاعده تا ذروهٔگنبد که منتهی به‌نقطهٔمخروطی است، چهارمتر بود و طاق‌گنبد به‌وضع‌نصف‌کره و مانند اسطوانی است واز بیرون به‌شکل منشوری است.

از وسط دیوارهای‌جنوبی وشمالی،دوپنجره روبه صحن به جهت روشنائی و نفوذ هوا گذاشته‌انـد وآن پنجره‌ها را ازچوب جنگلی مشبك ساخته‌اند . طول هرپنجره‌هشتاد وعرض‌آنها چهل‌سانتیمتر است. در هر دیواری سه‌عدد طاقچه‌نما ساخته بودند و از وسط طاقچه‌نمائی‌که در دیوار غربی وروبروی درب بین رواق و روضهٔ مطهره بود ، سپری برجسته و محدّب ازگچ ساخته

بودندکه قطر آن هشتاد سانتیمتر به‌نظر آمد و شکل ساعدی فقط از رنگ نقش کرده بودندکه‌دردست‌شمشیری‌گرفته وآن را تاوسط، درپشت‌سپر به‌کار برده بودند.

در اطراف این‌روضه، سه‌کتابه دیده‌شدکه بکلی اثری ازآنها باقی نمانده‌و گچهایش ریخته بودو بهیچوجه خوانده نمی‌شد، ولی درکتابهٔ اولی بعضی کلمات ملاحظه‌شدکه لفظ «کیومرث» و«جلال» و «الحمد» نوشته شده بود. معلوم شدکه این‌کتابه‌باکتابهٔ‌صندوق اول‌که نوشته می‌شود مطابق واختلافی نداشت و این‌کتابه‌هاکه خوانده نشد، به خط ریحان و تعلیق بود. نیز در دو طرف هر طاقچه‌نمائی به خط کوفی،مربعی قرارداده‌که به‌طرز«مقرنس عرابی=عرابیسك» بعضی کلمات ازآیات‌قرآنیه واحادیث‌نبویه وصلوات و سلام نوشته شده بود.

در وسط گنبد، دوصندوق، یکی بزرگتر و دیگری‌کوچکتر واقع شده. صندوق بزرگ که طرف دست‌چپ است، مرقد دو امامزادهٔ بزرگوار است. طول این صندوق دومترونیم وعرضش یك‌متر ونیم و ارتفاعش نیز یك مترو نیم است. باآنکه چهارصد وشصت وسه‌سال است که این صندوق دراین‌جا قراریافته است، باز هنوز در غایت‌صفا ونهایت‌استحکام‌است.هیچ‌عیبی درآن ظاهر نشده بلکه مثل‌آنست‌که‌تازه‌این‌صندوق‌را آماده‌کرده‌اند.خوشنویس‌و نقاش و نقاره‌چیان صنعتی در این صندوق به‌کار برده‌که هرصانع ماهری‌در اظهارچنان صنعت قاصر و به‌لسان انصاف به‌استادی آن صنعتگران‌اعتراف کنند.دراین صندوق دوکتابه یکی‌بالاودیگری پایین به‌خط نسخ وریحان دیده می‌شده و در وسط‌کلمات گلکاری ونقش ونگارمنحوت شده است و در حاشیهٔ‌کتابهٔ بالای صندوق این عبارات وافیه وبیانات‌کافیه دیده شد:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی‌خیر خلقه محمد وآله[۱] الطیبین‌الطاهرین اما بعد فان‌الملك‌الاعظم مالك رقاب‌الامم اعدل‌الملوك والسلاطین اعتضادالحکام والخواقین المؤید بتائیدرب‌العالمین جلال ا[۲]لحق والدولة والدین ابوالمظفرالملك کیومرث‌بن‌الملك المرحوم المغفورالشهید[۳] (عکس شمارهٔ ۵۴). الملك بیستون خلّدالله تعالی سلطنة الی‌یوم‌الدین و رحم‌ابائه و اسلافه الصالحین امر بنحت‌هذه الصندوق المرقدالمنور.[۴]

و درکتابهٔ طرف پائین صندوق از قرار ذیل نوشته شده است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله‌لااله‌الا هوالحی‌القیوم لاتأخذه سنةٌ ولانوم لهما (دراین سطر طرف دیگر چیزی نوشته نشده بود)[۵].

اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفی و علی‌علی‌المرتضی و حسن‌الرضا وحسین‌شهید الکربلا[۶] و زین‌العابدین و محمدباقر و جعفرالصادق و موسی‌الکاظم و علی موسی‌الرضا و محمدتقی و علی‌نقی و حسن‌العسکری وحجة‌القائم امام محمدالمهدی صلوات‌الله‌علیه[۷] وعلیهم‌اجمعین والصلوة علی‌صاحبی هذاالمرقد المنورامامین‌الهمامین السیدبن‌الشهیدبن‌الکاملین الفاضلین‌الصادقین[۸] الطاهرین[۹] المطهرین ابنا امام‌العالم العادل والشرع الناظم وهوموسی‌الکاظم

۱ــ تا اینجاکتیبهٔ قسمت بالای سراست. ۲ــ تا اینجاکتیبهٔ بدنهٔ شمالی صندوق است. ۳ــ اعتمادالسلطنه«سعید» خوانده است. الف و لام وشین کلمهٔ «شهید» در کتیبهٔ پایین پا است. ۴ــ اعتمادالسلطنه کلمهٔ «المنور» رانخوانده است. ۵ــ منظور، چیزدیگری درسطر این طرف نوشته نشده بود. ۶ــ اعتمادالسطنه کلمهٔ «کربلا» را بدون الف ولام ضبط کرده است. ۷ــ تا اینجا کتابهٔ بدنهٔ شمالی صندوق است. ۸ــ جای کلمهٔ «الصادقین» را اعتمادالسلطنه نقطه چنین کرده است. ۹ــ تا اینجا کتابهٔ پایین پا است.

علیهم‌التحیة و الرضوان تم‌هذاالصندوق‌الشریف و العمل‌الظریف علی‌ید الاستادالاجل‌المخدوم استاد محمدبن‌الحسین النجارالمعروف بکیا کردی ولایة رودی کتبه محمودبن‌النجیب‌الرستمداری[1] غفرله (عکس شمارهٔ ۵۵). در زیر این کتابه طرف پایین پا، در طرف مشرق در ورودی محجرصندوق بدین عبارت تاریخ نخست این صندوق را نوشته‌اند: فی‌تاریخ ربیع‌الاخر سنة اربع وثمانمائةالهجریة.[2]

صندوق ثانی کوچکتر و در طرف ایمن صندوق اول و سمت شمالی است. دراین صندوق ملك‌کیومرث مدفون است. عرض و طول این صندوق بااولی مساوی است اماارتفاعاً نیم مترکوتاهتر ازآن صندوق است[3] و دراین‌صندوق نیز دوکتابهٔ فوقانی و تحتانی است و بعلاوه در هر طرفی از چهار طرف دردوخط عمودی بطرف عرض دوکتابهٔ دیگر باشد وطرز خواندن‌کتابه‌های این صندوق باید از طرف مغرب سمت بالاسر ابتدا شود. اول سطر اول فوقانی، بعد به خط تحتانی و بعد به دوکتابه خط عمودی شروع شده، آنوقت در طرف دست چپ رو به شمال باید میل کرد و آنجا را خواند تا هرچهار طرف اتمام یابد. در این کتابه‌ها صلوات و سلامی که درصندوق اول نوشته شده بود، در اینجا تا امام دوازدهم نوشته شده، بعداً سورهٔ «انافتحنا» را الی «بماتعلمون خبیراً» نقاری کرده‌اند.»[4]

۱ـ کلمهٔ «رستمداری» روشن خوانده نشد. ۲ـ کلمه‌ای نظیر «وسلم» بعد از «الهجریه» نوشته شده است. ۳ـ اندازهٔ صندوق مرقدملك کیومرث: درازا ۲۱۰ و پهنا ۱۱۳ و بلندی ۸۹ سانتیمتر است. ۴ـ تااینجا عبارات میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه است.

طرف غرب یعنی بالاسر صندوق ملك کیومرث کتیبه‌های زیر است :

کتیبهٔ بالا :

«اللهم صل علی المصطفی وعلی علی المرتضی وعلی حسن الرضا وعلی حسین شهید بکربلا وعلی زین العابدین وعلی محمد الباقر ».

کتیبهٔ پایین :

« وعلی جعفر الصادق وعلی موسی الکاظم وعلی علی موسی الرضا وعلی محمد تقی و علی علی النقی و علی حسن العسکری و محمد المهدی».

طرف شمال این صندوق کتیبه‌های زیر خوانده می‌شود :

کتیبهٔ بالا:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لك فتحاً مبیناً ـ تا ـ انزل السکینة فی».

کتیبهٔ پایین :

«قلوب المؤمنین لیزدادوا ـ تا ـ خالدین فیها و یکفر عنهم».

کتیبهٔ عمودی سمت راست از بالا به‌پایین:

«سیئاتهم و کان ذلك عندالله ـ تا ـ المنافقین والمنافقات».

کتیبهٔ عمودی سمت چپ از بالا به‌پایین :

« والمشرکین والمشرکات ـ تا ـ علیهم دائرة السوء».

طرف شرقی صندوق مرقد ملك کیومرث :

کتیبهٔ بالا :

«هذا الصندوق الروضة السلطان الاعظم الاعدل مالك رقاب الامم سلطان العرب والعجم» (عکس شمارهٔ ۵۶).

کتیبهٔ پایین :

«المؤید بتأیید الملك الجبار والمعتصم بولایة علی المختار کیومرث بن بیستون

استندار فی‌سنة ثمانة و خمسین و ثمانمائة».

طرف جنوب صندوق مرقد ملك کیومرث (عکس شمارهٔ ۵۷):

کتیبهٔ بالا :

« وغضب‌الله‌علیهم‌ولعنهم ـ تا ـ تسبحوه بکرة واصیلا» .

کتیبهٔ پایین:

«ان‌الذین یبایعونك ـ تا ـ واهلونا فاستغفر لنا».

کتیبهٔ عمودی دست‌راست از بالا به‌پایین :

«یقولون بالسنتهم‌مالیس ـ تا ـ من‌الله شیئاً ان».

کتیبهٔ عمودی دست چپ از بالا به‌پایین :

« ان[1] ارادبکم‌ضراً ـ تا ـ بماتعلمون‌خبیرا».[2]

« درطرف پایین‌پا درکتابهٔ تحتانی این‌عبارت ملاحظه شد:

المؤید بتأئیدالملك‌الجبارالمعتصم‌بولایه‌علی‌المختارکیومرث‌بیستون‌استندار فی‌سنة ثمانیة و خمسین وثمانمائة .

در صنعت نقاری و نقاشی و خطاطی‌این‌صندوق هم مثل صندوق اول‌پاکیزه‌و مرغوب ، بلکه امتیازش بیشتر است.

در رواق و روضه بیش از این انکشافی نبود ولی در بیرون بقعه و بـارگاه که وسط صحن مبارك واقع شده ، براطراف چهار دیوارآن بقعه دو کتابـه بلافاصله در زیرهم نوشته شده است. اولی برروی آجرهای نظامی ناپخته به خط ریحانی نوشته‌اند، بعداً آجرها را پخته بطور لوحه برروی دیوارها

۱ـ کلمهٔ «ان» درابتدای این کتیبه مکرر آمده است . ۲ـ سورة الفتح ، ۴۸ : آیات ۱ـ ۱۱ . چون نقل اعتمادالسلطنه ناقص بود تا اینجا را نگارنده ازروی‌صندوق مرقد ملك کیومرث نقل کرده است .

نشانیده بودند و خطوط کتابهٔ فوقانی، از دیوار رو به‌جنوب شروع شده. بعد از بسمله، آیةالکرسی تا «وهوالعلی‌العظیم» و بعدازاین تاریخ را نوشته‌بود (فی‌سنة تسع و عشرین وثمانمائة).

کتابهٔ دوم تحتانی را نیز مثل کتابهٔ فوقانی شروع کرده ، به همان قلم بعداز بسمله، سورهٔ مبارکهٔ «فتح» تاآیهٔ «والمشرکین والمشرکات» نوشته‌شده‌است. ابتداء این دوکتابه از دیوار رو به‌جنوب و انتهی روبه شمال است و درسر دیوارغربی که بالای درب امامزاده است، بقیهٔ این دوکتابه است که بعضی آجرهای آن ریخته و برخی منصوب است . آجرهای ریخته را آنچه‌راکه نزد متولی موجود بود با آجرهای منصوب وفق داده، کلماتی که دیده شد دراینجا نوشته می‌شود:

هوالملك‌العزیزالملك‌الاعظم‌الاعدل خسرو ایران‌خلاصهٔ اکاسرهٔ جهان معین امیرالمؤمنین ... ملك‌کیومرث خلدالله‌تعالی‌سلطنته‌ابن‌ملك‌المغفورالمبرور ملك‌شرف‌الدولـه بیستون استندار علیه‌الرحمة والغفران کتبه محمودبن نجیب‌الرستمداری فی‌تاریخ‌ثمان وعشرین و ثمانمائه».[۱]

آنچه از کتیبه‌های دیوار بنا امروز برجای‌است

کتیبهٔ بالای ضلع جنوبی :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله‌لااله الاهو ـ تا ـ مافی‌الارض‌من».

کتیبهٔ پایین ضلع‌جنوبی :

۱ـ از اینجا به‌بعد اعتمادالسلطنه از قول مورخین عمودنسب ملك‌کیومرث را تا آدم صفی‌الله نوشته است که مانقل آن‌را لازم ندانستیم .

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انّا فتحنالك فتحاً ـ تا ـ نصراً عزیرا هو» (عکس شمارهٔ ۵۸).

کتیبهٔ بالای ضلع غربی :

« ذالذ . . . عنده . . . یهم و ماخلفهم ولا یحیطون بشیيءٍ من علد. . . . . شاء وسع کرسیه ».

کتیبهٔ پایین ضلع غربی :

«الذی انزل سکینة فی قلوب ... نهم ... جنودالسموات والارض وکا .... یدخل المؤ ... ثمان وعشرین» (عکس شمارهٔ ۵۹) .

کتیبهٔ بالای ضلع شمالی :

«السموات والارض ولا یؤده حفظهما و هوالعلی العظیم فی سنة تسع عشرین و ثمانمائة الهجریة النبویة وکل ح ...».

کتیبهٔ پایین ضلع شمالی :

« من تحتها الانهار خالدین فیها ... المنافقات والمشرکین والمشرکات».

کتیبهٔ بالای ضلع شرقی :

« حکم ... احد... کام ... ح ... هوالملك العزیز کتبه محمود بن نجیب ـ الرستمداری امر بعمارة المبارك ذوالهجریه مطهر منور فی تاریخ مادعلیها...»

کتیبهٔ پایین ضلع شرقی :

«الملائکة الاعظم الاعدل المغفور المبرور» [باقی کلمات جا بجاست وریخته است].

از آنچه که اعتمادالسلطنه از آنها یاد کرده است فعلاً بنای اصلی بقعه وصندوقها و دارالحفّاظ برقرار است (عکس شمارهٔ ۶۰) . دو زوج در اصلی بقعه و دارالحفّاظ به سرقت رفته است و داخل بنای بقعه بر اثر تعمیرات مکرر با آنچه اعتمادالسلطنه

شرح داده است تفاوتهای بسیار دارد. از کتیبه‌های داخلی و نقش‌ونگارها وسپر گچ بری برجسته و سایر نقوش هیچگونه اثری نیست .

بنای اصلی از داخل مربع و بدابعـاد ۵۴۰ × ۵۴۷ و ازخـارج ۸۴۰ × ۸۴۰ سانتیمتر است . برچهارگوشهٔ بنا چهارگوشوار زده‌اند وکمربند هشت‌ضلعـی گنبد را به‌وجودآورده‌اند و طاق را بردو ردیف مقرنس آجرکاری زده‌اند. در ورودی اصلـی، شرقی است و بربالای آن خفنگی چوبین مشبك است. درهر یك از اضلاع دیـگر دو طاقنما ساخته شده است و قسمت بالای در ورودی نیزدو طاقنما دارد. دربدنهٔ جنوبی و شمالی بقعه ، دریچه داشته که فعلاً گرفته‌اند.

دارالحفّاظ این بقعه متصل به ضلع شرقی است و شامل محوطه‌ای چهارضلعی به ابعاد ۳۱۲ × ۳۹۸ سانتیمتر و چهارطاقنما در چهار ضلع بناست که دارای طـاق جناقی‌هستند. در ضلع جنوبی دورف‌مانند‌است که‌درآنها دوخفنـگ نورگیر نصب شده است . درورودی دارالحفّاظ شرقی است وبالای‌آن‌خفنگی مشبك چوبین نورگیراست. سقف‌این قسمت بنا گنبدی است.

بالای در ورودی دارالحفّاظ این شرح با خطی خوش‌نسخ‌نوشته شده است:

«هوالله تعالی‌شأنه

حسب‌الامر و فرمایش اعلیحضرت قدرقدرت ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه الی دارالقرار در سنهٔ ۱۳۰۲ برای تعمیر گنبد مطهر امامزاده طاهرو مطهـر علیه‌السلام‌بعمدةالامراء العظام ولیخان‌سرتیپ‌میرپنجهٔ تنکابن ... که محض‌اجردنیا وآخرت‌مخارج رامتحمل‌شده تعمیر نماید‌لهذا بسرکاری بندهٔ درگاه‌آقا ... بیـگ‌نایب فوج دراواخر سنهٔ ۱۳۰۴مطابق‌شهر ذیعقدة‌الحرام در سال فرخنده‌فال تنـگوزئیل انجام پذیرفت . »

در محوطهٔ اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است اما سنگهای قبور مورخ آن میان سالهای ۱۲۹۰ـ۱۳۰۹ هـ . ق . است.

مرقد سیدمحمد کیا دبیر صالحانی در دهکدهٔ صالحان[۱] حومهٔ شهر کجور

نسب او را میرظهیرالدین چنین یادکرده است :

«محمدبن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن ابن علی المرتضی علیه وعلیهم السلام .»[۲]

اما مولانا اولیاءالله به‌اشتباه حسن‌مثنی را حسن بن امیرالمؤمنین پنداشته و نام او و نام پسرش زید را از قلم انداخته و قاسم را پسر حسن بن علی علیه‌السلام دانسته است.[۳] سیدظهیرالدین می‌نویسد که مردم اورا «سلطان کیمدور»[۴] نیز می‌خوانند.

۱ـ صالحان: ده ازدهستان توابع کجور بخش‌مرکزی‌شهرستان‌نوشهر، شش کیلومتری جنوب شرقی‌کجور (فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج۳). ۲ـ تاریخ طبرستان ورویان و مازندران، ص ۲۰۱ و۲۰۲. ۳ـ در تاریخ‌رویان ص ۸۷ و ۸۸ و ۹۰ از این شخص یاد شده است. ۴ ـ لغت « کیمدور » ظاهراً طبری نیست و ریشه و اشتقاق آن شباهتی به واژه‌های طبری ندارد . احتمال داده‌ایم این لغت ترکی باشد و شاید این داستان محلی به‌حل آن کمکی کند که سلطان‌سنجر آوازهٔ شهرت‌سلطان‌العارفین سیدمحمد کیای دبیرصالحانی را شنیده بود (زمان حیات‌سلطان‌سنجر وسلطان‌محمد اختلاف زیادی با یکدیگر دارد) ازری از راه لارونور به کجور آمدتااورا ببیند وقتی به گردنهٔ‌قرقدرسید و سرازیر شدنیت کرد سیدرا گوشمالی‌دهد کوه به امرسلطان محمد به‌لرزش درآمد. سلطان‌سنجر وحشت کرد ونیت بگردانید . ندا رسید که کوه ملرز وتا امروز این کوه به همین نام‌معروف است . بالاخره سلطان‌سنجر به زیارت سیدمحمد نائل آمد و دست ارادت بدو داد. سلطان‌سنجر هنگام‌حرکت ازروی تخفیف واستحقار پرسیده بود «سلطان کیمدور» یعنی‌سلطان کیست ؟

این بقعه را سیدظهیرالدین روز دوشنبه بیست و ششم ذی‌القعدهٔ سنهٔ ۸۷۱ زیارت کرده، عین عبارات او چنین است :

« شب سه‌شنبه به قریهٔ صالحان به‌سر برده شد و زیارت سلطان المحققین سیدمحمد کیای دبیر قدس سره را به شفاه ادب مقبل و ملثوم ساخته آمد.»[۱]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه در رکاب ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۰۳ ه. ق. از این محل دیدن کرده و دربارهٔ آن چنین نوشته است :

«قریهٔ صالحان را باقریهٔ هزارخال که بدان اشارتی شد مسافت به قدرمیدانی بیش نیست . روز یکشنبه ۲۹ شوال سنهٔ ۱۳۰۳ که در رکاب نصرت انتساب همایونی بودم و دراین سفر از ملتزمین محسوب می‌شدم ، به قریهٔ صالحان از توابع کجور که خاك رویان می‌باشد درآمدم و در بقعهٔ مبارکه رفتم . این بقعه در زلزلهٔ معروفه که پیش از نودسال یا صدسال در تمامی ممالك محروسهٔ ایران به وقوع آمد منهدم وخراب شده و جز چهار دیوارمخروبه اثری باقی‌نمانده ودرتپه‌ای در جنب جنوب غربی صالحان واقع است . دراین چاردیوار یك رواق و یك‌بقعه است‌که بلندی دراین رواق یك مترو بیست وپنج سانتیمترو عرضش‌نود سانتیمتر است. یك لنگهٔ این درمخصوص به درآن بقعهٔ دیگراست‌که پس‌ازخرابی اهل این‌قریه ندانسته این‌لنگه‌را به عوض دراین درگذاشته‌اند و لنگهٔ این در به‌آن دربقعه نصب‌کرده‌اند. به خط ثلث به چهارچوب‌های این درکتابه‌ای نوشته‌اندکه صورت‌آن ازاین قرار است :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنالك‌فتحاًمبیناً ــ الی ــ عندالله فوزاً عظیماًالله مفتح‌الابواب مسبب‌الاسباب هذاباب عمارةالمشهدالمقدس وتربة معطرسلطان

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان،ص۳۲۴ .

العارفین برهان المحققین تاج الواصلین خلیفة رسول رب العالمین ابوالمعارف سلطان محمد دبیر کیاصالحانی قدس الله سره امـر بهذاالمعارة و الباب الملك الاعظم والاستندار المعظم جـلال الدوله ملـك اسكندر بن الملك المرحوم شرف الدوله بیستون خلدالله ملکه و طـاب ثراه فی تاریخ مـاه مبارك محرم سنهٔ عشرین و ثمانمائه الهجریه النبویه .

ایـن در در رواقی است که مساحت داخلش طولاً و عـرضاً پنج و از سطح زمین تاقاعدهٔ طاق شش متر است . دو طاقنما در دیوار شمالی و یك طاقنما در دیوار جنوبی دارد . دراین بقعه سنگ پاره‌ای به شکل شبه‌اسطوانه از جنس گرانیت به نظر آمد، چون روی سنگ را پیسه گرفته و اغلب جاهای آن حك و نـابوده شده بود خطوطی بـه وضع نسخ قدیم نوشته بودند کـه درست خوانده نمی‌شد، آنچه به نظر آمد ازاین قرار است :

لااله‌الاالله محمدرسول‌الله هـذاقبرمبارك سلطان العارفین و قطب الـواصلین سلطان محمدکیابن . . . . . . فی . . . . قدس‌سره العزیز . . . الله . . .مایه. . . .[1]

اگرچه ازاین عبارت واضح شد که این سنگ سنگ مقبرهٔ ایـن بزرگوار است اما لفظ سلطان و قاعدهٔ خط شهادت نمی‌دهد که سنگ مذکور ازآثار مائهٔ دوم یا سوم باشد . طول سنگ ۷۰ و قطر وسطش ۴۵ سانتیمتر است . هرچند تخته‌های در دوم که داخل روضه می‌شود ، درجای خود بودند ولی از لنگهٔ چپش که در درب اول و از لنگهٔ راست آن که در رواق دوم افتاده بود کتابهٔ آتیه که در چهار سطر به خط رقاع نوشته بودند خوانده شد :

۱ــ در قسمت بالای کلاهك سنگ « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » و در وسط کلاهك کلمهٔ « الله » نیز خوانده می‌شود. مقداری ازآخر رونویس اعتمادالسلطنه امروزشکسته وازمیان رفته است .

قدتم هذاالباب فی‌اوان الدولة السلطان الاعظم مالك‌الرقاب والامم جلال‌ـ الدولة ملك‌کیومرث . . . خلدالله ملکه وسلطنته .

بلندی این در یك متر وهشتاد سانتیمتر و عرضش یك مترو پانزده سانتیمتر است و گشوده می‌شود به روضهٔ مطهره که مرقد و مدفن سلطان محمدکیا دبیر و ملك‌کاوس است.[1] این بقعه مثمن‌الزاویه و هرزاویه، دارای سه طاقنماست که برروی یك دیگر واقع شده . قطر بقعه از قاعدهٔ زاویه‌ها شش‌متر و از سطح تا قاعدهٔ طاق هشت متر است و ارتفاع طاق‌هم‌گویا ۳/۵ متر بوده است .

دربالای طاقنمای اول اسم مدفونین بقعه و بانی و مأمور و تاریخ بنا را به خط ریحان وبه قلم سه سانتیمتری به روی گچ به رنگ سیاه‌کتابت‌کرده‌اند اما ازآنکه اغلب جاهای‌آن خراب شده بود به طور مطلوب خوانده نشد مگر این کلمات که نوشته آمد :

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ... سلطان‌السلاطین و خاقان الخواقین .... ملك اسکند .... خلدالله ملکه ... ابن‌صاحب دیوان آقا محمدکزازی . . . سلطان‌العارفین برهان‌المحققین ابوالمعارف سلطان محمد دبیرکیا سلطان طبرستان ... سنه...[2]

بالای طاقنمای دوم به خط خوش و مرغوب سورهٔ یس کتابت شده. در هر طاقچه‌هم ازآیات شریفه و احادیث منیفه‌کتابه‌ای‌کرده‌اند[3] و چهار پنجره در طاقنماهای جنوبی وشمالی وغربی قرار داده‌اند.

۱ـ از این درها هیچ اثری نبود.یك‌زوج‌ازاین‌درها درخانهٔ متولی است و او از نشان دادن آنها امتناع کرد . ۲ـ ازاین‌کتیبه امروز اثری برجای نبود . ۳ـ از این کتیبه‌ها امروز کوچکترین اثری‌برجای نیست.

در وسط روضهٔ مطهره یك سنگ دستاس و یك کلاهك گلدسته از مس ومطلاو یك میل آهنی به نظر آمد. چون اثر تاریخی در آنها نبود از متولی این بقعهٔ مبارکه استفسار کردم معلوم شدکه در اینجا منارهای ازچوب بوده که قنادیل بر آن آویزان می‌کردند و کلاهك هم مخصوص بهسر آن‌مناره بوده و میلهٔ آهنی از برای تقویت و محافظت کلاهك بهسرمناره گذاشته می‌شده است و سنگ آسیا هم در رواق اول در وقت حفرقبری بهدست آمده است.[1]

بعد از آنکه بهخردو ریز و تخته شکستههای صندوقهای پای قبور نگاه کردم ودقت نمودم واضح شدکه در این بقعه دوصندوق بوده است.

صندوق اول خواه از صنعت‌کتابت و نقاشی و خواه ازنقّاری وسایرآثارمثل صندوقهٔ امامزاده طاهرین است که در قریهٔ هزارخال دیده شد و معلوم شد که حاشیهٔ اول صندوقه بعد ازبسم الله، آیةالکرسی وصلوات وسلام برحضرت خاتم‌الانبیا و ائمهٔ اثنی‌عشر را نوشته و بعدازاین کتابه راکه اول آن بهدست نیامد نگاشتهاند:

... ملك‌کیومرث جعل‌الله ظلال عدالته مؤیداً علی رؤس‌المؤمنین الی‌یوم‌الدین ابن‌غفران‌پناه فردوس دستگاه ملك‌بهمن طاب‌ثراه وجعل‌الجنه‌مثواه فی‌تاریخ ذی‌الحجه سنةاربع وستین و تسعمایه عامل هذاالصندوق‌المبارك اقل‌العباد علاءالدین بن محمدالنجار وکاتبه العبد حاجی‌محمد گیلانی.

از این‌عبارات مفهوم شد که این صندوق مخصوص به مرقد مبارك امامزاده محمددبیرکیا بوده و ملك‌کیومرث[2] در تاریخ سابق‌الذکرمرمت‌کرده است.

صندوق دوم نیز از جهت‌کتابت و نقّاری ونقاشی و سایرآثار مثل صندوق

۱ـ از این آثارنشانی ندیدم.
۲ـ این ملك‌کیومرث غیرازملك‌کیومرث بن ملك بیستون است.

قبر ملک کیومرث است که در امامزاده طاهرین مسبوق‌الذکر دیده شد و قبر پادشاهی بودن آن مفهوم و معلوم گشت.

در حواشی صندوق ثانی سورهٔ مبارکهٔ فتح‌را قدری نوشته بعدهمان صلوات و سلام راکه در فوق مذکور شد نوشته و ازآن بعد این بیانات کتابت شده است :

هذاالصندوق والمرقدالمنور للمغفور بعواطف‌الملک‌القدوس ملک‌کاوس بن الملک‌کبیر ملک جهانگیر بن‌المرحوم ملک‌کاوس طاب‌الله‌ثراهم وجعل‌الجنة مثواهم و مصنوع فی‌محرم‌الحرام اربع ...

در این بقعه قبرسومی بوده‌که از آثارآن قبر تخته‌پاره‌ای به دست‌آمدکه چنداسمی از اسامی دوازده امام درآن بوده و به‌خط نستعلیق شبیه به‌خط میر به‌نظرآمد لکن بیش ازاین اطلاعی حاصل نشد.[۱] همین قدر به حدس می‌توان‌گفت‌که صاحب این‌قبر یکی از رجال معتبردولت‌صفویه‌بوده است.

در این بقعهٔ مبارکه هرقدر انکشافاتی بود نوشته شد بعلاوه آنکه از متولی امامزاده فرمانی‌کهنه به‌دست‌آمدکه به‌خط نستعلیق نوشته شده بود و خواندنش بحدی اشکال داشت‌که بیرون از وصف است بهرطور بوده اصل فرمان خوانده شد لکن مهر وامضای‌آن‌که مدوّر بوده به‌هیچ‌وجه خوانده نشد و تاریخ آن فرمان هم بعضی کلماتش محو شده بود. صورت فرمان اینست :

نواب وعمال وکارکنان‌کجورستاق‌چون به نشان همیون اطلاع یابند بدانند که درینوقت مشایخان صالحان احسن‌الله تقویهم‌حکم‌حکام ماضیه دردست

۱ــ از پاره‌های صندوق قبرملک کاوس ومرقدسومی‌هیچگونه‌اثری‌امروزموجودنیست و امکان دارد تمام اجزای آن به سرقت رفته باشد.

دارندکه خطابت کجورستاق مثل سرکش و صالحان غیبی تعلق بهما داشته بود اکنون نیز رجوع بدیشان کردیم تا محصولات آن را صرف معاش خود نمایند و بدعاگوئی و خدمتگاری حضرت سلطان‌العارفین برهان‌المحققین واقف اسرار رب‌العالمین سلطان محمدکیا دبیرصالحان بهسر برند و بدعابه دولت ما قیام نمایند و هیچ طایفهٔ دیگر مداخلت ننمایند جز واقفان و مشارکت ندارند و مزاحم احوال ایشان نشوند و بتصرف ایشان بگذارند و تغییر و تبدیل بقواعدآن راه ندهند چون بتوقیع رفیع موشح ومطلع‌کردند اعتماد نمایند و انحراف نجویند برین جوانب روند تا بمجدت و ارتضاء معرفت گردد.

تحریرا فی‌ماه مبارك سنه .... ثمانمائه...»[1]

آنچه امروز برجای است از این‌قرار است :

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است (عکس‌شمارهٔ ۶۱) . درهرضلع‌از داخل صفهٔ کوچکی به دهانهٔ ۲۱۰ وعمق ۸۳ سانتیمتر ساخته شده و بهدوقسمت تقسیم شده‌اند. قسمت پایین دارای یك‌طاق جناقی است‌که نیمی ازعمق صفه‌را پرمی‌کند و بالای‌این قسمت رفی‌باطاق‌هلالی‌است . محرابی‌دریکی ازاضلاع قبلی است‌که‌دهانهٔ‌آن یك‌مترو عمق آن ۷۰ سانتیمتر و داخل آن پنج‌ترك است . درورودی شرقی است و در رفهای جنوب و جنوب‌غربی و رف مقابل در ورودی، سه خفنگ چوبین مشبك‌نورگیراست.

پس از دوران ناصری، گنبد را تعمیری سرسری کرده‌اند .فعلاً طاقی دوپوش دارد، از داخل‌گنبدی و از خارج هشت‌ترك آجری است . قطرداخلی‌بنا از زاویه‌ای به‌زاویهٔ مقابل ۶۸۶ سانتیمتر و قطر دیواربنا ۱۵۰ سانتیمتر است.

۱ـ این مطالب ازمجموعهٔ‌کتابخانهٔ‌بیوتات سلطنتی‌شمارهٔ ۷۳۳ صفحات ۵۱۵ ـ ۵۱۸ نقل شده است .

صندوقی چوبین قاب وآلت در وسط به درازای ۲۴۹ وپهنای ۱۱۸ و بلندی آن با درنظر گرفتن پایه ۱۳۰ سانتیمتر است. زیارتنامه‌ای مورخ ۱۱۴۲ در بقعه دیده‌شد. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است وچناری کهنسال نزدیك در ورودی گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن بالغ بر ۴۹۰ سانتیمتراست.

مسجدی متصل به‌بناست که در ورودی بقعه‌به داخـل آن باز می‌شود. ایـن در به‌بلندی ۱۶۲ وپهنای ۴۶ سانتیمتروقاب وآلت دولنگه‌ای است. درازای مسجد ۳۵۷ و پهنای آن ۳۲۵ سانتیمتر است . در چهارطرف، چهارطاقنما باطاق جناقی ساخته شده است و روی این چهارطاق‌جناقی، گنبد را زده‌اند. زیر دوطاق جنوبی وشمالی دوخفنگ نورگیر مشبك است.

متصل به‌جنوب مسجد و بقعه بنایی است به درازای ۸۷۰ وپهنای ۲۴۰ سانتیمتر که شامل سه‌قسمت است و قسمتها با سه طاق هلالی از یکدیگر مجزا شده‌اند .بالای قسمت اول، طاقی گنبدی با آجرزده‌اند و دوقسمت دیگر هم طاق‌داشته و خـراب‌شده است، فعلاً پلورکشی کرده وطاق زده‌اند.

خفنگی چوبین مشبك‌نورگیر طرف غرب بناست . مصالحی که در این‌قسمت‌از بنا به‌کار رفته سنگ وگچ است و طاقهای گنبدی آن از آجر بوده است. معروف است که این‌قسمت مرقد خواهرسلطان محمداست.

کفش‌کنی در جلومسجداست که در ورودی آن به‌مسجد،قاب وآلت ودولنگه‌ای است. بلندی هر لنگه ۱۶۲ و پهنایش ۴۵ سانتیمتراست.

منبری سنگی
دراراضی مصلای دهکدهٔ صالحان حومهٔ شهر کجور

در اراضی جنوبی دهکدهٔ صالحان که به‌نام «مصلا» معروف است منبری سنگی

است که درازای آن ۱۶۸ و پهنای آن ۴۶ و بلندی آن از سطح زمین ۱۳۰ سانتیمتر است . این منبر دارای پنج پله و یك پشتی است . برسه جانب و برسه پلهٔ بالا کتیبه است (عکس شمارهٔ ۶۲). بردو بدنهٔ طرفین منبر، دو کتیبهٔ سه سطری است.

کتیبه‌های پشتی از قرار زیر اند:

«عمل استاد... واخوه حسن هزارخالوئی م».

و برانحنای سمت چپ پشتی این تاریخ خوانده شد:

«تحریرا فی ماه محرم سنه سبع و تسعمائه».

بر بدنهٔ سمت راست منبر عبارات زیر خوانده شد:

«فی زمان سلطان الاعظم ملك ... سرورسلالة الملوك مظفر ملك العظام».

بر بدنهٔ سمت چپ

«اوتجد ومن المقام ابرهیم...»

ابرهیم بن ابرهیم واسمعیل ...»

بقعهٔ شاهزاده ابراهیم معروف به شاه تاجر
در دهکدهٔ صالحان از دهکده‌های حومهٔ شهر کجور

خاندان شیخ که متولیان این بقعه هستند اورا ابراهیم بن زیدبن حسن بن زیدبن امام حسن علیه السلام می‌دانند. بنای اصلی بقعه چهارضلعی وابعادآن ۵۳۲ سانتیمتر است . دوستون چوبی قطور هشت ضلعی دوبه دو برابر دروسط بناست و سرکشی (حمالی) روی آن است. پلورها روی دیوارها و این سرکش قراردارند . سقف پل کوبی است و درزپوشهای زدهٔ نقش دار دارد . صندوقی چوبین قاب وآلت دروسط این بناست که مرقد امامزاده را پوشانده است. درازای آن ۲۵۳ وپهنا ۱۱۷ وبلندی ۱۱۶ سانتیمتر است .

در ورودی بقعه جنوبی است . دری است که بلندی هر لنگهٔ آن ۱۹۳ و پهنایش ۶۴ سانتیمتر است. متن در مشبك و سه‌حاشیهٔ آئینه‌کاری دارد.

جلو بقعه کفش‌کنی به درازای ۵۹۳ وپهنای ۳۶۶ سانتیمتر است. دوستون چوبین وسط آن است که سرکشی روی آنهـا افتاده وپلورهای طاق بر این سرکش و دیوارهای دوطرف متکی است.

در ورودی کفش‌کن یك‌لتی است . بلندی آن ۱۶۲ و پهنای آن ۷۵ سانتیمتر است . کنده‌کاریهای برجسته دارد . نگارها را قبلاً ساخته و تهیه کرده‌اند و بعداً در متن درکار گذاشته‌اند .

ایوانی جلو کفش‌کن است که درازای آن ۹۰۰ وپهنای آن ۳۶۵سانتیمتر است. پنج‌ستون چهارسو جلو ایوان است ولتازه‌ای به‌بلندی ۷۳ سانتیمتر دردوطرف ستونها کوبیده شده است. سقف ایوان نیزپلورکشی و پل‌کوبی است و بام سراسر بنا سفال‌سر است .

مأذنه‌ای در محوطهٔ بناست که هرطرف آن چهار ستون چهارسوی ساده دارد . اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است. این‌گورستان در ورودی و حصـار و بارو دارد . در ربیع‌الثانی ۱۲۸۶ اعتمادالسلطنه در رکاب‌ناصرالدین‌شاه این بقعه را دیده است. (عکس‌شمارهٔ ۶۳).و اردوی ناصرالدین‌شاه چندی در جوار این‌بقعه برپای‌بوده‌است. (عکس شمارهٔ ۶۴). سنگ قبری قطور و قدیمی در این‌گورستان دیده شدکه پاره‌ای از نوشته‌های آن بدین‌ترتیب خوانده شد:

« صاحب کیااعظم مرحوم مغفور کیازین‌الدین‌خاجه ابن‌اسکندر تاول »
(عکس شمارهٔ ۶۵).

برقطر سنگ برطرف راست این‌تاریخ خوانده شد:

« سنهٔ ثمانین وثمانمائه عمل استادعبدالله».

نشانه‌های پشت‌سنگ : سپر وشمشیر .

امامزاده یحیی
در دهکده نیتل[1] از دهکده‌های توابع کجور

بنایی‌است‌چهارگوشه از سنگ وگل. که جلوآن کفش‌کن و ایوانی است. بام آن‌لت‌بسر بوده است. چندی است حلب‌بسر کرده‌اند.

بقعهٔ درویش‌علی
در دهکدهٔ انگاس[2] از دهکده‌های توابع کجور

بنایی‌است چهارگوشه از سنگ‌وگل. مسجدی متصل به‌بناست و ایـوانی جلو مسجد است.صندوقی سادهٔ چوبین، در وسط بنای اصلی، مرقد درویش‌راپوشانده‌است. سقف سراسر بنا پلورکشی وپل‌کوبی است.گورستانی قدیمی اطراف بقعه است.

بقعهٔ درویش‌امیر
بر بالای بازوی فرعی کوهی در اراضی ناسنگ لاشك کجور

بنایی است هشت‌ضلعی ازآجـر و ملاط‌گچ . ابعاد هرآجر ۴/۵ × ۲۲ × ۲۲ سانتیمتراست(عکس‌شمارهٔ۶۶).پهنای هرضلع‌از داخل۱۴۷ سانتیمتر ووسط هریك از اضلاع‌دوطاقنما داخل یکدیگراست.طاقنمای بیرونی به‌شکل‌مربع مستطیل به‌پهنای ۷۶ سانتیمتر وطاقنمای داخل‌آن به‌پهنای ۵۶ سانتیمتر با طاقی جناقی است . بـالای

۱ــ بکسر نون و سکون‌یاء، نیتل : ده از دهستان توابع کجور بخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر، شش‌کیلومتری‌جنوب غربی‌کجور(فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳).

۲ــ بفتح الف، انگاس: ده ازدهستان‌توابع کجور بخش‌مرکزی شهرستان نوشهر، ۹کیلومتری جنوب‌ـ غربی‌کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

طاقنمای بیرونی‌که تقریباً دوسوم بلندی بنا را گرفته است طاقنمای‌کوچکتری‌است (عکس‌شمارهٔ ۶۷). بالای هرزوایهٔ بنا، گوشواری با سه‌آجر مثلثی زده‌اند و سقف را که‌گنبدی‌عرقچینی است بربالای گوشوارها و طاقنمای‌کوچك هشتگانه بناکرده‌اند. در ورودی در ضلع شمال‌شرقی است. پهنای هریك از اضلاع خارجی ۲۲۵ سانتیمتر است و هریك دارای طاقنمایی جداگانه است.

داخل بنا سفیدکاری است وبرگچ دیوار با قلم و مرکب یادگاریهای فراوانی نوشته بوده‌اند که بیشتر آنها را خراب کرده بودند. پاره‌ای از آنها که خوانده شد به این شرح‌اند:

«قال‌النبی صلی‌الله علیه وسلم

الدنیا مزرعة‌الاخره

دنیی آن قدر ندارد که بدو رشك برند
یا وجود و عدمش را غم بیهوده خورند
سفیده دم چو شدم محرم سرای سرور
شنیدم آیت توبوا الی‌الله از لب حور
بگوش جان من آمد ندای طوبی لك
که ای خلاصهٔ تقدیر و زبدهٔ مقدور
جهان رباط خرابست برگذر گه سیل
گمان مبر که بیك مشت گل شود معمور

لمحرره درویش مقبولی شاعر غفرالله ذنوبه فی‌تاریخ سنهٔ ۸۸۶».

✿✿✿

«الدنیا مزرعةالاخره

گر مرا روز پسین از تو درآید نظری
این گناهان مرا هیچ نماند اثری
گر من ایمان بسلامت بلب گور برم
ای چه آراسته منزل چه مبارك سفری

لمحرره عبدالضعیف النحیف المحتاج الی رحمةالله الباری قطب الدین بن شیخ نورالدین شاه رستم دریاباری فی اواخر ربیع الاخر هجریه سنهٔ سبعین و ثمانمائه از هجرةالنبویه علیه السلام».

✿✿✿

«چون رسیدم بدین خجسته مقام گفتم ای ذوالجلال والاکرام

العبد شیخ حسین بن شیخ عزالدین دریاه باری معروف به لارجانی تحریرا سنهٔ خمسین تسعمائه».

✿✿✿

«افقر المحقرین ولی الدین تاریخ ۸۶۴».

✿✿✿

« قال الله تعالی قسمت بعزو جلالی

ولا دخل الجنة من اطاع ...
ولا دخل النار من عطیاه وان اطاعتی ...

الحقیر الفقیر درویش عمادالدین بن درویش احمد نائینی المعروف .....
فی تاریخ ماه مبارك شوال سنهٔ عشرین و تسعمایه ».

✿❋✿

«هوالله تعالی

هرکه آمد عمارت نوساخت رفت و منزل بدیگری پرداخت

محمد ... استاد ... خیاط سنهٔ ۱۰۱۸».

✿❋✿

«تحریرا فی شهر ذالقاعده سنهٔ سبع ستین وثمانمائه».

✿❋✿

« چون رسیدم بدین خجسته مقام گفتم ای ذوالجلال والاکرام

رحمت ایزدی بر آن کس باد این عمارت نهاد کرد تمام

کاتبه العبد سید ملک جان

سادات ... انگاسی

فی تاریخ شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰۱۷».

یادگارهای فراوان دیگری بر لبهٔ طاقنماها و داخل آنها بوده که به علت خراب شدن گنبد بنا ، برف و باران آنها را از میان برده است . عده‌ای در سالهای اخیر نیز از این بنا دیدن کرده و با گچ و ذغال برروی یادگارهای قدیمی که هریك گویای مطالب مختلف بوده‌اند ، یادگارهای تازه‌ای نوشته‌اند و یادگارهای قدیمی را یکسره از میان برده‌اند .

قدیمی‌ترین یادگاری که در این بنا خوانده شد مورخ ۸۶۴ ه . ق. است ومسلماً بنا مقدم بر این تاریخ ساخته شده بوده است . اگر تاریخ بنای بقعهٔ درویش رستم را حدود سال ۸۰۰ قمری بدانیم ، می‌توان این بنا را جزء بناهایی دانست که ملك

کیومرس بیستون ساخته است . اما سؤالهای متعدد دیگری بی‌جواب‌می‌ماند . درویش رستم‌کیست ؟ چرا بدین گوشهٔ دورافتاده روی‌آورده است؟ آیا دراین گوشه، گوشه‌نشین بوده است ؟ آیا اطراف این بقعه روزی آبادانی بوده است ؟ درویش‌رستم ازچـه فرقه از دراویش است ؟ علت علاقهٔ ملك‌کیومرس بدو چیست ؟ دوتن ازدراویش که‌به‌زیارت این بقعه‌آمده‌اند دریاباری هستند. دریابارکجاست ؟ آیا منظور همین‌حاشیه‌دریـای خزر است یا مفهوم دیگری دارد؟ نظیر این‌سؤالها زیاد است‌که به‌هیچیك نمـی‌توان جواب قانع‌کننده‌ای داد .

سنگی باخطوط قدیمی
در اراضی ناسنگ از چراگاههای لاشك کجور

ناصرالدین شاه‌کـه در سال ۱۲۹۲ هـ. ق. روز هفتم رمضـان ازپـول به‌کجور می‌رفته است چنین می‌نویسد :

«دست چپ لاشك‌که دامنهٔ‌کوه است دره‌ای است که‌قدیم دهی‌آنجا بودمسمی به «ناسنگ» از قراریکه معروف است سنگی در حوالی آن ده است‌که‌در آن سنگ بعضی خطوط قدیمه‌کنده شده است معلوم نیست چـه‌خط است ، باید فرستاد بخوانند .»[۱]

نگارنده به علت بوران برف موفق به دیدن و خواندن این‌سنگ نشد.

بقعهٔ امامزاده یوسف وامامزاده محسن
در اراضی ناسنگ ازچراگاههای لاشك برسمت‌راست‌آب

بقعه‌ایست ساده از سنگ وگل وایوانی‌ساده با ستونهای‌گرد بـی‌تراش. سراسر

۱ــ سفرنامهٔ ناصرالدین به مازندران به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ، ج ۲ ، ص ۱۸۳ .

بام بنای اصلی و ایوان، لت‌بسر است . مقابل امامزاده درطرف چپ‌آب‌رودخانه ، گاوسرا و خانهٔ متولی است.

گورستانی قدیمی
نزدیك گاوسرای کهنك لاشك

نزدیك گاوسرایی‌که سمت راست‌آب و در دامن‌کوه‌است، گورستان‌قدیمی‌است.

بقعهٔ فضل وفاضل
در دهکدهٔ کندلوس[1] از دهکده‌های میخساز زانوس‌رستاق کجور

بنای بقعه از سنگ وگل ومربع‌شکل است . در میان بنا صندوق‌چوبین‌مشبك ظریف‌گورهای این دوبرادر را پوشانده است . ایوانی به‌پهنای ۳متر و درازای ۵۵۰ سانتیمتر در طرف قبلی بناست‌که با تکائلی چوبین از ایوان غربی جدا می‌شود.ایوان غربی به‌پهنای دو متر و درازای ۹۳۰ سانتیمتر است که دنبالهٔ آن تا لبهٔ‌ایوان‌جنوبی می‌آید . جلو ایوان قبلی و دنبالهٔ ایوان غربی نه‌ستون چهارسوی پخ‌زده است که سرستونهای آنهارا رنگ‌آمیزی‌کرده‌اند .

سقف بقعه و ایوانها پلورکشی وپردی‌کوبی است . هرپردی‌که به‌اندازهٔ فاصلهٔ میان دوپلوراست، ابتدا پخ‌زده و رنگ‌آمیزی کرده و طرحی‌زیبا برآنها کشیده سپس در سقف بقعه و ایوانها کارکرده‌اند . این نوع تزیین‌که بسیار زیباست برای نخستین بار است‌که در صفحات مازندران دیده می‌شود . درخت‌چنارقدیمی‌پنج شاخه‌ای‌طرف غربی محوطهٔ بقعه وکنار رودخانه است که به‌علت اینکه دوطرف‌آن در دیوار حیاط بقعه بود ، اندازه‌گیری نشد . چشمهٔ‌آبی فراوان در محوطهٔ بقعه بیرون می‌آید وپس

۱ــ بفتح کاف و سکون نون و فتح دال .

ازگذشتن ازحوضی به رودخانه می‌ریزد. دوجمجمهٔ گاوکوهی(گوزن) با شاخهای بلند چهارسالهٔ آنها، بردیوار ایوان بقعه است .

در مقداری از اراضی حیاط بقعه یك‌باب دبستان و در مقداری دیگر یك‌باب درمانگاه نیمه‌تمام بناکرده‌اند و محوطهٔ وسیع اطراف امامزاده راکه گردشگاه و باغ عمومی بوده است ازمیان برده‌اند .

گورستانهای وراو[1] و ازیرك[2]

درغرب دهکدهٔ کندلوس میخساز زانوس‌رستاق کجور

درغرب دهکدهٔ کندلوس دوگورستان است که سمت دفن‌مردگان آنهارو به‌آفتاب درآمدن است وبا مردگان وسایل‌زندگی نظیرکوزه و دستبند و گلوبند ومیرکا[3] دفن می‌کرده‌اند .

گورستان قدیمی دروش کر[4]

در شرق دهکدهٔ کندلوس میخساز زانوس‌رستاق کجور

در مشرق دهکدهٔ کندلوس گورستانی‌وسیع است‌که سمت دفن مردگان شرقی است و زینتهای زنان نظیرگوشواره و دستبند و خلخال درگورها یافت شده است.

چناری کهنسال

در اراضی مونج میخسار زانوس‌رستاق کجور

در اراضی پایین‌دهکدهٔ مونج، چناری قدیمی است‌که‌گرداگرد تنهٔ آن از یك

۱ـ بضم واو اول. ۲ـ بضم الف و فتح راء . ۳ـ میرکا: مهره زردی و مهره‌های دیگررا گویند. ۴ـ بکسر دال وضم‌کاف . لفظ اول به‌معنی درفش‌و دومی به‌معنی سنگ است .

متری زمین، بالغ بر ۸۶۰ سانتیمتر است .

راه میخساز به تهران

این راه از مرکز میخساز که کندلوس است شروع می‌شود و پس از طی گدوک زانوس به نسن می‌رسد . شب‌منزل نسن است . از نسن به لشك وگردنهٔ سوتك و از گردنهٔ سوتك به وارنگه‌رود می‌رسد . شب منزل وارنگه‌رود است . از وارنگه‌رود دنبال‌رودخانه به‌گاجره وگردنهٔدیزین وپس از سرازیرشدن ازگردنهٔ دیزین، شب‌منزل دربندسر یا شمشك است. از دربندسر یا شمشك کنار رودخانهٔ جاجیرود می‌رود و شب‌منزل قهوه‌خانهٔنو درگردنهٔ قوچك است . از قهوه‌خانهٔ قوچك شبگیر می‌کردند و از راه نارمك به تهران می‌رسیدند .

بقعهٔ سیداحمد

در دهکدهٔ نیچکوه[1] میخساز از دهکده‌های زانوس‌رستاق کجور

بنایی است مربع‌شکل ازسنگ وگل با ایوانی در جلوآن. صندوقی تخته‌ای ساده وسط بناست .

اسنادی درمنزل آقای حاجی‌حسین‌جهانگیری

در کندلوس‌میخساز بدین شرح دیده شد :

هوهوهو

تیمناً و تبرکاً بذکر من‌لهٔالعزة والبقاوالدوام

شرایف حمدکثیراللطایف ولطایف شکرموفورالعطایف مالك‌الملکی را

۱ـ نیچکوه : ده از دهستان زانوس‌رستاق بخش مرکزی شهرستان‌نوشهر، چهل‌وهشت کیلومتری جنوب نوشهر و دوازده کیلومتری پول (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

سزاست که در مزارع بقاع‌انتم تزرعونه ام‌نحن‌الزارعون بذر جزیل‌الفواید
انبتت سبع سنابل فی‌کل سنبلة مأته حبّه مزروع گردانیده ای زتـومزروع
جهان خراب وی‌بتومرجوع ثواب‌وعقاب و درودنامعدود درخورپیغمبریست
که صاحب تاج با ابتهاج لولاك لمّاخلقت الافلاکست سلطان عرب و عجـم
معلی‌مجتبی مزکی ابوالقاسم حضرت بارفعت محمدمصطفی و شاه ولایت‌پناه
وارث مرتبهٔ رفیعهٔ هارون مالك‌لوای فلك اعتلای سلولی اسدالله سرورغالب
شاهمردان علی‌ابوطالب و برآل وعترت اطهارعالیمقدارشان صلـوات‌الله و
سلامه علیهم‌باد ای‌آمده آن دوازده‌شاه براوج لقب‌دوازده ماه برگوهروی
دوازده برج هر اوج یعنی دوازده‌برج و بعدبفروختند سلالةالاماجد والاـ
عاظم کیاشاه‌حسین ولد مغفرت‌پناه کیاسیف‌آرویج و مسماتـان حیات وپری
بنتان‌کیاء مومی‌الیه مرحوم و مسماة یاقوت بنت غفران‌پناهی کیاجهانبخش
آرویج و کیاسیف ولد مرحومی کیاحسنکیا آرویـج بسبب عدول مؤمنین
جهة عدم بلوغ سیف مذکور تمامی اراضی دایر و بایر واقعدر قـریهٔ پی‌ده
زانوسه‌رستاق حمیت سطانها عن‌الشرّوالنفان مع‌چنداصله درخت‌گردکان و
چنـار وعیون و اعشاب وکل‌مایتعلق بهذاالباب را بسعـادت نصابی عزت‌ـ
دستگاهی استاد ناصر وقوامالدین ابنان مرحومی شمس‌الدین‌بناکنده‌لوسی
بمبلـغ نوزده هـزار دینـار تبریزی نصفه توضیحاً للاصل وتبییناً للفرع
نه‌هـزار و پـانصد دینار موصوف منعوت و مبیع مسفور محدود است قبلیاً
باملاك مرادکوج وسالارکوج وشرقیاً باملاك عزت‌دستگاهی آقاعلی‌کوج و
مهدی‌کوج و شمالیاً بلیسه‌سو وغربیاً بجوی‌کوچك و بینهم عقد مبایعهٔ
صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه جاری شد مشتمل برایجاب و قبول و تسلیم وتسلم و
تملیك و تملك و رویهٔ معتبره قبل‌العقد و تفرق ابدان و معترفشدند بایعان

مذکوران و بایعات مومی‌الیهن که تمامی ثمن معقود علیه از مـال خـالص مشتریان مزبوران بدیشان رسیده و زمّهٔ مشتریـان از اداء آن کلاً و بعضاً بری و عری گشته و بعدالیوم بموجب این مبایعهٔ شرعیه مبیع مذکور مالی گشت از امـوال مشتریان و ملکی شد از املاك ایشان و همچنین بـایعان مسطوران و بایعات مذکورات اسقاط خیارات سیّمـا خیارالغبن الفاحش بل افحش نمودند وضمان درك کایناً ماکان شدند.

التاریخ عشر اول شهر جمادی‌الاول سنة ستة و ثلین بعدالف».

[بر حاشیهٔ سمت راست عبارات زیراست] :

«الشهود کیا فرامرز تورج و مولانا عبدالله کندلوس وملاعبدالعلی کندلوسی و حسین بناکندلوس ومحمد درزی وملاعلی واسفندیار دیاری وسیف سرخاب و اسکندرلهراسب وابراهیم ولـد او وحاجی گالش ابندا تکـی .

[جای مهر][1]

کیاحسنکیا آرویج برادرکیاشاه‌حسین آرویج متن بود فوت شد از هریك پسرخود و هو زین‌العابدین و یك زوجهٔ معقودهٔ مدخوله وایشان نیز دعوی کرده حصهٔ خود را بمبلغ پنجهزار دینار تبریزی بعزت‌دستگاه شمس‌الدین محمدبنا فروخته ضامن درك‌حیث ماکان‌شدند. [جای مهر][2]».

[در بالای سند این‌عبارت است:]

«قدوقعت‌هذه‌المبایعة المبارك‌الصحیحة‌الشرعیه‌لدی. [جای مهر][3]».

۱ــ مهری‌بزرگ گرد با سجع : «افوض امـری‌الی‌الله وانـاالعبد روحی‌بن فتح‌الله ».

۲ــ مهری بزرگ گـرد با سجع : « قال رسول‌الله صلی‌الله کـل تقی‌نقی . . . صـدق » .

۳ــ مهری بزرگ و گرد با سجع : «افوض امری‌الی‌الله و اناالعبد روحی‌بن‌فتح‌الله ».

«هوالمالك

الحمدلله الذی احل البیع والشری وحرّم الغصب والربوا والصلوة والسلام علی خیرخلقه و مظهر حقه محمد و آله امناءالدین و حفظـة شرع المبین و بعد مبنی برتنمیق اینخطاب شرعی المبدأ والمآب آنکه بفروخت زبـدةالاشباه یوسف بن ابراهیم عربیشاه بعد ازآنی که همشیره‌اش مسماة تی‌تی تمامی حصهٔ املاك موروثی خود را بیوسف مذکـور هبه‌نمود وثبت‌عندی ثبتهـا بجناب عمدةالاکفاء استاد ناصربن‌غفران‌پناه شمس‌الدین بنا [و رفعت‌پناه علی بـن علاءالدین بنا و نادرالعصری استاد ابراهیم بنا وقوام‌الدین بنا] مقدار بیست‌و چهار پیمانه تخم‌افشان که‌کائنست در جانب شمالی قـریهٔ مونج مـن‌اعمال زانوسه‌رستاق بلا مشارکت و منازعت احدی بمبلغ شش هزار دینارتبریزی پنجدانگی سدسه ضبطاً للاصل وتوضیحاً له یکهزاردینارموصوف‌منعوت و محاط میشود مبیع مسفور قبلیـاً متصل بزمین فربورز رودباری و شرقیاً متصل بمرز بزرگ و بحریاً ایضاً متصل بمرز بزرگ وغربیاً متصل به‌زیارتگاه‌و جاده و فیما بین بایع و مشتریون مشارالیهم صیغهٔ‌عقد مبایعهٔ صحیحه‌مشتمل برایجاب و قبول و قبض و اقباض و تسلیم و تسلم و تملیك و تملـك و رویه معتبره قبل‌العقد وتفرق ابدان‌جاری شد وبایع مسطور اسقاط جمیع‌خیارات سیّماخیارالغبن‌الفاحش‌بل‌الافحش نمود و ضامن درك شرعی شد.

کان ذلك سلخ‌شهرشعبان‌المعظم سنة ستة وعشرین بعدالف».

[بر بالای این هبه‌نامه این‌عبارت نوشته شده است:]

«وقعت هذه‌المبایعة الصحیحة‌الشرعیه لدی و اناأقل‌الخلیقة‌بل‌اللاشیىء .
[جای مهر][1]».

[برحاشیهٔ سمت راست این‌مطالب‌آمده است:]

«الشهود صلاحیت‌آثارمولانا نظرعلی‌کلکوتی وتقوی شعاران ملاابراهیم‌و ملاحسین کندلوس وکاوس‌بن‌کیا بیستون سل و استادابراهیم‌بن غیاث‌الدین کوچ و گرشاسف‌بن غفران‌پناه علی‌لونج و ملك سلطان‌بن ملك‌ارغش و علاءالدین درویش کوچ و ملا عبدالعلی‌بن ملاسیف‌الدین و استاد میربن چلستون مرزبان .

اسامی مشتریون‌که فیمابین سطررابع وخامس‌مندرجند خط‌فقیراست نمقه.
[جای مهر][2]».

بقعهٔ امامزاده ابراهیم معروف به‌دنگاسی[3]
در دهکدهٔ ساس[4] از دهکده‌های زانوس‌رستاق کجور

بنایی است ساده ازسنگ وگل. صندوقی چوبین ساده وسط‌بناست و ایوانی در جلو بنا ساخته‌اند . «دنگاسی» به معنی دو«انگشتی» است و چنانکه از این لقب پیداست ، دو انگشت امامزاده در اینجا به خاك سپرده شده است.

دراین دهکده بقعهٔ دیگری به‌نام«امامزاده جعفر»است که آن‌نیزبنایی‌ساده و لت‌بسر است .

---

۱ و ۲ــ مهری گردباسجع : «افوض امری‌الی‌الله الغنی‌عبده‌الراجی فتح‌الله‌ثانی » .
۳ــ بفتح‌دال وسکون‌نون، به‌معنی‌دوانگشتی است. ۴ــ ساس:ده ازدهستان زانوس‌رستاق بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، چهل‌ودو کیلومتری جنوب نوشهر و ده کیلومتری پول (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

راه گدوك زانوس

میان‌نسن[۱] از دهکده‌های نور و زانوس کجور

سفر دوم ناصرالدین‌شاه بـه مازندران در سال ۱۲۹۲ هـ . ق. بوده است . شاه در این‌سفر پس از گذشتن ازشهرستانك و دوآب، کناررودخانهٔ لورا برای ناهارخوردن توقف‌کرده است . از اینجا میرشکار ومیرزا عبدالله‌خان پیشخدمت ویك‌نفر مهندس‌را فرستاده است تا راه گدوك‌زانوس را تعمیـر و مرمت کنند . سپس خـود شاه از راه دونا و کمربن به‌نور می‌رود و چنین می‌نویسد:

« به ده نسن نرسیده ، در سرراه ملك‌چشمه عمله‌کار می‌کند.این‌راه به‌قریهٔ زانوس‌کجور می‌رود. چون راه اردواست می‌سازند . از ملك‌چشمه به‌نسن یك میدان اسب راه است. دوشنبه سوم رمضان به زانوس‌کجورباید برویم . اما راهی از قریهٔ پیل‌نور به دهات میخسازکجور می‌رود که نزدیك زانوس است . صبح زود از راه ملك‌چشمه به طرف زانوس به راه افتادیم . راهـی که می‌ساختند مملو از مردم وبنه بود. لابد ازکنار راه که سنگلاخ وبیراه است راندیم . بسیاربدگذشت. »

چناری بسیار کهنسال

در محوطه‌ای به‌نام چناربن در دهکدهٔ زانوس کجور

در محوطه‌ای گشاده‌درپایین‌دست‌دهکدهٔزانوس‌چناری‌است‌که شایدقدیمی‌ترین چنار نواحی مازندران باشد . محیط دایرهٔ تنهٔ آن از یك متری زمین ۱۱/۸۰ متر است .

۱ــ بکسر نون و سین .

گورستانی قدیمی
در اراضی ون[۱] پشت دهکدهٔ زانوس کجور

گورستانی نسبةً وسیع پشت دهکدهٔ کنونی زانوس است که اغلب گورهای آن سمت قبلی نیستند . در این گورها زینت آلات زنان یافت شده است .

بقاع درویش رستم و درویش شهراکیم
در دهکدهٔ کوچك اطاق سرا[۲] نزدیك زانوس کجور

بنای بقعهٔ درویش رستم ، از خارج هشت ضلعی و از داخل چهار ضلعی است (عکس شمارهٔ ۶۸) . پهنای هر یك از اضلاع هشت ضلعی دومتر تمام و پهنای هر ضلع چهارضلعی داخل ۲۶۳ سانتیمتر است. درچهارضلع داخلی چهار طاقچه و بالای آنها چهار طاقنما و بالای طاقنماها ، چهاررف مانند است که بهزیر لبهٔ گنبد منتهی می‌شوند. این چهاررف وچهار گوشوار بنا دارای طاقهای جناقی هستند. گنبد عرقچین بنا برطاق گوشوارها و رفها استوار است. صندوقی قاب وگره از چوب آزاد گور درویش رستم را پوشانده است. درازای آن ۱۹۷ و پهنایش ۱۱۰ و بلندیش ۸۲ سانتیمتراست.صندوق برپایه‌ای چوبین استوار است که بلندی آن ۳۸ سانتیمتراست.

در ورودی بقعه دو لتی وشرقی‌است و درکفش کن جلو بقعه باز می‌شود .بلندی هر لنگه ۱۳۴ و پهنای‌آن ۳۷/۵ سانتیمتراست .

عبارات زیر براین‌در با خط متوسط نسخ حك شده است :

بر بازوی سمت راست چهارچوب در :

۱ـ بفتح واو. ۲ـ اطاقسرا : ده از دهستان‌زانوس‌رستاق‌بخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر، چهل‌و چهار کیلومتری‌جنوب نوشهر و۹ کیلومتری پول (فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳).

«الله لااله الاهوالحی القیوم لاتأخذه سنة ولا نوم له مافی السموات ومافی الارض من ذا الذی یشفع».

بر بازوی بالای چهارچوب :

«عنده الا باذنه یعلم مابین ایدیهم وماخلفهم ولایحیطون» .

بر بازوی سمت چپ چهارچوب :

« بشیء من علمه الابما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولایؤده حفظهما و هوالسمیع علیم تحریرا فی ماه محرم سنةاربع و تسعمایه».

بر دماغهٔ در :

« هذاالعمارت المشهدالمبارك فخرفخرا بندخدا[1] درویش رستم ناف نورّ قبره عمل استاد اجل درویش محمدابن رستم » .

بر بائوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست متصل به دماغهٔ در :

« این دنیا بدوستی کسان داشته‌اند
بنگر که زداشتن چه برداشته‌اند
این طاق و رواقها که افراشته‌اند
آخر همه رفته‌اند و بگذاشته‌اند کاتب گودرز».

بر بائوی سمت راست لنگهٔ راست :

« صل علی محمدمصطفی وصل علی علی المرتضی و فاطمةالزهرا وحسن رضا و حسین شهید بکربلا و امام زین العابدین».

برپاسار بالای لنگهٔ راست :

«در تاریخ ماه رمضان معظم».

۱ـ ظاهراً : فخر فقرا بندهٔ خدا .

برپاسار پایین لنگهٔ راست :

« در مسجد بهرزه بازمکن» .

بربائوی سمت چپ لنگهٔ سمت چپ :

« و امام محمدباقر و امام جعفرصادق و امام موسی‌کاظم و امام علی‌موسی ـ الرضا[۱] صل‌الله‌علی محمد وآله‌اجمعین».

بربائوی سمت‌راست لنگهٔ سمت‌چپ :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌قل‌هوالله‌احدالله‌الصمدلم‌یلدولم‌یولد ولم‌یکن‌له کفواً احد درکه خالق[۲] جبار برتوبگشاید

دیگر کسی‌نتواندکه برتودربندد درکعبهٔ‌مقصود».

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

« سنة اربع وتسع مائه» .

برپاسار پایین :

« چون درآئی بجز نماز مکن».[۳]

پنجره‌ای مشبك‌چوبین ظریف در ضلع شمالی بنای بقعهٔ درویش رستم است‌که این عبارات برآن مشبك‌کاری شده است :

« بانی قاسم پاشاه عمل استاد علی‌اصغر » .

بام بنا کلاه درویشی ومصالح آن سنگ لاشه و ساروج است .

بقعهٔ درویش شهراکیم چهار ضلعی است که ابداً مدخلی ندارد (عکس شمارهٔ ۶۹). چندی قبل یك بدنهٔ آن را سوراخ‌کرده و داخل بقعه رفته وکف آن را کنده‌و

۱ـ علت اینکه‌کاتب نام سایر ائمه را ذکرنکرده است روشن نشد. ۲ـ ظاهراً: دری‌که خالق. ۳ـ مصراع دوم «درمسجد بهرزه بازمکن » است امـا معلوم نیست که چرا کاتب دنبال‌عبارت «درکعبهٔ مقصود» نوشته است .

برسردابی رسیده‌اندکه سه تابوت از چوب سرو برروی یکدیگر درآن بوده است. در هر ضلع این بنا محراب مانندی است . بردیوار غربی بنا این کتیبه بـردوسنگ بر سمت راست و چپ این ضلع نصب شده است . خط کتیبه بسیار بد وناخواناست :

« هـذاالعمارات المغفورابـن المـرحوم درویش شهراکیم و درویش رستم نورقبرهما ـ فی ماه صفر سنة ثمان سبعین وتسع‌مئه» .

قلای نین
در دهکدهٔ سما از دهکده‌های پنجك‌رستاق کجور

درپایین دهکدهٔ سماآثارقلعه‌ای قدیمی به‌نام «نین» برجای‌است.دراین‌دهکده بقعه‌ای به‌نام «شهزاده‌قاسم » دراراضی «شیخ‌کلا» است. بنایی‌است ساده از سنگ وگل که خارج وداخل آن را سفیدکاری‌کرده‌اند. بام‌بنا لت‌بسراست.

بقاع پیردرویش و امامزاده‌اسماعیل و امامزاده زید
دردهکدهٔ فیروزآباد ازدهکده‌های پنجك‌رستاق کجور

هرسه بقعه بنایی ساده از سنگ وگل دارندکه داخل وخارج‌آنهارا‌سفیدکاری کرده‌اند . درختان‌کهنسال اوجا (نارون وحشی) در محوطهٔ بقعهٔ پیردرویش جالب و قابل ذکر است. بقعهٔ امامزاده اسماعیل‌را اخیراًحلب‌بسرکرده‌اند. دوبقعهٔ دیگرهنوز لت‌بسراند.

چناری‌کهنسال، ابتدای دهکدهٔ فیروزآباد برسرچشمه است‌که داخل‌آن خالی شده است. چناری قدیمی دیگر نیزدرآخر محل است.

باقی بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور

۱ـ قلا گردن در ازارك[۱] سرراه چالوس .

۲ـ آثار قبورقدیمی درپل زغال کجور .

۳ـ قلعه‌ای قدیمی درپشت دشت‌نظیر در فیروزآباد.

۴ـ گردکتی[۱] درفین[۳] قلعه‌ای قدیمی‌استدرپنجك‌رستاق[۴] پشت کندوسر.

۵ـ سلطان‌سرا مقابل ازارك از دهکده‌های کجور.

۶ـ دزدقلعه ، قلعه‌ایست قدیمی‌که‌ازکانی به‌ساریس و ازآنجا به‌قلعه می‌روند.

۷ـ حموم‌تپه، تپه‌ای نزدیك دزدقلعهٔ ساریس.

۸ـ امامزاده ابراهیم ، دیوارسنگی ولت‌بسر درمنجیر ازدهکده‌های پنجك‌رستاق کجور .

۹ـ امامزاده عبدالله درکینج زانوس‌رستاق کجور.

۱۰ـ قلعه‌ای قدیمی به‌نام «اوسرکتی»[۵] میان بسطام و فیروزآباد.

۱۱ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ پی‌چلو[۶] از دهکده‌های حومهٔ کجور.

۱۲ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ لیکوش[۷] از دهکده‌های توابع کجور.

۱۳ـ امامزاده‌ای میان اویل[۸] و کوهپر کجور .

۱۴ـ امامزادهٔ سرجار[۹] در دهکدهٔ سرجارکوهپر کجور.

۱ـ بفتح الف. ۲ـ بکسر گاف و دال وضم‌کاف. ۳ـ بکسر فاء و فتح‌یاء.
۴ـ بفتح پ و سکون نون و فتح‌جیم. ۵ـ بضم لام و سکون واو و فتح‌سین وضم کاف.
۶ـ بکسر پ و چ ، ده ازدهستان‌بلدهٔ کجور بخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر(فرهنگ‌جغرافیایی ایران،ج ۳). ۷ـ بکسرلام و سکون یاء، ده از دهستان توابع کجور بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، سه‌کیلومتری جنوب کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج۳) .
۸ـ بفتح‌الف . ۹ـ بفتح سین.

۲- جغرافیای دشت کجور

بلوك دشت کجور ازطرف مغرب به‌رودخانهٔ چالوس، از طرف مشرق به‌رودخانهٔ بره[۱]، درشرق‌المده[۲] ازطرف جنوب به‌نواحی کوهستانی نور و از طرف شمال به‌کنارهٔ دریای خزر محدود می‌شود.

این خاك پهناور را به‌نواحی چند تقسیم کرده‌اندکه ازغرب به‌شرق به‌این ترتیب قرار می‌گیرند:

کران[۳]، خیره‌رودکنار، چلندر[۴]، بلدهٔ کجور(شهر کجور) ، کلرودپی[۵]، علوی‌کلا[۶]، کچرود[۷]، کالج[۸]، (درجنوب کچرود).سامان غربی کران رودخانهٔ چالوس وسامان شرقی آن خیره‌رود است.

ناحیهٔ خیره‌رودکنار از رودخانهٔ خیره‌رود شروع می‌شود و به رودخانهٔ کوچکی که میان چلك[۹] غربی و شرقی است ختم می‌گردد . حد غربی چلندر رودخانهٔ کوچك چلك وحد شرقی آن آب ملکار[۱۰] است.

ناحیهٔ بلدهٔ کجور(شهر کجور) میان قریهٔ اندرور[۱۱] تا رودخانهٔ نمك‌آب‌است.

۱- بفتح باء و کسر راء . ۲- بفتح الف و لام و سکون میم و کسر دال.
۳- بفتح کاف . ۴ - بفتح چ و لام . ۵- بضم کاف وکسر لام . در تلفظ محلی کلی‌رودپی نیز می‌گویند . ۶ - بفتح عین و لام . ۷ - بفتح کاف وکسر چ .
۸- بکسرلام. ۹- بکسرچ وفتح‌لام. ۱۰- بضم میم. ۱۱-بفتح‌الف وسکون نون‌وفتح‌دال وسکون راء و فتح واو .

کلارودپی[1] حد شرقیش رودخانهٔ نمک‌آب و حد غربیش رودخانه‌کلی‌رود[2] است. علوی‌کلا میان دو رودخانهٔ کلی‌رود و کچه‌رود[3] است. کچرستاق[4] خاك میان رودخانهٔ کچه‌رود تا دهکدهٔ هندومرز است.

حد و سامان بلوك کالج از دهکدهٔ هندومرز تا پل رودخانهٔ بره‌است که حد فاصل میان خاك کجور و نور است.

۱ــ بضم کاف و کسر لام وظاهراً تلفظ صحیح آن به کسر کاف است. زیرا رودخانهٔ این ناحیه تا امروز «کلی‌رود» بکسر کاف تلفظ می‌شود. ۲ــ بکسر کاف. ۳ــ بفتح کاف. ۴ــ بفتح کاف و کسر چ وضم راء.

٤ ـ بناها و آثار تاریخی دشت کجور

امامزاده محمدبن موسی الکاظم علیه‌السلام

در دهکدهٔ خیرسر از دهکده‌های کران کجور

بر سرراه نوشهر به نیرنگ و چشمه گردو برسمت چپ جاده ، بنایی است مستطیل شکل‌که درازای آن ازخارج ۸۵۰ و پهنای‌آن ۵۵۰ سانتیمتر است . ایوانی به پهنای ۳۲۵ سانتیمتر در شرق بناست و در ورودی بقعه در این ایوان باز می‌شود . صندوقی چوبین در وسط بنای اصلی بقعه است که درازای آن ۱۸۰ و پهنای آن ۶۲ سانتیمتر است . در اطراف بنا گورستانی قدیمی است که درختان نسبةً کهن :گردو، انجیر، توت ، اوجا ، انار ، هلی (آلوچه) ، شیشار (شمشاد) ، فك (بید) ، تیسکا، فرمونی واربه (خرمندی) درآن دیده می‌شود. برسنگ قبری درگورستان بقعه‌ابیات زیر حك شده بود :

« تاج از فرق فلك برداشتن   تا ابد آن تاج بر سر داشتن
جاودان در اوج قدرت زیستن   ملك عالم را مسخر داشتن
برتو ارزانی‌که ما را خوشتر است   لذت يك لحظه مادر داشتن »

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ سنگ‌تجن[1] از دهکده‌های کران کجور

تاریخ بنا و بانی این حمام روشن نشد . شکل ظاهری بنا قدمت آن را نشان می‌دهد .

نهرهای قدیمی که از چشمه گردو جدا می‌شود

این نهرها به نام دهکده یا مزرعه‌ای هستند که آنها را مشروب می‌کنند و به ترتیب از قرار زیرانـد :

سنگ تجن ، خیرسر ، تازه‌آباد ، کردی‌کلا[2] ، نهر نیرنگ‌که قسمتی ازاراضی دهکدهٔ نیرنگ را مشروب می‌کند . نهر شکری‌کلا[3] که قسمتی از اراضی کشت شکری‌کلا را مشروب می‌کند . نوشهر ، موسی‌آباد ، کورکوره‌سر ، اجارم[4] (مزرعه است و رعیّت‌نشین ندارد) ، گرده کل[5] ، شهر پشت[6] (مزرعه است و رعیت‌نشین ندارد) .

۱ـ بکسر گاف و فتح تاء وکسرجیم . ۲ـ بضم کاف اول . ۳ـ بضم‌شین‌و سکون کاف . ۴ـ بضم‌الف و راء . ۵ـ بکسر گاف وفتح کاف . ۶ـ بکسر راء و ضم پ .

بقعهٔ سید علی کیاسلطان‌بن سیدعلی‌عمران‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سید علی کیا [1] از دهکده‌های خیررودکنار کجور

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است که درازای هرضلع آن ازخارج سه متر تمام است (عکس شمارهٔ ۷۰) . داخل هر یك ازاضلاع داخلی طاقنما مانندی به عمق ۲۰و پهنای ۱۲۰ سانتیمتر است . مـرقد سید علی‌کیا در وسط بناست . درازای آن ۲۱۰و پهنای آن ۹۶ سانتیمتر است که با آجر و گچ از سطح زمین بـالا آورده‌اند . سقف بنا از داخل گنبد مدور توسری خورده و از بیرون هرم مثمن‌القاعده است . مصـالح اصلی بنا آجرو ساروج است .متصل به ضلع شرقی،کفش‌کنی به درازای ۳۴۰ وپهنای ۲۱۵ سانتیمتر ساخته‌اند . در مدخل این کفش‌کن جلوخان مانندی است . اطـراف بقعه گورستانی قدیمی است . چناری کهنسال دراین گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن بالغ برده متر است . مأذنه‌ای‌که قسمت پایین‌آن از آجر وگچ و گلدستهٔ آن از چوب است در جلو در این گورستان است (عکس شمارهٔ ۷۱) . کفش‌کن ومأذنه درحدود صد سال قبل به دست سید امین حسینی متولی وقت ساخته شده‌است .تولیت بقعه فعلاً با سید رضای حسینی است .

۱ــ سید علی‌کیا : ده از دهستان خیررودکنار بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، هفت کیلومتری شرق نوشهر و یك‌کیلومتری جنوب جادهٔ نوشهر بابلسر (فرهنگ جغـرافیایی ایران ، ج ۳) .

امامزاده عبدالله بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ بندپی از دهکده‌های خیره رود کنار[1] کجور

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است که درازای هرضلع آن ازخارج ۲۶۰ سانتیمتر است. برجدار داخلی هریك ازاضلاع طاقنمایی به پهنای ۷۵ وعمق ۲۵ سانتیمترساخته‌اند. در ورودی بقعه جنوبی است و مرقد معصوم‌زاده در میان بنای اصلی بقعه با صندوقی پوشیده شده است. درازای آن ۱۷۰ و پهنایش ۷۰ و بلندی آن ۱۱۰ سانتیمتراست. بام سراسر بنا لت‌پوش است.

غارهای رشته کوهی آهکی
درجنوب چلك و چلندر از دهکده‌های کجور

در جنوب آبادیهای چلك و چلندر رشته‌کوه آهکی است که غارهای کوچك و بزرگ درآن دیده می‌شود. از آنها می‌توان غارهای دیوسفید و بزلی[2] (مجلهٔ شکارو طبیعت شمارهٔ ۴۶ شهریور ماه ۱۳۴۲) وغار ارژنگ و غارگبری (بولتن فدراسیون کوهنوردی) را نام برد.

قلعهٔ دزدبن
درنزدیکی دهکدهٔ دزدك از دهکده‌های چلندر کجور

درجنوب دهکدهٔ دزدك و درسامان پلستان و کهنه چلندر، قلعهٔ قدیمی‌عظیمی بوده است. این قلعه را روزی برتپه‌ای که از خاکریزی دستی به وجود آورده‌اند،

۱ـ نام‌این رودخانه درتاریخ طبرستان سید ظهیرالدین «خیره رود» به معنی‌رودخانهٔ سرکش ودریده است. سرکشی‌آن همین بس‌که درسیل ۱۳۴۶ پل بتنی را بااستحکام تمامی که داشت از جای‌کند. امروز به غلط « خیررود » گویند.

۲ـ بضم باء وکسرزاء.

ساخته بوده‌اند . امروز بالای این خاکریز به شکل دایره است و محیط آن درحدود سیصد متر به نظر می‌رسد. اطراف آن تاامروز خندقی است که روزی ازآب‌چشمه‌های دزدبن پر می‌شده است . پهنای این خندق سی و پنج تا چهل متر و گـودی آن نیز درهمین حدود است . بر بالای این خاکـریز دستی آثاری از بنا برجای نبود . پاره آجرهایی که قطر آنها به هشت سانتیمتر می‌رسید زیاد دیده می‌شد . درحدود شصت‌و پنج سال پیش‌آجرهای این قلعه به دهکدهٔ دزدك حمل‌کرده وحمامی‌ازآنهاساخته‌اند. پس‌از بررسی‌حمام معلوم شد این آجرهای قالب بزرگ مربوط‌به دوران ساسانی‌است. سفال بی‌لعاب فراوان در بالای خـاکریز ودامنه‌های خندق دیـده می‌شود . در جهت شمالی قلعهٔ دزدبن، بطرف دریا نه تپهٔ دستی دیگر است وقلعهٔ دزدبن دهمین خاکریز دستی است . برخاکریز یك و دو و سه که درامتداد شمال و جنوبی نزدیك به ساحل دریا قرارمی‌گیرند، امروز دهکده‌های سیدکوتی[1] ، پایین‌محلهٔ‌دزدك و دهکدهٔ دزدك[2] بنا شده‌اند . اراضی اطراف این تپه‌های ده‌گانه که امروز تبدیل به مزارع برنج‌کاری شده‌اند در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰ه.ق.) آبگیر و باتلاق بوده است رابینو نیز ازاین مرداب یادکرده و می‌نویسد : « ازملکار راه باریکی که باتنهٔ درخت مفروش و در بیشتر جاها در زیر آب بود ساخته‌اند . این راه به دهکدهٔ چلندر که در میان باتلاقها محصور است منتهی می‌شود . اگر اسب ، هنگام شب ، دراین راه درگل گیرکند امیدی به نجاتش نخواهد بود . »[3]

مکنزی به خرابه‌هایی واقع در یك میلی حوض‌کوتی رفته و در آنجا آثاری یافته‌که

۱ـ کوتی به معنی تپه‌ای کوتاه یا خاکریزی دستی است . ۲ـ نـام « دزدك » نشان می‌دهد که روزی بناهای این محل قلعه مانند بوده است . ۳ـ تـرجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۵۲ .

نشان می‌داده است سابقاً درآنجا قلعهٔ بزرگی وجود داشته است . این قلعه محصور به دو رشته خندق و بارو بوده است . خندق داخلی دست‌کم بیست پـا عمق داشت وعمق خندق خارجی بیش از ده پا نبود . برتپهٔ وسطی‌آجرهای بسیار بود . درآنجامکنزی دو درخت بسیار زیبای جنگلی که در عمر خویش مانند آن را ندیده بود ، مشاهده نمود . از آن نقطه تا کوهپایه‌ها بیش از یك میل راه نیست و بریك صخرهٔ آهکی‌به ارتفاع تقریباً سی‌پا از زمین غاری است‌که بلندی دهانهٔ آن در حدود شش‌پا و پهنای آن چهار پا است و منظرهٔ دلفریبی از جلکه ودریا در مقابل این غار واقع شده‌است[1] (عکس شمارهٔ ۷۲) .

درتاریخ ابن اسفندیار مذکور است: وقتیکه افراسیاب منوچهر را دنبال‌کرد، او به رستمدارآمد و پس ازچندی‌که درخورشیدرستاق آواره شد در چلندر درمحلی که‌کوهستان خیلی‌به دریا نزدیك‌است، پناه‌جست. درآنجااوپیش دهکده‌های ونوشه‌ده وکس، خندقی‌بزرگ حفر کرد و با همراهان خود درآنجا ماند .[2]

رودخانهٔ کوچکی به نام « دزدك رود » که‌آب چشمه‌های اطـراف قلعهٔ دزدبن است از نزدیکی دهکدهٔ دزدك می‌گذرد و به دریا می‌ریزد .

سید ظهیرالدین که پس‌از مرگ میرزین‌العابدین می‌خواست میرعبدالکریم‌را به مازندران ببرد از این‌آب گذشته و آن را به نام « دزکه روی سرچلندر » خوانده است.[3]

۱ـ این غار تا امروز برجای است و به نام غار « دیوسفید » درمیان اهـالی معروف است. ۲ـترجمهٔ سفرنامهٔمازندران واسترا باد رابینو،ص۵۲. ۳ـ تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۴۶۲. شکل امروزی این‌نام «دزك رودسر» می‌شود.

امامزاده نوح
دردهکدهٔ اندرور[1] ازدهکده‌های بلدهٔ کجور

بنایی است ساده با دوستون چوبین در طول بنا و صندوقی ساده درمیان آن . در ورودی که درایوان باز می‌شود نقوش برجسته داشت. ایوان امامزاده شرقی‌است و جلوآن پنج ستون چهارسوی‌است که سرستونهای دهان‌اژدری پرکار دارد. این بنا در میان اراضی برنجکاری‌است واطراف‌آن درختان : ون شمشاد ، توسکا و به زیاداست.

درمیان درختان درخت سوری کهنسال به نظر رسیدکه گرداگرد تنهٔ آن از یك متری زمین ۲۲۵ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۷۳) .

امامزاده بلال‌بن زیدبن امام موسی‌الکاظم
در دهکدهٔ پی‌کلا ازدهکده‌های بلدهٔ کجور

بنای اصلی بقعه اطاقی است چهارگوشه که مرقدی درمیان است که درازای آن ۱۴۰ وپهنایش ۷۵ وبلندیش۶۰ سانتیمتراست‌که اخیراً آن را کاشیکاری‌کرده‌اند. درطول اطاق دو ستون چوبین چهارنبش کناره پخ زده است که پلورگیری (حمالی) برآنها قرار داده و سرهای پلورهای دوطرف برآن متکی است . در ورودی وایوان بقعه شرقی است. جلو ایوان چهار ستون با سرستونهای دهان‌اژدر است. سمت راست ایوان مأذنه‌ای چوبین به ابعاد ۱۸۰ و بلندی ۱۷۰ سانتیمتر است . بنای بقعه درزیر درختان کهنسال: انار ، شمشاد ، توت ، مازو ، ممرز ، شب‌خسب و انجیر است .

۱ــ بفتح الف وسکون نون وفتح دال وسکون راء وفتح واو . اندرور : ده ازدهستان بلدهٔ کجوربخش مرکزی‌شهرستان نوشهر، بیست وسه کیلومتری شرق‌نوشهر وهفت‌کیلومتری صلاح‌الدین‌کلا (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

راه قدیمی مالرو
از صلاح‌الدین کلا (سرین کلا) به شهر کجور

این راه قدیمی که تا چندی پیش آبادان بود و آمد و رفت زیادی داشت از صلاح‌الدین کلا به تاج‌الدین کلا ، ملاکلا ، میان شل[1] ، شیوا دره ، کدو[2] ، افرابن[3] ، ستل[4] ، نهررودبار ، چماردره[5] ، کالچه‌رود[6] ، می‌رود و سپس به نهرکجور می‌رسد . دنبالهٔ این راه به یالو و از راه نردبان یالو به لار و افچه و تهران می‌رود .

رابینو دربارهٔ این راه نوشته است :

نزدیکترین راه بین تهران و دریای خزر از طریق گردنهٔ افجه و درهٔ لار واز آنجا از راه یالو یا گردنه سفیداب به نور وبعداز گردنهٔ دیگری به نام « قرق » به درهٔ کجور و از آنجا از کنار رودخانه‌ای که به دریا می‌ریزد به ساحل دریا می‌توان رفت . ازاین راه مسافر می‌تواند درظرف سه روز به‌آسانی و یا دو روز تابستان بدون عوض‌کردن اسب به ساحل دریا برسد می‌گویند این راه پنج ماه درسال مسدود است و بنابر اطلاعی که اهل محل می‌دادند چند منزل ذیل را باید پیمود. از تهران به افجه ۲۴ میل (۶ فرسخ)، نور ۲۴ میل، کجور ۱۶ میل ، صلاح‌الدین‌کلا ۱۶ میل.[7]

قلعهٔ دختر یا قلعهٔ شیوادره
میان مرتع میان‌شل و کدو برسرراه صلاح‌الدین کلا به کدیر[8]

بردوقلهٔ کوه بردوطرف جادهٔ قدیمی صلاح‌الدین کلا به‌کدیر آثار قلعه‌ای قدیمی است . آثاری که براین دوقله‌است‌ومقداری‌ازآنها برجای مانده،ازآجرساخته‌بوده‌اند.

۱ــ بکسرشین . ۲ــ بفتح کاف. ۳ــ بفتح الف وکسر باء . ۴ــ بفتح سین و سکون تاء و لام . ۵ــ بکسر چ . ۶ــ بکسر لام . ۷ــ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص۵۴ . ۸ــ بضم کاف .

ملاط هردو قسمت گچ و برقلهٔ دست چپ که آثار حمام و آب‌انبار است ساروج نیز بکاررفته است. این اطلاعات ازگله‌داران وچوپانان کسب شده و نگارنده این‌قلعه را ندیده است .

راهی قدیمی معروف به شاهراه از صلاح‌الدین‌کلا به کدیر

این راه که ظاهراً راهی فرعی است که از شاهراه شاه عباسی جـدا می‌شده از نقاط زیر می‌گذرد و به کدیر و شهر کجور می‌رود :

صلاح‌الدین‌کلا (سرین‌کلا)، چـالك[1]، الاشتونی[2]، پرامکلی[3]، نردکه چال[4]، اوخواره ، چله‌سر[5]، سفید ، شاهانه‌پل ، انجم[6]،کدیر و از کدیر به شهرکجورکمتر از یك فرسنگ است .

قلعه‌ای قدیمی در اراضی کشتزار تاج‌الدین‌کلا[7] از دهکده‌های بلدهٔ کجـور

برخاکریزی دستی‌که اطراف آن جر (خندق) عمیقی بود ،آثار قلعه خرابه‌ای به جای بود . آجر پاره‌ها و سفال زیادی بربالای آن دیده می‌شد اراضی قلعه امروز صنوبرکاری شده و از میان رفته است .

۱ـ بفتح‌لام . ۲ـ بفتح‌الف وسکون‌شین . ۳ـ بفتح پ وسکون میم و کسر کاف. ۴ـ بفتح نون و سکون راء و فتح دال . ۵ـ بکسر چ و لام و فتح سین . ۶ـ بفتح الف و سکون نون وضم جیم . ۷ـ تاج‌الدین‌کلا ، ده از دهستان بلدهٔ کجو، بخش مرکزی شهرستان نـوشهر، سیزده کیلومتری‌غـرب‌المده ویك‌کیلومتری جنوب شرسهٔ المده به نوشهر (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج ۳) .

قلعه‌ای قدیمی به نام «مازی کوتی»
میان دهکده‌های تاج‌الدین کلا و ملاکلا از دهکده‌های بلدهٔ کجور

فقط تپهٔ کوتاهی که ظاهراً دستی است ازآن برجای مانده است .

خالدکیا سلطان‌بن عون‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
درمناچیر کلا (منوچهر کلا) [1] از دهکده‌های علوی کلای کجور

بنایی است که از خارج وداخل هشت ترك است (عکس شمارهٔ ۷۴) . هریك از ترکها از داخل ۱۹۰ سانتیمتر است که بر جدار آنها ، طاقنمایی با طاق هلالی به پهنای ۹۵ سانتیمتر ساخته‌اند .دونورگیر دراضلاع شمالی و جنوبی است. در ورودی بقعه شرقی است . بلندی آن ۱۷۰ و پهنایش ۹۰ سانتیمتر است . این در به مسجدی گشوده می‌شود کــه درازای‌آن ۵۴۰ و پهنایش ۴۰۰ سانتیمتر است. بــر بالای ستون چوبین وسط مسجد و دیوارهای دو طرف پلورگیری (حمالی) قطور است که پلورهای دوطرف سقف براین پلورگیر ودیوارها متکی است. چهارسرستون جلوایوان مسجد، دهــان اژدر و بسیار زیبا و پرکار است . سقف بقعه و مسجد و ایوان لمبه‌کــوبی بــا درزپوش است . لبهٔ بنا دو پشته و بام سراسر بنا سفال‌پوش است .

سنگ قبری قدیمی دراین بقعه به‌این شرح دیده شد :

«الحکم‌لله واحد القهار

وفات‌المرحوم المغفور المبرور الی‌رحمةالله الملك‌الغفور سید صالح‌طاج‌بن ملك مظفر فی‌شهرربیع‌الاخرسنة ثمان عشرین الف کاردرویش مرتضی» .

۱ــ منوچهر کلا، ده ازدهستان علوی کلا بخش‌مرکزی شهرستان نوشهر، هفت‌کیلومتری غرب‌المده وسه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ المده به‌نوشهر (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

پشت سنگ یك بیت شعر است که خوانده نشد.

در فاصلهٔ شانزده متری ایوان، سقانفار یا مأذنه‌ای چوبین زیبا ساخته‌اندکه بر شش پایهٔ چوبین متکی است. کف این مأذنه ۴۸۰ × ۳۳۰ سانتیمتر است و چهارده ستون ظریف در اطراف آن قرار داده‌اند. تمام لمبه‌های سقف مأذنه را با رنگهای سرخ و نیلی و سبز طراحی و نقاشی کرده‌اند. لبهٔ طاق سه پشته و سراسر بام آن لت‌پوش است (عکس شمارهٔ ۷۵). اطراف بقعه درختان: انار، گردو، شمشاد، توت، افرا، ممرز (شرم)، لك (کهل) وآزاد است. محیط دایرهٔ تنهٔ یکی‌ازدرختان آزاد۵۳۰ سانتیمتر بود.

سنگهای زیر درگورستان بقعه است:

«الحکم‌لله واحدالقهار وفات‌المرحوم فرخ‌سیر ابن محمود تاریخ دوم شعبان ۱۲۲۰».

«الحکم‌لله واحدالقهار رب‌انزلنی منزلاً مبارکاً وانت خیرالمنزلین‌وفات مرحوم استاد بابا ابن مرحوم استاد حبیب ازجماعت سراچی[1] شهرمحرم الحرام ۱۲۸۶»

جمشید کیاسلطان
در قصبهٔ المده مرکز قشلاقی کجور

بنای اصلی بقعه هشت ترك و بام آن کلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۷۶). درازای هرضلع آن از داخل ۱۸۰ سانتیمتر و در جدار هرضلع، طاقنمایی به بلندی ۱۹۰ سانتیمتر و پهنای یك متر تمام است. بالای طاقنماها رف مانندی است و بالای رفها پیش‌آمدگیهای مثلث شکل است که طاق عرقچینی داخل بر آنها متکی است.

۱ــ این کلمه «براچی» نیز خوانده می‌شود.

در ورودی بقعه شرقی و بلندی آن ۱۵۰ و پهنای آن ۹۰ سانتیمتر است . درطاقنمای ضلع جنوبی ، دونورگیر یکی در بالا و دیگری پایین آن است . صندوقی ساده و بدون کنده‌کاری ازچوب آزاد ، دروسط بنای اصلی، مرقد را پوشانده است . درازای آن ۲۰۰ و پهنایش ۱۰۵ و بلندی آن ۱۲۰ سانتیمتر است . کفش‌کن بقعه شامل یك اطاق باطاق ضربی است . ابعاد آن در حدود چهارمتر است . دربدنه‌های جنوبی و شمالی این کفش‌کن دو طاقچه است . طاقچهٔ شمالی‌که طاق آن افقی است به‌ابعاد۷۵ سانتیمتر است. طاقچهٔ جنوبی‌که طاق آن هلالی است ، بلندی آن از وسط هلال۸۵و پهنای آن ۶۵ سانتیمتر است . در دوطرف درازای کفش‌کن دو تخت زده‌اند که پهنای هر یك ۹۵ سانتیمتر است .

مصالح بنا آجر وملاط گل‌آهك وروکشهای متعدد ازگچ وفرش[1] وآهك دراین بنادیده می‌شود.اطراف بقعه درختان‌چنارو‌آزاداست. محیط دایرهٔ تنهٔ یکی‌ازچنارها ۶۴۰ ومحیط دایرهٔ تنهٔ دودرخت آزادکهنسال‌آنجا بالغ بر۵۰۵ و۵۲۰سانتیمتراست.

کتیبه‌ای ازآجر بانوشته‌های برجسته بربدنهٔ ترك شمال شرقی این بنا کار گذاشته‌اند . این‌کلمات برآن خوانده می‌شود :

«امر بعمارة هذاالمزار السلطان ملك کیومرث‌بن ملك بیستون فی‌محرم سنةاحدی خمسین و ثمانمئه ۸۵۱ » (عکس شمارهٔ ۷۷) .

حمامی قدیمی
در قصبهٔ المده مرکزقشلاقی کجور

خرابه‌های این حمام تا چندی پیش برجای بود شهرداری درنوسازیهای تازه یکسره آن را از میان برده است .

۱ــ فرش ، بضم شین ماسهٔ نرم‌است که آن را باآهك مخلوط نموده وبه جای گچکاری دیوارها به‌کار می‌رود .

قلعه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ کاسه‌گرمحله از دهکده‌های کالج کجور

دراراضی کاسه‌گرمحله تپه‌ای عظیم است که خاکریز دستی است . برسراین خاکریز روزی دژی مستحکم بناشده بوده‌است. ظاهراً باید جای یکی ازمسلحه‌هایی باشد که ابن‌اسفندیار درتاریخ طبرستان خود ازآنها یاد کرده است . بربالای این‌تپه علی‌سالار فاتح، بنایی عظیم ساخته است که فعلاً در دست سیروس خواجه‌نوری است (عکس شمارهٔ ۷۸) .

باقی‌ماندهٔ راه شاه عباسی
دراراضی کاسه‌گرمحلهٔ کالج کجور

درفاصلهٔ کمی از تپهٔ کاسه‌گرمحله و در جنوب آن ، دنبالهٔ راه شرقی غربی‌شاه عباسی تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۷۹) . این راه قدیمی جادهٔ گلندرود را قطع می‌کند و به طرف شهر آمل می‌رود .

بخش چهارم

نـــور

۱- مختصری از جغرافیای کوهستـان نور

چهار دهکده به نامهای دونا (= دینا) ، الیکا[۱] ، کلـونگاه[۲] ، وکمربن[۳] در آبریز رودخانهٔ چالوس قرار دارند کـه از قدیم جزء کوهستان نور بـه حساب آمده است . آب رودخانهٔ دونا در پل زنگله[۴] و آب رودخانهٔ کلونگاه والیکا و کمـربن در هرجان[۵] دره به رودخانهٔ چالوس می‌پیوندند . ما نیز برای حفظ سنت این دهکده‌ها و آثار تاریخی آنها را جزء نور به حساب آوردیم .

گذشته ازاین چهـار دهکده بخش اصلی کوهستانی نـور از « نسن»[۶] یکی از دهکده‌های اوزرود[۷] شروع می‌شود وبه دهکده‌های تترستاق[۸] یعنی تیرسّاو[۹] کرسی‌ورزان ختم می‌گردد . دهکده‌های درهٔ نمارستاق[۱۰] کـه رودخانه‌ای جداگانه است وآب آن

۱- بکسر الف . ۲- بفتح کـاف و سکـون لام و فتـح واو وسکـون نـون .
۳- بفتح کاف و میم و سکون راء و ضم نون . ۴- بفتح زاء وسکون نون و ضم گاف.
۵- بفتح هـاء و راء . ۶- بکسر نـون و سین . ۷- بضـم الف و کسر زاء .
۸- بفتح دوتاء و ضم راء . ۹- بکسر تاء و یاء و راء و تشدید سین . ۱۰ بفتح نون وضـم راء .

بالاتر از دو آب سیاه‌بیشهٔ نور به رودخانهٔ هـراز می‌ریزد نیز جزء بخش کـوهستانی نور به شمار آمده است . درهٔ اصلی نـور غربی شرقـی است و آب رودخانهٔ نـایـه (= ناحیه) دردهکدهٔ اوز بـه آن می‌پیوندد . آب رودخانهٔ کمررود کـه دره‌ایست جنوبی شمالی و آب رودخانهٔ یالورود که رودخانه‌ایست تقریباً شرقی غربی درکلیك بـه رودخانهٔ اصلی متصل می‌شود . عبود این رودخانه از بلده‌کـه گذشت ، آبهـای دهکده‌های میان رودبار به آن می‌رسد . این رودخانه پایین‌تر از دوآب نمارستاق و بالاتر از دهکدهٔ شاه‌زید در سیاه‌بیشه به آب هراز ملحق می‌گردد .

۲ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان نور

آشپزخانه‌ای عمومی
دردهکدهٔ کمربن کوهستان نور

دردهکدهٔ کمربن آشپزخانه‌ای عمومی است که شامل دواطاق بزرگ است. طاق این دو اطاق گنبدی عرقچینی واز سنگ وگـچ زده شده است . سوراخی دریکی از جرزها تعبیه کـرده بودند تا بتوان سوخت را ازخارج به داخل آشپزخانـه ریخت. اجاقهای متعدد بـزرگ در پای ضلع جنوبی وجود داشت . این بنا کـه نظیر آن در دهکده‌ای دیده نشده است قدیمی بود .

مسجدی قدیمی در کمربن
از دهکده‌های کوهستان نور

دروسط این‌مسجد قدیمی یك ردیف فیلپاست وطاقهای عرقچینی‌که ازسنگ و گچ زده‌اند براین فیلپاها ودیوارهای اطراف متکی است. تاریخ تعمیرآن سال۱۲۵۵ هجری قمری بود . سردری بتازگی آقای مولانا برای آن ساخته بودند .

گورستانی قدیمی
میان فغفره [۱] و اشر [۲] در دهکدهٔ کمربن کوهستان نور

میان اراضی فغفره و اشر کنار خط ماشین‌رو جدید، قسمتی از کوه براثر تسطیح راه فروکش کرده بود وسنگهای طرفین قبر و لحدهای قبور قدیمی بیرون آمده بود.

گورستان دهکدهٔ کمربن

سنگهایی که دراین گورستان مورخ بود تاریخ آنها تا ۱۲۷۰ هجری قمری می‌رسید بعضی‌از آن سنگها بدین شرح بود :

« هوالباقی

وفات‌المرحومه‌المبروره المغفوره فاطمه‌نسا بنت مرحوم عبدل توران [۳] فی سنة ۱۲۷۰ ».

« وفات‌المرحومه المغفوره المبروره [مابقی نوشتهٔ سنگ زیر خاك بود]و برگوشهٔ آن « فی سنة ۱۲۸۱» روشن خوانده می‌شد .

« هوالحی‌الذی لایموت وفات‌المرحومه المبروره بتول خانم بنت آخوند ملاحسین من‌طایفهٔ توران [۴] بتاریخ دهم رجب [شکستگی] » .

درحاشیهٔ طرفین سنگ :

« صدق‌الله و رسوله و ماوعدنالله و رسوله » .

نشانه‌ها نقش خورشید و شانه .

---

۱ ــ بفتح فاء و سکون غین و فتح فاء دوم . ۲ ــ بفتح الف و شین .

۳ و ۴ ــ توران یکی از تیره‌های قدیمی ساکن کمربن و کلونگاه هستند . مرحوم‌شیخ‌علی مدرس از تیرهٔ توران واهل کلونگاه بوده است .

راه قدیمی از کاروانسرای پای کندوان تا نسن[1]

این راه پس‌ازسرازیرشدن ازگردنهٔ کندوان به‌کاروانسرای قدیمی پای‌کندوان که خرابه‌های‌آن تـا امروز برکنارهٔ راست رودخانهٔ چالوس تـا امروز بـاقی است ، می‌رسد و از اینجا کنار آب تا پل زنگله ادامه دارد . فاصلهٔ کاروانسرا تا پل زنگله هفت کیلومتر است . ازاینجا بـه اراضی زیر دهکدهٔ دونا به نام «اویر»[2] و ازآنجا به سرگردنهٔ « ترك بشم»[3] می‌رود . فاصلهٔ دونا تا سرگردنهٔ ترك‌بشم شش‌کیلومتـر است . ازسرگردنهٔ ترك‌بشم پس‌ازطی شش‌کیلومتر به قهوه‌خانهٔ کمربن می‌رسیم . ازقهوه‌خانهٔ کمربن پس‌ازگذشتن ازاراضی فغفره و اشر و«جیراسبی‌او»[4] ولاچال به سرگردنهٔ لابشم می‌رسیم . فاصلهٔ این قسمت نه کیلومتر تمام است و ازسرگـردنهٔ لابشم بـه «اولچ»[5] و دهکدهٔ نسن‌وارد می‌شویم . فاصلهٔ این قسمت راه هفت کیلومتر است . راه ماشین‌رو جدید بر مسیر راه قدیم چارواداری ساخته شده است .

رنگ وجن[6]

دراراضی دهکدهٔ ایلکا از دهکده‌های اوز رود نور

در اراضی دهکدهٔ ایلکا ، غارها و اطاقهای زیرزمینی است کـه ظاهراً روزی از آنها سرب یا فلز دیگر یا چنانکه از نام پیداست، رنگ استخراج می‌شده است .

۱ـ بکسر نون وسین . ۲ـ بفتح الف. ۳ـ بضم تاء وسکون راء و کسر کاف وفتح باء . ۴ـ اسبی بکسر الف به معنی « سپید » و او به معنی « آب »است . ۵ ـ بضم الف و کسر لام . ۶ـ بفتح‌راء وسکون نون وکسر گاف و فتح واو وضم جیم‌و سکون نون . ن . ك. به مقالهٔآقای عبدالحسین امینی به نام «غار رنگ و جان » مجلهٔ تاج سال دوم شمارهٔ ۹، دوشنبه دوم مرداد ۱۳۲۹ .

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ کلونگاه نور

مسجد قدیمی این دهکده به نام مسجد « امام حسن عسکری » است و طرح بنای آن قدیمی به نظر می‌رسد .

گورستانی قدیمی
برسر راه کلونگاه از دهکده‌های نور

برسرراه کلونگاه گورستانی قدیمی است که نگارنده به علت برف زیاد موفق بدیدن سنگهای آن نشد .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ نسن از دهکده‌های اوز رود نور

در پشت منزل سید علی‌اکبر حسینی محلی به نام « قلاکوتی » است‌که ظاهراً محلهٔ قلعهٔ قدیمی دهکدهٔ نسن بوده است. دراینجا سنگ قبری با مشخصات زیر بوده که فعلاً به خانه‌ای منتقل کرده‌اند :

این سنگ به پهنای ۶۸ و بلندی ۹۰ سانتیمتر است وعبارات زیر برروی آن حك شده است :

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالی‌رحمةالله الملك‌الغفور نـام‌آور انگریج[1] ابن محمد بتاریخ شهر محـرم‌الحـرام سنهٔ ۱۰۹۳ » . (عکس‌شمارهٔ ۸۰)

۱ـ این تیره از انگرود به نسن کوچیده‌اند و به نام انگرودی نیـز شهرت دارند . امروز به نامهای « یزدانی » و « ناماور » خوانده می‌شوند .

برپشت این سنگ عبارات زیر است :

« اشهدان لااله‌الاالله اشهدان محمداً رسول‌الله اشهدان علیاً ولی‌الله یفعل‌الله مایشاء ویفعل مایرید بتاریخ شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۰۹۳ » .

سنگ دیگری از این گورستان قدیمی را کسی به‌گمان اینکه ارزشی دارد در کاه‌انبار خود مخفی کرده بود . پهنای این سنگ ۴۰ و بلندی آن ۷۰ سانتیمتر بود ومتن نوشته‌های آن به ۲۲ X ۲۸ سانتیمتر می‌رسید. این عبارات برآن خوانده شد:

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم‌محمد قاسم‌ابن‌مرحوم شاه‌کرم‌بالو[1] ۱۰۲۳ هو» .

درگورستان کنونی نسن سنگهای زیر به نظر رسید :

« الحکم‌لله الواحد القهار وفات المرحوم قاسمعلی پیج[2] ولد محمدجعفر بتاریخ‌شهر شوال سنهٔ ۱۱۳۱ » .

« الحکم‌لله الواحد القهار وفات‌المرحومه حوا بنت محمدباقر انگرودی بتاریخ سنهٔ ۱۱۸۴ » .

« وفات‌المرحوم المبرور الی‌رحمة‌الله الملك الغفور حاجی الله‌وردی ابن المرحوم [شکستگی] ۱۲۲۰ » .

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم‌المبرورکربلائی‌محسن ابن‌مرحوم کربلائی محمد باقر نوری » .

اطراف سنگ :

« الله محمد علی فاطمه حسن حسین یاهو سنهٔ ۱۲۳۱» .

۱ــ تیرهٔ بالوامروز به نام « بالوئی » شهرت دارند و در دهکدهٔ نسن ساکنند معروف است که اینان از آن طرف شیراز بدینجا کوچ کرده‌اند .

۲ــ از تیره‌های ساکن در نسن و پیجده نزدیك انگرود.

برسنگی سیاه محلی عبارات زیر حك بود :

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات مرحوم هادی ولد مرحوم کربلائی‌لطفعلی ۱۲۶۲ » .

«هوالحی‌الذی لایموت

وفات المرحوم المغفور المبرور مشهدی شبیر ولد مرحوم‌آخوند ملاعلی».

«هوالله تعالی الحکم‌لله الواحد القهار وفات‌المرحومه خدیجه بنت جبار نوری بتاریخ سنهٔ ۱۳۱۱ » .

نشانه‌ها : مهر و سجاده .

« هوالباقی ۱۳۳۰ وفات مرحوم مغفور مشهدی حبیب‌الله ولد ملاحسن انگرودی نسنی » .

نشانه‌ها : شانه و چیزی بدین شکل :

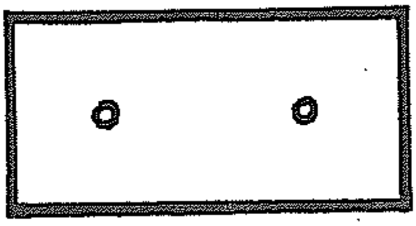

گورستانی‌قدیمی
در دهکدهٔ پیل از دهکده‌های اوزرود نور

سنگی بزرگ به بلندی ۹۰ وپهنای ۱۰۵ و قطر ۲۵ سانتیمتر در این‌گورستان دیده شد که گنج‌گیران آن را از جای کنده و به روی انداخته بودند . بر یك طرف آن عبارات زیر خوانده شد :

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله و علی ولی‌الله

حب دنیا رابقا [ئی] نیست انتم غافلون

جهدکن تا در نمانی درصف لایعلمون

وفاة مرحوم الی رحمةالله تعالی مولانا علی‌خطیب[۱] روقاسی[۲] نورالله قبره » .
(عکس شمارهٔ ۸۱) .

« هوالحی‌الذی‌لایموت وفات‌المرحوم محمد ولدالمرحوم کربلائی علی‌اکبر خطیب

ای چرخ هزار خانه ویران کردی   درملك عدم توغارت جان کردی
هر دانهٔ قیمتی‌که آمد بوجود   بردی و بزیر خاك پنهان کردی

سنهٔ ۱۲۷۲ » .

«کل شیئ هالك وفات مرحوم محمد ولدمرحوم مغفور ملاسلیمان ملقب رئیس[۳] ۱۲۷۶ » .

مسجد جامع
دردهکدهٔ پیل[۴] از دهکده‌های اوزرود نور

دراین دهکده مسجدی نسبةً قدیمی بود که اهالی اظهار می‌کردند امام حسن عسکری بنا کرده است. امامزادهٔ دهکده در این مسجد بود و به نام امامزاده نعمت و احمد و عابدین حسن ولدان امام زین‌العابدین علیه‌السلام خوانده می‌شد .

گورستان قدیمی
دردهکدهٔ میناك از دهکده‌های اوزرود نور

گورهای قدیمی دراین‌گورستان زیاد بود ولی سنگ نوشته نداشت . دوسنگ

۱ــ خطیب‌ازتیره‌های قدیمی‌ساکن دهکدهٔ پیل هستند. ۲ــ این‌کلمه « سوقاسی» نیز خوانده می‌شود . ۳ــ رئیس از تیره‌های قدیمی ساکن دهکدهٔ پیل هستند . سایر تیره‌ها : ترك ، خطیب ، بالو و ملا می‌باشند . ۴ ــ پل (بکسرپ = پیل) ، ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان‌آمل، چهارده کیلومتری غرب بلده (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

نسبهٔ قدیمی آن به‌این شرح بود :

« هذاالمرقدالشریف المعظم المنیف للعالم‌المحقق والفاضل المدقق‌الفایض الفوایض سبحانی العارف معارف ربانی‌مرحوم شیخ محمد ابن آخوند ملا محمدجعفرساکن‌قریهٔ میناك تحریرافی‌چهاردهم‌فروردین‌ماه‌قدیم۱۳۲۴ ».

« هوالحی‌الذی‌لایموت وفات مرحومه جوان‌ناکام شهربانو بنت محمدقلی بتاریخ اول فروردین ماه فرس قدیم مطابق شوال سنهٔ ۱۳۶۸ برحمت ایزدی پیوست » .

تکیه‌ای نسبهٔ قدیمی
دردهکدهٔ میناك از دهکده‌های اوزرود نور

بربالای در ورودی این‌تکیه کتیبهٔ زیر نوشته شده است :

« یـا اباعبدالله الحسین حسب‌الفرمـایش مقرب‌الخاقان میرزا محمد شفیع مستوفی دام اقباله‌العالی و بـاعانت سرکار مقرب‌الخاقان آقـا میرزا محمد حسن وزیر ایـن تکیه و مسجد جنـاب سیدالشهدا بکفایت افتخار الحاج حاجی‌ملا امامقلی یـوشی و مباشرت عالیجناب فخرالحاج حـاج ملا جعفر صورت اتمام پذیرفت بتاریخ شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۳۰۰ عمل ملا محمد علی یوشی » .

امامزادگان طیب‌و طاهر ولدان امام زیـن‌العابدین علیه‌السلام دردهکدهٔ جورکلاك (کلاك‌بالا) از دهکده‌های اوز رود نور

بنایی است ازآجر ازخارج هشت ضلعی وازداخل مربع باگنبدی‌کلاه‌درویشی (عکس شمارهٔ ۸۲) .

صندوقی که مرقد را پوشانده است ساده و دو در ورودی بقعه نیز ساده بود.
متصل به ضلع شرقی وجلو در ورودی بقعه مسجدی کوچك بود که سرستونهای چوبین داخل آن قدیمی بود. در ورودی این مسجد نیز ساده است.

گورستانی قدیمی

در دهکدهٔ جورکلاك (کلاك بالا) از دهکده‌های اوزرود نور

سنگهای قبور این گورستان نسبةً قدیمی و به این شرح بود:

« هوالرحمه الحکم لله واحدالقهار عبدفخرالدین ابن عبدالهادی رستمدار فی تاریخ سنهٔ ۱۰۷۷.

خدایا کریما ز روز جزا بکن رحم بر والد پاشا ».[۱]

«الحکم لله الواحدالقهار وفات المرحوم المبرور الواصل الی رحمة الله آخوند ملامحمد زمان بتاریخ شهر شعبان ۱۱۵۰ ».

« اللهم صل علی محمد وآل محمد الحکم لله الواحدالقهار وفات المرحوم المبرور الواصل الی رحمة الله ملك الغفور آخوند ملاعزیز بن درویش شرف الدین بتاریخ شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۱۵۶».

« الحکم لله الواحدالقهار وفات المرحوم محمدشفیع ابن رفیعا بتاریخ سنهٔ ۱۱۹۰ ».

« الحکم لله الواحد القهار وفات المرحوم کربلائی محمدشریف ولد مرحوم مهرعلی بتاریخ شهر جمادی الاخر سنهٔ ۱۲۴۰ ».

۱ــ این بیت وزن ندارد. پاشا از خاندانهای قدیمی ساکن کلاك بالا هستند.

گورستانی قدیمی

دردهکدهٔ جئر[1] کلاك (کلاك پایین) از دهکده‌های اوزرود نور

سنگهای قدیمی این گورستان بدین شرح بود :

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات المرحوم حاتم‌علی‌ولد مرحوم‌محمدیوسف بتاریخ ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۳۸ » .

« الحکم‌لله الواحد القهار وفات المرحوم المبرور المغفور الی‌رحمةالله رضوان جایگاه حسن‌علی‌بن مرتضی‌قلی ملقب بکلیج[2] بتاریخ شهر جمادی‌الثانی سنهٔ۱۲۳۹ .

[در] فصل بهار گشتم القصه هلاك دارم جگر[ی] کباب‌و چشم‌نمناك
گلها همه سر زخاك بیرون کردند الاگل من که سر فرو برد بخاك
ای خاك تیره دلبر مارا عزیزدار کاین‌نورچشم‌ماست که در بر گرفته».

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات مرحوم مغفور علی‌کرم ناکام ولد مرحوم یحیی‌کلیج بتاریخ پنجم‌تیرماه قدیم سنهٔ ۱۲۷۴».

قلعهٔ نارچو

برقله و بازوی کوهی در جنوب شرقی کلاك‌بالا

برقلهٔ کوهی منفرد (عکس شمارهٔ ۸۳) و بازویی که در شمال غربی آن واقع می‌شود آثار دیوارهای قلعه‌ای قدیمی است. میان این قله و بازو دره‌ای بسته وعمیق است که جلوی دهانهٔ آن را دیواری از سنگ و گچ چیده‌اند تا کسی نتواند از این

۱ــ بکسر جیم . ۲ــ بضم کاف . ظاهراً از خاندانهای قدیمی ساکن کلاك‌پایین بوده‌اند که امروز اثری از ایشان نیست . خاندانهای قدیمی کلاك پایین امروز نام‌آور و آلمرزان خوانده می‌شوند .

دره به بناهای قلعه راه پیدا کند(عکس شمارهٔ ۸۴). درازای این دیوار ده متراست و هفت متر از بلندی آن تا امروز بر جای است و پهنای آن به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد. در فرورفتگی شمالی بازوی شمال غربی آب‌انباری مدور است که قسمت پایین آن درکوه کنده شده و قسمت بالای آن باسنگ و گچ چیده شده است. بر بالای قلهٔ منفرد و بازوی شمال غربی آن دیوارهای بناهای فراوانی است. در پاره‌ای جاها بلندی دیوارها تا یك متر نیز می‌رسد. باقی آنها خراب شده ومصالح ساختمانی آنها که سنگ نتراشیده و گچ سرندی بوده است به دامنه‌های پرشیب قله و بازو ریخته است. در دیواری‌که جلودره بسته‌اند، چندین سوراخ بزرگ وکوچك دیده می‌شود. قلهٔ نارچو ۴۲ درجهٔ شمالی وقلهٔ آزادکوه ۱۳۳ درجهٔ غربی وقلهٔ چله‌خانه ۱۳۷درجهٔ غربی است.

آثار بنایی ازسنگ
برگردنهٔ چله‌خانه‌زیر قلهٔ آزاد کوه

برسر این گردنه بنایی از سنگ و گچ به درازا و پهنای دو متر است. پهنای دیوارها به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد. بام این بنا که گنبدی شکل بود تا سال ۱۳۲۸ شمسی برجای بود. در ورودی این اطاق رو به شمال و به طرف قلعهٔ نارچواست و فعلاً بر اثر حفاری زیاد جعلها اسافلها اعالیها.

برای رسیدن به چله‌خانه از راه کلاك‌بالا یا از راه وارنگه رو[1] وسوتك[2] می‌توان رفت.

---

۱ ــ دهکده‌ای از دهکده‌های لورا است که آب رودخانهٔ آن پس از اتصال به آب ولات‌رو (ویه ــ لات ــ رود) وگاجره وگردنهٔ دیزین در گچسر به آب کندوان می‌ریزد.

۲ــ بفتح تاء.

آثار بنایی قدیمی
برقلهٔ آزاد کـوه

برقلهٔ آزادکوه سه اطاق چهارگوشه ازسنگ وگچ است (عکس شمارهٔ ۸۵). پهنای دیوارهای آنها به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد . بلندی دیوارهای موجود در حدود یك متر است. شاید سابقاً این اطاقها طاقهایی داشته‌اند فعلاً براثر حفاری وکندوکاو گنج‌گیران زیر و رو شده‌اند .

امامزاده موسی‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور

بنایی‌است هشت ضلعی بابامی‌کلاه‌درویشی (عکس شمارهٔ ۸۶) و صندوقی قاب و آلت‌کاری در وسط بنای اصلی‌مرقد را پوشانده است . طرح صندوق امامزاده بدین شکل است :

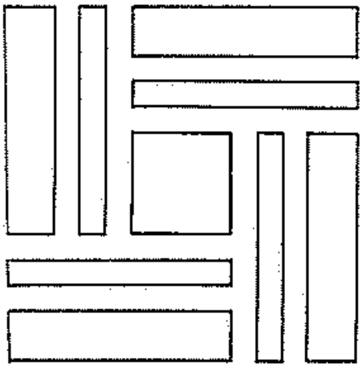

در ورودی بقعه بسیار ظریف وپرکار است (عکس‌شمارهٔ ۸۷) و برچهارچوب و باٰنوها و پاسارها وتنکه‌ها کنده‌کاری دارد .

برقسمت بالای چهارچوب :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنا لك فتحاً مبیناً لیغفرلك‌الله ماتقدم ».

برقسمت سمت چپ چهار چوب :

« من‌ذنبك و ماتأخر ــ تا ــ ایمانهم والله جنود ».

برقسمت سمت راست چهارچوب :

« امر باتمام هذه‌الباب مزار متبرك مبارك حضرت امامزاده معصوم کیاپاشا بن کیایوسف ویلك رحمة خدای برصاحب خیرباد

خدایـا بذلت مـران از درم که صورت نبندد دری دیـگرم» .

برقسمت پایین چهارچوب کـه احتمال پا خوردن و فـرسودگی داشته است ، کنده‌کاری نکرده‌اند .

بربائوی سمت راست لنگهٔ سمت راست :

« السموات و الارض و کان‌الله علیماً حکیما ـ تا ـ و کان ذلك عندالله » .

بر پاسار بالای لنگهٔ سمت راست :

« فوزاً عظیما و یعذب‌المنافقین » .

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

« والمنافقات والمشرکین و المشرکات » .

بربائوی چپ لنگهٔ سمت چپ :

« الظانین بالله سوءالظن ـ تا ـ مبشراًونذیرا».

بربائوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست :

« لیومنوابالله و رسوله ـ تا ـ اجراً عظیماً » .

بربائوی سمت راست لنگهٔ سمت چپ :

« سیقول‌لك المخلفون ـ تا ـ بل‌کان‌الله‌بما » .

برپاسار پایین لنگهٔ سمت چپ :

« تعملون خبیراً » .

برتنکهٔ چهار گوشهٔ بالای لنگهٔ سمت راست :

« یاالله »

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

« یامحمد یا علی »

بر پاسار زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت راست :

« بتو امید دارم از همه باب ».

بر پاسار زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

« افتتح یامفتح‌الابواب» .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ وسط لنگهٔ سمت راست :

« فرمایندهٔ هذه‌الباب المبارك ».

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ وسط لنگهٔ سمت چپ :

« کیاپاشابن کیایوسف ویلك » .

بر بالای تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« کس بی‌کسانی ومن بی‌کسم » .

بر بالای تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت چپ :

«گرم دست‌گیری بجائی رسم » .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« عمل یعقوب‌کم » .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت چپ :

« عمل‌خشنام لپاسانی ».

زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« فی‌تاریخ سنة ثلاثة و عشرین و تسعمایه » .

دو امامزاده در آبـادی اوز به نامهای : موسی‌کیاسلطان و دیگری امـامزاده محمودبن عبدالله‌بن امام علی‌النقی‌بودکه‌آثار تاریخی قابل ذکری نداشتند . امامزاده

محمود در ملامحلهٔ اوز قرار داشت .

امامزاده سید زکریا
در دهکدهٔ اوزکلا از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك است و گنبدی کلاه درویشی دارد (عکس شمارهٔ ۸۸ و ۸۹) . سقف بنا گنبدی عرقچینی است . کفش‌کنی متصل به بنای اصلی است و مصالح ساختمانی بقعه وکفش‌کن سنگ وگچ است. صندوقی قاب وآلت‌کاری مرقد را پوشانده است. وسط سقف‌گنبدی عـرقچینی پنج خورشید دایره‌وارنقش کرده بودند. گل ولای سیل از درهٔ مجاور بقعه ، به داخل کفش‌کن آمده بود وتا شصت سانتیمتری دیوارهای داخل کفش‌کن را پرکرده بود و اهالی مشغول پاك‌کردن بودند . بریکی‌از درگاههای بیرون کفش‌کن کاشیکاری داشت و به سبك دوران قاجاری میان گوشه‌های هرچهار کاشی گل‌میخی آهنین زده بودنـد . بریکی از کاشیها این عبارات خـوانده می‌شد :

« تعمیرکنندهٔ امامزاده سیدزکریا عالیشانان‌استاد محمد تقی واستادعلی‌اکبر خلف مرحمت‌پناه ملاابراهیم کاشانی سنهٔ ۱۳۰۲ » .

در ورودی بقعه یك لختی ، ساده و بدون نقش بود . این عبارات بـر آن حك شده بود :

« ساخت باب مشهد مبارك سید معظم سید علی رحمه‌الله درتاریخ ماه مبارك سنهٔ ثمانین و ثمانمائه » .

و برقسمت پایین آن عبارات زیر خوانده می‌شد :

« درختان تابوند درکوه و بیشه   بشادی باز باد این در همیشه

فرمایندهٔ باب مشهد یعقوب‌بن محمدکلاکی عمل استاد خسروبن مرحوم‌علی نجّار فی [خوانده نشد]

هرکه از ماکند به نیکی یاد   یاد او درجهان بنیکی باد ».

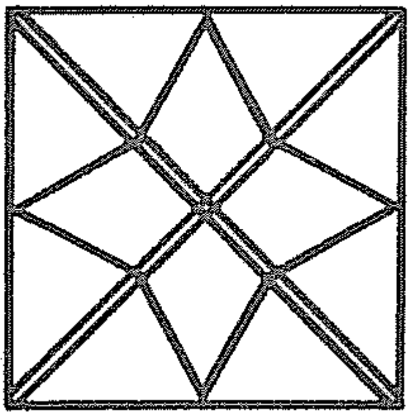

صندوق بقعه قاب و آلت‌کاری و طرح اصلی آن بدین شکل است :

بالای بدنهٔ جنوبی صندوق ایـن عبارات حك شده بود :

« بانی این صندوق گردیدکربلائی حسین و علی ولد مرحوم‌آقاعمادکلاری به نجّاری استاد سلم‌الله و محمدصادق   فی‌سنة ۱۲۰۷ » .

بالای بدنهٔ شمالی صندوق نیز آیاتی ازکلام‌الله مجید حك بود و بدین ترتیب ختم می‌شد :

« و ماهوالاذکرللعالمین نصرمن‌الله و فتح قریب   این چند کلمه یادگاری کربلائی‌نادعلی ولد مشهدی مرتضی‌قلی ».

دروسط بدنهٔ شرقی صندوق ، دری‌کوچك دولختی بودکه این آیات ازکلام‌الله مجید برحواشی این دولنگه حك شده بود .

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم   اذاجاء نصرالله والفتح ــ تا ــ توابا».

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم   سورهٔ اخلاص تـا آخر وپس از کلمـهٔ « احد » یاطافی یا وافی یا معافی . . . [دوسه‌کلمه‌را لای سیل‌گرفته بود] » .

«آیة‌الکرسی‌ازالله‌لااله ــ تاــ وسع‌کرسیه » .

« اللّه نور السموات والارض ـ تا ـ یضییء ولولم » .

در این امامزاده زیارتنامه‌های متعدد باخط خوش بود . یکی از آنها زیارتنامهٔ وارثی بود که برسنگ پادزهر حك شده و مورخ به سال ۱۱۲۷ قمری بود. شمایلهای متعدد با نقاشیهای متوسط دراین بقعه دیده می‌شد .

امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم علیه‌السلام

دردهکدهٔ نایه (ناحیه)[1] از دهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی بابامی‌کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۹۰) وسقفی گنبدی عرقچینی که نقش پنج خورشیدرا دایره‌وار داخل گنبد کشیده‌اند . در اضلاع هشت ضلعی درداخل بنا یکی در میان سرو وخورشید نقاشی شده است بالای سردرگاههای اضلاع هشت‌گانه باخط خوب‌نسخ گچ‌بری شده‌است ودو نورگیرمشبك طرف قبلی و طرف شرقی بنای بقعه است .

ازطرف غرب مسجدی متصل به بقعه است‌که درازای‌آن شمالی جنوبی است و فیلپاها وستونهای‌آن قدمت‌آن رابه خوبی نشان می‌دهند. درورودی یك لختی‌قدیمی دارد .ایوانی‌جلو بقعهٔ اصلی است‌که درازای آن ۵۳۵ و پهنایش ۱۸۰سانتیمتر است. راهرویی‌دراین ایوان است‌که‌به درورودی یك لختی مسجد قدیمی‌ختم می‌شود. طرف شرقی بقعهٔ اصلی نیزمسجدی‌نوبنیاد بنا کرده‌اند و ازهمین طرف انبار کوچکی وصل بـه بقعه ساخته‌اند .

---

۱ ـ ناحیه : ده از دهستان اوزرود بخش نورشهرستان آمل ، هفت کیلومتری غرب بلده و چهل‌ودوکیلومتری شرق راه چالوس. معصوم زاده‌هایی بـه نام شاهزاده محمود وچند معصوم زادهٔ دیگر دارد کـه بناهای آن قدیمی است و زیارتگاه توابع نور است (فـرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

در ورودی بقعه دو لنگـه‌ای است (عکس شمـارهٔ ۹۱) . بلندی آن ۱۴۵ و پهنایش به ۷۳ سانتیمتر می‌رسد . این عبارات با خطی متوسط برآن حك شده بود :

برتنـکهٔ مستطیل شکل بالای لنـگهٔ سمت راست:

«لااله الاالله ».

برتنـکهٔ مستطیل شکل بالای لنـگهٔ سمت چپ :

« محمداً رسول‌الله علیاً ولی‌الله».

برتنـکهٔ دیـگرمستطیل‌شکل بالای لنـگهٔ سمت راست :

« رسیدم درین موضع اندریقین
خوش‌آمد مرا یادگاری چنین».

برتنـکهٔ دیـگر مستطیل شکل بالای لنـگه سمت چپ :

« اگرمانمانیم درین جا بسی
زمایادگاری بماندهمین » .

قسمت وسط لنـگهٔ سمت‌راست وقسمت وسط لنـگهٔ سمت‌چپ کنده‌کاری‌ظریف و طرحی جالب دارد .

بردوتنـکهٔ پایین لنـگهٔ سمت راست :

« درختان تابوند درکوه و بیشه
بشادی باز بـاد این در همیشه
عمل استاد حبیب ابن استاد حسین نجّار کمری».

بردوتنـکهٔ پایین لنـگهٔ سمت راست :

« وقف کرد استاد نصیرالدین‌ابن استاد سهراب کاردگـر المعروف فی‌النای فی‌تاریخ ماه مبارك جمادی‌الاخر سنة ستة ثمانون و ثمانمائه ».

ضریحی مرقد امامزاده را پوشانده است . بانی این ضریح وکیل‌الملك نـوری

است و به سرکاری مرتضی‌خان‌ابن اسمعیل‌خان در تاریخ ۱۲۸۸ قمری به اتمام رسیده است .

این ضریح دارای دری دولنگه است و این ابیات بر لنگهٔ سمت راست حك شده است :

« آفتاب ملك نوراست این ضریح   صورت غلمان و حور است‌این‌ضریح
در بساط هشت جنت در بهشت   زینت حور و قصور است این ضریح
چشمهایش در تجلی تا به چرخ   برگ شاخ نخل طور است این‌ضریح
شاهزاده حضرت محمود را   شمع بزم اندر حضوراست این‌ضریح
ثمان و ثمانین و مأتین بعدالف سنهٔ ۱۲۸۸ » .

بر تنکهٔ سمت چپ ابیات زیر حك شده است :

« یابن‌کاظم موسی کاظم دخیل   خدمت دارالامور است این ضریح
[یك بیت زیر دماغه است و خوانده نشد]
از وکیل‌الملك نوری خدمتی   مانده تا یوم نشور است این ضریح
مرتضی‌خان‌ابن اسمعیل‌خان   یادگارکوی نور است این ضریح » .

بربالای لنگهٔ سمت چپ در ضریح:

« عمل استاد محمد و استاد علی ابن بسطامی » .

برپایین لنگهٔ سمت چپ :

« لعنة‌الله بر بدعت گذارنده‌گان معاف شد (؟) » .

درمسجد قدیمی متصل به بقعه یك لختی است (عکس شمارهٔ ۹۲) . بلندی آن ۱۶۰ و پهنایش ۸۳ سانتیمتر است . طرح کنده‌کاریهای آن ساده است و این عبارات بر آن حك شده است :

برقسمت بالای در :

«المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماء والمنافق فی المسجد کالطیر فی القفص».
برقسمت وسط در :
«وقف کرد استاد خرداك آهنگر ابن حسن حداد فی تاریخ ماه ذی قعده الحرام سنة سبع و سبعون و ثمانمائه» .
انبار کوچك متصل به بقعه نیز دری به بلندی ۱۲۰ وپهنای ۶۰ سانتیمتر دارد.
بر بالای لنگهٔ سمت راست عبارات زیر حك شده است :
« بخریه استاد سهراب ».
بر بالای لنگهٔ سمت چپ :
« ابن استاد عزالدین کاردگر کمرودی » .
برقسمت پایین لنگهٔ سمت راست :
« [عمل] استاد سلیمان بن حسین نجار فیروزی».

امامزاده خطیب و نجیب
در دهکدهٔ نایه (ناحیه) از دهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی از سنگ و گچ با بامی کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۹۳). سقف بنا گنبدی و عرقچینی است و داخل بقعه نیز هشت ضلعی منظم است که درازای هر ضلع آن به یك متر می‌رسد . برحاشیهٔ پایین گنبد عرقچینی آیهٔ ۳۵ ازسورهٔ نور با نام نویسنده بدین ترتیب نوشته شده است :
«الله نورالسموات والارض ـ تاـ بکل شیء علیم کتبه علی اصغر ۱۳۰۳».
براضلاع جنوبی وغربی وشمالی نیز همین آیه ازاول تاآخر نوشته شده‌است و درآخر نام کاتب سابق الذکر به‌این شرح آمده است :
« کتبه علی اصغر من طایفهٔ ملا ۱۳۳۸ » .

تمثالی ازمعراج پیغمبر صلوات‌الله بانقاشی خوب داخل بقعه بردیوار نصب است و این عبارات ذیل آن نوشته شده است :

« فرمایش حسن ملافرزند صادق وقف امامزاده خطیب ونجیب معراج حضرت خاتم انبیا ص بتاریخ غرهٔ رمضان المبارك ۱۳۳۲».

ضریحی مشبك درمیان بنای اصلی بقعه است که این عبارات برآن حك شده است:

« آفتاب ملك حور است این ضریح   شاخ برگ نخل طور است این ضریح
آیتی اندر جلال این دو ماه   مانده تا یوم نشور است این ضریح
بدستیاری صناعت دستگاهی استاد حسین نجارباشی خادمان این آستان طایفهٔ ملا ولدان ملا شریف قاری سنهٔ ۱۳۳۸ نوری ناحیهٔ من طایفهٔ حیدریه » .

سراسر کف ودیوارهای اطراف تانیم متری، کاشیکاری دوران قاجاری است بریك قالب کاشی نقش طاوس ظریفی دیده می‌شود .

بالای در ورودی بقعه این ابیات با خط نستعلیق خوب نوشته شده است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم   فالله خیر حافظاً و هوارحم الراحمین

آیدازاین لاله‌زاربوی خطیب ونجیب   میوزد ازاین مزار بوی خطیب ونجیب
هرکه در این آستان سر بزمین آورد   بشنود ازاین غبار بوی خطیب ونجیب
هرکه نماید گذر بر در این بارگاه   میبرد از اوقرار بوی خطیب ونجیب
میوزد از هر گلی درکف هر بلبلی   برسر هرشاخساربوی خطیب ونجیب
حق حقیقت که نورمشك ندارد ضرور   یافت دگر اشتهار بوی خطیب ونجیب
از دم عاجز هنوز میوزد از خلق او   درچمن این دیار بوی خطیب ونجیب
بانی این روضه شد حاجی‌الله قلی   تاکه شفیعش شوند حشر خطیب ونجیب[1]

۱ــ ظاهراً این ابیات را خود حاجی الله‌قلی ساخته است !

التماس دعـا دارم از زایرین این حقیر حاجی اللّٰهقلی فـی جمـادی‌الثانیه سنة ۱۳۱۹ » .

بنـای اصلی بقعه از شرق و جنوب بـه مسجدی متصل می‌شود کـه سقف آن پلورکشی و پردی کوبی است .

بقعهٔ امامزادگان داودکیا سلطان‌بن سالاربن جعفربن امام محمدتقی علیه‌السلام و حسن کیا سلطان‌بن ابـوطالب‌بن ابوالحسن‌بن‌امام محمدتقی علیه‌السلام در اراضی سنگ‌پل نایه (ناحیه) ازدهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی که بام آن سابقاً کلاه درویشی بوده و اخیراً بهم زده و بـه شکل گنبد پیازی درآورده و آهن پوش کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۹۴) . داخـل بقعه نیز هشت ضلعی است و هر ضلع آن بالغ بر ۱۶۰ سانتیمتر است . دو نورگیر در دو طرف جنوبی وشرقی است . دو چهلچراغ قدیمی به سقف گنبدی عرقچینی داخل آویخته است .

ضـریحی مشبك چهارگوشهٔ فلزی کـه روی آن را آب نقره داده‌اند ، مـرقد امامزادگان را پوشانده است. درازای این ضریح ۲۰۴ و پهنای آن ۱۳۸ و بلندی‌آن ۱۹۰ سانتیمتر است. سراسر بالای ضریح نردهٔ کوتـاه فنری از جنس ضـریح است و قسمت پایین ضریح تا بلندی ۴۴ سانتیمتری فلز یك پارچهٔ بدون شبکه است .

برلنگهٔ راست در ورودی بقعه عبارات زیر حك شده است :

«استاد حسین نجّارباشی ولدمرحوم مشهدی جعفر من‌طایفهٔ حیدریه۱۳۳۹».

برلنگهٔ چپ آن عبارات زیر خوانده می‌شود :

« بانی این درگاه محمد ولد حاجی محمدعلی من طایفهٔ حیدریه » .

درشمال امامزاده، مسجدکوچکی به درازی ۶۸۰ و پهنای ۳۰۰سانتیمتر است .

بقعهٔ جمشیدکیا سلطان در هسّلاو[1] و بقعهٔ شاهـزاده ابوالقاسم در شاه دارسن[2] نایه (ناحیه) هر یك دارای اطاقی و ایوانی است و آثار تاریخی درآنها دیده نشد.

۰ امامزاده امان‌الله بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام دردهکدهٔ پیجده[3] ازدهکده‌های اوزرودنور

بنای اصلی بقعه هشت ترك ومصالح آن سنگ وگچ است . (عکس شمارهٔ ۹۵) قطر دیوارهای بنا ۱۲۰ سانتیمتر است که خود نشانی برقدمت بناست. بـام آن کلاه درویشی و سفیـدکاری بوده‌است در سال ۱۳۴۰ شمسی آقای حسن نـورمحمدی پسر رجبعلی آن را حلب‌پوش‌کرده است . در شرق بنای بقعه ایوانی است که قبورچندتن درآن بود و تاریخ سنگهای قبور ایشان مقدم برسال ۱۳۰۰ قمری نبود. ازاین‌ایوان به‌کفش‌کن امامزاده وارد می‌شوند و از کفش‌کن با گذشتن از دری کـوچك و ظریف به حرم امامزاده می‌رسند. روی این درظریف را رنگ سبز زده وظرایف هنری‌آن‌را پوشانده بودند .

ضریحی مشبك در میان فضای مربع شکل در زیر گنبد عرقچینی داخلی قرار دارد که مرقد امامزاده را پوشانده است .

۱ــ بفتح هاء و تشدید سین . ۲ ــ بکسر سین . ۳ ــ پیج از خاندانهای قدیمی ساکن نورند .

امامزاده جعفربن امام علی‌النقی علیه‌السلام درده‌کدهٔ انگرود[۱] از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك باگنبدی کلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۹۶) که از سنگ و گچ ساخته‌اند و داخل وخارج آن را سفیدکاری کرده‌اند . داخل بنا چهارگوشه است و گنبد مدور عرقچینی دارد . در هر يك از ترکها از داخل وخارج طاقنمایی بنا شده است .

جلودرورودی بقعه مسجدی به‌درازای ۲۰ر۱۰ و پهنای ۱۰ر۳ متر بناکرده‌اند. چهار طاق گنبدی شکل توسری خورده، بام مسجد را تشکیل می‌دهند . در انتهای مسجد، کفش‌کن کوچکی است‌که در دولختی ورودی بقعه درآن باز می‌شود . این‌در به بلندی ۱۵۰ و پهنای ۷۰ سانتیمتر است وکنده‌کاریهای بسیار ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۹۷) . این عبارات برلنگهٔ سمت راست آن حك شده است :

برقسمت بالا :

« فرمایندهٔ هذاالباب مزار مبارك کیا جعفرسلطان ».

برقسمت پایین :

« عمل خشنام‌بن علادین[۲] لواسانی ».

عباراتی‌که برلنگهٔ سمت چپ حك شده است :

برقسمت بالا :

«کمال‌ابن سیاوش بازیار المعروف بانگروج[۳] ».

برقسمت پایین :

---

۱ ــ بفتح الف و سکون نون وکسر گاف . ۲ ــ منظور علاءالدین است .

۳ ــ انگروج (بفتح‌الف وسکون نون) وانگریج منسوب‌به دهکدهٔ انگرود راگویند.

« فی تاریخ ماه مبارك شعبان سنة ثلاث و ثلاثین[1] و تسع مایه » .

صندوقی از چوب گردو در میان بنای اصلی بقعه مرقد امامزاده را پوشانده است . درازای آن ۱۶۰ و پهنای آن ۸۰ سانتیمتر است . بر بدنه‌های این صندوق کنده‌کاری بسیار ظریف است . برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی آن این آیات باخط خوش نسخ حك شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنالك فتحاً مبیناً ــ تا ــ هوالذی انزل» .

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی :

« السکینة فی‌قلوب ــ تا ــ کان‌الله علیماً حکیماً ».

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ جنوبی :

«لیدخل‌المؤمنین والمؤمنات ــ تا ــ ظن‌السوء علیهم دائرة ».

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی :

« السوء و غضب‌الله ــ تا ــ کان‌الله عزیزاً حکیماً ».

بربدنهٔ جنوبی صندوق این عبارات حك شده است :

« عمل علاءدین‌ابن محمدبن حسن لواسانی

عمل خشنام‌ابن علاءدین‌بن محمود نجّار لواسانی ».

بربدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر خوانده می‌شود :

« فرمایندهٔ هذه صندوق حضرت امامزاده احمدبن فریدون اسفار

فی‌تاریخ ماه مبارك ذی‌الحجة سنة اربع ثلاثین وتسعمایه ».

---

۱ ــ « دراصل: ثلاسین .

امامزاده احمد کیا سلطان بن امام موسی الکاظم علیه السلام
در دهکدهٔ خجیر کلا از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك با گنبدی کلاه درویشی که از سنگ و گچ ساخته و خارج وداخل آن را سفیدکاری کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۹۸) . بنا ازداخل چهارگوشه است که با جمع کردن کنجها ، گنبدی عرقچینی برچهار دیوار زده‌اند . مسجدی جلو در ورودی بقعه است . ابتدا بـه مسجد و سپس به حرم بقعه وارد می‌شوند بـالای در ورودی مسجد شاخ بزکوهی بزرگی نصب شده است . در ورودی بقعه و صندوق مزار آن کنده‌کاری ساده داشت ، این عبارات برصندوق بقعه حك شده است :

« عمل استاد اسفندیار بن کیا فلك‌الدین کلوت[1] درشهر محرم » .

در دهکدهٔ خجیر کلا ، بقعهٔ سادهٔ دیگری به نام « درویش محمد » نیزهست .

گور کیا داود بن کیا جمال‌الدین و یلك
در دهکدهٔ یوش[2] از دهکده‌های اوز رود نور

دردامنهٔ کوهی که مسلط بر دهکدهٔ یوش است، گورستانی قدیمی است کـه از قدیمترین ایام مردگان این دهکده را در آنجا بـه خاك سپرده‌اند . بـر بالای زمین بلندی در این گورستان گور کیا داود دربنایی چهارگوشه به ابعاد چهار متر قراردارد (عکس شمارهٔ ۹۹) . بام این مرقد هرمی مربع‌القاعده بوده که قسمتی از آن فروریخته است یـا گنج‌گیران طماع خراب کرده‌اند. داخل گور این مـرد را کنده بـودند و

۱ ــ بضم کاف و لام از خاندانهای قدیمی ساکن کوهستان مازندران . تمام ساکنان اسیودرگا (آسیاب درگاه) لودا نزدیك گچسر نیزاز خاندان کلوت‌اند .

۲ــ یوش : ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان آمل ، هفت کیلومتری غرب بلـده و چهل و دو کیلومتری شرق شوسهٔ چالوس درحدود کندوان (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

جمجمه واستخوان لگن‌خاصرهٔ اوراازتابوتی‌که باآن‌تابوت به خاك سپرده شده بود، بیرون کشیده بودند . کتیبه‌ای از سنگ مرمر بالای در ورودی این بنا است که این کلمات برآن خوانده می‌شود :

« الواصل الی‌رحمةالله تعالی
المغفور کیا داود[1] بن‌کیا جمال‌الدین ویلك
علا . . . . تاریخ . . . . . . نمائه » (عکس‌شمارهٔ ۱۰۰).

طرح خانه‌های قدیمی‌اربابی‌دهکدهٔ یوش وپنجره‌های مشبك‌پرکارآنهاموضوعی است در خور بررسی و مطالعهٔ بیشتر . مسجد وتکیهٔ این دهکده متعلق به دوران قاجاری است . کتیبهٔ زیر در تکیه دیده شد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
درعهد فیروزمهد اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه ممالك‌ایران ناصرالدین شاه قاجارخلدالله سلطانه جناب مؤتمن‌السلطان وکیل‌الملك محمداسمعیل‌ـ خان نوری حکمران کرمان و بلوچستان دام مجده این تکیه را بنا نمود بتاریخ شهر ذیحجةالحرام سنهٔ هزار و دویست وهشتاد » .

این کتیبه نیز در همین تکیه برسنگ حك شده است :

« یااباعبدالله‌الحسین
حسب‌الفرمایش عالیجاه مقرب‌الخاقان جناب جلالت‌مآب اجل اکرم اعظم

۱ ــ در محل معروف بودکه کیاداوود سه برادر دیگر به نامهای : کیااسفندیار و کیاجمشید وکیا کریم داشته است که گور آنان بردامنهٔ کوهها، مقابل یکدیگر است .

محمداسماعیل‌خان وکیل‌الملك[1] دام اقباله‌العالی این تکیه جناب سیدالشهدا بتاریخ شهر ذی‌حجةالحرام سنهٔ ۱۲۸۰ بکفایت و استحضار عالیجاه عمدة‌ـ الاعاظم آقـا محمدکاظم ملقب برئیس‌الذاکرین و بسعی و اهتمام عـالیشان محمدابراهیم بیـگ کرمانی کماشتهٔ معظم‌الیه سمت انجام پذیرفت » .

بقعهٔ سید سعد بن بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ یاسل[2] از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت‌ترك باگنبدی کلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۱۰۱)و از داخل چهارگوشه که پس از جمع‌کردن کنجها گنبدی عـرقچینی بر آن زده‌اند . در ورودی بقعه شمالی است کـه به مسجدی به درازای ۶۰۰ و پهنای ۵۳۰ سانتیمتر بازمی‌شود .درازای مسجد تقریباً شرقی‌غربی است.درضلع شمالی مسجد دوطاقنماست که پهنای هر یك به ۲۶۰ سانتیمتر می‌رسد . درضلع جنوبی نیز نظیر این دو طاقنما دیـده می‌شود . در یکی ازاین طاقنماها، در ورودی مسجد و در دیگری در ورودی بقعهٔ اصلی است . در ضلع شرقی مسجد نیز دو طاقنماست که پهنای هر یك بالغ بـر ۱۵۰ سانتیمتر است . نظیر این دو طاقنما درضلع غربی است ولی در دو طاقنمای‌آن نورگیرهای مشبك چوبین نصب شده است .

---

۱ ــ وکیل‌الملك لقب مرتضی‌قلی‌خان پسرمحمداسماعیل خان نیز بوده است . محمد‌ــ اسماعیل‌خان سردار و حکمران کـرمان و بلـوچستان و سیستان پسر مرحـوم فتحعلی‌خان کوه‌نور حکمران اردبیل ومشکین وشاهسون است.ازسران وسرشناسان یوش اولاد رستم‌خان را نیز باید نام برد . مرحوم محمدرضا خان و مرحوم حاجی علیرضاخان ومرحوم محمد‌ــ یوسف بیگ‌آقا و مرحومه نوری خانم والدهٔ مرحوم‌آقا میرزا زکی مستوفی خاقان مغفور فتحعلیشاه ومرحوم آقامیرزا نصرالله کلانتر نور ساکن بلدهٔ طیبهٔ نور اولاد مرحوم رستم‌خان طاب‌ثراه بوده‌اند .

۲ــ بفتح سین. ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان آمل،۷ کیلومتری غرب‌بلده و۴۲ کیلومتری شرق راه چالوس (فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳).

در طول مسجد ، در وسط بنـا ، سه پایه چیده‌اند و طاق ضربی چهـار قسمتی مسجد براین پایه‌ها و دیوارهای اطراف متکی است .

در ورودی بقعه دو لنگه و هرلنگه از الواری یك پاره ساخته شده است .

براین دولنگه عبارات زیر حك شده است :

برلنگهٔ سمت راست :

« هذه‌الباب درویش یوسف.»

برلنگهٔ چپ :

«ابن درویش موسی پاسلی .»

برلنگهٔ راست :

« عمل استاد محمودابن استاد .»

برلنگهٔ سمت چپ :

« خشنام‌بن محمود لپاسانی .»

صندوقی با کنده‌کاریهای بسیار ظریف ، دروسط بنای اصلی ، مرقد راپوشانده است . این عبارات بر بالای بدنهٔ شمالی آن حك شده است :

« قد وقف هـذا فی هذه‌القبرالشریفة المبارکـة التی سمی‌السیادة والهدایة و النقابة من آل طه ویس زبـدة اولاد سیدالمرسلین سید سعـدین قدس‌الله روحه وعلیه [و علی] آبائه‌التحیة والسلام .»

برپایین بدنهٔ شمالی این عبارات با خط بسیار خوش نسخ حك است :

«جناب تقوی شعار ورع‌آثارساعی وبانی این‌قبر بزرگوار درویش‌یعقوب‌بن درویش احمد نیلاً لثواب‌الله تعالی و فوزالحسنات عمل استاد ابرهیم‌بن خوشنام‌نجّارلباسانی تحریرا فی‌غرة محرم‌الحرام‌سنة ستةستین وتسعمایه.»

در مسجد بقعهٔ سید سعدبن یك جفت کفش چوبی بزرگ است که معروف است کفش سید مزبور است (عکس شمارهٔ ۱۰۲) . لوحه‌ای چوبین که ظاهراً لوحهٔ گور درویش گرشاسب بوده است در این مسجد است و عبارات زیر بر آن حك شده است :

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفور درویش‌گرشاسب ابن درویش‌محمد سنة تسعة ومائة بعدالف ۱۱۰۹ » (عکس شمارهٔ ۱۰۳) .

برسنگ قبری‌که بردیوار مسجد نصب بود ، عبارات زیر حك شده بود :

« وفات مرحوم مغفور جنت‌مکان کربلائی غلامعلی ولد مرحوم کربلائی ... چهاردهم نوروزماه ۱۳۲۳ . »

سروجنگلی کهنسالی
در درویش‌خاك یاسل

برکناراراضی‌کشت دهکدهٔ یاسل ونزدیك به ساحل رودخانهٔ اصلی میان‌اراضی ریس‌گردن و لاراب سر ، سرو جنگلی کهنسالی است .

امامزاده الیاس‌بن زیدبن امام علی‌النقی علیه‌السلام
در دهکدهٔ بل[1] از دهکده‌های اوزرود نور[2]

بنای سابق هشت ترك بوده وگنبدی‌کلاه درویشی‌داشته است. بنا برتقریراهالی این بنای قدیمی براثر زلزله شکست برداشته بود. تمام بنا را تاشالوده وبنیاد خراب کرده بودند و عین طرح قدیمی آن بنایی از نوساخته بودند . دیوارهای هشت تـرك آن به اتمام رسیده بود وطاق عرقچینی داخلی آن نیز زده شده بود و مشغول ساختن

۱ـ بضم‌باء . ۲ـ دهکدهٔ بل برسامان ناحیهٔ اوزرود و ناحیهٔ میانرود بالای نور است و گاهی جزء میانرود بالا به حساب آمده است .

گنبد کلاه درویشی آن بودند . هیچگونه آثار تاریخی از در و صندوق در آن دیده نشـد .

امامزاده یوسف بن یعقوب بن محسن بن امام موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ کلیك[1] از دهکده های کمرود[2] نور

بنـای اصلی بقعه چهار ضلعی و از سنگ وگچ است (عکس شمارهٔ ۱۰۴) . داخل هر یك از اضلاع از خارج سه طاقنما است . بام بقعه گنبدی عرقچینی است که بـالای آن را حلب پوش کرده اند . وسط گنبد از کف اصلی بنا درحدود پـانزده متر بلندی دارد و ظـاهراً بلندترین بناهای مذهبی کوهستان نور است . ایـن بنا دو در کنده کاری دارد . در اولی به مسجد و در دوم بـه حرم باز می شود . در اولـی ظاهراً برای این مسجد ساخته نشده است و مـربوط به بنایی شخصی بوده کـه بعدها بعداز خرابی بدینجا منتقل کرده اند . دری دو لنگه است کـه برکتیبهٔ بـالای لنگهٔ سمت راست بیت زیر حك شده است :

« ایـن عمارت تـا ابد معمور باد صاحبش بر دشمنان منصور باد »

(عکس شمارهٔ ۱۰۵) .

برکتیبهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ کلمات زیرخوانده شده است:

« عمل احمد . . . کار . . . . اثنی . . . . تسعمائه » (عکس شمارهٔ ۱۰۶).

در دوم در ورودی بنای اصلی بقعه است که دراین مسجد قراردارد بلندی آن از داخل چهـارچوب ۱۵۸ و پهنای دولنگه غیراز چهـارچـوب ۸۵ سانتیمتراست (عکس شمارهٔ ۱۰۷).

۱ــ بضم کاف و سکون لام و فتح یاء . ده از دهستان بلده بخش نور شهرستان آمل ، چهارکیلومتری جنوب بلده (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳) .

۲ــ بضم کاف و میم.

این ابیات از ابن‌یمین فریومدی بر آن حك شده بود:

برقسمت بالای لنگهٔ سمت راست :

«بیا زا بن‌یمین ای دوست بشنو

مرین شایسته پندرایگان را .»

برقسمت بالای لنگهٔ سمت‌چپ :

«یکی وسی وپنج است آن‌کز آنها

نباید بود غافل مؤمنانرا .»

برقسمت وسط لنگهٔ سمت راست:

« زده عشری وزان‌پس منزلی‌چند

اگر ممکن بود ببریدن آنرا .»

برقسمت وسط لنگهٔ سمت‌چپ :

« بدین‌مفزای چیزی هم مکن کم

منت ضامن بهشت جاودانرا .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌راست :

«عمل حبیب ابن المرحوم حسن کمری .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌چپ :

« فی‌سلخ رمضان‌المبارك سنة تسعمایه.»

در ورودی کفش‌کن یا مسجد و در ورودی اصلی بقعه رو به‌شمال نصب‌شده‌اند . بر پشت زیارتنامهٔ بزرگی‌که درحرم امامزاده است ، نویسنده برای‌اثبات نسب‌امامزاده یوسف به‌کتاب ساختگی «بحرالانساب» تألیف ابومخنف‌ابن لوط‌بن یحیی خزاعی استنادکردہ است . تصنیف این کتاب را به امام حسن عسکری علیه‌السلام هم نسبت

داده‌اند ومترجم آن‌را از زبان عربی به زبان فارسی سیدمرتضی علم‌الهدی رضی‌الله‌عنه دانسته‌اند.درغرب مسجد بقعهٔ امامزاده یوسف، انبار و اطاقهای دیگری‌نیزساخته‌اند.

گورستان خانوادگی سلاطین استندار

بردامن تپه‌ای به‌نام‌گورستان در دهکدهٔ کمر[1] ازدهکده‌های کمررودنور

مرکز ملوك استندار را نباید تنها قلعهٔ بلدهٔ نور یا قلاع‌کجـور دانست زیرا ملك‌اسکندربن ملك‌بیستون و فرزندان او در همین دهکدهٔ‌کمر زندگی می‌کرده‌اند. سید ظهیرالدین مرعشی می‌نویسد:

«در جمادی‌الاخر سال ۸۶۰ به قریهٔ‌کمر به خانهٔ فرزندان ملك‌اسکندربن ملك بیستون‌که برادر ملك‌کیومرث مرحوم بود، نزول‌واقع شد... تـا روز جمعه‌که هفتم رجب وسلخ مردادماه‌قدیم بود، آنجا به‌جهت بعضی‌امورکلیه اقامت رفت.»[2]

اگر ملك اسکندر و فرزندان اودر دهکدهٔ کمر زندگی می‌کرده‌اند عادةً باید مـرقد ایشان را در همین دهکده جست . گذشته از این چون درهٔ کمـررود دره‌ای منفرد و جداگانه و برکنار است و ازمسیر راههای عمدهٔ نور دور افتاده است ، قاعدةً باید اجساد سایرافراد این خاندان را نیزدر اینجا به خاك سپرده باشند. دیگراینکه درسایر گورستانهای بخش کوهستانی نور که از نظر نگارنده گذشته است ، بناهایی استوار وپایدار برای مقابر وگورها نساخته‌اند. پس این‌مقابر باید متعلق به خاندانی معتبر و سرشناس باشد . اینك به شرح این گورستان می‌پردازیم .

۱ــ کمر(بضم‌کاف و میم)، ده مرکز دهستان کمررود بخش‌نور شهرستان آمل ، ۱۰ کیلومتری جنوب بلده(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج۳) .

۲ــ تاریخ گیلان ودیلمستان چاپ نگارنده ، ص ۲۸۱ .

در مغرب آبادی کمر ، سمت چپ رودخانهٔ کمررود ، بـر دامنه و سر تپه‌های زرد رنگ خاکی، گورستانی قدیمی عمومی است‌که تا امروز اجساد مردگان دهکده کمر را در آنجا به خاك می‌سپارند. امتداد این رشته تپه تقریباً شمالی جنوبی است. آثار بناهای چهارگوشهٔ متعدد برسرگورهای این گورستان است و بنایی هشت ضلعی عظیم و جسیم نیز در منتهی‌الیه جهت شمالی تپه است . اینك شرح این بناها :

آسیاب دهکدهٔ کمر در کنار رودخانه و دامنهٔ شرقی تپه گـورستان است . در شمال آسیاب پلی چوبین برروی رودخانه زده‌اند از این پل و نهری‌که در امتداد تپه است بگذریم به اراضی گورستان می‌رسیم .

مقبرهٔ شمارهٔ یك: بنایی بوده است هشت ضلعی که درازای هرضلع آن ۲۲۵ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۱۰۸) . داخل هر یك ازاضلاع طاقنمایی بوده است‌که پهنای آنها به ۸۰ سانتیمتر می‌رسیده است . این بنا از داخل چهارگوشه است وگور یا گورهای داخل آن را براثر کندوکاو زیرورو کرده بودند .

مقبرهٔ شمارهٔ دو : که درست در غرب مقبرهٔ شماره یـك است بنایی عظیم و هشت ضلعی است (عکس شمارهٔ ۱۰۹) . پهنای هر یك از ترکهای هشتگانه ۳۲۰ و قطر دیوار بنا ۱۲۰ سانتیمتر است . طاقنمایی برجدار خارجی هر یك از تـرکهاست کـه پهنای آن ۱۵۰ سانتیمتر است . بـر هر یك از جدارهای داخلی ترکهـا چهار طاقنماست وپهنای هر یك ۹۵ سانتیمتر است . طاق طاقنماهای زیرین جناقی (عکس شمارهٔ ۱۱۰) و طاق طاقنماهـای بالایین به سه مثلث از سه جانب ختم می‌شود کـه شباهت زیادی به نیم‌گنبد کلاه درویشی دارد (عکس شمارهٔ ۱۱۱) .

در ورودی بنا شرقی است. بلندی آن ۲۲۰ و پهنایش ۹۰ سانتیمتر است . این بنا گنبدی عرقچینی داشته‌که امروز خراب شده است یاخراب‌کرده‌اند . بلندی دیوار

موجود آن بالغ بر ۷۰۰سانتیمتر تمام است .

مقبرهٔ شمارهٔ سه: در جنوب مقبره شمارهٔ دو است. بنایی است به ابعاد ۲۰۰ در صدو هفتاد و پنج سانتیمتر . در قسمت بالای هر یك از اضلاع طاقچه‌مانندی ساخته‌اند . شاید کتیبهٔ بنا در طاقچهٔ بالای در ورودی بوده است . آثار گچی که بر دیوارهای این طاقچه مالیده‌اند دلالت برمحل نصب کتیبه می‌کند .

مقبرهٔ شماره چهار: درجنوب مقبرهٔ شمارهٔ سه و بر بالای بلندی ساخته شده است (عکس شمارهٔ ۱۱۲) .ابعاد آن ۱۸۰ × ۱۲۵ سانتیمتر است و در حدود یك مترونیم ازدیوار آن برجای است . درجنوب این مقبره آثار پنج مقبرهٔ چهارگوشهٔ دیگر دیده می‌شود. سه مقبرهٔ آنها بالاتر و در امتداد یکدیگرند و دو مقبرهٔ آن پایین‌تر و پهلوی یکدیگر بنا شده‌اند .

مقبرهٔ شمارهٔ پنج: نزدیك مقبرهٔ شمارهٔ چهار و در انخفاض درهٔ کم عمق دامنهٔ تپه است . مجموع مقابر شمارهٔ پنج بالغ بر نه ساختمان چهارگوشه است که دوتای آنها بزرگتر بوده است . بنیاد و شالودهٔ این مقابر برقرار است .

مقبرهٔ شمارهٔ شش: بر بازوی جنوبی تپه قرار دارد وشامل سه بنای اصلی بوده است که فعلاً دو بنای آنها خراب شده و درحدود بیست سانتیمتر از دیوارآنها برجای مانده است . مشخصات دیگری که برجای مانده بدین شرح است :

بنایی است از سنگ وگچ به ابعاد ۳۳۰ سانتیمتر (عکس شمارهٔ ۱۱۳) . در ورودی آن شرقی است . بلندی درگاه ۲۳۰ و پهنای آن ۷۰ و قطر دیوار بنا ۵۷ سانتیمتر است . در بالای درگاه طاقچه‌مانندی است که ظاهراً جای کتیبه بوده (عکس شمارهٔ ۱۱۴) . و چنانکه اهالی می‌گفتند مردی یهودی بتازگی سنگ‌کتیبه را که مرمر بوده خریداری کرده و برده است . بربالای این طاقچه‌ای که ظاهراً محل کتیبه بوده است و زیر لبهٔ دیوار که به بام منتهی می‌شود ، دو مقرنس کشکولی است

که داخل آن را رنگ سرخ زده‌اند . طرف چپ این دو مقرنس ، چهار مقرنس کشکولی سفید رنگ و پس‌از آنها دو مقرنس قرمز و پس‌از اینها ، چهار مقرنس سفید رنگ است. برطرف راست دو مقرنس‌کشکولی بالای‌کتیبه ، سه مقرنس‌سفید و بعداً دو مقرنس قرمز و پس از آنها با مقرنس نبشی چهار مقرنس سفید رنگ است . مجموع مقرنسهای بدنهٔ شرقی بادونبشی بیست ویك عدد است (عکس شمارهٔ ۱۱۵). در بدنهٔ غربی نیز نظیر این مقرنسهای کشکولی دیده می‌شود . بردو بدنهٔ شمالی و جنوبی بیست عدد قرنیس بارنگهای سفید و سرخ است .

درداخل بنا در وسط هر ضلع طاقچه‌مانندی به بلندی ۱۸۴ وپهنای ۷۰ سانتیمتر است . چهار کنج بنا را باچهار گوشوار جمع کرده و بدین ترتیب بنای چهارگوشه را به هشت ضلعی تبدیل‌کرده وگنبدی مدور بر آن زده‌اند . بالای هر کنج هشت ضلعی ، سنگی تیزونوك‌دار تعبیه شده است که به شکل مثلث متساوی‌الاضلاع نموده می‌شود. سفیدکاری داخل بنا گچ غربالی‌است‌که با دست به دیوارها مالیده‌اند.

چوبهایی داخل بنا در امتداد کف طاقچه‌ها به دیوارها دیده می‌شود . طرف جنوبی وشمالی بنا ، انتهای سه تیر از هر طرف بیرون است که نشان می‌دهد بنا از داخل کلاف بندی داشته است .

بام بنا دوپوش است و بالای گنبد مدور عرقچینی ، بامی به شکل هرم مربع‌القاعده ساخته‌اند .

مقبرهٔ‌شماره‌هفت : پایین‌تراز سه مقبرهٔ شمارهٔ شش بنا شده است. تعداد این مقابر که بالغ بر نه عدد است پهلوی یکدیگرند و همهٔ آنها مربع شکل‌اند که فعلاً بنیاد و شالودهٔ آنها برقرار است و بنای آنها را یکسره از میان برده‌اند .

مجموعاً دراین گورستان قدیمی سه مقبره بر پا و نسبةً سالم است وپنجاه و نه بنای دیگر را خراب کرده‌اند . آثار دیوارهای بیست و سی سانتیمتری از بعضی بر

جای است و از تعداد بیشتری فقط پی‌وبنیاد باقی مانده است .

نوح امام
در شمال آبادی کمر دامنۀ کوه

بنایی است ساده با دو ایوان در دوطرف شرق وغرب. در ورودی بنا در ایوان شرقی باز می‌شود . نورگیری مشبك ازگچ ، بر دیوار جنوبی بنا نصب بود که ظرافتی داشت .

در جورمحلۀ کمر بنایی ساده به‌نام «شاهزاده جلال‌کیا سلطان‌محمد» است که آثار تاریخی قابل‌ذکر درآن دیده نشد.

درویش‌محمد
در دهکدۀ بردین[1] (بردون) ازدهکده‌های کمررود نور

بنایی است ساده از سنگ وگل و بامی‌گل‌اندود . ایوانی در مشرق و مسجدی کوچك درشمال این بناست.

امامزاده محمدبن‌امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در شیخ محلۀ بردین (بردون) ازدهکده‌های کمررود نور

بنایی است هشت‌ترك با بامی‌کلاه درویشی (عکس شمارۀ ۱۱۶). فضای داخل امامزاده چهارگوشه است . کنجها را با چهارگوشوارجمع‌کرده و فضای مربع‌شکل‌را هشت‌ضلعی‌کرده وگنبدی عرقچینی از داخل‌برآن زده‌اند . در ورودی بقعه درمسجد کوچك باز می‌شود. دو فیلپا در درازی مسجداست و دوطاق‌ضربی مسجدکه‌ازسنگ و

۱ــ بضم باء و سکون راء .

گچ ساخته‌اند بر فیلپاها و دیوارهای اطراف متکی است. تکیه‌ای در شمال امامزاده است . ابیاتی ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی بربالای دیوارهای تکیه نوشته‌اند. تاریخ‌بنای تکیه سال ۱۲۸۷ قمری است. در تکیه سنگ قبری ازمرمر سفید با خطی خوش‌دیده شدکه این عبارات برآن حك شده بود :

«هوالباقی

تاریخ بیست‌و چهارم شهر محرم‌الحرام هزاروسیدوسی وهشت۱۳۳۸آقاشیخ حبیب‌الله‌بن مرحوم شیخ‌سعدی‌بن شیخ‌فغان‌بن شیخ‌قربان‌بن شیخ‌زال خطیب نوری طاب‌ثراهم داعی حق‌را درقریهٔ بردون بلبیك اجابت نموده و بجنان جاوید خرامید .»

آقاشیخ عبدالرحیم خطیبی‌نوری اظهار می‌کردکه این سنگ قبر متعلق به‌مرقد پدر اوست .

سنگ سیاهی بدین شرح در همین تکیه دیده شد :

«الملك‌لله واحدالقهار

وفات‌المرحومه نسابنت نادعلی یوم یکشنبه چهارم تیرماه‌قدیم ۱۲۴۰. »

دور سنگ صلوات بردوازده امام است .

امامزاده ابراهیم
در زیارسر[1] پایین دهکدهٔ بتیرکلا[2] از دهکده‌های کمررود نور

بنایی است هشت‌ترك با بامی کلاه درویشی. داخل بنا چهارگوشه و گنبدی عرقچینی دارد. صندوقی چوبین در وسط بناست که مرقد امامزاده ابراهیم را پوشانده است. در ورودی بقعه درکفش‌کن باز می‌شود. در این کفش‌کن نیز صندوقی است که معروف است مرقد خواهر امامزاده ابراهیم است.

در بالا محلهٔ بتیرکلا بنایی ساده معروف به امامزاده حاجی است.

امامزاده سپه‌سالار بن برهان بن محمد بن حسین بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام
در دهکدهٔ سراس[3] (سراسب) از دهکده‌های کمررود نور

بنای اصلی بقعه از خارج شش ترك است (عکس شمارهٔ ۱۱۷). کفش‌کن و مسجدی متصل به امامزاده در سمت شمالی آن است. در ورودی بقعه در مسجد باز می‌شود. فضای داخل بقعه مدور و گنبدی عرقچینی بر این فضای مدور زده بودند.

صندوقی تخته‌ای ساده مرقد امامزاده را پوشانده بود. این عبارات بر بدنهٔ شمالی آن حك شده بود:

«هذا الصندوق امامزاده انوشروان ابن امام موسی کاظم علیه السلام وقف کرد صندو [ق] را گته آقا داخوه شمس‌الدین ابن سیشا با خلف سیشبا (؟)»

بردو طرف این کتیبه با مرکب عبارات زیر نوشته شده بود:

۱ــ بکسر راء و فتح سین. ۲ــ بفتح باء و کاف. فرهنگ جغرافیایی ایران نام این دهکده را به غلط بطاهر کلا نوشته است. این دهکده را اهالی و همسایگان بیشتر بتیر (بفتح باء و کسر تاء) می‌خوانند. ۳ــ بفتح سین، به معنی سراسیاب است.

« عمل استاد عـز[ا]لدین ابن یوسف نجّار لباسانی فی ماه ربیع الثانی سنة خمسة وسبعین و تسعمائه . »

مقبره‌ای قدیمی
در اراضی گل‌بخشان[1] دهکدهٔ سراس از دهکده‌های کمررود نور

بنایی است چهارگوشه کـه از سنگ وگچ ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۱۱۸) . بـامی هرم مربع‌القاعده داشته که بیشتر آن فروریخته و خراب شده است . در محل تلاقی بام با دیوارها ، قرنیسهای کشکولی از گچ غربالی ساخته‌اند. تعداد آنها بر دیوار جلو وعقب بنا با درنظر گرفتن قرنیسهای نبشی، هریك پانزده عدد وقرنیسهای دیوارهای طرفین ، هر یك چهارده عدد است . ابعاد بنا ۳۷۵ و بلندی دیوار آن تا زیر قرنیسها ۱۹۰ سانتیمتر است . در ورودی بنـا شرقی است، بلندی آن ۱۵۰ و پهنـای آن ۸۰ سانتیمتر است . داخل بنا نیـز چهارگوشه است و کنجها را با چهار گـوشوار جمع کرده و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . بر سه جدار دیوار داخلی ، غیراز دیواری که درورودی درآن تعبیه شده است، سه طاقچه به بلندی وپهنای ۵۰ سانتیمتر ساخته‌اند. قسمت اعظم دیوار شمالی را خراب کرده بودند و کف بنا و گور صاحب قبر به قصد گنج گیری زیرو رو شده بود .

مقبره‌ای دیگر
در اراضی گل‌بخشان سراس

بنایی است چهارگوشه به ابعاد ۴۵۰ سانتیمتر از سنگ وگـچ (عکس شمارهٔ ۱۱۹) . پهنای در ورودی ۷۸ سانتیمتر و بلندی دیوارهای باقیمانده دو متر است .

۱ـ بضم گاف و فتح باء .

امامزاده محمد بن مطهر بن مهدی بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ مرج [1] از دهکده‌های یالورود نور

مرج دهکده‌ای تازه‌آباد است و قدمت زیاد ندارد. چنانکه اهالی می‌گفتند سابقاً اراضی آن مرتع بوده است.[2] امامزادهٔ معتبر این آبادی امامزاده محمد است که بنایی است هشت ترک با بامی کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۱۲۰). فضای داخلی مدور وسقف آن گنبدی عرقچینی است. کفش‌کن ساده‌ای درجلو در ورودی بقعه است.

امامزاده حسن بن مطهر بن مهدی بن امام زین‌العابدین در دهکدهٔ مرج از دهکده‌های یالورود نور

بنایی است هشت‌ترک با گنبدی کلاه فرنگی مانند. مصالح ساختمانی بنا سنگ وگچ سرندی است و از داخل و خارج سفیدکاری شده است. کفش‌کنی درجلو در ورودی با همین مصالح ساخته و سقف آن گنبدی توسری خورده است. سنگ قبری سیاه رنگ درکفش‌کن بود که تاریخ ۱۲۰۲ برآن حک بود.

بنایی‌ساده به نام حاجی درویش محمد نیزدردهکدهٔ مرج بودکه جنبهٔ تاریخی نداشت. قدمگاهی در شمال آبادی به نام «آقا شاسپول» بود. درخت ریس[3] کهنسالی به نام «آقاریس» بربالای کوه گچی مقابل آبادی است که آن را متبرك می‌دانند.

مسجد جامع دردهکدهٔ یالی (یالو) از دهکده‌های یالورود نور

مسجدی‌است بزرگ‌که شش فیلپای مربع به ابعاد ۱۱۸ سانتیمتر در درازای بنا

۱ــ بفتح میم وسکون راء. ۲ــ ظاهراً کلمهٔ «مرج» عربی از این لغت گرفته شده است. ۳ــ ریس نوعی سروجنگلی است.

در وسط ساخته شده است. فاصلهٔ میان فیلپاها ۲۳۰ سانتیمتر است . محرابی گچکاری داردکه سورهٔ مبارکهٔ نور اطراف آن گچ‌بری شده است و بر یکی از فیلپاها نیز بسمله، باخط ثلث جلی گچ‌بری شده بود. درطرفین محراب دوپنجره است ودرورودی مسجد درکنار یکی از طاقنماهای جنوبی است . در سال ۱۲۳۰ این مسجد تعمیر و مرمت شده است. سقف قسمتی از بنای مسجدضربی، و بالای هردو فیلپا و دیوارپهلو، سقفی گنبدی زده‌اند .

امامزاده صالح و محسن و حسین
در تکیهٔ دهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورود نور

بنای تکیهٔ یالو نسبةً قدیمی است . متصل بـه یکی از شاه‌نشینهای‌تکیه ، در ورودی امامزاده است‌که رو به مشرق گشوده می‌شود . داخل بنا هشت ترك و داخل هرترك درگاهی است‌که طاق درگاهها را جمع کرده وگنبدی مدور از داخل برفضای داخلی بقعه زده‌اند . بام بیرونی کلاه درویشی است و بدنهٔ آن هشت ترك است (عکس شمارهٔ ۱۲۱) .

سقاخانهٔ مشبك چوبینی‌کار کربلائی‌حمزهٔ سراسبی‌که ظرافت زیاد دارد دراین تکیه است . این سقاخانه در دوران منتخب سلطان از چوب سور (سروجنگلی) ساخته شده است (عکس شمارهٔ ۱۲۲) .

علم تکیه نظیر علمهایی‌است‌که در تهران دیده می‌شود و شباهتی بـه علمهای گیلان نداشت (عکس شمارهٔ ۱۲۳) .

کاروانسرایی قدیمی
در دهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورود نور

دهکدهٔ یالو از قدیمترین ایام برسر راه چارواداری نور بوده است. از تهران، معمولاً ازکاروانسراهای پامنارکه حرکت می‌کردند، شب اول رادرافجه می‌گذراندندو روز بعد پس‌از گذشتن از افجه‌بشم و دشت لار و بستك وگردنهٔ کهو (کبود) به دهکدهٔ یالو که نخستین دهکدهٔ کوهستانی نور است می‌رسیدند . یالو باراندازوشب منزل بود و به همین سبب کاروانسراهای متعدد داشت . از آنهاست کاروانسرایی از سنگ و گچ که بنای آن بیشتر زیرزمین است و بام آن بیش‌از یك متر ونیم ازسطح زمین بلندی ندارد . این کاروانسرا به باره‌بند زمستانی بیشتر شباهت دارد (عکس شمارهٔ ۱۲۴) .

بنایی قدیمی
در دو آب دهکدهٔ یالو

برسردوآبی که‌دردهکدهٔ یالواست‌بنایی‌هشت‌ترك‌بابامی‌کلاه‌درویشی ازسنگ و گچ بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۲۵) . این بنا از داخل نیز هشت ترك است و با گوشوارهایی‌که در کنجها زده‌اند ، بدنهٔ داخلی را به شکل دایره درآورده و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . میان این گنبد سوراخی است . فاصلهٔ کف بنا تا این‌سوراخ ۴۷۰ سانتیمتر است. در اضلاع هشتگانه از خارج طاقنماهایی به پهنای ۸۵سانتیمتر ساخته‌اند . دو نورگیر کوچك در دو ضلع جنوبی و غربی بر بالای ترکهاست . در جدار ترکهای داخلی‌نیز طاقنماهایی نظیر جدار خارجی است . پهنای هر یك از ترکهای بیرونی ۱۸۰ سانتیمتر است . آبروها یا قرنیس‌های کشکولی مانند بر بالای

ترکها در محل اتصال بام ساخته‌اند. رنگ داخل پاره‌ای از آنها تا امروز سرخ بود. بنا از داخل سفیدکاری با گچ غربالی است که با دست مالیده‌اند. بنا برگفتهٔ آقای کریم صدیق بهزادی این بنا مرقد کاوس‌بن کیومرث‌بن بیستون است و کتیبه‌ای داشته که این کلمات بر آن حک بوده است:

«کیکاوس‌بن کیومرث‌بن بیستون شیعه و محب حضرت علی‌بن ابی‌طالب.»

امامزاده
دردهکدهٔ ورزن[1] ازدهکده‌های یالورود نور

بنایی است مدور از سنگ و گچ با گنبدی مخروطی (عکس شمارهٔ ۱۲۶). در ورودی ساده و تخته‌ای است و صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است. در دامنهٔ کوه متصل به این بقعه گورستان و آثار دهکده‌ای قدیمی است. نزدیک به اراضی «لاراب‌سر» در دهکدهٔ ورزن گورستانی است که مردگان را با تابوت به خاک سپرده‌اند.

امامزاده محمد و امامزاده ابراهیم پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ هتر[2] از دهکده‌های یالورود نور

بنای اصلی بقعه شش ترك است و بامی کلاه درویشی شش ترك کوتاه دارد (عکس شمارهٔ ۱۲۷). این بنا درکنار یکی از شاه‌نشینهای تکیهٔ دهکده است. ازاین شاه‌نشین دری کوچك به‌کفش‌کن بقعه باز می‌شود. بلندی این در ۱۲۰ و پهنای آن ۷۰ سانتیمتراست (عکس‌شمارهٔ ۱۲۸). این عبارات برآن حك شده است:

برلنگهٔ راست:

«صاحبه و مالکه نجم‌الد.»

برلنگهٔ چپ:

«ین‌ابرهیم‌درزی سنة عشرین‌تسعمائه.»

۱ـ بفتح واو و سکون راء و فتح زاء. ۲ـ بفتح هاء و تاء.

ازکفش‌کن نیز دری به بقعه دارد . این در دولنگه و هرلنگه از الواری یك پارچه ساخته شده‌است. بلندی آن ۱۴۰ و پهنای‌آن ۷۳ سانتیمتر است. برهردولنگه گل و بوته‌های ظریف کنده‌کاری شده و از ظرایف هنری بخش نور به شمار می‌رود.

این عبارات برآن حك شده بود :

برلنگهٔ سمت راست :

« امر باتمام هذه‌العماره

کیاذل‌ابن کیاشمس‌الدین آرویج

عمل استاد خوشه‌نام

ابن استاد علادین لباسانی.»

برلنگهٔ سمت چپ :

« متولی‌آستانه مولانا سلیمان

ابن مولانا مهدی غفرذنوبه

فی‌تاریخ غرهٔ ذی‌قعده

سنة تسع ثلثین و تسعمائه .»

داخل بناچهارگوشه است‌که چهارکنج را با چهارگوشوار جمع‌کرده وگنبدی مدور بر فضای داخلی زده‌اند .

براثر بادی‌که در خرداد مـاه ۱۳۴۶ وزیده بود ، قبهٔ مسین گنبد افتـاده بود (عکس شمارهٔ ۱۲۹) ، این عبارات با خطی بد بر آن حك شده بود :

« عمل استاد علادین رودگر تاریخ رجب سنة ست عشرین تسعمائه .»

امامزادهٔ دیگری در داغ‌محلهٔ هتر است که شامل اطاقی ساده و ایوانی درجلو آنست .

باقی بناها و آثار تاریخی یالورود

۱ـ بر بالای کوه کهو (کبود) که آبریز جنوبی آن بـه طرف لار و آبـریز شمالی آن جزء مازندران است ، آثار دیواری بسیار قدیمی است که به نام « سدرستم» یا « سد نوشیروان » معروف است . می‌گویند ایـن دیوار را از سنگ و سرب ساخته بوده‌اند و پهنای آن به اندازه‌ای بوده که یك گاری می‌توانسته بر بالای آن حـرکت کند. این دیوار به دیوار مازیاری نیزمعروف است، ممکن است مازیار آن راتعمیرو مرمت کرده باشد .

۲ـ دو غار درپای کهو (پایین گردنهٔ کبود) طرف مازندران است و ظاهراً از غارهای محل زندگی انسان اولیه است .

۳ـ آبشاری درشرق این غارها است. خط ناصرالدین شاه وصدراعظم بامرکب چاپ برلوحهٔ سنگی نزدیك این آبشار تا چندی پیش خوانده می‌شد .

۴ـ درکـوه پلك در شمال آبادی یـالو ، دخمه مانندی است کـه استخوان فراوان آدمی ، کوزه، سرنیزه، پیکان وآتشدانهای گلی وفلزی درآن یافت شده است .

۵ـ گورستانی درجنوب آبادی یالو میان فتح آباد و نظیرباغ است .مردگان را در این گورستان راست نشانده‌اند و اطراف آنها را گچ گرفته‌اند.[۱]

بقعهٔ شیخ سلطان احمد

دربلده از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنایی است هشت ترك و بسیار بلند (عکس شمارهٔ ۱۳۰) . پس از بنای امامزاده یوسف در دهکدهٔ کلیك ، این دومین بنای بلند خاك نور است . پهنای هـر یـك از

۱ـ این اطلاعات را آقای کریم صدیق بهزادی در اختیار نگارنده گذاشتند .

ترکهای داخلی آن ۲۶۵ سانتیمتر است . در جدار ترکهای داخلی دو طاقنما بر روی یکدیگر ساخته‌اند که پهنای آنها ۱۱۸ سانتیمتر است . درطاقنماهای بالایین که در چهار جهت اصلی‌قرار می‌گیرند ، چهار نورگیر مشبك چوبین تعبیه شده است . بام بنا از خارج کلاه‌درویشی و از داخل گنبدی عرقچینی است . برکمربندگنبد داخلی با مرکب یا رنگ سیاه‌حاشیه‌بندی کرده‌اند . در داخل گنبد درجهت شمال وجنوب، دو نقش شیر و خورشید را با گچ ، برجسته‌کاری کرده‌اند و در جهت شرق و غرب دو نقش شیر است که ماری به کمر و پاهای او پیچیده است . شیرکمر گاو را گرفته و مارکه سرگاوکوهی دارد، کمر شیر را به دندان گرفته است. دمهای شیرها نیزشباهت به‌گاوکوهی دارند . بالای طاقنمای جنوبی با خط‌کوفی چهارگوشه (کوفی بنایی) دوبار نام محمد و داخل آن چهار بار نام علی را گچ‌بری بسیار ظریف‌کرده‌اند .

صندوق مرقد در جنوب غربی بنای اصلی است . این نوشته‌ها بر بدنهٔ شمالی آن حك شده است :

« ناد علیاً مظهرالعجائب ــ تا ــ یاعلی یاعلی یاعلی

بانی وباعث قبرحضرت شیخ احمدنوری آقا ورداسف سراج متولی آستانهٔ شیخ‌حسین وشیخ شریف عمل استادابراهیم و محمود ومظفر فی تاریخ ذوالحجــه سنهٔ ۱۱۰۲ .»

برسمت چپ همین کتیبه :

« البته تمام شد بدست استاد علی گرشاسف ومنوچهر واستاد حسین پوشگر کاردگر.»[۱]

بردوسنگ قبری که در حرم بود سنوات ۱۱۴۲ و ۱۲۰۸ خوانده شد .

۱ــ احتمال اینکه این اعلام پس و پیش خوانده شده باشد می‌رود .

مسجد جامع بلدهٔ نور

مسجدی است که دردرازای آن‌سه فیلپا ساخته وتشکیل چهاردهنه داده‌اند که بر هر قسمت از دهنه‌ها طاقی مدور زده‌اند . متن بنا سنگ و آهك است و روکار را سفیدکاری کرده‌اند . در این مسجد منبری از سنگ سیاه یك‌پارچه است که درازای آن ۱۵۰ و پهنایش ۸۰ سانتیمتر است و دارای پنج پلهٔ اصلی است . عباراتی بر آن نقر شده بوده است که به علت مرمت و روکشی باسیمان ، از میان رفته و بهیچوجه قابل خواندن نیست . بالای سر منبر این عبارات بردیوار نوشته شده بود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یا اباعبدالله ادرکنی درزمان تولیت عالیجناب فضایل‌مآب شیخ اسمعیل بدستیاری استاد اللهداد نوائی [۱] بـه اتمـام رسید سنهٔ ۱۲۷۰ ».

بربالای محراب کتیبهٔ زیر بارنگ سیاه نوشته شده بود :

« تصدی شیخ جمال‌الدین سلطان احمدی وبدستیاری استـاد یحیی سلطان احمدی و استاد علی‌اصغر گرجی اتمام یافت شهر رمضان ۱۳۷۳ خرداد ماه ۱۳۳۳ ».

فانوس بسیار زیبا از سقف مسجد آویخته است که اضلاع آن از چهار مربع و هشت مثلث تشکیل شده است که طرحی زیبـا و عجیب است (عکس شمارهٔ ۱۳۱) . براین مربعها و مثلث‌ها گل و بوته‌های زیبایی ترسیم شده است . برقسمت بالا وپایین فانوس کـه چهارگوشه است حـاشیه‌بندی ظریفی دارد .

نزدیك مسجد جامع سنگ‌قبری سیاه‌رنگ‌به درازای یك متروپهنای ۳۲ وقطر

۱ـ نوا از دهکده‌های زیبای‌بالا لاریجان است .

۲۵ سانتیمتر است. برحواشی آن صلوات بر دوازده امام ودر متن ابیات زیر حک شده است :

« ازجور زمانه صد هزاران فریاد و ز پستی چرخ و از فلک صد بیداد
قاهرعلی بیگ غجر جاوشلو چون گشت ازین دارفنا بی‌بنیاد
دل کز غم او چولالهٔ پرخون شد داغ دگر آورد بر آن داغ نهاد
تاریخ شهر محرم الحرام سنهٔ ۹۷۹. »

تکیهٔ بالای بلده ومسجد متصل به آن

بنایی است چهار ضلعی ساده. بر دیوار مسجدی که در غرب تکیه است کتیبهٔ زیر برسنگی حک شده و نصب گردیده است :

« هوالواقف علی‌الضمایر وقف صحیح و شرعی نمودند عالیجاهان مقربی‌الخاقان میرزااسدالله و محمدزکی‌خان خواجه‌نوری[1] یکباب مسجدو مدرسه و تکیه و سقاخانه و دکاکین جدیدالبنای واقعه در بلوك محروسهٔ نور من قهستانات دارالمرز مازندران خفّت بالنصروالامان را و تولیت موقوفات مزبوره رابشرایطی‌که دروقفنامچهٔ جداگانهٔ علیحده مرقوم است بعالیجناب خیرالحاج حاجی عبدالمحمد نوری[2] مفوض داشتند قد اجرت الصیغة الوقفیة فی شهر ذی‌حجةالحرام سنة ۱۲۴۰.»

تکیهٔ مقابل مسجد را حاجی میرزا یحیی‌خان[3] ساخته است . درسال ۱۳۱۸

۱ـ محمد زکی‌خان‌ومیرزااسدالله‌خان ازاقارب مرحوم‌حاجی میرزا یحیی‌خان برادر کوچك میرزا آقاخان صدراعظم نوری هستند . ۲ـ حاجی عبدالمحمد نوری پدرزن ناصرالدین شاه است . دختر حاجی به نام‌صفیه سلطان عنبرخانم بود که ناصرالدین‌شاه از قصبهٔ بلده به عقد خود در آورده بود . ۳ـ برادر کوچك میرزا آقاخان صدراعظم نوری است .

شمسی براثر زلزله خـراب شد و ساکنان باهزینهٔ خود تجدید بنا و تعمیر و مـرمت نموده‌اند .

امامزاده اسمعیل
در محلهٔ بازار قصبهٔ بلدهٔ نور

بنای بقعه زیاد جنبهٔ تاریخی نداشت. درورودی دولنگه‌ای داشت که هر لنگه یك پارچه بود. نگار اصلی کنده‌کاری در، شش ضلعی بود که از میان ستاره‌ای درآورده بودند . این عبارات برآن حك شده بود :

بر بالای لنگهٔ سمت راست :

« ولیکن خداوند بالا و پست .»

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

« بعصیان در رزق برکس نبست .»

برپایین لنگهٔ سمت راست :

« ای درت کعبهٔ ارباب نجات .»

برپایین لنگهٔ سمت چپ :

« قبلتی و جهك فی کل صلات .»

خانهٔ میرزا آقاخان صدراعظم نوری
درقصبهٔ بلدهٔ نور

بنایی است ساده بردوطرف حیاطی بزرگ، پنجره‌های ارسی بسیار زیبا و پرکار کـه شیشه‌هایی رنگین دارد (عکس شمارهٔ ۱۳۲) . عمارتی که در ربیع‌الثـانی سال ۱۲۵۶ قمری ناصرالدین شاه در آن بوده و درکنار آن اردو زده است ، غیراز ایـن بناست . بااینکه زیر عکس آلبوم ناصرالدین شاه ، به خط خـود او نوشته شده است

« عمارت اجداد میرزا آقاخان است (عکس شمارهٔ ۱۳۳) »[۱] ولی باید گفت که این عمارت را خود میرزا آقاخان ساخته و سایر برادرها که هفت تن بودند درجوار آن ساختمانهایی ساختند . برادر معروفتر حاجی میرزا یحیی‌خان بود. این بناها واراضی اطراف آن پس‌از مرگ اینان به دست دو دختر افتاد . آقایان محلی این دو دختر را به خانهٔ خود راه ندادند و غاصبانه درآنجا نشستند . مرحوم امیر مصدق این محل را به اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر فروخت . شاهنشاه آریامهر اعلان فروش آنجا را دادند . احمدعلی خان بهزادی آنجا را خرید و بناها را یکسره خراب کرد.[۲]

قلعهٔ پولاد یا قلعهٔ نور

قلعهٔ پولاد که درکتب تاریخی به نام قلعهٔ نور شناخته می‌شود ، در شمال قصبهٔ بلده، بربالای پوزهٔ کوهی‌که رو به جنوب است، بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۳۴) . دامنهٔ غربی این پوزه به صفرکلا تنگه ودامنهٔ شرقی‌آن به پولادتنگه منتهی می‌شود. دروازهٔ قلعه پایین پوزهٔ کوه ، بالای خانه‌های مسکونی بلده تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۱۳۵) . می‌گفتند تخته پل قلعه از این دروازه تا نزدیك امامزاده اسمعیل می‌رسید . روزها آن‌را می‌انداختند و اول غروب با زنجیرهایی‌که داشت ، به طرف دروازه می‌کشیدند و جمع می‌کردند . بنای قلعه شامل سه قسمت اصلی است و بارویی اطراف آن است (عکس شمارهٔ ۱۳۶) . برجهای متعدد در هر قسمت بارو به چشم می‌خورد (عکسهای شمارهٔ ۱۳۷ و۱۳۸ و۱۳۹ و۱۴۰) . قطر دایرهٔ هر یك‌نسبت به پهنه‌ای که برآن بنا شده مختلف است . بیشتر برجهای اصلی تا امروز باقی‌است و پاره‌ای به بلندی هفت هشت متر می‌رسد .

۱ـ عکس‌شمارهٔ ۱۰۰۵۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .

۲ـ این‌اطلاعات را آقای خانباباخان سلطانی نوری در اختیار نگارنده گذاشتند .

آب قلعه از چشمهٔ مرتع ملرز با گنگ (تنبوشه) به قلعه سوار می‌شده است و مردم هروقت گنگی برای حمام بخواهند ، به قلعه می‌روند و گنگهای قدیمی را بیرون می‌آورند و به‌کار می‌برند . در صفرکلاتنگه نیز چاه‌آبی بوده که بر سر آن بنایی مستحکم با بامی گنبدی ساخته بودند . پلکانی از قلعه بدین بنا ساخته بودند و در مواقع ضروری از آب این چاه استفاده می‌کردند . ازصفرکلا تنگه[1] به پولادتنگه دردل سنگ نقبی کنده‌اند . ظاهراً از ارگ قلعه (عکسهای شمارهٔ ۱۴۱ و ۱۴۲)نیز راهی به‌این نقب بوده است ودرمواقع لزوم برای فرارازاین نقب‌استفاده می‌کرده‌اند.

باغ و عمارت ملک کاووس معروف به باغ نو دربلدهٔ نور

باغ و عمارت ملک کاووس را برادرش ـ ملک اسکندر ـ دوبار ویران کرد . یک بار دررجب سال ۸۶۰[2] و باردیگر در ذی‌الحجهٔ سال ۸۶۷ . میرظهیرالدین شرح خرابی بار دوم را چنین نوشته است :

«جناب ملکی‌مآبی ملک‌اسکندر با برادرزاده‌ها و اهل ملک خود باغ ملک کاووس که آنجا (بلده) ساخته و به انواع ثمار آن را آراسته و عمارت مرغوبه احداث نموده بود مجموع را ویران ساخت وعمارت را منهدم گردانید وهیزم بسیار از آن چوبهای عمارات و درختان میوه جمع شد.»[3]

۱ـ از صفرکلاتنگه که بالارفتیم،راهی به‌طرف دست راست به‌گردنهٔ قرق و ورازان و شاه‌ناجر وشهرکجور می‌رود . دو آب بالاتر ازاین راه به نیتل و دوآب بالای آن به پول کجور راه دارد . ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالدین ، چاپ نگارنده ، ص ۲۸۲ . ۳ـ تاریخ گیلان و دیلمستان ، چاپ نگارنده ، ص ۳۰۷ .

چهل‌دختران
در اراضی کشتزار بلده معروف به سراپرده

از آثار قدیمی چهل‌دختران که ظاهراً گورستانی قدیمی بـوده است ، سنگ قبری بزرگ وسفیدرنگ با خالهای سیاه برآن دیده شد . درازای این سنگ ۱۳۰و پهنای آن ۸۰ و قطرش ۲۵ سانتیمتر است و نظیرسنگهایی است که درگورستان پیل دیده می‌شود.این کلمات با خطی درشت برآن حك شده بود :

« هذاالقبر المرحوم المغفور » .

باقی به علت فرسودگی و فروریختگی خوانده نشد .

بر سر تپه‌ای دراراضی سراپرده بنایی چهارگوشه از سنگ وگچ بودکه فعلاً خراب شده یا خراب کرده‌اند . درحدود یك متر از چهار دیوار آن برجـای است . ابعاد بنا ۲۶۰ و پهنای طاقنماهای داخل اضلاع ۱۲۰ سانتیمتر است . در آن غربی و پهنای آن ۷۵ سانتیمتر است . در طاقنماهای این محل ، روی سفیدکاری ، گچ را با رنگ سرخی مخلوط کرده و ماله‌کشی کرده بودند .

خرابه‌هایی‌ازسنگ وگچ نزدیك همین مقبره‌است‌که‌به نام حمام معروف‌است.

گنبدی در پولاد تنگه

هنگامی‌که راه این‌تنگه‌را روبه بالا می‌رویم، طرف دست راست، برسرکوهی منفرد ، بنایی است که از خارج هشت ترك و از داخل چهارگوشه است . در ورودی آن شرقی است ودرحدود دومتر ازدیوار غربی برجای است. پهنای هر یك ازاضلاع داخلی۲۸۰ سانتیمتر است. برجدار هر یك ازاضلاع طاقنمایی به پهنای ۷۵سانتیمتر است . داخل طاقنماها را پس‌از سفیدکاری ، مـادهٔ قرمز رنگی داخل گـچ ریخته و

روکش رنگینی برسفیدکاری کشیده‌اند. برجدار ترکهای خارجی نیز طاقنماهایی‌که به پهنای ۸۵ سانتیمتر است دیده می‌شود.

گنبدی در مرتع کلین‌دره [1]

این گنبد برسر راه بلده به ورازان ودر یك سوم راه‌گردنهٔ قرق[2] است . بنایی است هشت ترك با بامی گنبدی عرقچینی از سنگ وگچ (عکس شمارهٔ ۱۴۳) . پهنای اضلاع داخلی ۱۳۰ سانتیمتر است . برجدار هرضلع طاقنمایی به پهنای ۸۰ سانتیمتر و بلندی دو متر است . حاشیهٔ طاقنماها باگل اُخرا یا رنگ دیگری حاشیه‌کشی شده است. بنا از داخل هشت ترك ودر هر ترك یك طاقنما با طاق جناقی است (عکس شمارهٔ ۱۴۴) .

امامزاده عبدالله بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ چل[3] از دهکده‌های میانرود نور

بنای بقعه از داخل و خارج هشت ترك است (عکس شمارهٔ ۱۴۵) . سقف داخل، گنبدی عرقچینی و بام آن کلاه درویشی است. کفش‌کن کوچکی‌جلوامامزاده است که در ورودی آن به طرف شمال است . مسجد کوچکی در پهلوی کفش‌کن و در طرف شرقی آن بنا کرده‌اند . متن بنا از سنگ و گچ است .

سنگی بزرگ و چهارگوشه‌که بالای آن قسمتی اضافی دارد ، نزدیك به بنای بقعه است . این عبارات برآن حك شده است (عکس شمارهٔ ۱۴۶) :

۱ــ بضم کاف وکسر لام و سکون یاء . برای رسیدن به مرتع کلین‌دره از مراتع ریزه‌بن (بضم باء) ، خروش (بفتح خاء) ، دیودارنو ، رشیدی سره (بفتح سین) ، پری‌انجم (بفتح پ و الف و سکون نون و ضم جیم) باید عبور کرد . ۲ــ بضم قاف و راء . ۳ــ بکسر چ .

قسمت بالای سنگ :

« فرمودهٔ کدخدا جمشیدکوس .»[1]

در وسط سنگ :

« باتمام رسانید عمارت زرین‌کیا سلطان کدخدا جمشید .»

برحاشیه‌های سمت راست و پایین و سمت چپ :

« ز اهل قبر دردم این ندا درگوش جان آمد

که محنت خانه‌ای داریم اینجا میتوان آمد .»

چنانکه نوشتهٔ این سنگ حاکی است، سنگ اتمام بنای زرین‌کیاسلطان‌است که به فرمودهٔ کدخدا جمشیدکوس بنا شده است . چون احتمال می‌رود که این‌سنگ در همین محل بوده و از جایی دیگر بدینجا آورده نشده است ، می‌توان به‌این‌نتیجه رسید که این سنگ اتمام بنای همین امامزاده است که مدفن زرین‌کیاسلطان بوده و امروز امامزاده عبدالله شده است .

از بلده که به دهکدهٔ چل می‌آمدیم از دهکده‌های زرین‌کمر و کوس‌محله گذشتیم در کوس‌محله بنای محقری با بام گلی بود که به نام امامزاده سام شهرت داشت . مسجدکوچکی متصل به امامزاده بود که قسمت پایین دیوارهای آن سنگ و گچ بود و شکل ظاهری بنا قدیمی به نظر می‌رسید .

امامزاده محمودبن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دویلات[2] از دهکده‌های میانرود نور

بنایی است ساده با بامی گلی در میان آبادی دویلات. دو درخت ریس‌کهنسال

۱ـ کوس‌محله از دهکده‌های میانرود نور مسکن ومأوای این خاندان قدیمی است .

۲ـ بفتح دال وکسرواو. لات به معنی زمینهای کنار رودخانه است .

در زمینهای گورستان اطراف امامزاده است . جلو در ورودی بقعه کفش‌کنی است که سنگ قبر نسبةً قدیمی در آن بدین شرح دیده شد :

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفور الی‌رحمةالله درویش زرینکمرولد مظفر باغبان[1] ومادرزوجهٔ اوپری بنت حسین‌کمانگر تحریرا فی‌شهر ذوالحجه ۱۰۷۸ . »

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالمبرور الی‌رحمت‌الله تعالی درویش شاهبیگ‌ابن زرینکمر سنهٔ ۱۱۰۱ . »

«الحکم‌لله‌الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالی‌رحمت‌الله تعالی‌درویش میرزا ابن زرینکمر سنهٔ ۱۱۰۱ . »

قلعهٔ گلپیر[2]

بالای‌کوه گلپیر که در شمال دهکدهٔ دویلات و در طرف راست رودخانه است، آثار قلعه‌ای کهن باقی مانده است (عکس شمارهٔ ۱۴۷) . این کوه بلند وگنبدی شکل است و سنگهای دامنهٔ آن به شکل پله‌های طبیعی در آمده است . بالای آن چنانکه سید حسین کدخدای دویلات اظهار می‌کرد آثار حمام و برج و بارو است . گورستان کهنه‌ای نیز بربالای کوه ، در اراضی این قلعه است . آب مصرفی ساکنان قلعه از چشمهٔ ایلسّا[3] باگنگ (تنبوشه) به قلعه می‌آمده است .

۱ــ باغبان از خاندانهای قدیمی ساکن دردویلات هستند. در دوسنگ دیگری که در کفش‌کن امامزاده بود واطراف‌آن راگچ کشیده بودند و متن سنگ درست خوانده نمی‌شد، کلمهٔ باغبان در هر دو روشن خوانده می‌شد. ۲ ــ بضم گاف وکسر لام .

۳ــ بکسر الف و لام و تشدید سین .

کتیبه‌ای بر سنگ
درمحلی به نام پیت حمام سر

درطـرف دست چپ رودخانهٔ دویلات ، کوهی به نـام « سرخ‌کمر »[1] است‌کـه درست روبروی کوهی است که قلعهٔ گلپیر بر آن بنا شده است . در محلی از این‌کوه به نام « پیت حمام سر »کتیبه‌ای رو به مشرق بر سنگ بـه این شرح کنده شده است (عکس شمارهٔ ۱۴۸) :

« خسرو فرهـاد قـوهٔ آن بذاتش ذونسو[2]

شاه کاوس کیومسرث ابـن سلطـان سسو[3]

هشتصد و هشت و چهل از هجرت صدررسل

کنـد بتوفیق خدا این‌کوه چوکوه بیسو[4] »

پلی قدیمی
پایین دهکده ولاشد از دهکده‌های میانرود نور

پـایین دهکده ولاشد پلی‌که طـاق آن از آجر و گچ است بردوکمر بـزرگ ساخته‌اند . بالای پل را باسنگ وگچ پوشانده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۴۹) .

امامزاده محمدبن ابی‌بکربن علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام
در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنای اصلی بقعه بنایی است هشت ضلعی با بامی‌کلاه درویشی‌که سوراخهایی‌در جدارهای این بام دیده می‌شود و در یکی از جدارها سوراخی بزرگتر برای ورود به

۱ــ بکسر خاء . ۲ ــ ۳ــ ۴ــ معانی لغات‌قوافی روشن نیست . ملك‌کاوس روز سه‌شنبه چهاردهم شوال سنةاحدی وسبعین وثمانمائه ۸۷۱ فوت‌شد (تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالدین ص ۳۱۴) .

فضای میان گنبد زیرین و بالایین ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۱۵۰) . درمحل اتصال ترکهای هشتگانه به بام‌کلاه درویشی قرنیس مانندی است که از مقرنسهای مستطیل شکل ساخته شده است . مقابل در ورودی بقعه یك کفش‌کن یا پیش‌صحنی است . از این کفش‌کن دری به حیاط جلو کفش‌کن بـاز می‌شود . یك طرف ایـن حیاط تکیه است واطاقهایی برای استراحت زوار دراطراف حیاط‌است. یك کلاه فرنگی‌تابستان‌نشین که ظاهراً تخت تعزیه خوانی است در وسط حیاط است .

داخل بقعه نیز هشت ترك است و در هرترك یك طاقنما به پهنای ۸۵ سانتیمتر تا زیر طاق ساخته‌اند . پهنای هـر یك از اضلاع داخلی ۱۷۰ سانتیمتر است . طـاق بقعه بسیار بلند و نظیر طاقهای بقعهٔ شیخ‌سلطان احمد دربلده و امامزاده یـوسف در کلیك است . طـاق از داخل عرقچینی است و بـا رنگ ، گل و بوته بـر آن نقاشی کرده‌اند . دراصلی بقعه به طرف جنوب شرقی باز می‌شود .

بر در ورودی بقعه که در این وقت به سرقت رفته و پس‌از کشمکشهای زیـاد پیدا شده بود وبه تهران برده بودند در موزهٔ ایران باستان بـدان دسترسی پیدا شد . این در کنده‌کاری نبود و ارزش زیاد نداشت .

این دو بیت بر آن حك شده بود :

« مـن غـلام علـی عمـرانـم — خـاکپـای شـه خـراسانـم

پیـرو احمـدم محمـد نـام — گـرچه نجّاری ازلواسانم »

در وسط بنای اصلی ، صندوقی چوبین مرقد امامزاده را پوشانده است . ایـن صندوق را از نظر ظرافت و پرکاری باید یکی از شاهکارهای هنری ایـران دانست .

بدنهٔ شمالی صندوق شامل سه قسمت یعنی سه مربع مستطیل است ، بـرقسمت راست مربع مستطیل سمت راست (عکس شمارهٔ ۱۵۱) :

« اللّٰه‌لااله‌الاهوالحی‌القیوم ـ تا ـ الارض من‌ذی .»

برقسمت بالای همین مستطیل:

« الذی یشفع عنده‌الا .»

قسمت سمت چپ همین مربع مستطیل :

« بـاذنه یعلم مابین ایدیهم و ماخلفهم ـ تـا ـ السموات والارض .»

قسمت پایین همین مربع مستطیل :

« ولایؤده حفظهما و هوالعلی العظیم .»

قسمت وسط همین بدنه تمام کنده‌کاریهای ظریف بر پاره‌های چوب است کـه تمام آنها را کم و زبانه کرده و جفت‌گیری نموده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۵۲) .

پـایین مربع مستطیل وسط این کلمات باخط خوش نستعلیق حك شده است :

«عمل علاءالدین بن محمد نجّارلباسانی عفاعن سیأتهما .»

عباراتی‌که برقسمت‌مربع مستطیل سمت چپ حك بود:

برقسمت دست چپ این مربع مستطیل (عکس شمارهٔ ۱۵۳) :

« اللهم صل‌علی سیدنـا ونبینا محمد و آلـه‌اجمعین و سلـم تسلیما دایمـاً ابداً کثیرا.»

برقسمت پایین همین مربع مستطیل .

« برحمتك یا ارحم‌الراحمین .»

برحاشیهٔ سمت راست همین مربع مستطیل :

« رضینـااقسمةالجبـار فینـا لنـاعلـم ولـلاعـداء مـال .»

« فان‌المال یفنی عنقریب .»

قسمت بالای همین مربع مستطیل :

« وان‌العلم باقٍ لایزال .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی صندوق :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس‌والقرآن الحکیم–تا–سداًومن‌خلفهم.»

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« امر بـاتمام هذه‌الصندوق فی‌روضةالشریف و بقعةالمنیف حضره سلطـان الاصفیاوبرهان الاتقیا وقطب‌الاولیا سلطان ابابکرکیا علیه صلوات رب‌العلی سلطنت و معدلت‌پناه مملکت و نصفت دستگاه نور حدیقهٔ انوشیروانی و نور حدقهٔ کیومرثی شهاباً .»

قسمت پایین بدنهٔ شرقی صندوق :

« ثاقباً لسماءالسلطنة والعدالة والاقبال ملك بهمن خلدالله تعالی ظله‌السامی العا[لی] الی‌یوم‌الدین ابن غفران پناه .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی (عکس شمارهٔ ۱۵۴) :

« سداً فاغشیناهم – تا – خشی‌الرحمن بالغیب فبشره .»

بدنهٔ جنوبی صندوق نیز شامل سه مربع مستطیل است . بر طرف دست راست مربع مستطیل سمت راست ، رو به بالا :

« نادعلیاً مظهرالعجایب – تا – علی‌علی‌علی .»

برحاشیهٔ دست چپ همین مربع مستطیل :

« علی‌الله فی‌کل‌الامور توکلی و بالخمس اصحاب العباء توسلی محمد و علی کلاهماایلی .»

برحاشیهٔ پایین همین مربع مستطیل :

« محمدالمصطفی و علی‌المرتضی .»

برقسمت مربع مستطیل وسط نقش و نگار کنده‌کاری بسیار ظریفی برپاره‌های چوب است که پس ازکم و زبانه با یکدیگر جفت‌گیری کرده‌اند .

برحاشیهٔ سمت راست مربع مستطیل سمت چپ (عکس شمارهٔ ۱۵۵) :

« قال النبی صلی‌الله علیه وآله و سلم الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر صدق .»

برحاشیهٔ بالای همین مربع مستطیل :

« الدنیا ساعة وجعلها طاعة . »

برسمت چپ همین مربع مستطیل :

قال رسول‌الله صلوات‌الله و سلامه [علیه] المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماء و المنافق فی .»

برقسمت پایین همین مربع مستطیل :

« المسجد کالطیر فی القفس[1] .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی دنبالهٔ سورهٔ یس بدین ترتیب آمده است :

«بمغفرة واجرکریم انانحن ــ تا ــ و ماانزل الرحمن من شییء .»

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« رضوان دستگاه المغفور المبرور السعید ملك بیستون بردالله مضجعه و جعل الجنة مثواه فی تاریخ غرة شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة سته خمسین وتسعمایه الهجریة النبویة خیرالبریة صلوات‌الله علیهم اجمعین . »

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی :

« ان انتم لاتکذبون ــ تا ــ تطیرنا بکم لئن لم تنتهوا . »

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« هرکه اورا کنند به نیکی یاد نام او در جهان به نیکی باد
یا واسع‌المغفرة اغفرنی » .

برحاشیهٔ چهار طرف روی صندوق نیز نوشته‌هایی به این شرح دارد :

برحاشیهٔ شمالی :

۱ــ درعربی معمولاً قفس را با صاد می‌نویسند .

« اللهم صل علی محمد المصطفی وصل علی الامام علی المرتضی وصل علی الامام حسن الرضا وصل علی الامام حسین الشهید بکربلا وصل علی الامام علی زین العابدین وصل علی الامام محمد الباقر . »

برحاشیهٔ شرقی روی صندوق :

« وصل علی الامام جعفر الصادق وصل علی الامام موسی الکاظم وصل علی الامام علی بن . »

برحاشیهٔ جنوبی :

« موسی الرضا وصل علی الامام محمد التقی وصل علی الامام علی النقی وصل علی الامام حسن العسکری وصل علی الحجة القائم والخلف الصالح الامام الهمام محمد المهدی الهادی صاحب . »

برحاشیهٔ غربی :

« الزمان وقاطع البرهان صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین وسلم تسلیماً کثیرا . »

برچهار چوب در ورودی بقعه نیز عباراتی به این شرح حك شده است :

برکلگی چهار چوب :

« امر باتمام هذه الباب حضرت سلطان ابابکر فرمود خواجه محمد بن حسن جیلانی . »

برطرف سمت چپ :

« خواجه محمد خادم آستان حضرت بلقیس مکان تی تی فاطمه استی گیلان . »

برطرف سمت راست :

« تاریخ ماه مبارك رمضان سنة سبع عشرین و تسعمایه . »

بریکی ازدرهای مسجد بقعه که فعلاً درانبار است عبارات زیر حك شده است (عکس شمارهٔ ۱۵۶):

بر کلگی چهار چوب :

« هذاالباب لمسجد ابابکر علی علیه المرضات الله تعالی و طلباً لثوابه . »

برقسمت سمت چپ چهارچوب دنبالهٔ آیهٔ دوم سورهٔ فتح از :

« لك الله ماتقدم من ذنبك ــ تا ــ صراطاً مستقیماً صدق الله . »

برقسمت سمت راست چهار چوب :

« وینصرك الله نصراً عزیزا ــ تا ــ وكان الله علیماً حكیما . »

بر لنگه سمت راست :	برلنگهٔ سمت چپ :
« بسم الله الرحمن الرحیم	« انافتحنا لك فتحاً مبیناً لیغفر
الله لا اله الا هو والحی	القیوم لا تأخذه سنة
ولا نوم له مافی السموات	ومافی الارض من ذی الذی
یشفع عنده الا باذنه	یعلم ما بین ایدیهم
وما خلفهم ولا یحیطون	بشیء من علمه الا بما شاء
وسع كرسیه السموات والارض ولا	یؤده حفظهما وهو العلی العظیم
اللهم صل علی محمد المصطفی	وصل علی امام علی المرتضی
وصل علی امام حسن رضی	وصل علی امام حسین شهید كربلا
وصل علی امام زین العابدین	وصل علی امام محمد باقر
وصل علی امام جعفر صادق	وصل علی امام موسی كاظم
وصل علی امام علی ابن موسی رضی	وصل علی امام محمد تقی
وصل علی امام علی النقی	وصل علی امام حسن عسكری
وصل علی امام محمد مهدی	صاحب الزمان وقاطع البرهان
صلوات الله علیه وعلیهم	اجمعین الطیبین الطاهرین

درمسجد بهـــــرزه بـــاز مکن چو درآئی بجـــــز نمـــازمکن
امـــــر باتمام هـــــذهالبـــاب درویش حسین ابن استاد خسرو نجّار
نوری غفرالله ذنوبهما
تحـــــریرا فیاواسط شهر رجب غرض نقشیست کز ما باز ماند
سنة ثـــــلـث اربعین وتسعمایه.» که هستی‌را نمی‌بینم بقائی
مگر صاحبدلی روزی برحمت
کند در کار درویشان‌دعائی . »

بردر دیگر مسجد این امامزاده عبارات زیر حك شده است (عـکس شمـارهٔ ۱۵۷) :

بر بالای لنگهٔ سمت راست :

« وقف کرد خسرو جوان بخت ملك شاه غازی .»

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

ابن‌المرحوم ملك شاه رخ[۱] خلدالله ملکه .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت راست :

« تمت هذهالباب فیشهر شوال .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت چپ :

« سنة سبعة سبعین و ثمانمائه عمل حسین‌بن حسن نجّار.»

۱ــ ملك شهرخ‌بن ملك‌کاوس (تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالـدین صفحات ۳۰۷ و ۳۱۴) ملك شهرخ روز پنجشنبه ۲۸ ذی‌الحجهٔ ۸۷۱ به دست عزالدین درزی‌کشته شد (همین کتاب ص ۳۱۵) .

قلعه‌ای قدیمی
برقلهٔ کوهی به نام سبحان‌الله

دردره‌ای که دهکدهٔ کلا درآن واقع است قلهٔ کوهی به نام « سبحان‌الله » است. بربالای این قله آثار قلعه‌ای قدیمی است .

امامزاده یحیی
دردهکدهٔ تاکر[1] از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه و ابعاد آن از داخل ۳۴۰ سانتیمتر است . در هر ضلع طاقنمایی به پهنای ۲۲۰ و طاقچه‌ای به پهنای ۷۰ سانتیمتر است . چهار کنج را با چهار گوشوار جمع کرده و طاقی گنبدی عرقچینی زده‌اند . بام بنا از خارج هشت ترك است. این بقعه درچهار جهت اصلی ایوان دارد . ایوان شمالی شامل پنج دهانه است که یك دهانهٔ آن کوچکتر است که مدخل بنای اصلی بقعه از اینجاست . ایوانهای شرقی و جنوبی وغربی هر یك چهار دهانه دارد و پهنای هر دهانه ۱۸۰ سانتیمتر است . محوطه‌ای اطراف بقعه است که چند قبر درآن دیده می‌شود .

تکیهٔ تاکر

در ورودی تکیه شمالی است و در جهت شمال ، ایوان واطاقی بنا کرده‌اند . راهرویی طرف چپ وراهروی دیگری طرف راست ایوان است . ازاین دو راهرو می‌توان به ایوان و اطاق رفت .

ایوان شرقی چهار دهانه است و هر یك صفه مانندی به عمق یك متر دارد و سقاسنگی در دهانهٔ سومین است . در این جهت نیز تکیه در ورودی دارد . درضلع

۱ــ بضم کاف .

جنوبی تکیه ، دواطاق در طرفین و دهلیزی در وسط است . طرف غربی را صفه‌هایی ساخته‌اند . صفهٔ وسط دری داردکه به شبستانی وارد می‌شود .

در وسط تکیه تختی بود که سقف داشت (عکس شمارهٔ ۱۵۸) . ایـن ابیات بر آن خوانده شد :

« هوالمعزّ

چو فضل‌الله ازکثرت جان فشانی — شده زمـرهٔ چـاکـران حسینی [1]

همین بس‌ورا فخر اندر دو عالم — بـدین آستـانش بـود پـاسبانی

نداردبه دل خوفی ازروز محشر — چو بر بندد او رخت از دارفـانی

پناه و معینش حسین و علـی باد — درعقبی بود زنده و جـاودانی . »

بالای در ورودی تکیه این بیت نوشته شده است :

«بخلدقصر رفیعی‌زلطف‌حق‌شده‌مالك — ز پاسبانی این‌آستان نظام ممالك[2]

۱۳۲۷ .»

بیت یا خانه ، مولد میرزا حسینعلی بهاءالله[3]
در دهکدهٔ تاکر از دهکده‌های میانرود بالای نور

پهلوی در تکیه دری است که به باغی بزرگ و آباد باز می‌شود . اراضی این باغ پله‌بندی شده است . درختان میوهٔ زیادی در آن کاشته‌اند . بنایی دوطبقه دراین

۱ـ این بیت قافیه ندارد . ۲ـ تکیه تاکر را فضل‌الله خان‌بن محمد حسن‌خان معروف به نظام‌الممالك نوری ساخته است . ۳ـ پدر میرزا حسینعلی، عباس‌آقا میرزا بزرگ است که زیردست قائم‌مقام در زمان فتحعلی‌شاه به حکومت تهران می‌رسد و در تهران خانه‌ای می‌سازد ومقیم می‌شود .پسرش میرزا حسینعلی دردهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورود نور نزد علامهٔ نوری درس خوانده است .

باغ است که مولد میرزا حسینعلی بهاءالله بوده است . در طبقهٔ پایین تالاری دروسط است که پنجره‌های ارسی زیبادارد (عکس شمارهٔ ۱۵۹) . دو طرف این تالار پلکان است که به تالار و دو اطاق طرفین می‌رود و ادامهٔ آنها به طبقهٔ بالا می‌رسد . طبقهٔ بالایین شامل چهار اطاق در امتداد هم و دو اطاق بالای دو اطاق زیرین و دوراهروی جنبی است. یکی از اطاقهای طبقهٔ زیرین را سرایدار نشسته بود و باقی اطاقها خالی بود . پنجره‌های مشبك نورگیر باشیشه‌های رنگین(عکس شمارهٔ ۱۶۰) در راهروهای بالا نصب بود .

سجادالدین محمد

دردهکده ایوا [۱] از دهکده‌های میانرود بالای نور

از تاکر به ایوا ، راه کنار رودخانهٔ نور است و سپس به دست راست جدا می‌شود وپس‌از طی سه چهار کیلومتر سربالایی تند، به دهکدهٔ ایوا می‌رسد . ایوا بر بالای بلندی و مسلط بررودخانهٔ نور است. دو خاندان قدیمی لمسو[۲] و کمانگردرآن زندگی می‌کنند . در مرتع لاسبن[۳] متعلق به این دهکده بنای محقر گل‌سری است که آن را مرقد سجادالدین محمد می‌دانند وبالادست دهکدهٔ ایوا چندین بنای گل‌سری دیگر است که تمام مدفن امامزادگان است .

۱ـ بکسر الف وتلفظ یاء مجهول . ۲ـ بفتح لام وکسر میم . ۳ـ بضم باء

امامزاده علی رکن‌الدین و علی نورالدین
دردهکده فیول ۱ از دهکده‌های میانرود بالای نور

پانصد متری دهکدهٔ سه خانواری فیول بربالای تپه بنایی‌است شامل یك بقعه، یك مسجد، یك کفش‌کن یاپیش‌صحن که تمام در امتداد هم ساخته شده‌اند. در اصلی بقعه شرقی است و بمسجدی باز می‌شود. سنگ مرمر سفیدی طرف دست چپ در ورودی کفش‌کن به دیوار نصب شده است.

این ابیات برآن خوانده می‌شود:

« فغان از دورنگی چرخ مشعبد — که از پا درآورد سروی ممجد
ز تأثیر اجرام و از گردش او — به‌کامم شرنگست تنگ طبرزد
چوبارسفر بست وبگشود محمل — از این دیرفانی بخلد مخلد
رقم زد بتاریخ او کلك مشرق — به جنت رود شاد روح محمد

۱۲۷۶ ».

گورستانی بزرگ‌که اطراف امامزاده و بر تپهٔ مقابل آن است نشان می‌دهد که این دهکده روزی بسیار آبادان بوده است. از یك کیلومتری این دهکده در راه ایوا، سفالهای فراوانی در دو طرف راه ریخته است که این خود نشانی دیگر از آبادانی این دهکده، درگذشته است. عده‌ای از ساکنان این آبادی که از خاندان لمسو[۲] بوده‌اند به دهکده‌های کنس‌پا[۳]، باری‌کلا[۴] و ونوشه[۵] رفته وساکن شده‌اند.

۱– Fiyol. ۲– بفتح لام و کسر میم. ۳– بضم‌کاف و کسر نون.
۴– بفتح کاف. ۵– ونوشه همان بنفشه‌ده موقوفهٔ امامزادهٔ دهکدهٔ کلا است. این دهکده و دو دهکدهٔ دیگرحومهٔ آمل هستند.

معصومزادگانی به نامهای باعث و عباس و عبدالله
در دهکدهٔ نج[1] از دهکده‌های میانرود بالای نور

دهکدهٔ نج شامل سه قسمت است : بالامحله ، پایین‌محله واطاق‌سرا . برسر تپه‌ای بربالای بالامحله بنای مختصر گل‌سری به‌نام معصوم‌زاده باعث است. مسجدی ساده متصل به بناست . این بنا چون در اراضی « بزدوش »[2] واقع شده ، به نام « آقا۔ بزدوش » نیز معروف است.

در پایین محله، درباغی ، بنای مختصری شامل بقعه و کفش‌کن است که به نام معصوم‌زاده عباس شهرت دارد . بنای معصوم‌زاده عبدالله درتکیهٔ دهکدهٔ نج است .

درویش‌محمد
در اطاق‌سرای نج

بنایی است ساده و استوانه شکل با بامی هشت ترك بایك کفش‌کن (عکس شمارهٔ ۱۶۱) و در و صندوقی ساده بدون کنده‌کاری . صندوق قدیمی بقعه ، قدیمی و پرکاربوده است. قطعه چوب کنده‌کاری که معمولاً برچهارگنج صندوق قرارمی‌دهند در بقعهٔ درویش‌محمد است که ظاهراً مربوط به صندوق قدیمی مرقد بوده که ازمیان رفته است (عکس شمارهٔ ۱۶۲) ، کنده‌کاریهای ظریف و پرکاری دارد .

تکیهٔ نج

تکیهٔ نج نسبةً بنایی است قدیمی . دروسط محوطهٔ آن تختی سرپوشیده برای مراسم تعزیه‌خوانی ساخته‌اند . سنگ قبر زیر در تکیه دیده شد :

۱ـ بضم نون .   ۲ـ بضم باء .

« الحکم‌لله‌الواحدالقهار

وفات مـرحوم مغفور الی رحمةالله الملك‌الغفـور حاجی محمد رفیع ولـد کربلائی لطیف .

هرکه آید بجهان اهل فنا خواهد بود
آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

زین دارفنا چو رخت بربست رفیع — ماندند به‌آه و ناله احباب جمیع
اره از دینـی نـالـه دود نیکـو[۱] — تاریخ رفیع را علـی بـاد شفیع

بتاریخ شهر ذیقعده ۱۱۹۸ .

ابن مرحوم مزبور محمدبنی بابوکر.»[۲]

گورستانی قدیمی
درمرتع لمند روبروی دهکدهٔ نج

اراضی پایین تاکر و روبروی دهکدهٔ نج معروف به لمند است . درایـن مرتع وسیع گورستانی قـدیمی است‌کـه از گورهای آن انواع کوزه‌های سفالین کـوچك بیرون می‌آید .

خانهٔ مسکونی منتظم‌لشکر
دردهکدهٔ نج از دهکده‌های میانرود بالای نور

از خانه‌های قدیمی اعیان‌نشین دهکدهٔ نج خانهٔ ییلاقی منتظم‌لشکر است کـه

۱ـ ایـن مصراع درست خوانده نشد. ۲ـ بابوکر ازخاندانهای قدیمی ساکن نج است و بفتح‌کاف تلفظ می‌شود . سایر خاندانها : شنگل (بفتح شین و ضم‌گاف) ، شریار (بفتح شین) ، ارغات (بضم الف) ، درویش ، سولکاسری(بفتح سین دوم) ، دبشوس (بفتح دال) .

پنجره‌های مشبك نورگیر آن که تعداد آنها نیز زیاد است، از مشبك کاریهای ظریف و پرکار است (عکسهای شمارهٔ ۱۶۳ و ۱۶۴) .

باقی بناها و آثار قصبهٔ بلده

۱ـ بالای بلده زمینی است به نام دزدك . دراین زمین آثار قبور قدیمی‌است.

۲ـ امامزاده نینوا که اصل و نسب او معلوم نیست .

۳ـ مسجد بالای بلده را زکی‌خان جدّ میرزا آقاخان صدراعظم نوری ساخته است . کتیبهٔ آن قابل ملاحظه است .

۴ـ تکیهٔ مین‌باشیان را جدّ آقای مهرداد پهلبد ساخته است ومرحوم محمد ـ حسن معین‌اصطبل ناصرالدین شاه ـ جدّ آقای خانبابا سلطانی نوری ـ تعمیر کرده است .

۵ـ تکیهٔ پایین را سالار معزز مین‌باشیان ـ پدرآقای مهرداد پهلبد ـ تجدید بنا کرد . این تکیه قدیم ساز است و فعلاً مرکز ژاندارمری است . مرحوم محمد ـ حسن‌خان معین‌اصطبل لوازم تکیه و کتیبه‌ها[1] را خریده که تا امروز برجای است .

۶ـ سنگهای قبور قدیمی درگورستان بلده.

۷ـ یورباغ ، باغی است قدیمی درجنوب رودخانهٔ متصل به قصبهٔ بلده که در دست امیر مصدق خواجه‌نوری بود . بنای کلاه‌فرنگی این باغ را به تازگی منهدم کرده‌اند .

۱ـ کتیبه غیرازاصطلاح رائج امروزی‌آن به‌پارچه‌های‌سیاهی‌گویندکه پهنای آنها در حدود نیم متر و درازی آنها زیاد است و اشعاری در رثاء حضرت امام حسین برآنها نوشته شده است و دور بنای تکیه می‌آویزند .

۳ـ جغرافیای تترستاق نور[1] = ترتیه‌رستاق[2] نور

سه دهکده به نامهای: رزن[3] وکرسی وتیرسا[4] به نام تترستاق خوانده می‌شوند. این سه دهکده برکنارهٔ چپ رودخانهٔ نور وکنار یکی از شعب این رودخانه قرار گرفته‌اند. رزن تقریباً درکنار جادهٔ کوهستانی نور ودو دهکدهٔ دیگر بالاتر از رزن در دامنهٔ کوه بنا شده‌اند. تترستاق نیز جزء کوهستان نور به حساب می‌آید.

۱ـ بفتح تاء اول وکسر تاء دوم و ضم راء. ۲ـ بفتح تاء اول و ضم راء دوم.
ن.ك. به تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین چاپ‌نگارنده صفحات ۲۸۳ و۲۸۴ و۳۰۸.
۳ـ بفتح راء و زاء. ۴ـ بکسر راء وتشدید سین.

۴ـ بناها و آثار تاریخی تترستاق نور

امامزاده ابراهیم
درده‌کدهٔ تیرسا از دهکده‌های تترستاق نور

بنایی‌است هشت ضلعی اما دوضلع شمالی و جنوبی آن بزرگتر از سایراضلاع است . پهنای اضلاع کوچکتر هریك ۱۶۸ سانتیمتر و پهنای اضلاع بزرگتر هریك ۱۹۲ سانتیمتر است . در هر یك از اضلاع طاقنمایی باطاق جناقی و بالای هر یك از این طاقهای جناقی ، رفی ساخته شده است. سقف از داخل ، گنبد عرقچینی و بام بنا کلاه‌درویشی است . صندوقی چوبین کنده‌کاری وسط بنا، مرقد را پوشانده است . ضلع بزرگتر آن شامل شش تکه و ضلع کوچکتر آن شامل سه تکه است . درازای ضلع بزرگتر ۲۱۴ سانتیمتر و پهنای آن ۱۲۰ سانتیمتر است .

این صندوق که کنده‌کاریهای نسبةً ظریف دارد در سال ۱۲۲۳ هـ . ق . براثر زلزله و فروریختن سقف امامزاده شکسته شده است و نجّاری که درسال ۱۲۳۸ دوباره آن را تعمیر کرده است پاره‌های صندوق را نتوانسته در محلهای اصلی خود قرار دهد از اینرو آشفتگی در مطالب هر بدنهٔ صندوق دیده می‌شود .

شرح زلزلهٔ نامبرده برحاشیهٔ بالای بدنهٔ جنوبی با قلم و مرکب بدین ترتیب نوشته شده است :

« در سال هزار و دویست وبیست و سه از هجرت نبوی صلواةالله از ضرب زلزله صندوق امامزاده شکسته شد و در سال هزارو دویست و سی وهشت حسب‌الخواهش عالیشان لطفیخان بیگ‌ابن شیخ مقصودعلی تترستاقی [به دست] صناعت‌دستگاه استاد نورمحمد نمارستاقی ساخته شد سنهٔ ۱۲۳۸ » .

برحاشیهٔ پایین همین بدنه باقلم و مرکب آیات زیر نوشته شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن‌له کفوآاحد بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انااعطیناك‌الکوثر فصل‌لربك و انحر ان‌شانئك هوالابتر . »

بربالای همین بدنه آیات و عبارات زیر حك شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اناانزلناه فی‌لیلةالقدر ـ تا ـ سلام هی‌حتی مطلع‌الفجر حرره محمدیوسف‌بن ملاابراهیم تترستاقی اللهم اغفرله ولوالدیه والمؤمنین . »

برتکهٔ سمت راست همین بدنه :

« باعث هذالصندوق‌المبارك الوارثها شیخ علی کیا و شیخ افضل. . . . »

برفاصلهٔ میان دو تختهٔ سمت راست این آیات حك شده است :

« السموات والارض ولایؤده حفظهما و هوالعلی‌العظیم‌لا . »

برفاصلهٔ تختهٔ دوم و سوم این عبارات حك شده است :

« هذاالمؤمن‌المقدس سلطان‌الاولیا و برهان‌الاتقیابحرالفضائل والعلوم ـ المرسوم . . . »

برفاصلهٔ تختهٔ سوم و چهارم رباعی ناخوانای زیر حك شده است :

« بی‌جود علی بودجو . . . . بی‌حب علی . . . سودخودی

بالله کـه اگر علی امامت نبود صـد قبلـه . . . . »

برفاصلهٔ میان تختهٔ چهارم و پنجم قسمتی از صلوات کبیر به این شرح است :

« حسن‌العسکری [و] حجة‌القائم قایم دایم امام محمدالمهدی . »

برفاصلهٔ تخته پنجم و ششم قسمتی از صلوات کبیر به‌این شرح حك شده است:

«اللهم‌صل‌علی‌امام محمدتقی اللهم‌صل‌علی‌امام علی‌النقی اللهم‌صل‌علی‌امام...»

بدنهٔ غربی سه تختهٔ کنده‌کاری گل و بوته‌ایست وقسمتی از آیات کلام‌الله‌مجید بدین ترتیب برآن حك شده است :

« مع‌ایمانهم‌ولله جنودالسموات والارض وکان‌الله علیماً حکیما لیدخل. »[۱]

برتخته‌های بدنهٔ شمالی صندوق نیزعبارات وآیاتی بدین شرح حك شده‌است:

برحاشیهٔ بالا :

« المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من‌تحتهاالانهار خالدین فیها و یکفـر عنهم و کان‌ذلك عنـدالله فـوزاً عظیمـا و یعـذب‌المنافقین والمنـافقـات والمشرکین و المشرکات‌الظانین. »[۲]

بر فاصلهٔ میان تختهٔ اول و دوم:

« لصاحب‌الزمان صلواةالله وسلامه‌علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین . »

بر فاصلهٔ میان تختهٔ دوم و سوم :

« الصادق‌اللهم‌صـل علی امام موسی‌الکاظـم اللهم‌صل علـی امام علـی‌بن موسی‌الرضا .»

بر فاصلهٔ میان تختهٔ سوم و چهارم :

« اللهم‌صل علی‌امام حسن‌الرضا اللهم‌صل علی امام‌حسین‌شهید‌بکربلااللهم.»

۱ــ سورةالفتح ۴۸، قسمتی از آیهٔ ۴ وابتدای آیهٔ ۵ . ۲ــ سورةالفتح ۴۸ ، آیهٔ ۵ و نیمی ازآیهٔ ۶ .

بر فاصلهٔ میان تختهٔ چهارم و پنجم :

« بن محمد [بن] زیدبن امام حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام فی شهرشوال سنة ثمان ستین وتسعمایه .»[1]

بر فاصلهٔ میان تختهٔ پنجم و ششم :

« امرالله الموسوم مجیرالشیعة من النارد ال السمو (؟) ابرهیم سپاه انگیز بن حسن .»

بر تکهٔ آخر سمت چپ بدنهٔ شمالی صندوق از بالا به پایین :

« عمل شادمحمد دیلمانی [و] استاد کمال صوفی . »

بر قسمت پایین :

« کاتب این کلام روح افزا ملکی حقیرچاکرشاه .»

قسمت کنده کاری برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

«الوثقی لاانفصام لها ـ تا ـ فیها خالدون .»[2]

عبارات وآیاتی که بر بدنهٔ شرقی صندوق حك شده است بدین قرارند :

بر فاصلهٔ میان تختهٔ دوم و سوم :

« امام زین العابدین معصوم پاك اللهم صل علی امام محمدباقر اللهم صل علی امام جعفر .»

بر حاشیهٔ جانبی همین بدنه :

« [لا] اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسك بالعروة .»[3]

۱ـ دو حرف تاء و سین در تسعمایه روشن است و از سایر حروف نشانی نیست .

۲ـ سورةالبقرة ۲ ، قسمتی از آیهٔ ۲۶۲ و آیهٔ ۲۶۳ . ۳ـ سورةالبقرة ۲ ،قسمتی از آیهٔ ۲۶۲ .

در ورودی بقعه قدیمی است و کنده‌کاری دارد . این عبارات بردولنگـهٔ سمت چپ و راست خوانده شد :

عباراتی که برلنگهٔ سمت چپ حك شده است :

« اشتری هذاالباب حسن

ابن سلطان‌العارفین کیا .»

عباراتی که برلنگهٔ سمت راست حك شده است:

«ابن کیا اعظم علاءالدین شیرامه

اسفارنگیـج بـرّدالله قـبره . »

برپایین لنگهٔ سمت چپ :

« عمل استاد حاجی‌ابن استاد محمود

فی‌تاریخ سنة تسع اربعین و ثمانمائه

درختان تا بوند درکوه و بیشه

بشادی باز باد این‌در همیشه.»

برپایین لنگهٔ سمت راست :

« پیروز نجّاربن شمس‌نجّار .»

با جورکردن قسمتی از عبارات پراکندهٔ صندوق نام‌صاحب مزار چنین به‌دست می‌آید :

« هذاالمؤمن المقدس سلطان‌الاؤلیا و برهـان‌الاتقیا بحرالفضائل والعلوم‌ـ المرسوم امرالله‌الموسوم مجیرالشیعة من‌النار دال‌السمو (؟) ابرهیم‌سپاه ـ انگیزبن‌حسن‌بن‌محمد[بن]زید‌بن‌امام‌حسن‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام فی شهر شوال سنة ثمان ستین و تسعمایه .»

تاریخی‌که درآخر این‌عبارات است، تاریخ اتمام‌صندوق مرقد امامزاده‌ابراهیم

است . اگر رقم مآت آن‌را درست خوانده باشیم ، قدمت در ورودی بقعه صدو نوزده‌ـ سال بیشتر از صندوق می‌باشد .

باعث صندوق شیخ‌علی‌کیا و شیخ‌افضل‌اند و نویسندهٔ عبارات‌آن محمدیوسف‌بن ملاابراهیم تترستاقی است . اما در ورودی به‌دستور حسن‌بن علاءالدین شیرامه اسفارنگیج و به‌دست استادحاجی ابن استاد محمود ساخته شده وپیروز نجّار کارهای نجّاری آن‌را انجام داده است .

امامزاده محمود معروف به غریب‌آقا در دهکدهٔ تیرسا از دهکده‌های تترستاق نور

بنایی است چهارگوشه و ساده از سنگ وگل. دری ورودی‌ساده دارد.صندوقی چوبین باکنده‌کاریهای بسیارظریف درگوشهٔ بناست.درازای‌آن ۱۷۶ سانتیمتروبلندی آن ۶۵ سانتیمتر است .

برفاصلهٔ دو تختهٔ وسط بدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر حك شده است :

« سعی‌کنندهٔ این مرقد مبارك نوباخلدوکمالدین انگریج .» (؟)

بریکی از تخته‌های بدنهٔ جنوبی از بالا به پایین:

« صادق‌المبارك حاجی‌کیا فی‌تاریخ تسع وتسعمایه .»

بر بدنهٔ غربی که یکـی از بدنه‌های کوچك است در دو ردیف « یاالله یامحمد یاعلی» سه‌بار تکرار شده است.

برتخته‌ای جداگانه که روی صندوق گذاشته بودند وظاهـراً روزی در قسمتی از بدنه جای داشته است عبارت زیر خوانده شد:

« عمل استاد محمدخان گیلانی .»

آشیخ نیکه
در اراضی ترت[1] از دهکدهٔ رزن نترستاق نور

بنایی است از خارج هشت‌ترك باگنبدی‌کلاه‌درویشی و از داخل چهارضلعی‌که چهار طاقچه در چهارضلع دارد. با ساختن گوشواری درهر گوشهٔ سقف ، بنا را جمع کرده وگنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . در ورودی بقعه شمالی است . دری قدیمی با کنده‌کاریهای ظریف داشته‌که در سال ۱۳۵۱ یعنی سه‌سال پیش، به‌سرقت رفته است .

صندوقی چوبین با کنده‌کاریهای ظریف در وسط بناست . درازای آن ۲۲۸ و بلندی آن ۹۶ سانتیمتر است . صندوق برپایه‌ای مشبك چوبین به‌بلندی ۲۴ سانتیمتر قرارگرفته است .

بربدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر خوانده شد :

برفاصلهٔ میان تکهٔ اول و دوم این بدنه :

« ملك‌کان سلیمان مطلب هوشه (؟)

ملـك همانست شه سلیمـان کی

نصر من‌الله وفتح قریب . »

برتخته‌ای که میان تکهٔ دوم و سوم صندوق است :

« نـاد علیاً مظهرالعجائـب تجده عون لك فی‌النوائب ـ تا ـ یاعلی یاعلی یاعلی . »

برتخته‌ای که میان تکهٔ سوم و چهارم است :

« صل علی امام‌علی‌بن موسی‌رضا و صل‌علی امام محمدتقی و صل علی امام حسن عسکری . »

۱ـ بکسر تاء و راء و سکون تاء .

بر تخته‌ای که در فاصلهٔ میان تکهٔ چهارم و پنجم است :

« السموات والارض ولا یؤده حفظهما ـ تا ـ هو العلی العظیم الله مفتح الابواب. »

بر تخته‌ای که میان تکهٔ پنجم و ششم است عبارات زیر حک‌شده است :

« اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی وصل علی امام حسن رضا و صل علی امام حسین . »

بر پایهٔ چوبین صندوق از غرب به شرق :

« بانی این کار آشیخ دم فضل دد اطاپس[1] فضل و درویش اطایحیا النائی درویش رولا الکاتب یوسف نافلا [کذا] . »

آیات وعباراتی که بر بدنهٔ شرقی صندوق حک شده است:

« یا ایها [الذین] آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیرا و سجوه بکرة واصیلا... »[2]

بر تختهٔ میان تکهٔ اول و دوم این بدنه :

« صل علی امام محمد مهدی صاحب الزمان هادی البرهان صلواة الله علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین . »

بر تخته‌ای که میان تکهٔ دوم و سوم این بدنه است :

« وصل علی امام زین العابدین وصل علی امام محمد باقر وصل علی امام جعفر ـ صادق و صل علی امام موسی . »

آیات وعباراتی که بر بدنهٔ جنوبی صندوق حک شده است .

بر تخته‌ای که در فاصلهٔ لبهٔ صندوق و تکهٔ اول است :

« الله لا اله الا هو الحی القیوم ـ تا ـ من ذا الذی . »

بر تخته‌ای که در میان تکهٔ دوم و سوم است :

۱ـ بضم پ. ۲ـ سورة الاحزاب «۳۳»، آیات ۴۱ و ۴۲ و مقداری از آیهٔ ۴۳ .

« تا من باشم کنم تولا بعلـی حشر . . . . آل نبی
باچهار محمد دو حسن یك موسی باچهار حسین .... علی .»

براین صندوق هیچگونه تاریخی دیده نشد. استخوان‌بندی و طراحی و کنده‌کاریهای آن شبیه صندوق امامزاده ابراهیم است وظاهراً به‌دست یك استاد ساخته‌شده‌و کارآن ظاهراً چندسالی قبل‌یا چندسالی بعداز تاریخ ۹۶۸ ه.ق. به‌اتمام رسیده‌است .

در اراضی امامزاده دوچنار کهنسال است که گرداگرد تنهٔ یکـی‌ازآنهـا ۳۶۰و دیگری ۳۰۴ سانتیمتر است .

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ نترستاق نور

۱ــ آثارقلعه‌ای قدیمی که پاره‌های آجر نیزدرآن دیده شد دراراضی چنگل‌جار[1] رزن برسمت راست رودخانهٔ نور .

۲ــ آثار قلعه‌ای قدیمی از سنگ و گل در اراضی ایمچی رزن.

۳ــ گورستانی قدیمی در اراضی بروك[2] رزن .

۱ــ بفتح چ و سکون نون و فتح گاف وسکون لام . ۲ــ بفتح باء .

۵ـ جغرافیای تاریخی دشت نور

دشت‌نور از غرب به دشت کچه‌رستاق کجور واز شمال به‌حاشیهٔ دریای خزر و از شرق به اهلم‌رستاق وپایین خیابان و بالاخیابان که این دو ناحیه به‌نـام لیتکوه نیز شناخته می‌شود واز جنوب به‌رشته کوههای شمالی تترستاق و میان‌رودبار بالا محدود می‌گردد. نیمی از این خاك که در شمال است دشت است ونیم‌دیگر که درجنوب‌است میان‌بنداست یعنی‌کوهستان جنگلی و نیمه‌جنگلی است . این‌ناحیه را بدقسمتهای‌زیر تقسیم‌کرده‌اند :

۱ـ ناتل‌کنار که کنار دریاست واراضی‌آن میان قصبهٔ سولده ودهکدهٔامیرآباد است . ازشمال به‌کنار دریا و ازغرب به‌کچه‌رستاق کجور و ازجنوب به ناتل‌رستاق و از شرق به اهلم‌رستاق محدود می‌شود . مرکز این‌قسمت قصبهٔ سولده است .

۲ـ ناتل‌رستاق که میان دهستانهای اهلم‌رستاق وناتل‌کنار و لاویج قراردارد و مرکزآن چمستان است .

۳ـ میان‌بند ، دهستانی است در جنوب‌غربی سولده . معدن زغال گلندرود در این‌قسمت است و دهکده‌های پیمد وگلندرود جزء میان‌بند است.

۴ـ میـان‌رودبار پایین کـه آب‌آن از رودخانه‌هـای نایـلارود و میان‌رود و

انگنارود[۱] است . دهکده‌های مهم آن جلیکان[۲] و دارکلا است .

۵ـ هلوپشته[۳] از نواحی کوهستانی قشلاق کجور است، هوای آن سردسیر است و زمستانها اهالی به ناتل رستاق و ناتل کنار می‌روند .

۶ـ لاویج نام دهکده‌هایی است که کنار رودخانه‌ای به‌همین نام قرار دارند که از ارتفاعات جنوبی سرچشمه می‌گیرد و درسولده به دریا می‌ریزد. این ناحیه، کوهستانی جنگلی است و در دهکدهٔ تنگه از دهکده‌های آن از قدیم سرب استخراج می‌کرده و ساچمه می‌ساخته‌اند . سه مزرعهٔ میرخمند[۴] وخورتاب‌رود و ایزوا مرکز تابستان‌نشین اهالی است .

۷ـ ناتیج نام دهکده‌هایی است که پاره‌ای از آنها در دشت و چندپارچه از آنها کنار رودخانه‌ای قرار می‌گیرد که ازگزناسرا[۵] وررودبارك سرچشمه می‌گیرد و درایزده به دریا می‌ریزد. ازآبادیهای دشت آن علی‌آباد وجوربند و از دهکده‌های کوهستانی، واز وگزناسرا است .

ابت در سال ۱۲۵۹ ه . ق. دربارهٔ این قسمت از خاك نور مطالب زیر را نوشته است :

« ازکچه‌رود که گذشتیم جنگل کم می‌شود و زمینهای کشت وسعتی پیدا می‌کنند. بعد به سوله‌رود رسیدیم که زیاد پهن نبود اما آب آن سریع حرکت می‌کرد. این رودخانه بخشهای کجور و نور را از یکدیگر جدا می‌کنند . راه ما به طرف شرق متمایل شد و درشانزده میلی به رستم‌رود رسیدیم. این رودخانه هشتاد قدم پهنا داشت . تپه‌های ساحلی جلب نظر می‌کرد وسپس به

۱ـ بفتح الف و سکون نون و کسر گاف. ۲ـ بفتح جیم. ۳ـ بفتح هاء .
۴ـ بضم خاء . ۵ـ بفتح گاف .

عزت‌ده (ایزده) رسیدیم . این دهکده دومحله داردکه نیم‌میل از یکدیگر فاصله دارند . ساکنان آن به ۱۲۰ خانوار می‌رسند . رودخانه پلی چوبی داشت‌کـه ۸۰ قدم درازای آن بود . این محل در دست حسینقلی است‌که رئیس نوریها است .»[۱]

مکنزی در سال ۱۲۷۵ ه.ق . راجع‌به دشت‌نور عبارات زیررا نوشته است :

« راه ما به طرف جنوب منحرف شد وبه سولده وارد شدیم‌که‌کمتراز نیم‌میل از دریا فاصله دارد . ازاین‌پس جاده ازروی چند رودخانه باپلهای چوبین لغزان می‌گذرد. آخرین کوه‌کجور درسمت غرب جنوب غربی دیده می‌شد. خانه‌ای کـه درآن منزل کردیم به‌دست صدراعظم اخیرساخته شده است . مصالح بنای آن‌آجر وشکل آن مربع وبـام آن سفالین بود . اطاقهای آن جادار و وسیع بود وحمامی نزدیك‌آن بود که آن نیزتازه ساخته‌شده بود . سولده ده بزرگ وآبادی است چون میرزاآقاخان ازاین دهکده است ، بـا نوریها بسیار خوب تامی‌کند. یك پل سه‌دهانهٔ آجری روی رودخانهٔ سولده است. سرچشمهٔ این رود درکوههای لاویج است . کوهی که ازسولده دیده می‌شود، کوه سوردار است‌که سمت‌جنوب غربی است وپوشیده ازبرف است. کوههای لش‌کنار وپیمد ولاویج نیز پیداست . زمینهای اطراف سولده باز و گشاده است و درختان آن‌تنك است. هرخانه تالاری دوطبقه بـرای خواب درحیاط دارد. پرده‌هایی ازنی‌اطراف‌آن‌آویخته است. از سولده گذشتیم و به ساحل دریا آمدیم . پس‌ازگذشتن از رودخانهٔ تمیشان (تنشون بـه قول

---

1 _ Keith Edward Abbott : Narrative of A journey from Tabriz along the Shores of the Caspian Sea to Tehran . P . 33 .

نویسنده) به رستم‌رود رسیدیم . درساحل چپ این رودخانه ویك فرسنگی سولده ، دهکدهٔ رستم‌رود است که پنجاه خانوار در آن ساکنند و سپرده به محمداسماعیل‌خان‌نوری است کــه فعلاً درکرمان است وسالیانه صدتومان مواجب دارد. ساحل‌دریا تپه وچمنزاراست. فاصله‌ای رفتیم‌که به هاشم‌رود رسیدیم . کمی آنطرف‌تــر کارخانهٔقند محلی بود کــه مازندرانیان کلیه[1] می‌گویند. این کارخانه بقدری ساده بودکه ارزش آن را نداشت شکلی از آن رسم‌کنم. پس‌از اینکه در بارفروش (بابل)، دولت کارخانهٔ قندساخت و رعیت مجبور شد مــواد اولیهٔ خودرا به آنجا ببرد ، کشت نیشکرکم شد و ارزش قند زیاد شد. این شرح برای نشان دادن پیشرفت دولت کافی است. در یك فرسخی رستم‌رود ، به رودخانهٔ گل‌آلود عزت‌ده (ایزده) رسیدیم به نام دهکده‌ای‌که در دوساحل رودخانه است. آب‌آن تند وبسترآن شیب‌دار است. حمامی دراین دهکده است. از عزت‌ده آخرین کوه‌کجور در غــرب جنوب غرب دیده می‌شود و رشتهٔ اصلی البرز نیم‌دایره‌ای شکل است کــه قسمت آخر آن که‌ازعزت‌ده پیداست ، در جنوب شرقی قرار می‌گیرد . از اینجا باگروه درویشان خوش‌لباس‌با اسبان خوب خداحافظی کردیم. ایشان از سولده همراه ما بودند. رسیدن خود را بــه عزت ده با شیپوری اعــلام کردند.شن سرراه تااهلم‌رودکه سامان میان نوروآمل است، مزاحم بود. »[2]

۱ـ بکسر کاف وسکون لام .

۲ ـ Charles F . Mackenzie : Narrative of A journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during the winter and spring of 1858 ـ 1859 . pp . 36 , 37 .

رابینودرسفرنامهٔ خود دربارهٔ مراکز گرمسیری نور چنین می نویسد:

« بلوك نور ازالمرود[۱] شروع می‌شود . ایـن رودخانه بستری پرشیب دارد . سولده ده بزرگی است کـه در نیم‌میلی دریاست . برروی رودخانـهٔ سولده که ازارتفاعات لاویج[۲] سرچشمه می گیرد، پلی باسه طاق آجری است.»[۳]

ارتفاعاتی راکه ازسولده می‌توان دید،عبارتنداز سوردارکه‌درسمت جنوب‌ـ غربی واقع شده وپوشیده از برف است . لش‌کنار[۴] وپیمد[۵] ولاویج . اراضی میان آنها و دریا ، هموار وصحرا است، یا باجنگلهای کم درخت و پراکنده پوشیده شده‌است.چهارمیل دیگرراه پیموده به رودخانهٔ رستم‌رود رسیدیم . دهکدهٔ رستم‌رود، درساحل چپ‌رودخانه و وصل‌به دریاست. قدری‌دورتراز هاشم‌رود گذشتیم وپس‌ازعبوراز تپه‌های شنی به ایزده آمدیم . »

سرهنگ لووت[۶] دربارهٔ این قسمت ازخاك نور چنین نوشته است :

« ناحیهٔ نورکه ایزده به‌آن تعلق دارد ، در کنار دریـا است وحدود آن از سولده در مغرب تـا اهلم‌رود در مشرق است و در قسمت داخلی وسعت آن زیادتر و از نزدیك کلارستاق در مغرب تا رودخانهٔ هرهز[۷] درمشرق است و از طرف جنوب به‌کوههای لارولاریجان محدود می‌شود. دره‌های علیای نور خیلی خشك وبایر است وبواسطهٔ محصور بودن به رشته‌های تپه‌های اطراف

۱ـ بفتح الـف ولام . ۲ـ اصل : لابیج . ۳ـ ایـن همان پلی است کـه میرزاآقاخان صدراعظم‌نوری‌بناکرده‌است. ۴ـ بفتح‌لام. ۵ـ بکسرپ‌وسکون‌یاءو ضم میم . ۶ـ Lovett. ۷ـ بفتح‌هاء وسکون‌راء وفتح‌هاء دوم ، تلفظ نام قدیمی رودخانهٔ هراز است .

می‌توان آن را مانند کوهستانهای حدود اصفهان یا شیراز دانست.»[1]

بررودخانهٔ ایزده پلی چوبی بود که از روی آن عبور کردیم وسپس به دهکدهٔ سوته‌کلا و پس‌از آن به اهلم‌رود رسیدیم.[2]

1_ C. Bresford Lovett : Itenerary Notes of Route Surveys in Northern Persia in 1881 and 1882 .

به‌نقل از ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو، ص ۵۵. ۲_ همین کتاب، ص ۵۶ .

۶- بناها و آثار تاریخی ناتل‌کنار دشت‌نور

قلعهٔ کهنه‌دوك

در ناتل‌کنار دشت‌نور یا نزدیك این ناحیه

ملك بیستون پس‌ازکشتن برادر خود، حکمرانان محلی وهمسایگان او تصمیم گرفتند اورا ازمیان بردارند.اما چون فصل زمستان بود، این تصمیم را به بهارموکول کردند . علی‌بن‌شمس‌الدین ـ مؤلف تاریخ‌خانی ـ در این‌باره چنین نوشته است :

« موسم بهار که شد ، میرزاعلی ، میرعضد را جهت‌لشکر، نزدسلطان‌هاشم‌و ملوك‌رستمدار فرستاد و ملك‌اشرف و ملك‌شاه غازی لواسانی و از تنکابن کیامحمدکیا بالشکر و از مازندران بر موجب مقرر میرعبدالکریم و میرکمال‌الدین و آقارستم ولشکرهزاره‌جریب، درمقام وتاشان جمع آمدند و از آن منزل، میرعضد را به ملازمت میرزاعلی عاید گردانیدند. وروزانهٔ دیگرازآن منزل‌کوچ‌کرده، به پای قلعهٔ‌کهنه‌دوك که ویران شده بود منزل تازه گردانیدند .

آقا رستم مصلحت دید که بر بنیان آن قلعهٔ‌کهن ، بنای قلعه‌ای نو باید نهاد که لشکری‌که درپیش باشد، ازعقب‌ایمن بود، سه روز به همین منزل توقف

فرموده ، اتمام قلعه‌ای ازچوب ، درعهدهٔ اهتمام لشکری فرمود و به سه روز در دست لشکری سمت استکمال یافت و بـه آذوقـه ونگاه داشتن سپاهیان آماده ساخته ، استحکام قلعه نمود .»[1]

رابینو از قلعه‌ای به نام « دون » یاد کرده[2] ، احتمال می‌رود که این قلعه با قلعهٔ « دوك » یکی باشد.محل اصلی این‌قلعه برنگارنده معلوم نشد ظاهراً قابل تطبیق با یکی دوقلعه خرابهٔ نزدیك دهکدهٔ ناتل امروزی است .

خشت پل = پل آجری
بر رودخانهٔ سولده در ناتل کنار در مسیر راه کناره

رابینو دربارهٔ این پل می‌نویسد:

« برروی رودخانهٔ سولده کـه از ارتفاعات لاویج سرچشمه می‌گیرد ، پلی آجری با سه دهانه بنا شده است. »[3]

ناصرالدین‌شاه در سفرنامهٔ خود از این پل یـادکرده است . او می‌نویسد:

« حمام و مسجد و پل سنگی خوبی که برروی رودخانه است ، از بناهای میرزاآقاخان مرحوم است واین رودخانه از وسط سوله‌ده گذشته، آبادی‌را دوقسمت کرده است .»

این پل به دستور میرزانصرالله‌خان اعتمادالدوله صدراعظم‌نـوری معروف بـه میرزاآقاخان نوری، ساخته شده‌است (عکس شمارهٔ ۱۶۵). دهانهٔ میانی این پل امروز باقی است و دوچشمهٔ دو طرف را کور کرده‌اند . مصالح اصلی بنا ، آجر است . کف پل را بـا سنگ قلوه‌ای فرش کرده‌اند و دو طرف لبهٔ آن را دست‌اندازی بـه بلندی

۱ـ تاریخ‌خانی، چاپ نگارنده، ص ۹۴ و ۹۵ . ۲ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۱۵۱ . ۳ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو، ص ۳۱ .

نیم‌متر ساخته‌اند . طاق چشمهٔ میانی‌که برجای است ، جناقی است . بلندی آن از لبهٔ دست‌اندازی‌که بالای جناق است تاسطح‌آب دراوایل شهریورماه ۱۳۵۳، ۵۸۰سانتیمتر است . درازای سنگ فرش که بردوطرف سراشیبی جناق پل است به بیست‌وچهارمتر می‌رسد .

حمام صدراعظم

در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

بنای این حمام که روی‌درخرابی دارد تا امروز برجای است (عکسهای‌شمارهٔ ۱۶۶و۱۶۷) . دارای سربینه‌ای چهارگوشه است‌که چهارطرف آن‌را تخت زده‌اند . در میان سربینه حوضی‌گرد با لبهٔ بلندی است . از سربینه راهرویی به گرمخانه می‌رود . بردست راست راهرو، مستراح حمام است . گرمخانه، صحن مستطیل دارد که دریك ضلع کوچك آن خزینهٔ‌آب‌گرم است ودر دو ضلع بزرگ، دوشاه‌نشین‌است. در شاه‌نشین سمت‌چپ ، حوض کوچك‌آب سرد و دریك ضلع آن نوره‌خانه بنا شده است. ساکنان محل قصد داشتند حمام‌را یکسره خراب‌کنند واین اثر نیك صدراعظم‌را از میان ببرند .

عمارت صدراعظم

دردهکدهٔ سولده ازدهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

ناصرالدین شاه در سفرنامهٔ خود می‌نویسد :

« میرزاآقاخان مرحوم یکدست‌عمارت خوب دراینجا (سولده) ساخته ، اما حالا قدری خراب شده است. به میرزاداودخان حکم شد که به شراکت

نظام‌الملک آنجا را تعمیر کند.»[1]

این‌ساختمان‌راکه نزدیک‌به حمام‌صدراعظم بوده‌است یکسره ازمیان برده‌اند و امروز اثری از آن برجای نیست .

مسجد صدراعظم
در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

ناصرالدین‌شاه درسفرنامهٔ خود می‌نویسد :

« حمام و مسجد و پل سنگی خوبی که برروی رودخانه است ، از بناهای میرزاآقاخان مرحوم است. »[2]

این مسجد را نیز اهالی در نوسازیهای اخیر از میان برده‌اند و به‌جای آن مسجدی نوبنیاد ساخته‌اند.

مدرسهٔ آقاشیخ یحیی‌مجتهدنوری
در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

این مدرسه که روزی محل تدریس آقاشیخ‌یحیی بوده است ، امروز اثری از آن برجای نمانده ودر اراضی آن‌آقای‌حسین‌مجتهدزاده خانهٔ مسکونی ساخته است .

امامزده قاسم‌بن‌امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در ایزده (عزت‌ده) از دهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

اطاقی است به‌ابعاد ۳۶۰ سانتیمتر. صندوقی‌چوبین ساده درمیان بناست،درازای آن دو متر وپهنای آن ۸۵ وبلندی آن ۱۳۵ سانتیمتر است. سقف اطاق پلـورکشی و

۱ـ سفرنامهٔ ناصرالدین‌شاه ، میرزا داودخان ومیرزا کاظم‌خان نظام‌الملک هر دوتن پسران میرزا آقاخان‌نوری هستند .

۲ـ سفرنامهٔ ناصرالدین‌شاه .

لمبه‌کوبی بـادرزپوش زده است . در ورودی بنا جنوبی است . در جنوب ومشرق بنا ایوان است . درازای ایـوان جنوبی ۵۷۰ و پهنای آن ۲۰۰ سانتیمتراست . درازای ایوان شرقی ۳۵۰ وپهنای‌آن ۱۵۰ سانتیمتر است . ستونهای ایـوانها چوبین است و سرستونهای ظریف دارد .

اطراف امامزده درختان نارنج و فك (بید) و اوجای زیاد است . گـرداگرد تنهٔ یکی‌ازدرختان اوجا پنج‌متر ودیگری به سه مترمی‌رسید .

باقی بناها و آثار تاریخی ناتل‌کنار

۱ـ قلعه‌ای قدیمی در مرتع شاله از مراتع سولدهٔ ناتل‌کنار.

۲ـ معصوم‌زاده‌ای در دینه‌کو سولدهٔ ناتل‌کنار.

۷ـ بناها و آثار تاریخی ناتل رستاق دشت نور

عمارت میرزا کاظم‌خان نظام‌الملک نوری[1]

در دهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل رستاق دشت نور

درازای بنا ۲۵ و پهنای آن ۱۲ متر است. درازای آن شرقی غربی و پهنای آن شمالی جنوبی است. مرکز بنا اطاقی ۵×۳ متر است که در دو طرف شمالی و جنوبی آن دو ایوان است. جلو هر دو ایوان ستونهای پرکار و سرستونهای ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۱۶۸). در دو طرف این اطاق و این دو ایوان دو راهرواست که در عرض بنا ساخته‌اند. در ضلع غربی راهرو غربی، سه اطاق تودرتو و مغرب آنها دواطاق بزرگ تودرتو است. در ضلع شرقی راهرو شرقی نیز سه اطاق تودرتواست و در مقابل این سه اطاق، ایوانی سرتاسری، در عرض بناست که روی به مشرق‌دارد. بنا در دست ادارهٔ آموزش و پرورش محل بود و تا چندی پیش دبستانی در آن دائر بوده است. اخیراً دبستانی نوساز دراراضی شمالی همین بنا ساخته و دست از این بنا کشیده‌اند. درهای بنا را کنده بودند و سفالهای بام آن در یکی دو جا ریخته بود

۱ـ میرزا کاظم‌خان نظام‌الملک پسر میرزا نصرالله‌خان اعتمادالدوله معروف به میرزا آقاخان صدراعظم نوری است.

(عکس شمارهٔ ۱۶۹) . بزودی این بنای آجری مستحکم براثر غفلت مسؤولان امر از میان خواهد رفت .

حمام میرزا کاظم‌خان نظام‌الملك نوری
در دهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت نور

این حمام پهلوی عمارت نظام‌الملك و در شرق آن بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۷۰) . حمامی نسبةً بزرگ است.شامل سربینه وگرمخانه و خزینهٔ آب‌گرم . این حمام تا امروز دائر است و از آن استفاده می‌شود .

تکیهٔ حاجی یحیی‌خان نوری
در دهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

تکیهٔ چمستان بنایی چهار ضلعی و ساده است که از بناهای حاجی یحیی‌خان نوری است .

نهرهای منشعب از لاویج‌رود

سربند لاویج‌رود در توسکابن است . از توسکابن نهری به طرف دست راست جدا می‌شود و دهکده‌های: عبدل‌آباد ، عرب‌خیل ، طالب‌آباد ، سنگین‌ده ، سیاکلا، مغان‌ده ، رستم‌رود و ایزده بالا وپایین را آبیاری می‌کنند .

از توسکابن نهری به سمت چپ منشعب می‌شود و دهکده‌های : اسپی‌کلا ، سیدکلا ، مردو[1] ، نصرت‌آباد ، حاجی‌آباد ، وسولده را مشروب می‌کنند .

امامزاده سید حسین
در جنگل‌سازی‌یك[2] از اراضی اسبی‌کلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنایی است ازخارج چهارگوشه (عکس شمارهٔ ۱۷۱) و از داخل هشت‌ترك .

۱ــ بفتح میم . ۲ــ بفتح یاء دوم .

پهنای هریك ازترکهای داخلـی آن ۱۸۰ سانتیمتر است . بام بنا ، گنبدی مـدور و نوك‌تیز است. برجدار هر یك از اضلاع داخلی ، طاقنمایی است. در دوضلع شمالی‌و جنوبی ، در وسط طاقنماها ، دو نورگیر مشبك چوبین است . صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنا مرقد را پوشانده است . درازای آن ۱۹۰ و پهنایش ۱۰۰ وبلندیش ۱۳۰ سانتیمتراست . در ورودی بقعـه درکفش‌کـن است (عکس شمارهٔ ۱۷۲) . بلنـدی آن ۱۶۰ وپهنای هرلنگه ۴۸ سانتیمتراست . این عبارات‌برآن نقرشده‌است :

برباڈوی سمت راست لنگهٔ سمت چپ :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم   الله‌لااله‌الاهوالحی‌القیوم ـ تاـ بماشاءوسع. »

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

« کرسیه‌السموات والارض ولایؤده . »

برباڈوی سمت چپ از بالابه پایین :

« حفظهماوهوالعلی‌العظیم ـ تا ـ والذین‌کفرواولیاؤهم الطاغوت . »

برپاسار دوم لنگهٔ سمت چپ :

« ناد علیاً مظهرالعجائب ـ تا ـ کل هم وغم .»

برپاسارسوم لنگهٔ سمت چپ :

« سینجلی بولاتیك یاعلی یاعلی یاعلی   سنه ۱۳۰۶. »

برباڈوی راست لنگهٔ سمت راست :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم   الهی بنبیی عربی و رسول مدنی . »

برباڈوی چپ لنگهٔ سمت راست :

[« به علت فرسودگی خوانده نشد درآخر] حرره . . . . فی ۱۳۰۶ .»

برپاسار بالای لنگهٔ سمت راست :

« عمل کربلائی کاظم نجّار جزنی. »[1]

«اللهم صل علی‌محمد وآل محمد عجل فرجهم . »

برپاسار سوم :

« وقف امامزاده سید جلیل سمی‌خامس آل‌عبا . »

اطراف بقعه محوطهٔ جنگلی وسیعی است. حوضی‌به درازای ۳۷۰ وپهنای ۲۸۰ سانتیمتر نزدیك بنای بقعه است. درختان عظیم و کهنسال آزاد در ایـن محوطه زیاد است . گرداگردتنهٔ یکی از آنها ۵۶۰ و دیگری ۴۵۰ سانتیمتر است . گرداگرد تنهٔ درختان آزاد دیگر کمتراز اینهاست .

آثار گورستان قدیمی وخانه‌سرا دراطراف بقعه دیده‌می‌شود. ظاهراً دهکده‌ای قدیمی بوده که به عللی از میان رفته است .

تپه‌ای قدیمی به‌نام‌امسی‌بك[2]

طرف قبلی‌جنگل سازی‌بك در اراضی اسپی‌کلای ناتل‌رستاق دشت‌نور

کوتی بزرگی است که آثار سنگهای بنابرآن زیاداست وظاهراً زمانی حفاری نیز شده است .

امامزاده‌قاسم

در دهکدهٔ پایین ورازده ازدهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است از داخل هشت‌ترك و از خارج چهارضلعی (عکس شمارهٔ ۱۷۳) . در دوضلع شمالی وجنوبی دو نورگیر مشبك چوبین است . در جداراضلاع داخلی تا زیر سقف طاقنماهایی ساخته‌اند . در طاقنمای ضلع غربی و دو ضلع دوطرف آن و بر

۱ـ جزن بفتح‌جیم وزاد، ازدهکده‌های طالقان است.

۲ـ بفتح‌الف وسکون‌میم و فتح یاء دوم .

طاقنماهای دوضلع در ورودی که شرقی است گچ‌بری دارد. درازای هر یك از اضلاع به ۱۸۰ سانتیمتر می‌رسد.

سقف بنا پلورکشی است. ابتدا در بالای هریك از اضلاع هشت‌ضلعی دو شیرسر نصب کرده تا دهانهٔ سقف را جمع‌تر کنند، سپس روی شیرسرها را بسته وپلورها را بر آنها استوار کرده‌اند. جهت پلورها، شمالی جنوبی است. بالای پلورهای چهارنبش را پردی کوبی (پل‌کوبی) کرده‌اند و درز آنها را با درزپـوش لبه‌زده ، پوشانده‌انـد. صندوقی در وسط بنا مرقـد را پوشانده است. درازای آن ۲۰۰ و پهنای آن ۱۱۵ و بلندی آن ۱۱۶ سانتیمتراست و برچهارپایه به‌بلندی ۱۲ سانتیمترمتکـی است. بدنهٔ مرقد تا جائیکه اززیر صندوق دیده می‌شودکاشیکاری است. کارصندوق نوعی شبکه‌کاری بسیار ظریف است (عکس شمارهٔ ۱۷۴). یعنی ابتدا آنها را باظرافت تمام (در حدود پنج‌شش‌میلی‌متر) تراشیده‌اند وبه شکل‌ستاره‌ای بیست‌وچهار پردرآورده وبرمتن تخته‌ای چسبانیده‌اند. بربالاسروپایین‌پای صندوق هریك یك نگار ودر دوبدنهٔ دیگر هریك دو نگار(شمسه) ستاره‌ای۲۴ پر، کارکرده‌اند. چهار طرف هر نگار حاشیه‌بندی دارد. زمینهٔ حاشیه به‌رنگ نارنجی‌است وحاشیهٔ مشبکی که روی‌آن چسبانیده‌انـد به رنگ سبزاست. این حاشیه‌بندی زیبایی خاصی به‌نگارها داده است. در ورودی بقعه شرقی است. بلندی آن ۱۶۰ و پهنای هر لنگه ۵۰ سانتیمتراست. هر دو لنگه در، مشبك‌کاری چوبین ظریف است (عکس شمارهٔ ۱۷۵). برپاسار وسط لنگهٔ سمت چپ این عبارات نقر شده است:

« بتاریخ غرهٔ جمادی‌الاخر. »

برپاسار وسط لنگهٔ سمت راست:

« فیسنهٔ ۱۲۹۹.»

کفش‌کنی جلو در ورودی بنا و متصل به آن است . سقف آن مانند سقف بقعه ظرافت‌کاری دارد. جلوکفش‌کن چهارستون با تکائلی چوبین مشبك ظریف است . بام بقعه و کفش‌کن سفالپوش است . سنگ قبر مرمری داخل بقعه است که این عبارات با خط نستعلیق خوش بر آن حك شده است:

«هوالله تعالی شأنه

الحکم‌لله الواحدالقهار

وفات مرحوم مغفورمبرور الی‌رحمةالله الملك‌الغفور علی‌نقی‌ابن کربلائی محمدلطیف بابوکر[1] ۱۱۷۷ »(عکس‌شمارهٔ ۱۷۶) .

اطراف بقعه گورستان قدیمی است و درختان گردو وانار کهنسال زیاد دارد .

قلعه‌کوتی موزی‌سی

در دهکدهٔ قلعه‌کوتی ازدهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

قلعه‌کوتی دهکدهٔ کوچکی است باچهار خانوار سکنه درجنوب دهکدهٔ پایین ورازده . در اراضی این دهکده ، خاکریز دستی بزرگی بوده است . بر بالای این خاکریز روزی قلعه‌ای ساخته بوده‌اند . در خرابه‌های این قلعه شمشیر وخنجر و سپر فراوان قدیمی‌به دست‌آمده است. چنان می‌نماید که زرّادخانه‌ای بوده است . مقدار زیادی از خاکهای این خاکریز را در اراضی کشتزار پهن کرده و در حدود یك‌سوم خاکریز برجای است .

۱ــ از خاندانهای قدیمی ساکن نور .

سید اسکندر

در خرابه باری‌کلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است از داخل به شکل مربع مستطیل به درازای ۶۰۰ و پهنای ۴۱۰ سانتیمتر. سقف بنـا، پلورکشی و پردی‌کوبی (پـل‌کوبی) ساده است. دونـورگیر مشبك در دو جهت شمالـی و جنوبی تعبیه شده است. صندوقی چـوبین مشبك‌کاری ظریف پرکار، نظیر صندوق امامزاده قاسم‌که سابقاً شرح دادیم، دروسط بنا، مرقدرا پوشانده است.درازای صندوق۱۸۵ وپهنای‌آن ۱۰۰ و بلندی‌آن ۱۰۵ سانتیمتراست. صندوقها و درهـای مشبك وتـکائلهای مشبك جلو کفش‌کن بقعه‌های امامزاده قـاسم و سیداسکندر کار یك استاد نجّـار است. اما نام خود را در هیچیك از این آثار یـاد نکرده است.

در ورودی بقعه سیداسکندر شرقی است. بلندی آن ۱۶۰ و پهنای هـر لنگه ۵۰ سانتیمتر است. هرلنگه دارای دو تنکۀ مشبك‌کاری و سه پاسار و دو باثواست. در ورودی بقعه تاریخ ندارد وظاهراً درحدود سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ یا یکی دوسال پس و پیش ساخته شده است. در ورودی در کفش‌کنی به درازای ۴۶۰ و پهنای ۳۳۲ سانتیمتر باز می‌شود. در جنوب این کفش‌کن سه ستون با سرستون وتـکائلهای مشبك چوبین است. اطراف بقعه، محوطۀ وسیعی‌که گورستانی قدیمی است و درختان‌آزاد کهنسال درآن فراوان است. گرداگرد تنۀ بعضی‌ازآنها ازاین قراربود:

۶۰۰ سانتیمتـر، ۳۵۶ سانتیمتـر، ۳۴۰ سانتیمتر، ۲۳۰ سانتیمتـر. درخت مازوی کهنسالی نیز نزدیك بقعه دیده می‌شود.

بیت
در دارکلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

سه در اطاق در امتداد هم است کـه اخیراً به همان طرح قدیم با آجر تجدید بنا کرده‌اند . سراسر بام لت‌پوش است. قدمگاهی است که مورد احترام بهائیان‌است.

شاه‌بالو
دردهکدهٔ آهودشت[1] ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است هشت ترك از آجر که بلندی آن تا زیر قرنیس‌گنبد یازده متر تمام است (عکس شمارهٔ ۱۷۷) . در هر یك از اضلاع داخلی طاقنمای بلندی است‌که تا ابتدای انحنای گنبد داخلی می‌رسد . سقف بنا از داخل گنبد عرقچینی است و بـام آن ازخـارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی است. بدنه‌های اضلاع داخلی نقش و نگارهای زیبـای‌قدیمی داشته کـه در تعمیرات بعدی روی آن را با گچ پوشانده‌اند. از ایـن نقشها ستاره‌ای هشت‌پر در وسط گنبد عرقچینی برجـای است (عکس شمارهٔ ۱۷۸) که دنبالهٔ هرپر آن ادامه پیدا می‌کند و به‌کمر گنبد می‌رسد .

در طاقنمای داخلی سمت چپ در ورودی بقعه در دایره‌ای عبارات زیـر نوشته شده است :

« دربالیاس‌گفت گیرد (؟) درین آستان دعای بخیر می‌خواهد متولی‌این مقام درویش حسن دارا » (عکس شمارهٔ ۱۷۹).

در درگاه سمت راست در ورودی در دایره‌ای نام معمار وپیشکار بناست که به

۱ـ آهودشت: ده ازدهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان‌آمل، بیست ویك‌کیلومتری جنوب شرقی سولده (فرهنگ جنرافیایی ایران،ج ۳) .

علت فرسودگی روشن خوانده نشد . این کلمات بر آن واضح بود :

«معمار پیشکار آن پاشا بن تهمراس بکشاه‌جمشید ...» (عکس‌شمارهٔ ۱۸۰).

در طاقنمای ضلع جنوبی محرابی است . برحاشیه این محراب آیات زیر با رنگ نوشته شده است :

« اولیاءالله لاخوف علیهم ولا یحزنون بالغ امره قدجعل الله لکل شیء قدراالله لااله الا هوالله الله . »

بر بدنه‌های خارجی اضلاع نیز طاقنماهایی است که تابالای بنا کشیده می‌شود. بر بالای طاقنماها کتیبه‌های کاشی بوده که فعلاً سه کتیبهٔ آن باقی است و آنچه باقی مانده صلوات برچهارده معصوم است (عکس شمارهٔ ۱۸۱) . بالای کتیبه‌ها سه رگ آجر است و بالای رگ سوم انتهای قرنیس‌های نیم‌کشکولی با سینه‌کفتری است. در هر ضلع هفت قرنیس نیم‌کشکولی است و بر بالای هردو قرنیس یك کاشی آبی به شکل نیمه‌بیضی کار شده است . مجموع کاشیها در هرضلع به شش عدد می‌رسد . بالای کاشیها، کتیبهٔ دندانه و بالای آنها قرنیسی از سنگ لانه است که آبهای ترکهای گنبد از لبهٔ آنها برزمین اطراف گنبد می‌ریزد .

برسردر ورودی کتیبه‌ای چهارگوشه‌ازگچ است که نام بنابرآن خوانده می‌شود:

« عمل بهرام بنّابن‌علی . . . . بنا » (عکس شمارهٔ ۱۸۲) .

ابیات زیر بنابرنقل آقای خانباباخان سلطانی بربالای در ورودی این بنابوده است و امروز نشانی از آن برجای نیست .

« بردرگه دوست چون رسی گولبیك　　کانجا نه سلام راه دارد نه علیك
این وادی کعبه است نگهدار قدم　　این‌وادی عشق است‌فاخلع نعلیك»

کتیبه‌ای از آجر پخته بربالای نمای خارجی ضلع قبلی است که این شعر با

خطی خوش برآن حك شده است :

«شه‌کیومرث‌ابن سلطان بیستون ظل‌خدا

درزمان هشتصدوچل ختم فرموداین بنا .»

(عکس شمارهٔ ۱۸۳) .

برسر در ورودی اصلی‌بنا خفنگی‌مشبك‌چوبین نیم‌دایره‌ایست‌که بسیارظریف‌و پرکار است (عکس شمارهٔ ۱۸۴) . بر دست راست سردر ورودی گچ‌بریهای قدیمی باقی‌مانده که دقت و ظرافت کار را نشان می‌دهد نقش آن گل و بوته و پرنده است (عکس شمارهٔ ۱۸۵) . زیراین گچ‌بری ازکاشی، دوازده ضلعی‌هایی درآورده‌اند‌که در مرکز به شش ضلعی تبدیل می‌شود (عکس شمارهٔ ۱۸۶) .

دلاك‌خانه

بنای هشت‌ترك کوچکی درسمت راست در ورودی بنای شاه‌بالوست‌که ظرافتی تمام دارد و معروف به دلاك‌خانه است (عکس شمارهٔ ۱۸۷) .

سنگ‌قبری قدیمی‌که ظاهراً مربوط به‌قرن‌نهم‌هجری است از زیر خاك هنگام تعمیر بنا بیرون آورده بودند (عکس شمارهٔ ۱۸۸) .

محمدبن بکربن علی‌ابن ابی‌طالب علیه‌السلام دردهکدهٔ بونَده ناتل‌رستاق دشت نور

بنایی ساده است ، تکیه‌ای وسیع و بزرگ اطراف بناست . سقانفاری نسبةً قدیمی در وسط تکیه است . سقانفارها به جای گلدسته و مأذنه است و شیپور ایام عزا نیز در بالای آن نواخته می‌شود .

امامزاده رضا

دردهکدهٔ کچل‌ده ازدهکده‌های میان‌رود[1] سفلای نور

بنایی است هشت‌ترک کـه درازای هـرضلع از داخل ۱۸۰ سانتیمتر است . بر جدارهای داخلی و خارجی اضلاع طاقنماهایی با طاقهای هـلالی است (عکس‌شمارهٔ ۱۸۹) . سقف از داخل گنبدی عرقچینی است‌که برروی اضلاع هشت ضلعی ، بدون گوشوار مستقیماً زده‌اند . دراضلاع غربی وجنوبی و شمالی سه سوراخ نورگیر است و در ضلع جنوبی، نورگیر مشبکی از گچ در دهانهٔ سوراخ تعبیه کرده‌اند . در ورودی بقعه دولنگه‌است، بلندی هـر لنگه ۱۵۰ و پهنایش ۴۰ سانتیمتر است . دوکتیبه بـر پاسارهای زیرین تنکهٔ بالا باخطی خوش حك شده است :

برپاسار لنگهٔ سمت راست :

«عمل استاد میرزا علی ولد مشهدی رمضان قصری .»

برپاسار لنگهٔ سمت چپ :

« بتاریخ دهم شهرربیع‌الاول مطابق ۱۰۲۹ کتبه عبدالله . . . . »

بنـا از خارج نیز هشت‌ترك است و گنبدی‌کلاه‌درویشی بلنـد دارد . مسجد و کفش‌کنی بـه بنا الحاق کرده‌اندکه هیچگونه اثر هنری در آن نبـود .

گورستانی بزرگ اطراف بقعه است . درختان آزاد کهنسال دراین گورستان زیاد است. یکی‌از درختان که براثر خشك شدن‌آن را انداخته بودند، گرداگردتنهٔ آن به ۵۶۰ سانتیمتر می‌رسد.درخت آزاد دیگری که برپاست‌گرداگردتنهٔ آن به ۵ متر تمام می‌رسد .

سقانفاری زیبا در محوطهٔ قبرستان بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۹۰) .

۱ــ آب میانرود از انگتارود است .

امامزاده محمدبن بکربن علی علیه‌السلام
دربوته‌ده ناتل رستاق دشت‌نور

بنایی ساده و ناچیز بود . هیچگونه اثر هنری در آن دیده نمی‌شد . بربام بقعه سقانفاری بود . جمع بودن بنای بقعه و سقانفار تنها دراین محل دیده شد (عکس شمارهٔ ۱۹۱). معمولاً سقانفار از بنای بقعه جدا ساخته می‌شود .

مسجد علامهٔ نوری
در دهکدهٔ سعادت‌آباد[۱] از دهکده‌های میانرودسفلای دشت‌نور

بنای مسجد مستطیل شکل است . درازای بنا ۲۵ و پهنایش ۸ متراست . در درازای بنا در وسط، شش فیلپای آجری است که مقطع آنها مربع است. پلورهای سقف بردیوارهای دو طرف وبردوش‌کش روی فیلپاها استوار است . سراسر سقف بنا از بالا پل کوبی است وبام آن سفال‌سر است. در ورودی شرقی است و پنجره‌هایی در اطراف بناست .

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ سعادت‌آباد از دهکده‌های میانرود سفلای دشت‌نور

بنایی‌است از سنگ وگچ (عکس شمارهٔ ۱۹۲) که سربنیهٔ بزرگی داردکه در چهار طرف‌آن چهار صفه است . سقف سربنیه‌گنبدی وسقف صفه‌ها گهواره‌ایست . در چهارزاویهٔ سربنیه چهار محفظهٔ کوچك است‌که هریك‌گنبدی‌کوچك دارد. در وردی حمام‌دریکی از این محفظه‌ها ودر گرمخانهٔ آن دردیگری است . راهرویی در میان

۱ــ نام قدیمی سعادت‌آباد «نای» یا «نی» است .

سربنیه وگرمخانه است . گرمخانه فضایی است مربع شکل که در دوطرف آن دوصفه است . دریکی ازصفه‌ها ، حوض‌لوزی با اضلاع تزیینی ساخته‌اند که آب سرد درآن جریان دارد. ازهمین‌صفه به فضایی‌که شاه‌نشین حمام است می‌رود که راهی‌به خزینهٔ آب‌گرم دارد. مدخل خزینهٔ‌آب‌گرم درمیان فضای‌گرمخانه است. ازارهٔ دیوار داخلی حمام تـا یك متر کاشیکاری است . کاشیها هشت ضلعی دو بـه‌دو برابر است کـه میان اضلاع کوچك آنها قالب‌کاشی‌کوچك مربع شکلی کارکرده‌اند. بالای کاشیها یك رگ حاشیه‌بندی دارد.

نهرهای منشعب از رودخانهٔ انگتارود

نهرهای دست چپ‌آب انگتارود :

نهر ایرکاکه سربندش ایرکا است ودهکده‌های افراده وسعادت‌آباد را مشروب می‌کند. ازایرکا، نهری‌به‌کیوسر (کیاسر) می‌رود واراضی دهکده را آبیاری می‌کند.

نهرهای دست راست آب انگتارود :

نهری‌که سربندآن درآجی‌کلااست،ازآجی‌کلا به پولادکلا وهسه‌با[1] (همصفا)و تن‌رز[2] ودلیرکان وکچل‌ده می‌رود واراضی‌کشت این دهکده‌ها را آبیاری می‌کند.

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ امیرآباد از دهکده‌های میانرودسفلای دشت‌نور

حمامی‌است‌ازآجر،دارای سربنیه‌وگرمخانهٔ بزرگ‌که‌به دستورامیرمصدق‌نوری ساخته شده است.دهکدهٔ امیرآباد رانیزامیرمصدق آبادکرده وبه‌نام خود نامیده است.

۱ــ بفتح هاء وکسر سین .   ۲ــ بفتح تاء وکسر نون و فتح راء .

عمارت قشلاقی امیرمصدق نوری
در دهکدهٔ عبدل‌آباد[1] از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنایی است دوطبقه از آجر که در وسط طبقهٔ پایین سرسرایی است . در دوطرف این سرسرا دواطاق است که پهنای آنها متصل به‌سرسراست . ودر دوطرف این اطاقها دو اطاق دیگر است که دوبال بنا را تشکیل می‌دهند. نظیر همین طرح عیناً درطبقهٔ دوم است . پلکانی از سرسرای وسط طبقهٔ اول به طبقهٔ دوم ساخته‌اند که راه رسیدن به طبقهٔ دوم است. سراسر سقف پلورکشی وپلکوبی است. لبهٔ بنا دارای یك شیرسرو یك پشته است. بام بنـا سفال سراست. فعـلاً این عمارت محل دبستان عبدل‌آبـاد است (عکس شمارهٔ ۱۹۳). باغ‌اطراف بناکه وسعتی داشته، امروزمحدود به‌حیاط‌دبستان شده است وباقی اراضی آن را دیگران تصاحب کرده وساختمان کرده‌اند .

امامزاده بلال‌بن‌عون‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ نانواکلا[2] از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنایی است چهارگوشه (عکس شمارهٔ ۱۹۴) که در وسط آن صندوقی تخته‌ای ساده مرقد امامزاده را پوشانده است . درپایین پا و بالای سر مرقـد دو ستون چوبین قطور چهارسوی پخ‌زده است‌که سرکشی برآن استوار است . پلورها برسرکش وسط و دیوارها متکی است . بریك‌بدنهٔ ستونی کـه نزدیك در ورودی است عبارات زیر دو خطه نقرشده است :

۱ـ عبدل‌آباد : عبدالله‌آباد ده از دهستان ناتل‌رستاق‌بخش نور شهرستان آمل ، شانزده کیلومتری‌جنوب شرقی سولده (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳) .

۲ـ نانواکلا : ده ازدهستان‌ناتل‌رستاق بخش نورشهرستان آمل،دوازده‌کیلومتری جنوب شرقی‌سولده (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ،ج ۳) .

« نجّاری‌کاری این‌معصوزادهٔ جلیل‌القدر را سرکارصناعت دستگاه کربلایی مرتضی‌بن‌لطفعلی طایفهٔ گرجی حرر سلمان بن محمدبن ملامحمود ملك ساکن قریهٔ یالو فیسنة ۱۲۹۸. »

بریك بدنهٔ دیگر ستون یادی ازبنّای این ساختمان شده است :

« عمل کربلائی مرتضی ۱۲۹۸. »

بریك جدارستون بالاسرکه ستون دوم است این کلمات نقرشده است :

« عمل گمگشتهٔ دیاروفا سرگشته وغریب وبینوا رمضانعلی متو ۱۲۹۸ . »

ایوانی نیز درجلو بناست‌که آن نیز پنج‌ستون چوبین‌چهارسو در درازا دارد . در دو طرف کفش‌کن دو جرز است که گچ‌بری ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۱۹۵) و بر بالای آن سرکشی است‌که پلورهای ایوان بردیوارها و این سرکش استوار است .

گورستانی وسیع اطراف بقعه است که درختان کهنسال فراوان آزاد و گردو منظره‌ای بسیار دلپذیر به‌آن داده است . لاویجه‌رود ازکنار محوطهٔ بقعه می‌گذرد .

آب‌انباری قدیمی

در دهکدهٔ سیدکلا ازدهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنای اصلی از بنیاد چهارگوشه است که هر ضلع آن شش‌متر است . دیوارهای بنا سنگ وساروج وگنبد بالای آن را که‌برآمدگی آن زیاد است از سنگ وآجر و ساروج زده‌اند . پاشیرآن پانزده پله می‌خورد وبه شیرآب دسترسی پیدا می‌کند . تا سه‌چهار سال پیش که این دهکده لوله‌کشی نداشت ازآب آب‌انبار استفاده می‌کردند. هنوز آب‌انبار از حیز انتفاع نیفتاده است .

آن از شمال به سلیاکوتی واز طرف جنوب به سنگ‌بند واز طرف مشرق به سرکاج و از طرف مغرب به خوریه (خریه) منتهی می‌شود .

درگورستان قدیمی آن که بسیار وسیع است ، یکی دوگنبد ومسجد خرابه‌ای به نظر می‌رسد که بقعهٔ سیدعبدالله یکی از آنهاست (عکس شمارهٔ ۱۹۷) . بقعهٔ سیدعبدالله هشت ترك است. دوترك قبلی وشمالی آن پهن‌ترازسایراضلاع‌است ودرازای آنها به ۲۴۰ سانتیمترمی‌رسد . درازای دوضلع غربی وشرقی از داخل ۱۶۰ و اضلاع میان اینها ، هر یك یك‌متر تمام است . سقف بنا گنبدی بیضی شکل است . صندوقی سادهٔ چوبین در وسط بناست. در ورودی شرقی است ودرکفش‌کنی به درازای سه‌مترو پهنای ۲۱۰ سانتیمتر بازمی‌شود . دونورگیرمشبك در دوضلع شمالی وجنوبی است .

شاه رضاکیا سلطان

درگورستان قدیمی ناتل ازدهکده‌های ناتل‌کنار نور

بنایی‌است هشت‌ترك(عکس شمارهٔ ۱۹۸)که درازای هر ترك‌آن ۲۱۰سانتیمتر است.سقف بناگنبدی‌مدور به‌بلندی هشت متروبام بنا ازخارج‌کلاه‌درویشی‌است. بالای دیوارها ، شانزده‌طاقنمای‌کوچك بناکرده و بدین‌ترتیب دهانهٔ هشت ضلعی راجمع و نزدیك به دایره‌ساخته وکمربندگنبد رابرطاق طاقنماها استوار نموده‌اند . گنبد را با گچ‌بری به‌چهارقسمت کرده وچهار شیروخورشید درآنها نقاشی‌کرده‌اند .

صندوقی بزرگ چوبین در وسط بناست که‌درازای‌آن ۲۶۰ وپهنایش ۱۲۰ و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است .

کفش‌کنی چهارگوشه به‌ابعاد ۳۴۰ سانتیمتر در جلو در ورودی است‌که سقف آن‌گنبدی‌گرد ونوك‌تیز است.

درورودی دو لنگه به‌بلندی ۱۶۰ و پهنای هر لنگه ۴۰ سانتیمتر است .

بر بائوی‌سمت راست لنگهٔ سمت چپ عبارات زیر نقرشده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم گشاده‌باد بدولت همیشه این درگاه بحق‌اشهد ان‌لااله‌الاالله الله‌لااله‌الاهوالحی‌القیوم لاتأخذه.»

بر پاسار بالای‌لنگهٔ سمت چپ :

«سنةً ولانوم لهما فی‌السموات وما فی‌الارض .»

بر بائوی سمت‌چپ لنگهٔ سمت‌چپ:

« من‌ذاالذی یشفع عنده‌الاباذنه یعلم ما بین‌ایدیهم وماخلفهم ولایحیطون .»

بر پاسارسوم :

«بشیءٍ من‌علمه الا بماشاء وسع‌کرسیه‌السموات . »

بر بائوی سمت چپ :

«والارض ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم‌لااکراه فی‌الدین‌قدتبین‌الرشد.»

بر پاسار پنجم :

«من‌الغی فمن یکفر بالطاغوت ویومن بالله فقداستمسك بالعروة .»

بر پاسار دوم نام مدفون دراین بناست‌کــه درمیان آیات‌کلام‌الله مجید گنجانده شده‌است :

«شاه رضاکیا سلطان‌بن عمرا بن‌امام‌موسی‌کاظم.»

بر پاسار بالای لنگهٔ سمت راست:

«آنانکه خاك را بنظر کیمیاکنند آیابودکه‌گوشهٔ چشمی بما کنند .»

بر بائوی سمت‌راست لنگهٔ راست :

«الوثقی ـ لاانفصام‌لها والله سمیع‌علیم ـ تا ـ اصحاب‌النارهم فیهاخالدون.»

بر پاسار دوم :

«عمل صندوق و در بدست

هر کـه خوانـد دعا طمع دارم   زانکـه من بندهٔ گنـه کارم .»

بر پاسار سوم:

«یاصاحب الزمای سر جدت شتاب کن

عالم خراب گشت تو پا در رکاب کن

۱۳۰۱.»

بر پاسار پنجم :

«حرر رضا ولد مرحوم مغفور معصومعلی توب غفرالله له ولوالدیه.»

بر باثوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست که دنبالهٔ عبارت پاسار دوم است :

« محمدکاظم ولد مرحوم اللهوردی میان بندی نوری شهر رجب مطابق سنهٔ هزارو سیصدو یك ازهجری نبوی صلی علی و آله.»

مسجد جامع

در دهکدهٔ نائل از دهکده های نائل رستاق نور

مصالح بنای این مسجد آجر وگچ بوده است (عکس شمارهٔ ۱۹۹) . درازای آن ۲۳ متر وپهنایش ۹۶۰ سانتیمتر است و قطر دیوارهای بنا به ۸۰ سانتیمتر می رسد. بیش از یك سوم از دیوار شمالی وکمی از دیوار شرقی آن برجای مانده است . حوضی مستطیل شکل در غرب بنای مسجد است .

قلعه‌ای قدیمی
در اراضی جنگل گل‌باغ ناتل در ناتل رستاق نور

مصالح بنا ازآجر وگچ بوده است (عکس شمارهٔ ۲۰۰) . دیوارهای اطاقها و آب‌انبارگودآن برجای‌است. پهنای دیوارهای موجود به۱۱۰سانتیمتر می‌رسد . قلعهٔ دیگری‌نیز در اراضی‌گل‌باغ است که خندقی عمیق دارد. درازای سطح بالای‌آن۵۰ متر وپهنایش ۲۵متراست. در جنگل‌گل‌باغ که‌خود مسلماً روزی باغ‌گل بوده‌است ، آثـار فراوانی از بناهای قدیمی به‌چشم می‌خورد .

راه سنگفرش
از ناتل تاپای‌کوه جنوبی

از ناتل قدیم راهی سنگفرش به پای‌کوه جنوبی‌کشیده شده است واز محلهای زیر می‌گذرد :

گل‌باغ ، مالامال، لرک[1] چشمه و سنگ‌بند .

قلعهٔ همت‌آباد
در جنگل همت‌آباد نزدیك دهکدهٔ کـردآباد
از دهکـده‌های ناتل‌رستاق نور

نزدیك به دهکدهٔ‌کردآباد جنگلی به‌نام همت‌آباداست.دراین‌جنگل تپه‌ایست که آثار قلعه‌ای قدیمی برآن پیداست .

۱ـ بفتح لام و سکون راء و گاف .

قصر و حمام و بازار و مسجد واتاشان
در جنگل واتاشان در جنوب دهکدهٔ نصرت‌آباد
از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

سید ظهیرالدین مرعشی در بارهٔ این آثار می‌نویسد :

« سید فخرالدین هنگامی که فصل خزان رسید به ولایت ناتل آمد و قریهٔ واتاشان را جهت موطن ومسکن ومقام ایالت و سلطنت خودتعیین فرمود و مردم رستمدار را خبر دادند تا جمع‌شوند و نزد برادران‌خود جهت‌عمارت آن دیار مدد طلب داشتند . حسب‌الاراده ازآمل وساری بیگاری واستادان ماهر روان ساختند و در روز سعید طرح عمارت‌کشیدند و حفر خندق‌عظیم به گرداگرد آن‌سرا فرمودند کرد و بنیاد قصر و حمام و بازار و مسجد و ابواب‌البرّ را از هر نوع طرح کشیدند و مردم را به‌سرکار باز داشتند و به‌جهت هرسرکاری سردار دانا وکامل تعیین فرمودند .»[۱]

ظاهراً همین آثار است‌که امروز تبدیل به‌یکی دوتپه شده و در چهارصدمتری جنوب جادهٔ سولده به چمستان ، درجنوب دهکدهٔ کوچك نصرت‌آبادکنونی ، به‌جای مانده است و به‌شکل خاکریزی دستی به بلندی ۷مترکه قطر دایرهٔ بالای آن سی‌متر است دیده می‌شود . خندق آن برجای است و در نزدیکی آن تپهٔ دیگری نیز باقی است .

رابینو دربارهٔ این بناها می‌نویسد :

« فخرالدین بن قوام‌الدین مرعشی پس‌از فتح رستمدار ، واتاشان‌را درناتل برای مقرّ خود برگزید و از ساری و رستمدار افرادی فراهم‌آورد وخندق

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۸۶ .

عمیقی دور شهر حفر کرد و اقامتگاه و حمامی برای خود و بازار و مسجدی جهت مردم ساخت.»[۱]

پل لیشام
بر رودخانهٔ شیم‌رود در شرقی ناتل از دهکده‌های ناتل‌رستاق

لیشام‌دیلمی براین رود پلی‌بسته است‌که به نام «پل‌لیشام» معـروف است. سید ظهیرالدین می‌نویسد:

« آن رودخانه‌را که از شرق ناتل جاری است و شیم‌رود می‌خوانند، پلی‌که بدانجا لیشام دیلمی بسته بود «پل لیشام» می‌گفتند.»

ازاین پل هیچگونه نشانی برجای نیست. آبی‌که امروز از زیرکوه«سوردار» سرچشمه می‌گیرد به‌نام «شامی‌رو» معروف است. ظاهراً «شامی‌رو» شکل دیگری از «شیم‌رود» است ولیشام برروی همین رود پل بسته بوده است.

گور بکر بن عبدالعزیز بن ابی دلف عجلی
نزدیك پل‌لیشام‌که بر رودخانهٔ شامی‌رو (شیم‌رود) بوده است

سیدظهیرالدین می‌نویسد:

درجنگی‌که میان داعی‌صغیر یعنی محمدبن‌زیدبن اسماعیل‌حالب‌الحجارهو اسپهبد رستم‌بن قارن واقع شد، اسپهبد به رافع‌بن هرثمه پیوست و اورا به مازندران آورد. داعی ازآمل‌فرارکرد وبه‌کجور رفت و ازآنجا بدیلمان افتاد. داعی در دیلمان به جمع سپاه پرداخت وبـه چالوس آمد. رافع در چهار فرسنگی چالوس در دهکدهٔ خواج آمد. داعی ازچالوس بگریخت.

۱ــ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو، ص ۱۵۱.

رافع به قزوین رفت. لشکرخلیفه با رافع جنگ‌کردند واورا شکست‌دادند ناچار به خراسان رفت. در این وقت بکر بن‌عبدالعزیز بن ابی‌دلف‌العجلی به داعی محمد پیوست. داعی اورا بسیارعزیزومکرم داشت و از برای اواز اسب به زیر آمد وتحف وهدایای فراوان به او داد از آن جمله هزارهزار بار درهم درصدصرّه بود واو را با طوق‌وعلم روانهٔ ناتل‌کرد ودر خفیه دستور داد تا زهر درفقاع‌کنند وبدو دهند. بالاخره او را مسموم کردندو در سرپل لیشام که‌بررودخانهٔشیمرود (=شامی‌رو) است اورا مدفون ساختند.» [1]

باقی بناها و آثار تاریخی دشت نور

۱ـ آثار دیواروحمام خرابه در دهکدهٔ دلیرسرای از دهکده‌های ناتل‌رستاق.

۲ـ قلعه کل در دهکدهٔ سیدکلا [2] ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۳ـ مدرسهٔ آقا شیخ محمدتقی مجتهد کلاگردر دهکدهٔ سیدکلا ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۴ـ امامزاده‌ای در دهکدهٔ ولیسده ازدهکده‌های‌ناتل‌رستاق کنار جادهٔچمستان به‌آمل نزدیك به الشدرود .

۵ـ امامزاده‌ای در اسپی‌کلا [3] ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۶ـ قلعه‌کوتی در شهرکلا ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۷ـ قلعه‌کوتی در دهکدهٔ انارجار ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۱ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ درن ، صفحات ۲۹۵ و۲۹۶ .

۲ـ سیدکلا : ده از دهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان آمل، ۹ کیلومتری جنوب‌شرقی سولده .(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۳ـ اسپی‌کلا : ده از دهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان آمل ، دوازده کیلومتری جنوب شرقی سولده (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

۸ـ بناها و آثار تاریخی میان‌بند نور

امامزاده قاسم بن علی بن امام محمدباقر معروف به چارسی آقا دراراضی دهکدهٔ پیمد از دهکده‌های میان‌بند نور

بنایی‌است چهارگوشه، با ایوانی مقابل در ورودی که دارای شش‌ستون با سرستونهای ظریف است. سه‌طرف ایوان‌دارای شیرسر است ولبهٔ بام دارای دوشیرسر و یك پشته‌است. پلورهای سقف‌ایوان برچوبهای بالای‌شیرسرها متکی است. صندوقی تخته‌ای ساده، دروسط بنای اصلی، مرقدرا پوشانده است. در ورودی بناشرقی است. در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی‌است. درطرف قبلی وشمالی این‌گورهاسنگهایی یك‌پارچه به پهنای شصت سانتیمتر و درازای یك مترونیم و دربالاسر و پایین‌پا سنگهایی به درازای ۸۰ سانتیمتر و بلندی شصت سانتیمتر قرار داده‌اند. سنگهای بالاسر دارای سه برآمدگی است و معمولاً نام مدفون برسنگ بالای سرحك شده است. هیچیك‌از نامها براثر فرسودگی خوانده نشد. نظیر این سنگها در گورستان فیروزکلای کجور و گورستان دهکدهٔ گویتر بیرون‌بشم کلارستاق دیده شده است. اطراف گنبد شاه‌بالو در آهودشت را که‌کنده بودند همانند این سنگها پیدا شده بود. تاریخ این‌نوع‌سنگها تا جائیکه نگارنده اطلاع دارد مقدم برسنهٔ ۹۰۰ هجری قمری نیست.

درایـوان بقعهٔ چارسی آقا سنـگ سیاهی است که این عبارات بـر آن حك شده است :

« وفات مرحومه جنت‌آشیان کبریا خاتون بنت مرحمت‌پناه استاد علیخـان ملقب به سیف بتاریخ روز یکشنبه رمضان‌المبارك ۱۲۶۱ . »

برسنـگ قبردیـگری در همین گورستان عبارات زیر حك شده است :

برکنج سمت راست بالای سنـگ :

« عمل ابراهیم‌حیدر . »

برکنج سمت چپ بالای سنگ :

« ۱۳۱۳ . »

دروسط سنـگ :

« وفات . »

برکنج سمت راست پایین سنـگ :

« مشهدی یحیی . »

برکنج سمت چپ پایین سنـگ :

« ابن‌ملاامین . »

دزدچال[1] = دزدبن[2]

درچارسی انارکشی ورمال[3]

درزیـر دست دهـکدهٔ « وازك »[4] و بالادست دهـکدهٔ « سرگلن » طـرف راست رودخانه ، دردل‌کوه ، سه غار در سنـگ دیده می‌شود که جلو دهانهٔ دوغـارراچیده و

۱ـ بضم دال اول و کسر دال دوم . ۲ـ بضم دال اول و کسردال دوم وفتح باء .
۳ـ انار (بفتح الف) ، کشی (بفتح کاف) ، ورمال (بفتح واو) . ۴ـ بفتح زاء .

شکل هندسی بدآنها داده‌اند . این غارها نظیر کافر کلیهای[1] بالا لاریجان ساختهٔ دست انسان قبل‌از تاریخ است .

قلعهٔ دارگوش

دراراضی دهکدهٔ وازك از دهکده‌های میان بندنور

برسمت چپ رودخانهٔ وازك ، برقلهٔ کوهی منفرد کــه اطـراف آن شیب تند و پرتگاه است ، آثار قلعه‌ای قدیمی است . سفال شکسته‌های فراوانی درپای کوه و در شیبهای تندآن دیــده می‌شود . تنها راه رسیدن به بالای کــوه ، از اراضــی کشتزار دهکدهٔ وازك است. ظاهراً این قلعه ازسنگ ساخته شده بوده است زیرا نشانی‌ازآجر در بالای کوه و در اطراف آن دیده نشد . دربالای همین کوه ، گورستانی قدیمی‌که ظــاهراً قبور ساکنان قلعه بوده است تا امروز برجای است . گــورها دارای لبه‌هــای سنگی به بلندی ۵۰ سانتیمتر بوده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۰۱) . و نظیر گورهایی‌است که در چارسی‌آقا و فیروزکلای‌کجور و گویتر بیرون‌بشم‌کلارستاق دیده شده است . برجدار بیرونی‌تمام سنگها یك حاشیه‌مانـنـد نقش‌داراست و سنگ بالاسر دارای سه برآمدگی است. نوشته‌هایی باخط بد درشت براین سنگها حك بوده است ولی بمرور زمان از میان رفته است . تعداد این نوع گورها بالغ بر ده عدد است . نزدیك محل التقای وازك‌رود با آب گلندرود[2] ، برپای کوهی که قلعهٔ دارگوش برآن بوده است ، گورستانی دیگر است . دراین‌گورستان قدیمی نام مدفونین را برسنگهایی‌که سیلاب آورده است کنده‌اند . یعنی قسمتی از سنگ را صاف کرده و عباراتی بر ایـن قسمت هموار ، حك کرده‌اند . هیچیك ازاین نوشته‌ها براثر فرسودگی قابل خواندن نبود .

۱ــ بضم کاف دوم . ۲ــ بفتح گاف ولام و سکون نون و کسردال .

قلعه‌ای قدیمی
میان درویش‌کلا و لشکنار[۱] از دهکده‌های میان‌بند نور

برسر تپه‌ای منفرد و برآمده میان دو دهکدهٔ درویش‌کلا ولشکنار آثار قلعه‌ای قدیمی است .

امامزاده عبدالله
درسوردار[۲] میان‌بند نور

اطاقی است چهارگوشه به ابعاد ۴۹۰ × ۴۲۹ سانتیمتر . درمیان درازای بنا ، دوستون چوبین قطور چهارسو با سرستونهای پرکار قرار داده و سرکشی (حمالی) برآنها کشیده‌اند . بالای دیوارها ، شیرسرهایی نصب کرده و روی آنها را با تیرهای چهارسو بسته‌اند . پلورهای سقف بنا ، براین شیرسرها و سرکش بالای ستونها استوار است . بالای پلورها پردی‌کوبی (پل‌کوبی) با تخته‌های رنگین و نقاشی شده است . نقش‌ونگارهای مختلف براین تخته‌ها کشیده و آنها را تزیین کرده‌اند . درزپوشها نیز لبه‌زده و مزین و منقش‌اند .

صندوقی چوبین در وسط بنا ، مرقد را پوشانده است . درازای آن ۲۱۰ و پهنا و بلندیش نیز ۱۰۷ سانتیمتر است .

در ورودی دو لنگه است و کنده‌کاری دارد . بلندی هرلنگه ۱۶۰ و پهنایش ۴۵ سانتیمتر است .

ایوانی با چهارستون و سرستونهای پرکار جلو بنای اصلی است . سه طرف ایوان دارای شیرسر است و برسرکش بالای ستونها ، از دوطرف شیرسر دارد . بر

۱ــ بفتح لام و سکون شین و کسر کاف .
۲ــ سوردار نام محلی است از دهستان میان‌بند بخش نور شهرستان آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

سرکش و سرستونها ، ابیاتی ازهفت‌بند محتشم بامرکب نوشته‌اند. بردوطرف شیرسرها نیز نوشته‌هایی بوده است که بمرور زمان ازمیان رفته‌اند و فعلاً روشن و خوانا نیست . برتختهٔ بالای یکی‌از شیرسرهای ایوان این عبارت خوانده شد :

« یامحمد این عمل کربلائی مرتضی . »

امامزده صالح
بربالاترین نقطهٔ کوه‌سوردار میان‌بند نور

اطاقی است به ابعاد چهار مترونیم . صندوقی تخته‌ای ساده به درازای ۲۰۷ و پهنای ۱۰۷ وبلندی ۱۳۷ در وسط اطاق است . دوستون چوبین قطور دربالاسروپایین پای صندوق است. سرستونها وتراش‌بدنهٔ ستونها بسیارپرکاروظریف است (عکس‌شمارهٔ ۲۰۲) . دو پنجرهٔ نورگیر مشبك دردوضلع‌قبلی‌وشمالی است. وسط هرضلع طاقنمایی محراب مانند است . در بالای دیوارها با نصب شیرسرهای متعدد به زیبایی سقف افزوده‌اند . پلورها برشیرسرها استوار است . بالای پلورها ، پردی‌کوبی (پل‌کوبی) است.تمام تخته‌های پردی رنگین ونقش ونگاردار است.

در ورودی شرقی است ودرکفش‌کنی باز می‌شود . بلندی آن ۱۵۵ وپهنای هر لنگه ۴۲ سانتیمتر است .

برلنگهٔ‌های در ورودی ، این عبارات نقرشده است .

بر لنگهٔ سمت راست :

« ای درت‌کعبهٔ ارباب نجات
نماند بعصیان کسی درگرو
فرمایش جناب آقای نوری

بر لنگهٔ سمت چپ :

«قبلتی وجهك فی کل صلات
که دارد چنین سیدی پیش‌رو
در تمیشان این درها ساخته

علاء رئیس . . . . » شده بتاریخ ۱۰ شهرشوال
۱۳۲۰ عمل محمود نجّار .»

بردماغهٔ در ورق نقره‌را به‌شکل‌دل، چهارپرودایره درآورده وکوبیده بوده‌اند. بردایره‌ای که بربالای دماغه باقی مانده است، آیاتی از کلام‌الله مجیدنقر شده است. برچهارچوب در، چشمهای‌نقرهٔ نذری چندی کوبیده شده بود.

باقی بناها و آثار تاریخی میان‌بند نور

۱ـ چهل‌تن ، گورستانی نزدیك سوردار .

۲ـ سنگ قبری قدیمی در دهکدهٔ لزیر[1] جلوخانهٔ آقای محمد اسدی که از چشمه گیجه آورده‌اند . ظاهراً درچشمه‌گیجه‌گورستانی قدیمی بوده است. نگارنده نتوانست این سنگ را ببیند.

۳ـ گورستانی قدیمی در دهکدهٔ وازك پنج کیلومتری مشرق گلندرود نرسیده به افراچال. معروف است هفتادتن از امامزادگان دراینجا به خاك سپرده شده‌اند .

۱ـ بفتح لام .

۹ـ بناها و آثار تاریخی میانرودپایین نور

۱ـ سیداسکندر امامزاده‌ای سرراه سعادت‌آباد (نای = نی)[1] به ورازده.[2]

۲ـ قلاکتی که ظاهراً محل قلعه‌ای قدیمی بوده است. امروز نام دهکده‌ایست ازدهکده‌های میانرود سفلای نورنزدیك قاسم‌آباد و کنس‌پا[3].

۳ـ راه قدیمی آمل به نور ازکنار دهکدهٔ جلیکان از دهکده‌های میانرود‌سفلا می‌گذرد. این دهکده درسیزده‌کیلومتری غرب شهر آمل است.

۱ـ سعادت‌آباد: ده ازدهستان میانرودسفلی بخش‌نورشهرستان آمل، دوازده‌کیلومتری غرب آمل. آب ازرود انگنارود است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). ۲ـ ورازده بالا وپایین: ده از دهستان میانرود سفلی بخش نورشهرستان آمل، دوازده‌کیلومتری غرب آمل(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). ۳ـ بضم کاف وکسر نون.

۱۰ ـ بناها و آثار تاریخی لاویج نور

۱ـ قلعهٔ لاویج در جنگل پی نسا.

۲ـ امامزاده‌ای در دهکده لاویج .

۱۱- بناها و آثار تاریخی نائیج نور

جغرافیای نائیج نور

نائیج نام دهکده‌هایی است که کنار رودخانه‌ای به‌نام وازرود قرار گرفته‌اند. آب این رودخانه از پشت تیرهٔ تترستاق[۱]، از دهکده‌های تابستان‌نشین گزناسره[۲]، خوش‌واش[۳] و نوجمه[۴] و رودبارك سرچشمه می‌گیرد و از چمستان[۵] و ایزده (عزت‌ده) دو دهکدهٔ زمستان‌نشین گذشته به دریای خزر می‌ریزد.

از چمستان کنار آب که رو به‌بالا برویم از محلهای زیر می‌گذریم:

جوربند، تنگ‌سر[۶] وازتنگه، لسی پشت[۷]، پایین‌واز، بالاواز، گزناسره، خوش‌واش، نوجمه، پس از طی دامنهٔ کوه رو به غرب می‌توان به رودبارك رسید و از رودبارك پس‌از گذشتن از گردنهٔ لیلرد[۸] می‌توان به سرداو وهلوپشته رفت. دهکده‌های

۱- تترستاق (بفتح تاء اول وسکون تاء دوم وضم راء) نام سه دهکدهٔ رزن و کرسی و تیرساق است که کناررودخانهٔ نوربیلاقی قرار گرفته‌اند. ۲- بفتح گاف وسکون زاء و فتح سین و کسرراء. ۳- بکسر شین اول. ۴- بضم‌نون وجیم. ۵- بفتح چ وکسرمیم. ۶- بکسر گاف. ۷- بکسر لام و فتح یاء دوم و سکون شین.
۸- بکسرلام و سکون یاء وضم لام دوم.

تا پیلار وسغل[۱] و سنگ‌درکا[۲] وانگتارود[۳] نیزجزء نائیج به‌شمار است . آب انگتارود به‌الیشه‌رود[۴] (الشه‌رود) که سامان دشت‌نور وخاك آمل است می‌ریزد .

آقانورکیا سلطان

در دولت‌آباد اودم[۵] ازاراضی جوربند نائیج نور

بنایی است ازآجر وگچ ، از خارج مدور واز داخل هفت ترك است . یعنی دو ضلع شرقی‌آن رابه شکل یك ضلع درآورده ودر ورودی بقعه را درآن قرارداده‌اند. درازای ایـن ضلع ۲۵۰ و درازای اضلاع دیگر ۱۶۰ سانتیمتر است . در هر یك از اضلاع دیگر، طاقنمایی کوتاه باطاقی جناقی ساخته‌اند . بام بنا گنبدی مدور است و مرقد میان بنارا صندوقی‌تخته‌ای ساده پوشانده است.درحدود پنجاه‌سال‌قبل کفش‌کنی، جلو در ورودی ، متصل به‌بنای اصلی، اضافه کرده‌اند. محوطهٔ اطـراف بقعه جنگلی انبوه است ودرختان شهر(شمشاد جنگلی) فراوان دارد. گرداگرد تنهٔ‌یکی ازدرختان شهربه ۹۵ سانتیمتر می‌رسید. یك اصله درخت تیجی (امرود)کهنسال پربار ودرختان کراب وکهله نیز دراطراف بقعه دیده می‌شود .

دولت‌آباد ظاهراً آبادی قدیمی بوده‌که از میان رفته است، آثار بنا وساختمان در نقاط زیر دیده می‌شود :

دولت‌آباد اودم ، شهرکتی[۶]، خمند[۷]، پی‌دره .

دولت‌آباد اودم یعنی قسمتی از دولت‌آباد کـه کنار آب رودخانه می‌افتد . و

۱ـ بفتح سین وغین . ۲ـ بفتح‌دال. ۳ـ بفتح الف و سکون نون و کسر گاف . ۴ـ بفتح الـف . ۵ـ بضـم الـف و فتح‌دال . ۶ـ بضـم کـاف .
۷ـ بفتح خاء ومیم .

«شهرکتی» تپه‌ایست که ظاهراً محل دهکدهٔ قدیمی بوده است. خمند به معنی اراضی همند وهموار است.

امامزاده اسماعیل
در دهکدهٔ پایین‌واز نائیج نور

ساختمانی است مربع شکل‌که سرپوشیده‌ای متصل به‌آن است. این سرپوشیده دارای هفت ستون چوبین چهارسوی درشمال وپنج ستون درشرق است که تمام آنها سرستون ظریف دارند. کله‌ای[1] (اجاقی) دراین سرپوشیده است که به آتشدان بیشتر شباهت دارد. میان دو ستون ازستونهای شمالی بناکتیبهٔ چوبین برسرنال[2] (حمال) است که این عبارات برآن حك شده است:

«۱۳۲۲

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم   یـا اباعبدالله ـ فادخلوها بسلام‌آمنین   عمل استاد علی‌اصغر ولد ارجمند کربلائی علی‌مراد سرائی   التماس دعا.»

ساختمان اصلی بقعه متصل به‌این سرپوشیده است ودرمیان‌آن صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است. سراسربام بنا، یك چکش‌گـردان دارد. لبهٔ بام یك‌پشته و سراسر بام، لت‌پوش است.

۱ـ بفتح کاف وکسرلام.   ۲ـ بفتح سین.

قلاسر
میان دو آب وازرود[1] و جز[2]

برسر کوهی منفرد که ظاهراً آن را کنده واز رشتهٔ پشت بریده و قطع کرده‌اند، آثار قلعه‌ای قدیمی است . از بناهای قلعه چیزی برجای نیست . چاه آب آن نمودار است وقسمتی از سمج و فرارگاه آن باقی است .

قلعهٔ دارنا
بردست راست آب وازرود

بر بلندترین قلهٔ منفرد این ناحیه آثار قلعه‌ای قدیمی است . آثار دیوارهای آجری وچاه وآب‌انبار وگنگهای آب‌آن تا امروز برجای است .

علی‌بن‌شمس‌الدین مؤلف تاریخ خانی ازاین قلعه در دورانی که اختلاف میان ملك‌بیستون وملك کاووس ــ فرزندان ملك‌جهانگیرــ پیش‌آمده است مطالبی به شرح زیر نوشته :

«پس‌از وفات‌ملك‌جهانگیراستندار میان دوپسرش ملك‌کاووس وملك‌بیستون برسرملك پدراختلاف شد.ملك‌کاووس ازمیرزاعلی‌کیاکمك خواست. میرزا علی لشکرتنکابن‌را به سرداری کیامحمدکیا ولشکرگرجیان‌را به‌سرداری کاکوحسام و لشکر سختسر (رامسر) را به سرداری شیخ‌حسن بفرستاد تا به کجور روند وازآنجا ملك‌اشرف رابردارند وبااو به قلعهٔ‌نورنزد ملك‌کاووس بروند . درآنجا ملك‌شاه‌غازی را از لواسان بخواهند وبه اتفاق از بلدهٔ‌نور

۱ــ بکسر ذاء . ۲ــ بضم ج وسکون ذاء .

روانهٔ قلعهٔ دارنـا شوند . پس‌از رسیدن بـه قلعهٔ دارنا، ملـك‌کاووس خیال می‌کردکه مردم قلعه پس‌ازدیدن‌لشکریان سرازاطاعت ملك‌بیستون بپیچندو به او بگروند . اما چنین نشد . سه شب درآنجا مکث کردند بـالاخره کار به جنگ وجدال کشید. اختلاف میان‌سران لشکرکمکی ملك کاووس، ملك بیستون‌را جسورترکرد. سرانجام ملك کاووس را دستگیر کردند وکشتند. میرزاعلی‌که شکست لشکریان و کشته شدن ملك‌کاووس را شنید از جـای بشد از میرعبدالکریم وآقارستم ولشکرمازندران‌کمك خواست . اما چون زمستان بود ، کار به بهار افتاد .

هنگام‌بهار، میرزاعلی، میرعضدرا نزدسلطان‌هاشم‌وملوك‌رستمدارو ملك‌اشرف و ملك‌شاه‌غازی‌لواسانی‌فرستاد وازایشان‌کمك خواست. ازتنکابن، کیامحمدکیا بالشکریان وازمازندران میرعبدالکریم ومیرکمال‌الدین وآقارستم ولشکر هـزارجریب در محل واتاشان جمع شدنـد . ودر محل قدیمی کهنه‌دوك قلعه‌ای ازچوب بنا کردند تاپشت لشکریان بدان‌گرم باشد وبه حوالی قلعهٔ دارنا، رفتند. آقارستم فردای‌آن روز به‌عنوان‌گشت به‌پای قلعهٔ دارنارفت و هشت روزی درپای قلعه بماند وهرروز جنگ ازطرفین برپای بود وطرفین کشتهٔ بسیار دادنـد . در این وقت از مازندران خبررسیدکه بـدیع‌الزمان میرزا به مازندران‌آمده وقصد تسخیر آنجا را دارد. آقارستم پس‌از نوشتن نامه‌ای به میرزاعلی خودنیز روانهٔ مازندران شد و کار ملك‌بیستون برجای ماند .»[۱]

۱ـ تاریخ‌خانی، چاپ‌نگارنده، صفحات : ۹۱ـ۹۶ .

خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی
برسر کوه علمدار سمت راست وازرود

کوه‌علمدار دنبالهٔ یال قلاسراست. برسر قله‌ای منفرد ازاین‌یال، آثاروخرابه‌های قلعه‌ای قدیمی برجای است .

قلعهٔ شاه‌کوه
بر کوهی منفرد بردست چپ وازرود

از خرابه‌های این قلعه که‌بالای تنگهٔ رودبـارك قرار می‌گیـرد چندآب‌انبار باقی است .

قلعهٔ گلا[1]
در مرتع گلاپشت دهکدهٔ بالاواز

خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی دراین مرتع دیده می‌شود.

قلعه‌کونی
در مرتع‌کونی بردست راست‌آب وازرود

در این مرتع نیز آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است .

خرابهٔ دهکده‌ای قدیمی
در همند[2] بلی[3] طرف چپ آب وازرود

میان‌آب رودبارك و آب بلی، درهٔ کوچکی است. نزدیك این دره همندی‌است که درآن آثار خانه‌های قدیمی دیده می‌شود .

۱ــ بفتح گاف. ۲ــ بضم‌هاء وفتح میم، به‌معنی‌زمین‌صاف‌است. ۳ــ بفتح باء.

قلعهٔ فیروزکوه

پشت دهکدهٔ پایین‌واز برطرف چپ آب وازرود

آثار قلعه‌ای قدیمی که مصالح آن سنگ وآجر بوده است برجای است .

گنج کول[1]

بالای نیرهٔ دوم کوه پشت دهکدهٔ نوجمه[2]

گنج‌کول یعنی تپه‌ای‌که درآن گنج است. چون ازاین تپه که ظاهراً گورستان قدیمی است درکندوکاوها لوازمی به‌دست آورده‌اند به این نام معروف شده است .

قلعه‌ای قدیمی درگردن‌سر [3]

در مرتع دوله‌سرای رودبارك نائیج

در این مرتع آثار دیوارهای قلعه‌ای قدیمی برجای است . مصالح آن سنگ‌و گچ است .

صندوق نوجمه

در یکی از خانه‌های نوجمه صندوقی چوبین مورخ ۱۲۷۲ قمری دیده شد (عکس شمارهٔ ۲۰۳) .

۱ـ بکسر جیم .　　۳ـ بضم نون وجیم .　　۳ـ بکسر نون .

باقی بناها و آثار تاریخی دشت نور

۱ـ پلی سنگی در شمال دهکدهٔ علی‌آباد[1] نائیج نور .

۲ـ شاه ملاسلیمان در شمال دهکدهٔ علی‌آباد نائیج نور .

۳ـ امامزاده قاسم در دهکدهٔ امیارده[2] (انبارده) نائیج نور .

۴ـ آقاشاهپورسی (آقا شاه فارسی) در قله‌ای به نام شاپورسی درشمال دهکدهٔ گزناسرا[3] ازدهستان نائیج نور.

---

۱ ـ علی‌آباد : ده از دهستان نائیج بخش نور شهرستان آمل ، ۹ کیلومتری غرب آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۲ـ انبارده : ده از دهستان نائیج بخش نور شهرستان آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ـ گزناسرا : ده ازدهستان نائیج بخش‌نور شهرستان آمل، ۳۵ کیلومتری جنوب‌غربی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

بخش پنجم

لارقصران و بالا لاریجان

۱- جغرافیای تاریخی لارقصران

درهٔ لار ازسمت شمال‌غربی به ناحیهٔ کوهستانی نور واز طرف جنوب به‌افجه و لواسان و بومهن و از مغرب به کوههای امامه و گرمابدر و از طرف شمال به‌کوههای دلارستاق لاریجان محدود می‌شود. پهن‌ترین نقطهٔ این دره در میانرود است و در اینجاست که رودخانهٔ لار ازمیان کوه‌الرم وکوه پهنك می‌گذرد و در همین جاست‌که چمن سیاه‌پلاس با چمن‌لار به هم میرسند. پهنای درهٔ پهنك در حدود پنج تا شش کیلومتر است و تنگترین قسمت این دره شاید در «بستك» باشد که فاصلهٔ میان‌کوه شرقی و غربی بیش‌از سیصد متر نیست.

آب درهٔ لار ازکوه خرسنگ سرچشمه می‌گیرد و پس از پیمودن ده کیلومتر آبهای سفیدآب و ملك‌چشمه بد آن افزوده می‌شود و مسیر خود را به طرف جنوب می‌گرداند تا به میانرود برسد که آب کوههای کاسونه و جودی به‌آن می‌پیوندد. از

اینجا مسیر آن ازغرب به شرق است و آبهای چشمدها و درههای فرعی به‌آن می‌ریزد تا به پل پلور برسد و به آب هراز ملحق شود .

با بودن زمینهای مساعد و آب فراوان ، هیچگونه آبادانی در این پهنهٔ وسیع دیده نمی‌شود واراضی قابل‌کشت آن تمام مرتع و چراگاه است . شاید برف فراوان و سرمای شدید ، سبب شده است که این درهٔ پهناور فقط تابستان‌نشین باشد .

سید ظهیرالدین مرعشی خرابی لار را به دوران باستانی و داستانی ایران رسانده و می‌نویسدکه‌گرگین میلاد درری حکومت داشت زمستانها به درهٔ کرج‌رود و تابستانها به درهٔ لار می‌رفت . چون در زمان شاه کیخسرو با بیژن گیوان غدرکرده بود و او را در قید اسار انداخته و گیورا موطن و مقام ارقم بود وگودرز را اصفهان، گرگین درآن قرب جوارنتوانست بودن به‌گرگان رفت ، پس‌از آبادکردن گرگان در آنجا نیز نماند به لارپارس رفت ولار رستمدار از آن باز ویران گشت.[۱]

در سال ۱۰۷۴ قمری شاه عباس ثانی (۱۰۷۳ ـ ۱۰۵۲) از ساری از راه فیروزکوه به چمن‌لار رفت[۲] شاه قصد داشت از راه لواسان متوجه شهر تهران شود ولی نشیب و فراز راه را که دید از راه دماوند خود را به تهران رساند.[۳]

رابینو در سفرنامهٔ مازندران واستراباد ازمراتع‌لار بدین ترتیب نام برده‌است:

« چشمه‌شاه ، چهل‌چشمه، گیلردك ، امامزاده امام‌موسی ، یورت‌خان‌احمد، یورت خانلرخان ، خرسنگ ، لته‌بند ، سه دره ، کاروانسرای سرخك و کاروانسرای بستك وکاروانسرای سفیداب سرراه تهران به بلدهٔ نوراز طریق لشکرك . »[۴]

---

۱ ـ تاریخ طبرستان ورویان ومازندران، چاپ درن،ص ۳۰ . ۲ ـ عباسنامه، ص ۳۲۸ . ۳ـ عباسنامه، ص۳۳۰ . ۴ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد ، ص ۱۵۵ ن. ك. به متن انگلیسی ، ص۴۲ـ۴۰ .

محمدحسنخان صنع‌الدوله کـه در سفر ییلاق سنهٔ هزارودویست و نود وهشت هجری‌ئیلان‌ئیل ترکی‌درالتزام رکاب‌ناصرالدین‌شاه بوده، رساله‌ای‌به نام «جغرافی‌لار» نوشته که دارای مطالب مفیدی است . نسخه‌ای‌از این رساله درکتابخانهٔ ملی است.[۱] چنانکه ازمطالب ایـن رساله برمی‌آید درقرون اولیهٔ اسلامی در ناحیهٔ لار آبادانی بوده است .

۱ـ شمارهٔ ۶۳۹ کتب خطی کتابخانهٔ ملی ایران .

۲ـ بناها و آثار تاریخی لارقصران

قلعهٔ محمدعلی بیگ پیکان

میان مرتع گل گچ و بستک لار

بر بالای کوهی بر سمت راست آب، قلعهٔ بزرگی از سنگ و گچ است. قلعه قدیمی بـه نظر رسید. احتمال دارد چون در این اواخر به دست محمدعلی بیگ افتاده باشد به نام او معروف شده است .

کاروانسرای سفیداب

پایین کوه سفیداب و نزدیك چشمه‌ای به همین نام

درپای کوه سفیداب ، کاروانسرایی از سنگ وگچ است . طـاقهای مدوری از سنگ و گچ برآن زده‌اند .

قلعه نو

در بالای کوهی به همین نام نزدیك سفیداب لار

در سمت چپ رودخانهٔ لار ، در شمال کوهی به نام «قلعه نو» آثار قلعه خرابهٔ قدیمی از سنگ و گچ است .شاید قلعه‌ای که سید فخرالدین در سال ۷۸۴ در لار فتح

کرده این قلعه باشد . سیدظهیرالدین جریان فتح این قلعه را چنین نوشته است :

« چون خاطر ازقلعهٔ نور ورودبار نور آسوده گشت، به جانب لار توجه نمودند و در موضعی که اسپی‌او (سفیدآب) می‌خوانند نزول کردند. ودر لار قلعه‌ای بودحصین وکوتوال آنجا مقیم وذخیره موجود. چون به‌پای قلعه فرودآمدند، کوتوال قلعه جنگ را آماده گشت ودر مقام عناداهتمام نمود . دانستند که چون اول سنبله می‌شود، در آن مقام وحوش وطیور را به صحرا بودن ، به سبب شدت‌سرماممکن نیست . فرمودند که بالای قلعهٔ اولی ، قلعه‌ای دیگر بنیاد نهادند ، چنانکه سرکوب قلعهٔ اولی باشد وبه سعی تمـام در آن مهام اشتغال نمودند و آن قلعه را تاهوا خنك گشتن تمام ساختند و علوفه تعیین کردند وصدوپنجاه‌نفرمردکار را باسرداری‌دانا وشجاع درآن قلعه بازداشتند وچون نسق فرمودند ، اصحاب قلعهٔ اولی سرازخـانه بیرون نمی‌توانستند برآورد که اگر بیرون می‌آمدند، بـه زخم ناوك جاندوز مجروح و مقتول می‌ساختند. وآثار قلعهٔ کهنه در « قلعه‌نو » اکنون باقی است .... مردم قلعهٔ لار چون دیدندکه فایده نمی‌کند، امان خواستند وقلعهٔ لار را بسپردند وهر دو قلعه را فرمودند تا ویران ساختند . »[1]

قلعه‌ای قدیمی و کاروانسرایی سنگی در بستك لار

برسمت چپ آب لار و درفاصلهٔ کمی از آن ، درییلاق بستك، پوزهٔ کوهی است که از شرق به‌غرب کشیده شده ونزدیك کاروانسرای بستك به‌کنار دره منتهی می‌شود. در یکی‌دونقطهٔ دامنهٔ این کوه، آثار برج نگهبانی است وبربالای آن که قله‌ای منفرد

۱ـ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص۲۸۸ .

است ، آثار بناهایی از سنگ و گچ دیـده می‌شود . این قلعه را به نام «قلعهٔ بستک» می‌شناسند .

برکنار این پوزهٔ کوه کاروانسرایی از سنگ وگچ با طاقهای گنبدی است کـه برسرراه کاروانی نور است .

امامزاده پنج تن

در مغرب کوه فولادچشمه درکنار رودخانه

بنایی است ساده ازسنگ وگچ‌که هیچگونه آثارهنری درآن دیده نشد .

قبر ملک‌سلطان

پایین‌کوه خشک‌رود درچمن ملک‌سلطان

گوری منفرد به‌نام «قبر ملک‌سلطان» درچمنی پهناور به همین نام است .

کافر قلعه

در بالای کوهی به همین نام درجنوب کوه غرغره

قلعه خرابه‌ایست از سنگ وگچ . قدمت بنای آن شاید به دوران اسماعیلیان بـرسد .

امامزاده ابن امام موسی

در لار قصران

بنایی است از سنگ وگچ برسمت راست رودخانهٔ لار با بامی گهواره‌ای که با همین مصالح زده‌اند. کف بنا را کندوکاو کرده بودند .

عمارت خانلرخان سیل‌سپر [1]
در دامنهٔ شمالی کوه پهنك در چهل‌چشمهٔ لار

خانلرخان سیل‌سپر که در ورامین امـلاك دارد ، در چهل‌چشمهٔ لار طبرستان ییلاق می‌کند . بنای عمارتی کرد که از برف خراب شد. آثار آن باقی است .[2]

خوشی‌خانه = قوشخانه
در جنوب درهٔ لار میان درهٔ قوشخانه و الرم[3]

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در سال۱۲۹۸ ه.ق. که در رکاب ناصرالدین‌شاه به درّه لار رفته ، این شرح را دربارهٔ بنای خوشی‌خانه نوشته است :

« خرابهٔ معروف‌به خوشی‌خانه عبارت است از تپه‌ای خاکی‌که درّه قوشخانه در طـرف جنوب آن و خرابه‌های الرم‌در طرف شمال در محاذاة آن واقع است وتپهٔ مزبور در سمت جنوب رودخانهٔ لار ، در جلـگه دیـده می‌شود و ارتفاع آن به‌خط عمودی بیست‌وهشت ذرع است ومحیط آن هشتاد ذرع و در این سنوات‌کسی ملتفت نبود که این تپه طبیعی است یا مصنوعی ، یعنی آثار خرابهٔ عمارتی یا بنائی است .

درسفر ییلاق هذه‌السنهٔ ئیلان‌ئیل هزارودویست‌ونودوهشت‌هجری حسین‌خان محلاتی پیشخدمت که پدر او ابراهیم‌خـان پیشخدمت، علاقه در لـواسان دارد، به‌عرض حضوراقدس‌همایون رسانیدکه لواسانیهابعضی کاشیهای ممتاز از تپهٔ قوشخانه به‌لواسان آورده ودرحمام نصب کرده‌انـد . همچنین بعضی

۱ــ بکسر سین دوم وضم پ ،ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص۱۵۵.

۲ــ مرآت البلدان،ج ۴،ص ۳۰۳ . ۳ــ بفتح الف ولام وسکون راء ومیم .

آجرهـای خوب بزرگ . آقـا محمدعلی امین حضرت آبدارباشی مأمـور تحقیق وانکشاف این مسئله شده ، تپه را پیدا نمود ومعلوم شد که این تپه خاکی وطبیعی نیست، بلکه‌عمارت‌عالی‌دراین محل‌بوده‌که‌خراب‌شده ومصالح زیاد آن عمارت این تپه را تشکیل داده و بمرور دهورباد ، خـاك برروی خرابه‌ها ریخته و علف روئیده و هیأت تپهٔ طبیعی بهمرسانیده است . محض مزیداستبصار،حکم‌همایون‌شد بعضی جاهای تپه‌را حفر کنند وجناب امین‌ـ الملك ونگارنده مأمور شدیم که استقصائی در این باب بنمائیم . در اثنای حفر وکاوش‌تپه، بعضی کاشیهای بسیارممتاز خوب به‌هیأت وشکلهای مختلف پیدا شد که متن آنها سفید بود و وسط را بطرزهای مختلف نقاشی کرده‌و دور هرکاشی کتیبه‌ای بخطی کـه مابین خط نستعلیق ونسخ بـود ، اشعار نوشته . ابتدا چنین به‌نظر آمد کـه این بنا مقبرهٔ شخصی بزرگ یـا بقعهٔ امامزاده‌ای بوده . بعد دوسه فـردناقص از اشعار کتیبه پیداشد وخواندیـم معلوم شد که بقعه ومقبره نبوده ، زیرا که اشعار مناسبتی با این قسم اماکن نداشت واز جمله اشعار مزبوره یکی این است .

بکام تو بادا همه کارتو خداوند بادا نگهدار تـو

خلاصه معمارمخصوصی از شهراحضار شدکه‌به‌قاعدهٔ معماری وبنائی،اطراف تپه را خالی‌کنند تا چه معلوم گردد. بعداز آنکه یك‌ماه تقریباً در این‌محل کارکردند ودوثلث ازتپه را ازخاك وآجرپاره‌های خراب‌شده پاك ومستخلص ساختند، معلوم و محقق شدکه این عمارت تفرجگاه ومحل نزهت و تفریح بوده وملکهای رویان ورستمدارآن را به‌جهت ییلاق‌خود بناکرده بوده‌اند. وضع این عمارت آنچه خود نگارنده رفته و به رأی‌العین وتحقیق دیـد ،

دومرتبه بوده، پایین مشتمل برچهار صفه وچهار راهرو، درچهار ضلع ویك گنبد بزرگی در وسط . عرض صفه‌های پایین سه ذرع و طول دو صفه چهار ذرع وطول دوصفهٔ دیگر هشت ذرع وچهار درگاه‌که به‌دالانهای کوچك‌باز می‌شده، مدخل ومخرج این حوضخانه بوده که هردالانی اطاقی سه‌ذرع در سه ذرع به نظر می‌آید و از سمت مشرق پلـه می‌خورد و به مرتبهٔ فوقانی می‌رفته است.

مرتبهٔ فوقانی عمارت مثمنی بوده و دور مرتبهٔ فوقانی ، از آثارآجری کـه هنوزمفروش است وهرّه‌ای‌که دورفرش‌آجری باقی می‌باشد، معلوم می‌گردد که ایوانی بوده است و فوقانی منحصر به یك اطاق ، شاید دریکی از سالها برف زیادی آمده باشد یا زلزلهٔ شدیدی شده ، سقف مرتبهٔ فوقانی را کـه طاق بوده، خراب کرده، روی سقف حوضخانه ریخته، آن هم خراب شده‌و کم‌کم بواسطهٔ عدم توجه ومراقبت رو به‌انهدام نهاده است .

در وسط حوضخانه، حوضی مربع مستطیل به‌نظرمی‌آید .

این عمارت‌بسیار عالی واطراف‌آن یقیناً باغ بزرگی بوده، زیراکه دراصل وسط جلگهٔ لار واقع شده است . شخصی که این عمارت را بنا کرده چون در آن اوقات اسلحهٔ‌آتشی ازقبیل توپ وتفنگ دراین حدود معمول‌نبوده و فقط سلاحی‌که برای جنگ ازدور به‌کار می‌بردند، تیروکمان وفلاخن‌بود، دربنای عمارت ملاحظه شده‌که ازاسلحهٔ دورانداز معمولهٔ‌آن وقت محفوظ باشد و پیداست که مثل فلاخن و تیروکمان بهیچوجه از مسافت بعیده‌کـه کوههای اطراف لار باشد ، به این عمارت نمی‌توانسته است رسید. خلاصه از درهٔ قوشخانه ، آب به اطراف این عمارت وجلگه می‌آورده‌اند چنانکه

آثار نهر قدیمی آن در بعضی جاهاکه به دقت ملاحظه نمایند بخوبی نمایان و پیداست .

در سمت جنوب تپهٔ مزبوره به فاصلهٔ بیست ذرع، یك تپهٔ کوچکی که بعضی آجر شکسته و مصالح کهنه دارد ، به نظر می‌آید و احتمال کلی می‌رود که آن تپهٔ کوچك عمارتی بوده از متعلقات این قصر. نیز به‌فاصلهٔ صد ذرع به طرف جنوب شرقی ، به همین فاصله طرف جنوب غربی ، زمین پست و بلند مصالح کهنه و پاره‌های آجر زیاد ریخته است وظن غالب این‌است که عمارت اندرونی یا بیوتات عملهٔ خاصهٔ بانی قصر خوشی‌خانه بوده است .

این قصر از حیثیت مکان در بهترین نقاط لار واقع شده است . کاشی‌هائی که ازحیثیت وضع و لون خیلی مختلف می‌باشد و نقشهای بسیار عجیب وغریب بسیار ممتاز و گچ‌بریهای بسیار خوب‌که در گچ‌بری به خط کوفی عبارات و خطوط درآورده بودند ، دیده شد. در یك قطعهٔ کاشی آبی رنگ فیروزه ، به خط ثلث برجسته، لفظ «ملکی» خوانده می‌شود. اما بقیهٔ کاشی شکسته و مفقود بود ، تاریخ مختصری‌که مشکوك است که آیا تاریخ است یا نقش و بته ، در این کاشیها مشهود می‌شد و چون کاشی شکسته بود ، تحقیق آن صورت تعذر داشت . به رقم هندسی یك هشت‌که نوك مثلث آن پریده و دو رقم دیگر که بالای آنها هم پریده‌که هشتصدوپانزده یا هشتصدو بیست‌ودو یا هشتصدوچهل‌وچهار یاچهل‌و نه باشد،ازاین‌قبیل به‌نظرمی‌آمد ودرصورتی‌که نقش و گل و بته نباشد ارقام اعداد باشد، درهشتصد آن حرفی‌نیست ودورقم دیگر مشکوك است . اقوی دلیل براینکه خوشی‌خانه، قصر معتبر ومحل ییلاقی شخصی بزرگ بوده این است‌که درهرقطعه کاشی‌که زیاده از اندازهٔ کف دستی نیست ، یکی دو نخود طلای بسیار ممتاز آبی به طور تذهیب به

این کاشی چسبیده که حالا به اشارهٔ دست به خوبی آن‌ورق طـلا، از روی کاشی برداشته می‌شود و این‌اوراق طلادرگل و بته‌های‌کاشی درجائی استعمال شده که آن گل و بته را برجسته واز روی کاشی سوا کرده بوده‌اند و ایـن طلاها را روی‌خطوط وگل‌وبته‌های برجسته چسبانیده‌اند. امتیاز کاشی‌کاری این‌محل هرچه نوشته شود کم‌است. علی‌الخصوص درتعریف یك‌قسم‌کاشی که درقدیم معمول‌بوده‌بایك فلزی‌ویك‌قسم‌میناکاری‌پخته‌درکاشی می‌کرده‌اند . که در آفتاب و روشنائـی رنگ پرطاووسی‌داشته است . ایـن صنعت حالا درایران متروك‌است وفرنگیها هم هرچه خواسته‌اندبفهمند درك‌نکرده‌اند. شخصی‌که پنجاه سال قبل باکمال دقت نقشهٔ‌کاررا برداشته، درّه قوشخانه‌را درّه خوشخانه نوشته و بایـد این لفظ صحیح باشد چرا که آب این دره به این قصر می‌آمده و دره منسوب به این قصر است ، چنانکه در محاذاة قصر واقع شده و احتمال بلکه یقین است که اسم عمارت مزبوره «خوشی‌خانه» بوده و در تلفظ «خوشخانه» گفته‌اند و کم‌کم به « قوشخانه » مشتبه گردیده والادراین‌محل‌موقع قوشخانه‌نیست. علاوه‌براینکه درطبرستان ومازندران‌و این نواحی لغت ترکی کمتر استعمال می‌شده وقوش لغت ترکی است .

آجرهای عمارت خرابهٔ خوشی‌خانه‌به اندازهٔ بیست‌وپنج‌سانتیمتر دربیست‌و پنج‌سانتیمتر است وقطر آن پنج سانتیمتر می‌باشد .»[۱]

۱ــ جغرافی لار ، شمارهٔ ۶۳۹، نسخ خطی کتابخانهٔ ملی تهران .

تپهٔ نقاره‌خانه
برسمت چپ‌آب رودخانهٔ لار

روبروی‌خرابه‌های‌قصرخوشی‌خانه تپه‌ایست‌که معروف به‌نقاره‌خانه است،ظاهراً این تپه نیز آثار بنا وساختمان است .

نمد جوق

نمدجوق نهری‌است قدیمی‌که سربندآن در رودخانهٔ دلی‌چای است ودر حدود ده کیلومتر ازمحل‌التقای‌رودخانهٔ دلی‌چای بارودخانهٔ لارفاصله دارد. می‌گویند برای اینکه آب در مسیر این جوی فرونرود وهرز نشود ، کف وبدنهٔ جوی را با نمد فرش کرده بوده‌اند. این نهر بسیار قدیمی است ، زیرا در حدود هفت‌کیلومتر که از مصب آن دور شدیم برطرف دست راست به‌بندی برمی‌خوریم‌که کتیبه‌ای به درازای ۱۱۰و پهنای ۸۰ سانتیمتر برسینهٔ سنگی که مسلط برنهر است کنده‌اند. متن کتیبه از میان رفته وظاهراً به‌عمد آن را محوکرده‌اند . در سطر دوم کلمهٔ «سلطان» ودر سطر آخر کلمات «من‌شهور»کم وبیش‌خوانده می‌شود (عکس شمارهٔ ۲۰۴). برگوشهٔ سمت‌راست پایین ، خارج از متن کتیبه «کتبه محمود رستمداری» روشن و واضح‌است. بی‌عیب و سالم ماندن نام کاتب ، نشان می‌دهد که متن را باید به عللی از میان برده باشند .

در حدود دوکیلومتر ازاین بندبه طرف سربند نهرکه پیش‌رفتیم به‌بند دیگری ازکوه‌می‌رسیم‌که برای‌نهر نمدجوق، مسیری در دل‌سنگ‌کنده‌اند (عکس‌شمارهٔ۲۰۵). این مسیر به درازای ده متر وپهنای ۸۰ وبلندی ۹۰ سانتیمتر است . برسنگهای طرف دست راست این بند علائم و خطوط کوفی قدیمی دیده شد . یکی از کتیبه‌ها به ابعاد

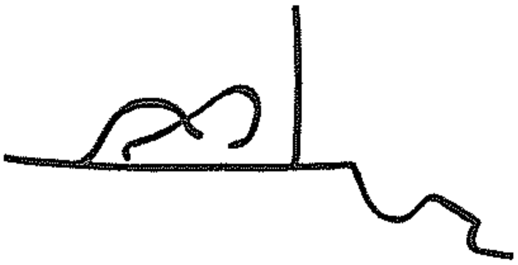

۵۰ × ۷۰ سانتیمتر بود (عکس شمارهٔ ۲۰۶) .

نشان زیر درکتیبه‌ها تکرار می‌شد (عکس شمارهٔ ۲۰۷) وکلمات «حسن»،«علی» و « محمد » در میان متن کتیبه‌ها خوانده شد (عکس شمارهٔ ۲۰۸) .

این نوشته‌ها نظیر سنگ نوشته‌های آزوی‌نوا بود وظاهراً یادگاری گروهی است‌که نشانی مخصوص داشته‌اند .

تا سربند که‌آب‌نهر نمدجوق ازتند آبهای دلی‌چای جدا می‌شود پیش رفتیم و نشانی از کتیبه‌های دختر زردشتی و عباسقلی‌خان لاریجانی امیرمکرم نیافتیم .[1]

در میان ساکنان پلور واسك معروف است که نهر نمدجوق را دختری زردشتی ساخته وکتیبه‌ای درسر بندنوشته است‌که‌این‌کارعظیم وشگرفی بودکه زنی انجام داد و پس‌از این مردی که قدرت تعمیر کردن این نهر راهم داشته باشد پیدا نخواهد شد .

عباسقلی‌خان لاریجانی امیرمکرم‌که از مطالب چنین کتیبه‌ای باخبر می‌شود، کمر به تعمیرو مرمت این نهر می‌بندد وآب را به اراضی‌مزروعی نیك[2] و سنگ‌چین می‌رساند و برکتیبه‌ای میان نیك و داربند می‌نویسد :

« دخترآتش پرست بادپیمارا بگو خاك برسرکن که‌آب رفته‌باز آمدبه‌جو

عباسقلی لاریجانی .»

نهر نمدجوق برسمت چپ رودخانهٔ دلی‌چای است ودر حدود سه کیلومتری محل‌التقای‌آن بارودخانهٔ لار به دوشعبه تقسیم می‌شده‌است، شعبه‌ای به‌اراضی نیك و

۱ـ راهنمای ماآقای قدمعلی پدیدار بود . ۲ـ بکسر نون وفتح یاء .

شعبهٔ دیگر به اراضی سنگ‌چین می‌آمده است . دراراضی سنگ‌چین فعلاً بناهایی برای سدسازی ساخته‌اند .

رودخانهٔدلی‌چای ازجنوب‌شرقی دماوندکوه ازچشمهٔ«کلوم» سرچشمه می‌گیرد. سربند نمدجوق به‌نام «سربند تاریخ» مشهور است. ازاین سربند ، نهر دیگر برسمت راست دلی‌چای کنده‌اند که آب آن برای اراضی مزروعی « نمك‌کوسر » و « دنبك » می‌رفته است .

دهکده‌ای قدیمی
در اراضی سنگ‌چین و نمك‌کوسر لار

در دوکیلومتری مصب دلی‌چای ، بردوطرف این رود ، آثار دهکده‌ای قدیمی است . اراضی کشت سنگ‌چین و نمك‌کوسر متعلق به این آبادی بوده است . سنگ فراوانی در پهنه‌ای به ابعاد پانصد درسیصد متردر دوطرف دلی‌چای،محل این آبادی بوده است (عکس شمارهٔ ۲۰۹) و سفال فراوان بی‌لعاب در اطـراف این سنگهاست . سه‌چهار پاره سفال لعاب‌دار به رنگ آبی آسمانی و نیلی دیده شد. دو پاره از سفالها در دوطرف لعاب داشتند .

آبادی وگورستانی قدیمی
در یوردالرم [1]

در یوردالرم، بالای‌قهوه‌خانهٔگزل دره[2]، درکنار آب رودخانهٔ لارآثار سنگ‌چین زیادی است که خانه‌های دهکده‌ای قدیمی بوده است در نزدیـکی این سنگ‌چینها، گورستانی قدیمی است . هیچگونه نوشته‌ای در این گورستان دیده نشد .

۱ــ بفتح الف ولام وسکون راءومیم .

۲ــ گزل بضم‌گاف وفتح زاء و سکون‌لام کلمه‌ای ترکی وبه‌معنی زیبا وقشنگ است .

آثار تاریخی
در دهنهٔ درهٔ لار از مضافات بالا لاریجان

در دهنهٔ این دره آثار قدیمی پیدا می‌شود . بعضی جاهای آن را پنج‌سال قبل حفر کردند شمعدان چدنی کار قدیم وبعضی اسباب دیگر بیرون آمد.[۱]

۱ــ مرآت‌البلدان، ج ۴، ص ۳۰۳ ، پنج سال قبل ظاهراً سال ۱۲۹۱ هـ . ق. است .

۲ـ جغرافیای تاریخی لاریجان

کلمهٔ لاریجان که دربیشتر کتب تاریخی مازندران « لارجـان » (بکسر راء) ضبط شده است ، ظاهراً از دوجزء «لارج» + «ان» ترکیب شده است . کلمهٔ «لارج» شکل دیگری‌است ازکلمهٔ «لاریگ»که درفارسی دری«لاری» می‌گوئیم.ظاهراً پس‌از خراب شدن دهکده‌های لارقصران، مردم‌آن، به‌نواحی گرمتر که کنار رودخانهٔ هراز باشد ، آمده‌اند .

در دوران قاجاری وشاید پیشترازآن ، لاریجان به چهار بلوك تقسیم مـی‌شده است :

بلوك علیایا بالا لاریجان‌که اسك[1] مرکز آن بود ودهکده‌های زیر جزء آن به شمار می‌آمد :

رینه، ایرا، نیاك، کنارکام[2]، نوا، زیار، لاسم، مون،انهه ،کندلی[3]، گیلاس‌کیا، گرنا، لزورك (لزیرك) ، گرماب‌سر، ملارد ، اهرینه ،گزانه ، گزنك، مزرعهٔ پلور[4].

۱ــ درجلد ۲ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۲۶، صفحات ۲۸الف و۲۸ب ، اطلاعاتی دربارهٔ اسك دارد. ۲ــ ضبط‌اعتمادالسلطنه‌است. امروزکنارانکام یاکنارانجام گویند . ۳ــ اهالی «کندلو» گـویند . ۴ــ ظاهراً پلـور در ایـن وقت آبادی نداشته است .

بلوك سفلی یا پایین لاریجان شامل بخشهای: امیری، بهرستاق ودلارستاق است. در دوران قارجای مجموعاً هفتادوپنج قریه جزء لاریجان بوده است.

درّه لار که از قدیم بـه‌نام «لارقصران» یـا «لاررستمدار» شناخته شده است، هیچگاه ناحیه‌ای جداگانه نبوده و بیشتر اوقات سلاطین استندار کـه در رویان یـا رستمدارسلطنت‌داشته‌اند بردرّه‌لارو قصران داخل(بخش‌لواسان‌امروز) مسلط بوده‌اندو از آنجا کـه آبریزآن به‌طرف مازندران و درّه هرازاست، مـااین ناحیه رانیز جزء لاریجان به‌حساب آوردیم وآثار تاریخی آن را جزء بلوك لاریجان ذکر کردیم.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه روزیکشنبه اول شهر رجب‌المرجب سال۱۲۹۶ ه.ق. ازشمیران‌به سمت‌ییلاق‌لار، دررکاب ناصرالدین‌شاه حرکت‌کرده وروز چهارشنبهٔ چهارم در مرغ‌سر وروز پنجشنبهٔ پنجم وجمعهٔ ششم وشنبهٔ هفتم ویك‌شنبهٔ هشتم رجب در سیاه‌پلاس‌لار اتراق‌کرده‌اند. روز دوشنبهٔ نهم به‌پلور وسه‌شنبهٔ دهم به اسك پایتخت لاریجان رسیده‌انـد. چهارشنبهٔ یازدهم وپنجشنبهٔ دوازدهم وجمعهٔ سیزدهم در اسك اتراق کرده‌اند. شنبهٔ چهاردهم به‌رینه رفته وازرینه به‌پلور بازگشته‌اند. روزیکشنبهٔ پانزدهم درپلور اتراق‌کرده‌اند. روز دوشنبهٔ شانزدهم از پلور به‌لاسم و تنگهٔ انگمار حرکت کرده ودر انگمار توقف‌کرده‌اند. ارتفاع انگمار از زمین شمیران ۱۴۵۰ پا است. از اینجا ظاهراً به فیروزکوه رفته‌اند و این قسمت از مسافرتشان به‌کار مطالعهٔ ما ارتباطی ندارد.

اعتمادالسلطنه ازیکی دودهکدهٔ دیگربلوك‌بالا لاریجان دیدن‌کرده واطلاعات مفیدی برای ما به‌یادگار گذاشته است‌که مادر ذیل هریك از دهکده‌ها به بررسیهای او اشاره خواهیم کرد.

برای گردآوری بناها و آثار تاریخی بالا لاریجان و پایین‌لاریجان ودشت لار ماااز کتل امامزاده هاشم شروع کردیم و در امتداد رودخانه ، تاسامان نمارستاق نـور پیش رفتیم ودرّه‌های فرعی چپ‌و راست آب هراز را از زیر نظرگذراندیم .

۴- بناها و آثار تاریخی بالا لاریجان

بژموشا = کتل امامزاده هاشم

کتل امامزاده هاشم از سایر گردنه‌های رشتهٔ البرز پست‌تراست و به علت همین پست بودن اغلب بادگیر است . در فصل زمستان بورانهای شدیـدی دارد و در دوران چارواداری، سالی نبودکه این‌کتل هفت‌هشت قربانی نگیرد. بسیاری از چارواداران‌و مسافران دربورانهای شدید این‌کتل از میان رفته‌اند . قهوه‌چی مسن قهوه‌خانهٔ کتل ، خاطرات زیادی از مرگ‌و میرچارواداران ومسافران‌به خاطرداشت وبرای آیندگان‌و رونـدگان نقـل می‌کـرد . از اینرو مردمان خیراندیش ، بـرای سلامت گذریان ، کاروانسراهایی بر سراین راه ساخته‌اند .

رودهن دهکدهٔ بزرگی‌است وکاروانسراهای متعدد داشت وبارانداز مسافران و چارواداران بود . از رودهن کـه به راه می‌افتادند به‌کاروانسرایی در اراضی اوزینه (پیست آبعلی امروز) می‌رسیدند. از اینجا راه به سر بالایی می‌افتاد تـا بـالای کتل امامزاده هاشم که به‌کاروانسرای دیگری می‌رسید .

کاروانسراهای دامنهٔ جنوبی وشمالی کتل ، نزدیك به‌یکدیگر است و فاصلهٔ میان آنها ازیکی دو فرسنگ تجاوز نمی‌کند . فواصل میان یکی دو کاروانسرا مثل

کاروانسرای دشت موشاوسرکتل وکاروانسرای سرکتل وگمبوج نیزازاین مقدار کمتر است. این کوتاهی فاصله بیشتر از این نظربوده استکه کسانی که دربورانهای شدید گیر افتاده‌اند ، بتوانند زودتر به پناهگاهی برسند .

هنگامی‌که سیدظهیرالدین مرعشی در رجب ۸۶۰ هـ. ق. ملك‌کاووس را دنبال می‌کرد ، ازبژم‌موشا گذشته ، اما هیچگونه یادی از امامزاده یا کاروانسرای سرکتل نکرده است.مسلماً امامزاده وکاروانسرای بالای‌کتل پس‌از این تاریخ ساخته‌شده‌اند. او می‌نویسد :

«چون‌شب‌درآمد وهوابغایت خنك بود واواسط قوس‌شده بود وآنجاقلده‌های رفیعه است مثل بژم‌موشا که خنکی آن موضع مشهور است . از آن باغ لوندرسوار شده، به‌قریهٔ پلور به‌خانقاهی [۱] که آنجاست زمانی مکث رفت ، چندانکه دست‌و پای مردم که خنك شده بوده ونزدیك بودکه از کاربیفتد، در خانقاه به آتش‌گرم‌کردند واز آنجا روان گشته از راه بژم‌موشا دوانیده آمد. چون‌صبح برآمدازآن موضع‌مخوف پر برف بعون‌الله به‌سلامت گذشته شد وبرملك کاووس دوانیده آمد .» [۲]

امامزاده هاشم وکاروانسرای آن
دربالای کتل امامزاده هاشم

در بالای کتل امامزاده هاشم‌که بلندی آن از سطح دریا ۲۶۴۰ متر است ، در

۱ــ به مفهومی‌که امروز ما به‌کار می‌بریم نیست. این لغت درست به معنی باداندار و کاروانسراست . خانقاهی که بتواند « سیصد نفر از گیل ودیلم‌وگرجی وتنکابنی» همراهان سیدظهیرالدین‌را جای بدهد باید جای بزرگی بوده باشد. از این بنا امروز اثـری نیست.

۲ــ تاریخ گیلان‌و دیلمستان، ص۲۸۴ .

زمان شاه‌عباس امامزاده (عکس شمارهٔ ۲۱۰) و کاروانسرایی ساخته شده است. ضلع شرقی این کاروانسرا ۱۵ متروضلع شمالی آن ۱۵/۵ متراست. ازاینجا دیوار بنا مضرس و دندانه‌داراست وپس‌وپیش رفته است. اندازه‌های آن به‌ترتیب ازاین قرارند: قسمتی از ضلع غربی ۵/۵ متر، دوباره همین‌ضلع روی به‌شمال به‌درازای ۶/۵ مترساخته شده‌باز امتداد ضلع رو به‌غرب بـه دازای ۳/۷۵ متر است و باز امتداد ضلع درجهت شمالی ۱۱/۵ متر. امتداد رو به غرب ۶متر وامتداد رو به‌جنوب ۶/۲۵ وامتدادرو به غرب ۷/۱۵ و قسمتی ازضلع جنوبی ۱۸ متر وقسمت دیگر آن ۱۰ متر تمام است.

به دستور علیاحضرت شهبانو ادارهٔ کل باستان‌شناسی نمای سنگی تازه را روی پایه‌های شاه‌عباسی گذاشتند ومـرمت کردند (عکس شمارهٔ ۲۱۱). در امتداد جنوب امامزاده قهوه‌خانه ومحل باربود که فعلاً شبستانی به جای آنها ساخته‌اند. قسمت‌شمالی شبستان باقیماندهٔ آثار شاه‌عباسی است.

کاروانسرای شاه‌عباسی درمشرق بنای امـامزاده است کـه فعلاً تبدیل به انبار شده است.

راه‌شاه‌عباسی
از سر کتل امامزاده هاشم تاآبگرم بالا لاریجان

این راه که امروز به راه شاه‌عباسی‌معروف است، ظاهراً خیلی پیشتراز زمـان شاه‌عباس، ساخته و پـرداخته بـوده و آمـد و رفتی داشته است. شاه‌عباس همچـون ناصرالدین‌شاه، آن را تعمیر ومرمتی‌کرده است. راه قدیم از نقاط زیر می‌گذرد:

کاروانسرای‌کتل امامزاده هاشم، گمبوج[1] پیرعلی، گمبوج نعل‌شکن، پلـور، سگ‌چال، نرزن[2]، پایین محل‌پادگان فعلی، پایین‌امامزاده محمدطاهر، پشت دهکدهٔ

۱ـ بفتح گاف و سکون میم. ۲ـ بفتح نون وسکون راء وکسرزاء.

رینه یعنی بالاسر آبادی ، درّهٔ استاد قربان، چالك، از وسط دهکدهٔ گرنا[1] زیر جادهٔ ماشین روکنونی عبور می‌کند،له‌برده[2] ، ورس‌دار قدیم[3] بالای لزیرك[4] ، دریجه‌گلی[5] ، غول‌سنگ[6](غول درگیلکی به‌معنی کرواصم‌است)، گل‌گیرون[7](کشتارگاه فعلی آبگرم)، ملك‌چشمه، حمام شاه‌عباسی،آبگرم امیرآباد ، پشت دهکدهٔ گزونه[8](گزانه) از اینجا راه به‌کنار آب هراز می‌رسیده است .

راه تهران به‌آمل که به‌دستور ناصرالدین‌شاه ساخته شده است

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در سال۱۲۹۲ قمری دربارهٔ این راه می‌نویسد:

« به جائی رسیدیم که طاق‌نصرتی زده بودند وموزیکان می‌زدند . معلوم شد که ابتدای راهی است‌که شصت هزارتومان دیوان خرج‌کرده وساخته است. امروزکه شاه تشریف می‌آورند ، تشریفات این راه است. ازآنجاکه طاق‌ـ نصرت بود الی دوفرسخ‌راه بدبود. . .از راه‌سؤال شد. عرض کردم تا اینجا که خوب نیست تا بعدچه شود.[9] سابق‌که این راه‌جدید را شاه نساخته بود، عبور قافله وغیره‌دراین راه زیادبود. ازعراق خشکه‌بار به‌آمل می‌آوردندو ازآمل برنج به‌عراق می‌بردند. . . راه سابق بقدری تنگ بودکه قاطر و پیاده نمی‌توانست عبورکند . اما حالا طوری ساخته شده که‌کالسکه و عرابه بخوبی می‌تواند گذشت. لیکن‌به نظرمن این راه شصت‌هزار تومانی نیست. ممکن بود با شصت‌هزار تومان بهتراز این راه ساخته شود . این راه زیاده

۱ـ بفتح گاف‌وسکون‌راء . ۲ـ بفتح‌لام‌وسکون‌هاء وفتح‌باء . ۳ـ بفتح‌واو وسکون راء . در ده متری ورس‌دارقدیم سنگی‌است توخالی‌که معتقدند«کافر کس» (بکسرفاء وفتح کاف‌دوم)است‌وهر کس‌ازآنجامی گذردسنگی‌بدان‌پرتاب‌می کند. ۴ـ بفتح‌لام‌وراء.

۵ـ بفتح گاف . ۶ـ بکسرلام . ۷ـ بکسرگاف‌اول . ۸ـ بفتح گاف .

۹ـ روزنامهٔ‌خاطرات اعتمادالسلطنه ، ص۵۴ .

از ده سال عمر ندارد. افسوس که تمام پول دیوان خرج نشده که ابدالدهر باقی باشد. آنچه من تخمین مخارج این راه الی کاهرود که منزل امروزاست و ازقرار معلوم نصف راه ساخته شده است، هشت فرسخ ازقرار هر فرسخ شش هزار ذرع. در این چهل و هشت هزار ذرع تقریباً پنج هزار ذرع پل سازی شده باسنگ‌کنی ازقرار ذرعی دوهزار دینار یك هزار تومان. الباقی چهل و سه هزار ذرع ازقرار ذرعی یك قران. درصورتیکه ده یك به مباشر داده شده باشد تومانی یك عباسی به مستوفی وده شاهی به مباشر جزء چهل و سه هزار قران که عبارت ازچهارهزار و سیصد تومان می‌شود. بعلاوهٔ هزار تومان پل سازی وسنگ‌بری، پنج هزاروسیصد تومان تابحال خرج شده.»[1]

گمبوج[2]

ازکاروانسراهای بسیارقدیمی وعجیب کاروانسرایی است به‌نام «گمبوج» درشیب شمالی بژم‌موشا (گردنهٔ امامزاده‌هاشم) برسرراه هراز.

این کاروانسرا که بیشترقسمتهای آن سالم مانده است، امروز برسمت چپ آب، نزدیك پلی است که درآخر گردنه قرارمی‌گیرد. بنایی است که چهارطرف آن باره‌بند و در وسط که گنبدی بلند دارد، محل استراحت مسافران و چهارپاداران است (عکس شمارهٔ ۲۱۲). درازای ضلع شرقی ۲۲/۵ متر ودرازای ضلع شمالی تا جایی که قابل اندازه‌گیری است، ۱۶ متراست.[3] کمربند گنبدمیانی ازنیم‌متری طاق ۲۳/۵ متر است. ابعادفضای مربع داخلی که محل نشستن مسافران است ۶۸۰ سانتیمتراست. دری ورودی درضلع جنوبی این قسمت است که طاقی جناقی بردرگاه آن زده‌اند. بلندی این در از

۱ـ روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۵. ۲ـ بفتح گاف و سکون میم.
۳ـ مقداری ازدیوار داخل کوه است.

وسط جناق طاق ۲۰۰سانتیمتراست . دراضلاع غربی وشمالی وشرقی فضای مرکزی نیز سه مدخل باطاقهای هلالی است که بلندی آنها ازمیان هلال طاق یك متر وپهنای آنها ۱۲۰ سانتیمتر است . طاق گنبدی فضای مرکزی برگوشوارها ودیـوارهای چهارطرف متکی است . بلندی گوشوارها ازسطح اصلی بنا ۲۶۰سانتیمتر وبلندی طاق تاسطح بنا درحدود هشت متراست .

قطرچهار دیوار فضای مرکزی و قطر دیوارهای باره‌بندها یك متر تمام است . پهنای باره‌بنـد غربی ۲۳۰ سانتیمتر و درازای آن یازده متر تمام است . طاق باره‌بندها هلالی وبلندی آنها ازسطح بنا، ۲۲۰ سانتیمتر است .

در ورودی اصلی بنا، درجنوب ضلع شرقـی است وپهنای آن بـه ۲۳۰سانتیمتر می‌رسد . این درگاه به باره‌بند جنوبی راه دارد . طـرف راست پس‌از ورود از ایـن درگاه، درگاه‌کوچکتری‌به پهنای یك متراست وبلندی آن ازوسط طـاق جناقی دومتر تمام است . مصالح بنا سنگ رودخانه وگچ غربالی است .

راه قدیمی بالا لاریجان

ازگدوك امامزاده‌هاشم (بژم‌موشا) تا شهر آمل

این راه‌یکی ازراههای‌بسیارقدیمی ایران‌است ودر بندبریده راهسازی دوران پیش‌ازاسلام‌تاامروز برجای‌است وتا جائیکه می‌دانیم درزمان شاه‌عباس و ناصرالدین‌شاه نیزتعمیرومرمت شده است . این راه ازمحلها وآبادیهای زیر درمسیرخود می‌گذرد :

گدوك امامزاده‌هاشم ،گمبوج، سیّدك[1] پایین قلعه دختر، رباط‌پیرعلی، پلـور[2]،

۱ــ بکسرسین وتشدید وفتح یاء .   ۲ــ بضم پ ولام.

قاضی‌مزرا[۱]، لومر[۲]، رینه[۳]، مـون، گرمابدر، گـزنك[۴]، شنگلده[۵]، وانـه، شکل‌شاه (درتنگ‌بریده)، قلابن[۶]، بیجون[۷](بایجان)، آهیون، کیلو، کاهـرو(کهرود)، پنجو، سیاویشه، شاه‌زید، عمارت، کلرد[۸]، کرسنگ[۹]، سلهار[۱۰]، لاغرزمین، آمل .

میرزاحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« راهی‌که بسمت آمل می‌رود ازدامنهٔ جنوبی اسك‌است که‌به قـریـهٔ نیاك می‌رسند بعد بهمون که داخل راهی‌است که درعهد ناصرالدین‌شاه قـاجار ساخته شده . »[۱۱]

دهکدهٔ نیاك درتنگهٔ سمت راست است واز راه دور است وایـن راه هم درعهد ناصرالدین‌شاه تعمیرومرمت شده وساخته‌نشده است .

قلعه دختر

در پای بژم موشا (کتل امامزاده هاشم)، طرف شمالی، بربازویی شرقی غربی که دامنهٔ شرقی آن پرتگاهی‌است که‌منتهی به جادهٔ هراز می‌شود قلعه‌ای بسیارکهن‌و قدیمی به‌نام قلعه دختر است. دوناو با شیب بسیارتند طرف جنوب وشمال این بازوی کوه است که از این دوطرف هم به‌علت شیب‌تند این دو ناو دسترسی به قلعه تا امروز مشکل است . این بازو درست میان چشمه وپل پای کتل و نخستین بهمن‌گیر، قرار گرفته است وسراسر بناهای‌قلعه برسرآن ساخته شده است(عکس شمارهٔ ۲۱۳). بناهای قلعه بردوسطح سنگی است ، سطح سنگی غربی بالاتر وسطح سنگی شرقی پایین‌تـر

۱ـ بفتح میم وسکـون زاء . ۲ـ بفتـح میم. ۳ـ بکسر راء وسکون‌یاء . ۴ـ بفتح‌گاف وزاء ونون. ۵ـ بفتح‌شین وسکون‌نون وضم‌گاف. ۶ـ بفتح قاف و ضـم بـاء . ۷ـ بـکسر بـاء و سکـون یـاء . ۸ـ بفتـح کـاف و کسر لام . ۹ـ بفتح‌کساف وکسرراء . ۱۰ـ بکسرسین و سکون لام . ۱۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی،ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص ۲۹ ب .

می‌افتد . دیوار شمالی در سراشیبی غـربی شرقی بنا شده است، درازای آن ده متر و بلندی آن درحدود سه متر است برکنج شمال‌شرقی دیوار، انحنایی است که ظاهـراً باقی ماندهٔ برجی است.دیوار شرقی‌سطح بالا شیبش کمتر است وبلندی آن درحـدود سه متر است (عکس شمارهٔ ۲۱۴). آب‌انبار قلعه درسطح سنگی پایین‌تر است (عکس شمارهٔ ۲۱۵). یکی ازاضلاع مربع دهانهٔ‌آن سه‌متر وضلع مربع‌کف‌آن دومتر است. بلندی دیوار سنگی آن از لبهٔ طاق تاکف بـه سه مترمی‌رسد (عکس شمارهٔ ۲۱۶).

قطر دیوارهای قلعه به۱۲۰ سانتیمترمی‌رسد وقطرسمت بالای دیوارها ازپایین آن کمتر است .

پوزه‌ای که قلعه برآن بناشده است طرف چپ‌آب هراز است . درست در مقال این پوزه طرف راست‌آب نیزقله‌ای مفنرد است که پیش‌آمده ودرنتیجه درّه را تنگتر کرده است . بالای آن نیز آثار بنا از دور دیده شد .

قلعهٔ سنگ‌دِک[1]

در جنوب دهکدهٔ پلور

در جنوب دهکدهٔ پلور،طرف راست جادهٔ هراز واراضی سمت چپ رودخانه ، نزدیك پمپ‌بنزین، تپه‌ای منفرد وسرکشیده است.بربالای آن‌آجرپاره وبنیاد بنادیده می‌شود .

قلا= قلادوش

در غرب دهکدهٔ پلور

بر تیرهٔ کوهی‌که سمت چپ آب‌هراز و پشت دهکدهٔ پلور است ، آثار قلعه‌ای

۱ــ بکسر گاف و فتح دال .

قدیمی برجای است . ظاهراً در قدیم محل سکنای اهالی پلور، یا قلعهٔ دفاعی این منطقه بوده است . آثار ساختمان وپاره آجر درآن دیده می‌شود .

قلعهٔ تیرکوه
در شمال غربی دهکدهٔ پلور

دنبالهٔ تیرهٔقلادوش که رو به‌شمال می‌رود، به‌پلی که قدیم بر آب لار بسته‌بوده‌اند، می‌رسد . در اینجا نیز آثار بناهایی از آجر وگچ دیده می‌شود.

تپهٔ مروانك
درجنوب شرقی دهکدهٔ پلور

تپه‌ای بلند ومنفرد برسمت راست آب ، در جنوب‌شرقی دهکدهٔ پلور است . بازوی شرقی این تپه را ظاهراً برشی داده‌اند. بربالای آن‌آثار بنایی قدیمی است . میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه این تپه‌را به نامهای «مهروان» و«مروان» ضبط کرده و شرحی دربارهٔ مروان و عمرولیث نوشته است.[1]

آثار دهکده‌ای قدیمی به‌نام‌کاردی‌چال
متصل به تپهٔ مروانك پلور

درجنوب تپهٔ مروانك‌آثار دهکده‌ای قدیمی است . این دهکده به عللی رو به خرابی رفته واهالی آن به‌آمل رفته ودرآنجا ساکن شده‌اند. اینان‌که امروز «کاردل» خوانده می‌شوند، ادعاهایی نسبت به اراضی اینجا دارند.اعتمادالسلطنه شرحی راجع به‌این دهکده نوشته است .[2]

۱ــ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی،ج۲،شمارهٔ ۷۲۶،ص۳۳ب .   ۲ــ همان‌صفحهٔ کتاب سابق‌الذکر .

پلی شاه‌عباسی بر رودخانهٔ لار
نزدیك محل التقای رودخانهٔ لار با هراز

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« پل برروی رودخانهٔ لار، شاه‌عباسی است. راه عبور مردم از تهران به‌آمل ، از همین پلور است . درتمام راه دو کاروانسرای سنگی، یکی پایین‌گردنهٔ امامزاده‌هاشم ، یکی درحوالی پل ، ازبناهای شاه‌عباسی، برروی رودخانهٔ لار رود از قدیم الایام پلی بوده است ، الحال به حکم دولت تعمیر شده است . »[۱]

رباط شاه‌عباسی
در دهکدهٔ پلور

این رباط که‌اعتمادالسلطنه ازآن‌نام‌برده‌است، تاسال ۱۳۵۰شمسی برجای بود. سراسربنای آن درجاده‌سازی برای سدلار ازمیان رفت. مصالح بنای‌آن تماماً سنگ‌و ساروج بود . درآن‌که طاق هلالی‌داشت رو به مشرق بود (عکس شمارهٔ ۲۱۷) . ازدر که وارد می‌شدیم در مقابل ، تختی‌بود به ابعاد پنج‌شش متروبلندی هشتاد سانتیمترکه مسافران‌وچهارپاداران‌روی‌آن‌می‌آرمیدند.دروسط‌کاروانسرا سه‌ردیف‌فیلپاقرارداشت که‌دوازده طاق‌مدورسنگی برفیلپاها ودیوارها متکی‌بود(عکس‌شمارهٔ ۲۱۸).این‌کتیبه را برپاره‌سنگی سیاه‌که متعلق به‌محل نبود، حك‌کرده وبربالای مدخل گذاشته‌بودند.

کتیبهٔ سردر ورودی رباط پلور :

« شدبدوران شاه عالمگیر   شاه‌عباس‌آن سپهر غلام

۱ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی ، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶ ، ص۳۳ ب .

کمترین بندهٔ درش خاقان — کمترین بندگان او بهرام
بانی این رباط از سر صدق — ولی بن محمد خیّام
هم بسعی محمد بنّا — یافت اتمام این خجسته مقام
لازم آمد بیان تاریخش — تا شود ثبت دفتر ایام
بدز هجرت هزار و سی و چهار — کاین عمارت تمام گشت تمام»

خانقاهی قدیمی
در دهکدهٔ پلور از دهکده‌های بالا لاریجان

هنگامی که سیدظهیرالدین مرعشی در رجب ۸۶۰ هـ. ق. ملك کاووس را دنبال می‌کرد به این خانقاه درآمد ودربارهٔ آن چنین نوشته است:

«به قریهٔ پلور به خانقاهی که آنجاست زمانی مکث رفت، چندانکه دست و پای مردم که خنك شده بود و نزدیك بود که از کار بیفتد درخانقاه به آتش گرم کردند.» [۱]

باقی بناها و آثار تاریخی پلور

۱ــ سنگهای قبور قدیمی در نیك. برای رسیدن به نیك، باید در حدود ده کیلومتر در جادهٔ نوساز لار پیش رفت، سپس به راه فرعی آن که از دست راست جاده جدا می‌شود وارد شد.

۲ــ گورستانی قدیمی در تپهٔ سرکش پلور.

۳ــ سد طاقچهٔ حجاری شده، زیرپل قدیمی برروی آب لار.

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۲۸۴. خانقاه رامعلوم نیست سیدظهیرالدین به چه معنی استعمال کرده است. شاید به معنی کاروانسرا و باراانداز باشد.

زیار[1] و لاسم[2]

آب زیار و لاسم از کوههای غربی قزقان‌چای فیروزکوه سرچشمه می‌گیرد وزیردست پلور، کمی بالاتر از تونل‌اول راه هراز به‌رودخانهٔ هراز می‌پیوندد. راه اصلی این دو دهکده‌کنار همین‌آب است اما از پهلوی تونل اول نیز راهی سربالا به زیار می‌رود وپس‌از مسافت سه‌کیلومتر به هکدهٔ زیار می‌رسد . از دهکدهٔ زیار تا لاسم درحدود دو فرسنگ سنگین است . از لاسم راهی به دریاچه‌های تار و مومج[3] دماوند است که باگذشتن از گردنهٔ انگمار[4] می‌توان به این دودریاچه رسید. ازلاسم راهی به فیروزکوه است که ازدهکده‌های قزقان‌چای می‌گذرد و به‌این‌ترتیب به فیروزکوه می‌رسد :

رزمون[5]، وزنا[6]، نجفدر[7]، بهان، آسور، اندریه، ارجمند، وشتان[8]، علی‌آباد، سوله‌بن، دوآب شهرآباد ، فیروزکوه .

از لاسم راهی قدیمی به دهکدهٔ نوا می‌رود . این راه ازگردنهٔ املا[9] می‌گذرد . در املا امامزاده قوام‌الدین‌بن سیدجلال الدین اشرف‌بن امام‌موسی الکاظم و گورستان قدیمی آن قابل بررسی است .

۱ـ ده ازدهستان بالالاریجان بخش‌لاریجان شهرستان‌آمل ، دوازده‌کیلومتری جنوب رینه(فرهنگ جغرافیایی ایران،ج۳). ۲ـ بکسرسین،ده ازدهستان بالالاریجان بخش لاریجان‌شهرستان آمل،چهارده‌کیلومتری جنوب رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳) .
۳ـ بفتح میم دوم . ۴ـ بکسر کاف . ۵ ـ بفتح راء و سکون زاء .
۶ـ بفتح واو وسکون زاء . ۷ـ بفتح نون وجیم وسکون‌فاء وفتح دال. ۸ـ بضم واو . ۹ـ بفتح الف وسکون میم .

امامزاده هادی بن موسی بن جعفر علیه‌السلام
در دهکدهٔ زیار از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است هشت ترك باگنبدی کلاه‌درویشی. بنا از داخل نیز هشت‌ترك است و گنبدی عرقچینی‌دارد (عکس شمارهٔ ۲۱۹). صندوقی چوبین ساده در وسط بناست.

امامزاده عبدالله بن موسی بن جعفر علیه‌السلام
در دهکدهٔ زیار بالا لاریجان

بنایی است با همان‌مشخصات امامزاده هادی بن‌موسی بن جعفر علیه‌السلام (عکس شمارهٔ ۲۲۰).

گورستانهای گبری

گورستانهای قدیمی درمراتع زیورکوه، بهین‌کوه، میانرود و خرابه خـوندسر است.

آبشار شیخ علی‌خان

این آبشار میان آبادی زیار و مرتع بزم واقع‌است وبلندی آن درحدود چهل متر است ومقدار ده سنگ آب آن به رودخانهٔ زیار می‌پیوندد.

کتیبه‌ای میان زیار ولاسم

میان زیار ولاسم رودخانهٔ کوچکی است که به‌آب مرارمعروف است. درکنار این رودخانه دوسنگ بسیار بزرگ بههم متصل‌اند. برسنگی یك‌تن شکارچی باتفنگ و کلاه ظل‌السلطانـی است کـه روی اسب سوار است و شکاری در جلـو او زانـوزده

است و این ابیات براین سنگ حك شده است :

« بخ‌بخ این ماء سبیل است می‌کند اینجا گذار

یـا که زینها گشت پیـدا قدرت پروردگار

خوش بود اینجا سماور بـا کباب و یارو می

گه ببوئی گه بنوشی گه خوری گوشت شکار

سید غلامعلی لاریجانی .»

سیدغلامعلی اصلاً نیاکی بوده وپسران او در «رزکهٔ» آمل بد نام «نیاکیان» تا امروز هستند .

پلهای‌قدیمی بر روی رودخانهٔ لاسم

اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« برروی رودخانهٔ لاسم ازقدیم‌الایام پلهایی از سنگ وگچ بسته‌اند.» [۱]

پاره‌ای از این پلها وآثار آنها تا امروز برجای است .

امامزاده احمدرضا در دهکدهٔ لاسم از دهکده‌های بالا لاریجان

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه دربارهٔ این امامزاده چنین نوشته است :

« امامزاده‌ای در لاسم است مشهور به احمدرضا، گنبدی ازگچو آجردارد ، لوزی الشکل ، ضریح امامزاده از چوب است. ازدرکه وارد می‌شویم سمت در به‌ضریح آیةالکرسی نوشته شده ، طرف مقابل این کلمات نوشته شده :

۱ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۴ب .

هذهالعمارة المبارکه و روضةالمتبرکـه المزارالمغفور المبرور المرحـوم السعید الشهید بن‌حماران قدس‌الله العزیز . در چند پارچه چوب دیگر که بین‌الکتیبتین پایین و بالا عمود است این کلمات نوشته شده است :
صدهزاران بشارت ومغفرت بروح‌روان‌او واصل‌کن عمل‌محمدعلی‌نجّارفی تاریخ ماه مبارك ربیع‌الاول سنة احدی وعشرین وثمانمانه. الله برنـویسندهٔ این رحمت‌کن کاتب حسین‌بن اسکندر و برناظم این رحمت‌کن.در سایر اضلاع ضریح آیات قرآن است . »[1]

آنچه به نظر نگارنده، از این امامزاده رسید به این شرح است :

نام امامزاده به مرور ایام « احمدرضاکریم» شده است . بنایی است هشت ترك که هرترك آن ۱۹۳ سانتیمتر است وبام آن گنبدی کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۲۱) . بنا از داخل نیز هشت‌ترك است وگنبدی عرقچینی دارد . در ورودی اصلی دو لنگه است. بلندی آن ۱۴۰ وپهنای هر لنگه ۴۰ سانتیمتراست(عکس شمارهٔ ۲۲۲) . این عبارات براین دولنگه دیده می‌شود :

« عمل استاد افراسیاب،

ابن استاد علی‌نجّار معروف بلارجانی .

در مسجد بهـرزه باز مکـن چون‌درایی بجزنماز مکن .»

صندوقی در وسط‌بنای اصلی، مرقدرا پوشانده است. این آیات وعبارات برآن خوانده شد:

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی آیةالکرسی بدین ترتیب حك شده است :

« الله لااله الاهوالحی القیوم ــتاــ من ذا الذی‌یشفع .»

۱ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی، ج۲،شمارهٔ ۷۲۶،ص ۳۴ب و۳۵ الف .

برحاشیهٔ پایین همین بدنه:

« عنده الا باذنه ـتاـ الا بعلمه وسع .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی عبارات زیرحك شده است :

« امرهذا الصندوق ادریس‌بن‌صالح .»

بر بدنهٔ جنوبی صندوق عبارات زیر است :

« هذه العمارة المبارکه وروضة المتبرکه المزار المغفور المبرور المرحوم السعیدالشهید بن خیاران قدس‌الله‌العزیز .»

برهمین بدنه :

« کاتب‌خسرو بن‌اسکندرطلب رحمت‌کن عمل محمدبن علی بابو نجّار.»

منبری چوبین دراین بقعه است‌که این‌کتیبه برآن حك شده است :

«الله محمد علی فاطمه حسن وحسین یاقاضی‌الحاجات وقف امامزادهٔ‌لاسم نمود ۱۲۱۵ .»

برتخته پاره‌ای‌که بر دیوار امامزاده نصب بود ، باخط متوسط نسخ آیـاتی از ابتدای سورهٔ مبارکهٔ یس تاانتهای آیهٔ یازدهم حك شده است (عکس شمارهٔ ۲۲۳) .

تکیه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ لاسم

نزدیك امامزاده و طرف جنوب آن ، تکیهٔ بزرگ قـدیمی است . پنجره‌های ارسی آن که تعداد آنها هم زیاد بود جلب نظر می‌کرد (عکس شمارهٔ ۲۲۴).

خانه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ لاسم

خانه‌ای قدیمی و بزرگ در دهکدهٔ لاسم‌است که روی در خرابی دارد. بر دیوارهای‌اطاقهای مسکونی طبقهٔدوم این‌خانه‌گچ بریهای‌جالبی دیده می‌شود(عکسهای شمارهٔ ۲۲۵ و ۲۲۶ و۲۲۷).

قلعه‌ای قدیمی
بر بالای‌کوه انگمار[1]

اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«کوه مرتفع برفی سخت سنگی‌که موسوم به انگمار است از قرار گفتهٔ شکارچیها قلعه‌ای‌قدیمی دراین‌کوه‌است که‌آن‌قلعه‌هم موسوم به قلعهٔانگمار است.»[2]

کتیبه‌ای برسنگ
درکنار چشمهٔ انگمار

درکنارچشمهٔ انگمار، تخته سنگی‌است که این بیت برآن حك شده است:

«انگمار است سلسبیل و جنت المأوالزور
حیف ازاینجا نیست غلمان حیف ازآنجا نیست حور.»

قلعهٔ گلندان[3]
در املا[4]، سرراه لاسم به نوا

بر سرراه قدیمی لاسم به‌نوا دراراضی معروف‌به املا آثار قلعه‌ای قدیمی‌به نام

۱ـ بفتح الف وسکون نون‌وکسرگاف.
۲ـ کتب‌کتابخانهٔبیوتات‌سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶،ص ۳۵ الف.
۳ـ بکسر گاف وفتح لام و سکون نون.
۴ـ بفتح الف وسکون میم.

گلندان است . این راه ظاهراً درقدیم آمدورفتی داشته وآبادان بوده است. گمبوجی زیر قلعه، سرخیابان پای چشمهٔ طرف نوا است .

امامزاده قاسم بن حسن بن موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ اسك[1] از دهکده های بالالاریجان

بنای اصلی مسجدی است که مرقدی باصندوق مشبك تازه سازی درمیان آن است. در ورودی مسجد ومزارشرقی است. مصالح بنا سنگ وگل وگچ و بام آن گل سری است.

خانهٔ امینی

در اسك خانه های قدیمی نسبةً زیاداست ازآنها می توان خانهٔ امینی رانام برد که پنجره های ارسی وگچ بریهای آن قابل ملاحظه است (عکس شمارهٔ ۲۲۸) .

امامزاده یحیی در بالامحلهٔ دهکدهٔ اسك

بنایی تازه ساز است که آقای موسی گودرزی به جای بنای قدیمی ساخته است . سروی کهنسال نزدیك بقعه است . مسجدی ساده و بی پیرایه دارد .

مسجدجامع[2] اسك و مرقد امامزاده علی عسکر

بنایی است مستطیل شکل که شش فیلپا دردو ردیف درطول آن ساخته ودوازده

۱ـ دهکدهٔ اسك شامل محلات زیراست : درزی محله، قادی محله ، رئیس محله، کلاری محله، تیرگرمحله، دهل محله، باعث محله، امیرمحله. نام این محله ها به نام خاندانهایی است که درآنجا زندگی می کنند . کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ۷۲۶: ص ۳۰ الف ودرص ۳۰ ب،شرحی ازخاندانهای اسك دارد . ۲ـ مسجدجامع که منضم به تکیه است ازبناهای حاجی کاظم نام ازطایفهٔ درزی یکصدوبیست سال است که بنا شده . کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنلی، ج۲، شمارهٔ۷۲۶، ص۳۰ب،این مطالب را اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۶ در رکاب ناصرالدین شاه نوشته است .

طاق بر این فیلپاها ودیوارهای اطراف زده‌اند . ازداخل سفیدکاری است وازخارج گچ را با دست مالیده‌اند . مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است . مرقد امامزاده دروسط بنای مسجد است .

امامزادهٔ دیگری دردهکدهٔ اسك به‌نام « امامزاده‌محمد» است که بنایی ساده با ایوانی جلوآن است و بام هردو، گل‌سری است .

امامزاده علی‌بن‌عبدالله[1] معروف به فشنك آقا[2]
دراراضی پشنك دهكدهٔ اسك ازدهكده‌های بالا لاریجان

شجرهٔ این امامزاده بر تخته‌پاره‌ای باخط خوش‌نستعلیق، بسیارظریف بدین شرح کنده‌کاری شده و در دست متولی بود :

«علی بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین بن طیمر بن امام الهمام زین العابدین بن حسین الشهید بن اسدالله الغالب مطلوب کل طالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام شرف اختتام یافت» (عکس شمارهٔ ۲۲۹) .

درمقدمهٔ این شجره ظاهراً تاریخ بنای امامزاده بوده است .

بنای اصلی بقعه ازداخل وخارج هشت‌ترك است (عکس شمارهٔ ۲۳۰) . جلودر ورودی اصلی پیش‌صحنی یا کفش‌کنی‌است . در ورودی کفش‌کن و بقعه شمالی‌است . سقف بنا گنبدی عرقچینی و بام آن کلاه‌درویشی‌است. ازداخل وخارج سفیدکاری دارد و مصالح‌اصلی بنا سنگ وگچ است. همسر امیرمکرم‌لاریجانی معروف به «خاورخانم» در درگاه ورودی صحن مدفون است .

۱ـ نام‌این امامزاده‌را اعتمادالسلطنه علی‌عسکرذکر کرده است. کتب بیوتات‌سلطنتی، ج۵، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۰الف. ۲ـ بکسرفاء وسکون‌شین وفتح‌نون وسکون‌کاف، چون بنای‌این امامزاده در مزرعهٔ پشنك است به این نام معـروف شده است .

بقعهٔ دیگری در اراضی پشنك اسك به نام امامزاده‌جعفراست که پیش‌صحن یا مسجدی جلو در ورودی است. درمسجد ودربقعه شمالی است . بنای اصلی ازداخل و خارج هشت‌ترك است. سقف بنا گنبدی عرقچینی و بام بنا کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۳۱) .

بقعهٔ دیگری درهمین مزرعه به‌نام امامزاده‌شیرین است که معروف‌است خواهر امامزاده علی و امامزاده جعفراست . بنایی‌است محقر که ایوانی رو بـه‌جنوب دارد . طرف شمال‌شرقی بقعه‌به‌کوه متصل‌است . اهالی معتقدندکه شیرین دراینجا غیب شده‌و نظیر قصهٔ بی‌بی‌شهربانو را برای او ذکر می‌کنند .

باغ عباس‌آباد

این باغ در دهکدهٔ اسك به‌دست عباسقلی‌خان لاریجانی‌امیرمکرم احداث شد . محل‌تفریح و تابستان‌نشین اوبود . ساختمانی هم داشت‌که فعلاً یکسره خراب شده واز میان رفته است. جد امیرمکرم را در امامزاده‌ابراهیم‌آمل به خاك سپرده‌اند .

غار اسك

این غارکه ازطویلترین غارهای ایران است، بالای نخستین‌تونل راه هرازقرار دارد . طول غاردرحدود ۴۵۰ مترو پهنای‌آن درپاره‌ای جاها به‌ده‌متر می‌رسد . اوایل غار چاهی‌است‌که درحدود سی‌مترعمق دارد . چهارصد مترکه ازدهانهٔ غارپیش رفتیم به‌کوره راهی می‌رسد و دنبالهٔ‌غارپنجاه متردیگرپس‌ازاین‌کوره‌را ادامه‌پیدا می‌کند .[۱]

۱ـ برای اطلاعات بیشتر ن.ك. به‌مجلهٔ خواندنیها، سال دوازدهم، شمارهٔ ۴۳ شنبه‌پنجم بهمن ۱۳۳۰ . مجلهٔ نیرو وراستی سال پنجم ، شمارهٔ ۱۵۵ ، چهارشنبه‌۲۸ مردادماه‌۱۳۲۶ . کتب کتابخانهٔ‌بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص‌۳۱الف، شرحی دربارهٔ این غار دارد .

کافر کلی

در نقاط مختلف بالالاریجان در میان بندها و پرتگاهها اطاقهایی درسنگ تراشیده‌اند . در هیچیك از نقاط ایران این اطاقها تااین حد متمرکز نیستند . این اطاقها ازکوه‌کاروان درشمال دهکدهٔ اسك شروع می‌شوند وبه زیربرج بیامه‌سی ختم می‌گردد. دردره‌های فرعی‌نظیردرهٔ‌نیاك نیز این اطاقها ساخته شده‌اند. اغلب آنها به‌نام «کافر کلی» یعنی«غار کافر» خوانده می‌شوند .اعتمادالسلطنه دربارهٔ‌کافرکلی اسك چنین نوشته است :

«سمت شمال اسك محدوداست به‌کوه کاروان که‌کوهی بی‌دامنهٔ تندی است مشابه‌دیوار وازبنیان این‌کوه تقریباً تا دوثلث‌آن مغاره‌های‌بزرگ مصنوعی‌و سوراخهائی که دست انسان‌باکلنگ‌کنده‌است دیده می‌شود.تقریباً ۲۰۰الی ۲۵۰سوراخ‌است .آنچه‌به‌نظرمن می‌آید وباید همین‌طورازروی‌تخمین‌باشد در سوابق ایام وقتی‌که اهالی این‌بلد مذهب زردشتی داشته ، دخمهٔ اموات بوده . اگر چه عقیدهٔ اهل بلد اینست که سکنهٔ سابق اینجا این مواضع را کنده بودند برای خودشان . این حدس صائب‌نیست شاید شق اول صحیح باشدوحالاآنچه دسترس‌است وممکن است‌گوسفندآنجا برود زاغه‌کرده‌اند. آنچه قدری‌بلند است وگوسفندنمی‌رود وآنچه‌با نردبان انسان صعودمی‌کند آذوقهٔ گوسفند می‌گذارند . آنچه هیچ نمی‌شود رفت به حالت اولیه باقی است. اگر صعود بواسطهٔ طناب وغیره‌کنند محتمل است استخوان آدم پیدا شود واین قسمت شمال به تفصیلی‌که مذکورشد فی‌الواقع ریشهٔ دماوند است به این معنی‌که از یك راه صعب‌المسلکی با سرازیری بسیار تند ویك دربند تنگی که درآن دربند هم ازاین دخمه‌ها زیاد است راهی است که

به قریهٔ رینه می‌رود وخود رینه وصل به ریشهٔ دماوند است. ازجلگهٔ رینه تقریباً سه هزار قدم‌که پایین می‌آیند به دربند سنگی تنگی می‌رسند که ابتدای آبادی اسك از اینجا شروع می‌شود.»[1]

کافرکلیهای دیگر بالا لاریجان

از کافرکلی اسك که بگذریم ودر امتداد رود هراز رو به‌شمال حرکت‌کنیم در کنار راه و دره‌های فرعی دست چپ ودست راست‌آب کافرکلیهای زیـر را می‌بینم :

۱ـ در تنگهٔ پهلوی اسك به‌نام تنگهٔ سرره[2] (عکس شمارهٔ ۲۳۲).

۲ـ در نیم کیلومتری این تنگه داخل تنگهٔ دست چپ یك ردیف شش‌تایی .

۳ـ در تنگهٔ دیگری پایین‌تراز این تنگه کافرکلی تکی بغل‌کوه است .

۴ـ در تنگهٔ آ نه‌منون در طرف چپ هراز روبروی درهٔ نیاك درآخر تنگه، سه کافرکلی است یکی طرف چپ ویکی طرف راست ویکی در میان آن دو .

۵ـ کمی پایین‌تراز این تنگه، دربند وپرتگاه دست‌چپ آب هراز یك ردیف ده عددی است . (عکس شمارهٔ ۲۳۳) .

۶ـ داخل درهٔ نیاك پشت انجیلا، ده عدد نامنظم پهلوی یکدیگر است .

۷ـ در درهٔ نیاك زیر راه نوا، چهار عدد پهلوی یکدیگر .

۸ـ کافرکلی تکی انهه در دهکدهٔ انهه .

۹ـ ردیف کافرکلیهای مون (عکس شمارهٔ ۲۳۴) .

۱۰ـ درپرتگاهی که پایین برج بیامه‌سی است سه عدد جدا از یکدیگر.

دمرگان در مطالعهٔ بالالاریجان طرحهای داخلی بعضی ازاین‌کافرکلیها را داده

۱ـ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی،ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶ ، ص۲۹ الف .

۲ـ بفتح سین و کسر راء اول وفتح راء دوم .

است ولی معلوم نکرده که متعلق به‌کدام است .

رینه

رینه از دهکده‌های آباد بالا لاریجان است و به محلات زیر تقسیم می‌شود :
سالارمحله ، موشامحله ، خیرمحله [۱] ، کریم‌محله ، قرقشه‌محله [۲] ، بایه‌محله ، فرامرز محله، خسین‌محله [۳] ، قصاب‌محله ، مسیرمحله [۴] ، ابیاک‌محله [۵] ، مهمیدمحله [۶] ، (شاید محمود) ، کردمحله .

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه محلات رینه را بدین ترتیب یادکرده است:

« سالارمحله مرکب است ازسه محله : سالارمحله، گرجی‌محله، احمدان‌محله. چالکامحله ، کفشگرمحله ، بایه‌محله ، کردمحله، منصورمحله ، خمسین‌محله ، فرامرزمحله ، عرب‌محله ، قصاب‌محله ، این پنج محله جزء کردمحله هستند.» [۷]

خاندانهای زیر در محلات مختلف این دهکده زندگی می‌کنند :

کیاسالار ، موشائی ، خاندان محمدشاهی از کرمانشاهان‌آمده‌اند. گروهی که در رینه ساکن شدند جزء طایفهٔ ملابشمارآمدند دسته‌ای‌که به موشا رفتند جزء طایفهٔ برزگر شمرده شدند و جمعی که به‌آمل آمدند جزء طایفهٔ کفشگر شدند . کردهای کردمحلهٔ رینه ازکردکوی‌گرگان بدینجاآمده‌اند. خاندان فرامرزهم از زابل‌سیستان بدینجا روی‌آورده‌اند. خاندان خسین خود را ازنسل خسروپرویز می‌دانند . خاندان قرقشه ازلار به رینه کوچ کرده‌اند . در اصل دوبرادر بودند یکی به رینه و دیگری

۱ــ بفتح خاء و کسرياء . ۲ــ بفتح‌قاف وسکون راء وفتح قاف‌دوم وکسرشین .
۳ــ بفتح خاء . ۴ــ بفتح میم . ۵ــ بفتح الف . ۶ــ بفتح میم وسکون‌هاء.
۷ــ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص ۳۱ب .

به لار فارس رفت . خاندان بایه (بائی) از سوادکوه‌اند و در رینه ساکن شده‌اند .

طایفهٔ قصاب از اعراب کوچ کننده بودند که در رینه مقیم شده‌اند . خاندان خیر در نوشته‌ها واسناد «خزر» خوانده می‌شوند .

خاندان ابیاك هم از اعراب هستند. خاندان سالارکیا ، خاندان اصلی وبومی رینه است .

امامزاده محمدطاهر
در اراضی امامزاده‌سر رینه

بنای اصلی بقعه از خارج و داخل هشت‌ترك است . بام‌آن کلاه‌درویشی است و از داخل گنبدی عرقچینی دارد . در ورودی اصلی بقعه شرقی است‌که درمسجدی باز می‌شود. در درازای مسجد، در وسط، پنج‌ستون چوبین است که بر بالای آنها فرسبی[1] کشیده‌اند .

طاق مسجد پلورکشی است ، پلورها چهار نبش است وبر دیوارهای دو طرف و فرسب میانی متکی‌است. بالای پلورها، پل‌کوبی بادرزپوش است . علمی نظیرعلمهای تهران در مسجد بود ولی زیاد قدیمی به‌نظر نرسید. مسجد دارای‌ایوانی ساده باهشت ستون چوبین‌است.درحرم بقعه صندوقی‌مشبك‌قدیمی‌است که‌سه‌طرف‌آن برجای‌است و یك‌بدنهٔ دیگر آن را به سرقت برده‌اند .

امامزده یحیی
در مسیرمحلهٔ رینه

بنای اصلی بقعه گل‌سری‌است‌که هفت‌پله ازکف دومسجدزنانه و مردانه بلندتر است . سقف بنای اصلی بقعه وسقف مسجدها پلورکشی وپل کوبی است .

۱ــ بفتح فاء وراء وسکون سین وباء . حمال ودوش‌کش را گویند .

امامزاده حمزة بن موسی بن جعفر علیه‌السلام
در کریم‌محلهٔ رینه

بنای اصلی بقعه از خارج هشت ترك با گنبدی کلاه درویشی واز داخل چهار-گوشه‌با گنبدی عرقچینی‌است. درهرضلع بقعه ازداخل دوطاقنما باطاق‌هلالی‌است که یکی داخل دیگری است. درها وصندوق بقعه تخته‌ایست وکنده‌کاری ندارد. بقعه را ازکاشیهای نقش‌دار دوران‌قاجاری فرش کرده‌اند. بنای‌بقعه مشرف برتکیه ودرجنوب مسجد جامع است . وسط تکیه تختی است ومنبری برآن است .

مسجد جامع رینه

بنای مسجد جامع قدیمی‌است . در درازای بنا دوفیلپا در وسط بنا ساخته‌اندو شش رواق با طاقهای گنبدی به وجود آورده‌اند . قبل‌از ورود به مسجد ، به مأذنه‌ای بـرمی‌خوریم که از سنگ وگچ ساخته وحلب‌پوش کرده‌اند . مصالح بنای مسجد نیز سنگ و گچ است .

قلعهٔ لوندر
در رینه از دهکده‌های بالا لاریجان

سید ظهیرالدین مرعشی دربارهٔ این قلعه می‌نویسد :

« سیدفخرالدین‌پس‌از تسخیرقلعهٔ کارو(کهرود) متوجه تسخیرلارجان وقلعهٔ لوندر گشت . کیاحسن‌کیای‌ضماندار، به قلعه متحصن شد و بنیاد عنادوتمرّد نمود ومطلقاً نصیحت قبول نکرد.اما مردم لارجان را عطایا وموهباب فریفته گردانید واکثر تابع وفرمانبردارگشتند وبرابر قلعهٔ لوندر در موضع رینه، قلعه‌ای دیگربنیادکردند وبه زمان‌اندك به‌اتمام‌رسانیدند وچندنفرازموافقان دولت خودرا باسردارنیاك بازگذاشتند وبه‌قلع وقمع جمع‌لارجانی‌که موافق

کیاحسن کیا بودند اقدام نمودند وخود متوجه کجور گشتند و چون مدت ششماه برآن بگذشت، کیاحسن کیا امان طلبید وقلعه‌را تسلیم نمود و اورا از قلعه بیرون آوردند و به آمل جای دادند و قلعه را به کوتوالان لایق سپردند وقلعهٔ رینه‌که جهت تسخیر لوندر ساخته بودند خراب کردند وآثار آن هنوز باقی است.»[1]

کلماتی باخط کوفی برلوحه‌ای سنگی میان راه رینه به پلور

محمدحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه که درسال۱۲۹۶در رکاب ناصرالدین‌شاه به رینه‌و سایر دهکده‌های بالا لاریجان رفته‌است، کتیبه‌ای به‌خط کوفی برسرراه رینه به‌پلور دیده ودربارهٔ آن نوشته است:

«از قریهٔ رینه‌که به پلور می‌آیند، دروسط راه‌گردنه، کنار راه واقع شده. درسر این راه لوحی به‌خط کوفی برپارچه‌سنگی منقور بوده. بمرورده‌ور بواسطهٔ زلزلهٔ یاعوارض دیگر، این پارچه‌سنگ محکوك، ازجای‌خود جدا شده، غلطیده، سیصدچهارصدذرع پایین‌افتاده‌است وشکسته‌است. آنچه دراین لوح باقی‌مانده‌بعینه در صفحهٔ ۲۱ نقل شده. چون این‌لوح درکنار راه بوده، بنابراین لوح اسم بانی ندارد.»[2]

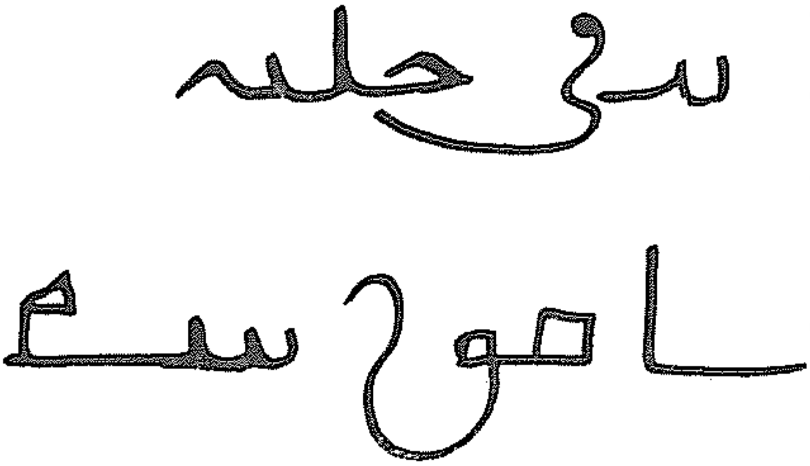

۱ــ تاریخ‌طبرستان‌و رویان‌و مازندران، ص ۲۹۰ .

۲ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۱ب .

پلی از سنگ معروف به پل مون
برسر راه نیاك در راه قدیم هراز

پلی ازسنگ ، برروی رودخانهٔ هراز ، برای رفتن بـه نیاك وسایر دهکده‌های مجاور آن ساخته‌اند. یال شرقی این پل تاجناق طاق شانزده متر ویال غربی آن تاجناق طاق چهارده متراست. پهنای اصلی پل دومتروبا درنظرداشتن جان‌پناهها ۲۴۵ سانتیمتر است . بلندی جان‌پناهها ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر و بلندی پل ازسطح سنگ‌چین که محل عبوراست تا سطح آب، ۶۶۰ سانتیمتر است . پایهٔ غربی پل برکمری بـزرگ استوار است وپشت آن را سنگ‌چین کرده‌اند وخاکریز نموده‌اند. پایهٔ شرقی را تا جایی که در آب قرار می‌گیرد، ازسنگ رودخانه وساروج وقسمت بالاتررا ازسنگ وگچ چیده‌اند و طرفین پل‌را با گچ غربالی سفید کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۳۵).این پل درحدودپنجاه سال قبل به خرج حاجی آقا رضانیاکی ساخته شده است .

باقی بناها و آثار تاریخی مون واطراف آن

۱ـ قلعه‌ای قدیمی میان مون و انهه‌که آثاری ازآن باقی‌است . این آثار برسر گردنهٔ گمدگلی[1] است .

۲ـ چهاردرویش دردهکدهٔ مون .

۳ـ تونلی قدیمی میان نیاك ومون سمت راست رودخانه .

۱ـ بکسر گاف وفتح‌میم و گاف دوم.

قلا دوش
بر کنارۀ راست آب هراز نزدیك تخته پل نیاك

از تخته پل نیاك که به‌طرف دهکده می‌رویم، سمت‌راست بر بالای قله‌ای سنگی منفرد وکوتاه آثار قلعه‌ای قدیمی‌است. این قلعه‌دارای سه زاغه‌بوده‌که دوتای آنها رو به غرب ویکی رو به جنوب است .

بقعۀ درویش تاج‌الدین‌حسن‌ولی
در دهکدۀ نیاك از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است از داخل وخارج هشت‌ترك . برهریك از اضلاع داخلی طاقنمایی درازو باریك‌است ونورگیری‌کوچك درضلع قبلی‌است.سقف‌بنا ازداخل گنبدعرقچینی‌و از خارج کلاه‌درویشی است (عکس شمارۀ ۲۳۶) . مصالح بنا سنگ وگچ است .

در ورودی بقعه در ضلع شمال‌شرقی است وکنده‌کاریهای بسیار ظریف دارد . این عبارات بردماغۀ در نقرشده است :

«نذرحضرت زیارت‌پناه عدالت‌دستگاه معز الدولة والدین امیرحسین‌کیاابن المرحوم السعید الامیرالکبیر المتوفی بجوار الملك‌الولی سیفاً للحق و دولت (؟) امیرعلی خلدالله [ملکه‌العا] لی دوام دولته وعدالته وطاب‌ثراه فی‌عشرین‌شهرذوالقعدة سنة‌ست وستین وثمانمائه عمل‌استادبایزیدابن‌استاد محمد نجّار جیلاردی»[۱] (عکس‌شمارۀ ۲۳۷) .

صندوقی چوبین مرقد درویش حسن‌ولی‌را پوشانده است. بر بدنۀ شرقی صندوق این عبارات حك شده است :

۱ــ عبارات کتیبه بهم ریخته وپریشان است .

«نذرکرد امیراعظم امیرحسین بن امیرداود طاب ثراه فی تاریخ ماه محرم سنة ثمانة ستین وثمانمائه .»

متصل به بقعهٔ درویش تاج الدین حسن مسجدی بزرگ وتازه‌سازاست. رختخوابهای متعدد وسماورهای مختلف‌را، برای رفع حاجت زوار، وقف این مسجدکرده‌اند. صندوقی نسوز بزرگ آهنین، برای تحف وهدایا، دراین مسجداست که طایفهٔ نیاك آن‌را وقف کرده‌اند . این عبارات برآن نوشته شده است :

« متعلق است به حضرت سیدتاج الدین (سیدحسن ولی) و این هدیهٔ ناچیزی است که از طرف طایفهٔ نیاك تقدیم گردید ۱۳۴۴.»

پشت قرآنی خطی نسبةً قدیمی، درمسجد درویش حسن ولی، مطالب زیر نوشته شده است :

« تاریخ غرس چنار کوچك درپیش روی تکیهٔ نیاك که سیادت‌پناه میرمحمد‌ـ شفیع ولد میرسعید نیاکی غرس کرد فی سنة ۱۲:۲۰۳ : »

تاریخ غرس چنار میان ده نیاك درپیش مسجدکه سیادت‌پناه میرزین العابدین ولد میرعباس غرس نموده فی سنة ۱۲:۲۰۲ : »

سید علی = سید عالی

بقعه‌ای هشت ترك با گنبدی کلاه‌درویشی متصل بـه مسجد و بقعهٔ درویش‌ـ تاج الدین حسن است (عکس شمارهٔ ۲۳۸). در ورودی آن داخل مسجد باز می‌شود . داخل بنا نیز هشت‌ترك است وگنبدی عرقچینی‌دارد. صندوق چوبین مشبك ساده مرقد سید را پوشانده است .

درویش سهراب

درجوار بقعهٔ درویش تاج‌الدین‌حسن، بقعهٔ دیگری به‌نام درویش سهراب‌است. بنایی است ازخارج‌وداخل هشت‌ترك(عکس شمارهٔ۲۳۹). بام‌آن‌گنبدی کلاه‌درویشی‌و سقف آن گنبدی عرقچینی است . در ورودی این بقعه شرقی است . صندوقی مشبك تازه‌کار مرقد درویش را پوشانده است . بنا از خارج‌و داخل سفیدکاری است .

امامزادهٔ عبدالله‌بن‌علی‌بن موسی‌بن جعفرعلیه‌السلام در دهکدهٔ کنار انگام[1] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنای اصلی بقعه مدور است وگنبدی کلاه درویشی دارد واز داخل هشت ضلعی است وسقف آن گنبدی‌عرقچینی است (عکس شمارهٔ ۲۴۰) . یك جا چراغی درکنج یکی ازاضلاع باگچ ساخته‌اند. صندوقی‌سادهٔ تخته‌ای مرقدراپوشانده‌است . مسجدی‌و ایوانی متصل به بقعه است .

بقعهٔ سید مصطفی وسید مرتضی متصل به‌بنای تکیهٔ‌این‌آبادی است. بنایی است گل‌سری باصندوقی چوبین ساده.

۱ـ بفتح الف ، کنارانگام دهکده‌ای است برسرراه نوا . درحدود سی‌وچهارخانوار تابستان‌نشین دارد که به‌خاندان : سادات‌حسنی واسحاق‌تبار تقسیم می‌شوند .

امامزاده یحیی بن موسی بن جعفر علیه‌السلام
در دهکدهٔ نوا[۱] از دهکده‌های بالا لاریجان

اعتمادالسلطنه دربارهٔ امامزاده یحیی مطالب زیر را نوشته است :

« در نوا امامزاده‌ای‌دارد که اصل مزار روی تخته‌سنگ بزرگی‌است و گنبدی به شکل لوزی روی آن است . بتوسط چهار پله از مسجدی که دو ستون سنگی دارد به حرم امامزاده صعود می‌کنند. این مسجد سمت مغرب‌است و ازطرف سمت مشرق ایوانی‌است که بواسطهٔ یك در نیز داخل حرم امامزاده می‌شود . اسم امامزاده یحیی است .»[۲]

سپس عباراتی را که بر درحك شده است نقل می‌کند .

نمای خارج بنا هشت‌ترك است با گنبدی کلاه‌درویشی و از داخل مدور است و سقف آن گنبدی عرقچینی است. تمام بنا، روی کمری یك پارچه ساخته شده و مرقد امامزاده را نیز درسنگ درآورده‌اند . صندوقی چوبین در میان بناست که پایه‌ای‌از سنگ وگچ دارد. درازای صندوق ۱۷۰ وپهنای آن ۷۵ وبلندی آن ۸۰ سانتمیر است. بر بدنهٔ غربی آن این عبارات باخط نسخ متوسط حك شده است :

۱ـ خاندانهای چندی در دهکدهٔ نوا از قدیمترین ایام زندگی می‌کنند ونامهای این خاندانها از این قرار است: ۱ـ خاندان‌خان از نسل‌رضاقلی‌خان مستوفی که نسب‌او به‌امیر علیشیر نوائی می‌رسد. ۲ـ عاشق (بضم‌شین) که با طایفهٔ‌خان ارتباط دارند . ۳ـ خاندان ملا که از نسل ملامحمدشهرآشوب هستند. ۴ـ خاندان‌گودرز که خود را ازنسل‌گودرز کشواد می‌دانند . ۵ ـ خاندان درزی یا جامه‌گر . ۶ ـ خاندان جغتا ظاهراً بازماندگان نوکران امیرعلیشیروهمراهان‌اوهستند. ۷ـ خاندان‌بلالی. ۸ـ خاندان‌رئیس. ۹ـ خاندان‌باتب(بکسر تاء). ۱۰ـ خاندان جمال. تا جائیکه مورخان نوشته‌اند امیرعلیشیرنوائی را با این دهکدهٔ نوا ارتباطی نبوده است.

۲ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی،ج۲،شمارهٔ ۷۲۶،ص۳۸ب .

« هذه‌العمارة ازفرمودهٔ رئیس‌صالح‌حسین حماله عمل‌استاد محمود نجّار در تاریخ سنهٔ تسع عشر و تسعمایه .»

بر بدنهٔ جنوبی‌صندوق با نوعی‌کنده کاری که خراش روی تخته است :

« بنا کنندهٔ این عمارت بایزید ابن‌حاجی جواد .»

صندوق ازچوب گردوست وسراسر قسمتهای آن‌کم وزبانه وقاب‌وآلت‌است واز نگارهای فراوان ترکیب شده است .

زیارتنامه‌ای برسه پاره‌تخته که قابی چوبین دارد مورخ به سال ۱۳۰۰ با خط خوش نسخ وگل وبوته‌ای طرف‌راست و دوگل و بوته طرف پایین در امامزاده است.

مسجدی متصل به بنای بقعه است. دری دارد قاب وآلت که برپاسارها و باثوها کنده‌کاری ظریف است (عکس شمارهٔ ۲۴۱). بلندی‌آن ازلبهٔ خارجی دوقسمت چهار-چوب ۱۹۰ وپهنای آن از دولبهٔ خارجی چهارچوب ۱۳۵ سانتیمتراست . این عبارات برکلگی چهارچوب حك شده است :

« این درمبارك بوجه سرکارمرحومه گلابی‌خانم صبیهٔ آصفجاهی میرزارضاقلی بعمل استاد آقابابا باتمام رسید سنهٔ ۱۲۱۷.»

امامزاده یحیی درمحل معروف به «پیریاله» است واهالی کنارانگام در موارد اختلاف سامان ملکی بامردم نوا می‌گویند «سامان ما تا پیریالـه است» منظور ایشان بنای این بقعه است .

در دهکدهٔ نوا امامزاده‌های دیگری به نامهای:امامزاده زکریا وامامزاده اهل-علی وامامزاده عبدالله دیده شد که بناهایی مختصر وناچیز دارند .

تکیه و مسجد نوا[۱]

درده‌کدهٔ نوا تکیه‌ای بسیار بزرگ و قدیمی است. برجرزهای دوطرف طاقنماها گچ‌بریهای نسبةً ظریف است. بریکی از جرزها کلمات زیر خوانده شد:

« عمل کمترین قربانعلی جغتائی ــ کتبه مشهدی حسین روضه‌خوان. »

قلا پیش و قلا میرك

دو قلعهٔ قدیمی در دهکدهٔ نوا

نام اصلی «قلاپیش» قلعهٔ شروین بوده‌است که درمغرب آبادی نوا ساخته بوده‌اند. زمینهایی به‌نام «قلامیرك» تا امروز معروف ومشهور است. تا چندی پیش برج وباروی هر دوقلعه برقرار بود. امروز از آنها نشانی برجای نیست.

نوا مولد سه تن از شاهزادگان قاجار

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

« نوا مولد سه نفر از شاهزادگان بزرگ قاجار: عباس میرزا، محمدعلی ــ میرزا، محمدقلی میرزا است. »[۲]

پشت یکی ازقرآنهای وقفی درموزهٔ آستانهٔ حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها عبارات زیر دیده شد:

۱ــ محلات دهکدهٔ نوا ازاین قرارند: ۱ــ جغتائی‌محله. ۲ــ عاشق‌محله (بضم‌شین). ۳ــ ملامحله. ۴ــ گودرز محله. ۵ــ جمال‌محله. ۶ــ باتب‌محله (بفتح تاء) ۷ــ بیلی‌محله (بکسر باء وسکون یاء) ظاهراً بلالی‌محله. ۸ــ رئیس‌محله. ۹ــ حمزه‌محله. ۱۰ــ درزی محله. ۱۱ــ پیرعلی (پیلالی) محله. ۱۲ــ قرامحله. ۱۳ــ هواله‌محله (بفتح هاء).

۲ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۲ب.

« خداوند عالم در قصبهٔ نوا درسنهٔ ۱۲۰۳ پنج اولاد ذکور به خاقان مغفور مرحمت فرمود :

نـواب محمدعلی‌میرزا از زن‌گرجیهٔ تفلیسیه ۷ شهر ربیع‌الثانـی ۱۲۰۳ .

نواب محمدقلی‌میرزا ۲۳ شهر رمضان از دختر محمدخان دائی قوانلو دائی آقا محمد خان ۱۲۰۳.

محمدولی‌میرزا غرّهٔ ماه شوال از دختر اصفهانی ۱۲۰۳.

نواب‌عباس‌میرزاچهارشنبهٔ۴ذی‌حجةالحرام ازصبیهٔ فتحعلی‌خان دولو۱۲۰۳.

نواب حسینعلی‌میرزا روزعیداضحی از صبیهٔ محمدجعفرخان عرب بسطامی ۱۲۰۳. »

صاحب روضةالصفای ناصری نام این شاهزادگان را چنین یاده کرده است :

شاهزاده نایب‌السلطنه عباس‌میرزا در چهارشنبه ذی‌حجهٔ سال۱۲۰۳ درقصبهٔ نوا از بطن صبیهٔ محترمهٔ فتحعلی‌خان قاجار دولو، برادر جان‌محمدخان و در سال ۱۲۴۹ رحلت کرد.شاهزاده محمدقلی‌میرزا پسرسوم فتحعلی شاه در شب‌هفتم ربیع‌الثانی۱۲۰۳ درقصبهٔ نوا متولدشده، والده‌اش صبیهٔ محمدخان قوینلوخان خاقان شهید وهمشیرهٔ امیرکبیراعتضادالدوله سلیمان‌خان قاجار بوده .»[1]

نقوش وخطوط سیاه‌کوه و قبله کتو[2]
در آزوی نوا

درآخر درّه نوا خرابه‌های دامنه‌دار و وسیعی‌به نام «آزو»است‌که نشان‌می‌دهد روزگاری آبادی بزرگی در اینجا بوده است . بر سر راه این آبادی ابتدا به اراضی

۱ـ روضةالصفای‌ناصری، ج۹،ص۳۴۲.   ۲ـ بفتح کاف .

سیاه‌کوه و پس‌از آن در غـرب این خرابه‌ها به‌گلردی[1] به‌نام «قبله‌کتو» برمی‌خوریم . در این دو نقطه نقوش‌وخطوطی‌است‌که ما تمام‌آنها را تقریباً بررسی‌کرده‌ایم. اعتمادـ السلطنه ظاهراً درسال ۱۲۹۸ هـ. ق. به دوپاره از این سنگها برخورده واین شرح را دربارهٔ آنها نوشته و رونویسی از آنها تهیه‌کرده است .

صورت خطوط سنگهایی که در نواست[2]

سنکی است کــه این چند کلمه درآن به این شکل :

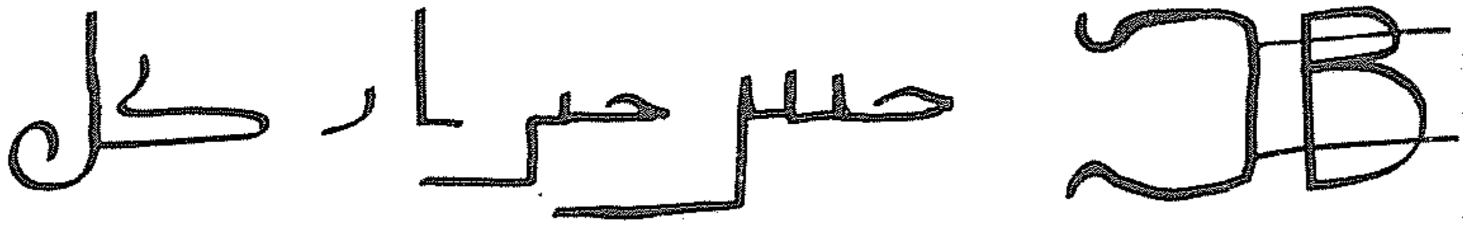

در سنگ دیگر این چند نقش بود :

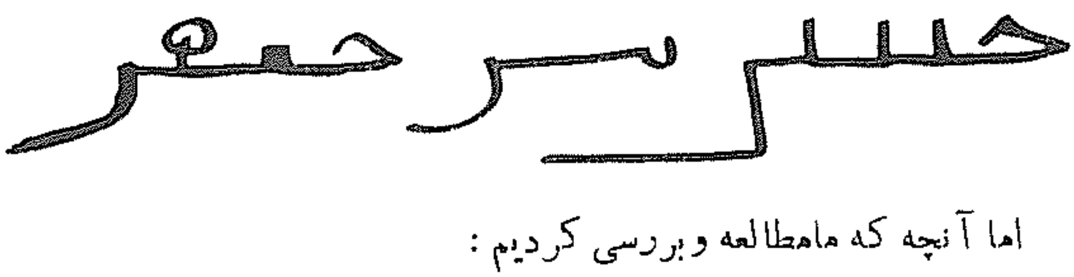

اما آنچه که ماطالعه وبررسی کردیم :

برسنگ اول در ابتدای درّهٔ سیاه‌کـوه نقوش بزو میش‌کوهی و دو نقش بدیـن ترتیب بود :

۱ــ گلرد(بفتح گاف ولام) و ولرد(بفتح واو ولام) به قسمتی از کوه گویند که سنگهای بزرگ درآن فروریخته یاغلتیده وجمع‌شده‌باشد .

۲ــ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶،ص۳۲ب .

برسنگی که در دوراهان آزو متمایل افتاده بود، نقوش زیر نقر بود :

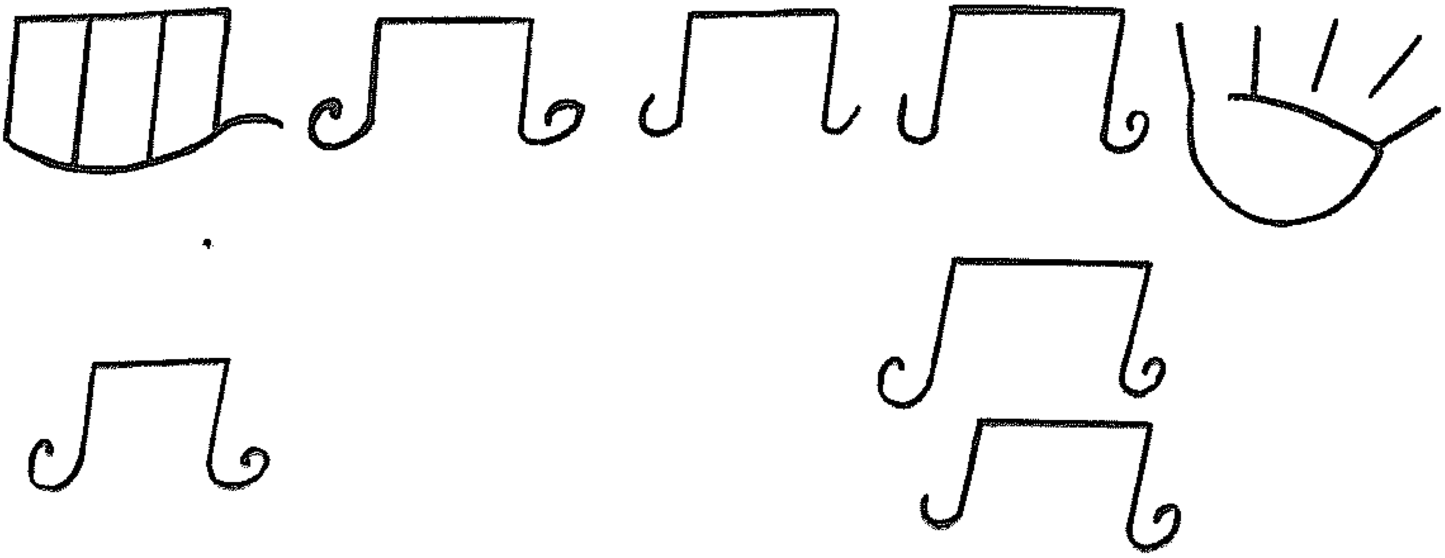

روی سنگی که افقی افتاده است :

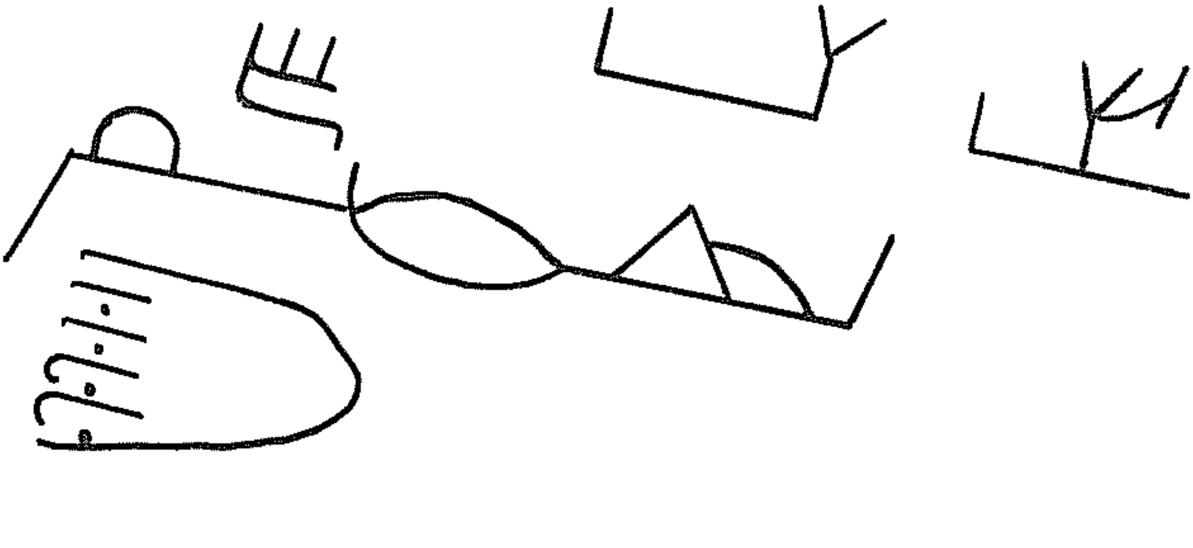

برلبهٔ دست راست این سنگ :

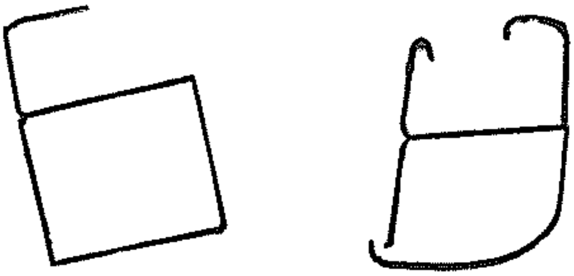

برلبهٔ دست چپ این سنگ :

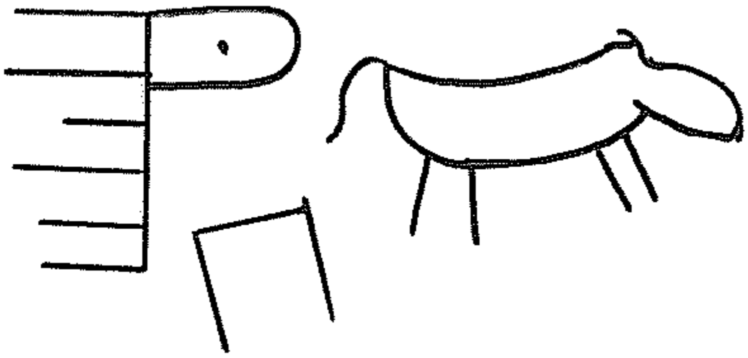

از دوراهان که گذشتیم به‌سر تخت کنار چشمه می‌رسد . لبهٔ بالای این تخت سنگی که نظیر نیمکت است ۱۲ سانتیمتر، پشتی تخت ۴۰ سانتیمتر و کف تخت ۴۵ سانتیمتر است. درازای تخت تاجایی که می‌توان حدس زد کنده‌کاری درسنگ دارد، ۲۸۰ سانتیمتر است. این حروف برطرف دست راست پشتی تخت دیده می‌شود ومابقی آن را به قصد گرفتن گنج شکسته‌اند :

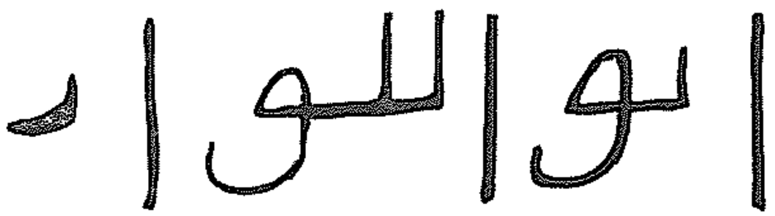

پس‌از گذشتن از سر تخت وطی مسافتی به اراضی «قبله‌کتو» کـه‌گلرد وسیع و بزرگی است می‌رسیم . در اینجا سنگهای بزرگ وکمرها رویهم ریخته‌اند و سنگی نیست‌که در اینجا نقوش وخطوط برآن نقر نشده باشد. مقداری ازآنها عکسبرداری شده ودرعکسهای‌شمارهٔ ۲۴۲ و۲۴۳ و۲۴۴ و۲۴۵ و۲۴۶ و۲۴۷ و۲۴۸ و۲۴۹ و۲۵۰و ۲۵۱ و۲۵۲ نشان داده شده‌اند .

راه آزو به شونادشت (شاهان دشت)

ازآزوی نوا راهی برای شاهان‌دشت‌است و از محلهای زیر می‌گذرد :

انجی[۱] ــ شونا ــ دجمار[۲] .

درشونا سنگهای قبور زیادی‌است که کلمات عربی برآنها حك شده است .

امامزاده زین‌العابدین
در پایین‌محلهٔ گرنا[۳] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است از سنگ وگچ . نمای خارج آن هشت‌ترك و بام آن کلاه درویشی است . در ورودی بقعه جنوبی است . ازکفش‌کن دری شرقی نیز به‌حرم باز می‌شود . در یکی ازاضلاع جنوبی، طاقنما مانندی‌است وبالای آن نورگیری تعبیه کرده‌انـد . در طرف‌غرب بقعه طاقنمای عمیقی‌است‌که به‌نام «حرم» معروف است ومی‌گویندهمسر امامزاده دراینجا به‌خاك‌سپرده شده‌است. درمحوطهٔ باز اطراف بقعه،گورستان عمومی است. درخت سفیدار کهنسالی درمحوطهٔ گورستان است . در نزدیك امامزاده‌تکیه‌ای قدیمی ومسجدی نوساز است (عکس‌شمارهٔ ۲۵۳) .

۱ــ بفتح الف . ۲ــ بکسردال . ۳ــ گرنا(بفتح گاف) ده‌ازدهستان‌بالاــ لاریجان بخش‌لاریجان شهرستان‌آمل،سه‌کیلومتری‌شمال‌رینه(فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران،ج۳) .

امامزاده قاسم
در بالاخط گرنا

بقعه‌ایست هشت‌ترك با گنبدی کلاه درویشی . در اصلی بقعه شمالی است و داخل پیش‌صحنی باز می‌شود که فعلاً استفادهٔ مسجد از آن می‌کنند . داخل بقعه مدور و سقف آن گنبدی عرقچینی است . صندوق و درها تخته‌ای ، ساده و بدون کنده‌کاری است .

درویش‌حسین
در بالاخط گرنا

بنایی است از خارج و داخل چهارگوشه . بام بنا هرم مربع‌القاعده است . مسجدی متصل به‌بناست که در ورودی آن شمالی است . در اصلی بقعه شرقی است . چهارکنج بنا را از داخل باچهارگوشوار جمع کرده‌اند و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . در ورودی بقعه دولختی است وکنده‌کاری قدیمی دارد . مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است .

در اسناد و مدارکی که در مقبرهٔ درویش تاج‌الدین حسن‌ولی به‌دست‌آمده ، از این مرد یاد شده است . درگرنا ودهکده‌های اطراف معروف به «قاضی‌سوم» است.

حمام شاه‌عباسی
در دهکدهٔ آبگرم بالا لاریجان

اعتمادالسلطنه در بارهٔ این حمام می‌نویسد :

« سنگی بالای در حمام این‌جاست ، مشهور است ازبناهای شاه‌عباسی‌است.

معلوم است سنگهای آن وقت غالباً به‌خط رقاع بوده و سنگ‌الحال ریخته و شکسته است. آنچه خوانده می‌شود :

. . . السلطان الغازی شاه . . .»

آثار حمام شاه‌عباسی تا امروز برجای است.

خرابه‌های دهکده‌ای قدیمی در اراضی آبگرم بالا لاریجان

در اراضی آبگرم آثار دهکده‌ای آباد قدیمی به‌نام «وهمن‌آباد» است. ظاهراً این دهکده براثر زلزله خراب شده است.

برج بیامه‌سی در اراضی امیرآبادآبگرم بالا لاریجان

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه دربارهٔ این برج چنین نوشته است:

« در انتهای جلگهٔ این‌آبادی (آبگرم) ، آثاری است مربع‌شکل که از سنگ‌وگچ‌ساخته‌شده دوازده ذرع‌در دوازده ذرع‌است (عکس شمارهٔ ۲۵۴). دری از سمت شمال دارد. از در که وارد می‌شوند، دیوار روبرو رامقابل درکنده‌اند، نصف دیوار خالی شده است. وسط این چهارحصار قبری‌است که در میان سنگ بیرون‌آورده‌اند. از قرار وضع مضجع، قبر مسلمان بوده است. واردآن‌قبر که می‌شوند پس ازچندقدم مضجع است. جناب امین‌الملك در این فرجه رفته، استخوان دست و پای مرده هم دیده شده بوده است. طاقی از سنگ وگچ هم روی این قبرداشته‌که الحال هم قدری ازآن طاق باقی است. سمت مشرق این چهاردیوار دره‌ایست که تقریباً

هزار وپانصد الی دوهزار ذرع عمق دارد، ته دره‌گزنك واقع است.»[۱]

این بنا که تا امروز با همان مشخصاتی کـه اعتمادالسلطنه نقل‌کـرده برجای است ظاهراً مدفن ملك‌بهمن از سلاطین استندار است . درازا و پهنای بنا از داخـل ۹۸۵ سانتیمتر است . بـلندی مدخـل ۳۲۰ سانتیمتر(عکس شمارهٔ ۲۵۵) و بلندی دیوارهای باقیمانده بیش از شش‌متر و قطر دیوارها دومتر است .

امامزاده جعفربن ربیع
در دهکدهٔ گزنگ[۲] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است هشت‌ضلعی که دو ضلع جنوبی و شمالی‌آن بزرگتر از سایراضلاع است . درازای هریك ازآنها ۲۷۲ سانتیمتر و درازای اضلاع کوچکتر هریك ۱۲۰ سانتیمتر است . بام آن فعلاً گلی است و ظاهراً بامی گنبدی داشته که ریخته است . صندوقی مشبك سادهٔ چوبین مرقد را پوشانده است . در ورودی درکفش‌کنی ساده باز می‌شود .

امامزاده نبی وگورستانی قدیمی
در دهکدهٔ گزنگ از دهکده‌های بالا لاریجان

بنای امامزاده و تقریباً تمام‌گورهای این‌گورستان قدیمی را آب هراز کند و از میان برد.

امامزاده سلطان سید محمد قرشی
در اراضی امامزاده سرگزنگ بالا لاریجان

بنایی است هشت‌ضلعی . در ورودی آن شرقی‌است و در مسجدی باز می‌شود و

۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۴ الف .

۲ـ گزنك (بفتح گاف و زاء و نون) ده از دهستان بالالاریجان بخش لاریجان شهرستان آمل ، هشت‌کیلومتری شمال رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

از در غربی نیز به مسجدی دیگر می‌توان رفت. درازای هریك از اضلاع بنا ۲۱۸ سانتیمتر است وقطر دیوار بنا ۱۴۳ سانتیمتر است. در دو ضلع شمالی و جنوبی، دو صفه است که طاقی هلالی دارند و در زیر طاقها خفنگهای نورگیر تعبیه کرده‌اند. در چهار ضلع چهار درگاه باطاق هلالی‌است و در دوضلع دیگر دو در ورودی‌شرقی‌و غربی نصب شده است. بالای این اضلاع هشتگانه را جمع‌کرده ورف مانند مدوری به‌وجود آورده‌اند. سپس در امتداد اضلاع اصلی بنا، دیواری‌که‌کمی تمایل‌به‌داخل دارد چیده و با جمع‌کردن بالای این‌دیوارکمر بندگنبدرا به‌وجود آورده‌اند وگنبدی نیز برآن زده‌اند.

نمای گنبد از خارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۵۶). قسمت هشت ترکی زیرگنبد را با نوارهایی از رنگ به‌هشت قسمت کرده و درهر قسمت نقاشیهای گل و بوته‌کشیده‌اند. دو ردیف کتیبه در همین قسمت است. ردیف بالا اشعاری از هفت بند محتشم کاشانی است وکتیبهٔ پایین شامل ابیات زیر است:

« یارب این بارگه کیست چه فردوس برین
میبرد حسرت جاروکشیش حورالعین
پر به‌پر فوج ملك بردر او چون دربان
قدسیان بر در کاشانهٔ او سوده جبین
گوئیا باغ بهشت است که آید بنظر
چه عجب روضهٔ پر نور بخلد است قرین
خردم‌گفت که‌این در زکدامین صدف است
ساخته کحل بقا خاك درش روح‌الامین
خواهی عارف شوی از نام گرامیش اگر
شاه و سلطان محمد قریشی نسب این

بـانی روضهٔ شه میرزا محمـدخان است

که بنا کـرد چنین گنبد فیروزه نگین »

برضلعی شمالی درقسمت زیرکمربند کنبد، تابلویی از رنگ و روغن ازمیرزا۔ محمدخان معروف به امیرمکرم لاریجانی‌است.

مسجد غربی

بنایی است مستطیل‌شکل (عکس شمارهٔ ۲۵۷) به درازای ۶۱۵ و پهنای ۳۴۰ سانتیمتر . ابتدا دو طاق جناقی برروی جرزهای دوطرف زده و سپس داخل‌آنهارا پر کرده و سقف‌بنا را به‌وجود آورده‌اند. در اضلاع شرقی‌و شمالی‌و غربی درهای چوبین دولختی نصب است . درضلع غربی دوچله‌خانه است. سنگ قبری بر ضلع شمالی این مسجد نصب است که عبارات زیر برآن خوانده می‌شود :

«کل شیی هالك‌الاوجهه

وفات مرحوم مغفور مبرور جنت ورضوان جایگـاه مشهدی غلامحسین والد

مرحوم مغفور مبرور جنت و رضوان‌جایگاه نوروزعلی بیگ اسکی[1] فیره[2]

مسکن بتاریخ پنجم محرم‌الحرام مطابق ۱۳۱۳ .

ای‌که بر ما بگذری دامن‌کشان از سر اخلاص الحمدی بخوان »

در دو طرف سنگ دو بیت شعرفارسی است.

مسجد شرقی

در شرق بنای اصلی امـامزاده ، مسجدی دیگر است که درازای آن ۷۱۵ و پهنایش ۶۰۰ سانتیمتر است . دو فیلپای مربع از سنگ وگچ در طول بناست که‌ابعاد

۱ـ اسك (بفتح الـف و سکـون سین وکاف) از دهکـده‌هـای بالا لاریجان است .

۲ـ فیره از دهکده‌های دلارستاق نور است .

هریك ازآنها ۹۵×۹۲ سانتیمتر است. دو ردیف طاق درطول بنا زده‌اند که‌هر ردیف آن شامل سه قسمت است.

در ضلع قبلی محرابی از داخل دیوار اصلی درآورده‌اند . دو خفنگ نورگیر نیز در این ضلع تعبیه کرده‌اند . در منتهی‌الیه غربی ضلع جنوبی ، در پای طاقچه ، سنگ قبر مرمری زرد تیره با خط خوش نستعلیق نصب است که این عبارات بر آن خوانده می‌شود :

«هوالحی‌الذی لایموت

هذا القبر للعالم الفاضل الصمدانی و جامع‌المنقول والمعقول مروج مذهب جعفری الشیخ محمدعلی‌گزانی فی‌یوم الاحد السابع والعشرین من‌شهر ربیع‌المولود فیسنة ۱۳۲۷ . »

در دو طرف سنگ :

« وفدت علی‌الکریم بغیر زاد — من‌الحسنات والقلب السلیم

و حمل‌الزاد اقبح کل شیئ — اذا کان الوفود علی‌الکریم »

وصل به دیوار شرقی این مسجد، در حیاط این بقعه چناری کهنسال است که گرداگرد تنهٔ آن بالغ بر ۳۶۵ سانتیمتر است .

امامزاده عابدین رضا

در دهکدهٔ شنگلده از دهکده‌های امیری لاریجان

بنایی است از خارج و داخل چهارگوشه ، از داخل چهار کنج آن‌را چهار ـ گوشوار زده و دهانهٔ چهارضلعی‌راگرد کرده و گنبدی مدور بر آن زده‌اند. بام بنا از خارج چهارترك است . ایوانی در سمت شمال و مسجدی در غرب این بناست (عکس

شمارهٔ ۲۵۸). در غرب بنای امامزاده گورستانی قدیمی است و درختان کهن گردو و چنار در این گورستان زیاد است.

گرداگرد تنهٔ یکی از گردوها ۳۹۶ سانتیمتر وگرداگرد چناری هفت شاخه که دارای ریشه‌ای تنهاست به دوازده‌متر می‌رسد .

امامزاده حسن
در اراضی جلیهٔ شونادشت[1] (شاهان‌دشت)[2] امیری لاریجان

بنای اصلی بقعه‌هشت ضلعی‌است که پهنای هرضلع آن ازخارج دومتر تمام‌است (عکس شمارهٔ ۲۵۹).صندوقی کوچك سادهٔ چوبین دروسط بناقبر راپوشانده‌است.این بنا که براثرزمین‌لرزه خراب شده‌بوددرسال ۱۳۵۲ش.با مخارج آقای هادی‌نژاد و کمك اهالی بازسازی شده وبام آن را که هرم مثمن‌القاعده است، حلب‌پوش کرده‌اند .

طرف غربی این بقعه آب‌هراز وطرف جنوبی آن آب‌آبشار است که از ییلاق شونا و دجمار می‌آید و پس‌ازگذشتن از اراضی یورشون‌دشت به آب‌هراز می‌پیوندد. چناری کهن‌سال نزدیك بقعه است و درختان خرمنـدی و ون (زبان گنجشك) در محوطهٔ آن زیاد است .

۱ـ شونادشت که امروز به غلط«شاهان‌دشت»می گویند یعنی دشت‌شونا و شونا دهکده‌ای قدیمی دردو سه کیلومتری‌ملك‌قلاطرف شرق بوده است که‌امروز امامزاده و گورستانی‌قدیمی درآنجا به‌جای مانده است و دمرگـان در سال ۱۳۰۷ قمری مکرر آن‌را « شونه‌دشت » خوانده است .

۲ـ شاهاندشت ده از دهستان امیری بخش لاریجان شهرستان‌آمل، ۱۵ کیلومتری شمال‌شرقی رینه ، آثار قلعه خرابه‌ای به نام ملك‌بهمن دارد . آبشارکنار قلعه‌در حدود ده سنگ و ارتفاع آن ۵۰ متر است (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ، ج ۳).

ملک‌قلا[1] = قلعهٔ شو نادشت

در جنوب دهکدهٔ شونادشت (شاهاندشت) از دهکده‌های امیری لاریجان

عظیمترین وعجیب‌ترین بنای تاریخی لاریجان « ملک‌قلا » است که به‌معنی «ملک‌قلعه» است. ظاهراً این‌قلعه به‌نام ملک بهمن آخرین سلطان‌سلسلهٔ استندارلاریجان «ملک قلا» نامیده شده است .

ملک‌بهمن پسر ملک‌کیومرث پسر ملک‌کاووس از احفاد کیومرث‌بن بیستون بن گستهم‌بن‌زیار است . درزمان حکومت شاه‌طهماسب (۹۸۴ـ۹۳۰) سه‌طبقه ازسلاطین استندار که بنی‌اعمام بودند حکومت داشته‌اند .ملک عزیز والی نور، ملک سلطان محمد والی کجور و ملک‌بهمن والی لاریجان بوده‌اند .

فرهادخان قرامانلو ـ سپه‌سالارشاه عباس ـ پس از فتح‌قلعهٔ آمل که از قلاع ملک‌بهمن بود، به‌او پیغام فرستاد و اورا به‌اطاعت شاه‌عباس دعوت کرد . ملک‌بهمن بااینکه دوسه بار به‌خدمت شاه‌عباس رفته‌بود ، باطناً خیال تسلیم نداشت . حتی ملک سلطان حسین‌لواسانی‌را که از خویشان اوبود و دم از اطاعت شاه‌عباس‌می‌زد بگرفت‌و بکشت .

فرهادخان به‌ملک‌قلاآمد وقلعه‌را به‌توپ‌بست ومشغول‌تهیهٔ‌سایرلوازم‌قلعه‌گیری شد. جماعت امیری که از سپاهیان ملک‌بهمن بودند با فرهادخان موافقتی نمودند . ملک‌بهمن دستور داد تا وردان‌امیر که رئیس ایشان بودبکشتند. جماعت امیری ازاو برمیدند و راه پنهانی قلعه‌را به‌فرهادخان نمودند .

۱ـ بفتح میم وکسرلام وفتح قاف، به معنی قلعهٔ ملک‌است که یادآور نام ملک‌بهمن‌بن ملک کیومرث‌بن ملک‌کاووس است که در سال ۱۰۰۶ قمری به‌امر شاه‌عباس اول به‌قتل‌رسید (عالم‌آرای عباسی،ص ۵۲۲).

ملك‌بهمن‌که حال‌را بدین‌منوال دید، به‌خانهٔ فرهادخان آمد و اورا دعوت به‌قلعه کرد تاحیله و تزویری درکار اوکند . فرهادخان قبول نکرد وخود اورا نیز اجازهٔ مراجعت نداد و اورا همراه خود به‌خدمت شاه‌عباس برد. شاه‌عباس ملك‌بهمن‌را به‌فرهادخان سپرد و فرهادخان به‌دست بازماندگان ملك‌حسین‌لواسانی داد تا اورا به قصاص خون‌پدر بکشتند .

ظاهراً این قلعه دراین ایام به‌نام «قلعهٔدشمنکور» خوانده می‌شده است چه روضةالصفا می‌نویسد که ملك‌کیخسرو پسر ملك بهمن ـ پس‌از قتل پدر ـ در سن‌هفده سالگی به قلعهٔ دشمنکور رفت که خزاین پدرش درآنجا بود و چون قدرت مخالفت درخودندید به‌خدمت شاه‌عباس آمد و لاریجان و دشمنکور ضبط دیوانی شاهی‌شد .[۱] این وقایع در حدود سال ۱۰۰۵ رخ داده است .

وضع کنونی قلعه

بنای قلعه برسرکوهی منفرد و نوك‌تیزاست(عکس شمارهٔ۲۶۰) که یك‌طرف‌آن درهایست که آب، بسترسنگی آن‌را به‌مرور ایام خورده وتنگی باریك‌به‌وجودآورده که منتهی‌به‌آبشاری درحدود۲۵متر می‌شود(عکس‌شمارهٔ ۲۶۱).آب این‌دره که بسیار صاف وگوار است از سرچشمه‌های شونا و دجمار شروع می‌شود و پس‌از گذشتن از آس‌تنگه وتنگهٔ آبشار و یورشون دشت ، از طرف راست به‌آب هراز می‌پیوندد و جنوب قلعه به رشتهٔ سنگی دیوار مانند به نام «مازیارکر»[۲] منتهی می‌شود . دامنهٔ شمالی مازیارکر قطعه زمینی صاف‌است‌که بادیوارهای قطورازسنگهای‌عظیم‌خشکه‌ـ چین،آنرا محصورکرده‌اند(عکس شمارهٔ۲۶۲).ظاهراً این‌قطعه‌زمین‌صاف‌که‌امروز بدل به‌باغ سیب شده است‌گردشگاه و تفرجگاه اهالی قلعه بوده است. این‌دیوارها منتهی

۱ـ روضةالصفا، ج۸، ص ۱۲۲ و۱۲۳.
۲ـ بکسر راء وکاف .

به دروازه‌ای می‌شده که معروف به‌دروازهٔ سنگی بوده است و بیرون این دروازه کـه امروز نامی از آن باقی است برجی مدور بنا کرده بوده‌اند .

از بناهای قلعـه دیوارهایی به‌ارتفاع هشت نه متر برجـای است کـه تمام از سنگ و گـچ چیده شده‌اند . در قسمت تنگـهٔ آبشار بناهـایی ازخشت قـالب بزرگ دیده شد که ظاهراً در ازمنه متأخر ساخته‌اند . چون بامهای ساختمانهای قلعه خراب شده و بالای قلعه‌را گنبد مانند کرده است، دسترسی به دیوارها و اندازه‌گیری آنها فعلاً غیرمقدور است . اطاقهـا و سایرساختمانهـای قلعه درسطوح مختلف بنا شده‌اند.هرجاییکه‌می‌توانستند قطعه‌زمین مسطحی به وجودبیاورند، اطاقی‌وپناهگاهی ساخته‌اند . برای ساختن بنیاد دیوارها وبرجهای قلعه بی‌شك استادان بنارا در زنبیل گذاشته وآویخته‌اند و مصالح بنارا نیزبا زنبیل بدایشان رسانده‌اند تا سنگهای‌اولیه پی را در دل پرتگاههای مخوف‌کار گذارند . بااینکه نگارنده قلاع کوهستانی‌البرز را مورد مطالعه قرار داده ، اما قلعه‌ای به‌این عظمت کمتر یاد دارد .

دمرگان در نهم دسامبر ۱۸۸۹ (۱۳۰۷هـ .ق.) از خرابه‌های این‌قلعهٔ مستحکم دیدن کرده و در بارهٔ آن چنین نوشته است :

« بلندی‌کوهی‌که ملك قلعه (عکس شمارهٔ ۲۶۳) برآن بنا شده‌است ۱۶۳۰ متر است وارتفاع ده شونه‌دشت به‌۱۴۱۰متر ازسطح دریا می‌رسد.این قلعه که قرنها حافظ دروازه‌های دماوند بوده است ، برروی صخره‌ای عظیم که مأمن مستحکمی بوده ، بنا شده است . صخره‌ای که این دژ برآن بنا شده است ۲۲۰ متر ازسطح اراضی دهکدهٔ شونه‌دشت بلندتر است و از سویی‌که این دژ پشت به‌کوه داده ، بندی است که بلندی آن بـه ۶۳ متر می‌رسد . تمام سطح این صخره که تقریباً سیصد متر در صد متر است می‌تواند ازآب

تنگهٔ شونا به‌حد کافی مشروب شود . ساختمانهای این قلعه یکـی بر روی دیگری و طبقه طبقه است و همچون آشیانهای عقاب به این صخره متکی است . پلکانی پیچ درپیچ در سراشیبی این صخره در دل سنگ کنده‌اند که دست یافتن به دژ با گذشتن ازآنها ، بسیار مشکل بوده است . چنانکه از بناهای قلعه پیداست ، این قلعه در یك زمان ساخته نشده است ، بلکـه مجموعه‌هایی از استحکامات است که آنهارا به‌یکدیگر مرتبط نموده‌اند . هیچ فضایی بی‌مصرف و بیهوده نمانده است . برکوچکترین زوایا برجی و دیواری ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۲۶۴) .

دفاع این قلعه ازچهار جهت مورد مطالعه وبررسی قرارگرفته و به‌دقت‌زیاد تـدارك آن را دیـده‌اند . بـاره و حصارهای اصلـی در جبهـهٔ جنوبـی یکـی بالای دیگـری قـرار گـرفته و بلندی آنها به ۶۵ متر می‌رسد . ضخامت دیوارها در این قسمت به‌دو متر و سه متر می‌رسد و در زیر آنها پرتگاههای ترسناکی به‌وجود آمده است . قطر دیوارهای طرف‌کوه بیش‌از یك‌متر نیست. طبقات مختلف‌این‌بنا به‌وسیلهٔ پلکانها وراهروهای‌زیرزمینی به یکدیگر مرتبط بوده‌اند . این راهروها امروز مسدود شده‌اند ولی‌آثار آنها برجای است . پلکانی‌که به ارگ قلعه می‌رفته برجـای است و درازای آن بیست تا سی متر است . آثار پله‌هایی در روی صخره‌ای کـه شیب ۳۰ درجه دارد و به داخل قلعه می‌آمده است برقرار است . قسمت پایین این پلکان از میان رفته است . باروها و برجها ودیوار بناها و درگاهها، چهار‌ـ گوشه و زاویه دارند وکوچکترین اثری ازنمای بیضی یا هلالی در بنادیده نمی‌شود. کتیبه و آثار نقاشی دراین بنا نبود.این‌قلعه دست‌کم دوبارگرفتار آتش‌سوزی شده است. در باروها وحصارها هنوزسنگهای سوخته ودود زده

که نشان آتش‌سوزی است دیــده می‌شود . پس از نخستین ویرانــی ظاهراً قسمتهای مختلف را از نــو ساخته‌اند . قسمتهای قدیمی‌تر بنا از سنگهای تراشیده و آهك بنا شده است. در بارهٔ تاریخ ساختمان قسمتهای‌قدیمی‌بنا، اظهار نظری نمی‌توان کرد . به‌موجب قطعات سفالی‌که در خرابه‌های قلعه دیده شد آخرین خرابی‌و ویرانی آن باید در حدود قرن چهاردهم (هشتم هجری)باشد . در اطراف قلعه نشانی از بناهای خراب است .»[۱]

برج نگهبانی قلعه
در جنوب‌غربی قلعه در اراضی سنگ دروازه

برجی از سنگ وگچ که یك‌چهارم آن برجای مانده در جنوب غربی ملك‌قلا بر دامن رشتهٔ مازیارکر بنا شده است . این برج که مسلط بر راه قدیم آمــل است برج دیدبانی قلعه است ، تا در مواقع مخاطره اهالی قلعه را خبردار کنند .

برج گنبدسی
در اراضی‌گنبدسی شونادشت (شاهان دشت) امیری‌لاریجان

در اراضی گنبدسی‌کــه در شمال قلعه قرار می‌گیرد ، در فــاصلهٔ سه‌کیلومتری قلعه برجی از سنگ و گچ است که روزی طاقی گنبدی داشته است . محیط داخلی برج ۱۷/۳۰ متر و پهنای دیــوار آن در یك‌متری کف اصلی بنا ۸۰ سانتیمتر و بلندی برج تا زیر لبهٔ طاق ۶۵ سانتیمتر است . با لبه‌ای سنگی دور دایــرهٔ بنا را جمع کرده و سقفی گنبدی برآن زده بوده‌اند(عکس شماره ۲۶۵) . قسمتی از سقف آن که از سنگ وگچ بنا شده بوده است تا امروز باقی است .

۱ــ هیأت علمی فرانسه در ایران ، ترجمهٔ کاظم ودیعی ، صفحــات ۲۴۱ـ۲۴۶ بــا دخل و تصرف و مقابله .

این بنا سه در ورودی به‌طرف شرق‌و غرب و شمال دارد. پهنای درهای شرقی‌و غربی ۷۰ سانتیمتر و پهنای در شمالی ۹۰ سانتیمتر است . چون طـاق درگاهها را خراب کرده بودند بلندی درهای ورودی معلوم نشد . مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است و داخل و خارج آن را با گچ ماله‌کشی کـرده‌اند . رنگهای مختلف گچهای داخلی و قشرهای آن نشان می‌دهد که این بنا دو سه بار تعمیر شده است . ظـاهراً مدفن یکی از بزرگان محل بوده است .

درویش الیاس

در آس‌تنگهٔ شونادشت (شاهان‌دشت) امیری‌لاریجان

بنای اصلی بقعه از داخل چهارگوشه و ابعادآن ۲۲۲ سانتیمتراست. در ورودی شرقی است و پهنای آن از داخل چهارچوب ۶۰ و بلندی آن ۱۲۲ سانتیمتر است . این در به داخل مسجدی باز می‌شود . طرف قبلی بنا طاقچه‌ای است کـه سوراخی نورگیر به خارج دارد . طرف غربی‌و شمالی طاقچه‌هایی در وسط اضلاع ساخته‌اند. بالای در ورودی رف مانندی باطاق جناغی است . قبری در وسط بناست که صندوقی کنده‌کاری داشته که به علت آتش‌سوزی از میان رفته است . بدنهٔ شمالی صندوق به پهنای ۹۰ و درازای ۱۶۰سانتیمتر باقی است (عکس شمارهٔ۲۶۷) .این صندوق مورخ ۹۲۰ قمری بوده است و آیاتی از قرآن‌مجید برحواشی بدنهٔ جنوبی حك شده بـوده است .

درازای مسجدی که در شرق بنای‌اصلی است ۴۸۰ و پهنای آن ۳۱۰ سانتیمتر است. سقف آن هلالی‌است و با سنگ و گچ زده شده است . دو صفه در ضلع شمالی‌و دو صفه در ضلع جنوبی است که یکی ازآنها را بعداً به بخاری تبدیل کرده‌اند .

نمای خارجی اصلی بقعه هشت ضلعی است و گنبدی کلاه‌درویشی کوتاه دارد

(عکس شمارهٔ ۲۶۸). بام مسجد شیروانی مانند است که روی آن را با سنگ لونه پوشانده‌اند. (عکس شمارهٔ ۲۶۹) .

مصالح اصلی بنا سنگ و ساروج است که به جای خاکستر داخل ساروج آن زغال‌چوب زده‌اند. نمای خارج بنای بقعه و مسجد گچ ماله‌کشی است .

غریب‌شاه

بقعه‌ای قدیمی بوده است که به تازگی آن را نوسازی کرده‌اند . بنای اصلی اطاقی است چهار گوشه که صندوقی چوبین ساده در میان‌آن بر روی قبر قراردارد. ایوانی در جلوی اطاق است .

باقی بناها و آثار تاریخی شونادشت (شاهان‌دشت)

۱ــ گورستانی قدیمی در ییلاق شونا .
۲ــ بقعهٔ سیدقوام‌الدین در گورستان وسط‌آبادی شونادشت .

برج گبری
نزدیك دهکدهٔ وانه از دهکده‌های امیری لاریجان

برجی است به شکل مخروط ناقص باگنبدی مخروطی . دمرگان دربارهٔ آن نوشته است :

«کمی دورتر از دهکدهٔ وانه برجی‌است‌که‌آن‌را به‌گبرها‌نسبت می‌دهند. طرح بنای آن جالب توجه است »[1] .(عکس شمارهٔ ۲۷۰)[2].

۱ــ هیأت علمی فرانسه در ایران ، ترجمهٔ کاظم ودیعی ، ص ۲۴۱ . ۲ــ طرح دمرگان از برج‌گبری‌وانه . به‌صفحهٔ ۱۹۱ متن فرانسه مراجعه شود .

امامزاده عبدالله

در دهکدهٔ وانه از دهکده‌های امیری لاریجان

بنایی‌است هشت‌ترك که پهنای هر ترك آن از داخل۱۵۴سانتیمتراست. برهرضلع داخلی غیراز ضلعی‌که در ورودی امامزاده درآن‌است، طاقنمای‌بلندی‌است‌که تا زیر کمربندگنبدمی‌رود و بالای‌کمربند، گنبدی توسری‌خورده زده‌اند که‌وسط‌آن‌بارنگ‌و روغن، ستاره‌ای هشت‌پر رسم‌کرده‌اند (عکس‌شمارهٔ۲۷۱). سپس گنبدرا به‌چهارقسمت کرده و چهار بوته جیقه در هر قسمت کشیده‌اند و داخل آنها را با نقوش خورشید و ملائکه و گل و بوته پرکرده‌اند . در زیرکمربند گنبد نیز اشکالی از پرندگان باسر آدمی‌و شیرو اژدها با رنگ‌و روغن نقاشی شده است.

برکمربند گنبد کتیبه‌ایست که هر مصراع را درمستطیلی تحریرکرده‌اند. اشعار این‌کتیبه به‌این شرح است :

« این بارگاه کیست که پیوسته از زمین
نورش رود به کنگرهٔ چرخ چارمین
این بارگاه کیست که از بهر خدمتش
جمعی ملك ستاده فوجی ز حور عین
این بارگاه کیست که جاروب درگهش
مژگان جمله شاه و گدا سوده بر زمین
ای زادهٔ امام برادر ترا امام
بنما نظر به مهدی سلطان بی‌قرین »

در وسط بنا ، صندوقی قاب وآلت ساده است که دورآن ضریح چوبین مشبك بسیار ظریف به درازای ۲۲۵ و پهنای ۱۷۲ و بلندی ۱۳۴ سانتیمتراست .

بنا از خارج نیز هشت‌ترك است و پهنای ترکها میان ۲۳۲ و ۲۴۶ سانتیمتر است . یعنی ترکها یکی‌در میان برابرند . درمیان ترکهای خارجی نیز طاقنماهایی به‌دهانهٔ ۸۴ سانتیمتر ساخته شده است .

اهالی محل گنبد قدیمی آن‌را که یکی از گنبدهای زیبای مازندران بود(عکس شمارهٔ ۲۷۲) درسال ۱۳۵۳ خراب‌کردند وگنبدی تقریباً پیازی بی‌قواره (عکس شمارهٔ ۲۷۳) برای آن ساخته‌اند . چنانکه از برداشت کار معلوم بود قصد داشتند تمام بدنهٔ آن‌را موزائیك‌کاری کنند . عجیب است‌که تا امروزهم دستگاهی نیست که جلو این خرابکاریها را بگیرد .

مسجدی تازه‌ساز درضلع شمالی بناست و در ورودی امامزاده درآن‌بازمی‌شود.

امامزاده ابراهیم

در دهکدهٔ دینان[۱] از دهکده‌های امیری لاریجان

بنای بقعه از داخل چهارگوشه است که هرضلع آن ۳۰۷ سانتیمتر درازا دارد. چهارکنج بنارا با چهارگوشوار جمع کرده و تبدیل به هشت ضلعی نموده و گنبدی توسری خورده برآن زده‌اند.درحاشیه‌ای‌که ازپایین‌گوشوارها شروع می‌شود وسراسر طاق، نقش‌و نگار دارد . میان‌گنبد نقشی دایره‌ای و سپس بانوارهای رنگین‌گنبد را به‌هشت قسمت‌کرده و داخل قسمتهارا‌گل‌اندازی‌کرده و اسلیمیهای رنگین‌کشیده‌اند. در ورودی شرقی است و بالای آن خفنگی نورگیر نصب‌کرده‌اند .

۱ـ دینان ده از دهستان امیری‌بخش لاریجان۲۰ کیلومتری شمال‌خاوری‌رینه(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). محلات دهکدهٔ دینان بدین‌ترتیب‌اند:
۱ـ پاشامحله. ۲ـ چاله‌باغ. ۳ـ کلان(کلون)محله. ۴ـ توبن(بضم‌تاءوسکون واو وکسر باء) .

در ضلع قبلی نیز دری داردکه به‌انباری باز می‌شود. در دو ضلع شمالی وغربی دوطاقچه با طاق جناقی است .

در وسط بنا صندوقی از قاب وآلت مرقد را پوشانده است . در این صندوق تخته‌های قاب‌را درمیان آلتهای چوبین سیاه‌رنگ قرارداده‌اند. بنااز‌خارج‌هشت‌ترك‌و بام‌آن گنبدی کلاه‌درویشی است . ایوانی در سمت شمالی بقعه‌است که جلوآن چهار فیلپای آجری است (عکس شمارهٔ ۲۷۴) . گورستانی قدیمی در شمال و شرق بنای امامزاده است .

در ورودی بقعه دولختی است و درکفش‌کنی‌باز می‌شود. هرلنگهٔ آن ازیك‌پاره الوار است . پهنای هرلنگه ۷۳ و بلندی آن ۱۵۳ سانتیمتراست.

کتیبه‌های زیر برآنها دیده می‌شود :

بربالای لنگهٔ سمت راست در سه سطر:

«برتربت غریبت چون‌بگذرندخلایق
ازصدق دل بخوانند الحمدوقل‌هوالله
یادگاری میرمحمدشفیع در ماه ذی‌قعدهٔ سنهٔ ۱۲۲۳ .»

بربالای لنگهٔ سمت‌راست در سه سطر :

« تاریخ درقبل ازین سنهٔ ۸۹۸
هرکه بر درگهت از روی تکبر گذرد
بی‌شك از پای درآید بیقین سر بنهد »

باقی متن دولنگه گل‌اندازی رنگین است.

صندوق بقعه به‌درازای ۱۸۸ و پهنای ۱۲۶و بلندی ۱۳۳ سانتیمتر است. این عبارات و آیات برآن حك‌شده است:

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع شرقی :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله رب‌العالمین ـ تا ـ ولاالضالین. »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع جنوبی :

« لااله الاهوالحی ـ تا ـ حفظهما و هوالعلی‌العظیم. »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع‌غربی :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد ـ تا ـ کفواً احد . »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع شمالی :

« حرره سید آقابزرگ فی شهرصفرسنهٔ ۱۲۰۴ ـ ابراهیم‌بن روح‌الله ابن زرین‌کیاابن جعفرابن موسی‌ابن محمدتقی ع ـ عمل نجّاری ازسید جعفر نیاکی استادزمان است .»

امامزاده روح‌الله

در دهکدهٔ دینان از دهکده‌های امیری لاریجان

بنای بقعهٔ امامزاده روح‌الله در شمال امامزاده ابراهیم‌است ، ازنسب‌نامه‌ای که برصندوق امامزاده ابراهیم حك شده است معلوم می‌شودکه روح‌الله پدر ابراهیم وپسر زرین‌کیا است . ابعاد بنا ۲۳۷ × ۲۴۹ سانتیمتر است . از داخل‌گنبدی‌توسری‌خورده دارد و گنبد خارجی قدیمی آن از میان رفته و فعلاً مأذنه‌ای به جای آن برگنبد داخلی ساخته‌اند. درگورستان قدیمی اطراف این دو بقعه، چناری کهنسال است که گرداگرد تنهٔ‌آن هفت متر تمام‌است .

باقی بناها و آثار تاریخی امیری لاریجان

۱ـ امامزاده‌ای در دهکدهٔ‌آخای امیری .

بند بریده
در زمان ناصرالدین‌شاه

اعتمادالسلطنه در بارهٔ بندبریده مطالب زیررا در سال ۱۲۹۲ قمری نوشته است :

« باز جاهای بدگذشتیم . به بندی رسیدیم‌که از همه سخت‌تر بود . انصافاً خوب ساخته‌اند . راه قدیم لاریجان ازطرف راست پیدا بود . بهیچوجه‌راه نبود . کوه‌که یك‌پارچه سنگ بود وصاف(عکس‌شمارهٔ ۲۷۵). از وسط‌دامنهٔ این‌کوه با آهك وسنگ سکوئی بسته‌اندکه پی وپایهٔ سکو به‌زمین‌نرسیده . معلق است میان زمین و آسمان (عکس شمارهٔ ۲۷۶ و ۲۷۷). از روی‌این سکوها که عرض زیادتر از یك‌چارك نبود ، سابق عبور قوافل و مترددین مازندران بود . حالا طوری ساخته شده که‌کالسکه عبور می‌کند. در این تنگه تمثال مبارك شاه را بروی سنگ حجاری کرده است ، سواره باللباس رسمی . حسنعلی‌خان وزیر فواید هم پیاده ایستاده راپورت راه را عرض می‌کنند.»[۱]

شکل شاه
در تنگهٔ بندبریده

در تنگهٔ بندبریده ، برسمت چپ‌آب هراز، تمثال و کتیبه‌ای ازناصرالدین‌شاه برجای مانده‌است. بلندی‌آن ازکف فعلی جاده تازیر نقش ۲۷۰سانتیمتراست. درازای این‌نقش وکتیبه‌ها هشت‌متر تمام وپهنای‌کتیبه‌ها که دور می‌چرخد ۳٤سانتیمتر وعمق

۱ــ روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه ، ص ۵۵ .

قسمت پایین شکل ۱۶۰ سانتیمتر است .

در شکل شاه ناصرالدین‌شاه در وسط براسب سوار است و پنج‌تن از درباریان طرف راست و پنج‌تن طرف چپ او حجاری شده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۷۸) .

این ابیات بر اطراف این‌شکل حك شده است :

سطر بالا :

« در روزگار ناصردین شاه کامکار
کزعدل راه راست طلبکرد و یافت کام
امرش بهر طریق صراطی است مستقیم
امنش بهر فریق نشاطی است مستدام
منت خدایرا که ز تأیید خود چنین
شاهنشهی گزید مؤید بر اتام
شاهان دهر نامورند از برای مال
وین پادشاه مال فشاند از برای نام
هر کار خام عاقبت الامر پخته کرد
از بسکه زرّ پخته برافشاند و سیم خام
در راه لارجان که دژم بود کار جان
گاه عبور قافله از غفلت تمام »

سطر سمت راست سنگ :

« بیغولهٔ که گاه گذر غول سهمگین
اول سرود بسمله آنگه نهاد گام
از سهم مار گرزه نکردند زو گذر
وز هول‌شیر شرزه نجست اندرو کنام »

سطر افقی پایین :

« راهی که گر بریده‌شدن خواستی زاو
گفتی بپای خود نرود کس بسوی دام
در شاهنامه نیز ز زالی فسانه گوست
افسانهٔ که عبره در او کرد پور سام
بآسایش رعیت مازندران زمین
آراست حکم ساری شاهنشه اینمقام
بکشوده شد چو کف کریم ملك بملك
راهی که بسته بود چو پیشانی لئام
حجار ز امر خسرو فرهادسان به‌سنگ
تمثال کرد از شه پرویز احتشام
خور بی‌کله زکوه ادا برنمود رخ
چون تاج شهریار پدید آمد از رخام
تاریخ آن بامر شهنشاه خسواستند
چون بود خاص خدمت مداحی اینغلام
محمدحسین میرزای مهندس راقمه ابوالفضل ساوجی
عام بناش خامهٔ رضوان نوشت و خواند

. . . .

وسط سنگ زیر سم اسب ناصرالدین‌شاه عبارت زیر است :

« عمل کمترین علی‌اکبر فی سنة ۱۲۹۵ . »

پلی از سنگ و ساروج
نزدیك به انتهای تنگهٔ بندبریده

نزدیك به دهانهٔ شمالی تونلی که در سمت راست تنگهٔ بندبریده زده‌اند، پلی آهنی است که می‌توان باگذشتن از روی‌آن به‌دست چپ آب هراز رسید . در حدود یك‌کیلومتر که درجادهٔ سمت چپ آب هراز روبه‌جنوب رفتیم به پلی خراب می‌رسیم پایهٔ سمت راست‌آن و مقداری از هلال طاق آن تا امروز باقی است . راه قدیمی که ظاهراً مربوط به دوران ساسانی است ، از سمت راست آب هراز با گذشتن ازاین پل به‌سمت چپ آب می‌آمده است (عکس شمارهٔ ۲۷۹) . مقداری از راه قدیم ، برسمت راست آب که به‌این پل‌منتهی می‌شود، برбالای دیواری از سنگ وگچ دیده می‌شود.

پل قلابن[۱]
میان قهوه‌خانهٔ بایجان و آب‌گرم استرابکو (استراباکو)

نزدیك به بهمن‌گیری که در شمال قهوه‌خانهٔ قلابن است پایه‌های پلی قدیمی تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۲۸۰) . مصالح پل، سنگ و ملاط ساروج بوده است . پایه‌ها برکمرهایی از سنگ استوارند . پلی یك‌دهانه برروی این دو پایه زده بوده‌اند . فاصلهٔ میان دو پایه ۱۸ متر تمام است .

۱ــ بفتح قاف و ضم باء .

امامزاده هفت‌تنان

در دهکدهٔ هفت‌تنان[1] از دهکده‌های بهرستاق لاریجان

در ورودی اصلی بقعه به بلندی ۱۹۸ و پهنای هر لنگهٔ آن ۶۱ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۱). هر دو لنگه دارای پاشنه‌های گردان‌است . برروی لنگهٔ سمت راست عبارات زیر خوانده می‌شود :

« صاحب‌الخیرات هذا‌الباب والعمارات ملک‌سلطان حسین واخوه ملک‌بهمن ابن‌کیومرث مع‌والدة سیمین خونرا (؟)بنت‌ملک‌بهمن فی‌شهر ذوالحجه سنة سبعین وتسعمایه » (عکس شمارهٔ ۲۸۲) .

این در به‌کفش‌کنی باز می‌شود که در امتداد شمال و جنوب‌است . درازای‌آن ده‌متر و پهنای آن ۲۰۸ سانتیمتر است که سه مدخل به‌مسجد طرف شرقی دارد.

مسجد

در میان مسجد شش‌فیلپا در دو ردیف سه‌تایی است . ابتدا برروی فیلپاها و دیوارهای جنبی طاقهای جناغی زده و سپس قسمتهای خالی میان طاقهارا گنبدوار پر کرده‌اند. درضلع‌جنوبی مسجد، محرابی در دیوار دیده می‌شود که بالای‌آن خفنگی نورگیراست .

در انتهای ضلع‌غربی کفش‌کن، دری دولختی است که به اطاقی چهارگوشه باز می‌شود . با در نظرگرفتن چهارچوب، بلندی‌آن ۱۴۴ و پهنایش ۹۵ سانتیمتر است .

۱ــ هفت‌تنان ده از دهستان بهرستاق بخش لاریجان شهرستان آمل، ۲۴ کیلومتری شمال شرقی رینه ، چهارکیلومتری مشرق بایجان (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

لنگه‌ها دارای کنده‌کاری بسیارظریف و پرکار است. برکلگی چهارچوب این درکتیبهٔ زیر است.

« نادعلیاً مظهرالعجایب ــ تا ــ یاعلی یاعلی یاعلی لافتا الا علی لاسیف الا ذوالفقار .»

اطاق مزبور به‌ابعاد ۲۶۲ × ۲۲۵ است . طاقی کوتاه وگنبدی دارد . در عرض اطاق صفه‌ای باطاق هلالی دیده می‌شود.

در پهنای شمالی کفش‌کن، در ورودی اصلی بقعه است. بلندی آن ۵ر۱۶۲ و پهنای آن ۵ر۳۸ سانتیمتر است. هردولنگه برروی پاشنه‌هایی گردان هستند.

عبارات زیر بر قسمت بالای لنگهٔ سمت راست است :

«امامزاده‌های واجب التعظیم والتکریم امامزاده نبی وولی ومالك ومعصوم وکنانه.»

برقسمت بالای لنگهٔ سمت چپ این عبارات خوانده می‌شود :

« ویسعه و خدیجه ایشان فرزندان هادی بن موسی کاظم‌اند صلوات‌الله علیه و علیهم اجمعین برحمتك .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌راست عبارات زیرحك شده است :

« وقف کنندهٔ هذه‌الباب خواجه کمال‌الدین بن خواجه‌زرین کمرمونی[۱] المعروف بصالحانی[۲] فی‌تاریخ ۹۸۱.»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌چپ کتیبهٔ زیر است :

« عمل استاد شرفالدین ابن‌افضل صوفی نقّار لباسانی و بابوحسین وزرین‌ـ کمروخوجه‌نی یادگاری خوتون حانیه یعقوب مانی[۳] مراة ما(؟)»

۱ـ مون ده ازدهستان بالالاریجان‌بخش لاریجان شهرستان آمل، چهارکیلومتری شمال شرقی رینه(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲ـ صالحان ده ازدهستان توابع کجور بخش‌مرکزی شهرستان نوشهر ،شش‌کیلومتری جنوب‌شرقی کجور(فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران، ج ۳). ۳ـ ظاهراً منظور نویسنده مونی بوده که به‌لفظ قلم نوشته است .

از این‌در به بنای اصلی بقعه وارد می‌شویم‌که هشت‌ترك دو بدومساوی است و قطر جنوب به شمال بلندتر از قطرشرق به غرب است . در میان ترکها طاقنماهایی با طاق جناغی‌است که از پایین تا زیر گنبد می‌رود . درطرفین‌بالای طاقنماها، ابیاتی فارسی نوشته‌اند که درست خوانده نشد. در ضلع شرقی و غربی خفنگهای نورگیر چوبین مشبك است . قطردیوار بنا ۱۵۴ سانتیمتر است. سقف‌بنا از داخل‌گنبدی واز خارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی‌است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۳).

صندوقی بسیاربزرگ در وسط این‌بناست که‌گور هفت‌تن از امامزادگان را پوشانده‌است. میان صندوقهای بررسی شده تاکنون صندوقی به‌این بزرگی دیده نشده است . درازای آن ۵۷۷ و پهنایش ۱۹۳ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتراست.

این کتیبه‌ها برچهار طرف آن حك شده‌است :

بر قسمت بالای ضلع شرقی صندوق:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس‌والقرآن الحکیم ـتاـ وجعلنامن[1] الله محمد علی . »

برقسمت بالای ضلع قبلی دنبالهٔ آیات بدین‌ترتیب است:

« خلفهم سداً ـ تاـ ام لم‌تنذرهم لایؤمنون.»[2]

برقسمت بالای ضلع غربی :

« بین‌ایدیهم سداً ـتاـ القریه اذجاءها المرسلون.»[3]

برقسمت بالای ضلع شمالی :

« اذ ارسلنا علیهم‌اثنین ـتاـ قالواماانتم الابشر مثلنا.»[4]

۱ـ سورهٔ یس، ۳۶ ، آیات ۱تا۹ . ۲ـ سورهٔ یس ، ۳۶ ، آیات ۹ و ۱۰ .

۳ـ سورهٔیس،۳۶، آیات ۱۱تا۱۳. ۴ـ سورهٔ یس، ۳۶، آیات ۱۴ و ۱۵.

برقسمت پایین ضلع شرقی عبارات زیراست :

« نصرمن‌الله و فتح‌قریب و بشرالمؤمنین یامحمد. »

این قسمت ظاهراً نسبت به‌سایر کنده‌کاریهای صندوق تازه‌تراست .

« صاحب‌الخیرات هذاالقبر خواجه کمال‌الدین مونی مع ولدها خصوصاً بابو حسین وزرینکمر و مراد مونی المعروف بصالحـانی‌عمـل بابوشاه‌ابن جلال‌الدین نجّار دماوندی و استاد ضحاك در تاریخ محرم‌الحرام‌سنة تسع سبعین[و] تسعمایه .»

برقسمت پایین ضلع قبلی عبارات زیرحك شده است :

« نادعلیاً مظهرالعجایب ــ تاـ یاعلی یاعلی یاعلی
عمل استادضحاك‌ابن‌استاد حسین نجّار اروی . »

برقسمت پایین ضلع غربی صلوات‌کبیر بدین‌ترتیب حك شده است :

« اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفا وصل‌علی‌علی‌المرتضا وصل علی فاطمةالزهرا وصل علی حسن‌الرضا وصل‌علی‌حسین‌کربلا وصل‌علی‌زین‌العابدین وصل‌علی محمدالباقر وصل‌علی جعفرالصادق وصل‌علی موسی‌کاظم‌وصل‌علی‌موسی‌الرضا وصل علی محمدالتقی وصل‌علی علی‌النقی . »

برقسمت پایین ضلع شمالی دنبالهٔ‌آن بدین‌ترتیب حك شده است :

«وصل علی‌حسن‌العسکری وصل‌علی امام محمدمهدی صاحب‌الزمان صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین.»

سنگهای‌قبوری که‌در کفش کن است

بر دیوار غربی کفش‌کن سه‌سنگ قبر به شرح زیر نصب شده است:

«وفات‌مرحوم محرم ولدمرحوم‌کربلائی‌جمال‌بهرستاقی‌نوسرمسکن بتاریخ

آذرماه قدیم سنهٔ ۱۲۲۹.»

« وفات مرحوم کربلائی قربان ولد مرحوم زکی ۱۲۷۸. »

« وفات مرحوم صفرسلمانی [شکستگی‌سنگ] سنهٔ ۱۲۸۰.»

« وفات مرحوم عباسقلی ولد حاجی قربانعلی سنهٔ ۱۲۹۳. »

مرقد آقا ملاحسین نوسری

در جنوب غربی بنای اصلی بقعهٔ هفت‌تنان بقعهٔ کوچکتری است که از داخل هشت‌ترك و از بیرون چهارترك است. سقف‌آن از داخل گنبدی‌است توسری‌خورده و از بیرون هشت‌ترك است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۴). داخل این بنا آقاملا حسین‌نوسری به خاك سپرده شده است.

امامزاده زین[1]علی

در دهکدهٔ لوت[2] از دهکده‌های بهرستاق لاریجان

ظاهراً بنایی است هشت‌ترك و گنبدی هشت‌ترك کلاه درویشی دارد. نگارنده به علت بوران شدید موفق به دیدن‌آن نشد.

قلابن[3]

در اراضی قلابن پایین لاریجان

در فاصلهٔ میان قهوه‌خانهٔ قلابن وآب‌گرم «استرابکو» (استراباکو) برطرف‌دست چپ آب هراز بربالای دامنه‌ای خاکی بنایی است که قدمت‌آن به‌دوران قبل ازاسلام

۱ـ بکسر زاء و سکون باء وکسرنون. ۲ـ در فرهنگ جغرافیایی ایران این کلمه‌را با طاء مؤلف نوشته‌اند. ۳ـ بفتح قاف و ضم باء.

می‌رسد . درازای آن ۱۲٫۷۰ و پهنایش ۹٫۲۵ متر است. این بنا پرستشگاه یامسکن پیشوایان دینی بوده است . پی‌بنا و قسمتی ازپایهٔ بنا از سنگ شکسته و ملاط گچ و بقیهٔ آن تا بام طبقهٔ دوم از خشتهای خام به ابعاد ۵٫۵ × ۲۰ × ۲۰ و ۸ × ۳۶ × ۳۶ سانتیمتر ساخته شده‌است (عکسهای شمارهٔ ۲۸۵ و ۲۸۶). قسمتی ازدو ضلع شمالی و شرقی بنا برکمری استوار است .

در ضلع شمالی صفه‌ای با طاق جناغی است که دهانهٔ آن ۳۳۰ سانتیمتر است . دیوار این قسمت پس از پایهٔ سنگی ، خشت با ملاط گل است . دو طرف پایهٔ طاق‌را چوبهایی چهار نبش‌کار کرده‌و طاق صفه‌را برروی چوبها، باخشت وگچ زده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۸۷) . انتهای این‌صفه کمری‌است که ازآن یادکردیم . در قسمت شمالی ضلع شرقی صفه‌ای به دهانهٔ ۳۳۵ و ۲۶۰ سانتیمتراست که باز منتهی به‌همان کمر می‌شود. به همان سبك صفهٔ ضلع شمالی، در این صفه نیز طاق زده‌اند . دیوار صفه سفیدکاری داشته که ظاهراً در ادوار بعد روی‌آن‌را کاهگل‌کشیده‌اند . کف این‌صفه سنگ‌چین با ملاط گچ است . دنبالهٔ صفه، باقی ضلع دیوار شرقی است .

مدخل اصلی بنا درضلع جنوبی بوده است که ظـاهراً به‌طبقهٔ پایین و بالا راه داشته است . این قسمت بنارا طوری کندوکاو کرده بودندکه آثار آن کم وبیش محو شده بود . از طبقهٔ بالا دیواری به درازای ۳۶۰ و قطر ۹۵ سانتیمتر تا امروز (دی‌ماه ۱۳۵۳) برجای‌است (عکس شمارهٔ ۲۸۸). در اطراف بنا تا فاصلهٔ زیادی‌تکه سفالهای ادوار مختلف فراوان است . پاره سفالی با لبهٔ دوران پارتی دیده شد.

در جنوب این بنا، به فاصلهٔ صدمتری، کمری عظیم بوده‌است کـه روی آن‌را تراشیده و صاف کـرده و سطحی به‌ابعاد ۲۶۰ × ۲۸۰ سانتیمتر به‌وجود آورده‌اند . برروی این سطح صاف ناوی‌کنده و چهارگوشه‌ای به ابعاد ۱۴۵ سانتیمتر ساخته‌اند . دهانهٔ ناو در سطح سنگ ۲۱ و عمق آن ۲۷ سانتیمتراست (عکس‌شمارهٔ۲۸۹). دهانهٔ

ناو گشادتر از ته و کف آن است . دوپله درسمت غربی سنگ درآورده‌اند ، درازای آنها ۴۶ و پهنایشان ۲۵ و بلندیشان ۲۸ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۹۰) . ایـن سنگ‌را سیدقربان شاهاندشتی درحدود چهل‌سال قبل بادیلم وباروت، به‌قصدگنج‌یابی شکسته است .

در شمال این بنا و دامنهٔ تپه وکوه نزدیك به‌آن ، بقایای بناهـا و دیوارهای اطراف آنها که با سنگ چیده شده‌اند دیـده می‌شود و نزدیك به‌این بناهـا پله‌های سنگ‌چین شده که از شمال به جنوب امتداد دارد فراوان است (عکسهای شمـارهٔ ۲۹۱ و ۲۹۲) .

کلاه‌فرنگی
در علی‌آباد لاریجان

مقابل قهوه‌خانهٔ پنجو، برطرف راست‌آب هراز، بنایی دوطبقهٔ‌ظریف و زیباست که‌به‌نام‌کلاه‌فرنگی معروف است (عکس‌شمارهٔ‌۲۹۳). این‌بنارا میرزا محمدخان امیر مکرم‌لاریجانی بناکرد وپس‌از اوبه‌آقا علی بیگ از نزدیکان اومنتقل شد. دراین وقت به‌نام علی‌آباد خوانده شد . امروز در دست‌آقای فریدون زارع ــ نوهٔ‌نامبرده ــ است.

کلاه‌فرنگی بنایی‌است، ازداخل وخارج هشت‌ترك. پهنای ترکهای‌داخلی‌طبقهٔ پایین‌هریك دومتر تمام است.درهر ترك، صفه‌ای به دهانهٔ ۱۷۱ وعمق۱۷۶ وبلندی۲۴۵ سانتیمتر از تیزی طاق است. برای پوشاندن سقف هرصفه ، ابتدا دو طاق هلالی‌زده و سپس میان آنهارا پرکرده‌اند . در ورودی بنا شرقی‌است و صفه‌های شمالی و غربی و جنوبی درهایی به‌خارج دارند .کف صفه‌ها شصت‌سانتیمتراز‌کف‌اصلی بنا بلندتراست. برای پوشاندن سقف فضای‌وسط دوسرکش(حمال) قطور، درجهت شرقی غربی‌انداخته و روی آنها را پل‌کوبی کرده‌اند .

طبقهٔ دوم که برروی صفه‌ها و فضای وسط طبقهٔ اول ساخته شده‌است اطاقی‌است هشت‌ترك که پهنای هر ترك آن ۲۷۴ سانتیمتر است. در میان هر ترك دری‌نصب کرده‌اند که به ایوانی باز می‌شود که دور بنا می‌گردد . برای پوشاندن سقف اطاق طبقهٔ دوم ، سرکشی (حمـالی) در وسط کشیده و روی آن‌را پـردی‌کوبی (پل‌کوبی) کرده‌اند. سرکشها و تیر و تخته‌های سقف طبقهٔ اول و طبقهٔ دوم تمام نقش و نگار و رنگ‌کاری دارد .

پهنای ترکهای خارجی طبقهٔ اول بنا ۳۵۴ سانتیمتر و بلندی‌کرسی از کف‌زمین ۸۳ سانتیمتر است، حمامی قدیمی در شمال بناست. اطراف‌بنای کلاه‌فرنگی و اراضی نزدیك به‌آن‌باغ و درختکاری است .

در جنوب کلاه‌فرنگی، برکنارهٔ راست آب‌هراز، در دامن‌کوه ، دیواری دراز ازسنگ وگچ است که ظاهراً راه‌قدیمی‌آمل از بالای‌آن می‌گذشته است.

باقی بناها و آثار تاریخی بهرستاق لاریجان

۱ــ امامزاده‌ای در دهکدهٔ نوسر بهرستاق .

۵ـ جغرافیای طبیعی و انسانی دلارستاق[1]

دلارستاق دره‌ایست که سمت آن از جنوب‌غربی به‌شمال‌شرقی است . آب آن از آبریزها و چشمه‌های شمالی دماوندکوه است ودر رباط (کهرود)[2] به‌رودخانهٔ هراز می‌ریزد. آب دره‌های دهکده‌های کرف[3] و تینه و فیره که جزء دلارستاق بشمارند، بالاتر از رودخانهٔ اصلی دلارستاق به‌آب هراز می‌پیوندند .

دلارستاق شامل یازده‌آبادی بزرگ وکوچك بدین شرح‌است:

۱ـ دیلا(= دلا،حاجی‌دلا) تابستان‌نشین‌آن درحدود ۵۰ خانوار است وشامل خاندانهای زیراند :

ابیاك[4]، رعیّت‌باب (شامل : گوسر وجك[5] وقلیاف[6] ، سلمان ، میون ملیج[7]) . مجموع این خاندانهارا دیگران ، یعنی ساکنان دهکده‌های دیگر به نام « غائی» می‌شناسند .

۲ـ میانده (دهکده‌ای میان دلا و ناندل) که نه خانوار تابستان‌نشین دارد و خاندانهای زیر درآن ساکنند .

۱ـ بکسر دال، معمولاً به‌شکل دیلارستاق می‌نویسند و با یاء مجهول تلفظ می‌کنند.
۲ـ بفتح کاف . ۳ـ بضم کاف. ۴ـ بفتح الف . ۵ـ بفتح جیم. ۶ـ بضم قاف. ۷ـ بفتح میم دوم .

پیروسری[1]، جورملیج، سادات جعفری که از دهکدهٔ دینان (دینون) امیری آمده‌اند و سه پشت است که در اینجا ساکنند، میون سری .

۳ـ رزان[2] (رزن)[3] که‌هشت خانوار تابستان‌نشین دارد و ساکنان آن از طایفهٔ «مغول»اند .

۴ـ ناندل[4] (= نوّنل)[5] که درآن ۷۰ خانوار تابستان‌نشین مقیم‌اند وشامل این خاندانها هستند:

بیلار[6] (= بیلدار که به‌معنی‌رعیت است. امروز در صفحات مازندران بلودار (بفتح باء)همین معنی‌را دارد)،سم‌تراش[7]، متنهار[8]،درکائی[9]، خواجه، ابیاك، سلیمانی، الکائی[10] ، (= ایلدائی) ، نوری.

۵ـ دهکدهٔ لهر[11] که ساکنان‌آن‌به چهارده‌خانوار می‌رسند وشامل خاندانهای زیراند :

الیاس، رئیس، حسن، حاجی ولك[12] (= ویلك) ، خدری ، [13] مجموع ایـن خاندانهارا ساکنان دهکده‌های دیگر به‌نام بنّار[14] (= بندار) می‌شناسند .

۶ـ کیان (کیون) که در تابستان ۱۵ خانوار تابستان‌نشین درآن ساکنند و از خاندانهای زیر تشکیل می‌شوند :

۱ـ بکسر پ و سکون یـاء . ۲ـ بفتح راء . ۳ـ بفتح راء و ضـم زاء
۴ـ بفتح‌دال . ۵ـ بضـم نـون اول و تشدید و فتح‌نون دوم. ۶ـ بتشدید لام .
۷ـ بضـم سین . ۸ـ بضـم میم و فتـح تـاء و سکون نـون . ۹ـ بفتـح دال .
۱۰ـ بفتح الف و کسر لام . ۱۱ـ بکسر لام و هاء . ۱۲ـ بکسر واو وفتح‌لام.
۱۳ـ بفتح خاء . ۱۴ـ بفتح باء و تشدید نون .

کیانی ، اراغه[1] ، بنّار(= بندار)، اسپی‌جن[2] .

۷ـ کارو (کهرود) که شامل ۴۵ خانوار تابستان‌نشین است.

۸ـ نل[3] ، فقط دو خانوار دراین دهکده ساکنند .

۹ـ کرف، دارای ۳۵ خانوار تابستان‌نشین است .

۱۰ـ تینه، در حدود سی خانوار تابستان‌نشین دارد .

۱۱ـ فیره ، در این دهکده بیست خانوار ساکنند .

۱ـ بفتح الف اول. ۲ـ بکسر الف وضم جیم . ۳ـ بضم نون .

۶- بناها و آثار تاریخی دلارستاق

مرقد سلطان احمد نریزنده

در دهکدهٔ دیلا[1] از دهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی است از سنگ و گچ ازخارج هشت‌ترك(عکس شمارهٔ ۲۹۴) و از داخل مدور. سقف آن گنبد عرقچینی وبام آن کلاه‌درویشی است و اخیراً تمام‌بدنهٔ خارجی بنارا حلب‌پوش کرده‌اند. برکمربند گنبد داخلی ابیات زیررا گچ‌بری کرده‌اند:

« این بارگاه کیست که تا صبح واپسین
جن و ملك بخاك درش مینهد جبین
این بارگاه‌کیست که محتاج درگهش
هستند کائنات همه روی این زمین
این بارگاه کیست که از فیض رحمتش
خوشحال و خرّمند هزاران دل غمین
این بارگاه کیست که تابنده نور او
باشد یکی چو روضهٔ فردوس عنبرین

۱- با یاء مجهول.

این بارگاه کیست که شاهنشاهان عصر

از خرمن عنایت اویند خوشه چین »

در ورودی بقعه ساده است وکنده‌کاری و تزیین ندارد فقط بر بالای لنگهٔ سمت راست این عبارات حك شده است:

« وقف هذاالباب صناعت دستگاهان مشهدی گلبابــا و استاد ملا آقا نجار بتاریخ‌شهر ذی‌العقده سنهٔ ۱۱۰۰.»

مرقد سلطان شهاب‌الدین بن سلطان احمد
در دهکدهٔ دیلا از دهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی است از سنگ وگچ که نمای خارج آن هشت‌ترك و بام آن کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۹۵) . طرح داخل بنا نیز هشت‌ترك است و در هر ترك صفه مانندی‌است. درازای هرضلع از داخل ۲۱۰ ودهانهٔ صفه ۱۰۰ وعمق صفه ۵۰ وپهنای انحنای طرفین صفه ۴۵ سانتیمتراست. اضلاع و صفه‌هارا به‌بلندی ۸۰ سانتیمتر کاشی‌کاری ظریف‌کرده‌اند . تمام‌کاشیها ستاره‌ایست و در فرورفتگیهای آن شش‌لــوزی کار کرده‌اند . طرفین صفه‌ها وبالای‌کاشیهاحاشیه‌ای ازکاشی دارد که طرح آن‌حاشیه‌بندی است .

اینك از سمــت راست در ورودی نــوشتهٔ کاشیهای زوایــا و صفه‌هارا از نظر می‌گذرانیم .

برسمت راست در ورودی این‌کلمات برکاشیها خوانده می‌شود:

« آقا رضی‌بن حیدرکرار.» [وچندین‌کاشی شکستهٔ دیگر که عبارات آن قابل خواندن نبود].

بر زاویهٔ میان در ورودی و درگاه شمارهٔ یك عبارات زیر بر کاشیها نوشته شده است :

« الحکم‌لله تعالی و تقدس ــ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ــ الاحسان یقطع‌اللسان ــ الخالق المتکبر ــ العلم‌عندالله ــ من‌طلب شیاءً جدّ وجد[۱] ــ التصوف کله‌ادب ــ بالله‌العلی‌العظیم ــ الراحة فی‌القناعة ــ یااکرم‌الاکرمین خیر . »

در درگاه شمارهٔ یك‌عبارات زیر خوانده می‌شود :

« والسلام علی من‌اتبع‌الهدی ــ منم غلام غلامان خواجهٔ قنبر ــ بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ــ لاشفیع‌انجح [من] التوبه ــ الشباب شعبة من‌الجنون ــ الکریم اذا وعدالوفا ــ السعیدمن‌وعظ‌لغیره ــ التعظیم لامرالله ــ لولاالسیاسة لبطل‌الریاسة ــ یاالله‌المحمود فی‌کل فعاله ــ هوالملك‌العزیزفی کل حکم ــ یافی‌کل‌حکم‌هوالملك‌العزیز ــ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ــ فی‌سنة‌ثلاث‌وتسعمایه ــ نصر من‌الله و فتح‌قریب بشر ــ چشم عنایت و نظر لطف وامله ــ بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ــ العبد یدبروالله‌یقدر ــ السلطان ظل‌الله ــ دانی بسزاصاد تصوف ز کجاست از صبر و صفا حد بالیف (؟) صدق و صفاست در راه تصوف آنکه‌او راهنماست شاهنشاه اولیا علی‌شیرخداست [این رباعی‌بریك‌کاشی قرائت‌شد] ــ نصرمن‌الله و فتح‌قریب و بشرالمؤمنین یا محمد یاعلی . »

عباراتی که برزاویهٔ دوم دست راست از در ورودی است :

« لااله الاالله ــ نصر من‌الله و فتح قریب ــ والشفقة علی خلق‌الله ــ عاقبت محمودباد ــ النوم اخ‌الموت ــ بالله تستعبدالحرّ ــ العلم‌عندالله ــ من‌طلب جدّوجد ــ هوالملك‌العلی‌العظیم ــ هوالملك‌العلی‌العظیم ــ السعید من وعظ بغیره ــ البخیل لایدخل‌الجنة ــ الشباب‌شعبة من‌الجنون . »

۱ــ اغلاط چنانکه در متن است نقل شده است .

عباراتی که برکاشیهای درگاه دوم است :

« الشرف بالفضل والادب ــ الدولت والسعادت ــ هوالله الرحمن الرحیم ــ زمشرق تا بمغرب گرامامست علی و آل اومارا تمامست سنة احدی وتسعمایه ــ یاالله یا محمد یاعلی یاحسن یاحسین ــ البخیل لایدخل الجنة ــ الله محمد علی حسن حسین ــ صلوا علی خیرالوری ــ یا سلطان کوچك نزاونی همتی خاطری ــ محمد رسول‌الله حقاً ــ اللهم‌صل‌علی‌محمد ــ الدنیا ساعة وجعلها طاعة ــ العلم‌عندالله ــ التصوف کله ادب صدق ــ الدنیا فقیروها عمروها و ولاوقطب (؟) ــ دینم بمحمد و علی هست درست ــ از شور زمین‌حمرحی(؟) هیچ نرست ــ خواهی که ز حوض‌کوثرت‌آب دهند ــ رومذهب‌شاه گیر دین درست ــ [چهارعلی که عین‌آنها در وسط و چهارمحمد در دل یاء شکستهٔ علی و دومحمد خارج بریك قالب‌کاشی] ــ یادگار علی‌حدادابن بایزید ــ السلطان ظل‌الله فی‌الارضین ــ التصوف‌کله‌ادب ــ الحکم‌لله‌تعالی العبدحبیب‌الله اسدالله الغالب علی‌ابن‌ابی‌طالب ــ السلطان ظل‌الله فی‌الارضیین ــ ربّ طامع کاذب ــ المکتسب حرص‌العلم (؟) ــ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم هست کلید در گنج حکیم ــ ان‌هذا هوالحق‌الیقین ــ ربّ‌آمل خایب ــ الذی تعالی وتقدس ــ الفقر تحفة‌الحق ــ یاکاشف کل‌کربه ــ اله است والله رحمن خدای ــ الشرف بالفضل والادب لابالاصل والنسب یاعلی ــ السلطان‌ظل‌الله .»

عباراتی که برزاویهٔ سوم دست راست از در ورودی برکاشیها نوشته‌اند :

« از حمدالله‌بن‌یدالله‌جعفرعاقبت بخیربادآمین یارب‌العالمین ــ وبالله‌العصمة والتوفیق ــ یادگار سلطان‌کمانگر ــ النوم‌اخ‌الموت ــ یادگارکمال‌سرخاب ــ الحکم‌لله تعالی وتقدس ــ الحکم‌لله تعالی و تقدس ــ السلامة‌اجمل‌من‌الناس(؟) یا مفتح‌الابواب ــ البخیل لایدخل‌الجنة ــ العلم عندالله ــ یاالله یا رحمن یا

رحیم ــ القدوس السلام المؤمن ــ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ــ التعظیم لامرالله السلام المؤمن‌القدوس ــ من طلب جدّ وجد ــ قسمت کل ما بحسنه (؟) »

ازارهٔ درگاه سوم فقط کاشیهای نقش‌دار است و نوشته‌ای بر آنها نیست. برزاویهٔ میان درگاه سوم و چهارم عبارات زیر برقالبهای کاشی نوشته شده است :

«قال رسول‌الله ــ اللهم‌صل‌علی محمد و آل‌محمد ــ السلطان ظل‌الله ــ الله‌مفتح الابواب ــ الشرف بالفضل‌والادب ــ الشرف بالفضل والادب ــ النثار العاقل قلبه ــ یارب ذوالجلال والاکرام ــ الهیبت‌لله تعالی و تقدس ــ هوالملك العلی العظیم‌الوهاب ــ المهیمن العزیزالجبار ــ العبد یدبروالله‌یقدر ــ الحکم لله تعالی و تقدس ــ جناح‌الطالب‌الشفیع ــ ربناستار العیوب و» [یکی دو کلمه خوانده نشد] .

عباراتی که برکاشیهای ازارهٔ درگاه چهارم است :

« السلطان ظلّ‌ظلّ [ظلیل] ــ العبد یدبروالله‌یقدر ــ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ــ اکرم‌النسب‌خلق‌الحسن ــ [خوانده نشد] علی‌بن‌ابی‌طالب ــ الفقرسوادالوجه فی‌الدارین ــ التصوف کله‌ادب ــ فی‌سنة اثنی وتسعمایه ــ الاکرام عزمن‌التقی ــ ان هذا هو الحق‌الیقین ــ اما من‌هلك عرف‌قدره ــ العبد یدبر والله یقدر ــ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ــ هوالغنی‌المغنی ــ و قلب‌احمق الافمه ــ بالله‌العلی العظیم ــ الله مفتح‌الابواب ــ لابرّمع‌الشح (؟) ــ العلیم‌الحافظ [خوانده‌نشد] السلطان ظل‌الله ــ باز جسم مس کند (؟) یارب بحق مصطفی سلطان‌تخت اصطفی آن بدر درطاهرین شمس‌الضحی بدرالدجی ــ الراحة فی‌القناعه ــ العلی‌العظیم ــ العبد یدبروالله یقدر ــ فانه من‌مفاتیح‌الزر [چهار علی‌دروسط و چهارمحمد حسن وحسین تقی جعفر نقی] ــ بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ــ یا مفتح‌الابواب ــ المشورت رکن من‌الاصواب (؟) المسارالسرّ جامع‌العیوب (؟)

النوم اخ الموت [دوبار بریك قالب کاشی] ـ بسم الله الرحمن الرحیم ـ السلطان ظل الله ـ لولا السیاسة لبطل الریاسة ـ السخی لا یدخل النار ـ الرفعة والعزة والشوکت ـ یادگار محمد لوّاف ـ الفقر فخری.»

مطالبی که برزاویهٔ میان درگاه چهارم و پنجم است :

« قلب الاحمق فی فمه ـ السخی لایدخل النار ـ قال امیرالمؤمنین ـ العبد یدبر والله یقدر ـ لاحیاء لحریص ـ اکرم الضیف ولوکان کافرا ـ لااله الاالله ـ هوالعلی العظیم ـ العلم تاج سلطنتی ـ هوالغفار القهار ـ السعید من وعظ لغیره ـ الواثق بالملك الغنی ـ المرءُ مخبواً تحت لسانه ـ احذرمن نعامة النعم ـ الله هو الرحمن الرحیم ـ الشباب شعبة من الجنون ـ نصر من الله و فتح قریب ـ من عرف نفسه فقد عرف ربه ـ السخی لا تدخل النار ـ الخلف الصالح والعبد [خوانده نشد] ـ السلطان ظل الله .»

عباراتی که برکاشیهای ستاره‌ای درگاه پنجمین است :

« السلطان ظل الله ـ من طلب جدّ وجد ـ اناالعلم المقتی ـ یا خالق کل شیی ـ الله مفتح الابواب ـ الله مفتح الابواب ـ خواجهٔ ابرار حیدرکرّار ـ التصوف کله ادب ـ الفقر تحفة الحق ـ در را ز هوای خود به‌بستیم بگل زان درگه ما سجده‌گه شاهانست ـ اطیع الله واطیعوالرسول ـ فی سنة احدی و تسعمایه هجریة النبویه ـ قال النبی علیه السلام ـ قال امیرالمؤمنین ـ لاثناء مع الکبر هرکه را کبرپیشه شد همه خلق در محافل خفاء او گویند آنکه بر منهج تواضع رفت همه عالم ثناء او گویند ـ والله المرجع والمآب ـ وبالله العصمة والتوفیق ـ الحمدلله الذی جعل لناظهور ـ الله مفتح الابواب [دوبار] الکریم اذا وعدالوفا [کذا] بیت خمسهٔ نظامی آنکه تغییر نپذیرد توئی وانکه نمردست ونمیرد توئی علیه الرحمة والثواب ـ الله مفتح الابواب ـ التصوف

کله ادب‌صدق ـ الاحسان یقطع‌اللسان ـ لافتی الاعلی‌لاسیف الاذوالفقار ـ اللهم صل علی‌محمد ـ الحکم‌لله تعالی ـ التعظیم‌لامرالله‌ـ الله‌العلی‌العظیم.»

مطالبی که بر زاویهٔ میان درگاه پنجم و ششم است :

«السلطان ظل‌الله ـ السعید من وعظ لغیره [دوبار]ـ بسم‌الله الرحمن الرحیم الاحسان یقطع‌اللسان ـ الدولت والسعادت ـ نصرمن‌الله و فتح‌قریب ـ العبد یدبر والله یقدر ـ العلم‌عندالله ـ التصوف‌کل [کله] ادب ـ ان هذا لهوحق الیقین ـ الله مفتح‌الابواب والمرجع والمآب الفقر تحفة‌الحق ـ ثم‌الجزع عندالبلا ـ التصوف کله‌ادب ـ العلام‌المهین‌العزیز ـ الحب‌والبغض‌بتوارث‌ـ الاحسان یقطع‌اللسان .»

عباراتی که برکاشیهای درگاه ششمین نوشته شده است :

« الله یقدر والعبدیدبر ـ حیدر علی‌بن‌ابی‌طالب ـ اغنی‌غنی‌العقل ـ لاحیاء [خوانده نشد] مع‌الحرص‌ـ الکریم اذا وعدالوفا [کذا] ـ فان احسنتم لایعلم حسبتم‌ـ لااله‌الا هوالحی‌الا ـ یا مؤلفة‌القلوب‌ـ لاشرف مع‌سوءالادب‌ـ القلب المرة عمی ـ الاحسان تقطع اللسان ـ الحکم‌لله تعالی و تقدس ـ بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ـ لوکتب الکتب صانعاً نجارا ـ اکرم‌الضیف‌ولوکان کافرا ـ لابرّمع‌الشح‌ـ افقرالفقر الحمق صدق ـ ان‌الله یحب التوابین ـ ان هذا لهو حق‌الیقین ـ الله یقدر والعبدیدبر ـ لااله‌الاالله محمد رسول‌الله ـ وبالجلال والاکرام ـ قیمةکل امرء ما یحسنه‌ـ العبد الخاکی صوفی‌ـ الوهاب الرزاق‌الفتاح ـ العبدیدبر والله یقدر ـ نصرمن‌الله وفتح‌قریب‌ـ اللغت‌مفتاح مفتاح‌الفتح ـ لسانك مابعد[خوانده نشد] ـ قلب‌الاحمق فی فمه ـ لوکتب الکتب صانعاً نجاراً (؟) لولاالسیاسة لبطل الریاسة محمدالمصطفی.»

بر زاویهٔ میان درگاه ششمین و هفتمین عبارات زیر برکاشیها خوانده شد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ یا واسع‌المغفرت‌الذنوب ـ الله‌التوفیق‌بالله ـ الحکم العدل اللطیف الجنة (؟) ـ الله مفتح‌الابواب ـ الله‌یقدر والعبدیدبر ـ الرحمن الرحیم الحی‌القیوم ـ اکرم‌المنیف ولوکان‌لافرا ـ ادب المرء حسن‌الخلق ـ ان دین عندالله الاسلام ـ الناس بهم منهم سنة بایاتهم (؟) ـ والله‌التوفیق ـ لقدرالله تعالی و تقدس ـ الله مفتح‌الابواب.»

در ازارهٔ درگاه هفتم فقط کاشیهای گلدار چسبانیده شده است .

برزاویهٔ میان درگاه هفتم و هشتم عبارات زیر برکاشیها نوشته شده است :

« والله اعلم و احکم ـ الله مفتح‌الابواب ـ العلی‌العظیم ـ من‌عذب لسانه انه لنرجو(؟) ـ الطامع فی وثاق الذّل ـ یاخیر خلق‌الله ـ ولله‌الذی لااله(؟) ـ صلوا علیه وآله ـ ظل‌السلطان الظل‌الله ـ الحافظ المعزالرافع‌المدرك السمیع ـ الحمدلله الذی‌ذمت عن‌الخرب(؟) التعظیم لامرالله ـ حسن‌الرضاو حسین‌شهیدکربلا ـ العلم تاج‌الفتی ـ فانه من‌مفاتیح‌الرزق ـ لااله‌الاالله ـ یادگار سهراب سرخاب‌آهی .»

بر بدنهٔ سمت چپ درگاه هشتم که در ورودی اصلی بناست،عبارات زیر است :

«لااله الا هوالحی القیوم لاتأخذه ـ سنة ولانوم له مافی ـ بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ـ قال امیرالمؤمنین من‌نظر اعتبر ـ البخیل لاتدخل‌الجنة ـ بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ الباری المصورالغفار ـ هوالله الرحمن‌الرحیم ـ الفقر سوادالوجه فی‌الدارین ـ هوالملك‌العزیز کل حکم » (عکسهای شمارهٔ ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و۳۰۳) .

ازجملات دینی وعرفانی ومسلکی فتیان‌که بگذریم ، در چهاردرگاه به‌ترتیب زیر یادی ازسالهای کاشیکاری شده است :

سال ۹۰۱ در درگاه دوم ودرگاه‌پنجم و سال ۹۰۲ در درگاه چهارم وسال ۹۰۳ دردرگاه اول . ازذکر این‌تواریخ می‌توان‌به این‌نتیجه رسیدکه دوران‌کاشیکاری ازارهٔ مرقد سلطان‌شهاب‌الدین درحدود سه‌سال طول‌کشیده است . بنابراین می‌توان‌گفت که کاشیها درمحل تهیه نشده بلکه ازخارج بدینجا حمل شده است .

دیگر اینکه نامهای چندین تن درمیان نوشته‌های کاشیهای ازاره بدین‌ترتیب آمده است .

آقا رضی‌بن حیدر کرار در سمت راست در ورودی .

العبد حبیب‌الله، یادگارعلی‌حدادبن بایزید در درگاه دوم .

یادگارسلطان‌کمانگر ، یادگارکمال سرخاب، حمدالله‌بن یدالله .

جعفر درزاویهٔ میان درگاه دوم و سوم.

یادگارمحمد لوّاف در درگاه چهارم .

العبد خاکی صوفی در درگاه ششم .

یادگار سهراب سرخاب‌آهی در درگاه هفتم .

اما معلوم نیست اینان‌کاشیکار یا کاشی‌ساز یاکاتب‌نوشته‌های کـاشیها هستند ، زیرا سمت هیچیك دراین نوشته‌ها مشخص‌نیست .

در ورودی بقعه دولنگه‌ای است. بلندی هرلنگه ۱۶۵ وپهنای‌آن ۴۰سانتیمتر است . عبارات زیربراین دولنگه حك شده است :

بربالای لنگهٔ سمت راست :

« وقف هذه‌الباب لمزار سلطان‌العارفین . »

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

« سلطان‌حاجی قدس‌سرّه . »

بروسط لنگهٔ سمت راست :

«البناء البناء معظم[1] شیرانشاه ابن شیرامه فی تاریخ.»

بروسط لنگهٔ سمت چپ :

«شهر ربیع‌الاخر سنة اربعا سبعین وثمانمائه .»

برپایین لنگهٔ سمت راست :

«[عمل] حسین نجار لواسانی و محمدشاه نجار لارجانی .»

قسمت پایین لنگهٔ سمت چپ وطرف راست آن سوخته و از بین رفته است . غیراز عباراتی که نقل شد بر قسمتهای دیگر در یعنی بائوها و پاسارها کنده‌کاری متوسط داشته که براثر بارندگی خورد شده واز میان رفته است.

چنانکه ازکتیبهٔ در پیداست این در وقف برمزار سلطان‌العارفین‌سلطان‌حاجی شده است ، درصورتیکه مدفون دراین مرقد درنزد اهالی معروف‌به شیخ شهاب‌الدین استو اغلب انتساب« سهروردی» را نیز به‌نام او می‌افزایند وبرای این انتساب دلیلی دارند ومی‌گویند:«چون مدفن این مرددرمرتع سردور[2] است واین مرتع درنوشته‌های دیوانی «سهرود»[3] ضبط شده است ازاینرو سلطان‌شهاب‌الدین که دراین اراضی به خاك سپرده شده است به « سهروردی » معروف شده است . پای این استدلال سخت چوبین است .

ازطرف دیگر بایدگفت دری‌که در بالا شرح داده شد ، متعلق به بقعه نیست ، زیرا درطرف دست راست‌آن بازویی ازگچ درحدود بیست‌سانتیمتر درکنارچهارچوب افزوده‌اند تا در، دراین پهنا جایگزین شود. گذشته از این طاق درگاه هلالی است و قسمت بالای‌چهارچوب درافقی، است وهیچگونه نشانی‌نداردکه روزی‌کتیبه‌ای اضافه بالای‌آن‌بوده‌که هلال طاق راپرکند . ازاینرو مجبور شده‌اند ، دوپاره‌تخته‌که خود

۱ـ معنی این دولفظ روشن نشد . ۲ـ بفتح سین وسکون راء وکسردال و فتح واو . ۳ـ بفتح سین وسکون هاء وفتح راء وواو وسکون راء ودال .

روزی قسمتهایی ازدری بوده است با پارهٔ تختهٔ قطوری در هلال بالای در بکوبند و این‌فاصله را پر کنند. بااین‌آشفتگی ودرهم‌ریختگی قضاوت اینکه اینجا مرقد سلطان شهاب‌الدین سهروردی یا مدفن سلطان‌حاجی است امری دشوار است .

از داستانهای محلی که مبیّن‌کرامات صفویان است داستان زیر را می‌توان نقل‌کرد .

روزی محمدشاه‌هندی ، در زمان حیات سلطان‌شهاب‌الدین ، به عزم شکار ، به حاجی‌دیلا[1] آمده و به ملاقات او رفته و سه‌کرامت زیررا ازاو خواسته است تا اعتقاد خودرا نسبت به‌او صافی‌کند .

نخست‌آنکه‌کومهٔ محل اقامت سلطان‌شهاب‌الدین وسعت پیداکند وشاه وصدتن ازنوکرانش را جای دهد . چنین امری جامهٔ‌عمل پوشیده وشاه ونوکرانش درآنجا نشسته‌اند .

دوم‌آنکه چهارفصل را درآن محل به اونشان بدهد . سلطان‌شهاب‌الدین‌پنجرهٔ کومهٔ خود راگشوده وچهارفصل رایکی پس‌ازدیگری نمایانده است .

سوم اینکه خود وهمراهانش را ازشیربزکوهی آش‌شیر(شیر برنج) دهد . ماده بزی‌کوهی لنگ پیدا شد سلطان شهاب‌الدین شیرکافی برای شاه و همراهانش از او دوشید وخود آش‌شیر پخت و سفره گسترد وایشان را غذا داد وظروف غذای ایشان را خود شست .

پس‌ازدیدن‌کرامات، محمدشاه به او وعده‌کردکه پس‌ازمرگش مقبره‌ای‌برای او بسازد. سلطان‌شهاب‌الدین مشتی خاک‌بدو داد وگفت:« هروقت این خاک‌تبدیل‌به خون

۱ــ دهکدهٔ دیلا (بایاءِ مجهول) در دامنهٔ شمالی‌کوه دماوندکه مسلماً ازدهکده‌های قدیمی است ، امروزبه‌نام « حاجی‌دیلا » معروف است . شاید پس‌از سکونت سلطان‌حاجی در این دهکده به این‌نام معروف شده‌باشد .

شد ، من در آن وقت مرده‌ام . » محمدشاه هنوز به هند نرسیده بود که خاك بدل به‌خون شد دستور داد تامقبرهٔ او را به‌بهترین وجهی ساختند .

مقبرهٔ آقا سید محمد کیا

در بالا محلهٔ نونل (نااندل) از دهکده‌های دلارستاق

بنایی است ازخارج هشت‌ترك با بامی‌کلاه درویشی . نمای داخلی‌آن‌نیزهشت ترك است . درهر ترك یك طاقنما است که طاقی هلالی دارد . سقف داخل بقعه گنبد عرقچینی است . کفش‌کنی باسقف هلالی متصل به بقعه است . مصالح بنا سنگ وگچ است . در ورودی بقعه درکفش‌کن باز می‌شود . بربائوها و پاسارها کنده‌کاری دارد و تنکه‌های آن مشبك است . یعنی تخته‌ای را مشبك‌کاری کرده و در جام تنکه جای داده‌اند. درحاشیهٔ چهارچوب کنده‌کاری مارپیچ ازچوب‌آزاد است . درنونل (نااندل) بقعه‌ای دیگربه نام « درویش‌حسن » است‌که چهارگوشه‌است و بـام‌آن‌گنبد عرقچینی است . درورودی بقعه شرقی است. این‌بنا قدیمی بنظر رسید .

بقعه‌ای دیگربه نام « میرشمس‌الدین » درمرتع « اوجاله » است‌که اثرتاریخی در آن دیده نشد .

بقعهٔ مظفرسلطان

در میانده ۱ دلارستاق لاریجان

نزدیك تکیهٔ میانده اطاق‌کوچك سادهٔ گل‌سری است . اثرتاریخی نداشت .

درمیانده سه‌تن به‌نام شیث واسحق واسماعیل درحصاری مدور مدفون بودند .

۱ــ این‌دهکده چون میان دلا ونااندل است به‌این نام معروف شده است.

امامزاده عباس وعلی پسران اسمعیل‌بن‌موسی‌بن جعفر علیه‌السلام دردهکدهٔ لهر [۱] ازدهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی‌است ازخارج هشت‌ترك باگنبدی‌کلاه‌درویشی . مسجد وکفش‌کنی به‌ترتیب متصل به‌در ورودی امامزاده‌اند . درهای مسجد وکفش‌کن وبقعه به‌طرف شمال گشوده می‌شوند . بنا ازداخل چهارگوشه است‌که چهارکنج‌آن‌را باچهارگوشوارجمع‌کرده‌و گنبدی عرقچینی ازسنگ وگچ برآن زده‌اند.

مرقد دوبرادر به نام درویش‌حسن ودرویش‌علی دردهکدهٔ‌کیون(کیان) ازدهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی است چهارگوشه‌باگنبدی مخروطی. صندوقی‌سادهٔ چوبین دروسط‌بناست. درورودی ساده است وبه‌طرف شمال بازمی‌شود .برچهارکنج‌بنا ازداخل چهارگوشوار ساخته‌اند وگنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . مصالح اصلی‌بنا سنگ وگچ است .

قلعهٔ باحرب = قلعهٔ‌کهرود = قلعهٔ‌کارو در دهکدهٔ کهرود از دهکده‌های دلارستاق

منوچهرمرزبان‌لاریجان ، قلعهٔ‌کهرود راکه بعدها به‌کارو معروف شد ، چنان آبادکرده بودکه افرادی ازهر صنف ، ازهندوستان ومصر وسوریه بدآنجاآمده، اقامت گزیده بودند . این دژ در سال ۷۸۳ قمری به دست سید فخرالدین مرعشی تسخیر و ویران‌گردید وبه‌حال ویرانی باقی ماند تابه دست ملك کیومرث مرمت شد . [۲]

خرابه‌های این دژ برتیغهٔ کوه جنوب‌شرقی آبادی‌کهرود که یکی از بازوهای شمالی دماوندکوه‌است وبه پل رباط [۳] درکنار هراز ختم می‌شود، تا امروز باقی است .

۱ـ بکسرلام و هاء .　　۲ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واسترابادرابینو، ص ۱۵۵.
۳ـ رباط نام قدیم‌کهرود است وچنانکه ازنام‌آن پیداست ، رباطی بر سرراه هراز دراین مکان بوده است .

مصالح ساختمانی این قلعه ، سنگ و گچ و خشت‌خام و چوب و ساروج بوده است . چون تیغه‌ای‌که این قلعه بر آن بنا شده است خاکی است ، بر اثر زلزله‌های متوالی درهٔ‌لاریجان قسمتی ازکوه که بنیاد بناهای قلعه برآن بوده ، فروریخته وقلعه روزبروز خرابتر شده است ، بطوریکه راه وصول به خرابه‌های قلعه از روی تیغهٔ بسیارباریکی است‌که دوطرف‌آن پرتگاهی خطرناك است . آنچه ازاین قلعه برجای است بازماندهٔ دیوارهای بناست که پهنای آنها به یك‌متر می‌رسد . چهارآب‌انبار در امتداد تیغهٔ کوه است که یکی پس‌از دیگری قرار می‌گیرد . ابعاد آب‌انبارها تقریباً دومتر در چهارمتر است وعمق آب‌انبار دوم بیش ازسایر آب‌انبارهاست و بالاتر قرار گرفته‌است . در داخل آب‌انبارها برای اینکه جلو نفوذ آب را بگیرند ، ساروجی سفیدرنگ کشیده‌اندکه نظیرآن در دژهای دیگر دیده نشده است . معروف است‌که آب این قلعه، از چشمهٔ کوهستانی « نسوم‌لبی » که یکی از مراتع دهکدهٔ دلا است ، باگنگ (تنبوشه) به‌قلعه می‌آمده است .

زیر ساختمانهای قلعه ، به‌طرف شرق ، مسلط به درّهٔ هراز ، در حدود دوازده زاغه است که یکی از آنها پس از زلزلهٔ سال ۱۳۳۶ خراب شد ، در یکی مقداری گردوی پوك و در دیگری شلتوك فراوانی پیدا شد که مغز نداشت.

در مقابل آبادی‌کهرود ، سه زاغه خیلی پایین‌تر از بنای قلعه دیده می‌شود که زاغهٔ میانی راهی به زاغهٔ سمت چپ دارد . سقف زاغه‌ها تیرپوش است برای اینکه جلو فرو ریختن سقف را بگیرند. داخل اطاقهای قلعه و داخل زاغه‌ها سفیدکاری است .[۱]

۱ــ اطلاعات در بارهٔ زاغه‌ها از اهالی کسب شده است .

جوانمرد حمزه

درکهرود(=کارو) دلارستاق نور

بنایی است از داخل هشت‌ترك که پهنای ترکهای آن از ۱۵۲ تا ۱۵۸سانتیمتر است . در هر ترك طاقنمایی باطاقی هلالی است . صندوقی چوبین‌ساده ، در وسط بنا، مرقدرا پوشانده است .

نمای بنا از خارج هشت‌ترك و پهنای ترکهای آن میان ۲۳۰ تا۲۴۵ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۳۰۴). پوشش بنا گنبدی کلاه‌درویشی هشت‌ترك است. مسجدی محقر متصل به‌بنا ساخته‌اند .

باقی بناها و آثار تاریخی دلارستاق

۱ـ سیدیوسف در دهکدهٔ تینه .[1]

۲ـ امامزاده‌ای در دهکدهٔ کرف .[2]

۱ـ تینه:ده ازدهستان دلارستاق‌بخش لاریجان شهرستان‌آمل ، بیست‌وچهار کیلومتری شمال رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

۲ـ کرف(بضم‌کاف) ده ازدهستان دلارستاق بخش لاریجان شهرستان آمل، بیست‌و هشت‌کیلومتری شمال‌شرقی رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

۷ـ جغرافیای طبیعی وانسانی نمارستاق[1]

نمارستاق یکی ازدره‌های فرعـی سمت‌چپ آب هرازاست . آب ایـن دره از گردنه‌های سرخ چاله[2](میان نج ودرون [3])و نازر[4](میان چل وهترونمار) سرچشمه می‌گیرد وپس‌از طی سی‌کیلومتر درپنجو (پنجاب،)[5] به‌آب هرازمی‌ریزد . آبادیهای زیرازبالا به‌پایین‌کنار این‌آب قرارمی‌گیرند .

۱ـ درون در حدود ده خانوار تابستان‌نشین از خاندان آریچ .

۲ـ نمار درحدود پنجاه خانوارتابستان‌نشین ازخاندانهای : آهـی، مشائی ،[6] خسینگ[7] .

۳ـ کفا[8] در حدود هفت خانوار تابستان‌نشین از خاندان تیرگر[9] .

۴ـ کلری[10] در حدود یازده خانوار تابستان‌نشین از خاندان دیلمی .

۵ـ پلریه[11] در حدود پانزده خانوار تابستان‌نشین ازخاندان من .

۶ـ سلور[12] درحدود چهار خانوار تابستان‌نشین ازخاندان آهنگر .

۷ـ دزور[13] دوخانوارتابستان‌نشین ازخاندان‌آهنگر .

۱ـ بفتح نـون وضـم راء . ۲ـ بضم سین وکسرخـاء . ۳ـ بکسردال .
۴ـ بفتح‌زاء . ۵ـ بفتح‌پ . ۶ـ منسوب‌به دهکدهٔ مشاءدماوند . ۷ـ بکسر خاء. ۸ـ بضم کاف . ۹ـ این خاندان در دهکدهٔ کوشکك‌لـورا نیز ساکنند .
۱۰ـ بضم‌کاف ولام. ۱۱ـ بضم پ ولام وکسرراء . ۱۲ـ بکسر سین وضم لام .
۱۳ـ بکسر دال و ضم زاء.

۸ـ شیخ‌محله درحدود ۹۰خانوار تابستان‌نشین ازخاندانهای: چالی و نوری .

۹ـ اطاق‌سره[۱] درحدود ۱۵خانوار تابستان‌نشین ازخاندان درویش‌که از دهکدهٔ لاسم بالالاریجان بدینجا آمده‌اند .

۱۰ـ امره[۲] درحدود سی خانوار تابستان‌نشین ازخاندانهای : ماهینی و بندپی‌ای و بنه‌لس[۳].

۱۱ـ سوآ[۴] درحدود صد خانوار تابستان‌نشین ازخاندانهای : جلهت[۵] و نجّـار و بهین[۶] .

۱۲ـ نسل[۷] درحدودهیجده خانوار تابستان‌نشین‌ازخاندانهای : سیف وچرخ و مـوسوی .

۱۳ـ درکنار[۸] در حدود هشت خانوار تابستان‌نشین از خاندان پولاد .

۱۴ـ عبدالمناف در حدود ده خانـوار تابستان‌نشین از خاندانهای: درویش و نوائـی .

۱۵ـ پنجو[۹] درحدود پانزده‌خانوار تابستان‌نشین ازخاندانهای:مزو[۱۰] و باغن[۱۱].

۱ـ بفتح‌سین وکسرراء . ۲ـ بفتح‌الف وسکون میم وکسرراء. ۳ـ بکسر باء ونون ولام. ۴ـ بضم‌سین . ۵ـ بضم‌جیم‌وسکون لام وفتح هاء . ۶ـ بفتح بـاء . ۷ـ بفتح نون وکسرسین. ۸ـ بفتح دال . ۹ـ بفتح پ وضم جیم . ۱۰ـ بفتح میم وضم زاء . ۱۱ـ بکسر غین .

۸ـ بناها و آثار تاریخی نمارستاق نور

امامزاده محمد

دردهکدهٔ نمار از دهکده‌های نمارستاق نور

بنایی است هشت‌ترک ازداخل وخارج وبام آن کلاه‌درویشی است . کفش‌کنی ساده از سنگ و گچ در جلو این بناست .

ملک قلا [۱]

بالاسر دهکدهٔ نمار روبروی دهکدهٔ درون

بر بالای کوهی آثار آب‌انبار ودیوارهایی ازسنگ‌وگچ برجای است . چنانکه از نام آن پیداست قلعه‌ای قدیمی بوده است .

امامزاده عبدالله از نوادگان موسی‌بن جعفر علیه‌السلام

در اطاق‌سره [۲] از دهکده‌های نمارستاق نور

بنایی است ازخارج هشت‌ترک با بامی‌کلاه‌درویشی . کفش‌کنی ساده متصل بـه

۱ـ بفتح‌میم و کسرلام وضم قاف.   ۲ـ این‌دهکده به‌نام امامزاده‌عبدالله نیزمعروف است،ده ازبخش دهستان نمارستاق بخش نور شهرستان آمل، چهل‌و چهار کیلومتری جنوب غربی آمل و نه کیلومتری غرب راه‌آمل به لاریجان (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳).

بناست . گورستان اطراف بقعه گورستانی قدیمی است.

امامزادگان عبدالمناف و عبدالمطلب بن ابراهیم بن زید بن حسن مجتبی علیه‌السلام در دهکدهٔ عبدالمناف[1] از دهکده‌های نمارستاق نور

بنای اصلی بقعه از خارج و داخل هشت‌ترك است و پوشش آن کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۳۰۵). مسجد اول و کفش‌کن متصل به‌بقعه، گل‌سری است. مسجد دوم از سنگ‌وگچ بنا شده و قدیمی‌است وبام‌آن‌را باسنگ و گچ‌ضربی زده‌اند. درخت کرب کهنسالی جلو حصار امامزاده است .

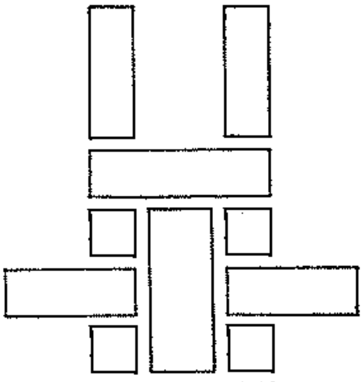

در ورودی مسجد زنانه و کفش‌کن رو به‌شمال و در ورودی مسجد مردانه رو به‌مشرق باز می‌شود. دری‌است‌باقاب‌وآلت که نگارهای اصلی‌آن بدین‌قراراست.

در اصلی بقعه از دو پارچه چوب آزاد است بانقشهای ساده‌که‌درحاشیه‌بندی‌آن کنده‌کاری کرده‌اند . این در رو به‌مشرق گشوده می‌شود . صندوق بقعه در وسط بنای اصلی است و از قسمتهای مختلف تکه چوبهای

۱ـ عبدالمناف، ده ازدهستان نمارستاق‌بخش‌نورشهرستان‌آمل ، چهل وهفت‌کیلومتری‌جنوب غربی‌آمل ویازده‌کیلومتری غرب شوسهٔ‌آمل به لاریجان(فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳).

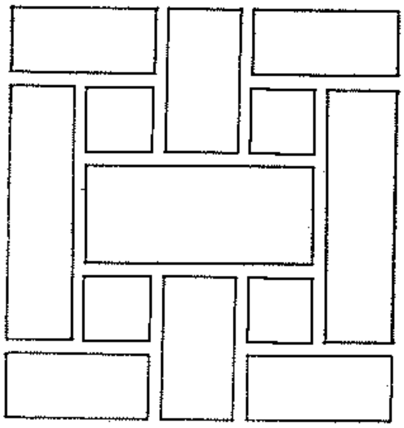

چهارگوشه ومستطیل که به‌هم کم‌وزبانه کرده‌اند ساخته شده‌است. صندوق هم ازچوب آزاداست‌و کتیبه‌ای برآن دیده نشد. نگار اصلی آن‌بدین شکل است :

منبری در مسجد امامزاده است که روی تکیه‌گاه آن عبارات زیر حك شده است :

« وقف امامزاده عبدالمناف نموده ملانظرعلی ولدآقاجان گاوزن[1] سنهٔ ۱۲۳۰ عمل محمدعلی .»

مقبرهٔ کوچکی چهارگوشه که بام‌آن هرم مربع‌القاعده است، نزدیك بقعهٔ‌اصلی است و به‌نام عبدالمطلب خوانده می‌شود .

مرقد بی‌بی‌خانم

در دهکدهٔ نسل از دهکده‌های نمارستاق نور

در زیر دهکدهٔ نسل بقعه‌ای قدیمی و مسجدی متصل به‌آن است. سقف بنا فرو نشسته و دیوارها در حال خراب شدن است . دراین بقعه صندوقی قابل بررسی بود . اجزای این صندوق درهم‌ریخته و یك بدنهٔ آن از میان رفته بود . پاره‌های چوبهای اطراف آن که آیات قرآنی برآن دیده می‌شد ، بی‌نظم و بی‌ترتیب پهلوی‌هم‌قرارداده بودند . چهارچوبهٔ اصلی صندوق شکسته و صندوق درحال ازهم پاشیدن بود .

۱ـ گاوزن ظاهراً نام یکی از خاندانهای قدیمی نور است . گاوزن‌کلا(ده‌ازدهستان پازوار بابلسر) وگاوزن‌محله (ده‌ازدهستان رودبست بابلسر) وگاوزن‌محلهٔ‌دیگر (ده ازبخش بندپی بابل) تمام مرکز سکونت این خاندان بوده است .

برتخته‌ای در بدنهٔ شمالی «نادعلی» تا آخر با خط خوش نسخ حك شده بود .
برهمین بدنه عبارات زیر نیز حك شده بود :

« امر باتمام هذه صندوق حضرت ذات‌الدولة الابدیه والسعادة السرمدیه سلطان‌الخواتین بلقیس‌الزمان قیدافةالدوران خلاصةالنسوان تی‌تی فاطمه استی خلّدت عصمتها وحشمتها فی‌تاریخ ماه مبارك شعبان سنهٔ ۹۲۶.»

« قال‌النبی صلی‌الله علیه و سلم‌الدنیا ساعة وجعلها طاعة تمام شد صندوق شغ خواجه محمد .»

از بدنهٔ جنوبی صندوق عباراتی که خواندنی و قابل نقل بود عبارات‌زیر‌است:

« عمل محمدبن حسن و خشنام‌بن علاءالدین‌بن محمود لباسانی فی‌تاریخ ماه مبارك شعبان سنة ستة و عشرین تسعمایه ۹۲۶.»

قلعهٔ سوآ

در اراضی پاقلعهٔ سوآ[۱] از دهکده‌های نمارستاق نور

در پایین دهکدهٔ‌نسل، درزمینهای‌کشت دهکدهٔ‌سوآ به‌نام «پاقلعه»، دست‌راست رودخانهٔ نمار ، بربالای‌کوهی سنگی و صعب‌العبور، قلعه‌ای عظیم از سنگ وگچ‌بنا شده است (عکس شمارهٔ ۳۰۶) . این قلعه شامل دو قسمت اصلی یعنی ارگ وبناهای اطراف آن است . باروهای ارگ تا امروز‌باقی ونمایان است و در پاره‌ای جاها چهار متر ازبلندی آنها باقی است (عکس‌شمارهٔ ۳۰۷). قسمتی از ارگ‌که امروز بالای راه عمومی و رودخانه است ، فرو ریخته است . خانه‌های اطراف ارگ بارویی جداگانه دارند و سراسر این‌بارو غیر از قسمتی‌که کنار رودخانه می‌افتد برجای است . برجی

---

۱ ـ سوآ،ده ازدهستان نمارستاق بخش نورشهرستان آمل، چهل کیلومتری‌جنوب‌غربی آمل وپنج کیلومتری غرب شوسهٔ‌آمل به‌لاریجان یعنی راه هراز(فرهنگ جغرافیایی ایران،ج۳).

بزرگ دراین بارو ساخته‌اند . آب‌انباری دراین قسمت از قلعه باقی مانده است. از گذشتهٔ این قلعه خبری نداریم و درکتب تاریخی یادی ازآن نشده است.

بابا شجاع‌الدین
در دهکدهٔ پنجو (پنجاب) از دهکده‌های نمارستاق نور

نمای اصلی بقعه هشت‌ترك باگنبدی کلاه‌درویشی‌که قسمتی از سفیدکاری روی آن ریخته است . مسجدکوچکی متصل به در ورودی بناست (عکس شمارهٔ ۳۰۸) . مصالح اصلی بنای بقعه و مسجد سنگ‌وگچ است. این بقعه پای‌کوه و متصل‌به‌قلمستان تبریزی است . پهنهٔ مقابل‌آن روزی دیواری از سنگ وگچ داشته که فعلاً در حال فرو ریختن بود . محوطهٔ بقعه برسمت چپ رودخانهٔ نمار است .

پلی قدیمی
در درهٔ نمارستاق

میان عکسهای آلبوم‌ناصرالدین‌شاه عکس پلی‌است‌که زیرآن‌نوشته شده است:

«پلی است در میان دره در نمارستاق.»

ودنبالهٔ این شرح‌را ناصرالدین‌شاه چنین نوشته است :

«تعمیر راه ده نمارستاق[1] است که پسرحاجی غلامرضای آملی‌کرده است.»[2]

طاق هلالی‌آجری این‌پل‌را ابتدا بر دوسنگ بزرگ دو طرف رودخانه زده‌اند وسپس طرفین و روی آن‌را با سنگ وگچ پرکرده وپوشانده‌اند (عکس شمارهٔ ۳۰۹). ازاین‌پل امروز نشانی نیست .

۱ــ نمارستاق نام ناحیه‌است نه نام‌ده . ۲ــ عکس شمارهٔ ۹۹۹۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .

تعلیقات و اضافات

قلعه‌ای قدیمی
داخل دریا مقابل رودخانهٔ نمک‌آبرود

نمک‌آبرود رودخانه‌ایست که از قدیم سامان میان تنکابن و کلارستاق بوده و امروز نیز چنین است . صاحب سفرنامهٔ استراباد و مازندران می‌نویسد :

« در سر رودخانهٔ نمک‌آبرودسر ، میان دریا ، علامت قلعه‌ای می‌باشد که در عهد کیان آباد بوده است . »[1]

مرکز دیو سفید
در چلندر کجور

مؤلف سفرنامهٔ استراباد و مازندران می‌نویسد :

« یک زاویه طاق که همه چهارذرع نمی‌شود در آنجا می‌باشد و یک طاقچه مانند ناهموار هم دارد و سطحش معدن مس است و از آنجا جمیع دریا و صحرا نمایان می‌باشد. »[2]

۱ــ سفرنامهٔ استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ هـ . ق . به‌کوشش مسعود گلزاری، ص ۱۴۰.
۲ــ همین کتاب ، ص ۱۴۰ .

درسال ۱۲۷۵ قمری که این سفرنامه نوشته می‌شد هنوز اطراف دهکدهٔ چلندر آب بوده است. درهمین کتاب آمده است:

«دست چپ راهی‌است که می‌آید سررودخانهٔ چلندر که بارو بنه وآدم کلا باید با نو ازآب بگذرندو داخل چلندر شوندکه دورتا دور چلندرهمه‌آب است.»[۱]

تپه‌ای قدیمی

مقابل تپهٔ کاسه‌گرمحلهٔ کجور، پانصد متری جادهٔ گلندرود

درامتداد تپهٔ کاسه‌گرمحله به‌طرف‌غرب ، در پانصد متری جادهٔ گلندرود تپهٔ کوتاهی بودکه درازای‌آن ازشمال به‌جنوب درحدود صدمترمی‌شد. این تپه از طرف غرب نزدیك تیرکده ازدهکده‌های کچه‌رستاق کجورقرار داشت. درسال۱۳۵۳شمسی که جاده‌ای ماشین‌رو عریضی موازی جادهٔ‌کناره مشغول ساختن بودند، این‌تپه‌یکسره از میان رفت. مقداری از سفال این تپه را آقای داوود لبافی جمع‌آوری کرده‌اند . بیشترآنها اسلامی و متعلق به ادوار مختلف بود . بر پاره سفالی که متعلق به کاسه‌ای بود «سنهٔ ۱۰۳۸» دیده می‌شد .

تپهٔ قدیمی دیگر

درجنوب‌غربی‌منوچهرکلا (مناچیرکلا) ازدهکده‌های کچه‌رستاق کجور

این راه عریض(اتوبان)که ازکاسه‌گرمحله شروع شده و به‌طرف دهکدهٔ ونوش پیش می‌رفت، تپهٔ تاریخی دیگری را از میان برد . این تپه در نزدیکی منوچهرکلا

۱ــ سفرنامهٔ استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ﻫ . ق . به‌کوشش مسعودگلزاری، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ .

مقابل حمام دهکده قرار داشت. آنچه از محیط بالای آن باقی بود بیشتر از پنجاه متر مربع نبود. سفالهای این تپه را گردآوردیم بیشتر آنها متعلق به ادوار مختلف اسلامی بود. سکه‌ای مسی در پی و شالودهٔ یکی از پلها به دست آمد. آثار نوشتهٔ آن محو شده بود.

دو سنگ قبر
در گورستان قدیمی میناك از دهکده‌های اوزرود نور

درسفر اول که به کوهستان نور رفتم دو سنگ قبر در گورستان قدیمی میناك دیدم که در سفرهای بعد آنها را نیافتم. ظاهراً به خیال اینکه گنجی درمیان آنهاست آنها را شکسته و از میان برده بودند. تاریخی بر آنها دیده نشد. از تراش سنگ و نوع خط آن که نظایر آنها در همین دره دیده شد می‌توان حدس زد که متعلق بـه اوایل قرن دهم قمری است.

عباراتی که بر سنگ اول خوانده شد:

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله

وفاة مرحوم الی رحمة‌الله تعالی درویش گرشاسف درزی.»[1]

عباراتی که بر سنگ قبر دوم خوانده شد:

« لااله‌الاالله محمد رسول الله علی ولی الله

حب دنیا را بقا [ئی] نیست انتم غافلون

جهد کن تا در نمانی در صف لایعقلون

وفاة مرحوم الی رحمة‌الله تعالی مولانا قاسمی نورالله قبره.»

۱ــ درزی از خاندانهای قدیمی ساکن دهکده‌های مختلف نور است.

بیت، مولد میرزا حسینعلی بهاءالله[۱] در دهکدهٔ تاکر ازدهکده‌های میانرود بالای نور

« میرزاعباس معروف به میرزابزرگ در تاکـر که تیول ایشان بود عمارت ملوکانه تأسیس فرمودند وچون جمال مبارك (میرزاحسینعلی بهاءالله) اکثر موسم تابستان در آنجا بودند مرحـوم میرزا بـه خط خویش در موقعی از مواقع خانه به قلم جلی این دوبیت مرقوم فرمودند :

بر درگه دوست چون رسی گو لبیك　　کانجـا نه‌سلام راه دارد نه علیك
این وادی عشق است نگهدار قدم　　این ارض مقدس است فاخلع نعلیك»[۲]

«مرحوم میرزا بزرگ این قطعه شعر را روی الواری نوشته وبموجب بیان مبارك دریکی از مواقع بیت نصب بوده است . ولی در سال ۱۲۶۸ هجری موقع غارت تاکر میرزاابوطالب که سقف آن‌را خراب نمود سایر مردم نیز چوب‌آلات آن‌را بردند و پس‌از چندی نیز فاطمه‌خانم عیال میرزایحیی‌ازل به‌کمك میرزا محمدهادی پسر خود درب و چوب‌آلات آن خانه خرابه را به‌جای دیگر منتقل و برف وباران‌نیز به‌مرور زمان دیواروآثار بیت‌را از بین‌برده وبصورت تل خاکی‌درآورده است.»[۳]

« به‌امرعباس عبدالبها ، مرحوم میرزا فضل‌الله‌نظام‌الممالك نقشهٔ اصلی بنارا که یادش بود ترسیم و نزد عبدالبها می‌فرستد . درسالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ شمسی که آقا سیدمحسن‌اساسی نزد عبدالبها می‌رود ، او دستور می‌دهد که

۱ــمیرزاحسینعلی پـدرش میرزاعباس معروف به میرزابزرگ ومادرش خدیجه‌خانم از خانوادهٔ نمه‌سواز دهکدهٔ فیول میانرودبالای‌نور است . پدرمیرزاعباس، رضاقلی‌بیگ‌تاکری‌و مادرش شاه‌سلطان خانم تاکری است .　۲ــ اقلیم نور ، ص ۲۰ .　۳ــ اقلیم نور، حاشیهٔ ص ۲۱ .

بیت تاکر را طبق نظر میرزا فضل‌الله بسازند . ایشان هم قبول می‌کنند و بنا را از نو می‌سازند .»[۱]

بنای بیت که در ص ۳۱۰ این کتاب یاد شده، بنای تازه ساز آن است .

« مرحوم نظام‌الممالك تاکری برای تعویض چوبهای شکستهٔ سقف مسجد مجاور بیت‌مبارك اقدام‌به‌برچیدن‌تیرهای چوبی سقف شبستان مسجد نمود. ضمن تعویض معلوم شد که بیکی از چوبهای سقف خطی از مرحوم میرزا نوشته شده. چون این‌خط به‌مرورایام زیر گل‌و شفتهٔ سقف مانده و کم‌رنگ گشته بود، لهذا با مرکب اورا پررنگ نموده جای امنی که بین مسجد و تکیه بوده باشد نصب مینماید.
فعلاً این الوار سر درب مسجد در داخل تکیه است.»[۲]

مبایعه نامچهٔ مورخ ۱۲۶۹ ه . ق.
در این سند میرزا آقاخان صدراعظم شش‌دانگ دومرتع سفید واش‌چال ولیزنك تاکرنور را به مبلغ دویست و چهل‌ونه‌تومان‌از میرزا حسینعلی‌خلف‌میرزاعباس‌خریده است .

« الحمدلله الذی احل‌البیع والشری وحرم‌الغصب والربا وصلی‌الله علی‌محمد وآله الاتقیاء الانجباء وسلم تسلیماکثیراً کثیرا اما بعد باعث برتحریر این کلمات واضحةالدالالات وغرض ازتسطیراین سطور مرضیةالعبارات و داعی برانشاء این‌حروف ملیةالمقولات‌آنست‌که حاضرشدبدارالشرع انورعالیجاه آمیرزا حسینعلی خلف مرحوم میرزا عباس الشهیر بمیرزا بزرگ نوری

۱ـ اقلیم نور، ص ۱۱۷ .   ۲ـ اقلیم‌نور، ص ۲۱ .

من طایفهٔ تاکری من قراء رودبارسفلی نور و بفروخت به بیع لازم جازم شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه همگی و تمامی کل شش دانگ زمستانی و تابستانی مرتعین سفیدواش چال و لیزنك را که واقع در جبال تاکراست و زمستانی آن عبارت از چهل رأس باجیهٔ گوسفندی و تابستانی آن عبارت از بیست من روغن بوزن تبریزاست مع طالار قاهه و اعیانی آن از علف چر و علف چین و آب خور و ممر و مدخل وکل مایتعلق بها آنچه ملکیت را شاید و باید محدود بحدود اربعه از قرار تفصیل ذیل

مرتع سفیدواش چال که از بابت ابتیاع انتقال یافته بود باجیهٔ گوسفندی ۲۵ رأس روغن ۱۲/۵ من از قرار حدود حدی متصل بسامان مرتع یل زمین حدی متصل بسامان مرتع اناریکه حدی متصل بسامان مرتع شوروك حدی متصل بمرتع ایرنجه بن.

مرتع لیزنك که از بابت ارث انتقال یافته بود باجیهٔ گوسفندی ۱۵ رأس و روغن ۷/۵ من از قرار حدود حدی متصل بمرتع تنگه حدی متصل بمرتع نمدساب کلا حدی متصل بملك گندیاب حدی متصل بمرتع برسنگ بسرکار شوکت اقتدارجناب جلالتمآب عظمت وحشمت و جلالت دستگاه اجل اکرم افخم معتمدالسلطان صدراعظم ایران میرزا آقاخان داماقباله العالی بمبلغ دویست وچهل ونه تومان وجه تبریزی رایج الحال بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیه مشتمل برایجاب وقبول وصیغهٔ مبایعه بالعربیة والفارسیه علی نهج الشرع الشریف الانور واقع و جاری گردید و ثانی الحال مصالحهٔ شرعیهٔ اسلامیه نمود بایع مذکور با مشتری معزی الیه هر حقی و نصیبی که اورا بود در مراتع مزبوره سیّما غبن غبن وغبن فاحش بل افحش را بمال المصالحه مبلغ یکتومان وجه تبریزی وصیغهٔ مصالحه بالعربیة والفارسیه علی نهج شرع

الشریف واقع گردید وقبض ثمن واقباض مثمن درموطن عقدنمودند ومشتری راست تصرف دراملاك مذکوره

وکان ذلك فی ۲۱ شهرربیع الاول سنة ۱۲۶۹.

جای مهر میرزا آقاخان صدراعظم[1]

جای مهر میرزا حسینعلی[2]

عالیجاه بایع طایع مصالح حضوراً در دیوانخانهٔ علیه بمراتب محرره و صریحاً اجرای عقد واخذ نقد اعتراف نمود.

غیر از مهر میرزا آقاخان و میرزاحسینعلی چهل وشش مهردیگر به عنوان شهود درپای قباله هست. بعضی از امهار متعلق به برادران و بستگان میرزا حسینعلی است ومهر محمودخان کلانتر نیز دیده می‌شود.»[3]

عمارت و حمام و پل آجری سه‌چشمه
در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل کنار نور

عمارت و حمام و پل آجری سه‌چشمه از آثار میرزاآقاخان صدراعظم است که در سال ۱۲۷۳ قمری بنا شده است.[4]

۱ــ مهری با سجع: «عبده آقاخان بن اسدالله». ۲ــ مهری بانام «حسینعلی».
۳ــ اقلیم نور، صفحات ۱۷۱ــ۱۷۴. ۴ــ سفرنامهٔ استراباد و مازندران، مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. به کوشش مسعود گلزاری، ص ۱۳۶.

عکسهای بناها و آثار تاریخی مازندران غربی

تفصیل کلاردشت[1]

تقریر ناقص ریش سفید خواجه‌وند است

درسنهٔ هزار و سیصد سید حسنی به‌این ولایت آمد به عنوان اینکه مال جدش را از این ایل خواجه‌وند بگیرد . بنای بعضی اختراعات را گذاشته که قلیان نکشید روزه بخورید ونمازنخوانید . کم‌کم این مردم‌عوام‌را از راه در برد و به خودش بگرداند و مختصراً مردم را فریب داده و به خودش رام کرد . مردم گفتند که اگر قلیان حرام بود چرا پیغمبرما (ص) نهی نفرمود چنانچه شراب و غیره را نهی فرمود و حرام کرد . بعضی‌ها برضداو برخاستند و نتوانست طاقت بیاورد به طرف تبریز رفت و در واقع این مقدمه را از اول آن‌سید چید و وقت رفتن هم همراه‌خودش چندنفر از ایل این ولایت را درویش کرده به اسامی مختلف که اسرافیل و میکائیل و جبرائیل باشد اسم داده تا به خاك شیروان همراه برد و بعد از آنجا هم خبر رسید که بعضی کارهای بد کرده‌اند و امپراطور روسیه حکم به حبس آنها داده‌اند . حالا هم بعضیها می‌گویند که درآنجایند وبعضی می‌گویند مرده‌اند و اصل حرف

۱ــ خط آقامیرزاحیدرعلی‌منشی ومسوده‌نویس دارالتألیف است که‌بدومغشوش تقریر و تحریر شده است غلامحسین . تفصیل کلاردشت را آقای مجتبی مینوی استاد محترم به اینجانب مرحمت کردند . از ایشان بسیار سپاسگزارم .

آن سید این بود که وقت ظهور است و من نایب امام عصرم باینجهت مردم را
ازراه دربرد تادرسنهٔ هزاروسیصد وهشت همشیره‌زادهٔ آن سید حسن که
میرزا سیدمحمدبود آمد و از آن هفت‌هشت‌نفری که سابق همراه سیدحسن
رفته بودند دونفرش که باقی بودند همراه این‌همشیره‌زاده‌اش به کلاردشت
آمدند و گفته بودند که باید برویم و عمل کلاردشت را اصلاح کنیم و همان
نقش سیدحسن را به آنها بزنیم و در هنگام ورود همشیره زاده‌اش همه
اشخاص که به سیدحسن مذکور گرویده بودند از رودبارك و غیره جمع شده
همشیره‌زادهٔ او را استقبال کرده و به‌جلال تمام ورودش دادند کم‌کم بنای
فریب دادن اینها را گذاشت و می‌گفت که حالا لقب او سیدحسن نیست و
شاه‌حسن است و مرا مأمور به این کرده است که آمده شماها را دعوت کنم
به ظهور که عنقریب است حضرت ظهور فرمایند و شاه‌حسن نایب حضرت
است و مال و مخلفات اینها دیگر به‌چه درد شماها می‌خورد همه را باید
بفروشید و اسب و شمشیر بگیرید که حاضر به رکاب باشید که جنگ
صاحب‌زمانی است و در رکاب مبارك مشغول جنگ باشید و اشخاصی که
فریفتهٔ او شدند همه زندگانیشان را فروخته اسب و شمشیر خریده حاضر
شدند و آنهائی که اعتقاد به این حرفها نداشتند و نمی‌گرویدند و نمی‌گفتند
حسن حق است می‌کشتند تا کم‌کم امت زیادی جمع کرده و همه اسباب جنگ
را فراهم‌کردند و جمیع زندگی را فروخته و مهیا شدند بعد به این امتهایش
می‌گفت‌که همینقدر با اشخاصی که مطیع نمی‌شوند مدارا کنیدکه این
ریش سفیده از آسمان بیاید یعنی برف بعد از آنکه زمینها را برف گرفت
راه ممر آنها را گرفته از اینجا تا استراباد شمشیر را کشیده همه را قتل‌عام
می‌کنیم و بعضی از اشخاص که‌مطیع نبودند محض تزویر گاهی‌رفته یك
هوئی برایش کشیده به خیال اینکه اینها هم مطیع شده‌اند چیزی نمی‌گفت
اما آنهائی که این هوی مختصر را هم نمی‌کشیدند و اعتنا نمی‌کردند همه را
می‌کشتند اینقدر کار کردند که میانهٔ سبحان‌قلی خان و یزدانقلی‌خان که سابقاً

هم عداوتی بود مجدداً غلیظ‌تر شد و خبر به‌سبحان‌قلی خان دراستراباد دادند مشارالیه سه‌جوبه اسب داده درکلاردشت حاضرشد چهار ساعتی طول نکشید که در حسن‌کیف سبحان‌قلی‌خان را کشتند به این تفصیل وقتیکه وارد حسن‌کیف شد دورش را احاطه کردند رفته در اندرونی خودش قایم شد دور عمارت سبحان‌قلی‌خان را آتش زدند تا بجائی رسید سبحان‌قلی‌خان دید که آتش رسید والآن می‌سوزد خود را بیرون عمارت انداخت که فرار نماید با گلوله زدندش و وقتی که افتاد پاره‌پاره کردندش بعد از کشته شدن سبحان‌قلی‌خان با دو بنی‌عمش هر سه را سوزاندند . سید گفت که الحمدالله عثمان را کشتیم حالا باید به خواجه‌وند پرداخت و یورش بردند به تودره سراغ خواجه‌وندها خواجه‌وندها که‌این‌فقره رافهمیدند فرار کردند به سمت جنگل نعمت‌الله‌خان سرتیپ‌دید درصورتی‌که مثل سبحان‌قلی‌خان را نگذارند چهار ساعت زنده بماند چاپاری فراراً به طهران رفت و این تفصیل را به امین‌السلطان و صاحبجمع عرض کرد در این اثنا ساعدالدوله سردار را مأمور کلاردشت کردندازآنجائی که جمیع‌اعیان‌دولت‌می‌دانندکه سابقاً هم‌این‌مملکت یاغی بوده‌اند و ادعای سلطنت می‌کرده‌اند و در آن اوقات سکه هم زده بودند و درسکه اینطور نوشته شده‌بود آب‌دریا و لنگرکشتی سکه برزر می‌زند آقانعیم کلاردشتی و این تفصیل در عهد کریم‌خان‌زند بوده و هم در همان ایام اردوئی با سرداری مأمور کلاردشت شده آقانعیم را گرفته به اصفهان برده چشمهایش را در آوردند بعد از آنی که آقا محمدخان سلطان شد خواجه‌وند را از سردبند و سیلاخور به حکم پادشاه آوردند و در کلاردشت سکنی دادند و این عداوت از آن وقت تابحال در میان خواجه‌وند وگیل ماند و باز رحمت به پدر این مأموری که از جانب پادشاه آمده بود که گیل هزار درجه از ساعدالدوله‌و اتباعش بدتر بودند . ساعدالدوله سردار وارد شد که در مرزن‌آباد قاصدی فرستاد به عقب سید که بیاید سید نیامد و مریدهایش می‌گفتند که آقاتوب و توپخانه آمده جوابشان می‌داد که

توب به شماها کارگر نخواهد بود و آسوده باشید این اردوئی که از طهران آمده است مثل پشه به‌نظر شماها خواهد آمد مختصر طلوع آفتاب هردو طرف مقابل بهم شدند و سید دو بیرق داشت یکی سبز و یکی سرخ از طلوع آفتاب تا غروب دربین‌الطرفین مجادله بود و سید خودش لباس جنگ پوشیده و شمشیربسته و تفنگ طلیعه‌داشت و درجلوگیلها ایستاده بود و جنگ می‌کردتاغروب سید راگرفتند واردو به‌منزلش مراجعت کرد اشخاصی هم که اطاعت به نبوت سید نکرده بودند رفته دوراردو جمع شدند از طرف خواجه‌وندها پانصد نفر اززن و مرد و بچه‌کشته شد بعد از رفتن ساعدالدوله و بردن سید مذکور پسرهای ساعدالدوله تا سه ماه در هرکجا که از این خواجه‌وندها گیر می‌آوردند به درخت بسته با گلوله می‌زدند بعضیها را دست و پایشان را بسته زنده زنده به خاك می‌سپردند و چند قریه که از خواجه‌وندها در لب دریا باقی بود همه را چاپیدند و اهالی‌اش را اسیر کردند و یك‌دختری از خواجه‌وندها تا یك‌سال در خرم‌آباد درخانهٔ ساعدالدوله بود و تا وقتی که انتظام‌الدوله حاکم مازندران نشده بود خواجه‌وندها همه متزلزل بودند بعداز آنکه انتظام‌الدوله حاکم شد از جانب دیوان آمده با پسر ساعدالدوله در میان‌خواجه‌وندها وگیل‌ها اصلاح دادند و گفتند ضرر هردو طرف به‌پای همدیگر در صورتی که ضرر کلی مال خواجه‌وند بود و به گیلها ضرری نرسیده بود در واقع آنوقتی‌که ما وارد کلاردشت شده بودیم از هیچ‌چیز باکی نداشتیم حالا قسمی‌شده که به‌مفاد این شعر :

چنان کار ممالك خورده‌برهم — که‌زالی کرده پیدا زور رستم

مقصود از زال گیلها هستند .

تصحیحات و تعلیقات

صفحه سطر

۱۰/۱۲ـ ساری به‌جای آمل صحیح است .

۱۹/۱۳ـ آقا محمدخان صحیح است .

۱۰/۱۷ـ اشرف صحیح است .

۶/۲۴ـ تیلارود صحیح‌است . حرف راء اضافه است .

۷/۲۷ ـ جورده صحیح است .

۱/۲۹ ـ سخت‌سر (رامسر) تنکابن صحیح است .

۱۷/۴۱ ـ قلعهٔ دیزکول شاید قابل تطبیق با دزدکول ص ۸/۳۹ باشد که همان قلعهٔ گرزمان سر است .

۱/۴۷ ـ مزر باتقدیم زاء برراء صحیح‌است .

۵۳/سطر ۳ حاشیه ـ گلیجان صحیح است .

۲/۶۵ ـ خاك ریز صحیح است .

۵/۷۳ ـ کیاابوالحسن چنانکه مردم می‌گویند . ولی در اغلب متون من‌جمله تـاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار کیا ابوالحسین آمده است .

۶/۱۰۱ ـ ختم به‌جای خم صحیح است .

۱/۱۰۳ ـ عبدالله‌حازم باحاء مهمله صحیـح است وظاهـراً اعتمادالسلطنه اشتباه کرده است .

۷/۱۰۹ ـ کنیزك دمرد بازاء منقوط صحیح است .

۴/۱۱۱ ـ قلعه درست است .

۱۶/۱۱۷ ـ ۳/۵×۱۸/۵×۱۸/۵ درست است .

صفحه سطر

۱۱/۱۳۱ ــ بارس‌ئیل باباء صحیح‌است .

۱۵/۱۳۲ ــ جناغی با غین صحیح است .

۱۲/۱۳۵ ــ قلعه صحیح است .

۲۱/۱۴۰ ــ لاچ لنگری با چ درست است .

۱۶/۱۵٤ ــ در گرم‌کش پس از دوسه بار طی این مسیر کاروانسرائــی نیافتم ظاهراً راهنمای این راه اشتباه کرده است .

۲/۱۶۰ ــ اگربرسفردلوات از تویر به الت رفته چگونه از رزان گذشته است . این دهکده کنار رودخانهٔچالوس و نزدیك‌به‌بابوده است . باز می‌نویــد در محاذی الت در یك فرسنگی قریه‌ایست موسوم به مرزان‌آباد. در اینجا هم ظاهراً اشتباه کرده است . الت هیچگونه ربطی به مرزن‌آباد ندارد مگر دهکدهٔ دیگری باشد که ما نمی‌شناسیم .

۱۸/۱۶۱ ــ شاه علمدارهمان بعقه‌ایست‌که بربالای قله‌ای میان بلوك بیرون بشم و کلاردشت است و درص ۱۳/۱۲٤ آن را شرح داده‌ایم .

۲۰/۱۶۱ ــ از قلعهٔ برار یکی دوبار در کتب تاریخی محلی یــاد شده است و ما بــه اشتباه بازاء منقوط چاپ کرده‌ایم .

۳/۱۶۲ ــ بر سرراه ناصرالدین‌شاهی در گرم‌کش کاروانسرائی نیافتم .

٤/۱۶۳ ــ امامزاده محمد بر بالای سنگی در مرتع اولا است و آثار تاریخی وکارهای هنری ندارد .

۱۸/۱۶۸ ــ بنا با تقدیم باء برنون درست است .

۱۵/۱۶۹ ــ بنا با تقدیم باءبرنون صحیح است .

۱۸/۱۸۰ ــ سال ۱۲۲٤ صحیح است .

۱۸۳/سرصفحه ــ بناهاو آثار تاریخی کوهستان کجور درست است .

۳/۱۹٤ ــ اللهم صل‌علی محمدالمصطفی درست است .

۱۱/۱۹۸ ــ جناغی باغین صحیح است .

۸و۷/۲۰۶ ــ جناغی با غین صحیح است .

۱۶/۲۰۹ ــ جناغی با غین صحیح است .

۱۶/۲۱۲ ــ درویش‌امیر به‌جای درویش رستم درست است .

۲و۱/۲۱۳ ــ درویش امیر به‌جای درویش رستم صحیح است .

۳/۲۱۳ ــ درویش امیر به‌جای درویش رستم درست است .

۱۹/۲۱۹ ــ مبایعه‌نامه به‌جای هبه‌نامه درست است .

۱۱/۲۲۲ ــ جناغی باغین صحیح است .

صفحه سطر

۱۲/۲۲۲ ــ عرقچین بایاء نسبت صحیح است .

۵/۲۳۶ ــ شهر کجور به‌جای نهر کجور درست است .

۱۰/۲۴۳ ــ رزن به‌جای رزان صحیح است .

۵/۲۴۴ ــ عمود به‌جای عبود صحیح است .

۳/۲۴۷ ــ که‌خرابه‌های آن برکنار راست رودخانهٔ‌چالوس تا امروز باقی است صحیح است .

۱۳/۲۴۷ ــ ایلکا قاعدةجزء خاك‌نور است‌بااینکه آب‌ریزآن جزء رود چالوس است ولی نمی‌تواند جزء اوزرود نور باشد .

۱۷/۲۵۲ ــ طیب وطاهر لقب قاسم پسر پیغمبر از خدیجه است . کنیه‌اش ابوالقاسم بوده است . در دوران کودکی فوت شد . طیب و طاهر نام پسران امام زین‌العابدین شناخته نشدند .

۳/۲۵۶ ــ عکس شمارهٔ ۸۵ مربوط به این قسمت نیست .

۱۹/۲۶۳ ــ یك‌دریك لختی است صحیح است .

۷/۲۶۴ ــ بخرید استادسهراب درست است .

۱۵/۲۶۴ ــ گنبدی عرقچینی است صحیح است .

۱۷/۲۷۸ ــ جناغی‌با غین صحیح است.

۱۷/۲۸۳ ــ گته‌آقا و اخوه صحیح است .

۸/۲۹۸ ــ جناغی باغین صحیح است .

۸/۳۰۱ ــ کیومرث صحیح است .

۱۵/۳۰۱ ــ دو دهکدهٔ بنفشه ده و بوته ده از موقوفات امامزاده محمد در کلا است. عایدات سه‌دانگ بنفشه‌ده میان خادمان‌که چراغ‌بر و جاروکش هستند قسمت می‌شود . سه دانگ دیگر با شش دانگ بوته ده تولیتش با آقای قوام‌الدین مجیدی است . نامبرده‌هم تولیت این نه دانگ را دارد و هم‌نمایندهٔ اوقاف است . مخارج تعمیر و مرمت و مصارف، ایام عاشورا و نظایر آن زیرنظر ایشان است .

۱۸/۳۰۳ ــ رضینا باضاد معجمه صحیح است .

۱۳/۳۰۵ ــ سنه ستةخمسین‌مایه (؟)

۱/۳۱۶ ــ فاصلهٔ دهکده‌های تترستاق از بلده ــ مرکز نور ــ در حدود ۲۴ کیلومتر است . از تترستاق راهی قدیمی به گزناسرا و رودبارك می‌رود . از این راه می‌توان به واز تنگهٔ نائیج و چماستان یا به درهٔ لاویج رفت . راه آمدوشد اهالی نور از دشت به کوهستان و از کوهستان به دشت بیشتر از این مسیر قدیمی بوده

صفحه سطر

است . آب رودخانهٔ نور پس از گذشتن ازتترستاق در هردو رود به آب‌هرازمی‌پیوندد.

۳۱۷/۶و۷ ــ جناغی با غین درست است .

۳۳۲/۱۳ ــ شاید : بانو خلد (؟)

۳۳۶/۱۵ ــ پلارود با پ صحیح است .

۳۳٤/۱و۲و۳ ــ جناغی باغین صحیح است .

۳۶۳/۱۵ ــ پلارود با پ صحیح است .

۳۳۸/۱۹ ــ اسپی‌کلا با پ صحیح است .

۳۳٤/۱ ــ در اقلیم نور راجع به دارکلا چنین آمده است : عبدالبها به اتفاق عده‌ای (ملازین‌العابدین ــ ملا باقر ــ حاجی میرزاجانی ــ میرزایحیی و چند نفر دیگر) به سمت قشلاق‌نور حرکت و به‌دارکلا که تیول اباء و اجدادشان بود ورود فرموده و جمعی از رجال و محترمین و علمای نور در دارکلا حضور مبارك مشرف شده و چندین شبانه‌روز بساط تبلیغ دائر بوده و عده‌ای‌مخصوصاً چهارنفر از مجتهدین مؤمن گشته‌اند از آنجمله ملاعباس (پدر شیخ‌فضل‌الله‌ــ نوری) و میرزا ابوالقاسم مجتهد که هردو دامادهای ملا محمد تقی مجتهد بوده‌اند (اقلیم‌نور ،ص ۳۵) .

۳٤۵/۱۰ ــ یا سینه کفتری صحیح است .

۳٤۵/۱۷ ــ دو بیت زیر مربوط به‌بقعهٔ شاه‌بالو نیست . این ابیات در بیت تاکر بر چوبی نوشته شده بوده است و فعلادر تکیه تاکراست .

۳٤٤/۳ ــ دارکلادر تقسیمات جزء میانرود پایین نور است نه جزء ناتل رستاق ن . ك . به ص ۳۲۷ .

۳۶۰/۱۱ ــ مدرسهٔ آقا شیخ محمدتقی مجتهدکلاگر در ص ۳۵۲ شرح داده شده است.

۳۷۰/۸ ــ جناغی با غین صحیح است .

۳۷۱/۱ ــ شهر در محل به معنی شمشاد جنگلی است و کتی (=کوتی) به معنی تپه است یعنی تپه شمشادی .

۳۷۸/۹ ــ در قم به جای ارقم صحیح است .

۳۷۹/۱ ــ صنیع‌الدوله صحیح است که لقب اول‌محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه است .

۳۹۳/۱ ــ دلارستاق امروز جزءنور به‌حساب می‌آید . دردوران قاجاری جزءپایین ــ لاریجان بوده است .

۳۹٤/۱ ــ دشت لار در این جمله زیاد است .

۳۹۶/۱ ــ وسرکتل کلماتی زائد است .

صفحه سطر

۱۹/۳۹۹ ــ جناغی با غین صحیح‌است .

۱/۴۰۰ ــ جناغی با غین صحیح است .

۴/۴۰۱ ــ محمدحسن‌خان درست است .

۹/۴۰۲ ــ مقابل به‌جای مقال صحیح است .

۱۰/۴۰۲ ــ منفرد درست است .

۱۱/۴۰۳ ــ محمدحسن‌خان صحیح است .

۳/۴۰۴ ــ محمدحسن‌خان درست است .

۱۰/۴۰۶ ــ زرمون با تقدیم زاء صحیح است .

۱۶/۴۰۷ ــ آب مراد صحیح است .

۷/۴۱۶ ــ سرده بادال صحیح است .

۴/۴۲۱ ــ جناغی با غین درست است .

۱۱/۴۲۷ ــ محمدحسن‌خان صحیح است .

۱۵/۴۲۸ ــ دائی خاقان شهید صحیح است .

۲۰/۴۶۸ ــ جد با تشدید دال صحیح است .

۸/۴۷۱ ــ مخبوء صحیح است .

۴/۴۷۶ ــ صوفیان به‌جای صفویان صحیح است .

۲/۴۸۰ ــ دلارستاق مدتی جزء لاریجان و زمانی جزءنور بوده است .

۶/۴۸۲ ــ نجار با تشدید جیم صحیح است .

۱۳/۴۹۱ ــ رسول‌الله صحیح است .

(عکس شمارهٔ ۱) مسجدی کهن بنام درگزکی در محکمهٔ جوزدی پیلاق سقز

(عکس شمارهٔ ۲) سنگ قبر شاکوره خانم در محوطهٔ مسجد دزگاه مرگی

(عکس شمارهٔ ۳) نمای خارجی مقبرهٔ پلاسید در سادات محلهٔ سخت‌سر

(عکس شمارهٔ ۵) در ورودی مقبرهٔ پلاسید در سادات محلهٔ سخت‌سر

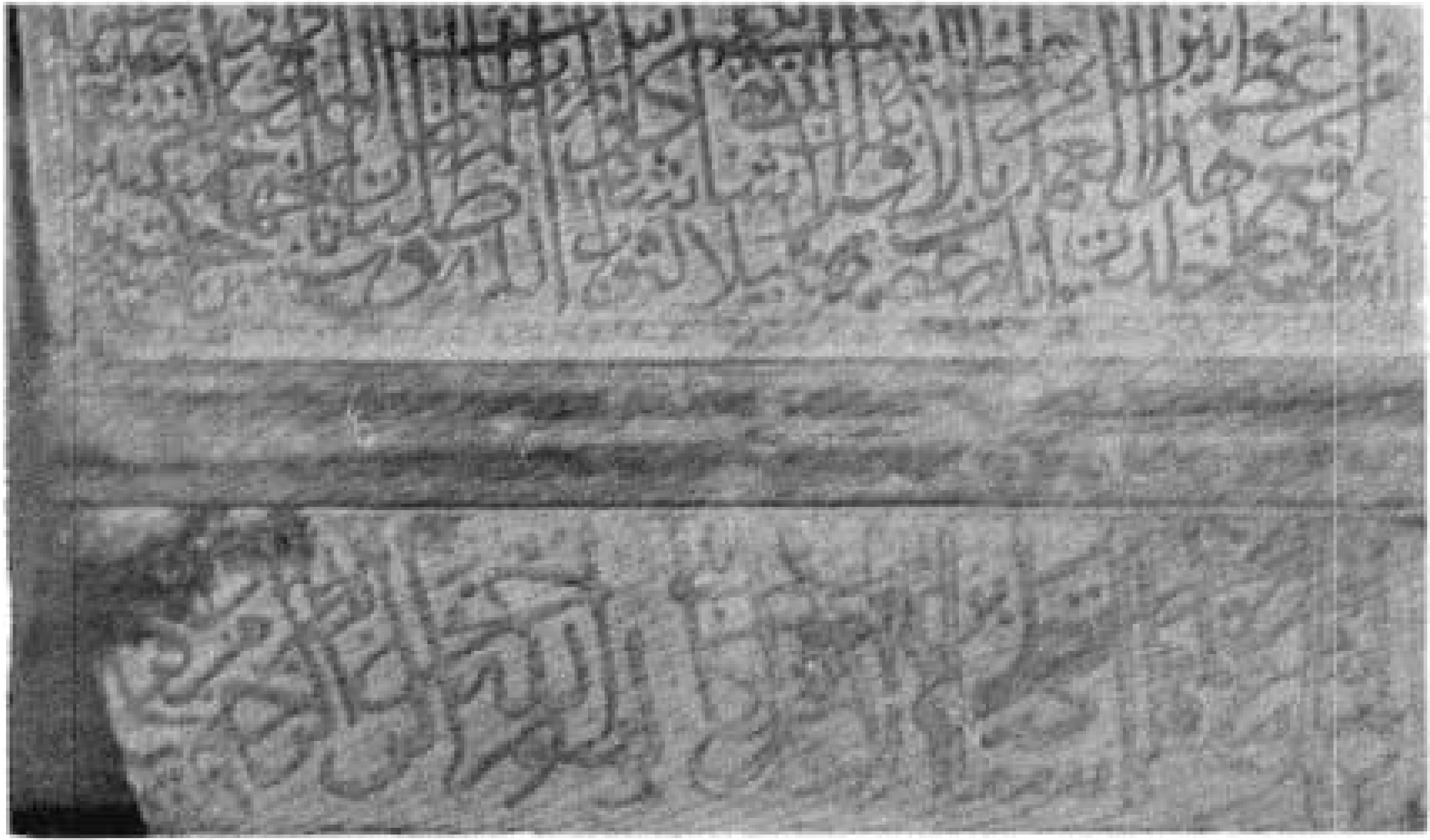

(عکس شمارهٔ ۵) کتیبهٔ صندوق مقبرهٔ بلاسید در سادات محلهٔ سخت‌سر

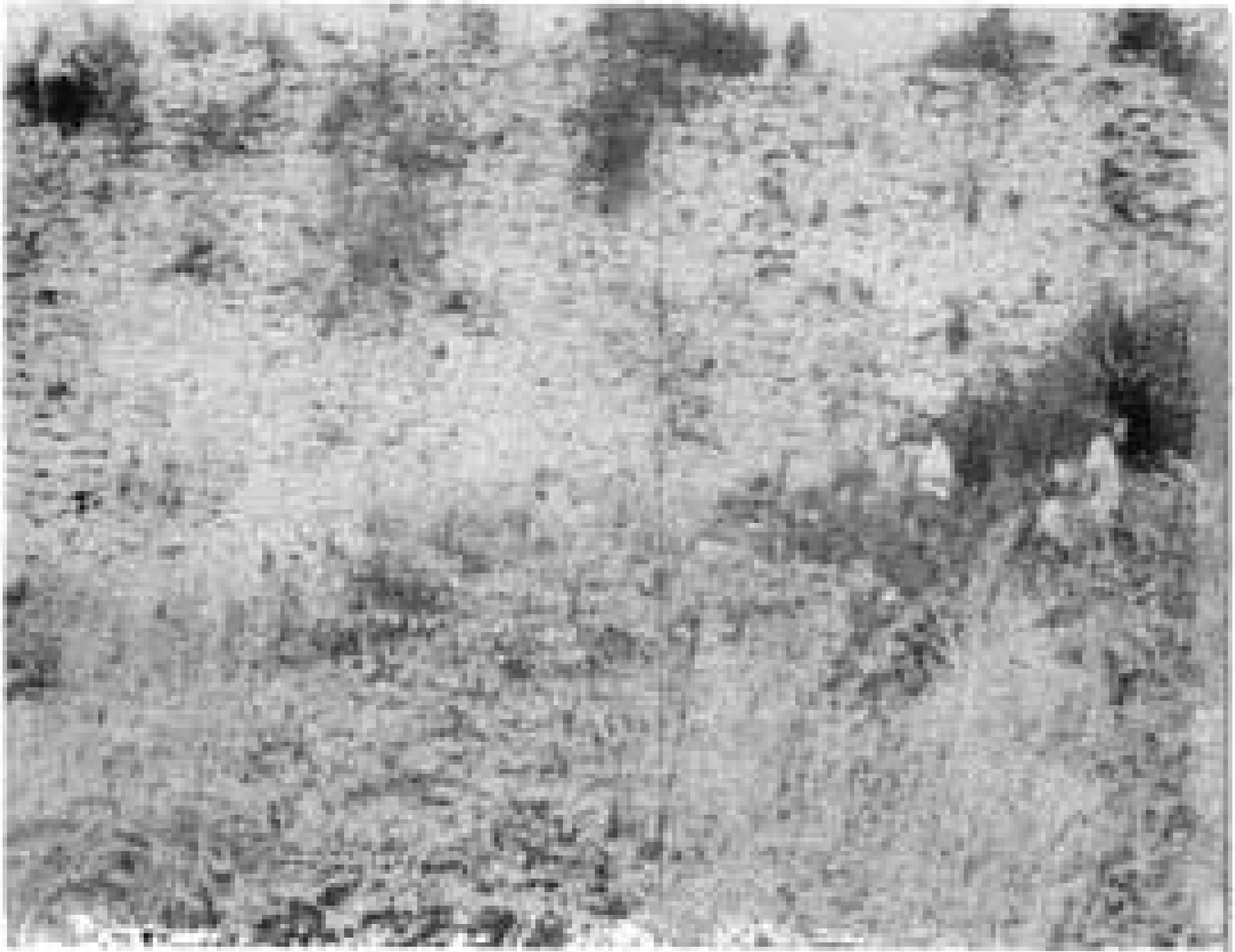

(عکس شمارهٔ ۶) دیوار شرقی قلعهٔ مارکوه در سمت شرقی محکمهٔ کالم

(عکس شمارهٔ ۷) دیوار شمالی قلعهٔ مارکوه در سمت شرقی محکمهٔ کالم

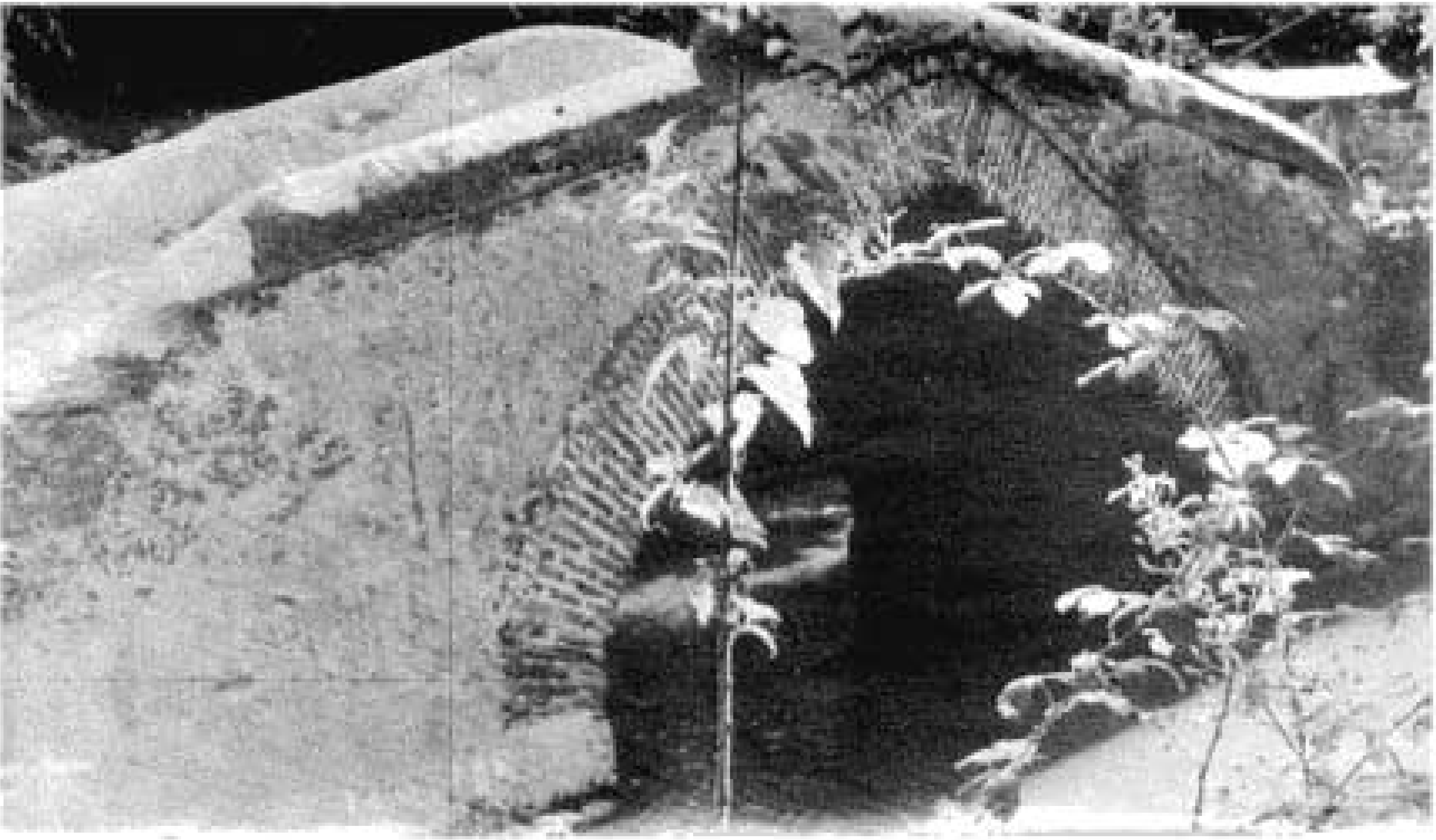

(عکس شمارهٔ ۸) پل آجری دهکدهٔ لپاسر سرراه رمیع محله و کیمانک گلیجان تنکابن

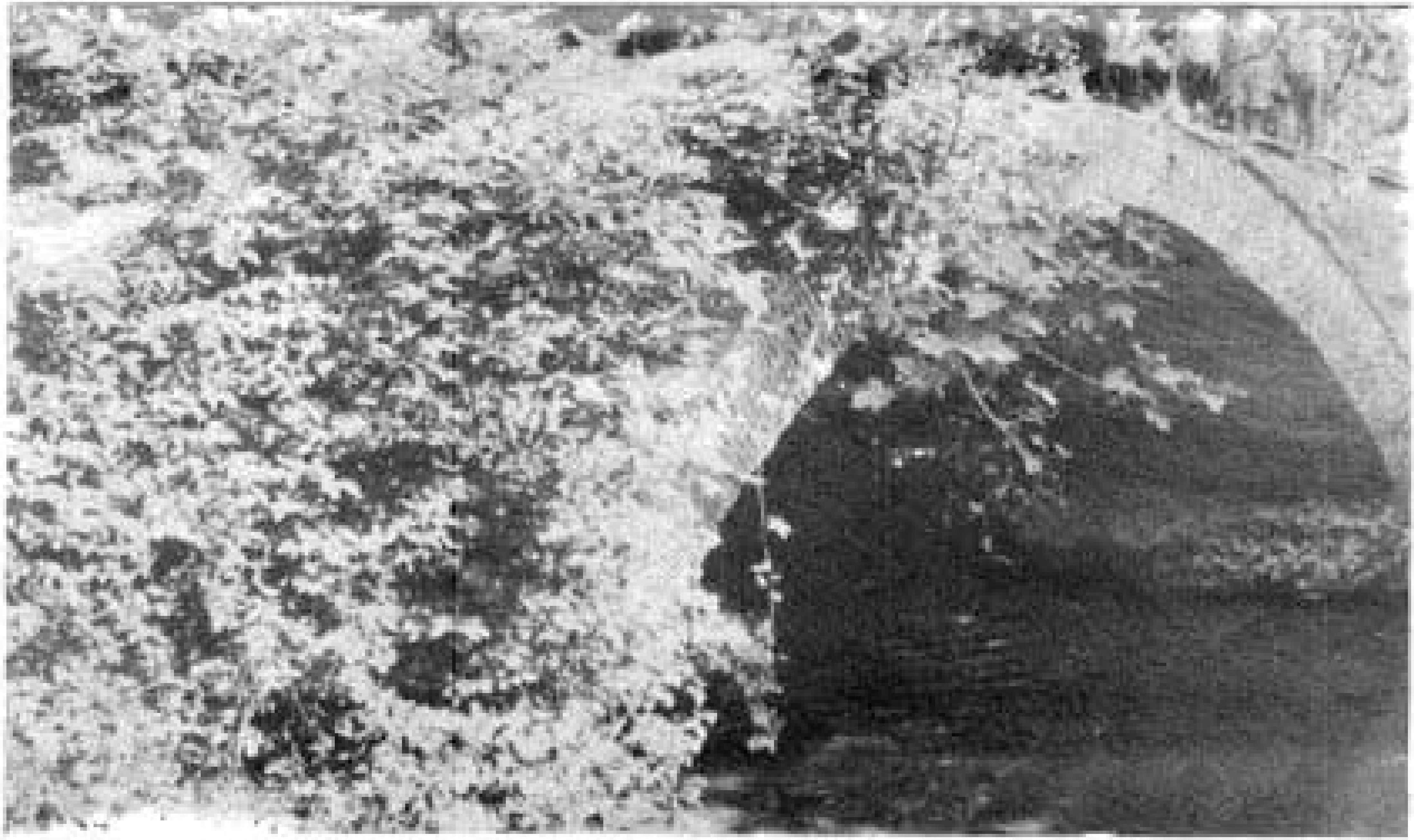

(عکس شمارهٔ ۹) پل آجری بر آب واجه‌کیله بر سر راه تنیه محله به قلیه محله و دهکدهٔ براکش

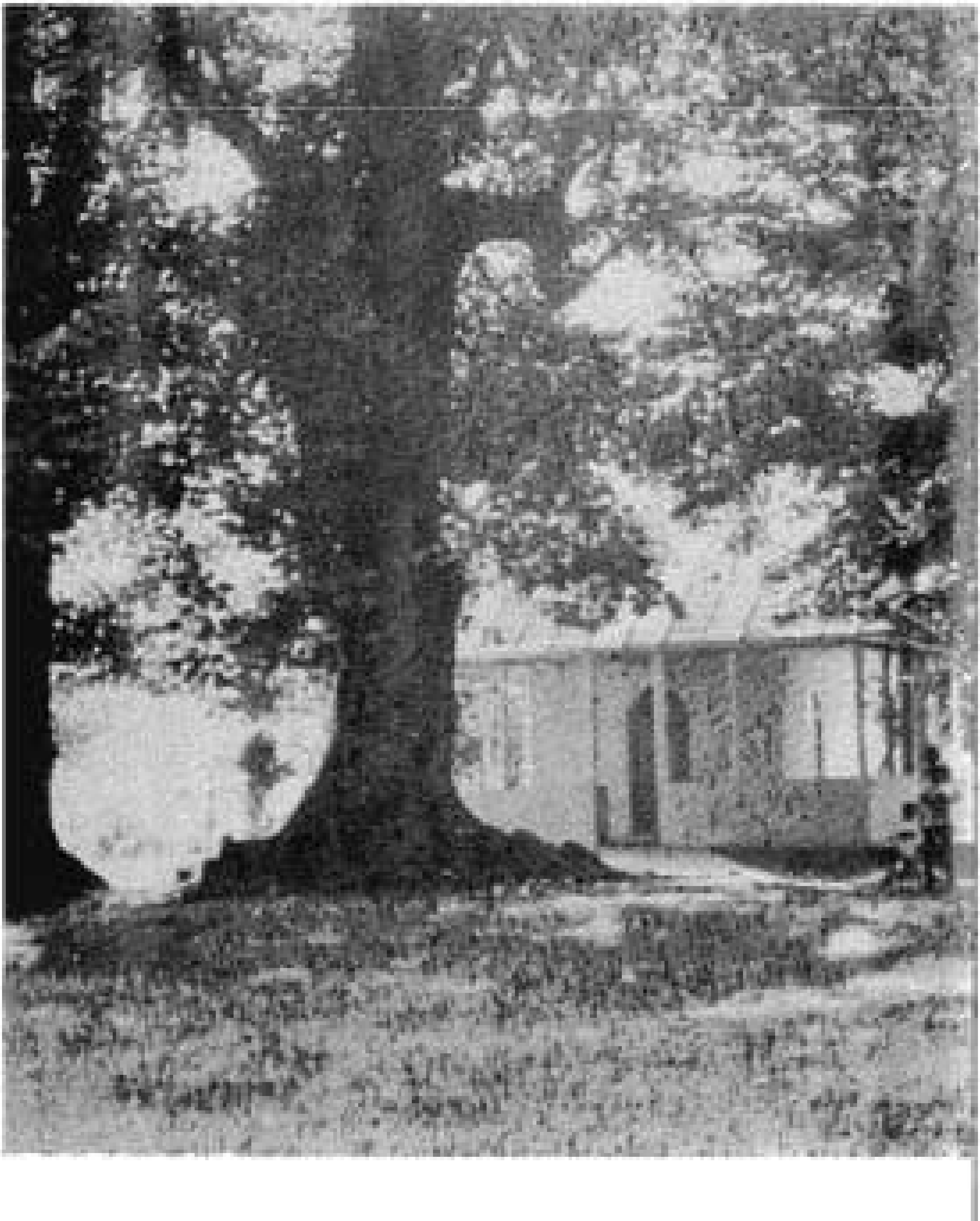

(عکس شمارهٔ ۱۰) نمای خارجی امامزاده محمد در محکمهٔ رایات گلیجان تنکابن

(عکس شمارهٔ ۱۱)

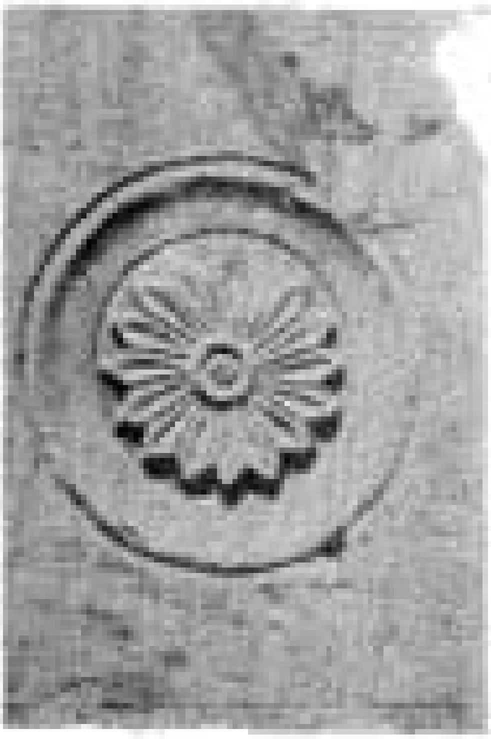

(عکس شماره ۱۲)

از سنگهای برجستهٔ نقش در اطراف تخت اسعد در خرم‌آباد تنکابن باغ‌خوران امیر

(عکس شمارهٔ ۱۳) تخت و حوض باغ‌خوران امیر اسعد در خرم‌آباد تنکابن

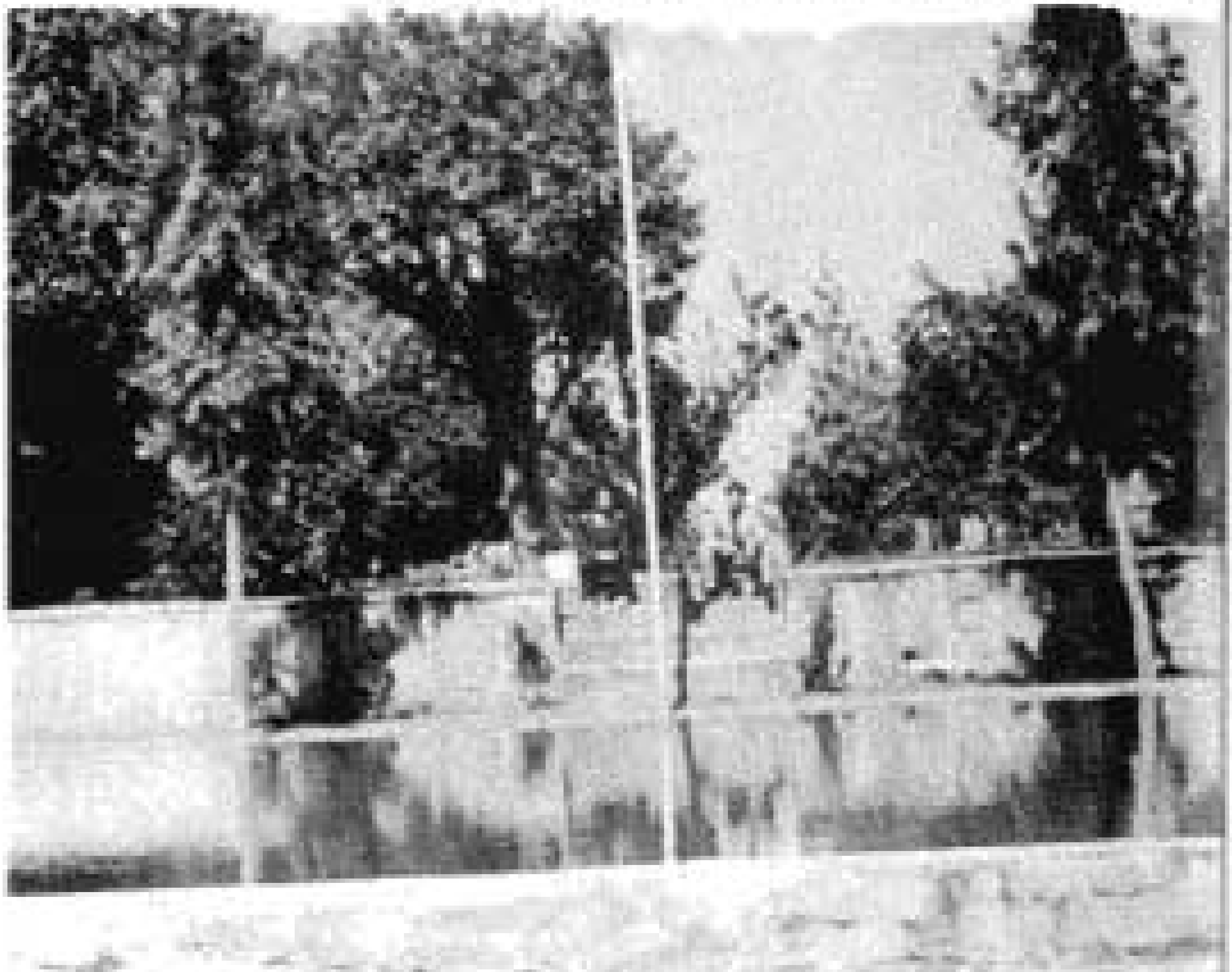

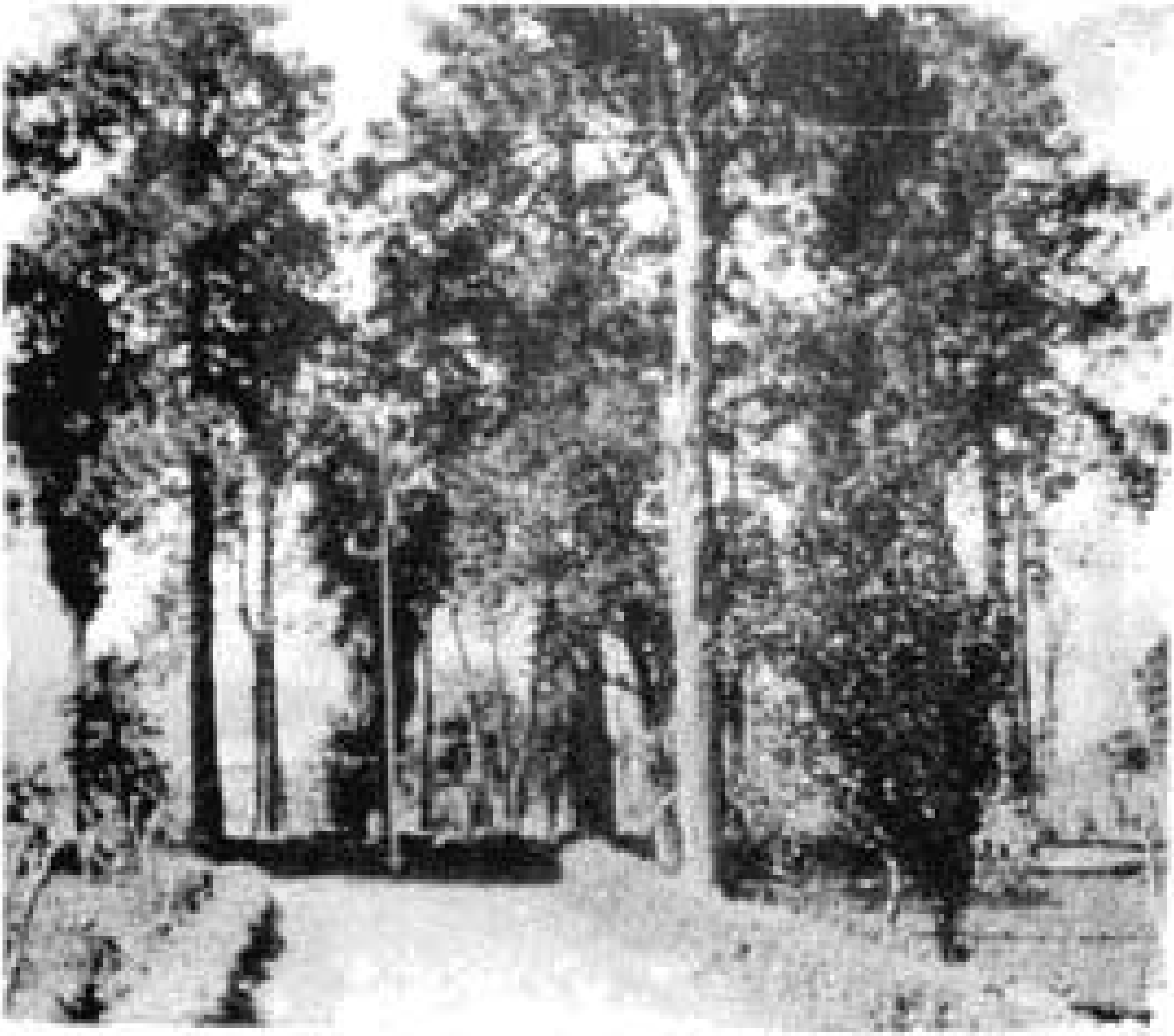

(عکس شمارهٔ ۱۴) کاجهای کهنسال باغ امیر اسعد در خرم آباد تنکابن

(عکس شمارهٔ ۱۵) نمای بقعه و مسجد امامزاده ابوالقاسم (قاسم) در محکمهٔ امامزاده‌قاسم (جزما) دو هزار خرم‌آباد تنکابن

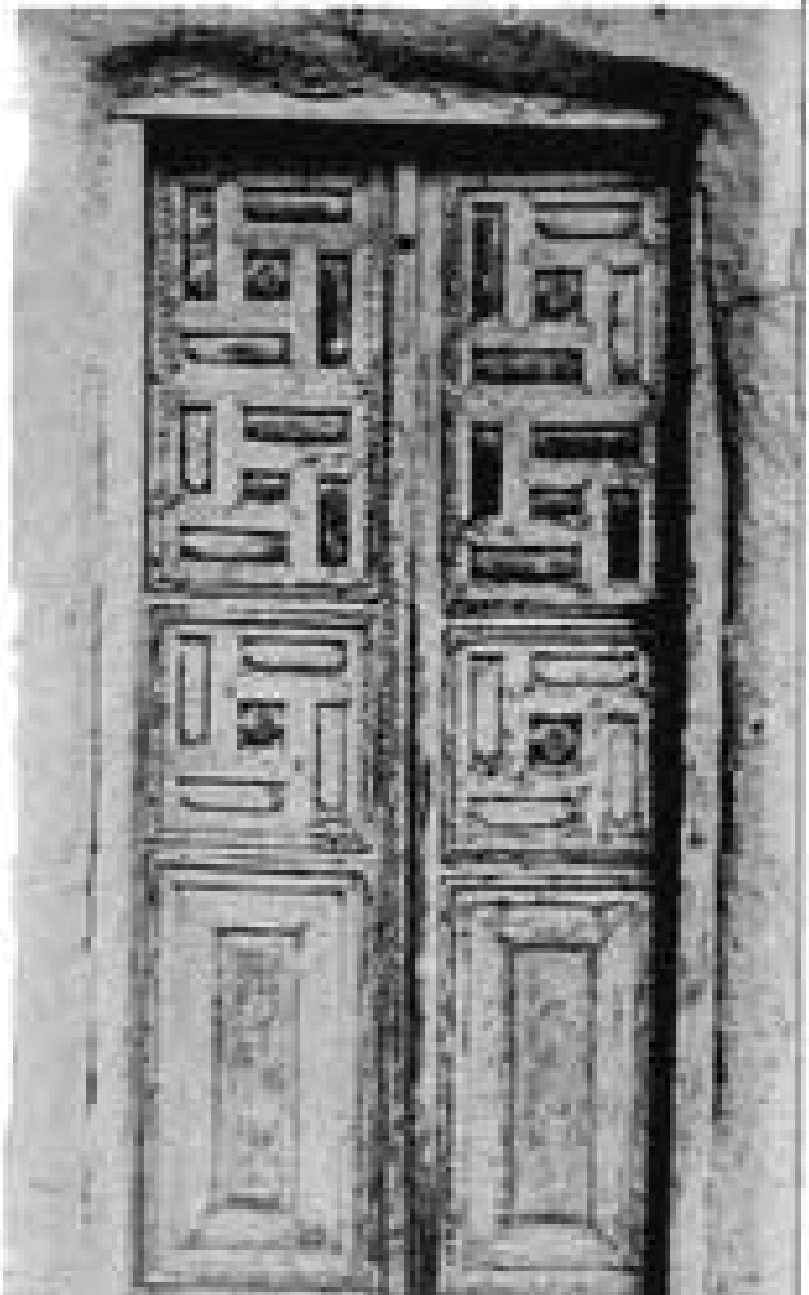

(عکس شمارهٔ ۱۶) در بقعهٔ امامزاده ابوالقاسم در محکمهٔ امامزاده قاسم دوهـزار خرم‌آباد تنکابن

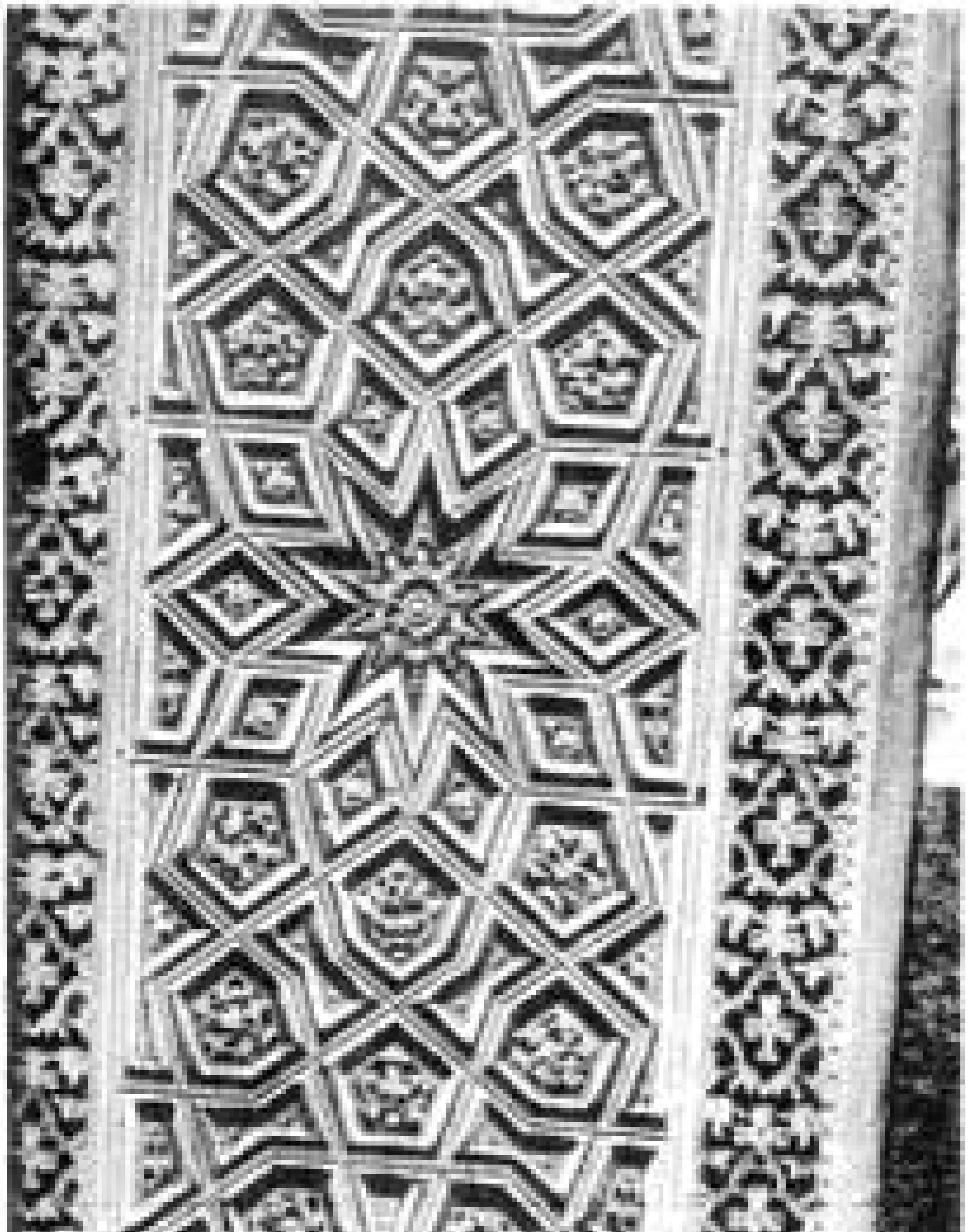

(عکس شمارهٔ ۱۷) قسمت وسط در قدیمی مسجد متصل بمقبرهٔ امامزاده ابوالقاسم در
محکمهٔ امامزاده قاسم دوهزار خرم‌آباد تنکابن

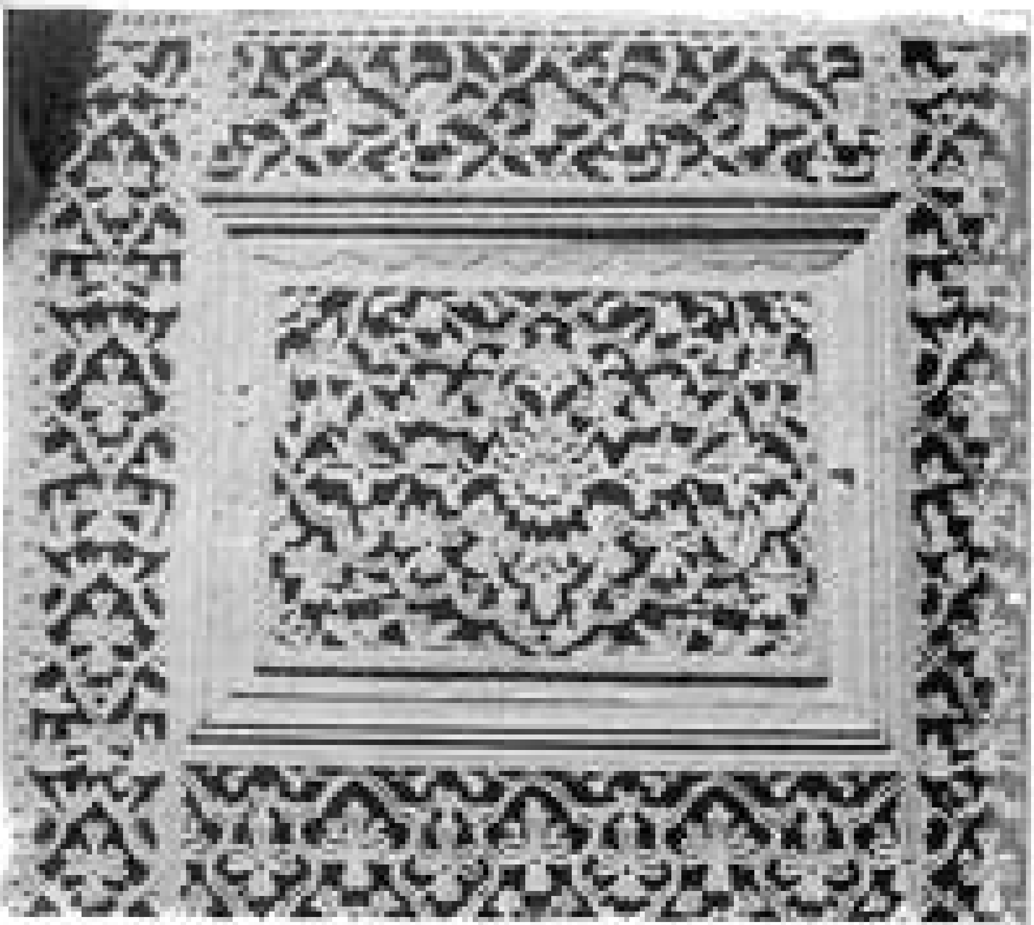

(عکس شمارهٔ ۱۸)

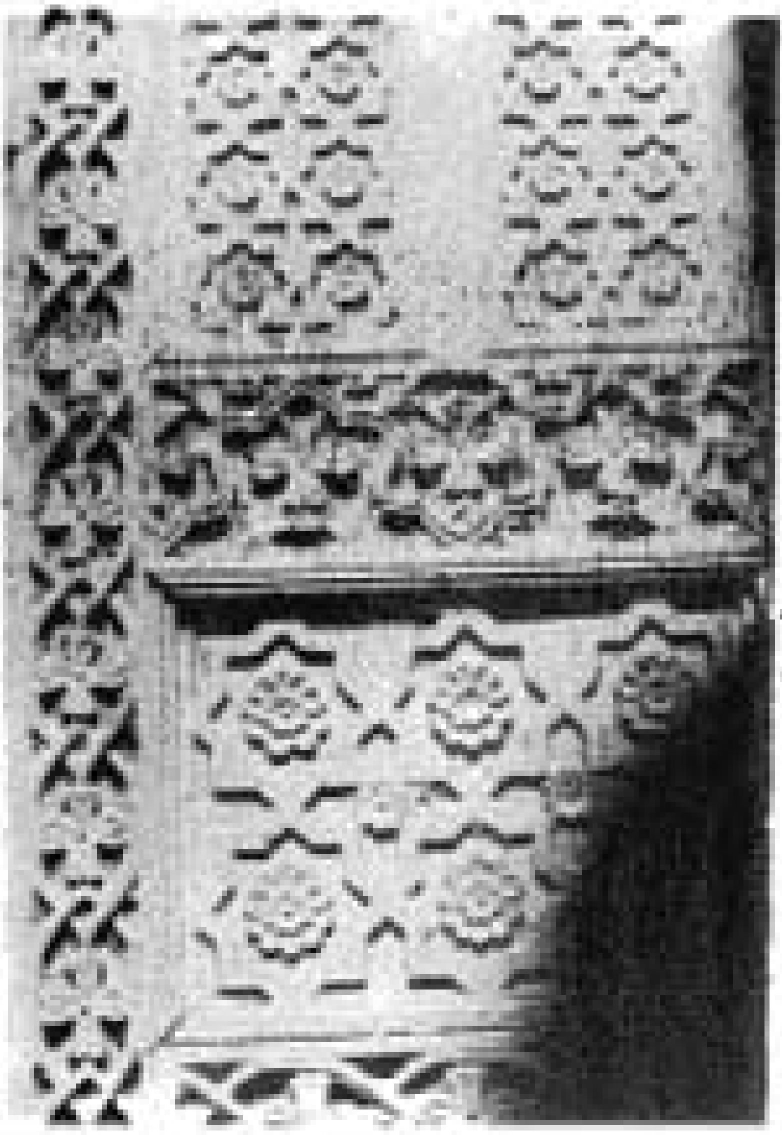

(عکس شمارهٔ ۱۹)

کنده کاریهای پشت ورودی در قدیمی مسجد متصل
بیقعهٔ امامزاده ابوالقاسم در محلهٔ امامزاده قاسم
موسوم به خرم آباد تنکابن

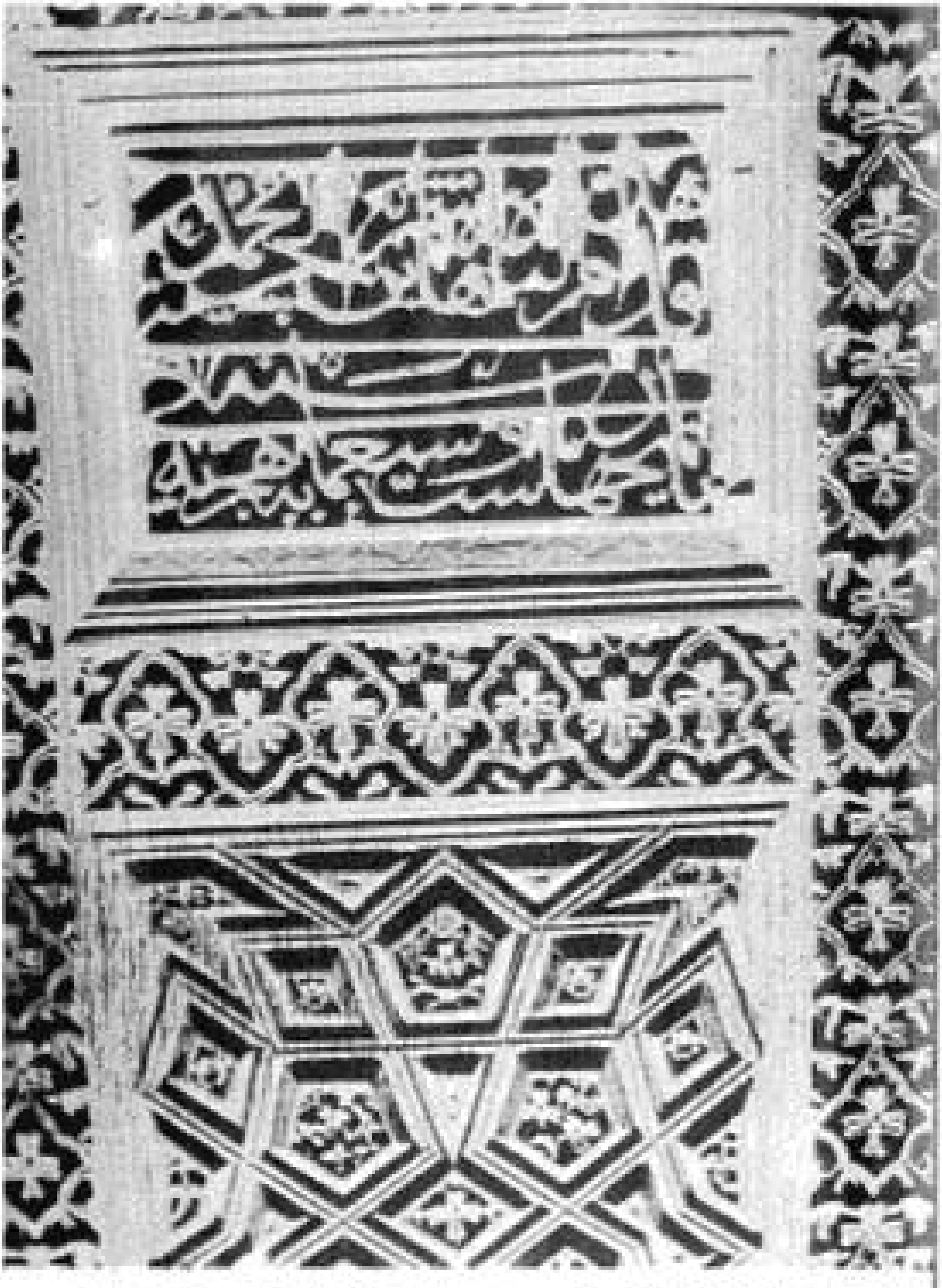

(عکس شمارهٔ ۲۰) کتیبهٔ بالای لنگه در قدیمی مسجد متصل به بقعهٔ امامزاده قاسم در دهکدهٔ امامزاده قاسم
دو جزء از شکاف در آمده

(شکل شمارهٔ ۳۹) بقعهٔ سید محمد در محلهٔ زوات شرقی قشلاق کلاردشت

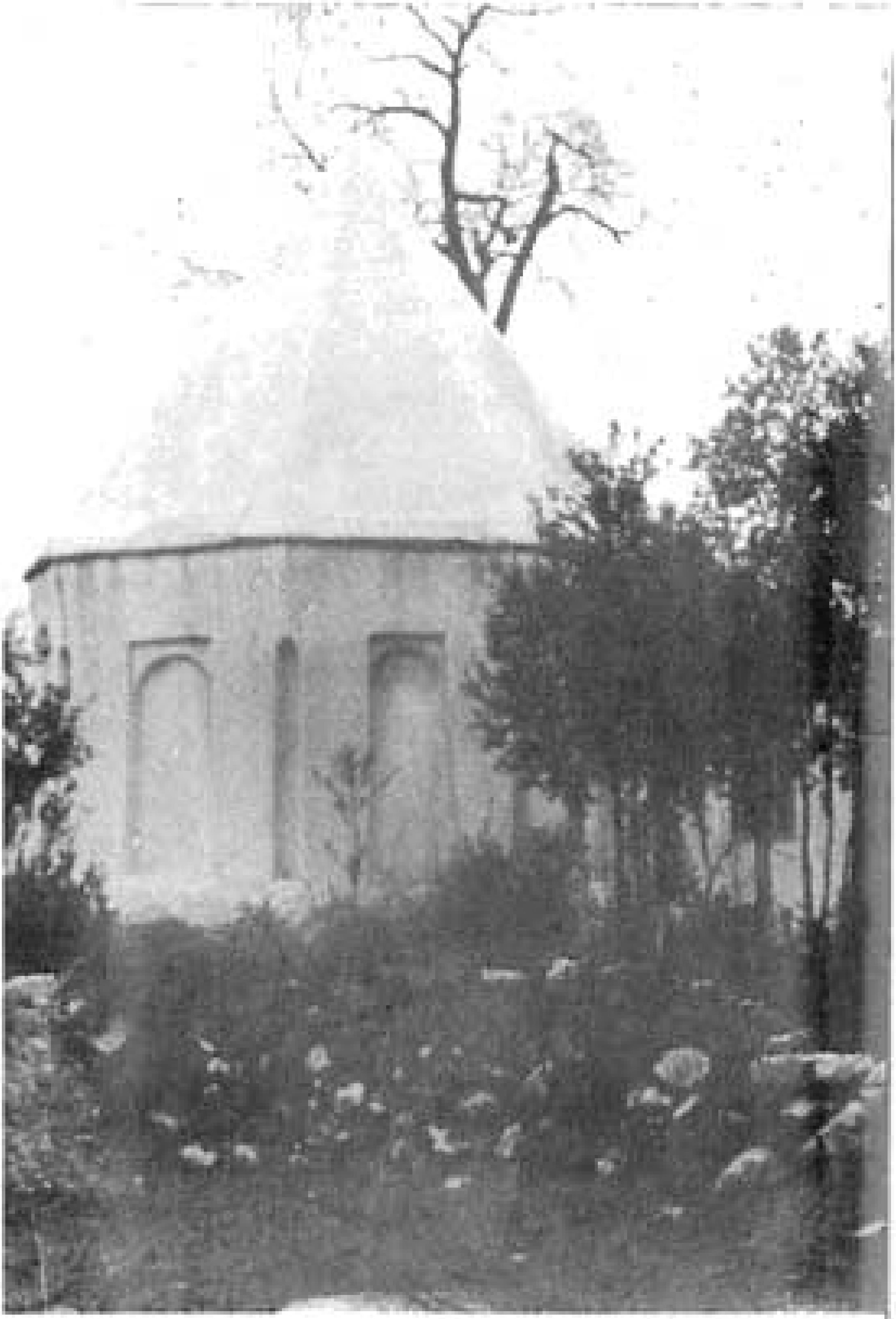

(عکس شمارهٔ ۳۲) بقعهٔ حمزه رضا در دهکدهٔ کوچک سرای چالوس

(عکس شمارهٔ ۲۳) در ورودی و کلی گل پاشا حمزه رضا در دهکدهٔ گوشناک سرای چالوس

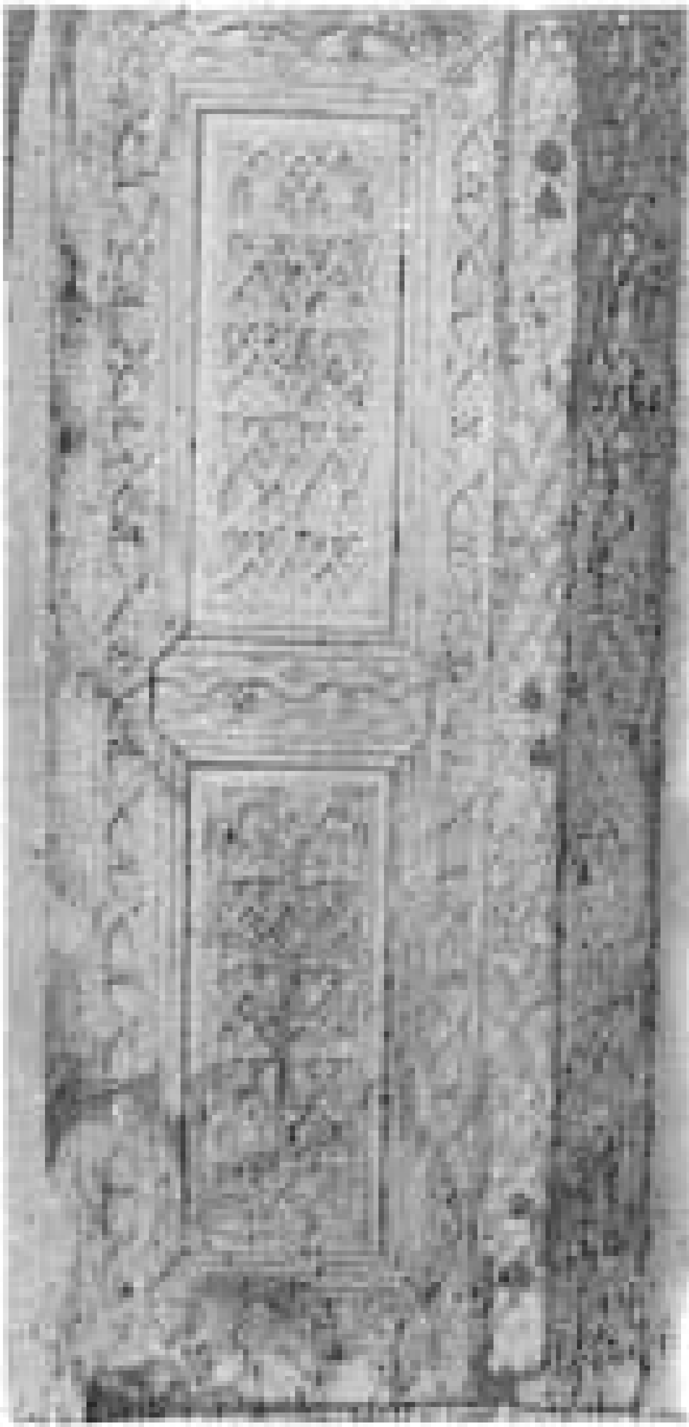

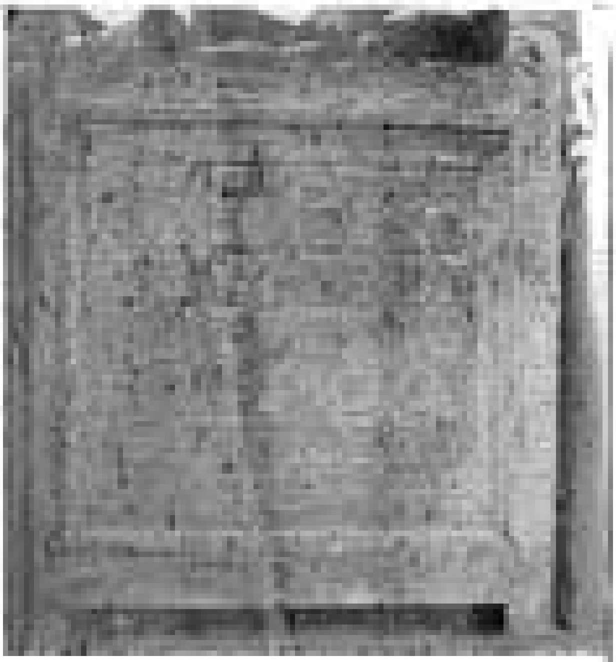

(عکس شمارهٔ ۹۴) قسمتی از صندوق قدیمی خانهٔ آقا
عبدالرضا نزدیک دهکدهٔ پرسنگون
بیرون بشم کلارستاق

(عکس شمارهٔ ۹۵) در صندوق قدیمی خانهٔ آقا عبدالرضا

(عکس شمارهٔ ۹۶) پارچه‌های چوب کنده‌کاری در
دالیوان اندرون آقاعبدالرضا نزدیک
دهکدهٔ پرسنگون بیرون بشم کلارستاق

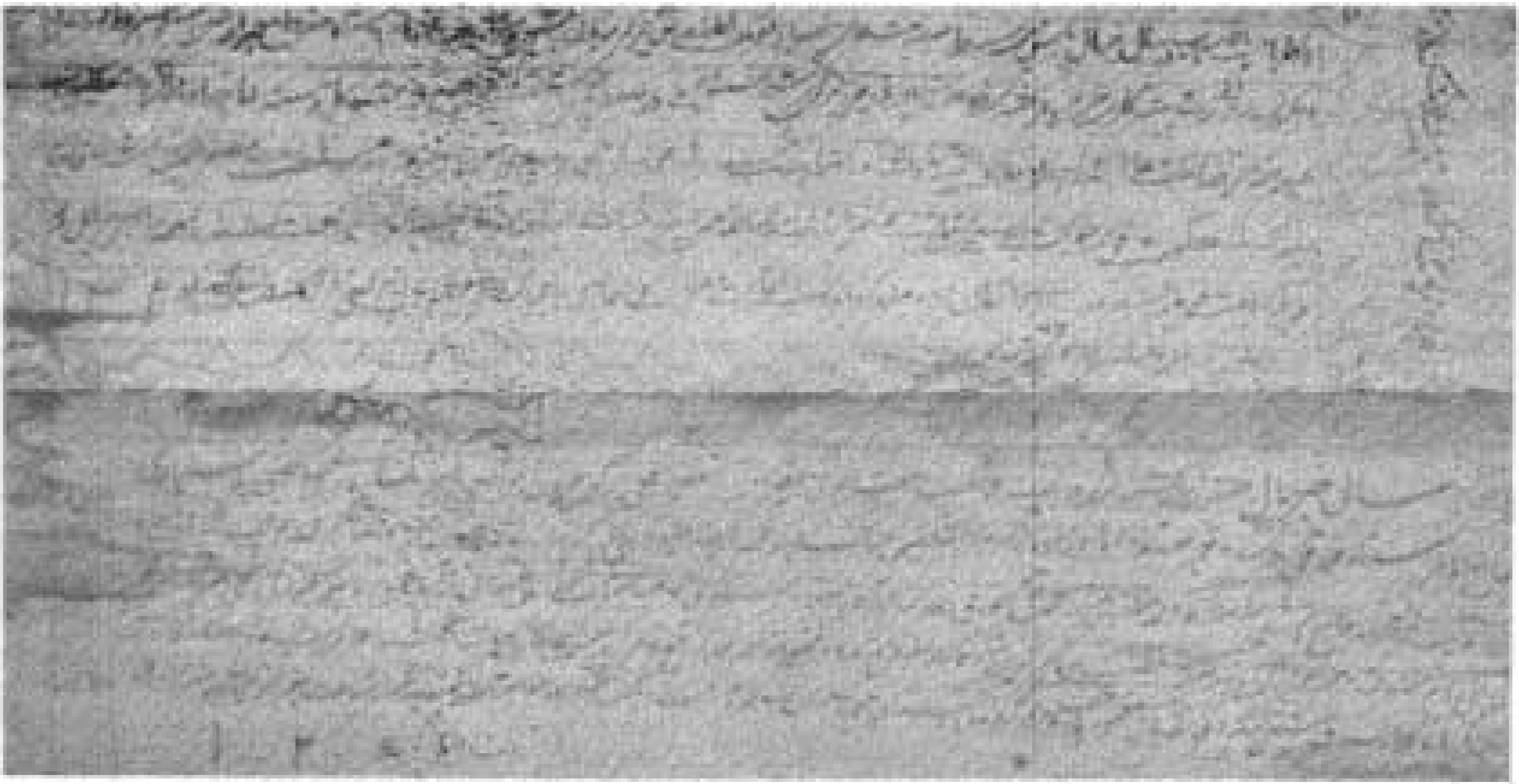

(عکس شمارهٔ ۹۷) کتیبه‌هایی بر تخته‌های پل‌گوی سقف ایوان امامزاده آقا عباس‌رضا نزدیک دهکدهٔ بردگون بیرون بندر کلارستاق

(عکس شمارهٔ ۲۸) نمای خارجی گلدسته و بقعهٔ امامزاده آقا عبدالرضا نزدیک محکمهٔ ورسیگون بیرون علم کلارستاق

(عکس شمارهٔ ۹۹) نمای خارجی بنای امامزاده زکریا در دهکدهٔ شکرکوه، کلاردشت، کلارستاق

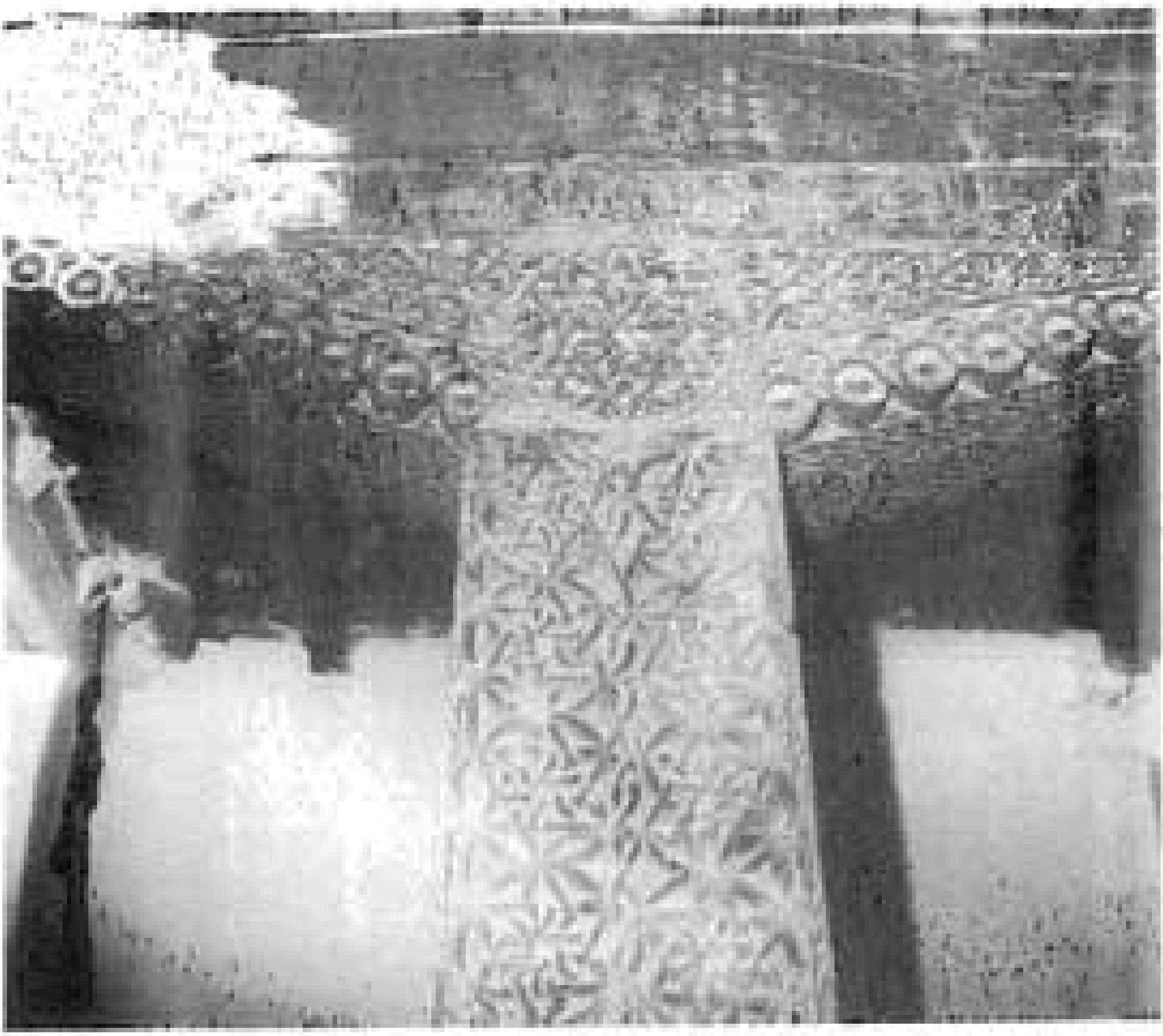

(عکس شمارهٔ ۴۰) سرستون چوبی امامزاده هادی در دهکدهٔ حسن کیف کلاردشت

(عکس شمارهٔ ۳۴) کتیبه‌ای بر ستون امامزاده هادی در محکمهٔ حسن کیف کلاردشت

(عکس شمارهٔ ۳۹) نمای خارجی امامزاده هارون در محلهٔ حسن کیف. کلاردشت

(عکس شمارهٔ ۳۴) گنجینهٔ کلاردشت

(عکس شمارهٔ ۳۳) گنجینهٔ کلاردشت

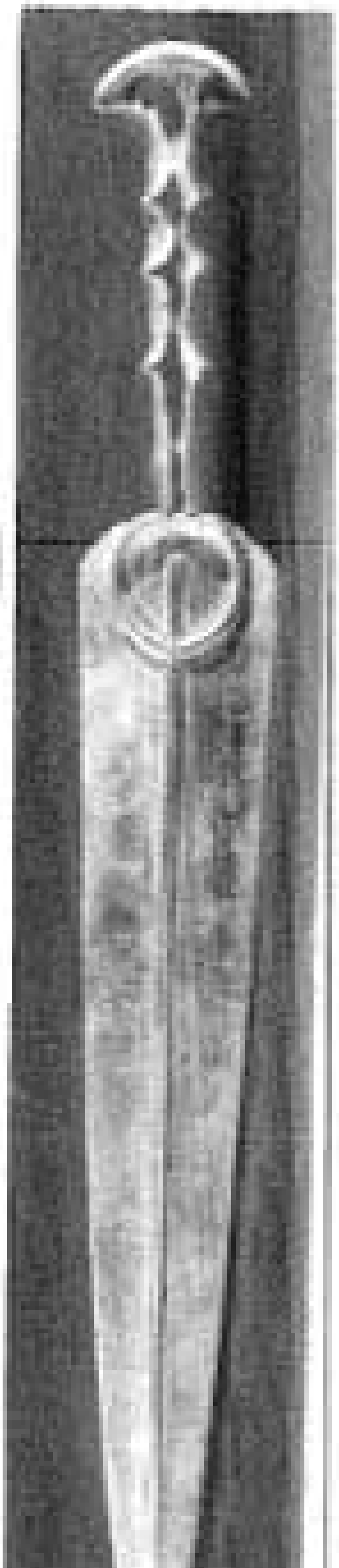

(شکل شماره ۳۵) کمپه کلاردشت

(عکس شمارهٔ ۳۶) گنجینهٔ کلاردشت

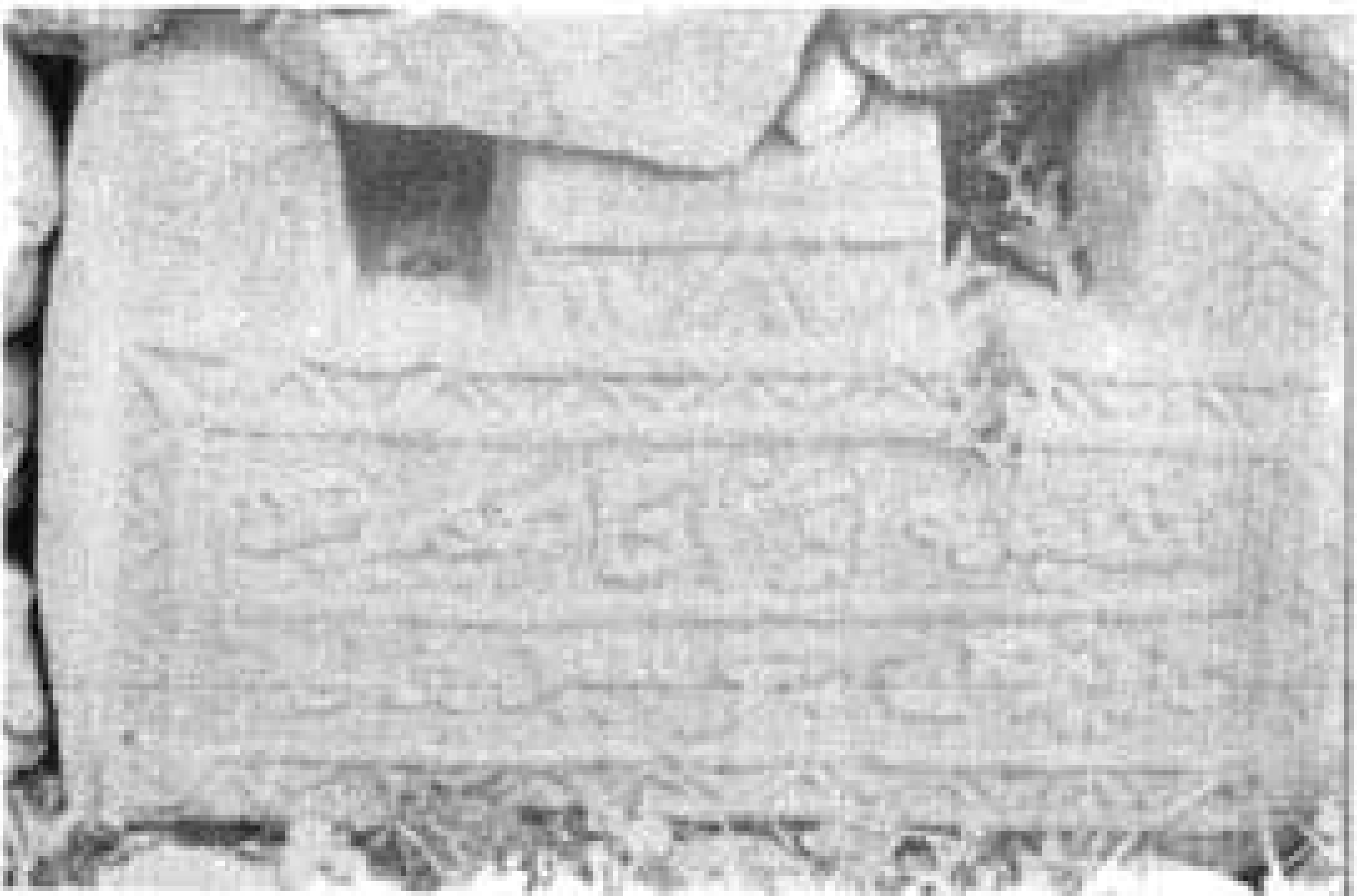

(عکس شمارهٔ ۲۴۳) سنگ قبری در قریهٔ [illegible] کنتولهای معکشه [illegible] کوهستان کلارستاق

(عکس شمارهٔ ۲۴۴) سنگ قبری در گورستان قدیمی در معکشهٔ الیث کوهستان کلارستاق

(عکس شمارهٔ ۴۹) سنگ قبری در گورستان قدیمی در معکنهٔ الیت کوهستان کلارستاق

(عکس شمارهٔ ۵۰) سنگ قبری در گورستان قدیمی در معکنهٔ الیت کوهستان کلارستاق

(عکس شمارهٔ ۱۰۴) نمای خارجی امامزاده اسماعیل در لاتل کوهستان کلارستاق

(عکس شمارهٔ ۴۲)قسمتی از راه ناصرالدینشاه
(راه قدیمی کندوان)

(عکس شمارهٔ ۴۳) دروازهٔ سنگی ناصرالدین
شاهی در راه قدیمی کندوان

(عکس شمارهٔ [illegible]) کتیبهٔ فارسی طرف چپ دروازهٔ سنگی راه ناصرالدین شاهی

(عکس شمارهٔ [illegible]) نمای کاروانسرای پای گردنهٔ کندوان در آبریز رودخانهٔ چالوس

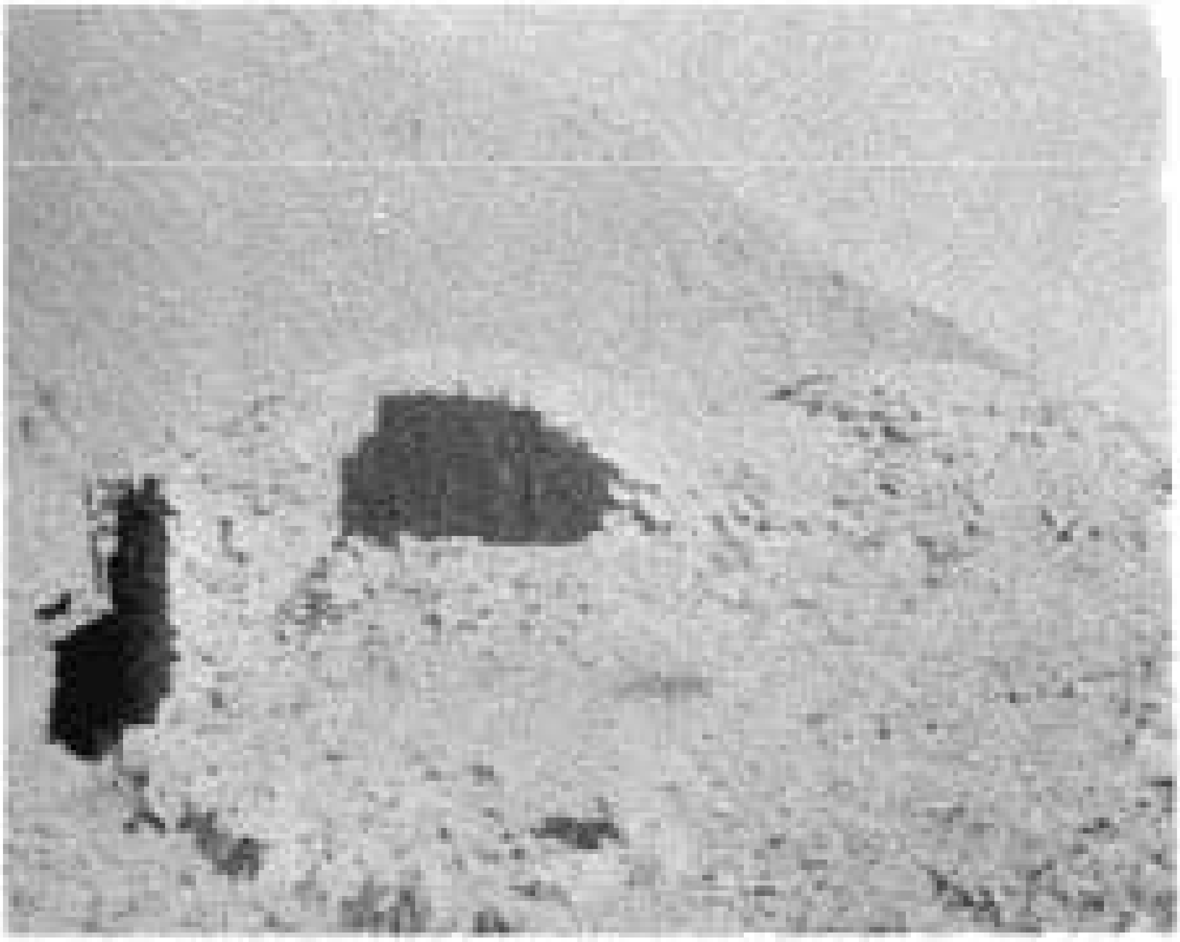

(عکس شمارهٔ ۹۶) گنبدی از کاروانسرای گردنهٔ کندوان در آبریز رودخانهٔ چالوس

(عکس شمارهٔ ۹۷) امامزاده جعفر و امامزاده حسن در حسن‌آباد پنجک رستاق کجور

(عکس شمارهٔ ۱۴۸) امامزاده جعفر در اراضی بخش خیلی حومهٔ گنبد

(عکس شمارهٔ ۴۹) گچبریها و قالبهای زیر گنبد امامزاده جعفر در پشت خیل موما کیور

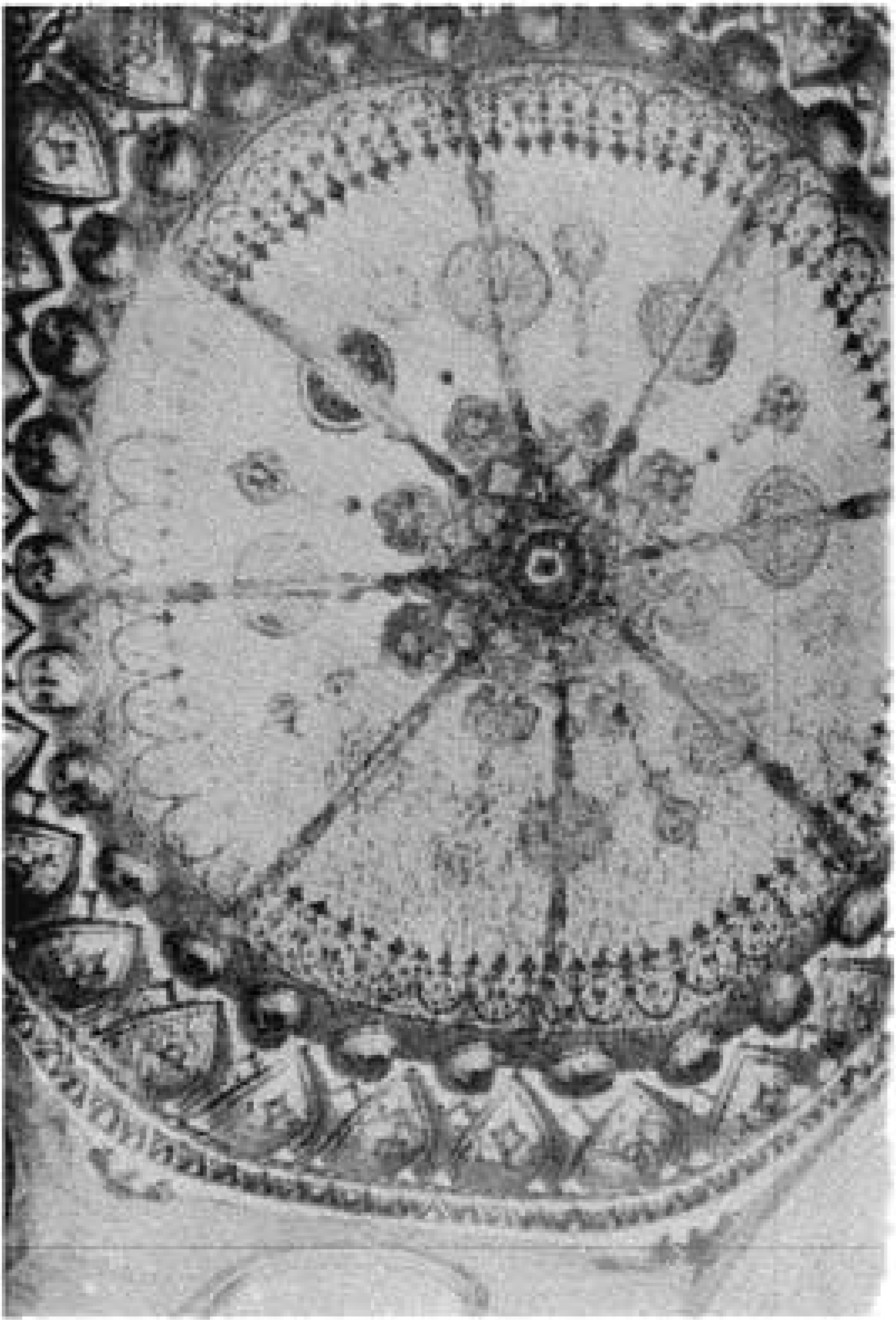

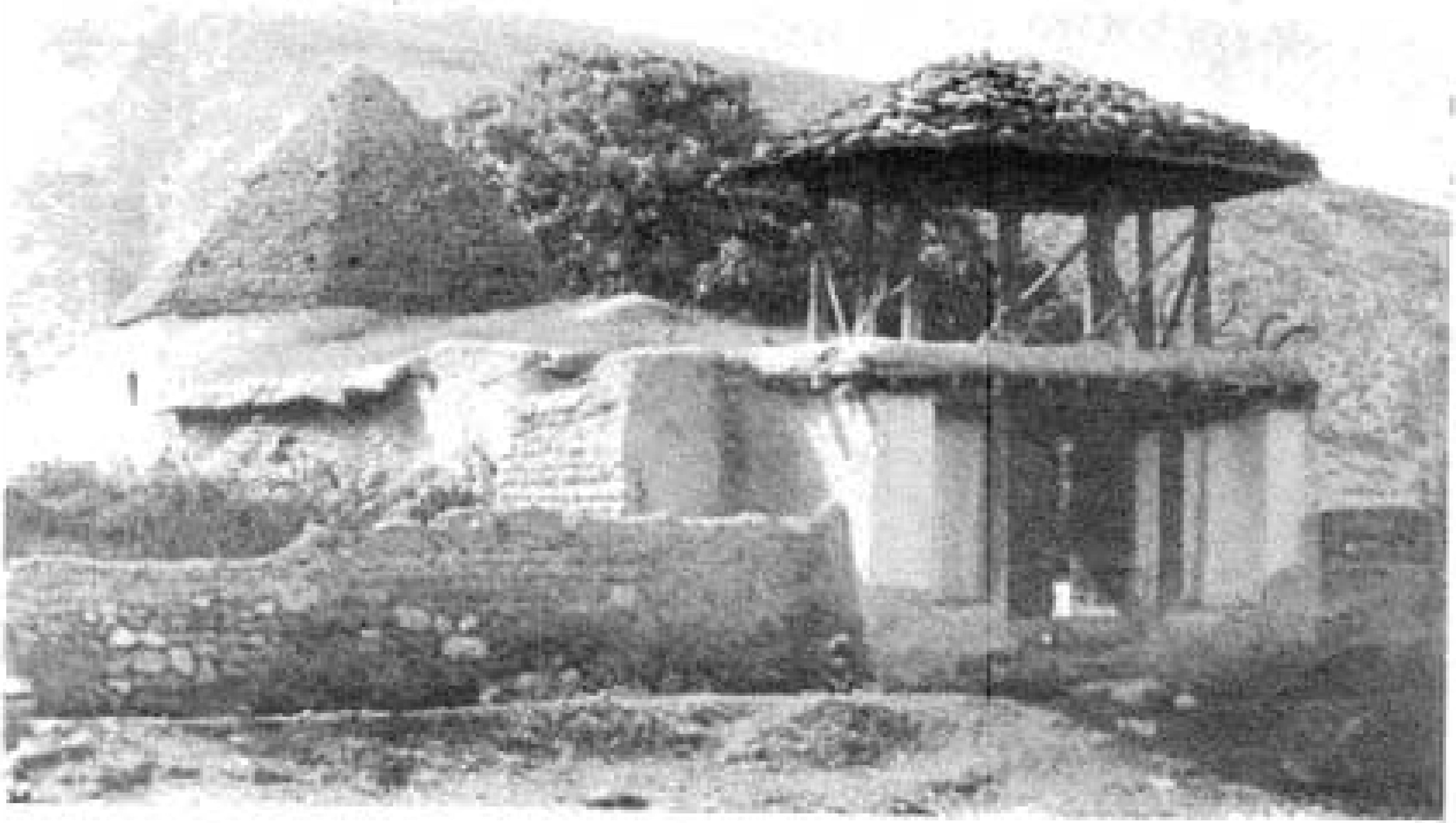

(عکس شمارهٔ ۵۰) نمای خارجی شاهزاده حسین در دهکدهٔ فیروز کلای پایین حومهٔ

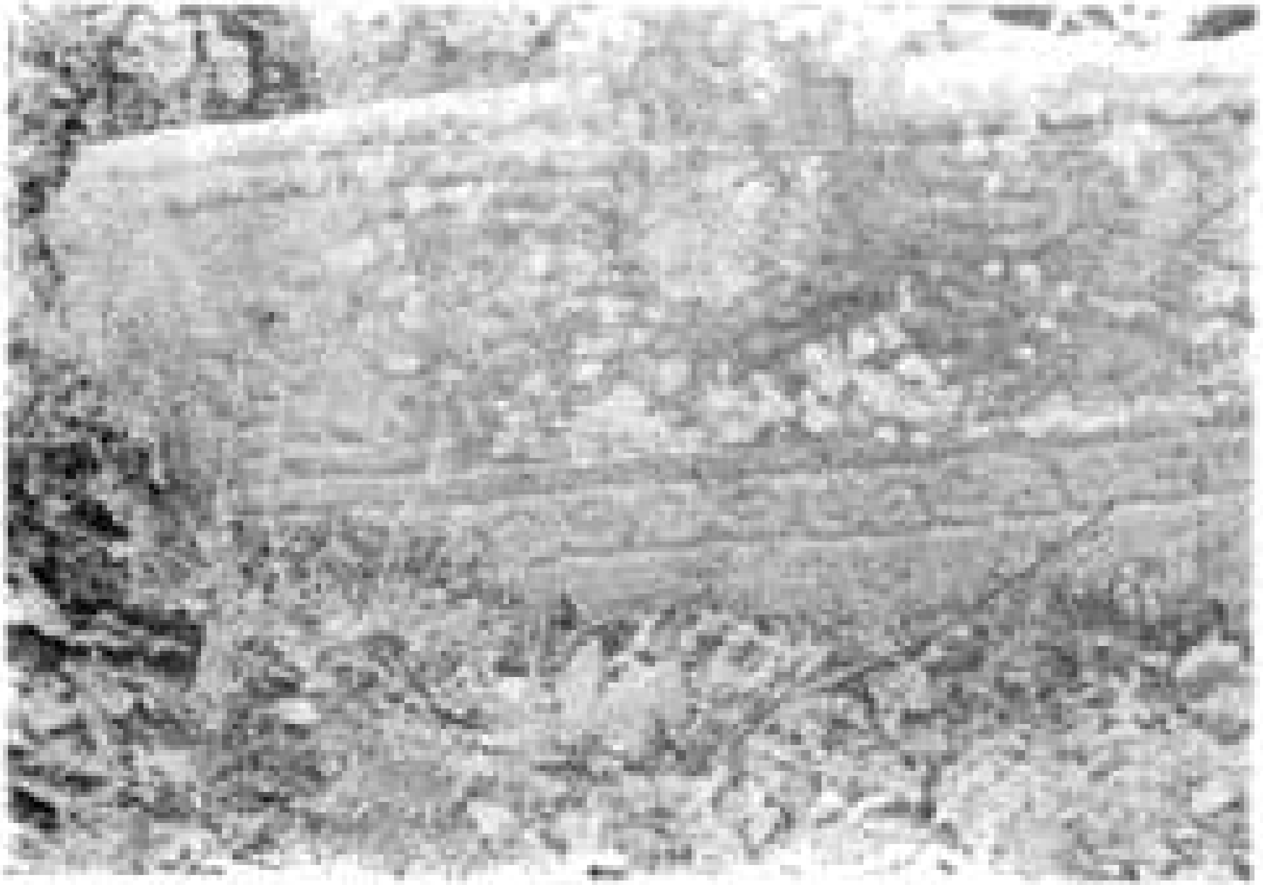

(عکس شمارهٔ ۵۱) سنگ قبر قدیمی در امامزاده سیدعلی در اراضی فیروزکلای پایین کجور.

(عکس شمارهٔ ۵۲) مزار سیده خدیجه در دامنهٔ کوه نزدیک بقعهٔ سیدعلی در اراضی فیروزکلا

(عکس شمارهٔ ۳۶۵) نمای کلی بقعهٔ طاهر و مطهر در سال ۱۳۰۳ هـ . ق . (عکس شمارهٔ ۹۶۰۰۹ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

(عکس شمارهٔ ۵۴) قسمتی از کتیبهٔ بالای صندوق مرقد ملک کیومرث در بقعهٔ طاهر و مطهر

(عکس شمارهٔ ۵۵) قسمتی از کتیبهٔ پایین وجههٔ صندوق مرقد ملک کیومرث در بقعهٔ طاهر و مطهر

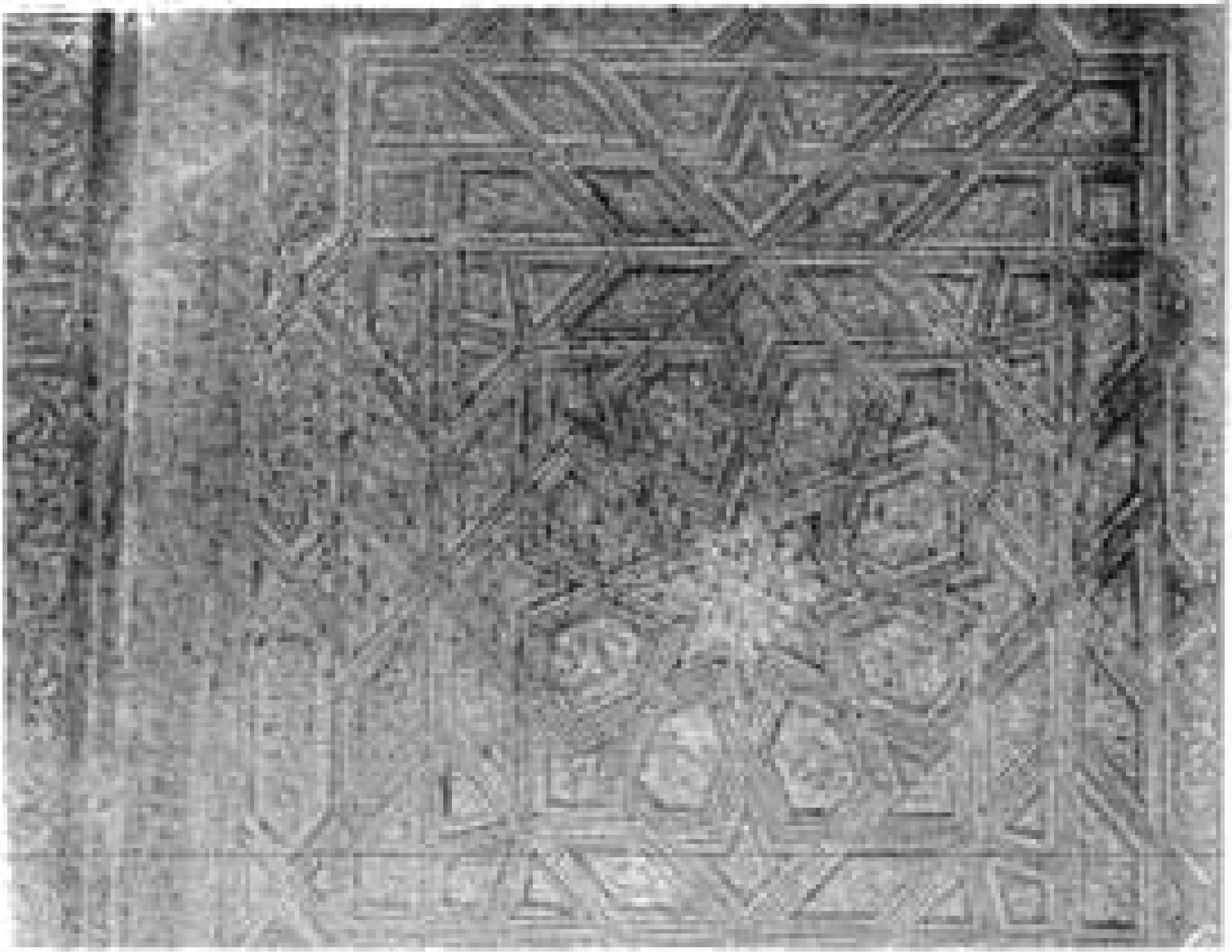

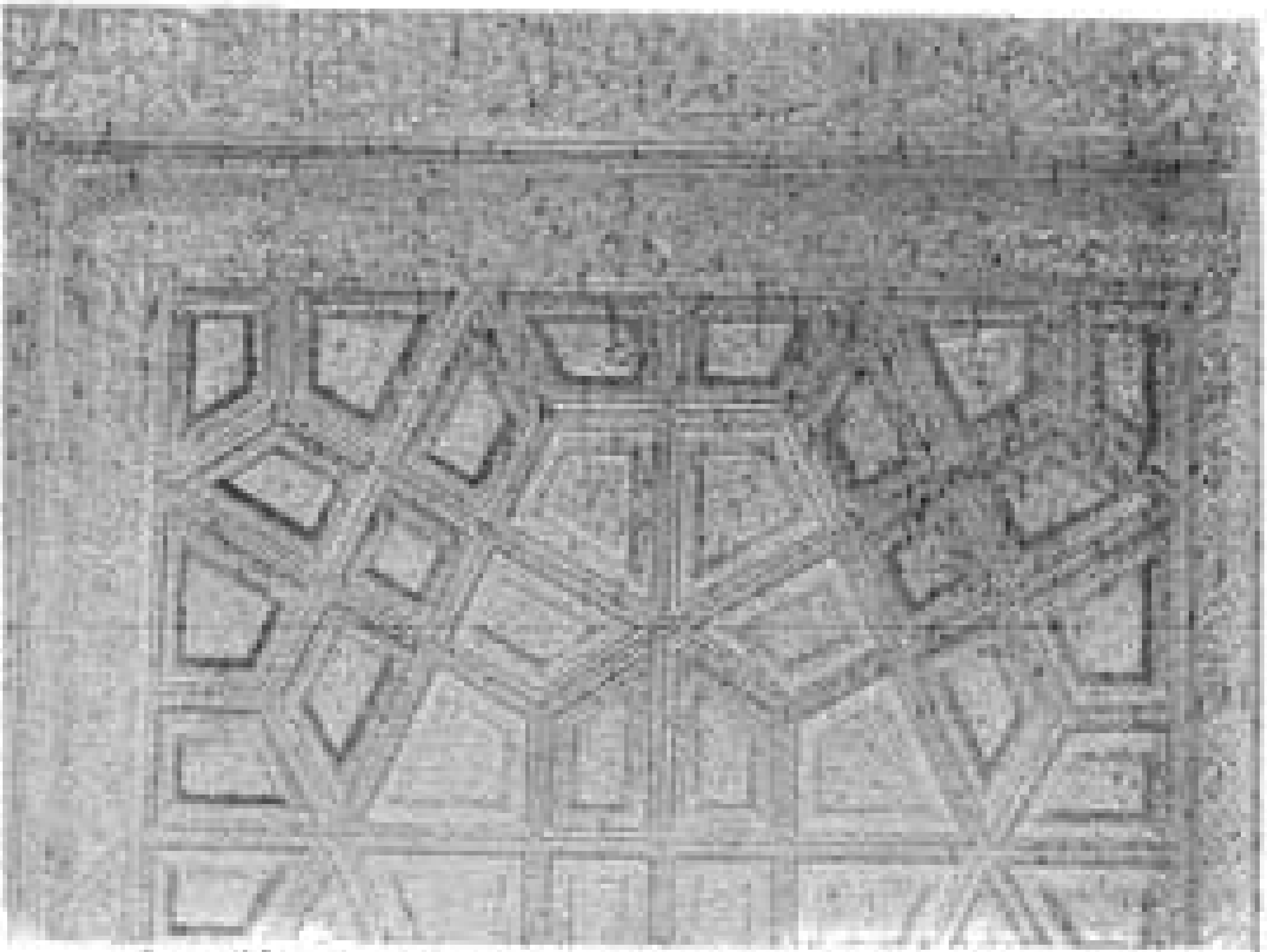

(عکس شمارهٔ ۵۶) قسمتی از کتیبهٔ بالای طرف شرقی صندوق مرقد ملک کیومرث در بقعهٔ طاهر و مطهر

(عکس شمارهٔ ۵۷) بدنهٔ جنوبی صندوق مرقد ملک کیومرث در بقعهٔ طاهر و مطهر

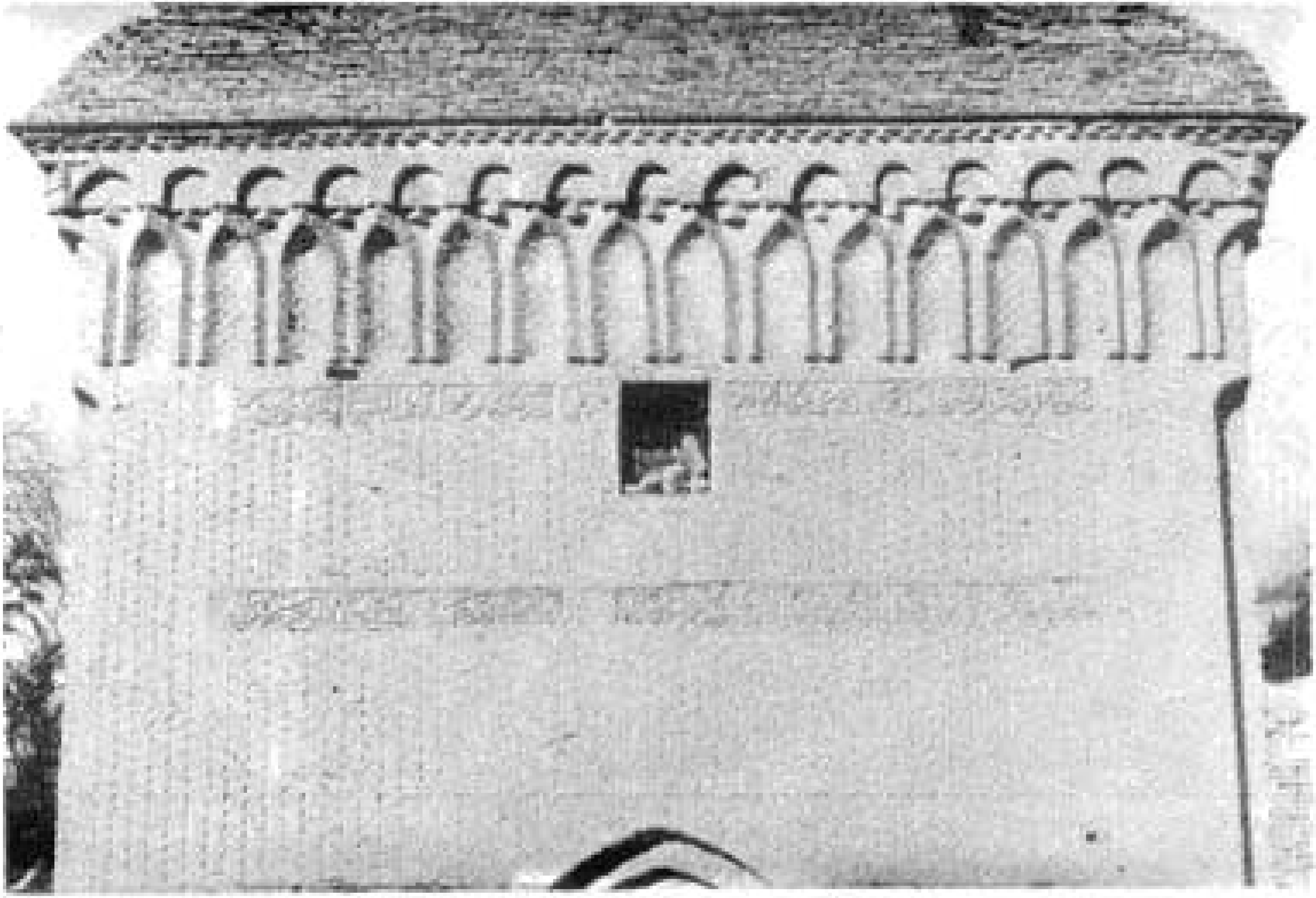

(عکس شمارهٔ ۹۸) کتیبه‌های ضلع جنوبی بنای بقعهٔ طاهر و مطهر

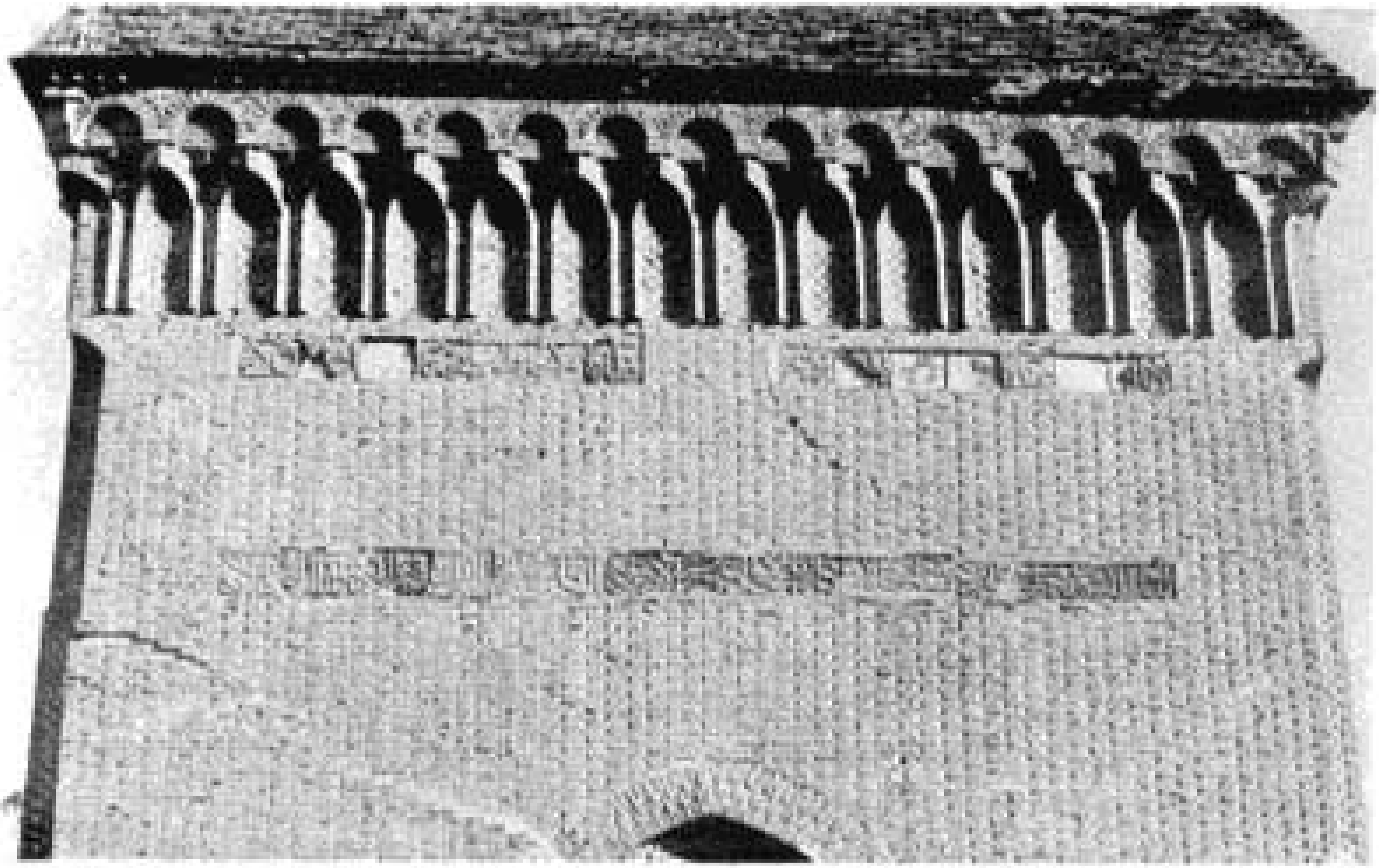

(عکس شمارهٔ ۵۹) کتیبه‌های ضلع غربی بنای بقعهٔ طاهر و مطهر

(عکس شمارهٔ ۶۰) بقعهٔ طاهر و مطهر و مدفن ملک کیومرث لشتنشاء در اراضی محکمهٔ هزار خال کجور

(عکس شمارهٔ ۶۱) مرقد سید محمد کیا میر سالجانی در محکمهٔ سالجان کجور

(عکس شمارهٔ ۱۶) منبری سنگی در ارانی مصلای دهکدهٔ سالجان کجور

(عکس شمارهٔ ۹۳) بقعهٔ شاهزاده ابراهیم معروف به شاه شجر در محلهٔ ساتلمان گیجور در تاریخ
(جمادی‌الثانیه ۱۳۸۶ ثلاثاکتبه)

(عکس شمارهٔ ۹۴) بقعهٔ شاه شجر و دورنمای ازدوی شهرالتین‌خلد (جمادی‌الثانیه ۱۳۸۶ ثلاثاکتبه)

(عکس شمارهٔ ۹۶) بقعهٔ درویش امیر در اراضی ناسنگ لالکا کجور

(عکس شمارهٔ ۲۷) قرنیسها و طاقنماهای یکی از اضلاع نمای خارجی بقعهٔ درویش امیر

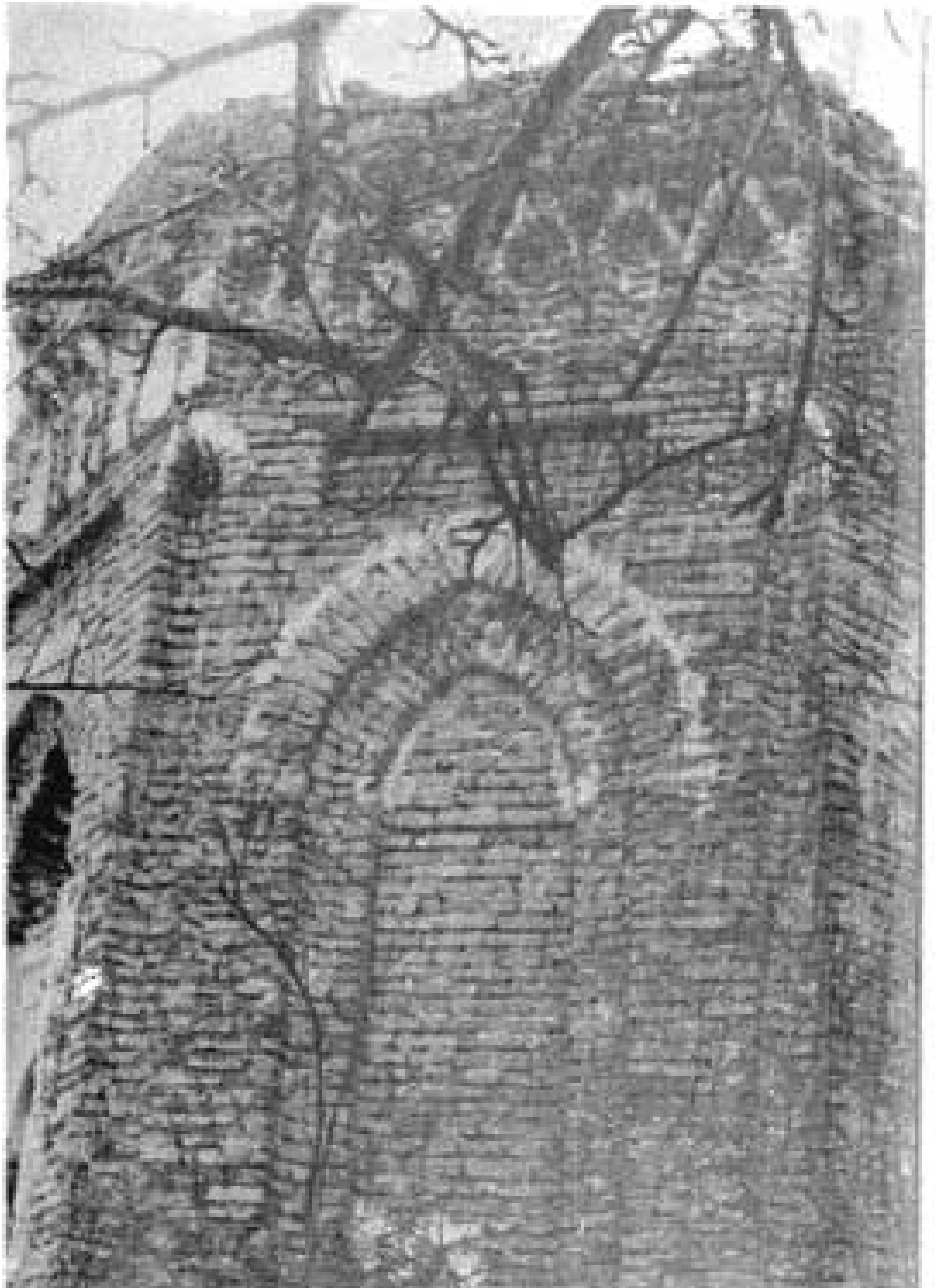

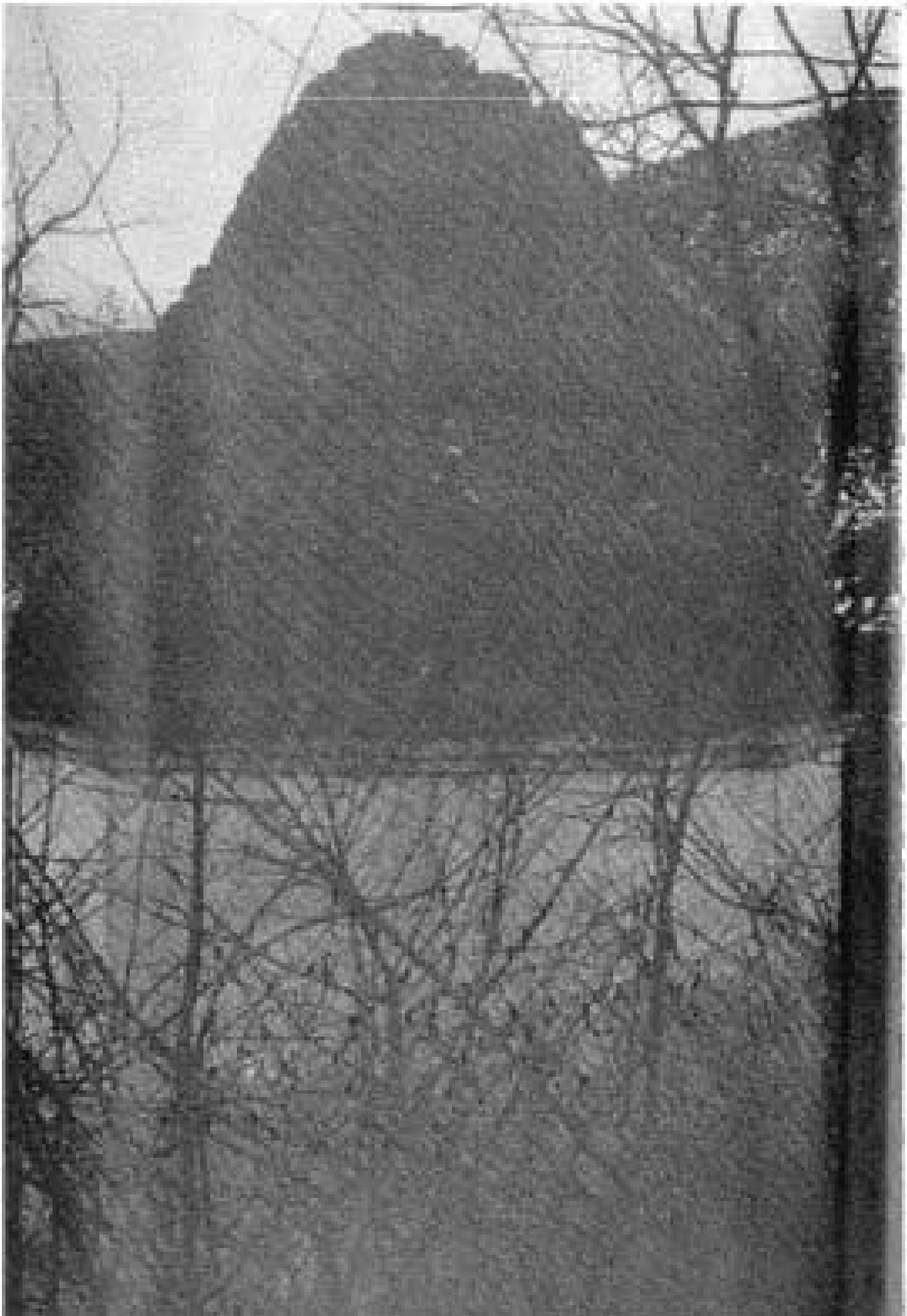

(عکس شماره ۲۸۰) بقعهٔ درویش رستم در محکمهٔ اطاق سرا ژالوس کجور

(عکس شمارهٔ ۱۹) بقعهٔ درویش شهراگیم در محلهٔ اطاق‌سرا زانوس کجور

(عکس شمارهٔ ۷۰) بقعهٔ سید علی کیا در محلهٔ سید علی کیا در خیررود کنار کجور

(عکس شمارهٔ ۷۹) مأذنه بقعهٔ سیدعلی کیا در محکلهٔ سیدعلی کیا در خیر رود کنار کجور

(عکس شمارهٔ ۷۶) کوهی که قلعهٔ دیو سفید در دامن آن بنا شده در جنوب دزبلاد کجور

(عکس شمارهٔ ۷۳) درخت سور کهنسال بقعهٔ امرور بقعهٔ کیهور

(عکس شمارهٔ ۷۴) بنای بقعهٔ خالد کیا سلطان در مناچیر کلای علوی کلای کجور.

(عکس شمارهٔ ۹۹۶) سقانفار بقعهٔ خالد کیا سلطان در سایپر کلای علوی کلای کجور

(عکس شمارهٔ ۷۹) بنای بقعهٔ جمشید کیا سلطان در دهکدهٔ الده مرکز قشلاق کجور

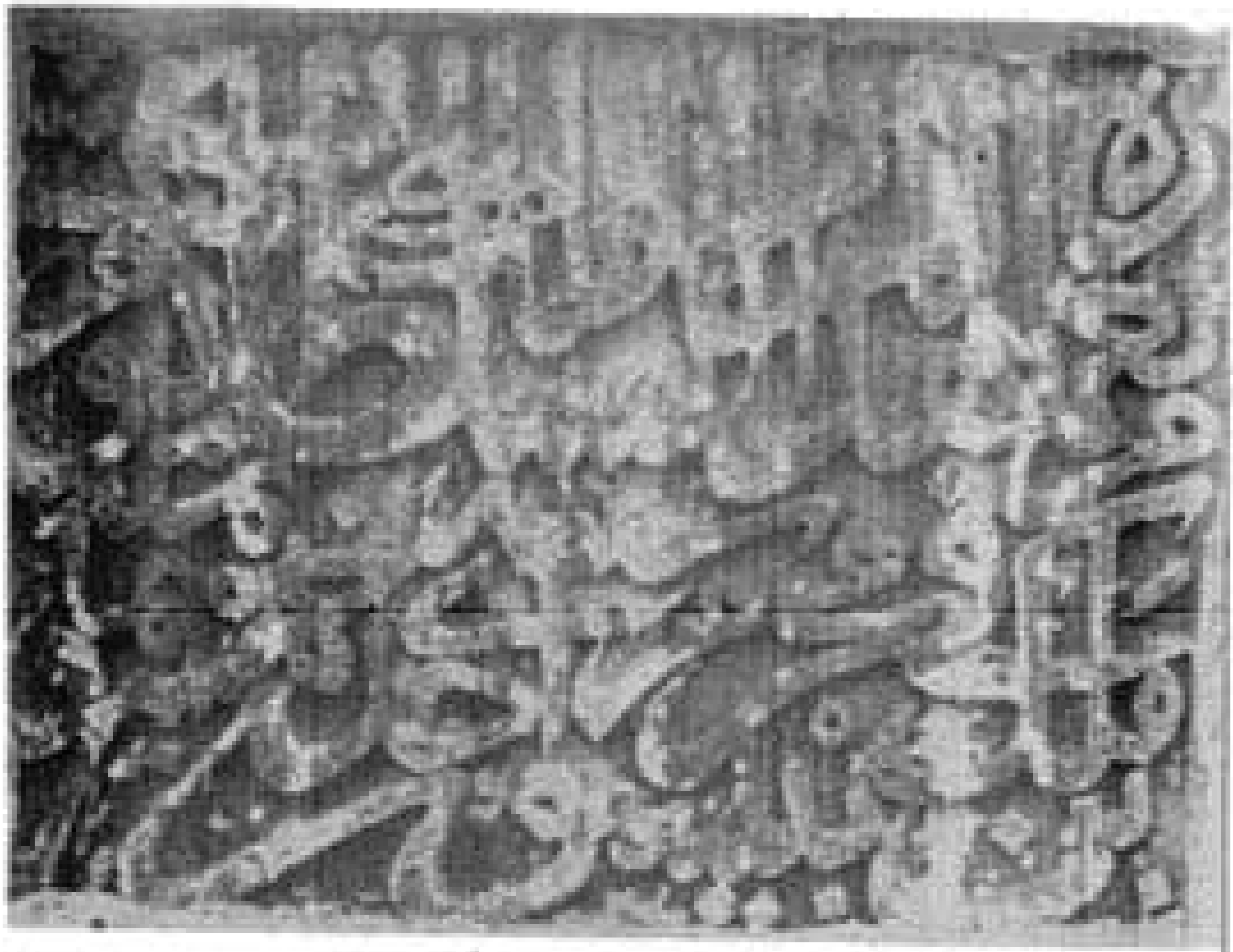

(عکس شمارهٔ ۲۷) کتیبهٔ آجری بقعهٔ جنتیه گیا سفلان

(عکس شمارهٔ ۲۸) ساختمان علی سالار واقع در کله‌گر محلهٔ قشلاق کجور

(عکس شماره ۲۹) راه شاه عباس در اراضی کلاته گرمحلهٔ کالج کجور

(عکس شمارهٔ ۸۰) سنگ قبری در گورستان قدیمی دهکدهٔ نسن اوز روده نور

(عکس شمارهٔ ۸۱) سنگ قبری در گورستان قدیمی دهکدهٔ پیل اوزروده نور

(عکس شمارهٔ ۲۷۵) امامزاده طیب و طاهر در کلاک بالای اوزرود نور

(عکس شمارهٔ ۹۳) کوهی که قلعهٔ ماریچو بر آن بنا شده است

(عکس شمارهٔ ۸۴) قسمتی از دیوار قلعهٔ نارچو

(عکس شمارهٔ ۹۹) قلهٔ آزاد کوه که بنایی قدیمی بر آن بنا شده است

(عکس شمارهٔ ۹۶) امامزاده موسی در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوز رود نور

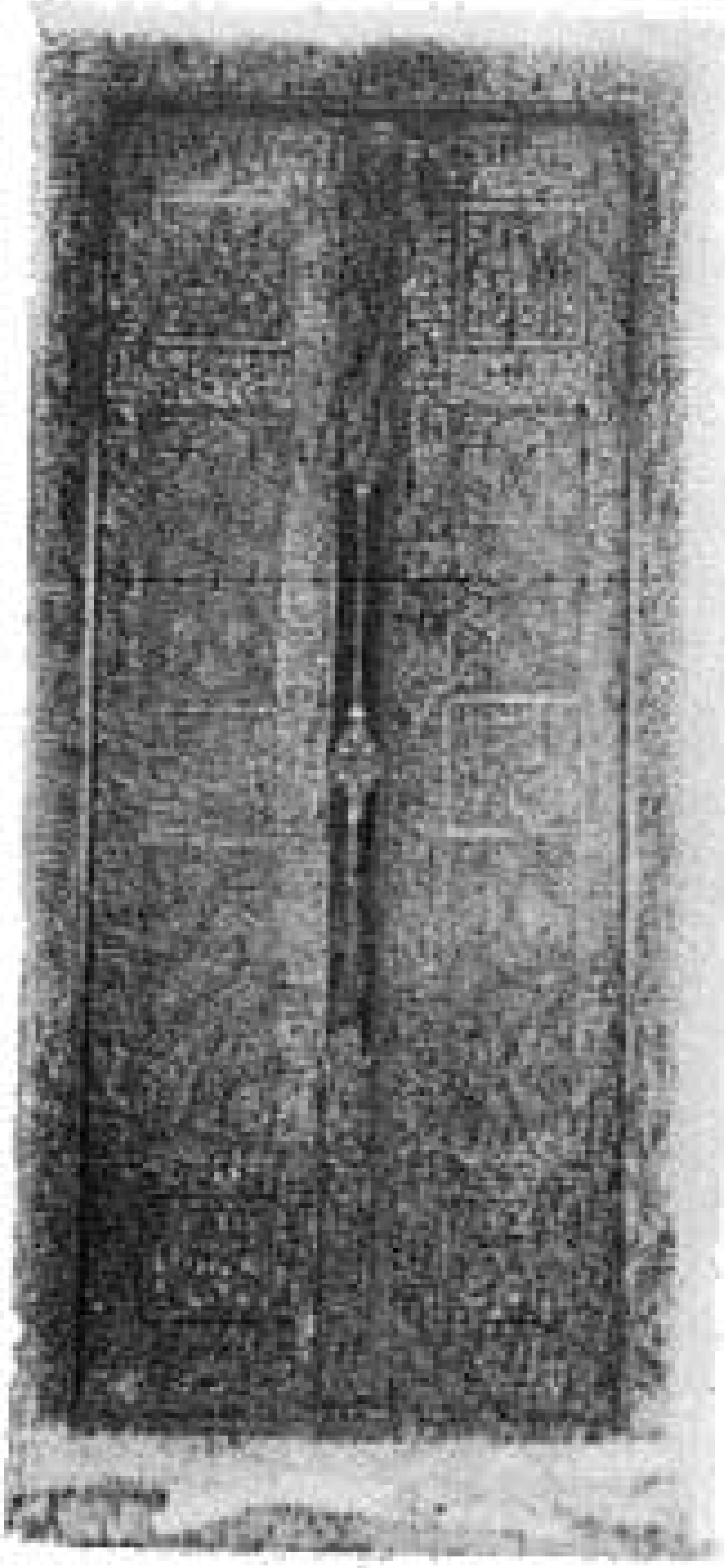

(عکس شمارهٔ ۸۷۸) در ورودی بقعهٔ امامزاده موسی در اوز لار

(عکس شمارهٔ [illegible]) امامزاده سید زکریا در اوز کلای اوز رود نور

(عکس شمارهٔ [illegible]) نمای کلی از محکمهٔ اوزکلا و بنای امامزاده سید زکریا

(عکس از آلبوم ناصرالدین شاه ، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

(عکس شمارهٔ ۹۰) امامزاده محمود در محلهٔ درویش ملای تابهٔ اوز روده نور

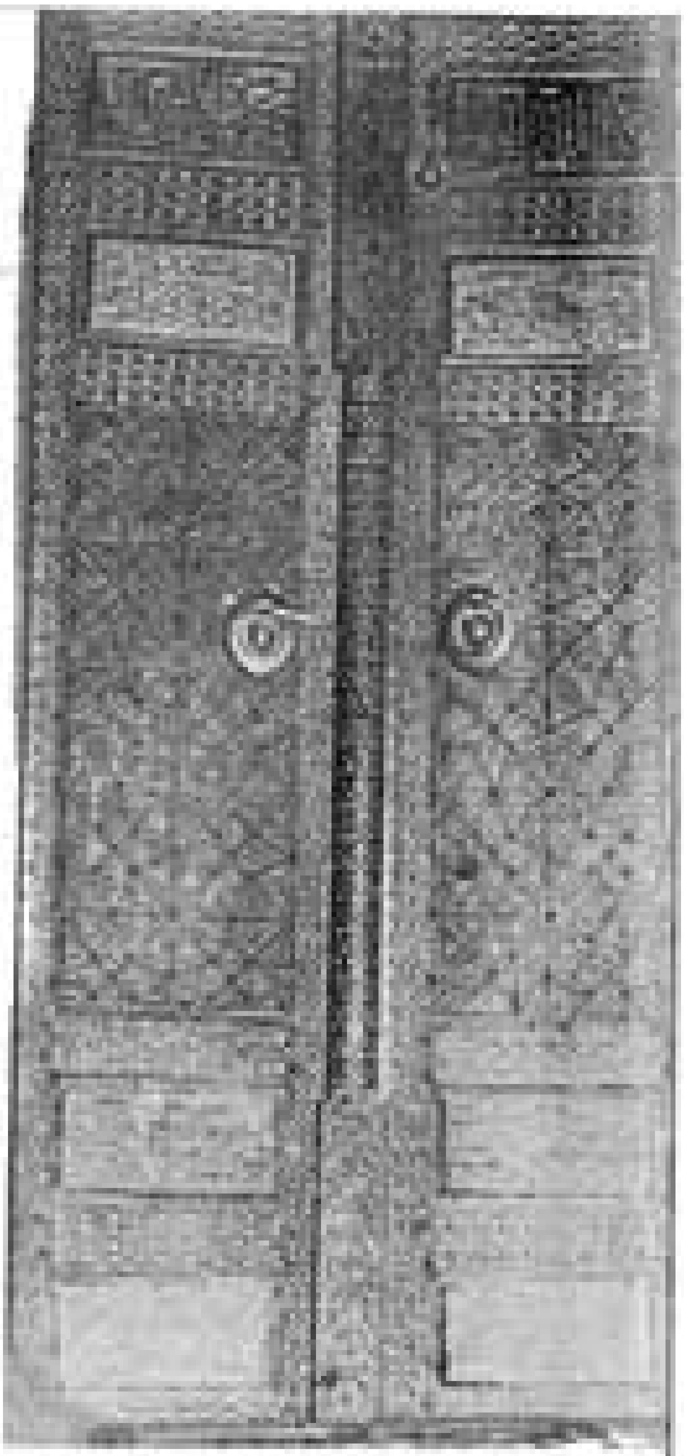

(عکس شمارهٔ ۹۱) در ورودی بقعهٔ امامزاده محمود درنایه

(عکس شمارهٔ ۹۲) در مسجد قدیمی متصل به بقعهٔ امامزاده محمود در نایه

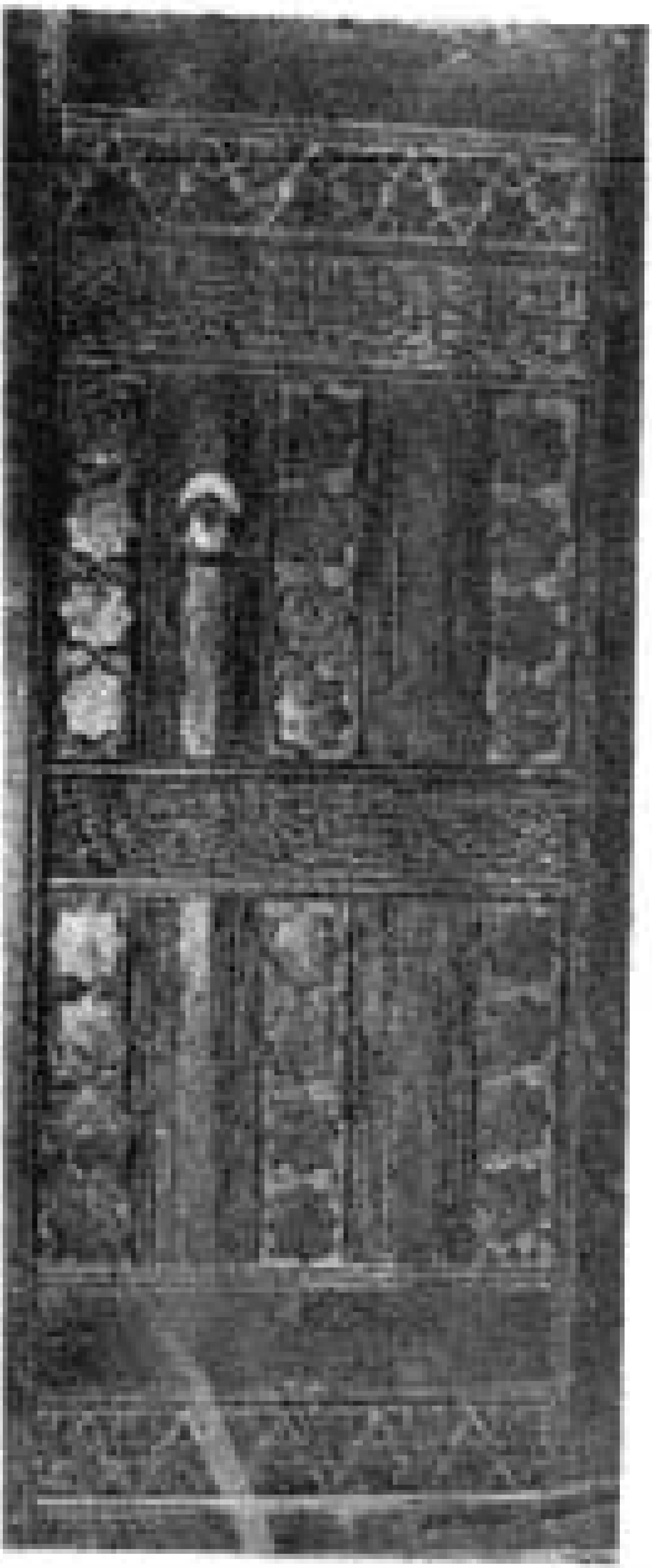

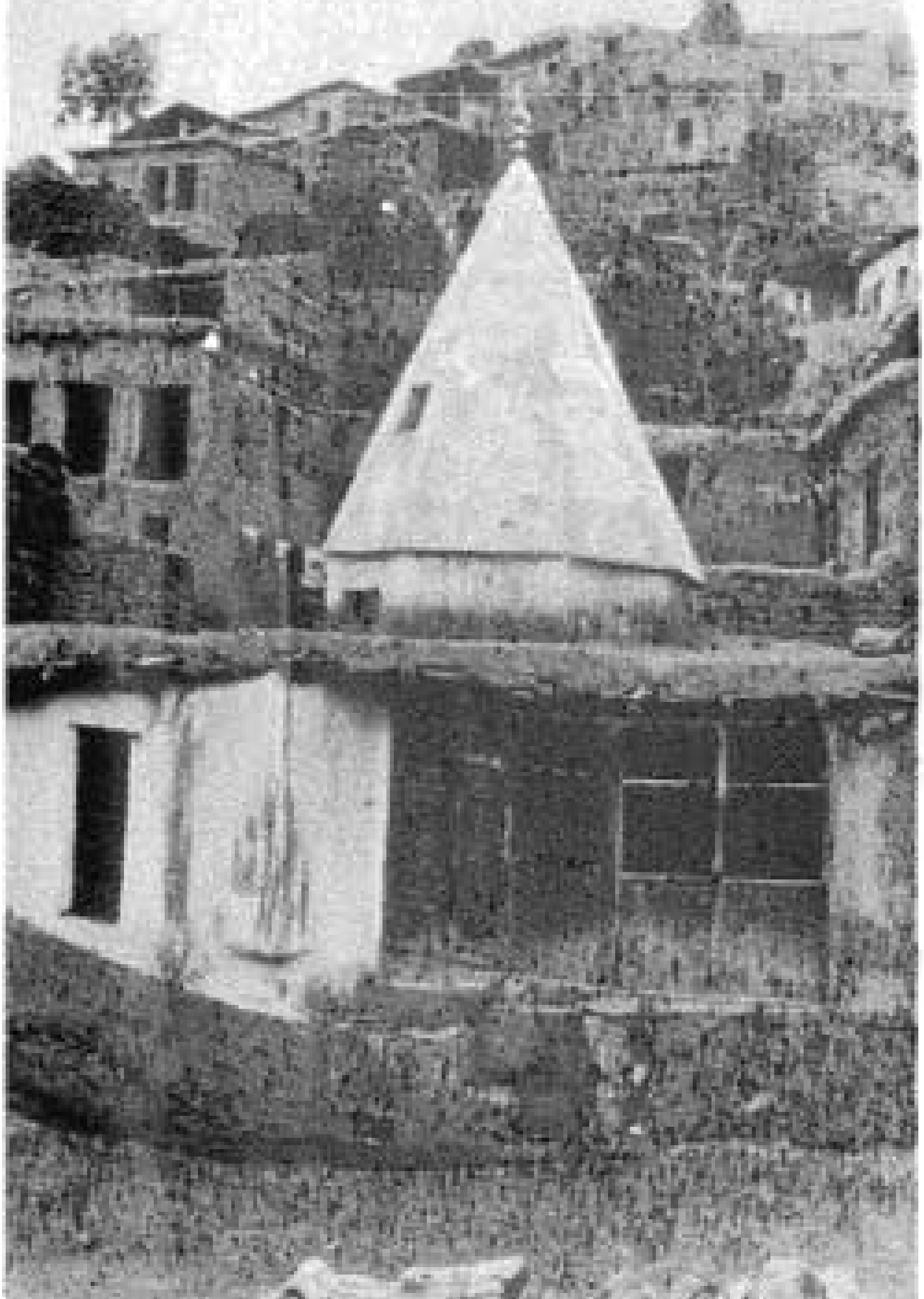

(عکس شمارهٔ ۹۳) آرامگاه خطیب و نجیب در محلهٔ تابهٔ اوز وود دور

(عکس شمارهٔ ۹۶) بقعهٔ امامزادگان ماروکیا سلطان وحسن کیا سلطان درارانی سنگابل ناحیهٔ اوزرود نور

(عکس شمارهٔ ۹۹) امامزاده امان‌الله در پیچهٔ اوز رود نور

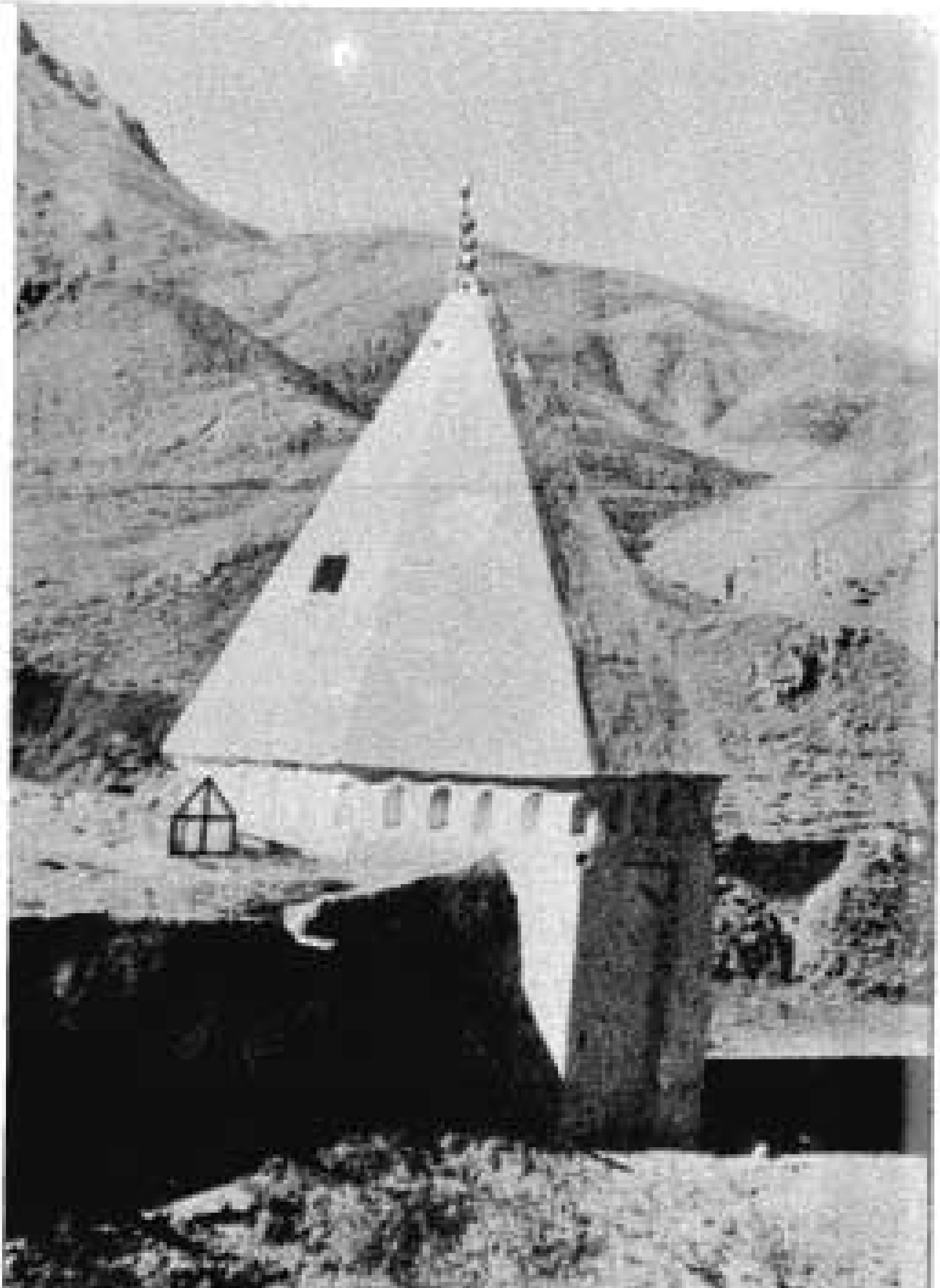

(عکس شمارهٔ ۹۶) امامزاده جعفر در انگرود الوز روده نور

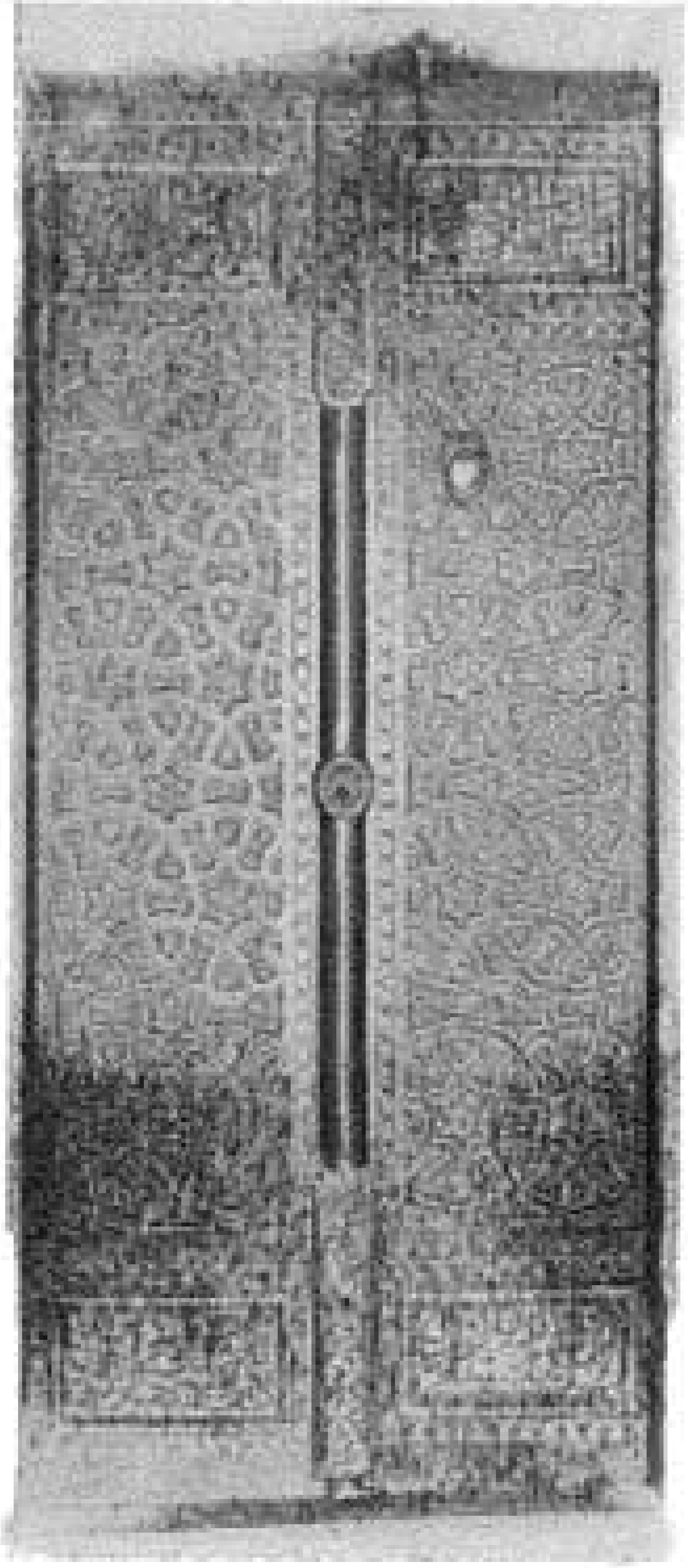

(عکس شمارهٔ ۹۷) در بقعهٔ امامزاده جعفر در انگوره لورزود نور

(عکس شمارهٔ ۹۸) امامزاده احمد در مسیر کلای اوز روده ور

(عکس شمارهٔ ۹۹) گور کیا داود در قبرستان عمومی محکمهٔ یوش در اوز رود نور

(عکس شمارهٔ ۱۰۰) کتیبه‌ای از سنگ مرمر بر بالای در ورودی گور کیا داود

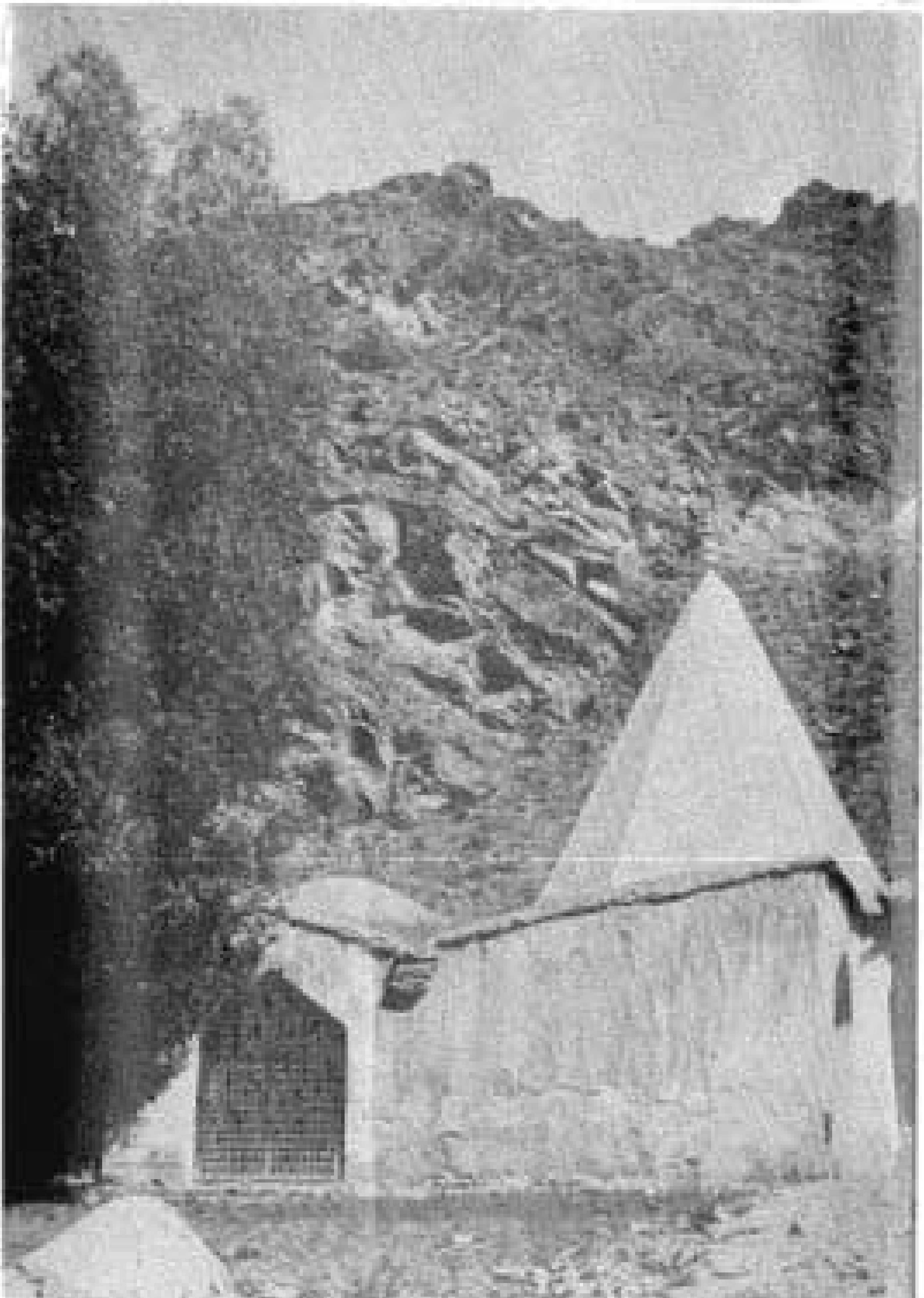

(عکس شماره ۱۰۱) بقعهٔ سید معصوم در محکمهٔ پاسل آور رودبار

(عکس شمارهٔ ۱۰۲) کشکولهای چوبین سید معصوم در دهکدهٔ یاسل لوز رود نور

عکس شمارهٔ ۱۰۳) کتیبهٔ چوبین که ظاهراً
جا گور درویش گرشاسب است در امامزاده
سید معصوم

(عکس شمارهٔ ۱۰۹) بنای بقعهٔ امامزاده یوسف در کلیاک کجور رودبار

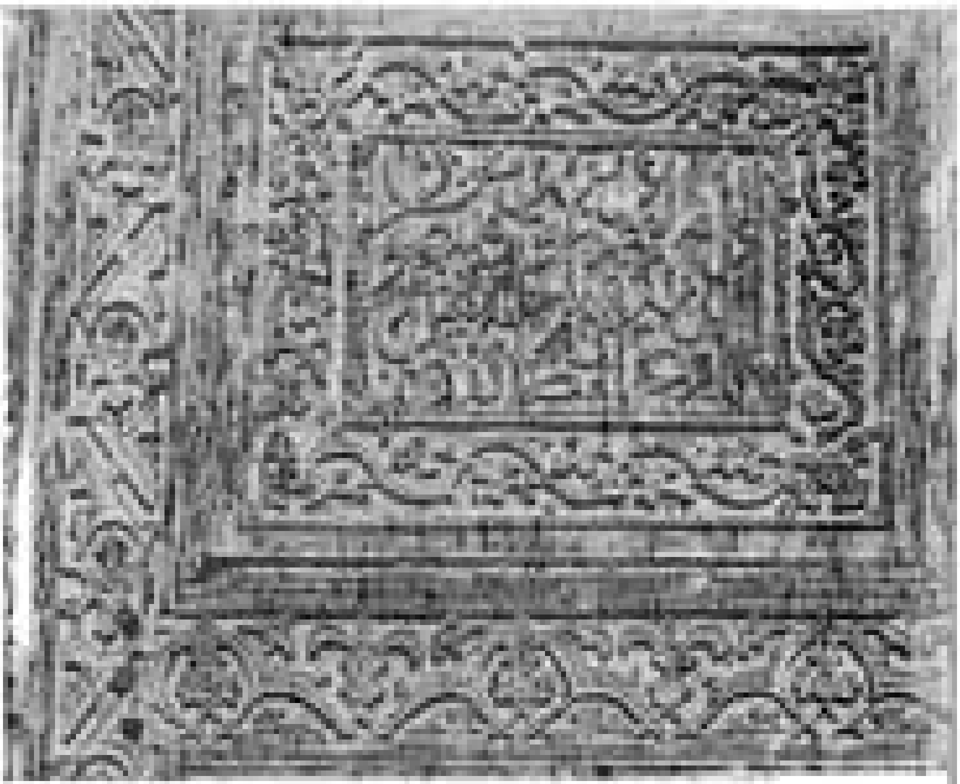

(عکس شمارهٔ ۱۰۵)
کتیبهٔ لنگهٔ سمت راست در بقعهٔ امامزاده یوسف (میان بقعه و مسجد)

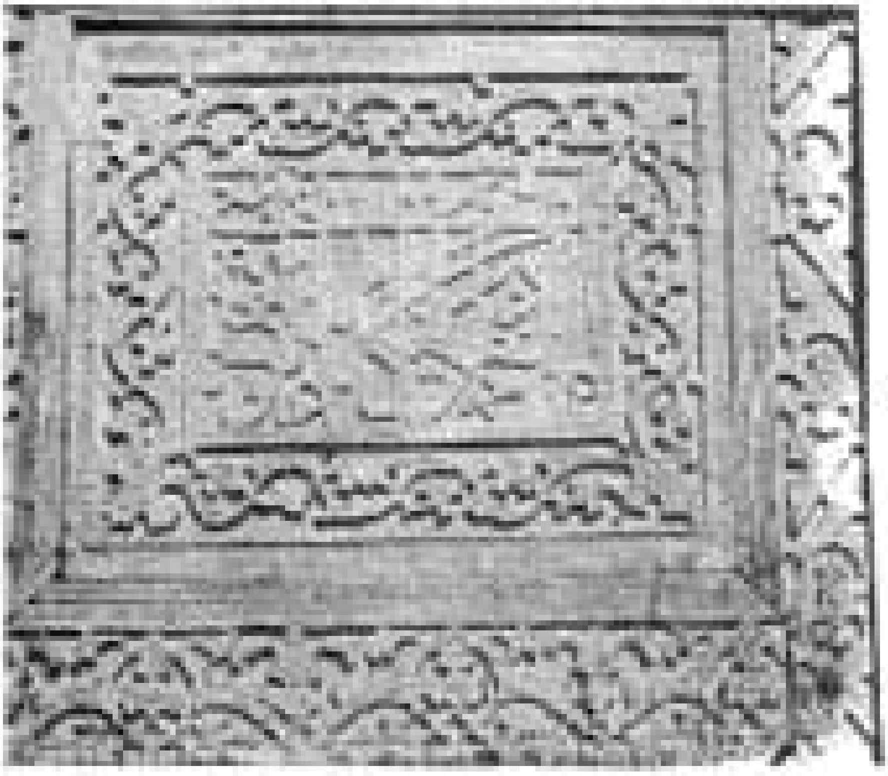

(عکس شمارهٔ ۱۰۶)
کتیبهٔ لنگهٔ سمت چپ در بقعهٔ امامزاده یوسف (میان بقعه و مسجد)

قسمتی از بالای در بقعهٔ امامزاده یوسف به مسجد در کلاک کجرود نور

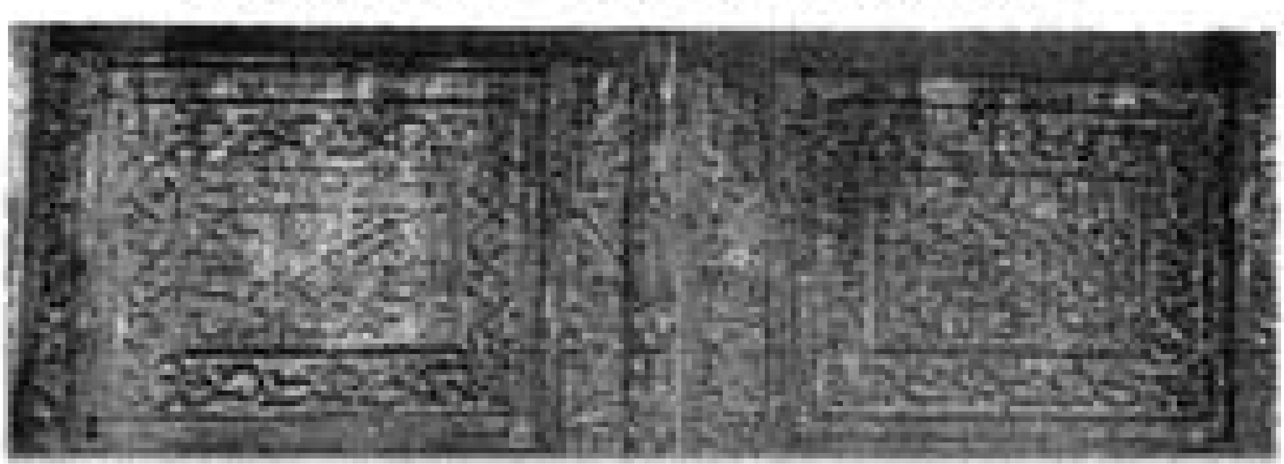

(عکس شمارهٔ ۱۰۷) در ورودی بقعهٔ امامزاده یوسف در محلهٔ کلیاک کمرود نور

(عکس شمارهٔ ۱۰۸) باقیماندهٔ مقبرهٔ شمارهٔ یک تپهٔ گورستان محوطهٔ کمر نور

(عکس شمارهٔ ۱۰۹) مقبرهٔ شمارهٔ دو یا گورستان دهکدهٔ کمر نور

(عکس شمارهٔ ۱۱۰) طاقنمای زیرین یکی از اضلاع خارجی مقبرهٔ شمارهٔ دو تپهٔ گورستان کمر نود

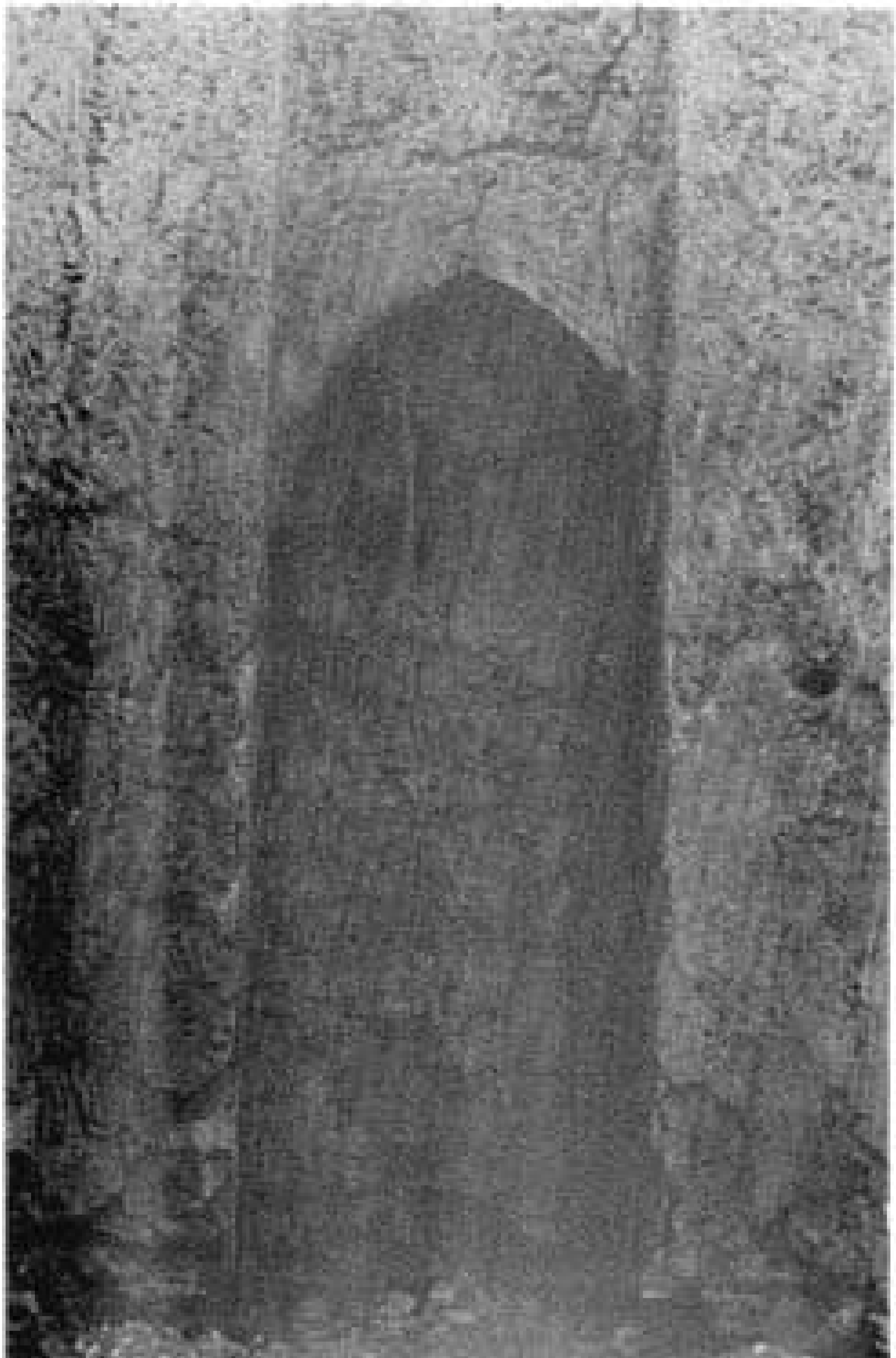

(عکس شمارهٔ ۱۱۱) طاقنمای بالایین یکی از اضلاع خارجی مقبرهٔ شمارهٔ دو ابهٔ گورستان دمکلهٔ گبر فور

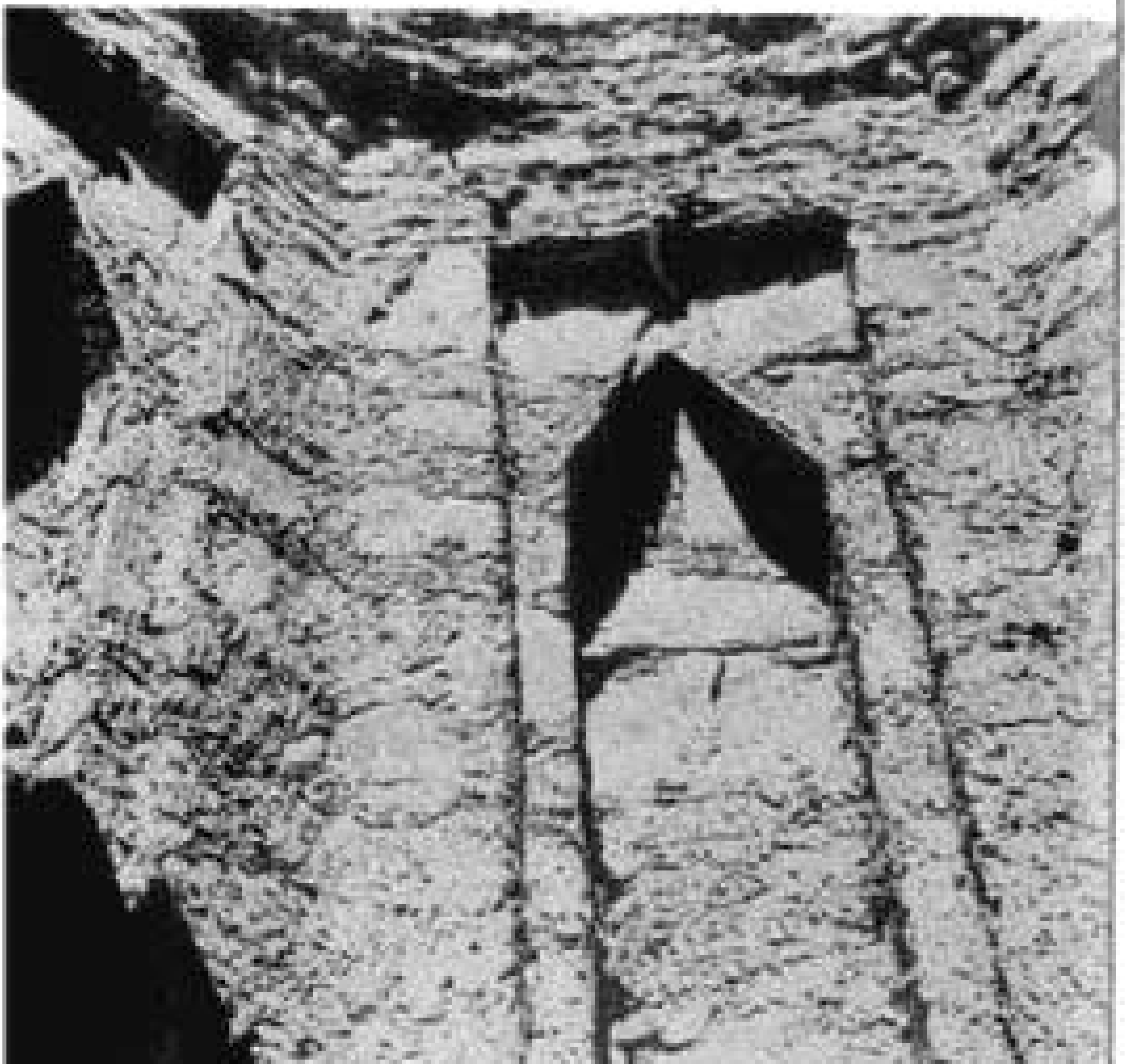

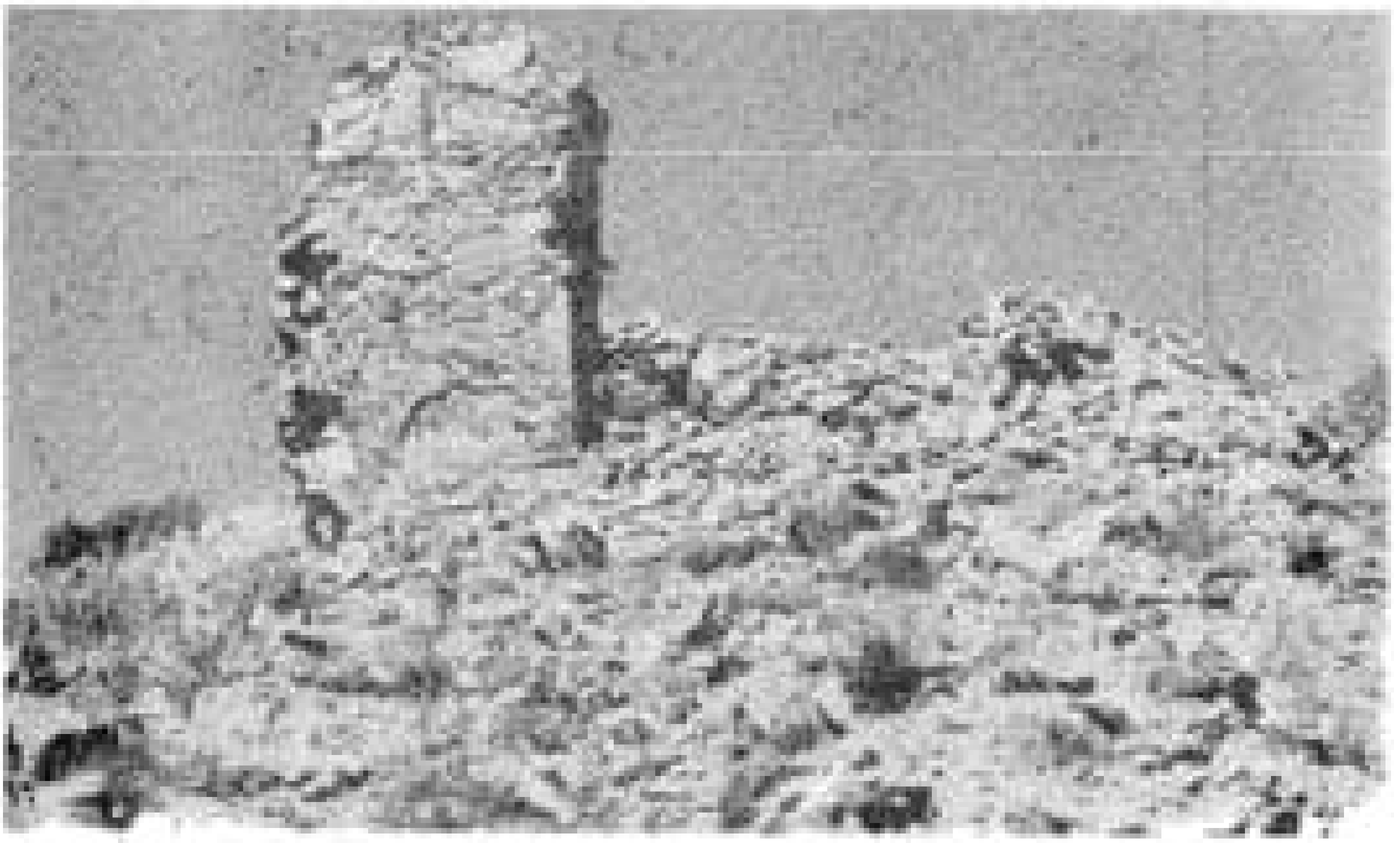

(عکس شمارهٔ ۱۱۲) باقیماندهٔ مقبرهٔ شمارهٔ چهار تپهٔ گورستان دهکدهٔ کمر نور

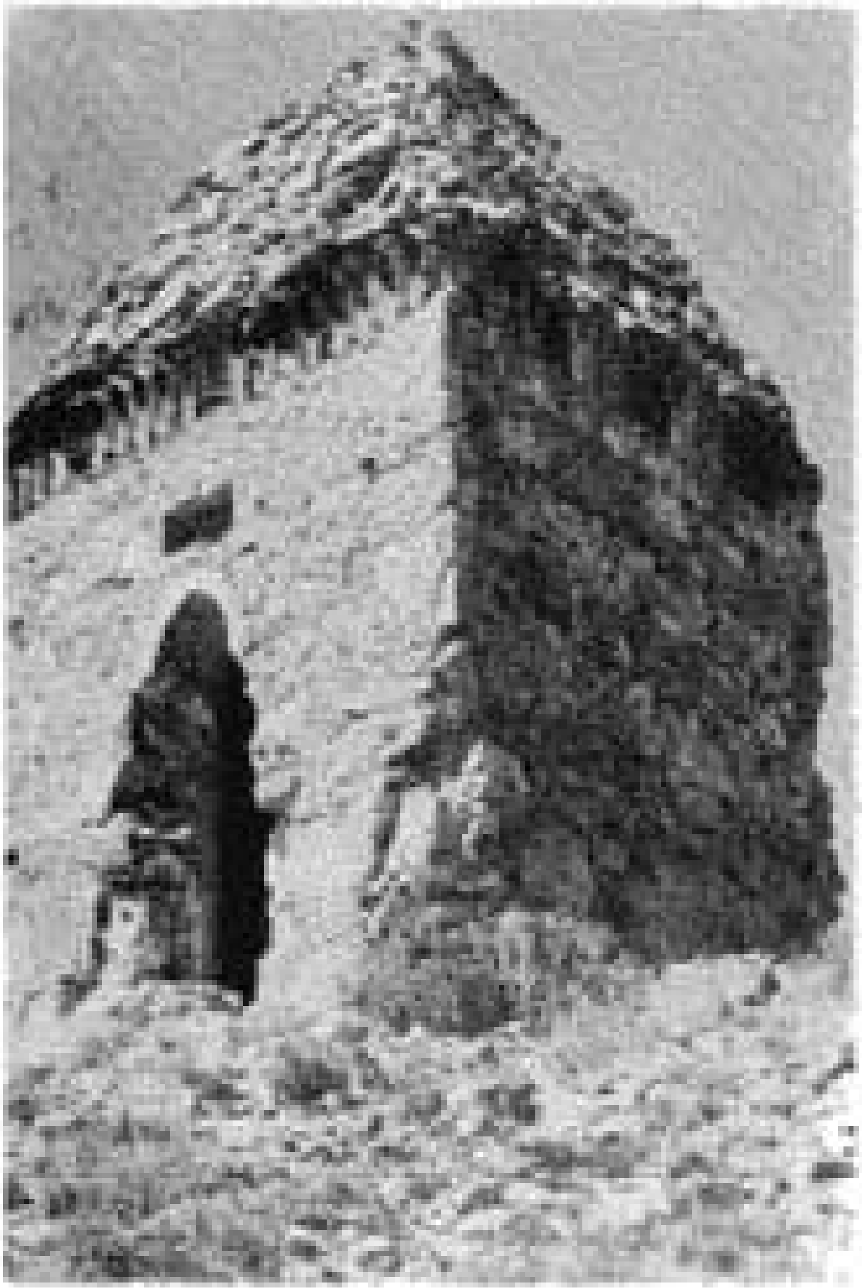

(عکس شمارهٔ ۱۱۳) مقبرهٔ شمارهٔ شش تپهٔ
گورستان دهکدهٔ کمرنور

(عکس شمارهٔ ۱۱٤) سردر مقبره شمارهٔ شش تپهٔ گورستان معکنهٔ گبر نور

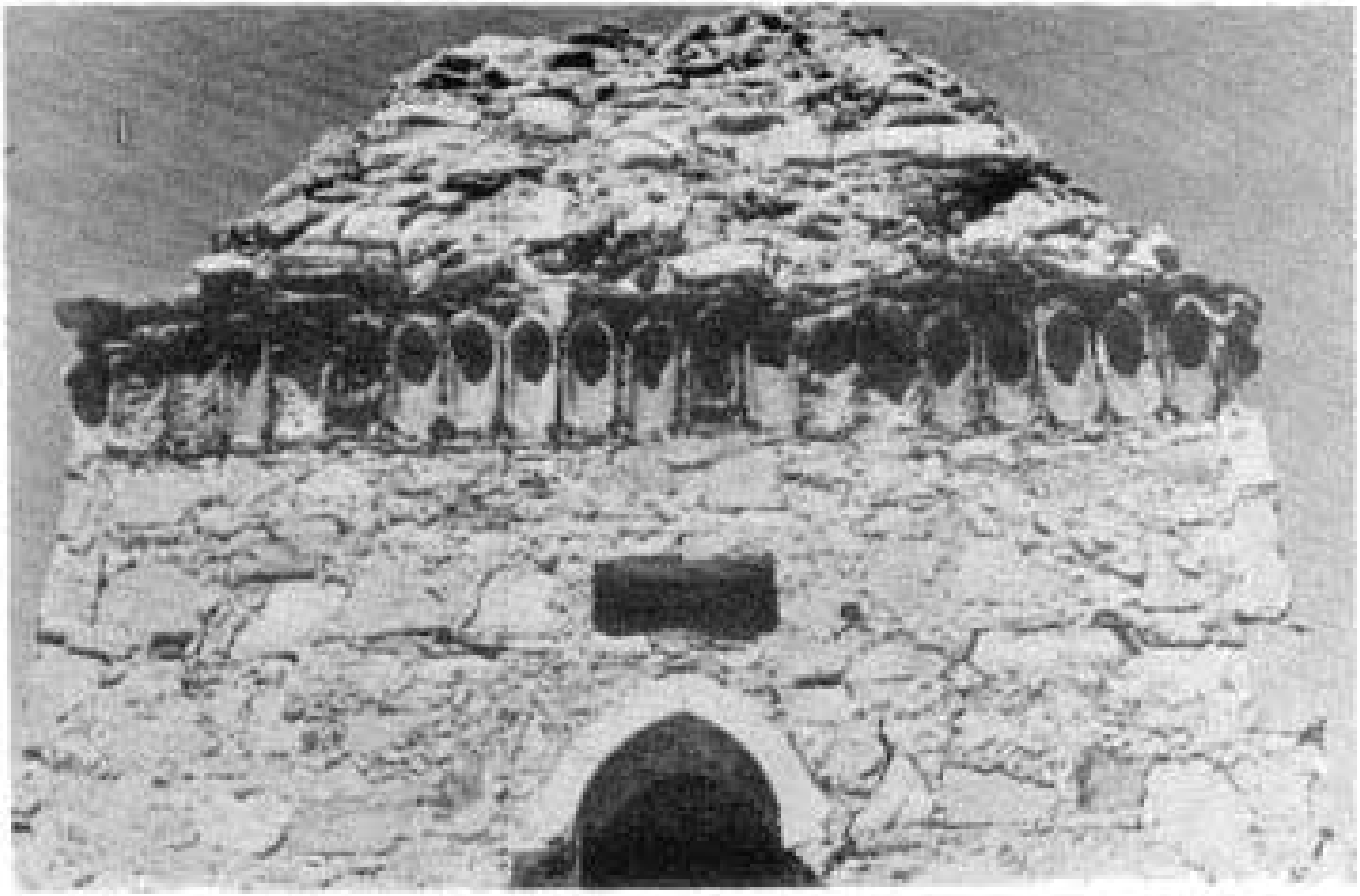

(عکس شمارهٔ ۱۱۵) مقرنسهای کشکولی مقبرهٔ شمارهٔ ۵۵. تپهٔ گورستان دهکدهٔ کمر نور

(عکس شمارهٔ ۱۱۶) امامزاده محمد در شیخ محلهٔ بردین کجور رویه نور

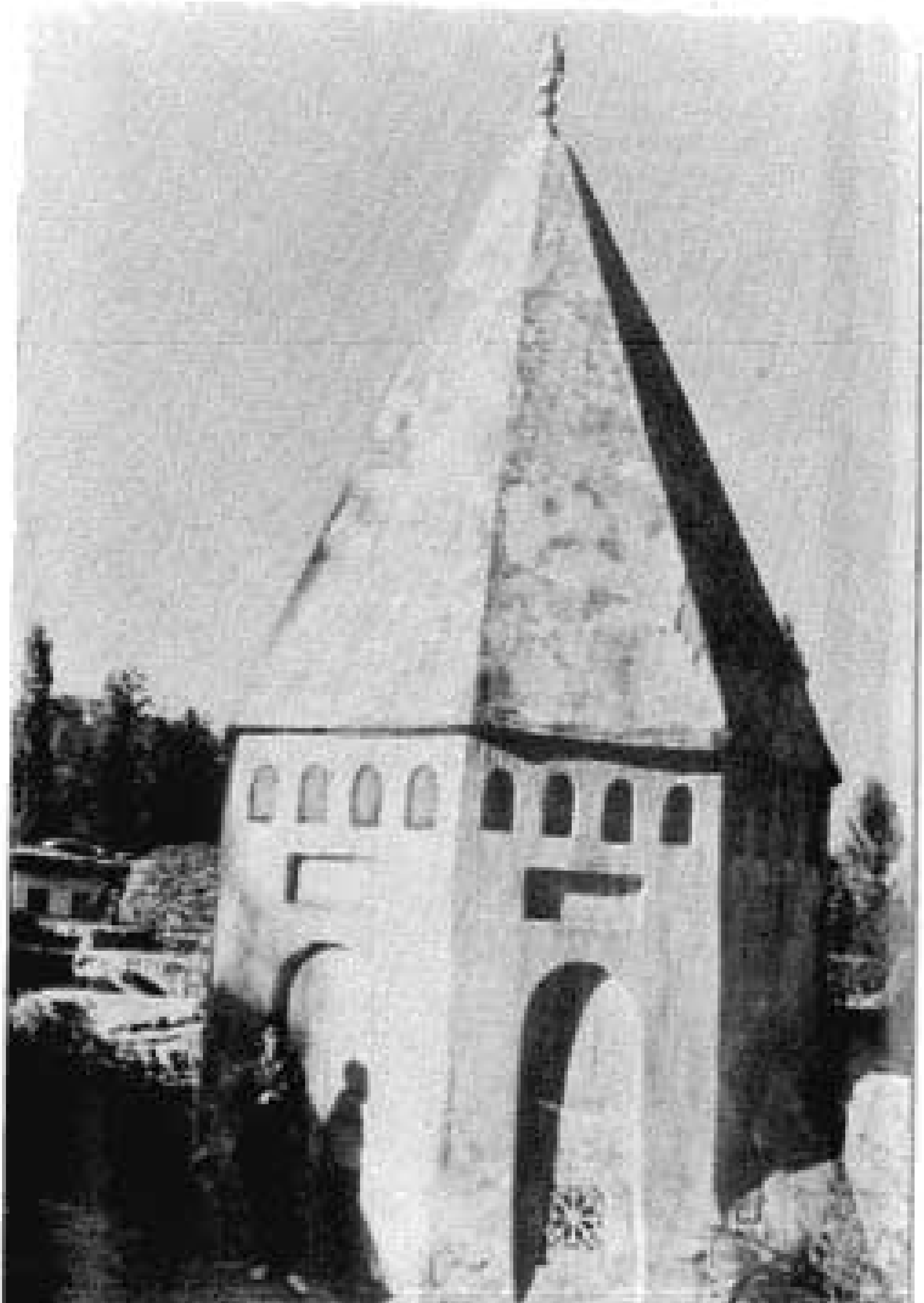

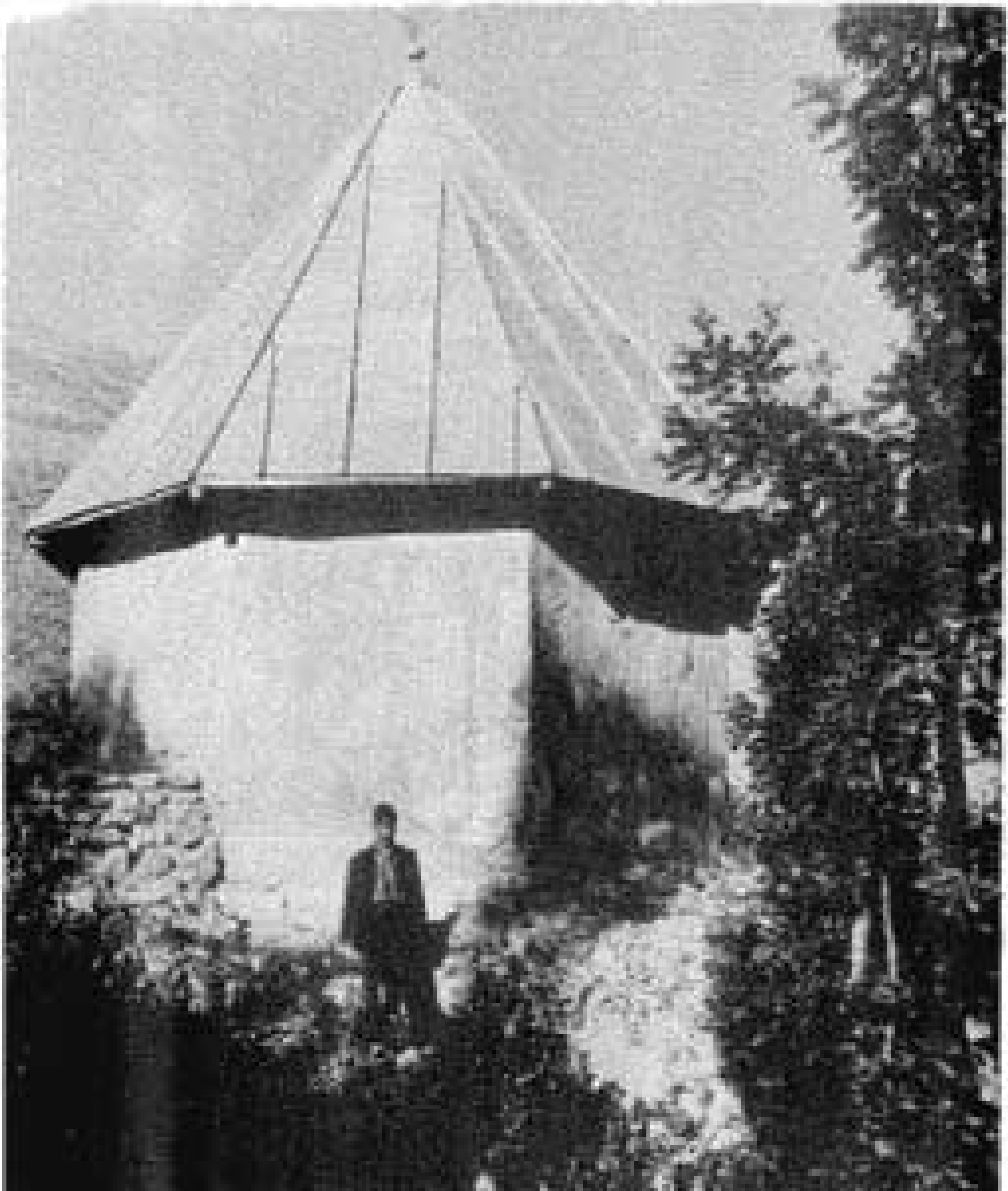

(عکس شمارهٔ ۱۱۷) امامزاده سپه سالار در محکمهٔ سرای کمر رود نور

(عکس شمارهٔ ۱۱۸) منظرهٔ شمارهٔ یک در ارلس گل بختان محکمهٔ سرلی کمر دوده بود

(عکس شمارهٔ ۱۱۹) منظرهٔ شمارهٔ دو در ارلس گل بختان محکمهٔ سرلی کمر دوده بود

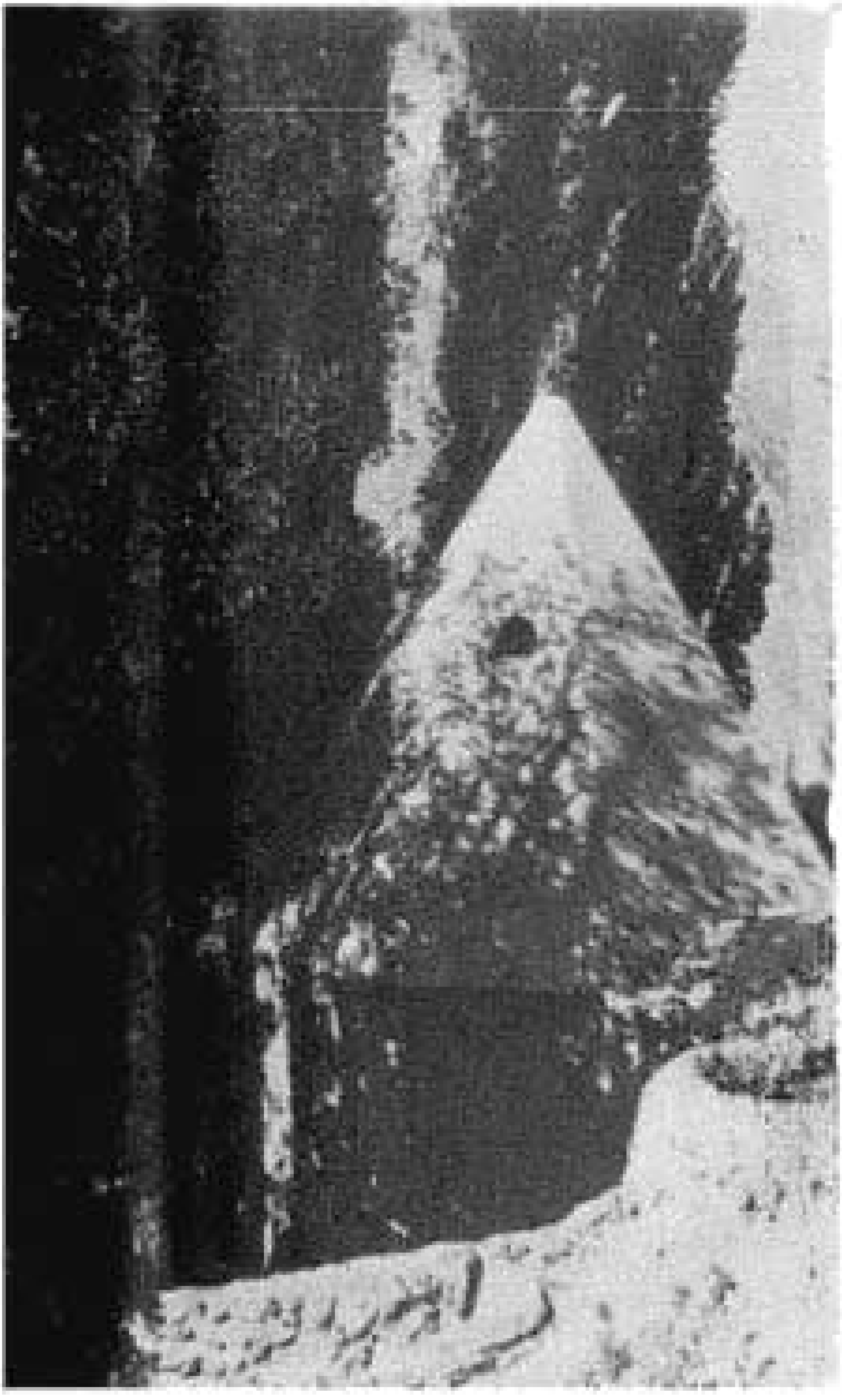

(عکس شمارهٔ ۱۹۰) امامزاده محمد در محکمهٔ مرج بالو روده نور

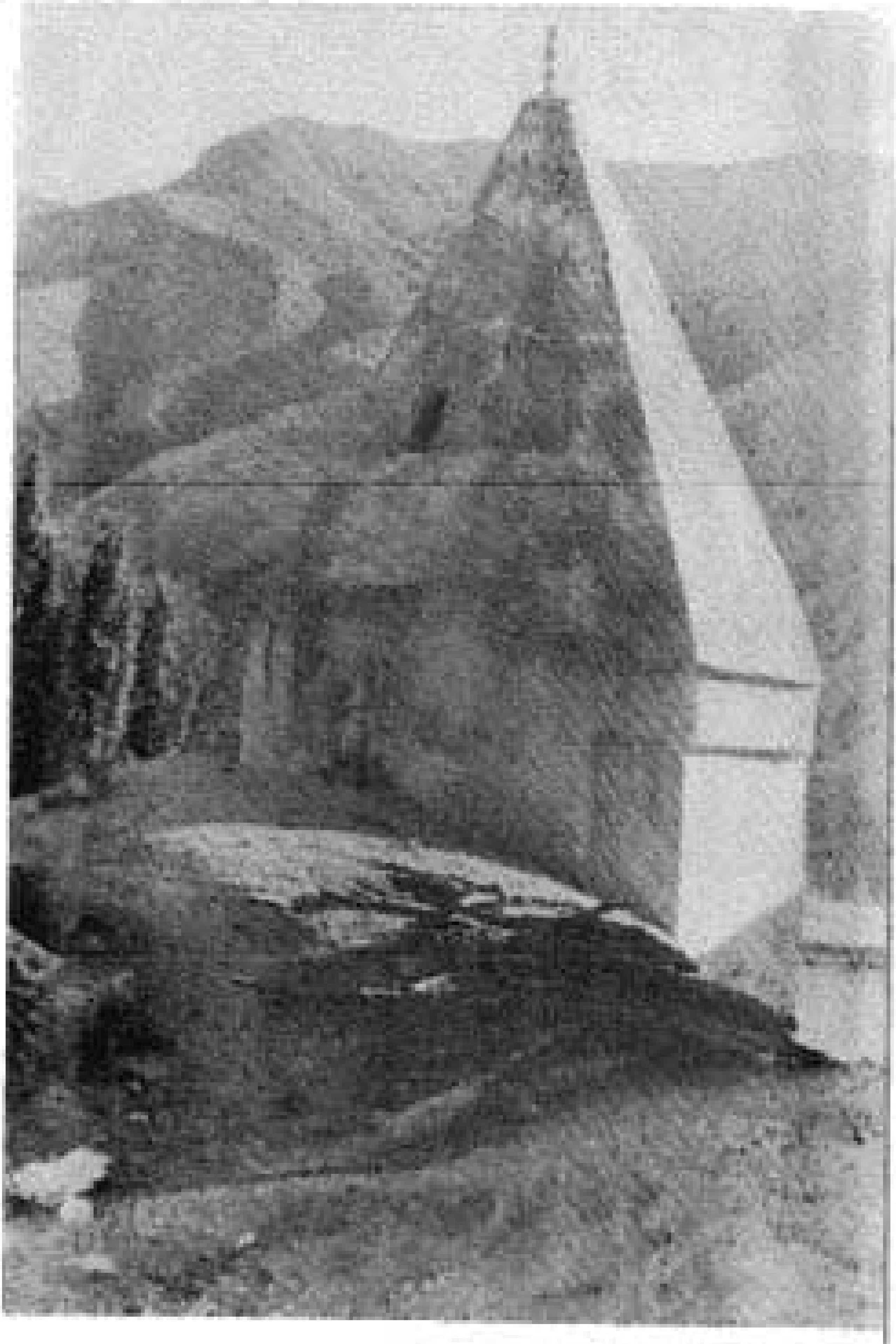

(عکس شمارهٔ ۱۲۱) امامزاده صالح در تکیهٔ معکنهٔ پائو از معکنهای پائو دوره عود

(عکس شمارهٔ ۱۲۹) سایبانهٔ چوبین تکیهٔ محکمهٔ یالو از محکمه‌های یالو رود نور

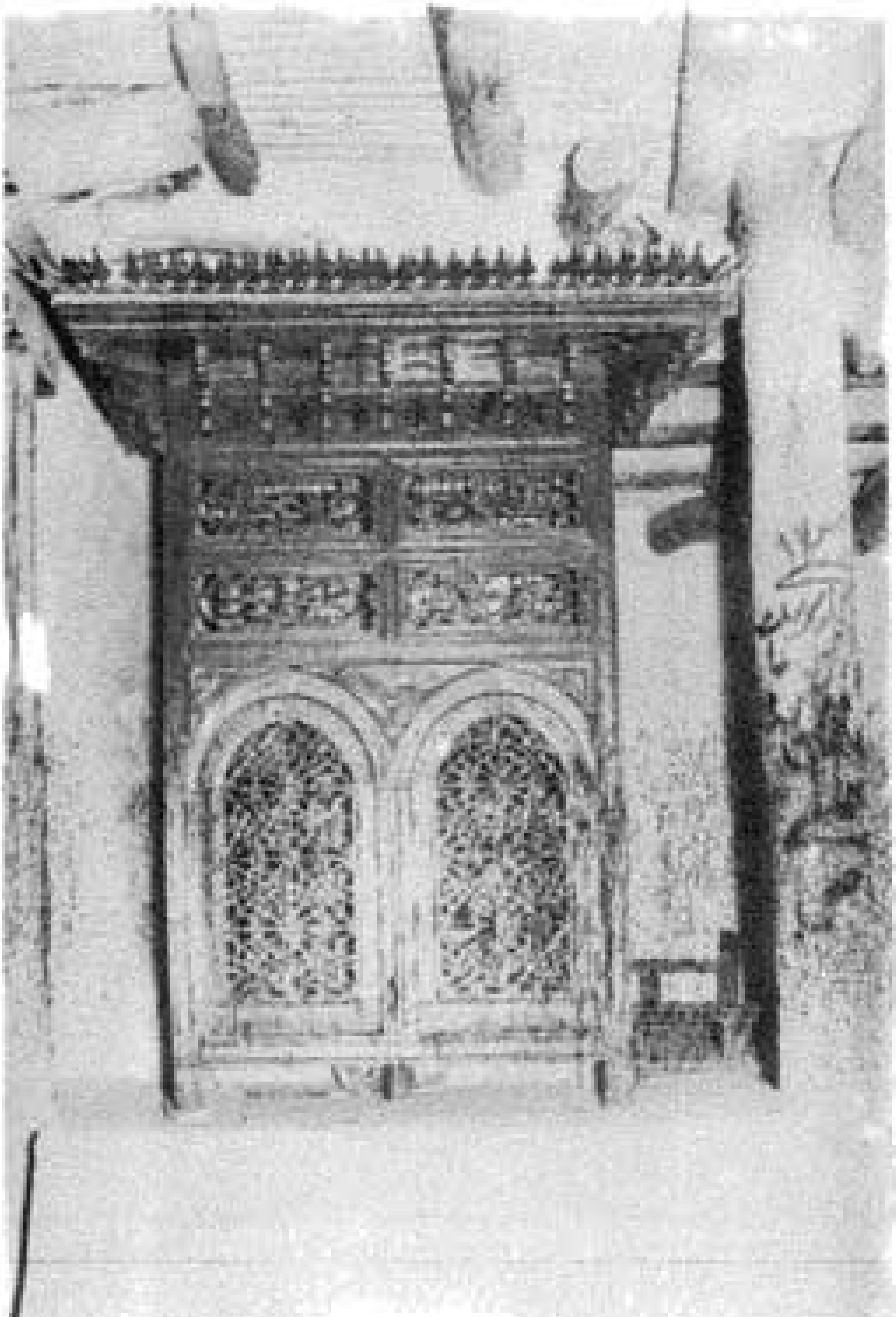

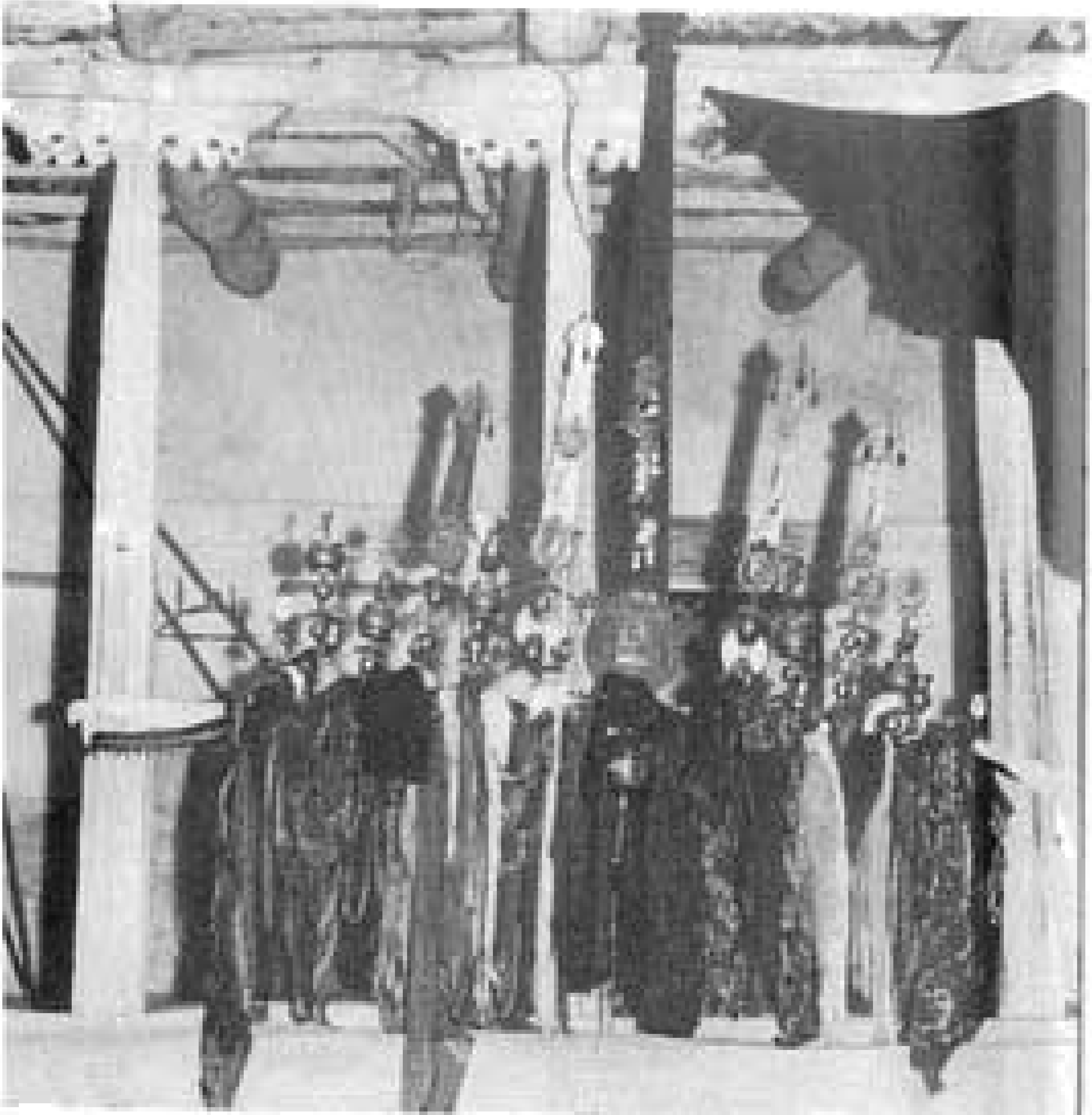

(عکس شمارهٔ ۲۹۳) علم تکیهٔ محکمهٔ بالو از محکمه‌های بالو روده نور

(عکس شمارهٔ ۱۲۴) سردر کاروانسرای قدیمی در دهکدهٔ یالو ازدهکده‌های یالورود نور

(عکس شماره: ۱۲۵) بنای قدیمی در سرآب دهکدهٔ یالو از دهکده‌های حوزهٔ یالرود نور

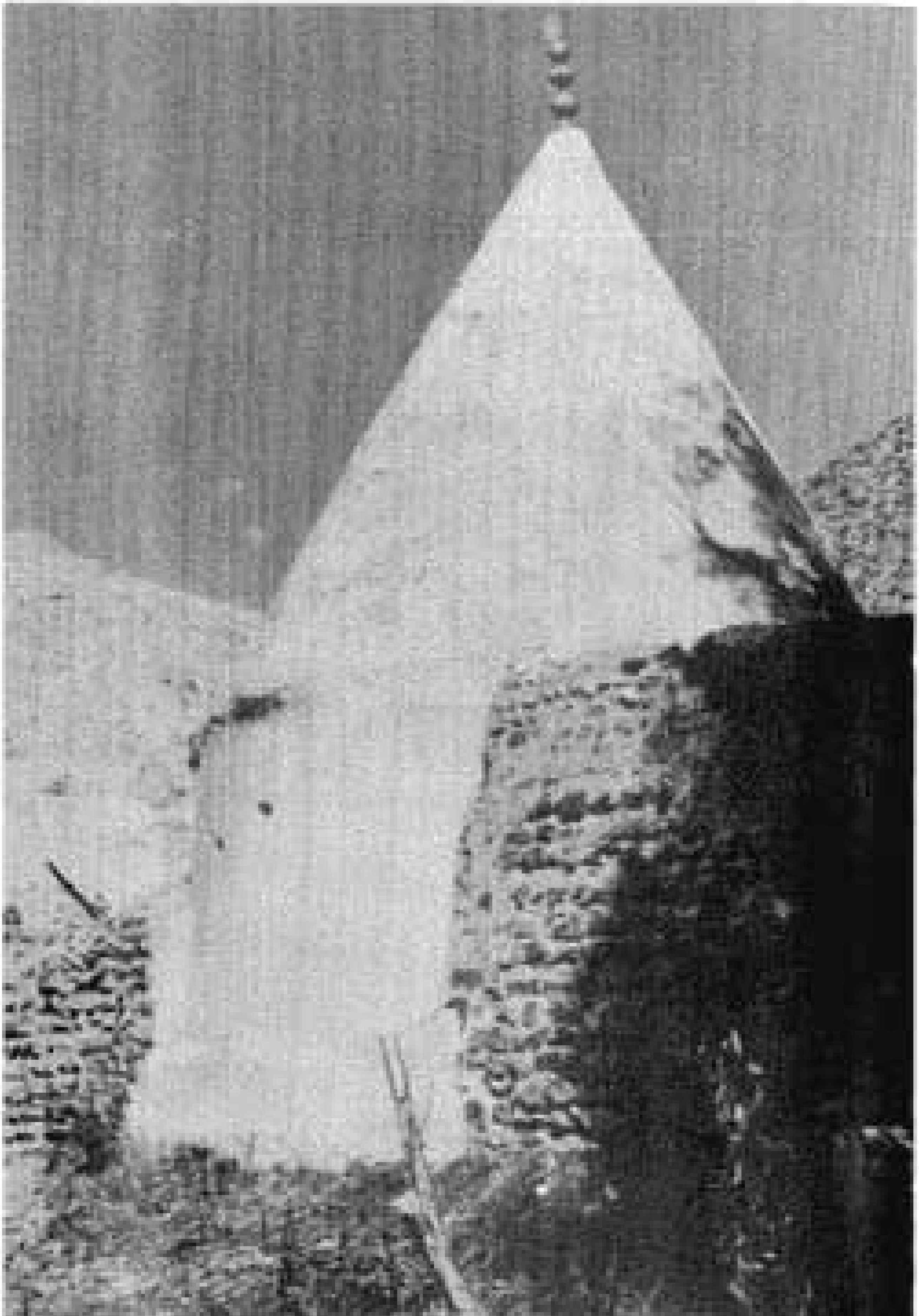

(عكس شمارة ١٢٦) امامزادة محكمة وزرن باوروه نور

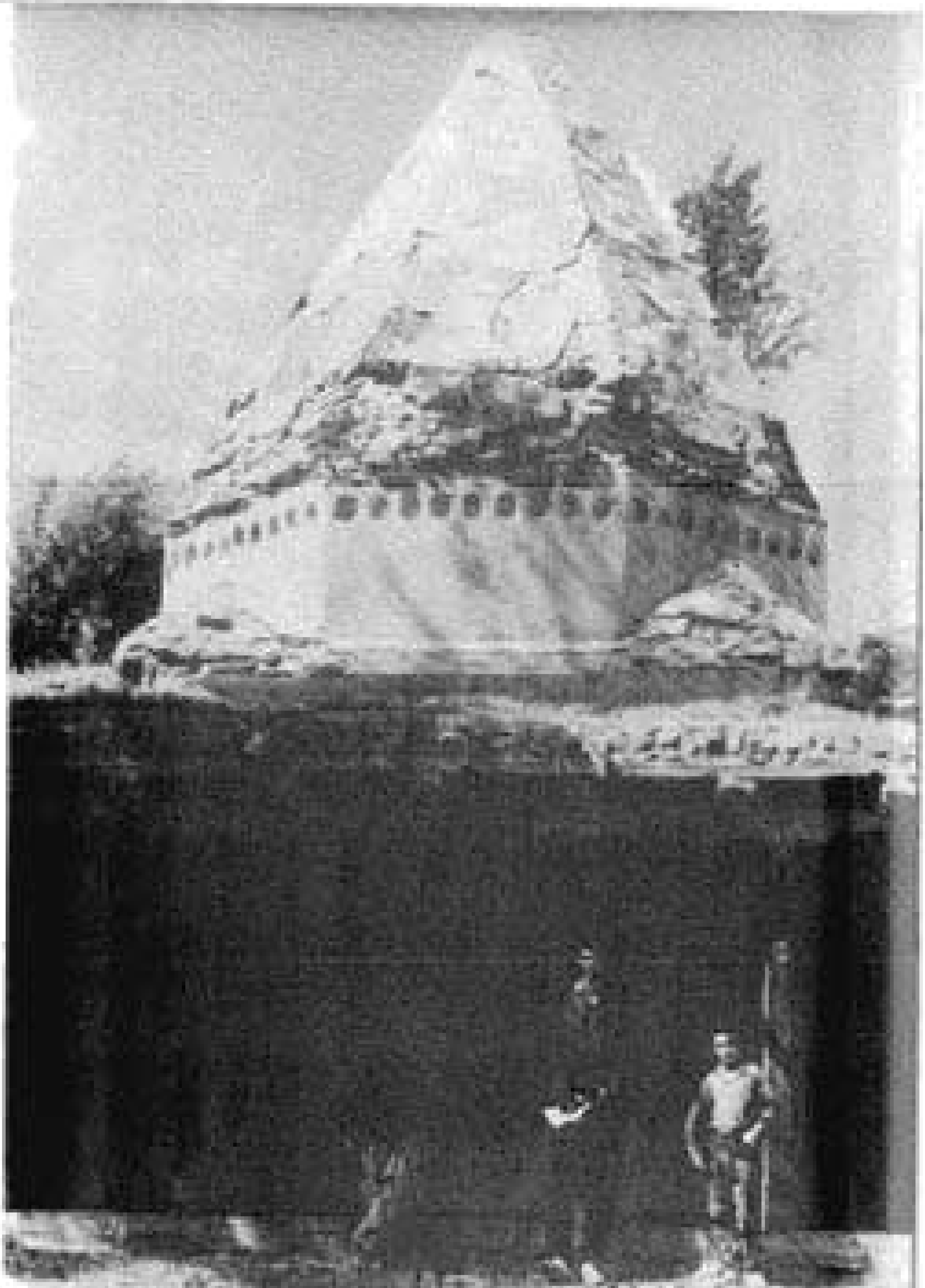

(عکس شمارهٔ ۱۳۷) امامزاده محمد و ابراهیم در محکمهٔ حق بالورده نور

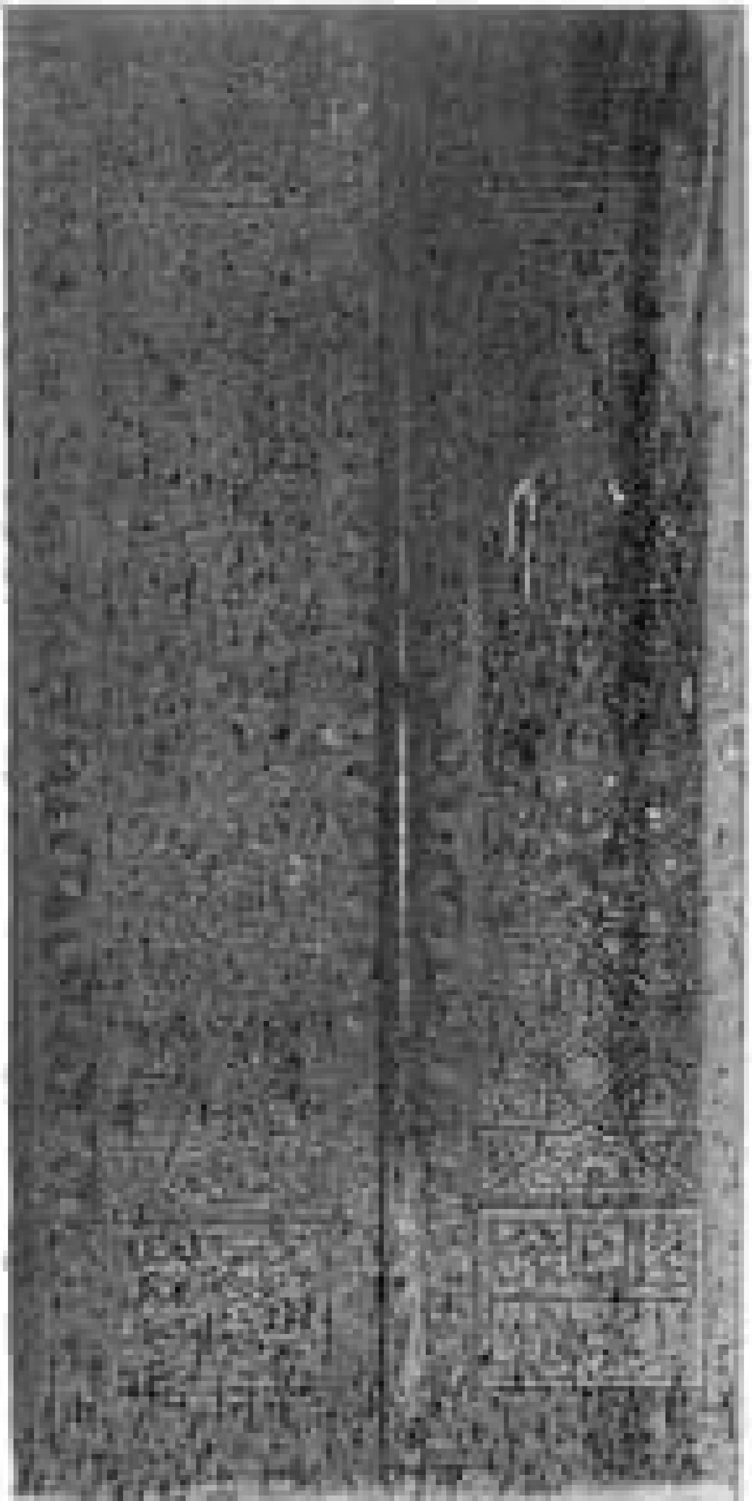

(عکس شمارهٔ ١٢٨) در بقعهٔ امامزاده محمد وابراهیم در
دهکدهٔ هتی پالورود نور

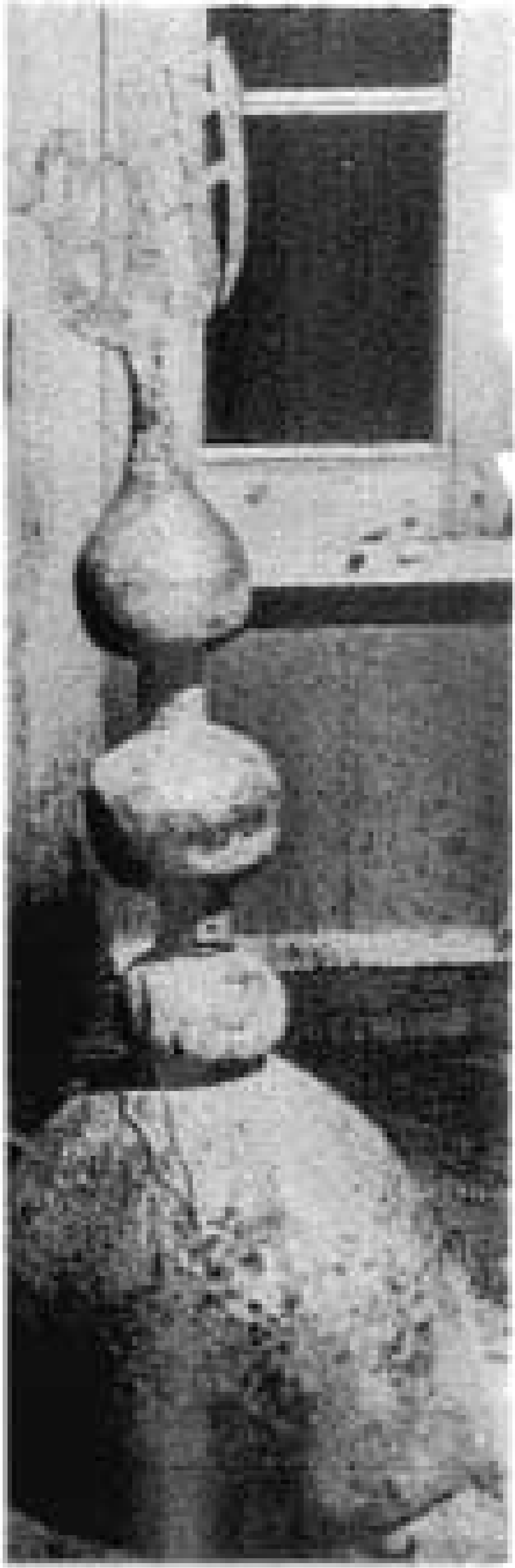

(عکس شمارهٔ ١٢٩) قبهٔ مسین گنبد بقعهٔ امامزاده محمد و
ابراهیم در هتی پالورود نور

(عکس شمارهٔ ۱۳۰) بقعهٔ شیخ سلطان احمد در بلدهٔ میانرود نور

(عکس شمارهٔ ۱۳۱) فانوس ظریف و زیبا در مسجد جامع بلدهٔ نور

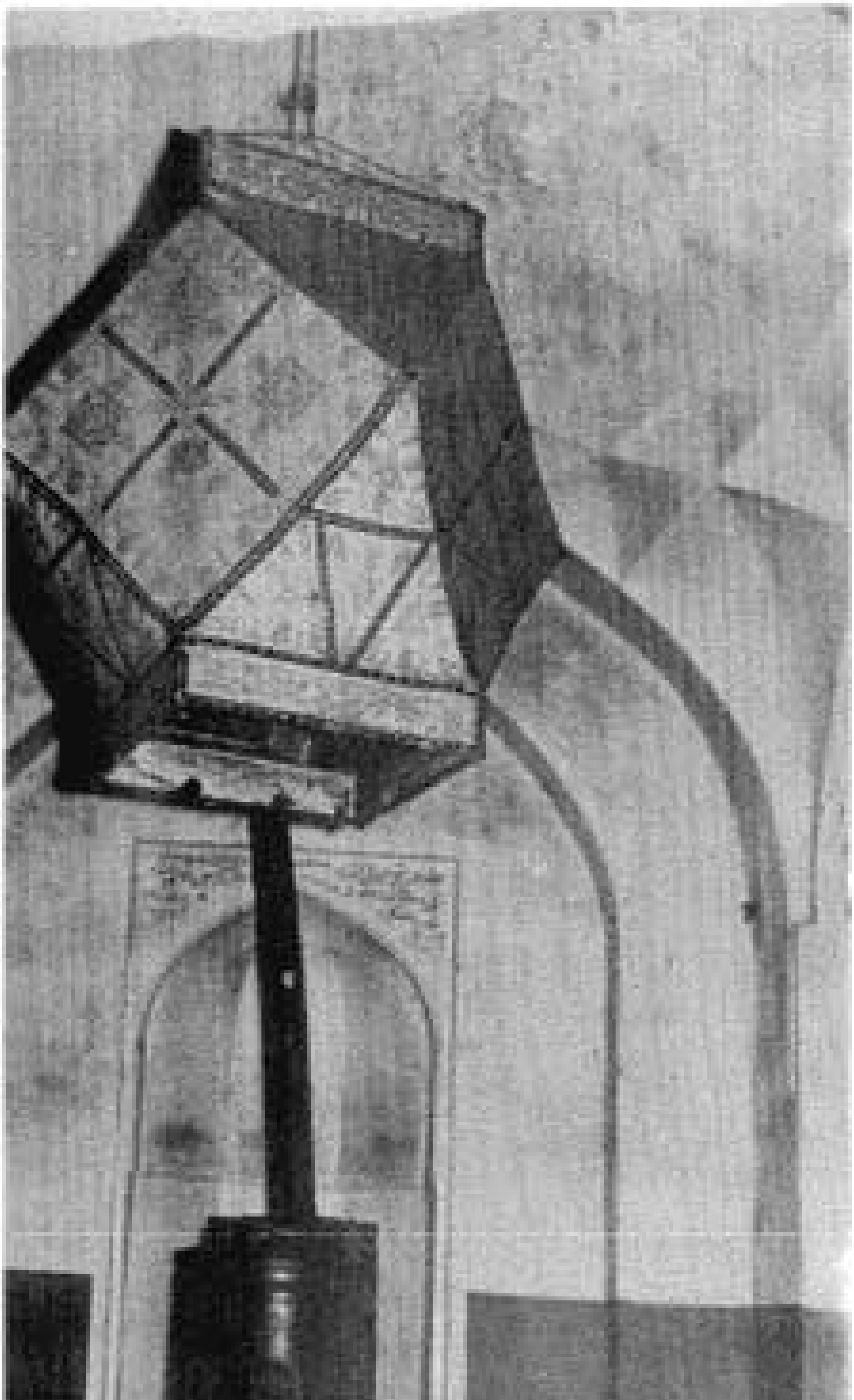

(عکس شمارهٔ ۱۳۳) خانهٔ میرزا آقاخان صدراعظم نوری در قصبهٔ بلدهٔ نور

(عکس شمارهٔ ۱۳۴) دورنمای قلعهٔ پولاد از
چهل دختران سمت راست رودخانه

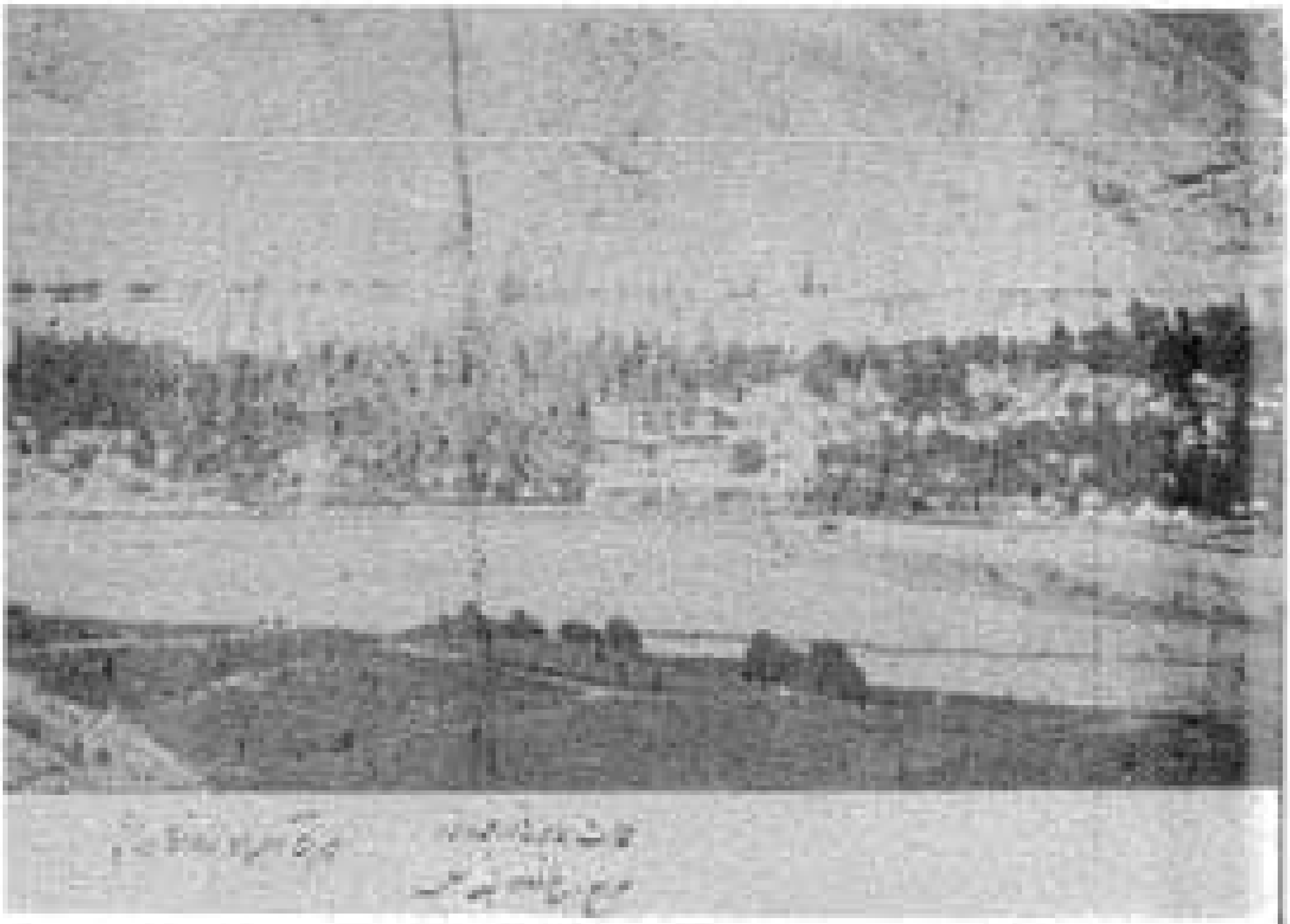

(عکس شمارهٔ ۲۳۳) دهکدهٔ بلده و عمارت میرزا آقاخان در ربیع‌الثانی ۱۲۸۶ [illegible]

(عکس از آلبوم ناصرالدین شاه بشمارهٔ ۱۰۰۵۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

(عکس شمارهٔ ۱۳۵) دروازهٔ قلعهٔ پولاد یا قلعهٔ نور

(عکس شمارهٔ ۱۳۹) قسمتی از باروی جنوبی قلعهٔ پولاد یا قلعهٔ نور

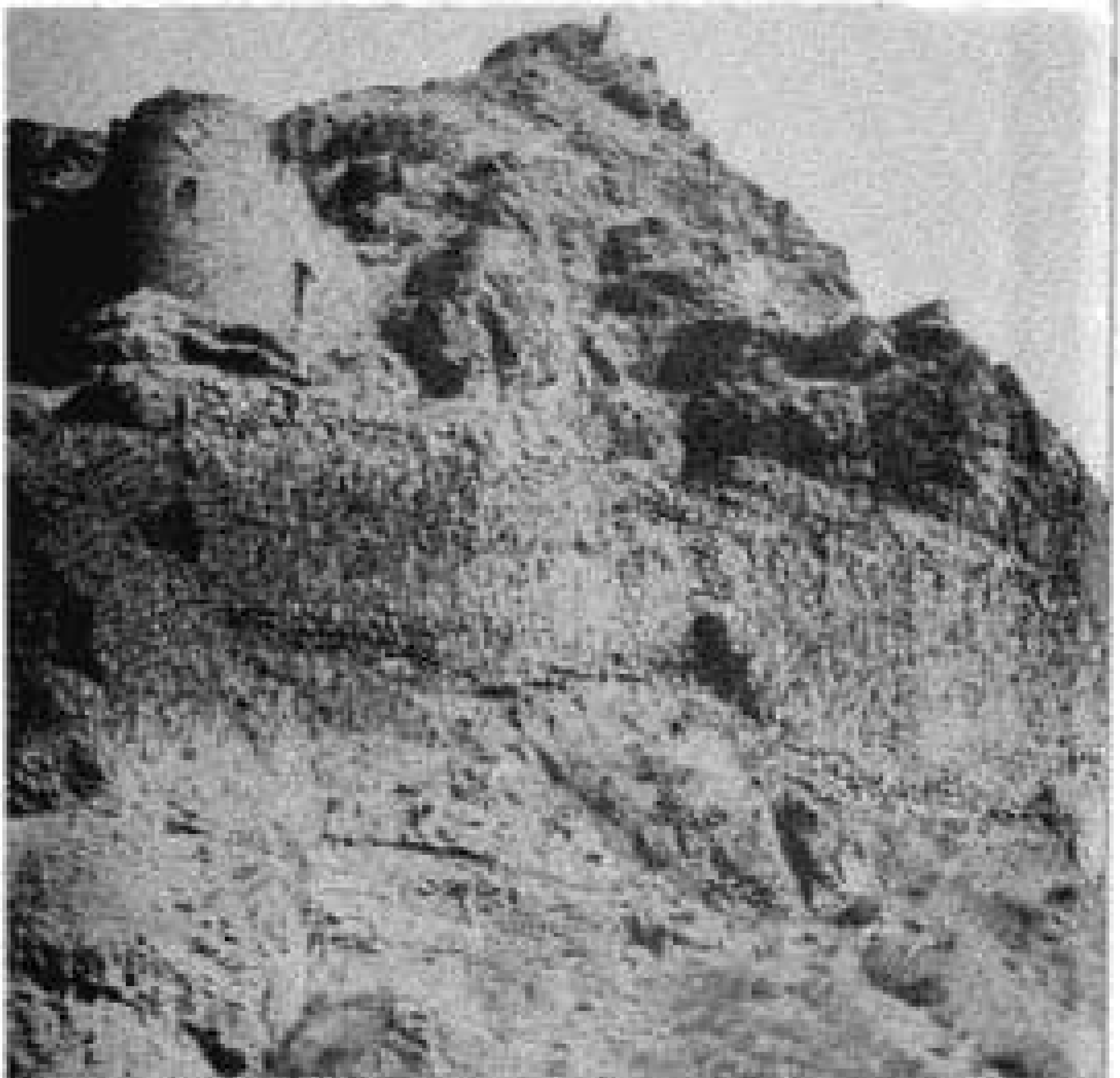

(عکس شمارهٔ ۱۳۷) یکی از برجهای باروی قلعهٔ پولاد یا قلعهٔ نور

(عکس شماره ۱۳۸) برج جنوبی باروی قلعهٔ پولاد یا قلعهٔ نور

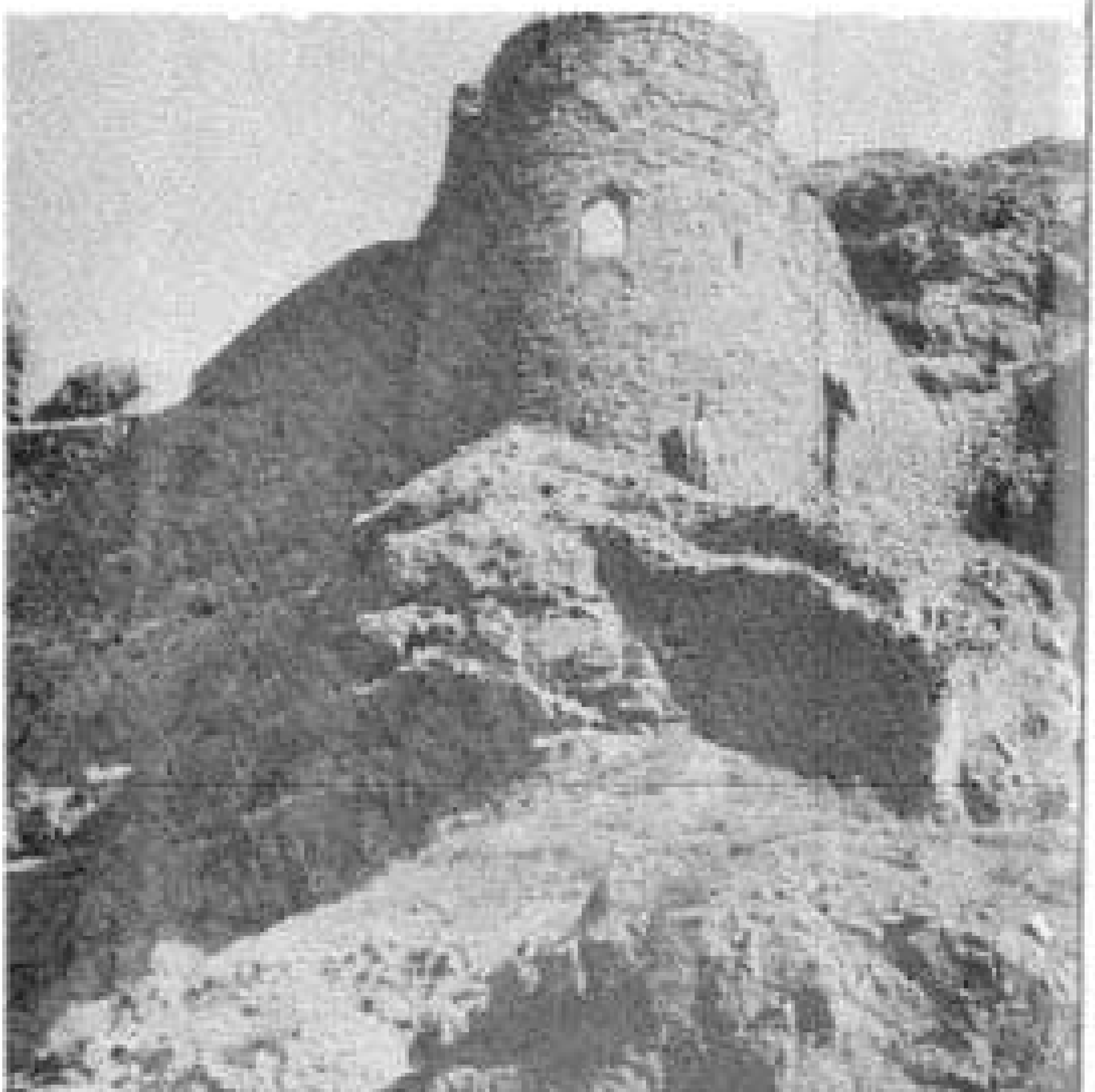

(عکس شمارهٔ ۱۳۹) برج دیده‌بانی قلعهٔ نور

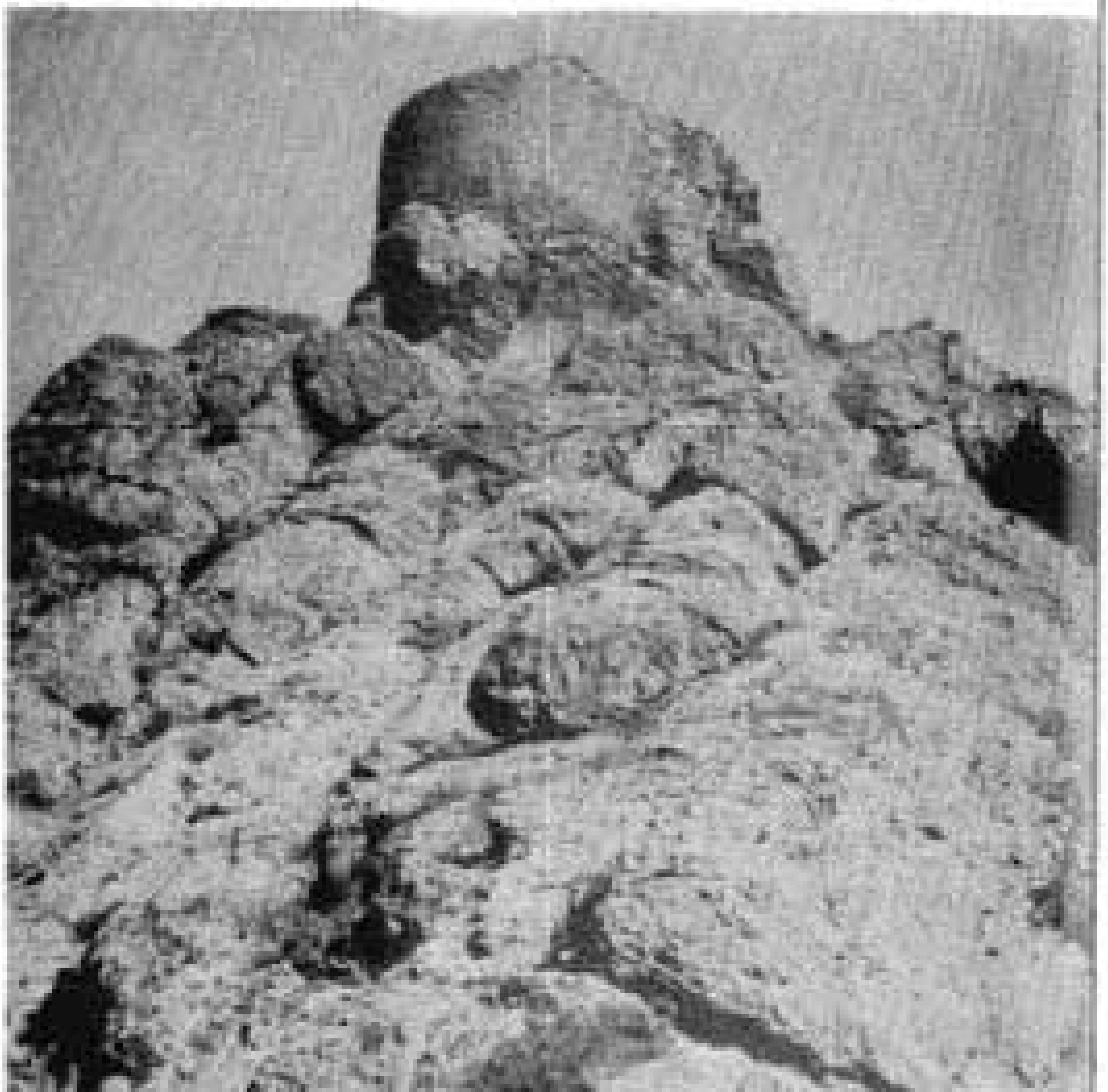

(عکس شمارهٔ ۱۴۰) یکی از برجهای باروی قلعهٔ نور که بر کمری عظیم برپاست

(عکس شماره ۱۵۹) ارگ قلعه نو

(عکس شماره ۱۴۲) منظر ورودی قلعه تور

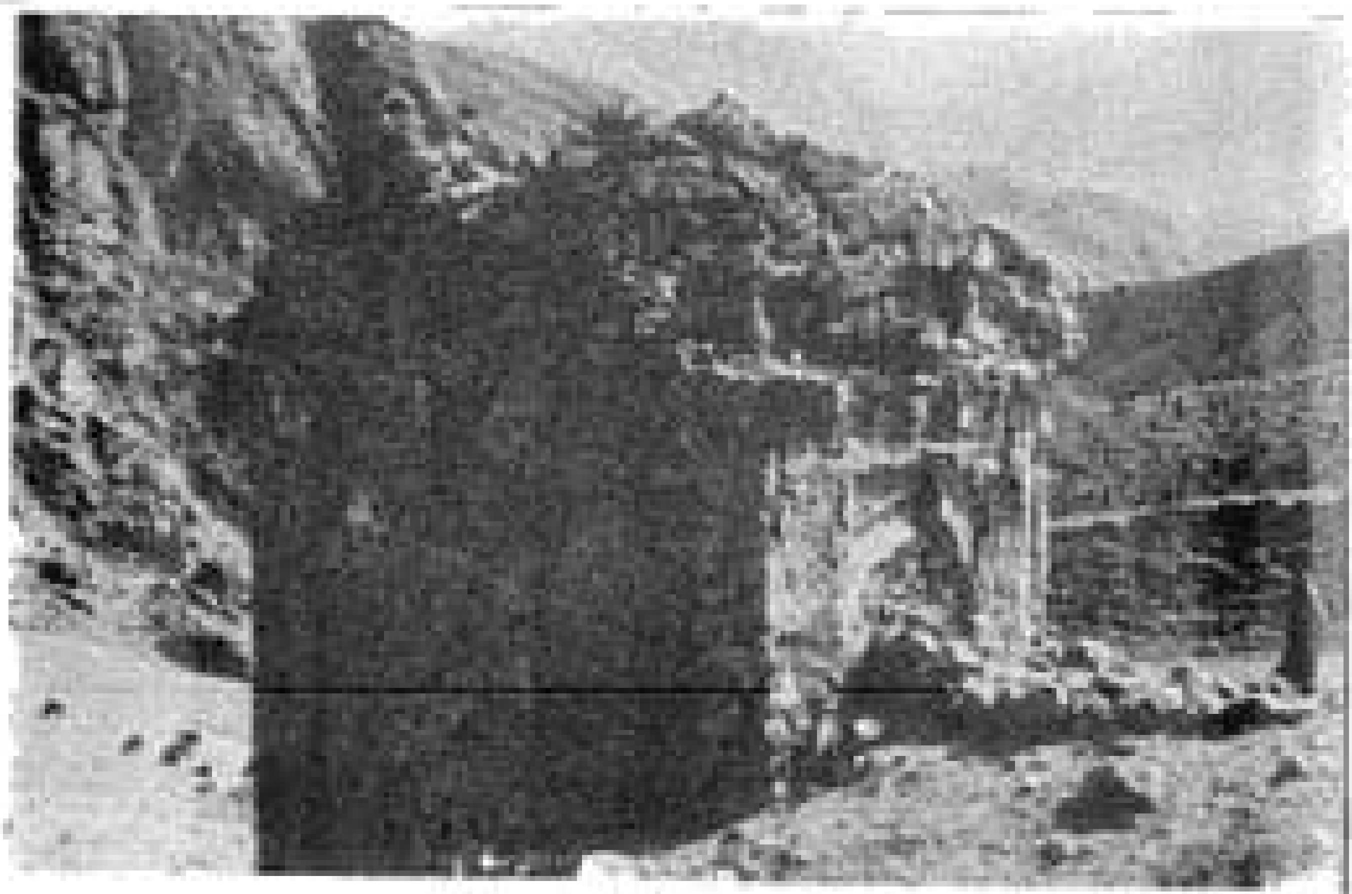

(عکس شمارهٔ ۱۵۳) گنبدی در مرتع گلین دره در راه پلنه به ورازان

(عکس شمارهٔ ۱۵۴) نمای داخلی گنبد مرتع گلین دره

(عکس شمارهٔ ١٤٥) امامزاده عبدالله در دهکدهٔ چل میانرود نور

(عکس شمارهٔ ۱۴۶) سنگ تاریخ بنای زرین کیا سلطان در محکمهٔ چل میانرود نور

(عکس شمارهٔ ۱۴۷) کوهی که قلعهٔ گبر بر آن بنا شده است در میاروده فود

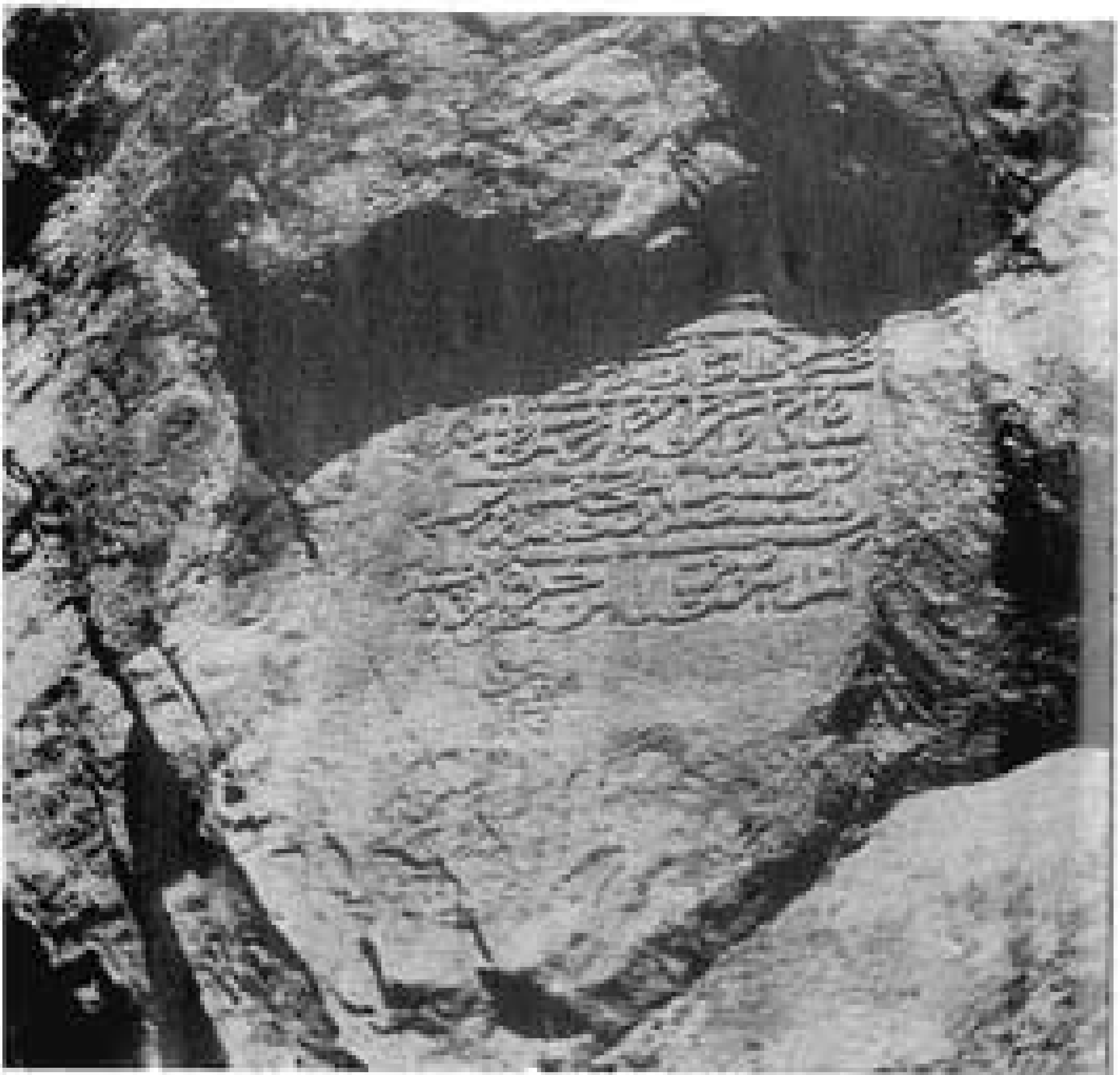

(عکس شمارهٔ ۱۹۹) کتیبهٔ سنگی در کوه سرپنج کمر روبروی قلعهٔ گلین میاروه نور

(عکس شمارهٔ ۱۴۹) پل قدیمی پایین دهکدهٔ کلاک میان‌رود نور

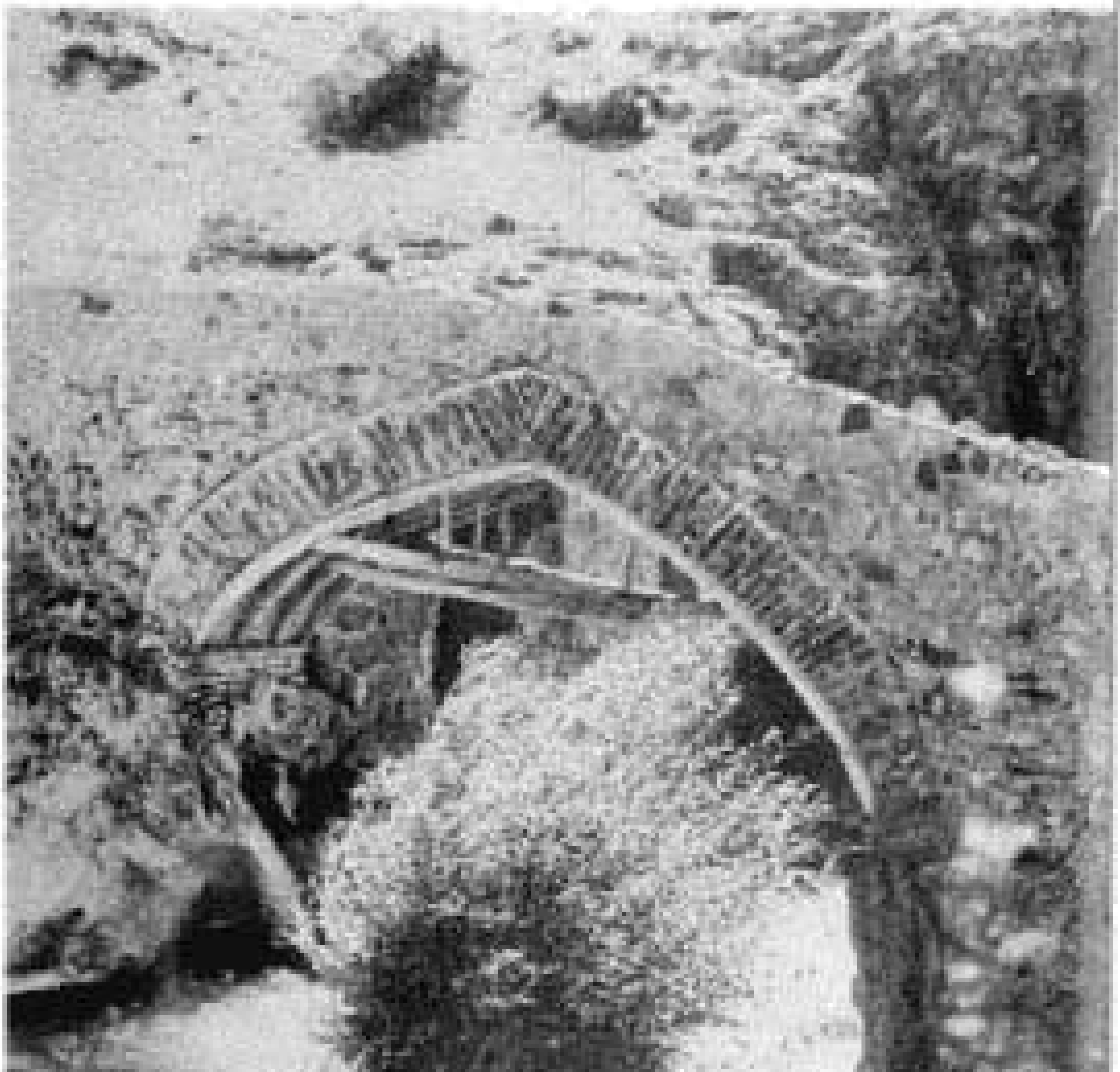

(عکس شمارهٔ: ۱۵۰) امامزاده محمد در محلهٔ گالش میانرود نور

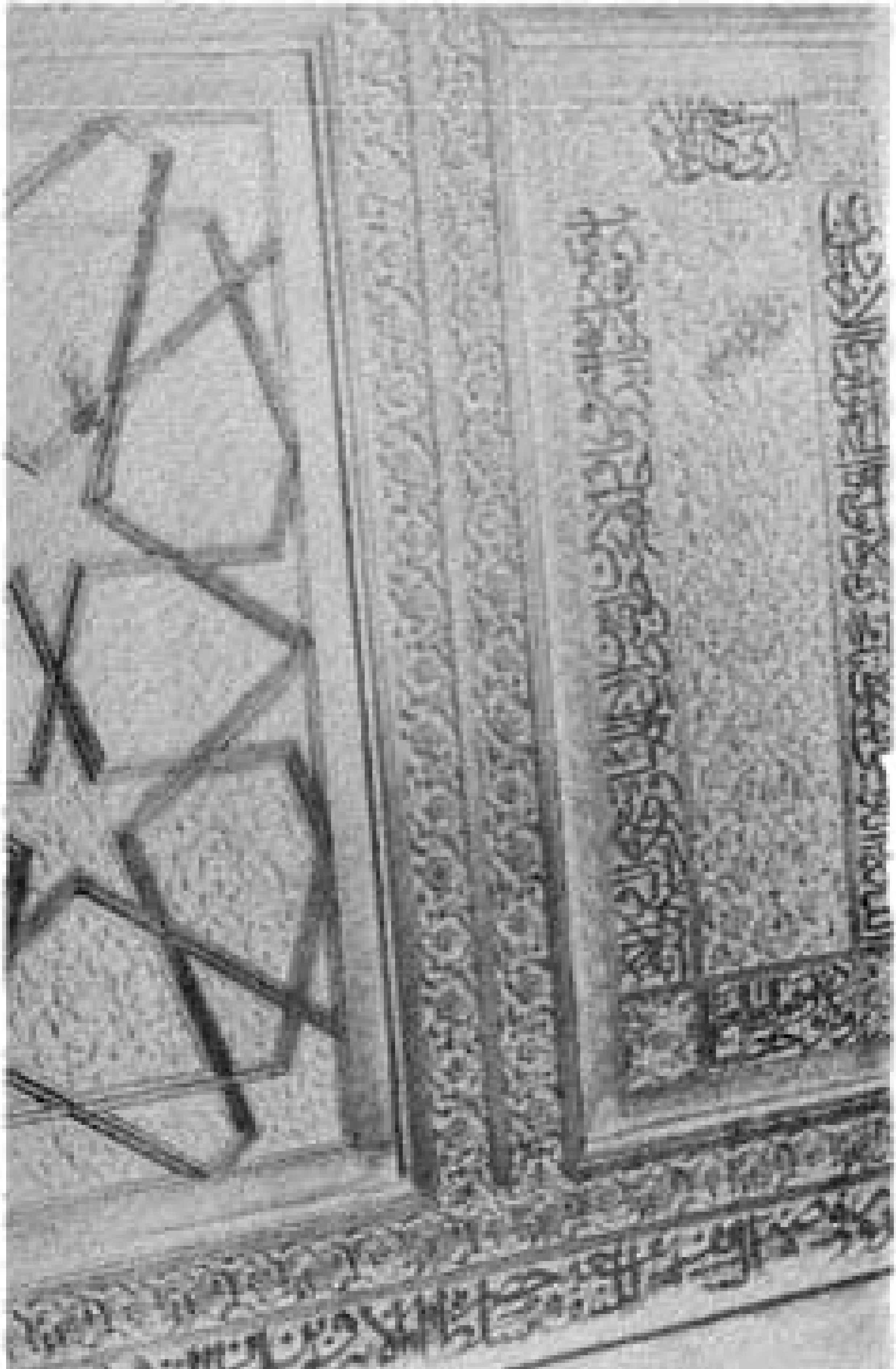

(عکس شمارهٔ ۱۵۹) قسمت سمت راست بدنهٔ شمالی صندوق امامزاده محمد در محکمهٔ کلای میاندرود ۸۶.

(عکس شمارهٔ ۱۵۹) قسمت وسط پنجهٔ شمالی صندوق امامزاده محمد در محکمهٔ کلاکسیارروده بود

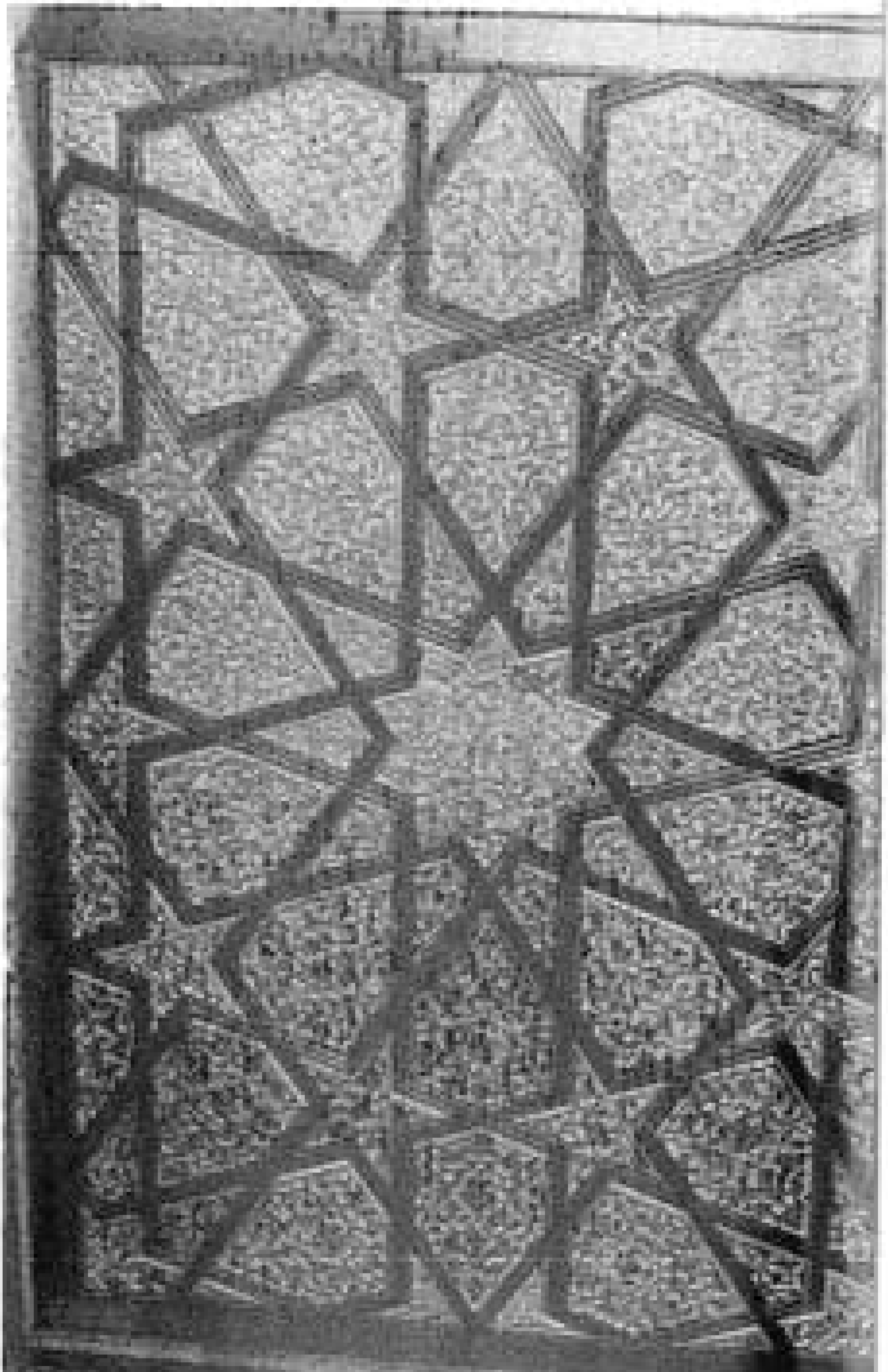

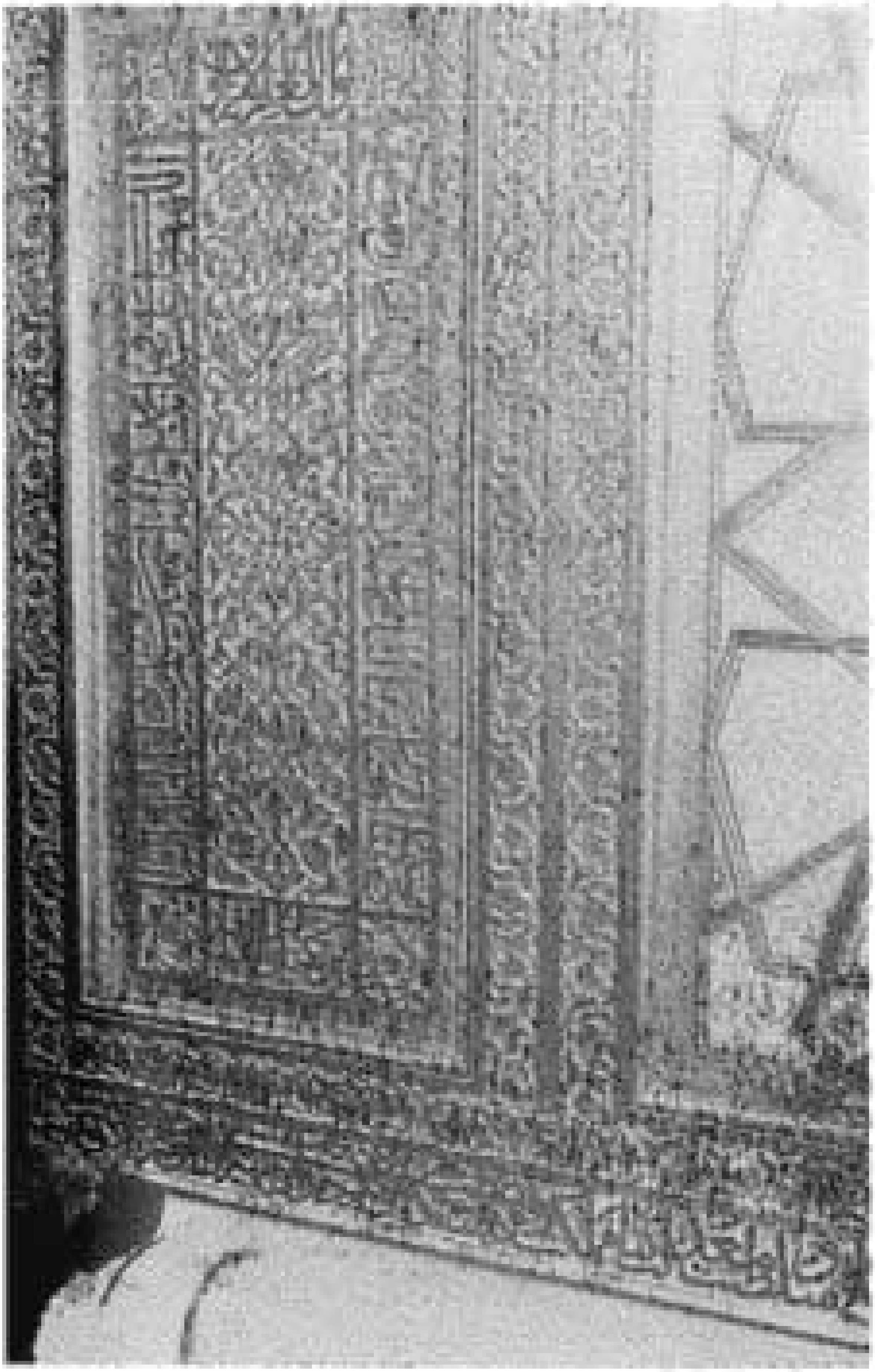

(عکس شمارهٔ ۱۵۳) قسمت سمت چپ بدنهٔ شمالی صندوق امامزاده محمد در کسلای میاندرود

(عکس شمارهٔ ۱۵۴) قسمتی از سمت راست بدنهٔ جنوبی صندوق امامزاده محمد در
بتکدهٔ کلای میانرود نور

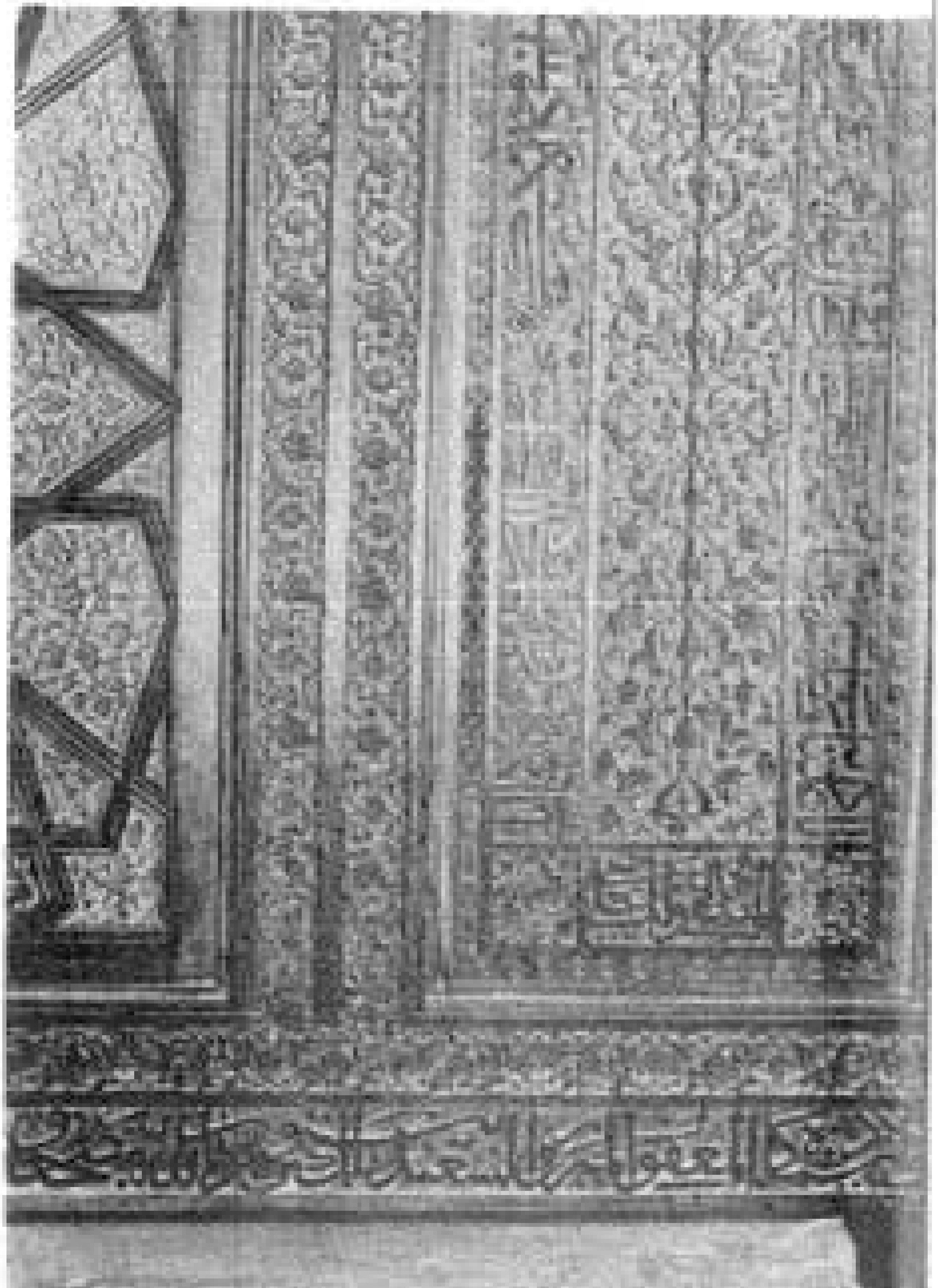

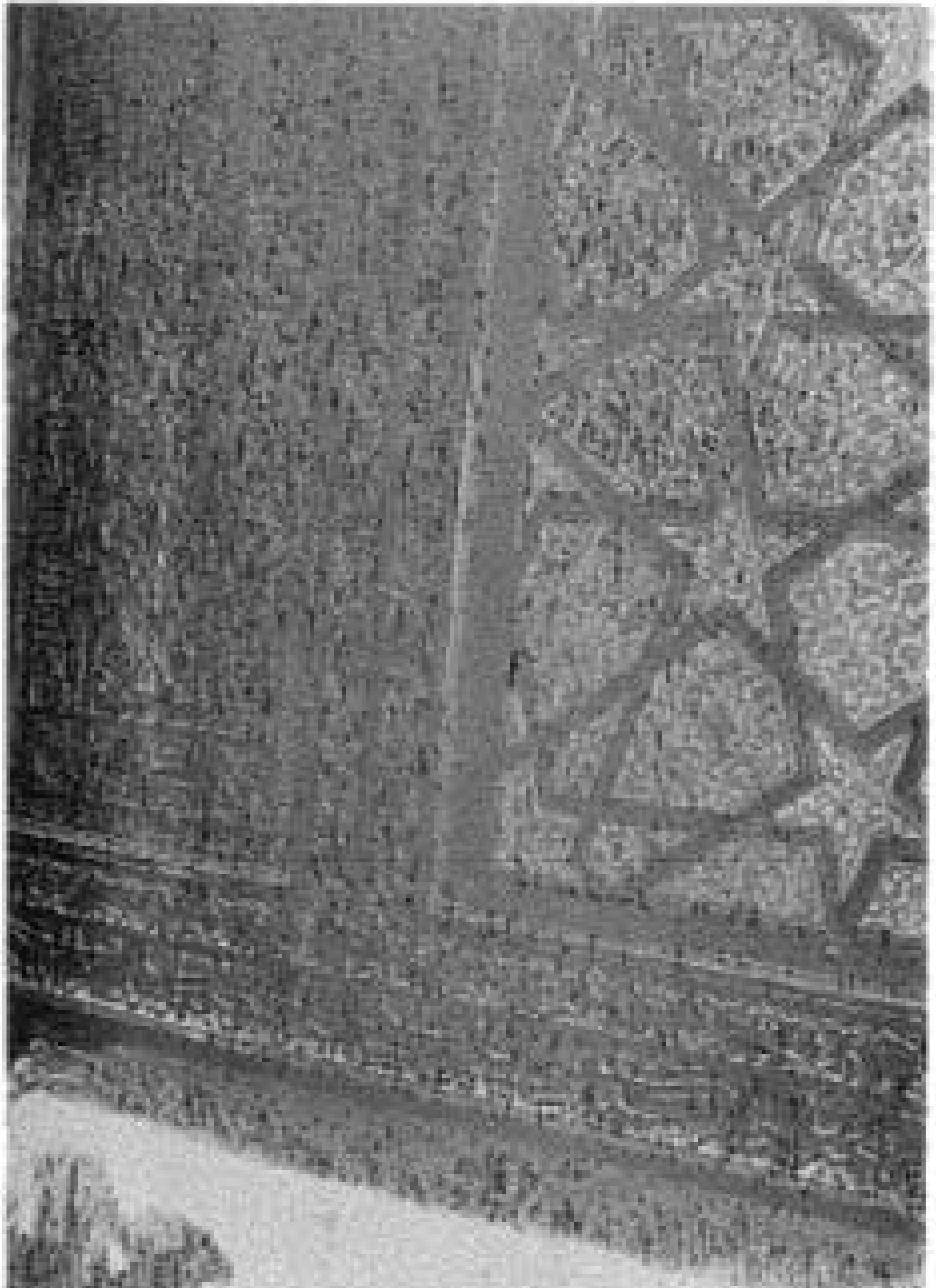

(عکس شمارهٔ ۱۵۵) قسمتی از سمت چپ بدنهٔ جنوبی صندوق امامزاده محمد در محکمهٔ کلای میانرود نور

(عکس شمارهٔ ۱۵۶) در مسجد امامزاده محمد در دهکدهٔ کلای میانرود نور.

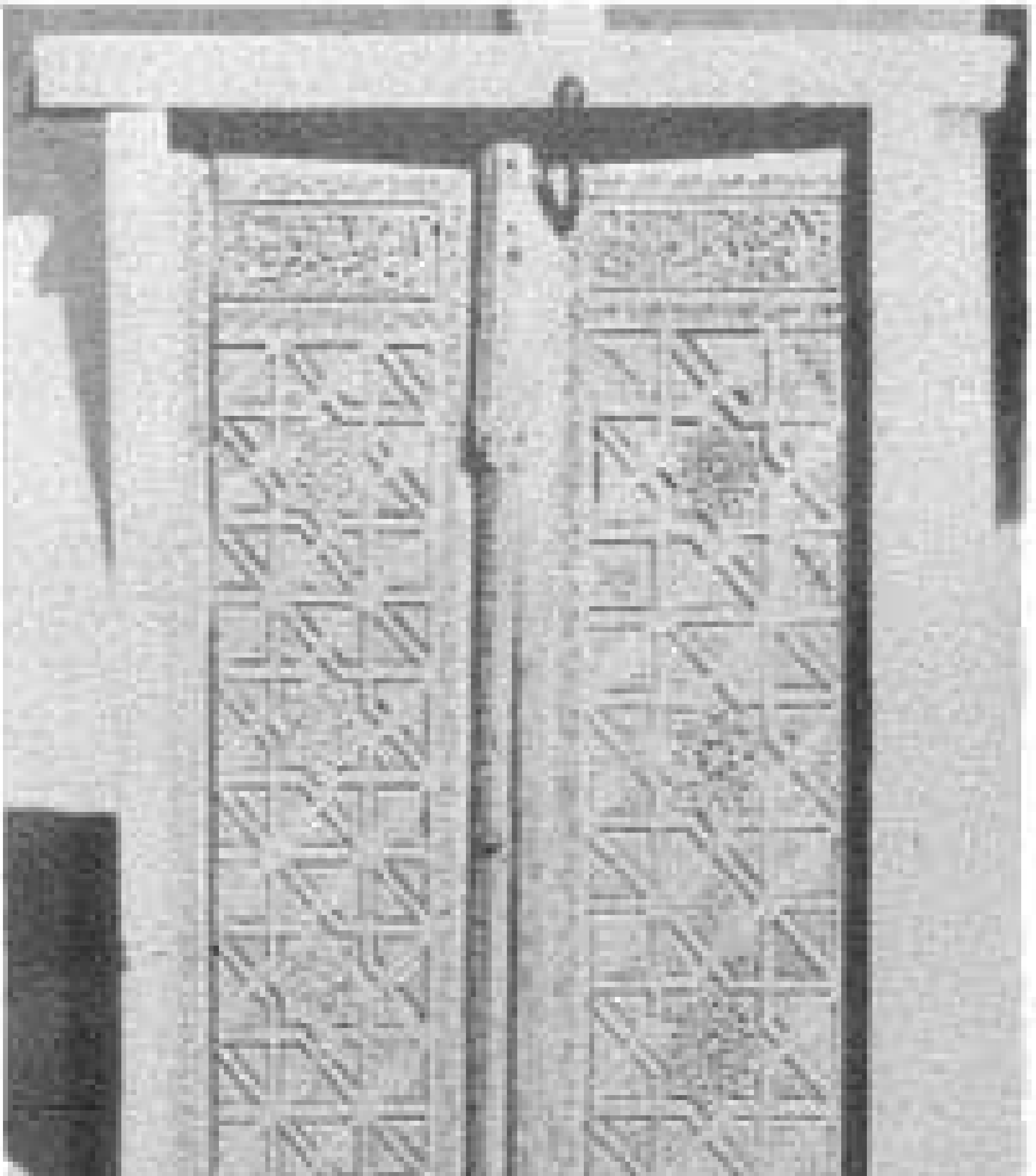

(عکس شمارهٔ ۱۵۷) در دیگر مسجد امامزاده محمد در دهکدهٔ کلای میانرود نور

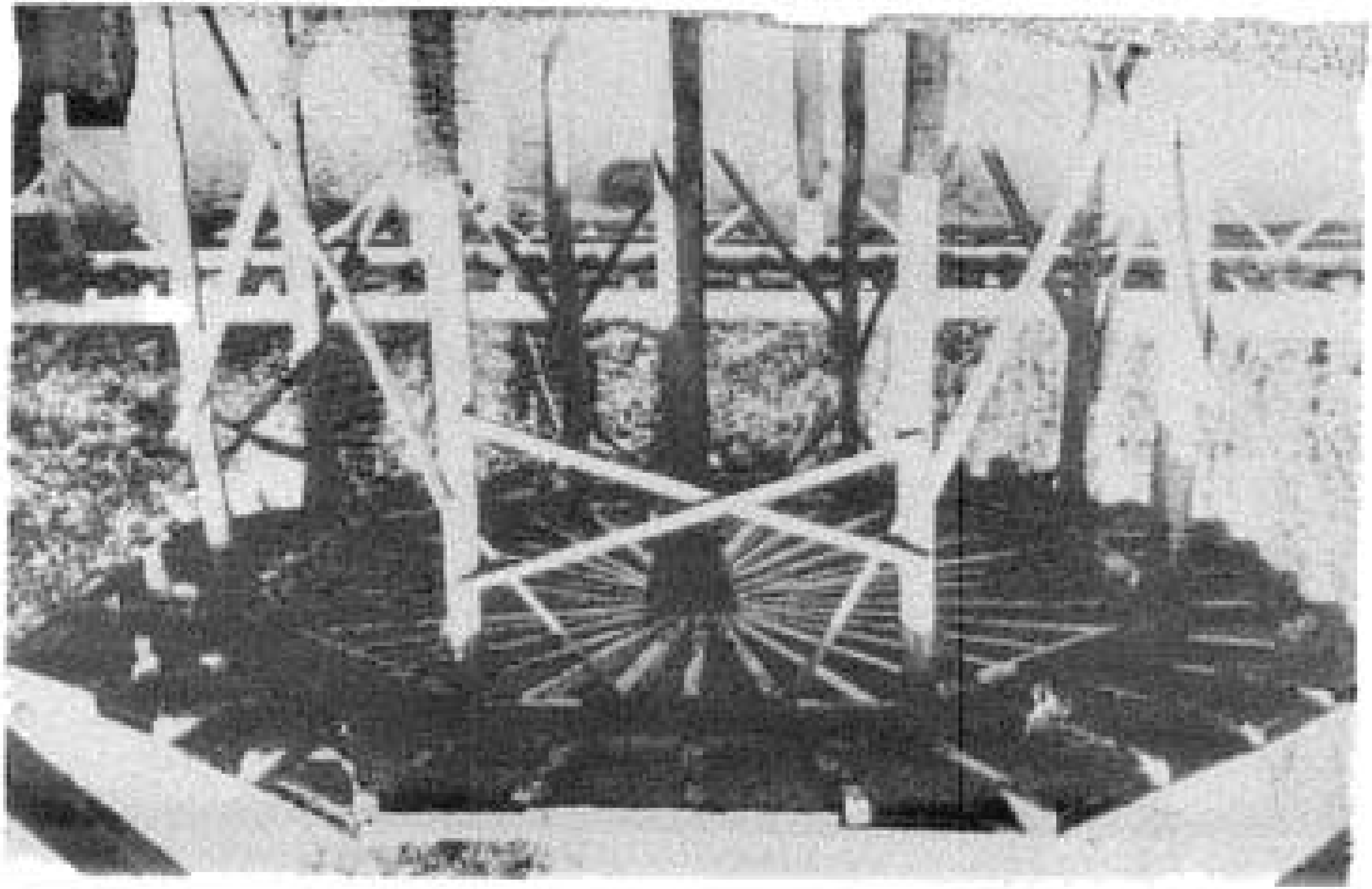

[illegible]

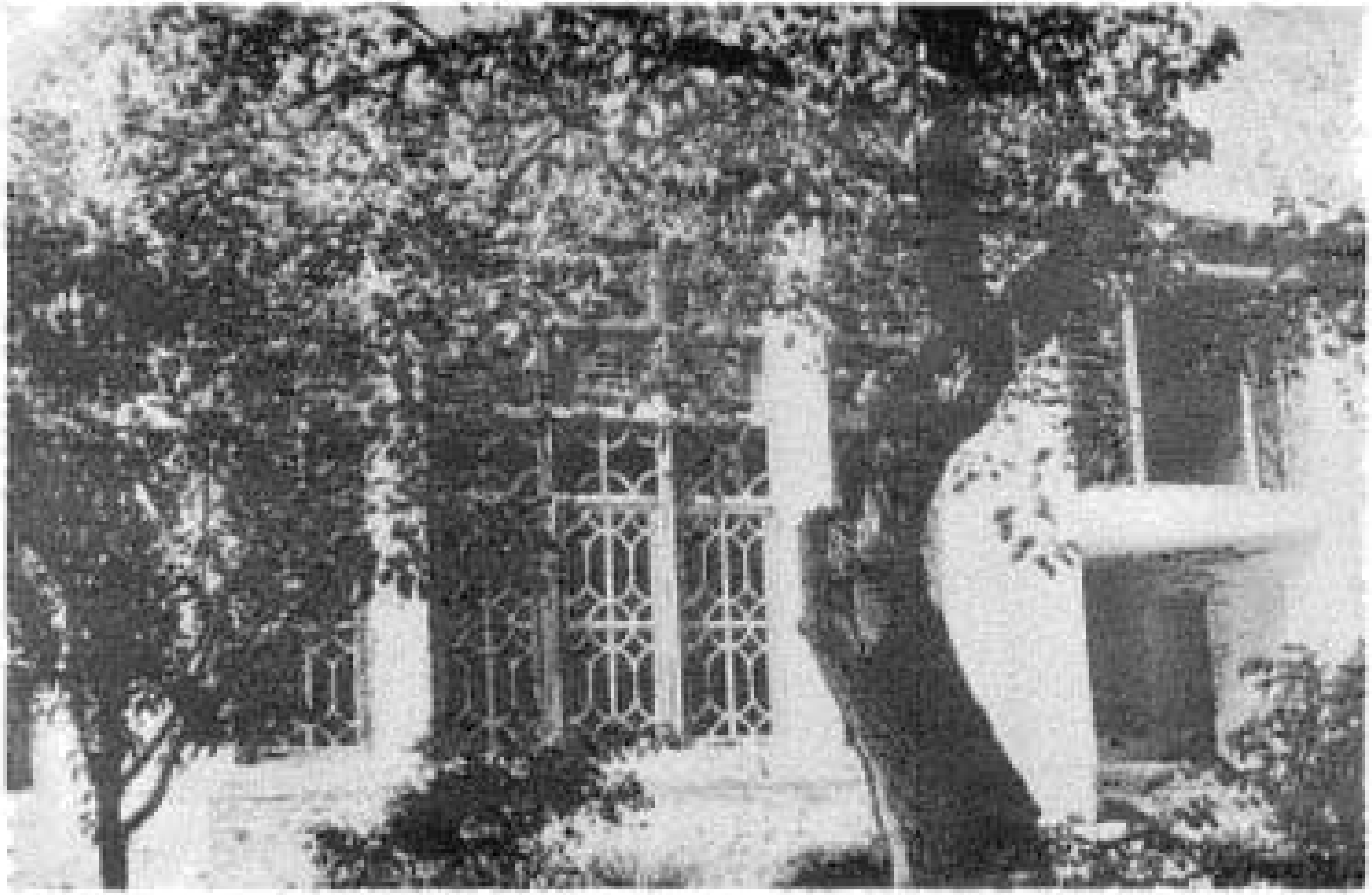

(عکس شمارهٔ ۱۵۹) مسقط‌الرأس میرزا حسینعلی بهاءالله در دهکدهٔ تاکر مازندران بود که نوسازی شده است

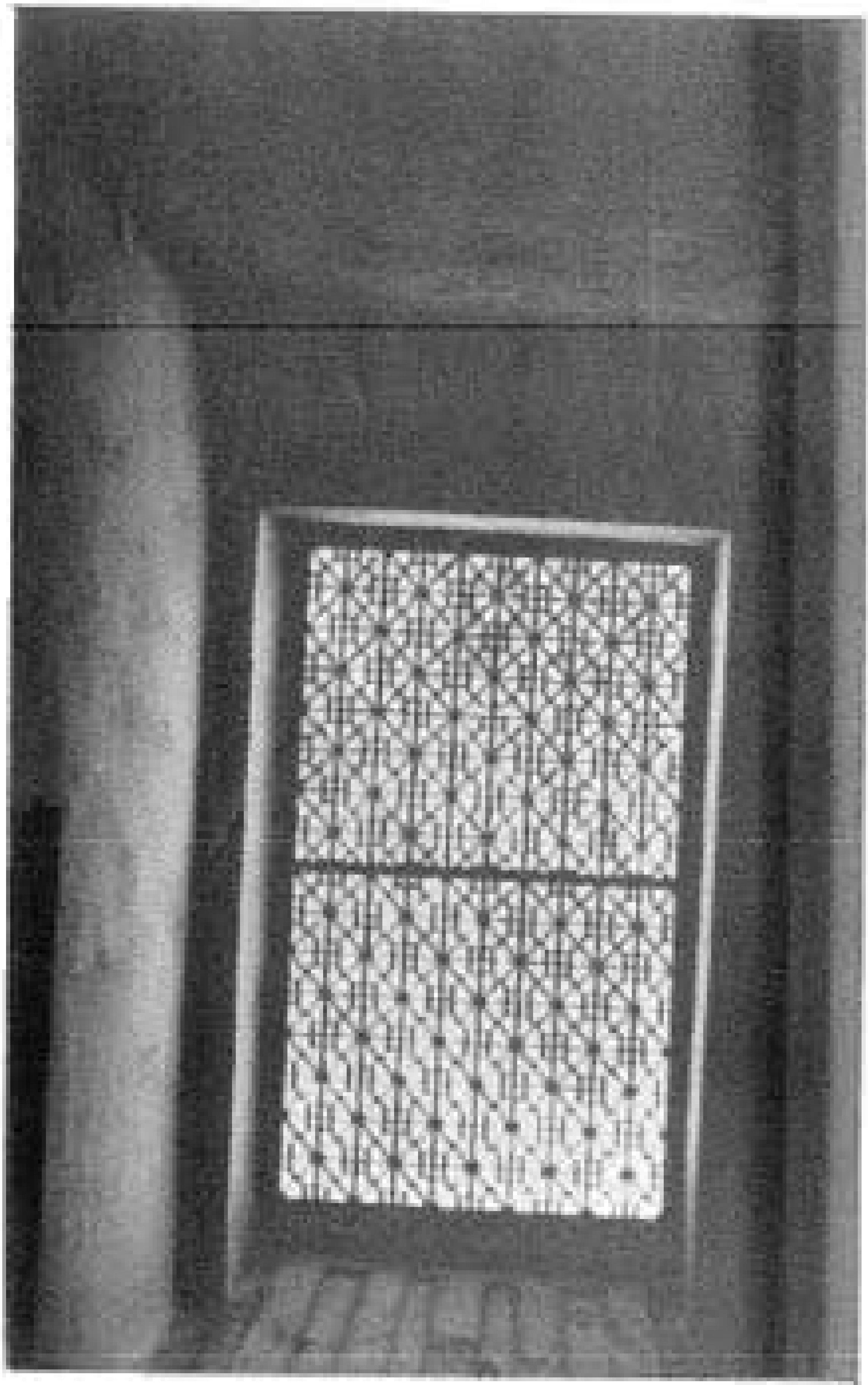

(عکس شمارهٔ ۱۶۰) پنجرهٔ مشبک چوبین در بیت لاگر

(عکس شمارهٔ ۱۶۱) بنای بقعهٔ درویش محمد در اطاق سرای تیج .

(عکس شمارهٔ ۱۶۲) بالای ماندهٔ صندوق مرقد
درویش محمد در اطاق سرای تیج

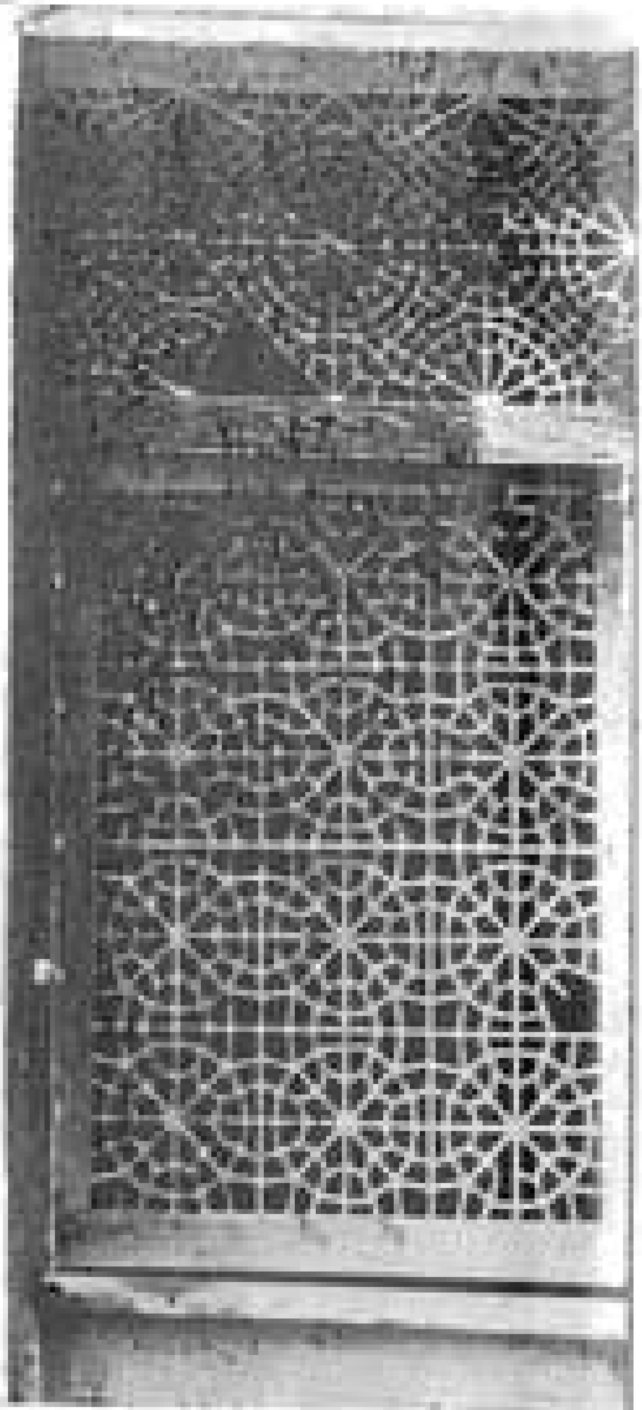

(عکس شمارهٔ ۱۶۳) پنجرهٔ مشبک در خانهٔ منتظم لشکر
در محکمهٔ نیچ میانرود بالای نور

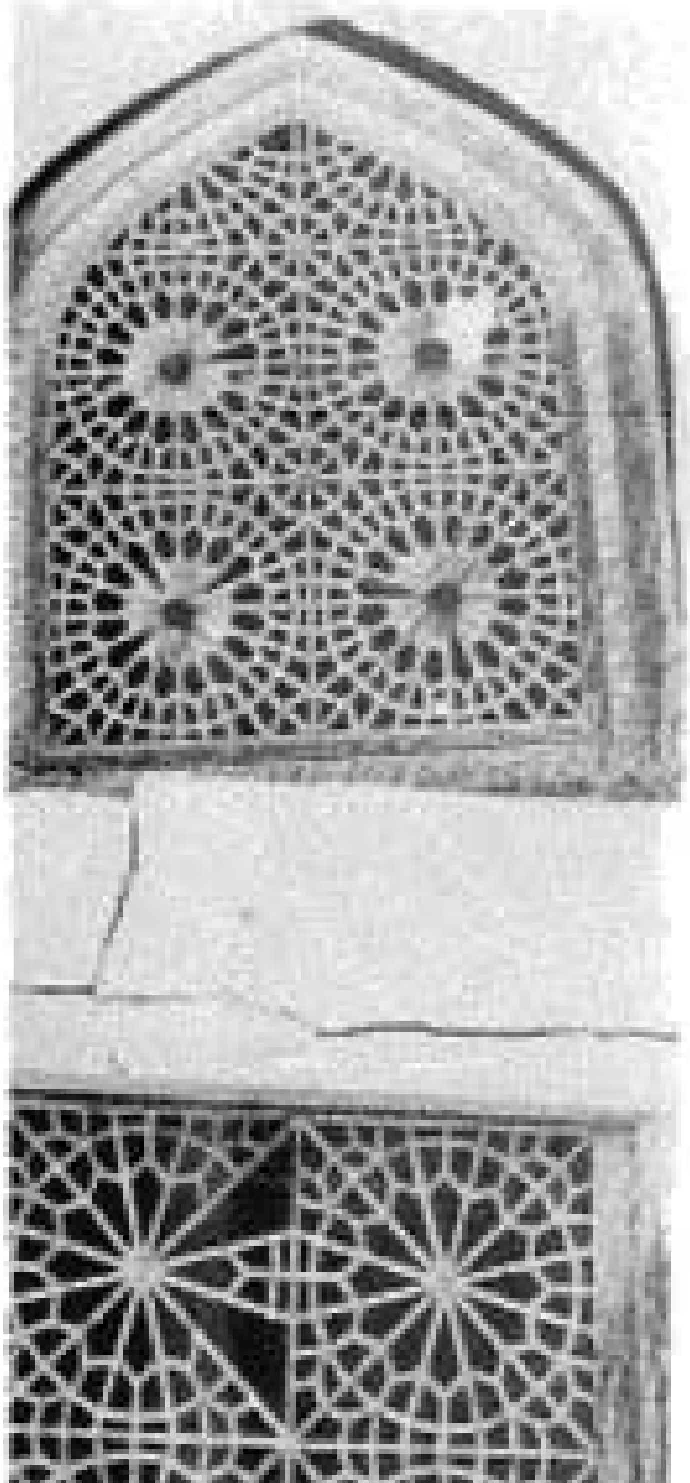

(عکس شمارهٔ ۱۶۴) پنجرهٔ مشبک چوبین در خانهٔ م
لشکر در نیچ میانرود بالای نور

(عکس شمارهٔ ١٦٥) خشت پل بر رودخانهٔ سولده در ناتل کنار

(عکس شمارهٔ ١٦٦) حمام صدر اعظم در محکمهٔ سولدهٔ ناتل‌کنار دشت نور

(عکس شمارهٔ ۱۶۷) حمام صدر اعظم در دهکدهٔ سولدهٔ ناتل کنار دشت نور

(عکس شمارهٔ ۱۶۸) ایوان خانهٔ نظام‌الملک نوری در دهکدهٔ چمستان ناتل‌رستاق نمشتور

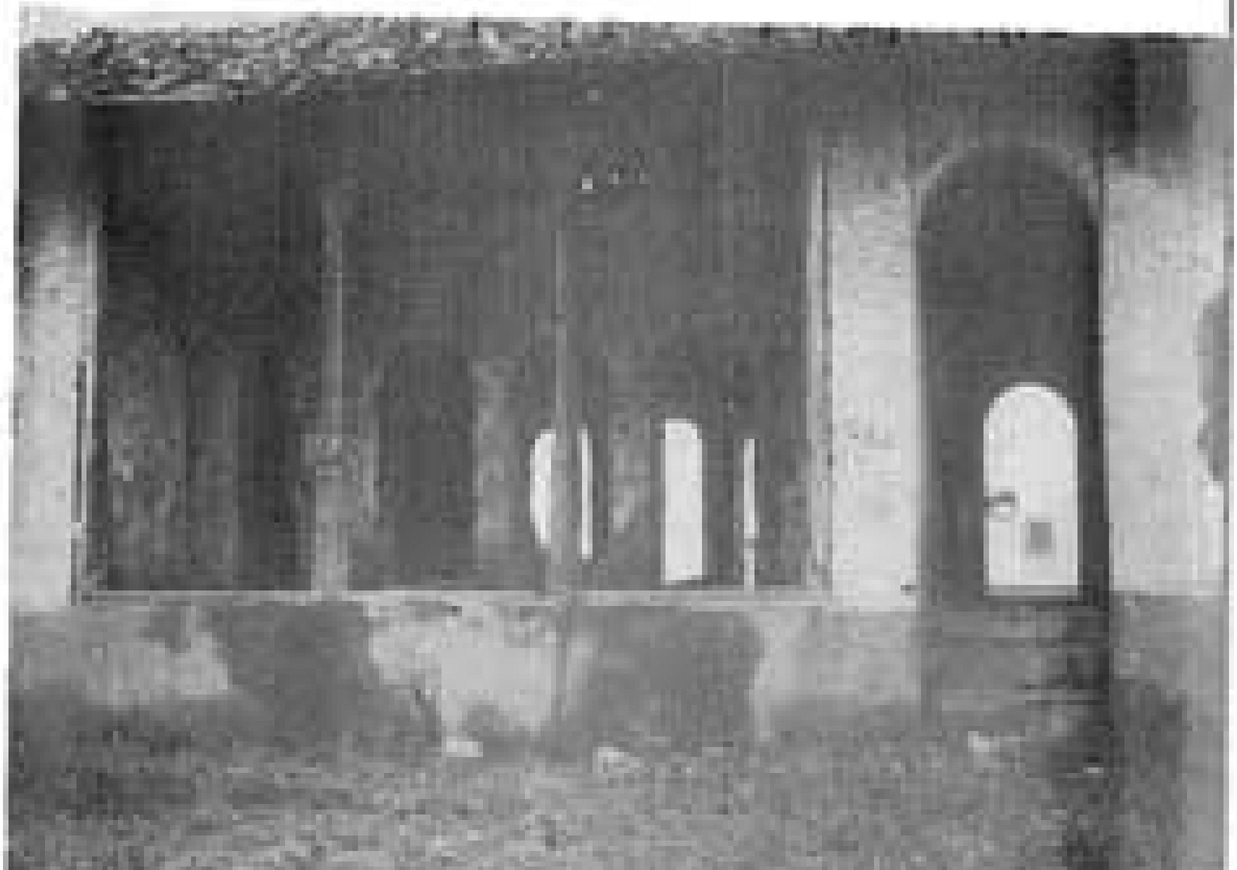

(عکس شمارهٔ ۱۶۹) خانهٔ کاظم خان نظام‌الملک نوری در چمستان ناتل رستاق دشت‌نور

(عکس شمارهٔ ۱۷۰) حمام میرزا کاظم‌خان نظام‌الملک نوری در چمستان ناتل رستاق دشت نور

(عکس شمارهٔ ۱۷۱) امامزاده سید حسین در جنگل سازی پاشا لمی کلای دانک رستاق هزار

(عکس شمارهٔ ۱۷۲) بنای بقعه و گنبد کل امامزاده سید حسین در جنگل سازی پاشا

(عکس شمارهٔ ۱۷۳) امامزاده قاسم در محکمهٔ پایین ورازده ناتل رستاق عشت نور

(عکس شمارهٔ ۱۷٤) صندوق چوبین ظریف مرقد امامزاده قاسم در پایین ورازده ناتل رستاق نور

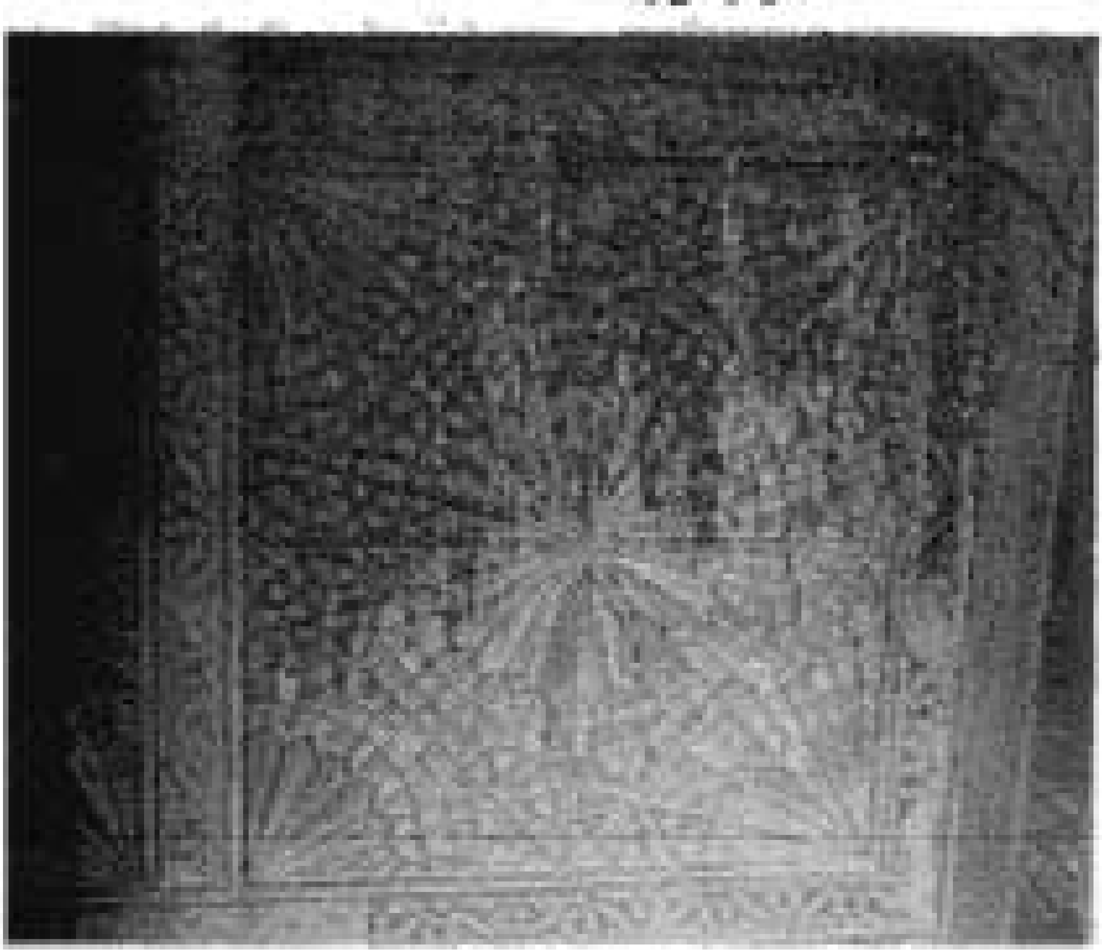

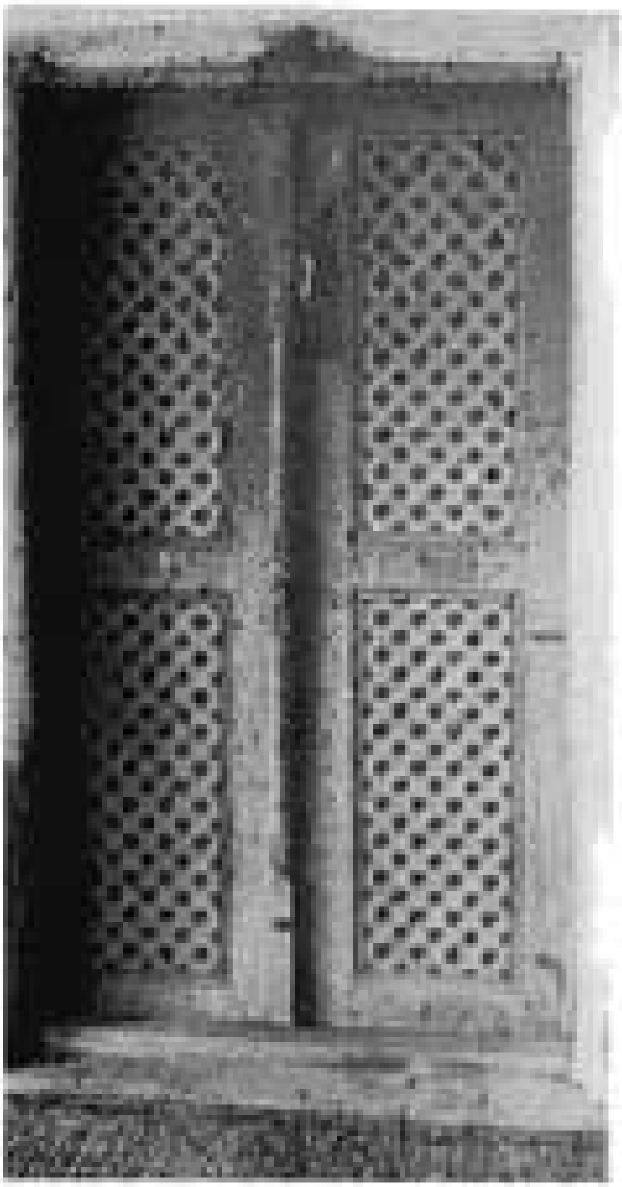

(عکس شمارهٔ ۱۷۵) در مشبک کاری چوبین امامزاده قاسم در پایین ورزانه ناکسیل رستاق نور

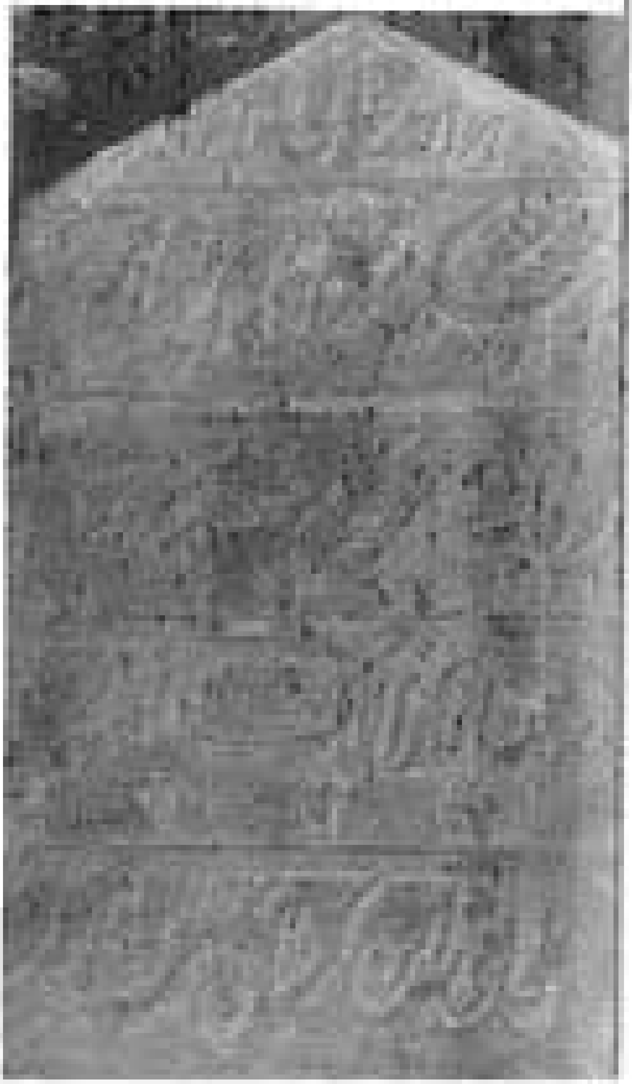

(عکس شمارهٔ ۱۷۶) سنگ قبری در امامزاده قاسم در پایین ورزانه

(عکس شماره ۱۷۷) پلهٔ بالو در دهکده آهودشت ناتل رستاق دشت نور

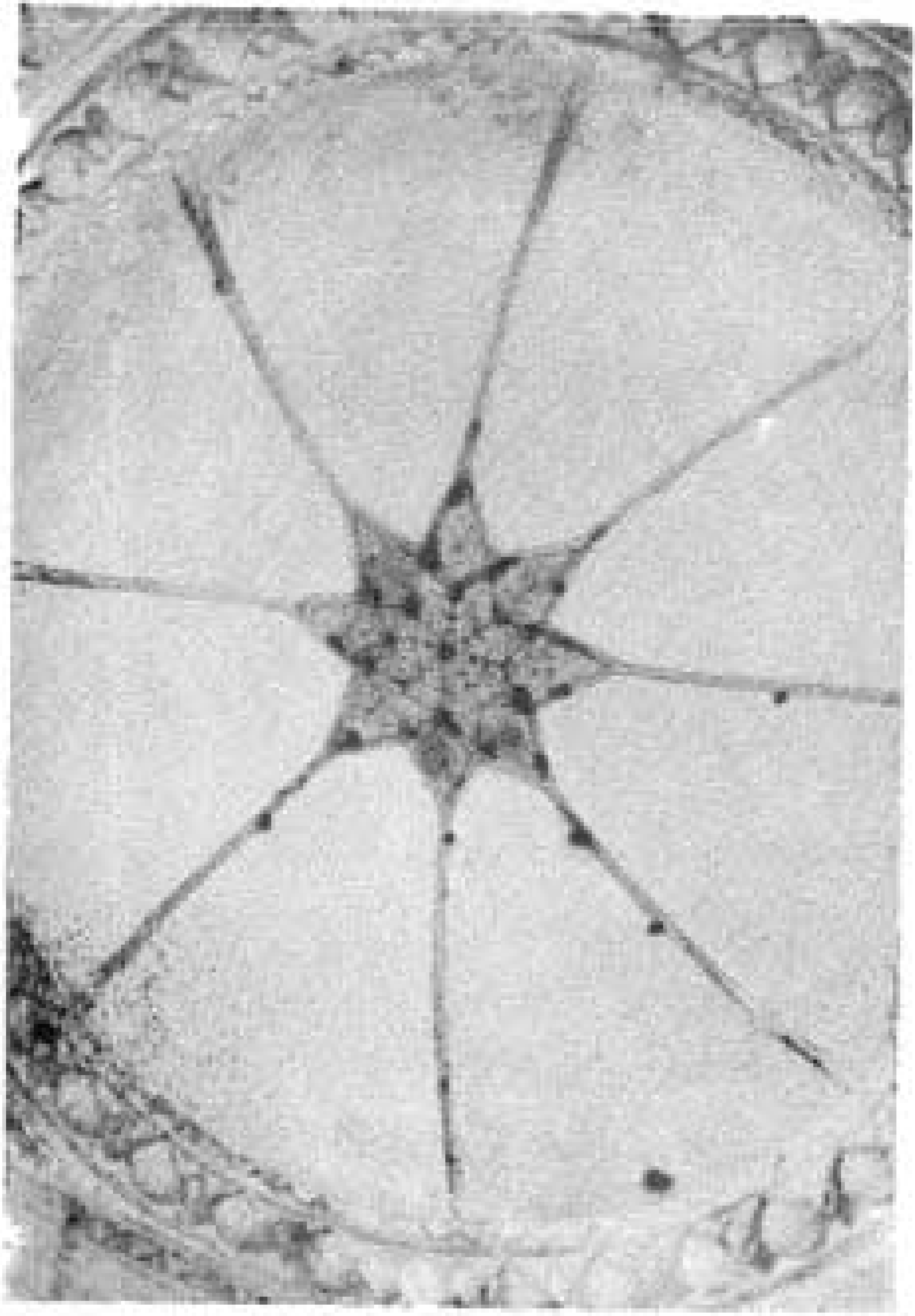

(عکس شمارهٔ ۱۷۸) نقش ونگارهای رنگین سقف بقعهٔ شاه باقر

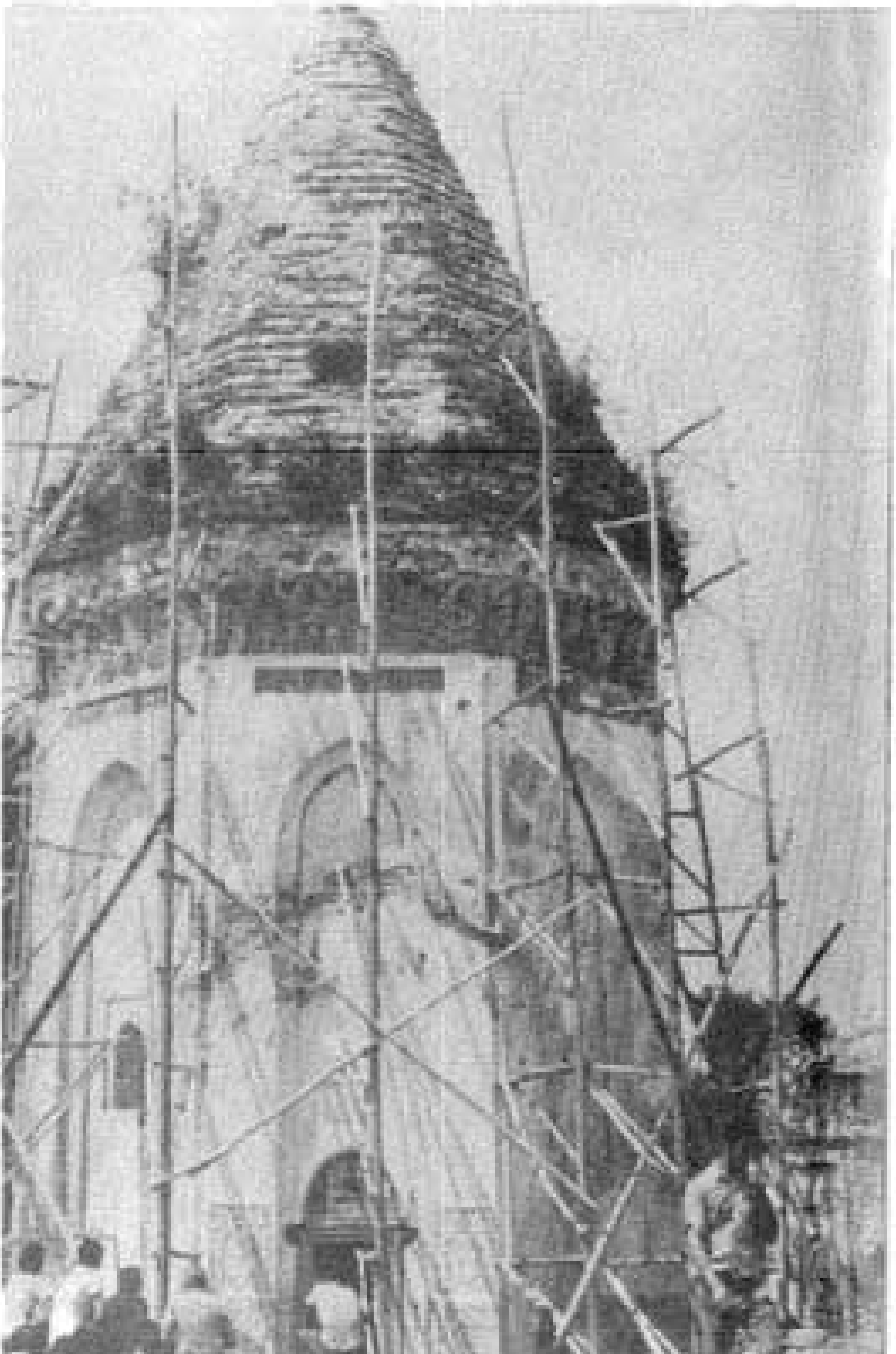

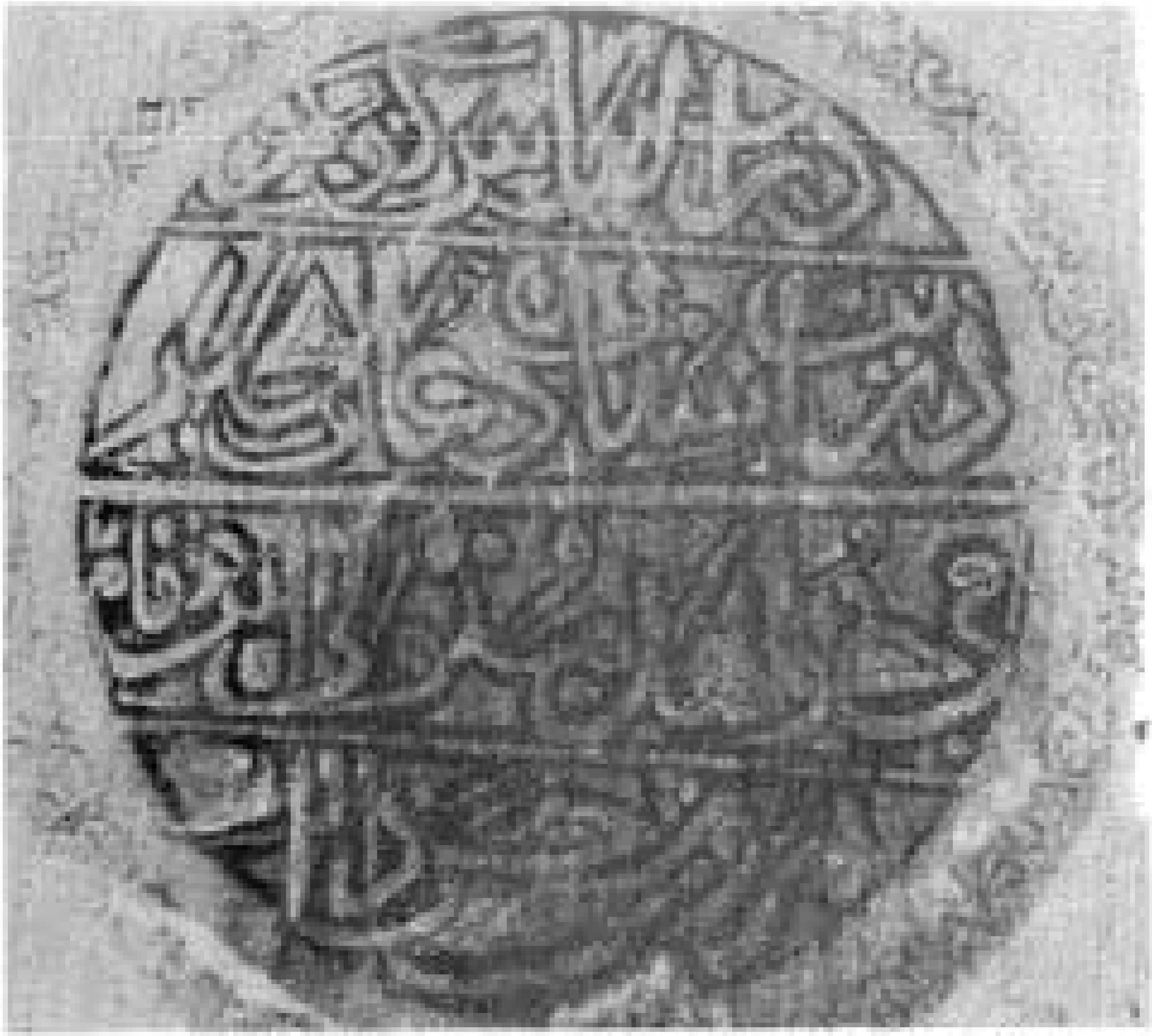

(عکس شمارهٔ ۱۴۹) کتیبه‌ای بر طاقنمای داخل سمت چپ در ورودی بقعهٔ شاه بالو

(عکس شمارهٔ ۱۵۰) کتیبه‌ای بر درگاه سمت راست در ورودی بقعهٔ شاه بالو

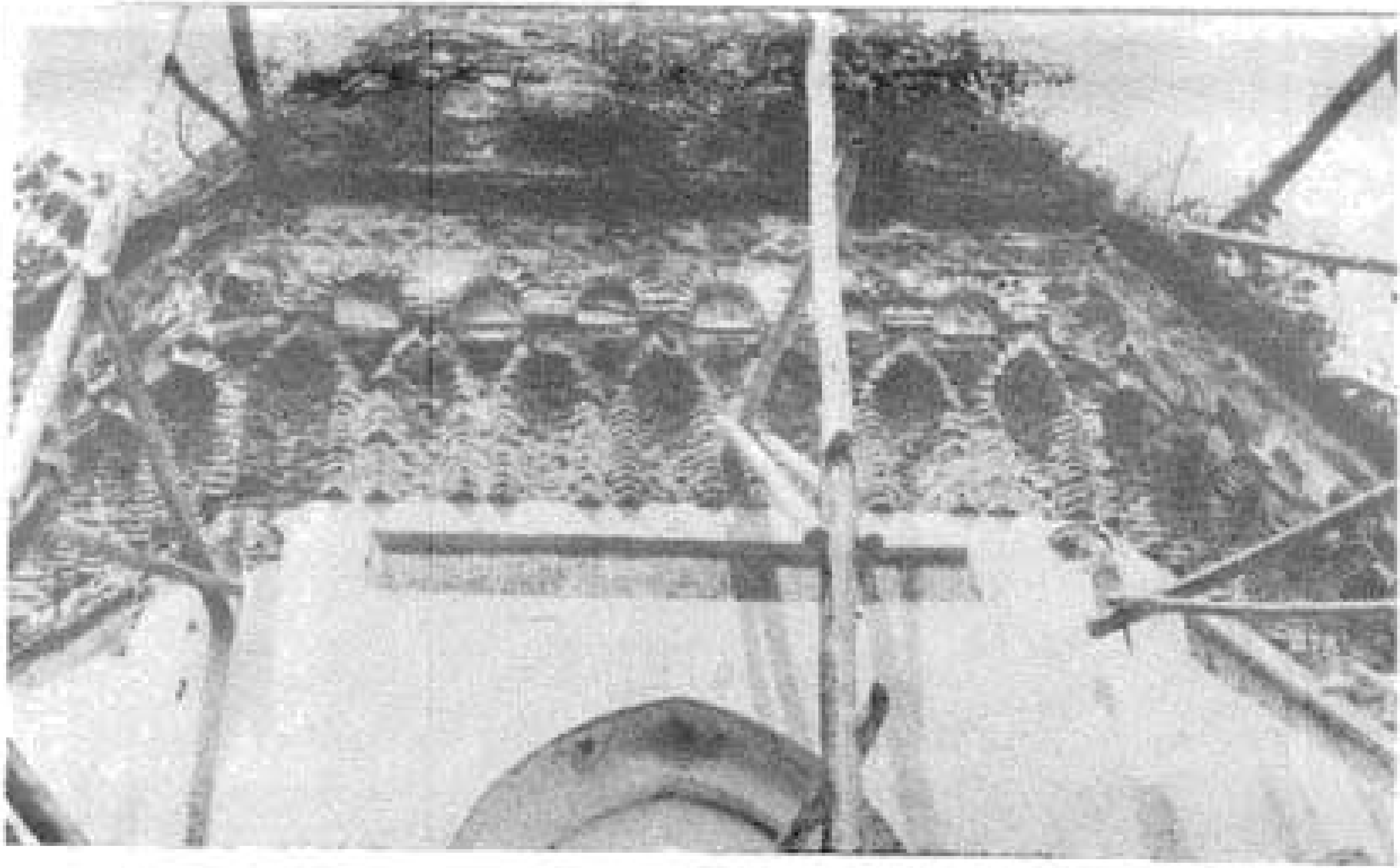

(عکس شمارهٔ ۱۸۲) کتیبهٔ گچبری در سر در ورودی بقعهٔ شاه‌بالو

(عکس شمارهٔ ۱۸۳) کتیبه‌ای از آجر پخت در ضلع جنوبی بقعهٔ شاه بالو

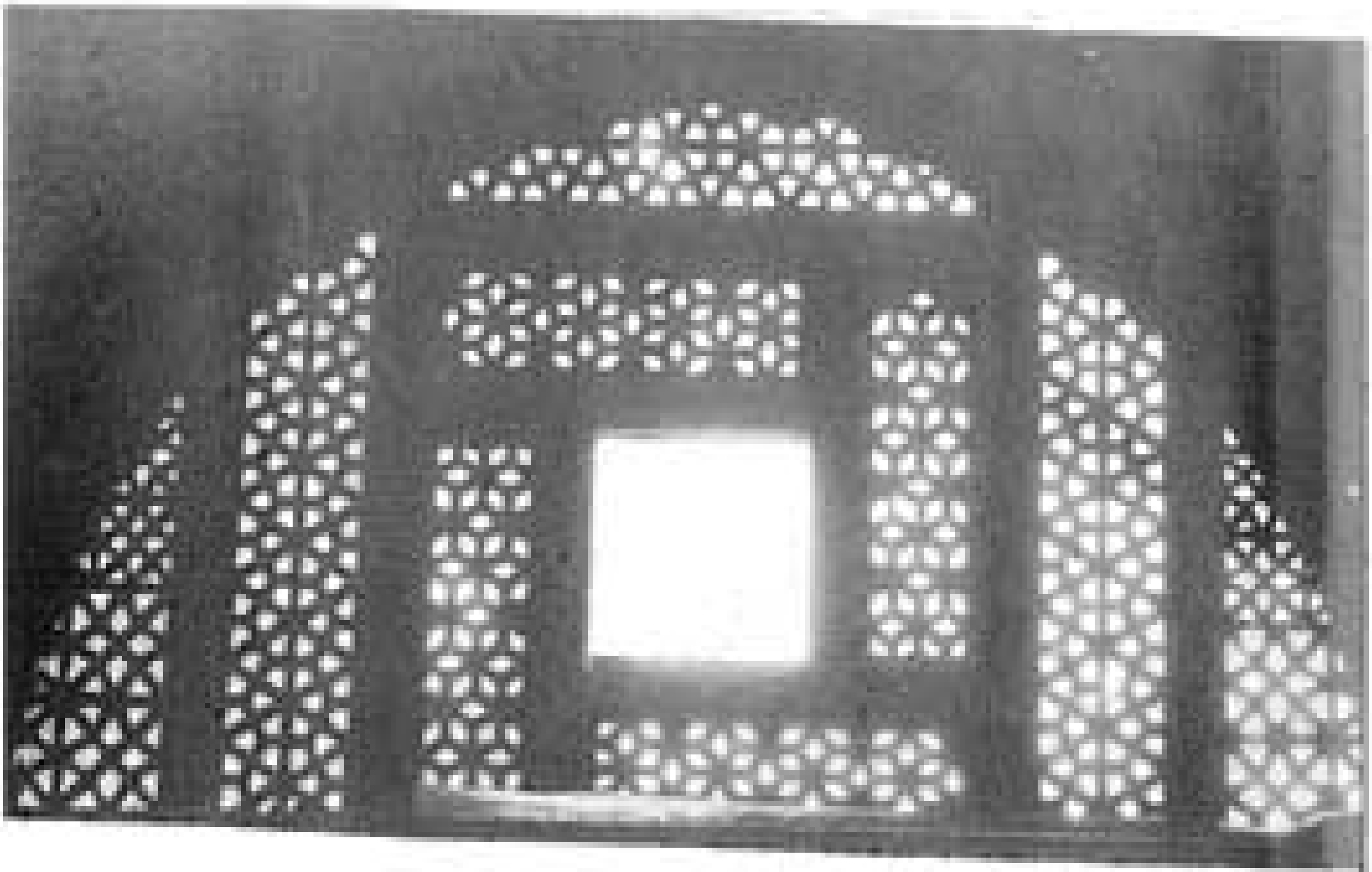

(عکس شمارهٔ ۹۸۴) حفاظ مشبک چوبین بالای سر در ورودی بقعهٔ شاهبالو

(عکس شمارهٔ ۹۸۵) گچبریهای ظریف و زیبای سم
راست در ورودی بقعهٔ شاه با

...س شمارهٔ ۱۸۶) کاشیکاری سمت راست در ورودی بقعهٔ شاه‌بانو

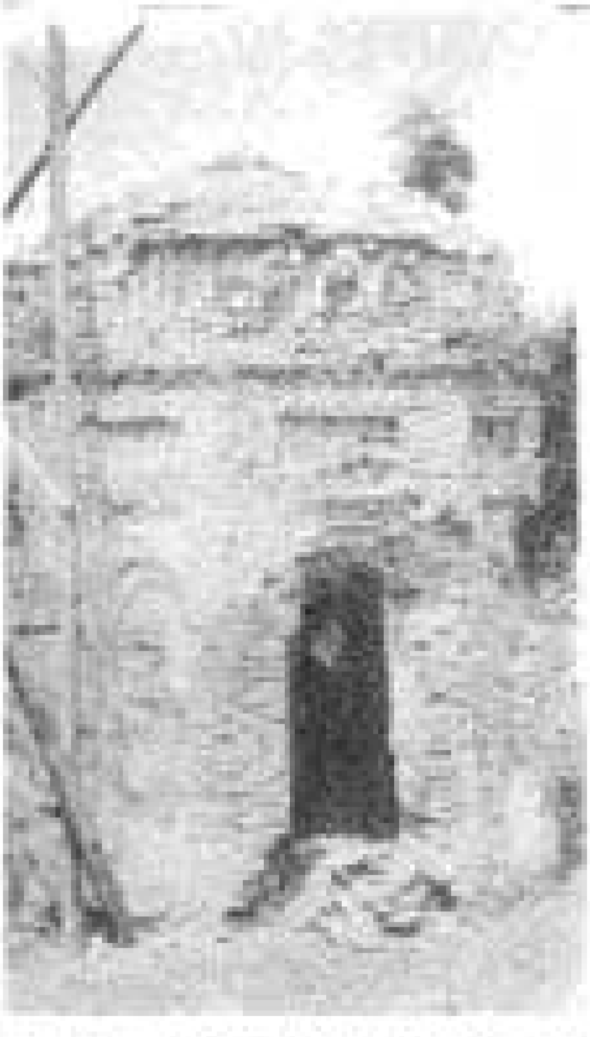

(عکس شمارهٔ ۱۸۷) بنای دلاک‌خانه پهلوی راما
شاه بانو

(عکس شمارهٔ ۱۸۸) سنگ قبری قدیمی که هنگام تعمیر بقعهٔ شاه بانو از زیر خاک درآمده است.

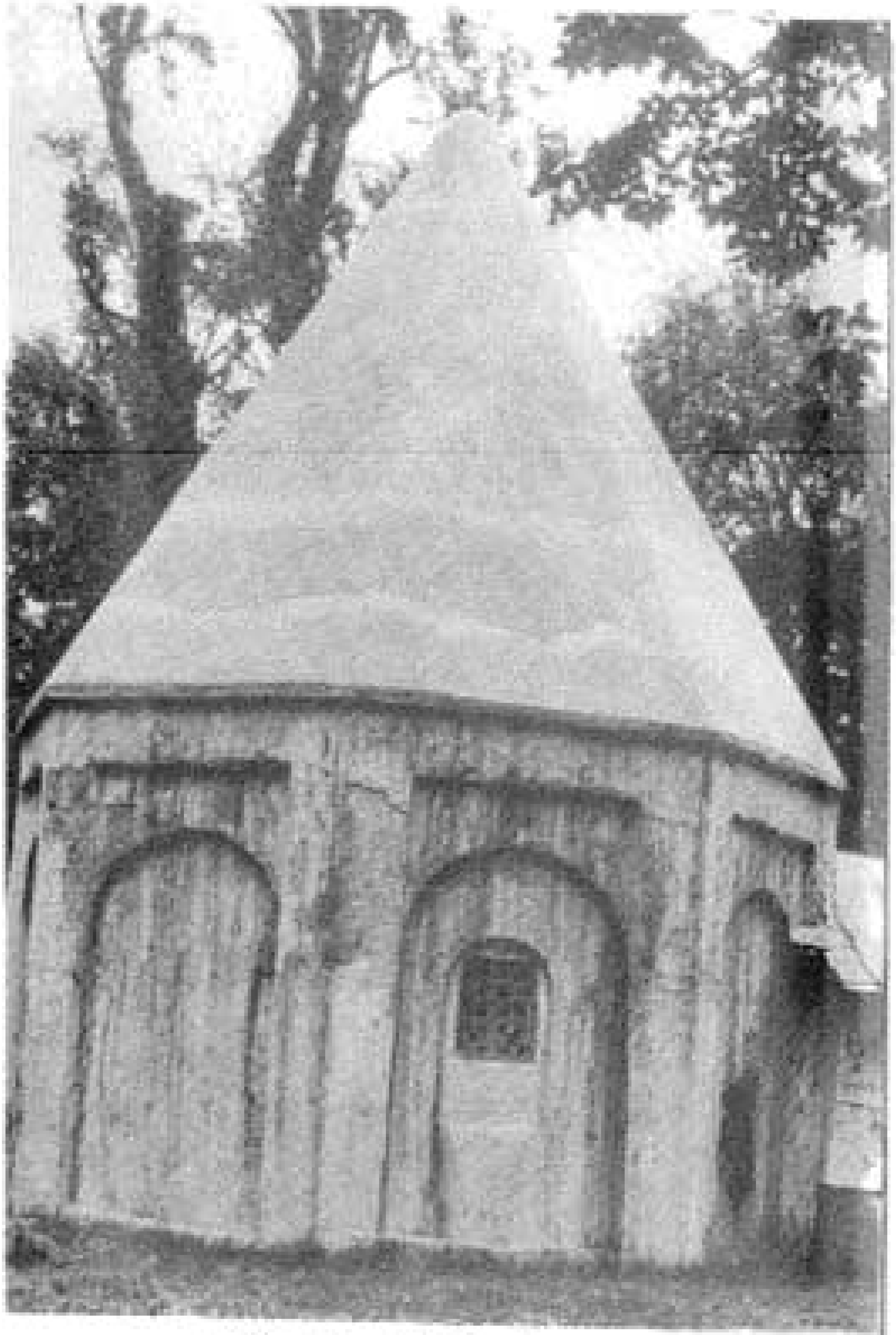

(عکس شمارهٔ ۱۸۹) امامزاده رضا در دهکدهٔ کیش ده جاپرود سملای فوق

(عکس شمارهٔ ۱۹۰) ستالار امامزاده رضا در گیلان ده میانرود سیاهکل رود

(عکس شمارهٔ ۱۹۱) سالنفار اجاره، محمد در روستای ده ناکل رستاق دشت نور

(عکس شمارهٔ ۱۹۲) حمام قدیمی در محلهٔ سعادت‌آباد میانرود بلاد دشت نور

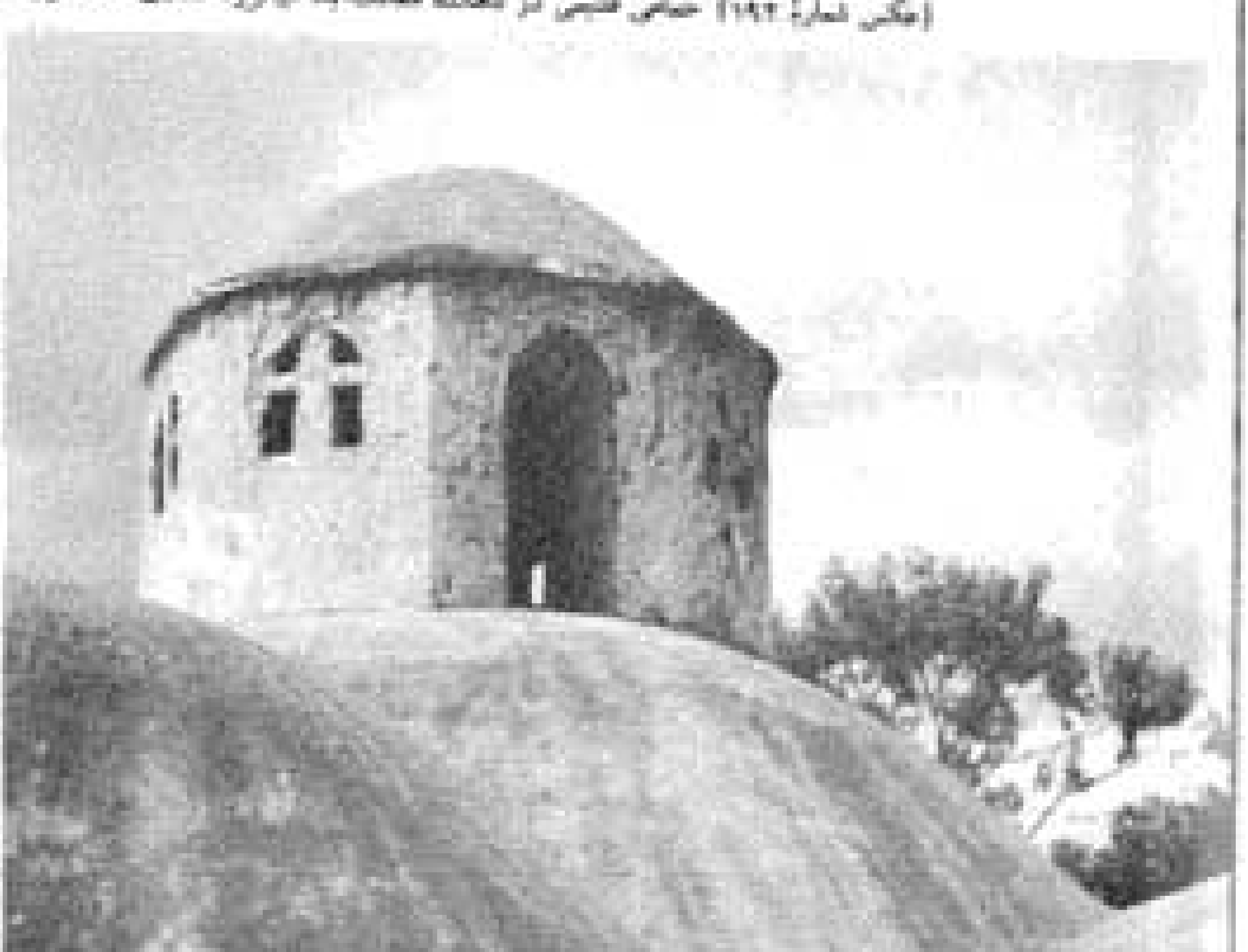

(عکس شمارهٔ ۱۹۳) عمارت قشلاقی امیر مسعود نوری در محلهٔ عبدالآباد تالارستاق نور

(عکس شمارهٔ ۱۹۴) امامزاده بلال در محکمهٔ نائوکلای ناتل رستاق نور

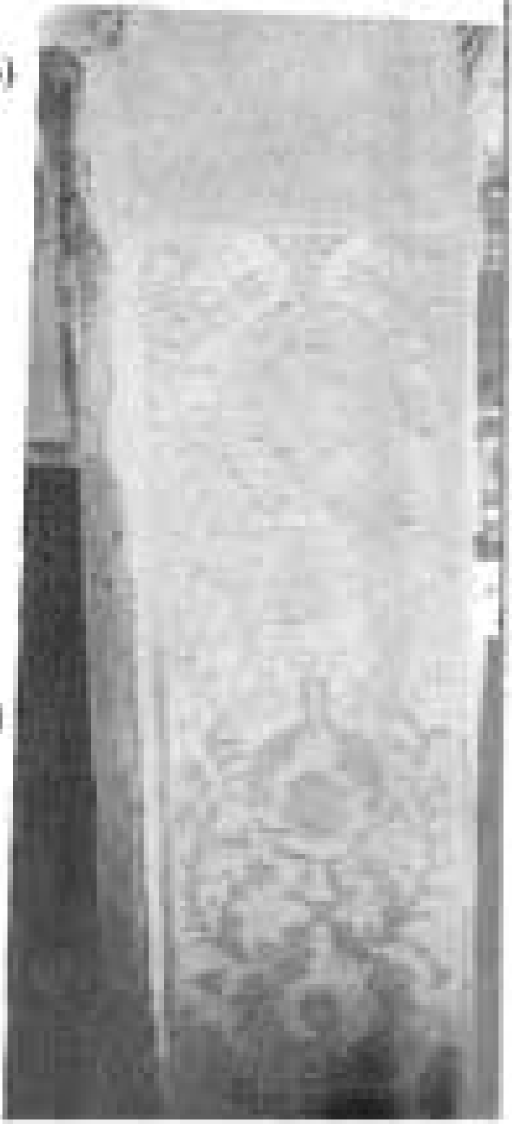

(عکس شمارهٔ ۱۹۵) گچبریهای دو طرف
کفش کن امامزاده بلال در نائوکلا

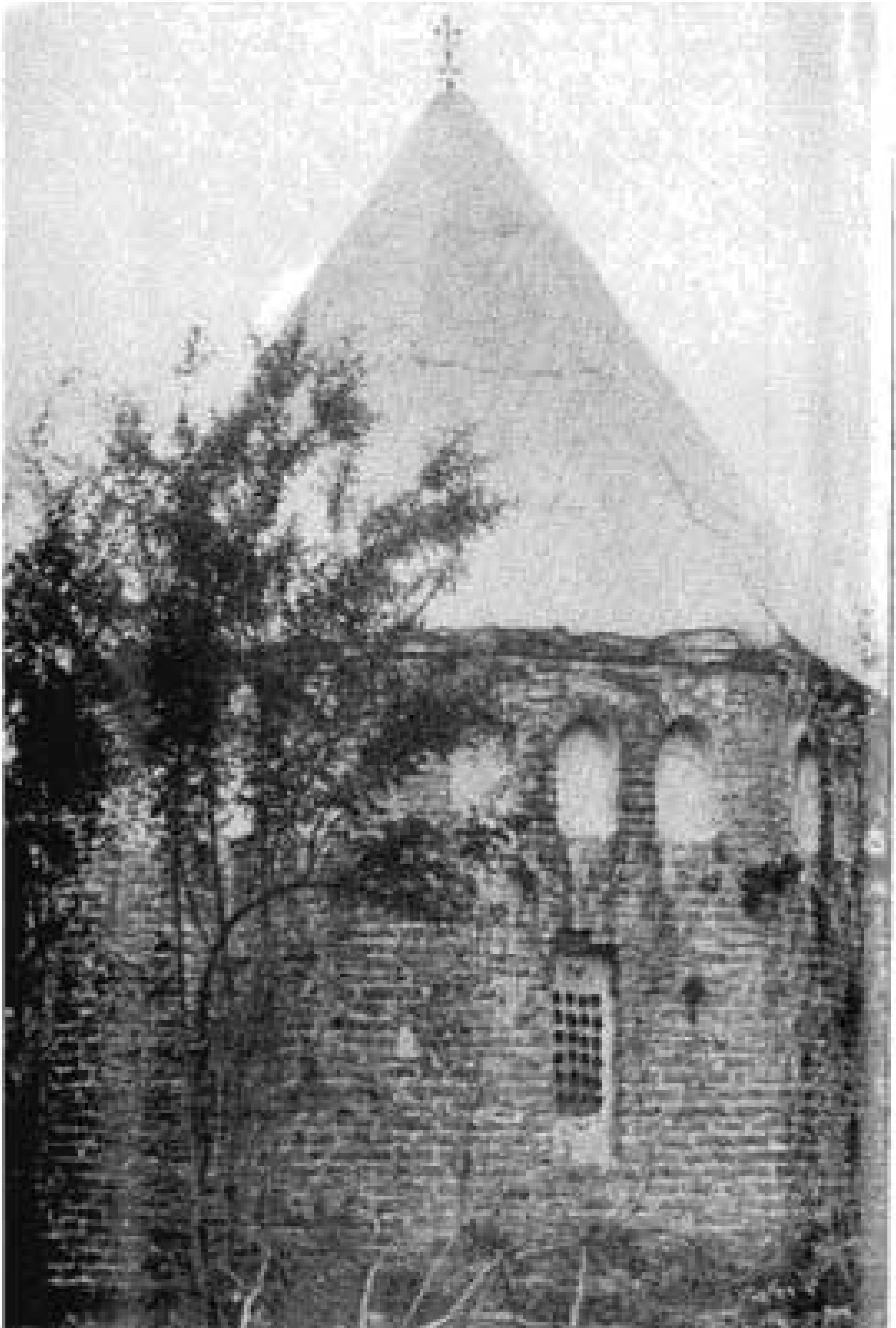

(عکس شمارهٔ ۱۹۹) امامزاده فضل‌الله در محکمهٔ سیدکلای ناتل رستاق نور

(عکس شمارهٔ ۱۹۷) بقعهٔ سید عبدالله در گورستان قدیمی دهکدهٔ ناتل از دهکده‌های ناتل رستاق نور

(عکس شمارهٔ ۱۹۸) بقعهٔ شاه رضا کیا سلطان در گورستان قدیمی ناتل در ناتل رستاق نور

(عکس شمارهٔ ۱۹۹) مسجد جامع دهکدهٔ ناتل از دهکده های ناتل رستاق نور

(عکس شمارهٔ ۲۰۰) قسمتی از دیوار قلعه‌ای قدیمی در جنگل گلیاج ناتل در ناتلرستاق نور.

(عکس شمارهٔ ۲۰۱) سنگ قبری در قلعهٔ دارکوش در دهکدهٔ وازک میانبند نور.

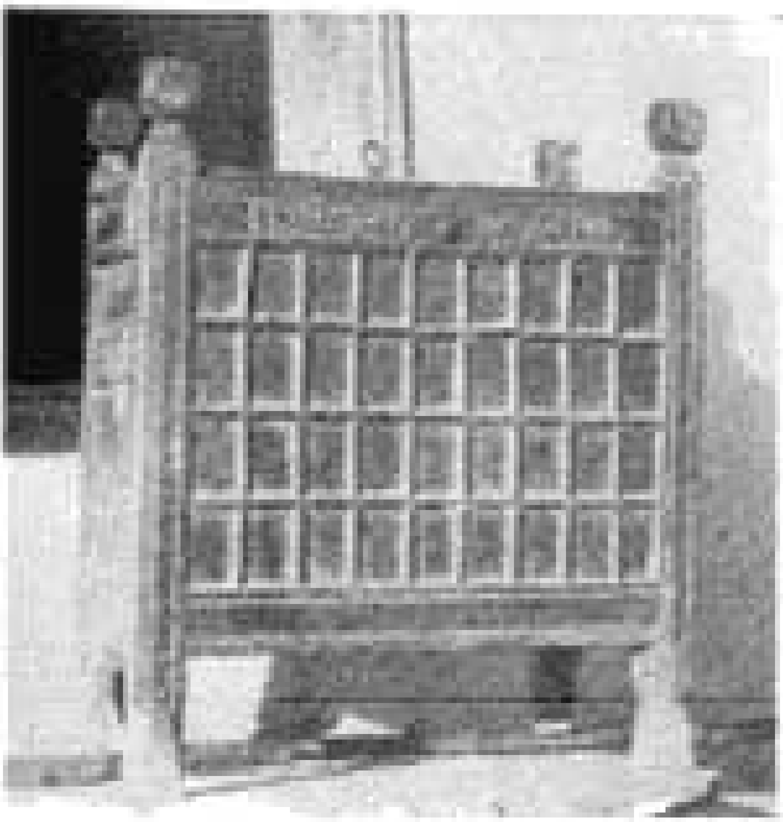

(عکس شمارهٔ ۲۰۳) صندوق چوبین در یکی از خانه‌های محلهٔ توجه

(عکس شمارهٔ ۲۰۲) یکی از ستونهای چوبین داخلی بقعهٔ امامزاده صالح بر قلهٔ کوه

(عکس شمارهٔ ۲۰۴) کتیبه‌ای بر سنگ کنار محلی که نهر تند جوی را در سنگ بریده‌اند

(عکس شمارهٔ ۲۰۵) مسیر نهر شمجوق در دل سنگ

(عکس شمارهٔ ۲۰۶) از کتیبه‌هایی که بر سنگ در کنار شمجوق است

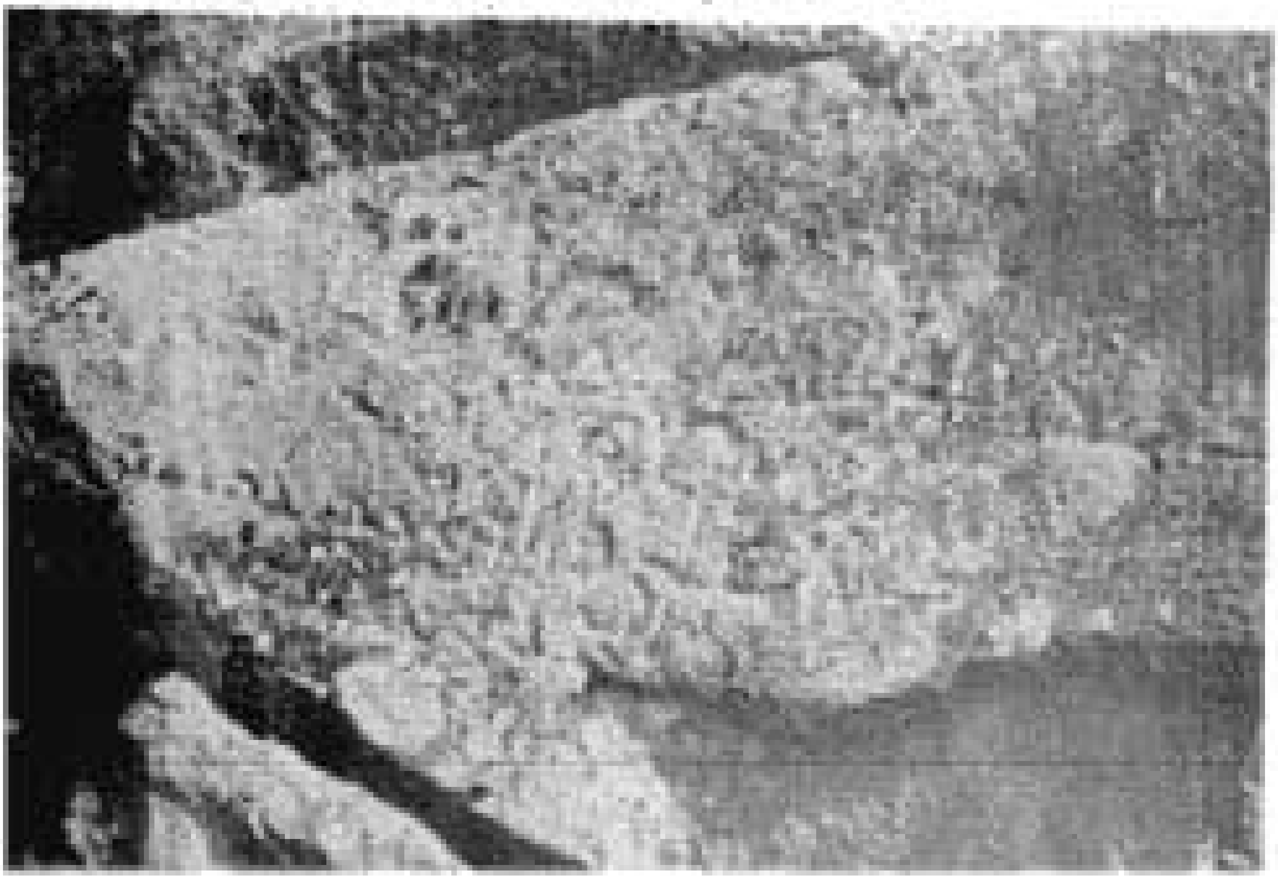

(عکس شمارهٔ ۲۰۷) از کتیبه‌هایی که بر سنگ در کنار نمه جوق است

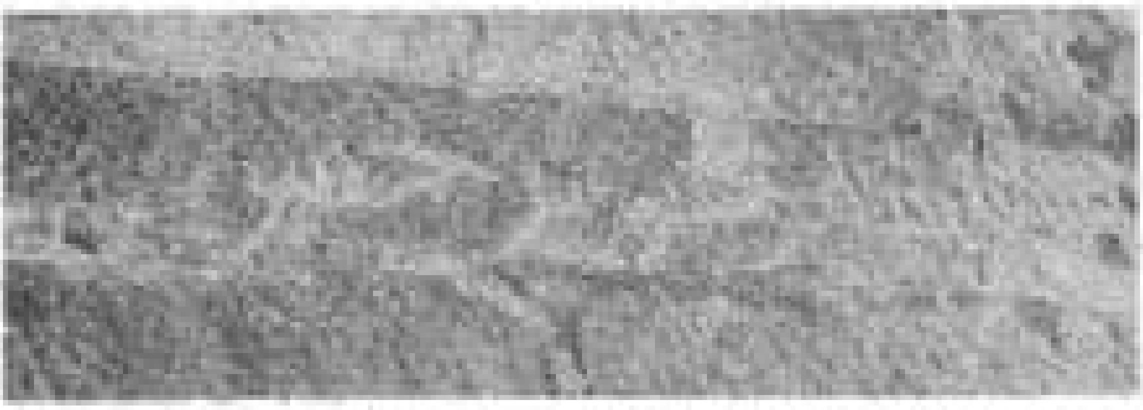

(عکس شمارهٔ ۲۰۸) از کتیبه‌هایی که بر سنگ در کنار نمه جوق است

(عکس شمارهٔ ۲۰۹) خرابه‌های دهکده‌ای قدیمی در اراضی سنگچین کنار رودخانهٔ دلی چای لار

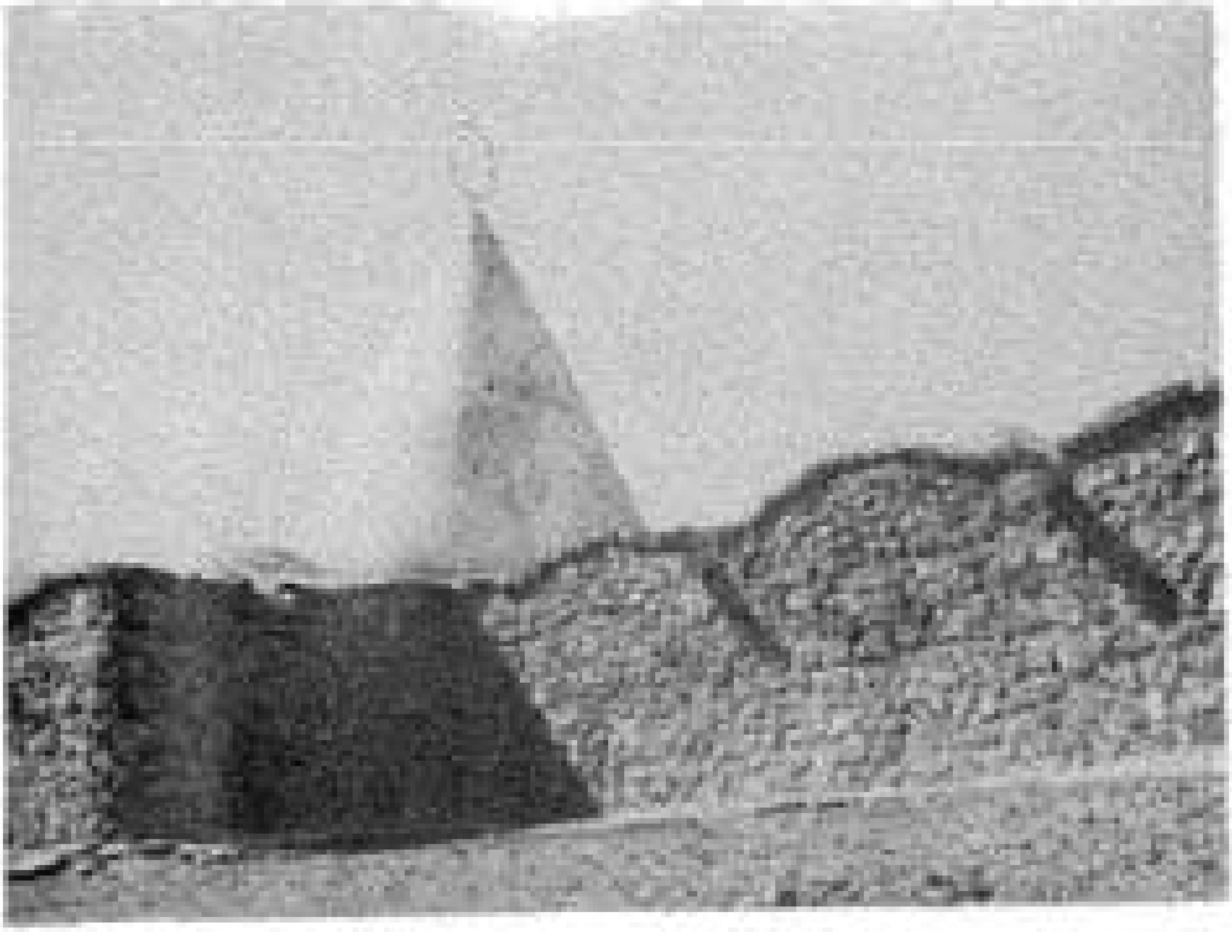

(عکس شمارهٔ ۲۱۰) امامزاده هاشم سر کتل امامزاده هاشم

(عکس شمارهٔ ۲۱۱) نمای سنگی تازهٔ امامزاده هاشم که بر روی پایه‌های شاه‌عباسی گذارده شده است

(عکس شمارهٔ ۲۱۲) گبروج در شیب شمالی بزه موتا بر سر راه هراز

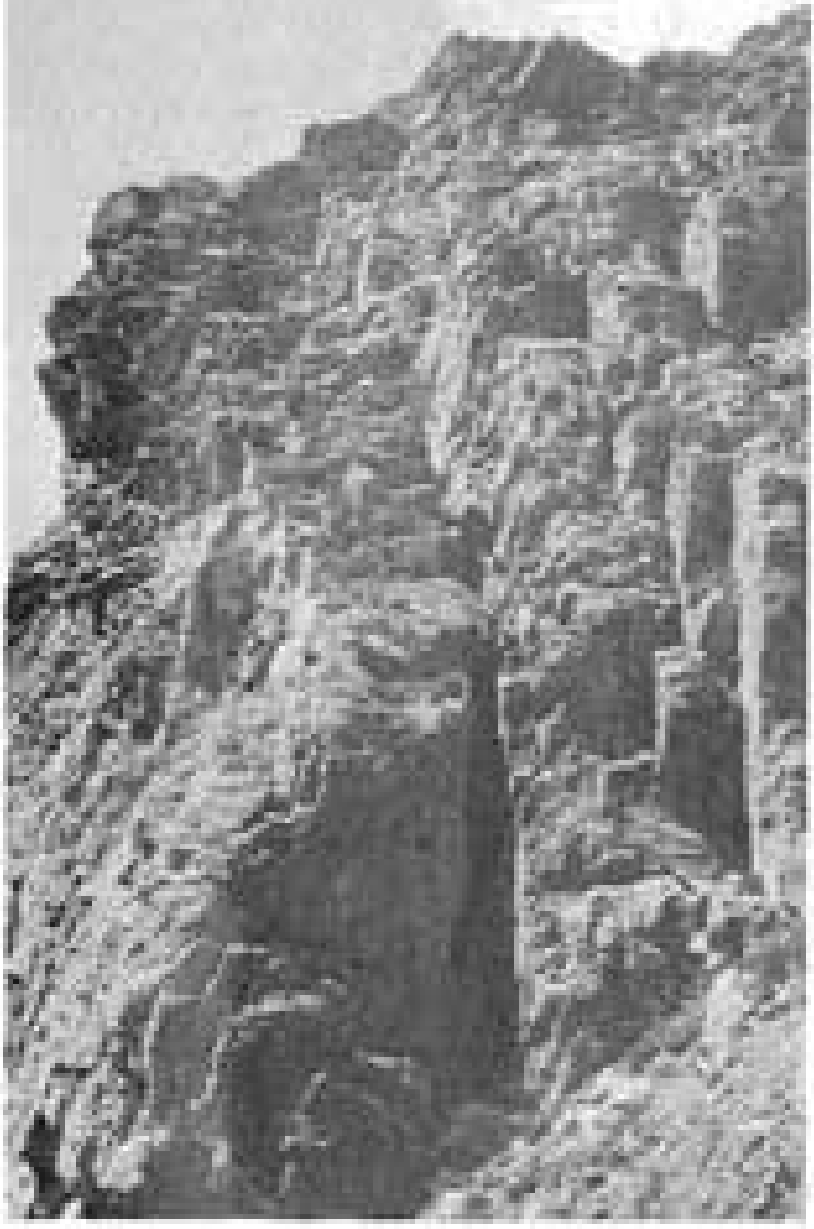

(عکس شمارهٔ ۲۱۳) بارویی که بر سر آن قلعهٔ دختر بالا الاربجان ساخته شده است

(عکس شمارهٔ ۲۱۴) قسمتی از دیوار شرقی قلعهٔ دختر بالا الاربجان .

(عكس شمارة ٢١٥)
آب انبار قلعة دختر بالا لاريجان

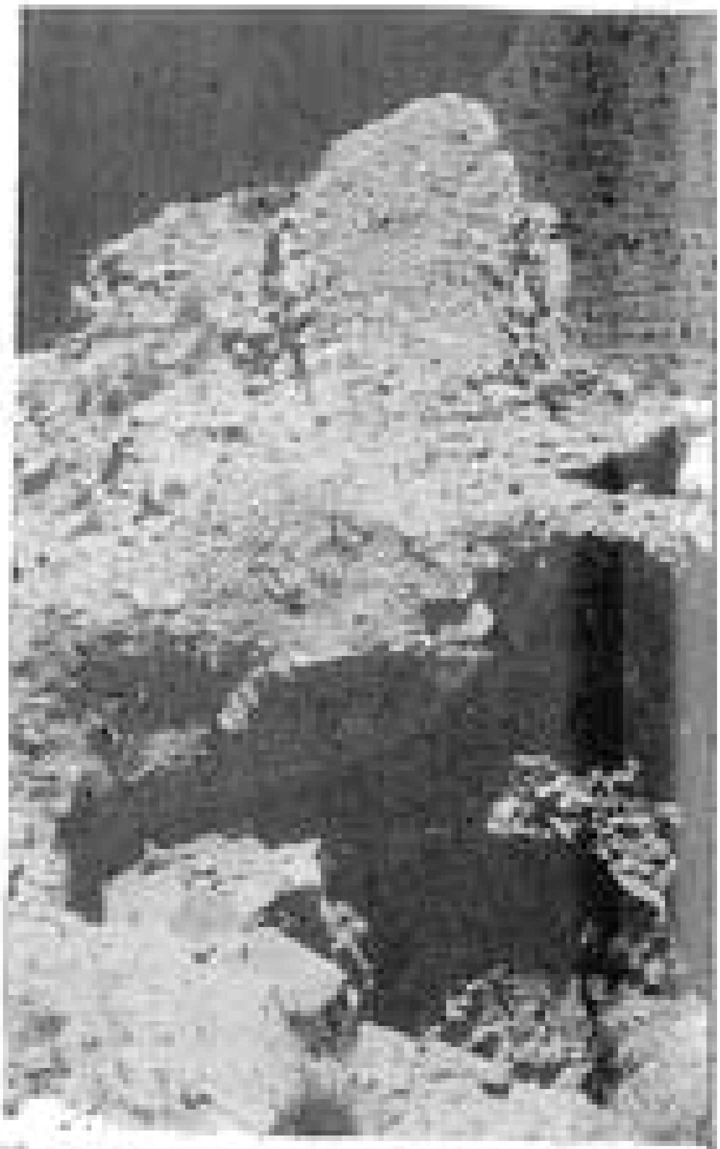

(عكس شمارة ٢١٦) بدنة ديوار آب انبار قلعة دختر
بالا لاريجان

(عکس شمارهٔ ۲۱۷) رباط شاه عباسی در محکمهٔ پلور سر راه قدیم

(عکس شمارهٔ ۲۱۸) نمای داخل رباط شاه عباسی در پلود

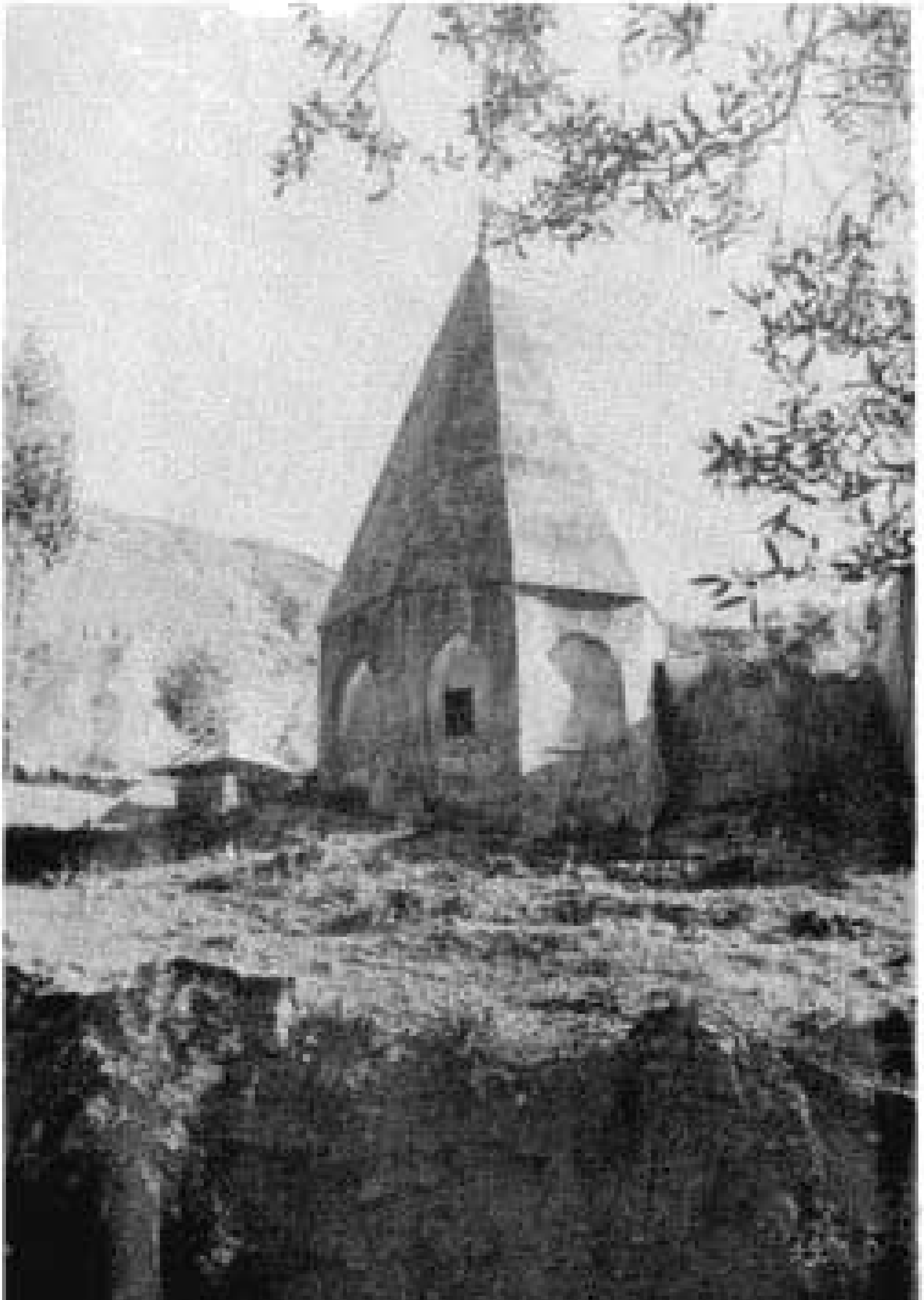

(عکس شمارهٔ ۲۱۹) امامزاده هادی در دهکدهٔ زیار بالا لاریجان

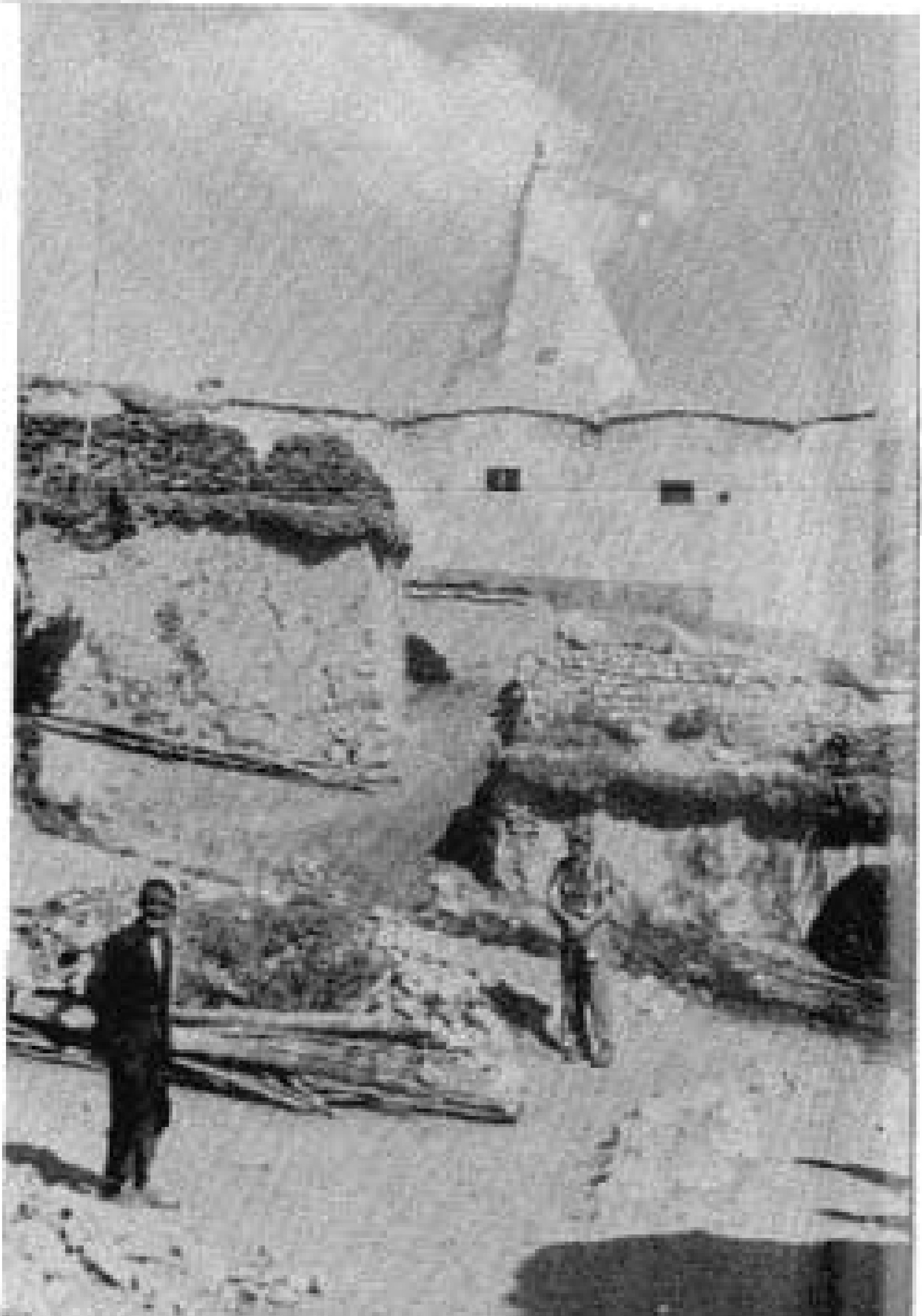

(عکس شماره ۲۲۰) اطراف حیاط در محله زیار بالا لاریجان

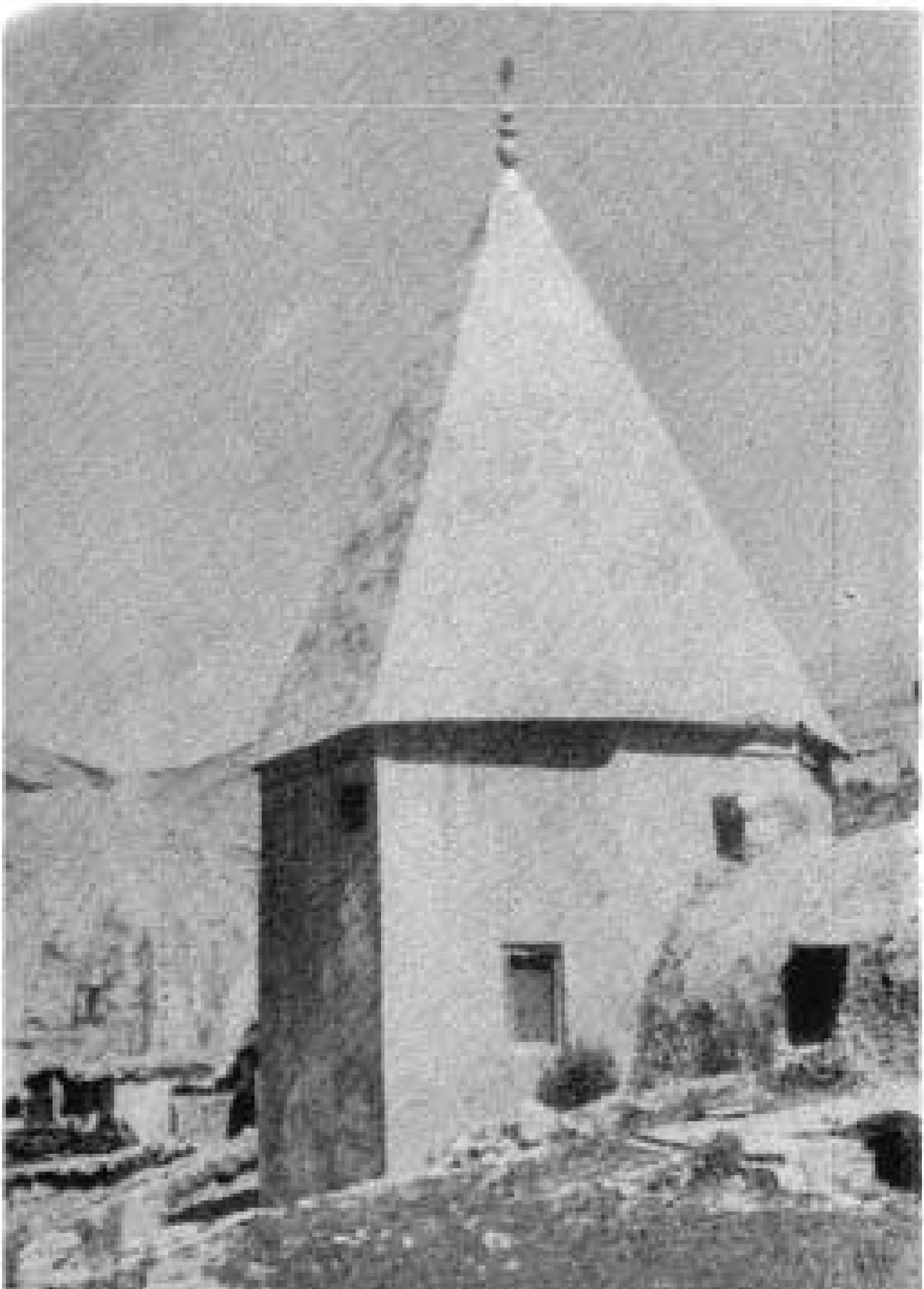

(عکس شمارهٔ ۲۶۱) امامزاده احمد رضا در دهکدهٔ زوار بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۴۲) لنگه‌ای از در ورودی امامزاده احمد رضا

(عکس شمارهٔ ۲۴۳)
کتیبهٔ چوبین بر دیوار امامزاده احمد رضا در لاسم بالا لاریجان

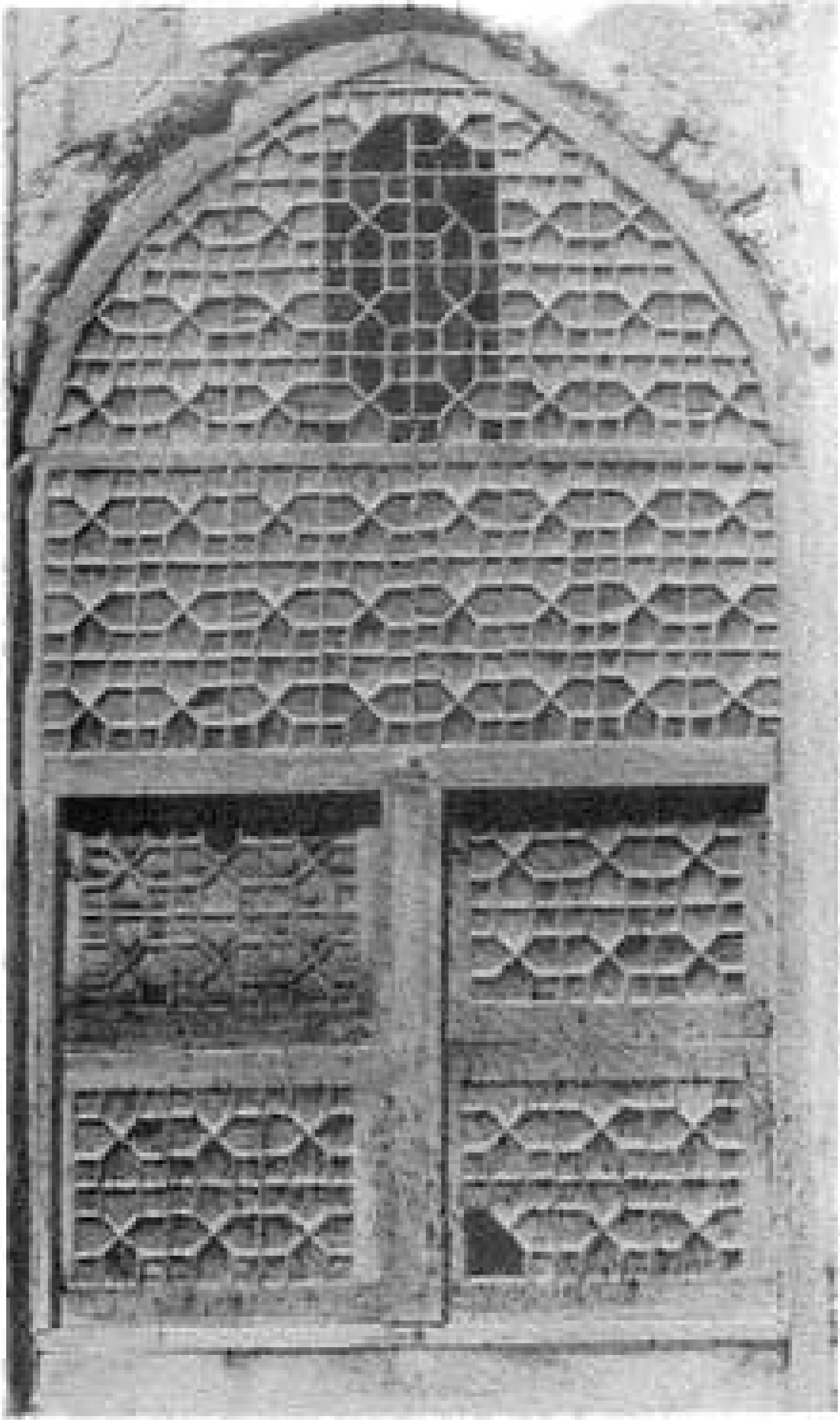

(عکس شمارهٔ ۲۶۴) یکی از پنجره‌های ارسی تکیهٔ قدیمی دهکدهٔ لاسم بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۹۲۵) خانهای قدیمی در دهکدهٔ لاسم بالا لاریجان)

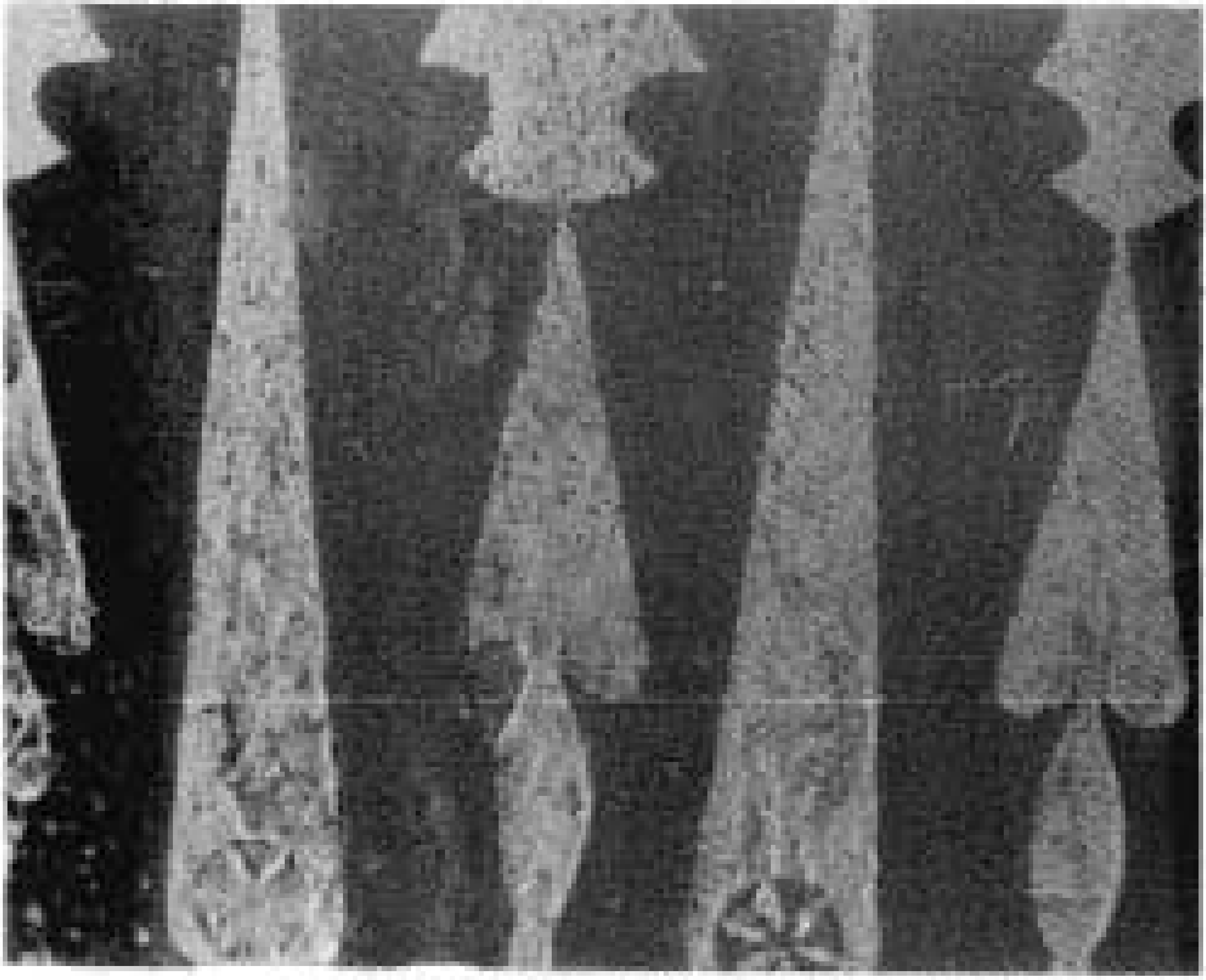

(عکس شمارهٔ ۲۲۶) قسمتی از گچبریهای خانهٔ قدیمی دهکدهٔ لاسم بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۲۷) قسمتی از گچبریهای خانهٔ قدیمی دهکدهٔ لاسم بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۴۸) خانهٔ اعیانی با پنجره‌های ارسی و گچبری‌های جالب در اسک بالالاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۴۹) شجره‌نامهٔ امامزاده علی در ازارهٔ پشتک اسک بالالاریجان

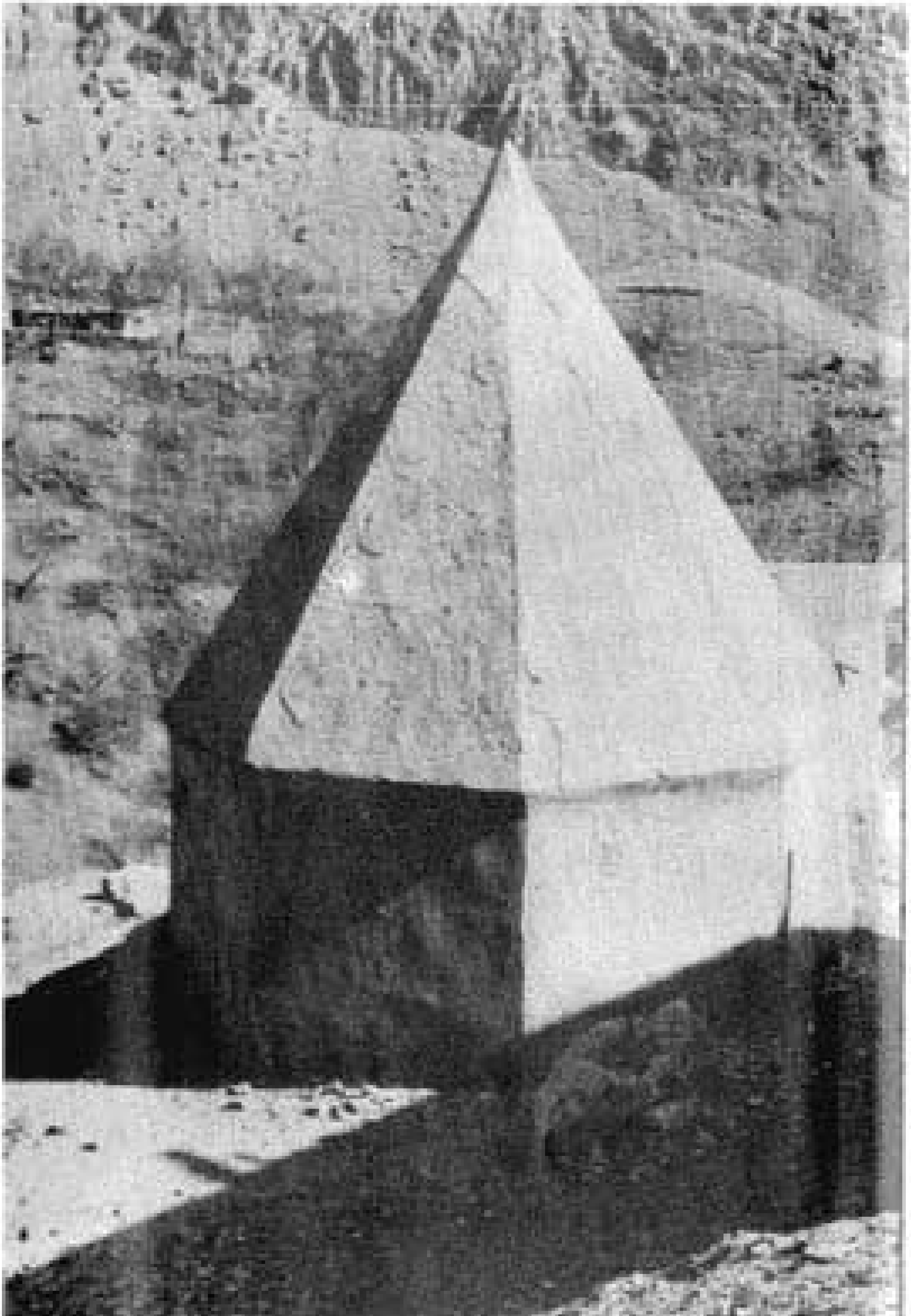

(عكس شمارة ٢٣٠) العلامات على حد أراضي يشتك محكمة ملك ولا الإيجان

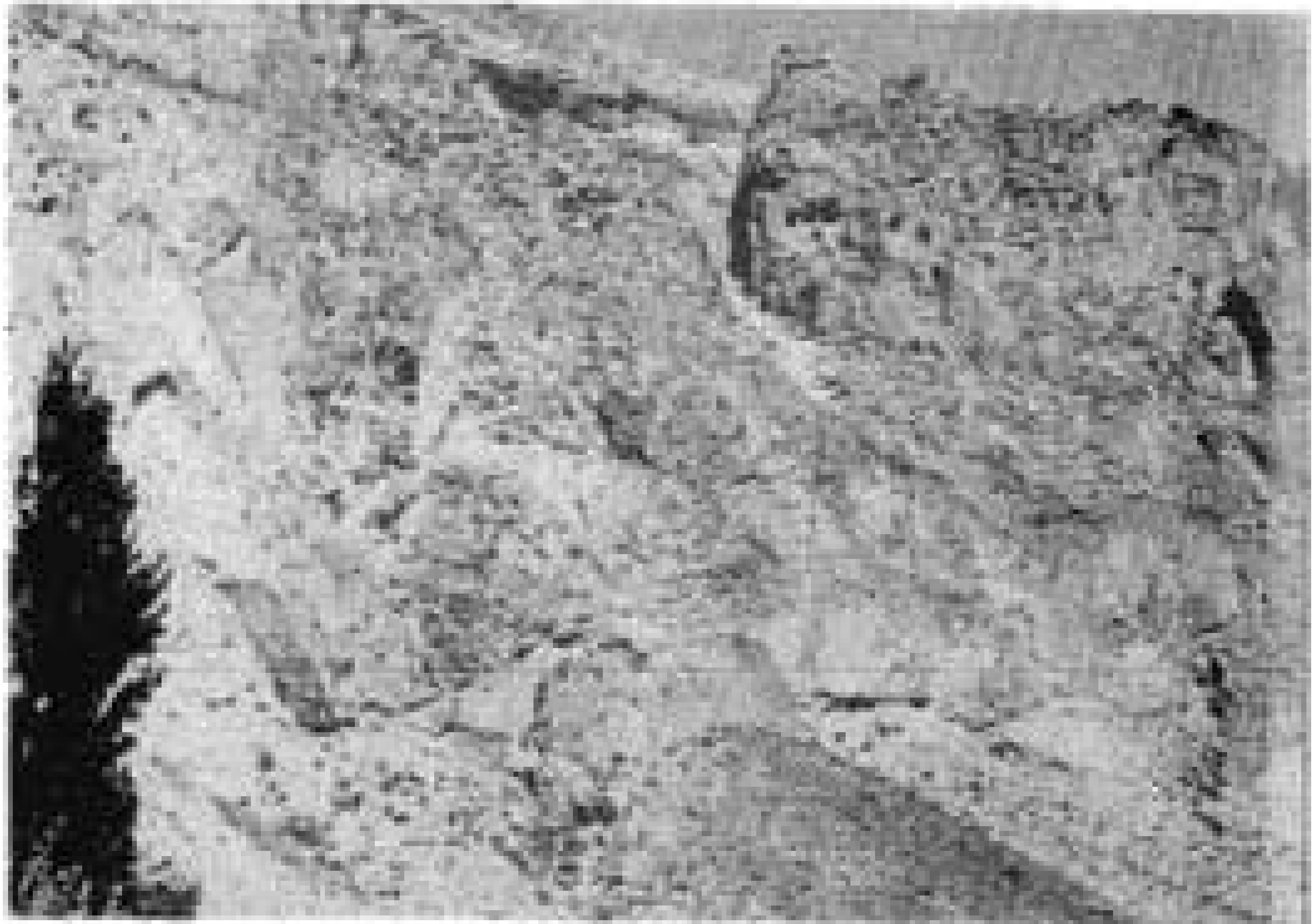

(عکس شمارهٔ ۲۳۶) آثار قلعه حصار در اراضی پشت اسک بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۳۷) کافرکلی تنگه سرشر، میان رود آب اسک ویل نباک

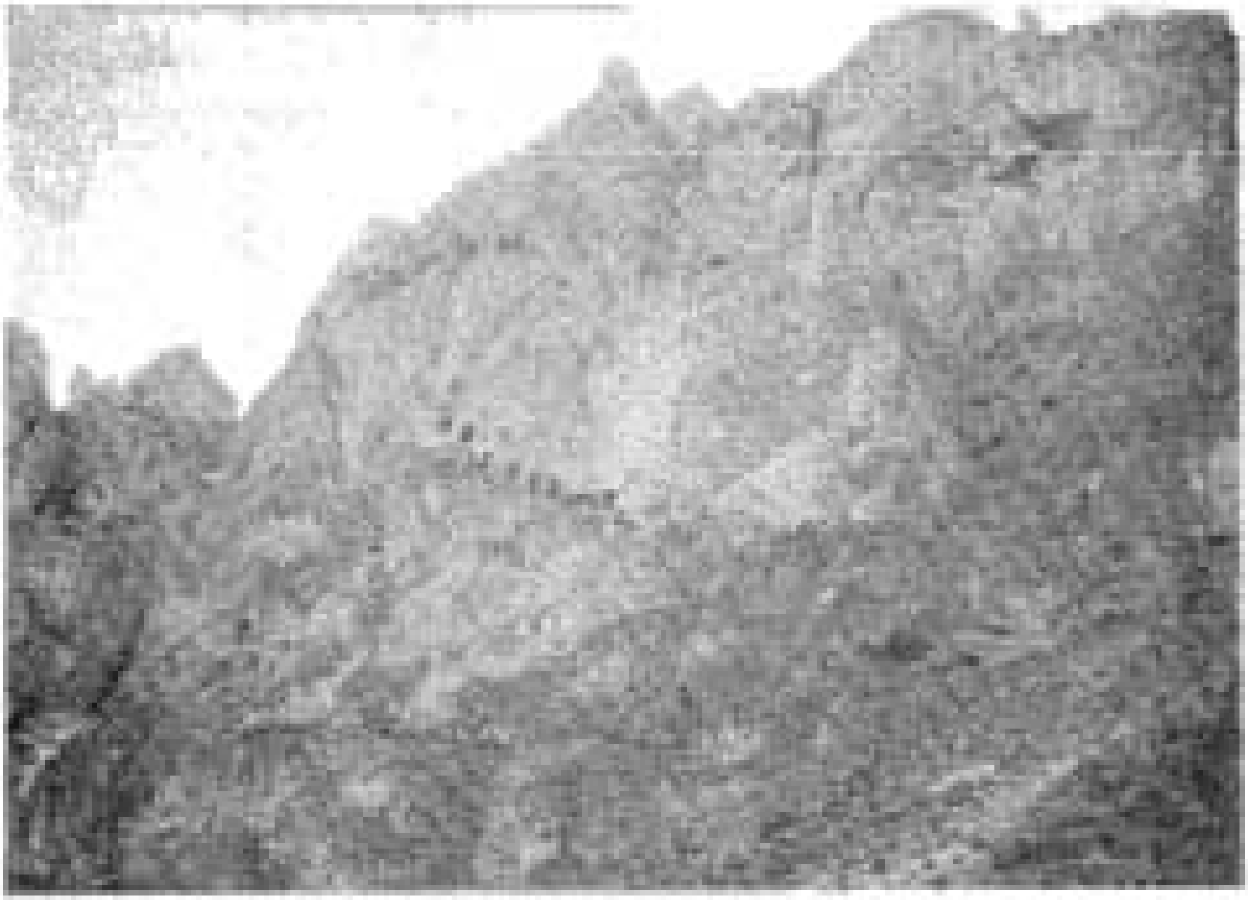

(عکس شمارهٔ ۲۳۱) کافر کلیهای مون

(عکس شمارهٔ ۲۳۲) کافر کلی بالا ازیحان زردست تنگهٔ آهسون ردستچپ آبحراز

(عکس شمارهٔ ۲۳۵) پل موزن برسر راه تیلک در راه قدیم هراز

(عکس شمارهٔ ۲۳۹) بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن ولی در محکمهٔ ییلاک بالا لاریجان

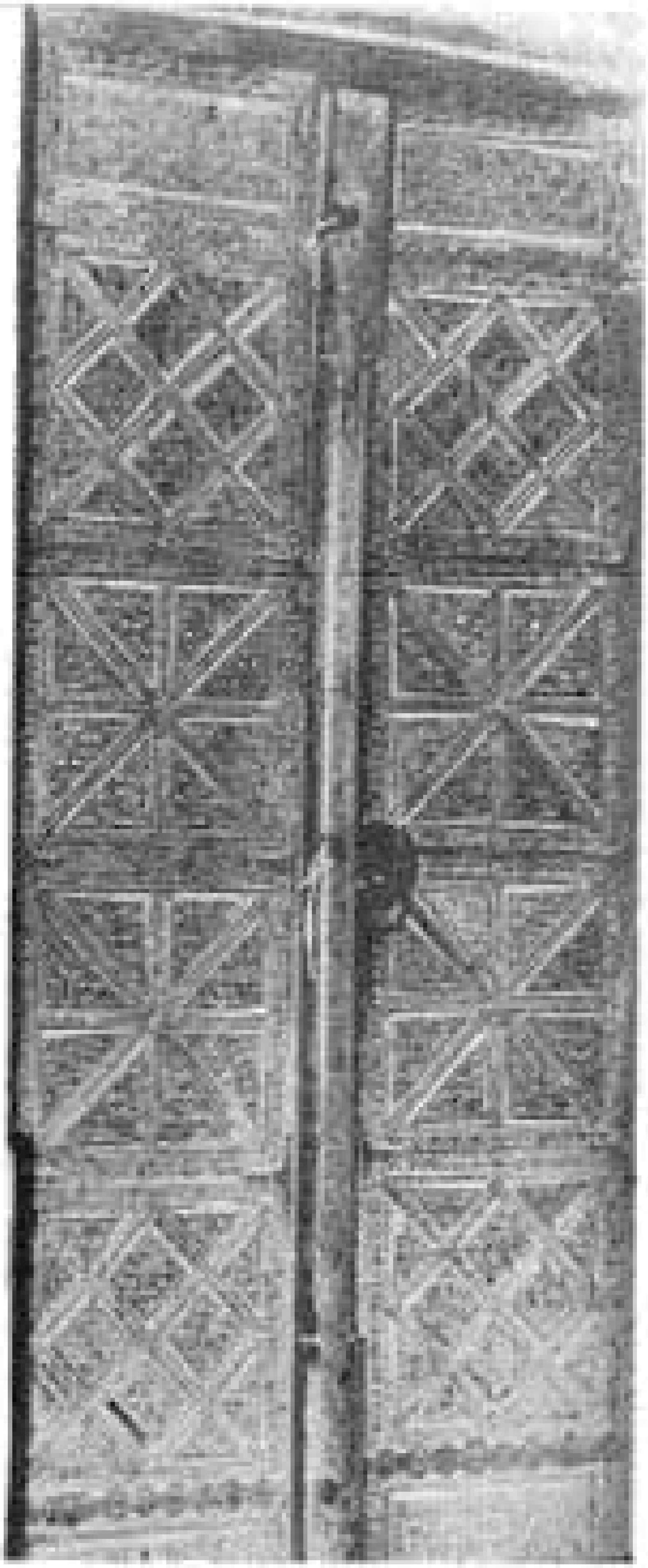

(عکس شمارهٔ ۲۳۷) در ورودی بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن ولی

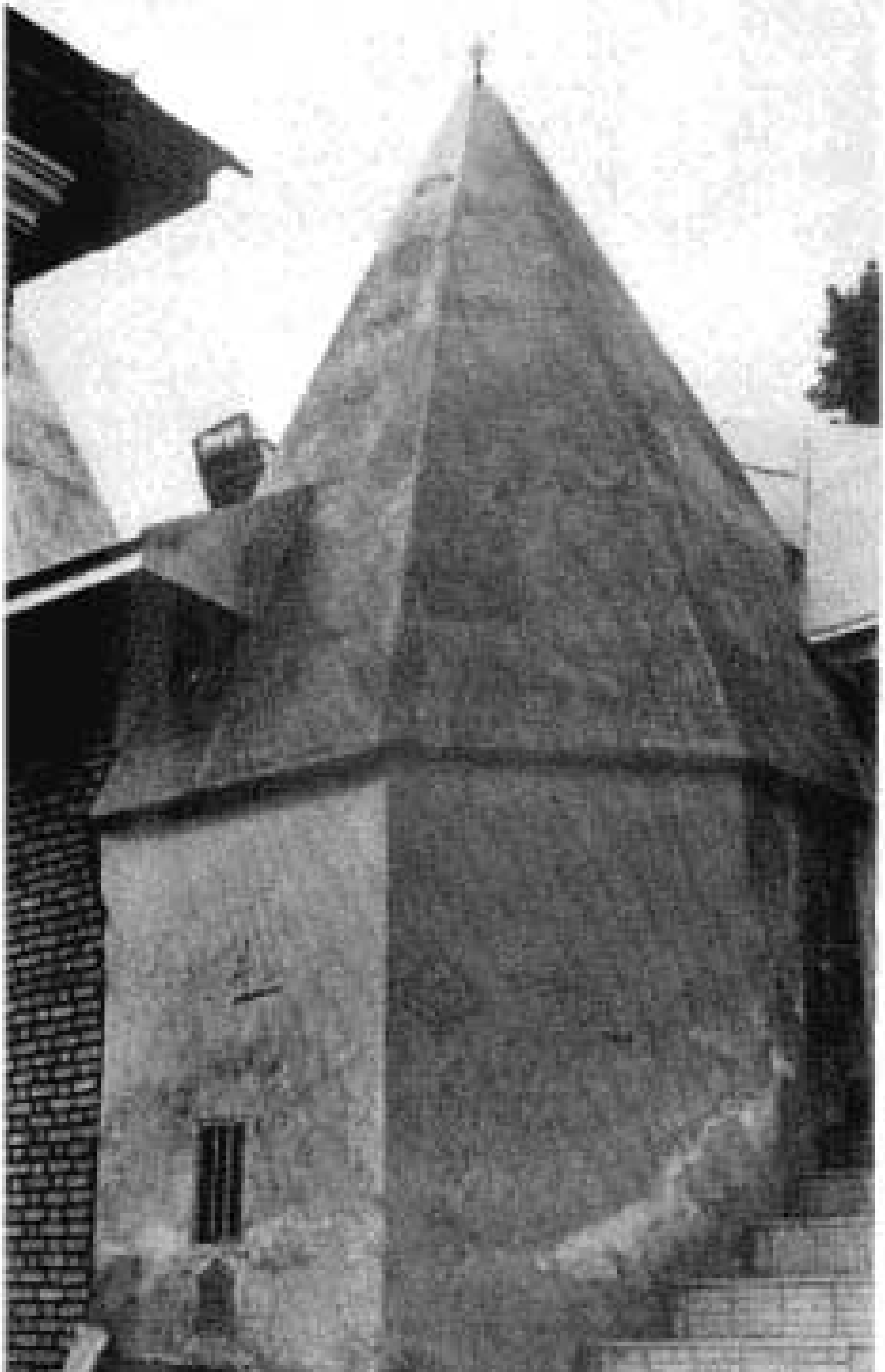

(عکس شمارهٔ ۲۳۸) بقعهٔ سید علی ـ سید عالی متصل به بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن

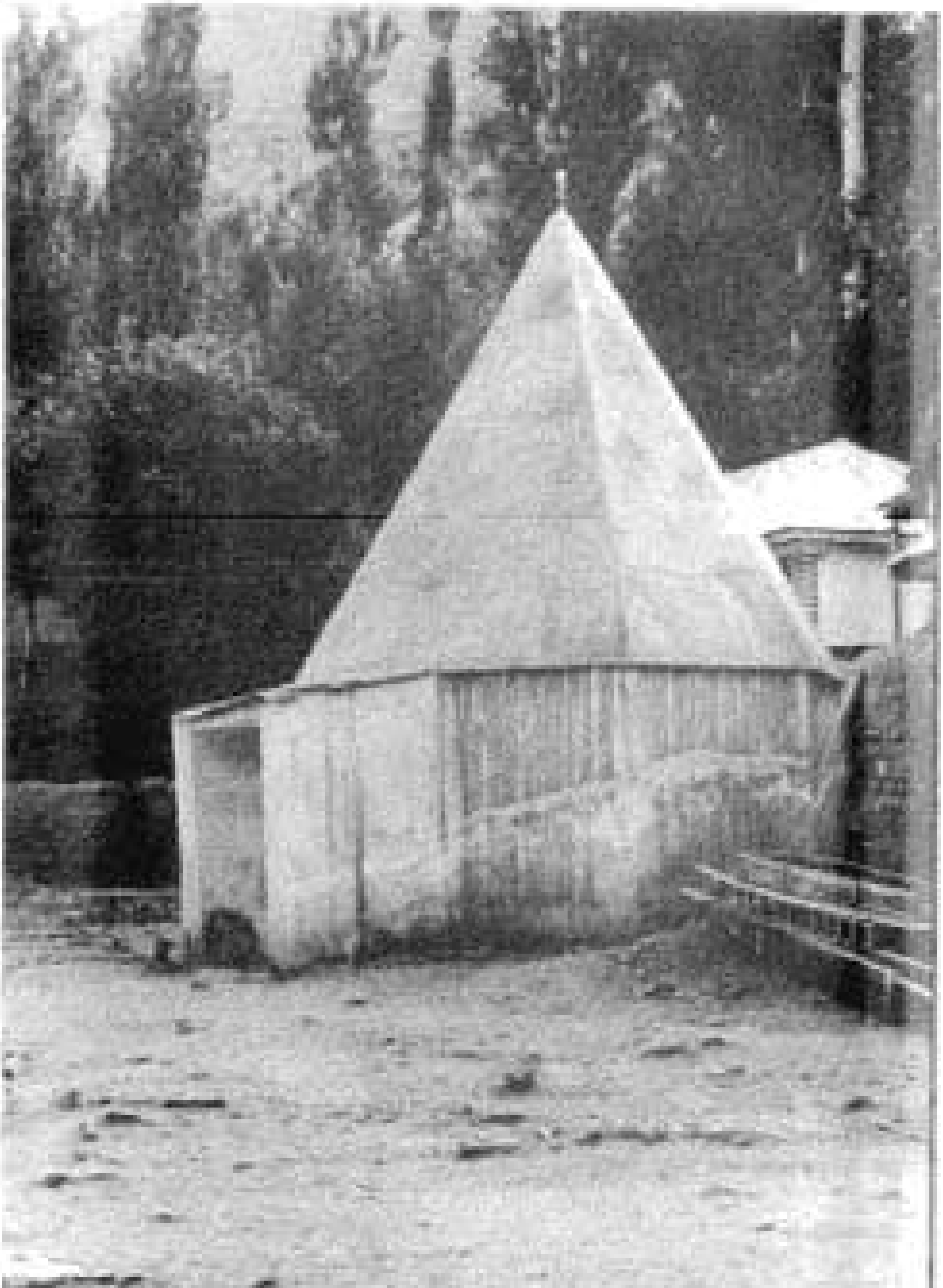

(عکس شمارهٔ ۲۳۹) بقعهٔ درویش سهراب در جوار بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن

(عکس شمارهٔ ۲۴۰) امامزاده عبدالله در معکشهٔ کار انگام بالا لاریجان

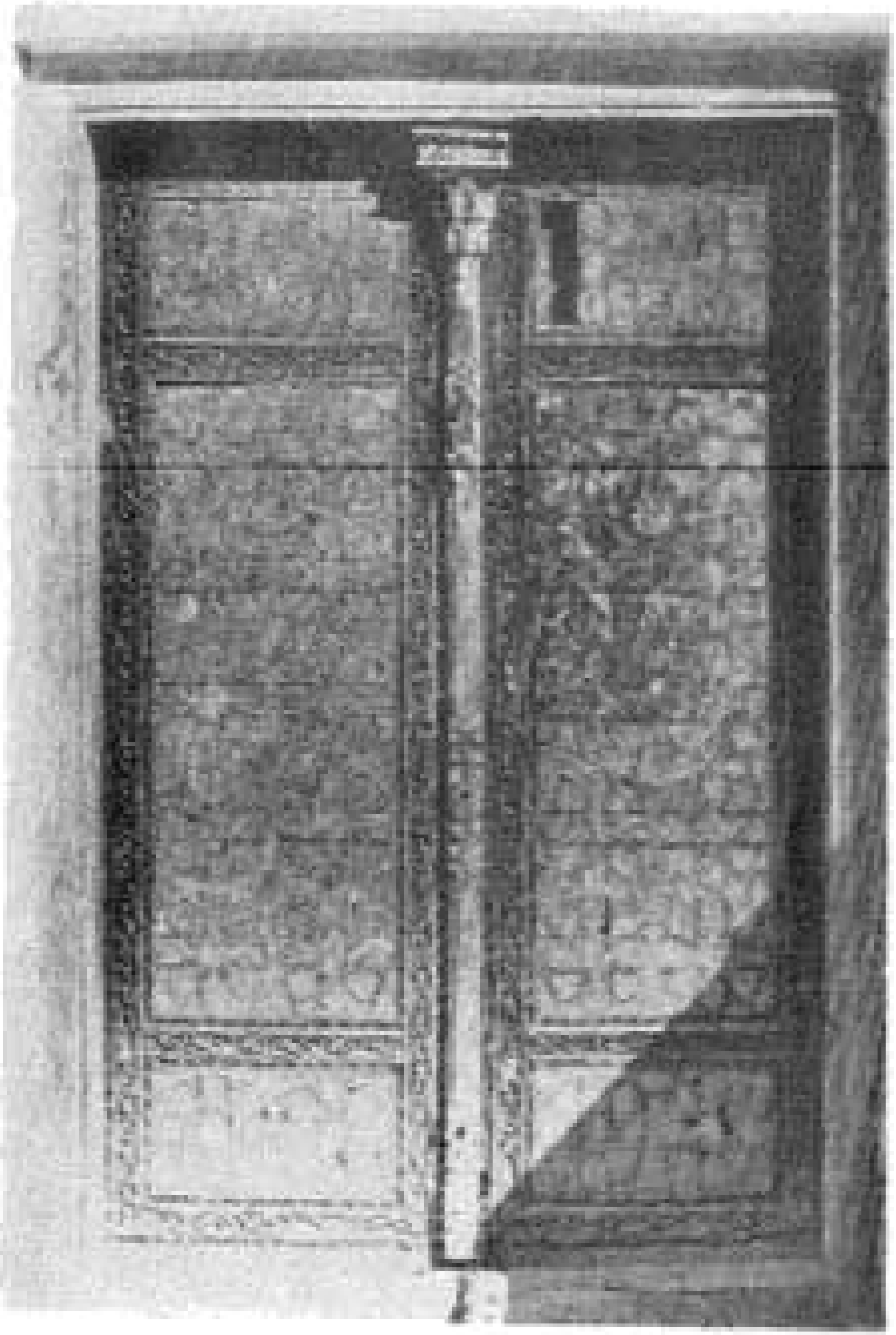

(عکس شمارهٔ ۲٤۱) مسجد متصل به بقعهٔ امامزاده یحیی در محکمهٔ نوا در بالا لاریجان

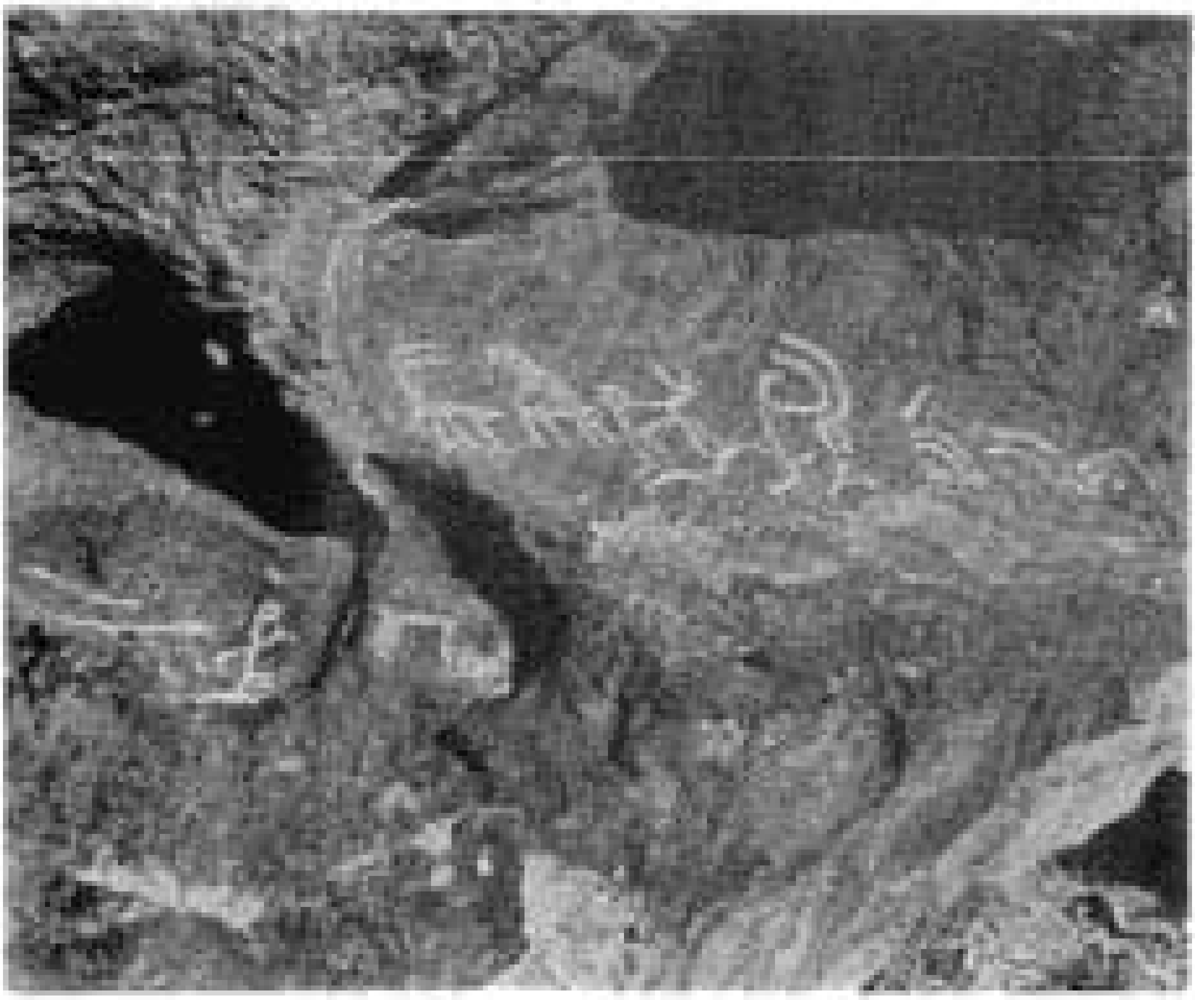

(عکس شمارهٔ ۲۹۲) نمونهٔ خطوط برسنگ در آزوی نوا

(عکس شمارهٔ ۲۹۳) نمونهٔ خطوط برسنگ در آزوی نوا

(عکس شمارهٔ ۲۴۴) نمونهٔ خطوط بر سنگ در آزوی نوا

(عکس شمارهٔ ۲۴۵) نمونهٔ خطوط بر سنگ در آزوی نوا

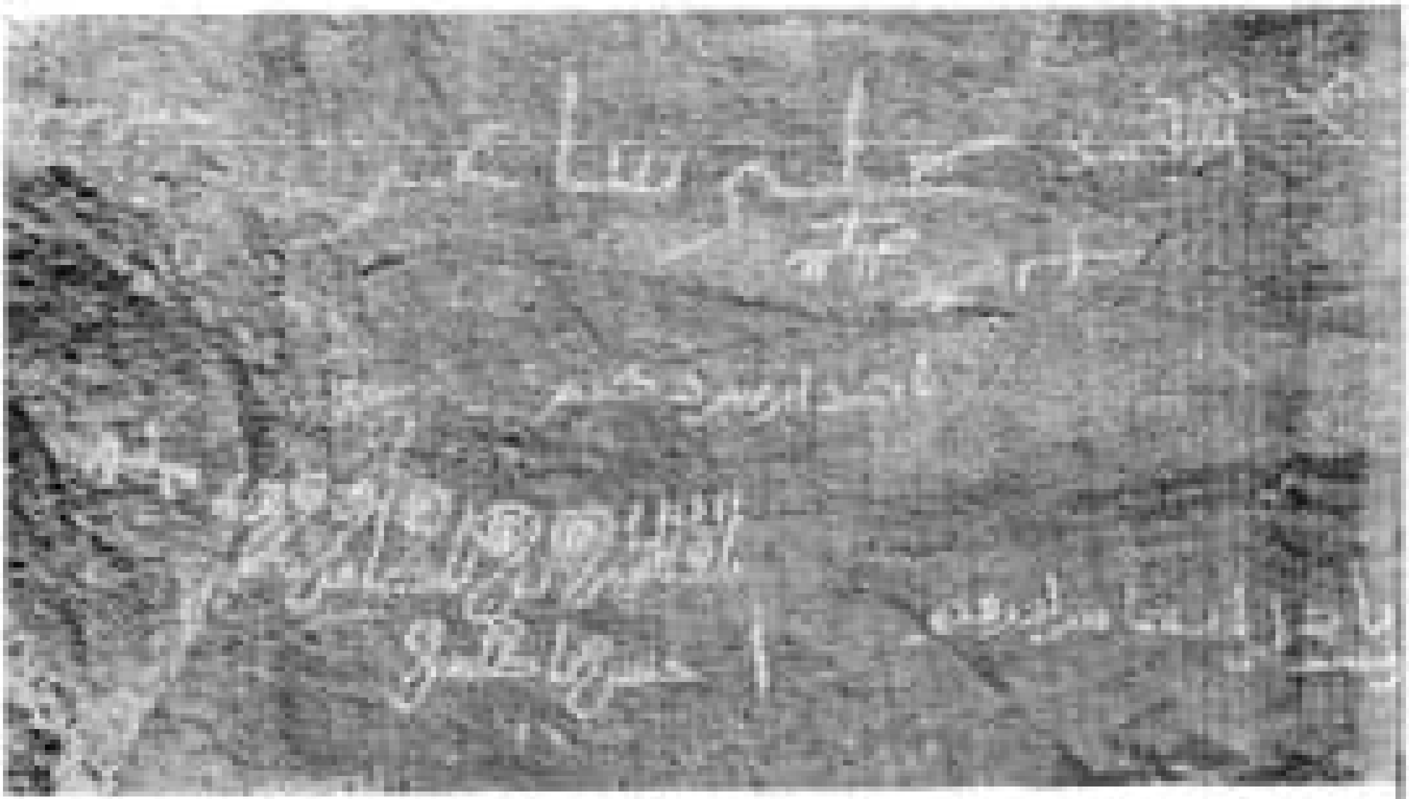

(عکس شمارهٔ ۲۴۶) نمونهٔ خطوط بر سنگ در آزوی نوا

(عکس شمارهٔ ۲۴۷) نمونهٔ خطوط بر سنگ در آزوی نوا

(عکس شمارهٔ ۲۴۸) نمونهٔ خطوطی پرستگاه در آزوی نوا

(عکس شمارهٔ ۲۵۰)
نمونهٔ خطوطی پرستگاه در آزوهٔ

(عکس شمارهٔ ۹۲۹) نمونهٔ خطوطی بر سنگ در آروی نوا

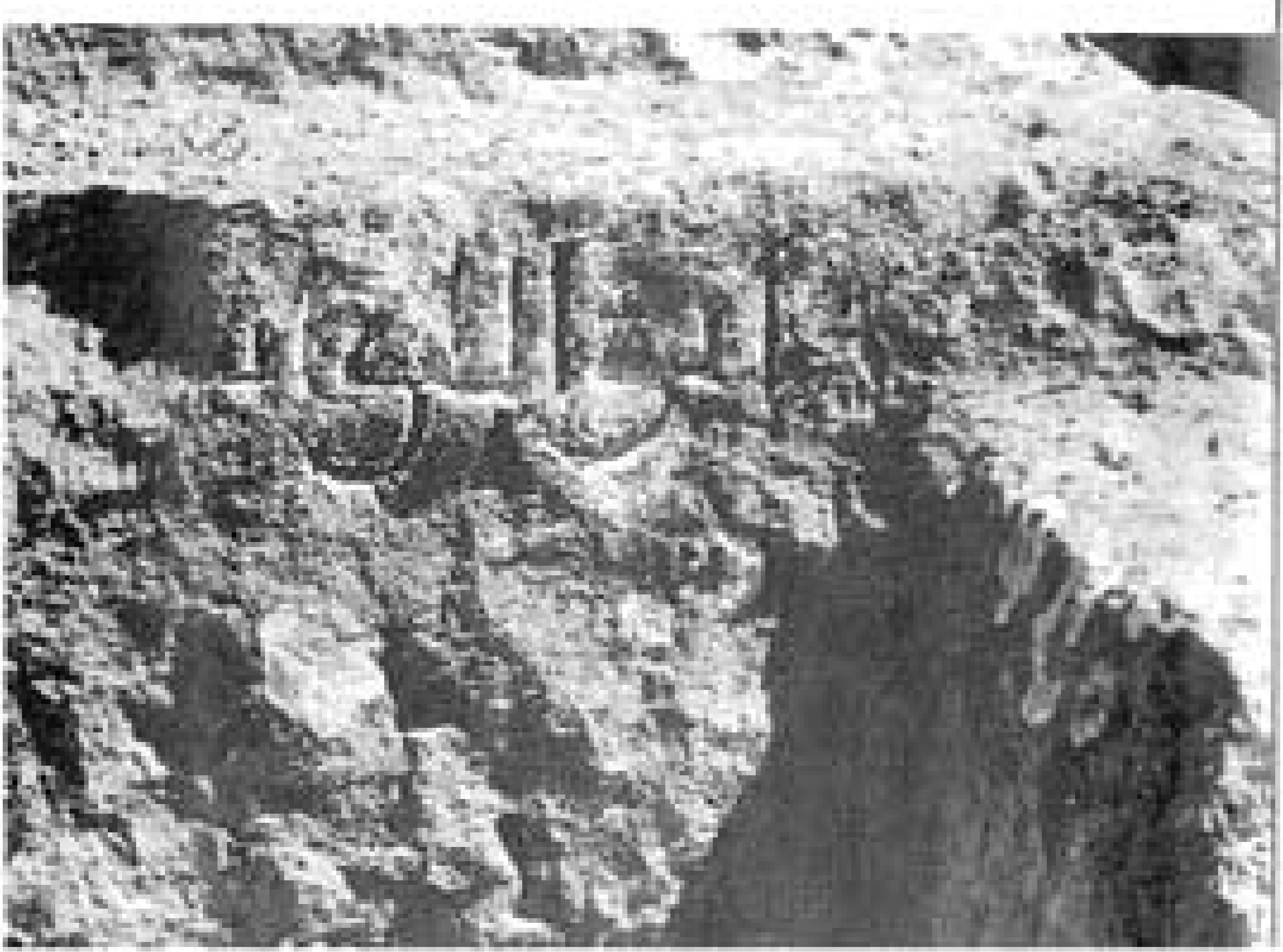

(عکس شمارهٔ ۲۵۱) نمونهٔ خطوط بر سنگ در آزوی نوا

(عکس شمارهٔ ۲۵۲) نمونهٔ خطوط بر سنگ در آزوی نوا

(عکس شمارهٔ ۳۳۳۹) امامزاده زین‌العابدین در پایین محلهٔ گرنا در بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۹۵۴) برج باستانی در اراضی امیرآباد آبگرم بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۵۵) مدخل برج پاسبانی یا دایرهٔ ملک بهمن در آب گرم بالا لاریجان

(شكل شمارهٔ ۲۵۹) امامزاده سلطان سيد محمد قرشى در گرگك بالا لاريجان

(عکس شمارهٔ ۲۵۷) بنای مسجد وامامزادهٔ سلطان سیدمحمد قرشی در گرگک بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۹۵۵) امامزاده عابدین رضا در محوطهٔ جنگلک امیری لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۵۹) برجی قدیمی در زیردست ملک‌کلا

(عکس شمارهٔ ۲۶۰) بنای قلعهٔ شوراب دشت ـ ملاک قلا در محکمهٔ شورانفت امیری لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۶۱) تنگه و آبشاری که متصل به قلعهٔ شوراشت است

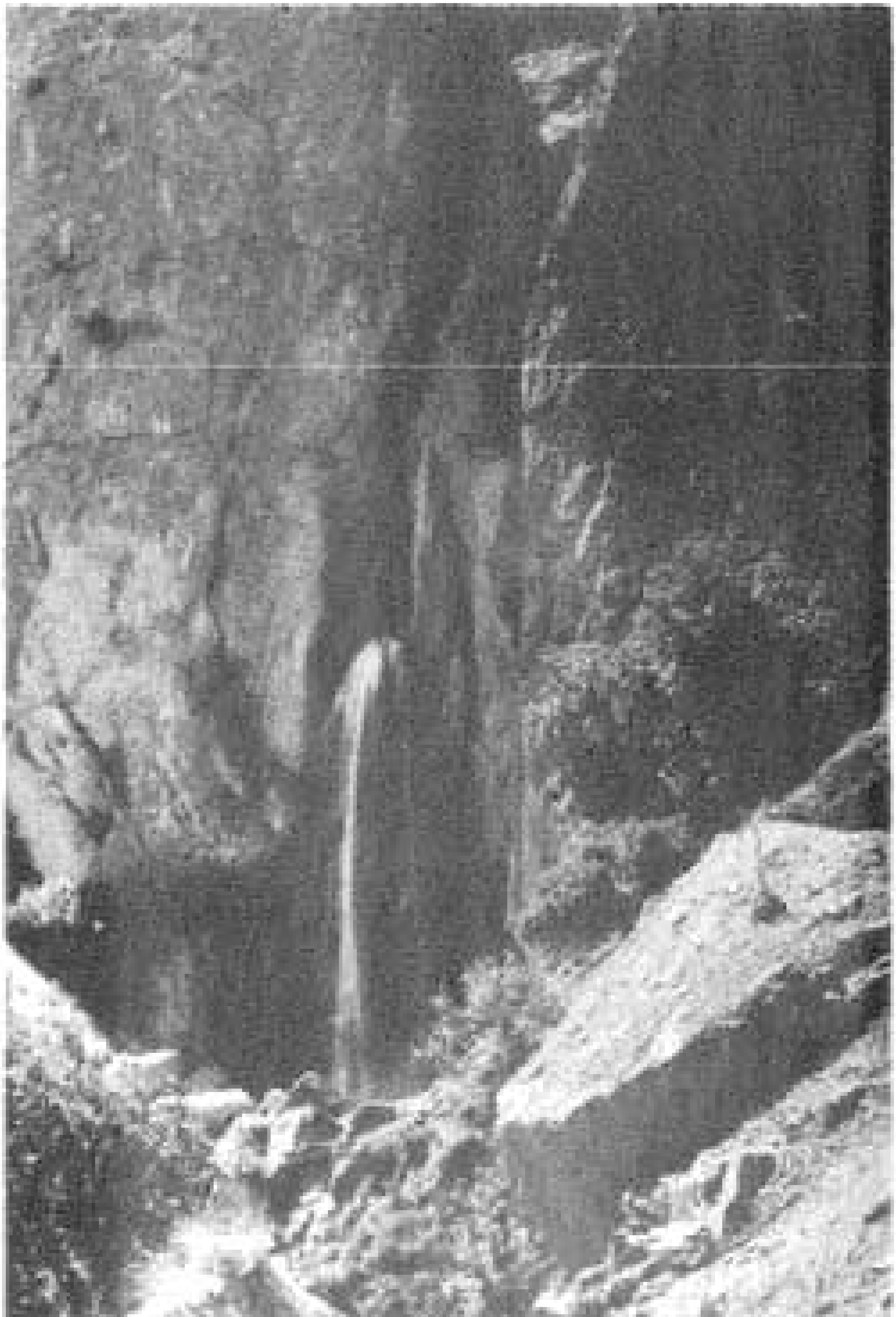

(عکس شمارهٔ ۲۶۹) قسمتی از دیوار سنگی قطوری که در اراضی دامنهٔ شمالی هزارگر خشکه‌چین شده است

(عکس شمارهٔ ۲۹۳) نمای ملک قلا که مرگن کشیده است

(عکس شمارهٔ ۲۹٤) نقشهٔ بناهای ملک قلا از مرگن

(عکس شمارهٔ ۳۶۵) برج گنبدی در اراضی گنبدی حوالات امیری لاریجان

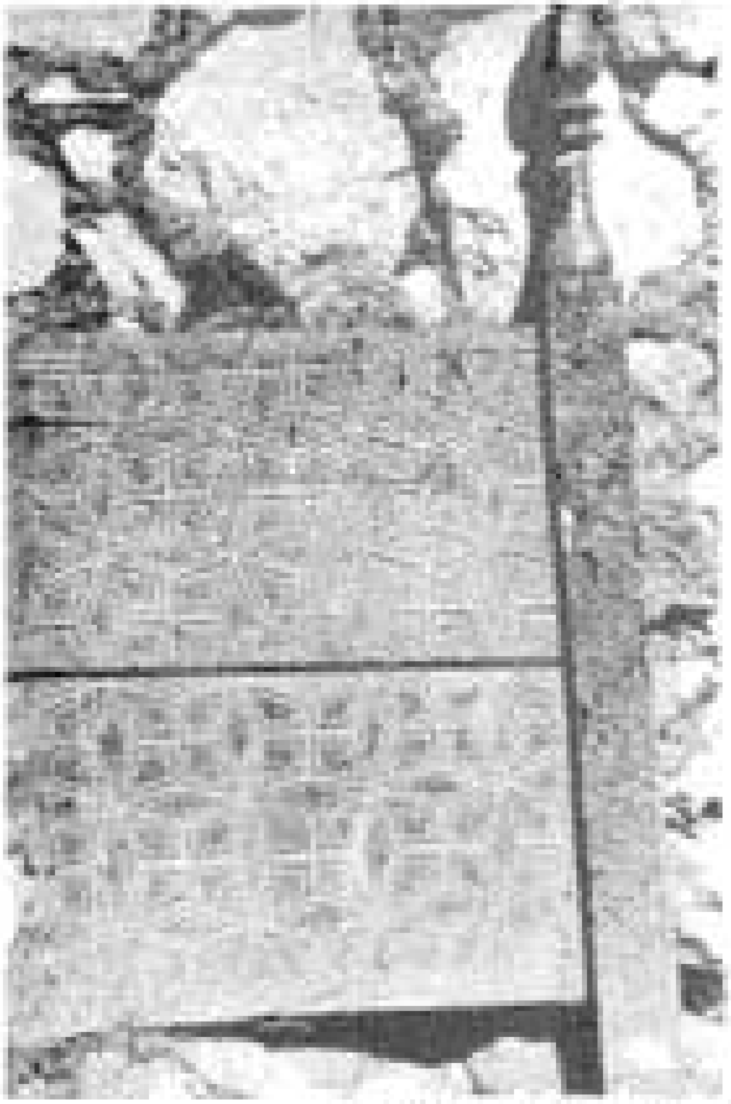

عکس شمارهٔ ۳۶۷) قسمتی از بقعهٔ صندوق درویش الیاس در آمی‌تنگا خوردشت

(عکس شمارهٔ ۳۶۸) نمای بنای بقعهٔ درویش الیاس در آمی‌تنگا خوردشت

(عکس شمارهٔ ۳۶۹) نمای بنای بقعهٔ درویش الیاس در آبشکلا خوشاخت

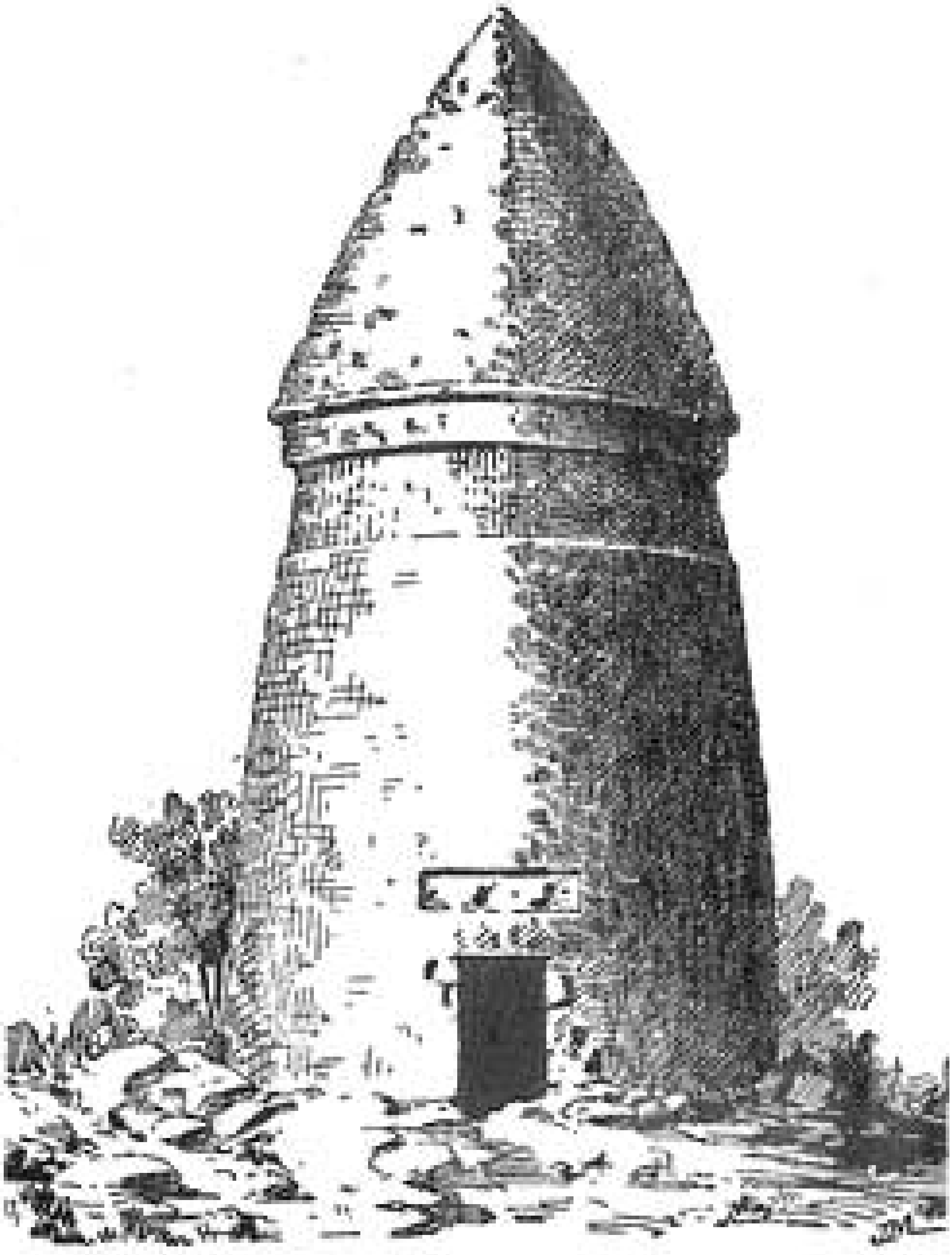

(عکس شمارهٔ ۲۳۰) برج گیری نزدیک محکمهٔ ولهٔ امیری لاریجان (طرح برج از دمرگان در کتاب
هیأت علمی فرانسه در ایران، ص ۱۹۱)

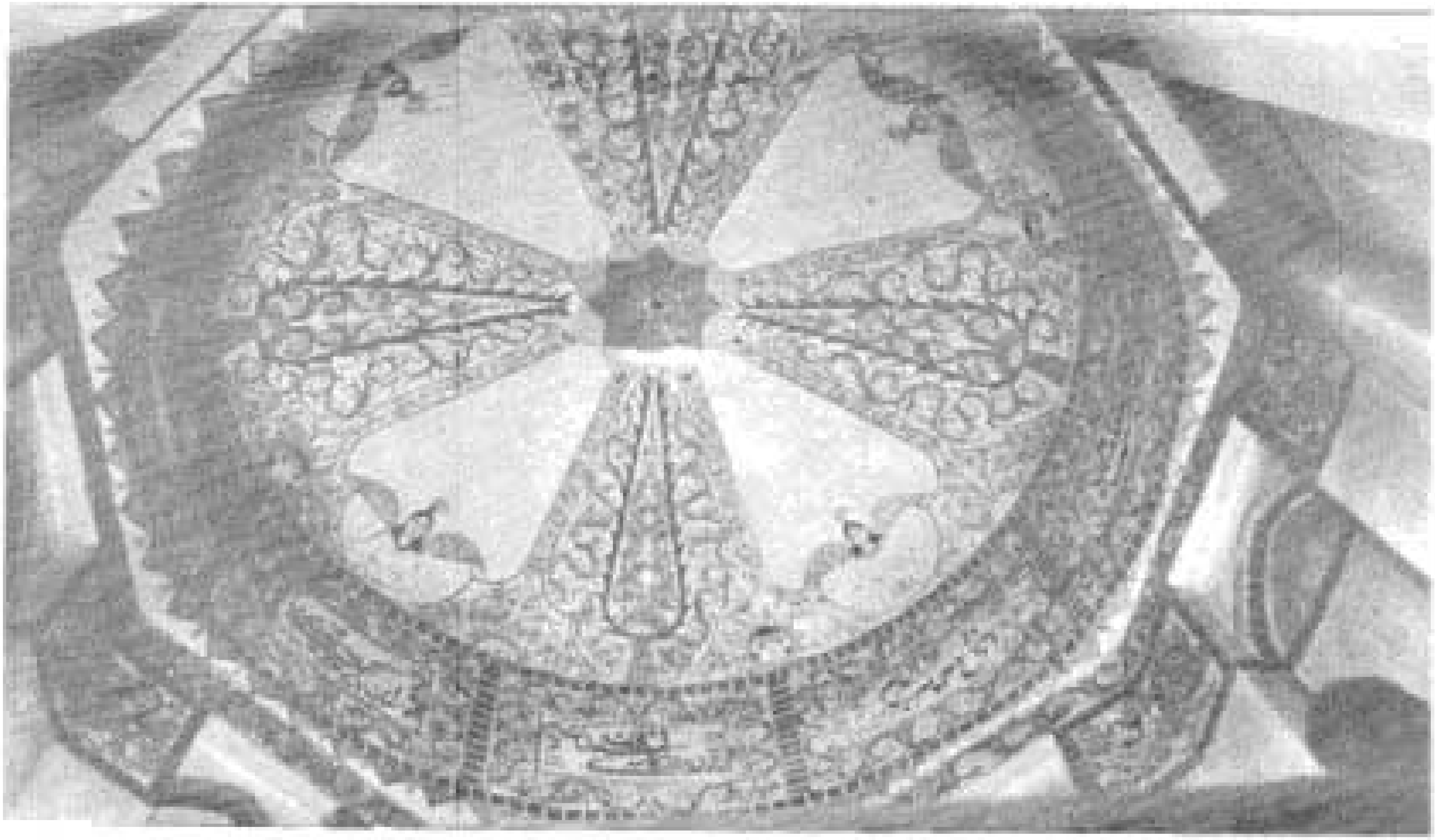

(عکس شمارهٔ ۲۷۱) نقش زیر گنبد امامزاده عبدالله در محکمهٔ والهٔ امیری

(عکس شماره ۱۴۲۴) بنای امامزاده عبدالله با گنبد رسی آجری عکسبرداری از مرکز لاریجان

(عکس شمارهٔ ۳۹۳) گنبد کلاه، سازِ بی‌قوارهٔ اندازهٔ مقاطع

(عکس شمارهٔ ۷۲۴) امامزاده ابراهیم در بهکلهٔ دیدان امیری لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۷۶) پته بریده (طرح از مدرگان ، بخش چهارم ، فصل سوم ، ص

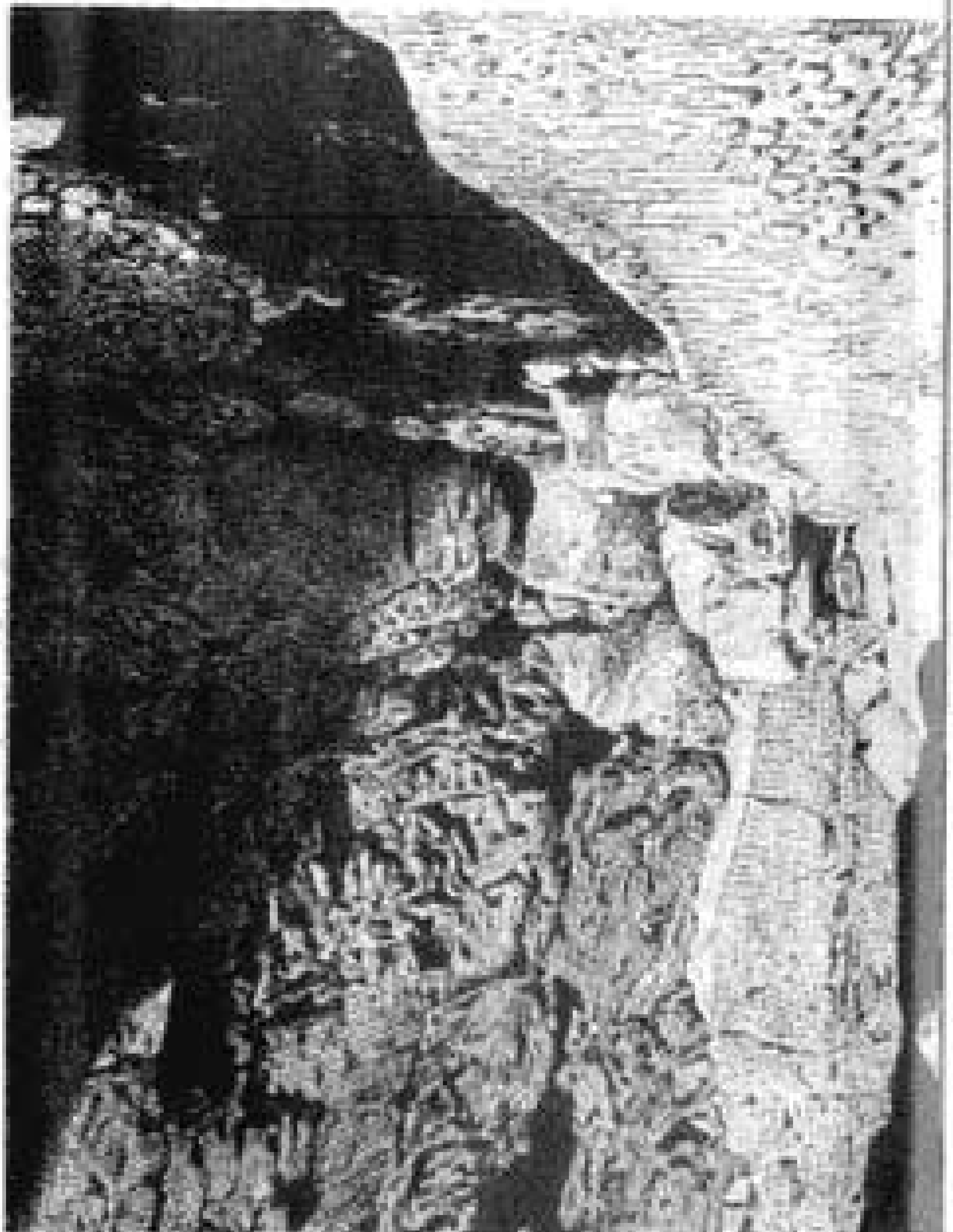

(عکس شمارهٔ ۳۷۹) بقای بند وریمه در حال حاضر

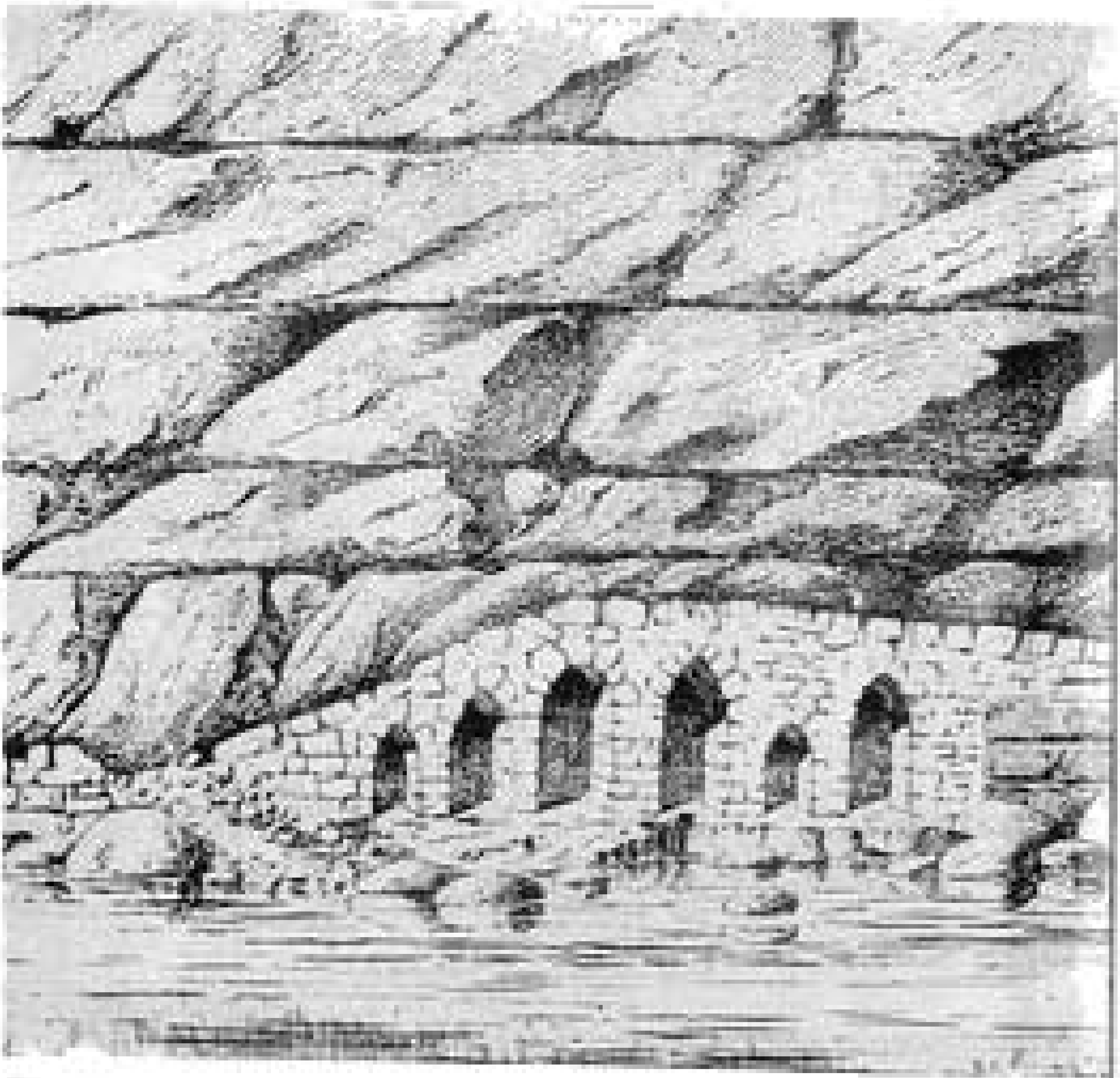

(عکس شمارهٔ ۲۷۷) بند بریده (طرح از دمرگان، بخش چهارم، فصل سوم، ص ۱۴۰)

(عکس شمارهٔ ۲۷۸) شکل شاه در تنگهٔ بند بریده

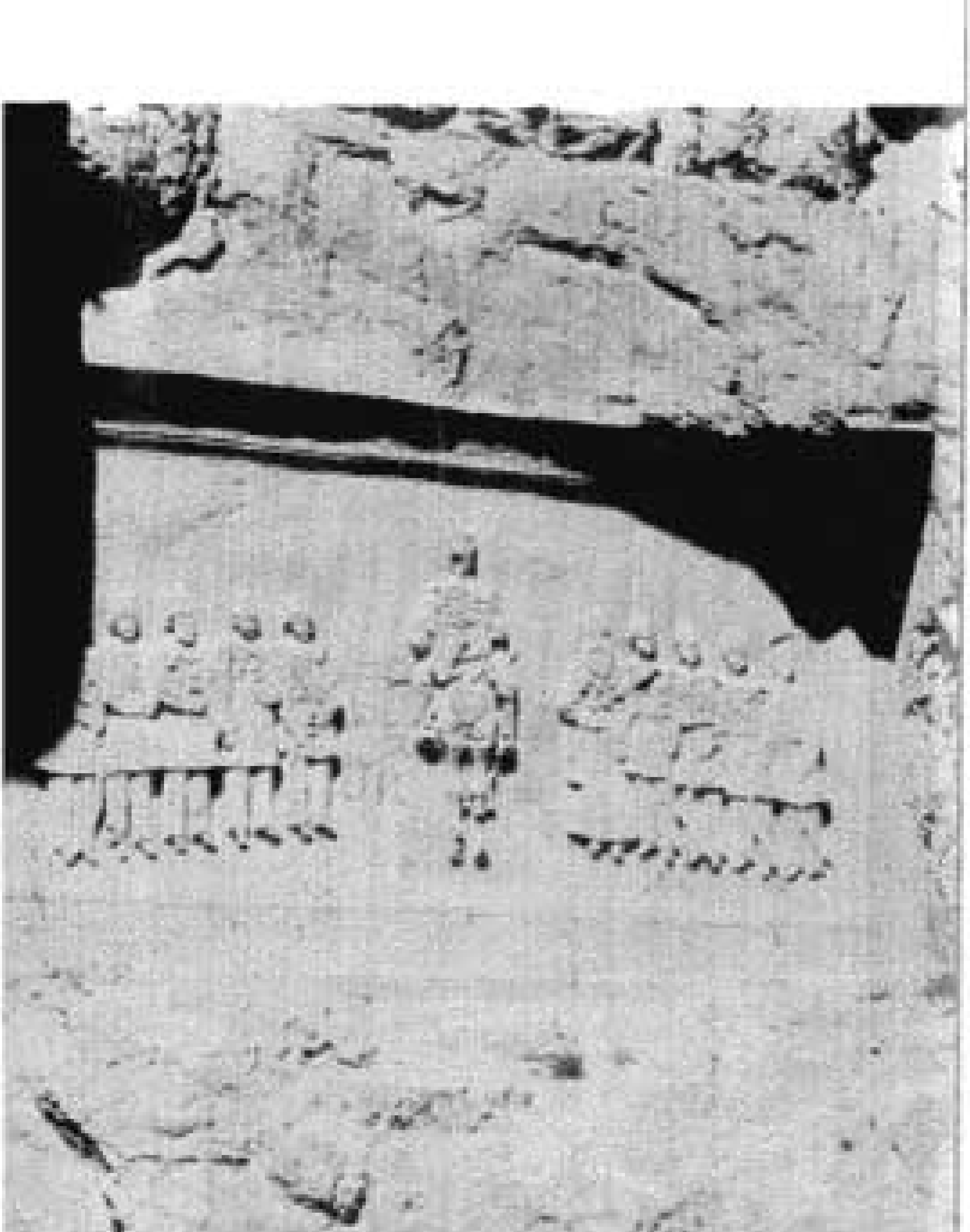

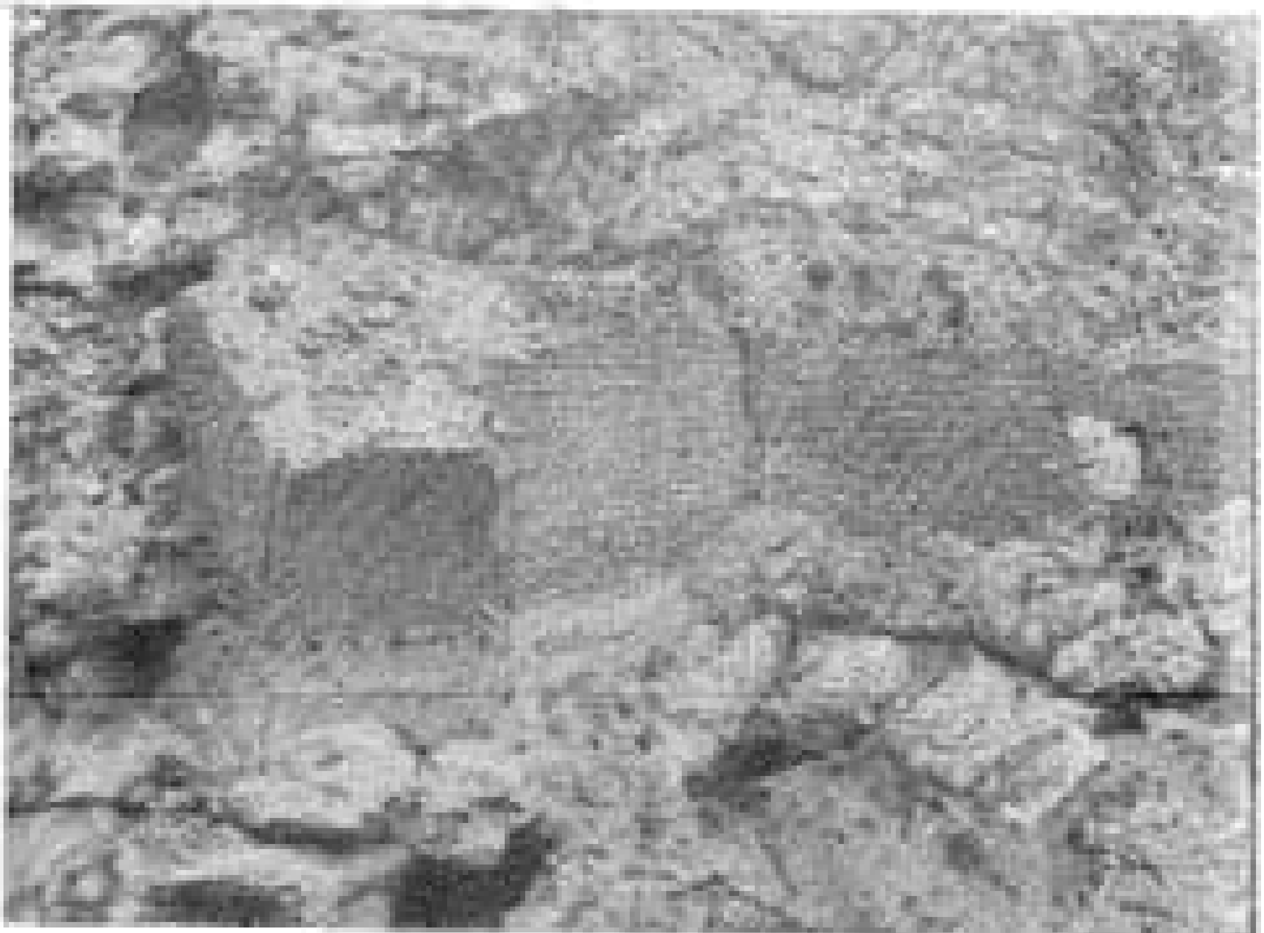

(عکس شمارهٔ ۴۹۹) بقایای پل از سنگ و ساروج نزدیک به انتهای تنگهٔ بند بریده

(عکس شمارهٔ ۵۰۰) بقایای پل قلاتی میان تهوسهالهٔ ایجان و آب گرم انشرایکو

(عکس شمارهٔ ۲۸۲) در ورودی امامزاده هفت تنان در
محکمهٔ هفت‌تنان بهرستاق لاریجان

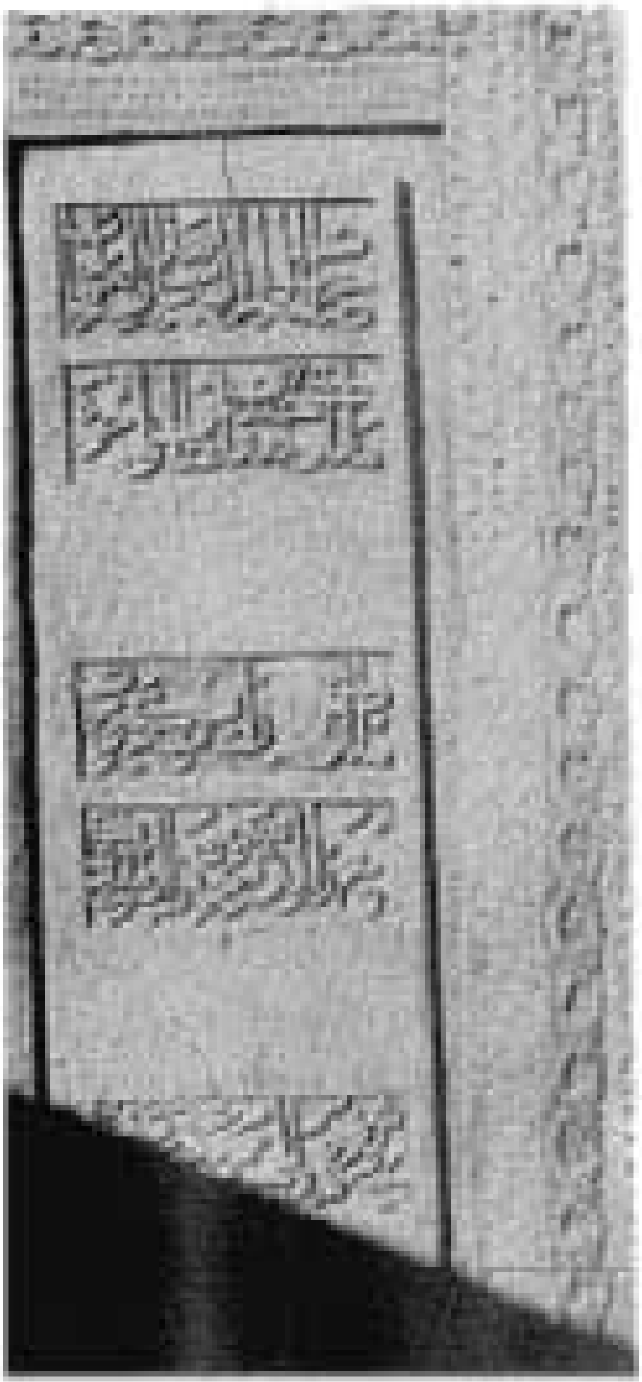

(عکس شمارهٔ ۲۸۳)
لنگهٔ سمت راست در ورودی امامزاده هفت تنان

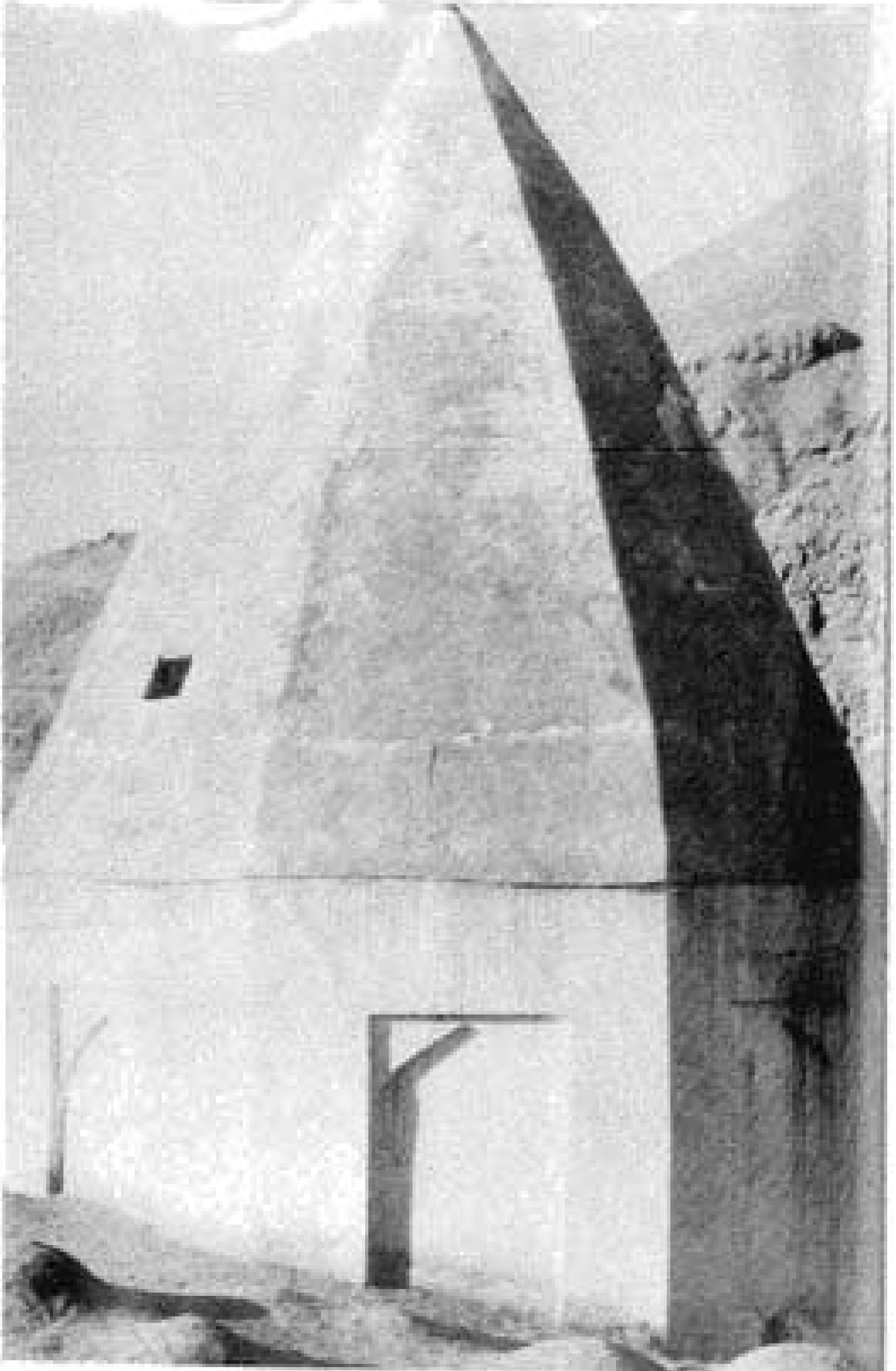

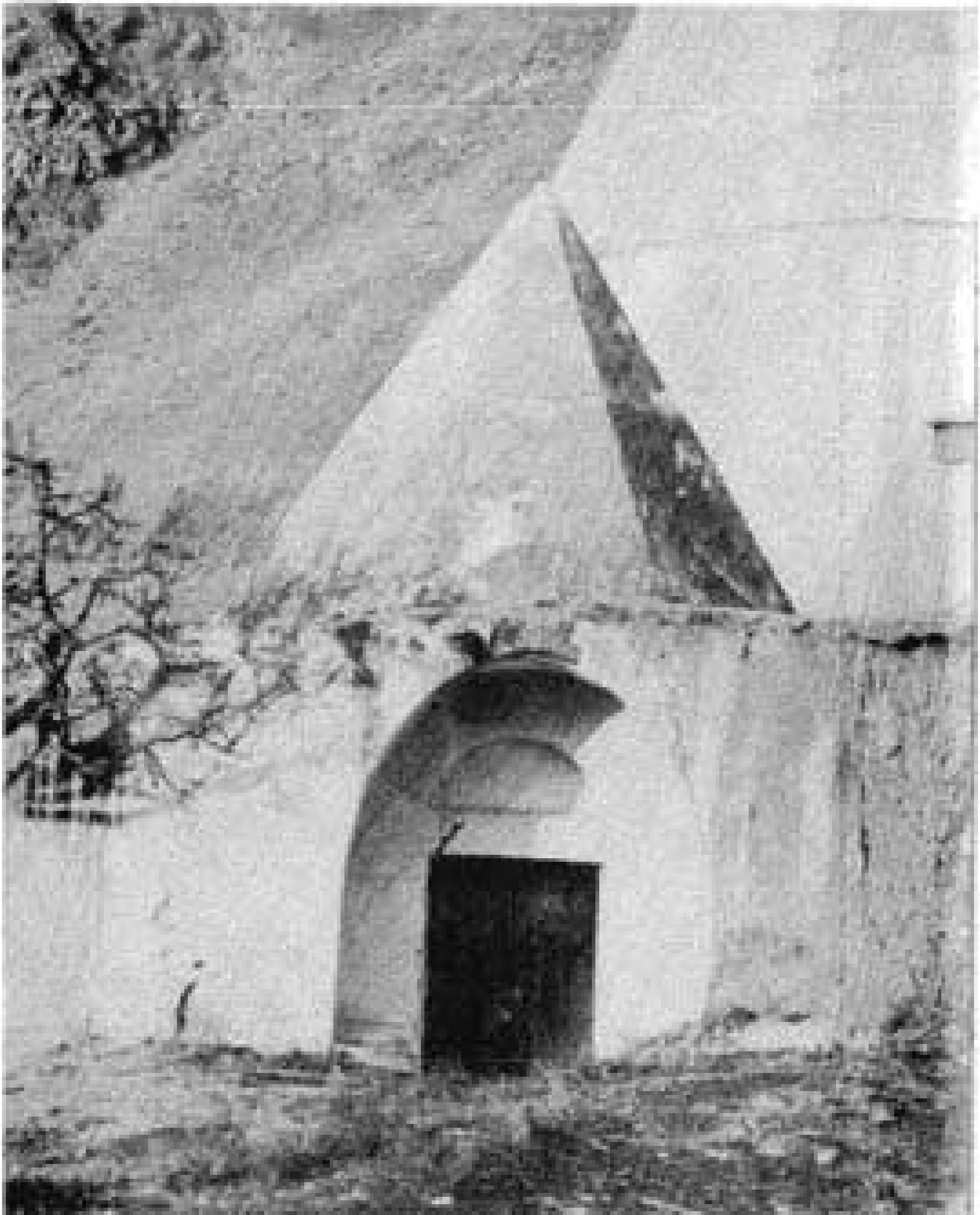

(عکس شمارهٔ ۷۸۵) مرقد آقا ملا حسین نوسری نزدیک امامزاده هفت تنان

(عکس شمارهٔ ۷۸۴) بنای امامزاده هفت تنان در دهکدهٔ هفتتنان بهرستاق لاریجان

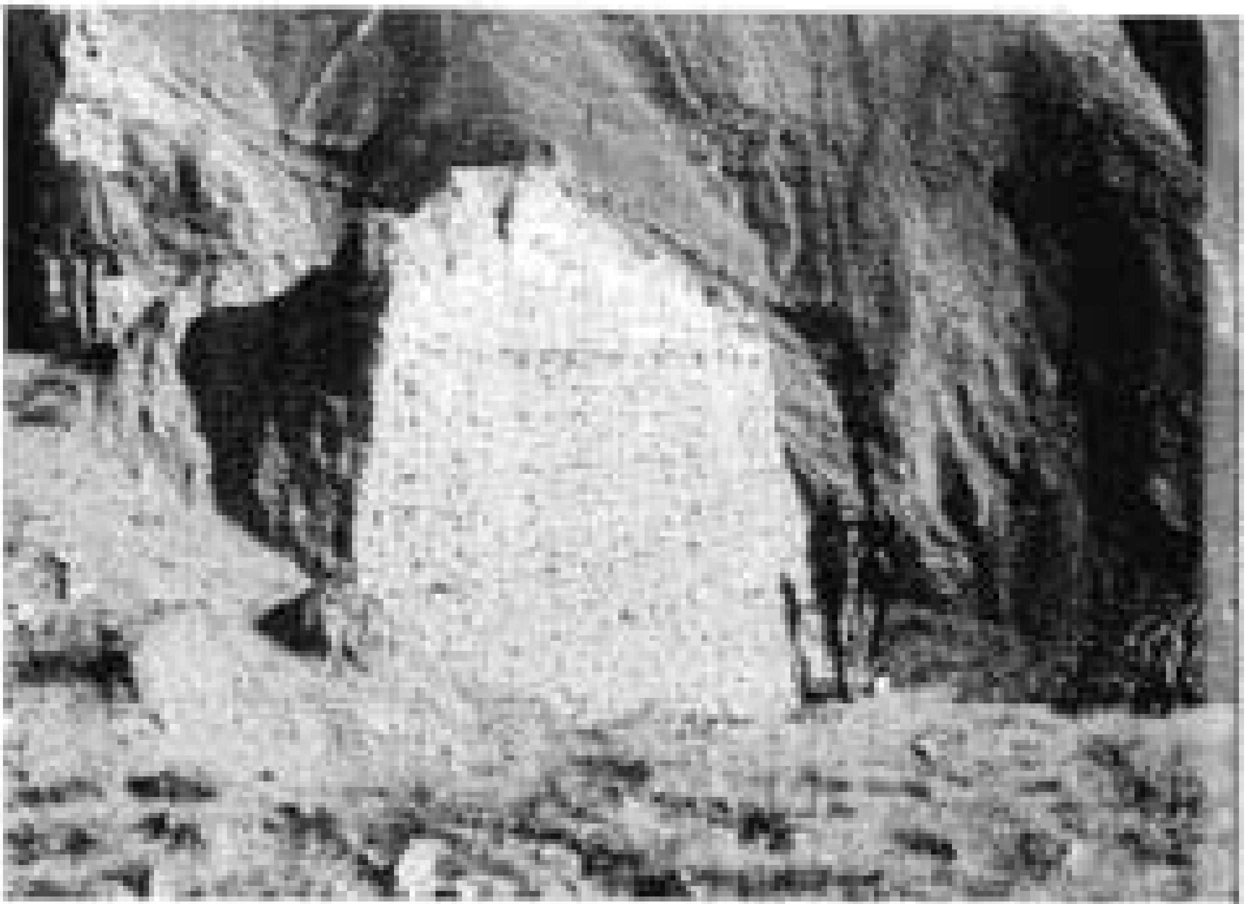

(عکس شمارهٔ ۹۸۵) قسمتی از دیوار جنوبی بنای قلات در اراضی قلات پایین لاریجان

(عکس شمارهٔ ۹۸۶ و ۹۸۷) بقایای دیوار شرقی بنای قلات در اراضی قلات پایین لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۸۷) ضلع شمالی بنای قلاتی در اراضی قلات پایین لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۸۸) گمری عظیم تراشیده شده در جنوب بنای قلاتی

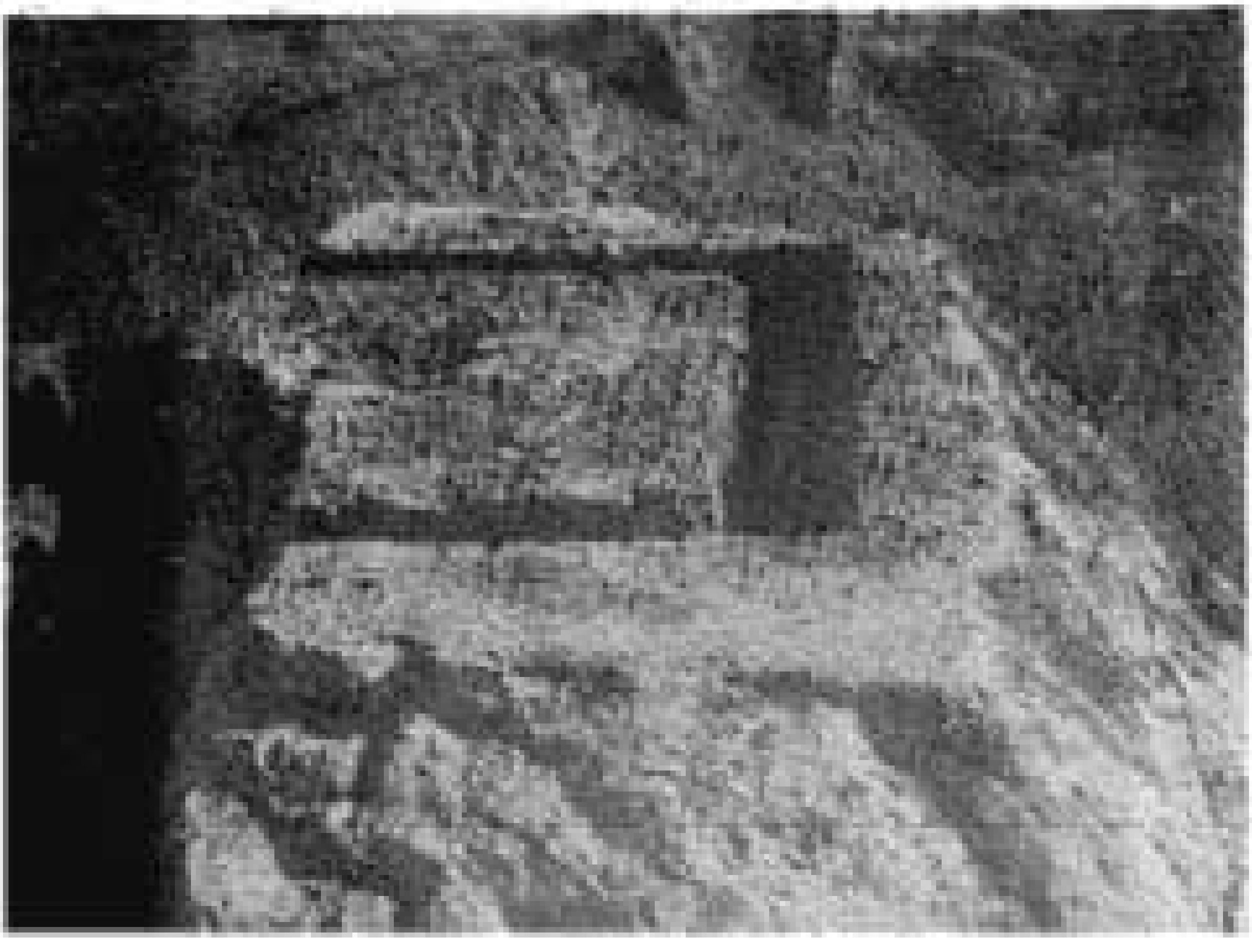

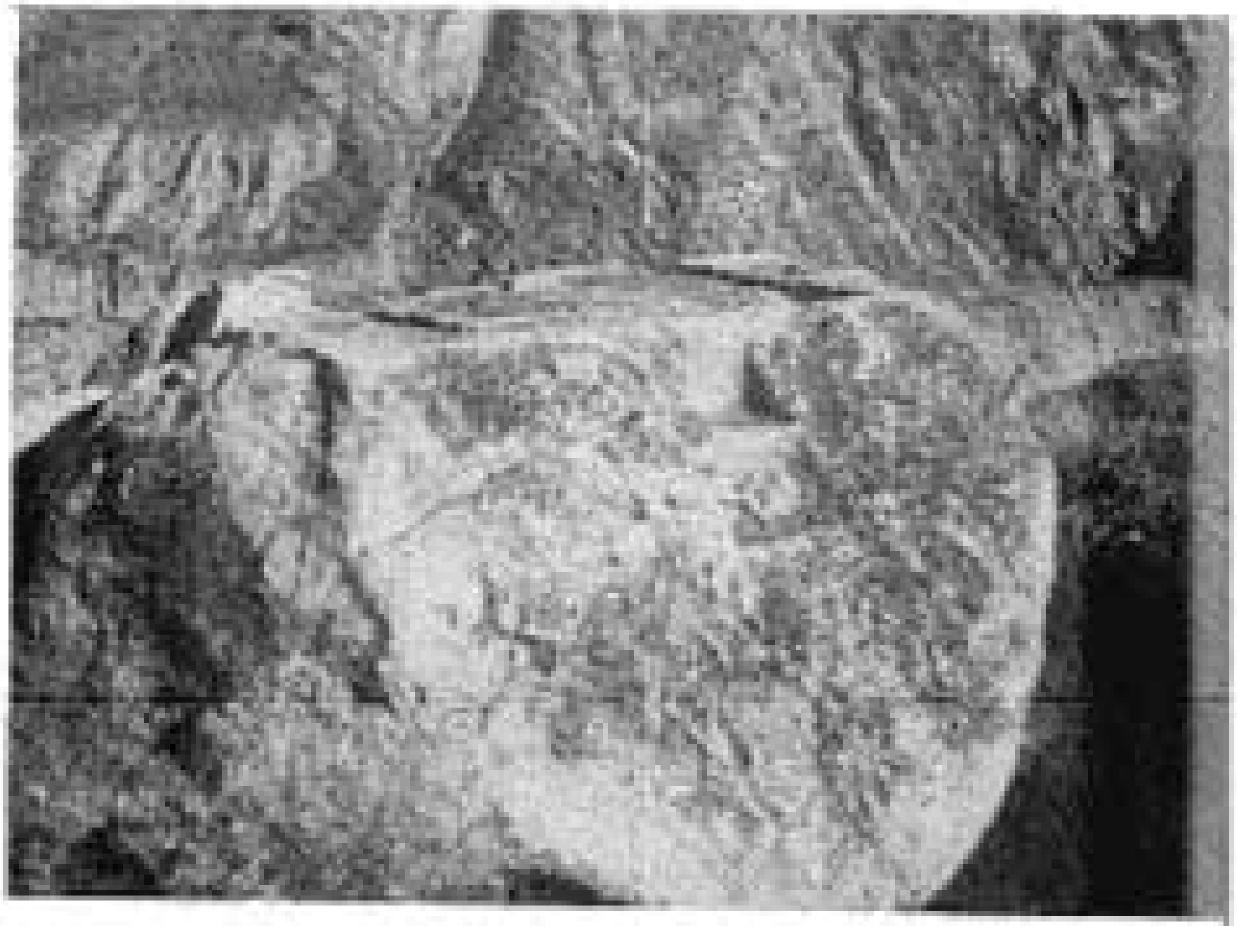

(عکس شمارهٔ ۲۹۰) کمر از قلابه شده از جهت دیگر

(عکس شمارهٔ ۲۹۱) بقایای ساختمانی که در شمال بنای قلاتی است

(عکس شمارهٔ ۲۹۲) بقایای ساختمانی که در شمال بنای فلان است

(عکس شمارهٔ ۲۹۳) کلاه فرنگی در علی‌آباد لاریجان

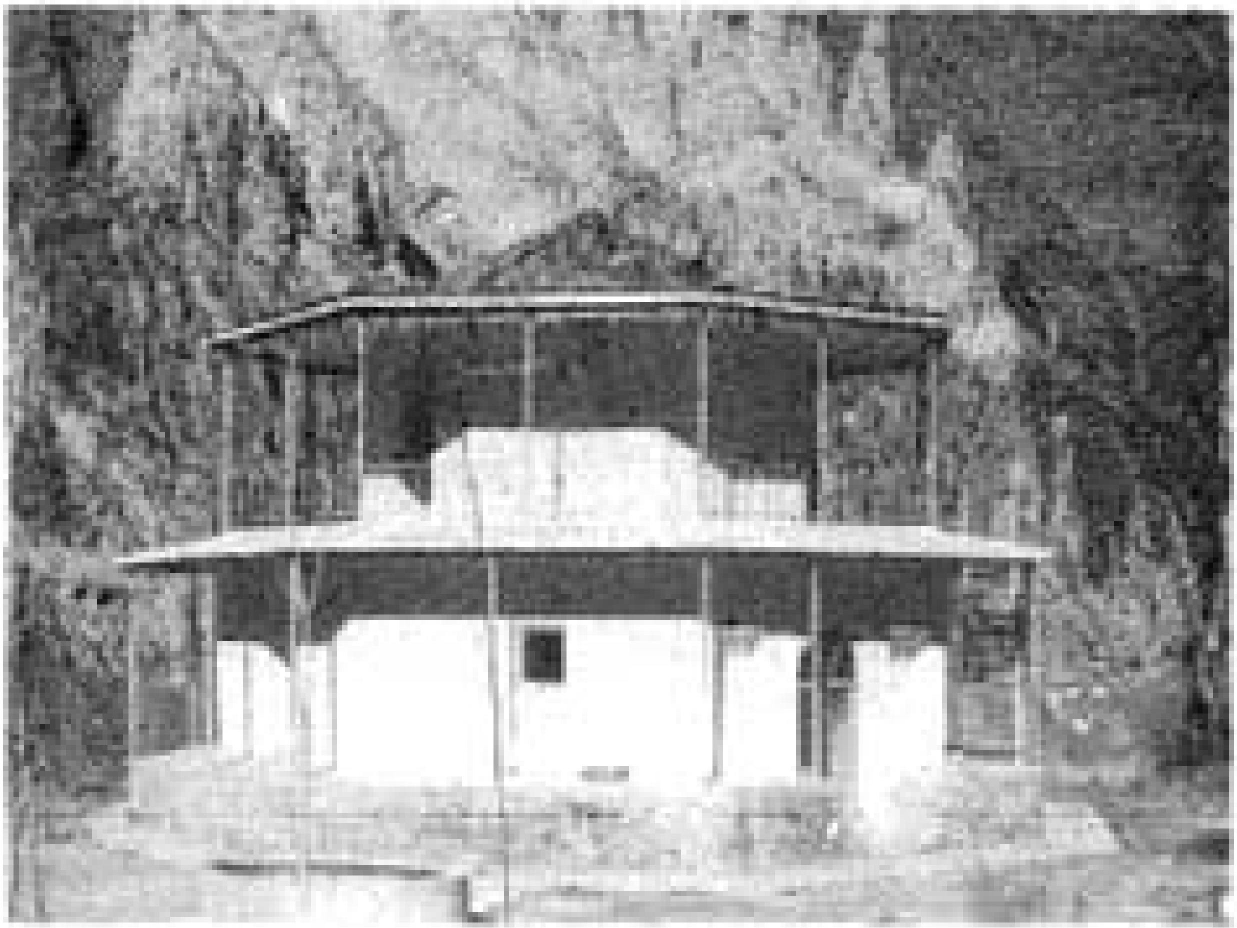

(عکس شمارهٔ ۲۹۱) مرقد سلطان احمد مرزبده در دهکدهٔ دیلا از دهکده‌های دلارستاق نور

عکس شمارۀ ۲۹۵) مرقد سلطان شهاب‌الدین در دهکدۀ دولای دالارستاق غور

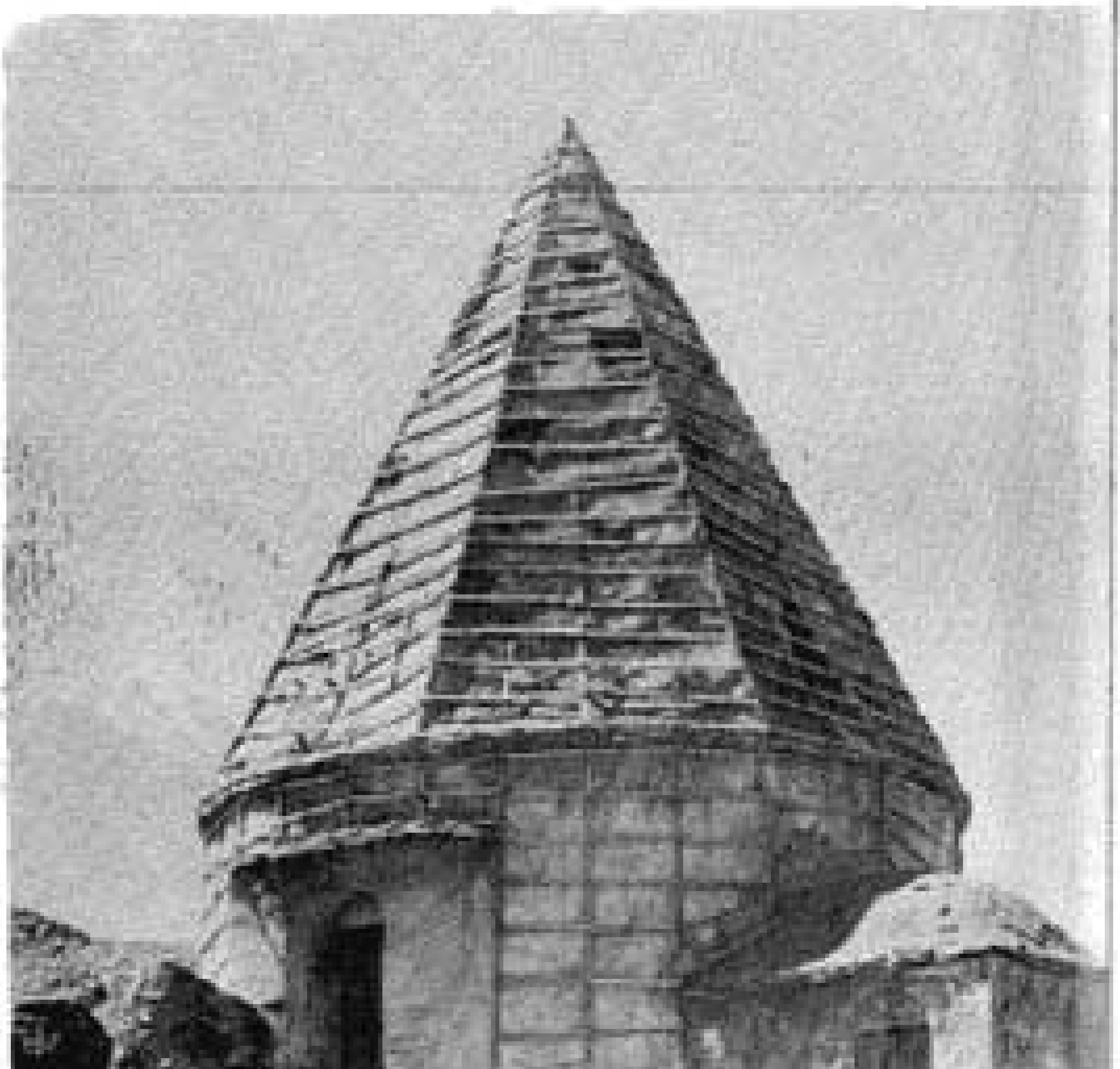

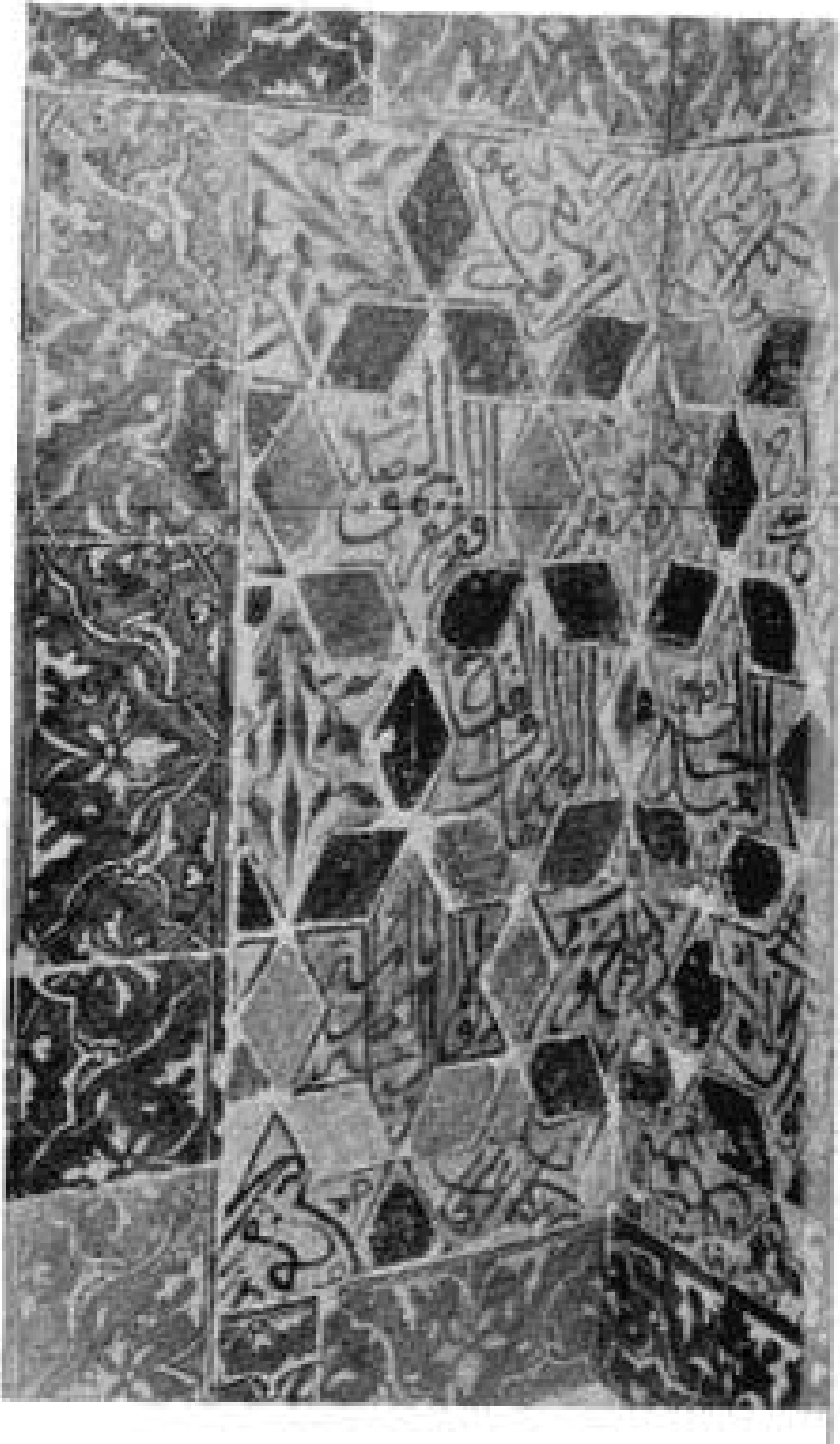

(عکس شمارهٔ ۲۹۶) قسمتی از کاشیکاری در گنبدخانهٔ داخل بنای مرقد سلطان شهاب‌الدین

(عکس شمارهٔ ۲۹۷) قسمتی از کاشیکاری زاویهٔ میان درگاه پنجم و ششم داخل بنای
مرقد سلطان شهاب‌الدین

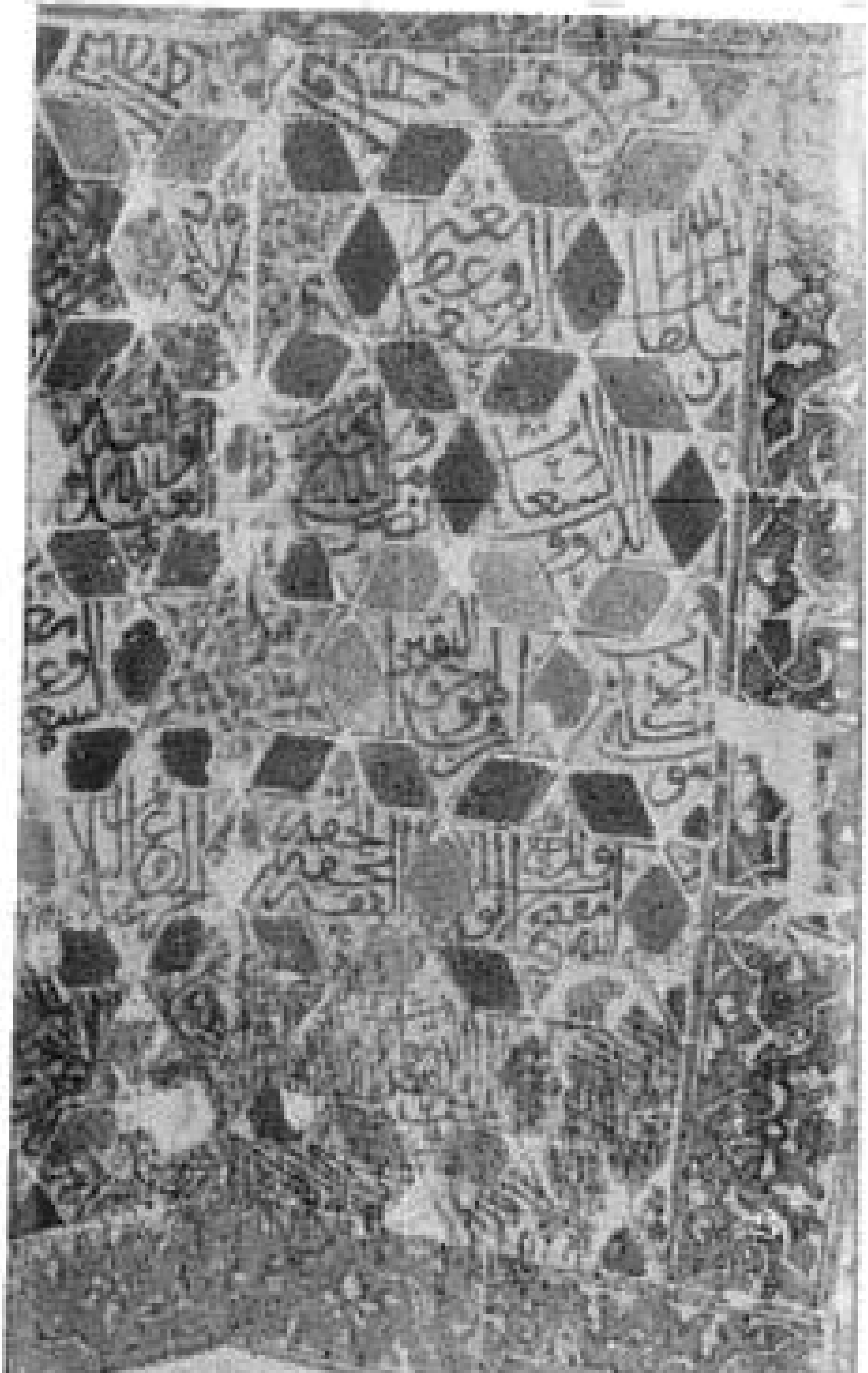

(عکس شمارهٔ ۲۹۶) قسمتی از کاشیکاری زاویهٔ میان درگاه پنجم وششم داخل بنای مرقد سلطان شهاب‌الدین

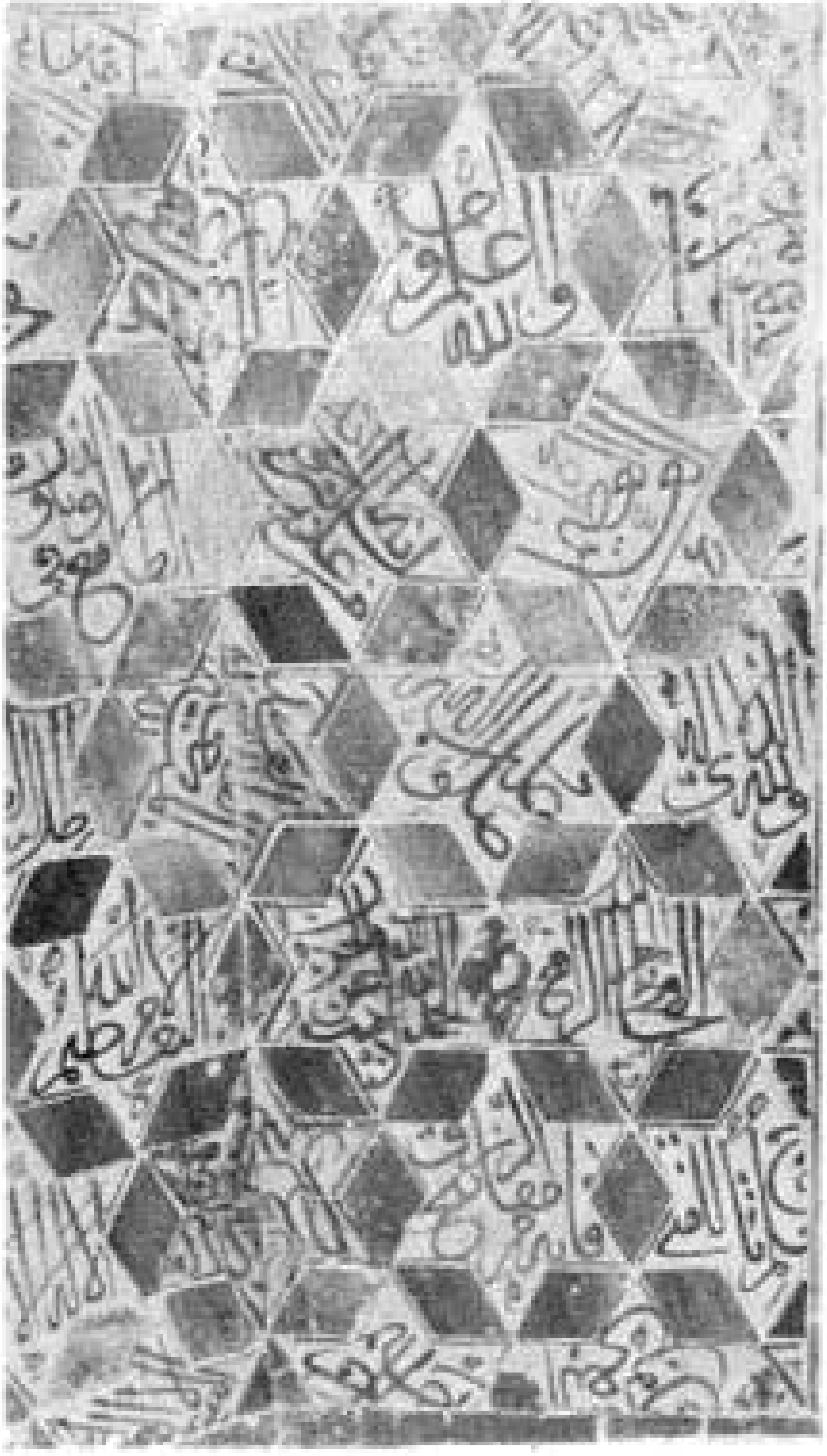

(عکس شمارهٔ ۷۹۹) قسمتی از کاشیکاری ازارهٔ میان درگاه هفتم و هشتم داخل بنای مرقد سلطان شهاب‌الدین

(عکس شمارهٔ ۳۰۰) قسمتی از کاشیکاری بدنهٔ سمت چپ درگاه هشتم که در ورودی
اصلی بنای مرقد سلطان شهاب‌الدین در آن است

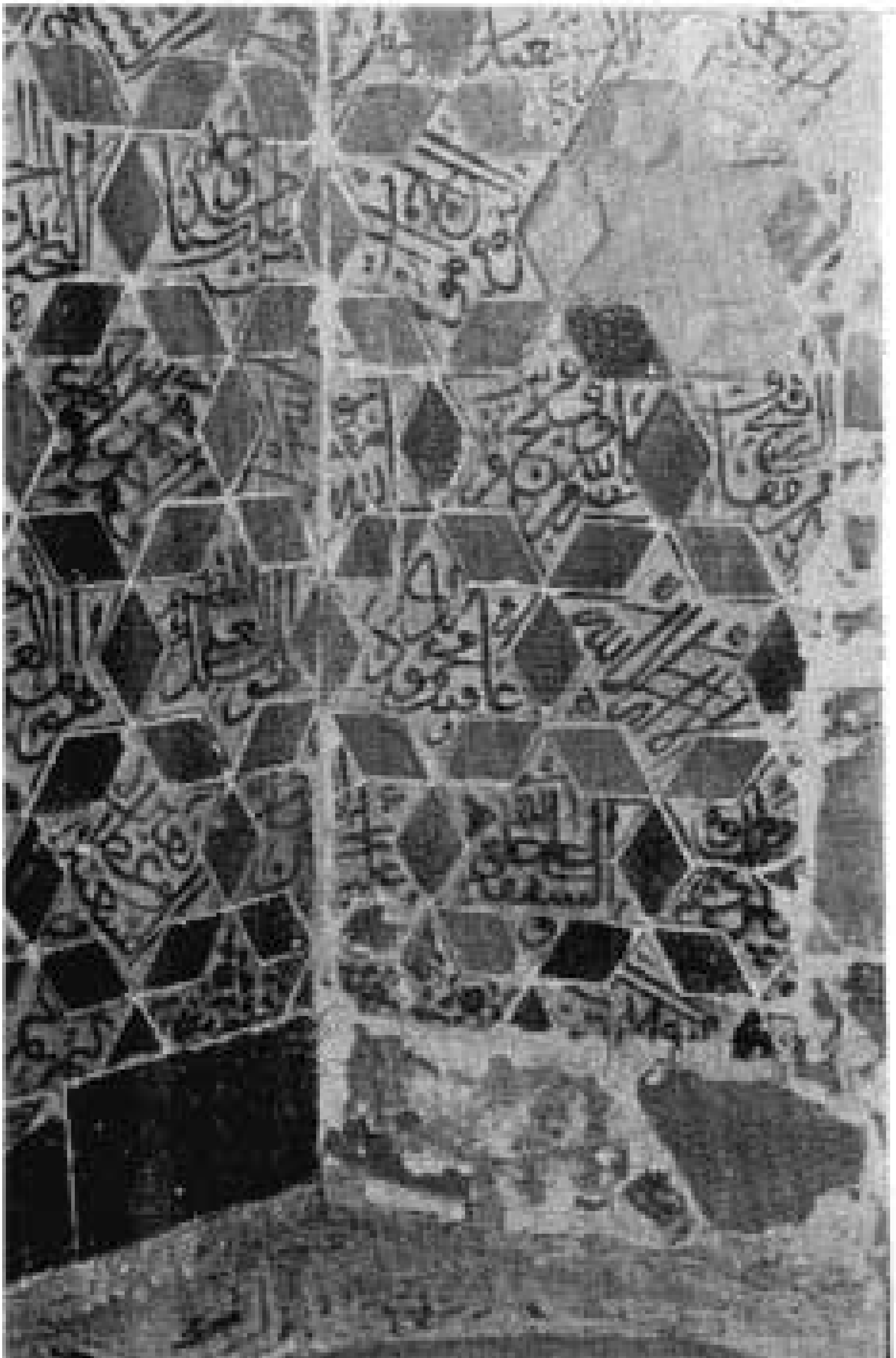

(عکس شمارهٔ ۳۰۱) قسمتی از کاشیکاری زاویهٔ دوم سمت راست در ورودی مرقد سلطان شهاب‌الدین

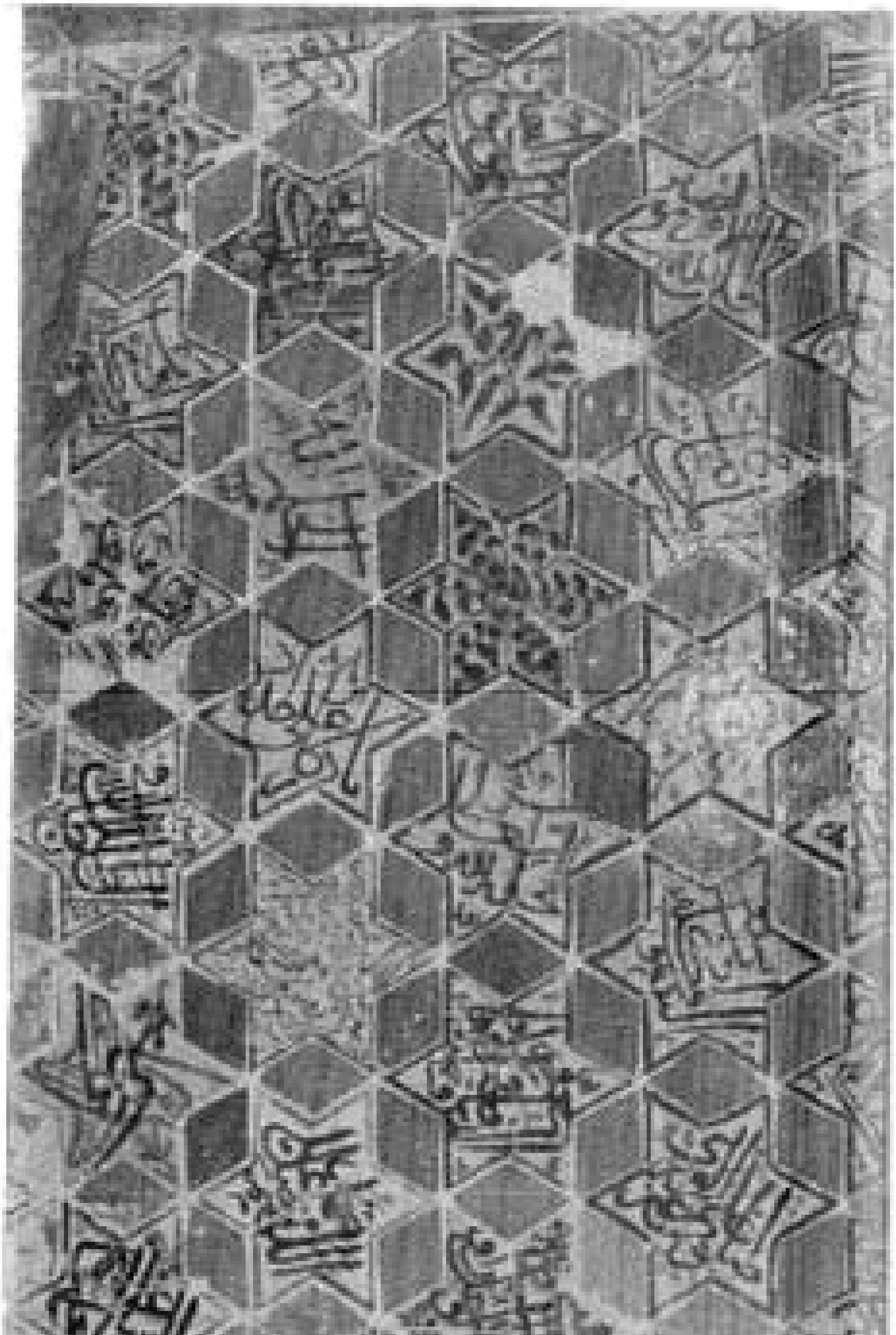

(عکس شمارهٔ ۳۰۹) قسمتی از کاشیکاری در گنبد دوم داخل بنای مرقد سلطان شهاب‌الدین

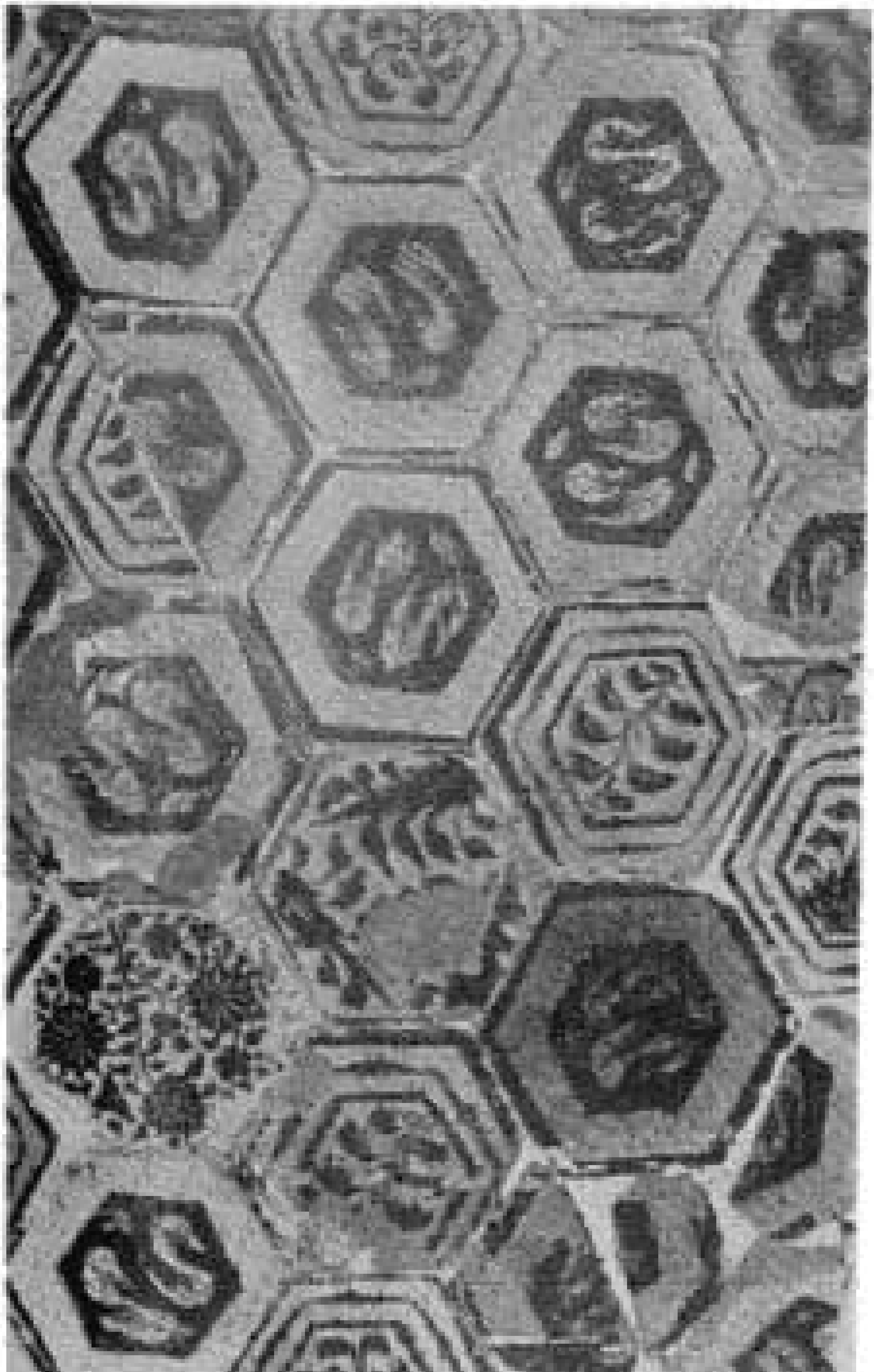

(عکس شمارهٔ ۳۰۳) قسمتی از کاشیکاری ازارهٔ درگاه هشتم داخل بنای مرقد سلطان شهاب‌الدین

(عکس شمارهٔ ۳۰۵) امامزاده عبدالمناف در دهکدهٔ عبدالمناف در شارستاق نور

کس شمارهٔ ۳۰۴)
ی مرقد جوانمرد حمزه در کهرود دلارستاق نور

(عکس شمارهٔ ۳۰۶) نمای جنوب غربی قلعهٔ سوآ در ارانتی یا قلعهٔ سوآ در شارستان غور

(عکس شمارهٔ ۳۰۷) ارگ قلعهٔ سوآ در معکندهٔ یا قلعهٔ سوآ در شارستان غور

(عکس شمارهٔ ۳۰۸) بقعهٔ بابا شجاع‌الدین در دهکدهٔ پنجو در تیارستاق نور

(عکس شمارهٔ ۳۰۹) پلی قدیمی در درهٔ نمارستاق نور

(عکس از آلبوم ناصرالدین شاه قاجار به شمارهٔ ۹۹۹۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

بنای حکومتی بلده و قسمتی از اردوی ناصرالدین‌شاه قاجار
(عکس از آلبوم ناصرالدین‌شاه به شمارهٔ ۱۳۲۵۳ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران

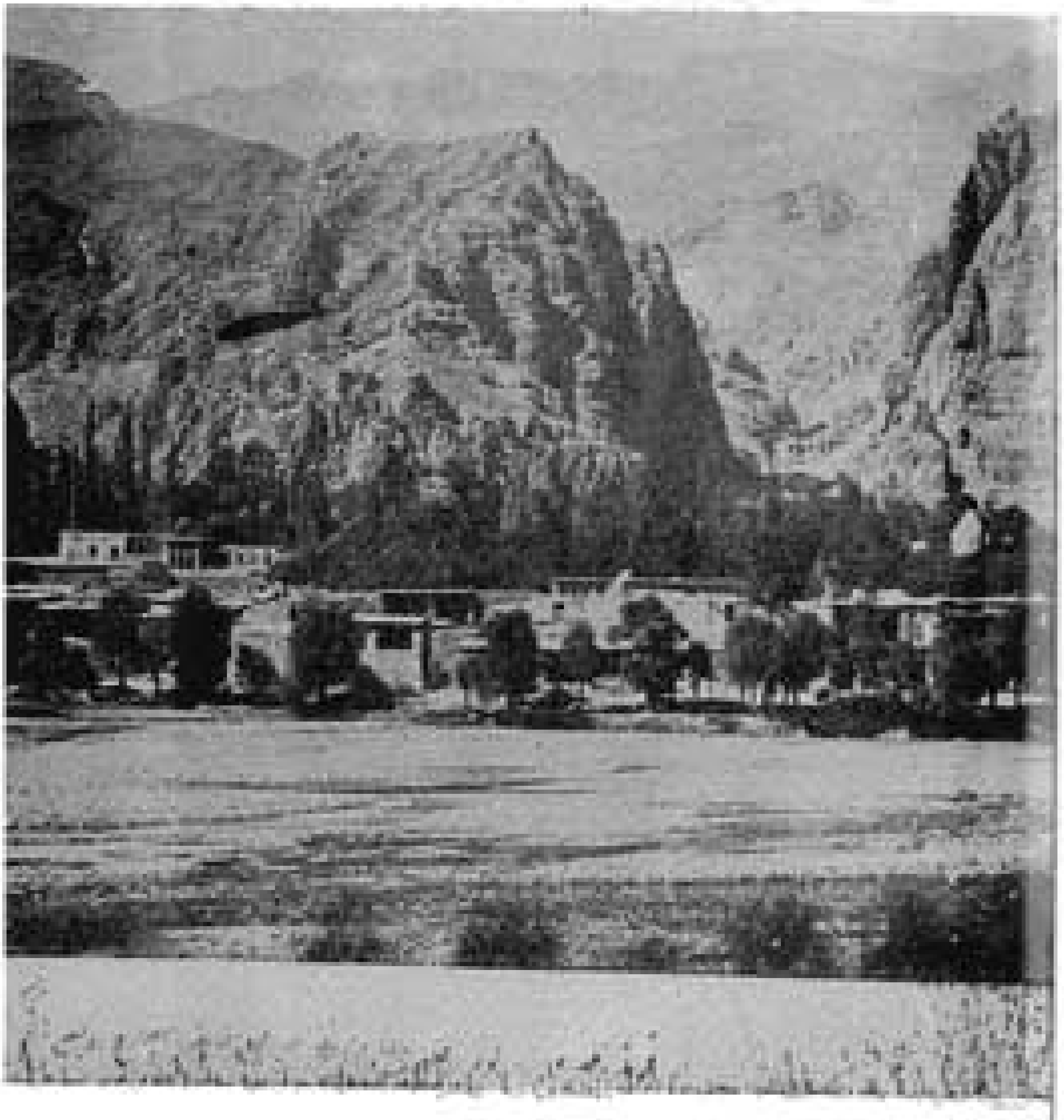

نمای کلی دهکدهٔ بلده.

(عکس از آلبوم ناصرالدین شاه قاجار به شمارهٔ ۰۰۰۰۰، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

فهرست نامها

آ

آب‌انبار قدیمی سیدکلا ــ ۳۵۱ .
آب‌بلی ــ ۳۷٤ .
آب چالوس=رودخانهٔ چالوس ــ ۱۵۵ .
آبرنگ (دهکده‌ای در کلارستاق) ــ ۱۱۵ .
آبرنگ‌کیله ــ ۱۱۵ .
آب رودبارك ــ ۳۷٤ .
آبشار شیخ‌علی‌خان (میان‌زیار و مرتع بزم) ــ ٤۰۷ .
آب‌گرم (از دهکده‌های بالالاریجان) ــ ۳۹۷ ــ ٤۳۳ ــ ٤۳٤ .
آب‌گرم استراباکو ــ ٤٥٤ ــ ٤٥۹ .
آب‌گرم امیرآباد ــ ۳۹۸ .
آب‌گرم بچه‌کنو (از آب‌گرمهای سخت‌سر) ــ ۲٥ .
آب‌گرم سخت‌سر ــ ۲۳ ــ ۲٤ .
آب‌گرم سه‌هزار ــ ۷۱ ــ ۷۸ .
آب گلندرود ــ ۳٦۳ .
آب لار = رودخانهٔ لار ــ ۳۸۱ ــ ٤۰۳ ــ ٤۰٥ .
آب‌مراد (میان‌زیارولاسم) ــ ٤۰۷ .
آب ملکار (= رودخانهٔ ملکار) ــ ۲۲۷.
آب وازرود = وازرود ــ ۳۷۲ .
آب‌هراز = رودهراز = هراز= هرهز ــ ۳۷۸ ــ ۳۹٤ ــ ۳۹۸ ــ ٤۰۲ ــ ٤۱٦ ــ ٤۲۲ ــ ٤۳۹ ــ ٤٤۱ ــ ٤٥٤ ــ ٤٥۹ ــ ٤٦۳ ــ ٤۸۱ .
آتشکدهٔ تشکون ــ ٦٥ .
آجنکوله (بقعه‌ای‌درتنگه دره‌جوردی) ــ ٤۳ .
آجی‌کلا (سربند نهردست راست انگتارود) ــ ۳٤۹ .
آخا (از دهکده‌های امیری لاریجان) ــ ٤٥۰ .
آخوند محله (مرکزسخت‌سر= رامسر) ــ ۲۱ ــ ۲٤ ــ ۳۰ ــ ۳۱ ــ ٤۱ .
آخوند ملا علی اشکوری ــ ۱ .
آخوند ملا علیرضای آلاملی ــ ۱۲۲ .
آخوند ملامحمد ــ ۱۲۱ .
آدینه مسجد = دزگامزگتی ــ ۳۲ .
آرشه‌رود (از رودهای تنکابن) ــ ۲۳.
آرود (از دهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱.
آریج (از خاندانهای ساکن درون

نمارستاق) ــ ۴۸۱ .
آزوی‌نوا ــ ۳۸۹ ــ ۴۲۸ .
آزی دهاك = ضحاك ــ ۸ .
آستانکرود (از دهکده‌های کوهپر کجور) ــ ۱۶۹ .
آس‌تنگه (تنگه‌ای در شونادشت) ــ ۴۴۱ .
آستانۀ دیتل (درفتیج گوابر اوشیان) ــ ۳ .
آستانۀ حضرت معصومه سلام‌الله علیها ــ ۴۲۷ .
آستانۀ شیخ‌حسین ــ ۲۹۱ .
آستانۀ شیخ‌شریف ــ ۲۹۱ .
آستانۀ هرات‌بر اوشیان ــ ۳ .
آسور (از دهکده‌های قرقان چای) ــ ۴۰۶ .
آش‌محله (از دهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ .
آشیخ‌نیکه (در دهکدۀ رزن تترستاق) ــ ۳۲۳ .
آغوزکله (از دهکده‌های خرم‌آباد تنکابن) ــ ۵۵ .
آقا اسدالله (فرمان فرمای کلارستاق) ــ ۱۲۲ .
آقابزدوش = باعث ــ ۳۱۳ .
آقارستم ــ ۳۷۳ .
آقاریس ــ ۲۸۵ .
آقاشاهپورسی = آقاشاه‌فارسی ــ ۳۷۶.
آقاشاهسپول ــ ۲۸۵ .
آقاشاه فارسی = آقاشاهپورسی ــ ۳۷۶.
آقامحمدخان‌قاجار ــ ۱۳ ــ ۱۴ ــ ۲۲ ــ ۱۷۳ ــ ۱۸۷ ــ ۴۲۸ .
آقا محمدعلی امین‌حضرت آبدارباشی ــ ۳۸۴ .
آقا نورکیا سلطان (در دولت‌آباد) ــ ۳۷۰ .
آلبرد مهندس خارجی ــ ۱۶۰ .
آل‌بویه ــ ۱۵ ــ ۱۹ ــ ۱۱۳ .
آمارکوده (از دهکده‌های گلیجان) ــ ۵۲ .
آمل ــ ۶ ــ ۷ ــ ۹ ــ ۱۰ ــ ۱۱ ــ ۱۲ ــ ۱۶ ــ ۱۷ ــ ۱۹ ــ ۵۹ ــ ۱۰۲ ــ ۱۰۳ ــ ۱۰۴ ــ ۱۰۶ ــ ۱۱۱ ــ ۱۶۴ ــ ۱۷۵ ــ ۲۴۱ ــ ۳۲۹ ــ ۳۵۸ ــ ۳۵۹ ــ ۳۶۰ ــ ۳۶۷ ــ ۳۷۰ ــ ۳۹۸ ــ ۴۰۱ ــ ۴۰۳ ــ ۴۰۴ ــ ۴۱۷ ــ ۴۲۰ .
آهك‌چال (برسرراه شاه‌عباسی) ــ ۵۱ ــ ۱۰۹ .
آهن‌پچان (سرراه جوردی) ــ ۴۳ .
آهنگر (ازخاندانهای ساکن‌سلورودزور نمارستان) ــ ۴۸۱ .
آهودشت (از دهکده‌های ناتل رستاق نور) ــ ۳۴۴ ــ ۳۶۱ .
آهی (از خاندانهای‌ساکن‌نمار) ــ ۴۸۱.
آیشه‌بن (در کلارستاق) ــ ۱۱۵ .

الف

ابت (بفتح‌اول وضم‌دوم) ــ ۲۳ ــ ۳۲۷.
ابراهیم [استاد ...] ــ ۲۹۱ .
ابراهیم‌بنا ــ ۲۱۹ .
ابراهیم‌بن استادنظر تنکابنی [استاد...] ــ ۳۶ .
ابراهیم‌بن اسکندر لهراسب ــ ۲۱۸ .

ابراهیم‌بن خوشنام‌نجار لباسانی ــ۲۷۳.
ابراهیم‌بن روح‌الله‌بن زربن کیابن جعفربن موسی‌بن‌محمدتقی ــ۴۵۰.
ابراهیم‌بن زیدبن حسن‌بن زیدبن امام‌حسن علیه‌السلام = شاهزاده ابراهیم (در صالحان کجور) ــ ۲۰۷ .
ابراهیم‌بن زیدبن‌حسن‌مجتبی علیه‌السلام‌ــ ۴۸٤ .
ابراهیم‌بن علی‌بن عبدالرحمن‌بن قاسم ــ ۱۱۳ ــ ۱۹۹ .
ابراهیم‌بن غیاث‌الدین کوچ ــ ۲۲۰ .
ابراهیم‌خان پیشخدمت ــ ۳۸۳ .
ابراهیم خلیل‌الله ــ ۱۸۹ .
ابراهیم سیاه‌انگیزبن حسن‌بن محمدبن زیدبن امام‌حسن علیه‌السلام ــ ۳۲۰ ــ ۳۲۱ .
ابراهیم کاشانی [ملا...] ــ ۲۵۹ .
ابراهیم کندلوس ــ ۲۲۰ .
ابن الاثیر ــ ۷ .
ابن اسفندیار ــ ۷ ــ ۹ ــ ۱۲ ــ ۸٤ــ ۱۱۱ ــ ۱۷۳ ــ ۱۷۹ ــ ۱۸۵ ــ ۲٤۱ .
ابن‌حوقل ــ ۱۰ ــ ۱۱ .
ابن‌رسته ــ ۹ ــ ۱۰ ــ ۱۱ .
ابن‌فقیه ــ ۱۰ ــ ۱۱ ــ ۱۰۲ .
ابن‌عمید ــ ۱۱۳ .
ابن‌یمین فریومدی ــ ۲۷۶ .
ابوبکرمحمدبن‌حسن‌طبری‌چالوسی‌ــ۱۰۵.
ابوجعفر صوفی = ابوبکر محمدبن‌حسن طبری چالوسی ــ ۱۰۵ .
ابوالحسن (ابوالحسین) المؤیدبالله بن‌حسین ــ ۷۳ ــ ۸٤ .
ابوالحسین (داماد داعی‌کبیر) ــ ۱۰٤.
ابوالحسین‌احمد (پسرناصرکبیر)ــ۱۱۱.
ابوالحسین المؤیدبالله‌بن حسین‌بن‌هارون (از دعاة زیدیه) ــ ۸٤ ــ ۸۵.
ابودلف‌عجلی ــ ۱۰٤ .
ابوطالب یحیی‌الناطق بالحق (برادر ابوالحسین المؤیدبالله) ــ ۸۵ .
ابوالعباس [سید...]، (استادالمؤیدبالله)ــ ۸٤ .
ابوالفضل ساوجی ــ ٤۵۳ .
ابوالفضل علامه (نوهٔ میرزا محمد علامه تنکابنی) ــ ۵۰ .
ابوالقاسم‌بن آقامیر محمدحسین [آقا سید...] ــ ۳۷ .
ابومخنف‌بن لوطبن یحیی خزاعی‌ــ۲۷٦.
ابوالوفا خلیفةبن نوح ــ ۱۱۲ .
ابیاك (از خاندانهای‌ساکن رینه وساکن دهکدهٔ دیلاوناندل) ــ ٤۱۸ ــ ٤٦۳ ــ ٤٦٤ .
ابیاك محله (از محلات رینه) ــ ٤۱۷.
اجابیت (از دهکده‌های کلاردشت) ــ ۱۳٤ ــ ۱٤۱ .
احمدان‌محله (از محلات رینه) ــ٤۱۷.
احمدبن فریدون اسفار ــ ۲٦۹ .
احمدبن محمدبن اوس ــ ۱۰۲ .
احمدرضاکریم = امامزاده احمدرضا (در دهکدهٔ لاسم) ــ ٤۰۹ .
احمدعلی‌خان بهزادی ــ ۲۹۵ .
ادارهٔ کل‌باستان‌شناسی ــ ۳۹۷ .
ادریس‌بن‌صالح ــ ٤۱۰ .
اراضی ایمچی‌رزن ــ ۳۲۵ .

اراضی بروك رزن ــ ۳۲۵ .
اراضی پا قلعهٔ سوآ (درنمارستاق‌نور) ــ ۴۸۶ .
اراضی پشنك اسك ــ ۴۱۳ ــ ۴۱۴ .
اراضی سراپرده (دربلدهٔنور) ــ ۲۹۷.
اراضی سنگ‌چین ــ ۳۸۹ ــ ۳۹۰ .
اراضی‌سنگ دروازه (نزدیك ملك‌قلا) ــ ۴۴۴ .
اراضی قلابن پایین لاریجان ــ ۴۵۹ .
اراضی گنبدسی (درشونادشت) ــ ۴۴۴.
اراضی نیك ــ ۳۸۹ .
اراغه (ازخاندانهای‌ساکن کیان) ــ ۴۶۵.
اربه کله (در سخت‌سر) ــ ۴۲ .
ارجمند (از دهکده‌های قزقاق‌چای) ــ ۴۰۶ .
اردلان ــ ۱۳ .
اردوگاه رامسر ــ ۲۹ .
ارم (دهکده‌ای‌که مرکز سران‌بادوسپان بوده است) ــ ۱۲ .
ارمایل ــ ۸ .
ارمنی ــ ۱۴ .
ارنگه بزرگ ــ ۱۶۵ .
ارنگه کوچك ــ ۱۶۵ .
ازارك ــ ۲۲۶ .
ازارود (از رودهای تنکابن) = ایزرود = ایزارود ــ ۲۶ .
اژدهاسنگ (سرراه‌جوردی به قزوین) ــ ۴۰ .
اساس (ازخاندانهای‌ساکن‌تنکابن) ــ ۲۲ .
اسبان‌سرا ــ ۲۵ .
اسبچین (از دهکده‌های‌لنگا) ــ ۹۰ ــ ۹۱ ــ ۹۲ ــ ۹۸ــ ۱۰۹ ــ ۱۱۰.
اسبچین (از رودهای تنکابن) ــ ۲۴ .
اسپهبد = اسپهبدان = حکمرانان مازندران شرقی ــ ۸ .
اسپهبدرستم‌بن‌قارن ــ ۱۱۱ .
اسپی‌او = سفیدآب لار ــ ۳۸۱ .
اسپی‌جن (از خاندانهای ساکن کیان) ــ ۴۶۵ .
اسپی‌رود (از دهکده‌های لنگا) ــ ۹۸.
اسپی‌کلا (از اراضی ناتل رستاق نور) ۳۳۸ ــ ۳۶۰ .
استاد بابابــن استاد حبیب از جماعت سراچی ــ ۲۳۹ .
استاد جعفر لورائی (اهل‌نسا) ــ ۱۲۱.
استادسبزعلی لورائی (اهل‌نسا) ــ ۱۲۱ .
استاد محمدقلی نجار ــ ۱۲۲ .
استاد محمود ــ ۱۴۸ .
استراباد ــ ۷ ــ ۸ ــ ۹ ــ ۱۵۸ .
استلخسر (ازدهکده‌های خرم‌آباد) ــ ۶۶.
استندار (لقب پــادشاهان طبرستان) ــ ۱۶۳ .
استندار =رویان ــ ۱۶۵ .
استندار کیکاوس ــ ۵۹ .
استندار هزارسپ (برادرزادهٔ کیکاوس) ــ ۵۹ .
اسحاق (امامزاده‌ای‌درمیانده‌دلارستاق) ــ ۴۷۷ .
اسحاق‌بن ابراهیم علیه‌السلام ــ ۸۶ .
اسدالله خــواجه‌نــوری [میرزا...] ــ ۲۹۳ .
اس‌سر (در کلارستاق) ــ ۱۱۵ .
اسفروز =قلعهٔ اسپی‌روز ــ ۱۷۱ .
اسفندکلا (در کلاردشت) ــ ۱۳۴ .

اسفندیاربن کیا فلك‌الدین کلوت [استاد...] ــ ۲۷۰ .
اسفندیار دیاری ــ ۲۱۸ .
اسك (از دهکده‌های بالاریجان) ــ ۳۸۹ ــ ۳۹۲ ــ ۳۹۳ ــ ۴۰۱ ــ ۴۱۲ ــ ۴۱۳ ــ ۴۱۴ ــ ۴۱۵ــ ۴۱۶ .
اسکندربن شرف‌الدوله بیستون ــ ۲۰۱.
اسکندربن ناماور ــ ۱۸۴ .
اسکندر چلاوی[کیا...]، (پسرافراسیاب چلاوی) ــ ۴۵ .
اسکندر لهراسب ــ ۲۱۸ .
اسکندر مقدونی ــ ۶ ــ ۱۵ .
اسلام ــ ۱۴ .
اسل‌محله (از دهکده‌های دوهزار) ــ ۷۱ ــ ۷۷ ــ ۷۸ .
اسماعیل (امامزاده‌ای در میانده دلارستاق) ــ ۴۷۷ .
اسماعیل [شیخ...] ــ ۲۹۲ .
اسماعیل ذبیح‌الله ــ ۱۸۹ .
اسماعیل کلاری ــ ۹۶ .
اسماعیلیان ــ ۵۹ .
اشر (از نواحی کمربن‌نور) ــ ۲۴۶ ــ ۲۴۷ .
اشرف (=بهشهر) ــ ۱۷ .
اشکاردشت (از نواحی دشت کجور)ــ ۱۱۵ ــ ۱۱۷ .
اشکانیان ــ ۱۲۸ .
اشکور [ولایت...] ــ ۳۹ .
اصانلوها ــ ۱۳ .
اصطخری ــ ۱۰ ــ ۱۱ ــ ۱۶۳ .
اصفهان ــ ۳۳۱ ــ ۳۷۸ .
اطاق‌سرا (از دهکده‌های زانوس کجور) ــ ۲۲۲ .
اطاق‌سرا (از محله‌های دهکدهٔ نج) ــ ۳۱۳ .
اطاق‌سره (در کلاردشت) ــ ۱۳۷ .
اطاق‌سره (از دهکده‌های نمارستاق) ــ ۴۸۲ ــ ۴۸۳ .
اطروش (=حسن‌بن‌علی‌بن محمدبن‌علی‌بن حسن‌بن‌علی‌بن ابی‌طالب) ــ۱۰۵.
اعتضادالدوله = انوشیروان‌خان ــ۱۵۵.
اعتضادالدوله سلیمان‌خان قاجار ــ۴۲۸.
اعتضادالسلطنه وزیر علوم ــ ۱۵۷ .
اعتمادالسلطنه = محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله ــ ۱۰۲ــ ۲۰۸ــ ۴۰۴ــ ۴۰۸ ــ ۴۱۱ ــ ۴۱۵ ــ ۴۲۵ــ ۴۲۹ ــ ۴۳۳ ــ ۴۵۱ .
اعراب = عربهاــ ۱۷ ــ۱۰۲ ــ ۱۴۴ــ ۴۱۸ .
اعراب (از تیره‌های ساکن مازندران)ــ ۱۴ ــ ۱۷ .
افجه (از دهکده‌های لواسان) ــ ۲۳۶ ــ ۲۸۷ ــ ۳۷۷ .
افرابن (از نواحی بلدهٔ کجور)ــ۲۳۶.
افراچال ــ ۳۶۶ .
افراسیاب ــ ۱۸۵ ــ ۲۳۴ .
افراسیاب چلاوی ــ ۱۵ ــ ۴۵ .
افغانها ــ ۱۳ ــ ۱۴ .
اکیج (از خاندانهای گیل کلاردشت)ــ ۱۲۶ .
اکینه (از دهکده‌های‌بالااشکور) ــ۷۰.
الامل (ازدهکده‌های کوهستان شرقی)ــ ۱۰۱ ــ ۱۵۱ ــ ۱۶۲ .

الاملی اوئی‌دم = گرم رودبار ــ ۱۵٤.
الاشتونی (از نواحی بلدهٔ کجور) ــ ۲۳۷ .
البارسلان ــ ۷ .
البرز [کوههای...] ــ ۵ ــ ۲۱ ــ ۳۲۹ .
الجایتو ــ ۱۰۵ .
الرم (در لار قصران) ــ ۳۸۳ .
الشه‌رود = الیشه‌رود ــ ۳٦۰ ــ ۳۷۰.
الکائی = ایلدائی (از خاندانهای ساکن ناندل) ــ ٤٦٤ .
المده (مرکز دشت‌کجور) ــ ۱۷۷ ــ ۲۲۷ ــ ۲۳۹ .
المرود ــ ۳۳۰ .
الموت ــ ۷۱ .
اللهداد نوائـی [استاد...] ــ ۲۹۲ .
اللهقلی [حاجی...] ، (بانی بقعهٔ‌خطیب و نجیب) ــ ۲٦۵ ــ ۲٦٦ .
اللهوبردی [حاجی...] ــ ۲٤۹ .
الیاس (از خاندانهای ساکن لهر) ــ ٤٦٤ .
الیاس‌بن زیدبن امام‌علی‌النقی ــ ۲۷٤ .
الیت = الت (از دهکده‌های کوهستان غربی) ــ ۱۰۲ــ ۱٤٦ــ ۱٤۸ــ ۱٦۰ .
الیشه‌رود = الشه‌رود ــ ۳۷۰ .
الیکا (از دهکده‌های نور) ۲٤۳ .
امامرود (از دهکده‌های دشت کلارستاق) ــ ۱۱۰ .
امامزاده ابراهیم (درآمل) ــ ٤۱٤.
امامزاده ابراهیم = ابراهیم سپاه‌انگیز (در دهکدهٔ تیرسا) ــ ۳۱۷ ــ ۳۲۵ .
امامزاده ابراهیم (درزیارسربتیرکلا) ــ ۲۸۳ .
امامزاده ابراهیم (درمنجیرپنجك‌رستاق) ۲٦۰ .
امامزاده ابـراهیم (در دهکـدهٔ دینان امیری) ٤٤۸ .
امامزاده‌ابن امام‌موسی = امامزاده امـام موسی (در لارقصران) ــ ۳۸۲ .
امامزاده ابوالقاسم‌بن‌کیا ابوالحسن (در دهکدهٔ جزما) ــ ۷۳ ــ ۷٤ .
امامزاده احمدبن امـام زین‌العابدیـن علیه‌السلام ــ ۲۵۱ .
امامزاده احمدرضا (درلاسم) ــ ٤۰۸.
امامزاده احمدکیا سلطان‌بن امـام‌موسی الکاظم علیه‌السلام ــ ۲۷۰ .
امامزاده اسپی‌کلا (در ناتل رستاق) ــ ۳٦۰ .
امامزاده اسماعیل(درپولادکوه) ــ۱٤۹.
امامزاده‌اسماعیل (درپایین وازنائیج) ــ ۳۷۱ .
امامزاده‌اسماعیل(درمحله‌بازار بلدهٔنور)ــ ۲۹٤ ــ ۲۹۵ .
امامزاده اسماعیل‌بن امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام (درالامل) ــ ۱۵۱ .
امامزاده امام‌موسی = امامزاده ابن‌امام موسی (امامزاده و مـرتعی در لارقصران) ــ ۳۷۸ .
امامزاده امان‌الله‌بن امام زیـن‌العابدین علیه‌السلام ــ ۲٦۷ .
امامزاده انوشیروان‌بن امام موسی الکاظم

علیه‌السلام ـ ۲۸۳ .
امامزاده اهل‌علی (درنور) ـ ٤۲٦ .
امامزاده‌ای میان‌اویل و کوهپر ـ۲۲٦.
امامزاده‌ای در دهکدهٔ آخا ـ ٤٥۰ .
امامزاده‌ای در دهکدهٔ نوسر بهرستاق ـ ٤٦۲ .
امامزاده برهان ـ ۱ .
امامزاده بلال‌بن زیدبن امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام ـ ۲۳٥ .
امامزاده بلال‌بن‌عون بن‌امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام ـ ۳٥۰ .
امامزاده پنج‌تن (در لارقصران) ـ۳۸۲.
امامزاده پنج‌تن (نزدیك کردمحله) ـ ۱۳٤ .
امامزادهٔ توساکلام خرم‌آباد ـ ٦۷ .
امامزاده جعفر (در دهکدهٔساس) ۲۲۰ .
امامزاده جعفر (دراراضی پشنك‌اسك) ـ ٤۱٤ .
امامزاده جعفربن امام علی‌النقی ـ۲٦۸.
امامزاده جعفربن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام (در حومهٔ کجور) ـ ۱۷۸ .
امامزاده جعفر (درحسن‌آباد) ـ ۱٦۸.
امامزاده‌جعفربن ربیع (دردهکدهٔ گزنك) ـ ٤۳٥ .
امامزاده حاجی (در بالامحلهٔ بتیرکلا) ـ ۲۸۳ .
امامزاده‌حسن (دراراضی جلیهٔشونادشت) ـ ٤۳۹ .
امامزاده‌حسن (درچورن کوهپرکجور) ـ ۱٦۹ ـ ۱۷۰ .
امامزاده‌حسن (در حسن‌آباد) ـ ۱٦۸.
امامزاده‌حسن‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام ـ ۲٥۱ .
امامزاده‌حسن‌بن مطهربن مهدی‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام ـ ۲۸٥ .
امامزاده‌حسن‌کیا سلطان‌بن ابوطالب‌بن ابوالحسن‌بن امام محمدتقی (در نایهٔنور) ـ ۲٦٦ .
امامزاده حمزة‌بن‌موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام (در کریم محلهٔ رینه) ـ ٤۱۹.
امامزاده خطیب‌و نجیب ـ ۲٦٤ ـ۲٦٥.
امامزاده خلیل (در سعدآباد بیرون ـ بشم) ـ ۱۱۸ .
امامزاده داودکیا سلطان‌بن سالار بن جعفربن‌امام محمدتقی (درنایهٔنور) ـ ۲٦٦ .
امامزادهٔ دهکده رودگر محله ـ ۸۱ .
امامزادهٔ دهکدهٔ کرف ـ ٤۸۰ .
امامزادهٔ دهکدهٔ لاویج ـ ۳٦۸ .
امامزادهٔ دهکدهٔ ورزن ـ ۲۸۸ .
امامزادهٔ دهکدهٔولیسده (درناتل‌رستاق) ـ ۳٦۰ .
امامزاده رشدان (درراه نوشابه‌میان‌کوه) ـ ۷۷ .
امامزاده‌رضا (در کچل‌ده میان‌رودسفلای نور) ـ ۳٤۷ .
امامزاده روح‌الله (دردینان امیری لاریجان) ـ ٤٥۰ .
امامزاده زین‌علی (در دهکدهٔ لوت بهرستاق) ـ ٤٥۹ .
امامزاده زکریا (درنوا) ـ ٤۲٦ .
امامزاده زکریابن‌رضی بن‌جعفر ـ۱۳۲.
امامزاده زین‌العابدین (در پایین محلهٔ

گرنا) ــ ۴۳۲ .
امامزاده‌سام (در کوس محلهٔ میانـرود نور) ــ ۲۹۹ .
امامزاده‌سپه سالاربن برهان بن‌محمدبـن حسین‌بـن امـام زیـن‌العابـدین علیه‌السلام ــ ۲۸۳ .
امامزاده‌سر (در گزنگ بالالاریجان) ــ ۴۳۵ .
امامزاده‌سر (در اراضی رینه) ــ ۴۱۸.
امامزاده سرجار (در کوهپر) ــ ۲۲۶.
امامـزاده سلطان سیدمحمدقـرشی (در امامزاده سرگزنـگ) ــ ۴۳۵ ــ ۴۳۶ .
امامزاده سه‌تن ــ ۱۳۶ .
امامزاده سیدحسین (در جنگل‌سازیك) ــ ۳۳۸ .
امامـزاده سیدحسین و سیدقـاسم (در پارجین کیلی‌کدیر) ــ ۱۸۴ .
امامزاده سیدرستم = بقعهٔ درویش‌رستم ــ ۱۳۱ .
امامزاده سیدزکریا (دردهکدهٔ اوزکلا) ــ ۲۵۹ .
امامزاده‌سیدعلی (در اراضی فیروزکلای پایین کجور) ــ ۱۸۱ .
امامزاده سیدقوام‌الدین (در دهکدهٔ کبود کلایه) ــ ۵۶ .
امامزاده سیدالوافی (در کـلارآباد) ــ ۹۶ .
امامزاده سیدولی (در اراضـی فیروز کلای بالای کجور) ــ ۱۸۲ .
امامزاده شاه‌رضا (در دهکدهٔ کرگاس) ــ ۸۹ .
امامزاده شیرین (در اراضی‌پشنك‌اسك) ــ ۴۱۴ .
امامزاده صالح (برکوه سوردارمیان بند نور) ــ ۳۶۵ .
امامزاده صالح و محسن وحسین (در دهکدهٔ یالو) ــ ۲۸۶
امامزاده طاهر و مطهر (در جنوب ــ شرقی دهکدهٔ سیب‌کلایه) ــ ۵۲ .
امامزاده طاهرین = امامـزاده طاهر و مطهر = بقعهٔطاهرومطهر (درهزار ــ خال‌کجور) ــ ۱۸۶ ــ ۲۰۴ .
امامزاده طیب و طاهـر ولدان امـام زین‌العابدین علیه‌السلام ــ ۲۵۲.
امامزاده عابدین‌بن امام زین‌العابـدین علیه‌السلام ــ ۲۵۱ .
امامزاده عابدین‌رضا (در دهکدهٔشنگلده امیری) ــ ۴۳۸ .
امامزاده عباس‌بـن اسماعیل بن‌مـوسی بن‌جعفر علیه‌السلام (در دهکـدهٔ لهر دلارستاق) ــ ۴۷۸ .
امامـزاده عبدالله (در سوردارمیان بند نور) ــ ۳۶۴ .
امامزاده عبدالله (در نوا) ــ ۴۲۶ .
امامزاده عبدالله (دراراضی‌شهرکجور) ــ ۱۷۲ .
امامزاده‌عبدالله (درکینج‌زانوس رستاق) ــ ۲۲۶ .
امامزاده عبدالله (دردهکدهٔ وانه‌امیری) ــ ۴۴۷ .
امامزاده عبدالله (دراطاق‌سرهٔ نمارستاق) ــ ۴۸۳ .
امامزاده عبدالله‌بن امام زین‌العابـدین

علیه‌السلام (دردهکدهٔ چل ــ ۲۹۸ .
امامزاده عبدالله‌بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام (در دهکدهٔ بندپی) ــ ۲۳۲ .
امامزاده عبدالله‌بن علی‌بن موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام (در کنارانگام) ــ ۴۲۴ .
امامزاده عبدالله‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام (در دهکدهٔ زیار) ــ ۴۰۷ .
امامزاده عبدالمطلب‌بن ابراهیم‌بن زید بن‌حسن مجتبی‌علیه‌السلام ــ ۴۸۴ ــ ۴۸۵ .
امامزاده عبدالمناف‌بن ابراهیم بن‌زیدبن حسن مجتبی علیه‌السلام (دردهکدهٔ عبدالمناف نمارستاق) ــ ۴۸۴ ــ ۴۸۵ .
امامزاده علی‌بن‌اسماعیل بن‌موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام (در دهکدهٔ لهر دلارستاق) ــ ۴۷۸ .
امامزاده علی‌بن عبدالله = فشنك‌آقا ــ ۴۱۳ ــ ۴۱۴ .
امامزاده علی‌رکن‌الدین‌و علی‌نورالدین ــ ۳۱۲ .
امامزاده علی‌عسکر (در اسك) ــ ۴۱۲ .
امامزاده علی‌موسی‌الرضا (دردهکدهٔسما) ــ ۱۲۴ .
امامزاده فضل‌الله (در دهکدهٔ سید کلای ناتل رستاق) ــ ۳۵۲ .
امامزاده فضل‌الله = پیرسیدور ــ ۱۶۲ .
امامزاده قاسم (در بالا خط‌گرنا) ــ ۴۳۳ .
امامزاده قاسم (در دهکدهٔ امیارده نائیج نور) ــ ۳۷۶ .
امامزاده قاسم (در پایین ورازده) ــ ۳۴۰ ــ ۳۴۳ .
امامزاده قاسم= امامزاده‌ابوالقاسم ــ ۲۸ .
امامزاده قاسم (در اراضی زوات‌غربی) ــ ۱۰۷ .
امامزاده کنانه‌بن هادی‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام ــ ۳۳۵ .
امامزاده قاسم‌بن حسن بن‌امام موسی الکاظم علیه‌السلام (در اسك) ــ ۴۱۲ .
امامزاده قاسم‌بن علی‌بن امام محمد باقر علیه‌السلام = چارسی آقا ــ ۳۶۱ .
امامزاده قوام‌الدین بن‌سید جلال‌الدین اشرف ــ ۴۰۶ .
امامزاده کنانه‌بن هادی‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام (در هفت‌تنان‌بهرستاق) ــ ۴۵۶ .
امامزاده مالك‌بن هادی بن‌امام موسی الکاظم علیه‌السلام (در هفت‌تنان بهرستاق) ــ ۴۵۶ .
امامزاده محمد (دردهکدهٔ نمار) ــ ۴۸۳ .
امامزاده محمد (در دهکدهٔ اسك) ــ ۴۱۳ .
امامزاده محمد (در اولا) ــ ۱۶۲ .
امامزاده محمد (بر سرراه شاه‌عباسی) ــ ۱۰۹ .
امامزاده محمد (در دهکدهٔ واچك گلیجان) ــ ۴۷ .
امامزاده محمدبن ابی‌بکربن علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام ــ ۳۰۱ .
امامزاده محمدبن بکربن علی‌علیه‌السلام

(در بوته‌ده) ـ ۳٤۸ .
امامزاده محمدبن امام موسی الکاظم علیه‌السلام ـ ۲۸۱ .
امامزاده محمدبن مطهربن مهدی‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام ـ ۲۸۵ .
امامزاده محمدبن‌موسی الکاظم علیه‌السلام (در دهکدهٔ خیرسر کجور) ـ ۲۲۹ .
امامزاده‌محمدطاهر (در امامزاده‌سررینه) ـ ۳۹۷ ـ ٤۱۸ .
امامزاده محمدو امامزاده ابراهیم‌پسران امام موسی الکاظم علیه‌السلام ـ ۲۸۸ .
امامزاده محمود = غریب آقا ـ ۳۲۲.
امامزاده محمودبن امام موسی الکاظم علیه‌السلام (در دوبلات) ـ ۲۹۹.
امامزاده محمودبن عبدالله‌بن امام علی‌النقی علیه‌السلام (در اوزنور) ـ ۲۵۸ .
امامزاده محمودبن امام موسی الکاظم علیه‌السلام (در نایهٔنور) ـ ۲٦۱.
امامزاده مختار (در دهکدهٔ فقیه آباد نشتا) ـ ۸۲ .
امامزاده معصوم‌بن هادی بن‌امام موسی الکاظم علیه‌السلام (در هفت‌تنان بهرستاق) ـ ٤۵٦ .
امامزاده موسی‌بن عون‌بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام ـ ۲۵٦ .
امامزاده نبی‌بن هادی‌بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام (در هفت‌تنان بهرستاق) ـ ٤۵٦ .
امامزاده نبی (در دهکدهٔ گزنك) ـ ٤۳۵.
امامزاده نعمت‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام ـ ۲۵۱ .
امامزاده نوح (در دهکدهٔ اندرور) ـ ۲۳۵ .
امامزاده نینوا (در بلدهٔ نور) ـ ۳۱۵.
امامزاده ولی‌بن‌هادی‌بن‌امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام (درهفت‌تنان‌بهرستاق) ـ ٤۵٦ .
امامزاده هادی‌بن امام زین‌العابدین مشهور به حقانی (درحسن کیف) ـ ۱۳۸ .
امامزاده هادی‌بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام (در دهکدهٔ زیار) ـ ٤۰۷ .
امامزاده هاشم (بالای بژم‌موشا) ـ ۳۹٦ .
امامزاده هفت‌تنان (در دهکدهٔ هفت تنان بهرستاق) ـ ٤۵۵ .
امامزاده یحیی (دربالا محلهٔ اسك) ـ ٤۱۲ .
امامزاده یحیی (در مسیر محلهٔ رینه) ـ ٤۱۸ .
امامزاده یحیی (در دهکدهٔ نیتل کجور) ـ ۲۰۹ .
امامزاده یحیی (در چلاجورببیرون بشم) ـ ۱۲٤ .
امامزاده یحیی (در دهکدهٔ تاکر) ـ ۳۰۹ .
امامزاده یحیی‌بن موسی بن‌جعفر علیه‌السلام (در نوا) ـ ٤۲۵ .
امامزاده یوسف‌بن یعقوب بن محسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام ـ

۲۷۵ ــ ۲۷۷ ــ ۲۹۰ ــ ۳۰۲ .
امام زمین ــ ۶۹ ــ ۷۰ .
امامقلی یوشی [حاجی‌ملا . . .] ــ ۲۵۲ .
امرای محلی گیلان ــ ۵۹ .
امرای ناصرود ــ ۵۹ .
امرج (از خاندانهای گیل کلاردشت) ــ ۱۲۶ .
امرج‌کلا (از دهکده‌های اسبچین) ــ ۹۱ .
امردها (بفتح الف و میم وسکون راء و دال) ــ ۶ ــ ۷ .
امره (از دهکده‌های نمارستاق) ــ ۴۸۲.
املا (سر راه لاسم به نوا) ــ ۴۱۱ .
امیارده = انبارده (از دهکده‌های نائیج نور) ــ ۳۷۶ .
امیرآباد (از دهکده‌های میانرود سفلای نور) ــ ۳۲۶ ــ ۳۴۹ .
امیرآباد (در اراضی کشکلستان) ــ ۶۵ ــ ۶۷ .
امیرآباد (در آب‌گرم بالالاریجان) ــ ۴۳۴ .
امیر اسعد (فرزند ارشد سپهدار اعظم) ــ ۶۰ ــ ۶۱ ــ ۶۶ ــ ۱۴۷ .
امیران گرجیان ــ ۳۸ .
امیرایнانج بیغو ــ ۷ .
۱۰۵ .
امیرچوپان (سردار قشون الجایتو) ــ
امیرحسین‌بن امیرداود (بانی صندوق مزار درویش‌تاج‌الدین حسن‌ولی) ــ ۴۲۳ .
امیرحسین کیا ابن‌امیرعلی (بانی در بقعهٔ درویش‌تاج‌الدین حسن‌ولی) ــ ۴۲۲ .
امیرخان بن شاه‌قبادخواجه‌وند ــ ۱۸۰.
امیرطوغان (از امرای الجایتو) ــ ۱۰۵ .
امیرقتلقشاه (از امرای الجایتو) ــ ۱۰۵ .
امیرکیا ملاطی [سید ...] ــ ۱۳۵ .
امیر مؤمن (از امرای الجایتو) ــ ۱۰۵.
امیر مصدق نوری ــ ۲۹۵ ــ ۳۱۵ ــ ۳۴۹ .
امیرمکرم = عباسقلی‌خان لاریجانی ــ ۴۱۴ .
امیر مکرم لاریجانی = محمدخان ــ ۴۳۷ .
امیری (از بخشهای لاریجان) ــ ۳۹۳. ۴۳۸ ــ ۴۴۰ ــ ۴۴۴ ــ ۴۴۵ ــ ۴۴۶ ــ ۴۴۷ .
امین حسینی [سید . . .] ــ ۲۳۱ .
امین‌الملك ــ ۳۸۴ ــ ۴۳۴ .
انارجار (در ناتل‌رستاق) ــ ۳۶۰ .
انبارده =امیارده ــ ۳۷۶ .
انجم (از نواحی بلدهٔ کجور) ــ ۲۳۷ .
انجمن آثار ملی ــ ۱۳۲ .
انجی (محلی برسرراه‌آزو به‌شونادشت) ــ ۴۳۲ .
انجیلا (از دهکده‌های بالالاریجان) ــ ۴۱۶ .
اندرور (از دهکده‌های بلدهٔ کجور) ــ ۱۳ ــ ۲۲۷ ــ ۲۳۵ .
اندرون تمیشه ــ ۸ .
اندره آس ــ ۶ .
اندریه (از دهکده‌های قرقان‌چای) ــ

. ٤٠٦
انگاس (ازدهکده‌های توابع کجور) — ١٧٦ — ٢٠٩ .
انگتارود (از رودهای میان‌رودبارپایین نور) — ٣٢٧ — ٣٤٩ — ٣٧٠.
انگتارود (از دهکده‌های نائیج) — ٣٧٠ .
انگران (ازدهکده‌های کوهستان‌غربی) — ١٠٢ .
انگرود (از دهکده‌های اوزرود) — ٢٦٨ .
انگریج (از خاندانهای گیل کلاردشت) — ١٢٦ .
انگمار (از نواحی بالاریجان) — ٣٩٣.
انگیل (ازدهکده‌های حومهٔ شهر کجور) — ١٧٦ — ١٧٧ .
انوشیروان (پادشاه ساسانی) — ١٥ .
انوشیروان‌خان اعتضادالدوله حاکم مازندران — ١٥٥ .
انهه (از دهکده‌های بالاریجان) — ٣٩٢ — ٤١٦ — ٤٢١ .
اوان (از دهکده‌های رودبار) — ٨١.
اوخواره (از نواحی بلدهٔ کجور) — ٢٣٧ .
اوز (از دهکده‌های نور) — ١٧٥ . ٢٤٤ — ٢٥٦ — ٢٥٨ .
اوز رود نور — ١٧٥ — ٢٤٣ — ٢٤٧ — ٢٤٨ — ٢٥٠ — ٢٥١ — ٢٥٢ — ٢٥٣ — ٢٥٤ — ٢٥٦ — ٢٥٩ — ٢٦١ — ٢٦٤ — ٢٦٦ — ٢٦٧ — ٢٦٨ — ٢٧٠ — ٢٧٢ — ٢٧٤ — ٤٩١ .
اوزکلا (از دهکده‌های اوزرود نور) — ٢٥٩ .
اوستا — ٦ .
اوشیان [آب . . .] — ٢٤ .
اوشیان‌رانکوه — ٢ — ٣ — ٢١ .
اولا (از مراتع کوهستانی کلارستاق) — ١٦٢ .
اولچ (برسر راه کمربن به‌نسن) — ٢٤٧ .
اولیاءالله آملی [مولانا . . .] — ٣٧ — ٥٨ — ١٦٤ — ١٧٩ — ١٩٩ .
اویر (اراضی زیر دهکدهٔ دونا) — ٢٤٧.
اویل (از دهکده‌های کجور) — ٢٢٦ .
اهرینه (از دهکده‌های بالاریجان) — ٣٩٢ .
اهلم — ١١١ .
اهلم رستاق — ٣٢٦ .
اهلم‌رود — ٣٢٩ — ٣٣٠ — ٣٣١ .
ایرا (از دهکده‌های بالاریجان) — ٣٩٢.
ایران — ٧ — ١٢٩ — ١٦٧ — ٣٧٨ .
ایرانیان — ٦ — ٧ .
ایزارود = ایزرود — ٢٤ .
ایزده = عزت‌ده — ٣٢٧ — ٣٣٠ — ٣٣١ — ٣٣٥ — ٣٦٩ .
ایزرود (ازرودهای تنکابن) = ایزارود = ازارود — ٢٤ .
ایزکی (از دهکده‌های جنده‌رودبار) — ٤٢ .
ایلکا = الیکا — ٢٤٧ .
ایوا (از دهکده‌های میانرودبالای‌نور) — ٣١١ — ٣١٢ .

ایوب‌بن عیص‌بن اسحاق — ۸۷ .
ایوب‌بن موجزبن تارخ — ۸۶ .

ب

بابا شجاع‌الدین (در دهکدهٔ پنجو نمارستاق) — ۴۸۷ .
بابل‌رود — ۹ — ۱۲ .
بابوحسین‌بن خواجه کمال‌الدین صوفی معروف به صالحانی — ۴۵۸ .
بابوده (از دهکده‌های بیرون‌بشم که امروز به‌غلط مرزن‌آباد گویند) — ۱۱۸ — ۱۵۵ .
بابوشاه‌بن جلال‌الدین نجار دماوندی — ۴۵۸ .
بابوکر (از خاندانهای ساکن نج) — ۳۱۴ — ۳۴۲ .
باد ارز (بفتح الف و راء) ، (از بادهای مازندران) — ۲۵ .
بادکوبه = باکو — ۸۱ .
بارتلد — ۱۱ .
بارفروش = بابل — ۹ — ۱۲ — ۳۲۹.
بارو — ۱۴۹ .
باری‌کلا (دهکده‌ای حومهٔ آمل) — ۳۱۲ .
بازار کوتی (ازدهکده‌های جل‌بندبن) — ۶۸ .
بازار نصیرالدوله شهریار — ۱۴۳ .
باعث (معصوم‌زاده‌ای در دهکده نج) — ۳۱۳ .
باغ امیراکرم (در محلهٔ شهسواران تنکابن) — ۵۴ .
باغ حکومتی خرم‌آباد تنکابن — ۲۷ .
باغ‌دشت (سرراه جوردی به قزوین) — ۴۰ .
باغ عباس‌آباد (دراسك) — ۴۱۴ .
باغ‌لوندر (دربالاریجان) — ۳۹۶ .
باغ‌ملك‌کاووس = باغ‌نو — ۲۹۶ .
باغ‌مولائی — ۶۷ .
باغن (ازخاندانهای ساکن پنچوی نمارستان) — ۴۸۲ .
باغ ناصری (=باغ‌حبیب‌الله‌خان‌ساعدالدوله درخرم‌آباد تنکانی) — ۲۷ .
باغ‌نو = باغ‌ملك‌کاووس (دربلدهٔ‌نور) — ۲۹۶ .
باقرفرهادی [مشهدی . . .] — ۶۴ .
باکو = بادکوبه — ۵۴ .
بالا اشکور — ۱ — ۷۰ .
بالابالان (ازنواحی سه‌هزار) — ۷۱ .
بالاخط‌گرنا — ۴۳۳ .
بالاخیابان (از بخشهای آمل) — ۳۲۶ .
بالاس (ازدهکده‌های سه‌هزار) — ۷۶ .
بالاشیرود گلیجان — ۴۵ .
بالاریجان — ۳۶۳ — ۳۷۷ — ۳۹۱ — ۳۹۲ — ۳۹۳ — ۳۹۴ — ۳۹۷ — ۴۰۰ — ۴۰۵ — ۴۰۷ — ۴۰۸ — ۴۱۲ — ۴۱۳ — ۴۱۵ — ۴۱۶ — ۴۱۷ — ۴۱۹ — ۴۲۰ — ۴۲۲ — ۴۲۴ — ۴۲۵ — ۴۳۲ — ۴۳۳ — ۴۳۴ — ۴۳۵ — ۴۸۲ .
بالامحله (ازمحله‌های دهکدهٔ‌نج) — ۳۱۳.
بالامحلهٔ اسك — ۴۱۲ .
بالامحلهٔ‌بتیرکلا — ۲۸۳ .
بالامحلهٔ‌نونل (ناندل) — ۴۷۷ .
بالاواز (ازدهکده‌های‌نائیج) — ۳۶۹ — ۳۷۴ .

بانك‌ملی ــ ۱٤۲ .

باوندیان ــ ۱۵ ــ ۱۹ .

بایجان ــ ٤۵٤ .

بایزیدبن استادمحمدنجار جیلاردی [استاد...] ــ ٤۲۲ .

بایزیدبن حاجی‌فولاد ــ ٤۲٦ .

بایه (ازخاندانهای ساکن‌رینه) ــ ٤۱۸ .

بایه‌محله (ازمحلات رینه) ٤۱۷ .

بتول خانم بنت‌آخوند ملاحسین ــ ۲٤٦ .

بتیرکلا (که‌به‌غلط بطاهرکلا گویند) ــ ۲۸۳ .

بحرالانساب ابومخنف‌لوط ــ ۲۷٦ .

بحرخزر = دریای‌خزر ــ ۲٦ .

بدی‌خیل (حومهٔ‌کجور) ــ ۱۷۸ .

بدیع‌الزمان میرزا ــ ۳۷۳ .

برار (از دهکده‌های‌بیرون‌پشم) ــ ۱۰۱ــ ۱۲٤ .

برامسر (ازدهکده‌های تنکابن) ٤٦ ــ ۷٤ .

بربری (ازخاندانهای ساکن مازندران) ــ ۱٤ .

برتولو (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ٤۰ .

برج بیامه‌سی (در اراضی امیرآباد آب‌گرم لاریجان) ــ ٤۱۵ ــ ٤۱٦ ــ ٤۳٤ .

برج‌گبری (نزدیك دهکدهٔ‌وانه) ــ ٤٤٦ .

برج‌گنبدسی (در شونادشت) ٤٤٤ .

برج‌نگهبانی ملك‌قلا ــ ٤٤٤ .

برج وحصار گالش‌محله ــ ۵۲ .

بردون = بردین ــ ۲۸۲ .

بردین=بردون (ازدهکده‌های کمررود) ــ ۲۸۱ .

برزگر (ازخاندانهای ساکن موشا) ــ ٤۱۷ .

برم‌موشا = کتل‌امامزاده‌هاشم ــ ۳۹۵ ــ ۳۹٦ ــ ۳۹۹ ــ ٤۰۱ .

برسی‌بور (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ٦۵ .

برسفردلوات [لیوتنان‌کلنل . . .] ــ ۱۵۸ .

بردوش (اراضی اطراف اطاق‌سرای‌نج) ــ ۳۱۳ .

بستك (کاروانسرا و قهوه‌خانه‌ای‌درلار) ــ ۲۸۷ ــ ۳۷۷ .

بسطام (ازدهکده‌های کجور) ــ ۲۲٦ .

بشربن نصرالله‌تیره‌گر ــ ۱۵۳ .

بشم‌کلاردشت ــ ۱۰۱ .

بغداد ــ ۸٤ .

بقعهٔ‌آقاسیدابراهیم (نزدیك دهکدهٔ‌کرات کوتی) ــ ٤۸ .

بقعهٔ‌آقاسیدجلال (از نواده‌های امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام) ــ ٤٤ .

بقعهٔ‌آقاسیدحبیب‌الله (دردهکدهٔ‌میانرود) ــ ٤۹ .

بقعهٔ آقاسیدحسن‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام (در دهکدهٔ چاك) ــ ۳۹ .

بقعهٔ آقاسیدحسین‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام (در دهکدهٔ پایین شیرودگلیجان) ــ ٤۵ .

بقعهٔ آقاسیدرضا (دردهکدهٔ بالا شیرود) ــ ٤۵ .

بقعهٔ آقاسیدعلی‌کیا (در دهکدهٔ مزرك خرم‌آباد) ــ ۵۵ .

بقعهٔ آقاسیدمحمد (در اراضی اسچپین) ــ

. ۹۱

بقعهٔ آقاشیرعلی (در دهکدهٔ میان ناحیهٔ خرم‌آباد) ــ ٦٤ .

بقعهٔ آقاعبدالرضا (=عبدالرزاق) (= عبدالله‌رضا) ــ ١١٩ .

بقعهٔ آقامیرابوطالب (در دهکدهٔ خشك‌ــ رود) ــ ٥٢ .

بقعهٔ آقامیرسبحان (در دهکدهٔ تیمجانك گلیجان) ــ ٤٤.

بقعهٔ احمدرضا وزینب‌رضا ــ ١٤٨ .

بقعهٔ اسه‌تاشان ــ ٢ .

بقعهٔ اشکونه‌کوه (در راه‌ییلاق‌جوردی)ــ . ٤٣

بقعهٔ امامزاده ابراهیم‌معروف به دنگاسی ــ . ٢٢٠

بقعهٔ امامزاده اسماعیل (در دهکدهٔ فیروزآباد پنجك‌رستاق) ــ ٢٢٥ .

بقعهٔ امامزاده زید (در دهکدهٔ فیروزآباد پنجك‌رستاق) ــ ٢٢٥ .

بقعهٔ امامزاده‌یوسف و امامزاده محسن (در اراضی ناسنگ‌کجور) ــ ٢١٣ .

بقعه‌ای از سادات کیایی در شمال حمام رامسر ــ ٣٥ .

بقعهٔ ایزکی (درجنده‌رودبار) ــ ٤٢ .

بقعهٔ ایوب پیغمبر (دردهکدهٔ بندبن) ــ . ٨٦

بقعهٔ پوتك (درپشت‌توبن سخت‌سر) ــ٤١.

بقعهٔ پیردرویش (در دهکدهٔ فیروزآباد پنجك‌رستاق) ــ ٢٢٥ .

بقعهٔ تورار ــ ٢ .

بقعهٔ جل‌آخوند محله ــ ٥٣ .

بقعهٔ جمشید کیاسلطان (درهسل‌او درنایه) ــ

. ۲٦٧

بقعهٔ حسن‌شهید (در شهرکجور) ــ١٧٢.

بقعهٔ حمزه‌رضا (درکوشك‌سرای‌چالوس) ــ . ١١٦

بقعهٔ خالق‌شیوب (درشهر کجور) ــ . ١٧٢

بقعهٔ خواجه‌کلا ــ ١٦٢ .

بقعهٔ دانیال پیغمبر (در دهکدهٔ دانیال) ــ . ٩٣

بقعهٔ درویش‌امیر (در اراضی ناسنگ لاشك کجور) ــ ٢٠٩ ــ ٢١٢.

بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن‌ولی (درنیاك بالالاریجان) ــ ٤٢٢ .

بقعهٔ درویش‌رستم (در اطاق‌سرای زانوس) ــ ٢٢٢ ــ ٢٢٤ .

بقعهٔ درویش رستم (در دهکدهٔ‌تورسو) ــ . ١٣١

بقعهٔ درویش شهراگیم (در اطاق‌سرای زانوس کجور) ــ ٢٢٢ ــ ٢٢٤ .

بقعهٔ درویش‌علی ــ ٢٠٩ .

بقعهٔ دریاپشته (درسخت‌سر) ــ ٤١ .

بقعهٔ دهکدهٔ آرود ــ ٧٨ .

بقعهٔ دهکدهٔ پی‌چلو (حومهٔ کجور) ــ . ٢٢٦

بقعهٔ دهکدهٔ تراز ــ ٧٨ .

بقعه دهکدهٔ سوتك‌لیره‌سر ــ ٦٧ .

بقعهٔ دهکدهٔ شهرستان سه‌هزار ــ ٧٨ .

بقعهٔ دهکدهٔ قاضی‌محله ــ ٧٨ .

بقعهٔ دهکدهٔ لشتو ــ ٥١ .

بقعهٔ دهکدهٔ لیگوش ــ ٢٢٦ .

بقعهٔ دهکدهٔ نرس ــ ٧٧ .

بقعهٔ دهکدهٔ نورآباد ــ ٥١ .

بقعهٔ دهکدهٔ هرات‌بر خرم‌آباد — ۶۷ .
بقعهٔ سام و لام — ۲ .
بقعهٔسوری — ۳ .
بقعهٔسید احمد (دردهکدهٔ نیچکو از دهکده‌های میخساز کجور) — ۲۱۶.
بقعهٔ سیدحسین — ۹۲ .
بقعهٔ سیدسعدبن‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام (در یاسل نور) — ۲۷۲— ۲۷٤ .
بقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه (دراسپچین)— ۹۰ .
بقعهٔ سیدعلی کیا (درپایین بلدهٔ خرم‌آباد)— ۵۷ .
بقعهٔ سیدقوام‌الدین (در شونادشت) — ٤٤٦ .
بقعهٔ سیدمحمد (در تالش‌محلهٔسخت‌سر)— ۲۹ .
بقعهٔ سیدمحمد از سادات‌حسینی —۱۰۷.
بقعهٔ سیدمحمدبن امام جعفر الصادق علیه‌السلام (در گویتر) — ۱۲۳ .
بقعهٔ سیدمحمدطاهر (در پایین بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن) — ۵۷ .
بقعهٔ سیدمرتضی (درکنار انگام‌بالا لاریجان) — ٤۲٤ .
بقعهٔ سید مرتضی (در دهکدهٔ پرچین — پشته) — ۶۷ .
بقعهٔ سیدمصطفی (درکنار انگام بالالاریجان) — ٤۲٤ .
بقعهٔ سیده‌زبیده (دربلدهٔ خرم‌آباد) — ۵۷ .
بقعهٔ سیده زبیده خاتون (در دهکدهٔ سیاورز خرم‌آباد) — ۶۳ .
بقعهٔ شاه رشید (برسر قلهٔ داغ‌کوه)— ۸۰ .
بقعهٔ شاهزاده ابراهیم معروف به شاه‌ناجر — ۲۰۷ .
بقعهٔشاهزاده‌ابوالقاسم (درشاه‌دارسن‌نایه) — ۲۶۷ .
بقعهٔ شاه‌سفیدکوه — ۱ .
بقعهٔ شاه‌علمدار — ۲ — ۱۲٤ — ۱۲۵— ۱۶۱ .
بقعهٔ شاهمراد محلهٔ گلیجان — ۵۲ .
بقعهٔ شاه‌منصورمحلهٔ رامسر — ٤۲ .
بقعهٔ شیخ‌احمد (در دهکدهٔ دوران اوشیان) — ۳ .
بقعهٔ شیخ‌سلطان‌احمد = شیخ‌احمدنوری— ۲۹۰ — ۲۹۱ — ۳۰۲ .
بقعهٔ صالح‌بن‌علی (در گلستان‌محله) — ۷۵ .
بقعهٔ طاهرومطهر (در دهکدهٔهزارخال)— ۱۸۶ .
بقعهٔ عوج‌بن‌علی (درپایین‌اشتوج) — ۷۷ .
بقعهٔ فخرالوصی (در دهکدهٔ فشکور)— ۱٤٤ .
بقعهٔ فضل‌وفاضل (در دهکدهٔ کندلوس کجور) — ۲۱٤ .
بقعهٔ فضل وفاصل (بربالای‌کوه‌زردك)— ۲ — ۱٤۵ — ۱۵۰ .
بقعهٔ فقیه‌محلهٔ گلیجان — ٤۷ .
بقعهٔ فیروزکوه — ۲ .
بقعهٔ کهنه‌میانده (نزدیك دهکدهٔجنگ‌سرا) — ٤۲ .
بقعهٔ گالش‌محلهٔ گلیجان — ۵۳ .

بقعهٔ گردکول ــ ۲ .
بقعهٔ گلدسته (دردهکدهٔ برامسر گلیجان) ــ ۴۷ .
بقعهٔ مظفرسلطان (در میانده دلارستاق) ــ ۴۷۷ .
بقعهٔ ملاخروشه ــ ۲ .
بقعهٔمیرشمس‌الدین (دردهکدهٔ ولی‌آباد) ــ ۶۷ .
بقعهٔ میرشمس‌الدین (در مرتع اوجاله ناندل) ــ ۴۷۷ .
بقعهٔ نورالدین‌محلهٔ گلیجان ــ ۵۳ .
بقعهٔ نورزاده خانم ــ ۵۶ .
بقعهٔ یوسف‌رضا (در گورستان عمومی چالوس) ــ ۱۱۴ .
بکربن عبدالعزیزبن ابی‌دلف عجلی ــ ۱۰۴ ــ ۳۶۰ .
بل (از دهکده‌های اوزرودنور) ــ ۲۷۴.
بلده (مرکزنور) ــ ۱۷۶ ــ ۲۴۴ ــ ۲۹۰ ــ ۲۹۴ ــ ۲۹۵ ــ ۲۹۹ ــ ۳۰۲ ــ ۳۱۵ ــ ۳۷۲ ــ ۳۷۸ ــ
بلده = قلعه گردن = خرم‌آباد ــ ۵۵ ــ ۵۷ ــ ۵۸ ــ ۷۰ ــ ۹۹.
بلده‌بالا (درخرم‌آباد) ــ ۶۴ .
بلدهٔ کجور = شهرکجور ــ ۲۲۷ ــ ۲۳۵ ــ ۲۳۷ ــ ۲۳۸ .
بلوچ = بلوچها ــ ۱۳ ــ ۱۴ .
بلوچستان ــ ۱۴ ــ ۲۷۱ .
بلوك‌سفلی = پایین لاریجان ــ ۳۹۳ .
بلوك‌علیا = بالالاریجان ــ ۳۹۲ .
بلوك‌فریم ــ ۱۲ .
بلوك‌نور ــ ۳۳۰ .
بنار (به تشدیدنون) ، (نام عمومی خاندانهای ساکن لهر) ــ ۴۶۴.
بنار (= بندار) از خاندانهای ساکن کیان ــ ۴۶۵ .
بناهای شاه‌عباسی ــ ۴۳۳ .
بناهای قدیمی جنگل اسپچین ــ ۹۰ .
بناهای قدیمی (در اراضی لوس در فیروزکلای بالاحومهٔ کجور) ــ ۱۸۳ .
بناهای مسکونی امیراسعد ــ ۷۲ .
بنائی چهارگوشه در اراضی سراپردهٔ بلده ــ ۲۹۷ .
بنائی قدیمی بر قلهٔ آزاد کوه ــ ۲۵۶ .
بنائی قدیمی برقلهٔ بیه‌غوره ــ ۹۵ .
بنائی قدیمی در بیسرکودهٔ گلیجان ــ ۵۲ .
بنائی قدیمی در توت‌باغك‌جیسا ــ ۹۷.
بنائی قدیمی در دوآب دهکدهٔ یالو ــ ۲۸۷ .
بنائی قدیمی در کلیك ــ ۹۷ .
بنت شاه‌کاوس ــ ۳۶ .
بند بریده ــ ۴۰۰ ــ ۴۵۱ .
بندبن (از نواحی تنکابن) ــ ۶۸ .
بندبن (از دهکده‌های‌لنگا) ــ ۸۶ .
بندپی (از نواحی دشت‌کجور) ــ ۱۶۵ ــ ۲۳۲ .
بندپی‌ای (از خاندانهای ساکن امرهٔ نمارستاق) ــ ۴۸۲ .
بندهشن ــ ۶ .
بنگاشی (ازخاندانهای‌ساکن مازندران) ــ ۱۴ .
بنه‌لس (از خاندانهای ساکن امرهٔ نمارستاق) ــ ۴۸۲ .

بنی‌العباس ــ ۱۰۳ ــ ۱۰٤ ــ ۱۰۵.
بوته‌ده (از دهکده‌های ناتل‌رستاق‌نور) ــ ۳٤٦ ــ ۳٤۸ .
بورآباد = بورود ــ ۱۰٤ .
بورود = بورآباد ــ ۱۰٤ ــ ۱۱۲ .
بوره‌سر (از دهکده‌های کلارستاق) ــ ۱۱۵ .
بولتن فدراسیون کوهنوردی ــ ۲۳۲.
بومهن ــ ۳۷۷ .
بهائیان ــ ۳٤٤ .
بهان (از دهکده‌های قزقان‌چای) ــ ٤۰٦ .
بهرام ــ ٤۰۵ .
بهرام چهارم پادشاه ساسانی ــ ۱۲۹.
بهرامده ــ ۱٦٤ .
بهرستاق (از بخشهای لاریجان) ــ ۳۹۳ ــ ٤۵۵ ــ ٤۵۹ ــ ٤٦۲.
بهین (از خاندانهای‌ساکن سوآ) ــ ٤۸۲.
بی‌بی‌شهربانو ــ ٤۱٤ .
بیت‌تاکر (مولد میرزاحسینعلی بهاءالله) ــ ۳۱۰ ــ ٤۹۲ .
بیت‌دارکلا (محل‌قشلاق‌نشین پدری‌میرزا حسینعلی بهاءالله (در دارکلای ناتل‌رستاق نور) ــ ۳٤٤ .
بیجده‌نو (ازدهکده‌های کوهستان‌غربی) ــ ۱۰۲ .
بیرون‌بشم (از نواحی کوهستانی کلارستاق) ۱۰۱ــ۱۱۸ ــ ۱۱۹ــ ۱۲۳ ــ ۱۲٤ ــ ۱۳٤ ــ ۱٦۵ــ ۱۸۱ .
بیرون‌تمیشه ــ ۸ .
بیژن‌گیوان ــ ۳۷۸ .
بیستون‌بن گستهم استندار (پدر ملک کیومرث) ــ ۱۸۸ ــ ۱۹۲ ــ ۱۹۵ــ ۱۹٦ ــ ٤٤۰ .
بیستون‌بن‌ملک جهانگیر ــ ۳۷۲ ــ۳۷۳.
بیسرکوده (موضعی‌در گلیجان تنکابن) ــ ۵۲ .
بیلار (از خاندانهای ساکن ناندل) ــ ٤٦٤ .
بیه‌غوره (در جنگل وشکه‌سرا) ــ۹۵.

پ

پارجین کیلی (از اراضی کدیر) ــ ۱۸٤ .
پاسگاه ژاندارمری عباس‌آباد ــ ۸۳ .
پاشابن تهمراس بکشاه جمشید (معمار و پیشکار نیای‌شاه‌بالو) ــ ۳٤۵ .
پادشاهان ایران ــ ۱۳ .
پادشاهان طبرستان ــ ۱٤ .
پادوسبانان ــ ۱۵ .
پالوژده (از دهکده‌های دشت‌کجور) ــ ۱۱٦ .
پای‌دشت ــ ۱٦٤ .
پای‌کندوان ــ ۱۵٤ .
پای‌هزارچم ــ ۱۵۵ .
پایین اشتوج (از دهکده‌های دوهزار) ــ ۷۷ .
پایین‌بالان (از نواحی سه‌هزار) ــ۷۱.
پایین‌بلده خرم‌آباد ــ ۵۷ .
پایین خیابان (از نواحی آمل) ــ ۳۲٦ .
پایین شیرود گلیجان تنکابن ــ ٤۵ .
پایین‌قلهٔ توچال ــ ۱۵٤ .

پایین لاریجان = بلوك سفلی — ۳۹۳— ۳۹۴ — ۴۵۹ .
پایین‌مازو (سر راه رامسر به جوردی) — ۴۰ .
پایین‌محله (از محله‌های دهکدهٔ نج)— ۳۱۳ .
پایین‌محلهٔ دزدك — ۲۳۳ .
پایین‌محله گرنا — ۴۳۲ .
پایین میان‌کوه (از نواحی دوهزار) — ۷۰ .
پایین‌واز (از دهکده‌های نائیج) — ۳۶۹ — ۳۷۱ — ۳۷۵ .
پایین ورازده (از دهکده‌های ناتل — رستاق نور) — ۳۴۲ .
بتشخوارگر = پدشخوارگر — ۷—۸ .
پدشخوارگر =بتشخوارگر — ۱۴ .
پرامکلی (از نواحی بلدهٔ کجور) — ۲۳۷ .
پرچین‌پشته (از دهکده‌های خرم‌آباد)— ۶۷ .
پردسر (از نواحی دوهزار) — ۷۱ .
پردنگون (از دهکده‌های بیرون‌بشم)— ۱۱۹ — ۱۲۲ .
پری بنت‌حسین‌کمانگر — ۳۰۰ .
پری بنت‌کیاسیف آرویج — ۲۱۷ .
پسران اسکندر — ۱۶ .
پسران کاووس — ۱۶ .
پس‌قلار (کوههای جنوب شرقی تپهٔ — کلار) — ۹۶ .
پکی‌باغ (از دهکده‌های لنگا) — ۹۰ .
پل‌آجری (در دهکدهٔ لپاسر) — ۴۶.
پل‌آجری (سرراه نسیه‌محله‌به‌فقیه‌محله) — ۴۶ .
پل‌آجری رودخانهٔ سولده= پل‌آجری سه‌چشمه در دهکدهٔ سولده) — ۳۲۸ — ۳۳۰ — ۳۳۵ .
پل آجری سه‌چشمه در دهکدهٔ سولده = پل‌آجری رودخانهٔ سولده — ۴۹۵ .
پل‌آینه‌بندان — ۱۵۴ .
پل اوشان — ۱۵۵ .
پل بامسی — ۴۳ .
پل پای‌کتل — ۴۰۱ .
پل پلور — ۳۷۸ .
پلت داربن (از نواحی دوهزار) —۷۰.
پلت‌هال (از دهکده‌های سه‌هزار) — ۷۱ .
پل رباط — ۴۷۸ .
پلریه (از دهکده‌های نمارستاق) — ۴۸۱ .
پل زغال (در اراضی کجور) — ۱۶۳— ۲۲۶ .
پل زنگله — ۲۴۳ — ۲۴۷ .
پلستان (از نواحی چلندر) — ۲۳۲ .
پل سنگی (در شمال دهکدهٔ علی‌آباد نائیج) — ۳۷۶ .
پل‌شاه‌عباسی (بر رودخانهٔ لار) — ۴۰۴ .
پل شوراوئك — ۱۵۴ .
پل قلابن (میان قهوه‌خانهٔ بایجان و آب‌گرم استراباکو) — ۴۵۴ .
پل کرات = پل ناصری — ۱۶۷ .
پل لیشام — ۱۰۴ — ۳۵۹ — ۳۶۰.
پل مون — ۴۲۱ .
پل ناصری = پل کرات — ۱۶۷ .

پلهای قدیم‌رودخانهٔ لاسم ـــ ٤٠٨ .
پلنگ‌آباد (از دهکده‌های نشتا) ـــ۹۸.
پلنگ‌آبرود (از رودهای تنکابـن) = پلنگ‌رود ـــ ۲۱ .
پلنگ‌رود = پلنگ‌آبرود ـــ ۲٤ ـــ۲٦.
پلنگ‌کلا (از دهکده‌های لنگا) ـــ ۹۸ .
پلور ـــ ۳۸۹ ـــ۳۹۳ـــ ۳۹٦ ـــ ۳۹۷ـــ ٤۰۰ ـــ ٤۰۲ ـــ ٤۰۳ ـــ٤۰٤ ـــ ٤۰٥ ـــ ٤۰٦ .
پله‌ای چشمه‌سر (موضعی برسرراه زوات به کلاردشت) ـــ ۱۰۹ .
پلی از سنگ‌وساروج (نـزدیك انتهای تنگهٔ بندبریده) ـــ ٤٥٤ .
پلی سنگی برروی ولم‌رود ـــ ٦۸ .
پلی قدیمی (در پایین دهکـدهٔ ولاشد میانرود نور) ـــ ۳۰۱ .
پلی‌قدیمی (در درهٔ نمارستاق) ـــ ٤۸۷ .
پنجك‌رستاق (ازنواحی کجور)ـــ۱٦٥ـــ ۲۲٥ ـــ ۲۲٦ .
پنجو=پنجاب(ازدهکده‌های نمارستاق)ـــ ٤۰۱ ـــ ٤۸۱ ـــ ٤۸۲ ـــ ٤۸۷ .
پول (از دهکده‌های کجور) ـــ ۲۱۳.
پولاد (از خاندانهای ساکن‌دهکـدهٔ در کنار نمارستاق) ـــ ٤۸۲ .
پولادتنگه ـــ ۲۹٥ ـــ ۲۹٦ .
پولادکوه ـــ ۱٤۹ .
پهلوی ـــ ٦ ـــ ۷ .
پیازچال ـــ ۱٥٤ .
پی‌اسپرس (از دهکده‌های کالـج) ـــ ۱۸۳ .
پیت حمام‌سر ـــ ۳۰۱ .
پیج (از طوایف مازندران) ـــ ۱۸٥ .
پیجده (از دهکده‌های‌نور) ـــ ۱۸٥ ـــ ۲٦۷ .
پیجده‌نو (=بیجده‌نو) ـــ ۱٤٥ .
پیچلو (از دهکده‌های کجور) ـــ۲۲٦.
پی‌ده (از دهکده‌های زانوس رستاق)ـــ ۲۱۷ .
پی‌دره (اراضی نزدیك دولت‌آباد) ـــ ۳۷۰ .
پیرسیدور (= پیـرسیته‌ور = پیرسید اعور) =امامزاده فضل‌الله ـــ۱٦۲.
پیروزساسانی ـــ ۱٥ .
پیروز نجاربن شمس‌نجار ـــ ۳۲۱ .
پیروسری (از خاندانهای ساکن‌میانده)ـــ ٤٦٤ .
پیریاله=امامزاده یحیی‌بن موسی‌بن جعفر (در نوا) ـــ ٤۲٦ .
پیست آبعلی ـــ ۳۹٥ .
پیشنبور (از دهکده‌های کلاردشت) ـــ ۹٥ ـــ ۱۳۷ .
پی‌قلا (در جنوب غربـی فشکور) ـــ ۱٤٥ .
پی‌قلا (در کلاردشت) ـــ ۱۳٤ ـــ۱۳۷.
پی‌کلا (از دهکده‌های بلدهٔ کجور) ـــ ۲۳٥ .
پییل (از دهکده‌های‌نور) ـــ ۲۲۱ ـــ ۲٥۰ ـــ ۲٥۱ .
پیمد (= پیمت) (از دهکده‌های میان ـــ بند نور) ـــ ۳۲٦ ـــ ۳٦۱ .

ت

تاج‌الدین‌کلا (از دهکـده‌های بلـدهٔ کجور) ـــ ۲۳٦ ـــ ۲۳۷ ـــ۲۳۸.

تاریخ‌بن عیص‌بن اسحاق ــ ۸٦ .
تاریخ‌ابن اسفندیار = تاریخ طبرستان ــ ۲۳٤ .
تاریخ‌خانی ــ ۳۷۲ .
تاریخ خواجه‌علی رویانی ــ ۱٤٤ .
تاریخ رشیدی ــ ۱۰۵ .
تاریخ رویان‌تألیف‌مولاناأولیاءالله آملی ــ ۱٦٤ ــ ۱٦۵ ــ ۱۸٤ .
تاریخ طبرستان تألیف بهاءالدین محمد کاتب = تاریخ‌بن اسفندیار ــ ۱۷۹ ــ ۲٤۱ .
تاریخ گیلان و دیلمستان تألیف سیدظهیرالدین مرعشی ــ ۸٤ ــ ۸۵ ــ ۱۸٦ .
تاریخ‌مازندران تألیف مهجوری ــ ۱٦۰ .
تازه‌آباد (ازدهکده‌های‌تنکابن) ــ ۹۲ ــ ۱۱۵ .
تاکر (از دهکده‌های میانرودبالای‌نور) ــ ۳۰۹ ــ ۳۱۰ ــ ۳۱۱ ــ ٤۹۲ ــ ٤۹۳ .
تالار [رودخانهٔ . . .] ــ ۹ ــ ۱۲ .
تالش (از طوایف ساکن تنکابن) ــ ۲۲ .
تالش‌خیل (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۸۹ ــ ۹۸ .
تالش‌محلهٔ سخت‌سر ــ ۲۹ .
تبرسو = تورسو ــ ۱۳٤ .
تبیجه‌گردن ــ ۷٦ .
تپورستان = طبرستان ــ ۷ ــ ۱۸ .
تپهٔ‌امسی‌یك (طرف‌قبلی جنگل سازیك) ــ ۳٤۰ .
تپه‌ای‌قدیمی درجنوب غربی‌منوچهرکلا ــ ٤۹۰ .
تپه‌ای قدیمی‌درغرب تپهٔ‌کاسه‌گرمحله ــ ٤۹۰ .
تپهٔ سرحمام (در شهرکجور) ــ ۱۷۵ .
تپهٔ سرکش‌پلور ــ ٤۰۵ .
تپهٔ قوشخانه (درلارقصران) ــ ۳۸۳ .
تپهٔ کارکو (درخشك‌رود گلیجان) ــ ۵۲ .
تپهٔ کرات‌چاك ــ ۹۵ .
تپهٔ‌کلار (درباغ چای‌ساعدالممالك) ــ ۹٦ .
تپهٔ‌گومغزدوش ــ ۱۳۵ .
تپهٔ مروانك (درجنوب شرقی پلور) ــ ٤۰۳ .
تپهٔ نقارخانه (درلارقصران) ــ ۳۸۸ .
تپه‌های جنوبی قلعه‌گردن ــ ٦٤ .
تپیرها ــ ٦ ــ ۷ .
تترستاق‌نور = ترتیه‌رستاق ــ ۲٤۳ ــ ۳۱٦ ــ ۳۱۷ ــ ۳۲۲ ــ ۳۲۳ .
تجارباکو ــ ۵٤ .
تجن [رود . . .] ــ ۹ ــ ۱۲ .
تجن‌کلا (از دهکده‌های کلارستاق) ــ ۱۱۵ .
تخت‌سلیمان (از کوههای دوهزار و سه‌هزار) ــ ۲۸ ــ ۱۲٦ .
تخته‌پل‌نیاك ــ ٤۲۲ .
ترت (از اراضی دهکدهٔ‌رزن) ــ ۳۲۳ .
ترتیه‌رستاق = تترستاق ــ ۳۱٦ .
ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ــ ۱۷۷ .
ترجی = توجی = برجی (از شهرهای ساحلی) ــ ۱۰ .
ترخان‌ده = میناك ــ ۱۷٦ .

ترک‌رود (ازرودخانـه‌های تنکابن) ـ ۲۱ ـ ۲۳ ـ ۲۴ .
ترکها ـ ۱۳ .
تشکون (ازدهکده‌های‌خرم‌آباد) ـ ٦٤ ـ ۹۸ .
تقویم‌طبری ـ ۱۸ .
تکیه‌ای‌قدیمی در دهکدهٔمیناك ـ ۲۵۲ .
تکیهٔ بالای بلدهٔنور ـ ۲۹۳ .
تکیهٔپائین بلدهٔنور ـ ۳۱۵ .
تکیهٔ تاکر (در دهکدهٔ تاکرمیانرود بالای نور) ـ ۳۰۹ .
تکیهٔحاجی‌یحیی‌خان‌نوری (درچمستان) ـ ۳۳۸ .
تکیهٔ دهکدهٔلاسم ـ ٤۱۰ .
تکیهٔ دهکدهٔنوا ـ ٤۲۷ .
تکیهٔدهکدهٔ یالو ـ ۲۸٦ .
تکیهٔمیانده ـ ٤۷۷ .
تکیه‌مین‌باشیان دربلدهٔنور ـ ۳۱۵ .
تکیهٔنج ـ ۳۱۳ .
تلوچال (درکلاردشت) ـ ۱۳٤ .
تلوسرك (از دهکده‌های خرم‌آباد) ـ ٦٤ .
تلهٔدوهزار (برسرراه‌دوهزار) ـ ۷۰ .
تمل (ازدهکده‌های بالاشکور) ـ ۱ ـ ٤۰ .
تمیشان ـ ۳٦۵ .
تمیشه ـ ۸ ـ ۱٦ .
تنکابن ـ ۱ ـ ۹ ـ ۱٤ ـ ۲۱ ـ ۲۲ ـ ۲۳ ـ ۲٤ ـ ۲۵ ـ ۲٦ ـ ۲۷ ـ ۲۸ ـ ۲۹ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ ۳۹ ـ ٤٤ ـ ٤۵ ـ ٤٦ ـ ٤۷ ـ ٤۸ ـ ٤۹ ـ ۵۰ ـ ۵۱ ـ ۵٤ ـ ۵۵ ـ ۵٦ ـ ۵۷ ـ ۵۸ ـ ۵۹ ـ ٦۰ ـ ٦۲ ـ ٦۳ ـ ٦٤ ـ ٦۵ ـ ٦٦ ـ ٦۷ ـ ۷۷ ـ ۷۸ ـ ۷۹ ـ ۸۰ ـ ۸۱ ـ ۸۲ ـ ۸۳ ـ ۸۵ ـ ۸٦ ـ ۸۸ ـ ۸۹ ـ ۹۰ ـ ۹۱ ـ ۹۳ ـ ۹٤ ـ ۹۵ ـ ۹٦ ـ ۹۷ ـ ۹۸ ـ ۹۹ ـ ۱۳٦ ـ ۱۳۷ ـ ۱۷۰ ـ ۳۷۲ ـ ۳۷۳ ـ ٤۸۹ .
تنگ‌درور ـ ۱۵٤ .
تنگ‌سر (از دهکده‌های‌نائیج) ـ ۳۹٦ .
تنگه (ازدهکده‌های لاویج) ـ ۳۲۷ .
تنگهٔآبشار (تنگه‌ای در شونادشت) ـ ٤٤۱ .
تنگهٔانگمار (در بالااریجان) ـ ۳۹۳ .
تنگهٔبندبریده ـ ٤۵۱ ـ ٤۵٤ .
تنگهٔدرهٔ جوردی ـ ٤۳ .
تنگهٔرودبارك (درنائیج‌نور) ـ ۳۷٤ .
تنگهٔشونا ـ ٤٤۳ .
تنگهٔ نهررودبار ـ ۱۷۵ ـ ۱۷۷ .
توابع (آبادیهای کناردوهزار وسه‌هزار تنکابن) ـ ۲۲ .
توابع‌کجور ـ ۱٦۵ ـ ۱۸۰ ـ ۱۸۱ ـ ۲۰۰ ـ ۲۰۹ .
توبن ـ ٦۹ ـ ۷۰ .
توبن سخت‌سر ـ ٤۱ .
توت‌باغك (از اراضی جیسا) ـ ۹۷ .
توحیر = تویر ـ ۱٦ .
تورانیان ـ ۸ .
تـورسو = تبـرسو (از دهکـده‌هـای کلاردشت) ـ ۱۳۱ .
توساکله (از دهکده‌های خـرم‌آباد) ـ ٦٤ .

توسکابن (سربندلاویج‌رود) ــ ۳۳۸ .
توکله (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۹۸ .
توملج ــ ۵۹ .
تونلی‌قدیمی میان‌نیاك‌ومون ــ ۴۲۱ .
تویر = توحیر (از دهکده‌های کوهستان غربی) ــ ۱۰۲ ــ ۱۵۰ ــ ۱۵۹ ــ ۱۶۰ ــ ۱۶۲ .
تهران ــ ۱۳ ــ ۲۳ ــ ۲۳۶ ــ ۳۰۲ ــ ۳۷۸ ــ ۴۰۴ .
تی‌تی (همشیرهٔ‌یوسف‌بن ابراهیم‌عربیشاه) ــ ۲۱۹ .
تی‌تی‌فاطمه استی‌گیلان ــ ۳۰۶ .
تیرسا (به‌تشدیدسین،ازدهکده‌های‌تترستاق نور) ــ ۲۴۳ ــ ۳۱۶ ــ ۳۱۷ ــ ۳۲۲ .
تیرکده (از دهکـــده‌هـــای کجه‌رستاق کجور) ــ ۴۹۰ .
تیرگر (ازخـــانـــدانهای ساکـــن کفای نمارستاق) ــ ۴۸۱ .
تیرهٔ‌تترستاق ــ ۳۶۹ .
تیلارود (ازرودهای تنکابن) ــ ۲۳ ــ ۲۴ .
تیمجانك‌گلیجان تنکابن ــ ۴۴ .
تیمور [امیر . . .] ــ ۱۶ ــ ۴۵ ــ ۱۲۶ .
تیمورخان ولدشیرمحمدخان خواجه‌وند ــ ۱۸۰ .
تیموریان ــ ۱۷ ــ ۱۹ .
تینه (ازدهکده‌های دلارستاق) ــ ۴۶۳ ــ ۴۶۵ .

ث

الثایربالله‌علوی ابوالفضل ــ ۱۰۳ ــ ۱۱۳ .

ج

جئرکلاك (= کلاك‌پایین) ــ ۲۵۴ .
جادهٔ‌چمستان به‌آمل ــ ۳۶۰ .
جادهٔ سولده به چمستان ــ ۳۵۸ .
جادهٔ‌شهسوار به‌خرم‌آباد ــ ۶۰ ــ ۶۱ .
جادهٔ‌عباس‌آباد به‌ساقی‌کلایه ــ ۹۰ .
جاده کرج‌به‌چالوس ــ ۱۲۷ .
جادهٔ‌کوهستانی نور ــ ۳۱۶ .
جادهٔ‌گلندرود ــ ۲۴۱ ــ ۴۹۰ .
جادهٔ‌نوسازلار ــ ۴۰۵ .
جادهٔ‌هراز = راه هراز ــ ۴۰۱ .
جاماسب پسرپیروزساسانی ــ ۱۵ .
جامع‌آمل ــ ۱۲ .
جانشینان‌هلاکو ــ ۱۹ .
جان‌محمدخان (برادر فتحعلی‌خان قاجار دولو) ــ ۴۲۸ .
جبال‌تاکر ــ ۴۹۴ .
جبلیه (اراضی‌کوهستانی مازندران) ــ ۱۰ .
جرجان ــ ۱۰۴ .
جرکلباد ــ ۵ .
جریربن یزیـــد (از حکام عـــرب در مازندران) ــ ۱۰ ــ ۱۸ .
جزما = دهکدهٔ امامزاده‌قاسم ــ ۷۳ .
جستان وهسودان ــ ۱۱۱ .
جعفربن آقاسیدقهرمان [سید . . .] ــ ۱۴۱ .
جعفربن علی‌بن حسین ــ ۱۳۲ .
جعفربن محمدبن حسین = الثایربالله ــ ۱۰۴ .
جعفربن موسی‌بن محمدتقی ــ ۴۵۰ .

جعفرالصادق [امام . . .] ـــ ۱۹۲ ـــ ۱۹٤ ـــ ۲۲٤ ـــ ۳۰٦ ـــ ۳۰۷ ـــ ۳۱۹ ـــ ۳۲٤ ـــ ٤٥۸ ـــ ٤۷۰ .
جعفرنیاکی [سید . . .] ، (نجارصندوق امامزاده ابراهیم) ـــ ٤٥۰ .
جغرافی‌لار (رسالهٔ محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه) ـــ ۳۷۹ .
جفت‌بزرگوار [دراسل‌محله) ـــ ۷۷ .
جك (ازخاندانهای‌ساکن‌دویلا) ـــ ٤٦۳ .
جل (ازدهکده‌های‌بندبن) ـــ ٦۸ .
جلال‌الدین دیلمی [کیا . . .] ۱۷۰ .
جلگهٔ کلاردشت ـــ ۱۳۰ .
جلگهٔ‌لار (= دشت‌لار) ـــ ۳۸٥ .
جلهت (ازخاندانهای‌ساکن‌سوآ) ـــ ٤۸۲ .
جلیکان (ازدهکده‌های میان‌رودبارپایین نور) ـــ ۳۲۷ ـــ ۳٦۷ .
جم ـــ ۸٦ .
جماعت امیری ـــ ٤٤۰ .
جمال‌الدین سلطان‌احمدی [شیخ . . .] ـــ ۲۹۲ .
جمشید کوس [کدخدا . . .] ـــ ۲۹۹ .
جمشیدکیاسلطان (درالمده‌نور) ـــ ۲۳۹ .
جنت‌رودبار = جنده‌رودبار ـــ ۲۲ .
جنده‌رودبار (ییلاق سخت‌سر)= جنت ـــ رودبار ـــ ۲۱ ـــ ۳۹ ـــ ٤۲ ـــ ٤۳ ـــ ٤٦ .
جنگ‌رشت ـــ ٥۹ .
جنگ‌سرا [دهکدهٔ . . .] ـــ ٤۲ .
جنگل اسکوله‌سر (در کلارآباد) ـــ ۹٦ .
جنگل‌افراسان ـــ ۲٥۳ .
جنگل انارجار ـــ ۱۷٥ .
جنگل‌انجدان ـــ ۸ .
جنگل‌پی‌نسا ـــ ۳٦۸ .
جنگل سازی‌یك ـــ ۳۳۸ .
جنگل فری‌کنار ـــ ٤٥ .
جنگل قرق ـــ ۱۷٥ .
جنگل گل‌باغ‌ناتل ـــ ۳٥۷ .
جنگل‌مشعل ـــ ۱۱٥ .
جنگل مشعل‌مازو ـــ ۱۱٥ .
جنگل میان‌ریشه ـــ ۳٥۳ .
جنگل واتاشان ـــ ۳٥۸ .
جنگل وشکه‌سرا (ازاراضی چارز) ـــ ۹٥ .
جنگل همت‌آباد ـــ ۳٥۷ .
جوانمرد حمزه (در کهرود دلارستاق) ـــ ٤۸۰ .
جوراشتوج (از دهکده‌های دوهزار) ـــ ۷۰ ـــ ۷۲ ـــ ۷۳ .
جوربند (از آبادیهای دشت نائیج) ـــ ۳۲۷ .
جوربند (از دهکده‌های کوهستانی نائیج) ـــ ۳٦۹ .
جوربند نائیج‌نور (از بخشهای نائیج) ـــ ۳۷۰ .
جورده = جوردی ـــ ۲۷ .
جورده [کوههای . . .] ـــ ۲٤ .
جوردی = جورده = جواهرده (ییلاق سخت‌سر) ـــ ۳۲ ـــ ۳۳ ـــ ۳٤ ـــ ٤۰ ـــ ٤۳ .
جورکلاك (= کلاك‌بالا) ـــ ۲٥۲ .
جورملیج (از خاندانهای ساکن‌میانده) ـــ ٤٦٤ .
جورهلی‌چشمه ـــ ۱٥٤ .

جوستان (از دهکده‌های طالقان) ـ ۷۱ .
جولابن (موضعی در تنکابن) ـ ۴۱ .
جوهر کلا (از دهکده‌های بیرون‌بشم) ـ ۱۰۱ .
جویرم‌السعدی ـ ۱۶۴ .
جهان‌آباد (از دهکده‌های‌نشتا) ـ ۸۰ .
جهان‌بیگلو (از تیره‌های کرد) ـ ۱۴ .
جیراسبی او (برسرراه کمربن به‌نسن) ـ ۲۴۷ .
جیرسنار (به تشدید نون ، از دهکده‌های بیرون‌بشم) ـ ۱۰۱ .
جیرولایت‌اشکور ـ ۱ .
جیرهلی‌چشمه ـ ۱۵۴ .
جیزاو (برسرراه شاه‌عباسی) ـ ۱۰۹ .
جیسا (ازدهکده‌های‌لنگا) ـ ۹۷ ـ ۹۸ ـ ۱۰۹ .
جیس‌کوتی (بـر سرراه شاه‌عباسی) ـ ۱۰۹ .

چ

چاخانی (برسرراه شاه‌عباسی) ـ ۱۰۹ ـ ۱۱۰ .
چارز (از دهکـده‌های‌لنگا) ـ ۹۵ ـ ۹۸ .
چارسو = چهارسو ـ ۱۷۹ .
چارسی‌آقا = امامزاده قاسم‌بن علی‌بن امام محمـدباقر علیه‌السلام ـ ۳۶۱ ـ ۳۶۲ ـ ۳۶۳ .
چارسی‌انارکشی ورمال ـ ۳۶۲ .
چاك (دهکده‌ای‌درجنده‌رودبار) ـ۳۹ـ ۴۶ .
چالك (از دهکده‌های‌بلدهٔ کجور) ـ۲۳۷.
چالك (برسرراه شاه‌عباسی) ـ ۳۹۸ .
چالکامحله (از محلات رینه) ـ ۴۱۷ .
چالکرود (ازرودهای‌تنکابن) ـ ۲۱ ـ ۲۶ .
چالکش (از دهکده‌های تنکابـن) ـ ۵۱ .
چالنی (موضعی بـر کنارراه‌زوات بـه کلاردشت) ـ ۱۰۸ .
چالوس = شالوس ـ ۹ ـ ۱۰ ـ ۱۰۲ ـ ۱۰۳ ـ ۱۰۴ـ۱۰۵ـ۱۰۶ـ۱۱۱ ـ ۱۱۲ ـ ۱۱۳ ـ ۱۱۴ ـ ۱۱۷ ـ ۱۲۸ ـ ۱۵۴ ـ ۱۵۵ ـ ۱۶۳ ـ ۱۶۴ ـ ۱۶۵ ـ ۳۵۹ .
چالوس‌رود= چالوس‌رودخانه ـرودخانهٔ چالوس ـ ۹ ـ ۱۴۸ .
چالوس‌رودخانه = چالوس‌رود ـ ۱۰۹ .
چالوس‌کیله ـ ۱۱۵ .
چالوس‌محله (درکلارستاق) ـ ۱۱۵ .
چالوك (بالای دهکدهٔشهرسر) ـ ۶۷ .
چاله (محل‌اتصال دوهزاروسه‌هزار) ـ ۲۱ .
چالی (ازخاندانهای ساکـن شیخ‌محلـهٔ نمارستاق) ـ ۴۸۲ .
چاه‌آمار کودهٔ گلیجان ـ ۵۲ .
چاه‌آهك‌چال ـ ۵۱ .
چاه‌سر ـ ۱۷۱ .
چاهی‌برقلهٔ کشکرت کـوه سخت‌سر ـ ۳۴ .
چاهی قدیمی درهزارچال سخت‌سر ـ ۴۲.
چرخ (ازخانـدانهای ساکـن در نسل نمارستاق) ـ ۴۸۲ .
چشمهٔ‌انگمار ـ ۴۱۱ .

چشمهٔایلسا — ۳۰۰ .
چشمهٔچاخانی — ۱۱۰ .
چشمهٔدرواست — ٤۱ .
چشمهٔدم‌کش — ۲ .
چشمهٔزنگه‌بن (ازآب‌گرمهای‌سخت‌سر) — ۲۵ .
چشمه سفیداب‌لار — ۳۸۰ .
چشمه‌شاه (از مراتع‌لار) — ۳۷۸ .
چشمه‌کلوخ (ازآب‌گرمهای سخت‌سر) — ۲۵ .
چشمه‌کلوم (سرچشمهٔ دلی‌چای) — ۳۹۰ .
چشمه‌کیله (= رودخانهٔ شهسوار) — ۲۱ .
چشمه‌گردك (برسرراه‌شاه‌عباسی) — ۱۰۹ .
چشمه گردو — ۲۲۹ — ۲۳۰ .
چشمه‌گیجه — ۳٦٦ .
چشمهٔ نسوم‌لبی (از مراتع‌دهکدهٔدیلا) — ٤۷۹ .
چشمه‌های‌دزدبن — ۲۳۳ .
چکیزبند (کوه‌جنوبی یال‌بندان) — ۹۷ .
چل (ازدهکده‌های‌میانرودنور) — ۲۹۸ — ۲۹۹ .
چلاجور (ازدهکده‌های بیرون‌بشم) — ۱۲٤ .
چلاکوه — ۷۷ .
چلك‌شرقی (ازدهکده‌های‌دشت کجور) — ۲۲۷ .
چلك‌غربی (ازدهکده‌های دشت‌کجور) — ۲۲۷ .
چلندر (از دهکده‌های دشت کجور) — ۱۰۹ — ۱٦۵ — ۱۸۵ — ۲۲۷ — ۲۳۲ — ۲۳۳ — ۲۳٤ — ٤۸۹ — ٤۹۰ .
چله‌سر (از نواحی بلدهٔ‌کجور) — ۲۳۷ .
چماردره (ازنواحی بلدهٔ کجور) — ۲۳٦ .
چم‌دوازده‌تائی — ۱۵۵ .
چمستان (=چماستان) — ۳٦۲—۳۳۷— ۳۳۸ — ۳٦۰ — ۳٦۹ .
چمن‌سیاه‌پلاس — ۳۷۷ — ۳۹۳ .
چمن‌لار — ۳۷۷ — ۳۷۸ .
چمن‌مخمل — ۱۵٤ .
چمن ملك‌سلطان — ۳۸۲ .
چناربن (محوطه‌ای درزانوس کجور) — ۲۲۱ .
چنگل‌جار (دررزن) — ۳۲۵ .
چورن (از دهکده‌های‌کوهپر کجور) — ۱٦۹ .
چوملاسرای اوشیان — ۳ .
چهاردرویش دردهکدهٔمون — ٤۲۱ .
چهارده‌معصوم — ۳٤۵ .
چهارسو (ازدهکده‌های‌کجور) — ۱۷۹ .
چهل‌تن (گورستانی نزدیك به امامزاده بالای‌کوه‌سوردار) — ۳٦٦ .
چهل‌تن (نزدیك آستانکرود) — ۱٦۹ .
چهل‌دختران (دراراضی کشتزاربلده) — ۲۹۷ .
چهل‌دختر شهر (نزدیك‌سرلنگا) — ۸۳ .
چهل‌چشمه (از مراتع‌لار) ۳۷۸ — ۳۸۳ .

ح

حاتم‌علی ولدمحمدیوسف — ۲۵٤ .
حاجی‌آقارضا نیاکی — ٤۲۱ .
حاجی‌بن استادمحمود [استاد . . .] — ۳۲۱ .

حاجی‌درویش‌محمد ــ ۲۸۵ .
حاجی‌گالش ابندانکی ــ ۲۱۸ .
حاجی‌ولك (= ویلك) (از خانـدانهای ساکن‌لهر) ــ ٤٦٤ .
حبشه‌بر (=همش‌پور) ــ ٦٥ .
حبیب‌الله‌بن شیخ‌سعدی‌بن شیخ‌فغان‌بن شیخ قربان‌بن شیخ‌زال خطیب نوری ــ ۲۸۲ .
حبیب‌الله‌خان ساعدالدوله ــ ۲۲ ــ ۲۳ ــ ٦۰ ــ ۱۲۲ .
حبیب‌الله صمدی ــ ۱٤۲ .
حبیب‌الله‌ولد مـلاحسن انگرودی‌نسنی ــ ۲۵۰ .
حبیب‌بن استـاد حسیـن‌نجـار کمـری [استاد...] ــ ۲٦۲ ــ ۲۷٦ .
حجاز ــ ۱۳ .
حدودالعالم‌من‌المشرق‌الی‌المغرب ــ۱٦۳ .
حرام‌حلالی (برسمت‌چپ‌رود دوهزار) ــ ۷۰ .
حسام‌الدوله ازردشیربن ناماور ــ ۱۸٤ .
حسن (ازخاندانهای ساکن‌لهر) ــ ٤٦٤ .
حسن [ملا...] ــ ٦٦ .
حسن‌آقا (ازپسران میرزامحمدخان) ــ ۸۳ .
حسن‌بـن امام موسی‌الکاظـم علیه‌السلام (برادر سیدحسین) ــ ٤٦ .
حسن‌بن‌بویه ــ ۱۰۳ ــ ۱۰٤ ــ ۱۱۳ .
حسن‌بن حسین‌بن طیعر ــ ٤۱۳ .
حسن‌بن زیدبن اسماعیل حالب‌الحجاره ــ ۱۱۳ .
حسن‌بن زیدبن حسن‌بن علی‌بن ابی‌طالب (داعی‌کبیر) ــ ۱٦ ــ ۷۳ ــ ۸٤ ــ ۸۵ ــ ۱۰۳ ــ ۱۱۳ ــ ۱۹۹ .
حسن‌بن سلطان‌العارفین‌کیا ــ ۳۲۱ .
حسن‌بـن علی‌بـن ابی‌طالب علیه‌السلام [امام . . .] = حسن‌الرضا ــ ۵۸ ــ ۷۳ ــ ۸۵ ــ ۱۰۵ ــ ۱۸۹ ــ ۱۹۲ ــ ۱۹٤ ــ ۲۲۳ ــ ۲٤۹ ــ ۳۰٦ ــ ۳۰۷ ــ ۳۱۹ ــ ۳۲۰ ــ ۳۲٤ ــ ٤۱۰ ــ ٤۵۸ ــ ٤٦۹ ــ ٤۷۰ ــ ٤۷۳ .
حسن‌بن علی‌بن عمر ــ ۱۰۵ .
حسن‌بن علی‌بن محمدبن علی ــ ۱۰۵ .
حسن‌بن قاسم [سید . . .] ، (پسرعم‌ناصر کبیر) ۱۰٤ ــ ۱۰۵ ــ ۱۱۲ .
حسن‌بن محمدبن زید ــ ۳۲۱ .
حسن‌بن مارالحسینی (؟) ــ ۱۳۹ .
حسن‌العسکری علیه‌السلام [امام . . .] ــ ۱۹۲ ــ ۱۹٤ ــ ۲٤۸ ــ ۲۵۱ ــ ۲۷٦ ــ ۳۰٦ ــ ۳۰۷ ــ ۳۱۹ ــ ۳۲۳ ــ ٤۵۸ .
حسن‌علی‌بن مرتضی‌علی گلیج ــ ۲۵٤ .
حسنعلی‌خان وزیرفوایدزمان ناصرالدین شاه ــ ٤۵۱ .
حسنك‌در ــ ۱۵٤ ــ ۱۵۸ ــ ۱۵۹ .
حسن‌کلا (ازدهکده‌های خرم‌آبـاد) ــ ٦٦ .
حسن‌کیا [سید . . .] (برادر سیدعلی کیا) ــ ۳۸ .
حسن‌کیف (مرکزکلاردشت) ــ ۷۱ ــ ۱۰۱ .
حسن‌ملا فرزند صادق ــ ۲٦۵ .
حسن‌نورمحمدی پسررجبعلی ــ ۲٦۷ .

حسن‌ولد مشهدی‌عباسقلی [کربلائی...]ــ ۳۳ .
حسین‌بن امام موسی‌الکاظــم (برادر سید حسن) ــ ٤٦ .
حسین‌بن حاجی‌تنهجانی [استاد . . .] ــ ۳٦ .
حسین‌بن زید [سید . . .] ــ ۱۳ .
حسین‌بــن شیخ عزالدیــن دریاه‌بــاری [شیخ . . .] ــ ۲۱۱ .
حسین‌بن عباس ــ ۳٦ .
حسین‌بناکندلوس ــ ۲۱۸ .
حسین‌بن علی‌بــن ابــی‌طالب علیه‌السلام [امام . . .] =اباعبدالله‌الحسین = سیدالشهدا = حسین‌شهید ــ ۱۰۵ ــ ۱۸۹ ــ ۱۹۲ ــ ۱۹٤ ــ ۲۲۳ ــ ۲٤۹ ــ ۲۵۲ ــ ۲۷۲ ــ ۳۰٦ ــ ۳۰۷ ــ ۳۱۹ ــ ۳۲٤ ــ ٤۱۰ ــ ٤۱۳ ــ ٤۵۸ ــ ٤٦۹ ــ ٤۷۰ ــ ٤۷۳ .
حسین‌بن علی‌بناءآملی ــ ۱۹۰ .
حسین‌بن علی‌بن حسن ــ ۱۰٤ .
حسین‌بن محمدبن قاسم ــ ۸۵ .
حسین‌بن محمدبن هارون ــ ۷۳ ــ ۸٤ .
حسین‌بن محمدالمهدی‌الحنفی ــ ۱۱۳ .
حسین‌بن هارون‌بن حسین ــ ۷۳ ــ ۸٤ ــ ۸۵ .
حسین‌پوشکرکاردگر [استاد . . .] ــ ۲۹۱ .
حسین جهانگیری [حاجی . . .] ــ۲۱٦.
حسین‌خان محلاتی پیشخدمت ــ ۳۸۳ .
حسینعلی‌میرزا پسر فتحعلی‌شاه (در نــوا به دنیا آمده است) ــ ٤۲۸ .
حسینقلی‌خان (رئیس نوریها) ــ ۳۲۸ .
حسین کدخدای‌دویلات [سید . . .] ــ ۳۰۰ .
حسین‌کندلوس [ملا . . .] ــ ۲۲۰ .
حسین‌گالش [شیخ . . .] ــ ۱۸۹ .
حسین مجتهدزاده ــ ۳۳۵ .
حسین نجارباشی ولدمشهدی‌جعفرمن‌طایفهٔ حیدریه ــ ۲٦۵ ــ ۲٦٦ .
حسین‌نجار لواسانی ــ ٤۷۵ .
حسین‌ولدآقا عمادکلاری [کربلائی...]ــ ۲٦۰ .
حسین ولدصالح ــ ۷۵ .
حصار کجور ــ ۱۷۳ .
حصاری‌سر (برسرراه شاه‌عباسی) ــ ۱۰۹.
حقانی = امامزاده‌هادی‌بن‌امام‌زین‌العابدین علیه‌السلام ــ ۱۳۸ .
حکمرانان اولیهٔ عرب ــ ۱۷ .
حکمرانان عرب ــ ۱۸ .
حلب ــ ۱۲٦ .
حلیمه‌خاتون (درکنار سرداب‌رود) ــ ۱۰۷ .
حمام (در دهکدهٔ سولده ناتل‌کنار نور)= حمام صدراعظم درسولده ــ ٤۹۵ .
حمام امیراسعد (در دهکدهٔجوراشتوج که تا امروز به‌کار) ــ ۷۲ .
حمام تنگهٔ جوردی ــ ٤۳ .
حمام‌خرابهٔ دهکدهٔدلیرسرای‌ناتل‌رستاق ــ ۳٦۰ .
حمام رامسر ــ ۳۵ .
حمام شاه‌عباسی (در دهکدهٔ آب‌گــرم لاریجان) ــ ۳۹۸ ــ ٤۳۳ ــ ٤۳٤ .
حمام صدراعظم در سولده = حمــام در

دهکدهٔسولده ناتل‌کنار ـــ ۳۳۴ ـــ ۳۳۵ .
حمام‌قدیمی المده‌کجور ـــ ۲۴۰ .
حمام قدیمی امیرآباد ـــ ۳۴۹ .
حمام‌قدیمی خشك‌رود ـــ ۵۲.
حمام‌قدیمی سعادت‌آباد ـــ ۳۴۸ .
حمام میرزاکاظم‌خان نظام‌الملك در چمستان ـــ ۳۳۸ .
حمام‌واتاشان‌درجنوب‌دهکدهٔ نصرت‌آباد ـــ ۳۵۸ .
حمامهای قدیمی خرم‌آباد تنکابن ـــ۶۲ .
حمامی قدیمی دردهکدهٔ سنگ‌تجن ـــ ۲۳۰ .
حمامی قدیمی در دهکدهٔ قلعه‌گردن خرم‌آباد ـــ ۵۷ .
حمامی قدیمی دردهکدهٔ گلیجان ـــ ۵۱ .
حمدالله‌بن یدالله‌جعفر ـــ ۴۶۹ .
حمدالله مستوفی ـــ ۷
حموم‌تپه (تپه‌ای نزدیك دزدقلعهٔساریس) ـــ ۲۲۶ .
حوا بنت محمدباقر انگرودی ـــ ۲۴۹ .
حوابیگم‌بنت‌آقاسیدمحمد ـــ ۳۴ .
حوران (دردومنزلی دمشق) ـــ ۸۷ .
حوض‌کوتی ـــ ۲۳۳ .
حیات‌بنت‌کیاسیف آرویج ـــ ۲۱۷ .
حیدرکیا [سید . . .] ـــ ۱۴۰ .

خ

خاتون‌رضا (خواهر حمزه‌رضا) ـــ ۱۱۶.
خاس‌کوه ـــ ۸۸ .
خاقان (پادشاه چین) ـــ ۴۰۵ .
خاقان مغفور (= فتحعلی‌شاه) ـــ ۴۲۸ .
خاك عمر (دراراضی‌توبن دوهزار) ـــ ۶۹ .
خاکك ـــ ۱۵۴ .
خاك‌گبری (شمال قهوه‌خانهٔ رمضان) ـــ ۷۱ .
خالت (=خالدبن برمك) ـــ ۱۸ .
خالدکیا سلطان‌بن عون‌بن امام موسی‌الکاظم ـــ ۲۳۸ .
خان‌احمدخان ـــ ۷۷ ـــ ۸۵ ـــ ۹۸ .
خانبابا سلطانی‌نوری ـــ ۳۱۵ .
خاندان خلعتبری ـــ ۱۳۱ .
خاندان دابویه ـــ ۱۷ ـــ ۱۸ .
خاندان دیو ـــ ۱۶ .
خاندان روزافزون (در سوادکوه) ـــ ۱۶ .
خاندان قارن ـــ ۱۲ ـــ ۱۵ .
خاندان علوی ـــ ۱۳ .
خان شاتوره خانم بنت‌نصرالله‌الحسینی ـــ ۳۳ .
خانقاه دهکدهٔپلور ـــ ۴۰۵ .
خانلرخان سیل‌سپر ـــ ۳۸۳ .
خانهٔ اسماعیل‌علی‌پور ـــ ۴۱ .
خانهٔ امیراکرم (در محلهٔ شهسواران تنکابن) ـــ ۵۴ .
خانهٔامینی (دراسك) ـــ ۴۱۲ .
خانه‌بن (از نواحی دوهزار) ـــ ۷۱ .
خانهٔحسین حسینیان ـــ ۴۱ .
خانهٔلاریجانی (درجوردی) ـــ ۴۳ .
خانهٔمحمداسدی ـــ ۳۶۶ .
خانهٔمنتظم‌لشکر (دردهکدهٔ نج) ـــ ۳۱۴.
خانهٔمیررضائی (درجوردی) ـــ ۴۳ .
خانهٔمیرزاآقاخان صدراعظم‌نوری ـــ ۲۹۴.

خانهٔ نصیرالدوله شهریار ــ ۱۴۳ .
خانیان (ازدهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ ــ ۷۸ .
خاورخانم همسرامیرمکرم لاریجانی ــ ۴۱۳ .
خجیرکلا (ازدهکده‌های اوزرودنور) ــ ۲۷۰ .
خدری (از خاندانهای ساکن‌لهر) ــ ۴۶۴ .
خدیجه بانو بنت کربلائی آقابابا ــ ۴۹ .
خدیجه‌بنت جبارنوری ــ ۲۵۰ .
خدیجه بنت هادی‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام ــ ۴۵۶ .
خرابهٔ باری‌کلا (درناتل‌رستاق نور) ــ ۳۴۳ .
خرابهٔدهکده‌ای قدیمی در همندبلی ــ ۳۷۴ .
خرابهٔ دهکده‌ای قدیمی در اسیه‌گا جوردی ــ ۴۳ .
خرابهٔدهکده‌ای قدیمی در بازرشت جوردی ــ ۴۳ .
خرابه‌شهر (=خرابه‌های شهرکجور) ــ ۱۷۳ .
خرابه‌های‌آبادی قدیمی در مرتع‌الرم (درلارقصران) ــ ۳۸۳ ــ ۳۹۰ .
خرابه‌های دهکده‌ای قدیمی درآب‌گرم لاریجان ــ ۴۳۴ .
خرابه‌های عمارت محمدولی‌خان سپهدار اعظم ــ ۷۸ .
خرابه‌هائی ازسنگ وگچ‌به‌نام حمام در اراضی‌سراپرده ــ ۲۹۷ .
خراسان ــ ۱۰۴ ــ ۳۶۰ .
خراسانی ــ ۱۶۴ .
خراسانیان ــ ۱۱۲ .
خرداك آهنگرابن‌حسن‌حداد [استاد...]ــ ۲۶۴ .
خرسنگ (ازمراتع لار) ــ ۳۷۸ .
خرگوش درهٔبزرگ ــ ۱۵۴ .
خرگوش‌درهٔ کوچك ــ ۱۵۴ .
خرم‌آباد تنکابن ــ ۲۵ ــ ۲۷ ــ ۵۴ ــ ۵۵ ــ ۵۶ ــ ۵۷ ــ ۵۸ ــ ۶۰ ــ ۶۲ ــ ۶۳ ــ ۶۴ ــ ۶۵ ــ ۶۶ ــ ۶۷ ــ ۶۹ ــ ۷۲ ــ ۷۳ ــ ۷۵ ــ ۷۶ ــ ۷۷ ــ ۷۸ .
خرماکله (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ۷۰ .
خرمنه (ازدهکده‌های کلارستاق) ــ ۱۱۵ .
خزر = خیر ــ ۴۱۸ .
خسروبن علی‌نجار [استاد . . .] ــ ۲۶۰ .
خسروپرویز ــ ۴۱۷ .
خسرودوم (از پادشاهان ساسانی) ــ ۱۷ .
خسینگ (ازخاندان‌های ساکن‌نمار) ــ ۴۸۱ .
خسین (=خسینگ) محله (از محلات رینه) ــ ۴۱۷ .
خشکاسرای‌اوشیان ــ ۳ .
خشکاسرای سرولات تنکابن ــ ۴۲ .
خشك‌داران (ازدهکده‌های لنگا) ــ ۹۰ .
خشك‌دره (کوه‌جنوبی یال‌بندان) ــ ۹۷ .
خشك‌رود (از دهکده‌های سلیمان‌آباد گلیجان) ــ ۵۲ .
خشکه‌چال (ازدهکده‌های‌الموت) ــ ۷۱.
خشنام‌بن علاءالدین‌لپاسانی ــ ۲۵۸ ــ ۲۶۸ ــ ۲۶۹ .

خلعت‌بری (=خلابر) (ازطوایف ساکـن تنکابن) ـ ۲۲ .
خلیج‌استراباد ـ ۹ .
خمند(اراضی‌نزدیك‌دولت‌آباد) ـ۳۷۰ ـ ۳۷۱ .
خواج (چهارفرسنگی‌چالوس) ـ ۱۰۴ ـ ۱۱۱ ـ ۳۵۹ .
خواجه (ازخاندانهای ساکـن‌ناندل) ـ ٤٦٤ .
خواجهٔقنبر = علی‌بن ابی‌طالب ـ ٤٦٨ .
خواجه‌کمال‌الدین‌بن‌خواجه‌زرین کمرمونی معروف به‌صالحانی ـ ٤٥٦ ـ ٤٥٨ .
خواجه‌وند ـ ۱۳ ـ ۱۲٦ ـ ۱۲۷ ـ ۱۷۳ ـ ۱۸۷ .
خواچاك ـ ۱۷٦ .
خوار ـ ۷ .
خوارزمشاهیان ـ ۱۷ .
خواندمیر ـ ۷ .
خوبان‌رزگاه (محلهٔ . . .) ـ ۱ .
خورشیت (از حکمرانان خاندان دابو) ـ ۱۸ .
خورشید رستاق ـ ۱۸۵ ـ ۲۳٤ .
خوریه = خریه (حد غربی ناتـل) ـ ۳٥٤ .
خوش‌واش (ازدهکده‌های نائیج‌نور) ـ ۳٦۹ .
خوشی‌خانه = قوشخانه (= خوشخانه) ـ ۳۸۳ ـ ۳۸٦ ـ ۳۸۷ .
خیر ـ خزر (ازخاندانهای ساکن‌رینه)ـ ٤۱۸ .
خیررودکنار (از نواحی‌دشت کجور بر سرراه شاه‌عباسی) ـ ۱۰۹ ـ ۲۲۷ ـ ۲۳۱ ـ ۲۳۲ .
خیرسر (از دهکده‌های کران کجور) ـ ۲۲۹ .
خیرمحله (ازمحلات‌رینه) ـ ٤۱۷ .
خیره‌رود = خیررود ـ ۱٦٥ ـ ۲۲۷ .

د

دابویه ـ ۱٥ .
دات‌برج‌متون (ازحکمرانان خـانـدان دابویه) ـ ۱۸ .
داربند (درلارقصران) ـ ۳۸۹ .
دارکلا (ازدهکده‌های‌میان‌رودبارپائین)ـ ۳۲۷ ـ ۳٤٤ .
داس‌دره (ازدهکده‌های سه‌هزار) ـ ۷۱ .
داعیان علوی ـ ۱۹ .
داعی‌صغیر = محمدبن زیدبن اسماعیل ـ ۱۰٤ .
حالب‌الجاره ـ ۳٥۹ ـ ۳٦۰ .
داعی‌کبیر = حسن‌بن‌زید ـ ۱۰٤ .
داعی‌محمد = داعی‌صغیر ـ ۳٦۰ .
داغ‌محلهٔ‌هتر ـ ۲۸۹ .
دامغان ـ ۷ .
دانیال(ازدهکده‌های لنگا) ـ ۹۳ـ۹۸.
دبستان‌دخترانهٔ‌فردوسی (درعباس‌آباد) ـ ۸۳ .
دبستان عبدل‌آباد ـ ۳٥۰ .
دج (بفتـح‌دال ازخانـدانهای ساکـن تنکابن) ـ ۲۲ .
دجمار (ازییلاقهای شونادشت‌بر سرراه آزو) ـ ٤۳۲ ـ ٤۳۹ .
دختر قلعه = قلعه‌گرده‌رو ـ ۱٤۹ .

درازلات (ازدهکده‌های خرم‌آباد) — ۷۰ .
دربندسر (ازدهکده‌های رودبارقصران) — ۲۱۶ .
درجان (از دهکده‌های سه‌هزار) — ۷۱ .
درکائی (از خاندانهای ساکن ناندل) — ٤٦٤ .
درکنار (ازدهکده‌های نمارستاق) — ٤٨۲ .
درمش‌کلا (ازدهکده‌های کلارستاق) — ۱۱۵ .
دروازه‌ای قدیمی (درمراتع اسپچر) — ۱۷٦ .
دروازه‌سنگی (برسرراه‌ناصری نزدیك ولی‌آباد) — ۱۵٤ — ۱۵۷ .
دروازه‌سنگی (ازدروازه‌های ملك‌قلا) — ٤٤۲ .
دروازهٔ‌طمیس (تمیشه) — ۹ .
دروازه‌های دماوند — ٤٤۲ .
درون(ازدهکده‌های نمارستاق) — ٤٨۱ — ٤٨۳ .
درویش (از خاندانهای ساکن دهکدهٔ عبدالمناف (اطاق‌سره) نمارستاق) — ٤٨۲ .
درویش‌اطا (عطا) یحیاالنائی — ۳۲٤ .
درویش‌الیاس (درآس‌تنکهٔ شونادشت) — ٤٤٥ .
درویش‌امیر — ۲۱۳ .
درویش‌تاج‌الدین حسن‌ولی (درنیاك) — ٤۲۲ — ٤۲۳ — ٤۲٤ — ٤۳۳ .
درویش‌حسن (درناندل دلارستاق) — ٤۷۷ .
درویش‌حسن دارا — ۳٤٤ .
درویش‌حسین = قاضی سوم (دربالاخط گرنا) — ٤۳۳ .
درویش‌حسین‌بن استاد خسرونجار — ۳۰٨ .
درویش‌خاك‌پاسل — ۲۷٤ .
درویش رستم‌ناف (مدفون دربقعهٔ‌درویش رستم) ۲۲۳ — ۲۲۵ .
درویش‌رولا — ۳۲٤ .
درویش‌زرینکمر ولدمظفرباغبان — ۳۰۰ .
درویش‌سهراب (درنیاك) — ٤۲٤ .
درویش شاهبیگ‌بن زرینکمر — ۳۰۰ .
درویش شهراگیم (در اطاق‌سرای‌زانوس کجور) — ۲۳۵ .
درویش عمادالدین‌بن درویش‌احمد — ۲۱۱ .
درویش‌کلا (ازدهکده‌های میان‌بندنور) — ۳٦٤ .
درویش‌گرشاسب‌بن درویش‌محمد — ۲۷٤ .
درویش گرشاسب درزی — ٤۹۱ .
درویش محمد (در اطاق‌سرای نج) — ۳۱۳ .
درویش محمد (بقعه‌ای در خجیرکلای اوزرودنور) — ۲۷۰ .
درویش‌محمد (بقعه‌ای در بردون کمر رود نور) — ۲۸۱ .
درویش‌مرتضی — ۲۳٨ .
درویش‌مقبولی شاعر — ۲۱۰ .
درویش‌میرزابن زرینکمر — ۳۰۰ .
درویش‌یعقوب‌بن درویش‌احمد — ۲۷۳ .
درویش‌یوسف‌بن درویش موسی یاسلی —

. ۲۷۳
درۀاستاد قربان (درمسیر راه شاه‌عباسی) — . ۳۹۸
درۀپهنك — ۳۷۷ .
درۀچالوس — ۱٦۱ — ۱٦۷ .
درۀخوشخانه = درۀ قوشخانه — ۳۸۷ .
درۀ قوشخانه = درۀ خوشخانـه (در لارقصران) — ۳۸۳ — ۳۸۵ — . ۳۸۷
درۀکجور — ۲۳٦ .
درۀکرج‌رود — ۳۷۸ .
دره‌گز — ۱۳
درۀگزنگ — ٤۳۵ .
درۀلار — ۲۳٦ — ۳۷۷ — ۳۷۸ —۳۸۳— . ۳۹۳
درۀلاریجان — ٤۷۹ .
درۀنمارستاق — ۲٤۳ — ٤۸۷ .
درۀنوا — ٤۲۸ .
درۀنیاك — ٤۱۵ — ٤۱٦ .
درۀنور — ۲٤٤ .
درهم‌ساسانی — ۱۷ .
دره‌های علیای‌نور — ۳۳۰ .
درۀ هراز — ۳۹۳ — ٤۷۹ .
دریاپشتۀ سخت‌سر (= رامسر) — ۲۱ — . ۲٤
دریاچۀتار دماوند — ٤۰٦ .
دریاچۀمومج دماوند — ٤۰٦ .
دریاسر (ازییلاقهای دوهزار تنکابن) — ۲۷ — ۷۱ — ۷۸ .
دریای‌خزر — ۵ — ۹ — ۲۱ — ۲۵ — ۱٦۵ — ۲۲۷ — ۲۳٦ — ۳۲٦ — . ۳٦۹
دریچه‌گلی (سرراه شاه‌عباسی) — ۳۹۸ .
دزبن — ۱٤۹ .
دزدچال = دزدبن (در چارسی انارکشی ورمال) — ۳٦۲ .
دزدقلعه (نزدیك‌ساریس) — ۲۲٦ .
دزدك (ازدهکده‌های چلندر) — ۲۳۲ — ۲۳۳ — ۲۳٤ .
دزدك‌رود — ۲۳٤ .
دزدکول = قلعۀگرزمان‌سر — ۳۹ .
دزدگردن — ۱۵٤ .
دزکه‌روی سرچلند = دزدك‌رود = دزدك رودسر — ۲۳٤ .
دزگامزگتی (دردهکدۀجوردی) — ۳۲ .
دزور (از دهکده‌های‌نمارستاق) — ٤۸۱.
دشت‌رستمدار — ۱۳۵ .
دشت‌کجور — ۱۱٤ — ۱۱۵ — ۱٦۵ — ۲۲۷ — ۲۲۹ .
دشت‌کچه رستاق‌کجور — ۳۲٦ .
دشت کلارستاق = قشلاق‌کـلارستاق — ۱۰۱ — ۱۰۲ — ۱۰۷ — ۱۱۰ .
دشت‌لار = لارقصـران = جالگـۀلار — ۲۸۷ — ۳۹٤ .
دشت‌نظیر فیروزآباد — ۲۲٦ .
دشت‌نور — ۱٦۵ — ۳۲٦ — ۳۲۸ — ۳۳٤ — ۳۳۵ — ۳۳۷ — ۳۳۸ — ۳٤۰ — ۳٤۲ — ۳٤۳ — ۳٤٤ — ۳٤٦ — ۳٤۸ — ۳۷۰ — ۳۷٦ .
دماوند = دنباوند — ۷ — ۹ .
دکان علم‌الهدی طبری — ٦٤ .
دلا = دیلا = حاجی دیلا (از دهکده‌های دلارستاق) ٤٦۳ .
دلارستاق (= دیلارستاق) — ۳۷۷ —

۳۹۳ ــ ۴۶۳ ــ ۴۶۶ ــ ۴۶۷ ــ ۴۷۷ ــ ۴۷۸ .
دلاك‌خانه (بنایی متصل‌به‌بنای شاه‌بالو) ــ ۳۴۶ .
دلفان‌آذری (از طوایف خواجه‌وند) ــ ۱۲۷ .
دلیر (ازدهکده‌های کوهستان کلارستاق) ــ ۱۴۵ ــ ۱۴۶ ــ ۱۵۰ .
دلیرسرا (ازدهکده‌های ناتل‌رستاق) ــ ۳۶۰ .
دماوندکوه ــ ۳۹۰ ــ ۴۱۵ ــ ۴۱۶ ــ ۴۶۳ ــ ۴۷۸ .
دمرگان ــ ۴۱۶ ــ ۴۴۲ ــ ۴۴۶ .
دمشق ــ ۸۷ .
دنباوند = دماوند ــ ۱۰ .
دنبك (ازمراتع لارقصران) ــ ۳۹۰ .
دوآب (جائی که‌آب‌دوهزار وسه‌هزار به هم‌می‌رسند) ــ ۷۱ .
دوآب تنگ‌کسیل ــ ۱۵۴ .
دوآب‌دره ــ ۱۵۵ .
دوآب دهکدهٔیالو ــ ۲۸۷ .
دوآب سیاه‌بیشهٔنور (در درهٔ هــراز) ــ ۲۴۴ .
دوآب شهرآباد(درقزقان‌چای) ــ ۴۰۶ .
دوآب‌شهرستانك (در راه‌چــالوس) ــ ۱۵۴ ــ ۱۶۵ ــ ۲۲۱ .
دوآب کجــور ــ ۱۶۳ ــ ۱۶۷ .
دوآب‌نمارستاق ــ ۲۴۴ .
دوآب وازرود و جز ــ ۳۷۲ .
دوبرادران (دردهکدهٔ کچانك گلیجان) ــ ۴۶ .
دوجمان (ازدهکده‌های‌دشت کلارستاق) ــ ۱۱۰ .
دودانگه ــ ۱۲ .
دوران‌اوشیان ــ ۳ .
دوراهان‌آزو ــ ۴۳۰ ــ ۴۳۱ .
دوراهی‌دوسگر ــ ۱۱۵ .
دورقلعه = قلعهٔ‌کجور ــ ۱۷۴ .
دولت‌آباداودم (ازاراضی‌جوربند نائیج) ــ ۳۷۰ .
دونا ــ ۱۵۶ ــ ۲۲۱ ــ ۲۴۳ ــ ۲۴۷ .
دوهزار (حاکم‌نشین ییلاقی تنکابن) ــ ۲۷ ــ ۵۸ ــ ۶۹ ــ ۷۲ ــ ۷۳ ــ ۷۵ ــ ۷۶ ــ ۷۷ .
دوهزار (ازرودهای تنکابن) ــ ۲۱ ــ ۲۷ ــ ۶۹ ــ ۷۱ ــ ۷۵ .
دویلات (ازدهکده‌های میانرودنور) ــ ۲۹۹ ــ ۳۰۰ .
دهستان ــ ۷ .
دهشهر ــ ۱۶۲ .
دهکده‌ای قدیمــی در اراضــی غریب خاك‌گردن ــ ۶۷ .
دهکده‌ای قــدیمی نزدیــك شالــی‌زار گرده‌لپو ــ ۹۵ .
ده‌گیری (ازنواحی دشت‌کجور) ــ ۱۱۵.
ده‌گیری‌کیله ــ ۱۱۵ .
ده‌نمارستاق = نمار ــ ۴۸۷ .
دهنه‌دره‌لار ــ ۳۹۱ .
دیرایوب (ازقرای حوران) ــ ۸۷ .
دیلا = دلا (= حاجی‌دیلا) (ازدهکده‌های دلارستاق) ــ ۴۶۳ ــ ۴۶۶ ــ ۴۶۷.
دیلم = دیلمان (مردمان‌ساکن دیلمان) ــ ۸۴ ــ ۱۰۳ ــ ۱۰۵ ــ ۱۱۱ ــ ۱۷۰ .

دیلمان = دیلم (سرزمین وخاك‌دیلم) — ۹ — ۱۱ — ۱۳ — ۵۹ — ۸٤ — ۸۵ — ۱۰۵ — ۱۱۱ — ۱۲٦ — ۱۳۰ — ۳۵۹ .
دیلمی (ازخاندانهای ساکن‌کلری) — ٤۸۱.
دیلمیان = دیلم = دیلمان — ۱۰٦ .
دیمرون (ازدهکده‌های‌ییلاقی گلیجان) — ۵۲ — ۷۳ .
دینارجاری — ۸ — ۹ .
دینان (ازدهکده‌های امیری‌لاریجان) — ٤٤۸ — ٤٦٤ .
دین‌زرتشتی — ٦ .
دینه‌کو (از مواضع سولده‌ناتل کنار) — ۳۳٦ .
دیوارخرابهٔ دهکدهٔ دلیرسرا (در ناتل رستاق) — ۳٦۰ .
دیوارسنگی‌ولت‌بسر (در منجیر پنجك رستاق) — ۲۲٦ .
دیوارمازیاری — ۲۹۰ .
دیوان اشعارالمؤیدبالله — ۸٤ .
دیوان‌مازنی — ۵ — ٦ .
دیوچال‌گردن — ۵۱ .
دیوسپید (حاکم‌رویان) — ۱۷۱ .

ذ

ذاغمرز (نزدیك‌ساری) — ۱۳
ذوالفقارالاملی [مشهدی . . .] — ۱۲۱ .

ر

رئیس (ازخاندانهای‌ساکن‌لهر) — ٤٦٤ .
رئیس صالح‌حسین‌حعاله (؟) — ٤۲٦ .
رافع‌بن هرثمه (والی‌خراسان) — ۱۰٤ — ۱۱۱ — ۳۵۹ — ۳٦۰ .
رامسر = سخت‌سر — ٤۰ — ٤۳ .
رانکوه — ۲۳ — ۳۸ — ۳۹ — ۵۹ .
راه آزو به شونادشت — ٤۳۲ .
راه‌اردبیل — ۱۰۵ .
راه‌بلده به‌ورازان — ۲۹۸ .
راه‌تهران به‌آمل — ۳۹۸ .
راه‌تهران به‌بلدهٔنور — ۳۷۸ — ۳۸۳ .
راه‌جوردی به‌قزوین — ٤۰ .
راه‌چالوس = راه کندوان — ۱۰۵ — ۱۱۸ — ۱۲۹ — ۱۵٤ — ۱٦۲ — ۲۲٦ .
راه‌حسن‌کیف — ۱۳۱ .
راه‌خلخال — ۱۰۵ .
راه دلیربه‌الیت — ۱٤٦ .
راه‌دماوند — ۳۷۸ .
راه دونا و کمربن — ۲۲۱ .
راه‌دوهزار — ۵۸ — ۷۰ — ۷۱ .
راه‌رامسر به‌جوردی — ٤۳ .
راه‌رجه (از راههای‌جوردی) — ٤۳ .
راه‌رمج‌محله وکچانك — ٤٦ .
راه‌رینه به‌پلور — ٤۲۰ .
راه‌زوات به کلاردشت — ۱۰۸ .
راه زیربند = راه‌شاه‌عباسی — ۱۰۹ .
راه‌سردین‌کلا = راه‌کجور به‌سی‌سنگان — ۱۷٦.
راه سعادت‌آباد به‌ورازده — ۳٦۷ .
راه‌سنگ‌فرش (ازناتل‌تاپای‌کوه) — ۳۵۷ .
راه‌سه‌هزار — ۷۱ .
راه‌شاه‌عباسی ازسرکتل امامزاده‌هاشم تا آب‌گرم — ۳۹۷ .
راه‌شاه‌عباسی = راه‌زیربند — ٤۰ —

۴۲ ــ ۹۰ ــ ۹۷ ــ ۱۰۹ ــ ۱۸۵ ــ ۲۳۷ ــ ۲۴۱ .
راه‌شهرکجور به‌نهررودبار ودشت‌کجور ــ ۱۷۵ .
راه‌صلاح‌الدین‌کلا به کدیر = شاهراه ــ ۱۷۷ ــ ۲۳۶ .
راه‌فیروزکوه ــ ۳۷۸ .
راه‌قدیم‌آمل = راه‌قدیم‌لاریجان ــ ۴۴۴ ــ ۴۶۲ .
راه‌قدیم‌لاریجان = راه قدیم‌آمل ــ ۴۵۱ .
راه‌قدیمی آمل‌به‌نور ــ ۳۶۷ .
راه‌قدیمی بالالاریجان ــ ۴۰۰ .
راه‌قدیمی کندوان به‌نسن ــ ۲۴۷ .
راه قدیمی هراز ــ ۴۲۱ .
راه‌قصرنجو به کلار ــ ۱۷۷ .
راه‌کجور به‌المده ــ ۱۷۷ .
راه‌کجور به اوزرودنور ــ ۱۷۵ .
راه‌کجور به بلدهٔنور ــ ۱۷۶ .
راه‌کجور به کدیر ــ ۱۷۷ .
راه‌کجور به میناک‌نور ــ ۱۷۶ .
راه‌کجور به کندسان ــ ۱۷۸ ــ ۱۷۹ .
راه‌کندوان ــ ۱۵۸ ــ ۱۶۰ .
راه‌گدوک‌زانوس ــ ۲۲۱ .
راه‌لاسم به نوا ــ ۴۱۱ .
راه لاهیجان ــ ۱۰۵ .
راه لواسان ــ ۳۷۸ .
راه مرزن‌آباد ــ ۱۶۱ .
راه ملک‌چشمهٔ لار ــ ۲۲۱ .
راه‌میج به لاک‌تراشان ــ ۱ .
راه میخساز به‌تهران ــ ۲۱۶ .
راه‌ناتل به آمل ــ ۱۷۵ .
راه‌نارمک به تهران ــ ۲۱۶ .
راه ناصرالدین‌شاهی ــ ۱۱۴ ــ ۱۵۴ ــ ۱۶۱ ــ ۱۶۲ .
راه‌نردبان‌یالو ــ ۲۳۶ .
راه‌نوا ــ ۴۱۶ .
راه‌نور ــ ۲۸۷ .
راه‌نوشا به میانکوه ــ ۷۷ .
راه‌نوشهر به‌نیرنگ ــ ۲۲۹ .
راه‌نیاک ــ ۴۲۱ .
راه‌نیتل ــ ۱۷۱ .
راه‌هراز = جادهٔهراز ــ ۳۹۹ ــ ۴۰۶ .
راه‌هزارچم (ظاهراً هزاردره) ــ ۱۶۰ .
راه‌یالو = راه‌نردبان‌یالو ــ ۲۳۶ .
راهی قدیمی (در سمت چپ رودخانهٔ چالوس) ــ ۱۱۴ .
رباط = کهرود ــ ۴۶۳ .
رباط‌پلور = رباط‌شاه‌عباسی = کاروانسرای حوالی‌پل ــ ۴۰۴ .
رباط‌پیرعلی ــ ۴۰۰ .
رباط‌شاه‌عباسی (درپلور) ــ ۴۰۴ .
رحمن‌قلی‌خان خلعت‌بری ــ ۹۱ ــ ۹۲ .
رزان (ازدهکده‌های کجور) ــ ۱۶۰ .
رزان = رزن (ازدهکده‌های دلارستاق)ــ ۴۶۴ .
رزن (از دهکده‌های تترستاق‌نور) ــ ۲۴۳ ــ ۳۱۶ ــ ۳۲۳ ــ ۳۲۵ .
رزکهٔ‌آمل ــ ۴۰۸ .
رزه‌سر (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۴۱ .
رستم‌بن قارن [اسپهبد . . .] ــ ۳۵۹ .
رستمدار = استنداریه ــ ۷ ــ ۸ ــ ۱۱ ــ ۱۵ ــ ۱۶ ــ ۵۹ ــ ۸۴ ــ ۱۲۶ ــ ۱۳۵ ــ ۱۶۳ ــ ۱۶۵ ــ ۱۷۰ ــ ۱۷۱ ــ ۱۷۴ ــ ۱۸۵ ــ ۱۸۷ ــ

۲۳٤ ــ ۳٥۸ ــ ۳۹۳ .
رستم‌رود ــ ۳۲۷ ــ ۳۲۹ ــ ۳۳۰ .
رضاحسینی [سید . . .] ــ ۲۳۱ .
رضاشاه پهلوی ــ ۱٤۱ ــ ۲۹٥ .
رضاعلیه‌السلام [حضرت . . .] ــ ۱۳ .
رضانیاکی = حاجی‌آقارضا نیاکی .
رضی‌بن حیدرکرار [آقا . . .] ــ ٤٦۷ .
رضی‌بن جعفربن علی ــ ۱۳۲ .
رضی‌الدین [سید . . .] ــ ۱۳٥ .
رعیت‌باب (از خاندانهای دهکدهٔ‌دلا) ــ ٤٦۳ .
رکابزن‌کیای تنکابنی [سید . . .] ــ ۳۸ ــ ۸٤ .
رمج‌محله (ازدهکده‌های‌گلیجان) ــ ٤٦ .
رمضانعلی ولدحیدر ــ ۷٥ .
رمضان ولدغلامعلی ــ ٤۹ .
رمك (بفتح‌راء ومیم از دهکـده‌هـای رامسر) ــ ۲ ــ ٤۲ .
رمینك (موضعی بـرسرراه زوات بـه کلاردشت) ــ ۱۰۹ .
رنگ‌وجن ــ ۲٤۷ .
رنگین پل (در خشك‌داران بـر سرراه شاه‌عباسی) ــ ۹۰ ــ ۹۸ .
روح‌الله‌بن زرین‌کیابن جعفربن موسی بن محمدتقی ــ ٤٥۰ .
روح‌بن حاتم (ازحکام عرب‌مازندران) ــ ۱۹ .
رودبار (ازنواحی شمالی‌قزوین) ــ ۸۱ .
رودبار سفلای‌نور ــ ٤۹٤ .
رودبار قصران ــ ۱٦٥ .
رودبارك (ازدهکده‌های‌نائیج) ــ ۳۲۷ ــ ۳٦۹ ــ ۳۷٥ .
رودبارك (از دهکده‌های کلاردشت) ــ ۱۳٤ .
رودباری (از خاندانهای ساکن‌تنکابن) ــ ۲۲ .
رودبارنور ــ ۳۸۱ .
رودپسنده (از رودهای‌تنکابن) ــ ۲٤ .
رودپشت (ازنواحی‌زوار) ــ ۷۹ .
رودپشت (ازرودهای‌دشت کلارستاق) ــ ۲٤ .
رودتجن = تجن ــ ۱۱ .
رودتیرم (ازرودهای تنکابن) ــ ۲۱ .
رودچالوس (از رودهای دشت کلارستاق وسامان‌کلارستاق و کجور) ــ ۲٤ ــ ۲٦ ــ ۱۰۱ ــ ۱۰۲ ــ ۲۲۷ .
رودخانهٔ اسبچین (ازرودهای تنکابن) ــ ۲٦ .
رودخانهٔ ایلچارود (ازرودهای‌تنکابن) ــ ٤۱ .
رودخانهٔ‌بره (درشرق‌المده) ــ ۲۲۷ ــ ۲۲۸ .
رودخانهٔ بورود ــ ۱۰٤ .
رودخانهٔ تمیشان (= تنشون) ــ ۳۲۸ .
رودخانهٔ‌تیر پرده‌سر (از رودخـانه‌های تنکابن) ــ ۲٦ .
رودخانهٔ جاجیرود ــ ۲۱٦ .
رودخانهٔ‌جمشیدآباد (ازرودهای‌تنکابن) ــ ۲٦ .
رودخانهٔ‌چالوس = آب‌چالوس = چالوس رود=رودچالوس ــ ۱۱٤ ــ ۱۱٥ ــ ۱۲٦ ــ ۱٥٥ ــ ۱٥۹ ــ ۱٦۰ ــ ۱٦۱ ــ ۱٦۲ ــ ۱٦۳ ــ ۲٤۳ ــ ۲٤۷ .
رودخانهٔ‌چلك ــ ۲۲۷ .

رودخانهٔ چلندر ــ ٤٩٠ .
رودخانهٔدلارستاق ــ ٤٦٣ .
رودخانهٔدویلات ــ ٣٠١ .
رودخانهٔدلی‌چای ــ ٣٨٨ ــ ٣٨٩ ــ ٣٩٠ .
رودخانهٔ سخت‌سر (= رامسر) ــ ٢٦ .
رودخانهٔرستم‌رود ــ ٣٣٠ .
رودخانهٔ سنگ‌رچ‌کیله ــ ٨٢ .
رودخانهٔسورخانی = سورخان‌رود ــ ٢٤ .
رودخانهٔشیرم (ازرودهای‌تنکابن) ــ ٢٦ .
رودخانهٔشیم‌رود (درشرق‌ناتل) ــ ٣٥٩ ــ ٣٦٠ .
رودخانهٔعباس‌آباد (از رودهای‌تنکابن) ــ ٢٤ .
رودخانهٔعزت‌ده = ایزده ــ ٣٢٩ .
رودخانهٔ کرج = کرج‌رود ــ ١٥٤ .
رودخانهٔ کلاردشت = سرداب‌رود ــ ١٣٨ .
رودخانهٔ کلی‌رود ــ ٢٢٨ .
رودخانهٔ کمررود ــ ٢٤٤ ــ ٢٧٨ .
رودخانهٔ گچسر ــ رودخانهٔ لورا ــ ١٥٨ .
رودخانهٔلار ــ ٣٧٧ ــ ٣٨٠ ــ ٣٨٣ ــ ٣٨٨ ــ ٣٨٩ ــ ٣٩٠ ــ ٤٠٤ .
رودخانهٔلاسم ــ ٤٠٨ .
رودخانهٔلورا = رودخانه گچسر ــ ١٥٨ ــ ٢٢١ .
رودخانهٔمزر (از رودهای تنکابن) ــ ٤٦ .
رودخانهٔمیانده = سفیدتمیش ــ ٢٣ .
رودخانهٔنایه (ناحیه) ــ ٢٤٤ .
رودخانهٔنور ــ ٣١١ ــ ٣١٦ ــ ٣٢٥ .
رودخانهٔنمار ــ ٤٨٦ ــ ٤٨٧ .
رودخانهٔنمك‌آب ــ ٢٢٧ ــ ٢٢٨ .
رودخانهٔنمك‌آبرود ــ ٤٨٩ .
رودخانهٔوازك = وازك‌رود ــ ٣٦٣ .
رودخانهٔهراز = آب‌هراز = هـرهز = هراز ــ ١٦٥ ــ ٢٤٤ ــ ٣٩٢ ــ ٤٠٦ ــ ٤٢١ ــ ٤٦٣ .
رودخانهٔهرهز = هراز = رودخانهٔهراز ــ ٣٣٠ .
رودخانهٔیالورود ــ ٢٤٤ .
رودسورخانی ــ ٥ .
رود سیدمحله (ازرودهای تنکابن) ــ ٢٣ .
رود شاهی‌ور (از رودهای تنکابن) ــ ٢٣ .
رود کرند ــ ٩ .
رودگر (از خـاندانهای گیل ساکـن کلاردشت) ــ ١٢٦ .
رودگرمحله (ازدهکده‌های نشتا) ــ٨١ .
رودلنگا (ازرودهای تنکابن) ــ ٢٦ .
رودنکا = اسب‌نیزه ــ ٩ ــ ١٠ .
رود مزارجوب (سامان‌میان تنکابن و طبرستان) ــ ٩ .
رودواچك (ازرودهای تنکابن) ــ ٢٣ .
رودهن ــ ٣٩٥ .
روذان = رویان ــ ١٦٣ .
روسها ــ ٢٠ .
روغد ــ ٧ .
رویان = روینج ــ ١١ ــ ١٥ ــ ١٦ ــ ٥٩ ــ ١٠٢ ــ ١٠٤ ــ ١٢٦ ــ ١٣٠ ــ ١٦٣ ــ ١٦٤ ــ ١٦٥ ــ ١٧١ ــ ١٧٣ ــ ١٧٩ ــ ١٨٤ ــ ٢٠٠ ــ ٣٩٣ .
روینج = رویان ــ ١١ .

روضةالصفای ناصری ــ ۴۲۸ ــ ۴۴۱ .
ری ــ ۱۱ ــ ۱۶ ــ ۱۰۲ ــ ۱۰۳ ــ ۱۱۳ ــ ۳۷۸ .
ریس‌گردن ــ ۲۷۴ .
رینه (ازدهکده‌های بالاریجان) ــ ۳۹۲ــ ۳۹۳ ــ ۳۹۸ ــ ۴۰۱ ــ ۴۱۶ ــ ۴۱۷ ــ ۴۱۸ ــ ۴۱۹ ــ ۴۲۰ .

ز

زابل ــ ۴۱۷ .
زاغسی (سمجی نزدیك دهکدهٔ لگا) ــ ۵۱ .
زال ــ ۴۵۳ .
زانوس (از دهکده‌های کجور) ــ ۲۲۱ ــ ۲۲۲ .
زانوس‌رستاق (از نواحی کجــور) ــ ۱۶۵ ــ ۲۱۴ ــ ۲۱۵ ــ ۲۱۶ ــ ۲۱۷ ــ ۲۱۹ ــ ۲۲۰ ــ ۲۲۶ .
زبان‌اطریشی ــ ۱۵۶ .
زبان‌طبری ــ ۱۳ .
زرمهر ــ ۱۵ .
زرمون (دهکده‌ای درقــزقان‌چای) ــ ۴۰۶ .
زروج محلهٔ گلیجان تنکابن ــ ۴۴ .
زرینکمر (از دهکده‌های میانرودنور) ــ ۲۹۹ .
زرینکمربن‌خواجه کمال‌الدین مونی‌معروف به‌صالحانی ــ ۴۵۸ .
زرین‌کوه ــ ۱۴۹ .
زرین‌کیابن جعفربن موسی‌بن محمدتقی ــ ۴۵۰ .
زرین‌کیاسلطان ــ ۲۹۹ .
زکریای‌قزوینی ــ ۷ .
زکی‌خان (جدمیرزاآقاخان صدراعظم) ــ ۳۱۵ .
زکین (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۲۴ .
زلزلان‌دشت (سرراه‌جوردی‌به قزوین) ــ ۴۰ .
زلم (ازدهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ .
زوات (ازدهکده‌های دشت‌کلارستاق) ــ ۱۱۰ .
زوات‌شرقی ــ ۱۰۷ ــ ۱۰۹ ــ ۱۱۰ .
زوات‌غربی ــ ۱۰۷ ــ ۱۰۹ ــ ۱۱۰ .
زوات‌کیله ــ ۱۱۰ .
زوار (ازنواحی‌تنکابن) ــ ۲۲ ــ ۷۹ .
زوار (دهکده‌ای درتنکابن) ــ ۲۴ .
زهرا بنت‌علی تنکابنی‌الاصل = زهرازوجهٔ آقا شیخ‌علی‌مدد ــ ۱۳۳ .
زیار (ازدهکده‌های بالاریجــان) ــ ۳۹۲ ــ ۴۰۶ ــ ۴۰۷ .
زیاربن کیخسروبن شهراگیم ــ ۱۸۴ .
زیارت سعیدآباد رویان ــ ۱۴۳ ــ ۱۴۴.
زیارتگاهه ــ ۲۱۹ .
زیارسر (دربتیرکلا) ــ ۲۸۳ .
زیاریان ــ ۱۷ ــ ۱۹ .
زیدبن امام‌حسن‌بن علی‌بــن ابــی‌طالب علیه‌السلام ــ ۷۳ ــ ۸۴ ــ ۸۵ ــ ۱۱۳ ــ ۱۹۹ ــ ۴۸۴ .
زیدی ــ ۷۳ ــ ۸۵ .
زیدیان ــ ۸۵ ــ ۹۲ .
زیدیه ــ ۱۳ ــ ۱۰۳ .
زینب بنت صفرقلی ردای‌الاملی ــ ۱۵۳ .
زینب‌بنت حاجی‌علی جوربندی ــ ۸۸ .
زینب‌بنت کربلائی‌حاجی ــ ۸۸ .

زین‌العابدین خاجه (خواجه) بن اسکندر تاول ــ ۲۰۸ .
زین‌العابدین [میر . . .] ــ ۲۳٤ .
زین‌العابدین‌بن حسین‌بن علی علیه‌السلام [امام . . .] ــ ۱۰۵ ــ ۱۸۹ ــ ۱۹۲ ــ ۱۹٤ ــ ۲۲۳ ــ ۲۵۱ ــ ۳۰٦ ــ ۳۰۷ ــ ۳۲۰ ــ ۳۲٤ ــ ٤۱۳ .
زین‌العابدین‌بن کیاحسن‌کیا آرویج ــ ۲۱۸ .

ژ

ژاندارمری بلدهٔنور ــ ۳۱۵ .

س

ساتار (موضعی بر کنار راه زوات بــه کلاردشت) ــ ۱۰۸ .
ساختمان خانم‌معظم همسر محمدولی‌خان سپه‌سالار تنکابنی ــ ۷۷ .
ساختمان نصرت‌نظام (بالای‌اسل‌محله) ــ ۷۸ .
ساختمانهای‌خاندان‌خلعت‌بری (درخرم‌آباد تنکابن) ــ ٦۰ .
ساختمانهای قدیمی (دردهکدهٔ قلعه‌سر) ــ ۷۹ .
سادات ــ ۱۳ ــ ۵۹ ــ ۱۱۲ .
سادات بنی‌هاشم ــ ۱۳ .
سادات جعفری (از خاندانهای ســاکــن میانده) ــ ٤٦٤ .
سادات حسنی ــ ۱٦ .
سادات حسینی ــ ۱٦ .
سادات زیدی ــ ۱٦ .
سادات علوی ــ ۱۳ ــ ۱٤ .
سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر) ــ ۳۳ ــ ٤۲ .
سادات مرتضائی (درهزارجریب) ــ ۱٦ .
سادات مرعشی ــ ۱٦ ــ ٤۵ .
سادات ملاطی ــ ۱۳۵ .
ساری = ساریه ــ ۹ ــ ۱۰ ــ ۱۱ ــ ۱۲ ــ ۱۳ ــ ۱٤ ــ ۱٦ ــ ۱۹ ــ ۱۰۳ ــ ۱۰٤ ــ ۱۲۸ ــ ۱۳۵ ــ ۳۵۸ ــ ۳۷۸ .
ساریس (ازدهکده‌های کجور) ــ ۲۲٦ .
ساس (ازدهکده‌های زانوس رستاق) ــ ۲۲۰ .
ساسانی = ساسانیان ــ ۱٤ ــ ۱۷ ــ ۱۲۸ ــ ۱۲۹ ــ ٤۵٤ .
ساسانی [شاهزادهٔ . . .] ــ ۱۵ .
ساعدالدوله = حبیب‌الله‌خان ــ ۲۷ ــ ۵۹ .
ساقی‌کلایه ــ ۹۰ ــ ۹۱ .
سالارکوج ــ ۲۱۷ .
سالارکیا (ازخاندانهای‌ساکن‌رینه) ــ ٤۱۸ .
سالارمحله (ازمحلات‌رینه) ــ ٤۱۷ .
سالارمعزز مین‌باشیان (پــدر مهــرداد پهلبد) ــ ۳۱۵ .
سالم ملقب به‌سیاه‌مرد (نمایندهٔ عبدالله‌بن حازم‌در چالوس) ــ ۱۰۳ .
سالوس = چالوس = شالوس ــ ۱۰٦ .
سامانیان ــ ۱۷ ــ ۱۹ ــ ۱۰٤ ــ ۱۱۱ .
سام‌بن نوح ــ ۸۷ .
سبزه‌میدان خرم‌آباد = میدان دهــکدهٔ خرم‌آباد ــ ٦۰ .
سهپداراعظم = محمدولی‌خان پسرحبیب‌الله

خان‌ساعدالدوله ــ ۲۲ ــ ۶۰ .
ستل (از نواحی بلدهٔ کجور) ــ ۲۳۶ .
سجادالدین‌محمد ــ ۳۱۱ .
سخت‌سر (=رامسر) ــ ۱۱ ــ ۲۱ ــ ۲۳ ــ ۲۴ ــ ۲۷ ــ ۲۹ ــ ۳۱ ــ ۳۲ ــ ۳۳ ــ ۳۴ ــ ۳۵ ــ ۴۱ ــ ۴۲ ــ ۹۷ ــ ۹۸ ــ ۳۷۲ .
سدرستم ــ ۲۹۰ .
سدلار ــ ۴۰۴ .
سدنوشیروان ــ ۲۹۰ .
سراس (= سراسب‌از دهکده‌های کمررود نور) ــ ۲۸۳ .
سرای نصرالدوله شهریار ــ ۱۴۳ .
سربداران ــ ۱۷ ــ ۱۹ .
سربندتاریخ (=سربندنمدجوق) ــ ۳۹۰ .
سرتخت کنارچشمه ــ ۴۳۱ ــ ۴۳۲ .
سرجار (ازدهکده‌های کوهپر کجور) ــ ۱۷۰ ــ ۲۲۶ .
سرچشمه‌های دجمار ــ ۴۴۱ .
هرچشمه‌های شونا ــ ۴۴۱ .
سرحد (ازبخشهای تنکابن) ــ ۲۲ .
سرخ‌در ــ ۱۵۴ .
سرداب‌رود = رودخانهٔ کلاردشت ــ ۹ ــ ۲۴ ــ ۱۰۷ ــ ۱۱۰ ــ ۱۲۶ ــ ۱۳۴ .
سردابه‌رود = سرداب‌رود ــ ۱۳۰ .
سردابن (دراسل‌محله) ــ ۷۷ .
سرداو (ازمحلهای تابستان نشین‌لاویج) ــ ۳۶۹ .
سردین کلا = صلاح‌الدین کلا ــ ۱۷۷ .
سرسیرا ــ ۱۲۵ .
سرك ــ ۱۵۴ ــ ۱۵۸ .
سرکاج (حدشرقی ناتل) ــ ۳۵۴ .
سرگلن (از دهکده‌های میان‌بند نور) ــ ۳۶۲ .
سرلنگا (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۸۳ .
سرولات‌تنکابن ــ ۴۲ .
سرین‌پل (موضعی بــرسر راه‌زوات بــه کلاردشت) ــ ۱۰۹ .
سریوده (ازدهکده‌های کجور) ــ ۱۷۹ .
سعادت‌آباد (=نای = نی)، (از دهکده‌های میانرودسفلای‌نور) ــ ۳۴۸ ــ ۳۶۷.
سعدآباد = سعیدآباد ــ ۱۱۸ .
سعیدآبادرویان‌ــ ۱۱۳ ــ ۱۱۸ ــ ۱۴۳ ــ ۱۴۴ ــ ۱۶۴ .
سعیدبن دعلج (از حکام‌عرب‌مازندران) ــ ۱۸ ــ ۱۱۸ ــ ۱۴۳ ــ ۱۶۴ .
سعیدبن میمون (ازنواب‌خلیفه) ــ ۱۶۴ .
سغل (درنائیج) ــ ۳۷۰ .
سفرنامهٔ استراباد و مازنــدران مــورخ ۱۲۷۵ ــ ۴۸۹ .
سفرنامهٔ استراباد و مازنــدران رابینــو [ترجمهٔ . . .] ــ ۴۱ .
سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو[متن انگلیسی . . .] ــ ۶۵ ــ ۶۶ ــ۳۷۸.
سفرنامهٔ ناصرالدین‌شاه ــ ۳۳۴ ــ ۳۳۵ .
سفه‌کوتی کشکو (قلعه‌ای‌نزدیك‌شهسوار) ــ ۶۸ .
سفید (ازنواحی بلدهٔ کجور) ــ ۲۳۷ .
سفیدآب‌لار (=اسپی‌او) ــ ۳۷۷ ــ ۳۸۰ .
سفیدتمیش = رودخانهٔ میانده ــ ۲۳ ــ ۲۶ .
سکه‌های ساسانی ــ ۱۹ .
سگ‌چال (برسرراه شاه‌عباسی) ــ ۳۹۷ .

سلاطین‌استندار ــ ۳۹۳ ــ ٤٤۰ .
سلاطین‌محلی مازندران ــ ۱٤ ــ ۱۷ .
سلجوقیان ــ ۱۷ .
سلسلهٔ‌استندار لاریجان ــ ٤٤۰ .
سلسلهٔ قارن ــ ۱۱ .
سلطان‌ابابکرکیا = امامزاده محمدبن ابی‌بکربن علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام ــ ۳۰٤ ــ ۳۰٦ .
سلطان‌احمدنریزنده (دردهکدهٔ دلا) ــ ٤٦٦ .
سلطان‌برزکوه ــ ۲ .
سلطان حاجی ــ ٤۷٤ ــ ٤۷٥ .
سلطان‌سرا (در ازارك پنجك‌رستاق) ــ ۲۲٦ .
سلطان‌شهاب‌الدین‌بن سلطان‌احمد (در دهکدهٔ‌دلا) ــ ٤٦۷ ــ ٤۷٥ .
سلطان‌علی‌میرزا ــ ۹۹ .
سلطان‌کمانگر ــ ٤٦۹ .
سلطان‌کیمدور = محمدکیادبیر صالحانی ــ ۱۹۹ .
سلطان‌هاشم ــ ۳۷۳ .
سلم‌الله [استاد . . .] ــ ۲٦۰ .
سلمان (ازخاندانهای ساکن دلا) ــ ٤٦۳.
سلمان‌بن محمدبن ملامحمودملك ــ ۳٥۱ .
سلم‌رود (ازرودهای تنکابن) ــ ۲٥ .
سلم‌رود (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۲۳ .
سلور (ازدهکده‌های نمارستاق) ــ ٤۸۱ .
سلهسار (سرراه‌هراز) ــ ٤۰۱ .
سلیاکوتی (حدشمالی‌ناتل) ــ ۳٥٤ .
سلیم‌آباد (درکلارستاق) ــ ۱۱٥ .
سلیمان (ازحکام عرب مازندران) ــ ۱۸ ــ ۱۹ .
سلیمان‌آباد (ازدهکده‌های گلیجان تنکابن) ــ ٤۹ ــ ٥۰ ــ ٥۲ .
سلیمان‌بن‌حسین‌نجارفیروزی[استاد...] ــ ۲٦٤ .
سیلمان‌بن عبدالله‌بن‌طاهر (حاکم‌ساری) ــ ۱۰۳ .
سلیمان‌بن مولانا مهدی [مولانا . . .] ــ ۲۸۹ .
سلیمان‌خان قاجار = اعتضادالدوله ــ ٤۲۸ .
سلیمان‌طبیب [میرزا . . .] ــ ٥۰ .
سلیمان ملقب‌به‌رئیس [ملا . . .] ۲٥۱ .
سلیمان‌نبی ــ ۲۸ ــ ۳۲۳ .
سلیمان‌ورام‌بن حسین‌ورام ــ ۱٤۷ .
سلیمانی (ازخاندانهای ساکن‌ناندل) ــ ٤٦٤ .
سما (ازدهکده‌های بیرون‌بشم) ــ ۱۲٤ ــ ۲۲٥ .
سما (ازدهکده‌های پنجك‌رستاق‌کجور) ــ ۲۲٥ .
سم‌تراش (از خاندانهای ساکن‌ناندل) ــ ٤٦٤ .
سمج سیاه‌بندکارکو ــ ٥۲ .
سمج‌شه‌پره‌چال (در لات‌محلهٔ رامسر) ــ ۳۰ ــ ٤۱ .
سمرقند ــ ۱۲٦ .
سمنان ــ ٦ ــ ۷ .
سنار (به تشدیدنون) ــ ۱٥۳ .
سنگ‌بند (حدجنوبی‌ناتل‌برسرراه‌سنگ‌فرش ناتل) ــ ۱۳٥٤ ــ ۳٥۷ .
سنگ‌پل (از اراضی نایهٔ‌نور) ــ ۲٦٦ .
سنگ‌تاجن = سنگ‌تجن (از دهکده‌های

کران برسر راه شاه‌عباسی) ـ ۱۰۹ ـ ۲۳۰ .
سنگ‌درکا (درنائیج) ـ ۳۷۰ .
سنگ‌دروازه ـ ۱۷۵ .
سنگ‌فرش (راه‌قدیمی‌دوهزاروسه‌هزار) ـ ۶۹ .
سنگ‌قبرلزیر ـ ۱۴۵ .
سنگ‌معدن (برسرراه‌شاه‌عباسی) ـ ۱۰۹ .
سنگهای قبورنیك ـ ۴۰۵ .
سوآ (ازدهکده‌های نمارستاق) ـ ۴۸۲ ـ ۴۸۶ .
سوادکوه = کوهستان شروین ـ ۱۲ ـ ۴۱۸ .
سوادکوهی (از خاندانهای گیل کلاردشت) ـ ۱۲۶ .
سوت (موضعی برسرراه زوات به کلاردشت) ـ ۱۰۹ .
سوتاك (دهکده‌ای نزدیك لیره‌سر خرم‌آباد) ـ ۶۷ .
سوته قلعه = قلعهٔ کجور ـ ۱۷۴ .
سوته کلا ـ ۳۳۱ .
سوته‌لار (موضعی بر سر راه زوات به کلاردشت) ـ ۱۰۸ .
سورخان‌رود = روخانهٔسورخانی ـ ۲۳ .
سورخانی (ازدهکده‌های تنکابن) ـ ۴۰ .
سوردار = کوه‌سوردار (ازمواضع‌میان‌بندنور) ـ ۳۶۴ ـ ۳۶۶ .
سوریه ـ ۱۳ ـ ۴۷۸ .
سولده (که‌اخیراًنام آن را به‌غلطتبدیل به نورکرده‌اند) ـ ۳۲۶ ـ ۳۲۷ ـ ۳۲۸ ـ ۳۲۹ ـ ۳۳۰ ـ ۳۳۴ ـ ۳۳۵ ـ ۳۳۶ .
سوله‌بن (از دهکده‌های قزقان‌چای) ـ ۴۰۶ .
سوله‌رود ـ ۳۲۷ .
سهراب‌بن استادعزالدین کاردگر کمررودی ـ ۲۶۴ .
سهراب‌بن رستم‌توپا ـ ۱۴۸ .
سه‌دره (ازمراتع‌لار) ـ ۳۷۸ .
سه‌راهی شرکو ـ ۵۱ .
سهروردی ـ ۴۷۵ .
سهلیه (اراضی پست‌ساحلی) ـ ۱۰ .
سه‌هزار (ییلاق‌خرم‌آباد ورودی به‌همین نام) ـ ۲۱ ـ ۲۸ ـ ۶۹ ـ ۷۱ ـ ۷۵ ـ ۷۷ ـ ۷۸ .
سیاچکه (بتشدیدکاف) ـ ۱۵۴ .
سیارستاق ـ ۷ .
سیارستاق اشکور ـ ۱ .
سیاویشه (کنارهراز) ـ ۴۰۱ .
سیاه‌پوشان = بنی‌عباس ـ ۱۰۵ .
سیاقلعه (نزدیك دهکدهٔجهان‌آباد) ـ ۸۰.
سیاه‌کوه (درآزوی‌نوا) ـ ۴۲۸ ـ ۴۲۹ .
سیاه‌ورز خرم‌آباد ـ ۶۳ ـ ۶۴ ـ ۹۸ .
سیاه‌بیشه ـ ۱۵۴ ـ ۱۵۶ .
سیاه بیشه (در درهٔهراز) ـ ۲۴۴ .
سیاهکله‌رود ـ ۲۴ .
سیاه‌کوتی (سرراه‌جوردی به‌قزوین) ـ ۴۰ .
سیب‌کلایه (از دهکده‌های ییلاقی گلیجان) ـ ۵۲ .
سیدآقا بزرگ ـ ۴۵۰ .
سیدابیض = الثایربالله ـ ۱۰۵ .
سیداسکندر (سرراه‌سعادت‌آبادوورازده) ـ ۳۶۷ .

سیداسکندر (درخرابهٔباری‌کلا) ــ ۳٤۳ .
سیدخرم (بقعه‌ای درتنگهٔدرهٔ جوردی) ــ ٤۳ .
سیدعبدالله (درگورستان قدیمی ناتل) ــ ۳٥۳ ــ ۳٥٤ .
سیدعلی = سیدعالی (درنیاك) ــ ٤۲۳ .
سیدعلی عمران‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام ــ ۲۳۱ .
سیدعلی کیا (از دهکده‌های خیررود کنار) ــ ۲۳۱ .
سیدعلی‌کیابن سیدعلی‌عمران ــ ۲۳۱ .
سیدك (پایین‌قلعه دختر) ــ ٤۰۰ .
سیدکلا (درناتل رستاق) ــ ۳٥۱ ــ ۳٥۲ ــ ۳٦۰ .
سیدکوتی (ازدهکده‌های چلندر) ــ ۲۳۳ .
سیدمحله (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۲٥ .
سیدیوسف (امامزاده‌ای در دهکدهٔتینه) ــ ٤۸۰ .
سیروس خواجه‌نوری ــ ۲٤۱ .
سی‌سنگان ــ ۱۷۷ .
سیف (ازخاندانهای ساکن‌نسل‌نمارستاق) ــ ٤۸۲ .
سیف‌چال (ازمراتع دوهزار) ــ ۷٦ .
سیف‌سرخاب ــ ۲۱۸ .
سیمین خونزا بنت ملك‌بهمن ــ ٤٥٥ .
سینه‌سرخی ــ ۱٥٤ .

ش

شادمحمد دیلمانی ــ ۳۲۰ .
شاغوزکوتی (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ٦٤ .
شال‌کلا (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۲۳ .
شالوس = چالوس ــ ۱۰۲ .
شالی‌زار گرده‌لپو ــ ۹٥ .
شامی‌رود = شیم‌رود ــ ۳٥۹ ــ ۳٦۰ .
شاه‌اسماعیل صفوی ــ ۳٥ .
شاهان‌دشت = شونادشت ــ ٤۳۲ ــ ٤۳۹ ــ ٤٤٤ ــ ٤٤٦ .
شاهانه‌پل (ازنواحی‌بلدهٔ‌کجور) ــ ۲۳۷ .
شاه‌بالو (در دهکدهٔ آهودشت ناتل رستاق) ــ ۳٤٤ ــ ۳٤٦ ــ ۳٦۱ .
شاه‌پل ــ ۱٥٤ .
شاه‌پلافه (برسرکوه رستم‌زنی) ــ ۱۸۳ .
شاه‌دارسن (درنایه) ــ ۲٦۷ .
شاهراه (=راه صلاح‌الدین‌کلا به‌کدیر) ــ ۲۳۷ .
شاه‌رضاکیاسلطان‌بن‌عمربن امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام (درناتل‌کنار) ــ ۳٥٤ ــ ۳٥٥ .
شاهزادگان قاجار ــ ٤۲۷ .
شاهزاده‌جلال‌کیا سلطان‌محمد ــ ۲۸۱ .
شاهزاده حسین پسرامام موسی‌الکاظم علیه‌السلام ــ ۱۸۰ .
شاه‌زید (کنارراه‌هراز) ــ ۲٤٤ ــ ٤۰۱ .
شاه‌طهماسب (۹۸٤ ــ ۹۳۰) ــ ۱۷ ــ ۱۷٤ ــ ٤٤۰ .
شاه‌عباس ــ ۱٤ ــ ۱۷ ــ ۹۲ ــ ۱۲٦ ــ ۳۹۷ ــ ٤۰۰ ــ ٤۰٤ ــ ٤٤۰ ــ ٤٤۱ .
شاه‌کلارستاق = نعیم‌شاه ــ ۱۳۱ .
شاه‌ملاسلیمان (در شمال علی‌آباد نائیج‌نور) ۳۷٦ .

شاه‌منصورمحله (از دهکده‌های رامسر) ــ ۴۲ .
شاه‌ناجر = بقعهٔ‌شاهزاده ابراهیم درصالحان کجور ــ ۱۷۶ ــ ۲۰۷ .
شاهنامهٔ‌فردوسی ــ ۶ ــ ۱۷۱ ــ ۴۵۳ .
شاهنشاه آریامهر ــ ۱۴۲ ــ ۲۹۵ .
شاه‌نشین = قلعه‌بند ــ ۴۱ ــ ۴۲ .
شاه‌نشین دشت (نزدیك دهکدهٔ نوشا) ــ ۷۶ .
شاه‌نشینك (دراراضی‌مترس‌چارز) ــ ۹۵ ــ ۱۳۷ .
شاه‌نظر ولدالهی‌جوربندلنگا ــ ۸۸ .
شبیرولد آخوندملاعلی ــ ۲۵۰ .
شترستانهای ایران ــ ۷ .
شرف‌الدوله بیستون استندار ــ ۱۸۸ .
شرف‌الدین ابن‌افضل‌صوفی نقارلباسانی [استاد . . .] ــ ۴۵۶ .
شغرکوه = شکرکوه ــ ۱۳۲ .
شکرآب ــ ۱۵۶ .
شکرکوه = شغرکوه ــ ۱۳۲ .
شکل‌شاه (درتنکهٔ بندبریده) ــ ۴۵۱ .
شمس‌آملی [شیخ . . .] ــ ۱۲۱ .
شمس‌الدین‌بن حسام توپا ــ ۱۴۸ .
شمس‌الدین‌بن سیشابا ــ ۲۸۳ .
شهربانو [سیده . . .] ، (خواهر سید
شمس‌الدین محمدبناکندلوسی ــ ۲۱۷ ــ ۲۱۸ .
شمشك (ازدهکده‌های رودبارقصران) ــ ۲۱۶ .
شمیران ــ ۳۹۳ .
شنگلده (کنارهراز) ــ ۴۰۱ ــ ۴۳۸ .
شوخس‌کت (=تجی‌کلا) ــ ۱۱۰ .
شورج (ازخاندانهای ساکن تنکابن) ــ ۲۲ .
شوش ــ ۵ .
شوشتر ــ ۵ .
شونا (محلی‌برسرراه آزوبه‌شونادشت) ــ ۴۳۲ ــ ۴۳۹ .
شونادشت = شاهان‌دشت ــ ۳۴۲ ــ ۴۳۹ ــ ۴۴۰ ــ ۴۴۴ ــ ۴۴۵ ــ ۴۴۶ .
شهربانو [سیده . . .] ، (خواهر سید محمدطاهر) ــ ۵۷ .
شهربانو بنت آقامحمدبیگ از طایفهٔ خلعت‌بری ــ ۳۳ .
شهربانوبنت شیخ‌باقر مزردشتی ــ ۵۶ .
شهربانو بنت‌محمدقلی ــ ۲۵۲ .
شهردماوند ــ ۱۲۸ .
شهرستان (مرتعی‌میان‌قاسم‌آبادواوشیان) ــ ۳ .
شهرستان شهسوار ــ ۲۱ .
شهرستانك (ازدهکده‌های‌لورا) ــ ۱۵۴ ــ ۱۵۶ ــ ۱۵۸ ــ ۲۲۱ .
شهرستانك (آثارشهری قدیمی درمرتع پرچو) ــ ۴۰ .
شهرسر (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۶۷ .
شهسوار = محلهٔ شهسواران‌تنکابن ــ ۲۱ ــ ۶۰ ــ ۶۸ .
شهرقدیمی چالوس ــ ۱۱۴ .
شهرکتی (محلی‌نزدیك دولت‌آباد) ــ ۳۷۰ ــ ۳۷۱ .
شهرکجور=بلدهٔ‌کجور ــ ۱۶۳ ــ ۱۶۵ ــ ۱۷۰ ــ ۱۷۲ ــ ۱۷۳ ــ ۱۷۴ ــ ۱۷۵ ــ ۱۸۷ ــ ۲۰۷ ــ ۲۳۶ ــ ۲۳۷ .

شهرکلا (درناتل رستاق) ــ ۳۶۰ .
شهریار (اراضی شمال‌شاه‌پل) ــ ۱۵٤ .
شهریار (بلوک‌جنوب غربی‌تهران) ــ ۱۳ .
شهزاده قاسم (بقعه‌ای دردهکدهٔ سمای پنجاك رستاق) ــ ۲۲۵ .
شهمار (قصبهٔ کوهستان قارن‌یك‌روزه راه ازساریه) ــ ۱۱ .
شیث (امامزاده‌ای درمیانده دلارستاق) ــ ٤۷۷ .
شیخ‌افضل (بانی صندوق‌امامزاده ابراهیم تیرسا) ــ ۳۱۸ ــ ۳۲۲ .
شیخ‌حسن (سردار لشکرسخت‌سر) ــ ۳۷۲ .
شیخ‌زاهدمحله (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ٤۱ ــ ۹۷ .
شیخ‌علی‌کیا (بانی‌صندوق امامزاده ابراهیم درتیرسا) ــ ۳۱۸ ــ ۳۲۲ .
شیخ‌فضل‌اطا (= عطا) ــ ۳۲٤ .
شیخ‌کلا (اراضی دهکدهٔ سمای پنجاك ــ رستاق) ــ ۲۲۵ .
شیخ‌محله (از دهکده‌های نمارستاق) ــ ٤۸۲ .
شیخ‌محله (ازمحلات بردین‌کمررود) ــ ۲۸۱ .
شیراز ــ ۱۳ ــ ۲۲ ــ ۳۳۱ .
شیرانشاه‌بن شیرامه ــ ٤۷۵ .
شیرچشمهٔ عثمان‌سرا ــ ۹۱ .
شیرگاه ــ ۱۲ .
شیرود (ازرودهای تنکابن) ــ ۲۳ .
شیرود هزار = شیرود (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ٤۵ ــ ٤٦ .
شیرودگلیجان (از بخشهای‌تنکابن) ــ ۲۲.
شیم‌رود = شامی‌رود (نزدیك‌ناتل) ــ ۱۰٤ .
شیوادره (ازنواحی‌بلدهٔ کجور) ــ ۲۳٦ .

ص

صاحب‌عالم‌آرا ــ ۱۳۵ ــ ۱۷٤ .
صالحان (ازدهکده‌های کجور) ــ ۱۷٦ ــ ۱۸۷ ــ ۱۹۹ ــ ۲۰۰ ــ ۲۰٤ .
صالح طاج‌بن ملك مظفر [سید . . .] ــ ۲۳۸ .
صدراعظم‌نوری = میرزاآقاخان ــ ۲۹۰ ــ ۳۲۸ .
صفارود (ازرودهای تنکابن) ــ ۲۱ ــ ۲٤ .
صفاریان ــ ۱۷ .
صفرسلمانی ــ ۵٤۹ .
صفرکلاتنگه ــ ۲۹۵ ــ ۲۹٦ .
صفرکلاری ــ ۹٦ .
صفویان ــ ۱۷ ــ ۱۳۱ .
صلاح‌الدین‌کلا = سردین‌کلا ــ ۲۳٦ ــ ۲۳۷ .

ض

ضحاك‌بن‌استادحسین‌نجاراروی [استاد...] ــ ٤۵۸ .
ضرابخانهٔ طبرستان ــ ۱۹ .
ضیغم‌المالك ــ ۸۳ .

ط

طاقچهٔ حجاری‌شده زیرپل قدیمی برروی آب‌لار ــ ٤۰۵ .

طالش = تالش ــ ۱۳ .
طالقان ــ ۱٦ ــ ۲۸ ــ ۷۱ ــ ۱۰٤ ــ ۱۲٤ .
طالقانی (ازطوایف ساکن تنکابن) ــ ۲۲ .
طالقانی (ازخاندانهای گیل کلاردشت) ــ ۱۲٦ .
طاهرتنکابنی [میرزا . . .] ــ ۱۲٦ .
طاهریان ــ ۱۷ .
طایفهٔارجوار (از طوایف‌نور) ــ ۱۵۱ .
طایفهٔبابی ــ ۱۲۲ .
طایفهٔتاکری ــ ٤۹٤ .
طایفهٔسنار (بتشدیدنون) ــ ۱۵۳ .
طایفهٔ حیدریه ــ ۲۵٦ .
طبرستان = تپورستان ــ ٦ ــ ۷ ــ ۹ ــ ۱۰ ــ ۱۱ ــ ۱۳ ــ ۱۵ ــ ۱٦ ــ ۱۷ ــ ۱۹ ــ ۱۰۲ ــ ۱۰۳ ــ ۱۰۵ ــ ۱۱۱ ــ ۱۱۲ ــ ۱٤۳ ــ ۱٤٤ ــ ۱٦۳ ــ ۱٦٤ ــ ۱۷۸ ــ ۱۷۹ ــ ۱۸۷ ــ ۳۸۳ ــ ۳۸۷ .
طبری ــ ۱۰ .
طرائق‌الحقایق ــ ۳۱ ــ ۵۰ ــ ۸٦ .
طمیس = تمیشه ــ ۱۰ .
طیعربن امام‌زین‌العابدین‌بن حسین شهید علیهم‌السلام ــ ٤۱۳ .

ظ

ظهیرالدین [سید . . .] ــ ۳۸ ــ ٤۸ ــ ۵۸ ــ ۵۹ ــ ٦٤ ــ ۷۳ ــ ۸٤ ــ ۱۳۰ ــ ۱۳۵ ــ ۱۷۰ ــ ۱۷۱ ــ ۱۷۳ ــ ۱۷٤ ــ ۱۷۹ ــ ۱۹۹ ــ ۲۰۰ ــ ۲۳٤ ــ ۲۷۷ ــ ۲۹٦ ــ ۳۵۸ ــ ۳۵۹ ــ ۳۷۸ ــ ۳۸۱ ــ ۳۹٦ ــ ٤۰۵ ــ ٤۱۹ .
ظهیرالدین‌بن علی‌بن قوام‌الدین (از سادات مرعشی مازندران) ــ ۱۰٦ ــ ۱۱۳ ــ ۱۱٤ .

ع

عامربن آدم (ازنواب‌خلیفه) ــ ۱٦٤ .
عباس (معصوم‌زاده‌ای در دهکدهٔنج) ــ ۳۱۳ .
عباس‌آباد (ازدهکده‌های لنگا) ــ ۸۳ ــ ۹۰ .
عباس ثانی [شاه . . .] ــ ۳۷۸ .
عباس عبدالبها ــ ٤۹۲ .
عباسقلی‌خان لاریجانی‌امیرمکرم ــ ۳۸۹ ــ ٤۱٤ .
عباسقلی ولدحاجی قربانعلی ــ ٤۵۹ .
عباسقلی‌ولد حبیب‌الله‌خان ــ ۷۵ .
عباس‌کلا (ازدهکده‌های کلارستاق) ــ ۱۱۰ .
عباس‌میرزا پسر فتحعلی‌شاه (درنوا به دنیا آمد) ــ ٤۲۷ ــ ٤۲۸ .
عباس‌نکوئی ــ ۸۳ .
عبدالله (معصوم‌زاده‌ای در دهکدهٔنج) ــ ۳۱۳ .
عبدالله‌بن حازم (حاکم‌طبرستان از قبل مأمون) ــ ۱۰۳ ــ ۱٤٤ .
عبدالله‌بن محمدبن حسن‌بن حسین ــ ٤۱۳ .
عبدالله‌الرضا = بقعهٔآقاعبدالرضا ــ ۱۲۱ ــ ۱۲۲ .
عبدالله پیشخدمت [میرزا . . .] ــ ۲۲۱ .
عبدالله‌کندلوس [مولانا . . .] ــ ۲۱۸ .

عبدالجبار همدانی ــ ٨٤ .
عبدالحی بن سیدنصیرالدین بن سید کمال‌الدین بن میرقوام‌الدین مرعشی ــ ٤٨ .
عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زید ــ ١١٣ ــ ١٩٩ .
عبدالرحیم خطیبی نوری ــ ٢٨٢ .
عبدالعزیز بن ابی‌دلف عجلی ــ ١٠٤ .
عبدالفتاح فومنی ــ ١٧٤ .
عبدالعلی بن ملاسیف‌الدین [ملا . . .] ــ ٢٢٠ .
عبدالعلی کندلوسی [ملا . . .] ــ ٢١٨ .
عبدالکریم [میر . . .] ــ ٢٣٤ .
عبدالمؤمن صاحب کتاب مراصدالاطلاع ــ ١٦٤ .
عبدالمحمدنوری [حاجی . . .] ــ ٢٩٣ .
عبدالملکیها ــ ١٣ .
عبدل‌آباد (ازدهکده‌های ناتل‌رستاق نور) ــ ٣٥٠ .
عبدالمناف (ازدهکده‌های نمارستاق) ــ ٤٨٢ .
عثمان‌خان ــ ٩١ .
عثمان‌سرا ــ ٩١ .
عثمان‌کلا (در کلاردشت) ــ ١٣٤ .
عراق (خاك بین‌النهرین) ــ ١٣ .
عراق (شهرهای جنوبی رشتهٔ البرز) ــ ١٠٣ ــ ٣٩٨ .
عرب‌خیل (ازدهکده‌های دشت کلارستاق) ــ ١١٠ .
عرب‌محله (ازمحلات رینه) ــ ٤١٧ .
عربها = اعراب ــ ٦ .
عزت‌ده = ایزده ــ ٣٢٨ ــ ٣٢٩ .
عزالدین بن یوسف نجار لباسانی [استاد...] ــ ٢٨٤ .
عزالدین دریاباری [شیخ . . .] ــ ٢١١ .
عزالدین کاردگر کمررودی [استاد...] ــ ٢٦٤ .
عزیزخان سردار کل‌قشون ــ ١٥٥ .
عسکرولد گل‌محمدجردورونی ــ ٩٦ .
عضدالدوله (لقب ابوالحسین المؤیدبالله) ــ ٨٤ ــ ٨٥ .
عقیل بن مسرور ــ ١١٣ .
علاءالدین بن محمدبن حسن لواسانی ــ ٢٦٩ ــ ٣٠٣ .
علاءالدین درویش کوچ ــ ٢٢٠ .
علاءالدین شیرامه‌اسفارانگیج ــ ٣٢١ .
علویان ــ ١٥ ــ ١٦ .
علوی‌کلا (ازدهکده‌های دشت کلارستاق) ــ ١٠٨ ــ ١١٥ .
علوی‌کلا (ازدهکده‌های دشت کجور) ــ ١٦٦ ــ ٢٢٧ ــ ٢٢٨ ــ ٢٣٨ .
علی [سید...] ، (سازندهٔ در بقعهٔ امامزاده سیدزکریا دراوزکلا) ــ ٢٥٩ .
علی‌آباد (ازدهکده‌های لاریجان) ــ ٤٦١ .
علی‌آباد (ازدهکده‌های قزقان‌چای) ــ ٤٠٦ .
علی‌آباد (از دهکده‌های نائیج‌نور) ــ ٣٧٦ .
علی‌آباد (ازآبادیهای دشت نائیج) ــ ٣٢٧ .
علی‌آباد (از دهکده‌های کلارستاق) ــ ١١٥ .

علی‌آباد (= شاهی) ــ ٩ ــ ١٢ .
علی‌آباد کیله ــ ١١٥ .
علی‌آباد میر (برسر راه‌شاه‌عباسی) ــ١٠٩ .
علیاحضرت شهبانو ــ ٣٩٧ .
علی‌اصغر [حاجی . . .] ــ ٦٦ .
علی‌اصغر [استاد . . .] ، (سازندهٔ‌پنجرهٔ مشبك چوبین‌درویش‌رستم) ــ ٢٢٤.
علی‌اصغر ازطایفه ملا ــ ٢٦٤ .
علی‌اصغراسفندیاری ــ ١٤٧ .
علی‌اصغرسردار (پدر محمدولی‌خان) ــ ١٣١ .
علی‌اصغر گرجی [استاد . . .] ــ ٢٩٢ .
علی‌اکبر (سنگ‌تراش‌شکل‌شاه) ــ ٤٥٣ .
علی‌اکبر [استاد . . .] ــ ٢٥٩ .
علی‌اکبربن عباس‌رکا ــ ١٥٢ .
علی‌اکبر حسینی [سید . . .] ــ ٢٤٨ .
علی‌اوسط ابن‌نوذر ــ ١٥١ .
علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام=علی‌المرتضی= امیرالمؤمنین ــ ١٦ ــ ٣٠ ــ ٤٥ ــ ٧٣ ــ ١٠٥ ــ ١٨٩ ــ ٢١٧ ــ ٢٤٩ ــ ٢٥٨ ــ ٢٦٢ ــ ٢٨٨ ــ ٢٩١ ــ ٣٠٤ ــ ٣٢٢ ــ ٣٢٣ ــ ٣٢٤ ــ ٣٣٩ ــ ٤١٠ ــ ٤١٣ ــ ٤٥٨ ــ ٤٦٨ ــ ٤٦٩ ــ ٤٧٢ ــ ٤٩١ .
علی‌بن بسطامی [استاد . . .] ــ ٢٦٣ .
علی‌بن بویه ــ ١٠٣ .
علی‌بن جستان ــ ١٦٤ .
علی‌بن حسین‌بن علی‌بن ابی‌طالب ــ علیهم‌السلام ــ ١٠٥ ــ ١٣٢ ــ ٤٥٨ .
علی‌بن شمس‌الدین لاهجی ــ ٧٧ ــ ١٧٤ ــ ٣٧٢ .
علی‌بن عبدالرحمن‌بن قاسم‌بن حسن ــ ١١٣ ــ ١٩٩ .
علی‌بن عبدالله‌بن محمدبن حسن ــ ٤١٣ .
علی‌بن علاءالدین‌بنا ــ ٢١٩ .
علی‌بن عمربن زین‌العابدین علیه‌السلام ــ ١٠٥ .
علی‌بن کامه ــ ١١٣ .
علی‌بن محمدبن علی‌بن حسن ــ ١٠٥ .
علی‌بن موسی‌الرضا [امام . . .] ــ ١٩٢ ــ ١٩٤ ــ ٢٢٤ ــ ٣٠٦ ــ ٣٠٧ ــ ٣١٩ ــ ٣٢٣ .
علی‌بن نجفقلی ولی‌آبادی ــ ١٥٣ .
علی‌بن نصر ــ ١١٣ .
علی‌بیگ [آقا . . .] ٤٦١ .
علی‌تیرگر بیرون‌بشمی ــ ١٢٢ .
علی‌حدادبن بایزید ــ ٤٦٩ .
علی‌خطیب روقاسی ــ ٢٥١ .
علی‌دیاری [ملا . . .] ــ ٢١٧ .
علی‌سالار فاتح ــ ٢٤١ .
علی‌قلی‌خان منتصرالسلطنه ــ ١٢١ .
علی‌کرم ولدیحیی کلیج ــ ٢٥٤ .
علی‌کوج [آقا . . .] ــ ٢١٧ .
علی‌کیا [سید . . .] ــ ٣٨ .
علی‌گرشاسف [استاد . . .] ــ ٢٩١ .
علی‌المرتضی =علی‌بن‌ابی‌طالب‌علیه‌السلام = امیرالمؤمنین ــ ١٩٢ ــ ١٩٤ ــ ٢٢٣ ــ ٣٠٦ ــ ٣٠٧ .
علی‌النقی عیله‌السلام [امام . . .] ــ ١٩٢ ــ ١٩٤ ــ ٣٠٦ ــ ٣٠٧ ــ ٣١٩ ــ ٤٥٨ ــ ٤٧٠ .
علی‌نقی نیکنام ــ ٣٩ .

علی‌ولدآقاعمادکلاری [کربلائی . . .] — ۲۶۰ .
عمارت = کلاه‌فرنگی (کنارهراز) — ۴۰۱ .
عمارت‌آئینه = عمارت ناصریه (در خرم‌آباد) — ۶۱ .
عمارت‌اسبچین — ۹۱ .
عمارت حکومتی خرم‌آباد تنکابن — ۲۷ .
عمارت‌خانلرخان سیل‌سپر — ۳۸۳ .
عمارت دیوانخانه = عمارت حکومتی خرم‌آباد — ۶۲ .
عمارت سردرب (درخرم‌آباد) — ۶۰ — ۶۱ .
عمارت شیخ‌نورالدین (در نورآباد) — ۵۱ .
عمارت صدراعظم‌درسولده — ۳۳۴ — ۴۹۵ .
عمارت عالیه‌خانم (درخرم‌آباد) — ۶۰ — ۶۲ .
عمارت علینقی‌نیکنام (در مرجان‌لات جنده‌رودبار) — ۳۹ .
عمارت قشلاقی امیرمصدق‌نوری — ۳۵۰ .
عمارت ملک‌کاووس (دربلدهٔ‌نور) — ۲۹۶ .
عمارت منتظم‌دیوان (دردهکدهٔ گلیجان) — ۵۰ — ۸۱ .
عمارت میرزامحمدخان — ۸۳ .
عمارت‌ناصرالدین‌شاهی = قصرشهرستانک — ۱۵۴ — ۱۵۸ .
عمارت ناصریه = عمارت آئینه (در خرم‌آباد) — ۶۰ — ۶۱ .
عمارت‌ناهارخوران (در خرم‌آباد) — شروین — ۱۰ — ۱۱ — ۱۲ .
عمارت هاجرخانم (درخرم‌آباد) — ۶۰ . ۶۰ — ۶۱ .
عمارت هدایت‌الله‌خان (دراوان) — ۸۱ .
عمارت هدایت‌الله مسعودالملک (در رودگرمحله) — ۸۱ .
عمر (ازخلفای‌راشدین) — ۱۸ .
عمربن زین‌العابدین‌بن حسین‌بن علی علیه‌السلام — ۱۰۵ .
عمربن‌العلا (از حکام‌عرب مازندران) — ۱۸ — ۱۹ — ۱۴۴ — ۱۶۴ .
عمرانلو (از قبیله‌های ترک ساکن مازندران) — ۱۴ .
عمروبن مهربان — ۱۶۴ .
عمرولیث — ۴۰۳ .
عیسی‌روح‌الله — ۱۸۹ .
عیص‌بن اسحاق‌بن ابراهیم علیه‌السلام — ۸۶ .
عین‌الهم (ازشهرهای ساحلی) — ۱۰ .

غ

غائی (نام‌عمومی خاندانهای ساکن دلا) — ۴۶۳ .
غارارژنگ (در جنوب‌چالک و چلندر) — ۲۳۲ .
غاراسک — ۴۱۴ .
غاربزلی (درجنوب چالک‌و چلندر) — ۲۳۲ .
غارپائین‌کوه قلعه‌بند — ۴۲ .
غاردیو سفید (درجنوب چالک‌وچلندر) — ۲۳۲ .
غار سه‌هزار — ۲۸ .
[illegible] — ۷۶ .

غارگبری (درجنوب چلك و چلندر) ــ ۲۳۲ .
غارنادر (در لات محلهٔ رامسر) = سمج شه‌پره‌چال ــ ۳۱ .
غارهای پای‌کهو (پایین گردنهٔ کبود) ــ ۲۹۰ .
غریب خاك‌گردن ــ ٦۷ .
غریب‌شاه (دردهکدهٔ شونادشت) ــ٤٤٦ .
غزنویان ــ ۱۷ .
غلامحسین‌خان خلعت‌بری = نصرت نظام ــ ۷۸ .
غلامحسین ولدنوروزعلی‌بیگ اسکی [مشهدی . . .] ــ٤۳۷ .
غلامرضای آملی [حاجی . . .] ــ ٤۸۷ .
غلامعلی [کربلائی . . .] ــ ۲۷٤ .
غلامعلی لاریجانی ــ ٤۰۸ .
غلجائی (طایفه‌ای از افغانان ساکن مازندران) ــ ۱٤ .
غول‌سنگ (سرراه شاه‌عباسی) ــ ۳۹۸ .

ف

فاطمه بنت یدالله ــ ۱۵۳ .
فاطمه‌خانم (عیال میرزایحیی‌ازل) ــ ٤۹۲ .
فاطمةالزهرا علیهاالسلام‌ــ۱۸۹ ــ ۲۲۳ ــ ۲٤۹ ــ ٤۱۰ ــ ٤۵۸ .
فاطمه‌نسا بنت‌عبدل‌توران ــ ۲٤٦ .
فتیح‌آباد (درجنوب یالو) ــ ۲۹۰ .
فتحعلی‌بن محمدشفیع‌نجار ــ ۱۵۳ .
فتحعلی‌خان (حاکم‌ولایات‌ثلاث) ــ ۱۲۲.
فتحعلی‌خان دولوی‌قاجار ــ ٤۲۸ .
فتیج‌گوابر اوشیان ــ ۲ .
فخرالدین [سید . . .] ــ ۱۳۵ ــ ۳۸۰ ــ ٤۱۹ .
فخرالدین‌بن عبدالهادی رستمدار ــ ۲۵۳
فخرالدین‌بن قوام‌الدین‌مرعشی[سید...]ــ ۳۵۸ ــ ٤۷۸ .
فخرالدین مرشدی ــ ۷۵ .
فخری (تخلص اعتضادالسلطنه وزیر علوم) ــ ۱۵۷ .
فخی (= فقیه) (ازطوایف گیل‌ساکن کلاردشت) ــ ۱۲٦ .
فرادات اول (پادشاه‌پارتی) ــ ۷ .
فرامرزمحله (ازمحلات رینه) ــ ٤۱۷ .
فربورز رودباری ــ ۲۱۹ .
فرج‌آباد (درکلارستاق) ــ ۱۱۵ .
فرج‌آبادکیله ــ ۱۱۵ .
فرخان‌بزرگ ــ ۸ ــ ۱۷۹ .
فرخ‌سیربن محمود ــ ۲۳۹ .
فرح‌آباد (درسال ۱۰۲۰ ساخته شد) ــ ۵ ــ ۱۷ .
فرخوان (از حکمرانان خاندان‌دابویه) ــ ۱۸ .
فردوسی [حکیم . . .] ــ ۱۷۱ .
فرهاد ــ ٤۵۳ .
فرهادجوی = نهرفرهاد = فرهادرود ــ ٦٤ .
فرهادخان قرامانلو (سپه‌سالارشاه عباس)ــ ٤٤۰ ــ ٤٤۱ .
فرهاد دوم‌اشکانی ــ ۱۲۸ .
فرهادرود = فرهادجوی ــ ٦٤ .
فریدون ــ ٦ ــ ۸ .
فریزر ــ ۲۲ .
فریم = کوه‌قارن ــ ۷ ــ ۱۲ ــ ۱۹ .

فشکور (ازدهکده‌های کوهستان غربی) ــ ۱۰۲ ــ ۱۴۴ ــ ۱۴۵ .
فشنك‌آقا = امامزاده علی‌بن عبدالله ــ ۴۱۳ .
فضل ــ ۳۲۴ .
فضل‌الله‌بن ظهیرالدین‌بن علی‌بن قوام‌الدین مرعشی ــ ۱۰۶ ــ ۱۱۳ ــ ۱۱۴ .
فضل‌الله‌خان‌بن محمدحسن‌خان = نظام‌الممالك = نوری = میرزافضل‌الله‌خان نظام‌الممالك ــ ۳۱۰ .
فضل‌بن سهل‌ذوالریاستین ــ ۱۹ ــ ۱۶۴ .
فضل‌الله‌بن حاجی‌بابابن کربلائی محمد ــ ۱۲۲ .
فغفره (ازاراضی کمربن‌نور) ــ ۲۴۶ ــ ۲۴۷ .
فقیه = فخی (ازطوایف ساکن تنکابن) ــ ۲۲ .
فقیه‌آباد (ازدهکده‌های نشتا) ــ ۸۲ .
فقیه‌محله (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۴۶ .
فك‌لش ــ ۱۵۴ .
فیروز = پیروز (ازسلاطین ساسانی) ــ ۱۷ .
فیروزآباد (از دهکده‌های پنجك رستاق کجور) ــ ۲۲۵ ــ ۲۲۶ .
فیروزکلای‌بالا (از دهکده‌های کجور) ــ ۱۸۰ ــ ۱۸۲ ــ ۱۸۳ .
فیروزکلای پائین (ازدهکده‌های کجور) ــ ۱۸۰ ــ ۱۸۱ ــ ۳۶۳ .
فیروزکوه ــ ۷ ــ ۳۹۳ ــ ۴۰۶ .
فیره (ازدهکده‌های دلارستاق) ــ ۴۳۷ ــ ۴۶۳ ــ ۴۶۵ .
فیل‌چم کندوان ــ ۱۵۴ .
فیل‌چم هزارچم ــ ۱۵۵ .
فین بکسرفاءوتشدیدیاء) ، (ازدهکده‌های پنجك‌رستاق کجور) ــ ۲۲۶ .
فیول (ازدهکده‌های‌میانرود بالای‌نور) ــ ۳۱۲ .

ق

قابوس‌بن وشمگیرزیاری ــ ۱۵ ــ ۱۰۳ .
قاجار ــ ۱۴ .
قارن (برادرزرمهر) ــ ۱۵ .
قازبکی (ازسکه‌های رایج طبرستان) ــ ۱۹ .
قاسم‌آباد ــ ۳ .
قاسم‌آباد (درمیانرودسفلای‌نور) ــ ۳۶۷ .
قاسم‌بن حسن‌بن زیدبن امام‌حسن علیه‌السلام (از ائمهٔ زیدیه) ــ ۸۴ ــ ۸۵ ــ ۱۱۳ ــ ۱۹۹ .
قاسم‌پاشاه (بانی‌پنجرهٔ‌مشبك‌چوبین درویش رستم‌در اطاق‌سرای‌زانوس رستاق) ــ ۲۲۴ .
قاسمعلی‌پیچ ولدمحمدجعفر ــ ۲۴۹ .
قاسم‌نجار صادقی (دهبان‌پردنگون) ــ ۱۲۲ .
قاضی‌سوم = درویش‌حسین ــ ۴۳۳ .
قاضی‌صدام ــ ۱۴۴ .
قاضی‌محله (ازدهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ .
قاضی‌مزرا ــ ۴۰۱ .
قاهرعلی‌بیگ غجرچاوشلو ــ ۲۹۳ .
قباداول ساسانی ــ ۱۲۸ .
قبرچهل‌دختر (مسجدی‌است قدیمی) ــ ۵۵ .

قبر ملك‌سلطان ــ ۳۸۲ .
قبله‌کتو (درآزوی‌نوا)ــ ۴۲۸ ــ ۴۲۹ ــ ۴۳۲ .
قرآن مجید ــ ۸۷ .
قراطادان = قراطغان ــ ۱۶۴ .
قراطغان ــ ۱۳ ــ ۱۴ .
قراياق‌زندی (ازطوایف خواجه‌وند) ــ ۱۲۷ .
قربان شاهاندشتی [سید . . .] ــ ۴۶۱ .
قربان ولدزکی ــ ۴۵۹ .
قرقشه‌محله (ازمحلات‌رینه) ــ ۴۱۷ .
قره‌تپه ــ ۱۴ .
قزقان‌چای فیروزکوه ــ ۴۰۶ .
قزوین ــ ۱۰ ــ ۴۰ ــ ۱۰۵ ــ ۳۶۰ .
قشلاق کجور = دشت کجور ــ ۲۳۹ ــ ۳۲۷ .
قشلاق کلارستاق =دشت کلارستاق ــ ۲۱ ــ ۱۰۱ .
قصاب (ازخاندانهای‌ساکن رینه) ــ ۴۱۸.
قصاب‌محله [از محلات رینه] ــ ۴۱۷ .
قصران‌داخل (بخش‌لواسان امروز) ــ ۳۹۳ .
قصرخوشی‌خانه (در دلارقصران) ــ ۳۸۶ ــ ۳۸۸ .
قصرسلطنتی چالوس ــ ۱۱۲ ــ ۱۱۴ .
قصرسلطنتی کلاردشت ــ ۱۴۱ .
قصرشهرستانك =عمارت‌ناصرالدین‌شاهی ــ ۱۲۶ .
قصرواتاشان (در جنوب دهکدهٔ نصرت‌آباد) ــ ۳۵۸ .
قطب‌الدین‌بن شیخ‌نورالدین شاه رستم دریاباری ــ ۲۱۱ .
قفقاز ــ ۱۳۱ .
قلا = قلادوش (درغرب‌پلور) ــ ۴۰۲ .
قلا (قلعه‌ای در موزی‌بن نزدیك امیرآباد خرم‌آباد) ــ ۶۷ .
قلابن (دراراضی قلابن پایین‌لاریجان) ــ ۴۵۹ .
قلاپیش (در دهکدهٔ نوا) ــ ۴۲۷ .
قلادوش (نزدیك‌تخته پل‌نیاك)ــ ۴۲۲ .
قلاسر (میان دوآب وازرود و جز) ــ ۳۷۲ .
قلاسر (کوهی که قلعهٔ مور برآن‌است)ــ ۱۸۵ .
قلاسر (=قلعه‌سر) ، (دردهکدهٔ یال‌بندان)ــ ۹۷ .
قلاع کجور ــ ۲۷۷ .
قلاع کوهستانی البرز ــ ۴۴۲ .
قلاکتی (دهکده‌ای درمیانرود پائین‌نور)ــ ۳۶۷ .
قلاکوتی (نزدیك دهکدهٔدلیر) ــ ۱۴۵ .
قلاکوتی پیشنبور (در کلاردشت) ــ ۱۳۸ .
قلاکوتی‌نسن ــ ۲۴۸ .
قلاگردن (درازارك) ــ ۲۲۶ .
قلاگردن (کوهی مسلط به‌دشت‌کجور) ــ ۱۷۰ .
قلاگردن= قلعه‌گردن (قلعه‌ای برقلهٔ کوهی درجنوب خرم‌آباد) ــ ۵۸ .
قلاگردو = قلعهٔدزبن ــ ۱۵۰ .
قلامیرك (دردهکدهٔ نوا) ــ ۴۲۷ .
قلایهٔ کارکو (برروی تپهٔ کارکو) ــ ۵۲ .
قلعهٔ آمل ــ ۴۴۰ .

قلعهٔ ازبلو (درتنکابن) ــ ۳۷ ــ ۵۸ ــ ۵۹ .
قلعهٔ اسپرز (برسرتیرهٔ زرین کوه) ــ ۱٤۹ .
قلعهٔ اسپی روز (برکوه قلاگردن) ــ ۱٤۹ ــ ۱۷۰ ــ ۱۷۱ .
قلعهٔ اسپی ریز = قلعهٔ اسپی روز ــ ۱۷۱ .
قلعهٔ اسپی سنگ (در مرتع ورگاویج) ــ ۱۱۷ .
قلعهٔ اسکولسر (قلعه‌ای قدیمی در جنگل اسکولسر) ــ ۹۷ .
قلعهٔ اکر (دراراضی توبن دوهزار) ــ ٦۹ .
قلعهٔ انگمار (بربالای کوه انگمار) ــ ٤۱۱ .
قلعهٔ انگیل ــ ۱۷۷ .
قلعه‌ای برکوه پائین مازو (سرراه رامسر به جوردی) ــ ٤۰ .
قلعه‌ای برکوه زین دشته (در جوردی) ــ ٤۳ .
قلعه‌ای در کیت گردن ــ ۱۵۰ .
قلعه‌ای در مرتع پاره‌نسا (پشت مهمانخانهٔ رامسر) ــ ۳۵ .
قلعه‌ای سر (بربالای کوه نزدیك کلیشم) ــ ۷٦ .
قلعه‌ای قدیمی (داخل دریا مقابل نمك آبرود) ــ ٤۸۹ .
قلعه‌ای قدیمی بربالای قلهٔ ترك سر ــ ۱۱۰ .
قلعه‌ای قدیمی برتپهٔ کرات چاك ــ ۹۵ .
قلعه‌ای قدیمی (بردامنهٔ کوه زراك) ــ ۱۵۰ .
قلعه‌ای قدیمی (برسرتیرهٔ جیزچال) ــ ۱۱۰ .
قلعه‌ای قدیمی (برسرکوه علمدار) ــ ۳۷٤ .
قلعه‌ای قدیمی (برکوه سبحان‌الله) ــ ۳۰۹ .
قلعه‌ای قدیمی (در اراضی ایمچی رزن) ــ ۳۲۵ .
قلعه‌ای قدیمی (دراراضی جنگل گل‌باغ) ــ ۳۵۷ .
قلعه‌ای قدیمی (دراراضی کشتزار صلاح‌الدین کلا) ــ ۲۳۷ .
قلعه‌ای قدیمی (در اراضی نجف‌خرابهٔ کارگرمحله) ــ ۳۵۳ .
قلعه‌ای قدیمی (در پشت دشت‌نظر فیروزآباد) ــ ۲۲٦ .
قلعه‌ای قدیمی (درپی قلای کلاردشت) ــ ۱۳۷ .
قلعه‌ای قدیمی (در چنگل جار زرن) ــ ۳۲۵ .
قلعه‌ای قدیمی (در دهکدهٔ برسی‌بوز خرم‌آباد) ــ ٦۵ .
قلعه‌ای قدیمی (دردهکدهٔ جته‌بر) ــ ٦٦ .
قلعه‌ای قدیمی (در دهکدهٔ کرزل‌نشتا) ــ ۸۰ .
قلعه‌ای قدیمی (درقلعه‌باغ نزدیك نیاسته) ــ ٤۲ .
قلعه‌ای قدیمی (درکاردگر کلا) ــ ۳۵۳ .
قلعه‌ای قدیمی (درکاسه‌گرمحله) ۲٤۱ .
قلعه‌ای قدیمی (در مرتع شاله درسولده) ــ ۳۳٦ .
قلعه‌ای قدیمی (درمرتع گردکوهه) ــ ۷٦ .
قلعه‌ای قدیمی (میان درویش‌کلا و لش‌کنار) ــ ۳٦٤ .

قلعهٔباحرب = قلعهٔ کهرود = قلعهٔ کارو (دردهکدهٔ کهرود دلارستاق) — ۴۷۸ .
قلعه‌باغ (نزدیك قلعهٔ مارکوه تنکابن) — ۳۷ .
قلعه‌باغ (نزدیك نیاستهٔتنکابن) — ۴۲ .
قلعهٔبرار (برارتفاعی نزدیك دهکدهٔ برار) — ۱۶۱ .
قلعهٔبزرگ لشکرك — ۶۵ .
قلعهٔبستك (درلارقصران) — ۳۸۱ — ۳۸۲ .
قلعهٔبلدهٔنور = قلعهٔپولاد — ۲۷۷ .
قلعهٔبلو = قلعهٔچناتر — ۱۳۶ .
قلعه‌بند = شاه‌نشین — ۴۱ — ۴۲ .
قلعهٔپرز (نزدیك سیاورز خرم‌آباد) — ۶۳ .
قلعه‌پلنگ — ۹۸ .
قلعهٔپولاد = قلعهٔنور = قلعهٔبلده — ۱۹۵ .
قلعهٔپی‌اسپرس (در دهکدهٔ پی‌اسپرس کالج) — ۱۸۳ .
قلعهٔتجك (درجنوب‌شرقی‌زوات) — ۱۱۰.
قلعهٔ تنکا — ۳۷ — ۵۸ — ۵۹ .
قلعهٔتیرکوه (درشمال‌غربی‌پلور) — ۴۰۳ .
قلعهٔجوهینه — ۱۱۱ .
قلعهٔ چالوس — ۱۱۱ .
قلعهٔچناتر = قلعهٔبلو — ۱۳۶ .
قلعهٔچناربن — ۱۷۱ .
قلعه خرابه‌ای (میان دهکدهٔهنگو و مالن‌کوه) — ۷۹ .
قلعهٔدارگوش — ۳۶۳ .
قلعهٔدارنا (بردست راست‌آب وازرود) — ۳۷۲ — ۳۷۳ .
قلعه‌دختر (درپای بژم‌موشا) — ۴۰۱ .
قلعه‌دختر = قلعهٔشیواردره — ۲۳۶ .
قلعهٔدربندان (در جنده‌رودبار) — ۴۳ .
قلعهٔدزبن = قلاگردو — ۱۵۰ .
قلعهٔدزدبن (نزدیك دهکدهٔ دزدك) — ۲۳۲ — ۲۳۳ — ۲۳۴ .
قلعهٔدشمنکور = ملك‌قلا — ۴۴۱ .
قلعهٔدیزکول = دزدکول = گرزمان‌سر — ۳۰ — ۴۱ .
قلعهٔرودپشت (دررودپشت‌زوار) — ۱۷۹ .
قلعهٔرینه — ۴۲۰ .
قلعهٔسپاهی تل‌دشت — ۶۴ .
قلعه‌سر (از دهکده‌های نشتای تنکابن) — ۷۹ .
قلعهٔ سنگ‌دك (درپلور) — ۴۰۲ .
قلعهٔ سنگ‌سرك — ۱۲۴ .
قلعهٔسوآ (دراراضی پاقلعهٔسوآ) — ۴۸۶ .
قلعهٔسی‌هزار (ظاهراًدرسه‌هزار خرم‌آباد) — ۷۷ .
قلعهٔشاه‌دز (درناحیهٔرویان) — ۱۷۳ .
قلعهٔشاه‌کوه (بردست چپ وازرود) — ۳۷۴ .
قلعهٔشاه‌نشین — ۱۳۷ .
قلعهٔشروین = قلاپیش درنور — ۴۲۷ .
قلعهٔشونادشت = ملك‌قلا — ۴۴۰ .
قعلهٔشیوادره = قلعه‌دختر= قلعهٔشیواردره — ۲۳۶ .
قلعهٔشیواردره = قلعهٔ شیوادره — ۱۷۷ .
قلعهٔفارس (نزدیك دهکدهٔ فشکور) — ۱۴۴ .
قلعهٔفریم — ۱۱ .
قلعهٔ فشکور — ۱۴۴ .

قلعهٔ فیروزکوه ــ ۳۷۵ .
قلعهٔ قدیمی گردن‌سر ــ ۳۷۵ .
قلعهٔ کارو = قلعهٔباحرب = قلعهٔ کهرود ــ ۴۱۹ ــ ۴۷۸ .
قلعهٔ کجور ــ ۱۰۴ ــ ۱۳۵ ــ ۱۷۰ ــ ۱۷۱ ــ ۱۷۴ .
قلعهٔ کشاک‌سر (نزدیک نارنج‌بندبن) ــ ۹۴ .
قلعه کل (دردهکدهٔ سیدکلا) ــ ۳۶ .
قلعهٔ کلار (= تپهٔ کلار) ــ ۱۳۰ ــ ۱۳۵ .
قلعه کوتی (ازدهکده‌های ناتل‌رستاق نور) ــ ۳۴۲ .
قلعه کوتی (دست‌راست آب‌وازرود) ــ ۳۷۴ .
قلعه کوتی (دردهکدهٔ کلیشم) ــ ۷۵ .
قلعه کوتی (میان‌امرج‌کلا و اسبچین) ــ ۹۱ .
قلعه کوتی انارجار ــ ۳۶۰ .
قلعه کوتی سفیدخانه ــ ۸۹ .
قلعه کوتی شهرکلا ــ ۳۶۰ .
قلعه کوتی لشکرك (دردهکدهٔ لشکرك خرم‌آباد) ــ ۶۴ .
قلعه کوتی موزی‌سی ــ ۳۴۲ .
قلعهٔ کوچك لشکرك ــ ۶۵ .
قلعهٔ کهرود = قلعهٔباحرب = قلعهٔ کارو ــ ۴۷۸ .
قلعه گردن = قلاگردن ــ ۵۸ .
قلعه گردن (نزدیك دهکدهٔ کلمه در کلاردشت) ــ ۱۳۶ .
قلعه گردن = بلده = خرم‌آباد ــ ۵۵ ــ ۶۴ .
قلعهٔ گرده‌رو = دخترقلعه ــ ۱۴۹ .
قلعهٔ گرزمان‌سر = دزدکول ــ ۳۸ .
قلعهٔ گلا (پشت دهکدهٔ بالاواز) ــ ۳۷۴ .
قلعهٔ گلپیر ــ ۳۰۰ ــ ۳۰۱ .
قلعهٔ گل‌کند (بکسر گاف) ، (در جنده ــ رودبار) ــ ۴۲ .
قلعهٔ گلندان (دراملا) ــ ۴۱۱ .
قلعهٔ لار = قلعه کهنه ــ ۳۸۱ .
قلعهٔ لاویج (در جنگل پی‌نسا) ــ ۳۶۸ .
قلعهٔ لزربن گلیجان ــ ۵۲ .
قلعهٔ لشکرك = قلعه کوتی لشکرك ــ ۶۴ .
قلعهٔ لوندر ــ ۴۱۹ .
قلعهٔ ماران = قلعهٔ کجور ــ ۱۷۴ .
قلعهٔ مارانکوه = قلعهٔ کجور ــ ۱۷۴ .
قلعهٔ مارپیچ (دردهکدهٔ لوله‌ده) ــ ۸۱ .
قلعهٔ مارکوه (درشرق دهکدهٔ کتالم) ــ ۳۷ ــ ۳۸ ــ ۴۲ .
قلعهٔ ماهانه‌سر ــ ۴۵ .
قلعهٔ محمدعلی‌بیگ پیگان (درلارقصران) ــ ۳۸۰ .
قلعهٔ مور (برقلهٔ کوهی به‌نام قلاسر) ــ ۱۸۵ .
قلعهٔ ناجو ــ ۵۹ .
قلعهٔ نارجو = قلعهٔ ناجو ــ ۲۵۴ ــ ۲۵۵ .
قلعه‌نو (درلار) ــ ۳۸۰ .
قلعهٔ نور = قلعهٔ پولاد ــ ۵۹ ــ ۲۹۵ ــ ۳۷۲ ــ ۳۸۱ .
قلعهٔ نین (دردهکدهٔ سمای پنجك‌رستاق) ــ ۲۲۵ .
قلعهٔ ورگام‌چال ــ ۸۹ .
قلعهٔ ولج = قلعهٔ ولیج (درکجور) ــ ۵۹.
قلعهٔ ولیج (میان راه کجور به کدیر) = قلعهٔ ولج ــ ۱۷۷ .

قلعهٔ ولیگ‌بن = قلعهٔولج ــ ۱۷۷ .
قلعهٔهرسی (در کلاردشت) ــ ۱۳۵ .
قلعهٔهرسین = قلعهٔهرسی ــ ۱۳۵ .
قلعهٔهمت‌آباد (درجنگل همت‌آباد) ــ ۳۵۷ .
قلهٔ آزادکوه ــ ۲۵۵ ــ ۲۵۶ .
قلهٔترکه‌سر ــ ۱۱۰ .
قلهٔ چله‌خانه ــ ۲۵۵ .
قلهٔ داغ‌کوه (ازکوههای نشتای‌تنکابن) ــ ۸۰ .
قلهٔسواته‌کوه ــ ۲ .
قلهٔشاپورسی ــ ۳۷۶ .
قلهٔ کندوان ــ ۱۶۱ .
قلیاف (ازخاندانهای ساکن دهکدهٔدلا) ــ ٤٦۳ .
قم ــ ۳۷۸ .
قنبرعلی‌بن محمدکاظم نوری ــ ۱۵۱ .
قوام‌الدین‌بن شمس‌الدین بنا ــ ۲۱۷ ــ ۲۱۹ .
قوام‌الدین‌مرعشی ــ ۱۶ ــ ۱۷ ــ ۱۱۳ ــ ۱۱٤ .
قومس ــ ۷ ــ ۱۱ .
قوی‌اوصالو (حاکم تنکابن) ــ ۲۲ .
قوی اوصالو (=قوی حصارلو) ، (از خاندانهای ساکن تنکابن) ــ ۲۲ .
قوی حصارلو = قوی‌اوصالو ــ ۱٤ .
قهوه‌خانهٔ بارگاه ــ ٤۳ .
قهوه‌خانهٔ بایجان ــ ٤٥٤ .
قهوه‌خانهٔ پنجو ــ ٤٦۱ .
قهوخانهٔ دزبن ــ ۱۵۰ .
قهوخانهٔ رمضان ــ ۷۰ ــ ۷۱ .
قهوه‌خانهٔ قلابن ــ ٤٥۹ .
قهوه‌خانهٔ کمربن ــ ۲٤۷ .
قهوه‌خانهٔ گزل‌دره (درلارقصران) ــ ۳۹۰ .
قهوه‌خانهٔ نو (درگردنهٔقوچك) ــ ۲۱٦ .
قهوه‌خانهٔ نهررودبار ــ ۱۷٦ .
قهوه‌خانهٔ ولی ــ ۷۱ .

ك

کارخانهٔ چای‌بلده (= خرم‌آباد) ــ ٦٤ .
کارخانهٔ قند (=کلیه) ــ ۳۲۹ .
کاردگرمحله (در ناتل‌رستاق نور) ــ ۳٥۳ .
کاردگرمحله (ازدهکده‌های خرم‌آباد) ــ ٦٦ .
کارو = کهرود از دهکده‌های دیلارستاق) ــ ٤٦٥ .
کاروانسرای اوزبنه ــ ۳۹۵ .
کاروانسرای بالای‌قلعه = کاروانسرای سرقلهٔ کندوان ــ ۱٥٤ ــ ۱٦۱ .
کاروانسرای بستك (درلارقصران) ــ ۳۷۸ ــ ۳۸۱ ــ ۳۸۲ .
کاروانسرای پای‌کندوان ــ ۱٥٤ ــ ۱٦۱ ــ ۲٤۷ .
کاروانسرای پایین‌گردنهٔ امامزاده هاشم = گمبوج نعل‌شکن ــ ٤۰٤ .
کاروانسرای حوالی‌پل (درپلور) = رباط شاه‌عباسی ــ ٤۰٤ .
کاروانسرای دشت‌موشا ــ ۳۹٦ .
کاروانسرای سرخاك (درلارقصران) ــ ۳۷۸ .
کاروانسرای سرکتل امامزاده‌هاشم ــ ۳۹۵ ــ ۳۹٦ ــ ۳۹۷ .

کاروانسرای سفیدآب (درلارقصران) — ۳۷۸ — ۳۸۰ .
کاروانسرای شاه‌عباسی = کاروانسرای سرکتل امامزاده هاشم — ۳۹۷ .
کاروانسرای علی‌قلی‌خان امیراسعد — ۷۸ .
کاروانسرای قدیمی خرم‌آباد — ۶۳ .
کاروانسرای قدیمی (دردهکدهٔ یالو) — ۲۸۷ .
کاروانسرای پامنار — ۲۸۷ .
کاسه‌گرمحله (سامان تنکابن) — ۲۶ .
کاسه‌گرمحله (از دهکده‌های کالج کجور) — ۲۴۱ — ۴۹۰ .
کاشان — ۱۲۷ .
کاظم‌رود (از رودهای تنکابن) — ۲۱ .
کاظم‌نجارجزنی [کربلائی . . .] — ۳۴۰ .
کافرقلعه (در لارقصران) — ۳۸۲ .
کافرکلی‌آنه‌منون — ۴۱۶ .
کافرکلی‌اسك — ۴۱۵ .
کافرکلی‌انهه — ۴۱۶ .
کافرکلی‌تنگه‌سرده (بالای‌اسك) — ۴۱۶ .
کافرکلیهای بالالاریجان — ۳۶۳ .
کافرکلیهای‌مون — ۴۱۶ .
کاکوحسام — ۳۷۲ .
کالپوش — ۱۳ .
کالج (ازنواحی گلندرود کجور) — ۱۶۶ — ۱۸۳ — ۲۲۷ — ۲۲۸ — ۲۴۱ .
کالچه‌رود — ۲۳۶ .
کانی (ازنواحی کجور) — ۲۲۶ .
کاوس — ۸۶ .
کاوس‌بن کیابیستون‌سل — ۲۲۰ .
کاوس‌بن کیومرس — ۱۶ .
کاوس‌بن کیومرس‌بن بیستون — ۲۸۸ — ۳۰۱ .
کاوس‌بن ملك‌جهانگیر — ۳۷۲ — ۳۷۳ .
کاوهٔ‌آهنگر — ۱۵ .
کاه‌رود = کهرود — ۳۹۹ .
کبریا خاتون بنت‌استادعلی‌خان ملقب به سیف — ۳۶۲ .
کبودکلایه (ازدهکده‌های خرم‌آباد) — ۵۶ .
کبیره (شهری مقابل‌چالوس) — ۱۰۲ — ۱۰۶ .
کتاب‌الافاده (ازکتب‌المؤیدبالله) — ۸٤ .
کتاب‌البلغه (از کتب‌المؤیدبالله) — ۸٤ .
کتاب‌التجرید (از کتب‌المؤیدبالله) — ۸٤ .
کتابخانهٔ ملی — ۳۷۹ .
کتاب‌الشرح (ازکتب‌المؤیوبالله) — ۸٤ .
کتاب‌النصره (از کتب‌المؤیدبالله) — ۸٤ .
کتالم [دهکدهٔ . . .] — ۳۷ — ۳۸ .
کتل‌امامزاده‌هاشم = بژم‌موشا = گردنهٔ امامزاده هاشم — ۳۹٤ — ۳۹٦ — ۳۹۷ — ۳۹۹ — ٤۰۱ .
کنور — ۱۲۵ .
کتیبه‌ای برسنگ‌برکنار چشمهٔ‌انکمار — ٤۱۱ .
کتیبه‌ای میان زیار و لاسم — ٤۰۷ .
کجو = کجور — ۱٦٦ .
کجور — ۲۵ — ۵۹ — ۱۰۲ — ۱۱۱ — ۱۱۳ — ۱۳۵ — ۱٦۳ — ۱٦٤ —

۱۶۵ ــ ۱۶۶ ــ ۱۶۷ ــ ۱۶۸ ــ ۱۶۹ ــ ۱۷۰ ــ ۱۷۱ ــ ۱۷۵ ــ ۱۷۶ ــ ۱۷۷ ــ ۱۷۹ ــ ۲۲۸ ــ ۲۳۶ ــ ۳۲۷ ــ ۳۵۹ ــ ۳۷۲ ــ ۴۲۰ .
کجورستاق ــ ۲۰۴ ــ ۲۰۵ .
کجه (= شهر کجور) ــ ۱۱ ــ ۱۰۶ .
کجه‌ناخن (از دهکده‌های کوهستانی نشتا) ــ ۸۰ .
کچانك (دهکده‌ای در گلیجان تنکابن) ــ ۴۶ .
کچرستاق = کچه‌رستاق (ازنواحی دشت کجور) ــ ۱۶۶ ــ ۲۲۸ .
کچرود = کچه‌رود (از نواحی دشت کجور) ــ ۲۲۷ ــ ۳۲۷ .
کچل‌ده (درمیانرود سفلای‌نور) ــ ۳۴۷ .
کچه‌رستاق کجور ــ ۴۹۰ .
کچه‌رود [رودخانهٔ . . .] ــ ۲۲۸ .
کدو = مرتع کدو ــ ۲۳۶ .
کدیر ــ ۱۷۷ ــ ۱۸۴ ــ ۲۳۶ ــ ۲۳۷ .
کدیرسر ــ ۱۷۷ .
کرات‌کوتی (از دهکده‌های گلیجان) ــ ۴۸ .
کراجو = کورجو ــ ۶۶ .
کراچی (ازخاندانهای ساکن‌مازندران) ــ ۱۴ .
کراکه‌رود (از رودهای تنکابن) ــ ۲۴ .
کران (از نواحی‌دشت کجور) ــ ۱۶۵ ــ ۲۲۷ ــ ۲۲۹ ــ ۲۳۰ .
کرخت‌محله (ازدهکده‌های‌تنکابن) ــ ۲۴.
کردآباد (در ناتل‌رستاق) ــ ۳۵۷ .
کردخیل (ازدهکده‌های کلارستاق) ــ ۱۱۵.
کردستان ــ ۱۷۸ .
کردشت (موضعی برسرراه زوات به کلاردشت) ــ ۱۰۸ .
کردکوی گرگان ــ ۴۱۷ .
کرد محله (از محلات رینه) ــ ۴۱۷ .
کردمحله (در کلاردشت) ــ ۱۳۴ .
کردها ــ ۱۳ .
کردیچال (ازدهکده‌های کلاردشت) ــ ۱۲۷ .
کرزل (ازدهکده‌های نشتای تنکابن) ــ ۸۰ .
کرسنگ (سرراه هراز) ــ ۴۰۱ .
کرسی (ازدهکده‌های تترستان‌نور) ــ ۲۴۳ ــ ۳۱۶ .
کرف (از دهکده‌های دلارستاق) ــ ۴۶۳ ــ ۴۶۵ .
کرگاس (ازدهکده‌های لنگا) ــ ۸۹ .
کرمان ــ ۲۷۱ ــ ۳۲۹ .
کریم‌آباد (از دهکده‌های کلارستاق) ــ ۱۰۹ .
کریم‌خان‌زند ــ ۲۲ ــ ۱۲۷ .
کریم صدیق‌بهزادی ــ ۲۸۸ .
کریم‌محله (ازمحلات رینه) ــ ۴۷۱ ــ ۴۱۸ .
کشتارگاه آب‌گرم ــ ۳۹۸ .
کشکرت کوه سخت‌سر ــ ۳۴ .
کشکلستان (از دهکده‌های تنکابن) ــ ۶۴ ــ ۶۵ ــ ۶۶ ــ ۹۸ .
کشورشوروی ــ ۱۲۹ .
کفا (ازدهکده‌های نمارستاق) ــ ۴۸۱ .
کفشگر (ازطوایف ساکن آمل) ــ ۴۱۷ .
کفشگرمحله (از محلات رینه) ــ ۴۱۷ .

کلک‌نشین (از ییلاقهای لنگا) ــ ۸۹ .
کلا (از دهکده‌های میانرود بالای‌نور) ــ ۳۰۱ ــ ۳۰۹ .
کلا (= کلار) ، (از شهرهای ساحلی) ــ ۱۰ .
کلاچان (ازدهکده‌های‌دشت کلارستاق) ــ ۱۰۹ .
کلار (مرکز کلارستاق قدیم) ــ ۵۹ ــ ۱۱۲ ــ ۱۲٦ ــ ۱۳۰ ــ ۱٦۳ ــ ۱٦٤ .
کلارآباد (ازدهکده‌های لنگا) ــ ۹٦ ــ ۱۰۹ .
کلاردشت ــ ۹ ــ ۱۳ ــ ۱۰۱ ــ ۱۰۹ ــ ۱۲٤ ــ ۱۲٦ ــ ۱۲۷ ــ ۱۲۸ ــ ۱۳۰ ــ ۱۳۱ ــ ۱۳۲ ــ ۱۳۵ ــ ۱۳٦ ــ ۱۳۷ ــ ۱٥٤ ــ ۱٥٥ ــ ۱٦٥ .
کلاررودبار (از رودهای تنکابن) ــ ۲٤ .
کلارزمین ــ ۱۷٦ .
کلارستاق ــ ۲٥ ــ ۲٦ ــ ۱۰۱ ــ ۱۰۳ ــ ۱۱۸ ــ ۱۱۹ ــ ۱۲۳ ــ ۱۲٤ ــ ۱۲٦ ــ ۱۳۰ ــ ۱۳۱ ــ ۱۳۲ ــ ۱۳٤ ــ ۱۳٥ ــ ۱٥٦ ــ ۱٦٥ ــ ۳۳۰ .
کلام‌گافه (از دهکده‌های تنکابن) ــ ۹۸ .
کلانتریه (از طوایف ساکن تنکابن) ــ ۲۲ .
کلاه‌ظل‌السلطانی ــ ٤۰۷ .
کلاه‌فرنگی = ناهارخوران (کوهی بر سرراه ناصری نزدیك ولی‌آباد) ــ ۱٥٤ .
کلاه فرنگی (در علی‌آباد لاریجان) ــ ٤٦۱ .
کلباد (برساحل رودکرند) ــ ۹ .
کلت ــ ۱۳ .
کلرد (برسرراه هراز) ــ ٤۰۱ .
کلرودپی (از نواحی‌دشت کجور) ــ ۱٦٥ ــ ۲۲۷ ــ ۲۲۸ .
کلری (از دهکـــده‌های نمارستاق) ــ ٤۸۱ .
کلك‌چال ــ ۱٥٤ .
کلمه (در کلاردشت) ــ ۱۳٥ ــ ۱۳٦ .
کلونگاه (از دهکده‌های‌نور) ــ ۲٤۳ ــ ۲٤۸ .
کله‌کت ــ ۱۲٥ .
کلی (بکسرکاف و تشدیدلام) ــ ۱٥٤ .
کلیشم (از دهکده‌های دوهزار) ــ ۷۱ ــ ۷۳ ــ ۷٥ .
کلیك (از دهکده‌های نور) ــ ۲٤٤ ــ ۲۷٥ ــ ۲۹۰ ــ ۳۰۲ .
کلیمی ــ ۱٤ .
کمال‌بن سیاوش بازیارانگروج ــ ۲٦۸ .
کمال‌الدین انگریج ــ ۳۲۲ .
کمال‌الدین‌بن میراقوام‌الدین مرعشی ــ ٤۸ .
کمال سرخاب ــ ٤٦۹ .
کمال‌صوفی [استاد . . .] ــ ۳۲۰ .
کمانگر (از خاندانهای ساکن درایوای نور) ــ ۳۱۱ .
کمر (از دهکده‌های کمررود نور) ــ ۲۷۷ ــ ۲۷۸ ــ ۲۸۱ .
کمربن (از دهکده‌های نور) ــ ۲۲۱ ــ

۲۴۳ ــ ۲٤٥ .
کمررودنور ــ ۲۷۵ ــ ۲۷۷ ــ ۲۸۱ ــ ۲۸۳ .
کنارانگام = کنارکام ــ ٤۲٤ .
کنارکام = کنارانگام = کنارانجام (از دهکده‌های بالالاریجان) ــ ۳۹۲ .
کندسر ــ (ازدهکده‌های تنکابن) ــ ۲٤ .
کندلوس (ازدهکده‌های‌زانوس‌رستاق) ــ ۲۱٤ ــ ۲۱۵ ــ ۲۱٦ .
کندلی (دربالالاریجان) ــ ۳۹۲ .
کندوان ــ ۱٥٤ .
کندوسر (از نواحی پنجك‌رستاق) ــ ۲۲٦ .
کنس (نزدیك‌ونوشده‌ده) ــ ۱۸۵ ــ ۲۳٤ .
کنس‌پا (در میانرودپائین‌نور) ــ ۳۱۲ ــ ۳٦۷ .
کنس‌دره (از دهکده‌های کوهستان غربی) ــ ۱۰۲ .
کنسان ــ ۱۷۵ .
کنیزك دمرد ــ ۱۰۹ .
کوتل‌کچسر = گردنهٔ‌کندوان ــ ۱۵۹ .
کوتی‌بازار بندبن ــ ۹۸ .
کوچسفهان ــ ۵۹ .
کوچکی‌دره (نزدیك الیت) ــ ۱٤۸ .
کوچهٔ‌گلشن (از کوچه‌های آخوندمحلهٔ رامسر) ــ ۳۱ .
کورجو = کراجو .
کورشید ــ ۱۱۲ .
کورکوره‌سر (در دشت‌کجور) ــ ۱۱٦ .
کوس‌محله (از دهکده‌های‌میانرودنور) ــ ۲۹۹ .
کوشك‌سرا = کوشکه‌سرا (برسرراه شاه‌عباسی در دشت‌کجور) ــ ۱۰۹ ــ ۱۱٦ .
کوفه ــ ۱۳ .
کوکو (موضعی در کلارستاق) ــ ۱٤۳ .
کولی (از تیره‌های‌ساکن درمازندران) ــ ۱٤ .
کوه‌آزادبر ــ ۱۵۹ .
کوه ادا ــ ٤۵۳ .
کوه الرم ــ ۳۷۷ .
کوه‌انگمار ــ ٤۱۱ .
کوه ایل‌ملی (در رامسر) ــ ۲۹ .
کوهپر (از نواحی‌کجور) ــ ۱٦۵ ــ ۱٦۹ ــ ۲۲٦ .
کوه‌پلك (شمال‌آبادی یالو) ــ ۲۹۰ .
کوه‌پهنك ــ ۳۷۷ ــ ۳۸۳ .
کوه‌توچال شمیران ــ ۱۵۸ .
کوه جودی ــ ۳۷۷ .
کوه خرسنگ ــ ۳۷۷ .
کوه خشك‌رود ــ ۳۸۲ .
کوه‌دماوند = دماوندکوه ــ ۱۵۹ .
کوه‌زردك ــ ۱٤۵ ــ ۱۵۰ .
کوه رستم‌زنی (از کوههای فیروزکلای بالا) ــ ۱۸۳ .
کوه سبحان‌الله ــ ۳۰۹ .
کوهستان دیلم ــ ۱۰۲ .
کوهستان روینج ــ ۱۱ .
کوهستان شرقی کلارستاق ــ ۱۰۱ ــ ۱٤۳ .
کوهستان شروین‌بن سرخاب = جبال شروین ــ ۱۰ ــ ۱۱ ــ ۱۲ .

کوهستان غربی کلارستاق ــ ۱۰۱ ــ ۱۴۳ .
کوهستان فادوسبان (یک‌روزه راه‌از ساری) ــ ۱۱ ــ ۱۲ .
کوهستان‌قارن ــ ۱۱ ــ ۱۲ ــ ۱۵ .
کوهستان کجور (از نواحی‌رویان) ــ ۱۶۵ ــ ۲۲۶ .
کوهستان کلارستاق ــ ۱۰۱ ــ ۱۴۳ ــ ۱۴۵ ــ ۱۴۶ ــ ۱۴۸ ــ ۱۵۱ .
کوهستان مازندران ــ ۹ .
کوهستان‌نور ــ ۱۶۵ ــ ۲۴۳ ــ ۲۴۴ ــ ۲۴۵ ــ ۲۷۵ ــ ۲۸۷ ــ ۳۱۶ .
کوهستان وندا امید ــ ۱۲ .
کوهستانونداسنجان‌بن الندابن قارن ــ ۱۰ .
کوهستان ونداهرمز ــ ۱۰ .
کوه سفیداب ــ ۳۸۰ .
کوه‌سنگ‌سرك (در بیرون بشم) ــ ۱۲۴ .
کوه‌سوردار ــ ۳۲۸ ــ ۳۳۰ ــ ۳۵۹ ــ ۳۶۴ ــ ۳۶۵ .
کوه شاهزاده ــ ۱۵۹ .
کوه‌شاه‌نشین ــ ۱۳۷ .
کوه شمیران = کوه‌توچال شمیران ــ ۱۵۹ .
کوه علمدار ــ ۳۷۴ .
کوه فولادچشمه ــ ۳۸۲ .
کوه‌قلعه‌نو (در لارقصران) ــ ۳۸۰ .
کوه‌کاروان (شمال اسك) ــ ۴۱۵ .
کوه کاسونه ــ ۳۷۷ .
کوه کجور ــ ۳۲۸ ــ ۳۲۹ .
کوه کهو (= گردنهٔ کبود) ــ ۲۹۰ .
کوه گلپیر ــ ۳۰۰ .
کوه‌نشینان ــ ۸ .
کوه‌وژه (درجوردی) ــ ۴۳ .
کوههای اطراف‌لار ــ ۳۸۵ .
کوههای‌امامه ــ ۳۷۷ .
کوههای پیمد ــ ۳۲۸ ــ ۳۳۰ .
کوههای‌توچال = کوه توچال شمیران = کوه شمیران ــ ۱۶۵ .
کوههای روبنج (=رویان) ــ ۱۶۳ .
کوههای ری ــ ۱۶۴ .
کوههای شمالی تترستاق ــ ۳۲۶ .
کوههای طبرستان ــ ۱۶۳ .
کوههای گرمابدر ــ ۳۷۷ .
کوههای لار ــ ۳۳۰ .
کوههای لاریجان ــ ۳۳۰ .
کوههای لاویج ــ ۳۲۸ ــ ۳۳۰ .
کوههای لش‌کنار ــ ۳۲۸ ــ ۳۳۰ .
کهرود = رباط ــ ۴۶۳ ــ ۴۷۸ ــ ۴۷۹ .
کهنك‌لاشك (گاوسرائی در اراضی لاشك) ــ ۲۱۴ .
کهنه چلندر ــ ۲۳۲ .
کهنه‌دوك ــ ۳۷۳ .
کیائیان جلالی (درساری) ــ ۱۶ .
کیائیان چلاوی (درآمل و رستمداد و طالقان) ــ ۱۶ .
کیاپاشابن‌کیا یوسف‌وبلك ــ ۲۵۷ ــ ۲۵۸ .
کیاجعفرسلطان = امامزاده جعفربن امام علی‌النقی ــ ۲۶۸ .
کیاجهانبخش آرویج ــ ۲۱۷ .
کیا حسن‌کیاآرویج ــ ۲۱۷ ــ ۲۱۸ .
کیا حسن‌کیای ضماندار ــ ۴۱۹ ــ ۴۲۰ .

کیا داودبن کیا جمال‌الدین‌ویلك ــ ۲۷۰ ــ ۲۷۱ .
کیاذل‌ابن کیا شمس‌الدین‌آرویج ــ ۲۸۹ .
کیاسالار (از خاندانهای ساکن رینه) ــ ۴۱۷ .
کیاسیف آرویج ــ ۲۱۷ .
کیاسیف ولد کیاحسن کیاآرویج ــ ۲۱۷ .
کیاشاه‌حسین آرویج ــ ۲۱۷ ــ ۲۱۸ .
کیافرامرز تورج ــ ۲۱۸ .
کیامحمدکیا (سردار لشکرتنکابن) ــ ۳۷۲ ــ ۳۷۳ .
کیامشغله = گور مصقلة‌بن‌هبیرة‌الشیبانی ــ ۱۷۹ .
کیان (= کیون) (از دهکده‌های دلارستاق) ــ ۴۶۴ ــ ۴۷۸ .
کیانی (از خاندانهای ساکن‌کیان) ــ ۴۶۵ .
کیت‌گردن ــ ۱۵۰ .
کیخسرو [شاه . . .] ــ ۳۷۸ .
کیخسروبن شهراگیم ــ ۱۸٤ .
کینج (از دهکده‌های زانوس رستاق) ــ ۲۲۶ .
کیومرس = ملك‌کیومرس .
کیوس پسرکوات ــ ۱۵ .

گ

گاپشته ــ ۶۹ .
گاجره (از نواحی‌لورا) ــ ۲۱۶ .
گازرخانی (از دهکده‌های الموت) ــ ۷۱ .
گاستگرخان مهندس نمساوی ــ ۱۵٤ ــ ۱۵۷ ــ ۱۵۸ ــ ۱۵۹ ــ ۱۶۰ ــ ۱۶۷ .
گاوپل (از دهکده‌های‌خرم‌آباد) ــ ۷۰ .
گاوور (ازدهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ .
گته‌آقا ــ ۲۸۳ .
گچسر ــ ۱۵٤ ــ ۱۵۹ .
گدوك (میان دهکدهٔمران و الموت) ــ ۷۱ .
گدوك‌امامزاده‌هاشم =کتل‌امامزاده‌هاشم ــ ۴۰۰ .
گدوك‌زانوس ــ ۲۱۶ .
گدوك سلمبار ــ ۷۸ .
گرآب ــ ۹۱ .
گرامه‌جان (درکلارستاق) ــ ۱۱۵ .
گرایلیها ــ ۱۳ .
گرجی (از تیره‌های ساکن‌مازندران) ــ ۱٤ .
گرجی‌محله (از محلات‌رینه) ــ ۴۱۷ .
گرجیان (ناحیه‌ای درتنکابن) ــ ۳۸ ــ ۳۷۲ .
گروك (برسر راه‌شاه‌عباسی) ــ ۱۰۹ .
گردکتی (درفین پنجك‌رستاق) ــ ۲۲۶.
گردکوه (درجنوب یال‌بندان) ــ ۹۷ .
گردن‌سر (درمراتع دوله‌سرا) ــ ۳۷۵ .
گردنهٔافجه (= افجه‌بشم) ــ ۲۳۶ ــ ۲۸۷ .
گردنهٔالغر ــ ۱۵٤ ــ ۱۶۲ .
گردنهٔاملا (میان نوا و لاسم) ــ ۴۰۶ .
گردنهٔ انگمار ــ ۴۰۶ .
گردنهٔ بشم ــ ۱۳٤ ــ ۱۳۷ .
گردنهٔترك‌بشم ــ ۲٤۷ .
گردنهٔ چله‌خانه ــ ۲۵۵ .
گردنهٔ دیزین ــ ۲۱۶ .

گردنهٔ سرخ‌چاله (میان نج و درون) — ۴۸۱ .
گردنهٔ سفیدآب (گردنهٔ گهو = کبود) — ۲۳۶ .
گردنهٔ سنگ‌چشمه (میان کجور ونور) — ۱۷۶ .
گردنهٔ سوتك — ۲۱۶ — ۲۵۵ .
گردنهٔ سیالان (میان دوهزار و الموت) — ۷۱ .
گردنهٔ شاه‌کوه — ۱۷۵ .
گردنهٔ شاه‌نفار (=نپار) — ۱۷۵ .
گردنهٔ شلفین (= شروین) — ۱۲ .
گردنهٔ قرق — ۱۷۶ — ۲۳۶ — ۲۹۸ .
گردنهٔ قلاگردن — ۶۹ — ۷۰ .
گردنهٔ قوچك — ۲۱۶ .
گردنهٔ کندوان — ۱۲۶ — ۲۴۷ .
گردنهٔ کنگرچال — ۱۷۶ .
گردنهٔ کنگرلو — ۱۷۵ .
گردنهٔ کهو (= کبود) — ۲۸۷ .
گردنهٔ کمدگلی (میان مون‌وانهه) — ۴۲۱ .
گردنهٔ لابشم — ۲۴۷ .
گردنهٔ لیلرد — ۳۶۹ .
گردنهٔ میان‌کوه — ۱ .
گردنهٔ نازر (میان چلو هتر و نمار) — ۴۸۱ .
گردنهٔ‌هزارچم (میان‌طالقان و دوهزار) — ۷۱ .
گردنهٔ هزارچم (درراه چالوس) — ۱۵۷ .
گرسباسر [دهکدهٔ . . .] — ۳۸ — ۳۹ .
گرشاسف‌بن علی‌لونج — ۲۲۰ .
گرك‌پس (در کلاردشت) — ۱۳۴ .
گرگان = جرجان — ۵ — ۷ — ۸ — ۹ — ۱۱۱ — ۳۷۸ .
گرگ‌رود (از رودهای تنکابن) — ۲۱ .
گرگین میلاد — ۳۷۸ .
گرماب — ۱۵۴ .
گرمابك (دربیرون بشم‌کلارستاق) — ۱۱۹ .
گرمابدر (سر راه‌قدیم بالااریجان) — ۴۰۱ .
گرماب‌سر (دربالااریجان) — ۳۹۲ .
گرمرود (از دهکده‌های تنکابن) — ۲۵ .
گرم‌رودبار = الاملی‌اوئی‌دم — ۱۵۴ .
گرم‌کش — ۱۵۴ .
گرنا (دربالااریجان) ۳۹۲ — ۳۹۸ — ۴۳۲ — ۴۳۳ .
گروس — ۱۳ — ۱۸۷ .
گزارشهای باستان‌شناسی — ۱۴۲ .
گزانه (= گزونه) (در بالااریجان) — ۳۹۲ — ۳۹۸ .
گزناسرا (از دهکده‌های کوهستانی نائیج) = گزناسره — ۳۲۷ — ۳۶۹ — ۳۷۶ .
گزناگله — ۱۵۴ .
گزنك (در بالااریجان) — ۳۹۲ — ۴۰۱ — ۴۳۵ .
گستهم‌بن زیار — ۴۴۰ .
گشنسب — ۱۴ .
گلابی‌خانم صبیهٔ میرزارضاقلی — ۴۲۶ .
گلبابا [مشهدی . . .] — ۴۶۷ .
گل‌باغ = جنگل گل‌باغ — ۳۵۷ .
گل‌بخشان (ازاراضی سراس = سراسب) — ۲۸۴ .

گلردی‌انند ــ ۱۵٤ .
گلستان‌محله (در دوهزار) ــ ۷۵ .
گل‌کیله ــ ۱۵٤ .
گل‌گیرون (سرراه شاه‌عباسی) ــ ۳۹۸ .
گلندرود ــ ۱٦٦ ــ ۱۸۳ ــ ۳۲٦ ــ ۳٦٦ .
گلوگاه ــ ۱٤ .
گلیج (ازخاندانهای ساکن‌تنکابن) ــ ۲۲ .
گلیجان (از بخشهای تنکابن) ــ ۲۲ ــ ٤٤ ــ ٤٥ ــ ٤٦ ــ ٤۷ ــ ٤۸ ــ ٤۹ ــ ۵۰ ــ ۵۱ ــ ۵۲ ــ ۸۱ .
گلیجان (مرکزبخش گلیجان) ــ ۹۸ .
گمبوج = کمبوج نعل‌شکن ــ ۳۹٦ ــ ۳۹۹ ــ ٤۰۰ .
گمبوج پیرعلی ــ ۳۹۷ .
گمبوج راه‌لاسم به‌نوا ــ ٤۱۲ .
گمبوج نعل‌شکن = گمبوج ــ ۳۹۷ .
گنبدپولادتنگه ــ ۲۹۷ .
گنبددوش (درکلاردشت) ۱۳٦ .
گنبد مرتع کلین‌دره ــ ۲۹۸ .
گنج‌کول ــ ۳۷۵ .
گنجه‌رود (از دهکده‌های لنگا) ــ ۹۰ .
گنجینهٔ کلاردشت ــ ۱٤۱ ــ ۱٤۲ .
گوخسون ــ ۱۵٤ .
گودد (از تیره‌های ساکن‌مازندران) ــ ۱٤ .
گودرز ــ ۳۷۸ .
گودرز (نویسندهٔ کتیبهٔ درورودی درویش رستم) ۲۲۳ .
گوربکربن عبدالعزیزبن ابی‌دلف‌عجلی ــ ۳۵۹ .
گورستان (تپه‌ای دردهکدهٔ کمرمرکــز قبورسلاطین استندارنور) ــ ۲۷۷ ــ ۲۷۸ .
گورستان ازیرك (دردهکدهٔ کندلــوس کجور) ــ ۲۱۵ .
گورستان امامــزاده قوام‌الدین‌بن سیــد جلال‌الدین ــ ٤۰۵ .
گورستان بلدهٔنور ــ ۳۱۵ .
گورستان تپشیلك کاشان ــ ۱۲۷ .
گورستان دروش‌کر (دراراضی کندلوس کجور) ــ ۲۱۵ .
گورستان دزدك (نزدیك بلدهٔنــور) ــ ۳۱۵ .
گورستان دهکدهٔ کمربن ــ ۲٤٦ .
گورستان دهکــدهٔ گویتــر بیرون بشــم کلارستاق ــ ۳٦۱.
گورستان سلاطین استندار = گورستان ــ ۲۷۷ .
گورستان فیروزکلای کجور ــ ۳٦۱ .
گورستان قدیمی اراضی بــردك‌رزن ــ ۳۲۵ .
گورستان قدیمی اراضی‌مازی‌گاسر ــ ۹۵ .
گورستان قدیمی اراضــی‌ون‌زانوس ــ ۲۲۲ .
گورستان قدیمی اریه (نزدیك‌دهکدهٔ لاك تراشان) ــ ۵۱ .
گورستان قدیمی اطاق‌سره ــ ۱۳۷ .
گورستان قدیمی امامزاده‌سیدحسیــن در جنگل‌سازیك ــ ۳٤۰ .
گورستان قدیمی بربالای کوه گلپیر ــ ۳۰۰ .
گورستان قدیمی برسرتیــرهٔجیزچال ــ

۱۱۰ .
گورستان قدیمی برسر راه کلونگاه ــ ۲٤۸ .
گورستان قدیمی پای کوه‌قلعهٔ دارگوش ــ ۳٦۳ .
گورستان قدیمی پلزغال کجور ــ ۲۲٦ .
گورستان قدیمی تپهٔسرکش‌پلور ــ ٤۰۵ .
گورستان قدیمی جنگل‌مشعل ــ ۱۱۵ .
گورستان‌قدیمی جنگل‌مشعل‌مازو ــ ۱۱۵.
گورستان قدیمی حسنات (دربیلاق‌نشتا) ــ ۸۰ .
گورستان قدیمی خشاك سرای‌سرولات ــ ٤۲ .
گورستان قدیمی خشك‌رود ــ ۵۲ .
گورستان قدیمی دربیلاق‌شونا ــ ٤٤٦ .
گورستان قدیمی دهشهر ــ ۱٦۲ .
گورستان قدیمی دهکدهٔپیل‌اوزرود ــ ۲۵۰ .
گورستان قدیمی دهکدهٔتویر ــ ۱٦۲ .
گورستان قدیمی‌دهکدهٔجئر کلاك ــ ۲۵٤ .
گورستان قدیمی دهکدهٔ جورکلاك ــ ۲۵۳ .
گورستان قدیمی دهکدهٔ دیمرون ــ ۵۲ .
گورستان قدیمی دهکدهٔ سلیمان‌آباد ــ ۵۰ .
گورستان قدیمی دهکدهٔ شهرسر تنکابن ــ ٦۷ .
گورستان قدیمی دهکدهٔگزنك ــ ٤۳۵ .
گورستان قدیمی دهکدهٔ لاك‌تراشان ــ ۵۲ .
گورستان قدیمی دهکدهٔمیناك‌نور ــ ۲۵۱ .
گورستان قدیمی دهکدهٔ نسن ــ ۲٤۸ .
گورستان قدیمی دهکدهٔوازك = هفتادتن= ۳٦٦ .
گورستان قدیمی دهکدهٔ ورزن‌یالورود ــ ۲۸۸ .
گورستان قدیمی سربالان سه‌هزار ــ ۷۸ .
گورستان قدیمی کك‌نشین ــ ۸۹ .
گورستان قدیمی کهنك‌لاشك کجور ــ ۲۱٤ .
گورستان قدیمی گرمابك ــ ۱۱۹ .
گورستان قدیمی لپاسرجوردی ــ ٤۳ .
گورستان قدیمی مرتع ارن وساتره ــ ۱٦۲ .
گورستان قدیمی مرتع‌الرم (در لارقصران) ــ ۳۹۰ .
گورستان قدیمی مرتع‌پرچو ــ ٤۰ .
گورستان قدیمی مرتع کلبسرا ــ ۸۸ .
گورستان قدیمی میانده سخت‌سر ــ ٤۲ .
گورستان قدیمی میان‌ففره‌واشر ــ ۲٤٦ .
گورستان قدیمی‌ناتل ــ ۳۵٤ .
گورستان کنونی نسن ــ ۲٤۹ .
گورستان گبری‌بهین‌کوه ــ ٤۰۷ .
گورستان گبری‌پای‌کوه‌وژه ــ ٤۳ .
گورستان گبری‌خرابه‌خونه‌سر ــ ٤۰۷ .
گورستان‌گبری زیورکوه ــ ٤۰۷ .
گورستان گبری مرتع‌اژدلم سرراه رامسر به جوردی ــ ٤۳ .
گورستان گبری میانرود (درزیار) ــ ٤۰۷ .
گورستان لارابسر (دردهکدهٔورزن) ــ ۲۸۸ .
گورستان‌میان‌فتح‌آباد و نظیرباغ ــ ۲۹۰.
گورستان وراو (در دهکده کندلوس

کجور) ــ ۲۱۵ .
گورعمربن العلا (درسعیداباد رویان) ــ ۱۴۳ .
گورکیا اسکندرچلاوی ــ ٤٥ .
گورمصقلةبن هبیرةالشیبانی = کیامشغله ــ ۱۷۸ ــ ۱۷۹ .
گوری‌قدیمی‌درگورستان‌دهکدهٔمیانرود ــ ٦۳ .
گوسر (از خاندانهای ساکن دیـلا) ــ ٤٦۳ .
گوسن‌سنگ (برسرراه‌شاه‌عباسی)ــ ۱۰۹ .
گوکلان ــ ۱٤ .
گـویتر (از دهکـده‌هــای بیرون‌بشم کـلارستاق) ــ ۱۲۳ ــ ۱۸۱ ــ ۳٦۳ .
گیل ــ ۸٤ ــ ۱۱۱ ــ ۱۲٦ .
گیلاس‌کیا (= گیلاس) ــ ۳۹۲ .
گیلان ــ ۷ ــ ۹ ــ ۱۵ ــ ۲۰ ــ ۲۲ ــ ۲٤ ــ ۲۵ ــ ۳۲ ــ ۸٦ ــ ۱۰۵ ــ ۱٦٤ .
گیلاناباد ــ ۱٦٤ .
گیلانات = گیلان ــ ۱۰۵ .
گیلانیها ــ ۱۲ .
گیلردك (ازمراتع لارقصران) ــ ۳۷۸ .
گیل‌گاوباره ــ ۱۵ .
گیله‌کلا ــ ۱۱۰ .
گیو ــ ۳۷۸ .

ل

لات (از دهکده‌های تنکابن) ــ ٤۱ .
لات‌خانیان ــ ۷۱ .
لات سه‌هزار ــ ۷۱ .
لات‌محلهٔ رامسر ــ ۳۰ .
لاچال (برسرراه کمربن به‌نسن) ــ ۲٤۷ .
لار ــ ۹ .
لارابسر ــ ۲۷٤ .
لاراوسر ــ ۱۱۵ ــ ۱۱۷ .
لاراوسرك (برسر راه‌شاه‌عباسی) ــ ۱۰۹ .
لارفارس (= لارستان) ــ ۳۷۸ ــ ٤۱۸ .
لاررستمدار = لارقصـران ــ ۳۷۸ ــ ۳۷۹ ــ ۳۸۱ ــ ۳۸٦ ــ ۳۹۳ .
لارجان = لاریجان ــ ۱٦ ــ ۳۹۲ ــ ٤۱۹ ــ ٤۵۲ .
لارجانی ــ ٤۱۹ .
لاررود = رودخانهٔلار = آب‌لار ــ ٤۰٤ .
لارقصران =لاررستمدارــ ۱٦۵ ــ ۲۳٦ ــ ۲۹۰ ــ ۳۷۷ ــ ۳۸۰ ــ ۳۹۲ ــ ۳۹۳ ــ ٤۱۷ .
لاریجان = لارجان ــ ۳۷۷ ــ ۳۹۲ ــ ۳۹۳ ــ ٤٤۰ ــ ٤٤۱ .
لاسم (از دهکده‌های بالالاریجان) ــ ۳۹۲ ــ ۳۹۳ ــ ٤۰٦ ــ ٤۰۸ ــ ٤۱۰ ــ ٤۱۱ ــ ٤۸۲ .
لاشك (از دهکده‌های کجور) ــ ۱۷۱ ــ ۱۷۵ ــ ۲۰۹ ــ ۲۱۳ .
لاغرزمین (سرراه سه‌هزار) ــ ٤۰۱ .
لاك‌تراشان (ازدهکده‌های‌تنکابن) ــ ۱ ــ ۵۱ .
لاویج ــ ۳۲٦ ــ ۳۲۷ ــ ۳٦۸ .
لاویج‌رود ــ ۳۳۸ .
لاویجه‌رود = لاویج‌رود ــ ۳۵۱ .
لاهجان ــ ۵۹ .
لاهو (از دهکــده‌های کلاردشت) ــ ۱۳۰ ــ ۱۳۱ ــ ۱۳٤ .

لبیا بنت یعقوب ــ ۸۷ .
لپاسر (از دهکده‌های تنکابن) ــ ۴۶ .
لپاسر (سرراه جوردی به قزوین) ــ ۴۰ .
لتاك (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ۶۹ ــ ۷۰ .
لته‌بند (از مراتع لارقصران) ــ ۳۷۸ .
لجینی (موضعی بر سرراه زوات به کلاردشت) ــ ۱۰۹ .
لرستان ــ ۱۳ .
لرگ (در کلاردشت) ــ ۱۳۴ .
لرگ‌چشمه (برسرراه سنگ‌فرش ناتل) ــ ۳۵۷ .
لزورك = لزیرك (در بالالاریجان) ــ ۳۹۲ ــ ۳۹۸ .
لزیر (از دهکده‌های میان‌بندنور) ــ ۳۶۶ .
لزیر (از کشتزارهای دلیر) ــ ۱۴۵ .
لسی‌یشت (از دهکده‌های نائیج) ــ ۳۶۹ .
لشك (بفتح لام وشین) ــ ۲۱۶ .
لشکرك (از دهکده‌های رودبار قصران) ــ ۳۷۸ .
لشکرك (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ۶۴.
لشکنار (از دهکده‌های میان‌بندنور) ــ ۳۶۴ .
لطفعلی بن علی تیرگر بیرون بشمی ــ ۱۲۱ .
لطفعلیخان بیگ ابن شیخ مقصودعلی تترستاقی ــ ۳۱۸ .
لفور (یکی از چشمه‌های بابل‌رود) ــ ۱۲ ــ ۱۶ .
لك (از طوایف خواجه‌وند) ــ ۱۲۷ .
لکها ــ ۱۳ .
لگا (از دهکده‌های تنکابن) ــ ۵۱ .
لمرا (از بخشهای تنکابن) ــ ۲۲ .
لمرا (اززودهای تنکابن) ــ ۲۱ .
لمسو (ازخاندانهای ساکن درنور) ــ ۳۱۱ ــ ۳۱۲ .
لمسو (از خاندانهای گیل کلاردشت) ــ ۱۲۶ .
لنگا (از بخشهای تنکابن) ــ ۲۲ ــ ۸۳ ــ ۸۶ ــ ۸۸ ــ ۸۹ ــ ۹۰ ــ ۹۱ ــ ۹۳ ــ ۹۴ ــ ۹۵ ــ ۹۶ ــ ۹۷ .
لنگا (از دهکده‌های تنکابن) ــ ۸۴ ــ ۸۵ .
لواسان ــ ۳۷۲ ــ ۳۷۷ ــ ۳۸۳ .
لواسانیها ــ ۳۸۳ .
لوت (از دهکده‌های بهرستاق لاریجان) ــ ۴۵۹ .
لوت ــ Lovett [سرهنگ . . .] ــ ۳۳۰ .
لورا (دهکده‌های کنار سرچشمهٔ رودکرج تا دوآب شهرستانك) ــ ۱۶۵ .
لوسرکتی (میان بسطام و فیروزآباد) ــ ۲۲۶ .
لوله‌ده (از دهکده‌های نشتا) ــ ۸۱ .
لومر (سرراه قدیم بالالاریجان) ــ ۴۰۱ .
لوئی واندنبرگ ــ ۱۲۷ .
له‌برده (در مسیر راه‌شاه‌عباسی) ــ ۳۹۸.
لهر (از دهکده‌های دلارستاق) ــ ۴۶۴ ــ ۴۷۸ .
لیتکوه (= پائین خیابان + بالا خیابان) ــ ۳۲۶ .
لیره‌سر (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ۶۷ .
لیسه‌سو ــ ۲۱۷ .

لیشام دیلمی ـ ۳۵۹ .
لیگوش (از دهکده‌های توابع شهر کجور) ـ ۲۲۶ .

م

مأمون خلیفه ـ ۱۰۳ .
مؤسسهٔ کشاورزی خرم‌آباد ـ ۶۰ ـ ۶۱ .
مؤیدبالله (لقب کیاابوالحسین) ـ ۸۴ ـ ۸۵ .
مادرحسن‌بن بویه ـ ۱۰۶ .
مارکوارت ـ ۶ .
مارکوه (از کوهها و قلعه‌های تنکابن) ـ ۲۷ .
مازن‌در ـ ۶ .
مازندران = موزاندرون ـ ۵ ـ ۶ ـ ۷ ـ ۸ ـ ۹ ـ ۱۰ ـ ۱۱ ـ ۱۲ ـ ۱۳ ـ ۱۴ ـ ۱۵ ـ ۱۶ ـ ۱۷ ـ ۱۹ ـ ۲۰ ـ ۲۲ ـ ۲۳ ـ ۲٤ ـ ۳۲ ـ ۳۸ ـ ۱۲۸ ـ ۱۵۵ ـ ۲۲۱ ـ ۲۹۰ ـ ۲۹۳ ـ ۳۵۹ ـ ۳۷۳ ـ ۳۸۷ ـ ۳۹۲ ـ ۳۹۳ ـ ٤۵۳ .
مازندران غربی ـ ۱۱ ـ ۱۳ .
مازندرانیها ـ ۱۲ .
مازوبن (از دهکده‌های تنکابن) ـ ۹۸ .
مازیار پسرقارن ـ ۱۵ .
مازیارکر (رشته کوهی در جنوب غربی شونادشت) ـ ٤٤۱ ـ ٤٤٤ .
مازی‌کوتی (قلعه‌ای میان دهکده‌های تاج‌الدین کلا و ملاکلا) ـ ۲۳۸ .
مازی‌گاسر (از اراضی چارز) ـ ۹۵ .
مالاکیله (دره‌ای نزدیک‌الیت) ـ ۱٤۹ .
مالامال (برسرراه سنگ‌فرش) ـ ۳۵۷ .
مالن‌کوه = معلم‌کوه (از دهکده‌های نشتای تنکابن) ـ ۷۹ ـ ۸۰ .
مامطیر = بارفروشده = بارفروش = بابل ـ ۱۰ ـ ۱٦ .
ماهینی (از خاندانهای ساکن درامرهٔ نمارستاق) ـ ٤۸۲ .
مترز = مترس ـ ۱۳۷ .
مترس = مترز (از توابع چارز) ـ ۹۵ .
متکا (از طوایف گیل‌ساکن کلاردشت) ـ ۱۲٦ .
متنهار (از خاندانهای ساکن ناندل) ـ ٤٦٤ .
مجر (بکسر میم وجیم از دهکده‌های کلاردشت) ـ ۱۳٤ .
مجلهٔ شکار و طبیعت ـ ۲۳۲ .
مجیدآباد (دهکده‌ای در دشت‌کجور) ـ ۱۱٦ .
مجیدآباد کیله ـ ۱۱٦ .
محال ثلاثه (= تنکابن + کلارستاق + کجور) ـ ۲۵ ـ ۲۸ .
محتشم کاشانی ـ ۲۸۲ ـ ٤۳٦ .
محرم ولدکربلائی جمال بهرستاقی نوسر مسکن ـ ٤۵۸ .
محسن‌اساسی [سید . . .] ـ ٤۹۲ .
محسن‌بن کربلائی‌محمدباقر نوری ـ ۲٤۹ .
محلهٔ ایوب ـ ۸٦ .
محلهٔبازار بلدهٔنور ـ ۲۹٤ .
محلهٔ شهسواران‌تنکابن = شهسوار ـ ۵٤ .
محمد (مردی مدفون درامامزاده علی

رکن‌الدین) ــ ۳۱۲ .
محمدابراهیم بیگ کرمانی ــ ۲۷۲ .
محمدابن‌رستم (سازندهٔ دردرویش‌رستم) ــ ۲۲۳ .
محمدابوالعباس (حاکم چالوس) ــ ۱۰۳ .
محمداسماعیل‌خان نوری حکمران کرمان و بلوچستان ــ ۲۷۱ ــ ۳۲۹ .
محمدباقرعلیه‌السلام [امام . . .]ــ۱۸۹ ــ ۱۹۲ ــ ۱۹٤ ــ ۲۲٤ ــ ۳۰٦ ــ ۳۰۷ ــ ۳۲۰ ــ ۳۲٤ ــ ٤۵۸ .
محمدبن آخوندملامحمدجعفر [شیخ...]ــ ۲۵۲ .
محمدبن ابراهیم‌بن علی‌بن عبدالرحمن‌بن قاسم‌بن حسن‌بن زیدبن حسن‌بن علی‌المرتضی = محمدکیا دبیر صالحانی ــ ۱۱۲ ــ ۱۱۹ .
محمدبن استاد عباسعلی کلیج‌ساکن نوشان [استاد . . .] ــ ۹٤ .
محمدبن امام‌جعفرالصادق [سید . . .] (دردهکدهٔ گویتر) ــ ۱۲۳ ــ ۱۸۱ .
محمدبن اوس (از امرای معتصم خلیفه) ــ ۱۰۲ ــ ۱۱۲ .
محمدبن بسطامی ــ ۲٦۳ .
محمدبن بکربن علی‌بن ابی‌طالب (دربوته ده) ــ ۳٤٦ .
محمدبن حسن (اسپهبد کلار) ــ ۱۱۲ .
محمدبن حسن بن حسین‌بن طیعر ــ ٤۱۳ .
محمدبن حسن‌جیلانی [خواجه . . .] ــ ۳۰٦ .
محمدبن حسین‌بن علی ــ ۱۰٤ .
محمدبن حسین‌نجار معروف به کیاکردی ولایت‌رودی ــ ۱۹۳ .
محمدبن زیدبن اسماعیل حالب‌الحجاره (برادرکهتر حسن‌بن زید) = داعی صغیر ــ ۱۰۳ ــ ۱۱۱ ــ ۱۷۳ ــ ۳۵۹ .
محمدبن زیدبن امام‌حسن علیه‌السلام ــ ۳۲۰ ــ ۳۲۱ .
محمدبن صعلوك ــ ۱۰٤ ــ ۱۱۲ .
محمدبن عباس ــ ۱۱۳ .
محمدبن عبدالله‌صلی‌الله‌علیه‌وآله‌ ــ ۱۸۹ ــ ۹۱۲ ــ ۱۹٤ ــ ۲۱۹ ــ ۲۲٤ ــ ۲٤۹ ــ ۲۵۳ ــ ۲۵۸ ــ ۲٦۲ ــ ۲۹۱ ــ ۳۰٤ ــ ۳۰۵ ــ ۳۲۲ ــ ۳۲٤ ــ ٤۱۰ ــ ٤۵۸ ــ ٤٦۸ ــ ٤٦۹ ــ ٤۷۲ ــ ٤۹۱ .
محمدبن علی‌بن حسن‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب ــ ۱۰۵ .
محمدبن قاسم‌بن حسن‌بن زید ــ ۷۳ ــ ۸٤ .
محمدبن هارون‌بن محمدبن قاسم ــ ۷۳ ــ ۸٤ ــ ۱۱۱ .
محمدتقی [استاد . . .] ــ ۲۵۹ .
محمدتقی علیه‌السلام[امام . . .]ــ۱۹۲ــ ۱۹٤ ــ ۳۰٦ ــ ۳۰۷ ــ ۳۱۹ ــ ۳۲۳ ــ ٤۵۸ ــ ٤۷۰ .
محمدتقی مجتهد کلاگر[آقاشیخ . . .] ــ ۳۵۲ .
محمدتقی نوری [میرزا . . .] ــ ۱۲۲ .
محمدجعفرخان عرب‌بسطامی ــ ٤۲۸ .
محمدحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه [میرزا...]ــ ۱۲ ــ ۲۵ ــ ۱۱۸ ــ ۱۲٤ ــ ۱۳۰ ــ ۱۳۱ ــ ۱۳٤ ــ ۱۳٦ ــ ۱۳۸ ــ ۱۷۹ ــ ۱۸۷ ــ ۲۰۰ ــ

۳۷۹ ــ ۳۸۳ ــ ۳۹۳ ــ ۳۹۸ ــ
۴۰۱ ــ ۴۰۳ ــ ۴۰۴ ــ ۴۰۸ ــ
۴۲۰ ــ ۴۲۷ ــ ۴۳۴ .
محمدحسن‌خان معین‌اصطبل ــ ۳۱۵ .
محمدحسن وزیر [آقامیرزا . . .] ــ
۲۵۲ .
محمدحسین میرزای‌مهندس ــ ۴۵۳ .
محمدخان = امیرمکرم لاریجانی ــ
۴۳۷ ــ ۴۶۱ .
محمدخان دائی‌قوانلو (دائی آقامحمدخان
قاجار) ــ ۴۲۸ .
محمدخان گیلانی [استاد . . .] ــ ۳۲۲ .
محمد خلعت‌بری [دکتر . . .] ــ ۵۱ .
محمد خوارزمشاه [سلطان . . .] ــ ۱۵ .
محمد درزی ــ ۲۱۸ .
محمدرفیع‌ولدکربلائی‌لطیف[حاجی...]ــ
۳۱۴ .
محمدزکی‌خان خواجه‌نوری ــ ۲۹۳ .
محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ــ۱۲۵۰هـ . ق.)ــ
۲۳۳ .
محمدشاه نجار لارجانی ــ ۴۷۵ .
محمدشاه هندی ــ ۴۷۶ .
محمدشاهی (از خاندانهای ساکن‌در
رینه) ــ ۴۱۷ .
محمدشریف ولد مهرعلی [کربلائی...] ــ
۲۵۳ .
محمدشفیع [میر . . .] ــ ۴۴۹ .
محمدشفیع‌بن رفیعا ــ ۲۵۳ .
محمدشفیع مستوفی [میرزا . . .] ــ
۲۵۲ .
محمدصادق [استاد . . .] ــ ۲۶۰ .
محمدعلامه تنکابنی [میرزا . . .] ــ
۴۹ ــ ۵۰ .
محمدعلی‌گزانی ــ ۴۳۸ .
محمدعلی‌میرزا پسر فتحعلی شاه (در نوا
به دنیاآمد) ــ ۴۲۷ ــ ۴۲۸ .
محمدعلی نایب [میرزا . . .] ــ ۵۱ .
محمدعلی‌یوشی [ملا . . .] ــ ۲۵۲ .
محمدقاسم‌بن شاه‌کرم‌بالو ــ ۲۴۹ .
محمدقلی‌میرزا (از خاندان سپهدار
اعظم) ــ ۲۲ .
محمدقلی‌میرزا پسر فتحعلی‌شاه (در نوا
به دنیاآمد) ــ ۴۲۷ ــ ۴۲۸ .
محمدکاظم ملقب به‌رئیس‌الذاکرین
[آقا . . .] ــ ۲۷۲ .
محمدکاظم میرزا (از خاندان سپهدار
اعظم) ــ ۲۲ .
محمدکیا دبیرصالحانی [سید . . .] =
محمدبن ابراهیم‌بن علی‌بن
عبدالرحمن ــ ۱۶۹ ــ ۱۹۹ ــ
۲۰۰ ــ ۲۰۱ ــ ۲۰۲ ــ ۲۰۳ ــ
۲۰۵ .
محمد مؤمن [حکیم میر . . .] ، (از
علمای تنکابن) ــ ۲۸ .
محمدمصطفی = محمدبن عبدالله ــ ۲۱۷ ــ
۲۲۳ ــ ۳۰۶ ــ ۳۰۷ .
محمدمعصوم شیرازی مشهوربه معصوم ــ
علیشاه ــ ۵۴ ــ ۸۳ ــ ۸۶ .
محمدالمهدی علیه‌السلام [امام . . .] ــ
۱۹۲ ــ ۱۹۴ ــ ۳۰۶ ــ ۳۰۷ ــ
۳۱۹ ــ ۳۲۴ ــ ۴۵۸ .
محمد میرزاآقا بسمل [سید...]، (مرثیه‌ــ
سرای معروف مازندران) ــ ۳۷ .

محمدمیرزای مهندس [حاجی . . .] ــ ۱۷۱ .
محمدنجار لواسانی ــ ۳۰۲ .
محمدنصیرسلطان‌بن کاکاسلطان خواجه ــ وند ــ ۱۸۱ .
محمدولد حاجی‌محمدعلی من‌طایفهٔ حیدریه ــ ۲٦٦ .
محمدولدکربلائی‌علی‌اکبرخطیب ــ ۲۵۱ .
محمدولی‌خان پسر حبیب‌الله‌خان = سپهدار اعظم ــ ۲۲ ــ ٦۰ ــ ۷۷ ــ ۱۳۱ .
محمدولی‌میرزا پسر فتحعلی‌شاه (در نوا به‌دنیاآمد) ــ ٤۲۸ .
محمود [استاد . . .] ــ ۲۹۱ .
محمودبن خشنام‌بن محمود لپاسانی ــ ۲۷۳ .
محمودبن نجیب رستمداری ــ ۱۹۳ ــ ۱۹٦ .
محمودخان کلانتر ــ ٤۹۵ .
محمودخان یاور (از پسران‌میرزا محمدخان) ــ ۸۳ .
محمود نجار [استاد . . .] ــ ٤۲٦ .
مدانلو (از قبیله‌های کرد) ــ ۱٤ .
مدرسهٔ آخوندمحلهٔ رامسر = مدرسهٔ میرزا عبدالباقی‌خان ــ ٤۱ .
مدرسهٔ‌آقاشیخ محمدتقی مجتهد کلاگر (درسیدکلا) ــ ۳۵۲ ــ ۳٦۰ .
مدرسهٔ آقاشیخ یحیی مجتهدنوری ــ ۳۳۵ .
مدرسهٔ امیراسعد (در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار) ــ ۷۳ .
مدرسهٔ سلیمانیه ــ ۵۰ .
مدرسهٔ سنائی (درخرم‌آباد تنکابن) = دبیرستان سنائی ــ ٦۰ ــ ٦۱ .
مدرسهٔ میرزا عبدالباقی‌خان = مدرسهٔ آخوندمحله ــ ۳۱ ــ ٤۲ .
مدفن ملك کیومرث‌استندار ــ ۱۸٦ .
مراتع‌لار ــ ۳۷۸ .
مرادبن خواجه‌کمال‌الدین مونی معروف به صالحانی ــ ٤۵۸ .
مرادبن علی‌مدد تیرگر ــ ۱۵۲ .
مرادخان‌سفره‌چی ولدتیمورخان ــ ۱۷٤ .
مرادکوج ــ ۲۱۷ .
مرادملاآقا [شیخ . . .] ــ ۱٤٦ .
مراصدالاطلاع ــ ۸۷ ــ ۱٦٤ .
مران (از دهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ .
مرتضی‌بن لطفعلی گرجی[کربلائی...] ــ ۳۵۱ .
مرتضی‌خان‌بن اسماعیل‌خان ــ ۲٦۳ .
مرتضی علم‌الهدی [سید . . .] ــ ۲۷۷ .
مرتع‌ارن ــ ۱٦۲ .
مرتع اژدلم ــ ٤۳ .
مرتع اسم‌چران ــ ۱۷٦ .
مرتع اناریکه (از مراتع‌تاکر) ــ ٤۹٤ .
مرتع اوجاله (درناندل) ــ ٤۷۷ .
مرتع‌ایرنجه‌بن (ازمراتع‌تاکر) ــ ٤۹٤ .
مرتع برسنگ (ازمراتع تاکر) ــ ٤۹٤ .
مرتع بزم (نزدیك‌زیار) ــ ٤۰۷ .
مرتع بستك‌لار ــ ۳۸۰ ــ ۳۸۱ .
مرتع بلیله‌کوه ــ ۱٦۱ .
مرتع پاره‌نسا (پشت‌مهمانخانهٔ رامسر) ــ ۳۵ .
مرتع پرچو (در میان‌بند سخت‌سر) ــ ٤۰ .

مرتع‌جیزو ــ ۱۱۷ .
مرتع دوله‌سرای رودبارك ــ ۳۷۵ .
مرتع ساتره ــ ۱۶۲ .
مرتع سردور ــ ٤۷۵ .
مرتع سفیدواش‌چال ــ ٤۹۳ ــ ٤۹٤ .
مرتع شاله (از مراتع‌سولده) ــ ۳۳٦ .
مرتع شوروك (ازمراتع تاکر) ــ ٤۹٤ .
مرتع فاتمه‌لا ــ ۱۸۵ .
مرتع کدو = کدو ــ ۲۳٦ .
مرتع کلب‌سرا (از مراتع‌لنگا) ــ ۸۸ .
مرتع کوتی (کنار وازرود) ــ ۳۷٤ .
مرتع گردکوهه (از مراتع دوهزار) ــ ۷٦ .
مرتع گلا ــ ۳۷٤ .
مرتع گل‌گچ ــ ۳۸۰ .
مرتع لاسین ــ ۳۱۱ .
مرتع لمند (روبروی‌دهکدهٔنچ) ــ ۳۱٤ .
مرتع لیزنك (از مراتع‌تاکر) ــ ٤۹۳ ــ ٤۹٤ .
مرتع ملوز ــ ۲۹٦ .
مرتع موزی‌سی ــ ۱۸۵ .
مرتع میان‌شل ــ ۲۳٦ .
مرتع نمدساب‌کلا (از مراتع‌تاکر) ــ ٤۹٤ .
مرتع ورگاویج ــ ۱۱۷ .
مرتع هشتابن ــ ۱۸۵ .
مرتع پلزمین (ازمراتع‌تاکر) ــ ٤۹٤ .
مرجان‌لات جنده‌رودبار ــ ۳۹ .
مرچ (از دهکده‌های یالورود) ــ ۲۸۵ .
مرزن‌آباد (مرکزبیرون‌بشم) ــ ۱۰۱ ــ ۱۱۹ ــ ۱۲٤ ــ ۱٦۰ .
مرزبان [آقای . . .] ــ ۱۱۹ .
مرس‌ده (برسرراه شاه‌عباسی) ــ ۱۰۹ ــ ۱۱۰ .
مرضیه‌خاتون بنت‌استاد مهدی‌کجوری ــ ۱۵۳ .
مرغسر (از مراتع لارقصران) ــ ۳۹۳ .
مرقد بی‌بی‌خانم (دردهکدهٔ نسل) ــ ٤۸۵ .
مرقد درویش‌حسن (در دهکدهٔ کیان دلارستاق) ــ ٤۷۸ .
مرقد درویش‌علی (در دهکدهٔ کیان دلارستاق) ــ ٤۷۸ .
مرقدمادر ثائرعلوی (در چالوس) ــ ۱۱۳ .
مرکز دیو سفید (درچلندر) ــ ٤۸۹ .
مروان ــ ٤۰۳ .
مروج‌الذهب مسعودی ــ ۱۰۵ .
مزار (از رودهای تنکابن) = مزر = مزور ــ ۲۳ .
مزارانبارسر (بالای‌دهکدهٔ سلیمان‌آباد) ــ ۵۲ .
مزار سیدخدیجه (در فیروزکلای پایین کجور) ــ ۱۸۱ .
مزار سیده‌فاطمه ــ ۹۲ .
مزر = مزار = مزور ــ ۲٦ .
مزردشت (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ۵٦ .
مزرعهٔ ایزوا ــ ۳۲۷ .
مزرعهٔپلور = پلور (دربالاریجان) ــ ۳۹۲ .
مزرعهٔ خورتاب‌رود ــ ۲۳۷ .
مزرعهٔ میرخمند ــ ۳۲۷ .
مزرك (ازدهکده‌های خرم‌آباد) ــ ۵۵ .

مزو (از خانـدانهای ساکن‌پنجـو) ـــ ۴۸۲ .
مزور = مزار (از رودهای تنکابن) ـــ ۲۳ .
مسالك‌الممالك اصطخری ـــ ۱۶۳ .
مسجد آخوندمحلهٔ رامسر = مسجدمیرزا عبدالباقی‌خان ـــ ۴۱ .
مسجدآقا سیدسعید (در دهکدهٔجوردی) ـــ ۳۳ .
مسجداَبابکرعلی ـــ ۳۰۷ .
مسجد امیراسعد (در دهکدهٔ جوراشتوچ دوهزار) ـــ ۷۲ .
مسجدبالای بلدهٔنور ـــ ۳۱۵ .
مسجدتنگه درهٔ جوردی ـــ ۴۳ .
مجسد جامع‌اسك ـــ ۴۱۲ .
مسجد جامع بلدهٔنور ـــ ۲۹۲ .
مسجدجامع چالوس ـــ ۱۱۱ ـــ ۱۱۲ ـــ ۱۱۳ .
مسجد جامع دهکدهٔ پیل‌نور ـــ ۲۵۱ .
مسجد جامع دهکدهٔ یالو ـــ ۲۸۵ .
مسجدجامع کدیر ـــ ۱۸۴ .
مسجدجامع کوهستان پادوسپان ـــ ۱۲ .
مسجدجامع ناتل (در ناتل‌رستاق نور) ـــ ۳۵۶ .
مسجد حاجی میرزا عبدالباقی (دردهکدهٔ جوردی سختسر) ـــ ۳۴ .
مسجد درویش‌حسن‌ولـی (درنیاك) ـــ ۴۲۳ .
مسجد دریاپشته (درسخت‌سر) ـــ ۴۱ .
مسجد دهکدهٔنوا ـــ ۴۲۷ .
مسجد صدراعظم (در سولده) ـــ ۳۳۵ .
مسجد علامه (دردهکدهٔ سلیمان‌آباد) ـــ ۴۹ .
مسجدعلامذنوری (دردهکدهٔسعادت‌آباد) ـــ ۳۴۸ .
مسجد قدیمی دهکدهٔ علوی‌کلا ـــ ۱۰۸ .
مسجد قدیمی کمربن ـــ ۲۴۵ .
مسجدمتصل به تکیهٔبالای بلده ـــ ۲۹۳ .
مسجد واتاشان (در جنـوب دهکـدهٔ نصرت‌آباد) ـــ ۳۵۸ .
مسجدی‌قدیمی (دردهکدهٔبلده‌خرم‌آباد) ـــ ۵۸ .
مسجدی قدیمی (در دهکدهٔ کلونگـاه نور) ـــ ۲۴۸ .
مسجدی‌قدیمی (دردهکدهٔمران سه‌هزار) ـــ ۷۸ .
مسجدی قدیمی معروف‌به‌قبر چهل‌دختر ـــ ۵۵ .
مسجدی قدیمی نزدیك مقبرهٔپلاسید ـــ ۳۶ .
مسجد میرزاعبدالباقی‌خان (در دهکـدهٔ سخت‌سر) ـــ ۳۱ ـــ ۴۲ .
مسعودی صاحب مروج‌الذهب ـــ ۱۰ ـــ ۱۰۵ .
مسیرمحله (از محلات رینه) ـــ ۴۱۷ ـــ ۴۱۸ .
مشائی (از خاندانهای ساکن نمار) ـــ ۴۸۱ .
مشرق (تخلص شاعری‌است) ـــ ۳۱۲ .
مشعشعی (از طوایف خواجه‌وند) .
مشهدی‌سره (مرقدالمؤید بالله) ـــ ۸۴ .
مصر ـــ ۴۷۸ .
مصقلةبن‌هبیرةالشیبانی ـــ ۱۷۸ .
مصلای دهکدهٔ صالحان‌کجور ـــ ۲۰۶ .

مظفر [استاد . . .] ــ ۲۹۱ .
مظفرالدین‌شاه قاجار ــ ۱۲۱ .
معاویه ــ ۱۷۸ ــ ۱۷۹ .
معتصم خلیفه ــ ۱۰۲ .
المعتضدبالله ــ ۱۰۴ .
معجم‌البلدان یاقوت ــ ۱۰۲ ــ ۱۶۳ .
معدن زغال‌گلندرود ــ ۱۷۷ ــ ۳۲۶ .
معزالدوله (برادر حسن‌بویه) ــ ۱۰۳ .
معصوم‌زادهٔ دهکدهٔهرجان ــ ۱۶۲ .
معصوم‌زادهٔ دینه‌کوه ــ ۳۳۶ .
معلم‌کوه = مالن‌کوه ــ ۷۹ .
مغول (ازخاندانهای ساکن‌رزان) ــ ۴۶۴ .
مغولان ــ ۱۵ ــ ۱۷ .
مقبرهٔآقاسید محمدکیا ــ ۴۷۷ .
مقبره‌ای در اراضی گل‌بخشان سراس ــ ۲۸۴ .
مقبره‌ای قدیمی در اراضی گل‌بخشان سراس ــ ۲۸۴ .
مقبرهٔپلاسید (در سادات‌محلهٔ سخت‌سر) ــ ۳۵ .
مقبرهٔ چهل‌شهید (درغرب قلعهٔمارکوه) ــ ۳۸ .
مقدسی ــ ۱۰۶ ــ ۱۱۱ ــ ۱۱۲ .
مکار (ازدهکده‌های کوهستان غربی) ــ ۱۰۲ .
مکنزی ــ ۲۴ ــ ۲۳۳ ــ ۲۳۴ ــ ۳۲۸ .
ملا (از خاندانهای ساکن در رینه) ــ ۴۱۷ .
ملاآقاجان نجار [استاد . . .] ــ ۴۶۷ .
ملاجعفر [حاج . . .] ــ ۲۵۲ .
ملاحسین (از عرفای تنکابن) ــ ۲۸ .
ملاحسین‌دره ــ ۱۷۵ .
ملارد (دربالالاریجان) ــ ۳۹۲ .
ملاشریف قاری‌نوری ناحیه‌ای من‌طایفهٔ حیدریه ــ ۲۶۵ .
ملاط ــ ۹ .
ملاعبدالکریم گلیجانی (ازعلمای‌تنکابن) ــ ۲۸ .
ملاعزیزبن درویش شرف‌الدین [آخوند...] ــ ۲۵۳ .
ملاعلی‌اصغر ــ ۱۵۱ .
ملاعلی خلف‌ملااسماعیل طالقانی ــ ۱۲۳ .
ملاکلا (از دهکده‌های بلدهٔ کجور) ــ ۲۳۶ ــ ۲۳۸ .
ملامحلهٔ اوز ــ ۲۵۹ .
ملامحمدزمان [آخوند . . .] ــ ۲۵۳ .
ملامشهدی جوربندی لنگا ــ ۸۸ .
ملکار (از دهکده‌های کجور) ــ ۲۳۳ .
ملک‌اردشیر ــ ۵۹ .
ملک‌اسکندر (برادرملک‌کاو) ــ ۱۷۰ ــ ۱۷۱ ــ ۲۹۶ .
ملک‌اسکندربن ملک‌بیستون ــ ۲۷۷ .
ملک اشرف ــ ۳۷۲ ــ ۳۷۳ .
ملک‌بهمن‌بن ملک‌بیستون ــ ۳۰۴ .
ملک‌بهمن‌بن ملک‌کیومرث‌بن ملک‌کاوس (از سلاطین استندار لاریجان) ــ ۴۳۵ ــ ۴۴۰ ــ ۴۴۱ ــ ۴۵۵ .
ملک‌تاج‌الدوله زیاربن کیخسرو ــ ۱۸۴ .
ملک جلال‌الدوله اسکندر ــ ۱۳۹ ــ ۱۴۰ ــ ۱۷۳ .
ملک‌جهانگیر ــ ۳۷۲ .
ملک‌جوب (در کلارستاق) ــ ۱۰۹ ــ ۱۱۰ .

ملك‌جوب (در کلاردشت) ــ ١٣٤ .
ملك‌جوب شرقی ــ ١١٠ .
ملك‌جوب غربی ــ ١١٠ .
ملك‌چشمه (سر راه شاه‌عباسی) ــ ٣٩٨ .
ملك‌چشمهٔ لار ــ ٣٧٧ .
ملك‌سلطان‌بن ملك‌ارغش ــ ٢٢٠ .
ملك سلطان‌حسین‌بن ملك کیومرث = ملك سلطان‌حسین لواسانی ــ ٤٤٠ ــ ٤٤١ ــ ٤٥٥ .
ملك‌سلطان‌خانم‌بنت‌شاهزاده‌حشمت‌الدوله ــ ١٤١ .
ملك سلطان‌محمد (از سلاطین استندار کجور) ــ ٤٤٠ .
ملك‌شاه غازی (حکمران لواسان) ــ ٣٧٢ ــ ٣٧٣ .
ملك‌شاه غازی‌بن ملك‌شاه‌رخ ــ ٣٠٨ .
ملك‌عزیز (از سلاطین استندارنور) ــ ٤٤٠ .
ملك‌قباد ــ ١٣٥ .
ملك‌قلا (بالای دهکدهٔنمار) ــ ٤٨٣.
ملك‌قلا = قلعهٔشونادشت ــ ٤٤٠ ــ ٤٤٤ .
ملك‌کاوس (برادرملك‌اسکندر) ــ ١٧٠ ــ ١٧١ ــ ٢٠٢ ــ ٢٩٦ ــ ٣٩٦ ــ ٤٠٥ .
ملك‌کاووس (از احفاد ملك‌کیومرث‌بن بیستون) ــ ٤٤٠ .
ملك‌کاووس‌بن ملك‌جهانگیربن ملك کاووس ــ ٢٠٤ .
ملك‌کیخسروبن ملك‌بهمن‌بن ملك‌کیومرث بن ملك‌کاووس ــ ٤٤١ .
ملك‌کیومرث‌بن شرف‌الدوله بیستون‌بن گستهم‌بن زیاد (سرسلسلهٔ سلاطین استندار) ــ ١٧٠ ــ ١٨٧ ــ ١٨٩ ــ ١٩١ ــ ١٩٢ ــ ١٩٣ ــ ١٩٤ ــ ١٩٥ ــ ١٩٦ ــ ٢٠٢ ــ ٢٠٣ ــ ٢٠٤ ــ ٢١٣ ــ ٢٧٧ ــ ٣٤٦ ــ ٤٤٠ ــ ٤٧٨ .
ملك‌کیومرث‌بن ملك‌کاووس (از احفاد کیومرث‌بن بیستون) ــ ٤٤٠ .
ملك کیومرث‌بن ملك بهمن (حدود ٩٦٤) ــ ٢٠٣ .
ملك گندیاب (از اراضی تاکر) ــ ٤٩٤ .
ملوك استندار ــ ٢٧٧ .
ملوك رستمدار = ملکهای رستمدار = ملکهای رویان ــ ١٣٥ ــ ٣٧٣ ــ ٣٨٤ .
ملکهای رویان = ملوك‌رستمدار ــ ٣٨٤ .
من (از خاندانهای ساکن‌پلریه) ــ ٤٨١ .
مناچیرقلعه (پیش قلعهٔ قلعهٔمور) ــ ١٨٥ .
مناچیرکلا = منوچهرکلا ــ ٢٣٨ .
مناچیرکلا قلعه = مناچیرقلعه ــ ١٨٥ .
منبرسنگی (دراراضی مصلای صالحان کجور) ــ ٢٠٦ .
منتخب سلطان ــ ٢٨٦ .
منجیر (از دهکده‌های پنجك رستاق) ــ ٢٢٦ .
منزل نادعلی ــ ١٤٦ .
منصور خلیفهٔعباسی ــ ١٧ .
منصور محله (ازمحلات رینه) ــ ٤١٧ .
منظریهٔ شمیران ــ ١٥٤ .
منوچهر ــ ١٨٥ ــ ٢٣٤ .
منوچهر (سازندهٔ صندوق شیخ‌احمد در

بلدهٔنور) ـــ ۲۹۱ .
منوچهرکلا = مناچیرکلا (از دهکده‌های علوی کلای کجور) ـــ ۲۳۸ ـــ ۴۹۰ .
منوچهر مرزبان لاریجان ـــ ۴۷۸ .
موجربن تارخ‌بن عیص ـــ ۸۶ .
مور = مانهیر ـــ ۱۸۵ .
موزن (پایتخت ونداسنجان) ـــ ۱۱ .
موزهٔ ایران‌باستان ـــ ۳۰۲ .
موزی‌بن (نزدیك امیرآباد خرم‌آباد) ـــ ۶۷ .
موسوی (از خاندانهای ساکن نسل نمارستاق) ـــ ۴۸۲ .
موسی‌آباد (برسرراه شاه‌عباسی) ـــ ۱۰۹ .
موسی‌بن محمدتقی ـــ ۴۵۰ .
موسی‌الرضا علیه‌السلام [امام . . .] ـــ ۴۵۸ .
موسی‌الکاظم علیه‌السلام [امام . . .] ـــ ۱۶۸ ـــ ۱۹۲ ـــ ۱۹۴ ـــ ۲۲۴ ـــ ۳۰۶ ـــ ۳۰۷ ـــ ۳۱۹ ـــ ۳۲۴ ـــ ۴۵۸ .
موسی کلیم‌الله ـــ ۱۸۹ .
موسی کیاسلطان (امامزاده‌ای دراوز) ـــ ۲۵۸ .
موسی گودرزی ـــ ۴۱۲ .
موشا (= مشا) ـــ ۴۱۷ .
موشامحله (از محلات رینه) ـــ ۴۱۷ .
موشائی (از خاندانهای ساکن دررینه)ـــ ۴۱۷ .
مولانا قاسمی ـــ ۴۹۱ .
مون (از دهکده‌های بالالاریجان) ـــ ۳۹۲ ـــ ۴۰۱ ـــ ۴۲۱ .
مونج (از دهکده‌های زانوس رستاق کجور) ـــ ۲۱۵ ـــ ۲۱۹ .
مهجوری [آقای . . .] ـــ ۱۶۰ .
مهدی ـــ ۴۴۷ .
مهدی‌بیگ خلعت‌بری ـــ ۲۲ .
مهدی خلیفهٔ عباسی ـــ ۱۴۳ .
مهدیقلی‌خان ولد صفرعلی خواجه‌وند ـــ ۱۴۱ .
مهدی‌کوج ـــ ۲۱۷ .
مهرداد پهلبد ـــ ۳۱۵ .
مهرداد دوم اشکانی ـــ ۱۲۸ .
مهروان = مروان = تپهٔمروانك .
مهره‌بانو بنت‌علی‌رضا ـــ ۸۸ .
مهمانخانهٔ رامسر ـــ ۳۵ .
مهمید محله (از محلات رینه) ـــ ۴۱۷ .
میار (از طوایف گیل کلاردشت) ـــ ۱۲۶ ـــ ۱۳۱ .
میان‌بشم (از نواحی رویان) ـــ ۱۶۵ .
میان‌بند سخت‌سر ـــ ۴۰ .
میان‌بندنور ـــ ۳۲۶ ـــ ۳۶۱ ـــ ۳۶۲ ـــ ۳۶۳ ـــ ۳۶۴ ـــ ۳۶۵ ـــ ۳۶۶ .
میاندورود ـــ ۱۳ ـــ ۱۶ .
میانده (از دهکده‌های تنکابن) ـــ ۴۰ .
میانده (از دهکده‌های دلارستاق) ـــ ۴۶۳ .
میانده (از دهکده‌های کلارستاق) ـــ ۱۱۵ .
میانده‌رود = سفیدتمیش ـــ ۲۴ .
میان‌ده‌نیاك ـــ ۴۲۳ .
میان‌رود (از دهکده‌های سه‌هزار) ـــ ۷۱ ـــ ۷۸ .
میان‌رود (از رودهای میان‌رودبار

پایین) ــ ۳۲۶ .
میان‌رود = میان‌رودبار (از بخشهای نور) ــ ۲۹۸ ــ ۲۹۹ ــ ۳۰۱ .
میان‌رودبار = میان‌رود (از بخشهای نور) ــ ۲٤٤ .
میان‌رودبار پایین (میان‌رود سفلی) ــ ۳۲۶ ــ ۳٤۷ ــ ۳۶۷ .
میان‌رود بالای‌نور = میان‌رودبار بالا ــ ۲۹۰ ــ ۳۰۱ ــ ۳۱۰ ــ ۳۱۱ ــ ۳۱۲ ــ ۳۱۳ ــ ۳۱٤ ــ ۳۲۶ ــ ٤۹۲ .
میان‌رود گلیجان تنکابن ــ ٤۹ .
میان‌رود لار ــ ۳۷۷ .
میان‌سرا (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ٦٤ .
میان‌شل (از نواحی کجور) ــ ۲۳۶ .
میان‌کوه (از نواحی دوهزار) ــ ۷۰ ــ ۷۷ .
میان‌لات (از نواحی دوهزار) ــ ۷۰ .
میان‌محله (از دهکده‌های تنکابن) ــ ٦٦ .
میان ناحیه (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ٦٤ .
میج (از دهکده‌های بالااشکور) ــ ۱ ــ ۷۰ .
میچکار (از دهکده‌های بیرون‌بشم) ــ ۱۰۱ .
میخساز (ازنواحی‌زانوس رستاق‌کجور) ــ ۲۱٤ ــ ۲۱۵ ــ ۲۱٦ ــ ۲۲۱ .
میدان دهکدهٔ خرم‌آباد = سبزه‌میدان ــ ٦۰ .
میدانك ــ ۱۵٤ .
میرابوطالب (از علمای تنکابن) ــ ۲۸ .
میربن چلستون مرزبان [استاد . . .] ــ ۲۲۰ .
میرجلیل قاری‌گوکه ــ ۸۵ .
میرزاآقاخان صدراعظم نوری ــ ۱۳ ــ ۳۱۵ ــ ۳۲۸ ــ ۳۳٤ ــ ٤۹۳ ــ ٤۹٤ ــ ٤۹۵ .
میرزاابوطالب (کسی که سقف بیت‌تاکر را خراب کرد) ــ ٤۹۲ .
میرزا بزرگ = میرزا عباس ــ ٤۹۲ ــ ٤۹۳ .
میرزا حسینعلی بهاءالله ــ ۳۱۰ ــ ۳۱۱ ــ ٤۹۲ ــ ٤۹۳ ــ ٤۹۵ .
میرزا داودخان (پسر میرزا آقاخان صدراعظم) ــ ۳۳٤ .
میرزاعباس = میرزا بزرگ ــ ٤۹۲ ــ ٤۹۳ .
میرزا علی‌کیا ــ ۳۷۲ ــ ۳۷۳ .
میرزافضل‌الله‌نظام‌الممالك= فضل‌الله‌خان‌بن محمدحسن‌خان=نظام‌الممالك نوری ــ ٤۹۲ ــ ٤۹۳ .
میرزاکاظم‌خان نظام‌الملك‌نوری ــ ۳۳۷ .
میرزا یحیی‌ازل ــ ٤۹۲ .
میرزین‌العابدین ولد میرعباس ــ ٤۲۳ .
میرس (از دهکده‌های کوهستان غربی) ــ ۱۰۲ .
میرشکار ــ ۲۲۱ .
میرعبدالکریم ــ ۳۷۳ .
میرعضد ــ ۳۷۳ .
میرکمال‌الدین ــ ۳۷۳ .
میرمحمدشفیع ولد میر سعید نیاکی ــ ٤۲۳ .

میله (از شهرهای قدیم طبرستان) ــ ۱۰ .
میناك (از دهکده‌های نور) ــ ۱۷۶ ــ ۲۵۱ ــ ۲۵۲ ــ ۴۹۱ .
میون‌سری (از خاندانهای ساکن میان‌ده) ــ ۴۶۴ .
میون‌کی (بـر سر راه شاه‌عباسی) ــ ۱۰۹ ــ ۱۱۰ .
میون‌ملیج (از خاندانهای ساکن دلا) ــ ۴۶۳ .
میهم (عامل سامانیان در طبرستان) ــ ۱۱۱ .

ن

ناپلارود (از رودهای میـان رودبـار پایین‌نور) ــ ۳۲۶ .
ناپیلار (= ناپلار) ، (درنائیج نور) ــ ۳۷۰ .
ناتر (از دهکده‌های کوهستان غربی) ــ ۱۰۲ .
ناتل (مرکز ناتل‌رستاق نور) ــ ۱۰۴ ــ ۱۶۳ ــ ۱۶۴ ــ ۱۷۵ ــ ۱۸۴ ــ ۳۵۳ ــ ۳۵۴ ــ ۳۵۶ ــ ۳۵۷ ــ ۳۵۹ ــ ۳۶۰ .
ناتل‌رستاق (از نواحی‌نور) ــ ۳۲۶ ــ ۳۲۷ ــ ۳۳۷ ــ ۳۳۸ ــ ۳۴۰ ــ ۳۴۲ ــ ۳۴۳ ــ ۳۴۴ ــ ۳۴۶ ــ ۳۴۸ ــ ۵۳۰ ــ ۳۵۱ ــ ۳۵۲ ــ ۳۵۳ ــ ۳۵۶ ــ ۳۵۷ ــ ۳۵۸ ــ ۳۵۹ ــ ۳۶۰ .
ناتل‌کنار (از بخشهای دشت‌نـور) ــ ۳۲۶ ــ ۳۲۷ ــ ۳۳۴ ــ ۳۳۵ ــ ۳۳۶ ــ ۳۵۴ .
ناجردشت = دشت‌ناجر ــ ۱۸۷ .
نادرشاه ــ ۱۴ ــ ۱۲۷ ــ ۱۳۱ .
نادعلی ولـد مشهـدی مرتضـی‌قلـی [کربلائی...] ــ ۲۶۰ .
نارنج‌بن (از دهکده‌های تنکابـن) ــ ۲۴ .
نارنج‌بندبن (از دهکده‌های لنگا) ــ ۹۴ ــ ۹۸ ــ ۱۰۹ .
نارنجك‌بن ــ ۱۷۵ .
نارمك (از دهکده‌های شمالی تهران) ــ ۲۱۶ .
ناسنگ (در اراضی لاشك‌کجـور) ــ ۲۰۹ ــ ۲۱۳ .
ناصربن شمس‌الدین‌بنا [استاد . . .] ــ ۲۱۷ ــ ۲۱۹ .
ناصرالحق ــ ۸۵ .
ناصرالدین‌شاه قاجار ــ ۱۲۲ ــ ۱۲۶ ــ ۱۵۶ ــ ۱۵۷ ــ ۱۶۰ ــ ۱۶۷ ــ ۱۸۷ ــ ۱۹۸ ــ ۲۰۰ ــ ۲۰۸ ــ ۲۱۳ ــ ۲۲۱ ــ ۲۷۱ ــ ۲۹۰ ــ ۲۹۴ ــ ۳۱۵ ــ ۳۳۴ ــ ۳۳۵ ــ ۳۷۹ ــ ۳۸۳ ــ ۳۹۳ ــ ۳۹۷ ــ ۳۹۸ ــ ۴۰۰ ــ ۴۰۱ ــ ۴۲۰ ــ ۴۵۱ ــ ۴۵۲ ــ ۴۸۷ .
ناصر کبیر ــ ۱۰۶ ــ ۱۱۱ ــ ۱۱۲ .
نام‌آور انگریج‌ابن محمد ــ ۲۴۸ .
نامدارخان‌بن کاکاسلطان خواجه‌بند ــ ۱۸۱ .
نانDل = نونل (بتشدید نون دوم) ، (از دهکده‌های دلارستاق) ــ ۴۶۳ ــ ۴۶۴ .
نانواکلا (از دهکده‌های‌ناتل‌رستاق‌نور) ــ ۳۵۰ .

ناهار خوران = قهوه‌خانهٔ دزبن ــ ۱۵۰ .
ناهارخوران = کلاه‌فرنگی ــ ۱۵٤ .
نای = نایه = ناحیه ــ ۲٦۲ .
نایه = نای = ناحیه (از دهکده‌های اوزرود نور) ــ ۲٦۱ ــ ۲٦٤ ــ ۲٦٦ .
نائیج (از بخشهای نور) ــ ۳۲۷ ــ ۳٦۹ ــ ۳۷۰ ــ ۳۷۱ ــ ۳۷٦ .
نبی = محمدبن عبدالله (ص) ــ ۲۱۰ .
نج (از دهکده‌های میانرود بالای‌نور) ــ ۳۱۳ ــ ۳۱٤ .
نجار (از خاندانهای ساکن سوآ در نمارستاق) ــ ٤۸۲ .
نجار کلا ــ ۱۱۰ .
نجارکلا کیله ــ ۱۱۰ .
نجف‌خرابه (نزدیك کاردگرکلا) ــ ۳٥۳ .
نجفدر (از دهکده‌های قزقان‌چای) ــ ٤۰٦ .
نجم‌الدین‌بن ابراهیم درزی ــ ۳۸۸ .
نرجس‌خانم بنت‌میرزامحمدرضاالحسینی ــ ۳۳ .
نردکه‌چال (از نواحی بلدهٔ‌کجور) ــ ۲۳۷ .
نرزن (برسرراه شاه عباسی) ــ ۳۹۷ .
نرس (از دهکده‌های دوهزار) ــ ۷۱ .
نرگس کوتی (از اراضی اسپچین) ــ ۹۱ .
نزهةالقلوب حمدالله مستوفی ــ ۱٦٥ .
نسا ــ ۱٥٤ ــ ۱٥۹ .
نسابنت نادعلی ــ ۲۸۲ .
نسل (بکسر نون و سین) ، (ازدهکده‌های نمارستاق) ــ ٤۸۲ ــ ٤۸٥ ــ ٤۸٦ .
نسن (بکسر نون و سین ــ ازدهکده‌های نور) ــ ۲۱٦ ــ ۲۲۱ ــ ۲٤۳ ــ ۲٤۸ ــ ۲٤۹ .
نسیه‌محله (از دهکده‌های تنکابن) ــ ٤٦ .
نشتا (از بخشهای تنکابن) ــ ۲۲ــ۷۹ــ ۸۰ ــ ۸۱ ــ ۸۲ .
نشتارود (از رودهای تنکابن) ــ ۲۱ ــ ۲٦ .
نصرآباد (از دهکده‌های تنکابن) ــ ٦٦ .
نصربن عمران (ازنواب خلیفه در مازندران) ــ ۱٦٤ .
نصرت‌آباد (درناتل‌رستاق نور) ــ ۳٥۸.
نصرت‌نظام = غلامحسین‌خان خلعت‌بری ــ ۷۸ .
نصیرالدوله شهریار ــ ۱٤۳ .
نصیرالدین‌بن استاد سهراب کاردگر ــ ۲٦۲ .
نصیرالدین‌بن سید کمال‌الدین‌بن میر قوام‌الدین مرعشی ــ ٤۸ .
نظام‌الملك = میرزاکاظم‌خان ــ ۳۳٥ .
نظام‌الممالك‌نوری =میرزافضل‌الله‌خان بن محمدحسن‌خان = میرزا فضل‌الله نظام‌الممالك ــ ۳۱۰ .
نظرعلی کلکوتی ــ ۲۲۰ .
نظرعلی ولدآقاجان گاوزن ــ [ملا...] ــ ٤۸٥ .
نظیرباغ (در جنوب یالو) ــ ۲۹۰ .
نعیم‌شاه ــ ۱۳۱ .
نقاره‌خانه (جائی بالای‌مارکوه) ــ ۲۷ .
نل (از دهکده‌های دلارستاق) ــ ٤٦٥ .

نمار (مرکز ناحیهٔ‌نمارستاق) ــ ۴۸۱ ــ ۴۸۳ .
نمارستاق (از نواحی‌نور) ــ ۳۹۴ ــ ۴۸۱ ــ ۴۸۳ ــ ۴۸۵ ــ ۴۸۶ ــ ۴۸۷ .
نمدجوق (نهری منشعب ازدلی‌چای) ــ ۳۸۸ ــ ۳۸۹ ــ ۳۹۰ .
نمك‌آبرود = نمك‌رود (رودی برسامان تنکابن و کلارستاق) ــ ۸ ــ ۲۱ ــ ۲۴ .
نمکاوه‌رود =نمك‌آبرود = نمك‌رود ــ ۴۵ ــ ۱۰۱ ــ ۱۰۲ ــ ۱۶۵ .
نمك‌رود = نمك‌آبرود = نمکاوه‌رود ــ ۲۶ .
نمك‌سولات (از دهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ .
نمك‌کوس (از مراتع لارقصران) ــ ۳۹۰ .
نوا (از مضافات حوران) ــ ۸۷ .
نوا (در بالالاریجان) ــ ۳۹۲ ــ ۴۰۶ ــ ۴۱۱ ــ ۴۲۵ ــ ۴۲۷ ــ ۴۲۸ .
نوائی (از خاندانهای ساکن دهکدهٔ عبدالمناف نمارستاق) ــ ۴۸۲ .
نواب خیلفه ــ ۱۰۳ ــ ۱۶۴ .
نواحی کوهستانی‌نور = کوهستان نور ــ ۲۲۷ .
نوپاشا [امیره . . .] ــ ۳۸ ــ ۳۹ .
نوجمه (از دهکده‌های نائیج‌نور) ــ ۳۶۹ ــ ۳۷۵ .
نوح‌امام (در شمال دهکدهٔ‌کمر) ــ ۲۸۱ .
نوذر ــ ۸۶ .
نور (از نواحی کوهستانی و دشتی طبرستان) ــ ۱۳ ــ ۱۶۵ ــ ۱۶۶ ــ ۱۷۰ ــ ۲۲۱ ــ ۲۲۸ ــ ۲۳۶ ــ ۲۴۳ ــ ۲۶۳ ــ ۲۹۰ ــ ۲۹۳ ــ ۳۲۷ ــ ۳۲۹ ــ ۳۳۰ ــ ۳۵۰ ــ ۳۵۱ــ۳۵۲ــ۳۵۳ــ۳۵۸ ــ ۳۶۷ ــ ۳۶۸ ــ ۳۷۱ ــ ۳۷۶ ــ ۳۷۷ .
نورآباد (ازدهکده‌های گلیجان تنکابن) ــ ۵۱ .
نورالدین [شیخ . . .] ــ ۵۱ .
نورالدین شاه‌رستم دریاباری ــ ۲۱۱ .
نورود (از رودهای دشت کلارستاق) ــ ۲۴ .
نوروزعلی‌بیگ اسکی ــ ۴۳۷ .
نوره‌سر (در دشت کلارستاق) ــ ۱۱۰ .
نوری (از خاندانهای ساکنناندل) ــ ۴۶۴ .
نوری (از خاندانهای ساکن شیخ محلهٔ نمارستاق) ــ ۴۸۲ .
نوری [آقای . . .] ــ ۳۶۵ .
نوریها ــ ۳۲۸ .
نوسر (از دهکده‌های‌بهرستاق لاریجان)ــ ۴۶۲ .
نوسررود (از رودهای تنکابن) ــ ۲۳ .
نوشا (از مواضع‌دوهزار) ــ ۷۰ ــ ۷۶ .
نوشهر (=دهنو = حبیب‌آباد) ــ ۲۲۹ .
نولدکه ــ ۶ .
نونل (بتشدید نون دوم) = ناندل .
نهراجارم ــ ۲۳۰ .
نهر اسپی‌کلا ــ ۳۳۸ .
نهر افراده ــ ۳۴۹ .
نهر ایرکا ــ ۳۴۹ .
نهر ایزده‌بالا ــ ۳۳۸ .

نهر ایزده‌پایین ــ ۳۳۸ .
نهر پولادکلا ــ ۳٤۹ .
نهر تازه‌آباد ــ ۲۳۰ .
نهر تن‌رز ــ ۳٤۹ .
نهر حاجی‌آباد ــ ۳۳۸ .
نهر خیرسر ــ ۲۳۰ .
نهر رستم‌رود ــ ۳۳۸ .
نهر دلیرکان ــ ۳٤۹ .
نهر رودبار (ازنواحی بلدهٔ کجور) ــ ۱٦٥ ــ ۱۸٥ ــ ۲۳٦ .
نهر سعادت‌آباد ــ ۳٤۹ .
نهر سنگ‌تجن ــ ۲۳۰ .
نهر سنگین‌ده ــ ۳۳۸ .
نهر سولده ــ ۳۳۸ .
نهر سیاکلا ــ ۳۳۸ .
نهر سیدکلا ــ ۳۳۸ .
نهر شکری‌کلا ــ ۲۳۰ .
نهر طالب‌آباد ــ ۳۳۸ .
نهر عبدل‌آباد ــ ۳۳۸ .
نهر عرب‌خیل ــ ۳۳۸ .
نهر فرهاد = فرهادجوی .
نهر کچل‌ده ــ ۳٤۹ .
نهر کردی‌کلا ــ ۲۳۰ .
نهر کورکوره‌سر ــ ۲۳۰ .
نهر کیوسر (= کیاسر) ــ ۳٤۹ .
نهر گرده‌کل ــ ۲۳۰ .
نهر مردو ــ ۳۳۸ .
نهر مغان‌ده ــ ۳۳۸ .
نهر موسی‌آباد ــ ۲۳۰ .
نهر نوشهر ــ ۲۳۰ .
نهر نیرنگ ــ ۲۳۰ .
نهر نصرت‌آباد ــ ۲۳۸ .
نهرهای قدیمی برسمت‌راست رودخانهٔ چالوس ــ ۱۱٤ .
نهرهای کلارستاق ــ ۱۱٥ .
نهر هسه‌با (همصفا) ــ ۳٤۹ .
نیاسته (موضعی در تنکابن) ــ ٤۲ .
نیاك (از دهکده‌های بالالاریجان) ــ ۳۹۲ ــ ٤۰۱ ــ ٤۲۱ ــ ٤۲۲ .
نیاکیان ــ ٤۰۸ .
نیتل (سرراه کجور به بلدهٔ نور) ــ ۱۷٦ ــ ۲۰۹ .
نیچکوه (از دهکده‌های میخساز کجور) ــ ۲۱٦ .
نیرنگ (برسرراه شاه‌عباسی) ــ ۱۰۹ ــ ۲۲۹ ــ ۲۳۰ .
نیشابور ــ ۱۰٥ .
نیشکر ــ ۳۲۹ .

و

واتاشان (دهکده‌ای قدیمی که خراب شده است) ــ ۳٥۸ ــ ۳۷۳ .
واجارگا ــ ۲ .
واچك گرجیان ــ ٤۸ .
واچه‌کیله (نهری که از رودخانهٔ مزر جدا می‌شود) ــ ٤۷ .
وارکوه ــ ۷۳ .
وارنگه‌رو (از دهکده‌های لورا) ــ ۲۱٦ ــ ۲٥٥ .
واز (از دهکده‌های نائیج کوهستانی) ــ ۳۲۷ .
وازتنگه (ازدهکده‌های نائیج کوهستانی) ــ ۳٦۹ .
وازرود ــ ۳٦۹ ــ ۳۷٤ ــ ۳۷٥ .

وازك (ازدهکده‌های میان‌بندنـور) ــ ۳۶۲ ــ ۳۶۳ ــ ۳۶۶ .
وازك‌رود = رودخانهٔ‌وازك ــ ۳۶۳ .
واسمر ــ ۱۲ .
والت (موضعی در کلاردشت) ــ ۱۰۹ ــ ۱۳۶ .
وانه (از دهکده‌های امیری‌لاریجان) ــ ۴۰۱ ــ ۴۴۶ .
ورازان (از دهکده‌های کجور) ــ ۱۷۶ .
ورازده (از دهکده‌های ناتل‌رستاق‌نور) ــ ۳۴۰ ــ ۳۶۷ .
ورامین ــ ٦ ــ ۳۸۳ .
ورداسف‌سراج ــ ۲۹۱ .
وردان‌امیر (رئیس جماعت امیری) ــ ۴۴۰ .
ورزن (از دهکده‌های یالورودنور) ــ ۲۸۸ .
ورس‌دارقدیـم (سرراه شاه‌عبـاسی) ــ ۳۹۸ .
ورگه‌دره (موضعی برسرراه زوات بـه کلاردشت) ــ ۱۰۸ .
ورنه (بفتح‌واو و کسر راء و فتح‌نون) ــ ٦ .
وزنا (از دهکده‌های قزقـان‌چای) ــ ۴۰٦ .
وشتان (از دهکدهای قزقان‌چای) ــ ۴۰٦ .
وکیل‌الملك نوری = محمداسماعیل‌خان ــ ۲٦۲ .
ولاشجرد ــ ۱٦۴ .
ولاشد (از دهکده‌های میانرودنور) ــ ۳۰۱ .
ولایات ثلاث (= تنکابن و کلارستاق و کجور) ــ ۱۲۲ .
ولایت‌ناتل = ناتل‌رستاق ــ ۳۵۸ .
ولم‌رود ــ ٦۴ ــ ٦۸ ــ ۷۰ .
وله‌دره (درکلاردشت) ــ ۱۳۷ .
ولی‌آباد (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ٦۷ .
ولی‌آباد (= انند) (ازدهکده‌های کوهستان شرقی) ــ ۱۰۱ ــ ۱۵۹ ــ ۱٦۲ .
ولی‌خان سرتیپ میرپنجهٔ تنکابن ــ ۱۹۸ .
ولی‌خان پسرهادی‌خان پسرمهدی‌بیـگ خلعت‌بری ــ ۲۲ .
ولی‌الدین ــ ۲۱۱ .
ولیری دره (نزدیك الیت) ــ ۱۴۸ .
ولیسده (درناتل‌رستاق) ــ ۳٦۰ .
ون (از اراضی دهکـدهٔ زانـوس) ــ ۲۲۲ .
ونداد هرمز ــ ۱۴۳ .
ونداسنجان‌بن الندابن قارن ــ ۱۱ .
ونداهرمز قارنوند ــ ۱۰ ــ ۱۱ .
وندیداد ــ ٦ .
ونوش‌ده = ونوشده = ونوش ــ ۱۷۵ ــ ۱۸۵ ــ ۲۳۴ ــ ۴۹۰ .
ونوشه (دهکده‌ای در حومهٔ‌آمـل) ــ ۳۱۲ .
وهمن‌آباد (خرابه‌های‌دهکده‌ای قدیمی) ــ ۴۳۴ .
وهرگانه = گرگان ــ ۵ .

ه

هادی‌خان پسر مهدی بیگ خلعت‌بری ــ ۲۲ .

هادی سیدی ــ ٦٧ .
هادی کیا [سید . . .] (برادر سیدعلی کیا وحاکم تنکابن) ــ ۳۸ ــ ٤٥ ــ ٥٩ .
هادی کیاالحقینی ــ ۱۳۹ ــ ۱٤۰ .
هادی‌نژاد ــ ٤۳۹ .
هادی ولد کربلائی لطفعلی ــ ۲٥۰ .
هارون‌بن حسین ــ ۷۳ .
هارون‌بن محمدبن قاسم ــ ۷۳ ــ ۸٤ .
هارون پسرحسین پسرمحمد ــ ۸٤ ــ ۸٥ .
هاشم‌اوزج ــ ۱٥۱ .
هاشم‌رود ــ ۳۲۹ ــ ۳۳۰ .
هتر (از دهکده‌های یالورود نور) ــ ۲۸۸ .
هچه‌رود کیله ــ ۱۰۹ .
هدایت‌الله خان‌رشتی ــ ۲۲ .
هرات ــ ۲۲ ــ ۲۳ .
هرات‌بر (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ۳ ــ ٦٧ .
هراز = آب‌هراز = رودهراز = رودخانهٔ هراز ــ ۹ ــ ٤۰٤ ــ ٤٧٨ .
هرته‌کلا (از دهکده‌های‌دشت کلارستاق) ــ ۱۰۹ .
هرجان (از دهکده‌های کوهستان شرقی کلارستاق) ــ ۱۰۱ ــ ۱٦۲ .
هرجان‌دره ــ ۲٤۳ .
هزارجریب ــ ۱۱ ــ ۱۲ ــ ۱٦ ــ ۳۷۳ .
هزارچال سخت‌سر ــ ٤۲ .
هزارچم ــ ۱٥٥ .
هزارخال (از دهکده‌های حومهٔ شهر کجور) ــ ۱۸٦ ــ ۱۸۷ ــ ۲۰۰ ــ ۲۰۳ .
هزار درهٔ جاجیرود ــ ۱٦۰ .
هسل‌او (به تشدید سین ، درنایهٔ‌نور) ــ ۲٦۷ .
هشتپر تنکابن ــ ۹۹ .
هفتادتن (گورستانی قدیمی در دهکدهٔ وازك) ــ ۳٦٦ .
هفت‌بند محتشم ــ ۳٦٥ .
هفت‌تنان (از دهکـده‌هـای بهـرستاق لاریجان) ــ ٤٥٥ .
هفت‌چشمه (چشمه‌ای پای قلعهٔمارپیچ) ــ ۸۲ .
هلوبن (از دهکده‌های خرم‌آباد) ــ ٦٤ .
هلوپشته (از نواحی کوهستانی‌کجور) ــ ۳۲۷ ــ ۳٦۹ .
هلوکه (از مواضع دوهزار) ــ ۷۱ .
هلیستان (دردشت کجور) ــ ۱۱٦ .
همش‌پور = حبشه‌بر .
همندبلی ــ ۳۷٤ .
هندوستان ــ ٤۷۸ .
هندومرز (از دهکده‌های کجـور) ــ ۲۲۸ .
هنگو (از دهکده‌های نشتا) ــ ۷۹ ــ ۸۰ .
هوسم (نام قدیم رودسر) ــ ۹ .

ی

یاسل (از دهکده‌های‌اوزرودنـور) ــ ۲۷۲ .
یاغی‌لوکا (چاهی در کـوه ایل‌ملی در رامسر) ــ ۲۹ .

یاقوت ــ ۷ ــ ۱۲ ــ ۱۶۳ .
یاقوت‌بنت کیاجهانبخش‌آرویج ــ ۲۱۷ .
یال‌بکت (سرراه جوردی به قزوین) ــ ۴۰ .
یال‌بندان (از دهکده‌های لنگا) ــ ۹۷ ــ ۱۰۹ .
یالو (از دهکده‌های یالورودنــور) ــ ۲۳۶ ــ ۲۸۵ ــ ۲۸۷ ــ ۲۹۰ .
یالورودنور ــ ۲۸۵ ــ ۲۸۶ ــ ۲۸۷ ــ ۲۸۸ ــ ۲۹۰ .
یالی = یالو ــ ۲۸۵ .
یان‌دشت (ازدهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ .
یحیی (از ائمهٔزیدیه) ــ ۸۵ .
یحیی (از حکام مازندران) ــ ۱۸ .
یحیی‌بن عمربن یحیی‌بن حسین ــ ۱۳ .
یحیی‌بن ملاامین [مشهدی . . .] ــ ۳۶۲ .
یحیی‌خان نوری [حاجی‌میرزا . . .] ، (برادر میرزا آقاخان صدراعظم) ــ ۱۶۰ ــ ۲۹۳ .
یحیی سلطان‌احمدی [استاد . . .] ــ ۲۹۲ .
یزدانی (از طوایف خواجه‌وند) ــ ۱۲۷ .
یزیدی = گورمصقلةبن هبیرةالشیبانی ــ ۱۷۹ .
یسعةبنت‌هادی‌بن موسی‌الکاظم ــ ۴۵۶ .
یعقوب‌بن لیث ــ ۱۰۳ .
یعقوب‌کم ــ ۲۵۸ .
یعقوبی ــ ۱۰ .
یوج (از دهکده‌های سه‌هزار) ــ ۷۱ .
یورباغ (باغی دربلدهٔنور) ــ ۳۱۵ .
یورت‌خان‌احمد (از مراتع‌لار) ــ ۳۷۸ .
یورت‌خانلرخان (از مراتع لار) ــ ۳۷۸ .
یورشون‌دشت (از اراضی شونادشت) ــ ۴۳۹ ــ ۴۴۱ .
یوسف‌بن ابراهیم عربیشاه ــ ۲۱۹ .
یوسف‌بن عبدالرحمن ــ ۱۶۴ .
یوسف‌بن نجار فیروزی ــ ۱۸۹ .
یوسف‌نافلا ــ ۳۲۴ .
یوش (از دهکــده‌های اوزرودنور) ــ ۲۷۰ .
یونجه‌باغ تویر ــ ۱۵۰ .
ییلاق گلیجان ــ ۵۲ .
ییلاق‌لار = لارقصران = لاررستمدار ــ ۳۹۳ .

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱ـ	فهرست مختصری از آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲ـ	آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰۴
۳ـ	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴ـ	کشف دولوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد ــ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفندماه ۱۳۰۵
۵ـ	سه خطابه در بارهٔ آثار ملی و تاریخی ایران (از محمدعلی فروغی و هرتسفلد و هانی‌بال)	مهرماه ۱۳۰۶
۶ـ	کشف الواح تاریخی تخت‌جمشید (نوشتهٔ پروفسور هرتسفلد)	اسفندماه ۱۳۱۲
۷ـ	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع بفردوسی	بهمن‌ماه ۱۳۱۳
۸ـ	تحقیق مختصر دراحوال وزندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹ـ	تجلیل ابوعلی‌سینا در پنجمین دورهٔ اجلاسیه یونسکو درفلورانس	اسفندماه ۱۳۲۹
۱۰ـ	رسالهٔ جودیهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترمحمود نجم‌آبادی)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۱ـ	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (بتصحیح آقای سیدمحمد مشکوة استاد دانشگاه)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۲ـ	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳ـ	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة)	۱۳۳۱
۱۴ـ	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵ـ	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترمحمد معین)	۱۳۳۱
۱۶ـ	رسالهٔ نفس ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترموسی عمیداستاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷ـ	رساله‌ای درحقیقت وکیفیت سلسلهٔ موجودات (به‌تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸ـ	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن‌سینا (ازآقای دکتر غلامحسین صدیقی)	ـــ
۱۹ـ	معراج‌نامهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	ـــ
۲۰ـ	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترغلامحسین صدیقی)	ـــ
۲۱ـ	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب بابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـــ

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۲ــ	ظفرنامه منسوب به‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای دکترغلامحسین‌صدیقی)	۱۳٤۸
۲۳ــ	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای جلال‌الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴ــ	رسالهٔ معیارالعقول ــ جرثقیل‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵ــ	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا با ترجمه و شرح فارسی‌آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (به‌تصحیح‌آقای هانری‌کربن)	۱۳۳۱
۲۶ــ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا (مجلد اول ــ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف‌آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷ــ	ترجمهٔ مجلد اول جشن‌نامه بفرانسه (بوسیلهٔ‌آقای سعیدنفیسی)	۱۳۳۱
۲۸ــ	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (بتصحیح‌آقای دکتراحسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹ــ	پنج رسالهٔ فارسی و عربی‌از ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای دکتراحسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰ــ	آثار تاریخی‌کلات و سرخس (تألیف‌آقای مهدی بامداد)	بهمن‌ماه ۱۳۳۳
۳۱ــ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای‌کنگرهٔ ابن‌سینا)	۱۳۳٤
۳۲ــ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب‌المهرجان لابن‌سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای‌کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳ــ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای‌کنگرهٔ ابن‌سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳٤
۳۴ــ	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکرغلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵ــ	جبر ومقابلهٔ خیام (به‌تصحیح وتحشیهٔ‌آقای دکترجلال‌مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶ــ	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (بتصحیح و تحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷ــ	اشترنامهٔ شیخ‌فریدالدین‌عطار (بتصحیح وتحشیهٔ‌آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸ــ	حکیم‌عمرخیام‌بعنوان‌عالم جبرتألیف‌آقای دکترغلامحسین‌مصاحب	۱۳۳۹
۳۹ــ	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰ــ	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی‌خان (با تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳٤۰
۴۱ــ	شرح احوال ونقدو تحلیل‌آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف‌آقای	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲ــ	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به‌تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳ــ	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی‌اصغر حریری (باهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴ــ	دیوان غزلیات و قصائد عطار (باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی	۱۳۴۱
۴۵ــ	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی (باتصحیح و تعلیقهٔ آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶ــ	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ آقــای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷ــ	نادرهٔ ایام، حکیم عمرخیام ورباعیات او بقلم آقای اسمعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸ــ	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیهٔ تاریخی فارس) تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹ــ	سفارش‌نامهٔ انجمن آثار ملی	اردیبهشت ۱۳۴۴
۵۰ــ	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱ــ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی، تــألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری (بهاهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمدحسین اعتمادی ــ دکتر محمد شهراد ــ دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵ شهریور ۱۳۴۴
۵۲ــ	دیوان صائب، با حواشی و تصحیح بخط خوداستاد ــ مقدمه و شرح حال بخط و خامهٔ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳ــ	عرائس‌الجواهر و نفایس‌الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی بسال ۷۰۰ هجری به‌کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴ــ	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهری به‌عهدآبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵ــ	خیامی‌نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال‌الدین‌همائی	آبان ۱۳۴۶
۵۶ــ	فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ۱۳۴۶
۵۷ــ	خردنامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسف‌بن‌علی مستوفی بکوشش	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار	
	آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین	۱۳۴۷
۵۸ـ	فرهنگ واژه‌های‌فارسی در زبان عربی تألیف‌آقای سید محمدعلی امـام شوشتری	تیرماه	۱۳۴۷
۵۹ـ	کتابشناسی فردوسی . فهرست آثار وتحقیقات دربارهٔ فردوسی و شاهنامه ، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد	۱۳۴۷
۶۰ـ	روزبهان‌نامه بکوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند	۱۳۴۷
۶۱ـ	کشف‌الابیات فردوسی (جلداول) بکوشش دکترمحمد دبیرسیاقی	اردیبهشت	۱۳۴۸
۶۲ـ	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	خرداد	۱۳۴۸
۶۳ـ	آثار باستانی‌کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر	۱۳۴۸
۶۴ـ	بزرگان شیراز تألیف‌آقای رحمت‌الله مهراز	آبان	۱۳۴۸
۶۵ـ	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج‌فارس ودریای عمان تألیف‌آقای احمد اقتداری	آذر	۱۳۴۸
۶۶ـ	تاریخ بناکتی بکوشش دکتر جعفرشعار	دی	۱۳۴۸
۶۷ـ	عهد اردشیر برگرداننده‌بفارسی سید محمد علی امام شوشتری	دی	۱۳۴۸
۶۸ـ	یادگارهای یزد (جلداول) تألیف‌آقای ایرج‌افشار	بهمن	۱۳۴۸
۶۹ـ	ری‌باستان (مجلد دوم) تألیف‌آقای دکترحسین کریمان	خرداد	۱۳۴۹
۷۰ـ	ازآستارا تا استاراباد (جلد اول بخش‌اول) آثار و بناهای‌تاریخی گیلان بیه‌پس ، تألیف دکتر منوچهر ستوده	مرداد	۱۳۴۹
۷۱ـ	یادنامهٔ فردوسی،حاوی‌مقالات وچکامه‌ها به‌مناسبت‌تجدیدآرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان	۱۳۴۹
۷۲ـ	فردوسی و شاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر	۱۳۴۹
۷۳ـ	فیلسوف‌ری ـ محمدبن‌زکریای رازی‌تألیف‌آقای دکترمهدی‌محقق	آذر	۱۳۴۹
۷۴ـ	سرزمین قزوین تألیف‌آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر	۱۳۴۹
۷۵ـ	یادنامهٔ شادروان سید حسن تقی‌زاده به‌اهتمام حبیب یغمائی	بهمن	۱۳۴۹
۷۶ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم‌اسمعیل‌جرجانی، سنهٔ ۵۰۴هجری به‌اهتمام وتفسیر وتصحیح دکترجلال مصطفوی ـ (کتاب دوم)	بهمن	۱۳۴۹
۷۷ـ	نظری اجمالی به‌تاریخ‌آذربایجان وآثار باستانی وجمعیت‌شناسی آن تألیف‌آقای دکتر محمد جواد مشکور	بهمن	۱۳۴۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار	
۷۸ـ	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران وراهنمای کاخ گلستان نوشتهٔ آقای یحیی ذکاء	فروردین	۱۳۵۰
۷۹ـ	کشف‌الابیات شاهنامهٔ فردوسی جلد دوم ــ بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی	خرداد	۱۳۵۰
۸۰ـ	آثار باستانی و تاریخی لرستان ــ جلد نخست ــ تـألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر	۱۳۵۰
۸۱ـ	در دربار شاهنشاه ایران ــ تألیف ا . کمپفر آلمانی ــ ترجمهٔ آقای کیکاووس جهـانداری	مرداد	۱۳۵۰
۸۲ـ	نگاهی به شاهنامه ، تألیف آقای پروفسور فضل‌الله رضا	شهریور	۱۳۵۰
۸۳ـ	مونس‌الاحرار فی‌دقایق‌الاشعار (جلد۲) تألیف محمدبن‌بدرجاجرمی بسال۷٤۱هجری با تحشیه وتفسیر آقای میرصالح طبیبی	شهریور	۱۳۵۰
۸۴ـ	مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکترجهانگیر قائم مقامی	شهریور	۱۳۵۰
۸۵ـ	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازاده شفق	مهر	۱۳۵۰
۸۶ـ	دانش و خرد فردوسی فراهم‌آوردهٔ دکترمحمود شفیعی	مهر	۱۳۵۰
۸۷ـ	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ‌عکسی) از روی‌نسخهٔ مورخ به‌سال۷۰۹ قمری زیرنظرآقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند	۱۳۵۰
۸۸ـ	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی‌تألیف‌حافظ ابرو مورخ دوران‌تیموری با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند	۱۳۵۰
۸۹ـ	از آستارا تا استارباد (مجلد دوم) آثار وبناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد	۱۳۵۱
۹۰ـ	نصیحة‌الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه وتصحیح وتحشیهٔ استاد جلال‌الدین همایی	آذرماه	۱۳۵۱
۹۱ـ	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول آثار تاریخی شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنگ	آذرماه	۱۳۵۱
۹۲ـ	مجموعه انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه	۱۳۵۱
۹۳ـ	مجموعهٔ مقالات فروغی دربارهٔ شاهنامه و فردوسی به‌اهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن‌ماه	۱۳۵۱
۹۴ـ	داستان داستانها (داستان رستم و اسفندیار) تنظیم متن وشرح و توضیح به‌کوشش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه	۱۳۵۱

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۹۵ـ	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملك حسینی شوشتری (قرن ۱۱هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق‌آقای جلال محدث	خرداد ۱۳۵۲
۹۶ـ	تاریخ تبریز تاپایان‌قرن‌نهم هجری‌تألیف دکتر محمد جواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین‌ابوابراهیم اسماعیل جرجانی سنهٔ ۵۰٤هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی (جلد سوم)	شهریور ۱۳۵۲
۹۸ـ	ترجمهٔ یك فصل‌ازآثارالباقیهٔ ابوریحان‌بیرونی‌بخامهٔعلیقلی‌میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت با مقدمه والحاقاتی از ایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹ـ	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰ـ	سیر فرهنگ‌ایران دربریتانیا یا تاریخ‌دویست‌سالهٔ مطالعات‌ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱ـ	آثار ملی اصفهان تألیف‌آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲ـ	سیراف (بندر طاهری) تألیف آقـای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳ـ	فرهنگ فارسی به پهلوی تـألیف آقـای دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴ـ	کتابشناسی کتابهای‌خطی تألیف شادروان دکترمهدی بیانی استاد دانشگاه به‌کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵ـ	تاریخ بافت قدیمی شیراز ، تألیف‌آقای کرامت‌الله افسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶ـ	فرار از مدرسه ، در بارهٔ زندگی و انـدیشهٔ ابوحامد غزالی ، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۷ـ	بیرونی‌نامه ، پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	مهر ۱۳۵۳
۱۰۸ـ	جامع جعفری ، تاریخ یزد در دوران‌نادری وزندیه وعصرسلطنت فتحعلی‌شاه ، تألیف محمد جعفربن محمدحسین نائینی متخلص به «طرب» ، به‌کوشش‌آقای ایرج افشار	آبان ۱۳۵۳
۱۰۹ـ	کتاب‌التفهیم لاوائل صناعةالتنجیم ، تألیف ابوریحـان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی ، با تجدیدنظر و مقدمهٔ تازه به‌خـامهٔ استاد جلال‌الدین همائی	دی‌ماه ۱۳۵۳
۱۱۰ـ	«دیار شهریاران» آثار و بناهای تاریخی خوزستان ، جلدنخستین،	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	بخش اول ، تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵٤
۱۱۱ـ	«دیار شهریاران» آثار و بناهای تاریخی خوزستان ، جلدنخستین، بخش دوم ، تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵٤
۱۱۲ـ	احوال واقوال شیخ‌ابوالحسن خرقانی به‌ضمیمهٔ«منتخب‌نورالعلوم» تألیف آن عارف بزرگوار ، به‌اهتمام استاد مجتبی مینوی	خرداد ماه ۱۳۵٤
۱۱۳ـ	شرح احوال و آثار و دوبیتی‌های باباطاهر عریان به‌انضمام شرح و ترجمهٔ کلمات قصار وی منسوب به‌عین‌القضاة همدانی (؟!) با اصل وترجمهٔ کتاب«الفتوحات‌الربانیة فی‌مزج‌الاشارات‌الهمدانیه» به‌شرح وتفسیر محمدبن ابراهیم مشهور به‌خطیب وزیری‌به‌کوشش دکتر جواد مقصود	تیرماه ۱۳۵٤
۱۱۴ـ	کتاب «الغارات» تألیف ابواسحق ابراهیم‌بن محمدبن سعید ثقفی کوفی‌اصفهانی‌باهتمام استاد میرجلال‌الدین محدث (بخش نخست)	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۵ـ	کتاب «الغارات» به‌شرح مذکور در شمارهٔ ۱۱٤ (بخش دوم)	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۶ـ	یادگارهای‌یزد (جلددوم‌باضمیمه‌ـ‌شهریزد) تألیف‌آقای‌ایرج افشار	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۷ـ	تاریخ روابط بـازرگانی و سیـاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروائی مغولان تا پایان عهد قارجاریه تألیف و تدوین‌آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	مهرماه ۱۳۵٤
۱۱۸ـ	از آستارا تا استارباد (مجلد ششم) شامل اسنـاد تاریخی گرگان به‌کوشش‌آقایان مسیح ذبیحی ودکترمنوچهرستوده (بخش‌نخست)	مهرماه ۱۳۵٤
۱۱۹ـ	ازآستارا تا استارباد مجلد هفتم بشرح مذکور در شمـاره ۱۱۸ (بخش دوم)	آذرماه ۱۳۵٤
۱۲۰	سفرنامهٔ حکیم‌ناصرخسرو به‌کوشش وتصحیح دکترمحمد دبیرسیاقی	بهمن‌ماه ۱۳۵٤
۱۲۱ـ	آثار باستانی خراسان جلد اول شامل آثار وابنیه تاریخی جام و نیشابور و سبزوار ــ اثر آقای عبدالحمید مولوی	اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۲ـ	تاریخ باستانی ایران بر پایهٔ باستان‌شناسی‌تألیف پرفسور هرتسفلد ترجمهٔ آقای علی‌اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه تهران	اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۲۳ـ	آثار باستانی و تاریخی لرستان (جلد دوم) تألیف آقای حمید ایزدپناه	خرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲٤ـ	تحریر کتاب استخراج‌الاوتار تألیف استاد ابوریحان بیرونی پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	تیر ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۵ـ	تاریخ نیشابور ـ تألیف آقای سید علی مؤید ثابتی	تیر ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۶ـ	وادی هفت‌واد ـ بحثی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان (جلد اول) تألیف آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی استاد دانشگاه تهران	بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۷ـ	مجموعهٔ آثار قلمی ثقةالاسلام شهید تبریزی ـ به‌کوشش آقای نصرت‌الله فتحی	بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۸ـ	«المختارات من‌الرسائل» مجموعهٔ اسناد و وثایق تاریخی از روی نسخهٔ خطی کتابخانهٔ وزیری یزد با مقدمه و زیر نظر آقای ایرج افشار	بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۹ـ	آثارباستانی‌آذربایجان (جلد دوم ـ آثار وابنیهٔ‌تاریخی‌شهرستانهای اردبیل ـ ارسباران ـ خلخال ـ سراب ـ مشکین‌شهر ـ مغان) تألیف آقای سید جمال ترابی طباطبائی	اسفند ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)

از آستارا تا استارباد

جلد سوم

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

سلسله انتشارات انجمن آثار ملی

۱۳۰